

## کاربست الگوی مدیریت گرا (سیپ CIPP) در ارزشیابی نظام آموزشی شهرسازی ایران

**علی یالپانیان** - دانشجوی دکتری رشته شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
**زهرا سادات سعیده زربادی\*** - دکتری شهرسازی، دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
**مصطفی بهزادفر** - دکتری شهرسازی، استاد، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

### چکیده

امروزه تحصیلات دانشگاهی در تمامی رشته‌ها از ملزومات اجتناب‌ناپذیر به منظور توسعه کشورها محسوب و پیدایش و توسعه هر رشته‌ای در ارتباط تنگاتنگ با آموزش و تعلیم افرادی است که بتوان آنها را پرورش داد. ماهیت میان رشته‌ای شهرسازی، آموزش در آن با چالش‌های اساسی مواجه است، بطوریکه محتوای آموزشی آن می‌بایست متناسب با زمان و مکان تفاوت پیدا کند. با توجه به نوپایی این رشته و اهمیت نظام آموزشی در آن به ویژه در کشورمان، ارزشیابی نظام آموزشی شهرسازی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بوده و بر همین مبنا الگوهای ارزشیابی متعددی ایجاد شده که با توجه به اهداف و ویژگی‌های پژوهش، الگوی مدیریت گرا (سیپ) به عنوان الگوی اصلی پژوهش انتخاب شده است. تاکید اصلی این الگو بر اثر بخشی سیستم آموزشی و تعیین میزان اثر هر یک از شاخص‌ها بوده و بر پایه دیدگاه سیستمی قرار دارد و شامل ارزیابی زمینه، ارزیابی درون‌داد، ارزیابی فرآیند و ارزیابی برونداد می‌باشد. این ارزیابی می‌تواند بر تمامی اجزا صورت گیرد تا شناخت بهتری از محتوای آموزشی صورت گیرد. بر همین اساس لازم است شاخص‌های نظام آموزشی شهرسازی در قالب الگوی ارزشیابی مدیریت گرا (سیپ) استخراج و در نمونه آماری سنجیده شود. بر مبنای این رویکرد، نوع پژوهش، کاربرد - توسعه‌ای و از نظر ماهیت، توصیفی و تحلیلی می‌باشد و در گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای، مصاحبه و پرسشنامه استفاده و روش تحلیل داده‌ها با کمک تحلیل محتوا، وزن‌دهی نوسانی و تصمیم‌گیری چندشاخصه در برنامه‌ی SPSS نهایی گردید. به منظور تعیین روایی نیز از قضاوت اساتید و نخبگان استفاده و میزان پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ سنجیده شد. نتایج و یافته‌های پژوهش نشان داد که نظام آموزشی شهرسازی ایران در جایگاهی پایین‌تر از سطح متوسط قرار داشته و این امر ضرورت انجام تغییرات در نظام آموزشی شهرسازی را نمایان می‌سازد.

واژگان کلیدی: آموزش شهرسازی، ارزشیابی آموزشی، الگوهای ارزشیابی.

### Applying the Management Model (CIPP) to Assess the Iranian Urban Education System Abstract

Today collegiate education in all majors is considered as inevitable necessities for countries development. Establishing and developing of each major has a tight relation with educating persons who can be trained. Interdisciplinary nature of urbanism has made it face serious challenges so that educational content of urbanism should differ according to time and place. Considering the fact that urbanism is a novel major and educational system plays an effective role in this major especially in our country, evaluating urbanism educational system is an inevitable necessity. Accordingly, it is necessary to extract urbanism educational system indicators in the form of evaluation model and assess this model in sample. On the basis of this approach, the research type is developmental- practical and from content point of view is descriptive- analytical. For compiling data, desk study, interview and questionnaire were applied. Analyzing the compiled data was done by content analysis, swinging weighting and Multi Criteria Decision Making in SPSS software. In order to determine research validity, professors and elites judgments were used and questionnaire reliability was assessed through Cronbach's alpha. Iran is in a lower level than average and this shows the necessity of big changes in urbanism educational system.

**Keywords:** Evaluation; Education; Urbanism education; Urbanism

## مقدمه

و آگاهی افراد منجر می‌شود؛ در حقیقت هدف از آموزش همانا تسهیل یادگیری دانشجویان است (شعبانی‌ورکی، ۱۳۸۵، ص ۳). امروزه، سیر شتابنده تغییر و تحولات بشری، ما را بیش از پیش نیازمند آموزش ساخته و در صورت عدم توجه به این امر بسیار مهم، فرجامی جز جمود و سکون نخواهیم داشت (محمدزاده نصرآبادی، پزشکی‌راد و چیدری، ۱۳۸۵، ص ۸۱). نیاز به آموزش به‌ویژه آموزش عالی روز به روز در سطح جهانی رو به فزون است و بر همین اساس، پاسخگویی به نیاز متقاضیان ورود به آموزش عالی، منشأ بسیاری از تحولات اساسی در دهه‌ی گذشته بوده است (آلتباخ، ۱۳۹۳، ص ۱۱). این در حالی است که امروزه بالا رفتن تقاضا برای آموزش عالی، اثر فوق‌العاده‌ای بر دانشگاه‌ها داشته است و این اثر در آینده نیز ادامه خواهد داشت (همان، ص ۲۰۶).

## آموزش شهرسازی

گسترش و تحولات پر شتاب شهرها و دگرگونی ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و فضاهای شهری، لزوم غنای هرچه بیشتر بنیادهای آموزشی، پایش و اصلاح به هنگام نظام آموزش شهرسازی در مقیاس جهانی و کشور را ضروری می‌سازد (بهزادفر، ۱۳۹۴). این امر نیاز شهرسازان به آموزش گسترده و مستمر به دلیل گستردگی موضوعات را بیش از پیش نمایان ساخته (بایر، فرانک و مالریوس، ۱۳۹۳، ص ۳۵) و تأکید بر تداوم آموزش و بازآموزی در حین کار را ضروری می‌سازد (بحرینی، ۱۳۹۴). در ارتباط با آموزش شهرسازی و به منظور سنجش داوطلبان ورودی به رشته شهرسازی، رایج چارچوبی جهت شناسایی توانایی‌ها و مهارت‌های آنها، الزامی به نظر می‌رسد. توانایی و قابلیت‌های گوناگون شهرسازان را می‌توان بر اساس مولفه‌های متفاوتی اعتبارگذاری نمود که اصلی‌ترین آنها عبارت است از:

الف- دانش: موارد سه گانه ذیل دربرگیرنده‌ی مولفه دانش خواهد بود: ۱. تسلط بر یک دانش، شامل فهمیدن عناصر وسیع مفهومی و نظری در رشته‌های اصلی تحصیلی؛ ۲. فهمیدن و درک مسایل و بحث‌های جاری در رشته‌های اصلی دانش

کیفیت آموزشی و پژوهشی همواره از دغدغه‌های اصلی نظام‌های آموزشی در اغلب کشورهای جهان بوده و از همین روی در سالهای اخیر مورد توجه بسیاری از صاحب نظران قرار گرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، علی‌رغم نقشی که دانشگاه‌ها در توسعه منابع انسانی داشته و دارند، دچار کمبودها و نارسایی‌های فراوان بوده و این در حالی است که اگر نظام آموزش عالی نتواند پاسخگوی تحولات اجتماعی باشد، لطمه‌ای جبران ناپذیر به آن وارد خواهد شد. از دیگر سوی پیدایش و توسعه هر رشته‌ای در ارتباط تنگاتنگ با آموزش و تعلیم افرادی است که بتوان آنها را به منظور این امر خطیر پرورش داد. رشته شهرسازی نیز از این مقوله مستثنی نبوده و دلیل این امر، ماهیت چند بعدی و میان رشته‌ای آن است که آموزش این رشته را با چالش جدی مواجه کرده است. بنابر آنچه گفته شد و با افزایش تعداد دانشجویان دانشگاه‌ها منجمله در رشته شهرسازی در سال‌های اخیر، نیاز به چارچوبی که بتوان از ورای آن، نظام آموزشی شهرسازی را ارزشیابی و رصد نمود، بیش از پیش احساس می‌شود تا بتوان ضعف‌ها و تهدیدهای احتمالی را شناسایی و نهایتاً مرتفع نمود. در راستای اهداف ذکر شده، پرسش‌های ذیل به عنوان مبنای این پژوهش مطرح شده است: ۱. کدام الگوی ارزشیابی، قابلیت ارزشیابی نظام آموزشی شهرسازی ایران را دارد؟؛ ۲. چگونه می‌توان از الگوی سیپ (CIPP 1) در ارزشیابی نظام آموزشی شهرسازی در ایران بهره برد؟؛ ۳. وضعیت آموزشی دانشجویان شهرسازی در ایران بر اساس الگوی ارزشیابانه سیپ چیست؟

## مبانی نظری

### آموزش

آموزش دارای مفهوم و کاربردی گسترده و پیچیده و در نتیجه مبهم است و تاکنون تعریف واحد یا جامع و مانعی از آموزش بدست نیامده است، اما در مجموع می‌توان گفت: آموزش فرایندی دایمی، پویا و مستمر است که به افزایش دانش

برونداد product, فرآیند process, درونداد input, محتوا Context 1.

مورد مطالعه؛ ۳. فهمیدن و درک پایه‌های فلسفی، روش‌شناسیها و خصوصیات دانش‌پژوهی، کار خلاقانه و پژوهشی (Edwards & Bates, 2011).

**ب- مهارت:** این مولفه که شاید مهم‌ترین مولفه تاثیر گذار بر آموزش رشته‌ی شهرسازی باشد، اولویت‌هایی هم‌چون موارد ذیل را شامل می‌شود: ۱. کار تیمی؛ ۲. مهارت نوشتن؛ ۳. مهارت‌های ارایه؛ ۴. مهارت‌های تکنیکی (GIS و CAD و...)؛ ۵. مهارت‌های مدیریتی و ... (Ozawa & seltez 1999) / (Guzzetta & Bollens, 2003) / (Innes, 2001) / (Seltzer & Ozawa, 2002) / (Dalton, 2001).

**پ- بینش:** شامل: ۱. احترام به موضوعاتی همچون برابری، عدالت اجتماعی، نقش دولت، مشارکت شهروندی؛ ۲. احترام به تنوع عقاید و دیدگاه‌ها؛ ۳. حفاظت از منابع طبیعی؛ ۴. حفاظت از میراث تاریخی و فرهنگی؛ ۵. احترام به اخلاق حرفه‌ای (بایر، ۱۳۹۳، صص ۸۵ - ۸۶).

### ارزشیابی نظام آموزشی

از نظر «تویگ»<sup>۲</sup> کیفیت آموزشی و پژوهشی همواره از دغدغه‌های اصلی نظام‌های آموزشی در اغلب کشورهای جهان است؛ به طوریکه در سالهای اخیر مورد توجه بسیاری از صاحب نظران قرار گرفته است

(Turner, 2000, Lachiver & Tardiff, 2002, Moya & Malley, 1994). در عین حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد علی‌رغم نقشی که دانشگاه‌ها در توسعه منابع انسانی داشته و دارند و همواره کوشش بر این بوده که دانش آموختگانی را تربیت کنند که بتوانند مشکلات جامعه را حل کنند، اما دچار کمبودها و نارسایی‌های فراوان بوده‌اند. از دیدگاه نیوبای (Newby) اگر نظام آموزش عالی نتواند پاسخگوی تحولات اجتماعی باشد، لطمه‌ای جبران ناپذیر به آن وارد خواهد شد (امینی، ۱۳۹۱، ص ۶۳).

مهمترین رسالت نظام آموزش در هر کشوری، تربیت نیروی انسانی کارآمد، خلاق و کارآفرین است. در این خصوص، دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی به عنوان واحدهای مجری نظام آموزش عالی در زمینه کارآفرینی و تربیت

نیروی متخصص و ماهر مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه سهم بسزایی دارند (Nourooz- zade, 2006:62)؛ در واقع، می‌توان گفت رسالت اصلی دانشگاه‌ها، پرورش نیروی انسانی، اشاعه علم، ایجاد خلاقیت، ابتکار و نوآوری است. هر چه جامعه کمتر پیشرفته باشد، انتظارات مردم از دانشگاه‌ها بیشتر است، زیرا در چنین کشورهایی، مؤسسه‌ها و سازمانهای دیگری وجود ندارد که بتوانند وظایف و مسئولیت‌های دانشگاه را بر عهده بگیرند. شاید دلیل اساسی ضعف دانشگاه‌ها در کشورهای جهان سوم این است که بیشتر دانشگاه‌ها از نظر ساختار و عملکرد، دانشگاه‌های قدیمی جوامع صنعتی را الگو قرار داده‌اند و بسیاری از برنامه‌های ملی توسعه در دانشگاه‌ها، تقلیدی از دانشگاه‌های کشورهای توسعه یافته است (Mansori, 2001:16-18). بر همین اساس و به منظور اصلاح نظام ناکارآمد حاکم، ارزیابی عملکرد مؤسسات آموزشی در دوران حاضر اهمیت بسیاری دارد و از طریق، مدیران و اعضای گروه‌های آموزشی به نقاط قوت و ضعف خود پی می‌برند (عزتی، ۱۳۹۱). بنابراین ارزشیابی نظام آموزشی در کشورهای در حال توسعه همچون ایران در مقیاس کلان و خرد و به‌ویژه با توجه به تفاوت رشته‌ها با لحاظ نیازها و دغدغه‌های ویژه آنها از یک سو و استفاده از الگوهای رایج و انطباق آن با ویژگی‌های هر رشته و در نتیجه تولید الگوی ارزشیابی اختصاصی رشته‌های گوناگون با لحاظ شرایط بومی و مقتضیات آن رشته از اهمیت بسزایی برخوردار است.

### معرفی انواع الگوهای ارزشیابی

دسته‌بندی‌های متفاوتی در ارتباط با الگوهای ارزشیابی وجود دارد که عبارتند از الگوهای ارزشیابی تحقق اهداف، مدیریت گرا (سیپ Cipp)، هدف آزاد، مبتنی بر نظر خبرگان، اعتبار سنجی، طبیعت گرایانه، مشارکتی و غیره (بازرگان، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵).

• **الگوهای ارزشیابی بر خاسته از رویکرد مبتنی بر تحقق هدف:** در رویکرد ارزشیابی مبتنی بر هدف ابتدا مقاصد یک فعالیت آموزشی تعیین می‌گردند و سپس در این

نوع ارزشیابی، کوشش به عمل می‌آید تا میزان دستیابی به مقاصد سنجیده شود (سیف، ۱۳۸۴، ص ۷۳).

## • الگوهای ارزشیابی برخاسته از رویکرد مبتنی بر مدیریت: اصول آن دسته از

الگوهای ارزشیابی که از رویکرد مبتنی بر مدیریت برخاسته‌اند به قصد کمک به مدیران و تصمیم‌گیرندگان به وجود آمده‌اند و پدیدآورندگان این الگوهای ارزشیابی آموزشی بر یک رویکرد سیستمی (نظامدار) تأکید دارد که در آن درباره دروندادها، فرآیندها و بروندادها تصمیم‌گیری می‌شود. مخاطب الگوهای ارزشیابی حاصل از رویکرد مبتنی بر مدیریت همواره تصمیم‌گیرندگان آموزش و پرورش هستند و جهت فعالیت ارزشیابی را خواسته‌های تصمیم‌گیرندگان، نیازهای اطلاعاتی، و ملاکهای اثربخشی تعیین می‌کنند. الگوهایی که در این دسته جای می‌گیرند عبارتند از: الگوی ارزشیابی سیپ که همان الگوی مورد نظر ما در این پژوهش می‌باشد، الگوی ارزشیابی یوسی ال ای<sup>۳</sup> و الگوی تفاوت یا اختلاف که توسط پروفیسور پروس<sup>۴</sup> ارائه گردیده است (بازرگان، ۱۳۹۱، ص ۳۶).

## • الگوهای ارزشیابی برخاسته از رویکرد مبتنی بر هدف آزاد: الگوی ارزشیابی هدف

آزاد در مقابل ارزشیابی هدف مدار است. در ارزشیابی مبتنی بر هدف، متخصصان ارزشیابی هم مترصد کیفیت هدف‌های برنامه آموزشی و هم علاقه مند به این هستند که بدانند تا چه میزانی آن هدفها تحقق یافته‌اند، ولی در ارزشیابی هدف - آزاد، علاوه بر اینها بر بازده پیش بینی نشده برنامه آموزشی نیز تأکید می‌شود. ارزشیابی هدف - آزاد به عنوان جانشین ارزشیابی مبتنی بر هدف ارائه نگردیده، بلکه مکملی بر ارزشیابی مبتنی بر هدف است. نکته حائز اهمیت آن است که این ارزشیابی با اثرات واقعی و نه اثرات مورد انتظار یک برنامه سروکار دارد (همان).

## • الگوهای ارزشیابی برخاسته از رویکرد

**مبتنی بر نظر خبرگان و متخصصان:** در الگوهای ارزشیابی برخاسته از رویکرد مبتنی بر نظر متخصصان آموزشی، به این سوال ارزشیابی پاسخ داده می‌شود که «آیا منتقد متخصص، برنامه را تأیید می‌کند؟» در حقیقت روش ارزشیابی در این الگو شامل تحلیل انتقادی متخصصان است (بازرگان، ۱۳۸۳، ص ۹۷).

## • الگوهای ارزشیابی برخاسته از رویکرد مبتنی بر اعتبارسنجی: از طریق این الگو

برنامه‌ها، سازمانها و موسسه‌های ارزشیابی شده رتبه بندی می‌شوند تا به عضویت انجمن‌های ناحیه ای یا انجمن‌های تخصصی در آیند و سپس سازمان ارزشیابی شده باید در رعایت استانداردهای کیفیت به منظور حفظ عضویت خود بکوشد؛ به عبارت دیگر اعتبار سنجی فرایندی است که طی آن برنامه مورد نظر ابتدا از طریق ارزیابی درونی درباره وضعیت موجود خود در مقایسه با هدف‌های بیان شده، قضاوت شده و این قضاوت بوسیله اعضای برنامه به عمل می‌آید (بازرگان، ۱۳۸۳).

## • الگوهای ارزشیابی برخاسته از رویکرد طبیعت گرایانه و مبتنی بر مشارکت

**کنندگان:** تحقیق یا ارزشیابی مشارکتی صرفاً یک تلاش علمی متخصصان به حساب نمی‌آید، بلکه بررسی زیستی عمیق یک تجربه‌ی اشتراکی تلقی می‌شود که به اتفاق همه طرف‌های ذینفع انجام می‌گیرد. در این مدل ارزشیابی، یادگیرنده به صورت ارزشیاب و ارزشیاب به صورت یادگیرنده در می‌آید و تصمیمات درباره اهداف، مقاصد، استانداردها و ابزار ارزشیابی به شیوه مشارکتی اتخاذ می‌شوند. اطلاعات شخصی بین آنها مبادله می‌شود، داده‌ها به صورت جمعی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند و قضاوت نیز به شیوه گروهی صورت می‌گیرد (بولا، ۱۳۷۵، ص ۵۵).

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان ویژگی‌های اصلی الگوهای ارزشیابی مطروحه را در قالب جدول ذیل خلاصه نمود:

3. UCLE  
4. Prous



جدول ۱. الگوهای ارزشیابی آموزشی؛ بازرگان، ۱۳۹۲، ص ۹۶.

الگوها	مفروضات	روش های ارزیابی	پیامدهای مورد نظر	نوع پرسش های ارزیابی
هدف گرا	هدف های مشخص؛ متغیرهای کمی برون داد	هدف های عملکردی، آزمون پیشرفت تحصیلی	بهره وری؛ پاسخگویی	آیا یادگیرندگان به هدف های آموزشی دست یافته اند؟ آیا معلمان به تحقق هدف ها کمک می کنند؟
مدیریت گرا (سیپ)	هدف های کلی و ملاک ها	پرسشنامه؛ مصاحبه	اثربخشی؛ کنترل کیفیت	آیا برنامه اثربخشی دارد؟ چه بخشی از برنامه اثربخشی دارد؟
هدف آزاد	عواقب؛ ملاکها	کنترل نااریبی؛ تحلیل منطقی؛ طریقه عمل	انتخاب مصرف کننده؛ عام المنفعه	- تمام اثرهای برنامه چیست؟
خبرگان	نقد تخصصی؛ استانداردها	بازنگری انتقادی	بهبود معیارها	آیا منقد متخصص، برنامه را تأیید میکند؟
اعتبار سنجی	ملاک ها؛ هیأت همگنان؛ رویه ها	بازدید بوسیله هیأت همگنان؛ ارزشیابی درونی	صلاحیت تخصصی؛ ارتقای کیفیت	از نظر متخصصان، برنامه مورد ارزیابی چه رتبه ای را حائز است؟
طبیعت گرایانه	مشارکت افراد ذینفع و ذیربط	طبیعت گرایانه؛ مردم شناختی؛ کل گرا؛	درک و آگاهی افراد؛ آثار	از دیدگاه افراد ذینفع و ذیربط هدف های برنامه چیست؟

با توجه به عنوان و اهداف پژوهش (اثربخشی و ارتقای کیفیت نظام آموزش شهرسازی) از الگوی ارزیابی سیپ و مبتنی بر نظر سنجی خبرگان استفاده شده است؛ تاکید اصلی این الگوها به ترتیب بر اثربخشی سیستم آموزشی و تعیین میزان اثر هر یک از شاخص‌ها می‌باشد. الگوی سیپ بر پایه‌ی دیدگاه سیستمی قرار دارد و شامل ارزیابی زمینه، ارزیابی درونداد، ارزیابی فرآیند و ارزیابی برونداد می‌باشد. این ارزیابی می‌تواند بر تمامی اجزا صورت گیرد تا شناخت بهتری از محتوای آموزشی صورت گیرد. در مجموع و به عنوان نتیجه‌گیری می‌توان بنا به دلایل ذیل، الگوی سیپ را بهترین الگو جهت ارزشیابی نظام آموزش شهرسازی در کشور عنوان نمود:

۱. نگرش سیستمی و چرخه‌ای در این الگو بجای خطی و یک طرفه؛

۲. تاکید الگوی سیپ بر ارزیابی اثر بخشی و کنترل کیفیت که به هدف مورد نظر ما بسیار نزدیک است؛

۳. توجه این الگو به ارزشیابی پیامد که با توجه به دغدغه اصلی این پژوهش که همان پیامدهای نظام آموزش شهرسازی و برونداد آن است، به نوعی می‌تواند مساله اساسی آموزش شهرسازی کشور را پوشش دهد؛

۴. مزیت آخر این الگو پوشش کامل کل فرآیند آموزش یعنی، درونداد، فرآیند، برونداد و محصول است که در نظام آموزش شهرسازی کشور نیز معضلات در همه‌ی این مراحل و فرآیند دیده می‌شود و به تبع نمی‌توان از الگوهایی که صرفاً به قسمتی از فرآیند نگاه می‌کنند استفاده کرد.

همانطور که گفته شد، الگوی سیپ بر پایه‌ی دیدگاه سیستمی قرار داشته و بجای تفکر خطی بر سیستم چرخه‌ای تاکید دارد و کل فرآیند آموزش از ورود تا پیامد را پوشش می‌دهد، فرآیندی که شامل ارزیابی زمینه، ارزیابی درونداد، ارزیابی فرآیند و ارزیابی برونداد می‌باشد. این ارزیابی می‌تواند بر روی تمامی اجزا صورت گیرد تا شناخت بهتری از محتوای آموزشی بدست آید. در ادامه بصورت تفصیلی، سه عامل فوق‌الذکر، واریسی و معیارها و شاخصهای مربوط به هر یک بیان می‌شود:

### ۱. ارزیابی عوامل درونداد

#### عوامل درونداد عبارتند از:

**الف: ویژگیهای مدرس:** آخرین مدرک تحصیلی، میزان آموزش ضمن خدمت، سن و تجربه‌ی تدریس، علت ترک خدمت (استعفا یا بازنشستگی)، رشته تحصیلی، توانایی تخصصی، توانایی کلامی، نگرش و در دسترس بودن. همچنین در مورد وظایف آموزشی مدرسان باید ارزیابیهای ذیل صورت پذیرد: ۱. وظایف مدیریتی: مدیریت کلاس، ثبت حضور و غیاب و برقراری نظم؛ ۲. وظایف مربوط به تدریس: آماده شدن برای تدریس، دریافت بازخورد از دانشجویان و بازنگری؛ ۳. وظایف نظارت و ارزیابی: تعیین پیشرفت تحصیلی و در نتیجه بازنگری مطالب ارائه شده و تدریس جبرانی.

در این راستا، جهت ارزیابی مدرس، روشهای زیر وجود دارد: مصاحبه‌ها، آزمودن دانش، نگرش و مهارتها، نظر همکاران، مشاهده کلاس درس و نظرسنجی از دانشجویان

**ب: ویژگی تجهیزات آموزشی:** وسعت فضای کالبدی، وضعیت آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها، تعداد دانشجو بر اساس دانشگاه، کلاس و مترمربعهای آموزشی، وضعیت دستگاههای دیداری و شنیداری، میزان استفاده از کتب آموزشی و درسی و کیفیت کتب درسی استفاده شده.

#### پ: ویژگی‌های تشکیلاتی و ظرفیت اداری:

۱. سطح تحصیلات مدیران و دست‌اندرکاران اداری؛  
۲. میزان تجربه مدیران و دست‌اندرکاران اداری

**ت: برنامه‌ی درسی:** در ارزیابی برنامه‌های درسی باید به سوالات زیر پاسخ داده شود: الف. هدفهای برنامه درسی تا چه اندازه‌ای نیازهای یادگیرنده را برآورده می‌سازد؟ ب. محتوای برنامه درسی تا چه اندازه‌ای به تحقق اهداف آموزشی کمک نموده است؟

در این راستا و در ارزیابی کتابهای درسی باید به مواردی توجه نمود: میزان کمک کتاب به مدرس و یادگیرنده در راستای اهداف آموزشی، میزان به روز بودن، میزان پوشش مطالب، میزان روشنی و دقت مطالب، میزان جذابیت و میزات سهولت مطالعه.

ارزیابی یادگیرنده علاوه بر آزمون ورودی باید در

### ۳. ارزیابی بروندها و پیامدها:

در این ارزیابی، علاوه بر ارزیابی یادگیرنده به ارزیابی دانش تولید شده، آثار علمی و خدمات تخصصی دانشگاه‌ها نیز پرداخته می‌شود. در ارزیابی پیامدها، مطلوبیت اشتغال دانش‌آموختگان سنجش شده و درآمد، موقعیت اجتماعی و میزان تاثیرگذاری بر جامعه مورد قضاوت قرار می‌گیرد (بازرگان، ۱۳۹۲، ص ۷۰).

بدین ترتیب و با استفاده از ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های نظام آموزشی شهرسازی مبتنی بر جمع بندی الگو و شاخص‌های فوق‌الذکر و لحاظ ویژگی‌های بومی و رشته از دیگر سوی می‌توان جدول ذیل را ارائه نمود:

حین تحصیل نیز باشد تا ضرورت آموزش جبرانی و یادگیری پیش‌نیازهای آموزشی مشخص گردد. همچنین علاوه بر این موارد، در ارزیابی درون‌داد، توجه به فضای آموزشی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (بازرگان، ۱۳۹۲، ص ۶۴-۷۹).

### ۲. ارزیابی فرآیند:

این ارزیابی شامل سه فرایند زیر است: ۱. فرایند ساختی- سازمانی: توجه به سازماندهی نظام آموزشی و چگونگی بکارگیری منابع جهت استقرار نظام؛ ۲. فرایند یاددهی- یادگیری: قضاوت درباره‌ی مطلوبیت راهبردهای یاددهی- یادگیری؛ ۳. فرایند پشتیبانی- برقراری امور (بازرگان، ۱۳۹۲، ص ۶۹).

جدول ۲. معرفی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های نظام آموزشی شهرسازی

ابعاد	مولفه	شاخص
آزمون ورودی	دانشجو	دانشگاه محل تحصیل در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری
		معدل دیپلم، کارشناسی و کارشناسی ارشد
		رتبه‌ی پذیرش دانشجو
کیفیت آزمون ورودی	کیفیت سؤالات	کیفیت سؤالات
		کیفیت مصاحبه
		میزان تحلیلی بودن سؤالات
		پایایی آزمون
		پرهیز از سؤالات جزئی
		میزان سنجش دانش‌های مورد نیاز شهرسازان
		میزان سنجش مهارت‌های مورد نیاز شهرسازان
		میزان سنجش احترام و ارزش‌های مورد نیاز شهرسازان

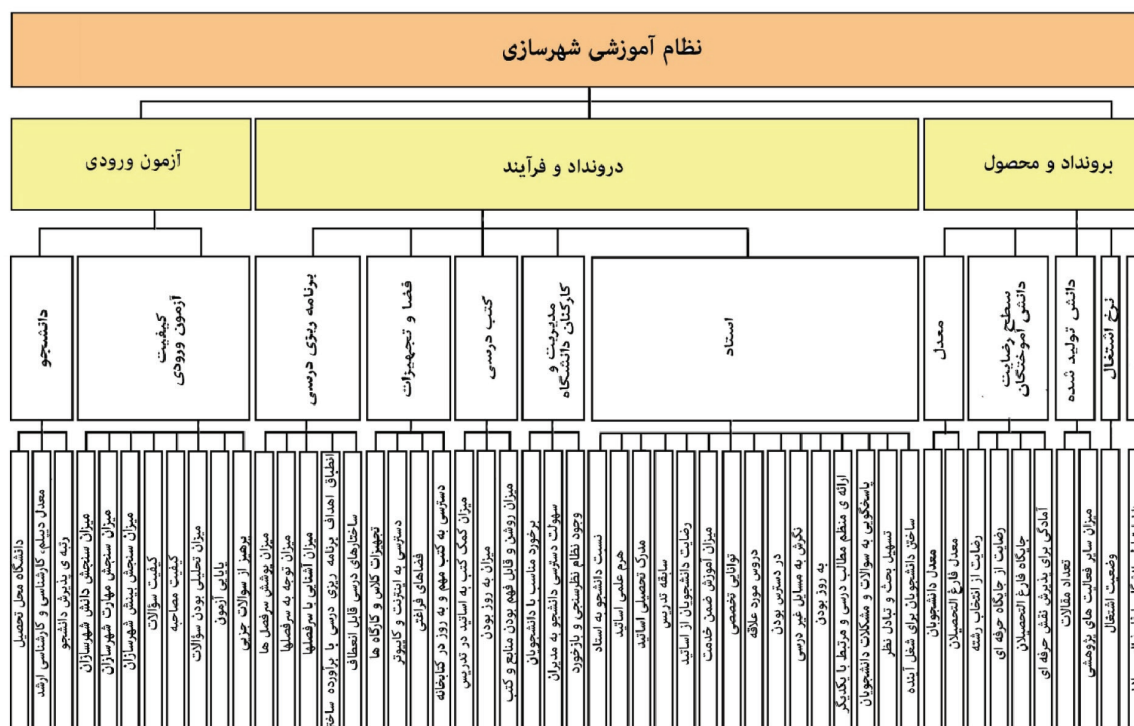
جدول ۲. معرفی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های نظام آموزشی شهرسازی

ابعاد	مولفه	شاخص
	برنامه‌ریزی درسی	میزان پوشش سرفصل‌ها
		میزان توجه به سرفصل‌ها
		میزان آشنایی با سرفصل‌ها
		انطباق اهداف برنامه‌ریزی درسی با برآورده ساختن نیازهای دانشجویان
فضا و تجهیزات	تجهیزات کلاس و کارگاه‌ها (وایت برد، صندلی، نور، سرمایش و گرمایش، سمعی بصری)	دسترسی به اینترنت و کامپیوتر
		فضاهای فراغتی
		دسترسی به کتب مهم و به روز در کتابخانه
		میزان کمک کتب به اساتید در تدریس
کتب درسی	میزان به روز بودن کتب درسی	میزان روشن و قابل فهم بودن منابع و کتب
		برخورد مناسب با دانشجویان
		سهولت دسترسی دانشجو به مدیران
مدیریت و کارکنان دانشگاه	وجود نظام نظرسنجی و بازخورد	نسبت دانشجو به استاد
		هرم علمی اساتید
استاد	مدرک تحصیلی اساتید	سابقه تدریس
		رضایت دانشجویان از اساتید
		میزان آموزش ضمن خدمت
		توانایی تخصصی
		دروس مورد علاقه
		در دسترس بودن اساتید
		نگرش به مسایل غیر درسی
		به روز بودن دانش اساتید
		ارایه‌ی منظم مطالب درسی و مرتبط با یکدیگر
		پاسخگویی به سوالات و مشکلات دانشجویان
		تسهیل بحث و تبادل نظر
		آماده ساختن دانشجویان برای شغل آینده

جدول ۲. معرفی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های نظام آموزشی شهرسازی

ابعاد	مولفه	شاخص
برونداد و پیامد	معدل	معدل دانشجویان
		معدل فارغ‌التحصیلان
	سطح رضایت دانش‌آموختگان	رضایت از انتخاب رشته
		رضایت از جایگاه حرفه‌ای
		جایگاه فارغ‌التحصیلان
	دانش تولید شده	آمادگی برای پذیرش نقش حرفه‌ای
تعداد مقالات		
سایر شاخص‌ها	میزان سایر فعالیت‌های پژوهشی	
	میزان ارتباط دانشگاه با فارغ‌التحصیلان	

بنابراین چارچوب مفهومی نظام آموزشی شهرسازی ایران در قالب الگوی سیپ را می‌توان به صورت زیر تدوین نمود تا از این طریق بتوان وضعیت نظام آموزشی شهرسازی ایران را در قالب ابعاد آزمون ورودی، درونداد و فرآیند و برونداد و محصول ارزیابی نمود:



نمودار ۱. معرفی چارچوب ارزشیابی مفهومی نظام آموزشی شهرسازی



## روش پژوهش

نوع پژوهش در این مقاله کاربردی - توسعه‌ای و از نظر ماهیت، توصیفی و تحلیلی می‌باشد. راهبردهای جمع‌آوری داده‌ها، بسته به نوع طرح پژوهشی به سه دسته تقسیم می‌شوند: پژوهش‌های کیفی کمی و ترکیبی. هر مطالعه را می‌توان در مقایسه با کمی بیشتر کیفی و یا برعکس در مقایسه با کیفی بیشتر کمی در نظر گرفت که روش‌های پژوهشی ترکیبی در میانه این طیف (از کمی تا کیفی) قرار دارد، زیرا عناصری از رویکردهای کیفی و کمی را در خود دارند (کرس ول، ۱۳۹۲، صص ۳۴-۳۶). بنابر این به دلیل قرارگیری این پژوهش در دسته‌ی پژوهش‌های ترکیبی، از هر دو نوع راهبرد جمع‌آوری داده‌های کمی و کیفی استفاده شده است.

### ۱- روش گردآوری داده‌ها

#### ۱-۱- پرسشنامه

پرسش‌نامه یکی از ابزارهای رایج تحقیق و روشی مستقیم برای کسب داده‌ها به ویژه در زمانی است که قرار است نمونه‌ی آماری وسیعی مورد سنجش قرار گیرد. پرسش‌نامه‌ها ساختارهای گوناگونی دارند، اما آنچه در تمامی آنها مشترک است، دو جزء تشکیل دهنده‌ی آن است که عبارتند از: پرسش‌ها و پاسخ‌ها. پرسش‌نامه‌ها بسته به ماهیت پاسخی که فرد به سوالات می‌دهد به دو گروه پرسش‌نامه‌ی باز و پرسش‌نامه‌ی بسته تقسیم می‌شود. چنانچه فرد پاسخ سوالات را از درون گزینه‌ها انتخاب نماید، پرسش‌نامه بسته بوده و چنانچه پاسخ سوالات بصورت باز و خارج از گزینه مطرح شود، پرسش‌نامه بسته نام‌گذاری می‌شود (Frechtling, 2002:49).

پرسشنامه‌ی مورد استفاده در این پژوهش، شامل پرسشنامه‌های مربوط به اساتید، فارغ‌التحصیلان و دانشجویان می‌باشد و همچنین از آمار و اطلاعات بدست آمده از پژوهشگاه ارزیابی آموزش عالی استفاده شده است. البته پرسشنامه علاوه بر سوالات بسته، سوالات باز را نیز شامل می‌شود و بنابراین نتایج صرفاً حاوی اطلاعات کمی نیست. در ادامه روش نمونه‌گیری و تعیین حجم نمونه

جهت اعتبار سنجی پرسشنامه به تفصیل ذیل بیان می‌شود:

### الف: روش نمونه‌گیری

در تحقیق حاضر ارزشیابی مقاطع کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکتری گروه شهرسازی انجام شده و مقیاس انجام این مطالعه در سطح ملی است. روش نمونه‌گیری مورد استفاده، خوشه‌ای است که در واقع نوعی روش نمونه‌گیری ساده است اما در جامعه‌ای نامحدود. در راستای انجام این تحلیل، پرسشنامه‌ای در راستای تعیین وضعیت هر یک از شاخص‌های نظام آموزشی شهرسازی در نمونه‌های آماری توزیع شد و از آنان خواسته شد وضعیت خود را در هریک از شاخص‌های نظام آموزشی شهرسازی بر اساس طیف لیکرتی پنجگانه از ۱ تا ۵ (از خیلی کم تا خیلی زیاد) توصیف کنند. در راستای تکمیل پرسشنامه‌ها لازم است تعداد حجم نمونه هر گروه مشخص و لذا حجم نمونه هر یک از گروه‌ها به شرح زیر تعیین شد.

### ب: تعیین حجم نمونه

محاسبه‌ی تعداد نمونه برای پرسشنامه‌ی اساتید، فارغ‌التحصیلان و دانشجویان با توجه به مشخص بودن تعداد جامعه‌ی آماری بر اساس فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

در فرمول فوق فرضیات به شرح زیر است:

$$\text{سطح خطا } (d) = 0.1$$

$$\text{سطح اطمینان } z = 1.64 \leftarrow 90\%$$

$$p=q=0.5$$

$$N = \text{تعداد کل جامعه‌ی مورد نظر}$$

بنا بر آنچه گفته شد تعداد پرسشنامه‌ی اساتید رشته شهرسازی با جامعه‌ی آماری ۳۲۵ نفر و استفاده از فرمول فوق، ۷۴ نمونه می‌باشد. تعداد پرسشنامه‌ی فارغ‌التحصیلان رشته شهرسازی با جامعه‌ی آماری ۳۴۰۶ نفر و استفاده از فرمول فوق، ۹۳ نمونه و تعداد پرسشنامه‌ی دانشجویان

رشته شهرسازی با جامعه‌ی آماری ۲۷۶۷۴ نفر و استفاده از فرمول فوق، ۹۶ نمونه می‌باشد. بنابراین مجموع نمونه‌های آماری این پژوهش، ۲۶۳ نفر می‌باشد.

### ج: قابلیت اعتماد (پایایی)<sup>۶</sup> و اعتبار (روایی)<sup>۷</sup> پرسشنامه

در راستای پایایی پرسشنامه‌ها از روش اتکا سنجی ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. از آنجا که بر اساس محاسبات، ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه بیشتر از ۰/۷ می‌باشد، می‌توان گفت پرسشنامه از پایایی یا اعتبار لازم برخوردار است. بنا بر آنچه گفته شد آلفای کرونباخ هر یک از ابعاد به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۳. آلفای کرونباخ ابعاد پژوهش

ابعاد	Cronbach's Alpha	N of Items
آزمون ورودی	۷۱.	۱۱
درونداد و فرآیند	۸۰۲.	۳۰
برونداد و محصول	۷۲۷.	۹

### ۱-۲- مصاحبه<sup>۸</sup>

مصاحبه عبارت است از پرسش شفاهی از پاسخ‌دهندگان، به صورت فردی و یا گروهی (Chaleunvong, 2009:7). مصاحبه از نظر میزان سازمان‌یافتگی به سه دسته‌ی عمده‌ی مصاحبه‌ی ساختار یافته، نیمه ساختار یافته و باز یا بدون ساختار تقسیم می‌شود. مصاحبه‌ی ساختار یافته شامل یک مجموعه پرسش‌ها و پاسخ‌های طبقه‌بندی شده است و برای همه‌ی پاسخ‌دهندگان، سؤالات یکسان بوده و مصاحبه‌شونده تنها یکی از گزینه‌های ارائه شده را انتخاب می‌کند. در مصاحبه‌ی باز یا بدون ساختار، مصاحبه‌گر باید درباره‌ی تعدادی از موضوعات از پیش تعیین شده، ذهن پاسخ‌دهنده را به‌طور عمیق کاوش کند. در این مصاحبه، مصاحبه‌گر جنبه‌های متعددی از نظرات مصاحبه‌شوندگان را آن‌گونه که در گفت و گو پیش می‌آید، بررسی می‌کند

6. Reliability  
7. Validity  
8. Interview

و به ایجاد فرضیه‌های جدید و آزمودن آن طی مصاحبه می‌پردازد. مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته، مصاحبه‌ای است که در آن، سؤالات از قبل مشخص شده و از تمام پاسخ‌دهندگان، پرسش‌های مشابهی پرسیده می‌شود؛ اما آنها آزادند که به هر طریقی که می‌خواهند پاسخ دهند؛ البته در راهنمای مصاحبه، جزئیات مصاحبه، شیوه‌ی بیان و ترتیب آنها ذکر نمی‌شود و این موارد در طی فرایند مصاحبه تعیین می‌شوند (Cohen & Manion, 1986:309). بر اساس آنچه گفته شد، مصاحبه‌ی صورت گرفته در این پژوهش از نوع مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته بوده و در پی شناسایی مشکلات نظام آموزشی و نهایتاً تدوین راهبردهایی جهت بهبود آن می‌باشد.

### ۱-۳- داده‌های کلامی مکتوب (حاصل اسناد و مدارک، گزارشها و پاسخهای داده‌شده به پرسشهای باز پرسشنامه‌ها)

در این روش، پژوهشگر داده‌های پژوهشی مورد نیاز خود را از بین منابع و اسناد جمع‌آوری می‌کند. به بیانی دیگر روش اسنادی روشی کیفی است که پژوهشگر تلاش می‌کند تا با استفاده‌ی نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی به کشف، استخراج و طبقه‌بندی داده‌های مرتبط با پژوهش خود اقدام نماید (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۴، صص ۶۳-۶۵). در این پژوهش، با استفاده از مطالعه‌ی کتب و اسناد مختلف، مبانی نظری و پیشینه‌ی تجربی پژوهش، شاخص‌های نظام آموزشی شهرسازی و ابعاد و مولفه‌های آن شناسایی، استخراج و طبقه‌بندی شد و به صورت گویه‌هایی در قالب پرسش‌نامه تنظیم گردید.

### ۲- روش تحلیل داده‌ها

#### ۱-۲- روش تحلیل محتوا<sup>۹</sup>

اکثر پژوهش‌های مرتبط با علوم اجتماعی و انسانی به مطالعه دقیق منابع و اسناد بستگی دارد و بر همین اساس، روش تحلیل محتوا به منظور دستیابی به ویژگی‌های مختلف پیام، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های حاکم بر آن به‌کار می‌رود. تحلیل محتوا عبارت است از تکنیکی پژوهشی در راستای

9. Content Analysis

استنباط تکرارپذیر و معتبر بودن داده‌هایی که از اسناد و مدارک بصورت متنی استخراج شده‌اند (Krippenforf, 1989:403). در این پژوهش، شاخص‌ها و مولفه‌های نظام آموزشی شهرسازی از طریق روش تحلیل محتوا از مصاحبه‌ها، متون و اسناد و ... استخراج و بر اساس تعداد تکرار اولویت بندی شده و در نمودار چارچوب مفهومی تنظیم شده است.

## ۲-۲- روش وزن‌دهی نوسانی

در راستای انجام این تحلیل، پرسشنامه‌ای در راستای تعیین وضعیت هر یک از شاخص‌های نظام آموزشی شهرسازی در نمونه‌های آماری توزیع شد و از آنان خواسته شد وضعیت خود را در هر یک از شاخص‌های نظام آموزشی شهرسازی بر اساس طیف لیکرتی پنجگانه از ۱ تا ۵ (از خیلی کم تا خیلی زیاد) توصیف کنند.

## یافته‌های پژوهش

به منظور بررسی وضعیت دانشجویان، لازم است شاخص‌های نظام آموزشی شهرسازی در نمونه‌های دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های کشور مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد تا وضعیت دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌ی شهرسازی مشخص شود و نظام آموزشی شهرسازی ایران ارزشیابی شود:

## ۱- بررسی وضعیت دانشجویان و فارغ‌التحصیلان در نظام آموزشی شهرسازی

در این قسمت تمامی شاخص‌های نظام آموزشی شهرسازی به طور مجزا در نمونه آماری مربوطه (دانشجویان، فارغ‌التحصیلان و اساتید گروه شهرسازی) مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌گیرد و برای سهولت این امر، شاخص‌ها با توجه به بعد و مولفه‌ی مربوطه دسته بندی و تحلیل می‌شوند. در بررسی‌های انجام گرفته ۲۶۳ پرسشنامه پاسخ داده شد که از مجموع این تعداد پاسخگو، ۹۶ نفر دانشجو، ۹۳ نفر فارغ‌التحصیل و ۷۴ نفر اساتید رشته مهندسی شهرسازی، کارشناسی ارشد طراحی و برنامه ریزی شهری و دکترای شهرسازی بودند. نظام آموزشی شهرسازی ایران همانطور که گفته

شد بر اساس الگوی سیپ در سه بعد آزمون ورودی، درونداد و فرآیند و برونداد و محصول ارزشیابی شد که در ادامه به تفصیل شرح داده می‌شود. لازم به ذکر است در جدول مطروحه پنج ستون اول، درصد فراوانی تعداد پاسخگویان به سوالات، بررسی شده و در ستون آخر میانگین وضعیت شاخص، بر اساس طیف لیکرتی<sup>۱۰</sup> پنج‌تایی محاسبه گردید. بنابراین پنج ستون اول نشان دهنده‌ی فراوانی تعداد پاسخگویان، بر اساس درصد و ستون آخر بیانگر وضعیت شاخص در بازه‌ی ۱ تا ۵ می‌باشد.

## ۱-۱- آزمون ورودی

در جدول مطروحه پنج ستون اول، درصد فراوانی تعداد پاسخگویان به سوالات، بررسی شده و در ستون آخر میانگین وضعیت شاخص، بر اساس طیف لیکرتی پنج‌تایی محاسبه گردید. بنابراین پنج ستون اول نشان دهنده‌ی فراوانی تعداد پاسخگویان، بر اساس درصد و ستون آخر بیانگر وضعیت شاخص در بازه‌ی ۱ تا ۵ می‌باشد.

جدول ۴. توزیع فراوانی پاسخگویان به سوالات بعد آزمون ورودی

مولفه	شاخص‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین
کیفیت آزمون ورودی	کیفیت سؤالات آزمون ورودی	۲۸	۳۷/۸	۱۶/۱	۱۳/۱	۵	۳/۷۰
	کیفیت مصاحبه برای ورود به دانشگاه‌ها	۱۳/۶	۱۲/۸	۲۰/۶	۳۲/۲	۲۰/۸	۲/۶۶
	میزان تحلیلی بودن سؤالات کنکور	۱۸/۶	۱۶/۷	۱۹/۷	۲۴/۴	۲۰/۶	۲/۸۸
	پایایی آزمون (کنکور)	۱۱/۷	۱۵/۸	۳۳/۹	۲۷/۸	۱۰/۸	۲/۸۹
	پرهیز از سوالات جزئی در آزمون ورودی دانشگاه‌ها	۲/۲	۶/۹	۱۶/۷	۴۱/۷	۳۲/۵	۲/۰۴
	میزان سنجش دانش‌های مورد نیاز شهروندان	۴	۱۶/۹	۲۴/۴	۳۴/۴	۲۰/۳	۲/۴۹
	میزان سنجش مهارت‌های مورد نیاز شهروندان	۳/۹	۶/۱	۱۶/۱	۲۵/۶	۴۸/۳	۱/۹۱
	میزان سنجش احترام و بینش‌های مورد نیاز شهروندان	۱/۱	۵	۱۴/۷	۴۸/۳	۳۰/۸	۱/۹۷

بر اساس جدول فوق بیشترین مقدار میانگین در بعد آزمون ورودی را شاخص کیفیت سؤالات به خود اختصاص داده است و کمترین میانگین در این بعد به شاخص‌های میزان سنجش مهارت داوطلبان بر اساس مهارت‌های مورد نیاز شهروندان و میزان سنجش احترام و بینش‌های مورد نیاز شهروندان اختصاص پیدا می‌کند.

## ۲-۱- درونداد و فرآیند

فراوانی پاسخگویان به سوالات بعد درونداد و فرآیند به شرح زیر است:

جدول ۵. توزیع فراوانی پاسخگویان به سوالات بعد درونداد و فرآیند

میانگین	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	شاخص‌ها	مولفه
۳/۰۷	۵	۳۵/۸	۱۵	۳۵/۳	۸/۹	میزان پوشش سرفصل‌های دروس	برنامه‌ریزی درسی
۳/۵۶	۸/۶	۱۵/۳	۲۰/۸	۲۱/۱	۳۴/۲	میزان توجه به سرفصلها	
۳/۷۰	۵/۸	۱۱/۹	۲۴/۲	۲۱/۹	۳۶/۲	میزان آشنایی با سرفصلها	
۳/۵۴	۴/۷	۱۶/۶	۲۱/۳	۳۴/۷	۲۲/۷	انطباق اهداف برنامه‌ریزی درسی با برآورده ساختن نیازهای دانشجویان	
۱/۸۴	۴۱/۹	۳۷/۸	۱۵	۴/۴	۰/۸	ساختارهای درسی قابل انعطاف	
۳/۷۰	۵	۱۳/۱	۱۶/۱	۳۷/۸	۲۸/۱	تجهیزات کلاس و کارگاه‌ها (وایت برد، صندلی، نور، تهویه هوا، سرمایش و گرمایش، سمعی بصری)	فضا و تجهیزات
۳/۸۳	۲/۵	۱۲/۸	۱۶/۹	۳۴/۴	۳۳/۳	دسترسی به اینترنت و کامپیوتر	
۱/۸۸	۴۱/۹	۳۶/۱	۱۶/۱	۳/۳	۲/۵	فضاهای فراغتی دانشگاه‌ها	
۲/۲۶	۲۲/۸	۴۵/۶	۱۷/۸	۹/۷	۴/۲	دسترسی به کتب مهم و به روز در کتابخانه	
۲/۲۸	۲۱/۴	۴۸/۱	۱۶/۱	۱۰	۴/۴	میزان کمک کتب به اساتید در تدریس	کتب درسی
۲/۰۲	۳۳/۶	۴۱/۹	۱۴/۴	۸/۳	۱/۸	میزان به روز بودن کتب درسی	
۳/۱۹	۵/۱	۲۶/۷	۳۴/۸	۱۱	۲۲/۵	میزان روشن و قابل فهم بودن منابع و کتب	
۱/۵۹	۵۶/۹	۲۶/۹	۱۶/۲	۰	۰	برخورد مناسب با دانشجویان	مدیریت و کارکنان دانشگاه
۱/۴۳	۵۶/۳	۴۳/۷	۰	۰	۰	سهولت دسترسی دانشجو به مدیران	
۱/۴۸	۶۴/۲	۲۷/۲	۵/۳	۲/۵	۰/۸	وجود نظام نظرسنجی و بازخورد	



جدول ۵. توزیع فراوانی پاسخگویان به سوالات بعد درونداد و فرآیند

میانگین	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	شاخص‌ها	مولفه
۲/۵۱	۲۲/۵	۲۵/۳	۳۰/۶	۲۱/۷	۰	نسبت دانشجو به استاد	استاد
۲/۵۲	۲۰/۸	۳۰	۳۰/۶	۱۲/۸	۵/۸	هرم علمی اساتید	
۲/۵۵	۲۸/۶	۲۲/۸	۲۵/۶	۱۰/۶	۱۲/۵	مدرک تحصیلی اساتید	
۳/۰۲	۱۷/۵	۱۹/۴	۲۷/۵	۱۳/۹	۲۱/۷	سابقه تدریس	
۲/۴۰	۱۸/۹	۳۹/۲	۲۹/۹	۸/۳	۴/۴	رضایت دانشجویان از اساتید	
۱/۵۴	۵۲/۲	۴۲/۳	۴/۴	۱/۲	۰	میزان آموزش ضمن خدمت	
۱/۷۳	۴۲/۲	۴۶/۹	۷/۲	۲/۵	۱/۱	توانایی تخصصی اساتید	
۲/۵۱	۲۸/۳	۲۴/۴	۲۵/۸	۱۰/۶	۱۰/۸	دروس مورد علاقه اساتید	
۲/۰۳	۳۱/۹	۴۴/۴	۱۴/۲	۷/۲	۲/۲	در دسترس بودن اساتید	
۴/۰۰	۰	۰	۳۰/۸	۳۷/۵	۳۱/۷	نگرش به مسایل غیر درسی	
۴/۰۵	۵/۸	۷/۸	۱۲/۸	۲۲/۸	۵۰/۸	به روز بودن اساتید	
۲/۰۴	۲۳/۵	۴۱/۷	۱۶/۷	۶/۹	۲/۲	ارایه‌ی منظم مطالب درسی و مرتبط با یکدیگر	
۲/۰۶	۲۹/۷	۴۵/۶	۱۴/۷	۸/۳	۱/۷	پاسخگویی به سوالات و مشکلات دانشجویان	
۲/۱۰	۲۶/۱	۴۶/۹	۱۸/۱	۸/۳	۰/۶	تسهیل بحث و تبادل نظر	
۱/۸۴	۴۱/۹	۳۷/۸	۱۵	۴/۴	۰/۸	آماده ساختن دانشجویان برای شغل آینده	

در ارتباط با ارزشیابی نظام آموزشی در بعد درونداد و فرآیند، بیشترین مقدار میانگین را شاخص‌های به روز بودن اساتید و نگرش به مسایل غیر درسی به خود اختصاص داده است و کمترین مقدار میانگین در این بعد به شاخص‌های سهولت دسترسی دانشجو به مدیران و وجود نظام نظرسنجی و بازخورد مربوط می‌شود.

### ۳-۱- برون داد و محصول

فراوانی پاسخگویان به سوالات بعد برون داد و محصول به شرح زیر است:

جدول ۶. توزیع فراوانی پاسخگویان به سوالات بعد برون داد و محصول

میانگین	شاخص ها					مولفه
۱۶/۲۴	معدل دانشجویان					معدل
۱۵/۸۹	معدل فارغ التحصیلان					
میانگین	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۱/۸۸	۴۱/۹	۳۶/۱	۱۶/۱	۳/۳	۲/۵	رضایت از انتخاب رشته
۲/۵۱	۲۸/۳	۲۴/۴	۲۵/۸	۱۰/۶	۱۰/۸	رضایت از جایگاه حرفه‌ای
۲/۰۳	۳۱/۹	۴۴/۴	۱۴/۲	۷/۲	۲/۲	جایگاه فارغ التحصیلان
۳/۷۰	۵	۱۳/۱	۱۶/۱	۳۷/۸	۲۸/۱	آمادگی برای پذیرش نقش حرفه‌ای
۱/۸۸	۴۱/۹	۳۶/۱	۱۶/۱	۳/۳	۲/۵	تعداد مقالات چاپ شده چاپ شده
۳/۵۶	۸/۶	۱۵/۳	۲۰/۸	۲۱/۱	۳۴/۲	میزان سایر فعالیت‌های پژوهشی
۱/۸۳	۴۱/۱	۳۶/۹	۱۶/۳	۳/۱	۲/۵	میزان ارتباط دانشگاه با فارغ التحصیلان

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶  
No.49 Winter 2018

۲۰

جدول ۷. ارزشیابی وضعیت نظام آموزشی شهرسازی بر اساس ابعاد معرفی شده در الگوی سیپ

حداکثر	حداقل	میانگین	نظام آموزشی و شهرسازی و ابعاد آن
۳/۷	۱/۹۱	۲/۶۱	آزمون ورودی
۴/۵	۱/۴۳	۲/۶۲	درونداد و فرآیند
۳/۷	۱/۸۳	۲/۵۲	برونداد و محصول
۴/۵	۱/۴۳	۲/۵۸	نظام آموزشی شهرسازی

در ارتباط با بعد برون داد و محصول نیز می توان گفت شاخص آمادگی برای پذیرش نقش بیشترین مقدار میانگین را به خود اختصاص داده است و کمترین مقدار میانگین مربوط به شاخص های رضایت از انتخاب رشته و تعداد مقالات چاپ شده و میزان ارتباط دانشگاه با فارغ التحصیلان می شود. بر اساس جداول فوق می توان ارزشیابی نظام آموزشی شهرسازی را به شرح زیر خلاصه کرد:

بر اساس جدول فوق می‌توان دریافت که نظام آموزشی شهرسازی ایران از سطح متوسط پایین‌تر است چرا که میانگین نظام آموزشی شهرسازی ایران کمتر از ۳ می‌باشد؛ لذا لزوم اعمال تغییراتی در راستای رساندن آن به سطح مطلوب احساس می‌شود. به منظور اطمینان از سطح نظام آموزشی شهرسازی که از جداول فوق بدست آمد، فرض می‌شود که نظام آموزشی شهرسازی ایران کمتر از سطح متوسط است و این فرضیه در ادامه مورد آزمون قرار می‌گیرد (در این فرض حد متوسط برابر با میانگین طیف لیکرتی پنجگانه و برابر با عدد ۳ در نظر گرفته می‌شود): به این منظور از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده می‌شود، چرا که با عدد دهی به طیف لیکرتی پنجگانه، آمار ناپارامتریک به پارامتریک تبدیل می‌شود. از طرف دیگر تعداد نمونه‌های پرسشنامه مجموعه با هم یک گروه آماری را بوجود می‌آورند، لذا در آزمون این فرضیه که نظام آموزشی شهرسازی ایران در حد متوسط است، از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده می‌شود. پیش‌فرض‌های عددی این آزمون به شرح روبرو است: (۱=خیلی کم، ۲=کم، ۳=متوسط، ۴=زیاد و ۵=خیلی زیاد)

جدول ۸. آزمون T تک نمونه‌ای (میانگین و انحراف معیار)

One-Sample Statistics				
	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
نظام آموزشی شهرسازی ایران	۲۶۲	۲,۵۴۹۹	۴۳۸۱۰.	۰,۲۳۰۹.

جدول ۹. آزمون T تک نمونه‌ای (معناداری)

One-Sample Test						
Test Value = 3						
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
نظام آموزشی شهرسازی ایران	110.436	277	.000	2.54994	2.5045	2.5953

بر اساس این جدول با مشاهده درصد معناداری آزمون (sig=0.00) می‌توان نتیجه گرفت تفاوت معناداری میان نظام آموزشی شهرسازی ایران و سطح متوسط آن وجود دارد. بنابراین فرضیه  $H_0$  با فرض نظام آموزشی شهرسازی ایران کمتر از سطح متوسط است، قابل قبول است. بر این اساس و با استفاده از جداول و مقادیر مطروحه، شاخص‌هایی که میانگینی کمتر از سطح متوسط دارند، عبارتند از:

جدول ۱۰. معرفی شاخص‌های کمتر از میانگین در نظام آموزشی شهرسازی

میانگین	شاخص‌ها
۱,۴۳	سهولت دسترسی دانشجویان به مدیران
۱,۴۸	وجود نظام نظرسنجی و بازخورد میان دانشجویان، مدیریت و کارکنان دانشگاه
۱,۵۴	میزان آموزش ضمن خدمت اساتید
۱,۵۹	برخورد مناسب اساتید و کارکنان با دانشجویان
۱,۷۳	توانایی تخصصی اساتید دانشگاه‌ها
۱,۸۳	میزان ارتباط دانشگاه با فارغ‌التحصیلان
۱,۸۴	ساختارهای درسی قابل انعطاف
۱,۸۴	آماده ساختن دانشجویان برای شغل آینده
۱,۸۸	فضاهای فراغتی دانشگاه‌ها
۱,۸۸	رضایت از انتخاب رشته توسط دانشجویان و فارغ‌التحصیلان
۱,۸۸	تعداد مقالات چاپ شده
۱,۹۱	میزان سنجش مهارت‌های مورد نیاز شهرسازان
۱,۹۷	میزان سنجش بینش‌های مورد نیاز شهرسازان
۲,۰۲	میزان به روز بودن کتب درسی
۲,۰۳	در دسترس بودن اساتید
۲,۰۳	جایگاه فارغ‌التحصیلان
۲,۰۴	پرهیز از سوالات جزئی در آزمون ورودی دانشگاه‌ها
۲,۰۴	ارایه‌ی منظم مطالب درسی و مرتبط با یکدیگر توسط اساتید
۲,۰۶	پاسخگویی اساتید به سوالات و مشکلات دانشجویان
۲,۱	تسهیل بحث و تبادل نظر توسط اساتید
۲,۲۶	دسترسی دانشجویان به کتب مهم و به روز در کتابخانه
۲,۲۸	میزان کمک کتب به اساتید در تدریس
۲,۴	رضایت دانشجویان از اساتید
۲,۴۹	میزان سنجش دانش داوطلبان بر اساس دانش‌های مورد نیاز شهرسازان
۲,۵۱	نسبت دانشجویان به استاد
۲,۵۱	دروس مورد علاقه اساتید
۲,۵۱	رضایت از جایگاه حرفه‌ای دانش‌آموختگان
۲,۵۲	هرم علمی اساتید
۲,۵۵	مدرک تحصیلی اساتید
۲,۶۶	کیفیت مصاحبه در آزمون ورودی دانشگاه‌ها
۲,۸۸	میزان تحلیلی بودن سوالات در آزمون ورودی دانشگاه‌ها
۲,۸۹	پایایی آزمون ورودی دانشگاه‌ها

همان‌طور که از جدول فوق بر می‌آید، وضعیت شاخص‌های چون سهولت دسترسی دانشجویان به مدیران، وجود نظام نظرسنجی و بازخورد، میزان آموزش ضمن خدمت اساتید، برخورد مناسب با دانشجویان، توانایی تخصصی، میزان ارتباط دانشگاه با فارغ‌التحصیلان، آماده ساختن دانشجویان برای شغل آینده، وضعیت فضاهای فراغتی دانشگاه‌ها، رضایت از انتخاب رشته توسط دانشجویان و تعداد مقالات چاپ شده آنها، کمترین میزان میانگین را در میان شاخص‌های نظام آموزشی شهرسازی دارند و در راستای بهبود وضعیت نظام آموزشی شهرسازی ایران باید بر اینگونه شاخص‌ها تاکید بیشتری شود.

#### نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

کیفیت آموزشی و پژوهشی همواره از دغدغه‌های اصلی نظام‌های آموزشی در اغلب کشورهای جهان است، به طوری که در سالهای اخیر مورد توجه بسیاری از صاحب نظران قرار گرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد علی‌رغم نقشی که دانشگاه‌ها در توسعه منابع انسانی داشته و دارند، دچار کمبودها و نارسایی‌های فراوان بوده‌اند چرا که اگر نظام آموزش عالی نتواند پاسخگوی تحولات اجتماعی باشد، لطمه‌ای جبران ناپذیر به آن وارد خواهد شد. به منظور ارزیابی و ارزشگذاری نظام آموزشی، الگوهای متعددی از قبیل الگوهای ارزشیابی تحقق اهداف، مدیریت گرا (سیپ)، هدف آزاد، مبتنی بر نظر خبرگان، اعتبار سنجی، طبیعت گرایانه، مشارکتی و... ارایه شده و این در حالی است که بطور مشخص در نظام آموزشی شهرسازی، الگویی تدوین نشده است. با توجه به عنوان و اهداف پژوهش (اثر بخشی و ارتقای کیفیت نظام آموزش شهرسازی) از الگوی ارزیابی سیپ و مبتنی بر نظر سنجی خبرگان استفاده شده است؛ تاکید اصلی این الگوها به ترتیب بر اثر بخشی سیستم آموزشی و تعیین میزان اثر هر یک از شاخص‌ها می‌باشد. الگوی سیپ بر پایه دیدگاه سیستمی قرار دارد و شامل ارزیابی زمینه، ارزیابی درونداد، ارزیابی فرآیند و ارزیابی برونداد می‌باشد. این ارزیابی می‌تواند بر تمامی اجزا صورت گیرد تا شناخت بهتری از محتوای آموزشی صورت گیرد.

در مجموع و به عنوان نتیجه‌گیری می‌توان بنا به دلایل ذیل، الگوی سیپ را بهترین الگو جهت ارزشیابی نظام آموزش شهرسازی در کشور عنوان نمود:

۱. نگرش سیستمی و چرخه‌ای در این الگو بجای خطی و یک طرفه
۲. تاکید الگوی سیپ بر ارزیابی اثر بخشی و کنترل کیفیت که به هدف مورد نظر ما بسیار نزدیک است.
۳. توجه این الگو به ارزشیابی پیامد که با توجه به دغدغه اصلی این پژوهش که همان پیامدهای نظام آموزش شهرسازی و برونداد آن است، به نوعی می‌تواند مساله اساسی آموزش شهرسازی کشور را پوشش دهد
۴. مزیت آخر این الگو پوشش کامل کل فرآیند آموزش یعنی، درونداد، فرآیند، برونداد و محصول است که در نظام آموزش شهرسازی کشور نیز معضلات در همه‌ی این مراحل و فرآیند دیده می‌شود و به تبع نمی‌توان از الگوهایی که صرفاً به قسمتی از فرآیند نگاه می‌کنند استفاده کرد.

همانطور که گفته شد، الگوی سیپ بر پایه‌ی دیدگاه سیستمی قرار داشته و بجای تفکر خطی بر سیستم چرخه‌ای تاکید دارد و کل فرآیند آموزش از ورود تا پیامد را پوشش می‌دهد، فرآیندی که شامل ارزیابی زمینه، ارزیابی درونداد، ارزیابی فرآیند و ارزیابی برونداد می‌باشد. این ارزیابی می‌تواند بر تمامی اجزا صورت گیرد تا شناخت بهتری از محتوای آموزشی صورت گیرد. بر همین اساس مدل مفهومی، ابعاد و شاخص‌های نظام آموزشی شهرسازی در قالب الگوی سیپ دسته بندی و تدوین شدند. با سنجش چارچوب نظام آموزشی شهرسازی ایران در نمونه‌های آماری، مشخص شد نظام آموزشی شهرسازی ایران در سطحی کمتر از متوسط ارزیابی شده و شاخص‌هایی همچون سهولت دسترسی دانشجویان به مدیران، وجود نظام نظرسنجی و بازخورد میان دانشجویان، مدیریت و کارکنان دانشگاه، توانایی تخصصی اساتید دانشگاه‌ها، ساختارهای درسی قابل انعطاف، آماده ساختن دانشجویان برای شغل آینده و میزان سنجش دانش، مهارت و بینش مورد نیاز شهرسازان،



## منابع و مأخذ

۱. کمترین میزان میانگین را در میان شاخص‌های نظام آموزشی شهرسازی دارند و در راستای بهبود وضعیت نظام آموزشی شهرسازی ایران باید بر اینگونه شاخص‌ها تاکید بیشتری شود. به منظور بهبود وضعیت و رساندن آن به وضع مطلوب لازم است در ارتباط با شاخص‌هایی که وضعیتی کمتر از حد متوسط دارند، راهبردهایی اتخاذ شود. بر اساس نتایج مستخرج می‌توان راهبردهای زیر را به منظور بهبود وضعیت نظام آموزش شهرسازی کشور به شرح ذیل اتخاذ نمود:
    ۱. افزایش ارتباط میان دانشجویان با مدیران دانشگاهی و ایجاد تعامل میان آنها
    ۲. وجود نظام نظرسنجی و بازخورد میان دانشجویان و کارکنان و اساتید دانشگاه به منظور رفع کاستی‌های آموزشی
    ۳. برگزاری کلاس‌های آموزش ضمن خدمت و کاربردی جهت آماده سازی دانشجویان
    ۴. تاکید بر توانایی‌های لازم تخصصی اساتید جهت اتخاذ دروس دانشگاهی
    ۵. ایجاد ارتباط میان فارغ‌التحصیلان با دانشگاه مبدا
    ۶. ارایه‌ی نمای واقعی آینده‌ی رشته در بازار کار به منظور بالا بردن رضایت از انتخاب رشته
    ۷. ارایه مزیت‌های این رشته نسبت به سایر رشته‌ها در کنار محدودیت‌های آن
    ۸. توجه به ارتقای سطح مهارت دانشجویان و مباحث عملی و مهارتی در کنار مباحث دانش محور و حفظیات
    ۹. تاکید بر انعطاف پذیری سرفصل و ساختارهای درسی و به روز بودن آنها
    ۱۰. تاکید بر وجود آزمون‌های ورودی استاندارد به منظور سنجش مناسب دانش، مهارت و بینش متقاضیان
  ۱. امینی، محمد (۱۳۹۱) ارزیابی کیفیت برنامه‌ی درسی رشته‌های مهندسی از دیدگاه دانشجویان؛ فصلنامه‌ی آموزش مهندسی ایران؛ سال چهاردهم - شماره‌ی ۵۵، صص ۶۱ تا ۸۷.
  ۲. آلتباخ، فیلیپ جی و لیز ریزبرگ و لورا ای. رامبلی (۱۳۹۳)، روندهای آموزش عالی جهانی: رهگیری یک انقلاب دانشگاهی؛ مترجم: محمدرضا سعیدآبادی و پروین احمدخانلو؛ تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
  ۳. بازرگان، عباس (۱۳۹۲)، ارزشیابی آموزشی؛ تهران، سمت.
  ۴. بایر، مایکل و نانسی فرانک و جیسون مالریوس (۱۳۹۳). چگونه شهرساز شویم؟ ترجمه‌ی سیدحسین بحرینی و الهام فلاح منشادی؛ دانشگاه تهران؛ چاپ دوم.
  ۵. بولا، اچ.اس (۱۹۹۰). ارزشیابی طرحها و برنامه‌های آموزشی برای توسعه. ترجمه خدایار ایلی (۱۳۷۵). تهران: انتشارات موسسه بین المللی روشهای آموزش بزرگسالان.
  ۶. شعبانی ورکی، بختیار و رضوان حسین قلی‌زاده (۱۳۸۵) بررسی کیفیت تدریس در دانشگاه؛ فصلنامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی؛ شماره‌ی ۳۹؛ سال دوازدهم.
  ۷. کرس ول، جان دبلیو (۱۳۹۲) طرح پژوهش، رویکرهای کیفی، کمی و ترکیبی، ترجمه: علیرضا کیانمنش و مریم دانای طوسی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی - واحد علامه طباطبایی. چاپ دوم.
  ۸. محمدرزاده نصرآبادی، مهناز، پزشکی‌راد، غلامرضا و چیدری محمد (۱۳۸۵)، وضعیت اشتغال، توانمندی شغلی و موفقیت شغلی دانش - آموختگان آموزشهای عالی علمی - کاربردی؛ فصلنامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی؛ شماره‌ی ۳۹؛ سال دوازدهم.
9. Chaleunvong, Kongmany.(2009). Data collection techniques. Training Course in Reproductive Health Research - GFMR - WHO - UNFPA - LAO PDR Programme

10. Cook, A. (1999). Undercurrents of Change in planning Education in Hing Kong. *Planning practice and Research*, 247249-.
11. Dalton, L. C. (2001). Weaving The Fabric of planning As Education. *Journal of Planning and Research*, 423436-.
12. Edwards, M. and Bates, L. K. (2011). Planning core curriculum: Knowledge, practice and implementation. *Journal of planning education and research*, 172183-.
13. Frechtling, Joy. (2002). *Friendly Handbook for Project Evaluation*. The National Science Foundation Directorate for Education & Human Resources Division of Research, Evaluation, and Communication.
14. Innes, J. (1997). The Planners Centry. *Journal of planning Education and Research* , 227228-.
15. Krippenfor, Klaus. (1989). *Content analysis: an introduction to its methodology*. encyclopedia of communication. Oxford University Press. Volume 1
16. Lachiver, R. & Taradif, G. L. (2002). Teacher evaluation, student selfevaluation. *Journal of Learning Disabilities*, 13(5).
17. Mansori, R. (2001). The University of its Definition. *Approach Quarterly*, 24 , 13 (in Persian).
18. Moya, N. & Malley, G. (1994). A portfolio assessment model for ESL. *Educational Issues*. Spring, 1836-.
19. Nouroozzade, R. (2006). Higher education and entrepreneurship. *Journal of Public Culture*, (43), 6769- (in Persian) .
20. Turner, C. E. (2000). Investigating washback from empirically derived rating scales: background and initial step in a study focusing on ESL speaking at the secondary level in Quebec schools, paper presented at the annual language testing research colloquium, van couver, BC.22, nd.

## پویشی مفهومی در یافتن ارتباط صورت ظاهری با معانی نهفته در ساختار ضریح امام رضا (ع)

پرویز اسکندری پور خرمی\* - عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

### چکیده

یادمان‌های ماندگار در حوزه فرهنگ، مذهب و تاریخ ملل به پیشینه جامعه و ژرفای تفکر هر قوم وابسته است. این آثار ارزشمند به درک وسیع، حکمت متعالی، آداب و ادب رایج زمانه، اخلاق و فرهنگ دینی و ملی متصل بوده و محصول قوام یافته آن به فن و مهارت آراسته شده است. ضریح به عنوان شاهکاری در میان هنر، مهارت و صنعت و ترکیبی از مجموعه‌ی هنرهای صناعی، محلی برای حفاظت و صیانت از مضجع ذراری پاک نبوی (ص) مورد استفاده قرار می‌گیرد، از سابقه‌ی دیرینه‌ای برخوردار است. بدین سبب دانش، نشان و اثری کم نظیر جهت ارائه مفاهیم ولایی به زوآر و هنرنمایی محتوا محور که توسط هنرمندان معتقد در مفاهیم پرغنای تشیع در جانشان پرورش یافته و در آثارشان به منصفه ظهور رسیده، جلوت می‌نماید. در این میان مضجع پاک حضرت امام رضا (ع) و ضریح ایشان، از دیرباز و بخصوص از دوره صفویه تاکنون توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده است و هنرمندان شیعی و ایرانی، بسیار در بارگاه ایشان به عرض ارادت عملی و هنرنمایی پرداخته‌اند. این مقاله که به روش تحلیلی-توصیفی و کاوشی با هدف بهره‌مندی از مفاهیم و معارفی که از طریق سینه به سینه از هنرمندان هنر اسلامی، نگارگان، تذهیب‌کاران، طراحان نقوش سنتی و ضریح‌سازان به نگارنده منتقل شده، تدوین یافته است. پیرامون ضریح فعلی رضوی موسوم به سیمین و زرین با بررسی‌هایی که تاکنون این نگارنده انجام داده است، مکتوبه‌ای که محتوی تحلیل ساختاری و نقوش تزئینی این ضریح از جنبه‌ی بررسی مفاهیم مندرج در آن باشد، موجود نبوده است. اگرچه ضریح‌های پیشین رضوی نیز، توسط محققین بیشتر از جنبه‌ی تاریخ‌شناسی و درنهایت از جهت خوانش عناصر موجود در ضریح مورد بررسی قرار گرفته است و تحلیل‌های مفهوم‌شناسی و یافتن ارتباطات نمادین با صورت و اجزای ضریح، رخ نداده است. نتایج عمده تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مفاهیم موجود در قرآن مجید و احادیث و تاریخ و سیره‌ی ائمه معصومین علیهم السلام و معارف مستخرجه از ادبیات غنی ایرانی-شیعی و بهره‌مندی از دستاوردهای محققین حوزه‌ی هنر اسلامی و مذاقه در کلیات و اجزای مختلفه ضریح سیمین و زرین، ارائه شده است.

**کلید واژگان:** ضریح سیمین و زرین، معارف شیعی، نمادشناسی، امام رضا (ع)، هنر اسلامی، طرح و نقش.

### Conceptual investigation of discovering the relation between the extern attribute and the latent meaning in the Holy Shrine of IMAM REZA (peace be upon him)

#### Abstract

Permanent memorials in fields of culture, religion and history of nations depend on the social background and depth of musing in every tribe. These precious remnants are linked to wide comprehension, exalted philosophy, ordinary ceremonies of the time, religious and national morality and culture, and the consistent output is ornamented by artifice and technique. Shrine, as a masterpiece among art, artifice, industry and combination of industrial arts, is used to preserve and protect the chaste mausoleums of the descendants of Prophet MUHAMMED (peace be upon him), and holds an ancient past. Meanwhile, the Holy mausoleum of IMAM REZA (p. b. u. h.) and his Shrine have attracted great attention since a long time ago, especially during the Safavieh Reign, and many Persian and Shia artists have performed crafts and presented practical sincere in the Holy mausoleum. The article is codified in analysis and descriptive manner with the purpose of imparting the context and theosophy that has been transferred orally from the artists of Islamic arts, designers, illustrators, traditional pattern designers and shrine manufacturers to the author. Due to researches on the Razavi Shrine, also known as the Golden and Silver Shrine, which is done by the author, no script has been found which may contain conceptual studies of structure and tropical patterns so far. The general results are presented by the usage of library sources, concepts included in the Holy Qur'an, the history and behavior of Imams and the Hadith quoted by them, extracted theosophy from the Persian and Shia literature and achievements reached by investigators of Islamic arts, and scrutiny in the whole Golden and Silver Shrine including the details.

**Keywords:** Golden and Silver Shrine, Shia theosophy, Imam Reza, Symbology, Islamic arts, Patterns and designs.

## مقدمه

با شکوفایی فرهنگ و هنر شیعی، یکی از بارزترین و نفیس‌ترین هنرهای شیعی که آینه‌ی تمام‌نما و جلوه‌ی بی‌همتای ارادت و دل‌سپردگی به خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام است و در صورت و باطن بی‌مانندی متجلی شده است. این نماد همانا کعبه‌گون‌نست که محراب عشق، آذین آن گشته و انوار قدسی رحمانی از آن متشعشع؛ مقام و منزلتی علیایی یافته و صورتی دلپذیر و نادرگون و مسمی گشته است. مشبکی به نام ضریح که پرتو افشان کوکب درّی آسمان امامت و ولایت گشته و چهره‌نمایی که سیمای محبوب رویایی را در وری صورتی از طلا و نقره، خواستنی‌تر و چشم‌نوازتر نموده است. خزانه‌ی معارف حقه‌ی الهیه که در ساحت هنر، به درّ افشانی پرداخته و مُستمسکی که دست‌توسل ارادتمندان را به دریای رحمت اوصیای الهی، متصل نموده است. ضریح فعلی امام رضا (ع) موجود در روضه مطهر رضوی که به ضریح سیمین و زرّین معروف است، به شناسایی و تبیین مفاهیم ولایی در کلیات و جزئیات این ضریح شریف که به صورت ساختارهای هنرمندانه و نقوش زینتی بر سیمای ضریح جای گرفته است. به منظور یافتن ارتباط صورت ظاهری با معانی نهفته در این ساختارها بنماید. این تصمیم بر این بنیان استوار است که هنرمندان اسلامی پیوسته در آثار خویش صرفاً به جنبه‌ی تزئینی اثر اهتمام نداشته‌اند بلکه بررسی سابقه تاریخی آثار ایشان، نشانگر ظهور و بروز مفاهیم اسلامی و اهداف متعالی در عین حفظ جنبه‌ی کاربردی بودن در بسیاری از آثارشان است. در این میان اگرچه مضجع شریف رضوی با سابقه‌ی حداقل چهارصد ساله‌ای که گزارش‌های مستندی پیرامون دارا بودن هیأت ضریح در روضه‌ی شریفه، از آن به دست رسیده است، لیکن احصا و تحلیل مکتوب معارف ولایی مستتر در این ضرایح، دیرگاهی نیست و در دوره‌ی معاصر نیز نمونه‌های اندکی از این اقدام صورت پذیرفته است.

نماد واره‌ای از پوشاک زره‌گونه‌ی جهاد که بر قامت مجاهدان شهید، استوار گشته است و حکایت‌گریست از جسم چاک چاک محامین الی الله. محل تقرب و جنّت وصال عاشقان خاندان

طهارت و موضع دست‌یازی به بیعت با خاندان و آل رسول. قرارگاه عارفان و مقصد کاروان قرب الی الله و منزل و مهبط وحی الهی و میعادگاه ملائکه الله. جلوه‌نمای حضور همزمان دو ویدیعته نبوی، گرانبها و ثقلین و منشاء بارش رحمت الهی بر کونین. محل انس و جایگاه امنیست که هر جان در تلاطمی را به آرامش می‌رساند و چهره‌ی دل‌رباییست که دیدگان از نظاره‌ی برآن سیر نمی‌گردد. مناجات‌کنندگان با خداوند را در آغوش کشیده است و هنرمندان‌واله و شیدا را، رخصت عرض ارادت و قلم چرخانی داده است. منبت‌گران را به همراه چوب‌های ساج از نفیس‌ترین و ماندگارترین اشجار، به نزد خویش اذن رخصت داده است و قلمزنان و فلزکاران و طلاسازان را مفتخر به نقش‌پردازی بر قامت خویش ساخته است. تاج ولایت را بر فراز خویش برافراشته است و سینه‌ی باز خویش را به سوی طالبان خویش، گشوده است. پای در سنگ آورده است و سر بر آسمان دیدگان. بر زیر گنبدی جیوه‌این قرار گرفته است و بی‌تابان خویش را بی‌قرار نموده است. ستون‌هایی به مثال ساقه‌های عرش الهی، بر گرد خویش استوار داشته و شاخه‌های درخت طوبی را بر تازک خویش، پیچان نموده است. آیات الهی را با خطی زرگون بر کتیبه‌های پیشانی خویش، آشکار داشته و احادیث مرتبط با ولایت الهیه را متذکر ساخته است. به تحقیق، کدامین محمل است که این‌گونه توانایی رخ‌نمایی چنین تجلیاتی را داشته و رخصت ابراز وجود یافته است؟ ضریح درّیست نادره که هرچه در توصیف صفات آن که آینه‌ی داری از صاحب خود می‌نماید، تأمل نمایم، جلوه‌های بیشتری از انوار لایتناهی الهی که از شجره‌ی پاک خاندان نبوی و فاطمی، تابان است، آشکارتر گشته و فکر و دیدگان را خیره‌تر می‌نماید. از آن‌روست که در این مقال با استعانت از ذات باری تعالی به تقاضای پرده‌گشایی از جلوه‌ای و استشمام شمّه‌ای از مُشک مهور بهشتی، خزانه‌ی عصاره‌ی کوثر نبوی، جنّه‌المأوای حاضر بر زمین، کوکب و مشکات انوار یقین، قره‌العین تمام اولیاء، صفوة الله و امام مرتضی، حضرت علی‌بن موسی‌الرضا، علیه و علی اهل بینه آلاف التحیة و الثناء، می‌پردازیم و ضریح او را

سرمه‌ی شفا بخش دیدگان خویش می‌سازیم و با توسل و تمسک به این مجلای شعائر الهی، بر آن می‌کوشیم تا به نمادشناسی ضریح شریف حسینی علیه السلام، پردازیم و با احتساب آنکه شیعیان دلسوخته و شیدای ولایی، هم و غم خویش را در ابراز محبت و معرفی هرچه بیشتر ذوات مقدس اهل بیت علیهم السلام، قرار داده بوده‌اند و پیوسته این اشتیاق را در خویشتن افزون‌تر می‌نمایند، در خواهیم یافت که محبین ولایت علوی و فاطمی علیهما السلام، با بهره‌مندی و گردآوری جمیع امکانات موجود و جلوه‌گری هنرهای پرمحتوا و مقدس شیعی، علاوه بر متجلی نمودن شکوه و عظمت احصا ناشدنی صاحبان مضاجع شریفه و اعتبار مقدسه، با ظهور و بروز معانی عمیق ولایی در صورت و کالبد ضریح، به تبلیغ و انتقال مفاهیم ریشه‌ای تفکر شیعی با بهره‌گیری از بستر نقش‌مایه‌ها و موتیف‌های انتزاعی و علاوه بر آن نمادها و استعاره‌های ظریف و قابل فهم برای زائر عاشق، پرداخته‌اند و این‌گونه ضریح، به مثال مصحفی گشته است که آیه‌های آن هریک، بیانی از ارادت و دل‌سپردگی هنرمندان حقیقت‌آشنای شیعی است.

### ضرورت توجه معرفتی هنرمند شیعی به ضریح و آداب زیارت

هنر اسلامی، هنری است که از استعارات و مفاهیم مقدس اسلامی برگرفته شده است (مه‌دوی نژاد، ۱۳۸۱، ص ۲۵). منشأ هنر اسلامی را باید در حقایق درونی قرآن، که حقایق اصلی عالم هستی و حقیقت معنوی ذات نبوی است، جستجو کرد. قرآن اصل توحید را بازگو می‌کند و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، [و ائمه معصومین علیهم السلام] نیز تجلی این وحدت در کثرت هستند (تاج آبادی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳۵۴). بسیاری از سوره‌های قرآن کریم، آیات قرآنی را وسیله‌ای برای نیل به شناخت و دستیابی به معرفت الهی معرفی می‌نماید. سهروردی می‌گوید: بر توست که قرآن را با وجد و فکر لطیف بخوانی و قرآن را چنان بخوانی که گویی جز در شأن تو نازل نشده است» (کربن، ۱۳۸۹، ص ۲۲). از این‌رو، درک بهتر مفاهیم مندرج بر سیمای ضریح که توسط،

هنرمندان آشنا به معارف ولایی اسلامی پدید آمده است؛ موجب می‌گردد تا انطباق و ارتباط میان این صورت‌ها و نقوش پرمحتوا با آیات قرآنی و احادیث معصومین (ع) آشکار گردد.

ضریح در فرهنگ شیعی به عنوان نشانه‌ای از مضجع پیامبران، ائمه اطهار و امامزادگان (ع)، دارای ویژگی خاصی است که به دلیل جایگاه صاحبان آن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این‌رو اگر هنرمندی که خویشتن خویش را تقدیم به ولی خدا نموده و در راه ساخت ضریح و خدمت هنری به آن ساحت شریف، گام برداشته است، خود به بهترین نحو به زیارت آن مضجع شریف پردازد و در راه دریافت معارف حقه و آداب زیارت و کسب فیض و درک شأن حضور گام بردارد، بطبع به نحو بهتری می‌تواند انتقال‌دهنده‌ی این معارف بر کتاب ضریح و حکایت‌کننده‌ی نعمت‌های متشعشع از وجود آن ذراری پاک نبوی، صلی الله علیه و آله و سلم باشد. و لذا این‌گونه عارفانه در پس همه‌ی ظواهر، باطنی می‌بیند. به تعبیری، هریک از موجودات عالم در نزد او نمادی از حقیقت می‌شود و از این روست که تفکر و بیان نمادین زیارت، از ویژگی‌های غالب فرهنگ زیارت خواهد بود. و اگرچه در آدمی، حواس ابزار شناخت است، اما تمام معارف انسانی را با حواس نمی‌توان دریافت. حس، شرط لازم برای شناخت است نه کافی. «در شناخت حسی، صورتی از اشیاء در مواجهه و ارتباط مستقیم انسان با جهان خارج، با به‌کار افتادن یکی از حواس پنج‌گانه، در ذهن منعکس می‌شود و آن‌گاه ادراک صورت می‌گیرد. مثلاً وقتی زائر می‌خواهد با یکی از مظاهر عالم [باقی]، که پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام می‌باشند، ارتباط برقرار نماید، چشم می‌گشاید و منظره‌ی مقابلش را می‌نگرد. تصویری از آن منظره در ذهنش پیدا می‌شود و انسان از انعکاس آن تصویر، احساس خاصی حضوراً و یا وجداناً در خود مشاهده می‌کند و یا در درونش حالت دیگری را می‌یابد که آن را شنیدن و دعوت می‌توان نامید» (روحانی، ۱۳۸۸، ص ۶۰).

لیکن علاوه بر این مطلب، ارزش بهای زائر به محبت همراه با معرفت اوست؛ به این فراز از زیارت جامعه بنگریم: «اللهم... اسئلك ان تدخلى





فی جُمْلَةُ العارفين بهم وبحقهم؛ خداوند! از تو می‌خواهم که مرا در شمار عارفان به خاندان پیامبر (ص) و آشنایان به حق آنان قرار دهی.» (انصاریان، ۱۳۸۳، ص ۵۸۳) و چه نیکو و شایسته پیامبر اکرم، صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این رابطه فرموده‌اند: «هرکس را که خداوند به شناخت و معرفت و ولایت اهل بیت من موفق سازد، همانا خدا تمامی خیر رابرای او فراهم نموده است.» (طبری آملی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۶). کسب این معرفت توسط زائر، از چنان اهمیتی برخوردار است و آن‌چنان تغییری در کیفیت زیارت ایجاد می‌کند که امام صادق علیه‌السلام در این رابطه می‌فرمایند: «نوه ام در سرزمین خراسان، در شهری که به آن طوس می‌گویند، کشته می‌شود. هر کس که او را با معرفت به حقیقت زیارت کند، من در روز قیامت دستش را گرفته و داخل بهشتش می‌کنم و لو اینکه گناه کبیره داشته باشد. راوی می‌گوید از امام پرسیدم، جانم به فدایت؛ معرفت حقیقت چه چیزی است؟ امام فرمودند: اینکه بدانند، اطاعتش واجب است و اینکه او امامی است غریب و امامی است که به شهادت رسیده است. هر کس او را زیارت کند در حالیکه معرفت به وی داشته باشد، خداوند ثواب هفتاد شهیدی که حقیقتاً نزد پیامبر به شهادت رسیده باشند، را به او می‌دهد» (مجلسی، ب ۱۴۰۳، ص ۳۵) و این ادب حضور، دستاوردهایی را در پی دارد که از جمله‌ی معارف آن، تبعیت و تسلیم بودن به اوامر ولی خداست، همان‌گونه که امام باقر علیه‌السلام «گوش دادن به سخنان امام و اطاعت از او را حق امام بر مردم می‌شمارد» (کلینی، ۱۳۷۵، ص ۴۰۵) و از این‌روست که شناخت آداب زیارت، برای هنرمندان ولایی، اهمیتی دو چندان پیدا می‌کند. زیارتگاه به‌طور اعم و ضریح به‌طور اخص، تصویری از حضور یک انسان کامل در بُعد الهی اوست. انسانی که جایگاه خلیفه الهی داشته و اکنون خواستگاه و چراغ هدایتی است برای مشتاقانش. ارتباط با عالم غیب بویژه در مکانی که فرشتگان در آمد و شد هستند، بیانگر نوعی ارتباط با عالم ابدی است و یا به عبارتی می‌توان حضور الهی را در آن فضا حس کرد و از نزول رحمت باریتعالی که از روح بلند صاحبان

این اماکن نشأت می‌گیرد، بهره برد و با این ملاقات روحانی در فضایی قدسی، مواجه انسان با خدا و ولی‌اش محقق می‌گردد (روحانی، ۱۳۸۸، ص ۶۲). ذات ضریح را می‌توان این‌گونه تعبیر نمود که نقطه مرکزی انتشار همه انوار قدسیه و حقایق حقیقه الهیه، در این فراز و نقطه عالم خلقت، نمود پیدا کرده است و می‌بایست منشأ نشر برکات اولوهی را در این مرکز هستی دانست، چراکه صاحبان آن مضاجع شریفه، بهانه خلقت می‌باشند. و اساساً ضریح چون مشکاتی بر زمین استقرار یافته است که تابشی مدام دارد و انوار قدسیه و قدوسیة آن، ساطع و برکاتش بر عالم منتشر است.

### جلوه‌های مختلف ضریح در نگاه ولایی تشیع

می‌توان ضریح را در صورت مجاهد فی سبیل‌اللهی دید که برای رفتن به میدان جوشن و زرهی بر تن کرده است و این‌گونه اشارت‌یست به انتظار ائمه‌ی معصومین و ذراری پاک رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، برای یاری و نصرت امام منتظر و دعوت شیعیان به انتظار فرج و اعتقاد به رجعت آن ذوات مقدسه است. حفره‌های بی‌شمار ضریح و چهره‌ی کندو مانند آن، روایت شریفی از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را یادآور می‌شود که می‌فرمایند: «شیعتنا بمنزلۃ النحل لو يعلم الناس ما فی أجوافها لأکلوها؛ شیعیان ما مانند زنبور عسل هستند. اگر مردم می‌دانستند درون آنها چیست آنها را می‌خوردند.» (حدیث، ۱۳۹۵) و از طرفی مقام ولایت از زبان دُرربار نبی اکرم (ص)، به عنوان یعسوب‌الدین معرفی شده است که یعسوب بیانگر پادشاه زنبوران و در این بیان، مجازاً مقام ولایت الهی حضرت معصومین (ع) است. حکایت زائرانی که بسان زنبوران عاشقی به‌گرد کندوی ضریح در طوافند و حضرت یعسوب‌الدین (ع) در حال نوشانیدن عسل مصفا‌ی معارف الهی بر جان تشنه و جویای حقیقت ایشان است، خود اشارت دیگریست از عوالمی که میان زائر و مزور بر گرد ضریح برقرار است (تصویر شماره ۱).



تصویر ۱. ضریح حضرت امام رضا علیه السلام، موسوم به ضریح سیمین و زرین؛ ماخذ: العالم، ۱۳۹۵

ارادت و دل‌باختگی مشتاقان آن ساحت قدسی را آشکار گردانیده است. درپای این ضریح شریف، آدمی یکسر مشاهده و مکاشفه است، به دیدار مولایی آمده است که سراسر رحمت است و کرم، و ضریح نورانی او نیز مملو است از معارف علوی و فاطمی و حسینی و رضوی، سلام الله علیهم اجمعین. عظمت مقام و وسعت جلال، زبان توصیف‌گر را به لکنت وامی‌دارد، و نوشتن پیرامون چنین جایگاه رفیعی که جان‌های شیدا را غرق حضور می‌کند و با جذب‌های ملکوتی خویش، هر دور افتاده‌ای را انیس می‌شود، تنها تسلی بخش سینه‌ی دور افتاده از محبوب است و تداعی‌گر جلوه‌ی حبیب، در خاطر مغفول.

### نور به عنوان عنصر نمادین ضریح و تجلیات مشکات گونه‌ی ضریح

با توجه به جایگاه ویژه‌ی زیارت در فرهنگ مسلمانان و ارتباط حسی و عقلی با نقاط عطف اماکن مقدس، عناصر نمادین ارزش ویژه‌ای پیدا می‌کند. از مهم‌ترین این عناصر، بهره‌گیری از نور است. تجلی این نور در مرکز و طواف به دور آن، بازتاب عرش الهی است. هرچه این بازتاب در تزئینات قدسی شبکه‌های ضریح، نقره‌کاری‌ها، قلم‌زنی‌ها و نقوش آمیخته با کلام و مضامین و حیانی، عمیق‌تر باشد، هنرمند قدسی در جایگاه خود، در خلق اثر ماندگار قدسی نقش بهتری ایفا کرده است. «حضور الهی در آرامگاهی که نشان از خلیفه‌اللهی دارد، برای نمایش وحدت فی‌مابین زمین و آسمان، می‌تواند بهترین الگو باشد. وحدتی که همه‌ی غنای عالم را به تنهایی داراست. در این راستا، هنرمندی که بتواند وحدت را در کثرت هنرها و بازگشت کثرت هنرها به وحدت، متجلی نماید، توانسته است به اصول ماندگار خلق معماری فضای زیارت موفق باشد. این مسیر تنها با به‌کارگیری از همه‌ی نقش‌ها و نگاره‌های کلیشه‌ای که در عناصر تزئینی برای مدت زمانی رایج بوده، محقق نمی‌شود بلکه، با پی بردن به اصول حاکم بر شکل‌گیری این هنرها و دلایل قدسی بودن آن، می‌تواند در خلق هنر قدسی بدرخشد.» (روحانی، ۱۳۸۸، ص ۶۲). تجلی نور در مرکز و طواف به دور آن، بازتاب

لذا ضریح به جهت چنین انتساباتی به آن مضجع شریف، شایسته است که حائز مرتبتی از نفاست ساختاری، هنری و ماهوی باشد و با بهره‌مندی از معارف عالی‌ه‌ی شیعی که تاکنون جان‌مایه و اصالت بخش و قوام ارکان استوار آن بوده است، کمافی‌السابق و چه‌بسا بهتر از گذشته، با مدد از آن ذوات مقدسه و بصیرتی نافذ و قلمی چیره‌دستانه به انتقال و واگویی حقایق الهیه و مهر امامیه و عقاید ولایه پرداخت و صورت قدسی ضریح را که مبتنی بر وقایع و حقایق و نقل مضامین و مصائب وارده بر صاحب آن مضجع شریف و شرح سیره و منش و کردار آن ذوات مقدسه و تجلیات نورانیه ایشان در عالم ملک و ملکوت است در حدِ قدر و توان عالم اسباب، به بروز و ظهور رسانید. و عالی‌ترین و دقیق‌ترین و ظریف‌ترین زیبایی‌ها و شیدایی‌ها را در این فضای قدسی لحاظ نموده و با نقش‌آفرینی‌هایی که با نگاه لطیف و ظرافت‌ها و عواطف هنرمندانه همراه باشد، اثری خردورزانه و هوشمندانه را به منصفه ظهور رسانید.

از این‌رو ضریح، این شاهکار بی‌بدیل ترکیب‌یافته از مجموعه‌ی هنرهای سنتی در فرهنگ و تمدن شیعی، در اوج شکوه و مجد و زیبایی خویش، با کمال جلوه و جمال در ظاهر، و عمق مفاهیم و محتوا در باطن، هیأت واحدیست با اجزای متکثره که به بیان دلدادگی محبین اهل بیت علیهم السلام و شیعیان و ارادتمندان به آل رسول صلی الله علیه و آله و سلم، پرداخته و ابلاغ

عرش الهی است. هرچه این بازتاب در تزئینات قدسی، شبکه‌های ضریح، نقره‌کاری‌ها، قلمزنی‌ها و نقوش آمیخته با کلام و مضامین وحیانی عمیق‌تر می‌شوند، هنرمند مؤمن در جایگاه خود، در خلق اثر ماندگار قدسی، نقش بهتر و بیشتری ایفا کرده است (همان ۶۴).

در لغت‌نامه دهخدا آمده است که: «مشکات طاقیست فراخ که در آن چراغ نهند و قندیل گذارند. و مشکات وسیله ای است که در آن چراغ و قندیل گذارند» (پارسی و یکیدیا، ۱۳۹۳). هیأت و ساختار عام ضریح، بسان مشکاتی است که از طاق و سقف، بر زمین نشسته است و مشکات عنصری مشبک شکل و حفره حفره‌ایست که از آن، نور به اطراف منتشر می‌گردد. و در جزء جزء خود، تکراری ذکر گونه را نشان می‌دهد. و این‌گونه برای دسترسی مؤمنین، مجال مواجه و رویارویی با نور را فراهم آورده است تا با نور قرین گردد و چشم به نوری که نورانی از آسمان گشته و از خلقتی نورانی برای درک بشری و برای دسترسی مؤمن دل‌آگاه با این چراغ و نور الهی است که اولیاءالله که نماینده خداوند بر روی زمین هستند به انزال رسیده است.

ضریح در اجزای خود، از مهره و ماسوره و واحدهای تکرار شونده، از دایره و نور افشانی، به واسطه‌ی فلزاتی چون فولاد و طلا و نقره و برنج و مس و ورشو که جملگی پس از صیقلی مفضل و در مقام و مرتبه آینه‌گی محیط مقابل خود، و به‌ویژه نور را منعکس می‌سازد. مضافاً خاصیت‌های فیزیکی هر کدام، به نوع خود، قابل بررسی است که در طلا و نقره علی‌الخصوص خاصیت فیزیکی ضد میکروبی و آنتی‌باکتریال را دارا می‌باشند و خاصیت‌های جامعی برای هر کدام از این فلزات، مفروض اهل علم است که موضوع مورد بحث این مقاله نیست. دلیل شأن و منزلتی که به این فلزات عنایت شده و رخصت و اذن حضور در حریم ولایت، به آنها عطا شده، همانا اشاراتی است که در قرآن مجید به لباس بهشتیان نموده و پوشاکی را که خداوند بر قامتشان شایسته دیده است، این‌گونه در سوره‌ی مبارکه‌ی انسان، آیه ۲۱ توصیف می‌کند که: «عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ

رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا؛ بر اندامشان جامه‌هایی از ابریشم نازک سبزرنگ و دیبای ستر است، و با دستبندهایی از نقره آراسته شده‌اند، و پروردگارشان باده طهور به آنان می‌نوشاند» (انصاریان، ۱۳۸۹، ص ۵۷۹) و در بیان جام‌های لبریز از شراب‌های طهور بهستی، در آیات ۱۵ و ۱۶ سوره‌ی شریفه‌ی انسان، می‌فرماید: «وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا، قَوَارِيرَ مِنْ فِضَّةٍ قَدْرُوهَا تَقْدِيرًا؛ ظرف‌هایی نقره‌فام و تُنگ‌هایی بلورین [که پُر از غذای مطبوع و نوشیدنی گوارا است] که در پیرامونشان می‌گردانند، و بلورهایی که [در زیبایی و صافی] چون نقره‌اند که آن‌ها را در اندازه‌های دقیق و متناسب اندازه‌گیری کرده‌اند» (انصاریان، ۱۳۸۹، ص ۵۷۹).

مع‌الوصف، نور بازتابیده شده از نقره و طلا و مهره و ماسوره، پس از ورود و خروج از میان حلقه‌های آینه-گون و صیقلی آن‌ها و نیز پنجره‌هایی که کاملاً همه چیز را برای مشاهده‌ی درون و برون، باز نگه داشته است؛ شاید با آذین‌های داخل ضریح که در بعضی از موارد با آینه، خاتم و یا قطعات زینتی هم‌چون چوب‌های الوان، عاج و جواهرات، تزئین یافته است، تلاقی کرده و سپس به چشمان زائر عاشق برخورد نماید تا تجلیات حسن محبوب را بر آینه‌ی دل او، جلوه‌گر سازد. در این حال زائر را چنان می‌بینی که از خویشتن غافل شده، دامن از دست داده و یک‌سر غرق راز و نیاز و مکاشفه‌ی با محبوب است، چشم و گوش و هوش از میان رفته، زائر سراسر در بهت حضور است.

**جلوه‌ی کعبه‌سان ضریح و تمثیل مُلکی و ملکوتی آن**  
در عالم مُلک، ضریح عنصری است بسان کعبه، که از پوشیدگی و حجاب درآمده است و راه را برای وصال به درون و برون خویش، باز نموده است، به‌نحوی که مجال تماس و محاوره با زائر را فراهم آورده و اشتیاق اتصال حیب و محبوب را دو صدچندان ساخته است. شور و عشقی که در لحظه‌ی التجا و توسل، به اوج بی‌تابی خود می‌رسد- فطوبی لهم- بلکه با تأملی بیشتر و با نظر استحسانی و زیبایی مضاعف و با محرابی‌های مکرر خویش، تداعی وجهی از صلوات و نمازی

و در کائنات برای زمین چون خورشید که حیات زمینیان را با خود گره داده است و ماه نیز به جهت قرابت بیش‌تر با زمین نسبت به سایر کرّات که هم عیاری و هم سنگی بیشتری دارد (تصویر شماره ۲).

است که از هرسویی به سمت کعبه می‌توان نمازگزارد و صلوات بجای آورد و آن نیز از نه جنس سنگ و گل، بلکه طلا و نقره است. طلا را نماد خورشید خوانده‌اند و نقره را پرتوی از نور ماه، که هر دو تمثیلی آسمانی دارند و فلکی



تصویر ۲. جزئیات ضریح سیمین و زرین امام رضا علیه السلام؛ ماخذ: نگارنده

ایرانی، به عنوان مثال در آثار مکشوفه از عیلام و املش، سبویی که جریانهای آب از آن سرازیر می‌شود و درختی در آن ریشه دارد، نماد درخت زندگی و آب حیات است» (mahboubian,1977: 404).

در قرآن کریم از درخت نام برده شده که مقام عرفانی بالایی دارد و از این جهت مقدس است و آن درخت سدره‌المتهی است. این درخت درختی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بهشت مشاهده کرد. در سوره نجم چنین آمده است: «وَهُوَ بِالْأَفُقِ الْأَعْلَى؛ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى؛ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى؛ فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى؛ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى؛ أَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَى؛ وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى؛ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى؛ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى؛ إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى؛ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى؛ لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى؛ [همان که] در برترین افق عالم بالاست، [افق معنویت و پیشگاه حق]؛ سپس [از آن

### حضور گلدانی و درخت و گیاهان بر سیمای ضریح

در پای ستون‌های اصلی این ضریح نورانی، گلدانی بسیار استوار و خوش قد و قامتی است و از مرکز این گلدانی‌ها، شجره‌ی نخلی استوار و همیشه سبز ظاهر گشته است که از ساقه‌های آن اجتماعی از گل‌های متعدده پنج پر و هشت پری و غنچه‌ها و گل‌های محمدی و نسترن ظهور پیدا کرده است که گوئیا که به استقبال صاحب این ضریح شریف و بارگاه رفیع و زوار گرامی او آمده‌اند و آن ضریح گرامی را در بر گرفته‌اند. (تصویر شماره ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰). «باور وجود درخت زندگی که همه‌ی دیگر گیاهان موجودات اعم از انسان و حیوان و حت از آن حیات میگیرند، در اغلب کیش‌ها و تمدن‌های کهن وجود داشته است» (دوبوکور، ۱۳۸۷، ص ۱۳). «سبو در هنر کهن ایران نماد آب است و به همین جهت در آثار هنری کهن



افق برای ابلاغ وحی به پیامبر [نزدیک و نزدیک تر شد؛ تا این که [فاصله اش با پیامبر به اندازه] دو کمان یا نزدیک تر گشت؛ آن گاه [خداوند به وسیله فرشته خود] آنچه را می‌بایست به بنده اش وحی کرد؛ آنچه را دل [پیامبر از حقایق الهی و فرشته وحی] دید اشتباه ندید؛ پس آیا درباره آنچه [صادقانه و درست] می‌بیند با او به گفت و گوی نادرست و بی دلیل می‌پردازید؟ بی تردید [پیامبر] او را در یک نزول دیگر نیز دیده است؛ در کنار «سدره المتهی»؛ که «جَنَّةُ الْمَأْوَى» نزد آن است؛ آن گاه که سدره را فروپوشاند آنچه فروپوشاند؛ دیده [دلش] نه منحرف شد و نه [از مرز حقیقت بینی] تجاوز کرد؛ به راستی برخی از نشانه‌های بزرگ [قدرت و ربوبیت] پروردگارش را دید» (انصاریان، ۱۳۸۹، ص ۵۲۶). «معنی درخت طوبی در ارتباط با گوهر شب‌افروز روشن می‌شود که در کوه سوم از کوه‌های قاف است و از وجود او، شب تاریک [ضمیر آدمی] روشن می‌شود و روشنی از درخت طوبی می‌گیرد» (پورنامداریان، ۱۳۷۵، ص ۲۷۸). «در قرآن کریم رابطه درخت حیاتبخش، آب حیات و آتش و نور مقدس با یکدیگر مطرح شده و خداوند از این منادها برای توصیف بهشت و نعمتهای فراوان آن بهره برده است. درخت که مایه حیات است و بهشتیان همه نوع میوه‌های از آن می‌خورند میوه‌هایی که هرگز تمام شدنی نیست (اشاره به حیات‌بخشی درخت)، در مرکز بهشت بر نه‌های جاری قرار دارد و نور خداوند بسان قندیلی از شاخه زیتون آویخته است و اخگر در قلب درخت قرار دارد و وحی به موسی علیه السلام از طریق درخت میرسد و آب منشا همه موجودات است. این اشارات نشان می‌دهد این نمادها با مقوله نیایش و پرستش مرتبط هستند و در فرهنگ اسلامی از تقدس ویژه‌ای برخوردارند زیرا نیروهای دخیل در آفرینش-گری پروردگارانند» (آیت الهی، علیدوست، ۱۳۹۳، ص ۳۳). با بیانی دیگر، glandانی و گل‌های روییده از آن در پای ستون‌های این ضریح شریف، اشارتی روحانی به آب حیات و شاخه‌ی طوبی و حوض کوثر و مقام آرامش اتصال به ذات باریتعالی و امنیت تام است و سیمای باغ بهشت و منشأ فیض و رحمت بهشتی و مقوم حیات، درخت طوبی را

در خاطر متصور می‌سازد. پیچیدگی شاخه‌های از هرسو رویده در این ضریح شریف در یکدیگر، نمایشی از انبوهی و تجمع ساقه‌های درختان بهشتی است که از هرسو میوه‌های خویش را در دسترس بهشتیان قرار داده‌اند و سایه‌ای دلپذیر و خنکایی جانبخش را فراهم آورده‌اند.

درخت به طور کلی یادآور انسان مومنی است که پای در زمین و دستی گشوده به سوی آسمان دارد. انسانی که با دعا و نیایش آفریدگار خود را می‌خواند و به او میل دارد (خلج امیرحسینی، ۱۳۸۹، ص ۳۳). از این‌رو، حضور نمادین درخت بر سیمای ضریح شریف رضوی می‌تواند هم نمودی از زائر در حال مناجات با خداوند و واسطه‌ی فیض او یعنی امام رضا علیه السلام باشد و هم می‌توان این‌گونه برداشت نمود که صاحب اصلی این ضریح و نقش مناجاتی که صورت‌گیری می‌کند، همانا جلوه‌ای از عبودیت و تضرع حضرت امام رضا علیه‌السلام را به نمایش گذاشته است و ایشان را به شکلی نمادین در حال دعا جهت برآورده شدن دعای مؤمنان به تصویر کشیده است. از طرفی دیگر، درخت، همان ماهیت نامتناهی قرآن است، قرآن از نماد درخت به گونه‌ای استفاده کرده است که خود را از این پندار ضمیر خودآگاه و ناخود آگاه مؤمن برهاند، که این هم نیز کتابی است در زمره‌ی کتب دیگر که کتاب مکنونی دل مؤمن نام دارد (لینگز، ۱۳۷۷، ص ۷۳). و از این رو، انتصاب نمادین درخت به حضرات معصومین علیهم السلام که خود قرآن ناطق و تفسیر و شرح عملی کتاب الله مجید هستند، از پشتوانه‌ی عمیق و معرفتی ویژه‌ای برخوردار است.



تصویر ۳. پاسنگ، پاسای اول، پاسای دوم و گلدانی ستون اصلی؛ ماخذ: العالم، ۱۳۹۵



تصویر ۴. نمونه‌ای از تزئینات قاب محوری بزرگ و پاسای اول ضریح سیمین و زرین امام رضا علیه السلام؛ ماخذ: عصر ظهور، ۱۳۹۶

### تعبیرات نمادین گل‌ها و اعداد در ضریح

طرح‌های پیچیده و ظریف که به عناصر و نمادهای شیعی اشاره دارد، نشان‌دهندی حُبّ به حضرت امیرالمؤمنین در دل هنرمندان است که به زیباترین وجهی تجلی یافته است. نقوش ختایی که متشکل از گل و نیم‌گل و غنچه و ساقه و برگ و جوانه است، جملگی حکایتی پر معنا در عالم ظهور و بروز را دارا هستند. مثلاً «گل شاه عباسی که گویا گل محمدی دو نیم شده است، نمادی از انسان کامل به روشنایی رسیده است» (خلج امیرحسینی، ۱۳۸۹، ص ۳۰). همچنین گل شاه عباسی، نمادی از سردار رشید اسلام و حامی آل الله، حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام می‌باشد. گل پروانه‌ای نیز که جلوه‌ی پروانه را یادآور می‌شود، اشارتی است از عاشق شیدای پاکباز نور که برای فنای در محبوب، خویشتن را در آتش عشق او می‌سازد و این‌گونه می‌توان از آن به عنوان نمادی از حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا سلام الله علیها که خویشتن را فدای ولایت علوی نمود و جلوه‌ی تامّ و تمام نورانیت بود، یاد نمود و یا به عنوان نمادی از حضرت زینب کبری سلام الله علیها که شیفته‌ی ولایت حسینی بود و در این راه با جان و دل، خریدار مصائب بسیاری گردید. و به عنوان مثال‌هایی از دیگر گل‌های به‌کار رفته در ضریح شریف رضوی، می‌توان از گل محمدی نام برد که، نه تنها از خوش‌عطر و بویی بهره‌مند

است بلکه این صفت خوش‌ریاحی و طراوت و جمال و رعنائی خویش را از انتساب خویش به گل سرسید عالم خلقت، حضرت محمد مصطفی، صلی الله علیه و آله و سلم، بهره دارد و صورت محبوس و مسطور و ناشکفته‌ی خویش را وام‌دار آینه داری از مقام شامخ جان پیامبر و وصی و پسر عم ایشان، اول مظلوم عالم، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، می‌باشد. همچنین گل نسترن که زیندگی حُسن و حَسَن و احسن را اشاره گر است، پرده گشای جلوه‌ای از روی دلربای سبط اکبر نبی اکرم، انیس دل دخت رسول خاتم، ولی کریم، پیشوای حُسن، امام حَسَن المجتبی و گل آفتابگردان، نمادی از حضرت شمس‌الشموس، انیس النفوس، سلطان اقلیم طوس، و نیز گل نرگس، اشارتی است به جلوه‌ی جمال حضرت بقیه الله الاعظم، الامام المنتظر، دُر دانه‌ی حضرت نرگس خاتون و امام حسن عسکری، سلام الله علیهم اجمعین و عجل الله تعالی فرجه الشریف، می‌باشد. اعداد مقدّس و رمزگونه نیز در فرهنگ شیعی، همچون سه، پنج و هشت که منتسب به حضرت سیدالشهدا علیه السلام و پنج‌تن آل عبا علیهم السلام و حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام هستند، جلواتی ویژه و چشمگیر و حاوی محتوا و معنایی متناسب در این ضریح نورانی دارند (تصویر شماره ۶ و ۸).



تصویر ۵. تصویر سمت راست، ستون اصلی ضریح سیمین و زرین؛ ماخذ: ناصری مهر، ۱۳۹۳، ص ۲۵۸  
و تصویر ۶. تصویر سمت چپ، ستون میانین ضریح سیمین و زرین؛ ماخذ: ناصری مهر، ۱۳۹۳، ص ۱۹۷.



تصویر ۷. تصویر سمت راست لچک محرابی ضریح سیمین و زرین؛ ماخذ: ناصری مهر، ۱۳۹۳، ص ۲۳۷.  
تصویر ۸. تصویر سمت چپ محرابی‌های تو در تو و پنجره در ضریح سیمین و زرین؛ ماخذ: ناصری مهر، ۱۳۹۳، ص ۲۳۱.



### محرابی محل اتحاد زائر و مزور در کنار ضریح

محراب در لغت و ریشه‌شناسی آن، به معنای محل حرب آمده است و در محراب عبادت، تلقی جنگ با نفس و ستیز با شیطان و اهریمن را افاده می‌کند. اما در فارسی، محراب را به صورت مهرباب نیز نوشته‌اند. مهرباب، مهربابه و مهرآباد را در زبان فارسی، محل مهر ورزی با حضرت حق، دانسته‌اند که این نکته به نظر صحیح‌تر و نزدیک‌تر به جان موضوع است و در شعر عرفایی چون حافظ شیرازی آمده است:

در عشق خانقاه و خرابات فرق نیست - هر جا که هست پرتو روی حبیب هست (قزوینی و غنی، ۱۳۷۵، ص ۵۴)

### و در قول و غزلی دیگر می‌گوید:

چراز کوی خرابات روی برتابم - کز این بهم به جهان هیچ رسم و راهی نیست (قزوینی و غنی، ۱۳۷۵، ص ۶۴)

با این نگاه عاشقانه، محراب دروازه‌ی بهشت است و به‌ویژه که بالای محرابی پنجره‌ها، به کلام وحی و احادیث شریفه، مزین شده و با نقوش اسلیمی و گل و بته زینت بخشیده شده است. که این‌گونه خود بیشتر مبین فضایی قدسی است. محراب در تفکر شیعی، دروازه‌ی ورود به عالم ملکوت است و محل حرکت به سوی خداوند جل و اعلی و اتصال به آن مقام پی‌مانند ربوبی. و این‌گونه محراب در ضریح کرارا تکرار می‌شود و همچون تلاوت ذکر، از محل پائین پای ضریح، شروع شده و دور تا دور آن به طواف می‌پردازد و یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هنری ضریح‌سازی شکل می‌گیرد. در این هنرنمایی مبارک، قوس نزول و صعود، یا رفت و برگشت محرابی، تعبیر و نمودی خواهد بود از مفاهیمی که متجلی از آیه‌ی شریفه‌ی «أنا لله و أنا الیه راجعون» است. و تمرکزی را روایت می‌کند که در اوج آن مقام اتصال به حضرت احدیت، جل و عظمه، قرار دارد (تصاویر شماره ۱ و ۲ و ۸ و ۹).

«کاربرد محراب به عنوان یک مکان مقدس، جهت‌دهی انسان مؤمن به سوی قبله است. در واقع محراب انسان را به سمت یک مرکز ثقل که یک مکان مقدس است هدایت می‌کند. در

مرکز این نقطه، کعبه، خانه خدا، قرار دارد که محل متمرکز همه نیروها و اندیشه‌های عرفانی و مهمترین محل ارتباط انسان مسلماً با خداست؛ اما از طرفی محراب یک پناه و یک مکان امن برای انسان مؤمن است که رابطه‌اش را با جهان ملکوتی برقرار می‌کند. از این جهت هر محراب به عنوان مکان مقدس می‌تواند یک مرکز تلقی شود، پس منادهایی که در این مرکز ظهور می‌یابند می‌توانند مرتبط با مفهوم منادین این مکان مقدس باشند» (آیت الهی، علیدوست، ۱۳۹۳، ص ۳۱).

### ضریح خانه بهشتی

ضریح هم برای مزور و صاحب مضجع و هم برای زائر خانه‌ای است بهشتی که هرچه تصور انسانی از عوالم ملکوت و عالم علوی دارد، مجتمع آن تصورات در خانه بهشتی ضریح جمع است و اساساً ضریح با انوار قدسی و قدوسی خود تفسیری مدلل و محکمی است از سوره‌ی نور و کوثر و یک ضیافت الوهی و آسمانی که در عالم مُلک بی مثال است و بی نمونه، گویی کاخ مجللی است و تخت و سریر پادشاهی بناگشته است که رفعت جایگاه مُلکی صاحب مضجع را به ضیافتی ملکوتی به مثال و تمثیل ببرد (تصویر شماره ۱).

### اجزای مختلف ضریح به تفکیک و برآورد مفاهیم مندرج

«با گذشت حدود چهار دهه از زمان نصب ضریح پیشین یعنی ضریح شیر و شکر، به مرور زمان ارکان این ضریح مستهلک و روکش‌های نقره‌ای و طلائی آن ساییده و به رغم تعمیرات مکرر به دلیل کمی ضخامت و فرورفتگی، از استحکام لازم برخوردار نبود، لذا ساخت ضریح پنجم مورد توجه قرار گرفت و پس از حدود پنج سال بررسی و نظرخواهی از صاحب‌نظران، براساس طرح ابتکاری و برگزیده استاد محمود فرشچیان هنرمند برجسته معاصر، توسط هیأت اجرایی مرکب از کارشناسان و هنرمندان برجسته و بر مبنای طرح‌ها و معیارهای مصوب و تحت نظر سازمان عمران و توسعه حریم حرم، کار ساخت ضریح جدید موسوم به ضریح سیمین و زرین از سال ۱۳۷۲ هجری شمسی آغاز شد و پس از آماده‌سازی،

عملیات اجرایی نصب پس از انجام آخرین مراسم غبارروبی ضریح قبلی، از شامگاه روز شنبه ۱۳۷۹/۱۰/۲۱ آغاز گردید و پس از اتمام کار در روز سه شنبه ۷۹/۱۲/۱۶ مقارن با عید سعید قربان، طی مراسمی بازگشایی روضه رضوی با ضریح جدید صورت گرفت» (قصابیان، ۱۳۸۰، ص ۱۱۸).

ضریح فعلی [موسوم به ضریح سیمین و زرین] که پنجمین ضریح نصب شده بر روی مرقد مطهر امام رضا (ع) می باشد حدود ۱۲ تن وزن دارد و از جمله ویژگی های آن، ضخامت پوشش نقره ای و طلائی آن و نیز اتصال روکش ها بدون پیچ می باشد. طول ضریح ۴/۷۸ متر و عرض آن ۳/۷۳ متر و ارتفاع آن با محاسبه سنگ و پایه ۳/۹۶ متر می باشد و جمعا دارای چهارده دهانه در اطراف است» (همان، ۱۳۸۰، ص ۱۱۸).

**اجزای مختلف ضریح شریف رضوی به تفکیک همراه با تحلیل محتوایی، شامل موارد زیر است:**

پاسنگ؛ در شرح و بیان این ضریح به طور مجمل و به حسب احترام از پائین ترین نقطه ممکنه که پاسنگ نام دارد شروع می کنیم (تصویر شماره ۲). این پاسنگ که مقدمه هیأت ضریح از پائین می باشد، از جنس مرمر به رنگ سبز و کرم، به ارتفاع ۳۰ سانتی متر، به ارتفاع این ضریح مدد رسانیده و همراه با رگه های سرخ شیوا و شیدایی که همچون خون ریخته و به صورت عمودی از داخل ضریح میل به بیرون دارد. این رگه ها بطور عام تحلیل و اشارتی است به شهادت جانسوز حضرت رضا علیه الصلوه و السلام. این پاسنگ با ابزار خوردگی و تراش افقی، چشم اندازی شیدا به قامت ضریح داده است. شکست انواع سطوح و نرمی و پاخوری منعطف و فاقد لبه های تیز و با منحنی های دلپذیر و نرم و با ایجاد حس آرامش بسیار در جسم و جان زوار و در چهارگوشه با ستون های قطور و تناوری که در ضمن ایجاد استقامت و صلابت، باعث استحکام در صورت قوت بنای ضریح است. (تصویر شماره ۲ و ۳).

پاسای یا پاسار؛ ضریح مبارک بطور عام از پائین ترین قسمتی که با پاسنگ تماس مستقیم دارد، دارای عنصری است با نام پاسای که رابط ستون های چهارگانه با ضریح است (تصویر

شماره ۴). وجود گلدانی ها در پای ستون، استحکامی ژرف به هیأت ستون ها می دهد. وجود گل های هشت پر و با تکرار پنج پری ها در گلدان پاسای، نمادی از زندگی و محل رویش گل و گیاه که بطور مؤکد به این نکته باید اشاره نمود که خود گلدان منشاء مظروف خویش یعنی آب و خاک، صاحب معنایی به سرشت بشری است. این گلدان با زینت های بسیار شیدا و با صورتی سه وجهی، اشاراتی پر معنا دارند که هنرمند شایسته آنها را عامدانه در نخستین نقطه شروع ضریح تعبیه نموده است. وجود ساقه ها و گل افشانی های هشت گانه، گسترانیده شده به اطراف و با غنچه های مختوم در کتیبه پاسای و بویژه پرتاووسی های مکرر، جملگی اشاره به انتشار ولایت و برکات وجودی صاحب مضجع (حضرت امام رضا علیه الصلوه و السلام) می باشد (تصویر شماره ۲ و ۴).

هر ظرفی معرف مظروف خویش است که از آن جمله با وجود گلدانی می توان پی به وجود آب برد. آب در منطق اسلامی جایگاهی رفیع را داراست و در کلام وحی در آیه ۳۰ سوره مبارکه انبیاء نیز آمده است: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا؛ و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم» (انصاریان، ۱۳۸۹، ص ۳۲۴). وعده حضرت حق در قرآن کریم به مؤمنان رستگار، وعده انهار عدیده ای است مانند کوثر، تسنیم و سلسبیل و رودهای جوشان و خروشان فراوان جاری در میان درختان سرسبز که فرشتگان و غلمان پاک سرشتی که با پذیرایی از اشربه های متنوع آسمانی و در نقطه اوج آن، پروردگار عالمیان که می فرماید خویشتن ساقی بهشتیان با شراب طهور بهشتی است، آنگونه که در آیه شریفه ۲۱ سوره مبارکه انسان می فرماید: «وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا؛ و پروردگارشان باده طهور به آنان می نوشاند» (انصاریان، ۱۳۸۹، ص ۵۷۹).

در تفکر شیعی بویژه آب نیز مرتبتی مهنّا و رفیعی دارد که وجود مبارک مولی الموحّدین حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) با لقب ساقی و یا ساقی کوثر، گواهی بر این مدعی است و لسان الغیب حافظ، نیز اینگونه به آستان حضرتش عرضه می دارد:

مردی ز کوندهی در خیبر پرس - اسرار کرم ز  
خواجه قنبر پرس  
گر طالب فیض حق به صدقی حافظ -  
سرچشمه آن ز ساقی کوثر پرس (فروینی و غنی،  
۱۳۷۵، ص ۳۹۳)

در جایگاهی منیر وجود مبارک حضرت زهرا  
سلام الله علیها که آب را مهریه خویش قرار می دهند  
و این نیز از رفعت مقام جامع آب گزارش دارد،  
آنگونه که امام باقر علیه السلام می فرمایند: « جَعَلَتْ  
لَهَا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَنْهَارٍ: الْفَرَاتِ وَ نَيْلِ مِصْرَ وَ  
نَهْرَوَانَ وَ نَهْرَ بَلْخِ. یعنی چهار نهر فرات، نیل،  
نهروان و بلخ در روی زمین برای حضرت زهرا -  
سلام الله علیها - قرار داده شده است» (مجلسی،  
۱۴۰۳، ص ۱۱۳). و با ادعایی دیگر می توان در  
صحرای کربلا که محشری عیان بر عالمیان بوده  
است، وجود نازنین حضرت سیدالشهداء علیه  
السلام و یاران باوفای بی مثالشان، آنچه را که طلب  
می کنند، آب است و آب. و یا از وجهی دیگر  
زیباترین و باوفا ترین یار و برادر مجاهد خویش،  
یعنی وجود نازنین قمر منیر بنی هاشم، ساقی  
العطاشا حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در  
مقام سقاییت و آب آوری قرار می گیرند و آخرین  
یار خویش را به سراغ آب می فرستند. آب در  
حقیقت تنزیل ولایت است و هر مؤمنی بدون  
ولی، سرگردان و پریشان است. همانگونه که آب  
منشاء حیات است، حیات بشری نیز به ولایت  
وابسته است.

ستون های اصلی ضریح؛ هر یک از ستون های  
اصلی و چهار گوشه ی ضریح با گلدانی سه  
بعدی، حجیم، شکیل و به گونه سنتی مدور  
و منقش در پای خویش، بنیاد خانه ی بهشتی  
و مصفایی را می گذارد به نام ضریح که هر  
آنچه از ساقه های تاکی و نیلوفری و آنچه در  
گل های ختایی از شکوفه های سیب و یاس و  
نرگسی و شقایق و لاله و برگ های پرتاووسی و  
لاله عباسی و گل های سه پر و پنج پر و هشت پر  
که هر کدام اشاراتی ولایی بر آن مترتب است را  
بنیان می نهد و اساس و پی همه ی نقوش آذین  
بندی شده به فضای ضریح است و این خانه  
بهشتی و نورانی را مزین می نماید (تصویر شماره  
۵ و ۲). این گلدانی با دل نشانی زینت خورده و

ساختاری از اسلیمی دارد و با قابی عیان، گل و  
غنچه های بسیار ظریفی را در بر گرفته است و با  
ختایی های رقصان و پر پیچ و خم و پر کرشمه  
در امتداد ستون با گل های هشت پری که محلی  
دیگر از انشعابات گل پنج پری و در محصوره ی  
پرتاووسی های ایستا و شکسته و به جان هم  
گروه خورده و تکیه به هم داده و در پناه یکدیگر  
غرق و قرین گشته اند.

واگیره ی تکرار شونده ی ستون با راز و رمزی  
مرز خود را پوشانیده و محل تکرار شوندگی را با  
ظرافتی هنرمندانه و خردمندانه به پنهانی برده است.  
این هنرمند چیره دست (استاد محمود فرشچیان)  
با هوشمندی ویژه ای، زیبایی ها را یکی پس از  
دیگری به صورت رمز آلود و با گره خوردگی تیز  
هوشانه ای به وصال یکدیگر می رساند و در انتها  
با مقرنسی شیوا و شیدا به شباهت محرابی های  
دوازده گانه، خاتمه می دهد. این محرابی ها خود  
نشان و نماد دین و ولایت و نماز است که وجود  
دوازده امام معصوم علیهم السلام خود، نماد نماز  
هستند. این ستون ها با مقرنسی های محرابی و با  
هندسه شکیل و زیبای اسلامی، چون مشعلی در  
چهار گوشه ی ضریح به نظر می آیند که با هیأتی  
متشابه با تاج ضریح که آن نیز صورتی مصباح  
گونه دارد و چون مشعلی می درخشد و نور افشانی  
می کند. گرچه هر ضریحی صاحب چهارستون  
در اطراف و اکناف خویش است، لیکن گویا  
از دیدی رمز پردازانه، چهار ستون ضریح به  
مانند نماز و زکات و روزه و حج تلقی گشته  
و بنیان اصلی و مرکزیت ضریح، ستون و رکن  
اصلی دیگر آن است که خود مقام ولی و ولایت  
و صاحب مضجع شریف می باشد که اساس دین  
و دنیای مؤمنین است و ستون های عرش نیز بر  
همین مبنا بنا گشته است. آنچنان که امام باقر  
علیه السلام فرمودند: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى الْخَمْسِ  
الْصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ  
يُنَادِ بِشَيْءٍ مَا تُؤَدَّى بِالْوَلَايَةِ يَوْمَ الْغَدِيرِ؛ اسلام بر  
پنج پایه استوار شده است: نماز، زکات، روزه،  
حج و ولایت و به هیچ چیز به اندازه آنچه در  
روز غدیر به ولایت تاکید شده، ندا نشده است»  
(کلینی، ۱۳۶۵، ص ۲۱).



## محرابی اصلی و محوری

ستون‌های جناحین مختوم و منتهی به محرابی بزرگ هر وجه از ضریح، که از جنس نقره‌ی ناب ۹۹ درصدی است و باعث تالو ضریح می‌گردد، در کنج فوقانی لچکی‌های اصلی این محرابی‌های بزرگ، وجود سه عنصر درشت‌تر از هر عنصری دیگر از جنس طلا به شکل گل آفتاب‌گردان رخ می‌نماید و بابرگهای پرتاووسی فشرده و در هم تنیده که گل‌های پنج‌پر را سخت به آغوش کشیده و از پُر بر و باری مفرط، شبیه به گل آفتابگردان که همانا اشاره به شمس‌الشموس، سلطان ارض طوس حضرت علی بن موسی الرضا علیه الصلوات و السلام و اشراق انوار ایشان به تمامی اطراف عالم از سرزمین درخشش نور، یعنی خراسان<sup>۱</sup> دارد. (تصویر شماره ۲ و ۷ و ۸ و ۹). در میان این گل‌های طلایی آفتابگردان مستقر در کنج‌های محرابی، القاب مقدسه و مطهره‌ی خداوند جل و اعلی: «یاقاضی الحاجات، یا مجیب الدعوات، یا ولی الحسنات، یا مقیل العثرات، یا غافر الخطیئات، یا راحم العبرات، یا منزل البرکات و یا رافع الدرجات» که جملگی از اسماء و صفات رحمانی و جمالی ذات پروردگار است که به هنگام و حسن سلیقه منحصر بفردی در کنار مضجع مرکز رضا و رضایت و امام رضا (ع) و فرزند مرتضی به زیبایی تام و تمام آورده شده است.

گل آفتابگردان در این موقعیت با کنگره‌های شانزده گانه، اشارتی ظریف در تصویر و نقوش مجرد به مقام چهارده معصوم همراه با احتساب حضرت زینب و حضرت ابوالفضل العباس سلام الله علیهم اجمعین دارد که باعث جلوه‌گری مضاعف شده است. وجود دو گل آفتابگردان دیگر در دو سوی همان گل آفتابگردان بزرگ که مزین به نام جلاله یا الله بوده و با سه بار تکرار در هر گل از جنس طلا با زمینه ای مات و نوشتاری برآق، خود را با این تضاد به غایت زیبایی و کمال رسانیده است. از زیر گل آفتابگردان مرکزی دو برگ پرتاووسی یا هیأت و جلوه‌ای از داستان رحمت و دِهش و بخشندگی در چپ و راست، نمود و ظهوری پیدا کرده است و اقتباسی است

۱. خراسان در ریشه شناسی لغات (ایتمولوژی): خور به معنای خورشید و خُرا به معنای نور و صفت نور و سان نیز به معنای مانند است و خراسان معنای بسان خورشید را دارد.

از فرازی از آیه شریفه ۶۴ سوره مبارکه مائده که می‌فرماید: «بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُوقِفُ كَيْفَ يَشَاءُ ؛ بلکه دست [قدرت خداوند به صورت کامل و بی نهایت] همواره گشوده و باز است، هرگونه که بخواهد انفاق می‌کند» (انصاریان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸). دو گل آفتابگردان جانبی همراه با ساقه‌های اسلیمی که با لطف ختایی قرین و از قهر و خشکی اسلیمی بدور می‌باشند، و به مهر گل و آذین ختایی نزدیک شده است، همگی از این دو دست و این دو برگ پرتاووسی نشأت گرفته است. همچنین هرچه ساقه‌های نیلوفری و حلقه‌های نیلوفری با گل و نیم‌گل و غنچه‌ها و برگ‌های پرتاووسی در طول افقی تا قاب قوسین و نیز دیواره ستون محرابی آورده شده است، جملگی از زیر گل آفتابگردان مرکزی منتشر و تسری پیدا نموده است.

ساقه‌های اسلیمی با قطر ضخیم‌تر نسبت به ساقه‌های ختایی و با عناصری عیان‌تر با صورتی جلی‌تر اما از جنس پرتاووسی و در لابلای آن از چنگ و گره و با قوت قلمزنی که موجب ایجاد شکست سطوحی برجسته‌تر گشته است، به نحوی که در این جلالت حضور، زیبایی‌های ساقه‌های ختایی را که مملو از گل و نیم‌گل و غنچه و برگ و گره را حامل است و در لابلای چرخش‌های موازی و بدون هیچ‌گونه فضای خلوتی و با جلوتی چشم‌نواز و خوشایند، در محیط این ضریح محاط گشته است. این حلقات و چرخش‌های مستانه به بیننده و زوآر، وجد و شوقی مضاعف منتقل می‌کند. در سیر صعودی این حلقه‌ها و ساقه‌ها از گل‌های آفتابگردانی به سمت راس محرابی با همان کیفیات صدرالذکر، درست در مرکز و پیشانی ضریح، در غایت تعادل و توازن و تقارن و تشابه و تناسبی ویژه دارد و دو منحنی محرابی قاب قوسین به‌طور بی‌بدیل و مثال زدنی، باکمال زیبایی به وصال خویش نزدیک می‌شود. عناصر در هنگام نزدیک شدن به نقطه وصال در مرکز محرابی، از مرتبه‌ی جلی به مرتبه خفی، یعنی کوچک و کوچکتر می‌شوند. در امتداد سیر نزولی ساقه‌های منتهی به قابی از دل‌نشان خاتمه می‌یابند که در بالای آن، با نشانی از نقش اسلیمی، گویی هیأتی انسانی وجود دارد که دو دست خویش را به حالت مناجات به آسمان برده و با آغوشی باز

از نزول برکاتی چون گل و غنچه و برگ و جوانه بر او فرو می‌آید شکرگزاری می‌کند و از وجد مواجه با این بوستان، دست‌افشانی می‌کند.

ستون‌های میانین (پنجره‌ها)؛ در ستون‌های محرابی‌های میانین نیز همان صورت دل‌نشان موجود در محرابی اصلی تکرار شده است، اما با این تفاوت که برای این ستون‌ها، سروی کشیده و راست قامت که سر به اوج دارد تعبیه شده است. سرو در نماد تصویر، نمایان ایستادگی در عالم طبیعت و تعیین و نمود همیشه سبز و با حیاتی ثابت و با وضعی ماندگار در صورت و تصویر می‌باشد و جلوه‌ای مقدس از دیرباز در فرهنگ و اندیشه‌ی ایرانیان دارد. و با بیانی دیگر سرو نمادی دیگر از مقام و مرتبت شهید است که همیشه زنده است و اشارتی به مقام شهادت و حیات جاویدان امام مظلوم و مسموم به زهر جفا، حضرت ثامن الحجج علیه آلف التهیة و الننا دارد و این معنا را به آیه شریفه‌ی ۱۶۹ سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران و امدار است، آنجا که می‌فرماید: « وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ؛ هرگز آنان را که در راه خدا کشته شدند مُرده مپندار، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان متنعم به روزی ویژه ای هستند » (انصاریان، ۱۳۸۹، ص ۷۲). با بیانی دیگر، سرو نماد حیات و زندگی جاودانه است و در زمستان مرگبار نباتات در طبیعت با وجهی ثابت و حی و در تابستان آفتاب‌سوز، با حیاتی سبز و ماندگار، سایه‌گستر محیط خویش و با جلواتی بهشتی در عالم مشاهده و متعین است که یادآور حیات و زندگی شجره است که باغات بهشتی بهای اجر این سایه نشینی در کنار این شجره‌ی طیبه‌ی اهل بیت علیهم السلام است. (تصویر شماره ۲ و ۶ و ۸).

در امتداد سرو، نشانی چهار دلی که اشاراتی به چهار وجه عالم وجود و ماده (آب، خاک، باد و آتش) دارند که به نحوی نماد عالم ماده هستند و جهات مختلفه‌ی عالم (شرق، غرب، شمال و جنوب) که اشارتی به نورافشانی و افاضه انوار رحمانی و ولایی صاحبان سرو امامت دارد. و از آنجایی که ائمه گرامی معصومین علیهم السلام، بهانه پیدایش خلقت هستند، هنرمند چیره دست

توانسته است با دستگیری از عالم غیب و مشاهد و شهود و سلوک و با هدایتی پنهان و پر رمز و راز از جانب انوار قدسیه اهل بیت علیهم السلام به وی انشاد<sup>۲</sup> گشته است و با مدد آنان ره به جایی نورانی‌تر برساند. در بالای نشان چهار دلی با هدایت و زینت گل‌ها و پرتاووسی‌ها به نشانی از دل و در اصطلاح دل‌نشان، به صورت لاله‌ای کشیده و با قامتی پر فراز از جنس طلای ناب برآق و در زمینه‌ای مات مواجه می‌شویم. خط محکم و زیبای ثلث و در نشان‌های مختلف، با اذکار شریفه‌ی لاله‌الاله‌الله، یا محمد رسول الله صلوات الله علیه و آله و نام قدسی ام‌الائمہ النجباء، یا فاطمه‌الزهره سلام الله علیها، یا علی بن ابی طالب و یا حسن المجتبی و نام تک تک ائمه معصومین تا ذکر یا حجه القائم المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سلام الله علیهم اجمعین، آورده شده است. لازم بذکر است که این مخطوطات به خط شیوای استاد مسلم معاصر، سید محمد حسینی موحد، در کمال زیبایی به نگارش در آمده است. محرابی‌های میانین؛ در بالای لاله ایستا و قامت کشیده در مرکز محرابی‌های میانین، شمشه‌ای مدور از جنس طلای مات و برآق به چشم می‌خورد که با خوشنویسی نام و القاب الهی همچون: یا اشفع الشافعی، یا اکرم الاکرمین، یا احکم الحاکمین، یا ارحم الراحمین، یا ابصر الناظرین، یا اطهر الطاهرین، یا اسمع السامعین، یا احسن الخالقین و سایر القاب قدسی پروردگار، زینت بخش نقطه طلایی وصال زائر و مزور می‌باشند. این شمشه نورانی در اوج نقطه‌ی طلایی هر ستون، مجموعه‌ای منسجم و به هم فشرده پرتاووسی‌های مجتمعی است که با به آغوش بردن پنج‌پره‌های مکرر (شکوفه‌های سیب و برگ و غنچه‌های ظریف) و به صورت پنهان و پیدا، رخ نشان می‌دهند. جلوت مضاعف این قاب نقره‌ای، چشم‌ها را به خلوت دلنشین اسماء الهی دعوت می‌کند (تصویر شماره ۲ و ۸ و ۹).

۲. فرقی است بین انشاء و انشاد که در انشاء، شما می‌گوئید و شما می‌نویسید و در مرتبه و مقام انشاد، به شما می‌گویند و شما می‌نویسید، همچون الهام و یا وحی خفی است.





تصویر ۹. محرابی‌های، کتیبه‌ها، تاج، شرفه‌ها و گلدانی در ضریح سیمین و زرین؛ ماخذ: ناصری مهر، ۱۳۹۳، ص ۲۳۷.



تصویر ۱۰. شرفه‌ها و کرسی فوقانی (بام ضریح) در ضریح سیمین و زرین؛ ماخذ: ناصری مهر، ۱۳۹۳، ص ۱۹۴.

گویی عهدی مجدد با ولی خود می‌بندد (تصویر شماره ۱ و ۲ و ۷ و ۸).

تقسیم بندی‌های بین محرابی‌ها؛ در فضای لوزی شکل میان محرابی‌های مرکزی که از تداخل محرابی‌های مکرر ایجاد شده، لاله نشانی از جنس طلا همچون مشعل و چراغی در میان و مرکز نقره‌ها می‌درخشد و با اذکاری همچون یا شفیع، یا سمیع، یا بصیر، یا کریم، یا رئوف یا جواد یا نور، که از اسماء و صفت الهی و مشترک با صفات ملکوتی صاحب مضجع شریف، حضرت ابالحسن علی بن موسی الرضا المرتضی علیهما الصلوات و السلام، آورده و مزین گشته است. و از اطراف و اکناف آن، دسته گل‌هایی از خوشه‌های ختایی از هرسو ظهور و بروزی خوشایند دارند که با دست‌افشانی پر حضور خود، بوستان بهشتی را یادآور می‌گردد (تصویر شماره ۱ و ۲). تعداد محرابی‌های درهم تنیده و گره خورده‌ی مکرر از محراب بزرگ و میانه و کوچک، همه و همه صاحب تکراری دوازده گانه هستند که هنرمند خردمند با احتساب دقیق قاب‌های محراب، هوشمندانه به عدد دوازده محراب که خود، نماد نماز و صلواتند، و بنا بر حدیث شریف علوی علیه السلام که می‌فرمایند: «أنا صلاة المؤمن؛ من روح نماز مومن هستم» (مستنبط، ۱۳۸۴، ص ۴۵۷). محرابی‌ها نمادی از ائمه اثنی عشری علیهم السلام هستند که در پهنای صورت و ظاهر ضریح مبارک به شیواترین وجه و وضع به نمایش گذارده است. و اتحاد محراب‌ها با یکدیگر بیانی از این نکته است که ائمه اطهار علیهم السلام همگی نور واحدی هستند و ذکر شریف یانور در بالای قوس محرابی بزرگ، بیانی دیگر از چنین مفهومی است. و این احتساب از کتاب مکنونه‌ی دل هنرمند ولایی، تراوشی عطرآگین و ایماگونه دارد.

کتیبه اول تاج، در منتهی الیه محرابی‌های مکرر، کتیبه‌ای زرین و طلایی به زینت نگارش سوره‌ی مبارکه‌ی هل اتی و در کمال زیبایی مفردات و ترکیبات خوشنویسی و با خلوتی متعادل با جلوتی متناسب و با خطی خوش و با روان‌خوانی نیکو، در شأن و همتایی با نقوش گردآمده بر تارک این ضریح مبارک، آورده شده است. این نگاشته از جنس طلای برآق بر زمینه‌ای از طلای مات و «به



تصویر ۱۱. کتیبه دوم و مقرنس در ضریح سیمین و زرین؛ ماخذ: ناصری مهر، ۱۳۹۳، ص ۱۹۱.



تصویر ۱۲. گلدانی و شرفه‌ها در ضریح سیمین و زرین؛ امام رضا علیه السلام؛ ماخذ: ۵۵ روز در محضر امام، ۱۳۷۲، ص ۲۶.

پنجره محرابی‌های ضریح؛ پنجره محرابی‌های ضریح متشکل از گوی و ماسوره‌هایی است که با بهره‌گیری از صنعت ریخته‌گری و همچنین استفاده از هنر تراشکاری و در نهایت با پرداخت‌گری و یا دواتگری به زینت و آزین رسیده و در میان خود با اهرم‌های فولادین به یکدیگر متصل می‌گردند. این گوی و ماسوره به‌طور عام از جنس نقره، به جهت ضد میکروب بودنش، مورد استفاده مدام است. گوی و ماسوره همان عنصر مدوری است که در امتداد گوی‌های دیگر با حدفواصل ماسوره‌ها که بواسطه‌ی ابزار خوردگی نرم و شیوا به هم اتصال دارند. این شبکه‌های ضریح که در امتداد یکدیگر در طول و عرض، ایجاد فضای محرابی شکلی مُشرف به درون ضریح و مضجع شریف نموده است و تا زائر حبیب از درون این شبکه‌ها و حال و هوای درون ضریح را به استشمام و نظاره نشانند، به قبولی زیارت خود مطمئن نیست و با دست‌ان خالی خویش را به هر کیفیتی به سمت شبکه‌ها برده و با گرفتن گوی، دست‌ان خویش را با این گوی نورانی پر نموده و با این اتصال،



رابطه‌ی گیوا و منسجم جای دارد. کتیبه‌ها، خطوط هندسی و خوشنویسی، نقش‌ها و رنگ‌های متنوع هرکدام دربردارنده مفاهیم و معانی تفکر برانگیزند (طباطبایی‌نیا، ۱۳۹۳).

شرفه‌های تاج؛ شرفه فرم و شکلی مدور و حد واسطی بین سطح و حجم و فضا می‌باشد که تنها به سطح و حجم خاتمه نیابد. بین هست و نیست و بود و نبود ضریح، شرفه نقش تعیین کننده و ویژه‌ای را داراست. و در بالاترین نقطه‌ی حد عدمی بام اول، این شرفه‌ها از جنسی مرکب از طلا و نقره و با ظرافتی خردورزانه با استفاده از نقوش و موتیف‌های اسلیمی، نام مبارک محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) با دو صورت متقارن با جنسی از نقره به صورت مشبک و در حالتی با قاب محرابی و بدون قاب آورده شده است. و نام مبارک علی (علیه السلام) با صورتی مشبک متقارن و از جنس طلا ساخته شده است که جملگی فقط با چشمان دقیق و تیز بین مؤمنین دل آگاه قابل رویت است که به شکل رمزآلودی قابل خوانش است. (تصویر شماره ۲ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۳). شیوه‌ی نگارش این شرفه‌ها به خط منثی است که با نام‌های خط متعکس، خط آینه‌ای و نام‌های متنوع دیگری از آن یاد شده است. این خط نخست برای مهرسازی کاربرد داشت اما در قطعه نویسی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نگارش خط منثی، به خاطر زیباتر شدن در ترکیب و قرینه‌سازی، بیشتر از خط ثلث استفاده می‌شود و مخترع این خط را مجنون رفیق هروی دانسته‌اند. (مقتدائی، ۱۳۹۳، ص ۸۴).



تصویر ۱۱۳. کتیبه دوم، مقرنس و شرفه‌ها در ضریح سیمین و زرین؛ ماخذ: ناصری مهر، ۱۳۹۳، ص ۱۹۲.

طول ۱۶,۷۶ متر و عرض ۱۴ سانتی متر» (عزیزیان، ۱۳۷۲، ص ۲۵) نگاشته شده است. (تصویر شماره ۱ و ۲ و ۹). مقرنس‌های بسیار ظریف و باریکی حد واسطی بین کتیبه‌ی نوشتاری اول و محراب‌ها شده است که به قول تحلیلگران هنرهای تجسمی، رابطی بین این دو فضا گشته است.

کتیبه دوم واگیره‌ای، مزین به اسماء الله؛ در بالای کتیبه‌ی اول (سوره‌ی هل اتی)، محرابی‌های مکرر و مسلسل با ترکیبی از نقره و طلا، همراه با نقش و خوشنویسی، از القاب مطهر و مقدس الهی وجود دارد و در هریک از قاب‌ها به ترتیب ذکر شریف یارحمن و در قاب مجاور خویش ذکر یارحیم به صورت متقارن نگاشته شده است. (تصویر شماره ۱ و ۲ و ۹)

مقرنس‌ها؛ حد فاصل بین محرابی‌ها و کتیبه‌ی اول، ترکیبی از نقش مقرنسی ظریف و شیدا و با تقسیمات هندسه‌ی فضایی، و با ترکیب از طلا و نقره و ذکر جلاله یاالله، دور تا دور این نقوش را واسط گردیده است. این تقسیمات هندسی به تمامی زیبایی‌های محیطی با دور و قوس و فرم‌های مدور خویش، چه در نقوش و چه در خوشنویسی فوقانی، مجال رویت زیبایی‌ها را بیشتر فراهم می‌سازد. (تصویر شماره ۱ و ۲ و ۹ و ۱۱ و ۱۳)

کتیبه فوقانی تاج (کتیبه سوم)؛ این کتیبه مزین به سوره مبارکه یس و با نگارشی بسیار فشرده و با ترکیبی مرکب و بسیار درهم تنیده شده و با جلوتی مضاعف و متداخل و با معاشقتی ژرف از کلمات و حیاتی به هم گره خورده و جان در گریبان هم برده‌اند. خوشنویس چیره دست با خط زیبای ثلث، آفرینشی شیدا برای انتقال مضامین زیبای قرآنی را به نمایش گذارده است. این کتیبه «به طول ۱۷,۶۶ متر و عرض ۱۸ سانتی متر» (قصابیان، ۱۳۸۰، ص ۱۱۸). با طلای براق بر روی زمینه‌ای از طلای مات نگاشته شده است. (تصویر شماره ۲ و ۹). لازم به ذکر است هرکدام از تقسیمات کتیبه‌ای با زه و زواری منقش و یا بصورت ابزار خورده، همچون قابی در درون خود، نوشته‌ها را جای داده است. این زه نقره‌ای به جهت ظرافت به صورت ریخته‌گری به دست می‌آید که هم قطر مقاومت و مداومت را حفظ نماید و هم زیبایی محیطی خویش را با خود دارا باشد. در این ضریح شریف ترکیب فضا، سطوح، احجام و تقسیم‌بندی‌های آن‌ها همگی در یک



تصویر ۱۶. شمسه هشت‌پر و قاب پیرامونی خاتم کاری شده آن در داخل ضریح سیمین و زرین امام رضا علیه السلام؛ ماخذ: ناصری مهر، ۱۳۹۳، ص ۱۰۸.



تصویر ۱۴. بام ضریح در حالت نصب در ضریح سیمین و زرین؛ ماخذ: جلالیان سده، ۱۳۹۳، ص ۲۰۵.



تصویر ۱۷. گلدانی نقره‌ای فوق ضریح سیمین و زرین امام رضا علیه السلام؛ ماخذ: ناصری مهر، ۱۳۹۳، ص ۱۰۸.



تصویر ۱۵. خاتم کاری درون ضریح سیمین و زرین امام رضا علیه السلام؛ ماخذ: ناصری مهر، ۱۳۹۳، ص ۲۳۰.

کرسی فوقانی؛ درکرسی یا بام فوقانی که به شکل مدور و اصطلاحاً به نام سینه‌کبوتری شهره دارد، نقشی شیدا و شیوا و با ترکیبی از ختایی و قاب‌های خوشایندی که حاوی محرابی‌های مکرر و متداخل که اصطلاحاً لاله‌ی ایستا و لاله‌ی واژگون را با خود داراست و در اصطلاح هنرهای

اسلامی به این نحو از رفت و آمدهای قاب‌ها، چین و شکن و یا شیر و شکر نیز می‌گویند. لاله‌ها در حالت ایستا (شیر)، نمادی از مجاهد فی سبیل الله را دارد و اشاره به حی و حیات اوست. لاله واژگون نیز (شکر)، اشاره به مقام شهادت دارد و باز در نمادی قرآنی، حی و روزی برنده در نزد حضرت حق است که ذکر مفصل آن پیشتر آمده شد. (تصویر شماره ۲ و ۱۰).

بام ضریح؛ در پس قاب‌های چین و شکن و در مرکزیت خارجی ضریح (پشت تاج و بام) صفحه‌ی منقش و بسیار زیبا از ترکیب واگیره‌های ختایی و با وجود گل‌های شاه عباسی و گل پنبه که اشارتی معنوی به لطافت مقامات ولایی دارد و با قلمزنی و برجسته‌نمایی‌هایی بر نقره، تالوویی مضاعف به هیأت و پیکره‌ی این ضریح از پائین و بالا و از کف تا اوج داده است. (تصویر شماره ۱۴). در مرکز این بام سیمین، شمس‌های متشکل از تکرار هشت نام مبارکه یا الله بصورت قرینه وجود دارد و در شعاع همین شمس حضور شش شمس‌های دیگر، مزین به ذکر نام یا الله با تکراری آینگی آمده است که در مجموع دوازده نام یا الله در گرد شمس مرکزی حضور دارند که جملگی این شمس‌های مرکزی و پیرامونی، از جنس زمینه‌ی مینای سیاه و با نگارش با خط طلائی و تزئینات ختایی نقره‌ای آزرین شده است که این صورت پدید آمده، با زبانی رمزگونه و اشارتی ولایی بیانگر مقام قرب ذوات مقدس معصومین علیهم السلام به خداوند ذوالجلال و الاکرام است.

شرفه‌های بام فوقانی؛ شرفه‌هایی از جنس طلا و بصورت ریخته‌گری و بشکل مشبک، نام مبارک علی (ع) را با قواره‌ای متقارن و رمز آلود، تکرار گشته است و محیط ضریح را محاط شده است. (تصویر شماره ۲ و ۱۰ و ۱۲).

گلدانی‌های بالای ضریح؛ در نهایت گلدانی‌های نقره‌ای که مزین به گل‌های ختایی قلمزنی شده و با کنگره‌هایی شیدا و با حجمی متناسب و شیوا در گوشه‌های ضریح، چشم هر زائری را به خود خیره ساخته و از هر چهار وجه ضریح در نقطه‌ی اوج با وجود گل‌های محمدی و رنگین، زیندگی خاص و بی‌مانندی را از خود به نمایش می‌گذارد. (تصویر شماره ۲ و ۹ و ۱۲ و ۱۷).

درون ضریح شریف؛ درون این ضریح نورانی و بی‌بدیل، پوششی ناب از هنری بسیار ظریف که در میان جمله‌ی هنرهای مستظرفه سری دیگر نسبت به سایر هنرها برافراشته است. «هنر خاتم‌سازی، ترکیبی از چوب و انواع متنوعه آن مانند چوب فوفل، نارنج، گردو، افرا، عناب، بغم، آبنوس، کهکم، کبوده و چنار را با ترکیبی از فلزاتی مانند مفتول‌های برنجی، مسی، آلومینیوم، ورشو و برنز و مواد طبیعی چون صدف، عاج، استخوان دیگر، در جان خویش دارد» (اسکندرپور خرمی، ۱۳۹۴ الف، ۳۱). «خاتم ترکیبی است از چندضلعی‌های منظم که با استفاده از مواد گوناگون در رنگ‌های مختلف ساخته می‌شود و علی‌اکبر دهخدا خاتم را این‌گونه تعریف نموده است: نشانندن پاره‌های استخوان و فلز با نقش و نگار در چوب» (مقتدایی، ب ۱۳۹۳، ص ۵۵)

در تزئینات داخلی این ضریح شریف، با قاب‌های هشت‌پر هندسی که در کنج سقف درون ضریح به خط جلی و بزرگی از ذکر شریف سبحان الله در مرکز هشت‌پری و در میان قابی با زمینه‌ای مشکی و با نوشته‌های طلائی به صورت خطوط بنایی با ذکر الله اکبر و تکراری مکرر دور تا دور آن، زینت بخش قاب گشته است. این خاتم‌کاری‌ها در داخل علاوه بر ستون، به صورت کتیبه‌ای گرداگرد پنجره‌ها و به صورت شمس‌های هشت ضلعی زنجیره‌ای به هم اتصال داشته و تزئینی مضاعف و چشمگیر در داخل ضریح شده است و دورتادور این هشت ضلعی‌هل، مرکب از چوب فوفل در زمینه و اذکار الله اکبر از چوب نارنج، زینت بخش قاب هشت‌پری و زه و زوارهای عمودی و افقی گشته است و چون قابی محور این نوشته‌ها را در بر گرفته است. حضور این الله اکبرها به گرد شمس هشت‌پری می‌تواند مفهوم صیانت پروردگار از پیشگاه حضرت امام رضا علیه السلام و حضور حضرتش در حصن حصین الهی را به ذهن متبادر سازد، علاوه بر اینکه در آداب تشرّف به بارگاه ایشان حضرت امام رضا علیه السلام، تکرار ذکر الله اکبر، سبحان الله و الحمد لله در احادیث شیعی وارد شده است. (تصویر شماره ۱۵ و ۱۶). در متن این سقف با تکرار شکوفه‌های سیب و برگ‌های پرتاووسی و گل‌گردهای پنج‌پری، تزئین شده



است. در مرکز این سقف، طاسه و گنبدی وجود دارد که از درون با مقرنس‌هایی از خاتم و با ذکر نام ائمه معصومین علیهم السلام در دیواره‌ی این طاسه و در اوج منحنی داخلی القابی نود و نه گانه حضرت حق، همچون: الفاتح، القاضی، السبوح، القدوس، الغفور، المؤید، الصبوح، الواسع، الکفیل، المعطی، المحصی، العادل، الکافی، المیع، البصیر و... در قاب‌هایی که هرچه به سمت بالا می‌رود، در جان همدیگر گره می‌خورد و از جان و چشم زوار دور می‌گردند و در مرکز طاسه، با نام جلالت الله بصورت گره خورده‌ای در متنی سیاه و مشکی خاتمه می‌یابد.

### نتیجه گیری و جمع‌بندی

در میان هنرمندان چیره‌دست مؤمن و متدین و ولایی که با تمسک و توسل به ائمه معصومین علیهم السلام، در امر ضریح‌سازی با قصد ابلاغ ارادت به ساحت قدسی آن ذوات مقدسه از روی ذوق و سلیقه‌ی خاص خویش، خالق آثاری بی‌بدیل و بی‌مانند در عرصه‌ی هنر بوده‌اند. صنعت ضریح‌سازی نیاز به واکاوی و معرفی بیشتری در سرزمین پاک ایران اسلامی را داشته و دارد که بسیار مهجور و مغفول مانده است. طراحان و سازندگان ضریح گرچه در سابق نیز با هوشیاری در انتخاب طرح‌های تزئینی و آیات و احادیث و اذکار، موجبات موفقیت در جهت ایجاد زیبایی بصری همراه با مفاهیم وحیانی و معنوی را فراهم می‌آورند. ولی امروزه سعی بر آن است که در جهت معرفی مقام ولایت و ویژگی‌هایی که ضریح را متصف به آن معصوم شریف می‌نماید، در نقوش نیز اهتمامی بوجود آید که حاوی پیام‌ها و معانی و مضامین شیعی بیشتری باشد و ضمن خلق زینت و تزئین و فخامت، در پی ابلاغ پیام و تفکرات شیعی در اوج شکوه و مجد و زیبایی باشد. ارائه نقش خوانی در نقش مجرد، خود یکی از روش‌هایی است که با تسری در جامعه هنری و نیز جوامع تخصصی و حتی عام بتوانند به تلقی معانی و مفاهیم در صورت را نیز آشنا گردند.

### منابع و ماخذ

۱. آیت اللهی، حبیب الله، علیدوست، حسین. (۱۳۹۳). «بررسی مفاهیم نمادین درخت، سبوی و قندیل در محراب زرن فام آستان قدس رضوی با توجه به آیات قرآن کریم»، آستان هنر، شماره ۸، صفحه ۳۰ تا ۳۷.
۲. اسکندرپور خرمی، پرویز. (الف ۱۳۹۴)، «معرفی ویژگی‌های به‌کار رفته در ساخت ضریح‌های ائمه معصومین علیهم السلام»، رساله دکترای رشته پژوهش هنر، دانشگاه شاهد.
۳. انصاریان، حسین. (۱۳۸۳) ترجمه مفاتیح الجنان، قم، دارالصادقین.
۴. انصاریان، حسین. (۱۳۸۹) ترجمه قرآن الکریم، تهران، اسوه.
۵. پورنامداریان، تقی. (۱۳۷۵)، رمز و داستان‌های رمزی، چاپ ۴، تهران، علمی و فرهنگی.
۶. تاج آبادی، رضا و دیگران. (۱۳۸۸)، «نقش و جایگاه ماندگار تذهیب در شکوفایی هنر اسلامی»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی هنرهای شیعی، اردبیل، سازمان میزات فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اردبیل.
۷. جلالیان سده، سعیده. (۱۳۹۳)، «تاریخ صندوق‌ها و ضریح‌های امام رضا علیه السلام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد، دانشگاه آزاد.
۸. خلیج امیرحسینی، مرتضی (۱۳۸۹)، رموز نهفته در هنر نگارگری، تهران، کتاب آبان.
۹. دوبوکور، مونیک (۱۳۸۷)، رمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری، چاپ سوم، تهران، نشر مرکز.
۱۰. روحانی، محمود. (۱۳۸۸)، «ضریح نمادی از تجسم نور، تهران»، کتاب ماه هنر، فروردین ۱۳۸۸، شماره ۱۲۷، صفحه ۶۰ تا ۶۵.
۱۱. طبری آملی، عماد الدین محمدبن علی. (۱۳۸۷)، بشارت‌ها؛ ترجمه بشاره المصطفی لشیعۀ المرتضی، مترجم: فربودی، محمد، قم، نهانندی.
۱۲. عزیزیان. (۱۳۷۲)، «گفتگو با مجری طرح تعویض ضریح مطهر امام رضا علیه السلام»،

- حرم، شماره ۸۵، صفحه ۲۴ تا ۳۰.
۱۳. قزوینی، محمد؛ غنی، قاسم (۱۳۷۵)، دیوان حافظ، تهران، فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. کرین، هانری. (۱۳۸۹)، معبد و مکاشفه، ترجمه انشاء الله رحمتی، تهران، سوفیا.
۱۵. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. لینگز، مارتین. (۱۳۷۷)، هنر خط و تذهیب قرآنی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران، گروس.
۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار الجامعه لعلوم الائمه الاطهار، مجلد ۴۳، چاپ دوم، بیروت، دار حیاء التراث العربی.
۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار الجامعه لعلوم الائمه الاطهار، مجلد ۹۹، چاپ دوم، بیروت، دار حیاء التراث العربی.
۱۹. مستنبط، سید احمد (۱۳۸۴)، قطره ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، ترجمه محمد ظریف، قم، حاذق.
۲۰. مقتدائی، علی اصغر. (۱۳۹۳)، مبادی و مبانی اصول خطوط و خوشنویسی اسلامی ایران ۲، تهران، پیام نور.
۲۱. مقتدائی، علی اصغر. (۱۳۹۳)، شناخت و ارزیابی کاربردی هنر اسلامی ایران ۳، تهران، پیام نور.
۲۲. مهدوی نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۱)، «هنر اسلامی در چالش مفاهیم معاصر و افق‌های جدید»، هنرهای زیبا، شماره ۱۲، صفحه ۲۵.
۲۳. ناصری مهر، علی اصغر. (۱۳۹۳)، ضریح مهربانی، مشهد، موسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی.
۲۴. «۵۵ روز در محضر امام»، حرم، شماره ۸۵، صفحه ۲۶ تا ۳۰.
۲۵. پارسی ویکی، لغت نامه دهخدا، واژه (مشکات)، بازیابی در ۱۳۹۳/۳/۱۰ قابل دسترسی در آدرس: 68.67.73.14 / dekhodaworddetail - 32 da37ee16e14a71a8eb4ce3de1a27f8-fa.html
۲۶. عطار نیشابوری، منطق الطیر، بیان وادی فقر، حکایت پروانگان که از مطلوب خود خبر می‌خواستند، بازیابی در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۶ قابل دسترسی در آدرس: ganjoor.net/attar/

## بازشناسی مفهوم تعامل میدان و باغ‌های سلطنتی (دولتخانه‌های دوره صفویه): بررسی رابطه دوسویه فضای عمومی با قدرت متمرکز\*

**مهکامه لوفی** - دانش‌آموخته دکتری معماری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
**منصور سپهری مقدم\*\*** - استادیار گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
**فرح حبیب** - استاد گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

### Recognition of the Concept of the Interaction between Safavid Square and Royal Gardens "Investigating the Mutual Relationship between Public Space and Centralized Power"

#### Abstract

Formation of the Safavid Empire can be regarded as a milestone in the relationship between power and space production in Iranian cities. Since, for the first time, we can see the appearance of public spaces in Iranian cities where the main elements of the city were located in their neighborhood and provided a center with political, religious and economic power respectively. At this time, square played a significant role as a gateway to the royal garden; The present research aims at investigating the recognition of the interaction between Square and Royal Gardens (Safavid Royal Court) or rather, recognition of the role of the public space of square in relation to the discourse of centralized power. To find this relationship, it is necessary to analyze and interpret the first rate resources and documents written simultaneously with the formulation of such buildings. Hence, this study is a qualitative and historical research that, using analytical-descriptive method, attempts to find the symbolic function of urban elements in the course of social and political changes of that era. The analytical approach used in this essay for the interpretation of the role of squares is influenced by the arguments of Foucault and Bourdieu as well as Henri Lefebvre's social ideas. Using this approach, we came to know that according to Safavid royal courts, square has conceptually differed from what has been the place of public gathering and people interaction, and has been instead a center for the display of central power and the use of economic and religious powers to strengthen the Safavid dynasty.

**Keywords:** square; Royal Gardens (Safavid Royal Court); power; public place

#### چکیده

تشکیل دولت صفوی را می‌توان نقطه عطفی در روابط قدرت و تولید فضا در شهرهای ایرانی برشمرد. چراکه برای اولین بار شاهد حضور میدان‌های عمومی در شهرهای ایران به صورتی بودیم که عناصر اصلی و عمومی شهر در جوار آن قرار گرفته و مرکزی با قدرت سیاسی، مذهبی، اقتصادی در قلب شهر پدیدآورد. در این زمان میدان همچون جلوخانی برای باغ سلطنتی نقش مهمی ایفای می‌کند. هدف اصلی پژوهش حاضر، شناخت چگونگی تعامل میدان و باغ‌های سلطنتی و به عبارتی بازشناسی نقش فضای عمومی میدان در رابطه با گفتمان قدرت متمرکز است. برای یافتن این رابطه لازم است، منابع و اسناد تاریخی درجه اول تحلیل و تفسیر شوند. لذا ماهیت این پژوهش کیفی و تاریخی است و با روش تحلیلی-توصیفی، سعی در یافتن کارکرد نمادین عناصر شهری در جریان تغییرات اجتماعی و سیاسی آن دوران دارد. رویکرد تحلیلی مورد استفاده در تفسیر نقش میدان‌ها در این مقاله با تاسی از مباحث مطرح شده توسط فوکو، بوردیو و نظریات اجتماعی هنری لوفور می‌باشد. این رویکردها سبب گردید تا دریابیم دولتخانه‌های صفوی، میدان را متفاوت از آنچه به معنای محل گردهمایی عمومی و مکان برقراری تعامل میان مردم وجود دارد، تغییر شکل مفهومی داده و از آن به عنوان مرکزی برای نمایش قدرت - مرکزی و استفاده از قدرت‌های اقتصادی و مذهبی برای تقویت حکومت صفوی بهره‌برداری نموده است. واژگان کلیدی: میدان، باغ‌های سلطنتی (دولتخانه‌های صفوی)، قدرت، فضای عمومی.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری مهکامه لوفی با عنوان «بازشناسی و تحلیل عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری میدان و دولتخانه اصفهان در عصر صفوی» است که به راهنمایی دکتر منصور سپهری مقدم و مشاوره دکتر فرح حبیب در دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران انجام پذیرفته است.

\*\* مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۱۰۲۵۹۹۰، رایانامه: m-sepehri@sbiau.ac.ir

به گواه تاریخ، معمولاً با سبکی با شکوه و از مصالح ساختمانی مرغوب ساخته شده‌اند. در ورای این شکوه و جلال، حضور حکمرانانی قوی احساس می‌شود، به طوری که ساختمان‌های چنین شهری گویای ویژگی‌های نظام سیاسی حاکم می‌باشند. قالب شدن نیروی سیاسی در توسعه کالبدی شهرها معمولاً با ظهور یافت دوگانه همراه است. چنان‌که بخشی از شهر که توسط نیروی سیاسی احداث می‌شوند و در جهت نشان دادن شکوه و عظمت حکومت می‌باشد، واجد بافت زیبا، محکم و پایدار است (معمدی مهر و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۷۵). سازمان فضایی شهرهای ایران در طول ادوار تاریخی تحت تاثیر عوامل گوناگون به ویژه قدرت سیاسی متمرکز در حاکمیت قرار گرفته است. میدان و دولخانه‌های صفوی مهمترین نماد و بازتاب شیوه اعمال قدرت در عصر صفوی بوده‌اند. بررسی سیر تحولات فضایی کاخ‌های حکومتی تا دوره صفوی نشانگر سیر تحول در گفتمان قدرت در تاریخ ایران است، تحولی که با گفتمان قدرت-دفاع آغاز می‌شود و در قدرت-سیاست به کمال می‌رسد.

#### پیشینه تحقیق

مطالعات پیرامون مجموعه میدان و باغ‌های سلطنتی دوره صفوی را به طور کلی می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

گروه اول، مطالعاتی هستند که صرفاً از جنبه توصیفی به تشریح خصوصیات ظاهری اجزای تشکیل دهنده شهر، از جمله میدان و عناصر پیرامون آن پرداخته‌اند. این مطالعات از دیدی صرفاً تاریخی به توصیف آثار و ابنیه دوره صفوی پرداخته‌اند. در این میان می‌توان به آثار مستشرقان و سیاحان اروپایی، به ویژه در قالب سفرنامه‌ها نوشته‌اند. از این جمله می‌توان به سفرنامه پیترو دل‌واله در دوره شاه عباس (دل‌واله، ۱۳۴۸)، سفرنامه شاردن (شاردن، ۱۳۶۲) و سفرنامه انگلبرت کمپفر (کمپفر، ۱۳۶۰) اشاره کرد. این آثار، از نظر اطلاعاتی که در مورد مجموعه میدان و دولخانه‌های صفوی می‌دهند، از اهمیت بسیار برخوردارند. گروهی از مطالعات هم که از سالهای پایانی دوره قاجار بدین سو موجودند؛ مانند کتاب «نصف جهان فی تعریف الاصفهان» اثر محمد مهدی اصفهانی یا آثار لطف‌الله

تشکیل دولت صفویان در آغاز قرن دهم هجری نقطه عطفی در تاریخ ایران به شمار می‌آید. چنان که بسیاری، آن را فصل نوینی هم برای ایران و هم برای تشیع دانسته‌اند. اما بایستی توجه داشت، دوران حیات صفویان که نزدیک به دو قرن و نیم از ۹۰۷ تا ۱۱۳۵ هجری قمری ادامه داشت، خود نیز شاهد تحولات قابل توجهی بوده و شرایط دولت صفوی از آغاز تا پایان، یکسان نبوده است، به گونه‌ای که طریقت صفوی و فرقه‌های صوفیان قزلباش که نقش مسلم و انکارناپذیری در حیات اجتماعی شهرهای صفوی در اوایل این دوره داشتند، به تدریج جای خود را به نقش بی‌رقیب پادشاه و حاکمیت مطلق او سپردند. الگوهای توسعه شهری صفوی در پایتختهای صفوی در شهرهای تبریز، قزوین و اصفهان دارای شباهتهای زیادی در بکارگیری عناصر ساختاری برای بیان قدرت نمادین و مشروعیت سلطنت هستند. اینکه میدان همچون فضای باز وسیعی به عنوان جلوخان دولخانه و باغات سلطنتی تعریف می‌شود و اینکه چنین نحوه تولید فضایی چه معانی را در بردارد، هدف پژوهش حاضر است. برای رسیدن به چنین مفاهیمی، برخی از متون و اسناد تاریخی بسیار ارزشمند که تا به حال کمتر مورد توجه محققین نبوده است، مورد تحلیل قرار گرفته است. این متون ما را در فهم رابطه قدرت مطلق و شکل‌گیری باغات سلطنتی یاری می‌نماید. اینکه در این متون و اسناد چگونه باغ و دولخانه صفوی فراتر از شکل کالبدی در گفتمان قدرت مطلق شاه تفسیر می‌شوند، هدف اصلی پژوهش حاضر است.

مبانی نظری این پژوهش بر پایه نظریات «فوکو، هنری لوفور، بوردیو و داوی» پیرامون رابطه فضای ساخته شده و گفتمان قدرت تبیین می‌گردد. اینکه چگونه فرم‌های ساخته شده معماری به عنوان واسطه‌هایی برای اعمال قدرت عمل می‌کنند. از دیدگاه آنان، شهرهای قدرتمدار، دارای مکان‌های تجلی قدرت و به تعبیری دیگر نمادی از شکوه و جلال حکومت‌ها می‌باشد. قدرت در هر جامعه ای تلاش می‌کند تا محیط، مکان و فضا را تحت کنترل قرار دهد. شهر فضایی است که توسط قدرت مدیریت می‌شود، اگرچه این توده‌های بی‌قدرت اند که در عمل آن را اشغال می‌کنند. شهرهای قدرتمدار



هنرفر، از جمله گنجینه آثار تاریخی اصفهان و آشنایی با اصفهان در این زمهره‌اند.

گروه دوم مطالعاتی هستند که با توجه به اسناد تاریخی و گراورهای سیاحان غربی، سعی در بازسازی مجموعه میدان و دولت‌خانه‌های صفوی در پایتخت‌ها و یا شهرهای مهم همچون اشرف، فرح‌آباد و ساری و یا ارائه الگوهای آنان داشته‌اند. از این گروه می‌توان به مقالات مهوش عالمی تحت عنوان «باغ‌های شاه‌ی اشرف و فرح‌آباد» (Alemi, 1994)، «باغ‌های سلطنتی صفویه در ساری» (Alemi, 1996)، «باغ‌های صفویه: گونه‌ها و الگوها» (Alemi, 1997)، «باغ‌های شاه‌ی عهد صفوی و روابط آنها با شهر» (Alemi, 2005)، «باغ‌های تبریز» (عالمی، ۱۳۹۰) و یا به مقاله «بازخوانی میدان صاحب‌آباد از روی تصاویر شاردن و مطراق‌چی بر اساس متون تاریخی» (حناچی و همکاران، ۱۳۸۵)، «باغ صاحب‌آباد تبریز» (بانی مسعود، ۱۳۸۴) و «طرح پژوهشی سیر تحول سازمان فضایی شهر قزوین» (منصوری و همکاران، ۱۳۹۱) اشاره کرد. برخی از این مطالعات نیز در زمهره کاوشهای باستان‌شناسی و از طریق گمانه‌زنی و حفاریها سعی در بازسازی نقشه دولت‌خانه‌های صفوی داشته‌اند. در این نوع مطالعات بر خود «بنا» بعنوان اصلی‌ترین مدرک موجود استناد شده است. از آن جمله می‌توان به مطالعه اوزینو گالدیری در مورد «کاخ عالی قاپو» (گالدیری، ۱۳۶۱) و مقاله «طراحی شهری قزوین عصر صفوی و بازار قاجاری» (Wirth 1997) و «گمانه‌زنی در مجموعه صاحب‌آباد و مجموعه حسن پادشاه» (عمرانی‌پور و همکاران، ۱۳۸۶) اشاره کرد. نتایج حاصل از این مطالعات ارزشمند است، و در این پژوهش در تحلیل ساختار شکلی مجموعه‌های دوره صفوی اهمیت دارند.

گروه سوم، مطالعاتی هستند که رابطه بین اشکال شهری و معانی موجود در آنها را بررسی کرده. این دسته از مطالعات در جستجوی رابطه بین تحولات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی و اشکال شهری یا بررسی مکاتب فکری و تاثیر آن در ساخت مجموعه‌های دوره صفوی است. کتاب «از شار تا شهر؛ تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن» (حبیبی، ۱۳۸۰) و پژوهش «مکتب اصفهان در شهرسازی» (اهری، ۱۳۸۰) از جمله این پژوهشها هستند.

رویکرد پژوهش حاضر نیز از نوع سوم است و با این تفاوت که با استناد به تاریخ‌نامه‌ها و متون ادبی درجه یک و رویکردهای استعاری نهفته در آنها در نگرش به باغ‌های صفوی سعی در یافتن رویکردهای مفهومی در رابطه تعاملی میدان و باغهای سلطنتی در دوره صفوی است. در این راستا اسناد تاریخی ارزشمندی که در همان محدوده زمانی شکل‌گیری مجموعه دولتخانه‌های صفوی به نگارش درآمده‌اند مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

### روش تحقیق

ماهیت این پژوهش تاریخی و کیفی است، و از روش توصیفی - تحلیلی بهره گرفته شده است. در بخش تاریخی تلاش می‌شود که تنها به تاریخ‌نگاری پراخته نشود، بلکه از طریق تحلیل و تفسیر تاریخی به فضا و زمان تاریخی توجه شود. برای انتخاب نمونه‌ها و طبقه‌بندی آنها از روش توصیفی استفاده خواهد شد و در وهله نخست به توصیف نمونه‌ها براساس اجزاء، عناصر یا ویژگی‌های قابل مشاهده آنها پرداخته می‌شود. سپس با بهره بردن از روش تحلیلی از طریق تحلیل متون تاریخی درجه اول کوشش خواهد شد که نتایج اولیه مورد بحث و بررسی قرارگیرد. شیوه گردآوری اطلاعات، به روش کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. تجزیه و تحلیل اطلاعات از روند خطی تبعیت نخواهد کرد و همزمان از روش تطبیقی یا مقایسه‌ای (قیاسی) و روش استقرایی استفاده می‌شود.

### مبانی نظری تحقیق

#### ارتباط فضای شهری با شیوه‌های اعمال قدرت

ریشه‌های نظری رابطه تعاملی قدرت و اعمال کنترل در گفتمان فضا را می‌توان در اندیشه‌ها و نظریات اندیشمندانی چون فوکو، بوردیو و لوفور یافت. در دیدگاه‌های میشل فوکو تاکید بر این است که رابطه تعاملی بین متن و زمینه وجود دارد. همچنین رابطه تعاملی و دیالکتیکی بین «گفتمان، قدرت، دانش و حقیقت» وجود دارد. در تحلیل گفتمان، مجموع اوضاع اجتماعی، زمینه وقوع متن، ارتباطات غیرکلامی و رابطه ساختارها و واژه‌ها در گزاره‌ای کلی نگریسته می‌شود. لوفور نیز فضای اجتماعی را شامل سه بعد

دانسته است؛ ۱) جریان‌های فیزیکی و مادی؛ انتقال‌ها و تعاملاتی که در سرتاسر فضا اتفاق می‌افتد؛ ۲) بازنمایی مفاهیم فضایی فضا، دانش و گفت‌وگو ایجاد شده توسط معمارها، دانشمندان، برنامه‌ریزان و توسعه‌دهندگان که معانی یا امکاناتی را برای اعمال فضایی پیشنهاد می‌کنند؛ ۳) فضای بازنمایی شده که به چنین اعمال مادی اجازه می‌دهند تا فهمیده و درک شوند. لوفور مدعی است که بورژوازی و مخلوق سیاسی آن یعنی حکومت، فضای شهری را تولید کرده و سپس از آن به عنوان مهم‌ترین سلاح ایدئولوژیک قدرت استفاده کرده است (Jacobs, 2008, 26).

«بورديو» نظام اجتماعی را یک نظام نمادین می‌نامد که سیستم‌هایی از ساختار ذهنی، سیستم‌های طبقاتی یا اصول سلسله مراتبی هستند. این نظام نمادین کارکرد سیاسی خودشان را به انجام می‌رساند، همانند ابزاری که کمک می‌کند مطمئن شویم که یک طبقه بر طبقات دیگر از طریق بدست آوردن قدرت متمایز خودشان مسلط است (خشونت نمادین) و تضمین‌کننده روابط قدرتی است که آنها زمینه‌سازی کرده‌اند (Geciene, 2002, 118).

کیم داوی، در کتاب «قاب‌بندی مکان: میانجی‌گری قدرت در فرم ساخته شده» تأثیر ابعاد عمده رفتار اجتماعی را بر معماری مطرح کرده است. وی در این کتاب به این موضوع پرداخته است که چگونه فرم‌های ساخته شده معماری به عنوان واسطه‌هایی برای اعمال قدرت عمل می‌کنند و چگونه زندگی ما در اتاق‌ها،

ساختمان‌ها، خیابان‌ها و شهرهایی که در آن ساکن هستیم، شکل می‌گیرد (Dovey, 2002, 19). همواره تمایل قوی برای نشان دادن و اعمال قدرت روی مردم و چشم‌اندازها وجود دارد. این تمایل در هر سیستم سیاسی وجود دارد. قدرت عملاً برای تأثیر روی جنبه‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی نیاز دارد که مادی شده و قابل دید گردد، به طوری که هیچ شخصی در اینکه چه کسی قدرت را در دست دارد، تردید نکند (Czepczyński, 2010, 69).

حکمرانی و فرمانروایی بر چشم‌انداز در هر دو بخش فرم‌ها و کارکرد و به‌ویژه معانی و مفاهیم یکی از اولویت‌های قدرت است. نیاز حکمرانان به نشان‌دادن حقوق، قدرت، کنترل و به‌همان اندازه برتری و امتیازاتشان، برجسته است و به‌طور معمول در پروژه‌های آنان این‌نیاز برطرف می‌شود. حک کردن و کنترل مکان‌ها درون قلمرو برای تسلط و سلطه انجام می‌شود (Czepczyński, 47, 2008).

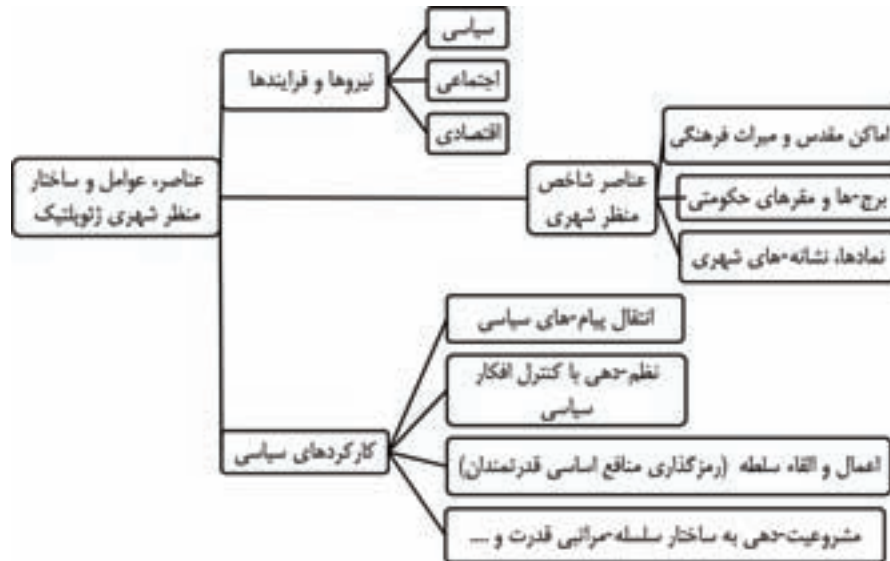
در اینجا هدف عمده سیاست و بازیگران سیاسی در فضای شهر تسلط بر مکانیسم‌ها و ابزار تولید و خلق معانی می‌باشد که هدف غایی آن تعیین هویت فضای شهری در جهت کسب و حفظ منافع و مشروعیت حکمرانی و تعیین کاربری فضا است. اهمیت نیاز به دیده‌شدن در فضای شهر که برای مشروعیت وجودش و توجیه نحوه عملکردش و تسهیل در اعمال قدرت و اداره جامعه ضروری می‌باشد در نمودار ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱. رابطه نظام سیاسی ایدئولوژیک و خلق فضای شهری؛ ماخذ: خوجم لی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳

## مدل مفهومی پژوهش

از لحاظ چارچوب مفهومی، مفهوم ژئوپلیتیک منظر شهر به بحث قدرت و سیاست در فضای شهر می‌پردازد (نمودار ۲).



نمودار ۲. عناصر و ساختار منظر شهری ژئوپلیتیک؛ ماخذ: نگارندگان

## مروری تاریخی، باغ‌ها در تعامل با اقامتگاه‌های شاهی

اولین مدارکی که دال بر برپایی باغ‌ها با کارکرد نمادین می‌باشد، مدارک مربوط به باغ‌های آیینی در سرزمین سومر است. متون اساطیری و مذهبی آن دوران تاییدی است بر اهمیت باغها برای برپایی برخی از مراسم آیینی. به تصور بین‌النهرینی‌ها، خدایانشان بی‌میل نبودند که در کوشک‌های مهیا شده در این نوع باغ‌ها، به تفرج بپردازند، این باغ‌ها باغ‌های معابد نام داشتند. در قرون بعد از آن کاخ- باغ‌های بابل نشان از برپایی باغ به مثابه تفرج‌گاه‌های سلطنتی بوده‌اند. متون مربوط به آشور میانه نیز از توجه شاه به باغ‌ها و باغ‌داری حکایت دارند. بنا بر نظر استروناخ این باغ‌ها به عنوان خلوتگاه مورد علاقه شاه توصیف شده‌اند. همچنین می‌توان به باغ‌های شاهانه‌ای اشاره کرد که یکی از وجوه مشخصه اورشلیم در اوایل هزاره اول ق.م بودند و یا باغ‌های شاهانه‌ای که آشوریان در سرزمین اورارتو دیدند (استروناخ، ۱۳۸۲، صص ۵۵-۵۶). در سالهای حکومت سارگن و جانشینان او بود که آشوریان، نقش مهم خود را به عنوان پدید آورندگان بی‌رقیب باغ‌های یادمانی

در این رویکرد ماهیت چشم‌انداز تنها یک منظره خنثی نبوده و همانند یک متن قابل خوانش است و دارای معانی هدفدار می‌باشد و از خاصیت ابزاری- رسانه‌ای برخوردار است. همچنین به نیروها و عوامل متنوعی چون بازیگران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و گفتمان‌هایشان می‌پردازد که در سطوح مختلف در شکل‌گیری منظر شهری دخالت دارند و طیف وسیعی از عوامل و عناصر را شامل می‌گردد. به انواع مختلف نشانه‌ها و نمادهای حاضر در منظرهای شهری چون میدان‌ها، بناها، مقابر و برج‌های یادبود، مجسمه‌ها و آیکونها و نقاشی‌های دیواری می‌پردازد که چگونه توسط بازیگران شهری و سیاستمداران در راستای اهداف آنها ساخته شده یا حذف می‌شوند و از کارکردهای وسیع سیاسی برخوردار می‌باشند (ماخذ: خوچم لی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۹).

سوال تحقیق: بر اساس این مدل مفهومی، سوال اینجاست که میدان علاوه بر کارکرد ورودی و جلوخان کاخ صفوی، متضمن چه مفاهیمی در ارتباط با گفتمان قدرت است؟

در خاور نزدیک، به دست آوردند. سارگن در متون خود، بلافاصله پس از اشاره به نام شهر جدید خویش (خرس آباد)، به «درختستانی» اشاره می‌کند که در گوشه‌ای از شهر ایجاد شده است. تصویر این تفرجگاه برون شهری در یکی از نقش برجسته‌های آشوری، به چشم می‌خورد که یک نیایشگاه محصور را بالای تپه‌ای احتمالاً مصنوعی و پردرخت، نشان می‌دهد. در کنار تپه، کوشکی با ایوانی ستوندار در کنار مجرای آب دیده می‌شود. در راستای تحولات و پیشرفت‌های به دست آمده از دوره سلطنت سارگن دوم به بعد است که در کتیبه‌های آشوری، واژه قدیمی باغ «کیرو» ، جای خود را به اصطلاح جدید «کیریماهو» می‌دهد تا نوع جدیدی از تفرجگاه سلطنتی یا باغی را که با کاخ مرتبط است، توصیف کند. این نوع باغ در اواخر قرن هشتم ق.م اهمیت زیادی یافت و علاوه بر این، چند سال بعد، برخی کتیبه‌ها به نوعی سازه اشاره می‌کنند که «بیتانو» یا خانه کوچک خوانده می‌شود و احتمالاً نوعی آلاچیق کوچک واقع در باغ یا خانه بیلاقی بوده است که تصویر آن در تفرجگاه سلطنتی سارگن به چشم می‌خورد. آنچه در این متون یا تصاویر نقش شده حائز اهمیت است، وقوف سارگن و جانشینان او بر باغ به عنوان «نماد والای سلطنت» و مکمل قراردادن کوشک برای باغ می‌باشد. در دوره هخامنشیان، کوروش نیز در جریان برپایی پایتخت یادمانی، باغی را در برنامه ساختمانی خود گنجانده. اگر باغ‌های سلطنتی آشور و بابل، همواره به عنوان بخشی مجزا یا مکمل برای کاخ بوده‌اند، کاخ‌های کوروش با ایوان‌های طویل و فضای باز اطراف خود، به عنوان بخش مکمل طرح به کار رفته‌اند تا این بار، خود باغ به صورت اقامتگاه [نه صرفاً تفرج‌گاه] سلطنتی، در-می‌آید. کوروش بر آن بود که باغ مظهر پیوند و رابطه بین «آیین‌های سرزمینی» و «سلطنت» باشد. او ضمن ایجاد باغ اندرونی همراه با کاخ (کوشک) اصلی و بناهای مجاور، اورنگ و تخت سلطنتی خود را در قسمت سنگی ایوان طویل کاخ قراردادده که درعین حال، از محور باغ اندرونی نیز پیروی می‌کند. در این راستا، همچنین، کوشش شده که کاخ، از چشم

انداز مرکزی باغ، هرچه بیشتر بهره‌مند باشد (همان، صص ۵۹-۶۲). پس از اسلام، باغ‌سازی ایرانی در ادامه سنت باغ‌سازی کوروش تکامل یافتند. قدیمی‌ترین توصیف از چهار باغ و نحوه طرح‌ریزی آن در کتاب «ارشاد الزراعه» ابوالقاسم یوسف هروی مربوط به قرن نهم ه.ق. است (هروی، ۱۳۴۶، صص ۲-۲۸۱). تیموریان این طرح را مانند بسیاری از جلوه‌های حیات فرهنگی و هنری ایران رایج کردند و این چنین اصطلاح چهارباغ را متداول کردند (اوا سابتلی، ۱۳۸۷، ص ۲۰). «ویلبر» در کتاب خود بیان داشته باغ‌های شاهی در سمرقند و هرات تاثیر و نفوذ فراوانی در هنر باغ‌سازی در سایر مناطق و همچنین ادوار بعدی داشته‌اند (ویلبر، ۱۳۸۴، ص ۷۱). اصلاح باغ، به صورتی که در منابع تیموری به کار رفته، اغلب به املاک مشجر مجللی اطلاق می‌شود که شاهزادگان تیموری و دیگر اشخاص متمکن به صورت اقامتگاه خود از آنها استفاده می‌کردند (ویلبر و همکاران، ۱۳۷۴، ص ۲۳۹). باغ دلگشا، باغ شمال، گل باغ، باغ نو، باغ میدان، باغ چنار، باغ نقش-جهان، باغ بلند و باغ جهان‌نما، باغ دولدی، باغ نوروزی و محمد تورخان مربوط به این زمان است (ویلبر ۱۳۸۴، ص ۲۴۰). بنا بر توصیفات «کلاویخو» این باغ‌ها فضاهای مشجر و مشتمل بر کاخ‌ها و کوشک‌ها و خیابان‌ها و جوی‌ها بودند. تیمور در اطراف سمرقند به عنوان پایتخت خود حلقه‌ای از باغ‌های سلطنتی احداث کرد. ولی این باغ‌ها در نظام هندسی که شهر را تعریف کند و سیستم ارتباطات منظمی داشته-باشد، تعریف نشده بود (انصاری، ۱۳۷۸، ص ۱۷۰) و تفاوت عمده آن با باغ‌سازی صفویان در این است که هیچ طرح جامع کلی در پلان قرون وسطایی سمرقند دیده نمی‌شود. اگر چه تک‌تک باغ‌ها به سبک هندسی باغ ایرانی طراحی شده بودند، اما ارتباط آنها با یکدیگر و با مجموع شهر کاملاً اتفاقی شکل-گرفته‌است. این درحالی‌است که در دوره صفوی باغ‌ها خود در طرح توسعه شهری و به‌عنوان مدولی برای توسعه شهرنو در جوار شهرکهن نقش اساسی ایفا می‌نمودند. صفویان در جریان برپایی پایتخت‌های خود در شهرهای تبریز، قزوین و اصفهان، از

میدان و خیابان به‌عنوان فضاهای جدید شهری به‌عنوان جلوخان اقامتگاهها یا باغ‌های سلطنتی استفاده نمودند. برپایی فضای عمومی در جوار باغ سلطنتی حائز اهمیت است و در نمونه‌های بررسی شده، سعی می‌گردد چرایی همجواری و تعامل آنها را دنبال نمود. در این رابطه مطالعه متون تاریخی همزمان با احداث این مجموعه‌های شهری اهمیت ویژه دارد و می‌تواند نحوه نگرش بانیان آنرا روشن سازد.

### نمونه‌های پژوهش و تحلیل متون تاریخی مجموعه باغ و میدان صاحب آباد تبریز

مجموعه باغ و میدان صاحب آباد که بقایای آن امروز به نام مجموعه صاحب‌الامر معروف گشته‌است، مدت چهار قرن مرکز حکومت ایران و مقر فرماندهی پادشاهانی چون جهانشاه، اوزون حسن، شاه اسماعیل و شاه طهماسب بوده است. شروع ساخت این مجموعه به دوره آباقاخان (ایلخان مغول) در زمان صدرات شیخ محمدجوینی، وزیرکبیر وی بر می‌گردد. با ساخته شدن این مجموعه روند گسترش شهر تبریز به سمت شمال رودخانه مهران رود کشیده می‌شود. بعدها در دوره جهانشاه دارالحکومه از محله ششگلان به این مجموعه انتقال می‌یابد و تا زمان شاه طهماسب که پایتخت از تبریز به قزوین انتقال داده شد، مقر حکومت صفویان بوده‌است (حناجی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۳۵).



تصویر ۱. نقشه تبریز از نصوص مطراق‌چی؛ مأخذ: مطراق‌چی، ۱۳۷۹



تصویر ۲. مجموعه میدان و باغ سلطنتی (دولتخانه صفوی)؛ مأخذ: مطراق‌چی، ۱۳۷۹؛ راهنما: (A) میدان صاحب آباد، (B) باغ سلطنتی (دولتخانه شاهی)، (C) مسجد حسن پادشاه (مجموعه نصریه).



تصویر ۳. باغ سلطنتی (دولتخانه قدیم) و باغ مزارهای صوفیان در حوالی آن؛ مأخذ: مطراق‌چی، ۱۳۷۹؛ راهنما: (D) دولتخانه قدیم (باغ بیگم) در محله ششگلان، (E) مقابر عرفا و صوفیان (F) خانه‌های درباریان از جمله بهرام میرزا و یوسف بیگ.

جهانگردان زیادی در دوران مختلف از این باغ و میدان تاریخی دیدار کرده‌اند و نوشته‌هایی نیز از آنها برجای مانده است، ولی تنها دو تن از آنها تصویری کلی از تبریز تهیه کرده‌اند که به عبارتی قدیمی‌ترین اسناد تصویری موجود از تبریز می‌باشد. یکی از این اسناد مینیاتوری است ترسیم شده از شهر تبریز در دوران حکومت آق‌قویونلوها، که توسط نصوص مطراق‌چی، در کتاب «بیان منازل» به تصویر کشیده شده است (مطراق‌چی، ۱۳۷۹، ص ۹). نقشه مینیاتور مطراق‌چی تنها سند موجودی است که نحوه قرارگیری و حدود ابعاد باغ و میدان مذکور را نشان می‌دهد (تصویر ۱). مطراق‌چی شهر را از زاویه شمال غربی می‌نگرد. رودخانه به صورت خطی عمودی با پیچ و خم، و پنج پل روی آن و یک پل در خارج شهر کشیده شده است. در سمت چپ رودخانه که تقریباً ساحل شمالی آن است، میدان بزرگی قرار



دارد. میل‌های چوگان و قبق‌اندازی نشان می‌دهد که این میدان (A)، فضایی سلطنتی برای نمایش این مراسم است. به این ترتیب باغ بزرگی که در غرب آن قرار دارد می‌باید باغ سلطنتی باشد (B). در طرف مقابل مطراق‌چی مسجدی را با دو مناره نشان می‌دهد (C) و بناهای دیگری جبهه شمالی میدان را تعریف می‌کنند (تصویر ۲). در شرق این مجموعه باغ، نزدیک دیوار شرقی شهر، باغ بزرگ دیگری است که در جلوی ویرانه برجی قرار گرفته است. این باغ همان دولتخانه قدیم در محله ششکلان است (تصویر ۳). مطراق‌چی شماری از مزارها را به شکل گنبدهای رک که از لابلائی درختان دیده می‌شوند (E)، در شمال غربی دولتخانه قدیم که به باغ بیگم شهرت داشت (D)، نشان می‌دهد (تصویر ۳).

این مزارها با تکیه‌های درویش، و مزارهای متعدد دیگری مربوط به بابامزید و پیروانش مطابقت دارد که در امتداد راهی است که به گورستان سیدحمزه و مقبره باباحسن می‌رسد (عالمی، ۱۳۹۰، صص ۹۸-۱۰۰). رابطه باغ مزار صوفیان با باغ سلطنتی و در جوار میدان، کارکردی نمادین به میدان می‌بخشد. دیوار شهر به صورت نمادین با چهار دروازه گشوده شده است و در حول آن درختانی به چشم می‌خورند. درختان متعددی نیز هسته مرکزی شهر را احاطه کرده‌اند. در ساحل جنوبی رودخانه، مزارها و مساجد متعددی با مناره‌هایشان و درختان زیادی پیرامون آنها به چشم می‌خورند. باغ-مزارهای متعددی که در نقشه مطراق‌چی دیده می‌شوند، نشان از اهمیت برپایی باغ‌ها به عنوان فضاهای مهم شهری در ارتباط با درویشان و تفکر صوفیه در دوران صوفیه در تبریز را نشان می‌دهد.

### تحلیل متون ادبی و تاریخی در رابطه با تبریز عصر صوفی؛ رابطه باور معنوی و قدرت

بیشتر منابع تنها به باغ‌های سلطنتی و محل آنها اشاره می‌کنند، اما منبع جالبی که روضات الجنان نام دارد و توسط حافظ حسین کربلایی نوشته شده و درباره مزارهای صوفیان، عالمان، حکیمان، وزیران، امیران، شاعران، خوشنویسان و نقاش‌ها می‌باشد، شاهدی بر اهمیت صوفیه در رابطه با

سلطنت و باور عمومی است. مهوش عالمی در پژوهش ارزشمندی با مطالعه این منبع همراه با مطالعه متون دیگر فارسی و سفرنامه‌های سیاحان اروپایی، و تطبیق آنها با قدیمی‌ترین اسناد تصویری موجود، علاوه بر مکان‌یابی دقیق ابنیه آن دوران، محل باغ مزارهای درویش و باغ‌هایی که در تبریز دوران صفوی در اطراف کاخ‌ها و یا در حیات خانه‌ها، کاروان‌سراها و مساجد قرار داشته‌است را نیز مشخص کرده است (عالمی، ۱۳۹۰، صص ۹۶-۱۱۴).

علاوه بر «روضات الجنان»، روایت‌هایی در تاریخ‌نامه‌های دوره صفوی وجود دارد، که اهمیت رابطه باور معنوی و برحق بودن قدرت را در آن زمان نشان می‌دهد؛ داستانی که در فتح باب تاریخ‌نامه‌ای منصوب به صوفی ناشناس در رابطه با پیش‌بینی به تخت و تاج رسیدن پادشاه صفوی، شاه اسماعیل نوشته شده نیز بیانگر این موضوع است: «درویشی در قسطنطنیه به نام دادا محمد، به یکی از پیروانش که به مکه می‌رفت گفت که وی از آنجا به تبریز خواهدرفت و پیش‌بینی کرد که در روز ورود او به تبریز یکی از فرزندان امامان، شاه خواهدشد، سکه به نام او زده می‌شود و به نام او خطبه خوانده خواهدشد و شاه در میدان چوگان‌بازی خواهدکرد» (مولف گمنام، عالم آرای صفوی، ۱۳۶۳، ص ۴۵).

فتح باب تاریخ‌نامه با چنین پیش‌بینی حاکی از اجتناب‌ناپذیری و برحق بودن قدرت شاه است. میدانی که در پیش‌بینی درویش آمده است درنگاره نصوص مطراق‌چی هم با مشخصات میدان چوگان به تصویر کشیده شده است (تصویر ۲). باغ-مزارهای متعددی که در نقشه مطراق‌چی دیده می‌شوند، اهمیت ارتباط درویشان و تفکر صوفیه را در دوران صوفیه نشان می‌دهد (عالمی، ۱۳۹۰، ص ۹۷).

در روایت‌های متعددی در «روضات الجنان» اهمیت ساخت ابنیه سلطنتی در جوار باغ‌مزارهای صوفیان تأیید می‌گردد، به گفته نویسنده روضات الجنان، زمانی که حسن پادشاه آق قویونلو (۱۴۷۷-۱۴۷۳م) به تخت نشست، بیمار شد و آرزوی خود را مبنی بر ساخت مسجد، خانقاه، زاویه و مقبره‌ایی برای دوستش، درویش قاسم، بر زبان راند. به این

ترتیب پس از مرگش این بناها که به «نصریه» معروف شد، در همان منطقه توسط پسرش یعقوب ساخته شد و در سال ۸۸۸ ه. ق (۱۴۸۳ م) کاخ «هشت بهشت» را به باغ صاحب آباد اضافه کرد (کربلایی، ۱۳۳۵، جلد ۱، ص ۹۱). زمانی که شاه اسماعیل الوند شاه آق قویونلو را شکست داد، در این کاخ تاجگذاری کرد و سلسله شاهان صفوی را در سال ۱۵۰۱ م بنیاد نهاد و در میدان صاحب آباد چوگان باخت، همان گونه که دادا محمد درویش پیش‌بینی کرده بود.

بنا بر روایت کربلایی، حسن پادشاه، باغ سلطنتی (دولتخانه قدیم) در محله ششکلان را به درویشی به نام عبدالرحمن که با نیروی فراطبیعی خود، به تخت رسیدن او را پیش‌بینی کرده بود هدیه کرد. بابا و پیروانش در آنجا دفن شدند (همان، ص ۴۷۰) و برج ویرانه مقابل باغ می‌تواند مقبره وی باشد (تصویر ۳). در سنت عرفانی، مقابر، مکان‌های مهمی هستند که جایگاه دیدار با جهان دیگر محسوب می‌شوند. حسن پادشاه بناهای نصریه را پس از آن که بابا فرج، شیبی که شاه مقبره‌اش را زیارت می‌کرد بر او ظاهر شد بنا نهاد (همان، ص ۳۸۱).

در توصیفات سیاحان اروپایی نیز به رابطه پادشاه با حلقه صوفیان و احداث باغها در جوار مزارهای صوفیان توسط پادشاهان اشاره شده است. «جملی کاری» به یک باغ بزرگ مربع شکلی با انواع درختان اشاره می‌کند (کاری، ۱۳۴۸، صص ۲۲-۲۳). تاریخ‌نامه‌ها این باغ را با نام باغ زاویه می‌خوانند که توسط حسن پادشاه ساخته شده و در نزدیکی بازار شتریان قرار دارد و در پشت آن مقبره پیر رومی واقع شده که مزار صوفی‌ای از سرزمین عثمانی است. درختان میوه‌ایی که توسط مطراق‌چی در این قسمت ترسیم شده‌اند، باغهای میوه‌ایی است که این مقبره‌ها در میان آنها واقع شده است. «میکائیل ممبره» به خانه بهرام میرزا، برادر شاه طهماسب، در شرق میدان اشاره می‌کند که می‌توان در نقشه مطراق‌چی (تصویر ۳) آن را در گروه خانه‌هایی دانست که نزدیک بنای گنبدی واقع شده‌اند (F). گفته می‌شود بهرام میرزا پس از خوابی که دیده بود، به مرمت این مسجد دست یازیده است (عالمی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰).

توصیفات زیادی هستند که میدان تبریز را بعنوان فضایی سلطنتی برای نمایش قدرت نشان می‌دهد. بنا بر قول فرانچسکو رومانو، شاه اسماعیل در سال ۹۰۶ ه. ق یا ۱۵۰۱ م عمارت هشت‌بهشت تاجگذاری و شاه در حضور سه هزار تماشاچی قاپاق‌اندازی می‌کند. او والی گیلان را بین دو مناره مسجد حسن پادشاه آویخت و آتش زد. شاه طهماسب نیز زمانی که همایون برای حمایت نزد او آمد با او به تماشای چوگان در میدان پرداخت (قمی، ۱۳۶۷، ص ۸۵).

در پژوهش دیگری با نام تاثیر مزارات در توسعه ساختار شهر تبریز از دوره ایلخانی تا صفوی، محقق به مکان‌یابی مزارات صوفیان، عرفا، شاعران و حظیره‌ها از طریق متون و اسناد تاریخی همچون روضات الجنان، روضه‌الظهاری، اولادالاطهار و منظرالاولیا پرداخته‌است. در واقع زوایا و خانقاه‌ها و باغ مزارهای صوفیان باعث پدید آمدن فضاهای معماری جدیدی گشته‌است که نقش مهمی در توسعه شهر تبریز در دوره حکومت ایلخانان، آق قویونلوها و پس از آن صفویان داشته‌اند. تجمع حظیره‌ها و آرامگاههای عرفا و صوفیان منجر به شکل‌گیری گورستانهای معروفی همچون سرخاب، گجیل و چرنداب شده‌اند (بلیان و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۶۵).

در واقع گورستان سرخاب، سیدحمزه، مقبره باباحسن، مقبره بابامزید نیز همان مکانی است که باغ‌های سلطنتی و دولتخانه‌های شاهی در جوار آنها شکل گرفته‌اند و نشان‌دهنده اهمیت رابطه سلطنت و باور صوفیان است.

**مجموع میدان و دولتخانه قزوین (باغ سعادت آباد)**  
مطالعه چگونگی توسعه شهر قزوین، به‌عنوان نمادی از سیاستهای شهری شاهان صفوی در برپا کردن دولتخانه در شهرها، اهمیتی ویژه دارد و از طریق آن می‌توان به مطالعه رابطه بین باغهای شاهی و شکل-شهری پرداخت و چگونگی اعمال مولفه‌های قدرت بر ساختار توسعه شهر بررسی نمود. در سال ۹۵۱ ق، شاه طهماسب صفوی بر آن می‌شود که پایتخت خود را از تبریز به قزوین انتقال دهد. از جمله عوامل این تصمیم پیشرفت عثمانی‌ها تا وان در نزدیکی تبریز بود



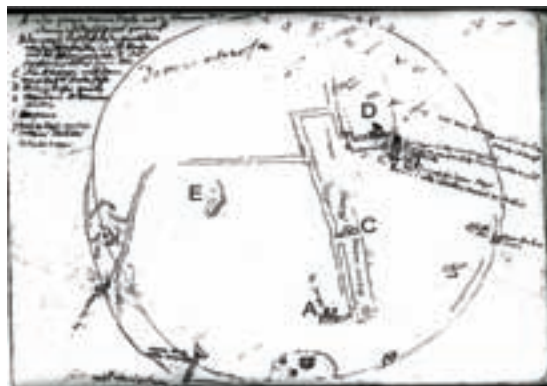
تالارهای متعالی و ایوانها و حوضها طرح انداخت و دروازه آنرا به غایت مرتفع و عالی بنا نهاده و عرصه باغ را به طریق هندسه به گذرهای مربع و چمنهای مثلث و مسدس بخش کرده، در میان خیابان آن نهری عظیم جاری گردانید و در حواشی آن اشجار چنار و سفیدار نشانده و در مربعهای اطرافش اشجار گل و یاسمن و ارغوان و نارون و سایر درختان میوه دار آراست (قمی، ۱۳۶۷، ص ۳۱۲).



تصویر ۵. نقشه بازسازی مجموعه سعادت آباد قزوین؛ مأخذ: Wirth, ۱۹۹۷؛ ۱- عالیقاپو یا درگاه دولتخانه، ۲- دیوانخانه، ۳- عمارت اندرونی و باغچه حرم، ۴- دولتخانه، ۵- کاخ چهل ستون، ۶- کاخها و باغهای درباریان، ۷- میدان اسب، ۸- خیابان، ۹- میدان سعادت، ۱۰- کاروانسرای شاهی، ۱۱- بازار قدیم، ۱۲- مسجد شاه یا مسجد جامع، ۱۳- مسجد حیدریه، ۱۴- مسجد پنجه علی، ۱۵- امامزاده پیغمبریه، ۱۶- حمام حاج کریم، ۱۷- امامزاده اسماعیل

اویگن ویرت (Wirth, 1997) طرح بازسازی بخش طهماسبی را بصورت نقشه‌ای ارائه کرده است که شامل دولتخانه، باغات و خانه‌های درباریان، مسجد و بازار است. این عناصر پیرامون فضاهای شهری خیابان (شماره ۸) و دو میدان (شماره ۷ و ۹) سازمان یافته‌اند (تصویر ۵).

(ترکمان، ۱۳۸۲، ص ۹۵) و همچنین نقش مهمی که قزوین در سیاست مذهبی شاه داشت؛ زیرا قزوین مرکز مذهب تسنن بود و هدف شاه ترویج مذهب شیعه و سرکوبی صوفیان بود (نویدی، ۱۹۷۴، ص ۳۰).



تصویر ۴. نقشه قزوین در سال ۱۶۸۴م توسط انگلبرت کمپفر؛ مأخذ: Alemi 2005؛ (A) مسجد جامع کبیر، (B) شاهزاده حسین و قبرستان آن، (C) سردر عالی قاپو که جلوخانی در پیش دارد، (D) باغ شاهی و میدان اسب در شمال مسجد حیدریه، (E) میدان سعادت و کاروانسرای مجاور آن. در بخش شمال غربی شهر «خانه‌های مشجر» متعلق به اشراف و در بخش شمال شرقی باغات و درختستان نوشته شده است.

به دنبال این تصمیم فعالیتهای ساختمانی متعددی آغاز شد که سوای دولتخانه جدید، باغهای شاهی و خانه‌های امرا، شامل مساجد، مدارس، کاروانسراها، حمامها و آب‌انبارهای متعدد بود. بخش طهماسبی که به شهر اضافه شد سیمای قزوین را از بن تغییر داد (Alemi, 2009). قدیمی‌ترین نقشه قزوین عصر صفوی نقشه‌ای از کمپفر است که حدود شهر را بصورت دایره وار نشان می‌دهد.

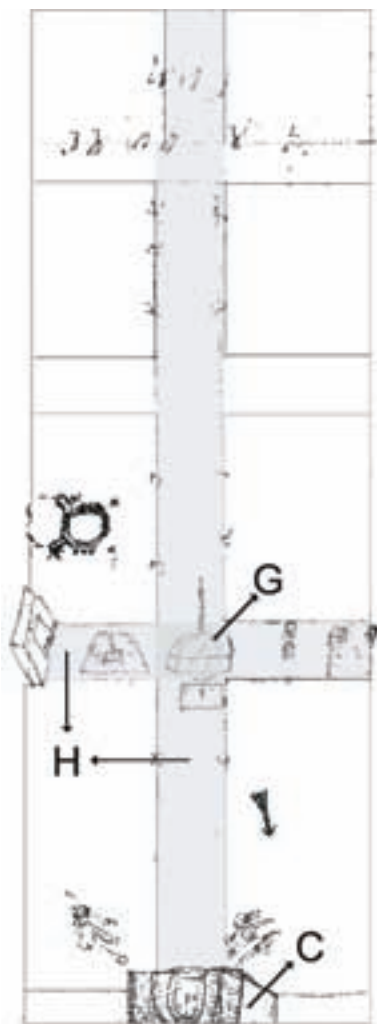
بنا به نوشته عبدی بیگ، بخش طهماسبی «شهری اندر جنب قزوین بود» که به «دارالسلطنه جعفرآباد» موسوم شد. شاه زمین دولتخانه را که در زنگی آباد در شمال قزوین سلجوقی بود، از میرزا شرف جهان پسر نورالهادی قاضی جهان وزیر خود خریداری کرد. وی مهندسان دانشور و بنایان صاحب هنر ممالک محروسه را بدان جا طلب نموده، طرح باغی مربع فرمود موسوم به باغ سعادت و در میان آن باغ، عمارات عالی و

## تحلیل متون ادبی و رویکرد استعاره‌ی آنها در بیان مشروعیت قدرت شاه؛ توصیف باغ شاهی به مثابه عالم صغیر

طولانی‌ترین توصیف موجود از باغ شهر ساخته شده توسط شاه طهماسب، خمسه‌ای است به قلم عبدی بیگ ملقب به نویدی در وصف باغ‌هایی که شاه طهماسب در قزوین ساخت. این منبع تاریخی مهمترین منبع ادبی درجه اول است که سراسر استعاراتی ادبی مبنی بر مشروعیت قدرت و سلطنت شاه صوفی همچون سایه خدا بر زمین است. نویدی در یکی از نخستین اشعارش، اقدامات اسکندر بزرگ را توصیف کرده و از جمله در باب اهمیت صلح و ایجاد شهرها و بناها تاکید می‌کند. تاکید شاعر بر این مضامین با حملات متعدد عثمانی‌ها به تبریز و تصمیم شاه برای انتقال پایتخت به قزوین در سال ۹۵۳ ه.ق (۱۵۴۷م) مرتبط بود. همچنین گزینش پایتختی امن از هدف شاه طهماسب در گسترش مذهب شیعه بود، چرا که قزوین در آن زمان شهری کاملاً سنی مذهب محسوب می‌شد. بخش الحاق شده به قزوین، بناها و باغ‌های اقامتگاه شاه و درباریانش بود. این باغستان به جغرافیاد موسوم گشت (Alemi, 2009). نویدی در وصف آن خمسه‌ایی به نام جنات عدن سرود که در سال ۹۵۱ ه.ق/۱۵۴۴م پایان یافت.

به نام آن شهر عالی جعفر آباد- که شاه جعفری افکنده بنیاد (نویدی، ۱۹۷۴، ص ۹۹). نویدی در توصیف باغها از اسامی متعدد بهره می‌گیرد. در توصیف باغ‌های سلطنتی از واژه‌های و صفات متفاوتی مثل روضه، بوستان، گلشن و گلزار، گلستان و فردوس بهره می‌جوید. به نظر می‌رسد استفاده از این واژگان بازتابی است از دیدگاه‌های متفاوتی که به باغ نگریسته می‌شود. در توصیف او از باغ‌های شاهی می‌توان پی برد؛ شاعر و رای کالبد دقیق فیزیکی به باغ می‌نگرد و با طرح آن از دیدگاه استعاره‌ی برخورد می‌کند و سعی شاعر فراتر از توضیح طرح باغ، یکسره بر آن است که باغ را به مثابه عالم صغیر و شاه را سایه‌ای از خدا در این عالم معرفی کند. او سطح باغ را به مثابه صفحه کتاب شعر می‌آورد و واژه جدول را به معنای جوی‌های باغ و جدول زینت

بخش حاشیه کتاب و شاه را خالق آن می‌آورد. صفحه‌نظمی ست بسی دلپسند- ناظم آن طبع شه ارجمند  
جدول این صفحه فرخنده فال- چار طرف جوی پر آب زلال (همان، ص ۳۵).



تصویر ۶. نقشه خیابان باغ پشت عالی قاپوی قزوین (C)، عمارت شروانی سرای (G) در محل تقاطع دو خیابان عمود بر هم (H)؛ ترسیم انگلبرت کمپفر؛ مأخذ: Alemi2005.

نقشه انگلبرت کمپفر، از باغ سلطنتی «پشت عالی قاپو» (تصویر ۶)، خیابانی را نشان می‌دهد که از سردر عایق‌پو تا عمارتی با حوض‌ها و فواره‌هایش ادامه دارد؛ خیابانی شرقی- غربی عمود بر آن هم در سمت غرب به درگاهی رفیع

می‌رسد. خیابان اصلی به سمت شمال امتداد یافته است، ولی بر خلاف آنچه نویدی می‌نویسد، خیابانی در حاشیه باغ در نقشه وی دیده نمی‌شود. در اینجا نیز نویدی با رویکردی استعاری به باغ نگریسته و خیابان متصور در ذهن او در حاشیه باغ همچون حاشیه‌ای در کتاب شعر بیان می‌کند. آمده از خلد بساطی بسیط - بر وی از اطراف

خیابان محیط

شکل خیابان ز یمین و یسار - حاشیه‌اش گشته به نقش و نگار (همان)

او خیابان‌های اصلی که در نقشه کمپفر دیده می‌شود، (تصویر ۶) را چنین توصیف می‌کند:

عرصه این روضه عشرت مدار - تخته نردیست به نقش و نگار

گشته دو سطح متقاطع دو چار - چار خیابان ز دو سطح آشکار (همان)

پیداست شاعر این سطوح را عمود بر سطح زمین متصور کرده است و در تقاطع این دو خیابان به قائمه تاکی اشاره می‌کند:

در وسط باغ به وضعی سعید - گشته یکی سطح مربع پدید

قائمه تاکی سرافراخته - سایه به هر کنج وی انداخته (همان، ص ۳۶)

او در توصیف خانه شاهی (G یا ارشی خانه از واژه چهار سوی بهره می‌گیرد. بنایی با طرح چهار ایوانی که فضای مرکزی آن با چهار ایوان به سوی باغ باز شده و با گنبدی پوشیده شده. معنای واژه چهار سوی به معنای چهار جهت است، ولی این عبارت مفهوم مهمی را در بردارد که سیستم جهت‌ها و مرکزی که از آن ناشی می‌شود را تعریف می‌کند. جهت‌های چهار سوی به جهت‌های اصلی، که بر سطح افقی قرار دارند، محدود نمی‌شود و باید به محور عمودی در تقاطع دو سطح توجه کرد. نویدی ابتدا بر این جهت (محور عمود بر سطح زمین) با وصف قائمه تاکی در گوشه‌های حوض مربع، در تقاطع دو خیابان اصلی اشاره می‌کند و سپس در وصف ارشی خانه بر آن تاکید می‌کند.

حوض مربع که در این خانه است - مرکز این خانه شاهانه است

چار ستون نصب بر اطراف حوض - عکس نما در دل شفاف حوض

نورفشان بام ز گل جام وی - روی نما مهر و مه از بام وی (همان، ص ۳۶)

صورت این ستونها در دل روشن حوض منعکس شده و نور از دوازده روزن گل جامش، که دوازده برج آسمان را فرا می‌خوانند، فرو می‌ریزد: از ده و دو پنجره‌اش روشنی - بر ده و دو برج فلک مبتنی

بر سر هر پنجره جامی چو مهر - سر خوش از آن جام شده نه سپهر

سقف و کنارش همه پر نقش و زیب - حوض ز عکس‌اش شده مانی فریب (همان، ص ۳۷)

بدین سان حوض آینه‌ای می‌شود که بازتابی است از عالم وجود و محور عمودی که از حوض زمینی شروع می‌شود به عالم بالا می‌رسد:

راست رهی از پی کسب و کمال - آمده از قبله به حد شمال

تا به سر حوض خطی مستقیم - کرده به عرضش خط دیگر دو نیم

گشته خیابان دگر زان میان - از حد مغرب سوی مشرق کشان (همان، ص ۳۶).

«قبله» همان جهتی است که مسلمانان به سوی آن نماز می‌گذارند و برای صوفی «حد شمال»، عالم ملکوت است. این همان عالم خیال است که صوفی قلبش را به سوی آن می‌گشاید. «شرق» جایگاه علم کامل و جایگاه چهارده معصوم است. آنها تجلی اسماء حسنی هستند و از طریق آنها می‌توان خدا را شناخت (کربن، ۱۳۹۱). راه رسیدن به آنها همان محور عمود رو به بالاست.

چهارده باغ در شرق خانه شاه به نام‌های امیران دربار را ذکر می‌کند و دوباره آنرا انعکاسی از شمار چهارده معصوم عالم ملکوت می‌بیند. همچنین وجود نه باغ در غرب ارشی خانه را انعکاسی از نه سیاره فلکی می‌داند.

چو افلاکش بود نه باغ معمور - همه با نام سرکارانش مشهور

نخستین روضه بهرام میرزاست - که از انواع گل‌ها عالم آراست (نویدی، ۱۹۷۴، ص ۵۰).

جهان خاکی یا جهان ادراکات حسی در دستگاهی پایین‌تر، عالم ملکوت را تکرار می‌کند و وراي آن عالم جبروت است که موضوع «معقولات» است (کربن، ۱۳۹۱). نظم باغ شاهی

بنا بر مرکز چهار سوی تعیین شده است، و آن بلندترین مکان در نظم چیزهایی خاکی است، یعنی جایگاه شاه. اهمیت فلسفی آئینه، چهار سوی و ذکر اعداد مقدس، همگی به باغ به عنوان عالم صغیر هستی اشاره می‌کند. به این صورت شاه می‌تواند در مرکز جهان نشسته و بر وضعیت وجودی جهت‌های آن مسلط باشد. بنابراین باغ موید آن است که شاه سایه خداست. میدان نیز صحنه‌ایست برای اسب‌دوانی و چوگان‌بازی،

برافراشتن چادر کوچ‌نشینان و گذری است برای ورود به باغ شاهی، مسجد جمعه و بازار نو. نویدی گردش‌ی همراه با شاه را در داخل باغ حرم وصف می‌کند که به درگاه کنار این میدان ختم می‌شود و از بالای آن، او و شاه می‌توانستند از غرب تا شرق را نظر کنند و رمزهای آسمان نهم را دریابند. این میدان به نام میدان اسب (شماره ۱) در مقابل باغ شاهی و شمال مسجد حیدریه قرار دارد و جهتی شرقی- غربی دارد (تصویر ۵).



نمودار ۳. رویکرد استعاری در توصیف عناصر کالبدی باغ سعادت آباد در شعر عبیدی بیگ؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس توصیفات عبیدی بیگ.

نویدی میدان جدید، یعنی میدان سعادت را که در غرب باغ شاهی و در جنوب شرقی آن بازار بود و مراسمی که در آنجا برپا شد را توصیف می‌کند. ماجرای خوشامدگویی سلطان بایزید و جشن برپا شده برای او در میدان و همچنین داستان آمدن شاهزاده روم و برپا کردن خیمه و بارگاه مصور منقوش و شاه سخاوتمندی را توصیف می‌کند که شاهزاده‌ای بر پای او می‌افتد و شاه او را در آغوش می‌کشد. به این ترتیب میدان عرصه است جهت

نمایش قدرت شاه. این میدان (شماره ۹) در غرب عالی‌قاپو بود و دسترسی به بازار و باغ شاهی داشت (تصویر ۵).

#### میدان و دولتخانه صفوی در اصفهان، سیطره نمادین حضور شاه

محققین بسیاری تا به حال سعی در خوانش طرح میدان و دولت‌خانه صفوی در اصفهان داشته‌اند. گویی آندره گدار نخستین محقق اروپایی بود که

نمایش قدرت شاه. این میدان (شماره ۹) در غرب عالی‌قاپو بود و دسترسی به بازار و باغ شاهی داشت (تصویر ۵).

کوشید انگیزه‌ها و ذهنیتی را که در پس طرح‌های ساختمانی شاه عباس بود را تبیین کند. او به این نتیجه رسید که دو برنامه ساخت و ساز جداگانه در کار بوده است. او مرحله اول را مرحله عملیات تاسیس یعنی کارهای لازم برای انتخاب اصفهان به پایتختی شامل دولت-خانه و محوطه میدان و تفرجگاه شاهی می‌داند و مرحله دوم را مرحله شکوه می‌نامد که شامل اجرای طرح‌هایی چون مسجدشاه که به نظر او برای تجلیل حکومت صفوی در زمان شاه عباس لازم بود می‌داند (مک چسنی، ۱۳۸۵، ص ۴۷).

اوژینو گالدیری نیز بر مبنای شواهد باستان شناختی به این نتیجه رسیده که میدان در دو مرحله جداگانه ساخته شده است. در مرحله نخست (۱۰۱۳-۱۰۰۸ ه.ق.)، دیوار پیرامون میدان را به بلندی یک اشکوب برافراشتند. در پس این دیوار، حجره‌هایی بود متصل به نمای بیرونی و رو به بازار پشت میدان. درون دیوار خالی بود. بعداً در مرحله دوم احداث (قبل از ۱۰۲۶ق)، حجره‌های رو به میدان را در درون دیوار افزودند (گالدیری، ۱۳۶۱، ص ۱۰۴). او معتقد است معماری دوره صفوی دارای خصلت نمایشی می‌باشد. نقاط گریز طاق نما و دهانه متقاطع طاقها و انعکاس دیوارها در سطوح آب، تمام این عوامل، فضایی را بوجود می‌آورد که نمی‌توان بطور آزاد در آن حرکت کرد، بلکه حرکات تنها طبق یک نقشه مشخص شده‌ای انجام می‌گیرد. از این مفاهیم نمایشی که بیننده به جای پرسپکتیوهای مشخص و اجباری می‌تواند آنچه را که برای او به معرض نمایش گذاشته شده، کشف نماید، میدان بدون شک موفق‌ترین و کاملترین تجربه در این مورد بحساب می‌آید. میدان معرف و بیانگر «اصفهان جدید» شهر شاه عباس است. مهمانان پس از ورود به اصفهان در یکی از سه کاروانسرای شاهی که در اطراف میدان قرار دارد سکنی می‌گزیدند. هر سه این کاروانسراها در ضلع شمال غربی متمرکز شده‌اند و از سر درب بازار شاهی بوده که خارجیان اولین بار به مشاهده شهر صفوی موفق می‌شدند. بنابراین شاه موقعیت خوبی برای ارائه و گسترش بیشتر پرسپکتیو در

دست‌داشته. با ایجاد این نظام معماری ساده و مؤثر است که میدان طولانی‌تر به نظر می‌آید و محور دید میدان به عقب کشانده می‌شود؛ یعنی محور عالی‌قاپو و مسجد شیخ لطف‌الله به عقب برده شده تا در نگاه بیننده از سردر بازار میدان طولانی‌تر جلوه‌کند (همان، صص ۱۰۵-۱۰۷). توصیفاتى که در متون تاریخی در ذکر وقایع و چگونگی حضور شاه در میدان است، نیز مبین اهمیت کارکرد نمایش قدرت در میدان می‌باشد و می‌توان پی برد که شکوه میدان مهمترین مساله مورد توجه شاه عباس بوده است: «و اول ماه ربیع الاول سنه اثنی و الف، پانزده هزار پیاده مقرر به دستور معهود، از موضع دولت آباد تا دروازه طوقچی دو رویه، به ترتیبی که قرار یافته بود، درصف بازداشتند و نواب کامیاب را میل شد که بار دیگر سان پیاده‌ها بگیرد و آن جماعت لباس الوان مجدد بهم رسانیده در میدان مجتمع گردیدند و نواب امر فرمود که تمامی به میدان، در باغ نقش جهان آیند و به ترتیبی که مقرر بود صف کشند. پس از آن نواب معلی جناب از دولتخانه همایون به میدان تشریف آورده، با نواب رکن السلطنه فرهاد خان و بعضی دیگر از خاصان پیاده گرد میدان برآمد. بعد از آن بر بام مدرسه خواجه ملک مستوفی که در مقابل باغ نقش جهان واقع است، برآمده به دولت و اقبال بر بساط کامرانی واجلال نشست و تماشای وضع پیاده‌ها کرده ...» (افوشته‌ای نظری، ۱۳۵۰، صص ۵۳۴-۵۳۹). در جایی دیگر در ذکر کیفیت آذین‌بندی و چراغان در سنه ۱۰۰۴ ه.ق. به مراسم باشکوهی در میدان و مقدمات آن توسط پان بیگ اشاره شده: «به جهت آن تمامی دیوارها و بناهای عماراتی که بر حواشی میدان است، پست و بلند آن را مساوی ساخته و سفید کرده، نقاشان بهزاد قلم و مصوران صورت نگار مانی‌رقم، صور جمیع مخلوقات عجیبه و موجودات غریبه بر آن نقش کردند». اجرت استادان و مهندسان و مخترعان و خرج پانزده هزار پیاده که هر نفر را سوای یراق و لباس یک تومان خرجی داده‌بودند، به قریب بیست هزار تومان ذکر شده‌است. (همان، صص ۵۷۳-۵۷۹).



## نتیجه گیری و جمع‌بندی

مطالعه ریشه‌های نظری رابطه تعاملی قدرت و اعمال کنترل در گفتمان فضا در اندیشه‌ها و نظریات اندیشمندانی چون فوکو، بوردیو و لوفور نشان داد که چگونه فرم‌های ساخته‌شده معماری به عنوان واسطه‌هایی برای اعمال قدرت عمل می‌کنند. از سوی دیگر مطالعه متون تاریخی درجه اول نیز در رابطه با دیدگاه پادشاهان صفوی در احداث میدان و دولت‌خانه‌های آن دوران نشان داد که ایجاد فضای باز و وسیعی همچون میدان، به عنوان یک جلوخان برای باغ سلطنتی، مفهومی مهم را دربردارد. این فضا، علاوه بر عملکردهای نمایش و مراسم بازی، محلی برای تجمع مستقیم سیاسی و نمایش قدرت شاه و مشروعیت و حقانیت سلطنت محسوب می‌شود و احداث آن با استقرار دولت متمرکز و تعریف شدن مفهوم ملت نیز، بی ارتباط نیست. در تبریز دوره صفوی متون تاریخی بیانگر اهمیت باغ-مزارها و احداث ابنیه سلطنتی در جوار آن است. همجواری میدان سلطنتی با باغ مزار درویشان موید رابطه باور معنوی و قدرت است و می‌تواند مشروعیت شاه را از طریق الوهیت او تایید کند. توصیفات عبدی بیگ در رابطه با میدان و باغ شاهی در قزوین نیز نشان می‌دهد، شاعر و رای کالبد دقیق فیزیکی به باغ می‌نگرد و با طرح آن‌ها از دیدگاه استعاری برخورد می‌کند و فراتر از توضیح طرح باغ، سعی دارد که باغ را به مثابه عالم صغیر و شاه را سایه‌ای از خدا در این عالم معرفی کند. ارشی‌خانه یا خانه شاهی در مرکز این عالم قرار دارد و شاه در مرکز چهارسوی بر جهات عالم تسلط دارد. توصیف محور عمود به بالا و حد شمال، نیز تاییدی بر الوهیت جایگاه شاه است. میدان و دولت‌خانه اصفهان نیز چنان‌که در متون توصیف می‌گردد، تحت سیطره نمادین حضور شاه است. مطالعه نمونه‌های مذکور، تفسیری از رابطه تعاملی فضای عمومی و قدرت متمرکز است. میدان در جوار باغ سلطنتی واسطه‌ای است بر اعمال قدرت روی مردم و چشم‌اندازهای شهر صفوی.



تصویر ۷. نقشه محوطه دولت‌خانه و سردرهای سلطنتی در غرب میدان؛ مأخذ: برینیولی، ۱۳۸۵، ص ۶۲.

مطالعه متون تاریخی نشان می‌دهد؛ میدان و خیابان، هر دو تحت سیطره نمادین حضور شاه‌اند. میدان شاه به همان اندازه که مکانی عمومی بود، نقش معبر ورودی کاخ (جلوخان کاخ) را نیز ایفا می‌کرد. شاه در این میدان و توسط عالی‌قاپو به هنگام برنامه‌هایی چون مسابقات چوگان، اجرای حکام در ملا عام یا جشن‌های مذهبی وارد ارتباط با مردم می‌شد. مجموعه شاهی، علاوه بر عمارت عالی‌قاپو، سردرهای دیگری نیز در جانب غربی میدان داشت: سردر مشرف به بازار مسگرها در شمال عالی‌قاپو، سردر حرم در جنوب عالی‌قاپو، سردر مطبخ شاهی در گوشه جنوب غربی میدان (تصویر ۷). بنابراین تمامی نمای غربی میدان، نمایی سلطنتی بود. اجرای مراسم و آیینها در میدان، سیاست شاه برای نمایش قدرتش بود. مراسم چوگان و قیق‌اندازی، چنانکه در شاهنامه توصیف شده، نشانه‌های دلاوری شاه بودند و میدان مکانی برای نمایش دلاوری شاه. همه این مراسم بر «گردش نگاه» میان شاه، ملازمان و رعایایش و مردم عادی استوار بود. میدان مکانی بود برای دیدن و دیده‌شدن. این مراسم و آیینها، همگی ریشه‌ای کهن داشته، مربوط به پادشاهان ایران باستان بودند؛ و اجرای آنها حقانیت پادشاهی را تثبیت می‌کرد.

ماخذ و منابع

۱. افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت الله (۱۳۹۴)، «نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار»، به اهتمام احسان اشراقی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲. انصاری، مجتبی (۱۳۷۸)، «ارزش‌های باغ ایرانی (صفوی- اصفهان)»، رساله دکتری، رشته معماری، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا.
۳. استروناخ، دیوید (۱۳۸۲)، «شکل‌گیری باغ سلطنتی پاسارگاد و تأثیر آن درباغ سازی ایران»، ترجمه کامیار عبدی، فصلنامه اثر، شماره ۲۲ و ۲۳، صص ۵۴-۷۵.
۴. اوا سابتلی، ماریا (۱۳۸۷)، «باغ ایرانی: واقعیت و خیال»، ترجمه داود طبایی، فصلنامه گلستان هنر، شماره ۱۲، صص ۱۶-۲۹.
۵. بانی مسعود، امیر (۱۳۸۴)، «باغ صاحب‌آباد تبریز»، فصلنامه باغ نظر، شماره ۴، صص ۳-۱۲.
۶. برینولی، ژان (۱۳۸۵)، «بینش شاه عباس: شهرسازی سلطنتی اصفهان»، ترجمه داود طبایی، فصلنامه گلستان هنر، شماره ۵، صص ۶۰-۷۲.
۷. بلیلان اصل، لیدا و دوستار، فهیمه (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر مزارات در توسعه ساختار شهری شهر تبریز از دوره ایلخانی تا صفوی»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۸، صص ۶۵-۸۸.
۸. ترکمان، اسکندریگ (۱۳۸۲)، «تاریخ عالم‌آرای عباسی»، تصحیح ایرج‌افشار، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۹. حیدرنتاج، وحید (۱۳۸۸)، «باغ‌های سمرقند»، فصلنامه منظر، شماره ۱، صص ۱۰-۱۳.
۱۰. حناچی، پیروز و نژاد ابراهیمی، احد (۱۳۸۵)، «بازخوانی میدان صاحب‌آباد از روی تصاویر شاردن و مطراق‌چی»، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۵، صص ۳۵-۴۴.
۱۱. خوجم لی، عبدالوهاب؛ احمدی‌پور، زهرا؛ حافظ‌نیا، محمد رضا و پورجعفر، محمد رضا (۱۳۹۵)، «تبیین ژئوپلتیک منظر شهری؛ رابطه قدرت و سیاست با نمادسازی شهری»، مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، شماره ۳، صص ۱-۲۸.
۱۲. عالمی، مهوش (۱۳۹۰)، «باغ‌های تبریز»، ترجمه سولماز حسینیون، فصلنامه بن، زمستان ۱۳۹۰، صص ۹۵-۱۱۴.
۱۳. قمی، قاضی احمد (۱۳۶۷)، «خلاصه التواریخ»، به کوشش احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران.
۱۴. کربلانی تبریزی، حافظ حسین (۱۳۳۵)، «روضات الجنان و جنات الجنان»، تصحیح سلطان قرائی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۵. کربن، هانری (۱۳۹۱)، «ارض ملکوت: کالبد رستاخیزی انسان از ایران مزدایی تا ایران شیعی»، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، نشر سوفیا.
۱۶. گالدیری، اوژینو (۱۳۸۶)، «کاخهای اصفهان»، ترجمه محمدتقی فرامرزی، اصفهان در مطالعات ایرانی، تهران، نشر مرکز.
۱۷. مطراق‌چی، نصوح (۱۳۷۷)، «بیان منازل»، ترجمه رحیم رئیس‌نیا، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۸. مک‌چسنی، رابرت دی (۱۳۸۰)، «چهار منبع درباره ساخته‌های شاه‌عباس»، ترجمه مهرداد قیومی بیدبندی، فصلنامه گلستان هنر، شماره ۶، صص ۴۶-۷۵.
۱۹. مولف گمنام (۱۳۶۴)، «عالم‌آرای صفوی»، به کوشش یدالله شکری، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۲۰. نویدی، عبدی‌بیگ شیرازی (۱۹۷۴)، «کلیات نویدی»، نسخه خطی شماره ۲۴۲۵، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
۲۱. ویلبر، دونالد (۱۳۸۴)، «باغ‌های ایران و کوشک‌های آن»، ترجمه مهین‌دخت صبا، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۲۲. هروی، قاسم بن یوسف (۱۳۴۶)، «ارشاد الزراعه»، به اهتمام محمد مشیری، تهران، دانشگاه تهران.

23. Alemi, M. (2009). The Garden City of Shah Tahmasb Reflected in the Words of His Poet and Painter. Stephen Bann (Ed). Interlacing Words and Things: Bridging the Nature-Culture Opposition in Gardens and Landscape. Dumbearton Oaks: Harvard University Press.
24. Czepczynski, M. (2008). Cultural Landscapes of Post-Socialist Cities: Representation of Powers and Needs. Poland: Ashgate Publishing Company.
25. Czepczyński, M. (2010). Interpreting post-socialist icons: from pride and hate towards disappearance and/or assimilation. Poland: Human Geographies.
26. Dovey, K. (2001). Memory, Democracy and Urban Space: Bangkok's `Path to Democracy. *Journal of Urban Design*, Vol. 6, No. 3, pp.265282-.
27. Dovey, k. (2002). Framing place: Mediating power in built form. London: Routledge.
28. Geciene, I. (2002). The Notion of Power in the Theories of Bourdieu, Foucault and Baudrillard. *Sociologija*, No.2, pp.116125-.
29. Jacobs, A.J. (2008). Political Power, Collective Memory, and American Central Cities: The Discourses of the Conservative Elite's Counter-Memory of the City. *The Open Urban Studies Journal*, No.1, pp.25-34.
30. Wirth, E. (1997). Qazvin-safavidische Stadtplanung und Qadjarischer Bazar. *Archäeologische Mitteilungen Aus Iran Und Turan*, No.29, pp.464-504.

## مطالعه مسکن برای گروه‌های کم درآمد شهری با تاکید بر پایداری اجتماعی؛ نمونه موردی شهر ایلام

محمد جواد ایران نژاد\* - کارشناس ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل کیش، کیش، ایران.

### چکیده

پایداری اجتماعی و بهبود رفاه نسل‌های آینده و کنونی بر می‌گردد و امروزه در طراحی معماری روند استفاده چشمگیری داشته است. با وجود نگاه‌های مختلف به مفهوم توسعه پایدار و برداشت‌های متفاوت از آن، اصل تعادل میان سه بعد زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی مورد توافق همگان است. رویکرد پایداری اجتماعی به جهت در نظر داشتن نیازهای اساسی مردم، عدالت خواه بودن و رفاه فیزیکی و اجتماعی، ارتقاء خلاقیت و توسعه توان انسانی، حفظ میراث فرهنگی و زیستی، تقویت احساس ارتباط با تاریخ و محیط زیست و مردم سالارانه بودن و نیز بهبود شرایط زندگی رفاه اجتماعی، کالبدی و شور و هیجان ساکنان را به ارمغان می‌آورد. باید در نظر داشت در بسیاری از موارد مهمترین عامل تأثیرگذار بر میزان رضایت فرد از سکونت در محله، مسکن و شرایط محیطی آن است لذا در مطالعه مسکن با در نظر گرفتن اصول پایداری اجتماعی امری شایان توجه بنظر می‌رسد. اقشار کم‌درآمد جامعه همواره به سبب عدم برخورداری از امکانات مناسب مسکونی و اجتماعی مورد غفلت قرار گرفته‌اند. مطالعه مسکن بر مبنای الگوهای پایداری اجتماعی با توجه به فاکتورهای اساسی پایداری اجتماعی می‌تواند در مطالعه مسکن اقشار کم‌درآمد نقش داشته باشد. حال این پرسش مطرح می‌گردد که نقش پایداری اجتماعی در مسکن اقشار کم‌درآمد چیست و چگونه می‌توان از این رویکرد در مطالعه مسکن استفاده نمود. برای پاسخگویی به این پرسش ابتدا موضوع مسکن و شناخت توسعه پایدار، اصول، راهکارها و نیز پایداری اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت با بررسی نمونه‌های خارجی و منابع مطالعاتی مشخص گردید رویکرد پایداری اجتماعی به جهت دربر داشتن فاکتورهایی مناسب نظیر عدالت اجتماعی، ارتقاء آموزش و رفاه فیزیکی برای مسکن قشر کم‌درآمد به عنوان الگویی برای در نظر گرفتن مسکن قشر کم‌درآمد در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی: گروه‌های کم درآمد شهری، مسکن، پایداری اجتماعی، ایلام.

### The study of housing for small urban groups with emphasis on social sustainability ( the city 's case of Ilam )

#### Abstract

Social sustainability and the welfare of future generations, and today's trend has been dramatically used in architecture design. Despite the different perspectives of sustainable development and its different perceptions, the principle of balance between the three dimensions of environmental, social and economic consensus is agreeable to everyone. Social sustainability approach to address the basic needs of people, equity and physical and social wellbeing, promotion of creativity and development of human capacity, the preservation of cultural and biological heritage, the sense of association with history and the environment, and being democratic as well as improving the living conditions of social welfare, body and passion bring residents. It should be considered that in many cases, the most important factor affecting the level of satisfaction of a person from residence in the neighborhood, housing and its environmental conditions, therefore, in the study of housing, it is worth considering the principles of social sustainability. Low-income groups in the community have always been neglected due to lack of proper residential and social facilities. Housing studies based on social sustainability patterns, with regard to the basic factors of social sustainability, can play a role in the low-income housing population. The question now is what the role of social sustainability in low-income housing is and how this approach can be used in housing studies. To answer this question, the issue of housing and the recognition of sustainable development, principles, strategies and social sustainability have been investigated first. Finally, by examining external samples and literature sources, the social sustainability approach was considered as a model for considering low-income housing in order to include appropriate factors such as social justice, education promotion and physical well-being for low income families.

**Keywords:** Low - income urban groups, housing, social sustainability, Ilam.

امروزه مسکن و مسائل مربوط به آن مسئله‌ای جهانی است و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در کشورهای مختلف به دنبال راه‌حل‌هایی برای حل مسائل مربوط به آن‌اند (Buckly and Kalarickal, 2005:237)؛ مسکن نسبت به سایر کالاها به دلیل ویژگی‌هایی مانند غیرقابل جایگزین بودن، سرمایه‌ای بودن، بادوام و پرهزینه بودن و غیرمنقول بودن، عامل عمده نابرابری و در عین حال همبستگی اجتماعی است (Gallent and Robinson, 2011:298). مسکن در زمره اساسی‌ترین و حساس‌ترین بخش‌ها در برنامه‌ریزی توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی است (عزیزی، ۱۳۷۸). اما هم‌چنان ۲۰ درصد جمعیت جهان فاقد خانه‌ای در شأن زندگی هستند (صرافی، ۱۳۸۱). به اعتقاد شولتز خانه خود زندگی بوده در حالی که بنای عمومی تصویر زندگی است و او معتقد است که خانه بخشی از هویت فرد است (نوربرگ شولتز، ۱۳۹۲). تحلیل مسائل کمی و کیفی مسکن از طریق ابزاری صورت می‌گیرد به نام شاخص‌های مسکن و بیانگر ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی مسکن است (احدنژاد و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۳). به طور کلی، می‌توان شاخص‌های مسکن را در سه گروه عمده تقسیم بندی کرد (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۶)؛ شاخص‌های کمی مسکن، شاخص‌های کیفی مسکن، و شاخص‌های اقتصادی مسکن. پایداری اجتماعی در نظر گرفتن جنبه‌های فرهنگی و روزمره زندگی مردم است و این که ساختمان با فرهنگ، مذهب و نیازهای مردم تناسب داشته باشد (خاکپور، ۱۳۹۴، ص ۶).

در این میان مسأله مهمتری که وضعیت مسکن در جهان را رقت‌بارتر می‌کند فراموشی اقشار کم‌درآمد در برنامه‌های تأمین مسکن است. همچنین مسئله مهمتر در زمینه مسکن در کشورهای در حال توسعه، بی‌توجهی و از یاد بردن اقشار کم‌درآمد شهرها در برنامه‌های تأمین مسکن است (فخرایی، ۱۳۹۱). شهر ایلام است که به خاطر موقعیت جغرافیایی شهر، به لحاظ مسکن و به خصوص برای اقشار کم‌درآمد دارای مشکلات فراوانی و به خصوص در حاشیه شهر است. این شهر براساس آمار سال ۱۳۹۱، دارای ۱۷۵ هزار

جمعیت می‌باشد که کانون اصلی مهاجرپذیری استان می‌باشد. اقشار کم‌درآمد که حجم بالایی از جمعیت شهر را تشکیل می‌دهند در تأمین مسکن مناسب برای خود دچار مشکل هستند. بنابراین لزوم توجه به مسکن برای اقشار کم‌درآمد در شهر ایلام امری ضروری جلوه می‌نماید. لکن به توجه به رویکرد پایداری اجتماعی به عنوان روند تاثیرگذار بر توسعه پایدار شهرهای امروزی، بکارگیری این رویکرد در مطالعه مسکن برای اقشار کم‌درآمد ایلام می‌تواند تاثیر بسزایی بر روند مسکن اقشار کم‌درآمد در این منطقه داشته باشد که در روند شهر ایلام تاثیر بسزایی خواهد داشت که ضرورت و اهمیت پژوهش پیرامون این مباحث مشمول تعداد زیادی از اقشار کم‌درآمد در شهر ایلام خواهد بود که به می‌تواند به مسکن این اقشار به عنوان یکی از ضروری‌ترین نیاز آنان پاسخگو باشد. هدف اصلی این پژوهش مطالعه مجتمع مسکونی برای گروه‌های کم‌درآمد شهری با رویکرد پایداری اجتماعی مطالعه موردی شهر ایلام است. در این راستا این گونه سئوالات مطرح می‌شود که چگونه می‌توان یک مجتمع مسکونی را برای اقشار کم‌درآمد ایلام بر پایه نیازهای آنان ایجاد نمود؟ آیا مطالعات دقیق و تأمین مسکن در بهبود شاخص‌های اجتماعی گروه‌های کم‌درآمد تاثیرگذار است؟ آیا مجتمع‌های مسکونی راه‌کاری مناسب برای تأمین مسکن و ارتقا شاخص‌های اجتماعی مسکن در گروه‌های کم‌درآمد شهری در شهر ایلام می‌تواند باشد؟ در جواب به سئوالات فرضیه‌های تحقیق مطرح گردیدند. یک مجتمع مسکونی را می‌توان برپایه نیازهای اقشار کم‌درآمد ایلام مورد مطالعه و بررسی قرار داد. بین یک مطالعه مناسب، تأمین مسکن و بهبود شاخص‌های اجتماعی گروه‌های کم‌درآمد رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد. مجتمع‌های مسکونی راه‌کاری مناسب برای تأمین مسکن و ارتقا شاخص‌های اجتماعی مسکن در گروه‌های کم‌درآمد شهری در شهر ایلام است.

### پیشینه تحقیق

حیدری چپانه و همکاران (۱۳۸۹)، در مطالعه‌ای به بررسی نقش استراتژی توسعه شهری (CDS)



در سیاست‌های تأمین مسکن گروه‌های کم درآمد شهری شهر رشت پرداخته‌اند، تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که اگر چه هدف اصلی این خانه‌ها، تأمین مسکن گروه‌های کم درآمد شهری در رشت بوده است، اما اغلب ساکنان آن‌ها متعلق به گروه‌های متوسط و متوسط به بالا هستند. خدایی و میره (۱۳۹۰) در مقاله‌ای به بررسی تجارب جهانی در زمینه تأمین مسکن گروه‌های کم درآمد شهری با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی پرداخته‌اند که گردآوری اطلاعات در این مطالعه به صورت اسنادی انجام شده است. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که به طور کلی سیاست‌های تأمین مسکن گروه‌های کم درآمد در چهار گروه: ۱- سیاست ساخت مسکن؛ ۲- سیاست تأمین مالی مسکن؛ ۳- سیاست زمین و خدمات؛ و ۴- سیاست‌های منتج از راهبرد توانمندسازی مورد توجه قرار گرفته است.

احدژادروشتی و مرادی مفرد (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان نقش استراتژی توسعه شهری (CDS) درآمد شهری (مورد مطالعه: ناحیه صفرآباد و بیسیم شهر زنجان) به این نتایج دست یافتند که در مؤلفه‌های اصلی ارائه و ام‌های مسکن با بهره‌کم، در ایجاد انگیزه برای مقاوم‌سازی مسکن نقش تعیین‌کننده دارد که ۳/۷۵۱٪ و همچنین مؤلفه دوم که بیانگر بهبود وضعیت اقتصادی مردم و افزایش درآمد آنان بوده ۳/۶۱۴٪ و مؤلفه سوم یعنی نوع مصالح به کار رفته در ساختمان ۲/۲۶۳٪ مقادیر ویژه مشاهدات را توجیه و تبیین می‌نمایند. همچنین در تحلیل عاملی شاخص اقتصادی بیشترین تأثیر را در مسکن گروه‌های کم درآمد شهری دارا می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد: گروه‌های کم درآمد در مقایسه با سایر گروه‌های بالاتر، بهره‌مندی کمتری از منافع برنامه‌های توسعه شهری دارند.

مارگاری اوستین ترنر و توماس کینگسلی (۲۰۰۸) در گزارشی تحلیلی با عنوان (برنامه‌های فدرال برای نیازهای سکونتی گروه‌های کم درآمد- سیاست اولیه) به بررسی سیاست مسکن گروه‌های کم درآمد در کشور آمریکا پرداخته‌اند. بنروز و دوریت (۲۰۰۹) نظامی جامع برای تأمین مسکن سفارشی انبوه برای کاهش هزینه‌های تأمین مسکن پیشنهاد نموده‌اند.

ریچارد گراور (۲۰۱۰)، در مقاله‌ای با عنوان «روزی بر برخی از مسائل مهم در تأمین مالی مسکن با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی مساله تأمین مالی در مسکن پرداخته و مسکن را به عنوان ابزاری مهم برای افراد کم درآمد دانست که در بلند مدت باعث بهبود زندگی آن‌ها خواهد شد.

آزادخانی و همکاران (۲۰۱۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی رضایتمندی اقشار کم درآمد شهری از طرح مسکن مهر» عنوان می‌نماید که پروژه مسکن مهر یکی از طرح‌های بسیار مهم بوده است که از سوی مسئولان یا هدف خانه‌دار شدن اقشار کم درآمد و رضایتمندی آنان و کنترل بازار مسکن یا سرمایه‌گذاری بسیار آغاز شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که این طرح در دستیابی به اهداف خود و رضایتمندی اقشار کم درآمد موفق نبوده است.

#### روش تحقیق

در این پژوهش از روش‌های مختلفی جهت حصول به نتایج تحقیق استفاده شده است: شیوه گردآوری اطلاعات در این پژوهش دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد در شیوه گردآوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای از اطلاعات علمی، دیسک‌های رایانه‌ای، اسناد شخصی و خصوصی، مطبوعات، مقاله‌ها و مجله‌ها و نیز کتاب‌های مرتبط با موضوع مسکن اقشار کم درآمد و پایداری اجتماعی بهره‌گیری شد و در شیوه میدانی از طریق مشاهده و به کارگیری فیلم و عکس (صوتی و تصویری) استفاده شده است. هدف از این بخش گردآوری اطلاعات به منظور آزمون فرضیه‌های مطرح شده می‌باشد. در قدم بعدی روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد که به تحلیل هر یک از مدارک می‌پردازد. در این بخش به چگونگی موضوع پرداخته می‌شود و علاوه بر تصویرسازی آن چه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت موضوع پرداخته می‌شود. سپس با توجه به مدارک موجود از طریق تحقیق شبیه سازی-مدل سازی، اقدام به مطالعه مسکن اقشار کم درآمد می‌شود. در روش توصیفی-تحلیلی و تاریخی، روش تجزیه و تحلیل به صورت دستی می‌باشد، چرا که به کمک فکر

به این صورت که ورودی سواره به زیر زمین راه پیدا می‌کند و ورودی سواره در سطح صفر- صفر زمین ادامه پیدا خواهد کرد بدین صورت از آلودگی صوتی برای ساکنین نیز جلوگیری خواهد شد. از جمله نکات مهم و کاربردی که توسط معمار به کار گرفته شده است و در واقع نوعی خلاقیت و نوآوری به شمار می‌آید، استفاده از مدول‌های تکرار شونده در ساخت و نوع قرار گیری بلوک‌ها می‌باشد که خود یکی از دلایل هماهنگی و یکپارچگی در کل مجموعه در عین استفاده از احجام متفاوت می‌باشد. همچنین از دیگر نکات دیگر در نظر گرفتن فرم چرخشی بازو برای بلوک‌ها ضمن اختلاف ارتفاع آنها نورگیری و تهویه مطبوع در زوایای متفاوت برای تمامی واحدها را به حداکثر رسانده است.

و تحلیل عقلانی صورت می‌گیرد. در روش شبیه سازی- مدل سازی و موارد آماری، روش تجزیه و تحلیل به صورت ماشینی یا همان رایانه‌ای صورت می‌گیرد. نرم افزارهای مورد استفاده عبارت است از: اتوکد، ماکروسافت آفیس، فتوشاپ، گوگل ارث، و تری دی مکس و غیره. در این قسمت از پژوهش به مطالعه موردی اثر داخلی و خارجی پرداخته شده است.



تصویر ۱. مجتمع مسکونی زیتون اصفهان؛  
ماخذ: [www.architect.pmcblog.com](http://www.architect.pmcblog.com)



تصویر ۲. مسکن مهر شهر جدید پردیس؛ ماخذ:  
[www.architect.pmcblog.com](http://www.architect.pmcblog.com)

دومین مورد مربوط به مسکن مهر شهر جدید پردیس تهران می‌باشد. مسکن مهر به عنوان مهمترین اقدام دولت در راستای تامین مسکن برای اقشار کم‌درآمد در چارچوب واگذاری زمین به استعداد ساخت یک میلیون و پانصد هزار واحد مسکونی از سوی وزارت راه و شهرسازی ارائه شده است. اما این پروژه با مشکلاتی همراه است.

اولین مورد مطالعه در خصوص مسکن مربوط به مجتمع مسکونی زیتون اصفهان می‌باشد که جهت سکونت ۵۰ خانواده کم درآمد در محله ای ارزان قیمت اجرا شده است. با توجه به اقلیم نیمه بیابانی شهر اصفهان استفاده از گیاهان در طراحی بنا در تابستان برای جلوگیری از نور مزاحم و تهویه و هوای مطبوع در مجموعه و در زمستان جلوگیری از ورود باد سرد به بنا برای آسایش دمایی و ... مناسب می‌باشد. در طراحی معماری بناهای این شهرک مسکونی از تلفیق سبک معماری سنتی- بومی و معماری مدرن استفاده شده است مانند بادگیری، دالان‌هایی مسقف، بازشوهای عمودی رواقها و همچنین پوشش گیاهی می‌باشد. از نکات قابل توجه در طراحی سایت جدا کردن مسیرهای پیاده و سواره از یکدیگر است

شده است که با استفاده از گچبری‌های خاص منطقه و شهر به زیبایی آن افزوده شده است.

چهارمین مورد مربوط به مسکن اجتماعی کارگران در شهر برلین، آلمان است. بریتز هوف آیزن زیدلانگ یا طرح خانه سازی نعلی شکل به دلیل شکل بلوک مرکزی آن که به دور یک برکه شکل گرفت، به این اسم نامیده شده است؛ این مجموعه به عنوان قسمتی از برنامه ی مارتین واگنر برای خانه سازی مخصوص کارگران که به شدت مورد نیاز بود در شهر برلین آلمان طراحی شد. جانمایی واحدهای منفرد، حالتی متعارف دارد و واحدها به خودی خود کاملاً کوچک هستند. آپارتمان‌ها دارای چیدمان کلی فضاهای سکونتی اصلی، به همراه سرسراها، ایوان‌های درونی یا تراس‌های بیرونی در سمت رو به باغ ساختمان هستند و در سمت دیگر ساختمان دارای دسترسی به پاگرد و پلکانی رو به خیابان می‌باشند. پلان‌ها که متناوباً و یک در میان به صورت پیش آمده یا عقب نشینی کرده شکل گرفته اند، عناصری عمودی را در نماها معرفی می‌کنند تا طبیعت ذاتی افقی بلوک‌ها را بشکنند.

عدم بهره‌گیری از منابع و انرژی‌های موجود در طبیعت جهت فراهم آوردن شرایط آسایش انسان، عدم تنوع و امکان زندگی با کیفیت مطلوب و فضاهای باز نامناسب، عدم توجه به فضاهای مانند گره‌های شهری، واحدهای همسایگی و ... برای افزایش تعاملات اجتماعی و عدم رعایت سلسله مراتب فضایی از دیگر مشکلات این پروژه است. ناپایدار کردن منظر منطقه به دلیل استفاده از فرمهای نامتناسب با زمینه.



تصویر ۳. مسکن اجتماعی بارسلونا، اسپانیا؛ ماخذ: [www.architect.pmcblog.com](http://www.architect.pmcblog.com)



تصویر ۴. مسکن اجتماعی کارگران برلین؛ ماخذ: [www.archdaily.com](http://www.archdaily.com)

سومین مورد مربوط به مسکن اجتماعی بارسلونا، اسپانیا است. این پروژه در سال ۲۰۱۱ توسط گروه معماری بتل و رویج در شهر بارسلونا طراحی و ساخته شد. ساکنین در حجم‌هایی شبیه به I که پهنای آن ابعاد خیابان را انعکاس می‌دهد و در اطراف یک حیاط و بین ملک اصلی و ساختار جدید می‌پیچد، خانه نشین شده‌اند. نما حالت محلی خانه ی بزرگ را بسط می‌دهد هم در پرداخت گچکاری سفید و هم با بام شیبدار خود که بیشتر یادآور بارز تاریخی بومی بافت است. در این مسکن اجتماعی مصالح نما از متریال ارزان اما با بشکلی متنوع استفاده

بر اساس بررسی‌های انجام گرفته پیرامون نمونه‌های موردی داخلی و خارجی می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری نمود که در بخش نمونه‌های داخلی با وجود آنکه در کشور نیاز مبرم به تامین مسکن برای اقشار کم درآمد وجود دارد اما پروژه‌های موجود اغلب به عنوان پروژه‌های مسکن مهر یا پروژه‌های مسکن اجتماعی کار شده است که چنانکه به عنوان نمونه مسکن مهر شهر جدید پردیس مشاهده می‌شود فاقد بسیاری از امکانات اساسی و جانبی مورد نیاز بوده و از لحاظ طراحی معماری نیز اصول مناسب معماری و شهرسازی در آن رعایت نگردیده است. در این بین از نمونه‌های مناسب مسکن اقشار کم درآمد می‌توان به مجتمع زیتون اصفهان اشاره نمود به عوامل اقلیمی نظیر تابش و سایه اندازی و بادهای غالب توجه شده است. همچنین حجم متفاوت ولی در عین حال یکپارچه (به دلیل استفاده از مدول تکرار شونده در طراحی، استفاده از ریتم و تکرار تناسب در ارتفاع و احجام تکرار شونده احجام هندسی مربع و مستطیل و...) بهره گرفته است. از جمله موارد معماری سنتی و بومی نظیر بادگیر، حیاط مرکزی و دالان‌هایی مسقف که در ساخت این مجموعه استفاده شده است. اما در بخش نمونه‌های موردی خارجی می‌توان نمونه‌های مناسب متعددی را در سراسر جهان مشاهده نمود که با توجه به نیازهای ساکنان کم درآمد آن شهرها طراحی گردیده است. به عنوان نمونه می‌توان به مسکن اجتماعی بارسلونا اشاره نمود که از معماری بومی منطقه بهره برده است و همچنین فضاهای خدماتی متعدد و ارزان را برای ساکنان فراهم نموده همچنین از مصالح ارزان اما هماهنگ با نما استفاده نموده است. همچنین در مسکن اجتماعی طرح پیشنهادی برای مسکن سازی اجتماعی، در سائیتا با بیشترین پیچیدگی از لحاظ هندسی عرضه شده، اما به زیبایی بر موضوعاتی چون، بر موضوعاتی مانند تراکم، تخلخل، صمیمیت و تطابق با شهر تمرکز کرده است و بخش‌های مختلفی را در اختیار ساکنان آن قرار می‌دهد. در مجموعه مسکن اجتماعی کارگران برلین نیز سعی شده است فضایی درونگرا با ایجاد باغی در داخل مجموعه

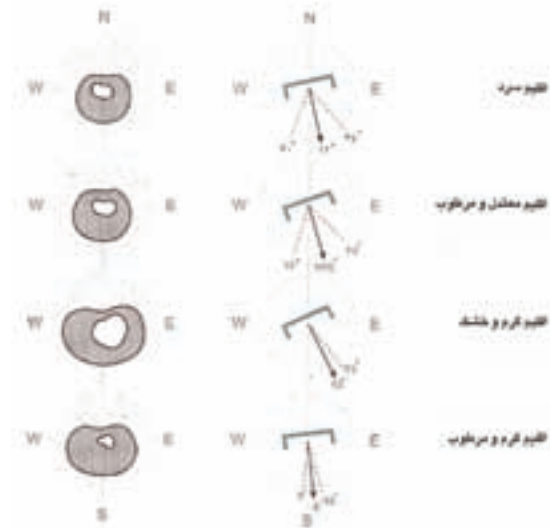
مسکونی باشد و در بخش‌های مختلف با تغییر الگو از ایجاد فرمی یکنواخت دوری شود. همچنین در قسمتهایی با ایجاد پیش آمدی یا عقب رفتگی ایوان ایجاد نموده است. نمونه‌های ذکر شده داخلی و خارجی با توجه به توضیحات ذکر شده، مزایا و معایب خود می‌تواند در مطالعه مجموعه مسکونی اقشار کم درآمد در ایلام مورد استفاده قرار گیرد.

## ضوابط و استانداردهای طراحی

در طراحی پروژه‌های مسکونی لازم است علاوه بر بلوکهای مسکونی ضوابط و استانداردهای طراحی نیز رعایت شود. مثل تأمین پارکینگ‌ها با رعایت ضوابط شهرداری الزامی است. به ازای هر ۵۰ تا ۱۰۰ واحد مسکونی یک فضای تجمع عمومی در نظر گرفته شود و در مجموعه‌های بالای ۵۰ واحد مسکونی، به ازای هر واحد باید حداقل ۲۵ متر مربع فضای سبز در نظر گرفته شود. از نظر دسترسی ورودی به مجموعه باید قابل کنترل باشد. به منظور ایجاد امنیت و آسایش ساکنین مجموعه‌ها، هنگام تهیه طرح محوطه سازی حریم مجموعه مسکونی از عرصه‌های مجاور جدا گردد. تا جایی که ممکن است مسیرهای پیاده و سواره از یکدیگر تفکیک شوند. نقشه نماهای اصلی بنا باید همراه نمای ساختمان‌های مجاور ترسیم شده و با آنها هماهنگ شود. فاصله دو بنا که نمای اصلی آنها مقابل هم (بدون توجه به جهت جنوبی، شمالی، شرقی، غربی و غیره) قراردارند، برابر ارتفاع بنای جنوبی خواهد بود، چنانچه دو بنا دارای شکستگی در ارتفاع باشند، فاصله دو بنا برابر ارتفاع بنای جنوبی در هر شکستگی محاسبه می‌شود. ایمنی در برابر آتش سوزی در واحد های آپارتمانی و مجتمعهای مسکونی یکی از موارد خطیر در بحث ایمنی در ساختمان بشمار می‌آید. در ایران امکانات آتشنشانی تنها قادر است پاسخگوی مهار آتش حد اکثر تا ارتفاع ۱۳ متر باشد. از آنجا که امکانات مهار آتش از طریق آسمان در کشور وجود ندارد لذا اولاً توصیه می‌گردد بخصوص در مجتمعهای مسکونی که تراکم جمعیت و رنج سنی بالاتری را در خود جای



می‌دهد، از احداث ساختمانهای بالای ۱۳ متر خودداری گردد. پوشش سقف و کف از جمله مهمترین سطوح در بحث آتشسوزی است. این سطوح اگر از مواد آتشگیر ساخته شده باشند باید با استفاده از مواد گلوکسی در برابر خطر آتشسوزی ایمن شده باشند. از دیگر عوامل در بحش ایمنی در برابر آتش‌سوزی، سازه ساختمان است. توصیه می‌گردد به جهت ایمنی بیشتر بتن نسبت به فولاد در مجتمع‌های مسکونی از سازه‌های بتنی استفاده گردد. از دیگر موارد می‌توان به شیشه‌های مقاوم در برابر آتش که به شکلهای مختلف و عایق دار است اشاره کرد همچنین استفاده از زنگ‌های خطر دود. در تصویر ۵ با توجه به موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های اقلیمی استان ایلام جهت ساختمان نشان داده شده است.



تصویر ۵. جهت ساختمان با توجه به اقلیم ایلام؛ ماخذ: کسمایی، ۱۳۸۵.

مشخصات سایت انتخابی طبق نقشه در حدود ۴۰۰۰۰ متر مربع است. شکل و هندسه سایت به شکل یک متوازی‌الضلاع نسبتاً نامنتظم است که ابعاد اصلی آن از شمال نقشه با کمی تفاوت به شرح زیر است ۲۸۰، ۲۱۰، ۲۶۹، ۲۰۹ که در حقیقت تمام اضلاع سایت را تشکیل می‌دهند. ورود به دهانه سایت (ورودی اصلی پیاده) می‌تواند از قسمت (ورودی ۲۸۰ متری شمالی) صورت پذیرد، این دسترسی شمالی می‌تواند با

قابلیت دسترسی سواره و پارکینگ خارجی و نیز دسترسی اصلی پیاده سایت به کار آید. زمین دارای شیب کمی است و اختلاف ارتفاع زیادی به چشم نمی‌خورد. این سایت از شرق به ترمینال مسافری محدود است، از طرف شمال سایت به خیابان چالسرا و زمین‌های بایر محدود می‌شود. از طرف غرب به زمین و باغهای اطراف و از طرف جنوب نیز با منطقه مسکونی و زمین‌های بایر، همجوار است. این محدوده بدلیل ویژگی‌ها و قابلیت‌های منطقه‌ای برای احداث مجموعه مسکونی اقشار کم درآمد مناسب است و قابلیت توسعه فعالیت‌های مناسب با امکانات بالا را داراست.

با توجه به تحلیل سایت انجام شده به دلیل وجود آلودگی صوتی در اطراف سایت، فضاهای اصلی مجتمع مسکونی متمایل به قسمت مرکزی و کمی متمایل به جنوب (با فاصله از خیابان اصلی) خواهد بود. با توجه به قرارگیری خیابان اصلی در شمال سایت یک پارکینگ باز کوچک در این قسمت پیش‌بینی شده است تا با ورودی پیاده قابلیت ارتباط محدودی داشته باشد همچنین دسترسی به پارکینگ بلوک‌ها نیز از این قسمت خواهد بود. با در نظر گرفتن نورگیری سایت از جنوب کاربری مناسب به جهت بخش‌های اصلی واحدهای مسکونی که نیاز به نورگیری مناسب دارند بگونه‌ای پیش‌بینی شده است که نور جنوبی بگیرد که با حداکثر بهره‌گیری از جنوب طراحی خواهند شد و همچنین نحوه طراحی به جهت استفاده از نور جنوب متمایل به جنوب و شرق خواهد بود. بخش خدماتی نیز در قسمت ورودی‌های سایت و در قسمت شمالی در نظر گرفته شده است. نحوه طراحی ساختمان‌های مسکونی به گونه‌ای خواهد بود که کنترل و هدایت باد در سایت و ایجاد گردش مطلوب و بهره‌گیری از هوای تازه را میسر سازد. با توجه به قرارگیری یک دسترسی اختصاصی و مناسب برای سایت از شمال دسترسی پیاده رو مختلفی در سایت در نظر گرفته شده است.





تصویر ۶. دسترسی‌های سایت؛ ماخذ: نگارندگان.

بدیهی است که آنچه ساختار فیزیکی برنامه‌ریزی را در جهت‌ی خاص هدایت می‌کند بن‌مایه و اصول ساختار فضایی می‌باشد. به عبارت دیگر، ساختار فضایی در طراحی به عنوان مکمل و عنصری که شرایط کافی را در گزینه طراحی ایجاد می‌کند مورد توجه قرار داشته و لازم این گزینه نیز ساختار فیزیکی برنامه‌ریزی می‌باشد. توجه به یکی از این دو عامل و حذف دیگری در طراحی موجب یک بعدی شدن و تک‌محوری شدن طرح خواهد شد، چنانچه امروز مشاهده می‌شود که بسیاری از طرح‌های موجود، تنها حاصل تجزیه و تحلیل‌های صرف می‌باشد و طراحی را از مفهوم هنری خود دور می‌سازد و بسیاری دیگر نیز اگر چه شکل اول را رعایت نموده و پذیرفته‌اند اما سبب عدم شناخت کافی و به‌اندازن به تجزیه و تحلیل‌ها، غیر قابل استفاده و مهجور باقی مانده‌اند. طبق مقایسه انجام شده پیرامون مجتمع‌های مسکونی موجود در ایران رعایت اصول و ضوابط مربوط طراحی معماری پایدار اجتماعی در مجتمع مسکونی به طور مناسب و درخور این الگوها رعایت نشده و کاملاً این الگوها مهجور مانده است با توجه به تعیین اصول طراحی مجتمع مسکونی در فصول پیشین ایده‌های طراحی بر مبنای این اصول خواهد بود.

### نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

بعد از مطالعه و شناسایی دقیق و کامل سایت طرح اتوهای اولیه طراحی شکل گرفت و نتایج زیر از بررسی سایت حاصل گشت:

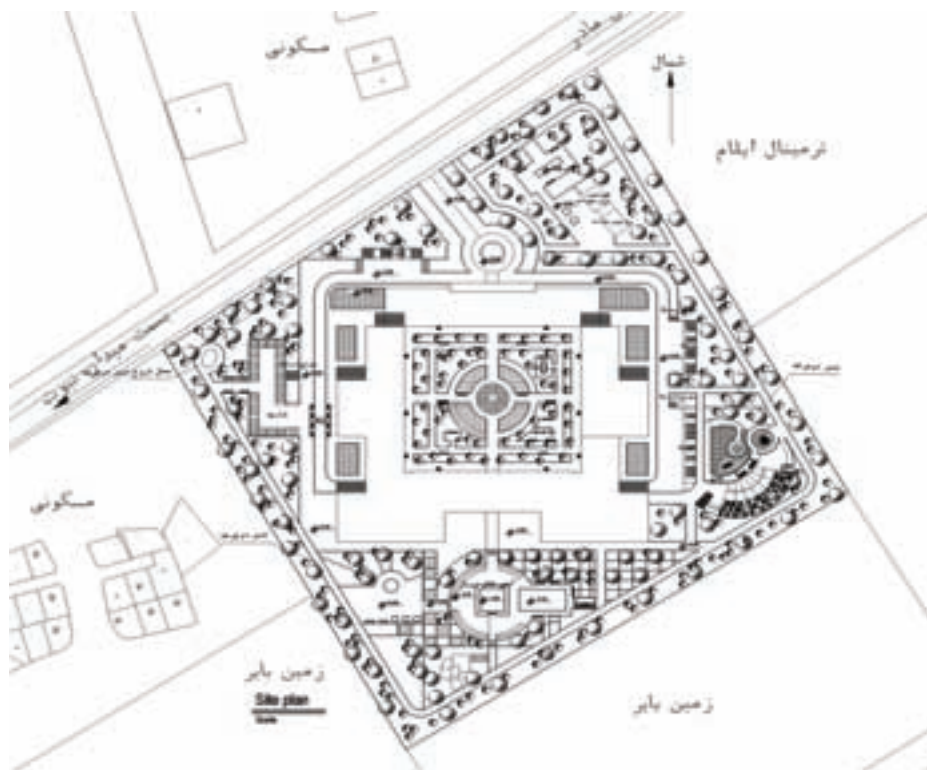
۱. ایجاد فضاهای مرتبط بایکدیگر با دسترسی آسان در طرح.

۲. ایجاد بخش‌های مجزا اما با ارتباط فضایی مرتبط در طراحی.
۳. تنوع نسبی فضاها و مسیرها.
۴. هدایت و کنترل باد در سایت.
۵. بهره‌گیری از فرم عملکردی در طراحی.
۶. کنترل و هدایت نور طبیعی به درون فضاهای باز و بسته طراحی شده.
۷. طراحی پایدار کاربری‌های سایت متناسب با اقلیم منطقه.
۸. طراحی بخش اصلی مجموعه مسکونی در مرکزیت و تاحدی نزدیک به ورودی سایت به سبب ایجاد آسایش بیشتر.
۹. نورگیری مناسب واحدهای مسکونی و رعایت همجواری‌ها و محرمیت دید.
۱۰. ایجاد دسترسی سواره در نقاط مناسب سایت و دسترسی آسان به خیابان.
۱۱. بکارگیری نمادین از الگوهای معماری بومی منطقه ایلام.
۱۲. توجه به معیار مسکن اقشار کم درآمد و ایجاد مسکن مناسب با در نظر گرفتن هزینه مناسب.
۱۳. توجه به رویکرد پایداری اجتماعی در طراحی به جهت قشر کم درآمد از امکانات یک مسکن خوب و بروز با توجه به شرایط ویژه این قشر.
۱۴. ایجاد تعامل بیشتر میان ساکنین از طریق طرح معماری به جهت ایجاد پایداری اجتماعی.

ورودی سایت در قسمت شمالی و با مسیر کوتاهی حل شده است و مسیر آتش‌نشانی نیز در مسیر محدوده سواره رو پیش‌بینی شده است. اطراف سایت بخصوص در نزدیکی ترمینال از فضای سبز و درختان بلند استفاده می‌شود تا محرمیت ایجاد گردد. باید در نظر داشت. بر اساس اصول پایداری اجتماعی باید یک نیازهای اساسی و اولیه ساکنین را مرتفع نماید که در این پروژه نیازهای اولیه ساکنین از جمله مواد غذایی و پوشاک و غیره، با تعبیه فروشگاه‌های مورد نیاز دیده شده است. همچنین با در نظر گرفتن اصل عدالتخواهی پایداری اجتماعی، سعی شده تا تمام اقشار کم‌درآمد مجموعه اعم از سالمند، کودک

نوجوان و جوان فضاهای ویژه خود را باتوجه به روحیات آنان داشته باشند و امکانات مساوی برخوردار گردند. همچنین امکانات مجموعه نظیر متراژ واحدهای مسکونی، پارکینگها و انباری و سایر امکانات تلاش شده تا حتی الامکان شرایط مساوی برخوردار باشند. در بحث توسعه آموزش و خلاقیت با تعبیه بخش آموزشی کودکان و مرکزی برای آموزش و تولید صنایع دستی سعی شده تا به این امر دست یابیم. در بحث مردمسالارانه بودن و توسعه مشارکت اجتماعی سعی شده است تا با ایجاد محیطهای اجتماعی مشترک نظیر محوطه فضای سبز مخصوص و بخشی جهت اجرای مراسمات مذهبی و آیینی (آمفی تئاتر روباز) موجب ایجاد تعاملات اجتماعی بیشتر گردد. در بحث رفاه فیزیکی و ذهنی سعی شده است تا حد امکان نیازهای فیزیکی و نیازهای روحی از طریق پیوند ارتباط با طبیعت حاصل گردد. این طرح به علت استفاده از الگوهای ایرانی نظیر حیاط مرکزی

و الگوهای بومی و پیوند ساکنین با صنایع دستی ایرانی بومی از لحاظ فرهنگی کارکرد مناسبی داشته باشد و فرم مجتمع مسکونی با توجه به موقعیت اطراف سایت به شکل درونگرا و حیاط مرکزی طراحی شده است. این فرم میتواند در این طرح بسیار کارا باشد و فضای مرکزی نیز به جهت امنیت بالا برای بازی کودکان و فضای سبز طراحی شده است. در اطراف سایت به جهت در نظر گرفتن امکانات ورزشی برای اقشار کم درآمد مسیر دوچرخه سواری یا مسیر سلامت در نظر گرفته شده است. در بخشهای مختلف سایت با توجه به موقعیت مکانی فضای سبز و محل گذران اوقات فراغت برای سالمندان جوانان و کودکان باتوجه به نیازهای آنان و در راستای عدالت و پایداری اجتماعی در نظر گرفته شده است. باید در نظر داشت الگوهای پایداری اجتماعی الگوهای مشخصی هستند که در بالا ذکر شده و این عوامل در بخشهای مختلف طراحی لحاظ شده است.



تصویر ۷. طراحی سایت پلان؛ ماخذ: نگارندگان.

با توجه به آگاهی از پیچیده بودن و استقرار مناسب فضاهای مسکونی در سایت به دلیل داشتن فضاهای پراهمیت مجتمع مسکونی، لازم است که قبل از طراحی مطالعه و برنامه‌ریزی اصولی نسبت به تمام فضاهای مختلف از قبیل اقلیم، نورگیری، دسترسی‌ها و توجه به شاخص‌های پایدار اجتماعی و غیره انجام شود که با علم و آگاهی کامل و جامع با توجه به نوع کاربری‌ها و ضوابط و استانداردهای موجود قدم اولیه طراحی، پایه‌گذاری خواهد شد. یکی از موارد مورد توجه اصول و ترکیب‌بندی و پراکندگی و توزیع مناسب کاربری‌ها در فضای سایت بود که عامل اولیه طراحی و شکل‌گیری پروژه مجتمع مسکونی می‌باشد. در اولین گام که مهمترین گام می‌باشد شناسائی سایت و آنالیز دقیق از موقعیت‌های سایت مدنظر می‌باشد. مراحل شناسائی در این پروژه عبارتند از:

۱. شناخت محل سایت و همسایگان آن.
۲. تعیین اختلاف سطح سایت در تمام نقاط و نسبت آن به کد ارتفاعی خیابان مجاور.
۳. بررسی ورودی‌های مختلف به سایت و درجه‌بندی آن‌ها.
۴. مطالعه اقلیمی سایت و تعیین انواع بادهای غالب و خوب که شرایط حجمی مناسبی را تعیین می‌کند.
۵. مکان‌یابی توده‌ها و فضاها و کاربری‌ها در سایت و زمین موردنظر.
۶. دقت کامل به جهت تابش آفتاب و استفاده مفید از انرژی آن با توجه به اقلیم.
۷. جهت‌یابی و نحوه استقرار فضاها با توجه به مسائل اقلیمی و چشم‌اندازهای مختلف آن.

### منابع و ماخذ

۱. احد نژاد روشتی، محسن،، مرادی مفرد، سمیرا،، (۱۳۹۲) نقش استراتژی توسعه شهری در سیاست‌های تأمین مسکن گروه‌های کم درآمد شهری، (مورد مطالعه: ناحیه صفر اباد و بی‌سیم شهر زنجان)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، زمستان ۱۳۹۲.
۲. حکمت‌نیا، حسن؛ موسوی، میرنجف (۱۳۸۵) کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، انتشارات علم نوین، یزد.
۳. حیدری چیان، رحیم. رضا طبع ازگمی، خدیجه (۱۳۹۱) نقش استراتژی توسعه شهری در سیاست‌های تأمین مسکن گروه‌های کم شهری (مطالعه موردی: شهر رشت).
۴. خاکپور، جمشید (۱۳۹۴) پایداری اجتماعی در طراحی مجتمع فرهنگی، همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی، تهران.
۵. شولتز، کریستیان نورنبرگ (۱۳۹۲) مفهوم سکونت، ترجمه: یاراحمدی، محمود امیر، انتشارات آگاه، چاپ پنجم.
۶. صرافی، م، (۱۳۸۱) از حاشیه‌نشینی تا متن شهرنشینی؛ هفت شهر، سال سوم: شماره ۸، تهران: انتشارات شرکت عمران و بهسازی شهری ایران،
۷. عزیزی، محمد، (۱۳۷۸) درس برنامه‌ریزی مسکن، گروه برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران.
8. Bucley, R., Kalarickal, J, 2005, Housing policy in developing countries :conjectures and refutations, World Bank Res Obs, pp.233257-
9. Gallent, Nick & Robinson, Steve., 2011, Local perspectives on rural housing affordability and implications for the localism agenda in England. Journal of Rural Studies. 27. 297.307-10.1016/j.jrurstud.2011.05.004.

## بررسی عوامل تاثیرگذار در تبدیل فضای اجتماعی به المان و نشانه شهری از منظر هویت و خاطره جمعی در شهر شیراز؛ نمونه موردی: ارگ کریم خانی و دروازه قرآن

طاهره عدالت - کارشناس طراحی فضای سبز شهری سازمان سیما منظر و فضای سبز شهری، شهرداری شیراز، شیراز، ایران  
فضل اله پژواک\* - گروه باغبانی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، ملائانی، ایران.

### چکیده

شهر بی‌خاطره شهری است که با پدیده بحران هویت مواجه می‌باشد. وقایع در شهر خاطرات را می‌سازند و برای ایجاد آنها نیاز به فضا دارند. فضاهای خاطره ساز که قبلاً در شهرهای ما وجود داشتند تنزل کیفیت یافته اند. از این رو با کاهش بسترهای مناسب برای شکل‌گیری خاطرات جمعی در شهرهای امروز مواجه شده و معدود فضاهایی از گذشته وجود دارند که با تغییر کاربری به مرور زمان تبدیل به نشانه‌های شهری شده اند تا خاطرات جمعی شهرها را حفظ می‌کنند. از این رو تحقیق حاضر در پی اثبات این است که المان‌های شهری می‌توانند با بکارگیری فاکتورهای مؤثر در طراحی تبدیل به نشانه‌های شهری شوند و نقش مؤثری در شکل‌گیری و ثبت خاطرات جمعی داشته باشند. این پژوهش با استفاده از منابع موجود به بررسی چند نمونه فضای شهری شهر شیراز که تبدیل به نشانه‌های شهری خوب با رویکرد خاطره‌پذیری شده اند، پرداخت. همچنین نشان می‌دهد فضاهایی هستند که به هویت بخشی شهرها کمک می‌کنند و با وجود کاربری متفاوتشان تبدیل به یک المان و نشانه شهری خوب شده اند و خاطرات جمعی شهرها را زنده نگه می‌دارند. در اینجا ابتدا مفهوم فضای اجتماعی بیان می‌شود، پس از آن هویت و فضای شهری مطرح می‌گردد. سپس المان شهری و اهمیت و نقش آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. بعد از آن مفهوم خاطره جمعی، خاطره تاریخی و نشانه شهری بیان می‌گردد و دو بنای ارگ کریم خان در محور زندگی شیراز و دروازه قرآن در ورودی شمال شرقی شیراز مورد بررسی قرار می‌گیرند. در نهایت یک پرسشنامه تهیه گردید و پس از پخش آن در این دو محل، جمع‌آوری شد. در آخر نیز داده‌ها و اطلاعات به دست آمده در نرم افزار spss قرار گرفت و نتایج مطلوبی حاصل گردید.

**واژگان کلیدی:** فضای اجتماعی، هویت، خاطرات جمعی، المان شهری، شهر شیراز.

### Investigating the Influencing Factors in the Conversion of Social Space to Element and Urban Symbol from the perspective of identity and collective memories in Shiraz

#### Abstract

The city is a memory less city that faces the phenomenon of identity crisis. Events in the city make memories and they need space to create them. The memorabilia spaces already existed in our cities have been degraded. Hence, there are fewer areas for the formation of collective memories in today's cities and there are few spaces from the past that have become urban signs by changing their usage over time. Therefore, the present research seeks to prove that urban elements can become urban signs by using effective design factors. This research, using available resources, explores several examples of urban space in Shiraz, which have become good urban symbols with a memorable approach. It also shows the spaces that help the city's identity, and, despite their various uses, have become a good city element and symbol of urban memories.

**Keywords:** Social Space, Identity, Collective memories, Urban Element, Shiraz city

## مقدمه

رنگ بوده و وجود خاطرات جمعی شهر در این مکان‌ها باعث شده تغییر کاربری داده و تبدیل به المان‌ها و نشانه‌های شهری بسیار موفقی شوند. این در حالی است که بیشتر المان‌های شهری که در ابتدا با کاربری المان طراحی شده اند نتوانسته اند به نشانه شهری تبدیل شوند و در شکل‌گیری و ثبت خاطرات شهرها نقش داشته باشند.

## مواد و روشها

اینک سؤال این است که چه فاکتورهایی باعث شده که فضاهایی با کاربری‌های دیگر تبدیل به المان شهری و نشانه شهری شوند؟ این پژوهش برای پاسخ به این سؤال ابتدا با استفاده از مطالعه اسنادی به تعریف المان‌های شهری، خاطرات جمعی و نشانه شهری می‌پردازد. سپس توسط مطالعات میدانی به معرفی چند فضا که تبدیل به نشانه شهری موفق، شده اند پرداخته و با استفاده از روش تحلیلی به بررسی فاکتورهای مؤثر در هویت‌بخشی و خاطره‌مند بودن این فضاها می‌پردازد. از آنجا که فرضیه این پژوهش بر این بوده که المان‌های شهری پتانسیل تبدیل شدن به نشانه‌های شهری و هویت‌بخشی به شهر را دارند. در پایان هدف از این پژوهش مطابقت دادن و لحاظ کردن این فاکتورها در طراحی المان‌های شهری با رویکرد خاطره‌پذیر بودن آنها و خوانایی و جهت‌دهی به منظور هویت‌بخشی به شهرهای امروز و حفظ و تداوم خاطرات جمعی شهرها می‌باشد.

## پرسش‌های تحقیق عبارتند از:

۱. آیا تبدیل فضای اجتماعی به المان شهری در ایجاد هویت و خاطره‌پذیری شیراز اهمیت دارد؟
۲. آیا یا استفاده از عوامل تاثیرگذار در ایجاد خاطره جمعی در شیراز می‌توان فضای اجتماعی را به نشانه شهری تبدیل کرد؟
۳. چگونه هویت شهری در اثر تبدیل فضای اجتماعی به المان شهری موجب ارتقا خاطرات جمعی می‌شود؟

## فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:

۱. تبدیل فضای اجتماعی به المان شهری در ایجاد هویت و خاطره‌پذیری شهر شیراز حائز اهمیت

شهرها به میزانی زنده اند که به گستره فرهنگی، اجتماعی خود پایبند باشند و با تکرار الگوها، شاخص‌ها و نمادهای ویژه در مکان‌ها بعنوان بستر شکل‌گیری جامعه و نمایشگاه معرفی افکار مردم یک کشور نقش مهمی را در هویت ملی ایفا می‌کنند (آتشین بار، ۱۳۸۸، ص ۴۶). اما امروزه اکثر شهرهای ایرانی به دلیل عدم انطباق مناسب ساختار قدیم و جدید شهر با مشکل بحران هویت مواجه شده اند و عواملی همچون تحولات تکنولوژی و صنعتی، عوامل اجتماعی و فرهنگی از مهمترین فاکتورهای تأثیر گذار بر قطع تداوم هویتی گذشته و حال بوده که منجر به پاک شدن خاطرات جمعی از چهره اکثر شهرهای امروز می‌باشد. با توجه به اینکه تعامل اجتماعی و دلبستگی مردم با محیط‌های اجتماعی و ساخته شده رابطه ای تنگاتنگ دارد (لنگ، ۱۳۸۳، ص ۱۷۲). فضای شهری آن بخش از فضا است که از سوی شهر اشغال شده یا دست کم به ضرورت کارکرد درونی کانون‌های جمعیتی به کار گرفته شده است. این فضا در برگیرنده محدودیت‌های ساخته شده، شبکه راه‌های ارتباطی، قرارگاه‌ها، مؤسسات صنعتی و بنگاه‌های ترابری، باغستان‌ها، مکان‌های ویژه سرگرمی و بازی، محل‌های ویژه گذراندن اوقات فراغت، یعنی آن بخش از فضا است که در دسترس شهر نشینان قرار دارد (اردشیری و معماریان، ۱۳۸۹، ص ۳۰).

بیشتر تعاملات اجتماعی و دیدارهای جمعی در مکان‌هایی اتفاق می‌افتند که یادآور خاطرات جمعی شهر می‌باشند و شهروندان به این مکان‌ها احساس تعلق دارند. اما امروزه با کمبود فضاهایی هویت‌مند برای گفت و گو و دیدار و تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری مواجه می‌باشیم و اکثر دیدارهای جمعی و تعاملات اجتماعی به کافی شاپ‌ها و مراکز خریدی کشیده شده که از نظر معماری فاقد فضاهای مناسبی هستند که یادآور خاطرات جمعی شهر باشند و احساس تعلق به این مکان‌ها ضعیف است و شهرهای امروز را با مشکل بحران هویت مواجه کرده اند. اما در مقابل هنوز فضاهایی از گذشته در شهرها باقی مانده اند که احساس تعلق در این فضاها پر



می‌باشد. ۲. از عوامل تاثیرگذار در ایجاد خاطره جمعی در شهر شیراز تقویت فضای اجتماعی و تبدیل آن به نشانه شهری است. ۳. هویت شهری در اثر تبدیل فضای اجتماعی به المان شهری موجب ارتقا خاطرات جمعی می‌شود.

### ۱. مفهوم فضای اجتماعی

برای «سُجا» رویکرد «سَک» به فضا، که آن را نئوکانتی می‌داند، متقاعدکننده نیست و به علت جدایی از واقعیت‌های جسمیت یافته اجتماعی، از آن انتقاد می‌کند. «سُجا» دو مفهوم از فضا را شناسایی می‌کند: نخست فضای فیزیکی با ماهیتی مادی است که در قالب آن مباحث کلاسیک را در زمینه نظریه‌های مطلق در برابر نسبی دسته بندی می‌کند. مفهوم دوم (که به واقع مفهومی رابطه ای است) فضای ذهنی ادراک و بازنمایی است، که تلاش برای کاوش معنای فردی و محتوای نمادین نقشه‌های ذهنی و تصویرسازی از چشم اندازها، در آن جای می‌گیرند. او سپس به تبعیت از لوفبور، مفهوم سومی به نام فضای اجتماعی را طرح می‌کند و معتقد است یکی از سخت ترین چالش‌ها برای نظریه اجتماعی معاصر، تعریف ارتباطات متقابل این سه فضا است (رضایی عالیزمینی، ۱۳۹۳، ص ۲).

### ۲. هویت

هویت از نظر لغوی معادل identity است که از identias مشتق می‌شود و دو معنای تداوم و تمایز را می‌رساند. دارای دو جنبه تمایز و تداوم است که مکمل و متضاد هم هستند. هویت داشتن یعنی احساس تمایز و تداوم، استقلال داشتن است. داشتن این احساس که «خودش است و همان است که بوده و دیگران نیستند» (گل محمدی، ۱۳۸۳، ص ۶۱). از نظر ریچارد جنکینز هویت دو معنای اصلی دارد، معنای اولی آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق و معنای دوم آن مفهوم تمایز را می‌رساند (جنکینز، ۱۳۸۱، ص ۸).

امر بیرونی جنکینز معادل «من مفعولی» مید و امر دورنی معادل «من فاعلی» مید است. منظور از هویت احساس تعلق به مجموعه‌های مادی و معنوی است که عناصر آن قبلاً شکل گرفته است. هویت فرایند پاسخگویی آگاهانه فرد، قوم و ملت

به پرسش‌های از حال حاضر و از گذشته خود می‌باشد...مجموعه ای معانی را برای فرد تولید می‌کند که مرجع کیستی و چیستی او را تشکیل می‌دهد (رهبری، ۱۳۸۰، صص ۵۶-۵۷). مفهوم عام هویت در فرهنگ دهخدا آمده است: «هویت عبارت است از تشخیص و همین معنی میان حکیمان و متکلمان شهر است» (دهخدا، ۱۳۷۳).

یکی از ابعاد نگران‌کننده روند تحولات حاکم بر مراکز شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه، از بین رفتن هویت‌های کالبدی و تبعات نامطلوب آن است. بی‌هویتی، ناهماهنگی و یکنواختی که امروزه بر فضای شهرها حاکم و به طور روز افزونی در حال گسترش است، نه تنها سیمای نامطلوب و محیطی نامأنوس را برای سالنین ایجاد نموده، بلکه تمامی ابعاد زندگی اجتماعی و زیست محیطی را در جوامع شهری تحت الشعاع خود قرار داده است: زیرا فرم فیزیکی شهرها در حقیقت هسته جهان اجتماعی است که در تمامی ابعاد جامعه از اقتصاد گرفته تا زیباشناختی مؤثر است (Bentely, 1999).

لینچ در کتاب سیمای شهر به هویت و هویت شهری پرداخته است. هویت یکی از مهم ترین مسائل و چالش‌های پیش روی جوامع در حال توسعه، در طی فرآیند جهانی شدن و جهان‌سازی عصر حاضر است که تعاریف متعددی از این واژه به عمل آمده است؛ در فرهنگ لغات واژه هویت به صورت زیر معنی شده است: حقیقت شی یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، شخصیت، ذات، هستی و وجود، منسوب به هو، شناسنامه، چیستی، خود، کیستی، همانی و همانستی؛ اما طبق تعریف متداول، هویت، احساس تعلق خاطر به مجموعه ای مادی و معنوی است که عناصر آن از قبل شکل گرفته اند (لینچ، ۱۳۷۶، صص ۱۵۵-۱۹۲).

از دیدگاه دانشپور در سال ۱۳۷۹ ه.ق، هویت مقوله‌ای هنجاری و ارزشی است که بحث در مورد آن مستلزم ارزش‌گذاری و موضع‌گیری هنجاری است. در بسیاری از متون تخصصی و پژوهش‌ها، مطالعه هویت در محیط مصنوع با توجه به نظریه‌های ادراک محیط و علوم رفتاری انجام شده است. در این پژوهش‌ها هویت به

معنای احساس تعلق و اینهمانی با محیط در نظر گرفته شده و معیارهایی چون احساس امنیت، خاطره انگیزی، حس تعلق و وابستگی به منظور ارزیابی هویت تدوین شده و به کار رفته است (دانشپور، ۱۳۷۹). از نظر روانشناسانی مانند هاره و گافمن: همه فرآیندها و کنش‌های متقابل در محیط‌های اجتماعی و فیزیکی رخ می‌دهد و فرد به طور فعال و پویا همزمان با این که به نمایش‌های دیگران معنی می‌بخشد و به تناسب آن عمل می‌کند، این شرایط را می‌سازد و دگرگون می‌کند (دیکنز، ۱۳۷۷، ص ۲۷).

### ۳. فضا و هویت

محیط در درک معماری نقش مهمی دارد. معماری در شهر هم نه تنها در واقعیت متصل به محیط است، بلکه حتی در دنیای اهمیت و نقش‌المان‌ها در فضای شهری خاطرات ما نیز چنین است. به این ترتیب روشن می‌شود که نقش محیط در ادراک معماری و فضاهای مرتبط با آن اجتناب ناپذیر است. «در معماری، دخالت دادن فضا یکی از بنیادی‌ترین عناصر تحلیل و تحول جامعه است. انسان غالباً با فضا به صورت فعالانه برخورد کرده و همواره با آن در داد و ستد اطلاعات است. در این راستا فضا زمانی برای ما دارای هویت خواهد بود که از طرفی بتوانیم آن را موجودی مستقل و عینی تلقی کنیم و از طرف دیگر خود نیز به عنوان موجودی عینی در آن فعالیت و رفتار نموده و بالاخره بتوانیم ذهنیات ناشی از ادراک آن را با ذهنیات خود تطبیق دهیم. در چنین حالاتی انسان حتی نسبت به یک شیء یا فضا احساس «این همانی» می‌کند و آن را قسمتی از «من» یا خود «ما» جمع می‌پندارد» (پاکزاد، ۱۳۷۵، صص ۱۰۲-۱۰۴). پس، انسان‌ها با زندگی در فضا رابطه‌ای پیوسته و متقابل با آن برقرار می‌کنند: از آن تغذیه می‌شوند و آن را تغذیه می‌کنند. از آن تغییر پذیرفته و آن را تغییر می‌دهند. در آن فضا حرکت می‌کنند و با این حرکت خود، در آن فضا معنا می‌آفرینند. اجزای فضا را به نشانه‌های معناداری برای خود تبدیل می‌کنند و نشانه‌هایی از بیرون بر فضا می‌افزایند (فکوهی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۶). در نتیجه هویت مکانی بخشی از زیر ساخت هویت

فردی انسان و حاصل شناخت‌های عمومی او درباره جهان فیزیکی است که انسان در آن زندگی می‌کند. پروشانسکی نیز به اهمیت رابطه متعادل بین هویت مکانی فرد و ویژگی‌های محیط بیرونی تاکید می‌کند (بهزادفر، ۱۳۸۶، ص ۶۵).

### ۴. فضای شهری

در روانشناسی اجتماعی از انبوهه در مقابل جامعه سخن به میان می‌آید. در واقع از نظر روانشناسان اجتماعی، انبوهه عبارت است از توده‌ای از جمعیت که هیچ‌گونه احساس وابستگی ندارند. امروزه بسیاری از شهرهای توریستی جهان به واسطه فضاهای شهری تاریخی شان شناخته می‌شوند و در واقع این فضاها به یکی از مولفه‌های اصلی هویتی شهرهای مذکور تبدیل شده‌اند. امروزه با آشکارشدن تدریجی بی‌هویتی و انزوای انسانی‌های عصر مدرنیسم به خوبی روشن می‌گردد که برای بخشیدن چهره انسانی‌تر به شهرها باید به فضاهای شهری روی آورد. فضاهای همگانی که زنده‌ترین حرکت‌های شهری در آنها رخ می‌دهد آثار با ارزش معماری و شهرسازی گذشته باید از نو مطالعه شوند تا قادر به ایجاد فضایی آثار برای امروز باشیم و جوهر این مطالعه و بررسی، خصوصیت فضایی آثار شهرسازی و معماری گذشته است که ادومند بیکن عقیده دارد تا زمانی که ادراک نشود سرگردانی در فضاهای شهری ادامه دارد (شیبانی و موسوی، ۱۳۹۲، ص ۳).

فضاهای شهری یکی از عناصر ساخت فضایی و هویت بخش شهر است که همراه با تاریخ یک ملت در ادوار مختلف به وجود می‌آید، شکل می‌گیرد و دگرگون می‌شود. این عنصر که فعالیت‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی همواره در آن جریان داشته است، همیشه با قلب تاریخ شهر می‌پایید و سرگذشت شهر را رقم می‌زده است (رضایی، ۱۳۹۱). برای دستیابی به هویت شهری در فضاهای شهری، فضاها و ساختمان‌های عمومی شهر نیاز است دو خصوصیت زیر را داشته باشند:

۱. فضاهای عمومی شهر باید با گذشته و حال شهر پیوند برقرار کرده و خصوصیات آنرا در خود مجسم سازد: راب کریر در این زمینه

معتقد است که فضاهای قدیمی را باید از نو کشف نمود. زمانی این هدف دست یافتنی می شود که ابتدا کارکردهای آنرا ارزش نهمیم و بعد در مکان درست با برخورداری مناسب آن را در طرح کلی شهر برنامه ریزی شود. شهرسازان همواره وظیفه اخلاقی دارند که خصوصیات زمان را در کارهای خود متجلی نمایند.

۲. فضاهای عمومی به عنوان عناصری نمادین برای ایجاد نقاط تاکید در شهر: از نظر کوین لینچ محیط باید هویت قابل ادراک داشته باشد. این نوع هویت یا حس مکان می تواند احساس تعلق به همراه داشته باشد و میان مردم و مکانها ارتباط برقرار کند و وحدت بوجود آورد. ایجاد محیط های متنوع امکان انتخاب افراد را از محیط های خلوت تا شلوغ، محصور تا آزاد و ساده تا پیچیده افزایش می دهد (لینچ، ۱۳۸۵).

به گفته سلطان زاده در ۱۳۸۵ در گذشته فضاهای شهری نقش بسیار مهمی در زندگی فردی، خانوادگی، محلی و شهری مردم داشت و بسیاری از فعالیت های عمومی، جمعی و گروهی در آنها جریان می یافت. به این ترتیب بخشی از فعالیت های اجتماعی، گذران فراغت و تبادل اطلاعات و تجربیات از طریق تماس های چهره به چهره صورت می پذیرفت و این فضاهای شهری «اعم از کوچه ها، خیابان ها، دروازه ها و...» بستر شکل گیری خاطره ها بوده است (شیبانی و موسوی، ۱۳۹۲، ص ۱۴).

## ۵. المان شهری

فضاهای معماری و شهری جلوه گاه فرهنگ، تمدن و پیشرفت علمی و فرهنگی هر جامعه به شمار می آیند. سیمای شهر و نمادهای موجود در آن نمودار شخصیت، منش، کارکرد و فرهنگ ساکنان آن اند و از همین روست که جلوه های معنوی شهر و به ویژه نشانها و سمبل های اعتقادی و مرتبط با جنبه های ماوراء مادیات اعتبار شایان توجه دارند (کریمان، ۱۳۸۹، ص ۱۲۱). روشن کردن معنای نشانهای مبهم برقراری، حفظ یا توقف ارتباط رابطه بین پیام و خودش در شهرها هر واحد معماری،

به هر شکل و اندازه ای که باشد، قابلیت آن را دارد که مفهوم خاصی را منعکس سازد. تراکم مفاهیم و معانی در فضاهایی بیشتر است که سازندگان متعددتر و با فرهنگ غنی تر در شکل دادن آنها دخیل باشند. این بدان جهت است که باورها و اعتقادات در کیفی کردن فضاها در مراحل طراحی، ساخت، تزئین و حتی استفاده، ایفای نقش می کنند. به هر حال، به رغم آن که معماران برجسته ایرانی همواره تلاش هایی در جهت پیوند مصنوعاً نشان به گذشته و فرهنگ این سرزمین معمول داشته اند، اما این تلاش ها بیش تر سطحی و ظاهری بوده است و توجه عمیق به روح کلی و همچنین اصول و مبانی معماری سنتی مبذول نگردیده و به رغم دیدگاه های مشترک بسیاری که در میان معماران و شهرسازان است، هنوز این جریان شکل مشخصی نیافته و مبانی نظری خود را تنظیم نکرده است (امین زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۴).

## ۶. اهمیت و نقش المانها در فضای شهری

اهمیت نشانه و نمادها در ارتباطات به اندازه ای است که گاه ماهیت ارتباط، خود تحت تاثیر نمادها قرار می گیرد. و بدون آن، انسانها هویت ملی نخواهند داشت. نشان یا نمادهای یک سرزمین مظهر هویت ساکنان آن و بوجود آورنده پیوند نسلها در قرون متمادی است. نمادها و نشانها در جوامع مختلف ارزش و اهمیت متفاوتی دارند و هنگامی ارزش ملی می یابند، که مورد قبول اکثریت اعضای جامع باشند. نشانهای معماری، همانند هر نماد دیگر، دارای دو عملکرد (بیان معنا) و (ایجاد حس هویت) هستند. هر نشانه ای به بیان معنایی فراتر از خود می پردازد و حس تعلق به جامعه ای خاص را اظهار می دارد. این نشانهها به دلیل آنکه در زندگی روزمره تکرار می شوند حس خاصی از معنا و هویت را نیز تقویت می کنند (لینچ، ۱۳۷۶). نمادها و الگوهای شهری همیشه به عنوان علائم و نشانه های القاکننده تفکر و بینش حاکم در شهرها مورد توجه بوده اند. این علائم چنانچه با دقت و اندیشه متعالی انتخاب شوند، می توانند به عنوان رسانه عمومی بسیار مهمی ایفای نقش کنند و به آگاهی بخشی ساکنان شهر و حتی بازدیدکنندگان آن پردازند. نقش نمادها و نشانها در بناها و فضاهای

شهر چنان مهم و تعیین کننده است که از جنبه‌های گوناگون بر ساکنان تأثیر می‌گذارد و رفتار آن‌ها را شکل می‌دهد. در واقع، نمادها حوزه‌های خاصی را سازمان می‌دهند و همانند حائل‌هایی مانع ظهور و نمود برخی از اعمال شهروندان می‌شوند و یا به ارائه اعمال مثبت یاری می‌رسانند. نشان‌ها و علائم و سالیلی مؤثر و نسبتاً ارزان برای غنی سازی هویت، خوانایی و تطابق با محیط اند (رضایی عالی‌زمینی، ۱۳۹۳، ص ۴).

### ۷. خاطره جمعی

واژه خاطره در لغت نامه دهخدا به صورت زیر تعریف شده است: «اموری که بر شخص گذشته باشد و آثاری از آن در ذهن شخص مانده باشد گذشته‌های آدمی و وقایع گذشته که شخص آن را دیده یا شنیده است.» لغت‌نامه اکسفورد خاطره را به شکل زیر تعریف کرده است: «قدرت انباشت اطلاعات در ذهن خودآگاه و توانایی به یاد آوردن آنها به صورت ارادی خیره تجارب گذشته برای کاربرد در آینده.» هر اندازه تعداد افراد درگیر در واقعه بیشتر باشد اهمیت آن افزایش می‌یابد. اشیاء و فضاهای به جامانده نیز دارای ارزش خواهند بود. گاه از یک خاطره فقط اسامی و نام‌ها باقی می‌مانند. بسیاری از فضاهای شهری امروز نام‌هایی دارند که یادآور خاطرات گذشته تاریخی آنهاست. بدین فرآیند شکل‌گیری خاطرات به صورت زیر است:

واقعه ← خاطره ← اشیاء، مکان‌ها، نام‌ها (یادآوری / تداعی خاطره) (شیبانی و موسوی، ۱۳۹۲، ص ۷).

واژه «خاطره جمعی» اولین بار توسط «هالبوکس» تحت عنوان «حافظه اجتماعی» مطرح شد. جامعه‌شناسان دیگری از آن تحت عنوان «حافظه جمعی» نام بردند. به موازات آن در سال ۱۹۶۰م پایه‌ریزی روانشناسی محیطی توجه به کیفیات انسانی در طراحی عرصه‌های عمومی و تأثیر در استفاده بیشتر کاربران از محیط امری مهم تلقی شد؛ به طوری که افرادی مانند کوین لینچ، ای‌بن بنتلی و غیره معیارهایی برای ارتقاء این محیط‌ها ارائه دادند. بنا به تعریفی دیگر خاطره جمعی فرایند و ارتباطی است که در ذهن گروهی،

در مورد خودشان و جهان اطرافشان در زمان و مکان خاص شکل می‌گیرد. «آلمن و مور»، در خصوص کشف فضا می‌گویند: «نیاز به تحریک احساسات و لذت تجربه فضاهای جدید و مطبوع مربوط به کیفیت کشف فضا است. یافتن و کشف کردن انگیزه قوی است که سبب می‌گردد تا انسان‌ها به یک فضای جدید وارد شوند و در جهت یافتن دیگر فضاها حرکت کنند» (میرمقتدایی، ۱۳۸۸، ص ۱۴).

خاطره جمعی و حافظه جمعی از بدو بوجود آمدن علوم انسانی بصورت ملموس یا غیر ملموس وجود داشته است، ولی به عنوان پدیده‌ای که در مفاهیمی خاص و به صورت ویژه‌ای مطرح شده باشد، در نشانه‌های شهری اوایل قرن بیستم یک جامعه‌شناس معروف فرانسوی به نام «هالبوکس» آن را مطرح کرد (خسرو خاور، ۱۳۸۴، ص ۱۳۲). در حافظه جمعی ماده وجود ندارد، بلکه تنها صور خیالی وجود دارد، صور خیالی که بتواند در ذهن تجسم شود. بنابراین وقتی از شهر صحبت می‌شود، جای جای شهر مملو از فضاهایی است که صور خیالی شهروندان در آن نقش می‌بندد. در واقع خاطره به حال آوردن گذشته است و خیال عامل به وجود آورنده خاطره جدید است و خیال زمانی شکل می‌گیرد که فضای آن جاری باشد. به زبان دیگر وقتی از حافظه جمعی شهر صحبت می‌شود، از مکان‌ها یا فضاهایی که در آنها خاطره شهری نقش داشته و وقایع شهری اتفاق افتاده است، یاد می‌شود. این وقایع شهری به شهر ضخامت تاریخی داده است و در واقع جزئی از حافظه تاریخی و حافظه ما می‌شوند. یکی از عناصری که انسان با آن تعریف می‌شود، حافظه است. شهر نیز دارای حافظه است. اگر شهری فاقد حافظه تاریخی باشد نمی‌توان گفت دارای هویت است. حافظه تاریخی شهر یعنی اینکه شهر، دارای خاطره است و تعریف می‌کند که در این مکان چه اتفاقی افتاده است. علاوه بر حافظه، شهر باید خاطره داشته باشد. پس همانطور که انسان با خاطره تعریف می‌شود شهر نیز با خاطره تعریف می‌گردد (حبیبی، ۱۳۸۴). خاطره جمعی حالتی از حافظه جمعی است که معمولاً با فضاها گره خورده است.

فضای جمعی جایی است که حیات اجتماعی در آن جریان دارد و به دلیل یک واقعه تاریخی و اجتماعی یا برنامه از پیش تعریف شده در خاطره جمعی مردم جای دارد. «این فضاها مکان هایی اند که بیشترین برخوردها و کنش میان افراد در آن‌ها به وقوع می پیوندد و شامل تمام بخش هایی از شهرند که مردم به آن‌ها دسترسی فیزیکی و بصری دارند. بنابراین مرزهای این فضاها، خیابان‌ها، پارک‌ها یا میدان‌ها با بناهایی که آنها را محدود می سازند، تعیین می شوند» (تیبالدز، ۱۳۸۵). حافظه تاریخی، همچنین بر بستر فضا حرکت میکند؛ به عبارت دیگر محور زمان در رابطه ای پیوسته با محیط فضایی قرار میگیرد و به نوبه خود آنرا تغییر داده و بر آن معناگذاری، نمادگذاری و نشانه‌گذاری می کند (شعله، ۱۳۸۵). «خاطرات جمعی و تمایلات و ارزش های انسانی در کالبد شهر مستتر است و مطالعه کالبد شهر به طور ضمنی مطالعه ارزش های انسانی شکل دهنده آن نیز به شمار می رود» (هاشم نژاد، ۱۳۸۵). فعالیت های جاری در فضاهای عمومی تصویری از ارزش های فرهنگی و سنتی یک اجتماع است. تعبیر فضای شهری، با زندگی جمعی که جلوه ای از فرهنگ جامعه است و در عین حال با فراهم بودن دسترسی عمومی به فضا مترادف است (نقی زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۶). فضاهای شهری کارکرد ایجاد جو اعتماد و نزدیکی بین افراد و صمیمیت یک محله به وجود می آورند بدون آنکه برای این افراد تعهدی ایجاد کند (فکوهی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۴). درک محیط شهری، فرآیندی ذهنی است که از طریق ارتباط انسان و فضای پیرامون او انجام می گیرد. انسان پیام‌های حسی محیط را دریافت کرده و تصویری از محیط در ذهن خود به وجود می آورد. یکی از عوامل مؤثر در شکل گیری این تصویر خاطرات فردی یا جمعی از محیط است (میرمقتدایی، ۱۳۸۸، ص ۷).

## ۸. نشانه‌های شهری

به نظر کوین لینچ نشانه‌های شهری در واقع عواملی هستند که بیرون آنها به دیده ناظر می آید و مقیاس آنها ممکن است بسیار متفاوت باشد. وی یکی از خصوصیت‌های بارز نشانه‌ها را بی نظیر

بودن آنها و اینکه عاملی منحصر به فرد باشند و خاطره ای در ذهن بر جای نهند، می داند (لینچ، ۱۳۸۵، ص ۱۴۴). گالچ معتقد است که نشانه‌های شهری می توانند برای سازمان دهی به فضا و یا به عنوان نوعی هدایتگری به کار برده شوند. از بنیادی ترین مفاهیم در علم نشانه شناسی نمادها هستند. به اعتقاد «پیرس» وجه معنایی نشانه‌های معماری در قالب انواع، شمایل، نمایه‌ها و نماد قابل مطالعه هستند.

همانند بکارگیری المان‌های شناخته شده فرمی در معماری بنابراین می توان بر اساس تعاریف ذکر شده گفت المان‌های شهری قابلیت تبدیل شدن به نشانه‌های شهری را دارند. اما لازم به ذکر است که همه المان‌های شهری که به عنوان نشانه‌های شهری به کار می روند نمی توانند تبدیل به فضایی جهت ثبت و شکل گیری خاطرات جمعی شهر شوند. به عنوان مثال اگر چه برج میلاد به عنوان یک نشانه شهری مد نظر می باشد و نشانه شهری بودن آن را تبدیل به المان شهر تهران کرده است در حالی که شاید از ابتدا به هدف المان شهری بودن ساخته نشده باشد. اما این برج تنها به لحاظ بصری نشانه شهری می باشد در حالی که جنبه‌های بصری لزوماً تنها عامل تمایز نشانه‌های شهر برای شهروندان نیستند و تا به امروز نتوانسته آنچنان که باید، به مکانی جهت ثبت خاطرات جمعی شهر تبدیل شود (فلاح، نوحی ۱۳۹۱، ص ۲۰).

## ۹. نمونه‌های موردی

### ارگ کریم خانی در محور زندیه شیراز

ارگ کریم خانی در مرکز شهر شیراز قرار دارد. این ارگ در دوره سلطنت سلسله زندیه ساخته شده است و پس از اینکه کریم خان زند شیراز را به عنوان پایتخت خود و این مکان را به عنوان مکان زندگی خود انتخاب کرد، به ارگ کریم خانی معروف شد. در سال ۱۳۵۰ این ارگ به اداره فرهنگ و هنر وقت واگذار شد. این بنای بزرگ اکنون زیر نظر سازمان میراث فرهنگی جمهوری اسلامی ایران اداره می شود و از چند سال پیش کار مرمت این بنا آغاز شده است تا به عنوان موزه بزرگ فارس مورد استفاده قرار گیرد. بنای ارگ ترکیبی از دو معماری مسکونی و نظامی



از آجر ساخته شده‌اند. یکی از برج‌های چهارگانه این ارگ مانند برج پیزا کج شده بوده و به این خاطر یکی از جاذبه‌های گردشگری شیراز به حساب می‌آید. روند توقف کج‌شدگی این برج به لحاظ فنی و مهندسی مورد اهمیت قرار دارد. در حال حاضر این مجموعه به عنوان یک بنای تاریخی و دیدنی محسوب می‌شود که هر ساله افراد زیادی از سراسر دنیا برای دیدن این بنای تاریخی می‌آیند و از نزدیک شاهد زیبایی‌های این بنا می‌شوند (صانع، ۱۳۸۰).

است. بخش درونی ارگ با ایوان‌ها و اتاق‌های نقاشی شده، آبنماها و باغچه‌ها از ظرافت خاصی برخوردار است. سه ضلع شمال، جنوب و غرب هر یک دارای یک ایوان و شش اتاق مسکونی در دو طرف آن است. ضلع شرقی شامل حمام خصوصی و برخی امکانات خدماتی است. برج و باروی چهارگانه به انضمام خندقی که سابقاً دور آن حفر شده بود نیز نقش دفاعی بنا را بر عهده داشته‌اند. ضخامت دیوارها در پایه ۳ متر و در بالا ۱۲ متر است. ارتفاع برجها نیز ۱۴ متر می‌باشد و



تصویر ۱. نمای شرقی ارگ کریم خان زند در شیراز؛ منبع: [www.wikipedia.com](http://www.wikipedia.com)

### دروازه قرآن در ورودی شمال شرقی شیراز

دروازه قرآن یکی از دروازه‌های به جای مانده از دوره‌های قدیم در شیراز است که امروزه به عنوان یکی از آثار تاریخی این شهر به حساب می‌آید. در قدیم شیراز دارای ۶ دروازه بوده است. هم اکنون در شیراز دروازه‌ای به جز دروازه قرآن وجود ندارد اما مردم شیراز هنوز به محل دروازه‌های قدیمی اشاره می‌کنند. در مدخل تنگ الله اکبر دروازه‌ای به دروازه قرآن معروف شده است. این دروازه به دستور عضدالدوله دیلمی ساخته شده است. وجه تسمیه آن بخاطر قرآنی است، که به دستور امیر در آن گذاشته شده بود تا مسافری به سلامت از زیر آن عبور کنند. این طاق به مرور زمان به خرابی رفت، تا این که در زمان کریم خان زند از نوساخته شد و قرآن معروف به «هفده من» که منسوب به خط سلطان ابراهیم نوه شاهرخ تیموری در اطاقک بالای آن گذاشته شد. در بالای دروازه دو نسخه قرآن دستنویس به خط ثلث عالی منسوب به ابراهیم سلطان نوه شاهرخ تیموری قرار داشت. در سال ۱۳۱۶



تصویر ۲. ارگ کریم خان زند در شیراز؛  
منبع: [www.wikipedia.com](http://www.wikipedia.com)

## ۱۰. روش تحقیق به صورت پرسشنامه و قرارگیری داده‌های استخراج شده در نرم افزار spss

تحقیق در لغت به معنای پیدا کردن، یافتن یا جستجوی حقیقت آورده شده است. تعاریف بعمل آمده از تحقیق و پژوهش فراوانند. تحقیق به روش علمی را مجموعه مقررات و قواعدی دانسته اند که چگونگی جستجو برای یافتن حقایق مربوط به یک موضوع را نشان می دهد. تحقیق وضع موجود را بررسی می کند و به توصیف منظم و نظام دار وضعیت فعلی آن می پردازد و ویژگی ها و صفات آن را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرها را بررسی می نماید. در اینجا به بررسی جامعه آماری، روش نمونه گیری، حجم نمونه، روایی و پایایی و در آخر به تحلیل نتایج پرداخته می شود. روش تحقیق مجموعه ای از قواعد، ابزار و راه های معتبر (قابل اطمینان) و نظام یافته برای بررسی واقیعت ها، کشف مجهولات و دستیابی به راه حل مشکلات است (خاکی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۱). اولین مرحله از تقسیم بندی تحقیق را می توان منوط به هدف از انجام تحقیق دانست هر محقق می تواند روشی خاص را برای تحقیقات خود انتخاب کند و در هر تحقیقی خاص نیز تغییراتی جزئی بر روش خود اعمال کند پس انتخاب روش برای محقق یک هنر است که از بین روش ها و مراحل گوناگون روش و مراحل را برمی گزیند. هدف این تحقیق بررسی عوامل تاثیرگذار در تبدیل فضای اجتماعی به المان و نشانه شهری از منظر هویت و خاطره جمعی در شهر شیراز (نمونه موردی: ارگ کریم خانی و دروازه قرآن) است. اطلاعات از طریق پرسشنامه که در بین جامعه آماری قرار می گیرد به دست می آید. حجم نمونه آماری طبق فرمول کوکران محاسبه می شود. پس از پخش و جمع آوری پرسشنامه، داده های به دست آمده در نرم افزار spss وارد می شوند.

### ۱۰.۱. جامعه آماری

مطالعه ای که بر روی تعداد مشخصی از جمعیت صورت می گیرد که در این صورت دقت داده های بدست آمده به مراتب بیشتر از زمانی است که کل جامعه مطالعه شود. جامعه آماری به مجموعه افراد، اشیاء و یا به طور کلی پدیده هایی اطلاق

هجری شمسی دو قرآن خطی موجود در آن به موزه پارس شیراز انتقال یافت که همچنان در این موزه نگهداری می شوند. این دروازه با نابخردی شهرداری شیراز در سال ۱۳۱۵ شمسی با دینامیت ویران شد. باردیگر این دروازه با بلندنظری یکی از بازرگانان معروف شیراز بنام حسین ایگار در سال ۱۳۲۸ شمسی تجدید بنا گردید. در اتاقک های کناری این بنا، ایگار و همسرشان دفن گردیده اند. این بنا در تاریخ ۱۳۷۵/۹/۱۹ با شماره ۱۸۰۰ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. دروازه قرآن در شمال شرقی شهر شیراز در تنگ الله اکبر میان کوه چهل مقام و کوه باباکوهی قرار دارد و در واقع در خروجی شیراز بسمت شهر مرودشت واقع شده است. این بنای تاریخی در کنار فلکه طاووسیه شیراز قرار دارد. دروازه قرآن در فاصله کمتر از ده متری مقبره خواجهی کرمانی و همچنین فاصله کمتر از پانصد متری باغ جهان نما و همچنین فاصله کمتر از هزار متری مقبره شاعر نامدار پارسی زبان حافظ شیرازی و باغ جهان نما قرار دارد (شهبازی، ۱۳۸۷).



تصویر ۳. دروازه قرآن در شیراز؛

منبع: [www.persiane.com](http://www.persiane.com)

می شود که محقق می تواند نتیجه مطالعه خود را به کلیه آنها تعمیم دهد. در این تحقیق جامعه آماری جمعی از همکاران سازمان سیما و فضای سبز شهرداری هستند.

#### ۲.۱۰. نمونه گیری و حجم نمونه

نمونه، معمولاً گروهی از افراد جامعه است که معرف آن جامعه بوده و کم و بیش ویژگی های افراد جامعه را داراست. درعین حال نمونه آماری باید قابل دسترسی بوده و امکان مطالعه آن توسط محقق فراهم باشد. حجم نمونه باید به اندازه ای باشد که نتایج حاصل عیناً با نتایج همان مطالعه در جامعه ای که نمونه از آن انتخاب شده است برابر باشد. فرمول کوکران یکی از پرکاربردترین روش ها برای محاسبه حجم نمونه آماری است.

$$n = \frac{z^2 pq}{d^2 \left( 1 + \frac{1}{N} (z^2 pq - 1) \right)}$$

n = حجم نمونه

N = حجم جمعیت آماری (۲۵۰)

z = در صد خطای معیار ضریب اطمینان قابل قبول (۱/۹۶)

p = نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین (۰/۵)

q = (p-۱) نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین (۰/۵)

d = درجه اطمینان یا دقت احتمالی مطلوب (۰/۰۵)

P یا q مساوی با ۰/۵ یعنی نیمی از جمعیت حایز صفتی معین باشند و نیمی دیگر فاقد آن هستند. دقت احتمالی در تحقیقات علوم اجتماعی برابر با ۰/۰۵ می باشد. بنابراین حجم نمونه ۱۵۲ نفر محاسبه شد. در نهایت ۱۵۲ پرسشنامه توزیع و برگشت داده شد و تحلیل از بین آنها صورت گرفت.

#### ۳.۱۰. ابزار گردآوری داده ها

یکی از اصلی ترین بخش های هر کار پژوهشی را جمع آوری اطلاعات تشکیل می دهد کیفیت و اعتبار هر پژوهش تا حد زیادی به اطلاعات و داده های جمع آوری شده و کیفیت اطلاعات و داده ها نیز به شیوه جمع آوری آنها مربوط میشود. پرسشنامه به عنوان یکی از متداول ترین ابزار

جمع آوری اطلاعات در تحقیقات پیمایشی مورد استفاده قرار می گیرد و عبارت است از مجموعه ای از پرسش های هدف دار که با بهره گیری از مقیاس های گوناگون نظر، دیدگاه و بینش یک فرد پاسخگو را مورد سنجش قرار می دهد. نحوه تهیه و تنظیم پرسشنامه به عنوان ابزاری برای گردآوری اطلاعات و داده های مورد نیاز در تحقیق یا پایان نامه و غیره نیاز به دانستن مراحل مختلف تحقیق با توجه به نوع روش بکار رفته است.

#### ۴.۱۰. روایی و پایایی ابزار پژوهش

##### ۴.۱۰.۱. روایی

اعتبار (روایی) به ارتباط منطقی، بین پرسش های آزمون و مطلب مورد سنجش اشاره دارد. وقتی گفته می شود آزمون، روایی دارد به این معنا است که پرسش های آزمون به طور دقیق آنچه را که مورد نظر می باشد، می سنجد. ابزار اندازه گیری ممکن است برای اندازه گیری یک خصیصه ویژه دارای اعتبار باشد، در حالی که برای سنجش همان خصیصه بر روی جامعه دیگر از هیچ گونه اعتباری برخوردار نباشد. برای رسیدن به این هدف از نظرات کارشناسان، خبرگان و استاد راهنما در طرح پرسشنامه بهره گرفته شده تا میزان روایی در سطح مطلوبی قرار داشته باشد.

##### ۴.۱۰.۲. پایایی

ابزار اندازه گیری ممکن است برای اندازه گیری یک خصیصه ویژه دارای اعتبار باشد، در حالی که برای سنجش همان خصیصه بر روی جامعه دیگر از هیچ گونه اعتباری برخوردار نباشد. پایایی ابزار اندازه گیری حتماً باید قبل از به کار بردن آن در مطالعات مختلف معین شود. تخلف از این قاعده تنها هنگامی جایز است که در مطالعات قبلی قابلیت اعتماد رضایت بخشی برای ابزار مورد نظر به دست آمده باشد. یکی از روش های محاسبه قابلیت اعتماد استفاده از فرمول کرونباخ است. در واقع می خواهیم ببینیم تا چه حد برداشت پاسخگویان از سؤالات یکسان بوده است. برای محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ابتدا باید واریانس نمره های هر زیر مجموعه سوال های پرسشنامه (یا زیر آزمون) و واریانس کل را محاسبه کرد.

بیش از یک بار مشاهده می‌شوند، می‌توان شکلی از تحلیل واریانس رتبه‌ای را که نخستین بار توسط فریدمن طراحی شده به کار بست. این آزمون برای مقایسه چند گروه از نظر میانگین رتبه‌های آنهاست و معلوم می‌کند که آیا این گروه‌ها می‌توانند از یک جامعه باشند یا نه؟ برای انجام این آزمون از نرم افزار SPSS استفاده می‌شود.

#### ۱۰.۶. نتایج اولیه پرسشنامه‌ها

در این پژوهش جامعه آماری تعدادی از همکاران سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری در شیراز در نظر گرفته شده است و حجم اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه از طریق نرم افزار SPSS تحلیل شدند. نمونه با توجه به فرمول کوکران ۱۵۲ نفر به دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ پس از اصلاح ۰/۸۲۰ به دست آمد که نشان از پایایی بالای پرسشنامه است. اطلاعات به دست آمده به وسیله نرم افزار SPSS تحلیل شدند هم چنین برای بررسی فرضیه‌ها از دو آزمون تی تک و فریدمن استفاده شده است و در ادامه به بررسی نتایج ثانویه آن پرداخته می‌شود.

#### ۱۱. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این قسمت به تحلیل یافته‌های پژوهش پرداخته می‌شود. در قسمت اول به بررسی ویژگی‌های توصیفی نمونه مورد بررسی و جداول و نمودارهای مربوط به هر سوال ارایه می‌شوند. برای بررسی فرضیه‌ها که در مورد خصوصیتی از جامعه هستند از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده می‌شود هم چنین از آزمون فریدمن برای مقایسه شاخص‌های مورد بررسی و رتبه بندی آنها استفاده شده است

#### ۱۱.۱. آنالیز داده‌ها (آمار توصیفی)

##### ۱۱.۱.۱. توزیع جنسیت

چگونگی توزیع جنسیت در نمونه مورد بررسی در جدول و نمودار ۱ ارایه شده است. از کل نمونه آماری که ۱۵۲ نفر می‌باشند، حدود ۷۲٫۴ درصد از پاسخ دهندگان، مرد و حدود ۲۷٫۶ درصد از آنها زن می‌باشند. نمودار میله ای ۱ تعداد این افراد را نشان می‌دهد.

سپس با استفاده از فرمول زیر مقدار ضریب آلفا را محاسبه کرد.

$$r_a = \frac{j}{j-1} \left( 1 - \frac{\sum s_j^2}{s^2} \right)$$

J = تعداد سوالات

$s_j^2$  = واریانس هر سوال

$s^2$  = واریانس کل سوالات می‌باشد.

یک نمونه اولیه شامل ۳۰ پرسشنامه تهیه می‌گردد و با استفاده از داده‌های به دست آمده و نرم افزار آماری SPSS میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شده است. اگر ضریب آلفا بیشتر از ۰/۷ باشد، آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار است. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۲۰ به دست آمده است که نشان از پایایی مطلوب پرسشنامه است.

Reliability Statistics

Cronbach's Alpha	N of Items
.820	15

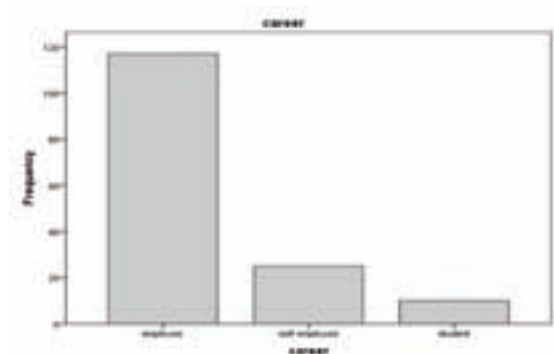
#### ۱۰.۵. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرض‌ها

##### ۱۰.۵.۱. آزمون تی تک نمونه‌ای

آزمون t تک نمونه‌ای که ساده ترین نوع آزمون‌های t است جهت تعیین این که آیا میانگین مشاهده شده در نمونه که به صورت تصادفی از جامعه انتخاب شده است، مقداری برابر با میانگین مفروض جامعه دارد یا خیر، به کار می‌رود. در این آزمون به این موضوع پرداخته می‌شود که میانگین یک جامعه، به چه میزان از یک مقدار ثابت بیشتر و یا کمتر است. در این آزمون، چنانچه سطح معنی‌داری کم‌تر از مقدار خطا باشد، چنین استنباط می‌شود که میانگین جامعه‌ی مورد نظر، مقدار آزمون شده نیست. با توجه به طیف لیکرت ۴ تایی در نتیجه میانگین ملاک برابر ۲ یا ۳ می‌توان در نظر گرفت. برای انجام این آزمون از نرم افزار SPSS استفاده شده است.

##### ۱۰.۵.۲. آزمون فریدمن

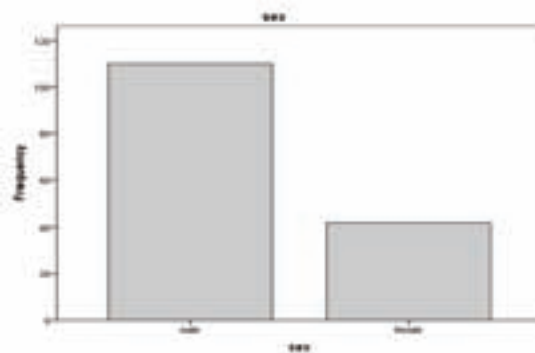
آزمون فریدمن این است که در مواردی که در آن آزمودنی‌ها هم‌تا هستند یا گروه واحدی از آزمودنی‌ها



نمودار ۲. توزیع تحصیلات؛ منبع: نگارندگان.

جدول ۱. توزیع جنسیت؛ منبع: نگارندگان.

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۱۱۰	۷۲,۴
زن	۴۲	۲۷,۶
کل	۱۵۲	۱۰۰



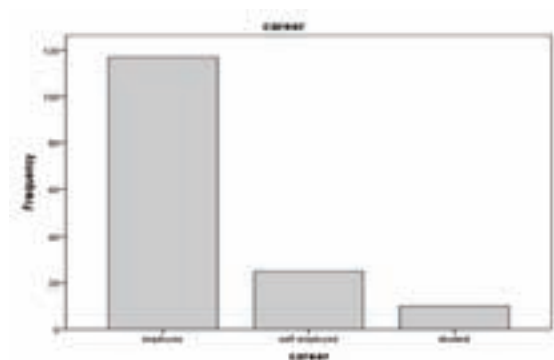
نمودار ۱. توزیع جنسیت؛ منبع: نگارندگان.

### ۱۱.۱.۳. توزیع شغل

چگونگی توزیع شغل در نمونه مورد بررسی در جدول و نمودار ۳ ارائه شده است. در نمونه مورد بررسی، نتایج به دست آمده از شغل به صورت ۷۷ درصد کارمند، ۱۶,۴ درصد آزاد، ۶,۶ درصد دانشجو بوده اند. نمودار میله ای ۳ تعداد این افراد را نشان می دهند.

جدول ۳. توزیع شغل؛ منبع: نگارندگان.

شغل	فراوانی	درصد
کارمند	۱۱۷	۷۷
آزاد	۲۵	۱۶,۴
دانشجو	۱۰	۶,۶
بیکار	۰	۰
کل	۱۵۲	۱۰۰



نمودار ۳. توزیع شغل، منبع: نگارندگان.

### ۱۱.۱.۲. توزیع تحصیلات

چگونگی توزیع تحصیلات در نمونه مورد بررسی در جدول و نمودار ۲ ارائه شده است. در نمونه مورد بررسی، نتایج به دست آمده از تحصیلات به صورت ۱۸,۹ درصد فوق دیپلم، ۷۴ درصد لیسانس، ۷,۱ درصد فوق لیسانس بوده اند. نمودار میله ای ۲ تعداد این افراد را نشان می دهند.

جدول ۲. توزیع تحصیلات، منبع: نگارندگان.

تحصیلات	فراوانی	درصد
دیپلم	۱۵	۹,۹
فوق دیپلم	۰	۰
لیسانس	۶۲	۴۰,۸
فوق لیسانس	۷۲	۴۹,۳
دکتری	۰	۰
پیسواد	۰	۰
کل	۱۵۲	۱۰۰

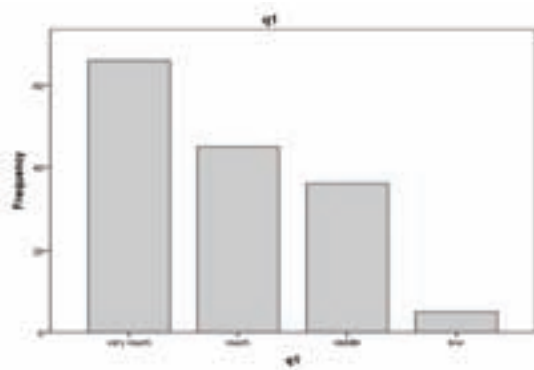


### ۱۱. ۱. ۴. توزیع تاهل

چگونگی توزیع سن در نمونه مورد بررسی در جدول و نمودار ۴ ارائه شده است. در نمونه مورد بررسی، نتایج به دست آمده از تاهل به صورت ۷۶,۳ درصد مجرد، ۲۳,۷ درصد متاهل بوده اند. نمودار میله‌ای ۴ تعداد این افراد را نشان می‌دهند.

جدول ۴. توزیع تاهل؛ منبع: نگارندگان.

سن	فراوانی	درصد
مجرد	۴۶	۳۰,۳
متاهل	۱۰۶	۶۹,۷
کل	۱۵۲	۱۰۰

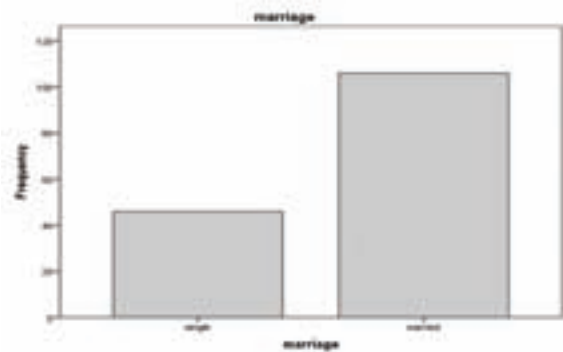


نمودار ۵. توزیع فراوانی در مورد سوال اول؛ منبع: نگارندگان.

۲) آیا نشانه‌های یک فضا به تنهایی موجب حس تعلق افراد به آن محیط اجتماعی می‌شود؟

جدول ۶. توزیع فراوانی در مورد سوال دوم؛ منبع: نگارندگان.

درصد	فراوانی	
۱۳,۲	۲۰	خیلی زیاد
۳۴,۲	۵۲	زیاد
۳۹,۵	۶۰	متوسط
۹,۹	۱۵	کم
۳,۳	۵	خیلی کم



نمودار ۴. توزیع تاهل؛ منبع: نگارندگان.

### ۱۱. ۲. سوالات پرسشنامه و تحلیل آنها

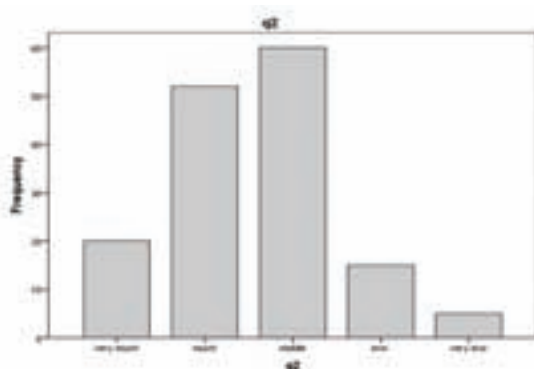
#### فضای اجتماعی و هویت فضا

۱) تا چه میزان هویت یک فضای اجتماعی پر تحرک در ذهن افراد ماندگار می‌ماند؟

جدول ۵. توزیع فراوانی در مورد سوال اول؛

منبع: نگارندگان.

درصد	فراوانی	
۴۳,۴	۶۶	خیلی زیاد
۲۶,۹	۴۵	زیاد
۲۳,۷	۳۶	متوسط
۳,۳	۵	کم
۰	۰	خیلی کم

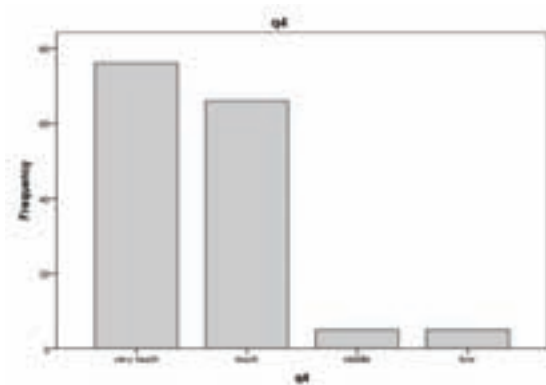


نمودار ۶. توزیع فراوانی در مورد سوال دوم؛ منبع: نگارندگان.

۳) چقدر عناصر یک فضای اجتماعی در ارتقا هويت آن فضا موثر می باشد؟

جدول ۷. توزیع فراوانی در مورد سوال سوم؛ منبع: نگارندگان.

درصد	فراوانی	
۳۶,۲	۵۵	خیلی زیاد
۴۷,۴	۷۲	زیاد
۱۶,۴	۲۵	متوسط
۰	۰	کم
۰	۰	خیلی کم

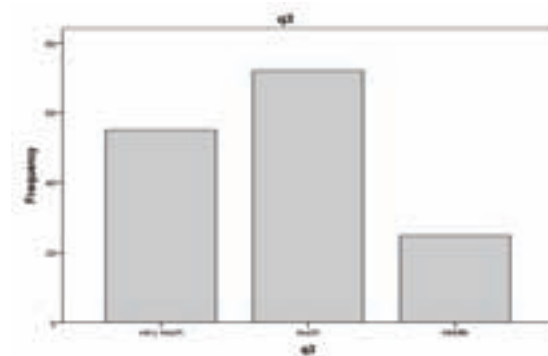


نمودار ۸. توزیع فراوانی در مورد سوال چهارم؛ منبع: نگارندگان.

۵) آیا ناهماهنگی و یکنواختی یک فضای اجتماعی سبب افزایش هويت آن فضا می شود؟

جدول ۹. توزیع فراوانی در مورد سوال پنجم؛ منبع: نگارندگان.

درصد	فراوانی	
۷,۲	۱۱	خیلی زیاد
۱۳,۲	۲۰	زیاد
۹,۹	۱۵	متوسط
۲۷	۴۱	کم
۴۲,۸	۶۵	خیلی کم

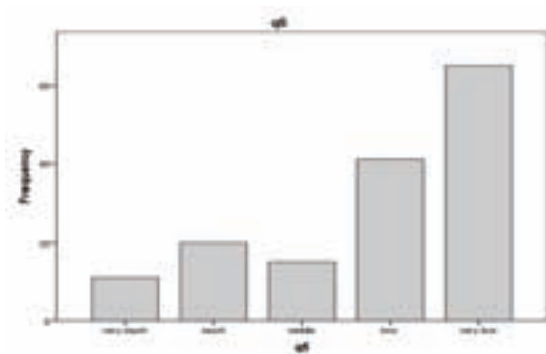


نمودار ۷. توزیع فراوانی در مورد سوال سوم؛ منبع: نگارندگان.

۴) تا چه حد دلستگی افراد به یک فضای اجتماعی باعث بالابردن هويت آن فضا می گردد؟

جدول ۸. توزیع فراوانی در مورد سوال چهارم؛ منبع: نگارندگان.

درصد	فراوانی	
۵۰	۷۶	خیلی زیاد
۴۳,۴	۶۶	زیاد
۳,۳	۵	متوسط
۳,۳	۵	کم
۰	۰	خیلی کم



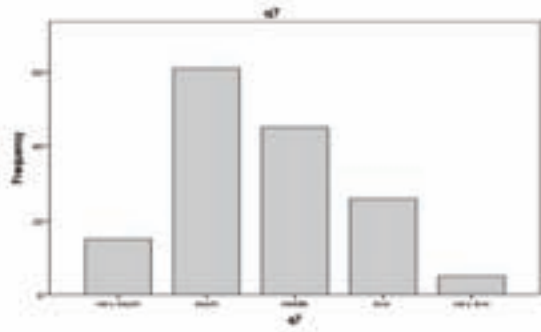
نمودار ۹. توزیع فراوانی در مورد سوال پنجم؛ منبع: نگارندگان.

## نشانه و المان شهری

### ۶) تا چه میزان استفاده از المان‌های شهری در فرهنگ جامعه نقش دارد؟

جدول ۱۰. توزیع فراوانی در مورد سوال ششم؛ منبع: نگارندگان.

درصد	فراوانی	
۱۹,۷	۳۰	خیلی زیاد
۵۳,۳	۸۱	زیاد
۲۰,۴	۳۱	متوسط
۶,۶	۱۰	کم
۰	۰	خیلی کم

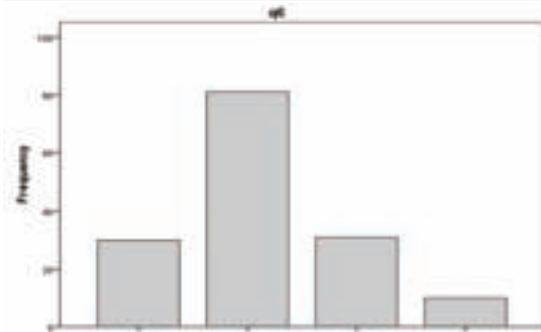


نمودار ۱۱. توزیع فراوانی در مورد سوال هفتم؛ منبع: نگارندگان.

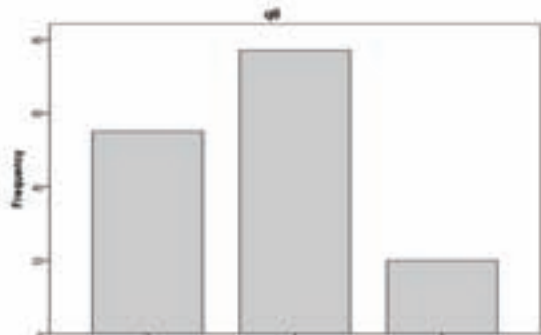
### ۸) آیا ایجاد المان‌های شهری هویت آن شهر را تقویت می‌کند؟

جدول ۱۲. توزیع فراوانی در مورد سوال هشتم؛ منبع: نگارندگان.

درصد	فراوانی	
۳۶,۲	۵۵	خیلی زیاد
۵۰,۷	۷۷	زیاد
۱۳,۲	۲۰	متوسط
۰	۰	کم
۰	۰	خیلی کم



نمودار ۱۰. توزیع فراوانی در مورد سوال ششم؛ منبع: نگارندگان.



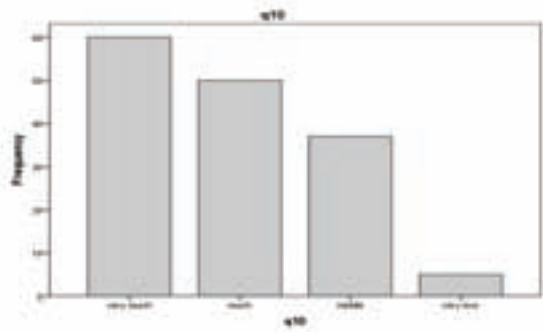
نمودار ۱۲. توزیع فراوانی در مورد سوال هشتم؛ منبع: نگارندگان.

### ۷) آیا تنوع در نشانه‌ها و نمادهای شهری تاثیری در اعتقادات و شخصیت افراد آن جامعه دارد؟

جدول ۱۱. توزیع فراوانی در مورد سوال هفتم؛ منبع: نگارندگان.

درصد	فراوانی	
۹,۹	۱۵	خیلی زیاد
۴۰,۱	۶۱	زیاد
۲۹,۶	۴۵	متوسط
۱۷,۱	۲۶	کم
۳,۳	۵	خیلی کم

### ۹) تا چه حد یک المان شهری از لحاظ جنبه‌های بصری می‌تواند مکانی جهت ثبت خاطرات جمعی آن شهر شود؟



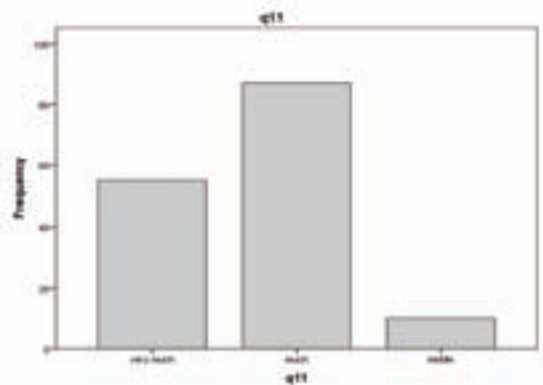
نمودار ۱۴. توزیع فراوانی در مورد سوال دهم؛ منبع: نگارندگان.

### خاطره جمعی و تاریخی

(۱۵) تا چه حد خاطره جمعی در ذهن افراد موجب دل بستگی آنها به آن فضا می‌گردد؟

جدول ۱۵. توزیع فراوانی در مورد سوال یازدهم؛ منبع: نگارندگان.

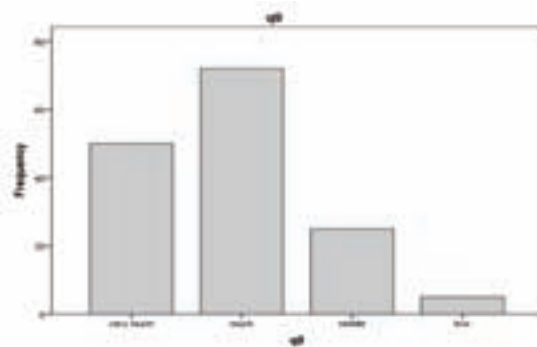
درصد	فراوانی	
۳۶,۲	۵۵	خیلی زیاد
۵۷,۲	۸۷	زیاد
۶,۶	۱۰	متوسط
۰	۰	کم
۰	۰	خیلی کم



نمودار ۱۵. توزیع فراوانی در مورد سوال یازدهم؛ منبع: نگارندگان.

جدول ۱۳. توزیع فراوانی در مورد سوال نهم؛ منبع: نگارندگان.

درصد	فراوانی	
۳۲,۹	۵۰	خیلی زیاد
۴۷,۴	۷۲	زیاد
۱۶,۴	۲۵	متوسط
۳,۳	۵	کم
۰	۰	خیلی کم



نمودار ۱۳. توزیع فراوانی در مورد سوال نهم؛ منبع: نگارندگان.

(۱۰) آیا بکارگیری نشانه‌های شهری تاثیری در منحصر به فرد شدن آن امان دارد؟

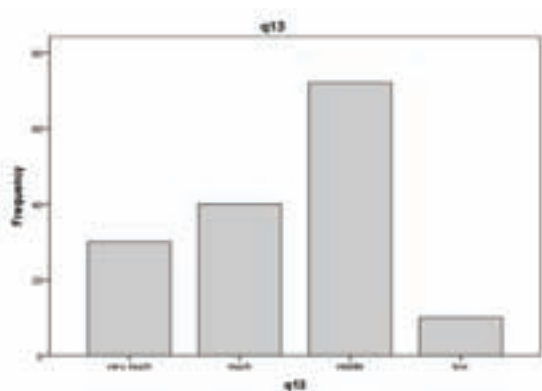
جدول ۱۴. توزیع فراوانی در مورد سوال دهم؛ منبع: نگارندگان.

درصد	فراوانی	
۳۹,۵	۶۰	خیلی زیاد
۳۲,۹	۵۰	زیاد
۲۴,۳	۳۷	متوسط
۳,۳	۵	کم
۰	۰	خیلی کم

۱۲) چقدر حس تعلق به یک مکان تاریخی،  
خاطره انگیزی را به دنبال دارد؟

جدول ۱۶. توزیع فراوانی در مورد سوال دوازدهم؛ منبع:  
نگارندگان.

درصد	فراوانی	
۴۰,۱	۶۱	خیلی زیاد
۵۰	۷۶	زیاد
۹,۹	۱۵	متوسط
۰	۰	کم
۰	۰	خیلی کم

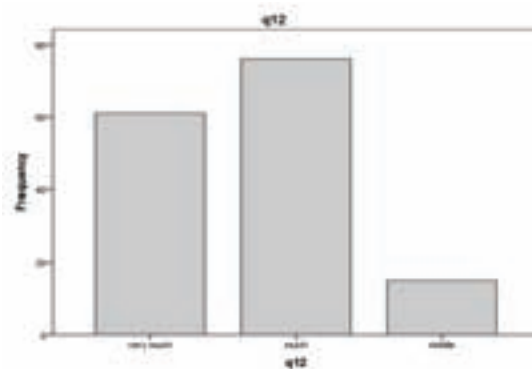


نمودار ۱۷. توزیع فراوانی در مورد سوال سیزدهم؛ منبع:  
نگارندگان.

۱۸) تا چه میزان فضاهاى عمومى تاریخی شهر،  
افزایش خاطره پذیرى برای افراد جامعه را به  
دنبال دارند؟

جدول ۱۸. توزیع فراوانی در مورد سوال چهاردهم؛ منبع:  
نگارندگان.

درصد	فراوانی	
۲۹,۶	۴۵	خیلی زیاد
۵۰,۷	۷۷	زیاد
۱۳,۲	۲۰	متوسط
۶,۶	۱۰	کم
۰	۰	خیلی کم

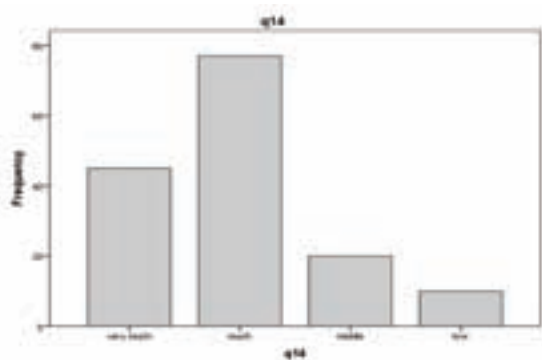


نمودار ۱۶. توزیع فراوانی در مورد سوال دوازدهم؛ منبع:  
نگارندگان.

۱۷) آیا همه فضاهاى شهری تاریخی سبب ایجاد  
خاطره جمعی افراد در آن فضا می شود؟

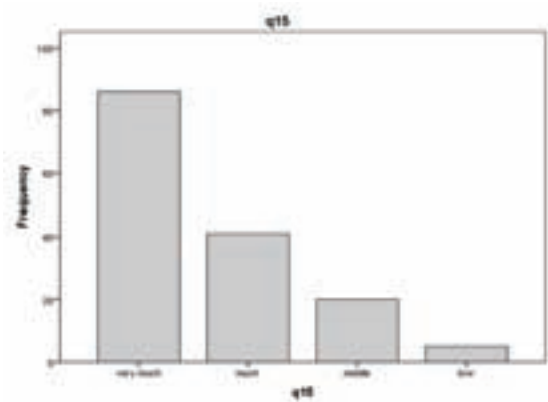
جدول ۱۷. توزیع فراوانی در مورد سوال سیزدهم؛ منبع:  
نگارندگان.

درصد	فراوانی	
۱۹,۷	۳۰	خیلی زیاد
۲۶,۳	۴۰	زیاد
۴۷,۴	۷۲	متوسط
۶,۶	۱۰	کم
۰	۰	خیلی کم



نمودار ۱۸. توزیع فراوانی در مورد سوال چهاردهم؛ منبع:  
نگارندگان.





نمودار ۱۹. توزیع فراوانی در مورد سوال پانزدهم؛ منبع: نگارندگان.

۱۹) آیا با ایجاد گرافیک و شکل دیداری جذاب در پارک کودک، محیطی آرام و دلپذیر برای کودکان فراهم می‌گردد؟

جدول ۱۹. توزیع فراوانی در مورد سوال پانزدهم؛ منبع: نگارندگان.

درصد	فراوانی	
۵۶,۶	۸۶	خیلی زیاد
۲۷	۴۱	زیاد
۱۳,۲	۲۰	متوسط
۳,۳	۵	کم
۰	۰	خیلی کم

### ۳.۱۱. یافته‌های استنباطی

#### ۱.۱.۱. فرضیه اول

تبدیل فضای اجتماعی به المان شهری در ایجاد هویت و خاطره پذیری شهر شیراز حائز اهمیت می‌باشد.



جدول ۲۰. نتایج آزمون تی تک نمونه ای برای بررسی فرضیه اول- میانگین ملاک=۳؛ منبع: نگارندگان.

فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین ها	سطح معنی داری	درجه آزادی (df)	آماره t
پایینی	بالایی				
-۱/۴۰	-۱,۱۹	-۱,۳۰	۰/۰۰۰	۱۵۱	-۲۰,۰۴

از میانگین مورد نظر یعنی عدد ۳ می‌باشد که به این معناست که بیشتر افراد گزینه‌های کوچکتر از ۳ یعنی موارد خیلی زیاد و زیاد را در نظر گرفته اند. منفی بودن تفاوت میانگین نیز به معنای کمتر بودن میانگین پاسخ سوالات از میانگین ملاک است که همان نتیجه قبل را ثابت می‌کند و نشان دهنده این است که نظرات افراد نمونه مطابق با این فرضیه است.

با توجه به نتایج به دست آمده از بررسی سوالات مربوط به این فرضیه مقدار آمار t برابر ۲۰,۰۴- و مقدار سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ است که با توجه به کوچکتر بودن این مقدار از ۰/۰۵ در نتیجه اختلاف صحیحی بین میانگین جواب‌های مربوط به این فرضیه با میانگین ملاک وجود دارد و با توجه به فاصله اطمینان منفی بودن هر دو حد بالا و حد پایین به این نتیجه می‌رسیم که میانگین پاسخ افراد کوچکتر

### ۱۱.۳.۲. فرضیه دوم

از عوامل تاثیرگذار در ایجاد خاطره جمعی در شهر شیراز تقویت فضای اجتماعی و تبدیل آن به نشانه شهری است.

جدول ۲۱. نتایج آزمون تی تک نمونه ای برای بررسی فرضیه دوم (میانگین ملاک=۳)؛ منبع: نگارندگان.

آماره t	درجه آزادی (df)	سطح معنی داری	تفاوت میانگین ها	
			بالایی	پایینی
-۲۲,۷۸	۱۵۱	۰/۰۰۰	-۱/۱۲	-۱/۳۳

از میانگین مورد نظر یعنی عدد ۳ می باشد که به این معناست که بیشتر افراد گزینه های کوچکتر از ۳ یعنی موارد خیلی زیاد و زیاد را در نظر گرفته اند. منفی بودن تفاوت میانگین نیز به معنای کمتر بودن میانگین پاسخ سوالات از میانگین ملاک است که همان نتیجه قبل را ثابت می کند و نشان دهنده این است که نظرات افراد نمونه مطابق با این فرضیه است.

با توجه به نتایج به دست آمده از بررسی سوالات مربوط به این فرضیه مقدار آمار t برابر ۳۶,۶۸- و مقدار سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ است که با توجه به کوچکتر بودن این مقدار از ۰/۰۵ در نتیجه اختلاف صحیحی بین میانگین جواب های مربوط به این فرضیه با میانگین ملاک وجود دارد و با توجه به فاصله اطمینان و منفی بودن هر دو حد بالا و حد پایین به این نتیجه می رسیم که میانگین پاسخ افراد کوچکتر

### ۱۱.۳.۳. فرضیه سوم

هویت شهری در اثر تبدیل فضای اجتماعی به المان شهری موجب ارتقا خاطرات جمعی می شود.

جدول ۲۲. نتایج آزمون تی تک نمونه ای برای بررسی فرضیه سوم (میانگین ملاک=۳)؛ منبع: نگارندگان.

آماره t	درجه آزادی (df)	سطح معنی داری	تفاوت میانگین ها	
			بالایی	پایینی
-۲۱,۰۷	۱۵۱	۰/۰۰۰	-۱/۰۸	-۱/۳۰

بیشتر افراد گزینه های کوچکتر از ۳ یعنی موارد خیلی زیاد و زیاد را در نظر گرفته اند. منفی بودن تفاوت میانگین نیز به معنای کمتر بودن میانگین پاسخ سوالات از میانگین ملاک است که همان نتیجه قبل را ثابت می کند و نشان دهنده این است که نظرات افراد نمونه مطابق با این فرضیه است. طبق نتایج به دست آمده، نظر افراد با هر سه فرضیه منطبق بوده و با توجه به اعداد به دست آمده از آزمون تی تست افراد با ایجاد و ارتقا خاطرات جمعی و خاطره پذیری شهر شیراز است.

با توجه به نتایج به دست آمده از بررسی سوالات مربوط به این فرضیه مقدار آمار t برابر ۴۱,۴۸- و مقدار سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ است که با توجه به کوچکتر بودن این مقدار از ۰/۰۵ در نتیجه اختلاف صحیحی بین میانگین جواب های مربوط به این فرضیه با میانگین ملاک وجود دارد و با توجه به فاصله اطمینان و منفی بودن هر دو حد بالا و حد پایین به این نتیجه می رسیم که میانگین پاسخ افراد کوچکتر از میانگین مورد نظر یعنی عدد ۳ می باشد که به این معناست که

## نتیجه گیری و جمع بندی

برای مقایسه شاخص های مورد بررسی و رتبه بندی آن ها از آزمون فریدمن استفاده شده که نتایج آن در ادامه در جدول ۲۳ آورده شده است.

جدول ۲۳. نتایج آزمون فریدمن برای رتبه بندی شاخص های مورد بررسی؛ منبع: نگارندگان.

رتبه	میانگین رتبه ها	
۳	۲,۴۹	فضای اجتماعی و هویت فضا
۲	۱,۹۱	نشانه و المان شهری
۱	۱,۶۰	خاطره جمعی و تاریخی
درجه آزادی=۲		کای دو = ۶۷,۵۲
		سطح معنی داری = ۰,۰۰۰

با بررسی عوامل تاثیرگذار در تبدیل فضای اجتماعی به المان و نشانه شهری از منظر هویت و خاطره جمعی در شهر شیراز (نمونه موردی: ارگ کریم خانی و دروازه قرآن)، نتایج به دست آمده مقدار آماره کای دو برابر ۶۷,۵۲ و مقدار سطح معناداری برابر ۰,۰۰۰ است که نشان دهنده وجود تفاوت معنی دار بین میانگین رتبه هاست که بر این اساس رتبه های شاخص های مورد بررسی به ترتیب عبارتند از: خاطره جمعی و تاریخی، نشانه و المان شهری و فضای اجتماعی و هویت فضا. زیرا هرچه قدر میانگین رتبه ها کوچکتر باشد اهمیت آن متغیر بیشتر است.



## منابع و مآخذ

۱. اردشیری، مهیار و غلامحسین، معماریان (۱۳۸۹) هویت شهری شیراز، انتشارات نوید شیراز، شیراز..
۲. امین زاده، بهناز (۱۳۸۹) ارزیابی هویت مکان، هویت شهر، شماره ۷، ص ۳-۱۴.
۳. آتشین بار، محمد (۱۳۸۸) تداوم هویت در منظر شهری، فصلنامه باغ نظر، شماره ۱۲، ص ۳۵-۵۶.
۴. بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۶) هویت شهر، موسسه نشر شهر، تهران.
۵. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۷۵) هویت و این همانی با فضا، مجله صفا، شماره ۲۱ و ۲۲، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۶. تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۵) شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، نشر خاک، اصفهان.
۷. جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱) هویت اجتماعی، ترجمه تورج احمدی، انتشارات شیرازه، تهران.
۸. حبیبی، محسن (۱۳۸۴) مرمت شهری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۹. خاکی، غلامرضا (۱۳۷۸) روش تحقیق رویکردی به پایان نامه نویسی، انتشارات مرکز تحقیقات علمی کشور، تهران.
۱۰. خسرو خاور، فرهاد (۱۳۸۴) شهرها و خاطره جمعی، اندیشه ایرانشهر، شماره ۳، ص ۱۳۱-۱۳۴.
۱۱. دانشپور، سیدعبدالهادی (۱۳۷۹) بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری (خیابان) نمونه موردی: تهران خیابان انقلاب، پایان نامه دکتری شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳) لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

۱۳. دیکنز، پیتر (۱۳۷۷) جامعه‌شناسی شهری: جامعه، اجتماع محلی و طبیعت انسانی، ترجمه حسن یهروان، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.

۱۴. رضایی عالیزمینی، محمد (۱۳۹۳) بررسی عوامل تاثیرگذار در تبدیل فضای اجتماعی، کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار.

۱۵. رضایی، نعمت الله (۱۳۹۱) ساماندهی بافت فرسوده شهری، مجله علمی تخصصی برنامه ریزی فضایی سال دوم، شماره دوم.

۱۶. رهبری، مهدی (۱۳۸۰) بحران هویت در ایران معاصر، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، نامه پژوهش فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دوره ششم، شماره ۲۲ و ۲۳، ص ۵۳-۸۴.

۱۷. شعله، مهسا (۱۳۸۵) دروازه‌های قدیم در خاطره جمعی شهر معاصر، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۷، ص ۱۷-۲۶.

۱۸. شهبازی، عادل الله (۱۳۸۷) دروازه قرآن و نمادهای ابلیسک در شیراز.

۱۹. شبیانی، حمیدرضا و موسوی، سیدپیمان (۱۳۹۲) گذر از گذر تاریخی سنگ سیاه (محل سنگ سیاه شیراز). شیراز.

۲۰. صانع، منصور (۱۳۸۰) به یاد شیراز، انتشارات وزارت فرهنگ اسلامی.

۲۱. فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) انسان‌شناسی شهری، انتشارات نی، تهران.

۲۲. فکوهی، ناصر (۱۳۸۱) شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی (مطالعه موردی در لرستان)، مجله جامعه‌شناسی، دوره چهارم، شماره ۴، انجمن جامعه‌شناسی ایران، ص ۱۲۷-۱۶۱.

۲۳. فلاحت، محمدصادق و نوحی، سمیرا (۱۳۹۱) ماهیت نشانه‌ها و نقش آن در ارتقای حس مکان فضای معماری، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱۷، شماره ۱، ص ۱۷-۲۵.

۲۴. کریر، راب (۱۳۸۳) فضای شهری، ترجمه خسرو هاشمی نژاد، نشر خاک، اصفهان.

۲۵. کریمی‌ان، حسن (۱۳۸۹) نمادهای فرهنگی در مناظر شهری، پژوهش‌های غیر انسانی،

شماره ۷، ص ۱۱۹-۱۳۲.

۲۶. گل محمدی، احمد (۱۳۸۰) تجدد، جهانی شدن و هویت خاص گرای‌های فرهنگی در جهان معاصر، پایان‌نامه دکتری، رشته حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

۲۷. لنگ، جان (۱۳۸۳) آفرینش نظریه معماری، نقش عدم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

۲۸. لینچ، کوین (۱۳۷۶) سیمای شهر، ترجمه سیدحسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

۲۹. لینچ، کوین (۱۳۸۵) هویت در ایران. انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.

۳۰. میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۸) معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۷، ص ۵-۱۶.

۳۱. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۵) تاملی در روند دگرگونی میدان در شهرهای ایرانی، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۵، ص ۱۵-۲۴.

۳۲. هاشم نژاد، هاشم (۱۳۸۵) فضای شهری سند تاریخی شهر و شهروندان، مجله معماری و فرهنگ، شماره ۲۴، ص ۶۶-۶۸.

۳۳. Urban transformations, Bentely, Ian, 1999, power, people and urban design. Routledge. USA & Canada.

۳۴. [www.persiane.com](http://www.persiane.com) ۱۳۹۶/۲/۱۲ دروازه قران در شیراز

۳۵. [www.wikipedia.com](http://www.wikipedia.com) ۱۳۹۶/۲/۱۲ ارگ کریم خان زند در شیراز

## ارزیابی آمادگی الکترونیکی شهرداریها در راستای تحقق شهرداری الکترونیک

سید مجتبی حسینی راد\* - استادیار مهندسی کامپیوتر و فناوری اطلاعات دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

### چکیده

یک شهرداری با آمادگی الکترونیکی، دارای سرعت بالا در دسترسی به اطلاعات و رضایت کامل از کاربردهای فاوا در مناطق، معاونتها، سازمانها، و مراکز خدماتی است. برای استفاده موثر از ICT، یک کشور باید در زمینه زیرساختها، دسترسی گسترده جمعیت به ICT و بستر قانونی و تنظیمی آمادگی الکترونیکی داشته باشد. رهبران کشورهای در حال توسعه می‌توانند ارزیابی آمادگی الکترونیکی را جهت تسهیل اندازه‌گیری و طراحی برنامه‌های یکپارچه‌سازی ICT بکار برند. این امر به آنها کمک می‌کند تا تلاشهایشان را متمرکز کرده و مناطقی را که به کمک خارجی نیاز دارند، مشخص کنند. گستره‌ای از ابزارهای ارزیابی برای اندازه‌گیری آمادگی الکترونیکی یک کشور یا یک اقتصاد ایجاد شده است. این ابزارها بنحو وسیعی از تعاریف و روشهای مختلف آزمون آمادگی الکترونیکی استفاده می‌کنند و ارزیابی‌ها بنحوشایانی در اهداف و نتایج با هم تفاوت دارند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ارزیابی وضع موجود از نظر آمادگی الکترونیکی در شهرداری، مقدمه‌ای برای برنامه‌ریزی و نیل به وضع مطلوب خواهد بود. اگر روند پیشرفت IT در شهرداری را در سه مرحله: شناسایی وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب و برنامه‌ریزی گذار از وضع موجود به وضع مطلوب در نظر بگیریم، میتوان در مرحله‌نخست جایگاه شهرداری را از لحاظ آمادگی شناسایی کرد و به بررسی میزان ضعف و قوت در چهار محور آمادگی الکترونیکی پرداخت. برای این که میزان پیشرفت شهرداری در حوزه‌های آمادگی الکترونیکی را تعیین کنیم، باید از مدل واحد و استاندارد طی چند سال متوالی استفاده کرد. اقدامی که پس از ارزیابی انجام می‌شود دقیقاً وابسته به هدف آتی شهرداری است، (با در نظر گرفتن وضعیت فعلی شهرداری) ارزیابی آمادگی الکترونیکی چگونگی دستیابی به اهداف آتی را معین می‌کند.

**واژگان کلیدی:** ارزیابی آمادگی الکترونیکی شهرداری، آمادگی الکترونیکی، شهرداری الکترونیک.

### Electronic readiness assessment municipalities taken action in order to fulfill the electronic municipal

#### abstract

A mayor with electronic readiness has high speed in access to information and full satisfaction from FAVA applications in areas, and service centers. For effective use of ICT, a country should have widespread access to ICT, population access to ICT and regulatory and regulatory requirements. Developing countries can be able to evaluate electronic readiness to facilitate the size and design of integrated ICT programs. This helps them to focus and determine areas that require foreign help. A range of measurement tools for the size of electronic preparedness is a country or an economy created. These tools make a wide use of the different definitions and definitions of e - test testing and the assessments are significantly different in the goals and outcomes. Research findings show that the evaluation of the status quo in the municipality will be ideal for planning and indigo. If we consider the progress of IT progress in the city in three phases: identification of the status quo, the position of the ideal and the transition from the status quo to the desired position, we can identify the mayor's position in terms of readiness and review the strengths and weaknesses of the four axes. To determine the extent of municipal progress in electronic, it should be used in a number of consecutive years. The action that comes after evaluation is precisely dependent on the future goal of the municipality, (considering the current state of the city) evaluation of the electronic readiness of how to achieve future goals.

Keywords: municipal electronic preparedness assessment, electronic readiness, electronic municipality.



پیاده سازی این فناوری صورت گیرد. اما این تلاش‌های آغازین، در اغلب کشورها (به خصوص در کشورهای توسعه نیافته و کشورهای در حال توسعه) چالش عمده‌ای را ایجاد کرده که علی‌رغم سرمایه‌گذاری در این فناوری، گسترش و نفوذ کاربردهای متنوع فاوا، به کندی صورت می‌پذیرد. علت اصلی این مشکل، پایین بودن سطح آمادگی الکترونیکی جامعه یا شهرداری برای پذیرش و استفاده از فاوا در جوامع و شهرداریها و همچنین عدم بررسی کارایی و اثربخشی سرمایه‌گذاری صورت گرفته در این زمینه است. در طرح ارزیابی فناوری اطلاعات و ارتباطات به منظور ارزیابی مناسب فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداریها که ناشی از اقدامات صورت گرفته و برنامه کلان فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICTMP) می‌باشد، پروژه ارزیابی آمادگی الکترونیکی در ابتدای هر سال از برنامه و پروژه ارزیابی عملکرد دوره ای (سالانه) فاوا در انتهای سال پیشنهاد می‌گردد. آمادگی الکترونیکی، طبق تعریف واحد اطلاعات اکونومیست، وضعیت ICT کشورها از نظر زیرساخت‌های مورد نیاز و توانایی مصرف‌کنندگان دولت و فضای کسب‌وکار است که در این راستا منابع مصرف‌کنندگان شامل دولت، مردم یا بخش خصوصی، بررسی می‌شود. رسیدن به ارزیابی صحیح در شناسایی جایگاه کشور در آمادگی الکترونیکی نیازمند انتخاب مدل واحد، استاندارد و بررسی آن طی سال‌های متوالی است، چرا که به تنهایی از روی افت رتبه، نمی‌توان اطلاعاتی در خصوص وضعیت میزان رشد کشور بدست آورد و این مستلزم این است که مدلی انتخاب شود تا براساس آن مدل ارزیابی‌ها صورت گیرد. با توجه به تمرکز خدمات در شهرها و همچنین گسترش کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات و تأثیرات وسیع آن بر جنبه‌های مختلف زندگی شهروندان، امروزه بهره‌گیری از روش‌ها و فناوری‌های نوین خدمات‌رسانی به شکل «خدمات الکترونیک شهری»، در تعاملات و تراکنش‌های میان شهروندان و سازمان‌های دولتی و خصوصی ارائه‌دهند. خدمات، به عنوان راهکاری اثربخش و کارآمد در عرصه خدمات‌رسانی شهری به شمار می‌رود (نژادجوادی‌پور، ۱۳۸۷، ص

«ایترنت» به عنوان نقطه گذر از جامعه صنعتی - که شهرنشینی در آن رواج داشت - به جامعه اطلاعاتی که زمینه‌های ظهور آن در قالب موضوعاتی مانند «شهر الکترونیک» نمایان شده است، می‌باشد. حضور اینترنت در ابتدا با نام «آرپانت»<sup>۱</sup> و از اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی در وزارت دفاع آمریکا و به علت هراس وزارت دفاع آمریکا در برابر خطرهای ناشی از جنگ هسته‌ای و احتمال نابودی مخابرات آمریکا توسط قدرت رقیب (شوروی)، شروع و در سال ۱۹۶۹ با همکاری دانشگاه کالیفرنیا و دانشگاه هاروارد توسعه یافت (کاستلز، ۱۳۸۲، ص ۳۳). در سال ۱۹۸۳ عملاً کار غیر نظامی اینترنت با سرویس پست الکترونیکی آغاز شد و به سرعت توانایی آن در ارسال داده‌ها با سرعت فراهم شد. در مجموع توسعه استفاده از اینترنت در دوره کوتاه فعالیت اش بسیار چشم‌گیر بوده، به طوری که در سال ۱۹۷۳، فقط ۲۵ رایانه به شبکه متصل بودند؛ اما در اواسط سال ۱۹۹۰ در سراسر جهان ۴۶ هزار شبکه اطلاعاتی، شامل ۳/۲ میلیون دستگاه رایانه و ۲۵ میلیون کاربر از طریق اینترنت امکان تبادل اطلاعات یافتند. مقایسه ارقام فوق با نیازهای یک شهر الکترونیکی نشان می‌دهد که تا این زمان عملاً نمی‌توانست امکانات فناوری برای ایجاد شهر الکترونیک وجود داشته باشد<sup>۲</sup> (جلالی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲ و شیردل، ۱۳۸۶، ص ۷۵).

از سویی دیگر، منافع حاصل از به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث شده است که در اغلب شهرها و شهرداریها تلاشهایی برای

#### 1. Advanced Research Project Agency Net (ARPANet)

۲. در مورد تاریخچه شکل‌گیری شهرهای الکترونیکی و اینترنتی باید به پروژه‌های توسعه فن آوری اطلاعات که نیازمند تأسیس شهرهای اینترنتی بود، اشاره کرد که اولین آن در سال ۱۹۹۲ با پروژه IT ۲۰۰۰ سنگاپور شروع شد و در سال ۱۹۹۳ با ایجاد زیرساخت ملی کره جنوبی و آمریکا به مرحله جدیدی رسید، پروژه مهمی که تسریع پیدایش شهرهای اینترنتی را به دنبال داشت، قانون پایه S&W بود که در سال ۱۹۹۵ در ژاپن به تصویب رسید، از طرف دیگر در اینجا باید از پروژه سنگاپور واحد، جامعه اطلاعاتی انگلستان و پروژه سه میلیون نفر کاربر اینترنت تایوان در سال ۱۹۹۶ به عنوان مراحل جدید توسعه در تاریخ ICT نام برد. در حالی که پروژه فن آوری اطلاعات و آموزش در سنگاپور، چارچوب کلی دولت الکترونیک در آمریکا و زیرساخت ملی تایوان از شرایط مهم زمینه ساز شهرهای اینترنتی بوده اند، بنابراین زمان پیدایش شهرهای الکترونیکی و اینترنتی را از سال ۱۹۹۷ به بعد دانست.

۳۸). همچنین، عوامل متعددی زمینه ایجاد شهر الکترونیکی را فراهم می‌سازند که همه‌ی این عوامل ناشی از رشد فناوری و پیچیده‌تر شدن زندگی بشر است. ایجاد شهر و دولت الکترونیک پاسخ به ضرورت بهره‌وری در زمان و هزینه و سادگی ارائه خدمات و اطلاعات بخش دولتی و سازمان‌ها به جامعه است. دولت‌ها برای پاسخ به این پیچیدگی ناگزیر هستند که به ایجاد شهرهای الکترونیکی روی آورند. استفاده روزافزون از این تکنولوژی‌ها باعث سادگی و راحتی بیش‌تر برای حضور در فرایندهای دموکراتیک، دسترسی آسان به اطلاعات مورد نیاز در باره خدمات شهری و سادگی تجارت و مبادلات شخصی در شهر خواهد شد (Building an Information and Technology Vision for Toronto, 2002، ص 2).

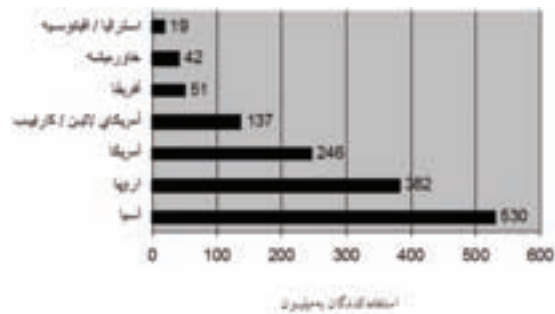
از سویی دیگر باید گفت که نهاد ارزیابی وضع وجود از نظر آمادگی الکترونیکی در کشور و هر سازمان، مقدمه‌ای برای برنامه‌ریزی و نیل به وضع مطلوب خواهد بود. اگر روند پیشرفت IT در کشور را در سه مرحله‌شناسایی وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب و برنامه‌ریزی گذار از وضع موجود به وضع مطلوب در نظر بگیریم، می‌توان در مرحله نخست جایگاه کشور را از لحاظ آمادگی شناسایی کرد و به بررسی میزان ضعف و قوت در چهار محور آمادگی الکترونیکی (بنگاه‌های اقتصادی، شهروندان، زیرساخت‌ها و دولت‌ها) پرداخت. زمانیکه آمادگی الکترونیکی در جامعه ای به شکل مطلوب وجود داشته باشد، می‌توان زمینه‌ای برای استقرار اثربخش شهر الکترونیک و شهرداری الکترونیک باشد، زیرا در شهر الکترونیک تمام خدمات مورد نیاز ساکنان از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی تامین می‌شود و شهرداری الکترونیکی با بهره‌گیری از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، خدمات خود را در حوزه وظایف شهرداری به صورت سریع، قابل دسترسی و امن به شهروندان ارائه می‌دهد. هدف از ایجاد شهر الکترونیکی و شهرداری الکترونیکی توزیع خدمات به صورت سهل و آسان و به صورت ۲۴ ساعته حتی روزهای تعطیل خواهد بود. بنابراین آمادگی الکترونیکی شهروندان نیز در دریافت خدمات ارائه شده به عامل کلیدی و مهمی در این ارتباط بدل

گردیده است. اگر جامعه‌ای آمادگی الکترونیکی دریافت خدمات مبتنی بر شبکه‌ها را نداشته باشد و مولفه‌های آمادگی الکترونیکی در جامعه نهادینه نشده باشند، تحقق شهر الکترونیک و شهرداری الکترونیک به سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود. در این مقاله به مقوله ارزیابی آمادگی الکترونیکی شهرداری‌ها در راستای تحقق شهرداری الکترونیک و چالش‌های پیش روی آن پرداخته می‌شود و نکاتی چند در این رابطه به تفصیل مورد اشاره قرار می‌گیرد.

### شهر الکترونیک

در نخستین گزارش سالانه گروه کاری تجارت الکترونیک ایالات متحده<sup>۳</sup> در سال ۱۹۹۹ چنین آمده است: در حالی‌که در ایالات متحده در سال ۱۹۹۵ تنها ۱۰ میلیون نفر از اینترنت استفاده می‌کردند، این رقم در سال ۱۹۹۸ به بیش از ۱۴۰ میلیون رسیده است. این گزارش هم‌چنین اظهار می‌دارد که در دهه اول این قرن بیش از یک بلیون نفر در سرتاسر جهان از اینترنت استفاده خواهند کرد. با چنین روند رو به افزایشی در رقم کاربران اینترنت، دولت‌ها در تمام سطوح، چاره‌ای نخواهند داشت جز این‌که به دولت الکترونیک به عنوان یک کانال خدماتی داخلی و خارجی بیاندیشند (United States Department of Commerce, 1999). اما طبق آمار مندرج در فصل نامه «پیام یونسکو» در سال ۲۰۰۳، ششصد و پنجاه میلیون رایانه به شبکه جهانی اینترنت متصل بوده‌اند و ۶۵۵ میلیون کاربر در سراسر جهان از اینترنت استفاده می‌کردند. آخرین آمار اتحادیه امار بین‌المللی در ماه مارس ۲۰۰۸ آمار کاربران اینترنت را بالغ بر ۱/۴ میلیارد نفر در جهان نشان می‌دهد. این آمارها به همراه برنامه‌های وسیعی که در توسعه فناوری اطلاعات در جهان در دست انجام است دورنمای توسعه شهرهای الکترونیکی را به صورت تجربی نشان می‌دهد (internet world stats, 2008). نگاهی گذرا به میزان و جمعیت استفاده‌کنندگان از اینترنت در جهان نشان می‌دهد که در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ میلادی در قاره‌های مختلف جهان، بهره‌وران اینترنت رشد زیادی داشته‌اند.

3. United states working group on Electronic Commerce



نمودار ۱. نمودار استفاده کنندگان اینترنت در جهان در مارس ۲۰۰۸

نخستین اقدام کلان و اساسی جهت ایجاد شهر الکترونیک در جهان به برنامه «توسعه فناوری اطلاعات سنگاپور»<sup>۴</sup> در سال ۱۹۹۲ معطوف می‌گردد. پس از آن در سال ۱۹۹۳ میلادی، پروژه توسعه زیر ساختار ملی آمریکا جهت گسترش زیر ساختار فناوری ارتباطات و اطلاعات<sup>۵</sup>، تدوین و راه اندازی شد. کشور کره جنوبی نیز در این سال، طرح توسعه زیر ساختار ملی فناوری ارتباطات و اطلاعات<sup>۶</sup> خود را ارائه و آماده اجرا کرد. کشورهایی مانند ژاپن، تایوان و انگلستان نیز در طی سالهای ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶، برنامه‌های کلانی را در این زمینه دنبال نمودند. تاریخ دقیقی از زمان ایجاد شهرهای الکترونیک در دسترس نیست. اما می‌توان ادعان داشت که طرح ایجاد این شهرها به زمان ایجاد و توسعه دولت الکترونیک در جهان مرتبط می‌باشد (جلالی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۳).

### اهداف شهر الکترونیک

در شهر الکترونیک تورتو از اهداف استراتژیک به عنوان عواملی برای استحکام تعهد شهر الکترونیک، جهت ارتقا حکومت محلی از طریق توسعه توانایی‌های الکترونیکی شهری یاد می‌شود. عملی شدن این اهداف به وسیله اقدامات و پروژه‌هایی صورت می‌گیرد که مجموع آنها، تعریف کننده شهر الکترونیک می‌باشند که عبارتند از:

۱. حمایت از مشارکت شهروندان در حکومت شهری.
۲. ارتقا رویه‌های تصمیم‌گیری مدیریتی و سیاسی.

۳. ارائه کانال‌های خدماتی جدید برای تجارت در شهر با ویژگی‌های دسترسی ۲۴ ساعته در ۷ روز هفته، شهروند محوری، دسترسی الکترونیکی تک مرحله‌ای به رنج وسیعی از خدمات شهری از طرق گوناگون شامل پایانه‌های دسترسی عمومی.

۴. تضمین پایداری و رشد در تجارت شهری که به‌طور قابل ملاحظه‌ای به تکنولوژی وابستگی دارد.

۵. حمایت از سازمان‌های شهری از طریق حمایت‌های اطلاعاتی و خدمات توسعه‌ای جهت نیل به استانداردهای بین‌المللی درخواست خدمات شهری با کمترین هزینه (Building an Informational and Technology Vision for Toronto، ۲۰۰۲، ص ۸).

به‌طور کلی، هدف اصلی در شهر الکترونیکی، ارائه خدمات با کیفیت و قیمتی مناسب به همگان است. ایجاد محیط مناسب برای ارتقا سطح زندگی، کسب و کار، فراهم نمودن محیط دسترسی بر خط برای دسترسی به اطلاعات و خدمات شهری، ارتقا کمیت و کیفیت خدمات آژانس‌های شهری، افزایش تولید ناخالص داخلی و افزایش درآمدها، یکپارچگی کلیه واحدهای شهری و نیز صرفه‌جویی در هزینه از جمله اهداف شهر الکترونیکی است. بنابراین می‌توان مهم‌ترین اهداف شهر الکترونیکی را به صورت زیر برشمرد:

۱. «ارائه خدمات بهتر»: ارائه خدمات به صورت راحت تر و قابل اعتماد، با صرف هزینه‌های کمتر و کیفیت و ارزش بالاتر.
۲. «تاثیر مثبت در قیمت و کارایی خدمات»: ارائه اطلاعات و خدمات بهتر و ارزاتر به استفاده کنندگان و عوارض دهندگان.
۳. «مشارکت بیشتر مردم در امور شهری»: آسان‌تر کردن امکان مشارکت کسانی که تمایل دارند در کارها نقش داشته باشند.
۴. «ارائه و به کار گیری روش‌های مناسب برای اداره جامعه»: حمایت از جامعه علمی از طریق ایجاد نوآوری و بازآفرینی در بخش شهری (هاشمیان، ۱۳۸۲، ص ۸۲).

## مراحل پیاده سازی شهر الکترونیک

شهر الکترونیک عبارتست از امکان دسترسی الکترونیکی شهروندان به کلیه خدمات و سرویس‌های «به‌هنگام»<sup>۷</sup> ادارات، سازمان‌ها و اماکن درون شهری و دستیابی به اطلاعات مختلف مورد نیاز به صورت شبانه‌روزی و هفت روز هفته، به شیوه‌ای با ثبات، قابل اطمینان، امن و محرمانه (جلالی، ۱۳۸۳، ص ۴۷). در واقع، برآیند نهادینه شدن فناوری اطلاعات در تار و پود نظام مدنی به شهر الکترونیک تعبیر می‌گردد. شهر الکترونیک شهری است که در آن بر روی فرصت‌های خلق شده توسط فناوری اطلاعات و ارتباطات، به منظور افزایش موفقیت و اثرگذاری سرمایه‌گذاری شده است (Odendaal, 2003:588). نمای خارجی و ملموس شهر الکترونیک در نهایت یک «درگاه الکترونیکی»<sup>۸</sup> خواهد بود که شهروندان از طریق اینترنت وارد آن شده و فعالیت‌های گوناگون مورد نظر خود را به وسیله آن انجام خواهند داد. ایجاد شهر الکترونیک تأثیرات بسیاری را در زمینه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برای شهر به دنبال خواهد داشت. در زمینه اقتصادی توسعه تجارت الکترونیکی، بانکداری الکترونیکی، گسترش استفاده از کارتهای اعتباری، کاهش کاغذبازی، کاهش هزینه ارائه خدمات و ایجاد زمینه برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و ارتباط تجاری شهر با کشورهای همسایه و سایر نقاط جهان بخشی از تأثیرات آن خواهد بود. ارائه خدمات به‌هنگام به شهروندان موجب افزایش رضایتمندی آن‌ها از استفاده از خدمات عمومی و خصوصی شده و امکان تشکیل گروه‌ها و اجتماعات<sup>۹</sup> به‌هنگام فراوان و هم‌چنین رای‌گیری به‌هنگام و توزیع عادلانه امکانات را فراهم می‌آورد. ایجاد زمینه استفاده از نظر شهروندان در مدیریت شهر از جمله اثرات اجتماعی اجرای پروژه شهر الکترونیک خواهد بود. در زمینه‌های فرهنگی نیز اجرای شهر الکترونیک تأثیرات زیادی را به دنبال دارد که به‌طور مثال از شفاف‌سازی، اطلاع‌رسانی، آموزش مجازی شهروندان در حوزه‌های عمومی و

اختصاصی، امکان انتشار رسانه‌های دیجیتالی برای شهروندان، انتشار اخبار و اطلاعات به‌هنگام و اثرات فرهنگی بسیار دیگری را می‌توان نام برد (King, 2007:50). در زمینه اجتماعی و سیاسی معرفی شهر در جهان و امکان بیشتر ارتباطات بین‌المللی و بالابردن وجهه سیاسی شهر و شهروندان برخی از مزایای شهر الکترونیک به حساب می‌آیند (جلالی، ۱۳۸۳، ص ۵۴).

## شهروند الکترونیک<sup>۱۰</sup>

مانوئل کاستلز (۱۳۸۲) در کتاب مشهور عصر اطلاعات می‌نویسد: شهر اطلاعاتی نیازمند شهروندان اطلاعاتی است. کاستلز معتقد است بازسازی سرمایه‌داری به همراه فناوری‌های نوین، منجر به تحولی اجتماعی و در نتیجه تحول شهر شده است. این تحول شهر دو قطبی<sup>۱۱</sup> را جایگزین شهرهای سنتی می‌کند. مجموعه تحولات بزرگی که در جامعه بشری اتفاق می‌افتد، شهروند جامعه را به سمتی سوق می‌دهد تا مهارت زیستن در چنین جامعه‌ای را داشته باشد. این‌جاست که مفهوم شهروند الکترونیکی نمود پیدا می‌کند. شهروند الکترونیک فردی است که توانایی استفاده از فناوری اطلاعات را در انجام امور روزمره خود داشته باشد و بتواند خدمات مورد نیاز خود را با استفاده از ابزارها و سیستم‌های الکترونیکی از منزل، ادارات و موسسات ذی‌ربط دریافت نماید (Singh, 2007: 66)؛ بنابراین، شهروند الکترونیک کسی است که در محیط کار، محل تفریح، آموزش، ارتباطات روزمره و تراکنش‌های مالی بتواند ابزارهای الکترونیکی مختلف از جمله رایانه و اینترنت را به خدمت بگیرد و به‌راحتی امور مختلف روزمره خود را انجام دهد. شهروند الکترونیکی جزء شهروندان جامعه اطلاعاتی جهانی می‌باشد که به دنبال زندگی مدرن متناسب با هزاره سوم بوده و می‌خواهد زندگی جدیدی را با استفاده از کاربردهای فناوری اطلاعات تجربه نماید و با سایر اقوام جهان با صلح و دوستی زندگی کند. اساسی‌ترین بعد جامعه اطلاعاتی آنست که شهروندان بتوانند در توزیع، تولید و استفاده از اطلاعات مفید

7. On-line

8. Portal

9. Community

10. E-citizen

11. Dual city

و ارزشمند آزاد باشند و توانایی مبادله الکترونیکی اطلاعات را داشته باشند و علاوه بر آن بتوانند توانایی‌ها و مهارت‌های خود را به‌کار گرفته و آن را توسعه دهند (جلالی، ۱۳۸۶، ص ۱).

شهروند الکترونیکی که زاینده زندگی در جامعه اطلاعاتی و شبکه‌ای است، دارای این پیام است که آدمیان برای زندگی در یک جامعه اطلاعاتی با چالش‌ها و چشم اندازهای جدیدی مواجه می‌شوند. در هر حال دستاوردهای علمی و تکنولوژی بشر در قرن بیست و یکم نیازمند تربیت شهروندی با ویژگی‌های جدید است. در واقع، امروزه شناسایی شهروندان جدید و آماده سازی نظام تعلیم و تربیت برای توجه به این فناوری‌ها در دستور کار بسیاری از مجامع علمی بین‌المللی قرار دارد. (Lee, 2000: 378).

به‌طور کلی می‌توان گفت موجودیت شهروند الکترونیک به عنوان محور در مباحث مربوط به شهر و دولت الکترونیک قرار می‌گیرد که این امر با بررسی دولت الکترونیک در کشورهای مختلف به خوبی مشخص می‌گردد. مهم‌ترین هدف شهر الکترونیک خدمت رسانی مطلوب به شهروندان و کسب رضایت آنان می‌باشد. این در صورتی است که افراد جامعه به عنوان دریافت کننده این خدمات، قابلیت استفاده از این خدمات را داشته باشند (Ebbbers, 2007: 22). در یک نگاه کلی، می‌توان گفت رشد روزافزون دنیای مجازی به پیدایش شهروند مجازی هم منجر شده است و در این دنیا همچون دنیای واقعی که گستره عمومی‌ای دارد، روابط افراد بنا بر گسترش و رشد آن تغییر می‌کند. به عبارت دیگر، دنیای مجازی هم گستره عمومی شهروندی مجازی را منجر می‌شود و هم این‌که باعث رشد گستره عمومی دنیای واقعی می‌شود.

## سند راهبردی شهر الکترونیک

«سند راهبردی شهر الکترونیک» نتیجه نخستین مطالعات و تحقیقاتی است که انجام آن (با محوریت شهرداری)، در اولین مرحله تحقق شهر الکترونیک (مرحله پیدایش) مورد نیاز است. سند راهبردی شهر الکترونیک، بر مبنای مطالعات میدانی و بر اساس امکانات و پتانسیل‌های موجود

تنظیم می‌شوند (بهمن‌د، ۱۳۸۶). در سند راهبردی شهر الکترونیک، مسیر و راهبردهایی که بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات را توسعه بخشیده و سپس زمینه ارتباط و تعامل یکپارچه میان سازمان‌های شهری و شهروندان را به وجود آورد، تبیین می‌شود (Ansoff, 1988). بدین ترتیب، این سند، چشم‌انداز، مأموریت‌ها، اهداف، سیاست‌ها و در نهایت راهبردهای کلان را در طرح استقرار و توسعه شهر الکترونیک، به گونه‌ای تنظیم می‌نماید که آمال شهروندان و متولیان مدیریت شهری را از تحقق شهر الکترونیک برآورده ساخته و مسیر اجرایی فعالیت‌ها را مشخص نماید.

## چشم‌انداز شهر الکترونیک

در شهر الکترونیک، بسیاری از مشکلات شهرهای سنتی مانند آلودگی هوا، انتظار کشیدن‌های طولانی، ترافیک و غیره وجود ندارد. رسیدن به چنین شهری هدف نهایی بسیاری از شهرهای الکترونیک جهان است. در شهر الکترونیک کارها را می‌توان بسیار ساده تر و با اطمینان بیشتر انجام داد. از آن‌جا که در این شهرها اغلب کارهای روزمره از طریق رایانه و اینترنت انجام می‌شود، در وقت و هزینه به میزان چشمگیری صرفه‌جویی می‌گردد. به عنوان مثال از کارهای بانکی و اداری گرفته تا بازدید از نمایشگاه و غیره همه از راه دور و در تمام اوقات شبانه‌روز در دسترس تمام مردم قرار دارد (جلالی، ۱۳۷۱، صص ۴۵-۶۰). شهر الکترونیک محیطی مطلوب برای زندگی، تفریح، کار و تلاش است. مردم در شهرهای الکترونیکی زمان بیشتری برای تفریح و استراحت خواهند یافت و رشد اقتصادی و بهره‌وری در این‌گونه شهرها بسیار از شهرهای سنتی فعلی خواهد بود. در شهرهای الکترونیکی مشاغل بسیاری به‌وجود می‌آید و حل مشکل بیکاری از طریق شهرهای الکترونیکی امری واضح است (Reddick, 2002:41). «چشم‌انداز» که از آن به دورنما، منظر، آینده متصور و یا آینده آرمانی و مطلوب نیز نام برده می‌شود، توصیفی است از شرایط آینده و به عبارت دیگر، تصویری است از وضعیت آینده یک مجموعه، زمانی که به اهداف و استراتژی‌های خود دست یافته باشد. چشم‌انداز و آرمان‌ها، معمولاً زاینده فکر و خلاقیت مدیران



مجموعه بوده و در ابعاد مختلفی همچون فناوری، دانش، وضعیت مالی، بازار و مواردی از این دست، به تصویر کشیده می‌شوند. بر این اساس، چشم‌انداز باید خصوصیات ذیل را دارا باشد: ۱. آینده‌ای بهتر و مطلوب را به تصویر بکشد. ۲. بلندپروازانه باشد و آینده‌های دور را ترسیم کند. ۳. پسندیده و مطلوب باشد. ۴. واضح و قابل فهم باشد. ۵. حتی‌الامکان تغییرات آینده را پاسخگویی نماید. ۶. دستیابی به ارزش‌های مشترک را سهولت بخشد. ۷. پیامدهای مثبت را بیان دارد. ۸. ایجاد هیجان، انگیزه و تحرک نماید (کارگری و زارع، ۱۳۸۴).

بدین ترتیب مزایا و منافع تدوین چشم‌انداز عبارتند از: ۱. ارائه تصویری از مجموعه در پایان افق برنامه‌ریزی. ۲. ایجاد درکی کلی از این که موفقیت مجموعه به چه مفهومی است. ۳. ایجاد اتفاق نظر بر آینده مطلوب مجموعه. ۴. روشن ساختن جهت و مقصود حرکت مجموعه. ۵. مشخص نمودن این که مجموعه، در صورت برآوردن مأموریت خود، به چه شکل و چگونه ساختاری خواهد رسید (گرامی، ۱۳۸۵).

### بررسی نمونه موردی

در این ارتباط یکی از بخش‌های مهم طرح‌های استقرار و توسعه شهرهای الکترونیک، تدوین شرحی روشن درباره این نکته است که شهر الکترونیک در صورت اجرای موفقیت‌آمیز استراتژی‌ها و دستیابی به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های توسعه‌یافته خویش، به چه چیزی تبدیل شده و چه وضعی خواهد داشت. بدین ترتیب توجیهی روشن، مشخص و قابل دفاع، از این که چرا و چه انتظاری از استقرار شهر الکترونیک می‌رود، حاصل می‌شود و امکان موفقیت طرح شهر الکترونیک با تصویر روشنی که از آینده آن ارائه می‌گردد، فراهم خواهد شد. از طرف دیگر، توافق بر آینده شهر الکترونیک، همه نیروها و منابع مجموعه را همسو و هم‌جهت ساخته، آرمان مشترکی را بین اعضای مجموعه فراهم می‌سازد. شهرهای الکترونیک در جهان، براساس موقعیت، امکانات، توانایی‌ها و دیدگاه‌های ملی و بین‌المللی خود، دارای چشم‌اندازهای متفاوتی می‌باشند. برای

نمونه چشم‌انداز شهرهای الکترونیک بریس‌بین<sup>۱۲</sup> در کشور استرالیا و دوربان<sup>۱۳</sup> در کشور آفریقای جنوبی به عنوان دو نمونه کاملاً متفاوت از نظر امکانات، توانایی‌ها، ترکیب جمعیتی، وضع اقتصادی و درجه‌ی رشد یافتگی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### بریس‌بین در استرالیا

بریس‌بین مرکز استان کوئزلند و سومین شهر بزرگ کشور استرالیا به شمار می‌رود که جمعیتی حدود یک میلیون نفر دارد و جزو ۲۵ شهر برتر دنیا از نظر کیفیت زندگی می‌باشد. براساس سند چشم‌انداز «زندگی در بریس‌بین ۲۰۱۰» که در سال ۲۰۰۰ از سوی شورای شهر این شهر منشر شده است، هشت چشم‌انداز استراتژیک شهر الکترونیک بریس‌بین عبارتند از: ۱. شهر سبز و تمیز<sup>۱۴</sup>؛ ۲. شهر در دسترس<sup>۱۵</sup>؛ ۳. شهر طراحی شده برای زندگی مناسب<sup>۱۶</sup>؛ ۴. شهر هوشمند و شکوفا<sup>۱۷</sup>؛ ۵. شهر خلاق<sup>۱۸</sup>؛ ۶. شهر جامع و فراگیر<sup>۱۹</sup>؛ ۷. شهر سالم و فعال<sup>۲۰</sup>؛ ۸. شهر نمونه منطقه‌ای و جهانی<sup>۲۱</sup> که برای هریک از راهبردهای استراتژیک، پروژه‌های کلیدی مهمی تعریف شده است.

### دوربان در آفریقای جنوبی

شهر دوربان در ساحل شرقی آفریقای جنوبی، در ایالت کوالازینتال واقع شده است. این شهر دارای جمعیتی حدود ۳ میلیون نفر می‌باشد که از نظر فرهنگی و اقتصادی متنوع می‌باشند. ۲۳ درصد از جمعیت این شهر در فقر مطلق زندگی می‌کنند (درآمد ماهیانه‌ی کمتر از ۳۰ دلار) و تنها ۳۸ درصد جوانان آن دارای تحصیلات دبیرستانی هستند. با تمام این شرایط این شهر دارای سند چشم‌اندازی بیست ساله برای مدیریت و تصمیم‌گیری

12. Brisbane
13. Durban
14. A clean and green city
15. An accessible city
16. A city designed for appropriate living
17. A smart and prosperous city
18. A creative city
19. An inclusive city
20. An active and healthy city
21. A regional and world city

در مورد شهر الکترونیک خود است. چشم انداز شهر الکترونیکی دوربان عبارتست از: ۱- رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال؛ ۲- برآوردن نیازهای اولیه؛ ۳- کاهش فقر؛ ۴- توسعه شهر و توسعه نیروی انسانی؛ و ۵- ساختن محیطی امن و ایمن (Odendaal, 2003: 596).

### رسالت یا مأموریت شهر الکترونیک

«رسالت» که از آن با عناوینی چون مأموریت، فلسفه وجودی، اهداف بنیادین و یا مقصود اصلی نیز یاد می‌شود، عبارت است از فلسفه وجودی و یا نقشی که یک مجموعه در قبال جامعه خود، بر عهده گرفته تا با ایفای آن و ارائه خدمات مورد نظر، نیازهایی از جامعه را برآورده سازد. به عبارت دیگر می‌توان گفت، مأموریت یک بیان کلی از نیت مجموعه می‌باشد که با استفاده از نقطه نظرات مدیران ارشد آن مجموعه، تعریف و تصریح شده و در قالب «بیانیه مأموریت» مجموعه، ارائه می‌گردد. بیانیه مأموریت را گاهی گزاره اعتقادات، بیان مقصود، بیان فلسفه، بیان باورها و بیان اصول مجموعه نیز می‌نامند؛ به همین ترتیب، بیانیه مأموریت شهر الکترونیک، نشان‌دهنده طیف فعالیت‌های آن بوده و مسیر آینده‌اش را مشخص می‌نماید. در بیانیه مأموریت یک شهر الکترونیک که به شیوه‌ای جامع و مناسب تهیه شود، فلسفه، مقصود، گروه‌های شهروندان مخاطب، فناوری‌های اصلی تبیین خواهند شد (دانایی فرد، ۱۳۸۳). بر اساس الگوهای مدیریت و برنامه‌ریزی استراتژیک، پیش از تدوین استراتژی‌ها، باید مأموریت مجموعه را به شیوه‌ای روشن تهیه کرد. مزایا و منافع تدوین رسالت را می‌توان به ترتیب ذیل برشمرد: ۱. روشن شدن فلسفه وجودی مجموعه، نقش‌ها و وظایف آن؛ ۲. ایجاد توافق در خصوص سمت‌وسوی حرکت مجموعه؛ ۳. ایجاد تمرکز بر بحث و بررسی مسایل اساسی و مهم؛ ۴. ایجاد وحدت رویه بین مدیران، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان؛ ۵. همسویی در تفکر و تصمیم‌گیری در مورد مسائل کلیدی (کارگری و زارع، ۱۳۸۴).

### اهداف شهر الکترونیک

«اهداف» را می‌توان به صورت نتیجه‌های مشخص و خاصی که مجموعه می‌کوشد تا در تأمین مأموریت خود به‌دست آورد، تعریف نمود. اهداف را به تعبیری به دو گروه بلندمدت و کوتاه‌مدت (سالانه) تقسیم می‌کنند. اهداف بلندمدت از این نظر برای مجموعه لازم و ضروری هستند که تعیین‌کننده مسیر حرکت آن می‌باشند. اهداف سالانه هدف‌هایی کوتاه‌مدت هستند که سازمان برای رسیدن به اهداف بلندمدت، باید به آن‌ها دست یابد (علی احمدی و ابراهیمی، ۱۳۸۳). تدوین اهداف شهر الکترونیک، به مجموعه متولیان برنامه‌ریزی و مجریان استقرار و توسعه آن کمک می‌کند تا از طریق دستیابی به مزایای ذیل، به شیوه‌ای اثربخش عمل نمایند:

۱. تعیین اولویت‌ها
۲. سازماندهی منابع
۳. تأمین هماهنگی و هم‌افزایی در امور
۴. ایجاد انگیزه در مجریان
۵. امکان انجام ارزیابی و کنترل فعالیت‌های مجموعه مسأله اساسی آن است که اهداف شهرهای الکترونیک، باید واقع‌گرایانه، چالشگر، قابل‌سنجش (به صورت کمی یا کیفی) و اولویت‌بندی شده بوده و با سایر اهداف مدیریت یکپارچه شهری، همسویی و سازگاری داشته باشند.

### چرخه عمر ارزیابی فناوری اطلاعات و ارتباطات در شهرداریها

در شکل زیر، چرخه بروزرسانی طرح جامع فناوری اطلاعات و ارتباطات و ارتباط آن با چشم انداز، اهداف کلان، استراتژیها، طرح و برنامه و طرح ارزیابی فناوری اطلاعات و ارتباطات آرایه گردیده است (ترکاشوند، ۱۳۸۲).



نمودار ۲. چرخه عمر فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداریها؛ ماخذ: نگارنده.

### آمادگی الکترونیکی

یک شهرداری با آمادگی الکترونیکی، دارای سرعت بالا در دسترسی به اطلاعات و رضایت کامل از کاربردهای فاوا در مناطق، معاونتها، سازمانها، و مراکز خدماتی وجود دارد. حفظ حریم خصوصی کاربر و امنیت اتصال وجود داشته باشد و سیاستهای شهرداری در جهت طرفداری از افزایش و توسعه دسترسی و استفاده از شبکه در سطح جامعه است. ارزیابی وضع موجود از نظر آمادگی الکترونیکی در شهرداری، مقدمهای برای برنامه‌ریزی و نیل به وضع مطلوب خواهد بود. اگر روند پیشرفت IT در شهرداری را در سه مرحله: شناسایی وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب

و برنامه‌ریزی گذار از وضع موجود به وضع مطلوب در نظر بگیریم، میتوان در مرحله‌نخست جایگاه شهرداری را از لحاظ آمادگی شناسایی کرد و به بررسی میزان ضعف و قوت در چهار محور آمادگی الکترونیکی پرداخت. برای این که میزان پیشرفت شهرداری در حوزه‌های آمادگی الکترونیکی را تعیین کنیم، باید از مدل واحد و استاندارد طی چند سال متوالی استفاده کرد. اقدامی که پس از ارزیابی انجام می‌شود دقیقاً وابسته به هدف آتی شهرداری است، (با در نظر گرفتن وضعیت فعلی شهرداری) ارزیابی آمادگی الکترونیکی چگونه دستیابی به اهداف آتی را معین می‌کند (برنامه فناوری اطلاعات و ارتباطات پروژه ICT MP کلان



نمودار ۳. مؤلفه‌های آمادگی الکترونیکی شهرداری؛ ماخذ:

World Bank, 2002

تمامی مولفه‌های شکل بالا با یکدیگر ارتباط داخلی داشته و لازم است با هم هماهنگ گردند. ملاحظه فقط یک بخش از مولفه‌های مذکور منجر به آمادگی الکترونیکی شهرداری نخواهد شد، مگر آنکه سایر مولفه‌ها نیز با آن هماهنگی لازم را داشته باشند.

محورهای اصلی آمادگی الکترونیکی عبارتند

از:

۱. «موارد اقتصادی»: مواردی از قبیل میزان رشد در رشد خالص ملی شد در سرمایه‌گذاری خارجی، رشد در درآمد سرانه افراد و غیره
۲. «موارد حقوقی»: این موارد شامل سیاست ملی ICT، قوانین حاکم بر فضای دیجیتال، سیاست کاربرد و آموزش IT در همه بخشهای کلیدی یک اقتصاد؛
۳. «موارد اجتماعی»: فاکتورهای اجتماعی نظیر سطح سواد و تحصیلات پایه، زیرساختار فرهنگی جامعه نظیر گرایش به پذیرش ICT، آگاهی از کاربرد ICT برای افزایش بهره‌وری و بازده کاری
۴. «موارد فنی»: زیرساختهای مخابراتی، شبکه‌های رایانه‌ای، اینترنت.

شهرها، شرکت داده‌پردازی، ۱۳۸۵). منظور از آمادگی الکترونیکی توانایی پذیرش، استفاده و به کارگیری فناوری اطلاعات و کاربردهای مرتبط با آن در جوامع می‌باشد. عوامل متعددی بر چگونگی استفاده از فناوری اطلاعات و سطح آمادگی الکترونیکی جوامع و سازمانها تاثیر گذار است که ضروری است به دقت برای سازمان شهرداری مورد مطالعه و شناسایی قرار گیرد (نژادجوادی پور، ۱۳۸۷).

### اهداف آمادگی الکترونیکی

از اهداف نیل به آمادگی الکترونیکی باتوجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی، فنی و حقوقی می‌توان به اهداف اقتصادی همچون حفظ توان رقابت دیجیتال، ایجاد زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، گسترش کاربردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در راستای توسعه توان اقتصادی و گسترش سرمایه‌گذاری خارجی و اهداف اجتماعی چون کاهش شکاف دیجیتالی، بهره‌مندی افراد و سازمانها از اطلاعات کیفی و ایجاد اعتماد در مشتریان اشاره کرد. برای ارزیابی آمادگی الکترونیکی مدل‌های متفاوتی از جمله CSPP، CID، APEC، MOSAIC، EIU و ITU وجود دارد که شاخص‌ها و روش‌های متفاوتی را برای سنجش آمادگی الکترونیکی ارائه داده‌اند. وجود مدل‌های ارزیابی آمادگی الکترونیکی موجب برنامه‌ریزی دقیق‌تر برای ورود هوشمندانه به عصر اطلاعات و فراهم کننده بستر نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی است، متأسفانه در کشور ما مدل یا شاخص معینی برای سنجش آمادگی الکترونیکی کشور وجود ندارد و تنها ملاک ارزیابی، گزارش سازمانها و نهادهای خارجی است، بنابراین لازم است تهیه گزارش آمادگی الکترونیکی کشور در حوزه‌های مختلفی همچون دولت الکترونیکی، تجارت الکترونیکی و آموزش الکترونیکی مورد توجه قرار گیرد تا با بررسی نقاط ضعف و قوت، راهکارهای افزایش آمادگی الکترونیکی که ضامن تحقق برنامه‌های توسعه دانش بنیان است، تدوین شود (مستاجران و دیگران، ۱۳۸۵).



نمودار ۴. محورهای اصلی آمادگی الکترونیکی؛ ماخذ: نگارنده.

### مولفه‌های آمادگی الکترونیکی

مولفه‌های متعددی وجود دارند که روی هم رفته منجر به آمادگی الکترونیکی یک کشور می‌گردند. در این میان چهار مولفه عمده در آمادگی الکترونیکی یک کشور نقش حیاتی دارند. توجه ویژه به این مولفه‌ها در هر برنامه آمادگی الکترونیکی ضروری است. این مولفه‌ها شامل شهروندان، بنگاه‌های اقتصادی، دولت‌ها و زیرساختار می‌گردند. همه این مولفه‌ها با یکدیگر ارتباط داخلی داشته و لازم است با هم هماهنگ شوند. ملاحظه تنها یک بخش از مولفه‌های مذکور منجر به آمادگی الکترونیکی نخواهد شد مگر اینکه سایر مولفه‌ها نیز با آن هماهنگی لازم را داشته باشند.

### فرایند توسعه آمادگی الکترونیکی شهرداری

این فرایند شامل چهار مرحله ذیل می‌باشد:

۱. تدوین برنامه تعیین اهداف کمی و کیفی توسعه ICT در سطح شهرداری (شامل شبکه‌ها، سخت‌افزارها، سیستمها، مهارت‌ها و غیره)
۲. گزینش مدل ارزیابی آمادگی الکترونیکی شهرداری با توجه به اهداف
۳. انجام ارزیابی آمادگی الکترونیکی
۴. بازنگری برنامه کلان (ICTMP) با توجه به نتایج آمادگی
۵. پیاده‌سازی ICTMP



نمودار ۵. فرایند توسعه آمادگی الکترونیکی؛ ماخذ: نگارنده.



## مدلهای ارزیابی آمادگی الکترونیکی

مدلهای مختلفی برای ارزیابی آمادگی الکترونیکی توسط شرکتهای مشاورهای و دانشگاهها عرضه و به کار گرفته شده است. در نگاه سطحی، هر کدام از این مدلها میزان آمادگی یک جامعه را در بهره برداری از فناوری اطلاعات و تجارت الکترونیک نشان میدهند. در نگاهی دقیقتر، این مدلها از تعاریف بسیار گسترده و متنوع و روشهای سنجش متفاوتی برخوردارند.

جدول ۱. مدلهای ارزیابی آمادگی الکترونیکی در سطوح مختلف؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

سطح	مدل های ارزیابی آمادگی الکترونیکی
زیر ساخت اطلاعاتی	ITU, EIU, McConnell, CSPP, APEC, CID NRI, CIDCM, USAID
قابلیت ارائه و موجودیت اینترنت	EIU, McConnell, CSPP, APEC, CID NRI, CIDCM
سرعت و کیفیت شبکه	ITU, EIU, McConnell, CSPP, APEC, CID NRI, USAID
نرم افزار و سخت افزار شبکه	NRI, EIU, McConnell, CSPP, APEC, CID
سرویس ها و پشتیبانی فناوری اطلاعات و ارتباطات	EIU, CID
مهارت ها و منابع انسانی (سواد اطلاعاتی)	ITU, EIU, McConnell, CSPP, APEC, CID NRI, ESAID,
افراد و سازمان های بر خط (کارمندان و بخش ها)	NRI, ITU, EIU, McConnell, CSPP, APEC, CID
محتوای مناسب محلی	EIU, APEC, CID
پشتیبانی مالی و سرمایه گذاری برای توسعه ICT	USAID, ITU, EIU, McConnell
فناوری اطلاعات و ارتباطات در محل کار	EIU, CSPP, APEC, CID
فرصت های شغلی فناوری اطلاعات و ارتباطات	EIU, CID
تجارت الکترونیک B2C (ارتباط با مصرف کننده)	EIU, CSPP, APEC, CID
تجارت الکترونیک B2B (ارتباط با سازمان های دیگر)	EIU, APEC, CID
دولت الکترونیک	NRI, USAID, McConnell, APEC, CID
محیط قانونی و مقرراتی (مثل قانون کپی رایت)	NRI, USAID, EIU, McConnell, APEC, CID
سیاست و مدیریت فناوری اطلاعات	CIDCM, EIU, CSPP, CID
منافع سرویس های الکترونیکی (هزینه و شارژ)	ITU, APEC
امنیت رمز نگاری (مثل زیر ساخت عمومی، انفا دیجیتال، حریم)	EIU, USAID, McConnell, CSPP, APEC
درجه نوآوری	CSPP, EIU
استاندارد های صنعتی (برای توسعه ICT)	EIU, APEC

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶  
No.49 Winter 2018

۱۱۰

جدول ۲. متدولوژی مورد استفاده برای ارزیابی آمادگی الکترونیکی؛ ماخذ: محمد فتحیان، ۱۳۸۶.

مدل	پرسشنامه	روش آماری	تجربیات موفق	تحلیل وقایع و سوابق گذشته
CSPP	✓	✓		
CID	✓	✓		
APEC	✓	✓		
WITSA	✓	✓		
McConnell		✓	✓	✓
Crenshaw & Robinson		✓		
CIDCM		✓	✓	✓
Mosaic	✓	✓	✓	✓
USAID		✓		✓

رشد شبکه گسترده جهانی، رشد جمعیت متصل به شبکه، کاهش هزینه ها و رشد انتظارات عمومی از دیگر عوامل ایجاد شهرهای الکترونیکی است (جهانگیری و علوی، ۱۳۸۵، ص ۴۳). ایجاد شهر الکترونیک موجب کاهش حرکت جمعیت در شهر واقعی می شود. در واقع دو فضائی شدن شهر در فضای واقعی و فضای مجازی، نوعی مدیریت کنترل حرکت جمعیت شهر محسوب می شود که تلاش می کند با عقلانی کردن روند حرکت جمعیت شهر، فضایی آرامتر، کم هزینه تر و برخوردار از امنیت شهری و امنیت روانی را برای شهروندان فراهم کند (عاملی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۵).

### شاخص های ارزیابی

شاخص های ارزیابی کمی مورد نیاز برای هر یک از حوزه های ارزیابی آمادگی الکترونیکی با استفاده از تکنیک های مقیاس سازی (استاندارد سازی داده) و اوزان مدل

تحقیق، شاخص آمادگی الکترونیکی حوزه تحقیق باروش میانگین موزون محاسبه می گردد. شاخص های به شکلی تعریف شده است که کل دستگاه شهرداری را تحت پوشش قرار داده و وضعیتی شفاف و روشن از فناوری اطلاعات و ارتباطات و زیرحوزه های آنها را مشخص نماید. در همین راستا شاخص های تعریف شده برای بخش ارزیابی آمادگی الکترونیکی سازمانی دستگاه شهرداری در سه حوزه اصلی «آمادگی سازمانی، آمادگی نرم افزارهای کاربردی و خدمات و آمادگی زیرساخت» دسته بندی شده است، در تعریف این شاخص ها نکته حائز اهمیت که در نظر گرفته شده است توجه به استانداردهای بین المللی در خصوص آمادگی الکترونیکی و کاربردی بودن آنها است در همین راستا تأثیرات سه مولفه دسترسی ها، فرصت ها و ظرفیت ها بطور مستقیم و غیر مستقیم نیز در نظر گرفته شده است.

جدول ۳. شاخص های ارزیابی آمادگی الکترونیکی در حوزه های مختلف؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

مناظر ارزیابی	حوزه های ارزیابی
زیر ساخت فنی	شبکه محلی
	شبکه اینترنت (فیبر نوری، بی سیم و DSL)
	سرویسهای ارزش افزوده شبکه (ویدئو کنفرانس، FTP و ...)
	سخت افزار
	مرکز داده و تماس شهرداری
	امنیت
	GIS
سیستمها و خدمات الکترونیکی	مکانیزه کردن امور شهرداری
	مکانمندی سیستمهای موجود
	وب سایت و پورتال
	الکترونیکی نمودن خدمات شهرداری
	یکپارچگی سیستمهای موجود
آمادگی سازمانی شهرداری	آمادگی کاربران IT
	آمادگی نیروی متخصص IT
	مدیریت، برنامه ریزی و تشکیلات فاوا
	همسو بودن راهبردهای کسب و کار و فاوا
	آمادگی مالی (بودجه عمرانی و جاری IT)
	آمادگی حقوقی

### انتخاب مدل ارزیابی عملکرد فاوا شهرداری

گرایش دولت‌ها به استقرار شهر و دولت الکترونیک از اواخر قرن بیستم رو به افزایش بوده است. این گرایش جهانی را می‌توان از چند جنبه مورد توجه قرار داد. تغییر انتظارات شهروندان از دولت، فراهم آوردن خدمات با روش‌هایی بهتر، ایجاد یک نقطه ورود واحد برای دسترسی به خدمات و اطلاعات، بحران اعتماد به دولت، نیاز به تداوم اصلاحات در بخش عمومی، صرفه‌جویی در هزینه‌ها، نسل جوان دیجیتال و کاربرد تجارت

الکترونیک در بخش خصوصی، از جمله عوامل گرایش دولت‌ها به سوی شکل‌گیری شهرها و دولت‌های الکترونیکی هستند (Moon, ۲۰۰۲: ۴۲۴-۴۲۵). یک مدل ارزیابی عملکرد فاوا شامل مجموعه‌ای از مناظر و شاخصهای مناسب در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات و مقادیر مطلوب آنها در انتهای یک بازه زمانی مشخص همراه با سنجش نظام مند و مستمر آنها با استفاده از ابزارهای مورد نیاز در جهت بهبود و اصلاح وضعیت فعلی می‌باشد.

جدول ۴. مدل‌های ارزیابی عملکرد فاوا؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

مدل BSC	مدل IT BSC	مدل COBIT
منظر مالی	رضایت مشتری (میزان رضایت شهروندان، کسبه، تعداد شکایات، و غیره)	دستاوردهای IT (محتوی) (اثر بخشی، کارایی، مقبولیت، قابلیت اطمینان، امنیت و...)
منظر رضایت مشتری	سهم در کسب و کار (برنامه ریزی برای کسب و کار الکترونیکی، سوددهی پرتال و وب سایتها، بازگشت سرمایه و...)	فرآیندهای IT (سازماندهی و برنامه ریزی، تامین و پیاده سازی، ارائه و پشتیبانی، کنترل و بازرگری)
منظر فرآیندهای داخلی	تعالی عملیاتی (افزایش سرعت پاسخگویی به شهروندان، امنیت اطلاعات، رعایت استاندارد و...)	منابع IT (نیروی انسانی، تکنولوژی، داده و غیره)
منظر رشد و یادگیری	آینده گرایی (فرهنگسازی، آموزش، نگهداری و رضایت متخصصین، استقلال از مشاوران، توسعه سیستمها و غیره)	

### نتیجه گیری و جمع‌بندی

شهرهای امروزی، تجلی‌گاه چهره نوین زندگی در عصر ارتباطات بوده و نقاط تمرکز خدمات گوناگون، تعاملات فرهنگی- اجتماعی و تراکنش‌های اقتصادی به شمار می‌روند؛ چنان که رشد و توسعه همه‌جانبه و پایدار شهرها، نیازمند به‌کارگیری فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی است. با توسعه روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و به‌کارگیری گسترده آن در جوامع شهری و زندگی روزمره شهروندان، خدمات شهری نیز به لحاظ مفهوم، ابعاد، اهمیت راهبردی و تمرکز جغرافیایی دستخوش تحولات

شگرفی گشته است. با توجه به اینکه حدود ۲ دهه است که اهمیت و ضرورت انجام آمادگی الکترونیکی کشورها و سازمانها مشخص گردیده است اما تاکنون در ایران هیچ‌گونه ارزیابی دقیق و مشخصی از آمادگی الکترونیکی برای شهرداری‌ها اجرا نشده است. البته باید توجه داشت که بهترین مدل وجود ندارد و مدلها باتوجه به اهداف و شرایط ساختاری، فرهنگی و محیطی به صورت اقتضایی عمل می‌کند و قابل تغییر هستند، همچنین برای دستیابی به هدف آمادگی الکترونیکی بایستی ارزیابی طی سال‌های متوالی تکرار گردد تا از طریق تحلیل نتایج ارزیابی میزان

پیشرفت و نقاط قوت و ضعف شهرداری بهتر شناسایی و بتوان به سرعت برای آنها راهکارهای عملی اتخاذ کرد. به هر حال اجرای موفق یک برنامه ارزیابی عملکرد فناوری اطلاعات نیازمند مشارکت همه ذینفعان شهرداری، مدیریت و رهبری صحیح و اطلاع رسانی مناسب میباشد

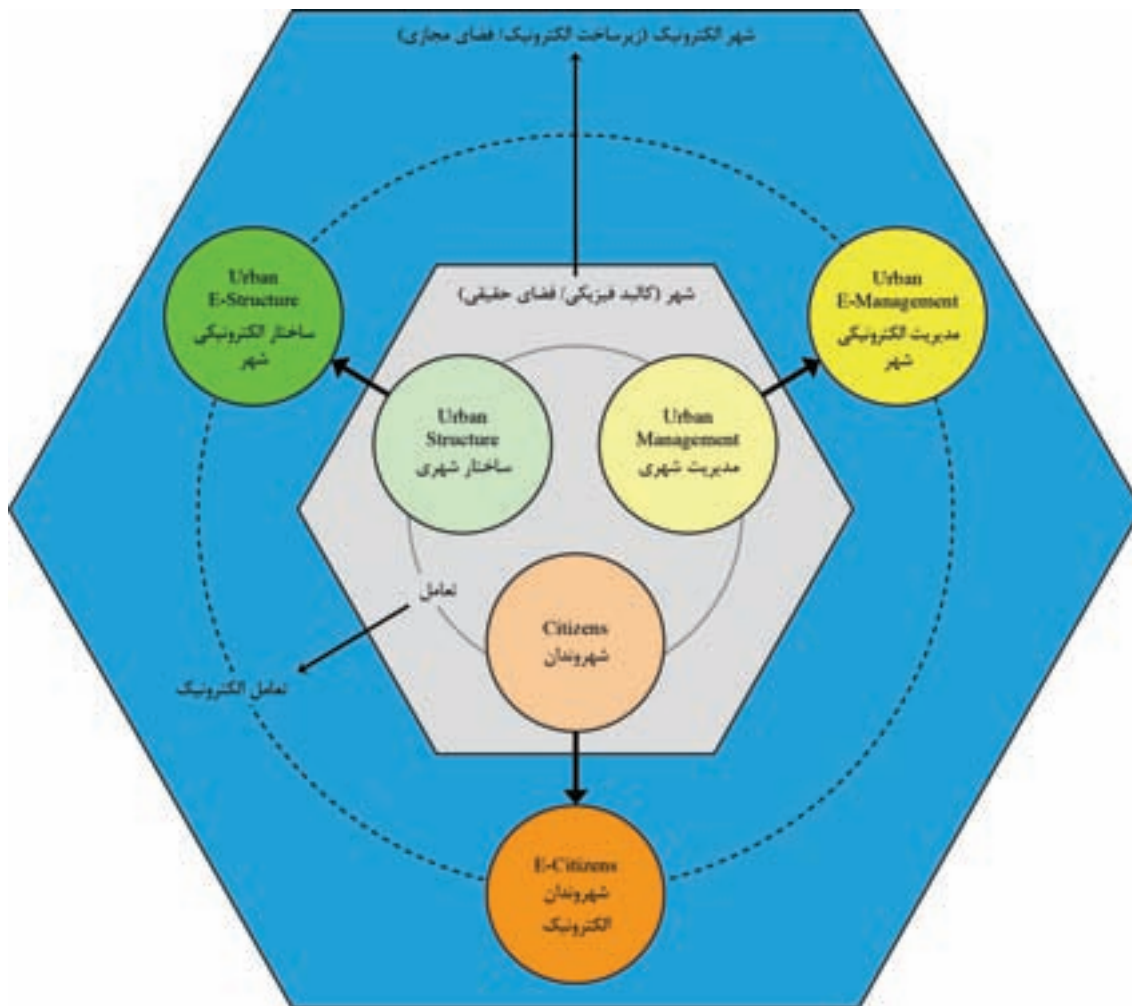
و نتایج چنین برنامه ها یی است که اقدامات اصلاحی در حوزه فناوری اطلاعات شهرداری را رقم خواهد زد. در جدول زیر بعضی از شاخصهای ارزیابی عملکرد (اثر بخشی) فاوا در شهرداری ارایه شده است.

جدول ۵. شاخصهای ارزیابی عملکرد فاوا در شهرداری؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

منظر ارزیابی	شاخصهای ارزیابی اثر بخشی فاوا در شهرداری
رضایت مشتریان شهرداری	<ul style="list-style-type: none"> <li>• میزان افزایش سرعت پاسخگویی به درخواستهای شهروندان و کسبه</li> <li>• میزان حذف تاثیرات فاصله جغرافیائی در شهر (ترافیک، آلودگی هوا و غیره)</li> <li>• میزان ارتقاء امنیت اطلاعات شهروندان</li> <li>• میزان حذف واسطه گری و ایجاد شفافیت در امور شهرداری</li> <li>• میزان بهبود در اطلاع رسانی دقیق و به موقع به شهروندان، کسبه و ارگانهای دولتی و خصوصی</li> </ul>
مالی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در کاهش هزینه های شهرداری</li> <li>• درصد سودآوری و بهره وری سرمایه گذاری IT در شهرداری</li> </ul>
تعالی عملیاتی (فرایندهای داخلی)	<ul style="list-style-type: none"> <li>• نقش IT در بهبود و شفاف سازی فرایندهای شهرداری در حوزه های شهرسازی، عمرانی، ترافیک، خدمات شهری، فرهنگی، مالی/اداری، برنامه ریزی و...</li> <li>• نرخ مشتریان اینترنتی شهرداری به سایر مشتریان</li> <li>• تعداد مشتریان جدید از طریق وب سایت یا پورتال</li> <li>• درصد امور مکانیزه شده شهرداری به کل امور شهرداری</li> <li>• میانگین زمان در دسترس بودن سیستمها و خدمات</li> </ul>
آینده گرایی (رشد و یادگیری)	<ul style="list-style-type: none"> <li>• نقش IT در ارتقاء دانش آشکار و پنهان شهرداری</li> <li>• نقش IT در مدیریت دانش و مستندات در شهرداری</li> <li>• نقش IT در کاهش نیروهای غیر متخصص در شهرداری</li> </ul>

جغرافیائی، یکپارچه سازی، مدیریت دانش آشکار و پنهان شهرداری، مقیاس پذیری، کاهش نیروی انسانی غیر متخصص، قابلیت اطمینان، امنیت اطلاعات، سهولت کاربرد، انعطاف پذیری، دسترس پذیری، سودآوری و بسیاری جنبه های دیگر.

در مجموع نتایج ارزیابی فناوری اطلاعات در کشورهای مختلف دنیا آثار مشهودی را به جا گذاشته که برخی از آنها عبارتند از: شفاف سازی فرآیندهای کاری، اتوماسیون اداری، حذف واسطه گری، اطلاع رسانی دقیق و به موقع، جلوگیری از موازی کاری، حذف تاثیرات فاصله



نمودار ۶. مدل سه‌بعدی رشد ارکان شهری در جهت استقرار و توسعه شهرهای الکترونیک



## منابع و مآخذ

۱. برنامه فناوری اطلاعات و ارتباطات پروژه ICT MP کلان شهرها، شرکت داده پردازی، کلان شهرها، ۱۳۸۵
۲. برنامه فناوری اطلاعات و ارتباطات پروژه ICT MP کلان شهرها، شرکت داده پردازی، کلان شهرها، ۱۳۸۵
۳. بهمند، یاشار (۱۳۸۶) «ایران شهرهای الکترونیکی»، وبسایت دنیای مجازی (ictworld.blogspot.com) (منبع اصلی: حیات نو)، ۱۳۸۶.
۴. ترکشوند، علی رضا (۱۳۸۲) «طراحی مدل مفومی برنامه ریزی استراتژیک IT در سازمان‌ها»، فصلنامه مدیریت فردا، ویژه‌نامه IT، ۱۳۸۲.
۵. جلالی، علی اکبر (۱۳۸۳) شهر الکترونیک، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
۶. جلالی، علی اکبر (۱۳۸۶) شهر الکترونیک، تکفا، ۲: ۶۴-۷۲.
۷. جهانگیری، علی؛ علوی، نازنین (۱۳۸۵) بستر سازی برای استقرار دولت الکترونیک، مجله مدیریت و توسعه، ۶۵ و ۶۶، ۴۲-۵۳.
۸. دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی؛ آذر، عادل (۱۳۸۳) «روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع»، تهران، انتشارات صفار (اشراقی).
۹. دیوید، فرد آر (۱۳۸۶) «مدیریت استراتژیک»، ترجمه: پارسائیان، علی؛ اعرابی، سیدمحمد؛ چاپ دهم، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران؛ «مبانی برنامه‌ریزی استراتژیک شهرداری تهران»، تهران.
۱۱. سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران؛ «متدولوژی طرح جامع ICT شهرداری تهران»، تهران.
۱۲. سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران؛ «مراحل تهیه برنامه‌ریزی استراتژیک سازمان ICT شهرداری تهران»، تهران.
۱۳. سرفرازی مهرزاد، معمارزاده غلامرضا
۱۴. (۱۳۸۹) آمادگی الکترونیک شاخصی نو در استقرار اثربخش شهر الکترونیکی و شهرداری الکترونیک، پنجمین کنفرانس مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات.
۱۴. عاملی، سعید رضا (۱۳۸۴) دوفضایی شدن شهر: شهر مجازی ضرورت بنیادین برای کلان شهرهای ایران. فصلنامه انجمن فرهنگ و ارتباطات، ۳ و ۲.
۱۵. علی‌احمدی، علی‌رضا؛ ابراهیمی، مهدی؛ سلیمانی ملک‌ان، حجت (۱۳۸۳) برنامه‌ریزی استراتژیک فناوری اطلاعات و ارتباطات، تهران، انتشارات تولید دانش.
۱۶. فتحیان، محمد، مهدوی نور، سید حاتم (۱۳۸۵) مبانی و مدیریت فناوری اطلاعات، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران
۱۷. کارگری، مهرداد؛ خادمی زارع، حسن (۱۳۸۴) «طرح جامع فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران»، تهران، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۱۸. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۲) عصر اطلاعات. مترجم: احد علیقلیان. تهران: انتشارات طرح نو.
۱۹. مستاجران مهری، بدری زاده هدی، نصر مسعود، (۱۳۸۵) ارزیابی آمادگی الکترونیکی مناطق ۱۴ گانه شهرداری اصفهان در راستای تحقق شهرداری الکترونیکی، پنجمین کنفرانس مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات.
۲۰. مستاجران مهری، بدری زاده هدا (۱۳۸۷) ارزیابی آمادگی الکترونیکی شهرداری اصفهان، پایان نامه کارشناسی، سازمان فاوا شهرداری دانشگاه شیخ بهایی، اصفهان.
۲۱. نژادجوادی‌پور، مهران (۱۳۸۶) «تدوین راهبردهای استقرار و توسعه خدمات الکترونیک شهری در شهرداری تهران، منطقه ۱۳»، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر اصغر صراف‌زاده، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۸۶.
۲۲. نژادجوادی‌پور، مهران (۱۳۸۷) «خدمات‌رسانی الکترونیک در نهادهای مدیریت شهری؛ ضرورت‌ها، زمینه‌ها و چالش‌ها»، اولین

- Quarterly, 18: 122136-
36. Lee, J. K., 2000, "The e-citizen," Social Education , 46378 : 6/
37. Moon, M. ,2002, "The evolution of E-government among municipalities: Rhetoric or reality?" , Public Administration Review, 62434-424 :4/.
38. Singh, A. K. & Sahu, R., 2007, "Integrating internet, telephones, and call centers for delivering better quality e-governance to all citizens," Government Information Quarterly
39. United States Department of Commerce. 1999. "first Annual Report. United States Working group on electronic commerce," U.S. Commerce Department, Washington D.C.
40. World bank, E-Readiness as a tool for ICT development
- کنفرانس نظام اداری الکترونیک، تهران، تیر ۱۳۸۷.
۲۳. نژادجوادی پور، مهران (۱۳۸۷) «شناسایی و ارزیابی عوامل استراتژیک توسعه خدمات الکترونیک شهری»، پنجمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICTM ۲۰۰۹)، تهران، بهمن ۱۳۸۷.
۲۴. نژادجوادی پور، مهران (۱۳۸۷) «نوآوری و توسعه در ارائه خدمات به شهروندان با بهره‌گیری از خدمات الکترونیک شهری»، پنجمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت سرآمدی و کیفیت و نخستین همایش ملی مدیریت نوآوری، تهران، مرداد ۱۳۸۷.
۲۵. هاشمیان، محسن (۱۳۸۲) مفاهیم دولت الکترونیک. تکفا، ۸۷، ۳۱-۲۳
26. M P Gupta, Shivraj Kanungo, A Study of Information Technology Effectiveness in Select Government Organizations in India, Vikalpa: The Journal for Decision Makers, Volume 32
27. E-Readiness Guide How to Develop and Implement a National
28. Ansoff, H.I., The New Corporate Strategy, New York, Wiley, 1988.
29. Chen, H., 2002, "Digital Government: technologies and practices," Decision Support System, 34227-223 :3/.
30. Ebbbers, W. E. , 2007, "Electronic government: Rethinking channel management strategies," Government Information Quarterly
31. eCity, 2002, Building an Information and Technology Vision for Toronto
32. E-READINES Assessment tools comparison ,update 2005,available at:www.bridge.org
33. Goldkuhl, Göran, What does it mean to serve the Citizen in E-Services?, International Journal of Public Information Systems (IJPIS), Vol. 3, No. 3, pages 135-2007 ,159.
34. King, S., 2007, "Citizen as customers: Exploring the future of CRM in UK local government," Government Information Quarterly ,24: 4763-.
35. Layne, K., Lee, J. , 2001, "Developing fully functional E-government: A four stage model " , Government Information

بررسی نقش برنامه‌ریزی ارتباطی به مثابه رهیافتی نوین در ارتقاء کیفیت و توسعه شهری در ایران؛ نمونه موردی: محله سهرابیه کرج

**محمد نوری کاردر\*** - کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه قزوین، قزوین، ایران  
**صفات الله زاهدی** - کارشناس ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد انزلی، گلستان، ایران.  
**مازیار ناظمی** - کارشناس ارشد مدیریت تکنولوژی، دانشگاه آزاد واحد جنوب، تهران، ایران.

## Analysing & checking the role Of Communicative planning in the upgrade of urban development az novel approach in Iran. Case sample: Sohrabiye neighbourhood in Karaj

### Abstract

Urban planning began in Iran in the mid-۱۰۰۰s. But from the same time, in a way that was more advanced in the world, the inefficiency of those practices was proven, and new ways were replaced. The first program for cities was developed with a simple, comprehensive approach called the «Comprehensive plan» in ۱۳۴۰. It coincided with the time when this approach in Europe was replaced by new approaches such as comprehensive rational and cyclic systems. After about twenty years, Iranian experts acknowledged the inefficiencies of using those practices, and an attempt was made to overcome the defects of those programs or to replace them with newer methods. Understanding this has led to an attempt to improve the urban planning system in Iran. It was based on the fact that there were attempts to apply programs with various titles in Iran. On the other hand, the system of localities in Iran has undergone fundamental changes over the past ۱۰۰ years. The traditional system of weak neighborhoods and the replacement of the new system are also ineffective. Among these, new approaches such as communication planning can be used to improve the quality of the current situation in neighborhoods. This kind of planning, incidentally, with the use of social, psychological and political theories, set foot on the ground and directly concerned the existence of conflict and contradiction among all the subsumed of space. This theory and its approaches seek to spread the power by studying how to distribute power in favor of disadvantaged groups of society. The research method is qualitative and descriptive-analytic. The purpose of this study is to examine the capacity and benefits of using communication planning approach in neighborhood scale programs. The main result of this research is paying attention to the role of urban planners in improving the quality of urban development. Communicative planning as a new approach to the participation of all stakeholders and stakeholders in the city is a major contributor to the creation of community participation. This is not necessarily a top-notch issue under the authority of state institutions and laws, but also as much as the needs of the community and, in the meantime, the city and the urban environment that can be urgently needed. To do such planning, it is necessary to know the needs of the local community, to redefine the problem and the problem for them, so that the need for cooperation and participation can be established. In this way, planning should focus its attention and energy more on the community and take action with the use of process and content strategies. Urban planners and specialists should not be seen as partnerships as an auxiliary tool, but as a goal.

**Key word:** Communication activities, communication planning, role of urban planners, participation

### چکیده

برنامه ریزی شهری در اواسط دهه چهل هجری شمسی در ایران پیاده گشت، اما از همان زمان به شیوه و قالبی بود که در جهان پیشرفته‌تر، ناکارآمدی آن شیوه‌ها اثبات شده بود و شیوه‌های نوینی جایگزین شده بودند. نخستین برنامه برای شهرها با رویکرد ساده - جامع تحت عنوان «طرح جامع شهر» در سال ۱۳۴۰ تهیه شد. مصادف با هنگامی که این رویکرد در اروپا جای خود را به رویکردهای نوینی چون عقلانی جامع و سیستمی چرخه‌ای می‌داد. پس از حدود بیست سال، متخصصان ایرانی به ناکارآمدی بکارگیری آن شیوه‌ها اذعان نمودند و یک تلاش بطئی برای رفع نقایص آن برنامه‌ها و یا جایگزین کردن آن با شیوه‌های جدیدتر پیش گرفته شد. درک این موضوع سبب شد تا تلاشی جهت ارتقاء نظام برنامه‌ریزی شهری در ایران پدید بیاید. بر این اساس بود که سعی شد برنامه‌هایی، با عناوین متنوع، در ایران بکار بسته شوند. از سویی دیگر نظام محلات در ایران در ۱۰۰ سال اخیر دچار تغییرات اساسی شده است. به گونه‌ای که نظام سنتی محلات تضعیف و نظام جدید جایگزین نیز ناکارآمد است. در این میان می‌توان از رهیافت‌های نوینی نظیر برنامه ریزی ارتباطی در جهت ارتقاء کیفیت و وضعیت کنونی محلات کمک گرفت. این نوع برنامه‌ریزی اتفاقاً با بهره‌مندی از نظریه‌های اجتماعی، روانشناسانه و سیاسی، پا در زمین واقعیت گذاشت و به طور مستقیم وجود تعارض و تضاد میان کلیه ذی‌مدخلان فضا را مورد مذاقه قرار داد. این نظریه و رهیافت‌هایش با مطالعه چگونگی پخشایش قدرت تلاش می‌نماید تا به نفع گروه‌های محروم جامعه تعادلی در توزیع قدرت به وجود آورد. روش تحقیق این پژوهش کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی است. هدف پژوهش حاضر بررسی ظرفیت و فواید بکارگیری رهیافت برنامه‌ریزی ارتباطی در برنامه‌های مقیاس محله‌ای می‌باشد. نتیجه مهم این پژوهش پرداختن به جایگاه برنامه‌ریزان شهری در ارتقاء کیفیت توسعه شهری است. برنامه‌ریزی ارتباطی به عنوان رهیافتی نوین جهت مشارکت کلیه ذی‌نفعان و ذی‌نفعان در شهر سهم زیادی از ایجاد مشارکت در جامعه را عهده دار می‌باشد. این امر نه لزوماً یک امر از بالا و تحت اختیار نهادهای دولتی و قوانین است، بلکه به همان میزان احتیاج به خواست و نیاز جامعه دارد و در این بین این شهر و فضای شهری است که می‌تواند مشعر این خواست و نیاز باشد. برای انجام یک چنین برنامه‌ریزی لازم است تا نیازهای اجتماع محلی شناخته شود، مسأله و مشکل برای آنان بازتعریف شود تا بتواند لزوم همکاری و مشارکت آنان محرز شود. در این راه، برنامه‌ریزی باید توجه و انرژی خود را بیشتر معطوف جامعه‌ی مخاطب نماید و با بهره‌گیری از راهبردهای فرآیندی و محتوایی دست به اقدام عملی بزند. برنامه‌ریزان و متخصصان امر شهری هستند که نباید به مشارکت به عنوان یک ابزار کمکی، بلکه به عنوان یک هدف نگاه نمایند.

**واژگان کلیدی:** کنش ارتباطی، برنامه‌ریزی ارتباطی، نقش برنامه‌ریزان شهری، مشارکت.

## مقدمه

به راه انداخته‌اند. این نظریه‌پردازان اظهار داشتند که ساختار سلسله مراتبی لیبرال دموکراسی بخش اعظم مردم را از فرایندهای سیاسی (به ویژه رأی دادن در انتخابات محلی) بیرون گذاشته است و به پیدایش سیاست‌هایی منتهی گشته که فقط به نفع اقلیت نخبگان است. گرایش عمده‌ی کار برنامه‌ریزی آن بود که بتواند به نوعی نقش میانجی را بین مشارکت کنندگان در فرایند تصمیم‌گیری ایفا کند که متضمن گفتگو توضیح دادن و گوش سپردن به قصه‌ها و انتخاب‌های کثیر گوناگون است؛ بدین ترتیب برنامه‌ریزی ارتباطی به مهم‌ترین نظریه‌ی برنامه‌ریزی از دهه‌ی هشتاد به بعد بدل گشت. محلات شهری به عنوان کوچکترین مقیاس در سطح شهر می‌توانند با این رویکرد مورد مداخله قرار گیرند.

## روش تحقیق

هسته زیربنایی هر تحقیقی روش آن است. هر تحقیق را بر اساس هدفی که دنبال می‌کند می‌توان به سه دسته «بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای» تقسیم کرد. همچنین در علوم مختلف از روش‌های متفاوت برای مطالعه و بررسی استفاده می‌شود تا شناخت موضوع تحت بررسی را ممکن گرداند؛ تقسیم‌بندی این روش‌ها گوناگون بوده و شامل روش تاریخی<sup>۱</sup>، روش توصیفی<sup>۲</sup>، روش تجربی حقیقی<sup>۳</sup>، روش همبستگی و همخوانی<sup>۴</sup>، روش علمی یا پس از وقوع<sup>۵</sup> و روش موردی و زمینه‌ای<sup>۶</sup> می‌باشد. در تحقیق حاضر در بخش نظری با استفاده از روش‌های اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و منابع اینترنتی، تجربه‌های جهانی پرداخته و در بخش کاربردی نیز به منظور شناسایی مشکلات، بیانیه مشکلات و روابط میان کنشگران از روش‌های میدانی شامل مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه و... استفاده شده است. در پژوهش حاضر، محله سهرابیه کرج به عنوان محدوده‌ی مطالعاتی است. این محله یک محله مسکونی است و با دربرگرفتن

نخستین سیاست‌های عمومی در عرصه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای مرتبط با اصلاحات شهرداری بود در بخش پایانی قرن نوزدهم مناطق شهری در اروپای غربی با مسایل مربوط به رشد بسیار سریع روبه‌رو بودند. راه‌حل این مشکلات در مداخله فیزیکی در محیط زیست جستجو می‌شد. چنین بود که ناظران و معماران و مهندسان، رشته برنامه‌ریزی را پی‌ریختند و بر دانش فنی و نگاه کلان تأکید کردند. براساس همین منطق بود که چنین تصور شد که ماشین پیچیده جامعه را نیز می‌توان در سنت دانش علمی و عقلانیت روشنگری داشت. سیاست برنامه‌ریزی اساساً پروژه‌ای مدرنیستی بود که عقل و عقلانیت فنی را بر امور شهری در مسیر سرمایه‌داری اعمال می‌کرد. برنامه‌ریزان طرح‌هایی سراسری را ارائه می‌کردند و به اجرا درمی‌آوردند که کاربری اراضی را در مسیر هدف‌های کارکردی جرح و تعدیل می‌کرد. از دهه ۱۹۷۰ میلادی انتقاد نسبت به برنامه‌ریزی و نظریه‌های پایه آن به ویژه در انگلستان شدت گرفت. در دو دهه‌ی هفتاد و هشتاد میلادی، «مرزهای یقین» دچار انحلال شدند. مفاهیم شهروندی فعال و مشارکت عمومی از نو متولد گشته و تعبیر تازای از دموکراسی پیدا شده است که مفهوم دموکراسی فراگیر را جانشین دموکراسی نمایندگی می‌کند. در عرصه سیاست‌گذاری عمومی چه در فرایند تصمیم‌گیری و چه در زمینه نتایج این تصمیم‌ها، سرخوردگی روزافزونی به چشم می‌خورد. برنامه‌ریزان آماج اعتراض‌هایی قرار گرفته‌اند. بنابراین عرصه‌ی نظریه‌ی برنامه‌ریزی در یک بن بست از رویکردهای عقلانی - جامع پیشین برنامه‌ریزی، متوقف شده بود. رویکردهای گذشته، برآمده از تفکر اثبات باوری، واجد ویژگی‌هایی چون فرم باوری، کارکردباوری، نخبه باوری و تحمیل فرآیند از بالا به پایین بودند. این امر موجب پیگیری اندیشمندان امر برنامه‌ریزی شهری برای نظریه‌ها و رهیافت‌های نوین شد. گرایش به اخذ مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی به همراه انتقادات شدید از نظام سیاسی - اقتصادی لیبرالیستی و نئوکلاسیک سبب شد تا توجه برنامه‌ریزان به برنامه‌ریزی گفتمانی جلب شود. نظریه‌پردازان سیاسی حمله‌ای مستقیم و همه‌جانبه را بر ضد دریافت‌های رایج نظریه لیبرال دموکراسی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶  
No.49 Winter 2018

۱۱۸

1. Historical Research Method
2. Descriptive Research Method
3. True Experimental Research Method
4. Correlational or Associational Research Method
5. Causal or Expost Facto Research Method
6. Case and Field study Research Method

سکونتگاه غیررسمی حاشیه رودخانه، مشکلات حقوق مالکیت زمین و از این قبیل مشکلات، با چالشهای فراوانی در رشد، توسعه دست به گریبان بوده است.

### پیشینه تحقیق

با توجه به گرایش برنامه ریزی به مشارکت و دموکراسی که از دهه ۷۰ میلادی در اروپا بروزی ویژه داشت، این نظریه عمل ارتباطی هابرماس، متفکر آلمانی و از سرشناسان مکتب انتقادی فرانکفورت، بود که مورد توجه اندیشمندان عرصه برنامه ریزی قرار گرفت تا بتواند نقش نظریه زیرکار برنامه ریزی را ایفا کند. در دهه ی ۱۹۸۰ میلادی، جان فورستر پیشنهاد نمود که نظریه ی انتقادی نقش مهمی در پراکسیس<sup>۷</sup> برنامه ریزی شهری و منطقه ای و سایت گذاری عمومی دارد؛ زیرا مسیر جدیدی را برای عمل تشخیص<sup>۸</sup> (کاری که برنامه ریز انجام می دهد) به جای مسیر سختی که تنها وسیله رسیدن به یک انتها (عمل ابزاری) بود، پیشنهاد می دهد: مسیر عمل ارتباطی که به شکل دهی افکار خواهد پرداخت. در واقع چنین پژوهش هایی در اواسط دهه ۱۹۸۰ با نظرات عمل باورانه انتقادی جان فورستر، ساخت اجتماعی شاخص های جوذبث اینز<sup>۹</sup> و در تحقیقات پاتسی هیلی بر تمرین های اجرای سیاست با شکل جدید ارتباطی یا مشارکت در نظریه ی برنامه ریزی، آغاز شد. مباحث فلسفی و فکری دیگری چون عمل باوری آمریکایی که «جان دیویی»<sup>۱۰</sup> و «ریچارد رورتی»<sup>۱۱</sup> عرضه داشته بودند و یا چشم انداز قدرتی که «میشل فوکو»<sup>۱۲</sup> ترسیم می نمود و همچنین مباحث فکری «پسااثبات باوری»<sup>۱۳</sup> از جمله مواردی بوده اند که در ارتقا برنامه ریزی ارتباطی نقش داشته اند. افرادی چون جان فورستر، پاتسی هیلی، جین هیلیر و جان فریدمن که از برنامه ریزان به نام معاصر به شمار می آیند، در جهت بسط نظریات مطرح شده در عرصه ی فلسفی و اجتماعی به دانش برنامه ریزی، بسیار کوشیده اند. آنچه که همگی به

عنوان اصل پذیرفته اند این است که: شناخت و کنش در عرصه ی برنامه ریزی و طراحی، باید به شیوه ی عقلانیت ارتباطی و تلاش بین الاذهانی در مفاهیم ی متقابل میان اعضاء اجتماع صورت پذیرد و از اصول منطق و شناخت تجربی که به شکل علمی سازماندهی شده اند، پشتیبانی می نماید. تأکید این نوع از برنامه ریزی بیشتر بر فرآیند است تا محتوا. به عبارتی این نوع برنامه ریزی که طی یک فرآیند ارتباطی صحیح و به دور از سلطه، به نتیجه و محتوای قابل قبول هم می انجامد.

### تبیین جایگاه برنامه ریزی ارتباطی در توسعه شهری گسترش مشارکت و چرخش ارتباطی در برنامه ریزی

میراث قرن نوزدهم ما ترک دوجویی از خرد و دموکراسی بود. خرد به معنای اتکاء بر ظرفیت ذهن در درک فرایندهای نظامند طبیعت و جامعه، و ارائه آن به شکلی ملموس بود. دموکراسی به معنای اتکاء بر توانایی افراد آدمی در خودگردانی است. میراث مذکور در مجموع بر ظرفیت تعقل نزد همه دلالت دارد (فریدمن، ۱۳۸۷، ص ۲۵). در دو دهه ی هفتاد و هشتاد میلادی، «مرزهای یقین» دچار انحلال شدند. فوردریسم جای خود را به ساختارهای منعطف تازه ای در کار و سرمایه داد. دولت- ملت ها تحول یافته و تجدید ساختار شدند و جهانی شدن سرمایه، سرعت روزافزونی گرفت. نویسندگان فرانسوی و آلمانی به لحاظ فلسفی سلطه ارزش های مدرنیستی علم و عقل را مورد چالش قرار دادند (هیلیر، ۱۳۸۸، ص ۱۴).

یورگن هابرماس نشان داده است که چگونه راهبرد تکنوکراتیک (فن سالارانه) در تصمیم گیری به تصمیماتی مشروعیت علمی داده است که غالباً در مشاوره های باز و عمومی منجر به اجماع نمی شوند. مخالفت او با چنین رویه ای معطوف به احیای حوزه عمومی به شیوه ای است که حاوی گفتگوهای ارتباطی باشد و زمینه را برای نوعی عقیده سازی که به تصمیم گیری های اجماعی منجر گردد فراهم کند. شیوه ای بسیار پیشرفته تر از شیوه های دموکراسی و مشارکتی موجود (رجوع شود به هیلی، ۱۳۸۸، ص ۱۵ و ویک لاند، ۲۰۰۵).

از اواسط دهه ۱۹۸۰ مورد توجه قرار گرفتن نظریه

7. Praxis
8. Understanding action
9. Judith Innes
10. John Dewey(1859--1952)
11. Richard Rorty(1931-- 2007)
12. Foucault
13. Post-Positivism



هابرماس و تلاش برنامه ریزی برای یافتن افق‌های وسیع‌تر در نظر و عمل، سبب گشت تا این نظریه با عنوان برنامه ریزی ارتباطی و همچنین موارد مشابهی چون برنامه‌ریزی همکارانه<sup>۱۴</sup> و یا برنامه‌ریزی مباحثه‌ای<sup>۱۵</sup> مطرح شود (شفیعی و خیابانی، ۱۳۹۰). همچنین رجوع شود به فلیوبجرگ و ریچاردسون، ۱۳۸۷، ص ۷۳.

برنامه ریزی از دید فریدمن همان سیاست‌گذاری است، هرچند این نکته به صراحت مورد اشاره قرار نگرفته است. این باور الزامات صوری و محتوایی با خود به همراه دارد: برنامه ریزی کنشی سیاسی است و انجام آن در فقدان حضور صاحبان منافع، مفهوم سیاسی خود را از دست داده و از گفتمان برنامه خارج می‌شود. دوم، برنامه ریزی به مفهوم اعم و اخص کلمه (برنامه‌ریزی شهری)، خارج از گفتمان مهندسی قرار دارد. الزام اصلی گزاره دوم به این معنا اشاره دارد که کنش برنامه ریزی را نمی‌توان از بیرون (از ذهن تکنیسینها) بر جامعه تحمیل کرد. نکته‌ای که با توسل به زبان فریدمن در ارجاع به تکثر منافع و تفاوت جغرافیای تاریخی، برنامه ریزی برای تفاوت تعبیر می‌شود. سوم، برنامه ریزی، متاخر به جامعه سیاسی است. مراد نویسنده از جامعه سیاسی چیزی شبیه جامعه مدنی و حوزه عمومی است. چهارم، هدف برنامه ریزی ارتقاء سعادت، دموکراسی و رفاه انسان هاست، دستور کاری که از پلیس‌های یونان باستان تا کلانشهرهای غول پیکر امروزین بر شدت و اهمیت آن افزوده شده است. پنجم، موضوع بسیار حاد و تعیین کننده شناخت و یا به عبارت دقیق، منبع شناخت برای مداخله است. به زعم فریدمن شناخت در سیاست‌گذاری و یا برنامه ریزی، ما به ازاء بیرونی ندارد. شناخت از حضور بازیگران در تدوین سیاست و از دیالوگ آنها (چانه‌زنی، مذاکره و در نهایت مصالحه برای انجام عملی خاص) نشات می‌گیرد. موضوع شناخت در برنامه ریزی، به هزینه‌ها و منافع مداخله محدود است (فریدمن، ۱۳۸۷، ص ۹).

### تشریح نظریه ارتباطی هابرماس

گرایش به اخذ مشارکت مردمی در برنامه ریزی به همراه انتقادات شدید از نظام سیاسی - اقتصادی

لیبرالیستی و نیوکلاسیک سبب شد تا توجه برنامه ریزان به برنامه ارتباطی جلب شود. نظریه‌پردازان سیاسی حمله‌ای مستقیم و همه جانبه را بر ضد دریافت‌های رایج نظریه لیبرال دموکراسی به راه انداخته‌اند. این نظریه‌پردازان اظهار داشتند که ساختار سلسله مراتبی لیبرال دموکراسی بخش اعظم مردم را از فرایندهای سیاسی (به ویژه رأی دادن در انتخابات محلی) بیرون گذاشته است و به پیدایش سیاست‌هایی منتهی گشته که فقط به نفع اقلیت نخبگان است. این نظریه عمل ارتباطی هابرماس، متفکر آلمانی و از سرشناسان مکتب انتقادی فرانکفورت بود که مورد توجه اندیشمندان عرصه برنامه ریزی قرار گرفت تا بتواند نقش برنامه ریز را به عنوان میانجی ایفا کند (رجوع شود به، آلمان‌دینگر، ۱۳۸۷، ص ۲۱ و دانشپور، ۱۳۸۸، ص ۴۱۱ و ایننر، ۱۹۹۵). مورد توجه قرار گرفتن نظریه هابرماس و تلاش برنامه ریزی برای یافتن افق‌های وسیع‌تر در نظر و عمل، سبب گشت تا این نظریه با عنوان برنامه ریزی ارتباطی و همچنین موارد مشابهی چون «برنامه ریزی همکارانه»<sup>۱۶</sup> و یا «برنامه ریزی مباحثه‌ای»<sup>۱۷</sup> مطرح شود (هیلیر، ۱۳۸۸، ص ۲۱).

مهم‌ترین نظریه‌ای که موجب شکل‌گیری نظریه برنامه ریزی ارتباطی گشت، نظریه عمل ارتباطی هابرماس بود. هابرماس از چهره‌های شناخته‌شده مکتب انتقادی فرانکفورت است. وی در تداوم زمینه فکری مارکسیسم و به عنوان یکی از پیروان از شیوه فکری نیومارکسیسم یا چپ جدید سعی در بازشناسی خلل و فرج نظام سرمایه‌داری داشت تا بتواند به ارائه راهکارهایی جهت برون رفت از این وضعیت بپردازد. بنابراین ریشه اصلی نظریه ارتباطی در برنامه ریزی را باید تفکرات مارکسیسم دانست که در طول زمان توسط اندیشمندان مورد بازنگری و فرایینی واقع شده است (لاجوردی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲).

جان دیویی دموکراسی را در گرو برقراری برابری افراد می‌دانست. در نظر وی هیچ فرد و گروهی بدون رضایت دیگران نمی‌تواند بر آنان حکومت و مدیریت کند. از نظر دیویی گفت و گوی عمومی اذهان را پرورش می‌دهد و آماده زندگی جمعی می‌کند. دموکراسی مطلوب در این تفکر، مستلزم مهندسی

16. Collaborative Planning  
17. Argumentative Planning

14. Collaborative Planning  
15. Argumentative Planning

اجتماعی، به معنای برنامه ریزی به نفع عموم، است. اقتصاد بازار آزاد و همچنین نظام‌های کمونیسم و فاشیسم، با دموکراسی متناسب نیستند. بر این اساس جامعه‌ی مطلوب جامعه‌ی دموکرات است، جامعه‌ای که به طور مداوم در حال بحث آزاد و جستن راه حل است. به عبارت دیگر جامعه مطلوب پیوسته در حال برنامه‌ریزی است. بر خلاف نظام اقتصاد بازار آزاد که فاقد این امر و نظام‌های کمونیستی و فاشیستی که برنامه ریزی یک بار برای همیشه و محصول عقاید فکری عده‌ای خاص از کلیت مردم است. از این منظر، علم به عنوان شیوه آزمایش عقاید و نظرها، یار دموکراسی خواهد بود (بشیریه، ۱۳۸۸، ص ۱۴۷).

هابرماس به شناخت بحران‌هایی که در نظام سرمایه داری رخ خواهد داد می‌پردازد و بحرانی را تحت عنوان بحران مشروعیت (مشروعیت دولت و نظام در نزد مردم) مطرح می‌کند که سخت‌ترین بحران این نظام خواهد بود. وی جهت بازنمایی سیستم بحران و ارایه راهکار برون رفت خود معتقد به بازسازی و ادامه روند عقلانیت مدرنیته است. هابرماس به نفی عقلانیت مدرنیته نمی‌پردازد بلکه با تبیین دوگونه از عقلانیت با عنوان‌های عقلانیت ابزاری و عقلانیت فرهنگی، معتقد است که نظام سرمایه داری تاکنون عقلانیت ابزاری را مدنظر خود داشته که منجر به «وسيله شدن» تمامی ابعاد زندگی آدمی گشته است. این عقلانیت ابزاری بر عقلانیت فرهنگی که می‌تواند نمایشگر خواست‌های راستین بشر باشد، غلبه داشته است (لاجوردی، ۱۳۸۸، ص ۳۵). هابرماس در جستجوی یافتن مدلی است که عقلانیت ابزاری که اقتصاد دانان لیبرال به وسیله آن دچار اسارت شدند را اصلاح کند. هابرماس، پس رفت زندگی اجتماعی به سمت فردگرایی اگزیستانسیالیسم را که در آن هر یک از ما توجهاتمان را متمرکز بر تصور کردن حیات روزانه و تفریحاتمان می‌کنیم، رد کرده است. هوشیاری ما به شکل اجتماعی و در عمل متقابل شکل می‌گیرد (هیلی، ۱۹۹۷، ص ۹۵). هابرماس تاکید دارد که در عمل ارتباطی، می‌توان جامعه - زبان را تنها بر پایه اعتماد تشکیل داد نه برپایه قدرت. بر همین اساس در مفهوم زیست جهان با نوعی سیستم خودسامان روبرو هستیم که در آن فرایند پویای تکامل اجتماعی رخ می‌دهد (کهون، ۱۳۸۱، ص ۷۸)؛ در واقع یک نظام اجتماعی همه گیر و دموکراتیک موجود است که

هدف آن نه دست یافتن به سلطه که رسیدن به توافق است. اخلاقیاتی که به طور ضمنی در این راه مشهود است، نوعی اخلاق روند کاری<sup>۱۸</sup> است که هدف آن نحوه ی دست یافتن به یک هنجار است نه محتوای یک هنجار و راه دست یافتن به آن، بحث عقلانی آزاد است (کریب، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸).

### بسط نظریه ارتباطی در برنامه ریزی شهری

گرفتاری در بن بست رویکردهای پیشین برنامه ریزی به ویژه رویکردهای عقلانی جامع، و نیز میل به ارتقای جایگاه فکر و عمل برنامه ریزی شهری، سبب پیگیری اندیشمندان امر برنامه ریزی شهری برای نظریه‌ها و رهیافت‌های نوین شد. «جان فریدمن» در کتاب «پیگیری مجدد آمریکا: نظریه برنامه ریزی معامله‌ای» (۱۹۷۳) بر اهمیت ارتباطات بین فهم و عمل، گفتگو و آموختن تأکید کرد. وی یکی از نخستین کسانی بود که ارتباط را به عنوان یک راهکار برای برنامه ریزان مطرح کرده و به دانش اجتماعی و یادگیری متقابل در فرآیند برنامه ریزی، در مقیاسی محلی، اعتبار بخشیده است (رجوع شود به فریدمن، ۱۳۸۸). در قالب این نظریه‌ها، زیست جهانی ترسیم می‌شود که در آن همه امور با گفتن میان ذی‌مدخلان امر به پیش می‌رود. مردم و مسئولان پیرامون هر مشکلی به مذاکره می‌پردازند و در نتیجه نیازی به تأکید بر نقش قدرت و اختلاف فرادست و فرودست وجود ندارد. بنابراین برنامه ریزی ارتباطی اذعان دارد که شناخت و کنش در عرصه ی برنامه ریزی و طراحی، باید به شیوه عقلانیت ارتباطی و تلاش بین‌الذهانی در مفاهمه متقابل میان اعضاء اجتماع صورت پذیرد و از اصول منطق و شناخت تجربی که به شکل علمی سازماندهی شده‌اند، پشتیبانی می‌نماید. تأکید این نوع از برنامه ریزی بیشتر بر فرآیند است تا محتوا. به عبارتی معتقد است که طی یک فرآیند ارتباطی صحیح و به دور از سلطه، به نتیجه و محتوای قابل قبول هم می‌انجامد (شفیعی و خیابانی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۳).

برنامه‌ریزی همکارانه<sup>۱۹</sup> هیلی: هیلی برنامه‌ریزی فضایی را به مثابه‌ی فرآیندی برای شناخت و توجه جمعی و تعاملی به چگونگی کنش به لحاظ علایق مشترک درباره‌ی اندازه و چگونگی مدیریت تحولات

18. Procedural Ethic

19. Colaborative Planning

که برنامه ریزی در ذات خود ارتباطی، تبیینی، اطلاع رسانی و پیشنهاد دهنده است. نظریه پرداز می معطوف به عمل برای فورستر از این رو اهمیت دارد که هدف او این است تا نشان دهد که چگونه عمل بصیرانه می تواند به نظریه ای مستحکم تر و عمیق تر منجر شود. رویکرد انتقادی پراگماتیستی فورستر نشان می دهد که چگونه ارتباط مقامات برنامه ریزی از طریق صحبت کردن، گوش سپردن، پرسیدن و جواب دادن و شیوه ارتباطی طرح دعوی، دعوی متقابل، وعده دادن و پیش بینی کردن منجر به شکل گیری توجه، امیدها، و انتظارات کنشگران می شود. فورستر نه تنها قابلیت و نفوذ برنامه ریزان را به شیوه مذکور به رسمیت می شناسد بلکه «کارکرد سیاسی» آنها را نیز هنگامی که به رغم قدرت کار می کنند مورد تأکید قرار می دهد (تیودور جونز، ۱۳۸۷، ص ۲۸۰). اما برنامه ریزان برای چه کسانی فکر می کند با چه کسانی سخن می گوید؟ چنانچه برنامه ریزان چیزی فراتر از کنشگرانی باشند که دانش فنی را در مسایل به کار می برند همچنین چنانچه برنامه ریزان قادر باشند به عنوان کاتالیزور یا دوستان نافذ که پرسش ها را طرح-ریزی و چارچوب بندی می کنند و به توجه ها و توقع ها شکل می دهند عمل کنند در این صورت سایه قدرت وارد داستان می شود. فورستر در این زمینه چین می نویسد که ما باید از بحث و احتجاج در برنامه ریزی نه به عنوان موضوع گفتگو بلکه به عنوان معرفت شناسی و همچنین به عنوان کار سیاسی بهره ببریم (فورستر، ۱۹۹۹، ص ۹). برنامه ریزی ارتباطی اینز: کار جودیت اینز اجماع سازی فرآیندی را عرضه می کند که در آن تمامی بازیگران و صاحبان منافع می توانند به توافق در خصوص برآیند مورد قبول دست یابند. اینز اظهار می دارد که فرآیند اجماع قادر نیست ساختار ریشه دار موجود را متحول نموده و قدرت را از صاحبان آن در جهان واقعی دور سازد در عین حال گروه های پیرو اجماع سازی غالباً متعادل سازی قدرت در میز مذاکره را به واسطه الزام به توافق حداکثری پیش از اتخاذ تصمیم و از طریق قدرت بایکوت یا امتناع از توافق را هدف خود قرار می دهد تا مشارکت کنندگان به مشوقی برای یافتن راه حل های قابل قبول ترغیب شوند (اینز و بوهر، ۱۹۹۸-۱۹۹۹).

برنامه ریزی گفتگومانی<sup>۲۲</sup> هیلیر: وی معتقد به نظریه

محیطی می داند. در یک تعریف دقیق، پتسی هیلی اظهار می دارد که برنامه ریزی همکارانه، نوعی از نگرش به برنامه ریزی است به دلیل اهمیت مناطق شهری در سیاست های زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی، همچنین چگونگی سازماندهی جوامع سیاسی به بهسازی کیفیت مکان می پردازد. الگوی برنامه ریزی همکارانه هیلی الگویی همه جانبه است و مجموعه ای از عناوین مرتبط با مباحث معاصر در زمینه ی حرفه و تخصص برنامه ریزی را به هم پیوند می دهد این عناوین شامل ایده جوامع محلی؛ مناسبات قدرت؛ بازسازی اقتصاد جهانی و اثرات منطقه ای آن زیست محیطی گرایی؛ فرهنگ و نظام های حکومتی؛ ساختار نهادی؛ کنترل فن سالارانه و ماهیت تخصص؛ میانجیگری و رفع تعارض؛ و برنامه ریزی فضایی می باشد. هدف و مقصد هیلی از این نوع برنامه ریزی، جهت گیری اکیداً عملی آن است و به وضوح ذیل پرسش «چگونه جوامع سیاسی برای بهبود فضای زندگی سازماندهی می شوند؟» بسط می یابد. این رویکرد معطوف به شبکه مردم فعال به مثابه کارگزارانی است که فرایندهای تغییر و تحول را شکل می دهند. رویکرد نهادگرایانه ریشه فرایندهای حکمرانی را در مناسبات گسترده تر فعالیت های اقتصادی و جامعه مدنی جستجو می کند (هیلی، ۱۹۹۷).

از نظر هیلی، نمی توان مجموعه ی وظایف برنامه ریز را از قبل تعریف نمود؛ زیرا این وظایف می باید به شکل خاص کشف، آموزش و از طریق فرآیندهای ارتباط متقابل درک شوند. این همان نکته ایست که رهیافت ارتباطی در خصوص تولید دانش شناخت شرایط علت و معلول ارزش های اخلاقی و جهان های زیباشناختی تأکید می ورزد که دانش از پیش تدوین نمی شود بلکه به شکلی خاص و مجدد در گفتگوی ما از طریق دریافت های حسی مفاهیم و استمداد از موجودی تجارب زندگی و معرفت اخلاقی و فرهنگی که از قبل استقرار یافته و در دسترس دست اندرکاران می باشد خلق می شود (هریس، ۱۳۸۷، ص ۳۰).

برنامه ریزی سنجشی<sup>۲۱</sup> فورستر: در دهه ۱۹۸۰ میلادی، جان فورستر پیشنهاد نمود که نظریه انتقادی نقش مهمی در عمل<sup>۲۱</sup> برنامه ریزی شهری و منطقه ای و سیاست گذاری عمومی دارد. فورستر ابراز می دارد

20. Deliberative Planning

21. Praxis

سازی در پیوند با عمل است. نظریه‌ای که هم بنیادش بر عمل باشد و هم به درک عمل و تبیین آن کمک کند. نظریه باید رابطه نزدیکی با واقعیت اجتماعی داشته باشد. وی معتقد است که با این پیش فرض که کارهای برنامه‌ریزی در حیطه سیاست دموکراتیک قرار دارند، مسأله این نیست که چگونه بتوان به اجماع عقلانی رسید بلکه این است که احساس‌ها و عواطف را بتوان به سمت قالب‌هایی از «انگاره‌های دموکراتیک» حرکت داد. وی ادامه می‌دهد که برنامه‌ریزی نمی‌تواند تنها در چارچوب کار برنامه‌ریزان و به صورت واقعیتهای تجربی به عمل پردازد. برنامه‌ریزی به طور اساسی با سلسله گسترده‌ای از مشارکت‌کنندگان و شبکه روابط آنها در هم تنیده است و هر یک از اینها گستره متنوعی از گفتمان‌ها، زیست جهان‌ها، ارزش‌ها، تصورات، هویت‌ها و عواطف خاص خود را دارند که وارد فرایند برنامه‌ریزی می‌کنند. بنابراین باید در صدد کشف شیوه‌های گوناگونی برآمد که به واسطه آن‌ها چه بسا ارزش‌ها و ذهنیت‌های متفاوتی بر حاصل برنامه‌ریزی تأثیر بگذارد و به ساختار قدرت در سطح سیستم متصل شوند. در نظریه‌ی هیلیر، بر نقش ارتباط در تلاش برای پیدا کردن زمینه‌های مشترک بین مشارکت‌کنندگان تأکید شده است و هیلیر معتقد است که اگر قرار باشد که اصل منافع

متقابل به اجرا درآید لازم است کنشگران به جای اینکه یکدیگر را پشت سر بگذارند با یکدیگر گفتگو کنند. مفهوم عدالت در کارآیینی عمل در راهبردهای وفاق‌سازی نقش بنیادین دارد. کنشگران به برخورد عادلانه در فرایند عمل عادلانه احترام می‌گذارند. هیلیر، برنامه‌ریزی را در میان سلسله‌ای از اتحادها و شبکه‌های فعالیت حکمرانی می‌داند. در تعریف وی، شبکه‌ها، زنجیره‌هایی پیوندی هستند که از طریق آن‌ها مردم می‌توانند به منابع مادی و دانش و قدرت دست یابند. ظرفیت‌ها و سرمایه‌های نهادی ای که توسط چنین شبکه‌هایی تولید می‌شود، شامل توان‌های جمعی، ارتباطات، اتحادها و ائتلاف‌های کنشگران است که متاثر از زمینه‌ها و عرصه‌هایی که این کنشگران دور هم آمده‌اند می‌باشند. وی معتقد است که لزوماً نباید به اجماع رسید بلکه می‌تواند «اختلاف و منازعه» مداوم، اما قابل مصالحه باشد (هیلیر، ۲۰۰۳، ص ۲۴۳).

**قیاس رهیافت‌ها جهت بهره‌گیری در نمونه موردی پژوهشگر از طریق تکنیک گردند تئوری جهت ورود به نمونه موردی از خبرگان در خصوص رهیافت‌های بالا نظر خواهی نموده است و رهیافت‌ها امتیازدهی کرده است. لذا نتیجه امتیازات به شرح ذیل است:**

جدول ۱. نحوه‌ی امتیازدهی رهیافت‌ها

جمع	توجه به مکان و جغرافیا	بهره مندی از چشمانداز لیبرالیسم هایکی	بهره مندی از چشمانداز پست مدرنیسم	بهره مندی از چشمانداز پراگماتیسم	بهره مندی از چشمانداز فوکو	
۹	۵	۰	۰	۲	۲	رهیافت همکارانه‌ی هیلیر
۱۴	۰	۲	۲	۵	۵	رهیافت استدلالی فورستر
۶	۲	۰	۰	۲	۲	رهیافت ارتباطی اینز
۲۰	۵	۰	۵	۵	۵	رهیافت گفتمانی هیلیر

بر این اساس رهیافت هیلیر بیشترین امتیاز را می‌گیرد. هیلیر معتقد است که ارزیابی هابرماسی از برنامه‌ریزی، ظرفیت‌های ارتباطی را در نقش برنامه‌ریزان تشخیص می‌دهد و بر آن مبنا عمل می‌کند. رویکرد هابرماسی می‌کوشد عناصر راهبردی یا ابزاری مضبوط در «شرح وظایف» مذکور را به عناصر عملی - ارتباطی تغییر دهد لذا تبدیل‌هایی را که در ادامه ذکر می‌گردد انجام می‌دهد.

جدول ۲. تفاوت و تبدیل امور برنامه‌ریزی سنتی به برنامه‌ریزی ارتباطی؛ مأخذ: هیلیر، ۱۳۸۸، صص ۶۱-۶۲

امور برنامه‌ریزی سنتی		امور برنامه‌ریزی ارتباطی
پردازش اطلاعات	به	شکل دادن توجه
مسأله‌گشایی	به	صورت بندی مجدد مسائل
تلاش به سوی عینیت بیشتر	به	تلاش به سوی نقد جانبداری و سوء تفاهم
جمع‌آوری فاکت‌ها	به	جلب توجه به مسائل: جمع‌آوری فاکت‌های مهم
برخورد با مشارکت به عنوان یکی از سرچشمه‌های اطلاعات	به	برخورد با مشارکت به عنوان فرصتی برای اصلاح
اعلان تصمیمات	به	جلب توجه برای صورت بندی امکانات و روشن کردن آنها
عرضه محصولی واحد و سندی با پاسخ‌های حاضر و آماده	به	ایجاد فرایند طرح پرسش و شکل دادن به پاسخ‌ها
تحکیم وابستگی سیاسی اشخاص ذی‌مدخل در تصویب راه‌حل‌ها	به	تقویت مشارکت سیاسی معنادار و خودآیینی تقویت نقد سیاست‌ها و طرح‌ها، استدلال‌ها و گفت‌وگوی سیاسی
کناره‌جویی از روابط اجتماعی را	به	باز تولید مناسبات اجتماعی و سیاسی

مشارکت‌کنندگان در حیطه ارتباط ممکن است با بزرگ کردن منافع شخصی در پوشش موضوعات عمومی با پیشنهاد امتیازهای دروغین به مخالفان و ساکت کردن آنها و با نمایش ظاهری گفتگو دیگران را فریب دهند.

### جمع بندی مبانی نظری

برای بکارگیری یک نظریه و رهیافت در عرصه‌ی عمل، باید آن نظریه را فهمید. فهم یک نظریه نیازمند بررسی پایه‌های شناخت‌شناسانه، شرایط تاریخی بروز نظریه و نحوه‌ی گسترش و تغییر آن در طول زمان است. این تحلیل و بررسی این امکان را فراهم می‌آورد تا بتوان شرایط بکارگیری یک نظریه را تبیین نموده و آن را به کار بست. نظریه‌ی ارتباطی

برنامه‌ریزی باید منعطف، تفهمی و تعاملی باشد. تعامل مستلزم آن است که شبکه افراد مختلف و سازمان‌های گوناگون با یکدیگر وارد بحث و مذاکره شوند؛ هر گروهی گفتمان و دانش و نظام معنایی خود را داشته باشد و روایت‌های خاص خود را بگوید. نقش برنامه‌ریزی باید بحث احترام‌آمیز درون جمع و بین جمع‌ها باشد و احترام متضمن به رسمیت شناختن، ارزش قائل شدن و گوش دادن به استدلال‌ها و تلاش برای یافتن امکانات مصالحه بین گفت‌وگوکنندگان است. اما هیلیر نیز به این نکته آگاه است که نقطه‌ی ضعف اصلی نظریه‌ی هابرماس، عدم توجه وی به قدرت است. وی می‌نویسد، کنشگران صاحب قدرت در پشت مشارکت‌کنندگان یا خود



در نیمه‌ی دوم قرن بیستم میلادی، برای کشورهای اروپایی بعد از جنگ جهانی دوم که پایه‌های اقتصادی سرمایه‌داری داشتند و تا حدی با مسأله و بحرانهای مستمر اقتصادی مواجه شده بودند، توسط نظریه‌پردازانی که بیشتر گرایش‌های چپی داشتند، ایراد گشت. جغرافیای سیاسی اقتصادی مذکور در خود پایه‌های مشارکت و جامعه‌ی مدنی را داشت و نظریه‌ی حاضر به نظر می‌رسید که اگرچه از ریشه‌های سوسیالیستی برآمده است، اما از یک جنبه‌ی فارغ از هرگونه نگرش اقتصادی است، و اتفاقاً در بسیاری موارد با برخی گرایشهای لیبرالیستی، همانند لیبرالیسم هایکی، هم جهت و همراه است. بنابراین به نظر می‌رسد شرایط بکارگیری این نظریه در کنش و عمل، چندان به بازار محور بودن اقتصاد زمینه ارتباطی ندارد و می‌توان آن را با ایجاد شرایط اجتماعی خاصی در نقاط دیگر به کار بست. موقع شناسی به هنگام تصمیم گیری فی‌البداهه در موفقیت نقش تعیین کننده دارد. برنامه ریزان مبارز حاضرند صبر کنند تا «درها باز شود»، حتی اگر برای ایده‌های

بزرگ این صبر «ده سال طول بکشد.» این عناصر به همراه یکدیگر چیزی را می‌سازند که من در جای دیگر آن را دوراندیشی خوانده‌ام. دور اندیشی در عین حال متضمن قوه تمییز عملی یا چیزی است که بورديو آن را شم‌بازی می‌خواند. هیلیر می‌گوید: آرزوی من این است که «با تغییر سمت به سوی شکلی از دموکراسی دو رگه در جایی از جهان نوعی از برنامه ریزی ظهور یابد که گفت و گوی شورایی را رشد دهد، نه آنکه آن را محدود کند؛ گوناگونی صدای شهروندان را تشویق کند، نه اینکه این صداها را خفه سازد؛ و منابع را هم به نیازهای اساسی سوق دهد، به جای اینکه به سمت منافع محدود خصوصی بکشاند. چنین رویکردی از مشارکت عامه برای ارائه فرصت‌های واقعی سیاسی استفاده می‌کند و از عرصه عمل همان چیزی را می‌آموزد که اهمیت دارد، نه آن چیزی که قابل بهره برداری برای مقصود خاص است.» ایران کشوری است که برای ورود برنامه ریزی گفتمانی باید مبارزه و تلاش کرد و منتظر ماند تا نتیجه کم حاصل شود.

## تجربیات جهانی

جدول ۳. تجربیات جهانی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

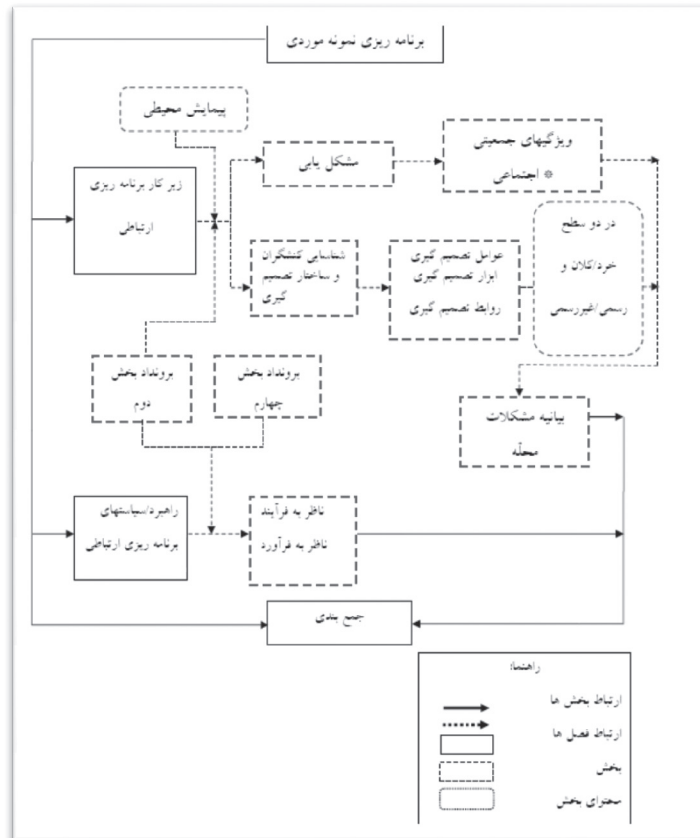
مشکلات	تامین مالی	برنامه‌های اجرایی	سیاست	کشور
- فقدان دانش، اختیارات و منابع مدیران - مشکلات تامین، مدیریت و هزینه کردن منابع مالی	بانک جهانی دولت ساکتین	- بهسازی جامع - ایجاد شبکه ثانویه آب، مراکز جمع آوری پسماندهای خشک، پیاده‌روها، فضاهای سبز یا پارکها، دیوارهای محافظ، سایر امور مربوط به کاهش بلایای طبیعی، پلها و سطوح شیبدار عمومی و کانال کشی - مدیریت زمین شهری شامل ۳ برنامه برنامه فعالانه در پیش‌بینی گسترش شهر بهبود ظرفیتهای برنامه‌ریزی شهری افزایش دسترسی به زمین‌های قابل ارائه توسط فقرا	بهبود شرایط زندگی شهری با دو رویکرد ۱- بهسازی حاشیه شهرها ۲- تلاش برای آماده کردن شهرها در ۲۵ سال آینده	آمریکای جنوبی - اکوادور

کشور	سیاست	برنامه‌های اجرایی	تامین مالی	مشکلات
مراکش	شهرهای بدون محله‌های فرودست	- برنامه تضمین درآمدهای نامنظم و کوچک - آموزش آشنایی با اعتبارات بانکی و نحوه بهره برداری از آنها - تاسیس نهادهای مالی خرد	اتحادیه اروپا بانک جهانی صندوقهای تضمین رهنی طرحهای پس انداز مسکن خدمات مالی خرد صندوق همبستگی ملی	- توان تملک مسکن پایین - واگذار شدن تقاضای گروههای کم درآمد به بخش غیر رسمی - مالکیت دولتی زمین شهری - بی انعطاف بودن مقررات توسعه شهری - بالا بودن قیمت زمین - نامناسب بودن اقتصاد کلان
مصر	توسعه شهری یکپارچه مشارکت محلی در تصمیم گیری، برنامه ریزی و مدیریت تمرکز زدایی و توسعه امکانات نهادی ظرفیت سازی در دولتهای محلی	ترویج فعالیتهای کوچک و صنایع دستی مدیریت دفع زباله های جامد پهسازی کالبدی پهسازی نماها آسفالت خیابانها و درختکاری جمع آوری زباله احداث اماکنی برای گردهمایی و زمین بازی برای کودکان	هیئت بانک جهانی ائتلاف شهرها چهار شرکت تامین مالی و رهنی متشکل از بانکهای خصوصی و دولتی	- فقدان دسترسی رسمی تهیدستان شهری به زمین - سیاستهای ناموفق دولت در بخش مسکن - مراحل طولانی و دشوار تفکیک زمین و دریافت پروانه ساختمان - کنترل ضعیف دولت بر زمین - قوانین و مقررات نامناسب مربوط به برنامه ریزی ساخت و ساز - اعمال ضعیف قوانین و مقررات توسط دولتهای محلی
هند	سیاستهای متنوع بر اساس راهبرد توسعه جامع شهری برنامه اصلاحات شهری ملی جواهر لعل نهرو	- برنامه ملی توسعه سکونتگاههای غیر رسمی - کمکهای بلاعوض مرکزی و ایالتی - برنامه شهری اشرایا - برنامه مایتری - برنامه بها و ناشری	۹۰٪ از منابع داخلی شامل بودجه دولتهای مرکزی، ایالتی و ارگانهای شهری صندوق انگیزه بخش اصلاح شهری صندوق چالش شهری صندوق تامین مالی تاسیسات زیر ساختی ۱۰٪ از منابع خارجی شامل بانک جهانی بانک توسعه آسیا سازمان بهداشت جهانی ائتلاف شهرها دولتهای هلند و آلمان	- گسترده بودن مقیاس اسکان غیر رسمی - ناپایدار بودن چارچوب تامین مالی - فقدان دانش، اختیارات و منابع در میان مدیران شهری - همپوشانی حوزه های مختلف فعالیتهای ملی، ایالتی و محلی - مشکلات اقتصادی کلان و رشد ناموزن شهری

## برنامه ریزی نمونه موردی

شایان ذکر است مطالب ارائه شده در این بخش برگرفته از مطالعات مهندسين مشاور باوند و پردازش شامل گزارش‌های ارائه شده به ستاد ملی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی شرکت

مادر تخصصی عمران و بهسازی وزارت مسکن و شهرسازی با عنوان «ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آن‌ها با تاکید بر بهسازی شهری» و همچنین برداشت‌های میدانی پژوهشگر، پرسشنامه و مصاحبه می‌باشد.



## معرفی محله سهرابیه

محله سهرابیه با مساحتی در حدود ۳۳ هکتار در حاشیه غربی شهر کرج، خارج از محدوده شهر و نزدیک به آن واقع شده است. جاده قزلحصار از سمت شرقی این محله عبور می‌کند که ارتباط محله سهرابیه با شهر کرج (حصارک) توسط آن برقرار می‌شود. محله سهرابیه در حاشیه غربی کرج و در خارج از محدوده قانونی آن واقع شده است. این محله دارای بافتی تقریباً منظم و شطرنجی ولی پراکنده می‌باشد. شکل منظم هندسی (الگوی شطرنجی) در این محله به علت

نوع تفکیک زمینهای کشاورزی می‌باشد. امکان توسعه برای این محله در تمامی جهات با توجه به وجود زمینهای کشاورزی و شیب مناسب وجود دارد. روند عمومی گسترش شهر نیز به سمت غرب بوده است. و پیش بینی می‌شود که در آینده ای نزدیک نیز این محله به همراه اختر آباد و ملک آباد به شهر متصل شوند. بر پایه اطلاعات به دست آمده از سرشماری سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران، جمعیت این محله برابر با ۵۲۴۷ نفر می‌باشد که کمتر از ۰/۴ درصد از جمعیت کل شهر کرج را شامل می‌شود. شاخصهایی که

دو منطقه روستاهای اطراف زنجان و هشترود می باشند. مرز بندی های مشخصی بین این دو گروه در محله وجود دارد، به طوری که در تجارب عمل جمعی هر دو گروه کاملاً مجزا از هم عمل می کنند. در این محله دو مسجد وجود دارد که مسجد امام محمد تقی (ع) با مشارکت زنجانی ها ساخته شده و مسجد صاحب الزمان (عج) با مشارکت هشترودی ها ساخته شده است.

به منظور بررسی وضعیت مهاجرت در پیمایش خانوار در محله مورد بررسی مورد توجه قرار گرفته بود عبارت از زادگاه سرپرست خانوار، زمان مهاجرت و علت مهاجرت می باشد. نتایج به دست آمده نشان می دهد که سهم مهاجرین در محله سهرایه ۹۷/۵ درصد می باشد. بررسی علت عمده مهاجرت حاکی از آن است که جستجوی کار یکی از مهمترین علل مهاجرت به این سکونتگاهها بوده است. بیشتر ساکنین ترک در این محله از

جدول ۴. اقوام مهاجر در محله؛ مأخذ: مهندسين مشاور پردازاز، نتایج پیمایش خانوار، ۱۳۸۷

قومیت	ترک	کرد	لر	عرب	فارس	گیلکی	مازندرانی	بلوچ	افغان	سایر	جمع
سهرایه	۷۶	۱۱	۰/۷	۰	۸	۱/۵	۰/۷	۱/۵	۰	۰/۷	۱۰۰

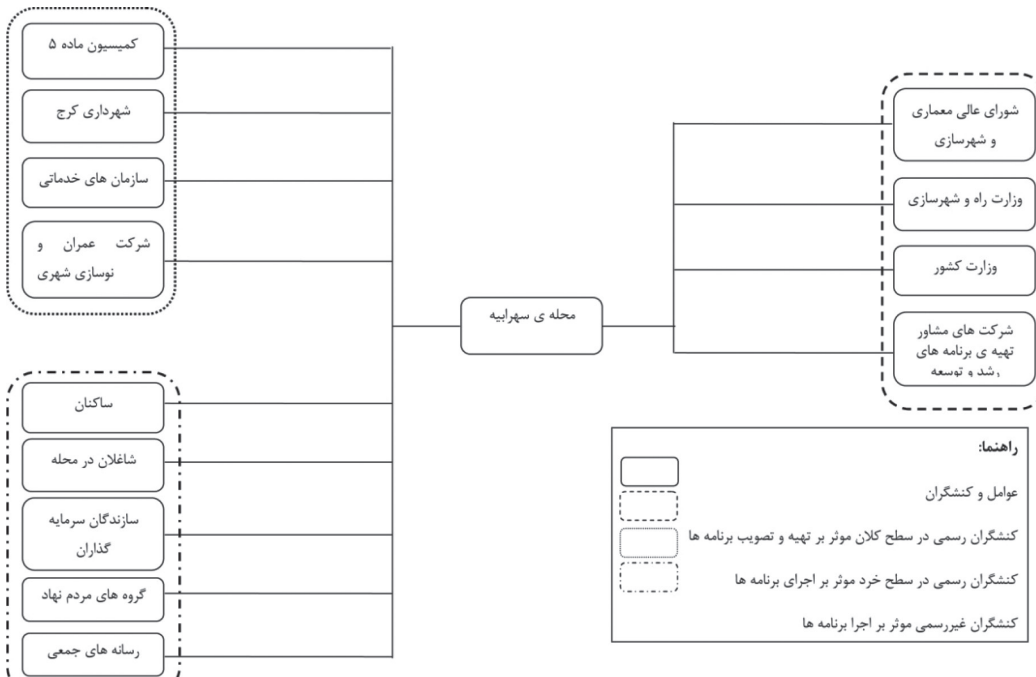
نیز در راستای شمال شرقی، جنوب غربی است. این جهت گیری به علت قرارگیری بافت کالبدی سهرایه بر روی زمین های کشاورزی است که در هنگام تفکیک این گونه جهت گیری شده اند. نکته قابل توجه این است که اگرچه مجموعه اسکان غیررسمی سهرایه ساخت بافت خودرو شطرنجی منظم است. و در نتیجه بلوک ها دارای نظم هندسی هستند. ولی به علت نبود طراحی در هنگام شکل گیری بافت آن در مقیاس بلوک های شهری، دارای نظم در ابعاد، تناسبات و کشیدگی نیستند. تنوع کاربریها در محله های غیررسمی از جمله محله سهرایه نسبتاً پایین است. تبعاً این وضعیت عدم گونه گونی فعالیتها و عدم رونق اقتصادی و متعاقباً اجتماعی - فرهنگی را در پی دارد. علت این امر ضرورت تامین نیاز سکونت در نظر سازندگان و ساکنان این گونه بافتها می باشد که موجب اولویت یافتن سکونت بر سایر نیازها و تامین حداقل های زندگی بدون برنامه گردیده است. این پدیده اقتصادی - اجتماعی خود آبخواری اقتصادی اجتماعی از جریانهای مهاجرتی دارد که در نظام کاربری زمین نیز تبلور یافته است.

وضعیت کاربری اراضی در این محله نشان از کمبود شدید کاربریهای خدماتی در محله دارد به طوری که از کل مساحت محله، کمتر از ۱/۵ هکتار آن (معادل ۴/۵۷ درصد) به کاربریهای خدماتی اختصاص دارد. این کاربریها شامل یک دبستان، یک کودکستان، ۳ مرکز مذهبی، یک مرکز ترک اعتیاد و واحدهای تجاری خرد در سطح محله می شود. اسکان غیررسمی سهرایه، در خارج از محدوده قانونی شهر کرج و مزارع غربی شهر کرج به علت زمین ارزان و نزدیکی به کارخانجات و صنایع حاشیه جاده قزل حصار شکل یافته است. سرعت رشد و شکل گیری آن یک مرتبه و بسیار سریع بوده است. نکته جالب در مورد این اسکان جدا افتادگی آن از بافت کالبدی محدوده قانونی شهر کرج و بافت پیوسته شهری است. از نظر اندازه، متوسط اندازه بلوک ها نسبت به سایر بلوک های شهری ریزدانه است. شکل و فرم بلوک ها نیز معمولاً مستطیل شکل است. یعنی بلوک های موجود در بافت سهرایه شکل منظم هندسی دارند. ولی تناسبات موجود در طول و عرض بلوک ها نسبت به همدیگر بسیار متفاوت است. بلوک ها اشکال منظم متفاوتی نسبت به هم دارند. جهت گیری غالب بلوک های بافت

زمینه	نقاط قوت (STRENGTHS)	نقاط ضعف (WEAKNESS)	فرصتها (OPPORTUNITIES)	تهدیدها (THREATS)
جمعیتی - اجتماعی، اقتصادی، کابردی و مدیریت شهری	- جوان بودن جمعیت (۲۴٪ زیر ۱۴ سال) - حضور مستقیم پذیرفته شده - تجربه عمل جمعی برای حل مشکلات - برخورداری از خدمات تأسیساتی (آب، برق، گاز) - همگنی اجتماعی فرهنگی - آمادگی برای مشارکت مالی در اجرای پروژه ها - مشارکت زنان در امور محله - وجود زنان متمم در بین ساکنین محله - توان تشکیل باش در قالب فعالیت‌های منظم (اهدای های منظمی) - تمایل برای مشارکت در بهسازی محله و بهداشت آن - وجود نیروی کار ساده و نیمه ماهر برای کمک در پروژه های بهسازی - بار تکفل معالقی با نقاط شهری شهرستان کرج - سهم قابل توجه کارفرمایان بخش خصوصی - سهم بالای شاغلین در گروه کارکنان خدماتی و فروشندگان - فراهم بودن زمینه انتقال و فعالیت در خود محله	- تراکم بالای جمعیت (۲۲۴ نفر در هکتار) - بالا بودن نسبت جنسی (۱۰۹٪) - بالا بودن بعد خانوار (۴/۸ نفر) نسبت به شهر کرج (۳/۶) - کمبود افراد برخورداری از تحصیلات عالی - پایین بودن سطح تحصیلات نیروی متولدین خانوار - درصد بالای مهاجرین بین ساکنین (۲۷/۵٪) - تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر - بالا بودن شاخص فقر در اقل ۲۳٪ فقر - عدم برخورداری کامل از خدمات زیرساختی (سفالته، جدول کنتی، روشنایی معابر و ...) - عدم برخورداری از خدمات عمومی (آموزشی، درمانی، تفریحی، فرهنگی، ورزشی و ...) - فقدان سازوکارهای لازم برای مشارکت پایدار - عدم شکل گیری شورای محله - بالا بودن فقر (بالا بودن نسبت هزینه خوراک به غیر خوراک) (۲۴٪) - عدم برخورداری از سیستم حمل و نقل عمومی - میزان پایین رضایت از امنیت محله (۲۷/۶۶٪) - میزان پایین رضایت از بهداشت محله (۲۷/۳۶٪) - وجود نرخ بیکاری بالا (تقریباً دو برابر نرخ بیکاری کشور) - وجود انتقال فصلی برای نیمی از شاغلین - انتقال نیمی از شاغلین فصلی تنها در ۶ ماه از سال - سهم اندک مرد و جوانگیران دولتی در میان شاغلین - ناپایداری انتقال و درآمد - پایین بودن دارایی های سرمایه ای - پایین بودن پوشش بیمه اجتماعی (۴۴ درصد)	- تمایل مدیریت شهری به حل مشکلات محله - امکان واقع شدن در محدوده قانونی شهر کرج - امکان خوارها - امکان خوارها - امکان خوارها	- وجود سیاست های مثبتی بر مبنای مقابله و حذف سکونتگاههای غیررسمی - تمایل منظم مدیریت شهری با سکونتگاههای غیررسمی - مهاجر پذیر بودن محله به دلیل ارزش قیمت زمین و مسکن - مهاجرت به محله به دلیل مزایای ساکنین با میدا - تقاضای مواد مخدر از محل های اطراف - سکونت ناپایدار (تمایل به مهاجرت از محله به سایر محلات شهر کرج) - فقدان برنامه خدمات رسانی سازمانهای دولتی برای محله - گسترش روز افزون واحدهای جدید بدون مجوز - واقع شدن در خارج از محدوده قانونی شهر کرج - وجود مواقع قانونی جهت خدمات رسانی به محله - دریافت وجوه غیررسمی توسط مأمورین دولتی (در زمینه های ساخت و ساز، رسیدگی به تخلفات و...) - تغییر غیرقانونی کاربری اراضی اطراف محله توسط مالکین زمین - شورش های شهری - فاصله زیاد این محله با مناطق اطراف و عدم دسترسی ساکنین این محله به نقاط اطراف جهت تأمین نیازهای خدماتی - خطر آسیب پذیری بافت در برابر وقوع زلزله - وجود اراضی بایر و تکلیک این اراضی جهت امکان جمعیت مهاجر

هستند، شامل می شود. این نهادها ممکن است رسمی یا غیررسمی باشند. ابزار تصمیم گیری قوانین و مقرراتی است که به طور رسمی به تصویب عوامل تصمیم گیری رسیده و اجرای آنها الزامی است.

شناسایی کنشگران محله و ساختار تصمیم گیری در محدوده مطالعاتی ابتدا لازم است تا مفاهیم عوامل و ابزار تصمیم گیری بررسی شوند. عوامل تصمیم گیری سازمانها، نهادها و گروههایی که قدرت تصمیم گیری یا اجرایی را دارا





## راهبرد/سیاستهای ناظر به فرآیند

۱. برنامه ریزان باید در طول فرآیند برنامه ریزی ارتباطی به دنبال شناخت علتها، محدودیتها و نتایج محتوایی باشد. تعیین اهداف همراه است با تعیین مشکل.
  ۲. هدف اصلی برنامه ریزی ارتباطی آن است که مردم به مرور زمان قادر شوند تصمیم گیری را در سطح محلی جا بیندازند و ارتقا دهند و در برابر نهادها، فنون و گفتمانی هایی که به وسیله آنها بر آنان ستم روا داشته می شود با تکتیر، گسست و پیوست، ترجیح تفاوت بر همناختی، ترجیح اختلاف بر یگانگی و بالاخره ترجیح سازماندهی سیال بر سیستمها، مقاومت کنند و به پروراندن عمل، اندیشه و آرزوها اقدام کنند. این مهم جز با طی زمان حاصل نمی شود و باید توجه داشت که مشارکت آموختنی است. این مهم ابتدا با بسیج مردم، سپس تلاش برای تمرکززدایی و در نهایت با توانمندسازی و مقتدرسازی آنان امکان می پذیرد.
  ۳. شبکه سازی و مورد هدف قرار دادن گروه های مختلف اجتماعی (همانند جوانان، زنان و غیره) از زمره مهمترین فعالیت هایی است که برنامه ریز باید طی فرآیند برنامه ریزی ارتباطی به آن اقدام ورزد.
  ۴. باید توجه داشت که امکان به اجماع رسیدن ناچیز است، بنابراین آنچه اهمیت دارد، به رسمیت شناختن و ارزشمند داشتن اختلافها در طول فرآیند برنامه ریزی است، منتها باید این اختلافات به یک مصالحه یا نهایتا یک معامله ختم شود.
  ۵. خلاقیت و ابتکار بر رویه های علمی اولویت و کارآیی دارد.
  ۶. تلاش در ایجاد و بسط انسجام اجتماعی در عین احترام به تفاوت.
  ۷. برنامه ریزان باید با شناخت کلیه ی ذیمدخلان تلاش نمایند تا یک زبان مشترک میان آنها پیدا کنند و مفاهیم پیچیده و تخصصی را به ساده ترین زبان ها ارائه نمایند.
  ۸. برنامه ریز باید در طی فرآیند برنامه ریزی
- ارتباطی و کلیه جلسات مد نظر داشته باشد که که کنشگران به چه بازی یا بازی های خاصی مشغول اند؛ و موضوع برد و باخت چیست .
۹. برنامه ریزان باید در نظر داشته باشند که وظیفه برنامه ریز این نیست که مسائل مردم را برای آنها تعریف کند و راه حل درست را برای آنها محاسبه و تعیین کند؛ بلکه این است که ظرفیت مردم را برای تعیین کردن مسائلشان افزایش دهد و همراه با آنها به جستجوی پاسخ بپردازد.
- ### دستاوردهای پژوهش در محله سهرابیه
- باید توجه داشت که مهمترین تفاوت برنامه ریزی ارتباطی با برنامه ریزی مشارکتی یا برنامه ریزی اجتماع محور این امر است که آن گونه های برنامه ریزی فرآورده گرا هستند و روششان مبتنی بر اخذ مشارکت مردم است حال آنکه برنامه ریزی ارتباطی فرآیندگراست و تلاش دارد تا یک نظام پویا ایجاد نماید. از سوی دیگر برنامه ریزی مشارکتی، به ویژه در ایران، مشارکت را به یک ابزار تقلیل می دهد و آن را در حد پر کردن پرسشنامه یا اطلاع مردم از برنامه پس از تصویب (کمی کمتر یا بیشتر) نگاه می دارد. حال آنکه سنت هابرماسی می تواند این عمل را از یک عمل تکنیکی به جایگاه واقعی آن ارتقا دهد. زیرا در این سنت، نظر مردم نه فقط مکمل کار که ذات و ماهیت کار است.
  - مهمترین فرصت برای این نوع برنامه ریزی، انعطاف قوانین و پیشرفته بودن آنهاست و مهمترین محدودیت روحیه ی نامشارکت جوی جامعه است که تغییر آن هم نیاز به زمان دارد، هم نیاز به خلاقیت در گروه برنامه ریزی که با چه روش هایی این روحیه را تغییر دهند. همچنین برخی از عوامل ذیمدخل همچون مستاجران ممکن است در زمره ی مخالفان ارتقای محله باشند، از سویی کاسبان محل در مقابل آنها قرار دارند که این هر دو شبکه از ذیمدخلان به ضرر و به نفع این نوع برنامه ریزی ممکن است فعالیت نمایند.

• این پژوهش تلاش داشت تا نشان دهد که اتفاقاً سهم زیادی از ایجاد مشارکت در جامعه به عهده ی متخصصان برنامه ریزی شهری است. این امر نه لزوماً یک امر از بالا و تحت اختیار نهادهای دولتی و قوانین است، بلکه به همان میزان احتیاج به خواست و نیاز جامعه دارد و در این بین این شهر و فضای شهری است که می تواند مشعر این خواست و نیاز باشد؛ و برنامه ریزان با بکارگیری برنامه ریزی ارتباطی می توانند این مشعر را فراهم آورند.

### نتیجه گیری و جمع بندی

بحث برنامه ریزی ارتباطی یک موضوع جدید در جهان و به ویژه در ایران است. این نو بودن و جدید بودن وسعت مطالب و تجربیات بسیاری را همراه خود دارد که سبب می گردد نیاز به پژوهش و کار بر روی آن هنوز وجود داشته باشد. پژوهش حاضر تلاش نمود تا جنبه های مختلفی را در بکارگیری و بومی سازی آن مد نظر قرار دهد. اما بی گمان چه در جزئیات و چه در کلیات هنوز جای خالی وجود دارد. هدف آرمانی برنامه ریزی ارتباطی آن است که همه عوامل ذیمدخل از قدرت برابر برخوردار باشند. این اگرچه یک آرمان است، اما در دنیای واقعی اگر این نوع برنامه ریزی به آن آرمان نینجامد، بی گمان به بازتوزیع آن می انجامد. افرادی را که تاکنون سهمی در سیاستگذاری نداشته اند اینک به پای میز مذاکره کشانده که حتی اگر نتوانند به خواسته هایشان برسند، حداقل با حقوق اجتماعی، سیاسی و حق شهر و شهروندی خود آشنا شده اند و ازین پس می توانند تاثیر بیشتری در رویدادها و تصمیم گیری ها بگذارند. این مهم برای جامعه ی ایران که از کمبود چنان حقوقی رنج برده است، بی گمان از مهمترین دستاوردهای چنین برنامه ریزی ای خواهد بود. در نهایت می توان به این نتیجه رسید که کار در حوزه عمومی و توسعه و برنامه ریزی برای شهر دیگر از گفتمان صرف مهندسی خارج شده و تقریباً تبدیل به کنشی سیاسی شده است. بنابراین برنامه ریزی ارتباطی بدون ایجاد تحولات ساختاری در زمینه نگرش و جریان های

فکری حاکم بر توسعه شهر نمی تواند قدمی در جهت کاهش نابرابری ها و شکاف های فضایی باشد. شهرهای ایران در امر توسعه و برنامه ریزی شهر در عمل به جایی رسیده اند که نیاز به یک تحول ساختاری و یا یک تکانه شدید در امر دانش و کنش در برنامه ریزی شهری دارند. از این رو در قبال تصمیمات کوچک تغییر نمی کنند و شاید در قبال تصمیمات بزرگ تغییر نمایند. اما این تحول ساختاری نیاز به شروع کردن از درون جوامع دارد. این تجربه نشان داده است که حتی دیدگاه های هابرماسی در ایران قابل اجرا نیست. یعنی ما در بهترین حالت اجماع نیز نمی توانیم به خیر عمومی نائل شویم. چون مطمئناً افراد دور میز مذاکره از قدرت یکسانی برای تصمیم گیری برخوردار نیستند و دوباره توسط هژمونی قدرت و سرمایه مجبور به ارائه نظراتی می شوند که نظر واقعی و انتخاب واقعی آنها نیست. یعنی آنها انتخاب نمی کنند بلکه در مسیر انتخاب قرارشان می دهند. بنابراین این جوامع دورنی محلی هستند که باید سازماندهی شوند، آموزش داده شوند، آگاه شوند تا قدرت اجتماعی بتواند بر قدرت سیاسی و اقتصادی غلبه نماید و مطالبات مردم پاسخدهی شود. به بیان دیگر به کارگیری پارادایم برنامه ریزی ارتباطی، با توجه به پویایی و ابعاد گسترده آن، در عمل کار ساده و آسانی نیست، به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته، به زنجیره ای از پیش شرطها و زیرساخت های مناسب نیاز دارد که تقویت جوامع محلی و ایجاد شرایط مشارکت واقعی آنان کارآمدترین راه حل است.

### منابع و مآخذ

۱. فریدمن، جان (۱۳۸۷) به سوی شیوه برنامه ریزی ناکلیدسی، چاپ شده در مجموعه مقالات نظریه برنامه ریزی شهری سده بیستم ویراسته کمپل و فاینشتاین، ترجمه ی عارف اقوامی مقدم، انتشارات آذرخش، تهران.
۲. هیلیر، جین (۱۳۸۸) سایه های قدرت. ترجمه کمال پولادی، انتشارات جامعه مهندسان مشاور.
۳. هیللی، پاتسی، (۱۳۸۸) برنامه ریزی مذاکره ای: چرخش ارتباطی در نظریه برنامه ریزی، چاپ

۱۳. پردازاز، مهندسین مشاور معماری و شهرسازی، (۱۳۸۷) ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی و اقدامات توانمندسازی اجتماعات آن ها با تاکید بر بهسازی شهری، کرج.
۱۴. فلیویا، بنت و ریچاردسون، تیم. (۱۳۸۷) برنامه ریزی و میشل فوکو؛ به دنبال جنبه پنهان نظریه برنامه ریزی. چاپ شده در مجموعه مقالات آینده برنامه ریزی ویراسته فیلیپ آلماندینگر و مارک تئودورجونز، ترجمه عارف اقوامی مقدم، انتشارات آذرخش، تهران.
۱۵. نوری کاردر، محمد، (۱۳۹۴) تحلیل کاربست ارتباطی در توانمندسازی سکونتگاه های غیر رسمی؛ نمونه موردی: محله سهرابیه کرج، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد قزوین.
16. Wiklund, Hans, 2005. "A Habermasian analysis of the deliberative democratic potential of ICT-enabled services in Swedish municipalities", *New Media & Society*, 2005; 7; 247
17. 83. [www.aesop-planning.com](http://www.aesop-planning.com)
18. Hillier, Jean, 2003. *Shadows of Power : An Allegory of Prudence in Land-use Planning*. Taylor & Francis Routledge, London and New York
19. Forester, John, 1999. *Planning in the face of power*. Berkeley: university of California press. Available on Googlebook
20. Innes, Judith, and Booher, David, 1999. "Metropolitan Development as a Complex System: A New Approach to Sustainability", *Economic Development Quarterly* 1999 13: 141
21. Healey, Patsy, 1997. *Collaborative Planning: shaping places in fragmented societies*, Macmillan Press, London.
22. Watson, Vanessa, 1995. "The Usefulness of Normative Planning Theories in the Context of Sub-Saharan Africa" *Planning Theory*, Vol. 1 (1): 2752-
- شده در مجموعه مقالات نظریه برنامه ریزی شهری سده بیستم ویراسته کمپل و فاینشتاین، ترجمه عارف اقوامی مقدم، انتشارات آذرخش، تهران.
۴. شفیع، امیر و خیابانی، مریم، (۱۳۹۰) رویکرد ارتباطی در برنامه ریزی شهری؛ بررسی نظری و شناخت شناسی. فصلنامه ی آبادی، وزارت مسکن و شهرسازی
۵. آلماندینگر، فیلیپ (۱۳۸۷) چشمانداز پسااثباتی در نظریه برنامه ریزی. چاپ شده در مجموعه مقالات آینده برنامه ریزی ویراسته فیلیپ آلماندینگر و مارک تئودورجونز، ترجمه عارف اقوامی مقدم، انتشارات آذرخش، تهران.
۶. دانشپور، زهره، (۱۳۸۸) درآمدی بر نظریه های برنامه ریزی با تأکید ویژه بر برنامه ریزی شهری. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، تهران.
۷. لاجوردی، هاله (۱۳۸۸) زندگی روزمره در ایران مدرن، نشر ثالث. چاپ اول، تهران.
۸. بشیریه، حسین، ب، (۱۳۸۸) تاریخ اندیشه های سیاسی در قرن بیستم؛ جلد دوم: لیبرالیسم و محافظه کاری. نشر نی، چاپ هشتم، تهران.
۹. کهون، لارنس. (۱۳۹۰) از مدرنیسم تا پست مدرنیسم. ویراستار فارسی: عبدالکریم رشیدیان. نشر نی، چاپ هشتم تهران.
۱۰. کریب، این. (۱۳۷۸) نظریه های مدرن در جامعه شناسی: از پارسنز تا هابرماس. ترجمه محبوبه مهاجر، چاپ اول، انتشارات سروش، تهران.
۱۱. هریس، نیل. (۱۳۸۷) برنامه ریزی مشارکتی: از مبانی نظری به اشکال عملی. چاپ شده در مجموعه مقالات آینده برنامه ریزی ویراسته ی فیلیپ آلماندینگر و مارک تئودورجونز، ترجمه عارف اقوامی مقدم، انتشارات آذرخش، تهران.
۱۲. تئودورجونز، مارک. (۱۳۸۷) پویایی شناسی فردی، چارچوبهای متمایز و برنامه ریزی ارتباطی. چاپ شده در مجموعه مقالات آینده برنامه ریزی ویراسته فیلیپ آلماندینگر و مارک تئودورجونز، ترجمه عارف اقوامی مقدم، انتشارات آذرخش، تهران.

## تحلیل هندسه پلان مسکن های آغاز سده معاصر در اصفهان بر پایه سازمان دهی فضایی

لادن شاهزمانی سیپجانی - دانشجوی دکتری معماری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

مریم قاسمی سیپجانی\* - استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

### چکیده

در گذر زمان عوامل هندسی و فرهنگی موجب گشته است که فضاهای موجود در بنا ساختاری متفاوت را به خود گرفته باشد. تحلیل سازمان دهی فضایی می تواند ساختار کالبدی بنا را در بازه زمانی متفاوت نمایان سازد. این سازمان دهی ها به طور مستقیم از ویژگی های هندسی، شکل بیرونی و درونی، همچنین ساختار بصری و عینی کالبد بنا تاثیر پذیر است. پژوهشگران دیگر شکل گیری کالبد بنا را بر مبنای سازمان دهی فضایی خانه های درون گرا، کاخ ها و سایر بناها مورد بررسی قرار داده اند. این مقاله با رویکردی نو سازماندهی فضایی را بر روی هندسه پلان مسکن های برون گرا و نیمه برون گرای آغاز سده معاصر اصفهان مورد بررسی قرار می دهد. روش پژوهش از نوع کیفی با هدف کاربردی و داده های آن به روش کتابخانه ای و میدانی گردآوری شده است. این نگارش بر آن است تا تاثیر هندسه پلان مسکن را بر سازمان دهی فضایی مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. در این پژوهش ابتدا به ساختار پلان خانه های برون گرای آغاز سده معاصر، ساختار کالبدی فضا و روابط فضایی پرداخته و سپس وجود یا عدم وجود آن بر روی نمونه های مطالعاتی را مورد تحلیل قرار داده است. بررسی های انجام شده آشکار ساخت ویژگی های هندسی خانه های این دوره موجب سازمان دهی یکسانی در کالبد پلان های مسکونی برون گرا و نیمه برون گرا در آن بازه زمانی شده است.

**واژگان کلیدی:** هندسه پلان مسکن، مسکن آغاز سده معاصر، سازمان دهی فضایی، روابط فضایی، خانه های اصفهان.

### Analysis of Geometry of the Housing Initiative at the Beginning of the Contemporary Period in Isfahan Based on Spatial Organization

#### Abstract

Over time, geometric and cultural factors have led to the creation of spaces in a different structure. The spatial organization analysis can reveal the structural structure of the building in a different timeframe. These organizations are directly affected by the geometric features, the external and internal features, as well as the visual and objective structure of the building. Other scholars have studied the formation of the building based on the spatial organization of inter-house houses, palaces and other buildings. This paper examines the new spatial organization approach on the geometry of the extraterritorial and semi-extraterrestrial planes of the beginning of the contemporary era of Isfahan. The research method is qualitative with purposeful application and its data is collected by library and field method. This essay aims to analyze the impact of the geometry of the housing plan on spatial organization. In this study, first, the structure of the out-of-date plan of the beginning of the present century, the physical structure of space and spatial relationships, and then analyzed its existence or its absence on the study samples. Surveys conducted revealing the geometric properties of houses in this period have led to the same organization in the field of outsourcing and semi-outsourcing residential plans.

**Keywords:** Geometry of the Housing Plan, Housing of the Contemporary Age, Spatial Organization, Spatial Relations, Isfahan Houses.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول تحت عنوان بازشناسی «ویژگی های هندسی مسکن آغاز سده معاصر بر پایه ساختار شکلی و سازمان دهی فضایی» به راهنمایی نویسنده دوم است.

نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۲۲۳۴۴۳۵۳؛ رایانامه: mghasemi@khuisf.ac.ir

معاصر، ساختار فضایی را بازشناسی و بر طبق آن به تحلیل خانه های محتشمی (هنرمندان)، امیرقلی امینی، بنکدارپور و اسحاق ساسون بر مبنای سازمان دهی فضایی پرداخته و بر مبنای آن تفاوت و شباهت های میان آنها را به عنوان الگویی واحد معرفی نموده است.

### پیشینه تحقیق

در حیطه معماری برخی از پژوهشگران همچون (دبیا و همکاران به نقل از سانتلی، ۱۳۹۲) و (کلارک و یاز، ۱۳۹۵) و (معماریان، ۱۳۸۶) و (معماریان، ۱۳۸۷) و (میناسیان، ۱۳۹۰) و (دالوند و قاسمی سیچانی، ۱۳۹۰) و (مختاریان، ۱۳۹۰) و (قاسمی سیچانی، ۱۳۸۴) و حائری مازندرانی، ۱۳۸۸) و (کارپتیان، ۱۳۸۵) و (قاسمی سیچانی، ۱۳۸۸) و (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳) و (اهری و حبیبی، ۱۳۸۰) و (فیضی و خاک زند، ۱۳۹۶) و (عمومی، ۱۳۸۷) و (محمودی، ۱۳۸۸) و غیره از دیدگاه هندسی مسکن را مورد بررسی قرار داده اند. در این میان محققینی دو خانه درون گرا را در اهواز از منظر سازمان دهی فضایی بررسی و به مفهوم حجاب در آن رسیده اند (حیاتی و اسفندیاری، ۱۳۹۵). نویسندگانی دیگر سازمان دهی فضایی را بر روی کالبد مدرسه تحلیل نموده و بر این مبناروابط درون و بیرون مدرسه را معرفی می نمایند (مظفر و میرمادی، ۱۳۹۱). از طرفی دیگر در مقاله ای به بررسی تاثیر شیوه زندگی بر سازمان فضایی خانه پرداخته شده است و نشان می دهد که با تغییر شیوه زندگی کارکردهایی که در داخل حیاط و فضای باز انجام می شده است، به درون خانه کشانده شده و در نهایت ویژگی های معماری بومی کاملاً از میان رفته است (یزدانفر و ضرابی الحسینی، ۱۳۹۴). این در حالی است که عموماً خانه ها را به صورت توصیفی ارائه نموده اند. پژوهش های تحلیلی انجام گرفته نیز، به طور خاص بر روی هندسه و سازمان دهی فضایی خانه های پهلوی اول شهر اصفهان نبوده است. همچنین پژوهشگرانی دیگر معماری مسکونی ایران را به دو گونه برون گرا و درون گرا تقسیم نموده اند (معماریان، ۱۳۸۶) و (معماریان، ۱۳۸۷) و برآنند که تا قبل از آغاز سده معاصر معماری برون گرا در کاخ ها و پس از آن به عرصه مسکونی وارد گشت (کیانی، ۱۳۹۳) و (قاسمی سیچانی، ۱۳۹۴). محققان در حوزه معماری بر این اعتقادند که از اواخر قاجار تحولات معماری معاصر آغاز و تاکنون ادامه داشته است و آن را به چهار دسته معماری اواخر قاجار، معماری پهلوی دوره اول، معماری پهلوی دوره دوم و معماری دوره انقلاب

اصفهان در طول حیات خود بارها مورد هجوم عوامل تخریبی قرار گرفته است و همواره مردم این مرز و بوم سعی در بازسازی آن نموده اند (خانی، ۱۳۹۱). در اوایل سده معاصر شهرهای ایران به لحاظ تغییرات فرهنگی موجب تحولاتی بنیادین گشت (بمانیان، ۱۳۸۵، صص ۸-۱۱). ساختار کالبدی بنا از این تغییرات مصون نماند (قبادیان، ۱۳۹۲). با این وجود محتوا و الگوی اصلی آن عموماً ثابت باقی مانده است (قاسمی سیچانی، ۱۳۸۴: ۱۱۲-۱۳۰). خانه های تاریخی بخشی از صفحات زرین هویت مردمان این سرزمین است (کوپایی، ۱۳۹۰، صص ۳-۴). «در بخش اعظم ساختار هر بنا یا شهر متشکل از الگویی از نسبت ها و روابط است» (الکساندر، ۱۳۸۶، صص ۷۴). تا قبل از سده معاصر، ساختار کالبدی خانه بر مبنای حیاط مرکزی و ویژگی های معماری مناطق نیمه گرم و خشک ایران شکل گرفته بوده اند (قاسمی سیچانی و همکاران، ۱۳۹۴، صص ۷۷-۹۲). و دارای ساختاری مرکزی بر اساس دو محور عمود بر هم بوده (دبیا، ۱۳۹۲، صص ۱۱۱-۱۴۰). که در آغاز سده معاصر این ساختار را از دست داده و سازمان دهی فضایی آن فرمتی برون گرا به خود گرفته است (کیانی، ۱۳۹۳). تکرارهای صورت گرفته در شرایط مختلف و خلاصه نمودن علت و معلول های آن، نظم و قاعده ی نهفته در بنا را مشخص می سازد (salingros, 2000). از اینرو با بررسی های این فرمت می توان به نحوه سازمان دهی فضایی خانه های این بازه زمانی دست یافت. لذا تحلیل سازمان دهی فضایی این خانه ها می تواند موجب درک بهتر و خوانا سازی ساختار کالبدی و روابط فضایی خانه های آغاز سده معاصر شود. همچنین کمبود منابع مکتوب در این زمینه را جبران و موجب حفظ معماری ایرانی، تداوم و معاصر سازی خانه ها گردد.

۱. ویژگی های هندسی در پلان خانه های برون گرا در آغاز سده معاصر بر پایه سازمان دهی فضایی چیست؟

۲. در پلان خانه های برون گرا و نیمه برون گرای آغاز سده معاصر شهر اصفهان، محصوریت کالبدی، عرصه های مختلف زندگی، فضاهای مثبت و منفی، ساختار شکل گیری فضا، فضاهای واسطه و ترکیب فضاها چگونه بوده است؟

در این پژوهش پس از بررسی منابع مکتوب، پیشینه پژوهش و روش تحقیق به معرفی نمونه های مطالعاتی پرداخته و سپس ویژگی معماری برون گرای آغاز سده



اسلامی تقسیم می نمایند (رجبی، ۱۳۵۵) و (کیانی، ۱۳۹۳) و (بانی مسعود، ۱۳۸۸) و (قاسمی سیچانی، ۱۳۸۴: ۱۱-۳۴) و ...}. همچنین معماری دوره پهلوی اول را آغاز سده معاصر معرفی میکنند (کیانی، ۱۳۹۳).

### روش تحقیق

داده های پژوهش بر پایه مطالعات میدانی، کتابخانه ای به دست می آید. روش نمونه گیری، خوشه ای تصادفی و جامعه آماری آن خانه های اعیانی برون گرا و نیمه برون گرای آغاز سده معاصر اصفهان با کاربری غیرمسکونی و قابل برداشت است. در این میان خانه های محتشمی (هنرمندان)، امیرقلی امینی، بنکدارپور و اسحاق ساسون به عنوان نمونه مطالعاتی انتخاب و پس از مدلسازی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. ابزار پژوهش در قسمت گردآوری داده های کتابخانه ای مقالات، منابع

شفاهی، مجلات و کتاب ها و در قسمت گردآوری داده های میدانی ابزارهای اندازه گیری و مستند سازی تصویری است. و در قسمت تحلیل داده ها از ابزارهای ترسیمی و گرافیکی همچون Auto cad 2016, Adobe Photoshop cc, Power Point 2013 به کار گرفته شده اند. این نگارش از روش تحقیق کمی استفاده خواهد نمود.

### معرفی نمونه مطالعاتی

#### خانه محتشمی (خانه هنرمندان)

این بنا در دوره پهلوی اول با الگو برداری از سبک به وجود آمده در دوران معاصر بنا شده است و فرمتی کاملاً برون گرا (کوشک مانند) دارد (قاسمی به زعم از مریم مانی، ۲۰۱۵، صص ۱۱۲-۱۳۰). که در حال حاضر کاربری خانه هنرمندان را به خود اختصاص داده و با همین نام خوانده می شود.

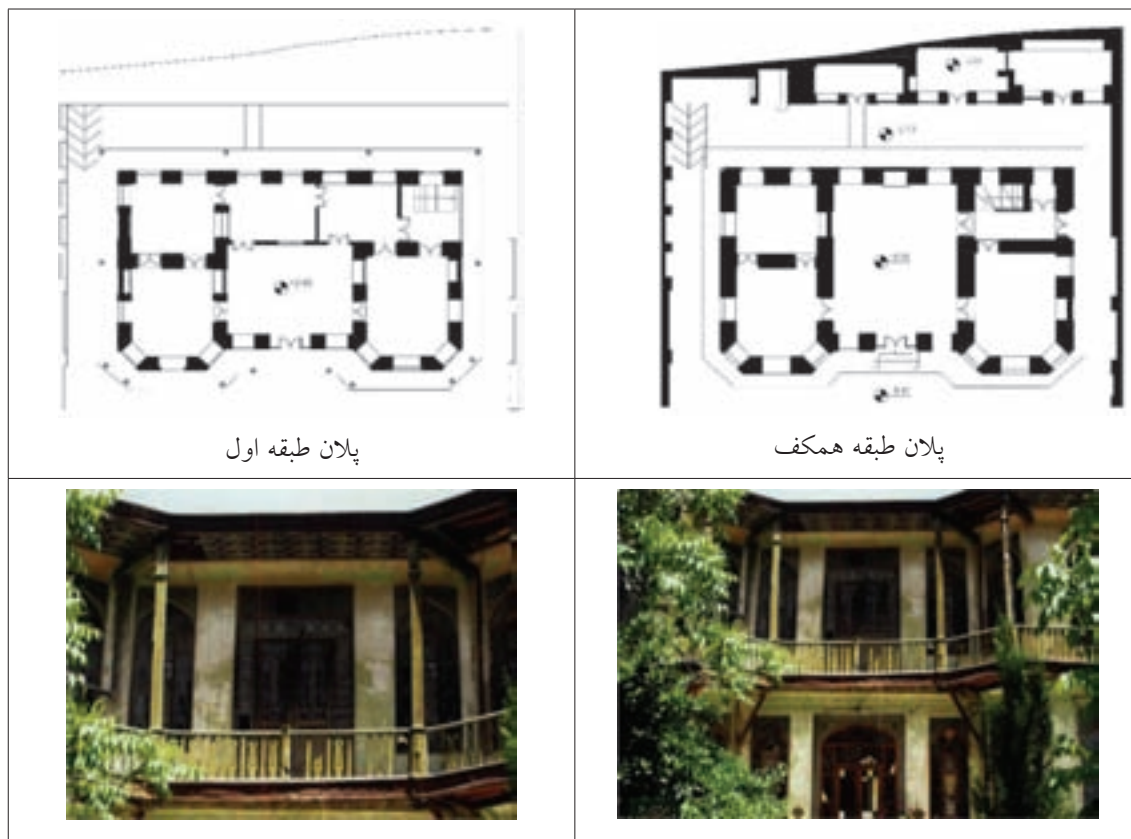
جدول ۱. معرفی پلان خانه هنرمندان؛ تدوین و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۶.

 <p>پلان طبقه اول</p>	 <p>پلان طبقه همکف</p>
	

### خانه اسحاق ساسون

این بنا در اواخر دوره ی قاجار، یا اوایل دوره طراح ساختمان و مهندس معمار بوده است پهلوی اول بنا گشته است. مالک اولیه این خانه (پرونده ثبتی میراث فرهنگی، ۱۳۸۶).

جدول ۲. معرفی پلان خانه اسحاق ساسون؛ تدوین و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۶.



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶  
No.49 Winter 2018

۱۳۶

### خانه بنکدارپور

این بنا در دوره پهلوی اول ساخته و در حال حاضر رو به ویرانی است. دارای فرمتی نیمه برون گرا و متعلق به یک قاضی بوده است.

جدول ۳. معرفی پلان خانه بنکدارپور؛ تدوین و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۶.



## خانه امیرقلی امینی

این بنا در دوره پهلوی اول با فرمتی نیمه برون گرا ساخته شده است و محل کار و زندگی روزنامه نگار اصفهانی بوده است (قاسمی به زعم از الهام سعادت نیا، ۲۰۱۵، صص ۱۱۲-۱۳۰). در حال حاضر نیز به کتابخانه امیرقلی امینی و محل گردهم آیی روزنامه نگاران تبدیل گشته است.

جدول ۴. معرفی پلان خانه امیرقلی امینی؛ تدوین و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۶.



پلان طبقه اول

پلان طبقه همکف



## تعریف دامنه معماری معاصر ایران

از زمان گرایش به نوگرایی و معماری غرب (در دوره‌ی قاجار)، همواره ایرانیان میان دو طیف غرب گرایی و نوگرایی از یک سو، و غرب ستیزی و سنت باوری از سوی دیگر در نوسان بوده اند، که این تقابل، در طی دوره‌ی معاصر ایران به شکل‌های گوناگونی تجلی یافته است (قاسمی سیچانی، ۱۳۸۴). براین مبنا معماری معاصر ایران را به چهار دوره تقسیم می نمایند:

۱. معماری اواخر دوره قاجار؛ ۲. معماری پهلوی دوره اول؛ ۳. معماری پهلوی دوره دوم؛ ۴. معماری دوره انقلاب

## آغاز سده معاصر ایران

نقطه آغاز معماری معاصر، شروع گرایش شدید به غرب در نظر گرفته شده است (قاسمی سیچانی، ۱۳۸۴). با شروع سلطنت پهلوی، همزمان با تغییرات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، معماری هم دچار تحول شگرفی شد. تقسیم بندی معماری معاصر ایران از سال ۱۳۰۰ در نظر گرفته شده است. دوره اول از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ و دوره دوم از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ بوده است (بانی مسعود، ۱۳۸۸). قبادیان نیز آغاز سده معاصر را همزمان با تحولات معماری دوران پهلوی اول مصادف با پادشاهی رضا شاه در سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ دانسته

است (قبادیان، ۱۳۹۲). این درحالی است که حائری مازندرانی شروع دوران معاصر را مترادف با شروع تحولات و تأثیرات غربی دانسته و از آن به عنوان دوران گذرا یاد می‌کند و آن را مترادف با سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ دانسته است (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸).

ویژگی های معماری آغاز سده معاصر (پهلوی اول) عبارتند از:

۱. برون گرایی.
۲. بیشترین تغییرات در پلان ساختمان.
۳. ظاهر بنا تا حدودی توانسته عناصر گذشته معماری را حفظ کند در حالی که درون بنا روابط فضایی پیش از خود را نداشت.
۴. تا قبل از دوران پهلوی پله ها بی ارزش بودند ولی در این دوره پله و راهرو از اهمیت بالایی در تنظیم روابط و عملکرد فضای داخلی برخوردار شدند.
۵. عناصر دیگر نظیر آب، آب نما، باغچه و گیاه به بیرون ساختمان کشانده شد. همچنین ساختمان ها، بسته به عملکرد و مقیاس آنها به دو یا چند حال تقسیم شدند و از ویژگی های اصلی آن راهروهایی طویل و یکنواخت با اتاقهای فراوان در طرفین است.
۶. شکل غالب پلکانهای داخلی بناها به گونه ای است که در ابتدا با پلکان عریض شروع و سپس در ادامه در محل پاگرد به دو پلکان در طرفین تقسیم می گردند و یا از ابتدا با دو پلکان در طرفین که معمولا به شکل حلزونی و بدون پاگرد هستند، ساخته شده اند که تمامی این شکل از پله ها از معماری اروپایی به ایران وارد گشت.
۷. تبدیل سیستم شعاعی به خطی به علت تغییر فرم پلان از حیاط مرکزی به راهروهای طویل.
۸. راهروها دارای عملکردی ارتباطی و بدون جذابیت فضایی معماری بوده است (کیانی، ۱۳۹۳).

### ساختار فضایی (هندسی خانه های اصفهان)

فضا یک ساختار هندسی و معماری و نمونه ای دقیق از یک ساختار نظام مند است. راپاپورت

محیط را مجموعه ای از روابط بین اشیاء و همچنین اشیاء با انسان تعریف می کند و سازماندهی آن را بر مبنای الگویی نظام مند می داند (نجومیان، ۱۳۹۰). این ساختار دارای نظم و سلسله مراتب خاصی است. داشتن سلسله مراتب بدان معناست که سازماندهی و ترکیب فضاها و عناصر بر اساس برخی از اصول کالبدی شکل گرفته اند (مهدوی نژاد و ناگهانی، ۱۳۹۰). یکی از این اصول محورها و تقارن می باشد. در خانه ها همیشه تقابل با بیرون در پی سازماندهی درون بوده است و در ساختار هندسی خانه تأثیر بسزایی داشته است (Wigley, 1994).

### سازماندهی فضایی در بنا

#### نقش فضا در معماری

فضای معماری در حقیقت ترکیبی از عوامل مختلف است. که بدون توجه به آنها فضا مفهومی نخواهد داشت. در واقع علاوه بر فرم، عوامل فرهنگی، عملکرد و... ساختار اصلی فضا را تشکیل می دهند. برورنوزوی و گیدئون، معماری را هنر ساختن فضا معرفی کرده اند (جعفری و ملکی، ۱۳۹۱) و فضا در لغت به معنای حجم، محدود یا بصری تعریف شده است (Petersen, 1996). پژوهشگران معتقد در هنرهای تجسمی فضا با توجه به فاصله ها و ابعاد اجزا و عناصر بصری یک اثر معنا پیدا می کند و سازماندهی فضا با درک مکان، زمان و اشیاء و ارتباط آن ها با یکدیگر انجام می شود. در معماری فضا در برگرفته ی شکل ها و روابط میان عناصر موجود در آن اثر است و با کمک عناصر و روابط میان آنها می توان از فضا، شکل فضا، فضای مثبت و منفی، فضای پروخالی و... سخن گفت (حسینی راد، ۱۳۹۲).

### انواع فضا

تا به حال دسته بندی بسیاری برای انواع گوناگون فضا در نظر گرفته شده است از قبیل فضای دیداری و شنیداری، فضای بویایی، فضای حس، فضای ریاضی و ادراکی و... (فاتح و داریوش، ۱۳۹۰) و (تی هال، ۱۳۷۶). در ادامه برخی از این فضاها توضیح داده شده است.



## فضای عمومی و فضای خصوصی

کیفیت های مناسب فضایی صورت می گیرند این فضاها به حالات مختلف در کنار یکدیگر قرار گرفته و ساختار خاصی را بوجود می آورند (دی کی چینگ، ۱۳۹۵) و (اعرابی، ۱۳۹۲) که در زیر برخی از آنها مشاهده می گردد.

### انواع سازماندهی فضایی

شعاعی
مرکزی
چند مرکزی
هم مرکزی
خطی
شبکه‌ای
مجموعه‌ای
ترکیبی از یک یا چند الگوی فوق

نمودار ۱. انواع سازماندهی فضایی؛ تدوین: نگارنده، ۱۳۹۶؛ برگرفته‌ای از اعرابی، ۱۳۹۳.

در تحلیل هندسی فضا می توان به انواع سازماندهی‌های فضایی دست یافت و به کمک آن الگوهای روابط فضایی و عرصه های مختلف بنا را یافت و از این طریق چهره ای از معماری را نمایان نمود (حجت، ۱۳۹۱).

### تقسیم بندی فضای معماری از منظر محصوریت کالبدی

۱. فضای باز: به فضایی که فاقد پوشش سقف بوده و جداره ها در صورت وجود از تمامی جهات این فضا را مسدود نکرده اند. این فضاها غالباً جزو فضاهای عمومی یا نیمه عمومی محسوب می شوند (فاتح و داریوش، ۱۳۹۰).
۲. فضای نیمه باز: حداثی بین فضای باز و بسته بوده است (جعفری و ملکی، ۱۳۹۱).
۳. فضای بسته: پیروی از سلسله مراتب و روابط موجود بین فرد و گروه مسایل زیست محیطی کرده. عموماً خصوصی و سرپوشیده هستند (همان، ۱۳۹۱).

هر فعالیت یا رفتار برای شکل گیری خود نیاز به حریم خاصی دارد که آن را به دو دسته عمومی و خصوصی می توان تقسیم نمود. فضایی که تحت مالکیت عده ای خاص بوده و یا از نظر کارکرد خاصش با نحوه طراحی و ویژگی های کالبدیش مورد استفاده تمامی افراد محله قرار نمی گیرد. فضای خصوصی است و آن دسته فضاهایی که تمام افراد مورد استفاده قرار می دهند فضایی عمومی است (فاتح و داریوش، ۱۳۹۰) در فضای ریاضی اختلافی بین فضای عمومی و خصوصی نبوده است ولی در فضای احساسی این اختلاف اهمیت بسزایی دارد (گروتر، ۱۳۹۴).

۱. فضای تهی یا خلاء: نوعی فضای ما بین که تابع اندازه، تناسب و فرم عناصر محدود کننده آن است. اگر این سه عامل برفضای مابین دو چیز اثر نگذارند، فضای موجود تهی نامیده می شود (همان، ۱۳۹۴).
۲. فضای مابین: فضایی که بین اشیاء قرار گرفته است، فضای مابین می باشد که برای شناخت اشیا ضروری است و تابع سه عامل اندازه، تناسب و فرم است (همان، ۱۳۹۴).
۳. فضای ارتباطی و کاربردی: این فضا تعیین می کند که شخصی با حرکت چگونه فضا را تجربه نموده و جایگاه ورودی، مرکز، پایانی و اهمیت فضاها را مشخص می کند. سازماندهی فضایی یک کاربری را آشکار می سازد (کلارک و پاز، ۱۳۹۵).
۴. فضای مثبت و منفی: فضای مثبت، فضایی است که یک فرم منفی را احاطه کرده باشد و فضای منفی فضایی است، که یک فرم مثبت را احاطه کرده باشد. فضای مثبت می تواند پس زمینه فرم های منفی و فضای منفی می تواند پس زمینه ی فرم های مثبت باشد. که تشخیص آن بدون قرارگیری در زمینه و کادر غیر ممکن است (ونگ، ۱۳۹۴).

### سازماندهی فضایی

سازماندهی و آرایش فضا جهت پاسخگویی مناسب عملکردی، دسترسی های مناسب و ایجاد





نمودار ۲. دسته بندی تحلیل در سازماندهی فضایی؛ تدوین: نگارندگان، ۱۳۹۶.

جدول ۵. تحلیل خانه اسحاق ساسون و امیرقلی امینی؛ ماخذ: یافته های تحقیق






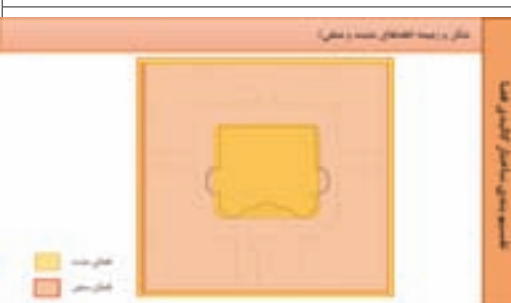

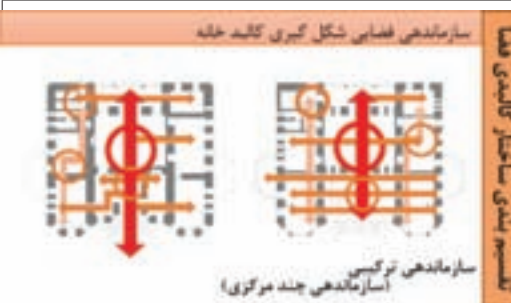
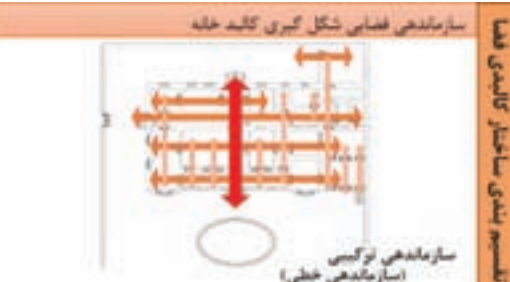
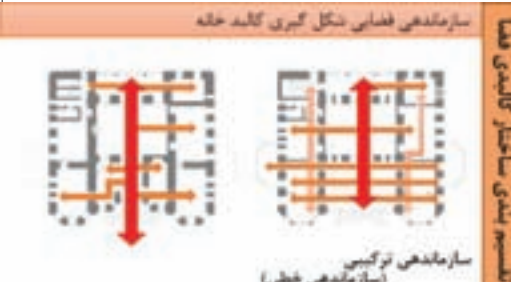
ردیف	خانه اسحاق ساسون	خانه امیرقلی امینی
۱	<p>تقسیم بندی فضا از منظر محصوریت کالبدی</p> <p>تقسیم بندی ساختار کالبدی فضا</p> <p>فضای باز، فضای نیمه باز، فضای بسته</p>	<p>تقسیم بندی فضا از منظر محصوریت کالبدی</p> <p>تقسیم بندی ساختار کالبدی فضا</p> <p>فضای باز، فضای نیمه باز، فضای بسته</p>
۲	<p>تقسیم بندی فضا از منظر عرصه های مختلف زندگی</p> <p>تقسیم بندی ساختار کالبدی فضا</p> <p>عمومی، خصوصی، نیمه خصوصی</p>	<p>تقسیم بندی فضا از منظر عرصه های مختلف زندگی</p> <p>تقسیم بندی ساختار کالبدی فضا</p> <p>عمومی، خصوصی، نیمه خصوصی</p>
۳	<p>شکل و زمینه (فضاهای مثبت و منفی)</p> <p>تقسیم بندی ساختار کالبدی فضا</p> <p>فضای مثبت، فضای منفی</p>	<p>شکل و زمینه (فضاهای مثبت و منفی)</p> <p>تقسیم بندی ساختار کالبدی فضا</p> <p>فضای مثبت، فضای منفی</p>

<p>سازماندهی فضای شکل گیری گالده خانه</p> <p>تقسیم بندی ساختمان کالبدی فضا</p> <p>سازماندهی فضای شکل گیری گالده خانه</p> <p>سازماندهی مرکزی (سازماندهی چند مرکزی)</p>	<p>سازماندهی فضای شکل گیری گالده خانه</p> <p>تقسیم بندی ساختمان کالبدی فضا</p> <p>سازماندهی فضای شکل گیری گالده خانه</p> <p>سازماندهی مرکزی (سازماندهی چند مرکزی)</p>	۴
<p>سازماندهی فضای شکل گیری گالده خانه</p> <p>تقسیم بندی ساختمان کالبدی فضا</p> <p>سازماندهی فضای شکل گیری گالده خانه</p> <p>سازماندهی خطی (سازماندهی خطی)</p>	<p>سازماندهی فضای شکل گیری گالده خانه</p> <p>تقسیم بندی ساختمان کالبدی فضا</p> <p>سازماندهی فضای شکل گیری گالده خانه</p> <p>سازماندهی خطی (سازماندهی خطی)</p>	۵
<p>سازماندهی فضای شکل گیری گالده خانه</p> <p>تقسیم بندی ساختمان کالبدی فضا</p> <p>سازماندهی فضای شکل گیری گالده خانه</p> <p>سازماندهی شبکه ای (سازماندهی شبکه ای)</p>	<p>سازماندهی فضای شکل گیری گالده خانه</p> <p>تقسیم بندی ساختمان کالبدی فضا</p> <p>سازماندهی فضای شکل گیری گالده خانه</p> <p>سازماندهی شبکه ای (سازماندهی شبکه ای)</p>	۶
<p>سازماندهی فضای شکل گیری گالده خانه</p> <p>تقسیم بندی ساختمان کالبدی فضا</p> <p>سازماندهی فضای شکل گیری گالده خانه</p> <p>سازماندهی محوری (سازماندهی محوری)</p>	<p>سازماندهی فضای شکل گیری گالده خانه</p> <p>تقسیم بندی ساختمان کالبدی فضا</p> <p>سازماندهی فضای شکل گیری گالده خانه</p> <p>سازماندهی محوری (سازماندهی محوری)</p>	۷
<p>فضاهای واسطه</p> <p>تقسیم بندی ساختمان کالبدی فضا</p> <p>فضاهای واسطه</p>	<p>فضاهای واسطه</p> <p>تقسیم بندی ساختمان کالبدی فضا</p> <p>فضاهای واسطه</p>	۸

<p>فضاهایی که توسط یک فضای مشترک یا یکدیگر ارتباط می‌یابند</p> <p>انواع ترکیب فضا</p>	<p>فضاهایی که توسط یک فضای مشترک یا یکدیگر ارتباط می‌یابند</p> <p>انواع ترکیب فضا</p>	۹
<p>روابط دسترسی خانه</p> <p>روابط فضایی خانه</p> <p>با واسطه بی واسطه</p>	<p>روابط دسترسی خانه</p> <p>روابط فضایی خانه</p> <p>با واسطه بی واسطه</p>	۱۰
<p>رابط درون خانه</p> <p>مسیرهای اصلی درجه ۱ مسیرهای فرعی درجه ۱ مسیرهای اصلی درجه ۲ مسیرهای فرعی درجه ۲</p>	<p>روابط درونی خانه</p> <p>مسیرهای اصلی درجه ۱ مسیرهای فرعی درجه ۱ مسیرهای اصلی درجه ۲ مسیرهای فرعی درجه ۲</p>	۱۱
<p>فضای ارتباط عمودی و افقی</p> <p>انواع فضایی عمودی انواع فضایی افقی</p>	<p>فضاهای ارتباطی عمودی و افقی</p> <p>انواع فضایی عمودی انواع فضایی افقی</p>	۱۲
<p>گره های فضایی</p> <p>گره فضایی اصلی گره فضایی فرعی</p>	<p>گره های فضایی</p> <p>گره فضایی اصلی گره فضایی فرعی</p>	۱۳



جدول ۶. تحلیل خانه بنکدارپور و هنرمندان؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

ردیف	خانه بنکدارپور	خانه هنرمندان
۱	<p>تقسیم بندی فضای منظر محصوریت کالبدی</p>  <p>تقسیم بندی فضای ساختار کالبدی فضای</p> <p>فضای باز    فضای نیمه باز    فضای بسته</p>	<p>تقسیم بندی فضای منظر محصوریت کالبدی</p>  <p>تقسیم بندی فضای ساختار کالبدی فضای</p> <p>فضای باز    فضای نیمه باز    فضای بسته</p>
۲	<p>تقسیم بندی فضای منظر عرضه های مختلف زندگی</p>  <p>تقسیم بندی فضای ساختار کالبدی فضای</p> <p>فضای خصوصی    فضای نیمه خصوصی    فضای عمومی</p>	<p>تقسیم بندی فضای منظر عرضه های مختلف زندگی</p>  <p>تقسیم بندی فضای ساختار کالبدی فضای</p> <p>فضای خصوصی    فضای نیمه خصوصی    فضای عمومی</p>
۳	<p>شکل و زمینه (فضاهای مثبت و منفی)</p>  <p>تقسیم بندی فضای ساختار کالبدی فضای</p> <p>فضای مثبت    فضای منفی</p>	<p>شکل و زمینه (فضاهای مثبت و منفی)</p>  <p>تقسیم بندی فضای ساختار کالبدی فضای</p> <p>فضای مثبت    فضای منفی</p>
۴	<p>سازماندهی فضایی شکل گیری کالبد خانه</p>  <p>تقسیم بندی فضای ساختار کالبدی فضای</p> <p>سازماندهی ترکیبی (سازماندهی چند مرکزی)</p>	<p>سازماندهی فضایی شکل گیری کالبد خانه</p>  <p>تقسیم بندی فضای ساختار کالبدی فضای</p> <p>سازماندهی ترکیبی (سازماندهی چند مرکزی)</p>
۵	<p>سازماندهی فضایی شکل گیری کالبد خانه</p>  <p>تقسیم بندی فضای ساختار کالبدی فضای</p> <p>سازماندهی ترکیبی (سازماندهی خطی)</p>	<p>سازماندهی فضایی شکل گیری کالبد خانه</p>  <p>تقسیم بندی فضای ساختار کالبدی فضای</p> <p>سازماندهی ترکیبی (سازماندهی خطی)</p>

<p>سازماندهی فضایی شکل گیری گنبد خانه</p>  <p>تفسیر بندی ساختار کالبدی فضا</p> <p>سازماندهی ترکیبی (سازماندهی شبکه ای)</p>	<p>سازماندهی فضای شکل گیری گنبد خانه</p>  <p>تفسیر بندی ساختار کالبدی فضا</p> <p>سازماندهی ترکیبی (سازماندهی شبکه ای)</p>	<p>سازماندهی فضایی شکل گیری گنبد خانه</p>  <p>تفسیر بندی ساختار کالبدی فضا</p> <p>سازماندهی ترکیبی (سازماندهی محوری)</p>	<p>سازماندهی فضای شکل گیری گنبد خانه</p>  <p>تفسیر بندی ساختار کالبدی فضا</p> <p>سازماندهی ترکیبی (سازماندهی محوری)</p>	<p>فضاهای واسطه</p>  <p>تفسیر بندی ساختار کالبدی فضا</p> <p>فضاهای واسطه</p>	<p>فضاهای واسطه</p>  <p>تفسیر بندی ساختار کالبدی فضا</p> <p>فضاهای واسطه</p>	<p>فضاهایی که توسط یک فضای مشترک با یکدیگر ارتباط می یابند</p>  <p>انواع ترکیب فضا</p>	<p>فضاهایی که توسط یک فضای مشترک با یکدیگر ارتباط می یابند</p>  <p>انواع ترکیب فضا</p>	<p>روابط دسترسی خانه</p>  <p>روابطه فضایی خانه</p> <p>این واسطه</p> <p>یا واسطه</p>	<p>روابط دسترسی خانه</p>  <p>روابطه فضایی خانه</p> <p>این واسطه</p> <p>یا واسطه</p>					
		۶			۷			۸			۹			۱۰



<p>روابط درونی خانه</p> <p>مسرح‌های اصلی 1 مسرح‌های فرعی 2</p>	<p>روابط فضایی خانه</p> <p>مسرح‌های اصلی 1 مسرح‌های فرعی 2</p>	۱۱
<p>فضاهای ارتباطی عمودی و افقی</p> <p>ارتباط عمودی ارتباط افقی</p>	<p>فضاهای ارتباطی عمودی و افقی</p> <p>ارتباط عمودی ارتباط افقی</p>	۱۲
<p>گروه‌های فضایی</p> <p>گروه فضایی اصلی گروه فضایی فرعی</p>	<p>گروه‌های فضایی</p> <p>گروه فضایی اصلی گروه فضایی فرعی</p>	۱۳

جدول ۷. تحلیل ساختار کالبدی فضا؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

ساختمان کالبدی فضا	خانه اسحاق ساسون	خانه امیر قلی امینی	خانه بنکدارپور	خانه هنرمندان
محصوریت کالبدی	فضای باز: چهار طرف کالبد اصلی فضای نیمه باز: چهار طرف طبقه دوم فضای بسته: در سمت شمال و کالبد اصلی گوشه	فضای باز: سه طرف کالبد بنا فضای نیمه باز: در قسمت شمالی و جنوبی طبقه دوم فضای بسته: در سمت شمال و از ضلع شمالی کاملاً بسته	فضای باز: سه طرف کالبد بنا فضای نیمه باز: در قسمت جنوبی فضای بسته: در سمت شمال و ضلع شرقی کاملاً بسته	فضای باز: چهار طرف کالبد بنا فضای نیمه باز: طبقه اول سمت جنوب و طبقه دوم در قسمت شرقی و غربی فضای بسته: گوشه

جدول ۷. تحلیل ساختار کالبدی فضا؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

ساختمان کالبدی فضا	خانه اسحاق ساسون	خانه امیر قلی امینی	خانه بنکدارپور	خانه هنرمندان
عرصه های مختلف زندگی	عمومی: در وسط ساخت رو به جنوب و شرق و غرب نیمه خصوصی: در شمال	عمومی: در وسط ساخت رو به جنوب و شرق و غرب نیمه خصوصی: در شمال	عمومی: در وسط ساخت رو به جنوب و شرق و غرب نیمه خصوصی: در شمال	عمومی: در وسط ساخت رو به جنوب و شرق و غرب نیمه خصوصی: در شمال
شکل و زمینه	شکل: کاملاً برون گرا زمینه: محدود به شکل محیطی سایت	شکل: نیمه برون گرا زمینه: محدود به شکل محیطی سایت	شکل: نیمه برون گرا زمینه: محدود به شکل محیطی سایت	شکل: کاملاً برون گرا زمینه: نا مشخص
نحوه سازماندهی فضاها	سازماندهی ترکیبی (چند مرکزی، خطی، شبکه ای، محوری)	سازماندهی ترکیبی (چند مرکزی، خطی، شبکه ای، محوری)	سازماندهی ترکیبی (چند مرکزی، خطی، شبکه ای)	سازماندهی ترکیبی (چند مرکزی، خطی، شبکه ای، محوری)
فضای واسطه	در مرکز و قسمت شرقی	در مرکز و قسمت شرقی	در مرکز و قسمت شرقی	در مرکز و قسمت غربی
فضای ارتباط یافته توسط فضای مشترک	در قسمت جنوبی	در مرکز بنا	در مرکز بنا	در قسمت جنوبی

جدول ۸. تحلیل روابط فضایی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

ساختر کالبدی فضا	خانه اسحاق ساسون	خانه امیر قلی امینی	خانه بنکدارپور	خانه هنرمندان
روابط دسترسی خانه	با واسطه	با واسطه	با واسطه	بی واسطه
روابط درونی خانه	اصلی درجه ۱: محور شمالی، جنوبی اصلی درجه ۲: محور شرقی، غربی فرعی درجه ۱: محور شمالی، جنوبی فرعی درجه ۲: محور شمالی، جنوبی	اصلی درجه ۱: محور شمالی، جنوبی اصلی درجه ۲: محور شرقی، غربی فرعی درجه ۱: محور شمالی، جنوبی فرعی درجه ۲: محور شرقی، غربی	اصلی درجه ۱: محور شمالی، جنوبی اصلی درجه ۲: محور شرقی، غربی فرعی درجه ۱: محور شمالی، جنوبی فرعی درجه ۲: محور شرقی، غربی	اصلی درجه ۱: محور شمالی، جنوبی اصلی درجه ۲: محور شرقی، غربی فرعی درجه ۱: محور شمالی، جنوبی فرعی درجه ۲: محور شرقی، غربی
فضای ارتباطی عمودی و افقی	ارتباط افقی: شمال شرقی ارتباط عمودی: شمال شرقی	ارتباط افقی: مرکز بنا ارتباط عمودی: شمال شرقی	ارتباط افقی: مرکز و جنوب بنا ارتباط عمودی: ضلع پیرامونی بنا	ارتباط افقی: شمال غربی و جنوب ارتباط عمودی: شمال غربی و جنوب
گره های فضایی	گره اصلی: در مرکز و جنوب گره فرعی: در شرق و غرب	گره اصلی: در مرکز و جنوب گره فرعی: در شرق و غرب و شمال	گره اصلی: در مرکز و جنوب گره فرعی: در شرق و غرب و شمال	گره اصلی: در مرکز و جنوب گره فرعی: در شرق و غرب و شمال

### نتیجه گیری و جمع بندی

پس از تحلیل روابط و ساختار کالبدی فضا بر روی پلان خانه های هنرمندان، بنکدارپور، اسحاق ساسون و امیرقلی امینی به عنوان نمونه شاخص برون گرایی در خانه های پهلوی اول شهر اصفهان که در جدول شماره ۵ و ۶ مشاهده شده است و مقایسه تطبیقی فی مابین آنها در جدول شماره ۷ و ۸ رموز نهفته در کالبد خانه های این دوره آشکار گشت که خانه های برون گرای این بازه زمانی کوشک مانند و نیمه برون گرای آنها در یک جبهه بسته بوده اند. کالبد بنا در تمامی نمونه ها در ضلع شمالی، فضای عمومی در وسط ساخت رو به جنوب فضای خصوصی در شرق و غرب و نیمه خصوصی در شمال واقع گشته است. سازمان دهی فضایی آنها ترکیبی از سازماندهی محوری، چند مرکزی، خطی و شبکه ای بوده است. فضای واسط در این خانه در مرکز و قسمت شرقی قرار داشته که در خانه هنرمندان قرینه این موضوع دیده می

شود. فضاهای ارتباط یافته توسط فضای مشترک در کالبد این بناها در مرکز بنا و یا قسمت جنوبی قرار داشته است. روابط دسترسی به خانه بجز خانه هنرمندان همگی با واسطه بوده و فضاهای درونی آن دارای روابطی یکسان با محورهای اصلی و فرعی درجه ۱ شمالی و جنوبی، محور اصلی و فرعی درجه ۲ شرقی، غربی بوده اند. ارتباط عمودی در پلان های دو طبقه این دوره در ضلع شمال شرقی و تنها خانه هنرمندان در ضلع جنوب غربی بوده است و ارتباطات افقی آن متفاوت بوده است. گره های فضایی در تمامی پلان ها یکسان و گره های اصلی همگی در مرکز و جنوب و گره های فرعی در شرق و غرب قرار گرفته اند. بررسی های انجام شده آشکار ساخت اصول و قوانین مشترکی در نحوه قرارگیری فضاها و روابط میان آنها در پلان خانه های آغاز سده معاصر اصفهان وجود داشته که آن را به سبکی متفاوت با گذشته تبدیل نموده است.

## منابع و ماخذ

۱. اعرابی، جعفر. (۱۳۹۲) آفرینش فرم. مشهد: چاپ آستان قدس رضوی.
۲. الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۹) معماری و راز جاودانگی. تهران: روزنه.
۳. اهری، زهرا، حبیبی، محسن، قره چمنی، غلام محمد. (۱۳۸۰) مکتب اصفهان در شهرسازی (زبانشناسی عناصر و فضاهای شهری، واژگان و قواعد دستوری). تهران: دانشگاه هنر.
۴. بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۸) معماری معاصر ایران. تهران: نشر هنر معماری.
۵. بمانیان، محمد رضا. (۱۳۸۵) عوامل موثر بر شکل گیری معماری و شهرسازی در دوره پهلوی اول. دوفصلنامه مدرس هنر، دوره ۱ شماره ۱-۸.
۶. تی.هال، ادوارد. (۱۳۷۶) بعدپنهان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. جعفری، امین، و سلما ملکی. (۱۳۹۱) مبانی نظری. تهران: انتشارات طحان.
۸. حائری مازندرانی، محمد رضا. (۱۳۸۸) خانه، فرهنگ، طبیعت. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۹. حجت، عیسی. (۱۳۹۱) مشق معماری. تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. حسینی راد، عبدالمجید. (۱۳۹۲) مبانی هنرهای تجسمی. تهران: آموزش و پرورش.
۱۱. حیاتی، حامد، اسفندیاری، شادان. (۱۳۹۵) بررسی سازمان دهی فضایی خانه های سنتی خوزستان. نشریه تحقیقات جدید در علوم انسانی ۱۵۱-۱۵۸.
۱۲. حیدری، علی اکبر، قاسم مطلبی، و فروغ نگین تاجی. (۱۳۹۳) تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه های سنتی و مجتمع های مسکونی امروزی. نشریه هنرهای زیبا ۷۵-۸۶.
۱۳. خانی، سمیه. (۱۳۹۱) بررسی تأثیر کالبد خانه های دوره پهلوی اول اصفهان در تعاملات اجتماعی ساکنان (پایان نامه ارشد).
۱۴. دالوند، پگاه، و مریم قاسمی سیچانی. (۱۳۹۰) خانه های اصفهان تجلی خلاقیت به رغم عوامل تاثیر گذار. دانش نما ۱۱۶-۱۲۶.
۱۵. دی کی چینگ، فرانسیس (۱۳۹۵) معماری: فرم، فضا و نظم. ترجمه: علیرضا تغابنی، سیده صدیقه قوبدل. تهران: انتشارات کتاب وارث.
۱۶. دیبا، داراب، فیلیپ ریوالت، و سرژ ساتلی. (۱۳۹۲) خانه های اصفهان. ترجمه مریم قاسمی سیچانی. اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
۱۷. دیبا، داراب، و سرژ ساتلی. (۱۳۹۲) مقدمه ای بر خانه های اصفهان. خانه های اصفهان ۲۹-۳۱.
۱۸. رجبی، پرویز. (۱۳۵۵) معماری ایران در عصر پهلوی. تهران: دانشگاه ملی ایران.
۱۹. عمومی، محمد. (۱۳۸۷) معماری، الگو و نظم. اصفهان: نشر خاک.
۲۰. فاتح، محمد، و بابک داریوش. (۱۳۹۰) مبانی نظری معماری. تهران: انتشارات علم و دانش.
۲۱. فیضی، محسن، و مهدی خاک زند. (۱۳۹۴) تجزیه و تحلیل ۲۰ اثر از ۱۰۰ سال معماری معاصر جهان. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۲. قاسمی سیچانی، مریم. (۱۳۹۴) مقدمه ای بر سیر تحول مسکن در دوره معاصر. دانش نما ۱۱۲-۱۳۰.
۲۳. قاسمی سیچانی، مریم. (۱۳۹۴) مقدمه ای بر معماری معاصر اصفهان. دانش نما ۱۱-۳۴.
۲۴. قاسمی سیچانی، مریم، بهنام پدرام، و آزاده حریری. (۱۳۹۴) تحلیل خانه تاریخی تک بادگیره باجغلی (میرزا علی صراف) بر مبنای سازماندهی فضایی. فصلنامه علمی، فنی، هنری اثر ۷۷-۹۲.
۲۵. قاسمی سیچانی، مریم، و غلامحسین معاریان. (۱۳۸۸) گونه شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان. نشریه هویت شهر، سال پنجم، شماره ۷ ۸۷-۹۴.
۲۶. قبادیان، وحید. (۱۳۹۲) سبک شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران. تهران: انتشارات موسسه علم معمار.
۲۷. کاراپتیان، کاراپت. (۱۳۸۵) خانه های ارامنه جلفای نو اصفهان ترجمه مریم قاسمی

- شناختی خانه های تاریخی کاشان. دانش نما ۶۱-۴۹.
۴۰. ونگ، وسیوس. (۱۳۹۴) اصول فرم و طرح ترجمه آزاده بیداریخت، نسترن لواسانی. تهران: نشر نی.
۴۱. یزدانفر، سید عباس؛ مهسا ضرابی الحسینی. (۱۳۹۴) تاثیر شیوه زندگی بر سازمان فضایی خانه (نمونه مطالعاتی شهرستان ارومیه). فصلنامه علمی و پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران ۶۱-۴۵.
42. Petersen, Alen. 1996. Dictionary of Islamic Architecture. London and New York: Routledge.
43. Salingaros, Nikolaus. 2000. Hierarchical Cooperation in Architecture, and the Mathematical Necessity for Ornament. Journal of Architectural and Planning Research vol. 17 pp to appear.
44. Wigley, Mark. 1994. The Domestication of the House: Deconstruction after Architecture. Cambridge 227203-
- سیچانی. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
۲۸. کلارک، راجر، و مایکل پاز. (۱۳۹۵) ایده های شاخص در معماری ترجمه محمد رضا ثقفی، هومن خواجه پور. تهران: جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
۲۹. کوپایی، عبدالله. (۱۳۹۰) حفظ خانه های تاریخی همت جمعی را می طلبد. دانش نما ۴-۳.
۳۰. کیانی، مصطفی. (۱۳۹۳) معماری دوره پهلوی اول، دگرگونی اندیشه ها، پیدایش و شکل گیری معماری دوره بیست ساله. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۳۱. گروتز، یورگ کورت. (۱۳۹۴) زیبایی شناسی در معماری. ترجمه: دکتر جهان شاه پاکزاد، مهندس عبدالرضا همایون. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۳۲. محمودی، مرتضی. (۱۳۸۸) گونه شناسی خانه های مشهد در اواخر دوره قاجار و پهلوی اول (پایان نامه ارشد).
۳۳. مختاریان، علی. (۱۳۹۰) حفظ خانه های تاریخی همت جمعی را می طلبد. دانش نما ۴۲-۳۸.
۳۴. معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۶) آشنایی با معماری مسکونی ایرانی گونه شناسی بروننگرا. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
۳۵. (۱۳۸۷) آشنایی با معماری مسکونی ایرانی گونه شناسی بروننگرا. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
۳۶. مهدوی نژاد، محمد جواد؛ و نوشین ناگهانی. (۱۳۹۰) تاثیر سواد بصری بر درک زیبایی در آثار معماری. "مجله علمی-پژوهشی معماری و شهرسازی آرمان شهر ۶۲-۵۱.
۳۷. میناسیان، لئون. (۱۳۹۰) خانه های اصفهان تجلی خلاقیت به رغم عوامل تاثیر گذار. دانش نما ۱۱۵-۱۰۲.
۳۸. مظفر، فرهنگ. میرمرادی، سیده سمیه. (۱۳۹۱) بررسی الگوهای رایج چیدمانی مدارس ایرانی با توجه به اصول ارتباط میان کلاس درس و فضاهای بیرونی. معماری و شهرسازی آرمان شهر ۱۰۵-۹۳.
۳۹. نجومیان، امیر علی. (۱۳۹۰) تحلیل نشانه



## مولفه ها و شاخصهای شکلگیری مکان به عرصه‌های شهری از منظر نظریه انتقادی

حامد کاوش‌نیا - پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران  
علیرضا بندرآباد\* - استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران  
آتوسا مدیری - استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

### چکیده

امروزه طرح و تعمیم نظریه‌های انتقادی به شهر و منجمله «عرصه‌های عمومی شهری» در ادامه تلاشهای انسان معاصر برای دستیابی به شرایط زیستی مطلوب به عنوان یکی از مهم‌ترین آرمانهای جنبش‌های اجتماعی و همچنین حاصل «غنای تجربه‌های تاریخی و ثمره نظری انباشتگی معرفتها» است. حوزه عمومی در واقع ایده یا مفهومی هنجاری است که در چارچوب کلی نظریات کلی هابرماس درباره کنش ارتباطی و اخلاق گفتگو جای دارد. حوزه عمومی بخشی از حیات اجتماعی است که در آن شهروندان می‌توانند به تبادل نظر درباره موضوعات و مسایل مهم مربوط به خیر عمومی (مصالح عامه) بپردازند. نتیجه این امر شکل‌گیری افکار عمومی است. فیلسوفان دموکراتیک نیز بر این باورند که این فضاها تجلی کالبدی حوزه عمومی، عرصه فعالیت، ارتباط و گفتگوی انسانهای آزاد و گروه‌های مختلف و همچنین محل شکلگیری حیات مدنی است. بر این اساس در این مقاله به بررسی مولفه‌ها و شاخصهای شکلگیری مکان به عرصه‌های شهری از منظر نظریه انتقادی پرداخته شده و در انتها نتایج تحقیق به اختصار مورد اشاره قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: عرصه عمومی، نظریه انتقادی، تحلیل عاملی.

### Dialectical arenas (components and indicators of place formation in urban areas from the perspective of critical theory)

#### Abstract

The public sphere is in fact a normative concept or concept in the general context of Habermas's general theories of communicative action and the ethics of dialogue. The public sphere is part of a social life in which citizens can exchange views on important issues related to public good (public interest). The result is the formation of public opinion. Democratic philosophers also believe that these spaces are the physical manifestation of the public domain, the field of activity, the communication of free people and groups, and the place of the formation of civil life.

Keywords: Place, public sphere, critical theory, factor analysis.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری شهرسازی نویسنده اول با عنوان «از مکان تا عرصه‌های شهری (تبیین مولفه‌های ارتقاء مکان به عرصه‌های عمومی از منظر نظریه انتقادی)» با راهنمایی دکتر علیرضا بندرآباد و مشاوره دکتر آتوسا مدیری استخراج شده است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز در حال انجام است. نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۳۴۳۱۱۵۰، رایانامه: bandarabad@yahoo.com

## مقدمه

بحث «فضا و معنای فضا» از دیرباز تاکنون مورد نقد و بررسی قرار گرفته و به‌طور عمده در دو حوزه «معماری و فلسفه» به آن توجه شده است. «فردریش نیچه» متفکر پایانی عقل مدرن و ابتدای قرن بیستم پیش‌بینی کرده بود که تحولات آینده جهان به سمتی می‌رود که تغییرات اساسی را شکل‌دهی می‌کند تا ما با مفاهیم جدید و «پسانسانی» روبه‌رو گردیم (فوکویاما، ۱۳۸۳، ص ۳۶). واژه public sphere را حوزه عمومی، عرصه عمومی، سیطره عمومی، قلمرو عمومی، قلمرو فضای عمومی و فضای عمومی ترجمه کرده اند. لغت عمومی که از واژه لاتین populus به معنی «مردم» گرفته شده، معنای گسترده‌ای دارد. واژه‌های معادلی که در فرهنگ آکسفورد به عنوان صفت برای این واژه آمده، عبارتند از: «متعلق به مردم بودن؛ تعلق داشتن یا تمایل داشتن به یک جمعیت یا ملت یا در نظر گرفتن منافع آنها؛ کاری یا چیزی که برای یا توسط اعضای یک اجتماع منسجم محلی انجام شده یا ساخته شده؛ مجوز نمایندگی داشتن از طرف یک اجتماع منسجم محلی؛ آماده یا در دسترس یا قابل استفاده بودن یا سهمیدن تمام اعضای آن اجتماع؛ در انحصار استفاده خصوصی نبودن؛ در معرض دید و مشاهده یا اطلاع عموم قرار داشتن؛ پاسخگو بودن به عموم؛ ... در حالت اسم، معنای این واژه عبارتند از: علنی؛ مکان یا حالتی باز که در دید یا دسترس همگان باشد؛ گشوده؛ جامعه‌ساماندهی شده؛ پلیتیک شفاف؛ ملت، کشور و غیره (مدنی پور، ۱۳۸۹، صص ۱۳۲ و ۱۳۳).

## روش پژوهش

با توجه به ماهیت تحقیق و لزوم در نظرگیری معیارهای شکل‌گیری عرصه‌های عمومی این پژوهش مبتنی بر دو نوع روش کیفی و کمی می‌گردد که روش‌های تحقیق حاضر عبارتند از:

۱. روش توصیفی - تحلیلی؛ در مرحله جمع‌آوری ادبیات و مبانی نظری تحقیق درباره تعاریف، مفاهیم و احراز مفهوم مکان و عرصه‌های عمومی شهری؛

۲. روش فراتحلیل؛ در راستای جمع‌بندی و تحلیل کلیه تحقیقات صورت گرفته درباره مفهوم مکان شهری و پدیداری عرصه‌های عمومی شهری؛
۳. روش اسنادی؛ در راستای جمع‌بندی نهایی ادبیات و مبانی نظری تحقیق؛
۴. روش دلفی و کارشناسی؛ در راستای تدوین سوالات و گویه‌های پرسشنامه تحقیق رساله؛
۵. روش پیمایشی؛ در راستای جمع‌آوری پرسشنامه در سطح جامعه آماری و نمونه موردی و تحلیل و جمع‌بندی نهایی پرسشنامه‌های دیدگاه شهروندی به مفهوم عوامل زمینه ساز عرصه‌های شهری و پارامترها و عواملی از نظر آنها باید در فضاها و مکان‌های شهری امکان بروز یابد.
۶. روش تحلیل محتوا و تحلیل عاملی

## مواضع بنیادی پارادایم‌های عمده معاصر

با درک عمیق‌تر از کیفیت‌های محیط ما را هر چه بیشتر به این مفهوم رهنمون می‌سازد که می‌توان با دیدگاه‌های ضد پوزیتیویسم موضوع را مورد بازشناسی قرار داد (محمدپور، ۱۳۹۲، ص ۲۱) به عبارت ساده‌تر پدیده‌های اجتماعی را نمی‌توان تنها به شیوه اثباتی و حتی روش‌های پسا اثباتی مورد بازشناسی قرار داد بلکه خوانش مکان و فضای شهر از دیدگاه‌هایی که در فضای پست مدرن به جهت ذات دیالکتیکی بودن مبحث می‌بایستی رد هر ابر روایت را حتی برای خود پست‌مدرن نیز رد کرد. خوانش فمینیسم و نظریه انتقادی از جمله تحرکاتی هستند که اگرچه جهت پیکان را به نقد از فضای مدرن در فضای شهر نشانه می‌رود اما در برخی از ویژگی‌ها نیز با رویکرد پست‌مدرن از شهر نیز سازگار نیست (محمدپور، ۱۳۹۲، ص ۴۲) از مهمترین تحولات دوره ما مسائلی مثل انقلاب اطلاعات و ارتباطات، جهانی شدن و شهرهای چند فرهنگی است و مجموعه همه اینها یعنی دگرگون شدن ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و تحول بنیادین معنای مکان و جستجوی پایگاه‌هایی متفاوت از قبل (مدنی پور، ۱۳۷۹، ص ۳۶) جهت‌گیری که در شهرهای امروز در حال رخ دادن است حرکت به سمت انواع جدید واقعیت‌های شهری است. در واقع علائم بسیاری وجود دارد که

به ما می گوید دانش و فرهنگ و خلاقیت به کلمات کلیدی در مفاهیم شهری جدید تبدیل شده اند. آنچه به ذهن متبادر می شود این دگرگونی ها چگونه ساختار شهرها و اجتماعات ما را تغییر می دهند و آینده شهر چه خواهد شد و این دگرگونی ها چه تغییراتی را در فضاهای شهری بوجود می آورند. از نظر مکتب فرانکفورت، پیدایش و رواج یافتن رسانه های جمعی و «صنعت فرهنگ» و رخنه بی وقفه آنها در زندگی

در طول قرن بیستم، نشانگر چرخش از سرمایه داری لیبرالی خود تنظیم شونده قرن نوزدهم به «سرمایه داری سازمان یافته و سراپا برنامه ریزی شده» قرن بیستم است. این ویژگی با گسترش هر چه بیشتر پدیده جهانی شدن موجب تغییر ساختار شهرها و همگرایی هر چه بیشتر به نفع رد تمایزات فرهنگی و شکلی و یا به عبارت ساده تر همشکلی در قرن بیست و یکم خواهد شد.

عنوان	اثبات گرایی (پارادایم محیط سنج) منطق تبیین (ساختاری، نظری و علی)	پسا اثبات گرایی	نظریه انتقادی	
کلیات	ریشه فلسفی در آرا بیکن، دکارت، هیوم؛ ریشه جامعه شناسی بر رهیافت تجربه گرایی سن سیمون، آگوست کنت، دورکیم و دیگران دارد؛ مبتنی بر روش تجربی - مشاهده ای؛ واقعیت های غیر قابل تغییر در محیط؛ مبتنی بر اصالت محیط؛ تبیین داده ها بیشتر مبتنی بر فرض خطی بودن داده ها صورت می گیرد و در واقع بیشتر بازی با اعداد است.	نقد و دگرگونی ساختارهای اجتماعی که محدود کننده انسان است؛ مخالف دانش محافظه کار؛ دانش به مثابه بینش ها و اندیشه های ساختاری - تاریخی که دگرگون می شود؛ انسان موجودی خلاق اما گمراه شده؛ تحقیق سیاسی از نظر بوردیو؛ هدف تحقیق آشکارسازی رویدادهای ظاهراً عادی و بدیهی		
هستی شناسی	واقع گرایی بومی - واقعیت واقعی و قابل درک	واقع گرایی محتمل - انتقادی	واقع گرایی تاریخی - واقعیت مجازی (ارزش های اجتماعی سیاسی اقتصادی و جنسیتی در خلال زمان)	
معرفت شناختی	عینی گرا: یافته ها حقیقت دارند	یافته ها احتمالاً حقیقت دارند.	مبادله ای - ذهن گرا؛ تعاملی؛ تعامل سوژه و ابژه	
روش شناسی	دستکاری کننده (تایید فرضیه ها عمدتاً روش های کمی)	آزمایشی، دستکاری شده تعدیل شده - چندگرای انتقادی، ابطال فرضیه ها ممکن است روش های کیفی را نیز به خدمت بگیرند	گفتگویی و جدلی؛ ناآگاهی و درک نامناسب تبدیل به آگاهی «آگاهی بخش»	

## مبانی نظری

یکی از مسایل بنیادین در شناخت و درک نقش محیط ساخته شده در زندگی مردم و نیز کسب توانایی در طراحی و دگرگونی آن در راستای ایجاد تأثیرات مثبت، فهم چستی معنای محیط است. فضای اطراف اصلی ترین معیار تعریف محیط است، قرابت معنایی این دو مفهوم در مباحث طراحی شهری به نحوی است که محیط شهری ساخته شده را با در نظر گرفتن شروطی، فضای شهری می نامند. بنابراین هر تعریف، توصیف یا تبیین ماهیت کارکرد محیط باید با توجه به چیزی در فضای اطراف ما باشد. از این رو شناخت مفاهیم فضا شاید در مرحله اول شناخت محیط اطراف و در نهایت ساختار فضای شهری باشد. فرهنگ انگلیسی آکسفورد دست کم ۱۹ معنی برای واژه فضا می آورد، که از جمله می توان به اینها اشاره کرد: گستره ای پیوسته که در آن اشیا وجود دارند و حرکت می کنند، مقداری از یک منطقه که چیز خاصی آن را اشغال می کند یا برای هدف خاصی در اختیار گرفته شده است و فاصله میان نقاط و اشیا.<sup>۱</sup> این معانی نشانگر برخی از موارد درک مشترک از این واژه اند که در زندگی روزمره به کار می رود. همچنین تصویرگر پیچیدگی این مفهوم و اشاره گر به مباحثی عمیق و ریشه دار درباره فضا است که مدت ها است مطرح اند. اگر جستجو به دنبال رویکرد فضا را در بطن علوم اجتماعی آغاز کنیم، با عدم حضور این واژه در اکثر کتاب های مرجع جامعه شناسی مواجه می شویم (هولت، ۱۹۶۹؛ میچل، ۱۹۷۹؛ آبرکرومبی، ورتنر، ۱۹۸۴؛ بودون و بوریگاد، ۱۹۸۹؛ مارشال، ۱۹۹۴) و این گواهی است بر این مطلب که تاکنون جامعه شناسان به ندرت علاقه ای قوی به فضا از

۱. فضاهای شهری به طور کلی نظم عمومی جهان انسانی را بازتولید می کند. در این فضاها تماس میان شهرنشینان اتفاقی آنی و زودگذر است. به زعم جین جاکوبز منتقد معماری آمریکایی؛ پیاده روهای شهری به مثابه یک فضای عمومی در به وجود آوردن یک فضای همدلانه و جو اعتماد و صمیمیت میان افراد موثرند (ادعای جاکوبز با ملاحظه فضای عمومی شهرهای توسعه نیافته به راحتی قابل نقد است). فضای عمومی شهر همانطور که از نام آن پیداست، یک فضای «عمومی» است. عمدتاً به فضای عمومی شهر به عنوان یک واحد محیط شناختی «Ecological Unit» نگریسته می شود و مباحث شکل گرفته پیرامون آن یک نوع ریخت شناسی «morphology» صرف است.

خود نشان داده اند. اما با رجوع به حوزه فلسفه و سابقه طولانی مباحث و موضوعات فلسفی مربوط به مفاهیم فضا در می یابیم که مباحث فلسفی درباره فضا، در سه قرن گذشته تحت سیطره دوگانگی میان انتخاب نظریه های مطلق در برابر نظریه های رابطه ای بوده است. ایزاک نیوتن به نظریه فضایی مطلق شکل داد و او فضا (و زمان) را اشیایی واقعی می دانست، یعنی مکان هایی برای خودشان، آن گونه که برای تمام چیزهای دیگر (به نقل از اسپیک، ۱۹۷۹:۳۰۹). اگر چه کانتر مدل خود را در سال ۱۹۷۷ ارائه داده است، ولی قبل از وی مولفه های مکان در «ادراک های رلف» در کتاب «مکان و بی مکانی» به صورت سه مولفه «کالبد، فعالیت و معنی» در ۱۹۷۶ ارائه شده است. جذابیتها و کارایی این دو مدل باعث شده است تا دیگر صاحب نظران طراحی شهری نیز با الهام یا اقتباس از آن روایت های متنوعی از مدل مزبور ارائه نمایند. «پانتر» در ۱۹۹۱ و «مونتگمری» در ۱۹۹۸ اجزا تفکر طراحی شهری را در قالب این دو مدل به صورت زیر طبقه بندی می کنند. «مدل حس مکان رلف- پانتر»: مولفه های کیفیت سنجی این مدل عبارتند از: «فعالیت»: کاربردی، حرکت پیاده، رفتار، الگوها، بو و صدا، حرکت وسایل نقلیه؛ «کالبد»: منظر شهری، شکل ساخته شده، نفوذپذیری، منظر، مبلمان؛ و «معنا»: خوانایی، تعامل فرهنگی، عملکردهای ادراکی، جذابیت ارزیابی های کیفی.

«مدل مکان کانتر- مونتگمری»: مولفه های کیفیت سنجی این مدل نیز عبارتند از: «فعالیت»: تنوع سرزندگی، زندگی خیابانی، دیدارهای چهره به چهره مردم، سنتها و سرگرمی های محلی، فرهنگ کافه-نشینی، ساعت های باز، حرکت جاذبه ها، دادوستد، بافت نرم اقتصادی؛ «فرم یا کالبد»: مقیاس، نیرومندی، نفوذپذیری، نشانه عمودی، عرصه عمومی؛ «تصورات»: نمادگرایی و خاطره، تصویرپذیری و خوانایی، تجربه حسی، قابلیت ادراک، قدرت پذیرش دسترس روانی، جامعیت و جهان شمول بودن (Carmona, 2003:99). همانگونه که مشاهده می شود، عمده معیارهایی را که در کیفیت محیط شهری ارائه شده به

صورت خلاصه‌تر در معیارهای کرمونا برای پایداری مشاهده کرد. هرچند مجموعه معیارهای ارائه شده توسط متخصصین می‌تواند به کیفیت ایده‌آل فضای شهری، که تعبیری از پایداری این فضاهاست، نزدیک شود، ولی همانگونه که به صورت کاملاً بارز مشاهده می‌شود، به ابعاد محیطی و مولفه‌های زیست محیطی موثر در کیفیت فضاها توجه ویژه‌ای نشده است. روشن‌ترین وجه تبلور این مساله را در مدل‌های ارائه شده به عنوان دو مرجع مهم می‌توان دید. ارزش مولفه‌های محیطی نظیر اقلیم خرد ناشی از آفتاب، باد و غیره به گونه‌ای است که در صورت فراهم نبودن آسایش محیطی در فضای شهری، صحبت از معیارهای دیگر کیفیت، که نتیجه‌ای از حضور مردم در فضای شهری است، بی‌نتیجه به نظر می‌رسد. شدت این مساله در مناطقی که دارای شرایط محیطی خاص هستند، بیشتر است. وجه دیگر ارزش مولفه‌های زیست محیطی فضاها، عمومی شهری دامنه گسترده ارتباطی آن است که در یک سلسله مراتب به شهر، منطقه و بنا به تعبیرات پایداری به کلیت کره زمین پیوند می‌یابد. به زبانی جایگاه فضای عمومی شهری در یک اکوسیستم دیده می‌شود. به نوعی مبتنی بر تعابیر مک‌هارگ، ما در هنگام طراحی یک فضای شهری حتی در مقیاسی کوچک داریم در بخشی از کره زمین به عنوان یک کلیت طراحی می‌کنیم. گلکار با اشاره به پیشرفت دانش طراحی شهری در دهه‌های اخیر و همچنین مطرح شدن بحث پایداری مبتنی بر بوم‌شناسی و توجه به محیط به نارسایی مدل کانتر به عنوان یک مدل مرجع در این زمینه اشاره کرده و عنصر اکوسیستم را به کالبد، فعالیت و تصورات در مدل کانتر می‌افزاید. وی این ترکیب جدید را مدل مکان پایدار می‌نامد. تطبیق این مدل با معیارهای سه‌گانه پایداری یعنی مولفه اجتماعی، اقتصادی و محیطی نشان می‌دهد که مولفه‌های زیست محیطی دقیقاً منطبق بر بعد محیطی است. دو مولفه دیگر عملگری و تجربی - زیبایی‌شناختی را بسته به معیارهای ارائه شده در مورد هر مولفه می‌توان به

صورت زیر مجموعه‌ای مشترک از دو بعد از ابعاد سه‌گانه دانست. به طور ویژه مولفه عملگری و تجربی - زیبایی‌شناختی را می‌توان در زیر مجموعه مشترکی از بعد اجتماعی و محیطی دانست. گلکار در آزمون مدل پیشنهادی خود برای مکان پایدار معیارهای کیفی‌های ارائه شده توسط متخصصین را در ذیل سه مولفه خود طبقه‌بندی می‌کند و مجموعه آنها را نمایش می‌دهد.

نگاه به این جمع‌بندی عدم حضور ویژه بعد اقتصادی و به دنبال آن بعد مدیریتی را در بیان مکان پایدار نشان می‌دهد. هر چند وی پاره‌ای از معیارهای اقتصادی و مدیریتی مطرح شده توسط متخصصینی نظیر «لینچ، جیکوبز، هاوتون و هانتز» را در ذیل مولفه عملگری می‌آورد؛ باید چنین عنوان کرد که سطح بعد اقتصادی فراتر از آن است که زیرمجموعه‌ای از بعد عملگری باشد و به نوعی اقتصاد خود شکل‌دهنده عملکرد است.

### نظریه‌های معماری و شهرسازی انتقادی حوزه‌های عمومی

(\*) الف - نظریه کرمونا و ابعاد عرصه در فضای شهری؛ «کرمونا» نیز عرصه عمومی را در دو بعد «عرصه کالبدی»<sup>۳</sup> و «عرصه عمومی فرهنگی - اجتماعی»<sup>۴</sup> مورد بررسی قرار می‌دهد (Carmona, 2003:11).

(\*) ب - کوستوف و ابعاد عرصه در فضای شهری؛ «کوستوف»<sup>۵</sup> علی‌رغم اینکه در تعاریف خود از قلمرو عمومی بیشتر «فضاهای باز» را مدنظر دارد، اما به دلیل تعریفی که از فعالیت‌های انجام شده در این فضاها می‌کند به نظری مشابه لنگ می‌رسد: «شاید به صورت بنیادی، آیین‌های خاص خود ما در زمینه تعامل اجتماعی به آهستگی در درون یک رشته فضاهای خصوصی شده عمومی که منحصر به زمان ماست، رفته‌اند که شامل آنزیوم، پارک‌های موضوعی و مراکز خرید می‌گردد» (اهری، ۱۳۸۵، ص ۲۰۸).

(\*) پ - لنگ و ابعاد عرصه در فضای شهری؛ لنگ اشاره می‌کند که در مورد محدوده فضای

3. Physical Public Realm  
4. Socio-Cultural Public Realm  
5. Kostof

۲. برای اطلاعات بیشتر رک. به: گلکار، کورش (۱۳۸۰) مولفه‌های سازنده کیفیت در طراحی شهری. نشریه صفا شماره ۳۲. صص ۳۸-۶۵



عموم قرار می گیرند ولی دولت یا مؤسسه ای بر آنها نظارت می کند و سرپرستی آنها را به عهده دارد. مانند بنای شهرداری ها، دادگاه ها، مدارس دولتی، دفاتر پست، بیمارستانها، ایستگاه های مسافری، پارکینگ ها، گاراژها، استادیوم ها و تئاترها. «فضاهای عمومی خاص یک گروه»: جاهایی که در مرز عرصه خدمات و تسهیلات عمومی و خصوصی قرار گرفته اند و هر دو عرصه باید به آن دسترسی داشته باشند و در قبال آن مسئول هستند. مانند جاهایی که از خدمات پستی، آب و برق، آتش نشانی از آن استفاده می کنند. «فضاهای خصوصی خاص یک گروه»: انواع جاهایی کم اهمیت تر که تحت نظارت دستگاه اداره کننده ای باشند از جانب بخش دولتی یا بخش خصوصی برای مستأجرین حقیقی و یا حقوقی. مانند باغ های عمومی، زمین های بازی، انبار و غیره. «فضاهای خصوصی خانواده»: فضاهایی در عرصه خصوصی که در اختیار یک خانواده واحد باشد مانند صرف غذا، تفریح و غیره. «فضاهای خصوصی فرد»: اتاق اختصاصی هر شخص یا هریک از اعضای خانواده (چرمایف و الکساندر، ۱۳۷۶، ص ۱۵۷).

(\*) ج- نیروی ویژه شهری و ابعاد عرصه در فضای شهری؛ «نیروی ویژه مسائل شهری»<sup>۸</sup> با بر شمردن فضاهایی همچون خیابانها، میداين و پارکها به عنوان فضای عمومی به شبکه فضاهای عمومی اشاره می-کند و چنین بیان می دارد که چنین شبکه ای دامنه انتخاب های مردم در زندگی روزمره شهری را گسترده می کند. از دید آنها بهترین شهرهای فشرده و منظم حول یک الگوی ارتباطی مناسب از خیابان ها و فضاهای عمومی طراحی می شوند. این گروه سپس جهت ایجاد یک عرصه عمومی با ارزش های مثبت نیاز به یک رویکرد و برنامه ریزی جامع در مورد فضاهای عمومی را مطرح کرده و دو توصیه اساسی می دهد: «۱. نهادهای مدیریت علمی نیاز به فراهم آوردن یک استراتژی جداگانه برای عرصه عمومی و فضاهای باز دامنه که با طراحی نگهداری، مدیریت و مسائل مالی سر و کار دارد؛ و ۲. معرفی یک برنامه ملی جهت ایجاد مسیرهای سبز پیاده

عمومی و خصوصی ابهام وجود دارد. به این دلیل که هر دو سطوح مشترک کالبدی می یابند. در واقع محدوده فضای عمومی گاه به درون محوطه هایی که دارای مالکیت خصوصی هستند، نفوذ می کند و این محوطه های را (به دلیل استفاده عمومی از آنها) به عنوان فضای عمومی مطرح می کند؛ یعنی محدوده اجتماعی فضای عمومی با محدوده حقوقی و کالبدی آن، روی هم قرار نمی گیرند. در نتیجه مرز کالبدی فضا با قلمرو اجتماعی آن یکسان نیست. وی در این ابهام فضاهای عمومی اعتقاد دارد که اگرچه مردم از نظر دسترسی به آنها از آزادی نسبی برخوردارند، اما این مکان ها در مالکیت خصوصی قرار دارند. در توضیح این نکته لنگ می گوید: اگرچه، در مورد آنچه که قلمرو عمومی را تشکیل می دهد، مقداری ابهام وجود دارد، ولی چنان که تحلیل مختصری از عناصر محاط کننده آن نشان می دهد، قلمرو عمومی را کف و سطوح ساختمان های احاطه کننده آن دربر گرفته است. برخی از این سطوح دیوارهای خارجی هستند که فضای عمومی و خصوصی را از هم جدا می کنند، اما سطوح دیگر، دیوارها و سقف هایی هستند که فضاهای داخلی را در خود جای می دهند. ابهام به دو دلیل ایجاد می شود: ۱- عناصر تعریف کننده قلمرو عمومی (به ویژه دیوارهای ساختمانها) غالباً در مالکیت خصوصی هستند که مسائلی را در رابطه با مالکیت عمومی در برابر خصوصی مطرح می کند و ۲- بسیاری از فضاهای هم در داخل و هم در خارج ساختمانها نیمه عمومی هستند (Lang 1994:187-189).

(\*) ث- نظریه چرمایف- الکساندر و ابعاد عرصه در فضای شهری؛ «چرمایف»<sup>۶</sup> و «الکساندر»<sup>۷</sup> به طور کلی سلسله مراتب فضاهای شهری یا عرصه های زندگی جمعی و زندگی خصوصی را در شش دسته زیر طبقه بندی می کنند: «فضاهای عمومی شهری»: جاها و تسهیلاتی که متعلق به عموم مردم است، مانند شاهراه ها، جاده ها، راه ها و پارک های شهری؛ «فضاهای نیمه عمومی شهری»: فضاهایی خاص از شهر که مورد استفاده

6. Chermayeff  
7. Alexander

فضاها جهت ایستادن، نشستن، خوردن بازی کردن و غیره، این فعالیت‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. در فضاها شهری که فاقد جنبه های لازم جهت تقویت روابط اجتماعی هستند، تنها مقدار کمی از این فعالیت‌ها امکان بروز پیدا می‌کند که بسته به شرایط افراد نیز متفاوت خواهد بود. در مقابل در فضاهایی که از این ابعاد غنی هستند، سطح و قدر بالایی از فعالیت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد.<sup>۱۳</sup>

(\*) ح- نظریه جین جیکوبز و ابعاد عرصه در فضاهای شهری؛ «جین جیکوبز»<sup>۱۴</sup> در سال ۱۹۶۱ در کتاب «زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکا»، ۵ معیار را برای محیطی با کیفیت مطلوب بیان می‌کند: ۱. ملحوظ داشتن فعالیت‌های مناسب پیش از توجه به نظم بصری محیط؛ ۲. استفاده از کاربری مختلط چه به لحاظ تنوع استفاده و چه از نظر حضور ابنیه با قدمت‌های مختلف در یک ناحیه؛ ۳. توجه به عنصر خیابان؛ ۴. نفوذپذیر بودن (قابل دسترس بودن) بافت؛ و ۵. اختلاط اجتماعی و انعطاف پذیر بودن فضاها.

(\*) خ- لینچ و ابعاد عرصه در فضاهای شهری؛ «کونین لینچ» با انتشار «تئوری شکل خوب شهر» در سال ۱۹۸۱ میلادی حصول کیفیت مناسب طراحی شهری و به تبع آن ارتقاء کیفیت زندگی شهری را در گرو پنج معیار و دو فوق معیار زیر اعلان می‌دارد: «سرزندگی»: به مفهوم امکان بقای زیست‌شناختی و جامعه‌شناختی انسان در محیط شهر؛ «معنی (حس)»: به معنی نقش انگیزشی ذهنی و معنادار بودن مکان‌های شهری؛ «سازگاری»: به منظور انطباق فرم شهری با فعالیت‌های گوناگون و مدارهای رفتاری؛ «دسترسی»: به مفهوم سهولت نفوذ فیزیکی به بخش‌های مختلف بافت شهری؛ «کنترل و نظارت»: به مفهوم فراهم بودن امکان انتخاب و مداخله شهروندان در امور مرتبط با مدیریت و استفاده از عرصه همایی؛ «کارایی»: کارا

۱۳. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:

-Gehl, Jon (1987) Life Between Buildings  
-Larice, Michel and Macdonald· Elizabeth (2007) The Urban Design Reader. Routledge. New York. PP348375-

- رفیعان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری: بازنگری و ارزیابی کیفی. نشریه هنرهای زیبا. شماره ۲۳. صص ۴۳-۳۵

14. Jacobs

شهری اطراف یا درون شهرهای بزرگ و کوچک.<sup>۹</sup> (\*) چ- گهل و ابعاد عرصه در فضای شهری؛ یک فضای شهری می‌تواند متناسب با نیازهای زمانی و مکانی افراد جامعه، خصلت مطلوب یا نامطلوب پیدا کند. بسته به میزان همخوانی و همنوایی کارکردی با اهداف مورد انتظار، مقیاس و حجم روابط، تطابق و تناسب با نیازهای روزمره گروه‌های اجتماعی و همخوانی با کلیت ساختار شهر، فضای شهری می‌تواند از وجوه برجسته‌تری از نظام مطلوب بهره‌گیرد. فضای شهری در عین دارا بودن ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه، ظرف فعالیت‌های شهری و ضرورتها مرتب بر آن نیز محسوب می‌گردد. «گهل» در کتاب خود این فعالیتها را در سه طیف مورد بررسی قرار می‌دهد: ۱. «فعالیت‌های ضروری»؛ فعالیت‌های ضروری<sup>۱۰</sup> و با اهمیت که تحت هر شرایطی اتفاق می‌افتند و ارتباط خاصی با ویژگی‌های منحصر به فرد اجتماعی ندارند. فعالیت‌هایی نظیر رفتن به محل کار یا مدرسه، انجام خرید، انتظار در ایستگاه اتوبوس و سایر فعالیت‌های عمومی و روزمره در این دسته جای می‌گیرند. این طیف از فعالیت‌ها درجات متفاوت از مشارکت اجتماعی را می‌طلبد؛ ۲. «فعالیت‌های گزینشی و انتخابی»؛ دسته دوم از فعالیت‌هایی که در فضای شهری انجام می‌شوند را، «فعالیت‌های گزینشی و انتخابی»<sup>۱۱</sup> تشکیل می‌دهند که در شرایط مناسب و وضعیت دلخواه افراد ضرورت پیدا می‌کنند. قدم زدن در هوای آزاد، توقف و مکث در مکان‌های تفریحی، نشستن و استراحت در مکان‌های جذاب و دیدنی جزء فعالیت‌های انتخابی و موردی به‌شمار می‌آیند؛ ۳. «فعالیت‌های اجتماعی»؛ دسته سوم از فعالیت‌هایی که در فضای شهری رخ می‌دهند، «فعالیت‌های اجتماعی»<sup>۱۲</sup> هستند که بسته به ویژگی‌های فضای شهری طیف گسترده‌ای از روابط متقابل افراد را در برمی‌گیرد. این فعالیت‌ها به دلیل تأثیرپذیری از سایر فعالیت‌ها و فضای اجتماعی، فعالیت‌های نهایی نیز خوانده می‌شوند. شرایط خاص

۹. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: Urban Task Force (1999) 59-Towards an Urban Renaissance. PP 56

10. Necessary Activities

11. Optional Activities

12. Resultan Activities(Social Activities)

بودن هریک از معیارهای فوق باتوجه به هزینه؛ و «عدالت»: پرداخته شدن هزینه معیارها از طریق سازمان یا طبقه اجتماعی که باید برای آن هزینه کنند.<sup>۱۰</sup>

(\*) د- یان بتلی و ابعاد عرصه در فضاهای شهری؛ یکی از مشهورترین مجموعه کیفیهای طراحی شهری مجموعه ارائه شده توسط «یان بتلی و همکارانش» در کتاب «محیط های پاسخده»<sup>۱۶</sup> است. این ۷ معیار که باید در ایجاد محیطهای پاسخده رعایت شوند عبارتند از: «نفوذپذیری»؛ «گوناگونی»؛ «خوانایی»؛ «انعطاف پذیری»؛ «تناسبات بصری»؛ «غنای حسی»؛ و «رنگ تعلق». در بسیاری متون این کیفیات در قالب اهداف طراحی شهری بیان شده است، بطور مثال در کتاب «به کمک طراحی»<sup>۱۷</sup> که بیان کننده موفقیت طراحی در سیستم برنامه ریزی است، اهداف طراحی به نوعی بیان کننده کیفیت های مورد توجه در طراحی شهری محیط کالبدی است. این اهداف عبارتند از: هویت؛ تداوم و محصوریت؛ کیفیت عرصه همگانی؛ سهولت حرکت؛ خوانایی؛ تطابق؛ و تنوع.

(\*) ذ- PPS و ابعاد عرصه در فضاهای شهری؛ در همین زمینه مطالعه ای که PPS<sup>۱۸</sup> بر روی بیش از ۱۰۰۰ قطعه فضای عمومی شهری در کشورهای مختلف دنیا انجام داده است، حاکی از آن است که ۴ عامل اساسی سنجش «مطلوبیت کیفی وضعیت فضاهای عمومی شهری» از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است: «دسترسی و به همپیوستگی»<sup>۱۹</sup>؛ «آسایش»<sup>۲۰</sup> و «تصویر ذهنی»؛ «استفاده ها و فعالیتها»<sup>۲۱</sup>؛ «اجتماعی بودن»<sup>۲۲</sup>.

(\*) ر- پانتر و کرمونا و ابعاد عرصه در فضاهای

شهری؛ «جان پانتر و متیو کرمونا» در کتاب «ابعاد طراحیانه برنامه ریزی شهری»<sup>۲۳</sup> در ۱۹۹۱ نیز بحث کیفیت را در موارد زیر مطرح کرده اند: «کیفیت پایداری زیست محیطی»؛ «کیفیت منظر شهر»؛ «کیفیت دیده ها»؛ «کیفیت فرم شهر»؛ «کیفیت فرم ساختمان»؛ و «کیفیت عرصه همگانی». تحلیلی دیگر از «کیفیات محیط کالبدی» در کتاب معروف «متیو کرمونا» تحت عنوان «مکان های عمومی - فضاهای شهری»<sup>۲۴</sup> ارائه شده است. در این اثر کرمونا کیفیات تأثیرگذار بر محیط کالبدی را به ۷ دسته تقسیم کرده است که عبارتند از: دسترسی؛ سخت فضا و نرم فضا؛ فضای همگانی؛ ایمنی و امنیت؛ منظر شهری؛ اختلاط و تراکم؛ و همه شمول بودن.

(\*) ز- OPDM و ابعاد عرصه در فضاهای شهری؛ دفتر معاونت نخست وزیر انگلیس (OPDM) در بررسی شخصیت و هویت فضای عمومی سه بعد را مطرح می کند: ۱. «بستر فعالیت»<sup>۲۵</sup>: که شامل محیط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی می شود؛ ۲. «جعبه ابزار»<sup>۲۶</sup>: که عناصر اصلی و کلیدی که فضای عمومی را تشکیل می دهند، شامل می شود؛ ۳. «کیفیت ها»<sup>۲۷</sup> که برتری های خاص و ویژه فضا را در بردارد. این دفتر سپس باتکیه بر آنچه در سند «به کمک طراحی»<sup>۲۸</sup> که توسط CABE<sup>۲۹</sup> و DETR<sup>۳۰</sup> در سال ۲۰۰۰ منتشر شده است، اشاره می کند که فضاهای عمومی می توانند با ۱۰ عامل زیر متمایز و مشخص شوند: «نظافت و پاکیزگی»<sup>۳۱</sup>: آیا این مکان ها تمیز هستند و به تمیزی آنها رسیدگی می شود؟ «دسترسی»<sup>۳۲</sup>: این فضاها تا چه اندازه در دسترسند و قابلیت تحرک در آنها

۲۳. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:

- Punter, J and Carmona, M (1997) The Design dimension of Planning/E & FN SPON

۲۴. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:

- Carmona, M (2003) Public places, Urban spaces. Architectural press

25. The Context for Actions

26. The Kit of Parts

27. The Casualities

28. By Design

29. Commission for Architecture and the Built Environment

30. Department of the Environment, transport and the Regions

31. Cleanliness

32. Accessibility

۱۵. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: لینچ، کوین (۱۳۸۷) تئوری شکل خوب شهر. ترجمه: سید حسین بحرینی. انتشارات دانشگاه تهران.

۱۶. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: بتلی، یان (۱۳۸۲) محیط های پاسخده، ترجمه: بهزادفر، مصطفی، تهران، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت.

17. DETR(2000) By Design, Urban design in Planning System: towards better practice. Commission for Architecture & Built Environment London

18. Project for Public Spaces (www.pps.org)

19. Access & Linking

20. Comfort & Image

21. Uses & Activities

22. Sociability

حد قابلیت به مرحله اجرا درآمدن فعالیت های مختلف در فضا وجود دارد؟ «تمایز و تشخیص»<sup>۳۸</sup>: آیا این فضا یک شخصیت خاص دارد؟ «ایمنی و امنیت»<sup>۳۹</sup>: آیا این فضاها احساس امنیت را القا می کنند و فضاهای امنی هستند؟ «نیرومندی»<sup>۴۰</sup>: تا چه حد در طول زمان انعطاف پذیر هستند؟ (ODPM:2004:19)

وجود دارد؟ «جذابیت»<sup>۳۳</sup>: تا چه اندازه جذابیت بصری دارند؟ «راحتی»<sup>۳۴</sup>: آیا افراد در گذراندن اوقات فراغت در این مکان راحتند؟ «جامعیت»<sup>۳۵</sup>: به چه میزان پذیرای طیف های مختلف اجتماعی هستند؟ «سرزندگی و پویایی»<sup>۳۶</sup>: تا چه حد از فضا استفاده شده و امکان انجام فعالیت های شاد و زندگی بخش وجود دارد. «عملکرد»<sup>۳۷</sup>: تا چه

جدول ۲. نظریه پردازان به مفهوم عرصه شهری با دیدگاه انتقادی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

مفهوم عرصه	نظریه پرداز	
حوزه عمومی فراهمکننده شکلگیری و تحقق جامعه مدنی بوده و فضای عمومی (شهری) تجلی کالبدی حوزه عمومی است. حوزه عمومی به معنی دقیق کلمه عرصه ای است که هیچ حد و حدودی بر فعالیت آن وضع نشده باشد، حوزه عمومی حوزه عقلانی و حقیقت یاب و حقیقت ساز جامعه است. اهمیت این مفهوم بهعنوان اساس نقد جامعه مبتنی بر اصول دموکراتیک بوده است. با نقد فرآیند عقلانیت ابزاری مفهوم عقلانیت ارتباطی را عرضه می دارد که اساسا فرآیندی رهایی بخش است. کنش ارتباطی	هابرماس	۱
عرصه عمومی را چنین می داند: «تمام بخشهای بافت شهری که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند. بدین ترتیب، خیابان ها، پارکها و مبادین شهرک یا شهر، با ساختمان هایی که محصورشان می کنند گسترش می یابند». از منظر او، عرصه های عمومی «مهمترین بخش از ساختار شهرک ها و شهرهای ما هستند؛ جایی که بیشترین میزان تماس و تعامل انسان ها در آن روی می دهد» (رفیعیان و سیفایی، ۱۳۸۴، ص ۳۶).	فرانسیس تیبالدز	۲
فضایی است که در آن با غریبه ها سهیم هستیم، مردمی که اقوام، دوستان یا همکار ما نیستند. فضایی است برای سیاست، مذهب، داد و ستد و ورزش، فضایی برای همزیستی مسالمتآمیز و برخوردهای غیر شخصی	والزر	۳
عرصه عمومی از دو جزء تشکیل می شود: جزء اول با عناصر عمومی محیط کالبدی (مصنوعی و طبیعی) که رفتارها در آن روی میدهند ارتباط دارد؛ و جزء دوم چگونگی تصمیم گیریهای جمعی توسط دولت یا در چارچوب سازوکار بازار براساس قانون اساسی هر کشور را در برمی گیرد.	جان لنگ	۴
عرصه عمومی را در دو بعد «عرصه کالبدی» و «عرصه عمومی فرهنگی- اجتماعی» مورد بررسی قرار می دهد. (Carmona, 2003:11)	«کرمونا»	۵
«شاید به صورت بنیادی، آیین های خاص خود ما در زمینه تعامل اجتماعی به آهستگی در درون یک رشته فضاهای خصوصی شده عمومی که منحصر به زمان ماست، رفتهاند که شامل آنزیوم، پارک های موضوعی و مراکز خرید می گردد» (اگری، ۱۳۸۵، ص ۲۰۸؛ به نقل از Kostof, 1992:82). «فضاهای باز» + فعالیت	کوستوف	۶

38. Distinctiveness  
39. Safety and Security  
40. Robustness

33. Attractiveness  
34. Comfort  
35. Inclusively  
36. Vitality and Viability  
37. Functionality

جدول ۲. نظریه پردازان به مفهوم عرصه شهری با دیدگاه انتقادی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

مفهوم عرصه	نظریه پرداز	
نظریه توتالیتاریسم آرنست سیاست را مهمترین عرصه تجلی عمل انسانی میدانند، همان که او را به آزادی می رساند. و حوزه عمومی دنیای مشترک و فضای ظهور.	هانا آرنست	۷
مفهوم حوزه عمومی هابرماس را به اختصار این گونه توصیف کرده است: «این مفهوم، تاثیری را در جوامع مدرن مشخص می کند که در آن مشارکت سیاسی از طریق گفتگو اجرا می شود. حوزه عمومی فضایی است که در آن شهروندان درباره امور مشترکشان گفتگو می کنند و از این رو عرصه نهادینه کنش متقابل گفتگویی است.»	نانسی فریزر	۸
فضای عمومی به عنوان بستر مشترکی است برای انجام فعالیت های کارکردی و مراسمی که پیوند دهنده اعضای جامعه است. چه روزمرگی های معمولی باشد و چه جشنواره های دورهای؛ صفحه ای است که در آن نمایش زندگی جمعی در معرض دید قرار می گیرد.	Carr	۹
«فضای عمومی را می توان به مشابه فضایی تعریف کرد که اجازه می دهد مردم به آن و فعالیت های درون آن دسترسی داشته باشند و فضایی است که یک کارگزار عمومی آن را کنترل می کند، فضایی که در جهت منافع عمومی تأمین و اداره می شود» (Madani Pour, 1996:148).	مدنی پور	۱۰
هابرماس از گستره یا فضایی اجتماعی یاد می کند که میان دولت و جامعه مدنی قرار می گیرد و کارکرد فعال اجتماعی اش وابسته به تمایز قطعی و شکاف میان آن دو است. این گستره مجموعه ای است کنشها و نهادهای فرهنگی که البته کارکردهای غیر فرهنگی یعنی نقش های سیاسی - اجتماعی و اقتصادی نیز می یابند. این کارکردها جنبه عمومی و یا همگانیت دارند که در بهترین حالت از نفوذ نیروها و نهادهای دولتی مستقل و مصون هستند. در عین حال نهادهای حوزه عمومی دارای آن استقلال زندگی شخصی و خصوصی که ویژه جامعه مدنی است، نیستند.	بابک احمدی	۱۱



برای پاسخ به سؤال با توجه به محدودیتها و شرایط خاص از نظرات متخصصین در زمینه ارزیابی مولفه‌های مستخرجه به عنوان الزامات تبدیل مکان به عرصه‌های عمومی و بر اساس نمونه‌های هدفمند و در مجموع مؤلفه‌های مستخرجه به تایید صاحب‌نظران رسید و هدف تحقیق محقق گردید.

معیار	تعریف عملیاتی
آزادی	این معیار به آن معناست که طرح بتواند حقوق فردی افراد را حفظ کرده و آزادیهای فردی، فدای اجرای آن نشود.
فرصت برابر	این معیار به فرصت برابر به دسترسی برای همه از فرصتها، منابع، امکانات و اطلاعات تاکید دارد و در تقابل با رانتهای گروه های خاص صاحب قدرت و یا نفوذ تعریف می شود.
تفاوت	این معیار بدان معناست که در صورتی که تفاوتی در توزیع وجود دارد، این تفاوت زمانی عادلانه است که به نفع محروم ترین طبقه باشد.
نیاز	این معیار اشاره دارد که افراد دارای از حقوق مساوی در بهره‌وری از منابع و امتیازات برخوردار هستند؛ ولی نیاز همه افراد مشابه نیست و تساوی در بهره‌وری از دیدگاه نیاز افراد به صورت تخصیص نابرابر (عدم تساوی) جلوه‌گر میشود.
شرکت درمنفعت عمومی	مطابق این معیار، آن دسته از افرادی که فعالیتشان به نفع عده بیشتری است، بیشتر از آن عده که فعالیتشان به عده کمتری اختصاص دارد، حق ادعا دارند.
استحقاق	این معیار به مواردی اشاره دارد که افراد به دلایلی نظیر سابقه زحمت بیشتر، تحت تعلیم بوده و میزان تحصیلات و ... استحقاق بیشتری دارند.
آزادی انتخاب	این معیار به این معناست که شهروندان حق انتخاب آزادانه بهره برداری از فضا و شهر را دارند.
قرائت‌پذیری و شفافیت	این معیار به این معناست که فضاهای شهری امکان برقراری ارتباط با کاربران و قرائت آزادانه از فعالیتهای مندرج در فضای شهری را دارند.
تجمع پذیری	این معیار به این معناست که امکان زندگی جمعی و برقراری تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری داده می شود.
قرائت پذیری میراث فرهنگی	این معیار به این معناست که شهروندان می توانند با موارث فرهنگی و پیشینه تاریخی خود ازادانه ارتباط برقرار کرده و ممنوعیتی ندارند.
زیبایی و منظر شهری	این معیار به این معناست که زیبایی منظر شهری در شکلگیری عرصه های عمومی شهری تاثیر دارد.
هویت و فرهنگ	این معیار به این معناست که افراد می توانند به هویت و فرهنگ خود (از نوع پوشش گرفته تا ادب و رسوم و جشنهای آیینی) رجوع و آن را در فضاهای شهری پدیدار کنند.
راحتی و اسایش	این معیار به این معناست که افراد در هنگام استفاده از فضا راحت بوده و احساس آسایش دارند.
تنوع و جذابیت	این معیار به این معناست که فضای شهری جذاب بوده و با تنوع خود می تواند زمینه حضور شهروندان را در فضا فراهم کند.
سرزندگی و پویایی تمایز و تشخیص	این معیار به این معناست که فضای شهری سرزنده و پویا بوده و امکان شکلگیری عرصه های عمومی از آن ناشی می شود. این معیار به این معناست که افراد می توانند فضای شهری را از هم تشخیص داده و بین آنها تفاوت قائل شوند.

تعریف عملیاتی	معیار
این معیار به جنبه های امنیت اجتماعی و ایمنی کالبدی- فیزیکی و تاثیر آن بر شکلگیری عرصه های عمومی نظر دارد.	ایمنی و امنیت
این معیار به جذب کنندگی و قدرت هر فضا در پدیدار کردن فعالیت های خاص اجتماعی اشاره دارد	نیرومندی فضا
این معیار به پاکیزگی و بهداشت محیط و نقش احتمالی آن در شکلگیری عرصه های عمومی نظر دارد.	نظافت و پاکیزگی
این معیار به ویژگی های معماری فضاهای شهری و نقش احتمالی آن بر شکلگیری عرصه های عمومی نظر دارد.	ارزشهای معمارانه محیط
این معیار اشاره دارد که فضای شهری می تواند بوسیله همه اقشار اجتماعی مورد استفاده قرار.	محیط همگانی
این معیار اشاره دارد که فضای شهری به آسانی قابلیت دسترسی دارد.	سهولت دسترسی
این معیار اشاره دارد که فضای شهری دارای معنا، اصیل بوده و زمینه شکلگیری عرصه های عمومی را شدنی می کند.	اصالت و معنا
این معیار به این معناست که امکان مشارکت شهروندی و عامه مردم در فضا فراهم می شود و فضا بستر شکلگیری مشارکتهای مدنی و اجتماعی است.	مشارکت پذیری
این معیار به این معناست که به شهروندان می توانند در فضاهای شهری به نقد مسائل روز و مسائل روزمره زندگی خود در تمامی ابعاد پردازند.	نقدپذیری در فضا
این معیار به این معناست که روحیه حاکم بر فضای شهرها کاملاً عقلانی و خالی از رویکردها و رویه های احساسی و مهتر از آن غیرعقلایی است.	خردورزی و عقلانیت
این معیار به این معناست که در برابر نحوه استفاده مردم و نیاز آنها منعطف عمل کند.	انعطاف پذیری
این معیار به این معناست که امکان تعامل اجتماعی و زمینه گفتگوی شهروندان فراهم می شود.	کنش ارتباطی و گفتگوپذیری
این معیار به جنبه ها و فرصتهای استفاده عادلانه از فضا برای تمام اقشار فارغ از نوع، جنس، سن و ... نظر دارد.	عدالت فضایی و اجتماعی
این معیار اشاره دارد که فضای شهری به آسانی قابلیت دسترسی دارد.	سهولت دسترسی

### یافته های پژوهش

جهت پاسخگویی به سؤال تحقیق، داده های گردآوری شده ای که از نمونه هدف دریافت شده است، از آمار توصیفی و نیز آمار استنباطی بهره گرفته شد. در بخش جمعیت شناختی از میانگین و درصد و رتبه استفاده شد و در بخش استنباطی نیز در محیط لیزرل و با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی رتبه اول و دوم و تحلیل اکتشافی به سنجش نیکویی برآزش مولفه های پیشنهادی برای تبدیل مکان به عرصه های عمومی شهری اقدام شد.

### تحلیل اکتشافی

در تحلیل اکتشافی (Exploratory factor analysis) پژوهشگر به دنبال بررسی داده های تجربی به منظور کشف و شناسایی شاخص ها و نیز روابط بین آنهاست و این کار را بدون تحمیل هرگونه مدل معینی انجام می دهد. به بیان دیگر تحلیل اکتشافی علاوه بر آنکه ارزش تجسسی یا پیشنهادی دارد می تواند ساختارساز، مدل ساز یا فرضیه ساز باشد. تحلیل اکتشافی وقتی به کار می رود که پژوهشگر شواهد کافی قبلی و پیش تجربی برای تشکیل

فرضیه درباره تعداد عامل‌های زیربنایی داده‌ها نداشته و به واقع مایل باشد درباره تعیین تعداد یا ماهیت عامل‌هایی که همپراشی بین متغیرها را توجیه می‌کنند داده‌ها را بکاود. بنابراین تحلیل اکتشافی بیشتر به عنوان یک روش تدوین و تولید تئوری و نه یک روش آزمون تئوری در نظر گرفته می‌شود. بنابراین برای کشف نظرات نمونه آماری و برای پاسخگویی به سوال فوق و ارزیابی دیدگاه‌های متخصصان در زمینه مولفه‌های مسترخه از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد که نتایج آن به قرار زیر است:

۱. پیش فرض اجرای تحلیل اکتشافی؛ در انجام تحلیل اکتشافی و عاملی، ابتدا باید از این مسئله اطمینان حاصل کنیم که آیا می‌توان داده‌های موجود را تقلیل، و به چندین عامل پنهانی کاهش داد یا خیر؟ در انجام تحلیل عاملی، برای این مقصود، از دو آزمون KMO و بارتلت استفاده می‌کنیم که هر این دو آزمون نشان می‌دهند آیا داده‌های مورد نظر برای تحلیل عاملی مناسب هستند یا خیر؟
۲. شاخص کفایت نمونه گیری کیزر - میر -

اولکین (KMO)؛ این آزمون که با علامت اختصاری KMO مشخص شده، اولین هدف تحلیل عاملی را برآورده می‌کند. یعنی این آزمون مشخص می‌کند که آیا واریانس متغیرهای تحقیق تحت تأثیر واریانس مشترک برخی عامل‌های پنهانی و اساسی هست یا خیر؟ به عبارتی، آیا می‌توان گفت که واریانس مجموعه متغیرها ناشی از یک سری عوامل پنهانی و بنیادی است و نه تمامی این متغیرها؛ مقدار آماده این آزمون بین (۰) تا (۱) نوسان دارد.

آزمون کرویت بارتلت؛ آزمون بارتلت درصد برآوردن هدف دوم تحلیل عاملی می‌باشد. یعنی این آزمون به ما کمک می‌کند تا پس از فراهم بودن امکان تقلیل داده‌ها به یک سری عامل‌های پنهانی، بتوانیم ساختار جدیدی را بر اساس همبستگی بین متغیرها و عامل‌ها و معنای انضمامی آن‌ها کشف کنیم. آزمون بارتلت این فرض صفر را از آزمون می‌کند که آیا ماتریس همبستگی داده‌ها، یک ماتریس واحد و همانی است یا خیر؟

جدول ۳. (آزمون بارتلت) KMO and Bartlett's Testa

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		0.694
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	2.899E
	Df	112
	Sig.	0.000
a. Based on correlations		

آزمون بارتلت و KMO و همچنین سطح معنی داری به دست آمده نشان می‌دهد که ماتریس ماده‌ها یک ماده اتحاد نیست و به عبارت دیگر همبستگی کافی برای تحلیل عامل اکتشافی وجود دارد. بر همین اساس، در ادامه در مرحله اول به تحلیل اکتشافی گویه‌های پرسشنامه به صورت کلی یک عامل کلی پرداخته می‌شود و قابلیت تبیین هر کدام بررسی می‌شود. قبل از

ارائه هرگونه نتیجه یک آزمونی استنباطی ابتدا به شاخصهای آمار توصیفی آن پرداخته می‌شود که شامل میانگین کسب شده در عرصه اجرا و میزان انحراف معیار که نسبت به میانگین در هریک از گویه‌ها دیده می‌شود، پرداخته می‌شود براساس همین رویکرد، محقق در این بخش ابتدا به ارائه گزارشی از آمار توصیفی پرداخته و سپس به نتایج آزمون استنباطی تحلیل اکتشافی پرداخته است:

جدول ۴. شاخصهای آمار توصیفی مربوط به گویه‌های پرسشنامه

ردیف	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار
۱	آزادی	۴/۴۹	۰/۷۸
۲	فرصت برابر	۴/۴۴	۰/۸۱
۳	تفاوت	۴/۴۸	۰/۷۴
۴	نیاز	۴/۴۲	۰/۸۰
۵	شرکت در منفعت عمومی	۴/۴۷	۰/۷۵
۶	استحقاق	۴/۴۰	۰/۸۱
۷	آزادی انتخاب	۴/۴۵	۰/۷۴
۸	قرائت‌پذیری و شفافیت	۴/۴۳	۰/۷۵
۹	تجمع‌پذیری	۴/۴۷	۰/۷۶
۱۰	قرائت‌پذیری میراث فرهنگی	۴/۴۰	۰/۷۹
۱۱	زیبایی و منظر شهری	۴/۴۰	۰/۸۴
۱۲	هویت و فرهنگ	۴/۴۰	۰/۸۲
۱۳	راحتی و اسایش	۴/۴۵	۰/۷۹
۱۴	تنوع و جذابیت	۴/۴۷	۰/۸۰
۱۵	سرزندگی و پویایی	۴/۴۳	۰/۸۱
۱۶	تمایز و تشخیص	۴/۴۹	۰/۷۹
۱۷	ایمنی و امنیت	۴/۴۷	۰/۷۷
۱۸	نیرومندی فضا	۴/۵۰	۰/۷۳
۱۹	نظافت و پاکیزگی	۴/۴۶	۰/۷۹
۲۰	ارزشهای معمارانه محیط	۴/۴۸	۰/۷۴
۲۱	محیط همگانی	۴/۵۰	۰/۷۷
۲۲	سهولت دسترسی	۴/۴۵	۰/۷۵
۲۳	اصالت و معنا	۴/۴۷	۰/۸۰
۲۴	مشارکت‌پذیری	۴/۴۶	۰/۷۶
۲۵	نقدپذیری در فضا	۴/۴۷	۰/۷۶
۲۶	خردورزی و عقلانیت	۴/۴۶	۰/۷۸
۲۷	انعطاف‌پذیری	۴/۴۶	۰/۷۷
۲۸	کنش ارتباطی و گفتگوپذیری	۴/۴۲	۰/۷۶
۲۹	عدالت فضایی و اجتماعی	۴/۴۶	۰/۷۶

در جدول زیر مقدار ثابت معیاری برای تبیین گویه‌های یک پرسشنامه می باشد به طوریکه هرگویه ای که عدد تبیین آن به یک نزدیک باشد بیشترین قدرت پیش بینی و اولویت را در اختصاص یک مفهوم به یک موقعیت یا موضوع دارد همانطور که مشاهده می شود هر یک از

مفاهیم و مقوله‌ها اعدادی را به خود اختصاص داده‌اند که مرحله اول تحلیل اکتشافی می باشند که هر چقدر به معیار (عدد ۱) نزدیک باشند به همین مقدار دارای قدرت تبیین بیشتر و اهمیت هستند.

جدول ۵. مقدار واریانس هر گویه برای تبیین

میزان تبیین	مقدار ثابت	مولفه ها
۰/۶۱۳	۱/۰۰	آزادی
۰/۶۶۱	۱/۰۰	فرصت برابر
۰/۵۵۴	۱/۰۰	تفاوت
۰/۴۲۵	۱/۰۰	نیاز
۰/۶۵۵	۱/۰۰	شرکت درمنفعت عمومی
۰/۵۶۵	۱/۰۰	استحقاق
۰/۶۶۰	۱/۰۰	آزادی انتخاب
۰/۵۵۶	۱/۰۰	قرائتپذیری و شفافیت
۰/۵۷۰	۱/۰۰	تجمع پذیری
۰/۵۹۰	۱/۰۰	قرائت پذیری میراث فرهنگی
۰/۶۳۳	۱/۰۰	زیبایی و منظر شهری
۰/۷۱۴	۱/۰۰	هویت و فرهنگ
۰/۶۷۸	۱/۰۰	راحتی و اسایش
۰/۶۳۷	۱/۰۰	تنوع و جذابیت
۰/۶۴۵	۱/۰۰	سرزندگی و پویایی
۰/۶۶۴	۱/۰۰	تمایز و تشخیص
۰/۵۶۵	۱/۰۰	ایمنی و امنیت
۰/۶۰۵	۱/۰۰	نیرومندی فضا
۰/۵۴۰	۱/۰۰	نظافت و پاکیزگی
۰/۶۲۷	۱/۰۰	ارزشهای معمارانه محیط
۰/۵۵۸	۱/۰۰	محیط همگانی
۰/۵۹۵	۱/۰۰	سهولت دسترسی
۰/۵۷۱	۱/۰۰	اصالت و معنا
۰/۶۴۵	۱/۰۰	مشارکت پذیری
۰/۵۸۳	۱/۰۰	نقدپذیری در فضا
۰/۵۹۱	۱/۰۰	خردورزی و عقلانیت
۰/۶۲۳	۱/۰۰	انعطاف پذیری
۰/۶۱۴	۱/۰۰	کنش ارتباطی و گفتگوپذیری
۰/۶۱۳	۱/۰۰	عدالت فضایی و اجتماعی



نتایج فوق میزان تبیین هرکدام از گویه‌ها را که در تبدیل مکان به عرصه‌های عمومی شهری مهم و اساسی هستند، را نشان می‌دهد. همه گویه‌ها به نحوی بارهای عاملی بالایی را به خود اختصاص داده‌اند اما گویه‌های فرصت برابر، عدالت فضایی و اجتماعی، کنش ارتباطی و گفتگوپذیری، مشارکت پذیری و انعطاف‌پذیری دارای بارهای عاملی بالایی هستند.

جدول ۶. بررسی تبیین هریک از گویه‌های پرسشنامه

۰/۷۸	۴/۴۹	آزادی	۱
۰/۸۱	۴/۴۴	فرصت برابر	۲
۰/۷۴	۴/۴۸	تفاوت	۳
۰/۸۰	۴/۴۲	نیاز	۴
۰/۷۵	۴/۴۷	شرکت درمنفعت عمومی	۵
۰/۸۱	۴/۴۰	استحقاق	۶
۰/۷۴	۴/۴۵	آزادی انتخاب	۷
۰/۷۵	۴/۴۳	قرائت‌پذیری و شفافیت	۸
۰/۷۶	۴/۴۷	تجمع پذیری	۹
۰/۷۹	۴/۴۰	قرائت‌پذیری میراث فرهنگی	۱۰
۰/۸۴	۴/۴۰	زیبایی و منظر شهری	۱۱
۰/۸۲	۴/۴۰	هویت و فرهنگ	۱۲
۰/۷۹	۴/۴۵	راحتی و آسایش	۱۳
۰/۸۰	۴/۴۷	تنوع و جذابیت	۱۴
۰/۸۱	۴/۴۳	سرزندگی و پویایی	۱۵
۰/۷۹	۴/۴۹	تمایز و تشخیص	۱۶
۰/۷۷	۴/۴۷	ایمنی و امنیت	۱۷
۰/۷۳	۴/۵۰	نیرومندی فضا	۱۸
۰/۷۹	۴/۴۶	نظافت و پاکیزگی	۱۹
۰/۷۴	۴/۴۸	ارزشهای معمارانه محیط	۲۰
۰/۷۷	۴/۵۰	محیط همگانی	۲۱
۰/۷۵	۴/۴۵	سهولت دسترسی	۲۲
۰/۸۰	۴/۴۷	اصالت و معنا	۲۳
۰/۷۶	۴/۴۶	مشارکت‌پذیری	۲۴
۰/۷۶	۴/۴۷	نقدپذیری در فضا	۲۵
۰/۷۸	۴/۴۶	خردورزی و عقلانیت	۲۶
۰/۷۷	۴/۴۶	انعطاف‌پذیری	۲۷
۰/۷۶	۴/۴۲	کنش ارتباطی و گفتگوپذیری	۲۸
۰/۷۶	۴/۴۶	عدالت فضایی و اجتماعی	۲۹

## نتیجه گیری و جمع بندی

خروجی تحلیل اکتشافی یک جدول مانند جدول فوق است که هدف پژوهش را به عنوان یک عامل کلی (در اینجا تبدیل مکان به عرصه های عمومی شهری است) و مقوله های آن را (در اینجا ۲۹ مقوله استخراجی حاصل از تکنیک تحلیل محتواست) به عنوان ریز عاملها یا عامل های ثانوی به صورت کلی به نمایش می گذارد و پیش بینی می کند که کل عوامل به صورت یک جا تا چند درصد قدرت تبیین یک موقعیت را دارند که در جدول فوق، میزان واریانس و تبیین متغیرهای تحقیق را به صورت یک عامل کلی و مجموع بارهای عاملی تحلیل اکتشافی را نشان می دهد. براساس نتایج به دست آمده عامل کلی (که در اینجا کل گویه های پرسشنامه به صورت یک عامل کلی در نظر گرفته شده است) ۳۵/۸۳٪ از کل را تبیین می کند و مجموع عوامل نیز ۶۶/۷۷٪ درصد از تاثیر مولفه های بالا در تغییر مکان به عرصه های عمومی شهری را تبیین می کنند. بدین معنی از نظر نمونه آماری مولفه های مطروحه در ابزار تحقیق به صورت کلی ۶۶/۷۷٪ درصد از تاثیر و اثربخشی مولفه های فوق در این زمینه قابلیت تبیین دارند.

## منابع و کتاب شناسی

۱. ابراهیمی مینق، جعفر و امیری، محمد (۱۳۸۶) مکتب فرانکفورت و نظریه انتقادی (آراء و نظریه ها)، پژوهش نامه علوم اجتماعی. سال اول، شماره چهارم، زمستان ۸۶.
۲. احمدی، بابک (۱۳۷۲) گستره همگانی در نگرش انتقادی هابرماس، مجله گفتگو، شماره ۱.
۳. اخوت، آرش (۱۳۸۳) مردم واری بناهای عمومی، فصلنامه معماری ایران، دوره پنجم، شماره ۱۸.
۴. ادنانی، روح .... (۱۳۸۹) تالار شهر جدید اندیشه (شهریار)، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین. دانشکده عمران و معماری. استاد راهنما: دکتر نوروزیان. استاد مشاور: مهندس سهیلی.

۵. اسدی، علی (۱۳۷۱)؛ افکار عمومی و ارتباطات؛ انتشارات سروش
۶. افروغ، عماد (۱۳۷۷) فضا و نابرابری اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۷. افشار کهن، جواد و پیمان پاکمنش (۱۳۹۲) بررسی نظامواره مسائل معرفتی جامعه شناسی ایران در آرای پویر و هابرماس، نشریه جامعه شناسی کاربردی، شماره ۵۲.
۸. افشار نادری، کامران (۱۳۷۸) از کاربری تا مکان، مجله معمار، شماره ۶، پاییز ۱۳۷۸.
۹. اکبری، غضنفر (۱۳۸۰) روابط اجتماعی و فضاهای عمومی شهر، ماهنامه شهرداریها، سال سوم، شماره ۳۰، آبان ۱۳۸۰.
۱۰. اووه فلیک (۱۳۹۲) «درآمدی بر تحقیق کیفی»، مترجم هادی جلیلی، چاپ ششم، تهران، انتشارات نشر نی
۱۱. ایمان، محمد تقی (۱۳۹۳). مبانی پارادیمی روش های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی، انتشارات: پژوهشکده حوزه و دانشگاه
۱۲. ایروانی، محمود و خدایانهی، محمدکریم (۱۳۸۱) روان شناسی احساس و ادراک، تهران، سمت، چاپ یازدهم.
۱۳. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۴) پاتوق و مدرنیته ایرانی، نشر لوح فکر.
۱۴. آشوری، داریوش (۱۳۸۸) تعریف ها و مفهوم فرهنگ، تهران، نشر آگاه.
۱۵. بحرینی و دیگران (۱۳۸۸) تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. بحرینی، حسین و طیبیان، منوچهر (۱۳۷۷) مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری، مجله محیط شناسی، دوره ۲۴، شماره ۲۱.
۱۷. بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. بحرینی، سید حسین و گلناز تاج بخش (۱۳۸۷) مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، هنرهای زیبا، تهران، شماره ۶.
۱۹. برن، آگ و نیم کوف (۱۳۸۰) زمینه جامعه شناسی، ترجمه: آریان پور، تهران، انتشارات نگاه.

۲۰. بشیریه، حسین (۱۳۸۷) تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم جلد ۱ اندیشه‌های مارکسیستی، تهران، نشر نی، چاپ هشتم.
۲۱. بل، سایمون (۱۳۸۲) منظر: الگو، ادراک و فرایند، ترجمه بهناز امین زاده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. بنت، اندی (۱۳۸۶) فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه لیلا جوافشانی، حسن چاوشیان نشر اختران - چاپ اول، تهران
۲۳. بتلی، ای. ین و دیگران (۱۳۸۷) محیط‌های پاسخده: کتاب راهنمای طراحان، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۲۴. بهزادفر، مصطفی و پیام محمودی کردستانی (۱۳۸۸) هنجارهای کیفی طراحی فضای شهری مردم‌مدار (آزادی مدار)؛ آرمانشهر، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۲۵. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی.
۲۶. پایا، علی (۱۳۷۷) معجزه گفتگو، مجله راه نو، سال اول، شماره ۵. ۱۳۷۷.
۲۷. پرایس وینسنت (۱۳۸۲)؛ افکار عمومی؛ ترجمه علی رستمی و الهام میرتهامی؛ انتشارات مطالعات راهبردی
۲۸. پرتوی، پروین (۱۳۸۲) مکان و بی مکانی: رویکردی پدیدارشناسانه، نشریه هنرهای زیبا، ش ۱۴، تهران.
۲۹. پوپر، کارل (۱۳۶۴) جامعه باز و دشمنان آن، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی.
۳۰. پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۶) رویکرد اندیشه ای در تدویم معماری ایران، صغه، سال ۱۶، شماره ۴۵.
۳۱. پولادی، کمال (۱۳۸۸) تاریخ اندیشه سیاسی در غرب قرن بیستم، تهران: نشر مرکز.
۳۲. تانکیس (۱۳۸۸) فرم. فضا، شهر و نظریه اجتماعی (مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری)؛ ترجمه پارسی، حمیدرضا و دیگران. انتشارات دانشگاه تهران.
۳۳. تقوایی، علی اکبر و معروفی، سکینه (۱۳۸۹)
- تاثیر فضاهای شهری بر ارتقاء کیفیت محیط با تاکید بر نقش مساجد، مقاله برگزیده همایش بین المللی مساجد، تهران.
۳۴. توسلی محمود و ناصر بنیادی (۱۳۸۶) طراحی فضای شهری- فضای شهری و جایگاه آن در زندگی و سیمای شهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۳۵. توسلی، محمود و دیگران (۱۳۷۱) طراحی فضای شهری، جلد اول. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۳۶. توسلی، محمود (۱۳۷۱) اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۳۷. تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳) شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، اصفهان، نشر خاک.
۳۸. جوان، جعفر و دیگران (۱۳۹۲) دیالکتیک فضا از منظر لوفور، نشریه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، شماره ۱۲.
۳۹. جونو. و. ئوکی (۱۳۶۵)؛ تعریفی از افکار عمومی؛ از کتاب صدای مردم؛ ترجمه محمود عنایت؛ انتشارات کتاب‌سرا
۴۰. جووت کرت (۱۳۷۴)، ساختار تبلیغات سیاسی؛ ترجمه محبوبه ملک‌لو؛ فصلنامه رسانه؛ سال ششم شماره اول
۴۱. جهانگللو، رامین (۱۳۸۵) نقد عقل مدرن. ترجمه سامعی، حسین. انتشارات فرزاد روز.
۴۲. جیکوبز، جین (۱۳۸۶) مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه حمید رضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴۳. حبیب، فرح (۱۳۸۰) فضای شهری بستر تعامل اجتماعی (تعامل اجتماعی رویکردی به پایداری)، فصلنامه معماری و فرهنگ. سال هفتم، شماره ۲۴.
۴۴. حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷.
۴۵. حبیبی، محسن (۱۳۷۸) فضای شهری، حیات واقعه ای و خاطره‌های جمعی، مجله صغه،

- سال نهم، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۳۷۸.
۵۹. رضوی زاده، سید نورالدین (۱۳۷۷)؛ وانمایی و سلطه در جریان بین‌المللی خبر؛ مجموعه مقالات دومین سمینار برای مسائل مطبوعات ایران؛ جلد ۲؛ انتشارات رسانه
۶۰. رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳.
۶۱. رورتی، ریچارد (۱۳۸۳) فلسفه و دموکراسی، ترجمه پیام یزدانجو، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی ایران.
۶۲. ریتز، جورج (۱۳۸۶) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران، علمی، چاپ چهاردهم.
۶۳. سالک رضا (۱۳۷۸)؛ نقش ارتباطات رسانه‌ای و میان‌فردی در شکل‌گیری افکار عمومی؛ نشریه افکار عمومی؛ شماره ۸- انتشارات صدا و سیما
64. John Parkinson, "Holistic Democracy and Physical Public Space", University of York, London, 2006.
65. Carmona, M (2003) Public places, urban spaces, Architectural press
66. DETR (2000) By Design, Urban design in Planning System: towards better practice. Commission for Architecture & Built Environment, London
67. Punter, J and Carmona, M (1997) The Design dimension of Planning/E & FN SPON
68. Urban Task Force (1999) Towards an Urban Renaissance, PP 5659-
69. PETER NÆSS\* AND OLE B. JENSEN (2002) (Urban land use, Mobility and Theory of science :exploring the potential for critical realism in empirical Reaserch "online accepted on (www.interscience.wiley.com) Alborg Denmark
70. Margit Mayer, Neil Brenner and Peter Marcuse November 62008, 8-) "The Right to the City": Prospects for Critical Urban Theory and Practice, Berlin,
71. Neil Brenner , David J. Madden & David Wachsmuth (2012) "Assemblage urbanism and the challenges of critical urban theory" ONLINE <http://www.tandfonline.com>
72. Brenner, Neil" (2009) "what is critical urban theory?", the journal of city vol . 13 NO 2&3
73. Urban Task Force (1999) Towards an
۵۶. حبیبی، محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره هفتم. تابستان ۱۳۷۹.
۵۷. حبیبی، مقصودی، محسن، ملیحه (۱۳۸۴) مرمت شهری: تعاریف، نظریه ها، تجارب، منشورها و قطعه‌نامه‌های جهانی، روشها و اقدامات شهری، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۵۸. حسام، فرحناز (۱۳۸۰) حوزه عمومی و تجلی آن در کالبد شهر، ماهنامه شهرداریها، سال سوم، شماره ۳۰، آبان ۱۳۸۰.
۵۹. حسین و محمود شورچه (۱۳۹۲) شهر و نظریه انتقادی با تاکید بر آرا دیوید هاروی، انتشارات پرهام نقش.
۵۰. دفتر برنامه ریزی و خدمات آموزشی وزارت خارجه (۱۳۷۲) احزاب سیاسی مصر، تهران، وزارت امور خارجه.
۵۱. دلاور، علی. (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران رشد.
۵۲. دیویس فیلیپ (۱۳۶۵)، صدای مردم؛ ترجمه محمود عنایت؛ انتشارات کتاب‌سرا
۵۳. دیویسون فیلیپس (۱۳۷۵)؛ مقدمه‌ای بر افکار عمومی؛ ترجمه نصرت فتی؛ نشریه افکار عمومی، شماره ۷ انتشارات مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما
۵۴. ذکات، کامران و دهقان (۱۳۹۳) نظام عرصه عمومی: بعد رویه ای (جایگاه اسنادی)، برنامه اسکان بشر ملل متحد در ایران، پنجمین سمپوزیوم.
۵۵. راست بین، ساجد و دیگران (۱۳۹۱) رابطه همبستگی بین کیفیت محیطی و تداوم حیات شهری، باغ نظر، شماره ۲۱.
۵۶. رزاقی، افشین (۱۳۸۵) نظریه‌های ارتباطات اجتماعی، تهران، آسیم، چاپ دوم.
۵۷. رضایی یزدی، محمد (۱۳۷۶)؛ مبانی نظری شناخت افکار عمومی؛ مرکز تحقیقات و توسعه صدای صدا و سیما
۵۸. رضوی، سید مصطفی، اکبری، مرتضی، جعفرزاده، مرتضی (۱۳۹۳). بازکاوی روش تحقیق آمیخته، انتشارات: دانشگاه تهران

- Urban Renaissance. PP 5659-
74. Larice, Michel and Macdonald, Elizabeth (2007) The Urban Design Reader. Routledge. New York. PP348375-
  75. Punter, J and Carmona, M (1997) The Design dimension of Planning/E & FN SPON
  76. Laughlin, Fredric L and Andringa, Robert C. (2007) Good Governance for Nonprofits, Developing Principles and Policies for an Effective Board, AMACOM; P. 70.
  77. Sayan, Gencay (2003) changes, globalization and Newtasks of the government, Imge publication, Ankara, Turkey; P. 702.
  78. Davies, Jonathan S. (2002) The Governance of urban Regeneration: A Critique of the Governing without Government, public Administration, Vol, 80, No, 2.
  79. Clark, D., (2003), Urban World/Global City, Second edition, Routledge, p. 200.
  80. Nurhadi, (2009) Urban Poverty and Local Capacity Building international Conference on social silences (ICSS) Volume, 3, 1011-September, izmilt, Turkey.



فصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶

No.49 Winter 2018



## تبیین معیارهای طراحی پارکها و پردیسهای شهری در انطباق با نیازهای زنان

سید محمدحسین رضوی نیا\* - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، واحد مهدیشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، مهدیشهر، ایران.

### چکیده

امروزه طراحی فضاهای شهری در انطباق با نیازهای اقشار اجتماع از مهم‌ترین اولویتهای برنامه ریزی و مدیریت شهری است، چراکه شهرهای امروزی به دلیل رویارویی با مشکلاتی همچون شلوغی، ازدحام، تراکم بالا، و ترافیک از سوی شهروندان مورد نقد قرار گرفته‌اند. در این میان فضاهای سبز، پردیسها و پارکهای شهرها به عنوان پهنه‌هایی که مجال برای آرامش و تفریح را فراهم می‌آورند اهمیت دارند و طراحی آنها برای زنان مورد توجه قرار گرفته است؛ لذا لازم است تا به‌طور کلی اصول و معیارهایی که بایستی در طراحی پارکهای شهری به عنوان نوعی از فضاهای باز و عمومی برای زنان در شهر مورد توجه قرار گیرند، و با برنامه ریزی امکان خلق فضاهایی جذاب و مناسب حال شهروندان زن فراهم شود. روش تحقیق این مقوله توصیفی-تحلیلی و فراتحلیل است که به بررسی معیارهای طراحی فضای شهری برای زنان معطوف شده است. در پایان نیز این معیارها بیان شده و چگونگی تحقق پذیری آنها در شرایط فعلی مورد اشاره قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** فضای سبز، پارک و پردیس، زنانگی شهر، معیارهای طراحی.

### Explain urban parks and urban parks design criteria for adaptation to women's needs

#### Abstract

Urban sprawl design is now one of the most important urban planning and management priorities, as today's cities have been criticized for confronting problems like crowds, congestion, high traffic density and traffic congestion. In this context, green spaces, campuses and parks of cities are important areas that provide a place for relaxation and recreation, and their design is considered for women; therefore, it is necessary to generalize the principles and criteria that must be met. Urban parks should be considered as a kind of open and public spaces for women in the city, and planning should be made to create attractive and suitable spaces for female citizens. The research method is a descriptive-analytical and meta-analysis that examines the criteria for designing urban space for women

**Key words:** green space, park and campus, city femininity, design criteria.

## مقدمه

در سال‌های اخیر و به دنبال اهمیت یافتن مفهوم گسترده «عدالت اجتماعی» در شهرها، موضوعاتی همچون عدالت جنسیتی، «فضاهای شهری زنانه» و زنان به عنوان بهره‌برداران از فضاهای عمومی مطرح گردیده‌اند؛ توجه به مقوله جنسیت در شهرها با تکیه بر مفهوم گسترده عدالت اجتماعی در شهرها مورد توجه قرار گرفته است. عدالت در حوزه جنسیت نیز متأثر از مفهوم کلی آن است. بر این اساس عدالت جنسیتی چنین اقتضا می‌کند که جنسیت افراد مانع از آن نشود که به دلیل ناتوانی در احراز شأن منزلت شایسته خود، احساس ناکامی و کهنتری کنند (عطارزاده، ۱۳۸۸، ص ۲۲۸). در واقع رویکرد عدالت جنسیتی موضوعی بسیار مهم در اندیشه توسعه پایدار است که به معنای تأکید بر زنان و لحاظ نظرات و خواسته‌های آن‌ها است (حسینی و سمیعی پور، ۱۳۹۴، ص ۵۲). مطرح شدن این دیدگاه‌ها رفته‌رفته منجر به رسمت شناخته شدن نیازهای زنان در جوامع گردیده است که جایگاه بدیع آنها در کانون خانواده و جامعه در اسلام و ماتقدم تمدن ایران، تأکیدی بر اهمیت موضوع است. بر این اساس، توجه برنامه‌ریزان به مفاهیمی چون عدالت جنسیتی است و برنامه‌ریزان شهری در واکنش به رهیافت‌های گذشته که در تعریف، تفسیر و اقدام برای برنامه ریزی، تجربه زنان در مدیریت و برنامه ریزی به خصوص در زمینه فضاهای عمومی را نادیده می‌گرفت، به شدت به ابعاد جنسیتی حساسیت نشان می‌دهد. مباحث جنس و جنسیت بر ادراک و کاربرد فضاهای شهری اثر می‌گذارد و در سطح کلان مشارکت زنان، نمادی از مشارکت عامه مردم در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، توزیع امکانات مختلف آموزشی، بهداشتی، الگوی اشتغال، الگوهای تربیتی و توزیع ثروت و درآمد، توزیع و توازن قدرت و بهره‌وری از منافع توسعه است (مدنی پور، ۱۳۷۹، ص ۱۲۶). به دنبال مطرح شدن چنین مقولاتی الگوهایی برای زمینه‌سازی حضور گسترده‌تر زنان در فضاهای عمومی شهرها مورد توجه قرار گرفته است. در این میان در کشورهای در حال توسعه و تاحدودی ایران، نوع

ویژه ای از پارکها مطرح است که مختص بانوان در نظر گرفته می‌شوند<sup>۱</sup>، بدیهی است این پارک‌ها بایستی اصول و قواعد متفاوت و مخصوص به خود را داشته باشند تا بتوانند به اهداف در نظر گرفته شده برای آنها پاسخ دهند. پارک‌های بانوان تا کنون در شهرهای مختلفی اجرا شده است و مورد استقبال بانوان قرار گرفته است. چنین شرایطی موجب شده است تا تمامی شهرهای کشور به نوعی دغدغه احداث چنین فضاهایی را داشته باشند. این پارک‌ها بایستی شرایطی خاص داشته تا بتوانند به نیازهای گروه‌های خاص مخاطبی خود جوابگو باشند. لذا ضروری است این نیازهای خاص و انتظاراتی که از پارک‌های بانوان مطرح است شناسایی شده و به صورت ویژه در این پارک‌ها و در طراحی ساختمان‌های مورد نیاز در آنها مورد توجه قرار گیرند. در این راستا در این پژوهش سعی شده است تا به صورت خاص به موضوع پارک‌های بانوان و اصولی که برای طراحی این گونه از پارکها بایستی مورد توجه قرار گیرند، پرداخته شود.

## ضرورت انجام پژوهش

رویکردهای جنسیتی به فضاهای شهری در سالهای اخیر و به دنبال انتقادات گسترده به مردانه بودن شهرها و فضاهای عمومی مطرح گردیده‌اند. این رویکردها ابتدا در کشورهای پیشرفته و با هدف فراهم‌سازی بستر مناسب‌تری برای حضور فعالانه‌تر زنان در اجتماع مورد توجه قرار گرفت و سپس چنین موضوعاتی به کشورهای دیگر نیز تسری یافت. امروزه ضرورت بازنگری در رویکردها و سیاست‌های شهری، با اهداف اصلاح بنیادی نابرابری جنسیتی مورد توجه قرار گرفته

۱. احداث پارکهای ویژه بانوان از دهه هشتاد در دستور کار شهرداری‌ها و شوراهای شهر سرتاسر کشور قرار گرفت و پس از آن احداث و بهره‌برداری از پارک‌های بانوان در شهرهای مختلف کشور آغاز گردید. پارک بانوان احداث شده در شهر بروجرد اولین پارک ویژه بانوان در ایران است. این پارک در سال ۱۳۸۰ در زمینی به مساحت بیش از ۴۰ هزار مترمربع طراحی و اجرا شده است. اولین پارک بانوان تبریز نیز در سال ۱۳۸۶ به بهره‌برداری رسید (هاشمی تپه نوبی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۱). با اجرا شدن اولین نمونه‌ها از پارک‌های ویژه بانوان و بازخوردهایی که در جامعه به دنبال داشت، احداث این پارک‌ها در شهرهای مختلف کشور مورد توجه قرار گرفت.

است. دستیابی به این موضوع، مستلزم ایجاد تعادل و برابری در فرایند تصمیم‌گیری، برای اطمینان از فرصتهای برابر برای زنان و مردان است (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۳۳). رویکردهای جنسیتی به فضاهای عمومی در شهرها در کشورهای مختلف با توجه به مقتضیات فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خاص هر جامعه به صورت مختلفی نمود داشته است که جمله موارد فوق‌الذکر، ضرورت تحقیق را نشان می‌دهد.

### پیشینه پژوهش

به طور کلی موضوع جنسیت و شهر و یا جنسیت در شهر موضوعی که در دهه‌های اخیر به صورت جدی مورد توجه قرار گرفته است. این موارد به طور کلی ریشه در تلقی جنس و جنسیت به عنوان یک عامل اجتماعی و از اینرو اثرگذار در کنش اجتماعی و مولفه‌ای سازنده در فضاهای اجتماعی دارند. یکی از شناخته‌شده‌ترین نظریه‌پردازان در این زمینه «هانری لوفور» است که به طور مشخص به بحث پیرامون جنسیت و شهر پرداخته است. نظریات و ایده‌های مطرح شده توسط لوفور تاکنون نقطه شروع تحقیقات و پژوهش‌های گسترده‌ای قرار گرفته است. موضوع عدالت جنسیتی و فضاهای زنانه در کشورهای پیشرفته نیز مورد توجه قرار داشته است. برای مثال در گزارشی با عنوان «چرا تنها زنان»<sup>۲</sup> که در سال ۲۰۰۷ در کشور انگلستان توسط «سازمان مرکز منابع زنان»<sup>۳</sup> منتشر شده، به موضوع عرضه خدمات ویژه زنان پرداخته شده است. در این گزارش به بررسی مزایا و ارزش‌هایی که این خدمات برای زنان فراهم نموده، پرداخته شده است. یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که خدمات ویژه زنان گسترده و وسیعی از منافع را دارد و کلیدی‌ترین سود آن، ایمنی (جسمی و روحی) برای زنان بوده است. علاوه بر این پژوهش‌ها می‌توان تعدادی از محققان فعال بر موضوع اصلی این پژوهش که پارک‌های بانوان است، شناسایی نمود. با توجه به اینکه پارک‌های بانوان بیشتر در کشورهای اسلامی مطرح است، در سطح جهان نیز

می‌توان نمونه‌ای از تحقیقات متمرکز بر نیازهای زنان در پارک‌های شهری مشاهده نمود. یکی از پژوهش‌هایی که در داخل کشور نیز از سوی محققان فعال در این زمینه به کرات مورد استناد قرار گرفته، مطالعه‌ای است که توسط «کریچن»<sup>۴</sup> در سال ۲۰۰۴ در مورد مطلوبیت پارک‌های شهری شهر بروکلین برای بانوان صورت گرفته است. وی در این مطالعه به شناسایی نیازها و خواسته‌های زنان از پارک‌های شهری و سپس ارزیابی میزان تطابق پارک‌ها با این نیازها پرداخته است. محققان دیگری نیز با تمرکز بر رویکرد عدالت جنسیتی به بررسی فضاهای شهری در شهرها از منظر مطلوبیت آنها برای حضور زنان پرداخته‌اند. راضیه رضازاده و مریم محمدی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «فضاهای شهری، زمینه‌ساز عدالت اجتماعی» در مجله نهاد توسعه تهران به بررسی موانع و عوامل مشارکت زنان در فضاهای عمومی و چگونگی به وجود آمدن فضاهای عمومی جنسیتی و مشخص کردن عملکردهایی که به عدم مشمولیت زنان در فعالیت عمومی منجر می‌شوند می‌پردازد، سپس از دید جغرافیدانان فمینیسم به تحلیل محیط‌های مصنوع (فضاهای شهری) که به دوگانگی میان فضاهای خانه و کار و فضاهای خصوصی و عمومی منجر شده‌اند پرداخته، سپس شاخص‌های پاسخ‌دهی محیط به حضور زنان (عدالت، کارآمدی، امنیت، پایداری، مسئولیت‌پذیری مدنی و شهروندی) را بررسی نموده و حقوق زنان از نظر ظرفیت اقتصادی و حمل و نقل عمومی را مورد نقد و تحلیل قرار می‌دهد. بررسی نتایج حاصل از این مطالعات می‌تواند به دید بهتری نسبت به نیازهای زنان در فضاهای عمومی شهر دست یافت و از این طریق به الزامات طراحی فضاهای شهری زنانه درک روشنتری یافت.

از جمله این مطالعات می‌توان به مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل تطبیقی رضایت‌مندی زنان از پارک‌های شهری پارک بانوان حجاب و پارک مختلط ملت» اشاره نمود که در سال ۱۳۹۴ توسط آقایان سمیعی پور و حسینی انجام شده است. نتایج این مطالعه نشان داد که نقش پارک‌های

2. why women only?

3. Women's Resource Centre

4. krenichyn

شهری به عنوان مهم‌ترین فضاهای شهری فقط بر کارکرد اکولوژیکی آن خلاصه نمی‌شود. کارکرد های تسکین و آرامش بخشی، کارکرد آموزشی - فرهنگی، روان شناختی و فراغتی - اجتماعی مهمترین کارکردهایی بودند که شهروندان از این فضاها انتظار داشته‌اند. بر طبق تحلیل یافته‌ها، رضایت مندی زنان از پارک بانوان حجاب مشهود اندکی بیش تر از پارک مختلط ملت بود، ولی تفاوت نمرات بین این دو پارک معنادار نبود. محققان در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که پارک بانوان مورد نظر نتوانسته است در دستیابی به اهداف متصور از ساخت آن برسد. از جمله پژوهش‌های دیگری که در این زمینه صورت گرفته و تا حدوی به استخراج اصول و معیارهای طراحی نزدیک شده است می‌توان به پژوهشی با عنوان «ارزیابی نگرش جنسیتی در طراحی فضاهای شهری؛ نمونه موردی پارک شمس تبریز» اشاره نمود که توسط آقایان گلی و زادولی و خانم زادولی در سال ۱۳۹۳ انجام شده است. در این پژوهش محققان به این نتیجه رسیده‌اند که عواملی همانند طراحی مناسب فضای درونی پارک نسبت به اشرافیت ساختمان‌های مجاور، نحوه توزیع کاربری‌های مختلف در درون پارک (چیدمان عناصر)، مکانیابی و نحوه دسترسی به پارک و احساس امنیت و آرامش روانی در پارک با افزایش رضایتمندی پاسخگویان از حضور در پارک بانوان رابطه معناداری دارد. پژوهشی نیز با عنوان «پارک‌های موضوعی بانوان با رویکرد چندجانبه‌نگر» در سال ۱۳۹۰ توسط فرشته حبیب و همکاران انجام شده است که با رویکردی متفاوت به بررسی وضعیت پارک‌های بانوان پرداخته است که با رویکرد مورد نظر در این پژوهش تقریباً همراستا است. محققان در این پژوهش این موضوع را مطرح می‌نمایند که صرف محصور نمودن یک فضای مشجر و کفسازی مسیرهای پیاده و قراردادن مجموعه‌ای از مبلمان شهری به ایجاد یک پارک بانوان سرزنده منجر نمی‌گردد. بلکه پارک بانوان عرصه‌ای برای فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی - مشارکتی، فراغتی - تفریحی، بهداشتی و اقتصادی، مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی بانوان در هر جامعه‌ای می‌باشد. لذا، برنامه‌ریزی

و طراحی در این پارک‌ها می‌بایست زمینه‌ساز شکوفایی، بالندگی، ایجاد حس اعتماد به نفس و مشارکت و نیز اشتغال برای بانوان باشد. پژوهش حاضر نیز با قبول دانستن چنین نقدهایی به دنبال شناسایی اصولی است که بایستی در طراحی این پارک‌ها رعایت گردد تا فضایی سرزنده، جذاب و فعال برای بانوان ایجاد گردد. تحقیقات دیگری<sup>۵</sup> نیز با موضوعاتی مشابه انجام شده‌اند که همگی نشان از ضعف در طراحی و فضا سازی مطابق با نیازها و خواسته‌های واقعی بانوان دارند. از اینرو به نظر می‌رسد در کنار این پژوهش‌ها که به نوعی آسیب شناسی پرداخته‌اند، وجود تحقیقات مکمل با هدف شناسایی اصول و استخراج معیارها الزامی است.

#### مواد و روشها

با توجه به نوع پژوهش شیوه مناسب برای انجام آن از شیوه «توصیفی و تحلیلی»<sup>۶</sup> در نظر گرفته شده است. از شیوه توصیفی و تحلیلی برای تدوین چارچوب راهنمای طراحی بهره برده شده است.

#### پارک‌های و پردیس شهری

ایجاد پارک به عنوان فضای باز و سبز عمومی زمانی مطرح شد که از یک طرف آلودگی‌های صنعتی بسیاری از شهرهای اروپا را به محیطی غیرقابل تحمل بدل کرده و از طرف دیگر زندگی ماشینی اوقات فراغت مردم را افزایش داده بود. هم‌زمان با این مسائل، بحث‌هایی نظیر عدالت اجتماعی در شهر، رفاه، و حقوق شهروندی نیز از سوی روشنفکران مدرن دنبال می‌شد. به این ترتیب، پارک به منزله یک فضای عمومی با کارکردهای زیست‌محیطی، تفریحی، و ساختاری در شهرها ایجاد شد (گلی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۷۳). در شهرهای امروزی با توجه به شدت گرفتن مسائل و مشکلاتی از قبیل آلودگی هوا، ازدحام و شلوغی، سبک زندگی پر استرس و

۵. از جمله این تحقیقات که در بخش مبانی نظری این پژوهش نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: سنجش رضایتمندی زنان از پارک‌های بانوان (مطالعه موردی: پارک‌های بانوان تبریز) (۱۳۹۳) و سنجش میزان موفقیت پارک‌های بانوان از دیدگاه شهروندان نمونه موردی: کلانشهر تبریز (۱۳۹۳)

6. Analytical and descriptive method



نمودار ۱. ابعاد اصلی مفهوم کیفیت زندگی شهری؛ ماخذ: قربانی و تیموری، ۱۳۸۸، ص ۵۰



نمودار ۲. نقش های مورد انتظار از پارک های شهری؛ ماخذ: نگارندگان.

نقش اکولوژیک: اولین و شناخته شده ترین نقش فضاهای سبز شهری، نقش اکولوژیک این فضاها است. فضاهای شهری به عنوان سطوحی از شهر که با پوشش گیاهی پوشیده شده اند دارای بازدهی اکولوژیکی هستند و از این منظر در شهرها نقش آفرینی می نمایند. به طوری که فضاهای سبز شهری عامل اصلی در بهبود شرایط اکولوژیکی در شهرها محسوب می گردند و از این طریق کیفیت محیط زیست شهری ارتقاء یابد (امیرفخریان، ۱۳۹۱، ص ۱۹۱).

نقش اقتصادی: گذشته از مزایای اجتماعی و فردی، طبیعت شهری می تواند مزایای اقتصادی را نیز چه برای مدیران شهری و چه برای شهروندان

مواردی از این قبیل نیاز به احداث این پهناها در شهرها فزونی یافته است. اهمیت این پهناها در شهرها در حدی است که در شمار ۵ کاربری مهم در شهرها یاد شده است (امیر فخریان و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۹۱). از اوایل قرن بیستم انسان شهرنشین توجهی دوباره به طبیعت و فضای سبز نشان داد که نمود عینی آن ایجاد باغ های عمومی در شهرها است (قربانی، تیموری، ۱۳۸۸). با توجه به زمینه های طرح ایده احداث پارک های شهری می توان نقش های چندگانه ای را برای این پهناها در شهر شناسایی نمود. برای درک بهتر نقش های موردانتظار از پارک های شهری به نظر می رسد ابتدا لازم است تعریف جامعی از این فضاها ارائه نمود. فضاهای سبز شهری را می توان بخشی از فضاهای وسیع یا محدوده عملکردی شهر دانست که به منظور ایجاد تنوع و زیبایی، افزایش کیفیت زیستی، تأمین رفاه انسانی و ارائه خدمات ویژه به شهروندان انتخاب شده و با انواع پوشش های گیاهی، تحت نظارت و مدیریت انسان شهری قرار دارد (ضرابی و تبریزی، ۱۳۸۵، ص ۶۳). از این دوران ایده پارک های شهری در تمامی شهرهای جهان تسری یافت و به احداث پهناهای سبز و باز در شهرها منجر گردید. در کشور ایران پارک های شهری زاینده تحولاتی در عرصه زندگی اجتماعی و شیوه های باغ سازی می باشد که همگام با سایر جنبه های معماری و شهرسازی، از دوره قاجار آغاز گردید و نتایج عمده آن با نیم قرن تأخیر پا به عرصه فضای شهری گذاشت (سلطانی، ۱۳۸۶، ص ۴۸). بنابراین دورانی مواجه با پیامدهای شهرهای صنعتی را می توان نقطه عطفی در شروع ایده پارک های عمومی در شهرها معرفی نمود.

### نقش پارک های شهری

بر اساس مطالعات صورت گرفته می توان نقش های مورد انتظار از پارک های شهری را به طور کلی در چهار زمینه «اکولوژیک، سلامت اجتماعی، سلامت فردی و نقش اقتصادی» شناسایی نمود. در ادامه هر یک از این نقش ها و راستایی که برای نقش آفرینی فضاهای سبز در نظر گرفته، معرفی شده است.



فراهم سازد. این مزایا می‌توانند به صورت مستقیم و غیرمستقیم عموم مردم و نهادهای مدیریتی را منتفع سازند. برای مثال پالایش هوا که درختان انجام می‌دهند، می‌تواند منجر به کم شدن هزینه‌های کاهش آلودگی گردد. به علاوه ارزش‌های زیبایی شناختی و تفریحی این پارکها باعث افزایش جذابیت شهر، ارزش گردشگری و در نتیجه درآمد می‌شود (قربانی و تیموری، ۱۳۸۸، ص ۵۰).

نقش فردی: در میان نقش‌های مورد انتظار از پارک‌های شهری بر نقش آنها در سلامت جسمی و همین‌طور روانی شهروندان نیز تأکید بسیاری شده است. در میان نظریه پردازان و محققان در مورد ارتباط مستقیم میان فضاهای سبز با سلامت جسمی و همین‌طور روانی شهروندان اتفاق نظر وجود دارد (Lee & Maheswaran, 2011: 219). پارکهای شهری با فراهم ساختن فرصت‌هایی برای ورزش، پیاده روی و قدم زدن به صورتی که بدون محدودیت در اختیار همگان قرار دارد، نقش مهمی در ارتقا سلامت جسمی شهروندان می‌تواند ایفا نماید. علاوه بر این بعد بر نقش آنها بر سلامت روحی و روانی شهروندان نیز تأکید شده است. فضاهای سبز شهری (پارک‌ها و تفرجگاه‌ها) به عنوان بخشی مهمی از ساختار محیط زیستی شهر مطرح می‌باشند که نقش بسیار مهمی را در دنیای پر از آشوب امروزی شهرها دارند و در این بین توجه به شکل‌گیری و تنوع آنها و تداوم در بهبود عملکرد آنها نقش اساسی در کاهش اضطراب‌های روزافزون شهروندان در شهرها دارد (Byrne & sipe, 2010: 2).

نقش اجتماعی: به تعبیر سعیدنیا (۱۳۷۹) پارک‌های شهری بازدهی اجتماعی دارند و عموم مردم از آنها برای برقراری ارتباطات اجتماعی و گردهم‌آیی‌های اجتماعی و فرهنگی بهره می‌برند. پارک‌ها و فضاهای سبز شهری به عنوان عرصه‌هایی که قادرند فرصت‌های ارزشمندی برای تفریح، ورزش، استراحت، کسب آرامش و برقراری تعاملات اجتماعی برای کسانی که در شهرها زندگی می‌کنند فراهم آورند، بیش از پیش در شهرهای امروزی مورد توجه قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر این فضاها به عنوان ابزاری برای

جلوگیری از محرومیت اجتماعی به وسیله فراهم ساختن امکان دسترسی آزاد تمام مردم به امکانات و تسهیلات نیز در شهرها نقش آفرینی می‌نمایند (حیدری چیانه و همکاران، ۱۳۹۳).

## پارک و پردیس‌های شهری و کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مفهومی گسترده است و در عین حال نقش کلیدی در رضایت شهروندان از شهرها ایفا می‌نماید. پارکهای شهری بواسطه نقش‌های چندگانه‌ای که در شهرها ایفا می‌نمایند با ابعاد مختلف کیفیت زندگی در ارتباط مستقیم و یا غیرمستقیم قرار می‌گیرند و از این طریق در افزایش رضایتمندی شهروندان از سکونت در شهرها اثربخش در نظر گرفته می‌شوند. پارک‌های شهری نقش اجتماعی، اقتصادی، و اکولوژیکی دارند و با مزایایی چون درمان بیماری‌های روحی، فراهم کردن محیطی مطلوب برای پرورش کودکان، یکپارچگی اجتماعی، حفظ آسایش، و نظایر این‌ها شاخصی برای ارتقای کیفیت فضای زندگی و توسعه جامعه محسوب می‌شوند (گلی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۷۲). در اغلب مطالعات، بر پارکها و فضاهای سبز شهری، به منزله عامل مهمی که می‌تواند کیفیت زندگی اجتماعی را ارتقا دهد، تأکید شده است. کیفیت زندگی موضوعی است که در دهه‌ای اخیر و به دنبال بیداری ناشی از معرفی پارادایم پایداری در شهرها مورد توجه قرار گرفته است. بالاترین هدف توسعه و مدیریت شهری، بهبود کیفیت زندگی و خوشبختی شهروندان است؛ حال آنکه کیفیت زندگی مفهومی چندبعدی است و جنبه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد. به طور کلی کیفیت زندگی شامل مسائل مادی و غیرمادی است. از بعد مادی، کیفیت زندگی نه تنها مقوله‌هایی همچون کیفیت زندگی، امکانات زیربنایی، تولید اقتصادی، اشتغال، قیمت‌ها، قانون و مانند اینها را در بر می‌گیرد بلکه مواردی چون سلامتی، سرگرمی، اوقات فراغت، فرهنگ و هنر و مانند اینها را نیز در بر می‌گیرد. در بعد مفاهیم غیرمادی، کیفیت زندگی شامل تجارب و دریافت‌های شخصی افراد و بازخوردهای آنها در زندگی واقعی شان است (dijian & peter, 2066: 15).



نمودار ۳. کارکردهای فضاهای سبز شهری؛ ماخذ: امیر فخریان و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۹۲



نمودار ۴. مولفه های اثرگذار در موفقیت پارک های شهری؛ منبع: برگرفته از علیزاده و همکاران، ۱۳۹۱

این دیدگاه، رویکردهایی در شاخه های گوناگون علوم مرتبط با جامعه و محیط به زنان و حق آنها برای حضور در جامعه و بهره مندی از امکانات محیط اختصاص یافت. اولین منشور بین المللی برابری حقوق زنان و مردان در سال ۱۹۴۵، برگزاری اولین کنفرانس بین المللی زنان با شعار عدالت، توسعه و صلح در مکزیکوسیتی در سال ۱۹۷۵، در نظر گرفتن برقراری عدالت جنسیتی و توانمندی زنان به مثابه یکی از اهداف مهم کنفرانس هزاره سوم در سال ۲۰۰۰، کنفرانس ساختن مکان های امن تر و امنیت زنان در شهرها در ۲۰۰۵ در لندن و غیره نمونه هایی از تغییر نگرش نسبت به زنان در عرصه جهانی و تلاش در راستای ارتقای جایگاه زنان در جامعه شهری است (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۳۴). موضوع حضور زنان در فضاهای عمومی شهرها و حق آنان به فضاهای شهری و عمومی، موضوعی است

فضاهای شهری زنانه در میان خواسته های مطرح شده با تکیه بر دیدگاه عدالت جنسیتی، شکستن دیدگاه های انحصاری مردانه به شهرها و فضاهای شهری که در شهرسازی مدرنیستی به اصلی پذیرفته شده مبدل گردیده بود، مطرح گردید. این خواسته ها زمینه ساز طرح مباحث جنسیت و شهر گردید. از حدود دهه ۱۹۶۰ و در بستر گسترش انتقادهای نسبت به شهرسازی مدرن و همراه با رشد جنبش های زنان، موضوع رابطه میان جنسیت و شهر به یک گفتمان جدید در اروپا و آمریکا تبدیل شد. از دهه ۱۹۸۰ بدین سو و در متن جنبش زنان، موج جدیدی به نام «فمینیسم شهری»<sup>۷</sup> به ظهور رسید که معمولاً از آن به عنوان جنبش زنان و برنامه ریزی نام برده شد است (مهدیزاده، ۱۳۸۷، ص ۱۳). همزمان با طرح

7. Urban Feminism

که در دهه‌های اخیر و به دنبال جنبش‌هایی که با محوریت احقاق حقوق زنان در جهان صورت گرفته، مطرح شده است. زنان تا پیش از این محدود به خانه و فضاهای خصوصی در نظر گرفته می‌شدند. بر اساس این دیدگاه زنان به واسطه وظایف مراقبتی از کودکان سالمندان و مواردی از این قبیل به فضاهای شهری و عمومی مراجعه نموده و به عبارتی حضور آنها اجباری قلمداد می‌گردیده است (مویدی و همکاران، ۱۳۹۲). در سال‌های گذشته که مسئولیت زنان در محیط خانه به علل گوناگون بیشتر بوده است این موضوع بیشتر مصداق داشته است ولی امروزه زنان اوقات فراغت بیشتری نسبت به گذشته برخوردار هستند و همین امر سبب شده است که علایق آنها به حضور در فضاهای شهری گسترش یابد (حیدری چپانه و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۲۸). زنان در تفکر سنتی به عنوان کسانی که به عرصه‌های خصوصی تعلق دارند در نظر گرفته می‌شدند و از همین رو به نیازهای آنها در فضاهای عمومی و شهری توجهی نمی‌گردد. در واقع اساساً زنان جایگاهی موجه برای حضور در این عرصه‌ها نداشته و به عنوان گروه مخاطب این فضاها به رسمیت شناخته نمی‌شدند. این دیدگاه‌ها در دهه‌های اخیر با توجه به تحولاتی که در نقش و جایگاه زنان در جوامع مختلف روی داده است در حال تغییر است (خانی، ۱۳۸۶، ص ۶۵). حاکمیت نگرش‌های سنتی که زنان را حوزه خصوصی و مردان را به حوزه عمومی متعلق می‌دانست با توجه اختصاص حوزه‌های عمومی به مردان، دیدگاه مذکر محور و مردانه را به این قبیل

فضاها برای سال‌های زیادی به عنوان دیدگاه غالب معرفی نموده است (حسینی و سمیعی پور، ۱۳۹۴، صص ۵۱-۵۲). تسلط این دیدگاه‌ها در واقع به حاشیه رانده شدن زنان در فضاهای عمومی منجر شده و فضاهایی را شکل داده که اساساً دغدغه پاسخگویی به نیازهای ویژه زنان را نداشته اند. فضاهای شهری آن جاذبه‌ای را که برای مردان دارند برای زنان ندارند، چراکه برای آنان با آسایش و امنیت کافی همراه نیست (مدنی پور، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷). این وضعیت در کنار تحولاتی که در سال‌های اخیر در شیوه زندگی زنان بوجود آمده است، وضعیتی از تضاد و تناقض را میان خواسته‌های زنان از فضاهای عمومی و شرایط فضاهای عمومی ایجاد نموده است. رویکردهای کنونی حاکم بر طراحی فضاهای عمومی در شهرها پذیرش تفاوت‌ها را پذیرفته و این اصل را بیان می‌دارد که شهرها باید برای همه گروه‌های سنی و جنسی ساخته شوند (Tabrizia & Madanipour, 2006:935). فارغ از بحث‌های منتقدان و موافقان پارک‌های تک‌جنسیتی بایستی ادعان داشت که این رویکرد در حال حاضر از سوی نهادهای مسئول رویکردی مقبول تلقی گردیده و تا کنون ساخت و بهره برداری از پارک‌های متعددی با این رویکرد در شهرهای مختلف کشور تجربه گردیده است. اظهار شده است که پارک‌های ویژه بانوان علاوه بر جنبه‌های بهداشتی و روانی در بهبود کیفیت زندگی زنان نیز می‌توانند نقش آفرین بوده و از این طریق به سلامت جامعه کمک نمایند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۲- سرایی، ۱۳۹۱).



نمودار ۵. تغییر نگرش به زنان در جهان و ارتقا جایگاه آنها در شهرها؛ منبع: ایزدی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۳۴

موضوع نقش و جایگاه عرصه های عمومی به عنوان فضایی برای ابراز حضور و مبارزه و مشارکت زنان در عرصه های گوناگون تصمیم سازی ها و تصمیم گیری های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نکته مهمی است که در سال های اخیر ابتدا در کشورهای پیشرفته و به مرور در کشورهای در حال توسعه اهمیت پیدا کرده است (حسینی و سمیعی پور، ۱۳۹۴، ص ۴۹). توجه به فضاهای عمومی شهری به عنوان کالبد و مکان تجلی حیات مدنی جامعه شهری و به طور خاص جایگاه و اهمیت این فضاها را برای زنان به آن دلیل است که روابط و تعاملات اجتماعی در خلاء شکل نمی گیرند. هر شکلی از روابط را می توان در بستر اجتماعی خاصی جستجو نمود (علیرضا نژاد و سرایی، ۱۳۸۶، ص ۳). در ایران دفاع از حقوق زنان تقریباً همزمان با مشروطه و آشنایی فرهیختگان ایران با جهان غرب مطرح گردید (حیدری چیا، ۱۳۹۳، ص ۱۳۲). از سال

های آغازین دهه ۷۰ به بعد، در کشور مباحث زنان و توجه بیشتر جامعه به مسائل و مشکلات این نیمه دیگر اجتماع رشد و گسترش یافته است. در این سالها اقدامات فراوانی نیز در تحقق حقوق زنان و حل مسایل و مشکلات آنان صورت گرفته است. از این جمله می توان به تأسیس نهادهای مراکز و دستگاه های مختلف دولتی نظیر شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، دفتر امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، دفاتر امور زنان وزارتخانه ها، کمیسیون های امور بانوان استانداری ها، سازمان ها، جمعیت و گروه های غیردولتی زنان، تدوین لایحه ها و طرح های مصوب و غیرمصوب در زمینه مسائل و مشکلات زنان، برگزاری همایش، کنگره و نشست های تخصصی با موضوع زن، انتشار چندین جلد کتاب در زمینه حقوق و شخصیت زن و بالاخره انتشار مجلات و روزنامه های متعدد ویژه مباحث زنان اشاره نمود (حبیب و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۷۶).

جدول ۱. محدودیت های زنان در استفاده از فضاهای عمومی؛ ماخذ: برگرفته از هاشمی تپله نویی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۲

منابع محدود	
زمان محدود	زنان ممکن است که در تخصیص زمان استفاده از فضای عمومی، برای دیگران حق تقدم قایل شوند.
پول محدود	زنان ممکن است که با محدودیت مالی جهت فعالیت در فضاهای عمومی روبرو باشند، چرا که: کارهای پاره وقت یا کارهای با مزد کم را انتخاب میکنند، تا به مسئولیت های خانه و مراقبت از کودکان پردازند. و ترجیح می دهند که پول را برای دیگران خرج کنند.
مسئولیت کارخانه و مراقبت از بچه ها، منجر می شود که حمل و نقل زنان، با استرس، پیچیدگی، محدودیت در مسافت و زمان صرف شده بیشتری همراه شود.	
انزوا، تعامل اجتماعی محدود	ترجیح دادن نیازهای دیگران، ممکن است منجر به محدودیت تعامل اجتماعی زنان در فضای عمومی شود.
فرصت های محدود	فرصت های استفاده زنان از فضاهای عمومی ممکن است که توسط عوامل زیر محدود شوند: وظایف خانگی و مسئولیت مراقبت از کودکان
فقدان خدمات	استفاده زنان از فضاهای عمومی با خدمات ناکافی، ناکارا و غیر مناسب که بار مسئولیت حفظ کودکان را سنگین تر می سازد، محدود می شود.

جدول ۱. محدودیت های زنان در استفاده از فضاهای عمومی؛ ماخذ: برگرفته از هاشمی تیله نویی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۲

احساسات محدود کننده	
استرس و تنش	مسئولیت های سنگین و مطابق نبودن آنها با توانایی های جسمی و روحی زنان، به طور کلی فشار زیادی را بر زنان وارد می آورد.
ترس	ترس از قربانی شدن و مورد تعرض قرار گرفتن در صورت حضور در فضاهای عمومی به تنهایی و بدون مراقبت و ترس از آسیب وارد شدن به کودکان و ناتوان دانستن خود در مراقبت از خطرهای احتمالی برای کودکان در فضاهای عمومی
مسئولیت های محدود کننده	
اوضاع و هنجارهای اجتماعی محدود کننده	
هنجارهای اجتماعی محدودکننده	هنجارهای جنسیتی برای رفتارهای عمومی زنانه، نیازمند این است که زنان با دیگران در فضاهای عمومی، احساس راحتی کنند، این موضوع محدودیت هایی را برای زنان ایجاد کرده است.
شرایط اجتماعی محدود کننده	استفاده زنان از فضای عمومی، محدود می شود توسط: کارکردن در مشاغلی که مزایا و خدمات پایین با انعطاف پذیری محدودی دارند.
سیاست های عمومی محدودکننده	فقدان خدمات عمومی برای نگهداری کودکان و افراد مسن، استفاده زنان از فضای عمومی را محدود می کنند.
برنامه ریزی و طراحی محدودکننده	طرحها و برنامه هایی که مسئولیت زنان را نگهداری فرزندان و خانه فرض می کند و مسئولیت مراقبت از بچه ها و خانه را افزایش می دهد.

### معیارهای فضاهای شهری زنانه

فوق حاکی از لزوم توجه همزمان به ابعاد کالبدی، عملکردی و معنایی در خلق فضاهای شهری زنانه دارد. برای مثال مولفه های همچون هراس و ترس هم از لحاظ کالبدی و هم از لحاظ عملکردی و معنایی نیازمند اتخاذ تمهیداتی است تا به ایمنی و احساس امنیت در فضاهای شهری برای زنان منجر گردد. حبیبی و همکارانش (۱۳۹۰) با مطالعه بر روی انتظارات از فضاهای شهری زنانه مجموعه ای از موارد را در این رابطه معرفی نموده اند. این محققین اظهار داشته اند که بانوان به سبب تفاوت ها و نیازهای خاصی که دارند از فضاهای شهری زنانه توقعاتی دارند که در صورت برآورده شدن

در این راستا مطالعه ای توسط حاجی احمدی همدانی و همکارانش (۱۳۹۴) در این رابطه انجام شده و به گردآوری نظرات اندیشمندان مختلف در رابطه با مولفه های موثر بر فعالیت زنان در فضاهای شهری پرداخته شده است. بر اساس بررسی های صورت گرفته مجموعه ای از مولفه ها برای این قبیل فضاها شناسایی شده که به صورت ذیل قابل ارائه است: ۱. شرایط کالبدی و محیطی؛ ۲. امنیت و ایمنی؛ ۳. معاشرت پذیری؛ ۴. زمان فعالیت؛ ۵. ترس و هراس؛ ۶. مکان فعالیت؛ ۷. دسترسی و ۸. تحرک پذیری. مجموعه مولفه های

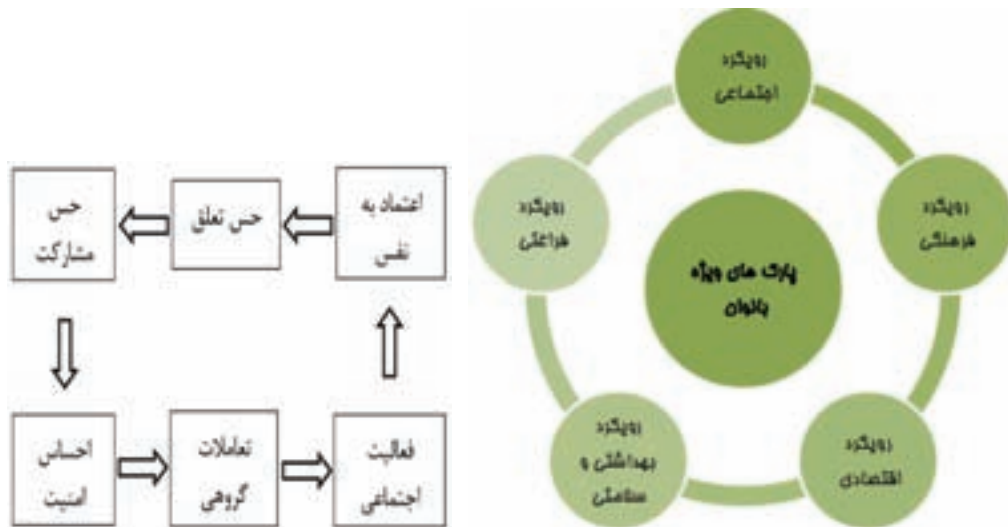


می تواند زمینه حضور آنها را در این فضاها فراهم آورد. به طور کلی بانوان از داشتن فضاهای اختصاصی چنین توقعاتی دارند: ۱. ایجاد تمرکز بیشتر بر روی فضاهای جمعی با تأکید بر استفاده از مبلمان و تجهیزات مناسب؛ ۲. تنوع فضایی و بصری بیشتر در فضای سبز؛ ۳. امکان بهره گیری از محیط سبز طبیعی به صورت بلافصل با تأکید بر تنوع مناظر پارک؛ ۴. تخصیص بخشی از پارک به فضاهای آموزشی و فراگیر و نمایشگاهی بر اساس درخواست و نیازهای بانوان؛ ۵. تخصیص فضاهای ایمن و اختصاصی به منظور اقامت های چند ساعته؛ ۶. افزایش فضاهای خدماتی و ورزشی به صورت فردی- گروهی؛ ۷. تخصیص بخشی از پارک به منظور خود اشتغالی بانوان متقاضی؛ و ۸. امکان استفاده از پارک در اوقات شب.

### پردیس و پارک بانوان

با توجه به محدودیت هایی که برای استفاده آزادانه، راحت و ایمن از فضاهای شهری برای زنان وجود دارد، اخیراً ایجاد پارک های شهری مختص بانوان برای افزایش حضور زنان در فضاهای سبز و باز شهری و بهره مندی از مزایای این پارک ها در سلامت جسمی و روانی زنان مورد توجه قرار گرفته است. در داخل کشور احداث پارک های بانوان در دهه هشتاد، بر اساس بند چهاردهم سند چشم انداز در دستور کار شهرداری ها و شوراهای شهر در سرتاسر کشور قرار گرفت. در شرح خدمات پارک های بانوان آمده است که این پارک ها بایستی دارای عملکرد منطقه ای بوده و بلامعارض و دارای خصوصیات جغرافیایی، اقتصادی و راه های ارتباطی مناسب باشند. رعایت امنیت اجتماعی، محصور بودن، مشرف نبودن ساختمان های اطراف به پارک های زنان از ویژگی های اصلی این مراکز است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۳). بر این اساس از دهه هشتاد تا کنون نمونه متعددی از پارک های ویژه بانوان در شهرهای مختلف کشور اجرا شده و به بهره برداری رسیده است. احداث پارک های ویژه بانوان تنها منحصر به کشور ایران نیست و تا کنون تجربیات مختلفی در کشورهای مختلف در این زمینه انجام شده است. احداث

این پارک ها منتقدان و موافقی دارد که هر کدام از ابعادی به بررسی این موضوع و اثرات پارک های بانوان پرداخته اند. هدف اصلی حامیان پارک های شهری استفاده از همه ظرفیت های جامعه برای حضور زنان عنوان گردیده است و نه جداسازی زنان از مردان، اما با این حال بسیاری از فعالان حقوق زنان به چنین طرح هایی خوشبین نیستند و تمایز این پارک ها را نوعی تبعیض می دانند (هاشمی تیله نویی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۰). عمده انتقادات وارد بر پارک های شهری بر جداسازی جنسیتی به جای زمینه سازی برای حضور برابر زنان در کنار مردان متمرکز گردیده است. انتقاداتی بر اجرای پارک های بانوان به عنوان فضایی اختصاصی وارد شده است؛ از جمله اینکه پارک محلی است عمومی و از این منظر اختصاص یک پارک به قشری خاص چیزی جز نقض غرض نیست و یا اینکه ایجاد پارک بانوان به مفهوم جداسازی جنسیتی است که عامل کاهش اعتماد به نفس زنان و چیرگی بیشتر مردان بر آنها است و همچنین ایجاد پارک مخصوص بانوان نشان از وجود مشکلی به لحاظ اجتماعی در سایر پارک های شهری است (مطلبی، ۱۳۸۸، ص ۲۱). در کنار تمامی انتقادهای وارد بر جداسازی جنسیتی در پارک های شهری، نتایج حاصل از بررسی محققانی که در این زمینه فعالیت داشته اند نشان از وجود رضایت نسبی از اختصاص چنین فضاهایی به بانوان دارد (برای نمونه: حبیب و همکاران، ۱۳۹۰-حسینی و سمیعی پور، ۱۳۹۴-هاشمی تیله نویی و همکاران، ۱۳۹۳- گلی و همکاران، ۱۳۹۲) بانوان در مجموع نسبت به اینکه فضاهایی اختصاصی در اختیار داشته باشند ابراز رضایت نموده اند و این فضاها را در ارتقا سلامت جسمی و روحی خود موثر دانسته اند. این قبیل اظهارات موجب شده است تا رویکرد احداث پارک های ویژه بانوان همچنان اعتبار خود را حفظ نموده و با جدیت در شهرهای مختلف پیگیری شود.



نمودار ۶. (سمت راست) رویکرد چندجانبه نگر به پارک های ویژه بانوان و نمودار ۷. (سمت چپ) رویکرد اجتماعی به پارک بانوان؛ منبع: حبیب و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۸۱



نمودار ۸. انواع رفتار در محیط؛ ماخذ: لطیفی و سجادی، ۱۳۹۴.

بررسی‌هایی که توسط محققان در این رابطه انجام شده است نیز موبد اهمیت نقش اجتماعی این پارکها است. رفیعیان و همکارانش (۱۳۸۷) در پژوهشی به سنجش شاخص های موثر بر مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از منظر زنان اقدام کرده اند. نتایج تحقیق نشان داد که از نظر زنان دو شاخص اجتماع پذیر بودن فضا و نظارت اجتماعی در آن بیشترین ارتباط را با میزان مطلوبیت فضای عمومی شهری دارد. زنان با داشتن فضایی که نسبت به آن بیگانه نباشند و محیط را از آن خود بدانند در انجام فعالیت های فردی و گروهی در محیط سهیم می شوند و با داشتن تعلق به محیط، مکان و سهم آنان از محیط به آرامش خاطر می رسند. با رسیدن به حس امنیت در جامعه با افراد و گروه های دیگر به تعامل رسیده و در آن محیط اقدام به کسب مهارت و انجام فعالیت های اجتماعی می نمایند و در نهایت حس اعتماد به نفس در آنان افزایش می یابد (حبیب و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۸۱). در نمودار ذیل چرخه مولفه های دخیل در فعالیت های اجتماعی در پارک های

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶  
No.49 Winter 2018

۱۸۲

شهری نشان داده شده است. همانطور که در این نمودار مشخص است افراد با شرکت در فعالیت های اجتماعی خود نیز تحت تأثیر قرار گرفته و ویژگی هایی همچون اعتماد به نفس، حس تعلق و احساس امنیت در آنها تقویت می گردد.

جدول ۲. معیارهای عملکردی پارک بانوان بر اساس الگوهای رفتاری جامعه زنان ایرانی منبع: حبیب و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۸۱

تأمین نیاز بانوان از دیدگاه فرهنگی	- توانمندسازی فکری و فرهنگی بانوان - افزایش رشد و پویایی بانوان در زمینه فرهنگی - تأکید بر شعار ملی-مذهبی و احترام به مقام و حقوق بانوان	
تأمین نیاز بانوان از دیدگاه اجتماعی- مشارکتی	- مشارکت اجتماعی بیشتر زنان - افزایش رشد و پویایی بانوان در زمینه اجتماعی - افزایش کیفیت زندگی فردی و خانوادگی و بستر محیطی - افزایش حس امنیت - افزایش اعتماد به نفس - افزایش حس تعلق	
تأمین نیاز بانوان از دیدگاه فراغتی- تفریحی	- امکان تحرک فیزیکی بیشتر بانوان - گذران اوقات فراغت با حس امنیت بیشتر برای بانوان به همراه کودکانشان	
تأمین نیاز بانوان از دیدگاه بهداشتی	بهداشت روحی-روانی	- افزایش شادابی، نشاط و سرزندگی در بعد روحی-روانی - رفع افسردگی زنان خصوصا زنان خانه دار
	بهداشت جسمانی	- افزایش شادابی، نشاط و سرزندگی و تندرستی در بعد جسمانی - جلوگیری از رشد پوکی استخوان در زنان ایرانی - جلوگیری از ریزش مو و حفظ سلامت آن
تأمین نیاز بانوان از دیدگاه اقتصادی	- ایجاد اشتغال برای بانوان جهت تصدی امور پارک - ایجاد اشتغال برای بانوان یا کار آفرینی داخل پارک و مشارکت مردمی	

## اصول طراحی پارک و پردیس زنان

بر اساس مطالعات و بررسی های صورت گرفته پنج اصل به عنوان اصول طراحی پارک های ویژه بانوان شناسایی شده اند:

### الف) ایمنی و امنیت

یکی از مهمترین مشخصه های مطرح برای فضاهای عمومی دعوت کننده به طور کلی، امنیت است. امنیت، در لغت به معنای نداشتن دلهره است و همچنین موضوعاتی چون «رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، هراس، نگرانی با وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین، ضمانت» را در برمی گیرد. امنیت در فرهنگ فارسی نیز به معنای آزادی و آرامش، فقدان ترس و عدم هجوم دیگران بیان شده و در فرهنگ علوم رفتاری نیز دو معنا از این واژه شامل «یک حالتی که در آن ارضای احتیاجات و خواسته های شخصی انجام شود» و «احساس ارزشی شخصی، اطمینان خاطر،

اعتماد به نفس و پذیرشی که در نهایت از سوی طبقه های اجتماعی نسبت به فرد اعمال می شود» مطرح شده است (مویدی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۶۴). این تعریف از امنیت به خوبی موید لزوم در نظر گرفتن آن در میان نیازهای اساسی انسان است. به طور کلی امنیت همواره به عنوان یکی از مولفه های مهم در ارتقای کیفیت زندگی در شهرها مورد توجه قرار داشته است. عوامل محدود کننده های مانند خطر و ترس، مهمترین عناصر در تجربه زنان در فضای شهری هستند که استفاده زنان از فضای شهری را محدود مینمایند (Krenichyn, 2004, 107). عامل ترس به عنوان مهمترین عامل بازدارنده از حضور زنان در عرصه های عمومی معرفی شده است. مشخصه های مرتبط با ترس زنان شامل جوانب کالبدی در مقیاس خرد و کلان (مانند حمل و نقل عمومی ضعیف، بوته ها و روشنایی اندک) و جوانب اجتماعی (مانند ترکیب قومی/نژادی نواحی مجاور، حضور افراد بی خانمان) می باشد.

جنسیت به عنوان تأثیر گذارترین عامل شخصیتی در احساس نا امنی مطرح شده است. نوع جنایت در مورد زنان و مردان متفاوت است و احساس امنیت آنها نیز تبعاً متفاوت می باشد (هاشمی تیله نویی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۳). بنابراین این موضوع یکی از ابعاد مهم در پارک های بانوان، نیز به شمار می آید که به دلیل کنترل بیشتر بر حضور افراد و کاهش میزان ترس از جرایم در این فضاها فراهم می گردد (هاشمی تیله نویی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۱).

#### ب) حریمت

استفاده زنان از فضای عمومی در کشورهای غربی عموماً با مسائلی همچون امنیت گره خورده است و طرح فضاهای تفکیک شده بیشتر از منظر افزایش امنیت قابل درک است. در کشورهایی نظیر ایران که روابط زن و مرد بر اساس ویژگی هایی فرهنگی نظیر حریمت و حجاب نیز تعریف شده تفکیک فضاها و تعریف پارک های بانوان علاوه بر امنیت دلایل دیگری چون راحتی، آزادی عمل بیشتر، امکان برداشتن حجاب و ورزش نیز قابل درک است (هاشمی تیله نویی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۳). با توجه به مطالب ذکر شده و در نظر گرفتن این نکته که پارک های بانوان با هدف راحتی و آسایش بانوان ساخته می شود، نکته مهم و ضروری هر پارک بانوان این است که این پارک از محیط پیرامون قابل مشاهده نباشد و توسط حصار مناسب محصور شده باشد و ساختمان های مجاور بر پارک احاطه نداشته تا بانوان دغدغه ای برای حفظ شئون اسلامی خود نداشته باشند. در نظر گرفتن این نکته به عنوان ضروری ترین عامل در احداث پارک های بانوان موجب رضایت و بهره گیری بیشتر از این پارک ها می شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۹).

#### ج) نفوذپذیری و سهولت دسترسی

یکی از عوامل محدود کننده حضور زنان در عرصه های عمومی به مولفه دسترسی و تحرک پذیری پایین بانوان در شهرها مربوط است لذا دسترسی را می توان به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده در طراحی پارک های بانوان معرفی نمود. بدون

امکان دسترسی مناسب، امکان استفاده از فضا کم می شود. یکی از فاکتورهای موثر و مانع شونده به منظور افزایش مطلوبیت و انجام تعاملات اجتماعی در یک فضای عمومی دسترسی به فضای عمومی است (حاجی احمدی همدانی، ۱۳۹۴، ص ۵۰).

#### د) امکان برقراری تعاملات اجتماعی:

یکی از نقش های مهم پارک های شهری، نقش اجتماعی این پهنه ها است. این موضوع در پارک های ویژه بانوان نیز به عنوان مولفه های مهم و اثرگذار بر سلامت زنان و کل جامعه شهری تلقی می گردد. فضای شهری باید امکان ایجاد فعالیت های اختیاری مانند قدم زدن برای تنفس هوای پاکیزه، ایستادن با هدف لذت بردن و یا نشستن و ... و فعالیت های اجتماعی مانند احوال پرسی و گفتگو و ... را فراهم آورد. بدین مفهوم که فضاهای عمومی شهری باید پتانسیل حضور گروه های مختلف اجتماعی را نه تنها با هدف پاسخگویی به نیازهای ضروری فراهم آورد بلکه باید عرصه ای برای برقراری روابط اجتماعی و لذت از حضور در فضا را فراهم آورد (موسوی و زاهدیان، ۱۳۹۲، ص ۱۶۰). با حضور زنان در اجتماع رشد و پویایی بانوان در جامعه و کیفیت زندگی فردی و خانوادگی و بستر محیطی آن افزایش خواهد یافت که این یکی از اهداف طراحی چنین پارک هایی می باشد (حبیب و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۱). حضور مثبت افراد در فضاهای باز شهری سطح تعاملات اجتماعی و حس تعاون، شهروندی را ارتقا می دهد. امکان برقراری روابط اجتماعی، جلوگیری از بروز مشکلات روانی، تقویت اعتماد به نفس و ... از اهمیت این فضاهاست (پاکزاد، ۱۳۸۴، د). در این راستا بایستی امکان برقراری این تعاملات در پارک های ویژه بانوان به عنوان یک اصل در نظر گرفته شود.

#### و) تنوع و گوناگونی عملکردی و فضایی

اخیرین اصلی که برای طراحی پارک های ویژه بانوان در این پژوهش شناسایی شده، تنوع و گوناگونی است. زنان عرصه های محدودی را به عنوان پهنه های اختصاصی در شهرها در اختیار دارند و بایستی این فضاها دارای تنوعی

از عملکردهای مختلف برای پاسخگویی به تمام نیازهای بانوان باشند و از سوی دیگر دلیلی برای حضور مداوم آنها را فراهم آورند. در این راستا در پارک های ویژه بانوان گرایشی به احداث مجموعه های ورزشی، فرهنگی و فضاهای سبز باز تجهیز شده به همراه فضاهای خدماتی پیشتیبان وجود دارد.

### ی) غنای حسی و جذابیت بصری

پارک های ویژه بانوان نیز همچون سایر پارک های شهری به عنوان عرصه هایی برای نزدیکی با طبیعت و بهره مندی از آرامش ناشی از قرار داشتن در پهنه های سبز و باز در شهرها مطرح هستند. در این راستا لازم است تا این پارک ها نیز از این نظر دارای ویژگی های دعوت کننده بوده و بتوانند برای مخاطبانشان پهنه هایی زیبا جذاب را فراهم آورند که از بودن در آن احساس لذت و آرامش نمایند.

### نتیجه گیری و جمع بندی

بر اساس نتایج حاصل از مطالعات برقراری تعاملات اجتماعی و ارتباطات با سایرین به عنوان یکی از انگیزه های مهم برای حضور در پارک های ویژه بانوان معرفی شده است. این موضوع ضرورت توجه به امکان برقراری تعاملات اجتماعی در این پهنه ها را به عنوان یک اصل مطرح می سازد. حضور و گرد هم آیی بانوان در این پارک ها می تواند با افزایش شمار جمعیت استفاده کننده از فضا در افزایش امنیت نیز موثر باشد. از سوی دیگر این پهنه ها می توانند از این نقش بهره برداری نموده و نقش فرهنگی نیز برعهده گرفته و با آموزش زنان در تقویت مهارت های آنان نقش آفرینی نمایند. نتایج حاصل از مطالعات نشان می دهد بیشتر بانوان به دلیل امنیت و محرمیت این پارک ها و همین طور فرصتی که برای برقراری ارتباطات اجتماعی در این پارک ها وجود دارد به آنها مراجعه می نمایند، لذا به نظر می رسد این عوامل بایستی در طراحی پارک های بانوان مورد توجه قرار داشته باشند. از سوی دیگر استقبال بانوان از فعالیت های ورزشی و فرهنگی در این پارک ها نیز موید لزوم در نظر گرفتن

تنوع عملکردی و فضایی در این پارکها است. فعالیت های فرهنگی، آموزش هایی که به بانوان در زمینه های مختلف ارائه می گردد، امکانات ورزشی موجود در پارکها همگی می توانند در ارتقا سلامت فردی افراد (جسمی و روحی) و سلامت اجتماعی جامعه موثر واقع شوند. نتایج حاصل از بررسی های صورت گرفته نشان دهنده بالا بودن میزان رضایت زنان از پارک های وسیع تر با امکانات بیشتر است. به عنوان مثال در مورد بوستان بهشت مادران در شهر تهران که در بخشی از اراضی تپه عباس آباد در شهر تهران احداث شده سطح بالایی از رضایت مندی گزارش شده است که بواسطه وجود امکانات متعددی از قبیل فضاهای پذیرایی و خدماتی، مجموعه فرهنگی (فرهنگسرا حورا)، سالن ورزشی، زمین های ورزشی روباز، مسیرهای دوچرخه سواری و ... حاصل شده است. البته بایستی توجه داشت فقط کنترل حضور افراد در پارک های ویژه بانوان تک جنسیتی بودن این فضاها نمی تواند به امنیت این فضاها منجر شود و لازم است از نظر کالبدی و عملکردی در داخل پارک های بانوان نیز به این موضوع توجه شود. اتخاذ تمهیداتی در راستای نورپردازی مناسب، افزایش خوانایی در پارک، توزیع پهنه های عملکردی و ... می تواند در این زمینه اثرگذار باشد. مروری بر پارک های موجود در کشور نشان دهنده این است که از نظر میزان اشراف و محرمیت در میان این پارک ها تفاوت وجود دارد به این صورت که تنها در برخی از پارکها بانوان از نظر انتخاب نوع پوشش آزاد هستند و می توانند بدون رعایت پوشش عرف جامعه در آنها حضور داشته باشند. بر اساس مطالعات صورت گرفته در این زمینه، محرمیت کامل فضا و مشرف نبودن فضاهای پیرامونی با فراهم ساختن امکان انتخاب آزادانه نوع پوشش می تواند در افزایش میزان رضایت از پارک های ویژه بانوان اثرگذار باشد. از همین رو این موضوع به عنوان یکی از اصول طراحی پارک های ویژه بانوان در نظر گرفته شده است. موضوع دسترسی در محدوده پارک های ویژه بانوان به خصوص پارک هایی با وسعت بالا نیز بسیار حائز اهمیت است. با توجه به اینکه پارک های ویژه بانوان



محصور بوده و از محیط اطراف جدا می باشند، تعیین موقعیت ورودی های این پارک ها بسیار مهم است. لازم است تعداد ورودی های محدود بوده و در عین حال در موقعیت هایی مکان یابی گردند که بیشتر در دسترس بوده و بتوانند به آسانی بانوان را از فضاهای پیرامونی به داخل پارک هدایت نمایند. در داخل پارک نیز بایستی به ارتباطات روشن میان پهنه های مختلف و ایمنی تردد به خصوص در مواردی که حضور دوچرخه سواران و اسکیت سواران نیز در پارک مجاز شمرده می گردد، توجه شود.

## منابع و مأخذ

۱. استفانی، گرت. (۱۳۸۰)، «جامعه شناسی جنسیت»، مترجم: کتایون بقایی، نشر دیگر
۲. امیرفخریان، مصطفی. خاکپور، براتعلی. دانایی، مجید. توانگر، معصومه. (۱۳۹۱)، «بررسی و تحلیل نقش کارکردهای اجتماعی پارک های شهری بر اساس موقعیت مکانی و شرایط کلی منطقه، نمونه مطالعاتی مناطق یک و شش شهرداری مشهد»، فصلنامه فضای جغرافیایی، سال دوازدهم، شماره ۴۰، صص: ۱۹۰-۲۱۱.
۳. ایزدی، ملیحه. محمدی، جمال. طاهری، طهرا. شیرخانی، حسنیه. (۱۳۹۵)، «واکاوی مطلوبیت فضاهای شهری از دیدگاه زنان؛ منطقه ۴ شهر اصفهان»، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۴۲، صص: ۱۲۷-۱۴۴.
۴. پا کزاد، ج و بزرگ، ح. (۱۳۹۱)، «الفبای روان شناسی محیط برای طراحان»، چاپ اول، انتشارات آرمانشهر.
۵. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۴)، «راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران». تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۶. ترلیندن، اولا. (۱۳۹۲)، «شهر و جنسیت: گفتمان بین المللی درباره جنسیت، شهرسازی و معماری»، ترجمه مینوش صدوقیان زاده، نشرکلاغ، تهران.
۷. حاجی احمدی همدانی، آذین. ماجدی، حمید. جهانشاهلو، لعلا. (۱۳۹۴)، «بررسی معیارهای تأثیرگذار بر افزایش میزان فعالیت

۸. زنان در فضاهای شهری»، فصلنامه مطالعات شهری، شماره چهاردهم، صص: ۴۷-۶۰.
۸. حبیب، فرشته. لقایی، حسنعلی. جامعی فرد، محبوبه. موسوی فاطمی، حسین. (۱۳۹۰)، «پارک های موضوعی بانوان با رویکرد چند جانبه نگر»، دوفصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۶، صص ۷۵-۸۲
۹. حبیب، فرشته. لقایی، حسنعلی. جامعی فرد، محبوبه. موسوی فاطمی، حسین. (۱۳۹۰)، «پارک های موضوعی بانوان با رویکرد چند جانبه نگر»، محله آرمانشهر، شماره ششم، صص: ۷۵-۸۶.
۱۰. حسینی، سید هادی. سمیعی پور، داود. (۱۳۹۴)، «تحلیل تطبیقی رضایت مندی زنان از پارک های شهری پارک بانوان حجاب و پارک مختلط ملت (مشهد)»، فصلنامه مطالعات اجتماعی- روانشناختی زنان، شماره ۴۴، صص ۷۶-۴۳.
۱۱. حسینی، سید هادی. سمیعی پور، داوود. (۱۳۹۴)، «تحلیل تطبیقی رضایتمندی زنان از پارک های شهری؛ پارک بانوان حجاب و پارک مختلط ملت در شهر مشهد»، مجله مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، سال ۱۳، شماره سوم، صص: ۴۳-۷۶.
۱۲. حیدری چپانه، رحیم. حاضری، صفیه. تیموری، راضیه. احمدی، توحید. (۱۳۹۳)، «سنجش میزان موفقیت پارک های بانوان از دیدگاه شهروندان در کلانشهر تبریز»، مجله مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال پنجم، شماره بیستم، صص: ۱۲۷-۱۴۲.
۱۳. حیدری، رحیم. حاضری، صفیه. روستایی، شهرپور. آربونی، زهرا. (۱۳۹۲)، «ارزیابی تناسب عملکردی پارک های بانوان با استفاده از مدل AHP: کلانشهر تبریز»، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی منطقه ای، سال سوم، شماره ۱۲، صص: ۲۱-۳۴.
۱۴. خانی، فضیله. (۱۳۸۶)، «درآمدی بر پارادایم جغرافیای جنسیت»، انتشارات سمت، تهران.
۱۵. رضا زاده، راضیه. محمدی، مریم. (۱۳۸۷)، «طراحی فضای محله ای با تکیه بر رویکرد عدالت جنسیتی و چارچوب اصول اخلاقی

مراقبتی»، فصلنامه هنر، سال اول، شماره دوم، صص: ۵۵-۷۲.

۱۶. رفیعیان، مجتبی. ضابطیان، الهام. (۱۳۸۷)، «درآمدی بر فضاهای امن شهری با رویکرد جنسیتی»، جستارهای شهرسازی، شماره ۲۴، صص: ۴۸-۵۵.

۱۷. سرایی، محمدحسین. مجتبی، روستا. اشنویی، امیر. (۱۳۹۱)، «عوامل موثر بر گذران اوقات فراغت در مناطق شهری ایران؛ مطالعه موردی منطقه ۸ شهر مشهد»، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال دوم، شماره ۷، صص: ۲۵-۳۷.

۱۸. سعیدنیا، احمد. (۱۳۷۹)، «کتاب سبز شهرداری ها»، جلد نهم، فضاهای سبز شهری، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری تهران، تهران.

۱۹. ضرابی، اصغر. تبریزی، نازنین. (۱۳۸۵)، «برنامه ریزی بهینه فضای سبز شهری»، فصلنامه سبزینه شرق، شماره ۲۲.

۲۰. عطارزاده، مجتبی. (۱۳۸۸)، «عدالت جنسیتی، مرز تعامل جنسیت و سیاست»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۶، صص ۲۲۵-۲۶۸.

۲۱. علیرضائزاد، سهیلا. سرائی، حسن. (۱۳۸۶)، «زن در عرصه عمومی، مطالعه ای در مورد فضاهای عمومی در دسترس زنان و تغییرات آنها»، نامه علوم اجتماعی، شماره سی ام، صص: ۱۲۳-۱۴۹.

۲۲. عزیززاده، هوشمند. حامدعبدی، محمد. رحیمی کاکه جوب، آرمان. (۱۳۹۱)، «راهبردهای ارتقا عملکردی فضاهای گذران اوقات فراغت؛ مطالعه موردی مجموعه تفریحی دیدگاه سندانج»، فصلنامه مطالعات شهری، شماره چهارم، صص: ۱-۱۴.

۲۳. قربانی، رسول. تیموری، راضیه. (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر نقش پارک های شهری در ارتقای کیفیت زندگی شهری با استفاده از الگوی seeking-escaping: نمونه موردی پارک های شهر تبریز»، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۲، صص: ۴۷-۶۲.

۲۴. کرسول، جان دبلیو. (۱۳۹۱)، «طرح پژوهش؛ رویکردهای کمی، کیفی و شیوه های ترکیبی»، ترجمه حسن دانایی فرد و علی صالحی، انتشارات موسسه کتاب مهربان نشر، چاپ

اول، تهران.

۲۵. کیوی، ریمون. کامپنهود، لوک وان. (۱۳۸۵)، «روش تحقیق در علوم اجتماعی»، ترجمه عبدالحسین نیک گوهر، نشر توتیا، تهران.

۲۶. گلی، علی. زادولی خواجه، شاهرخ. زادولی، فاطمه. (۱۳۹۲)، «ارزیابی نگرش جنسیتی در طراحی فضاهای شهری؛ پارک بانوان شمس تبریز»، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، شماره دوم، صص: ۱۷۱-۱۸۸.

۲۷. گلی، علی. زادولی خواجه، شاهرخ. زادولی، فاطمه. (۱۳۹۳)، «ارزیابی نگرش جنسیتی در طراحی فضاهای شهری (مطالعه موردی: پارک بانوان شمس تبریز)»، فصلنامه مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، شماره ۲۳، صص ۲۵-۴۰.

۲۸. لطیفی، امین. سجادزاده، حسن. (۱۳۹۴)، «ارزیابی تأثیر مولفه های کیفیت محیطی بر الگوهای رفتاری در پارک های شهری؛ مطالعه موردی پارک مردم شهر همدان»، فصلنامه مطالعات شهری، شماره یازدهم، صص: ۵-۲۰.

۲۹. مدنی پور، علی. (۱۳۷۹)، «طراحی فضاهای شهری نگرشی بر فرآیندهای اجتماعی مکانی»، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.

۳۰. مدنی پور، علی. (۱۳۸۷)، «فضاهای عمومی و خصوصی شهر»، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، چاپ اول، تهران.

۳۱. مطلبی، محمد. (۱۳۸۸)، «نقدی بر پروژه پارک بانوان»، ماهنامه پیام سبز، شماره ۳۱.

۳۲. موسوی، میرسعید. زاهدیان، المیرا. «عوامل موثر در تعاملات اجتماعی زنان در فضاهای شهری: پیاده گذر شهریار کوی ولی عصر شهر تبریز»، زنان و مطالعات خانواده، سال ششم، شماره بیست و یکم، صص: ۱۴۵-۱۶۶.

۳۳. موییدی، محمد. علی نژاد، منوچهر. نوایی، حسن. (۱۳۹۲)، «بررسی نقش مولفه های منظر شهری در ارتقای سطح احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری؛ نمونه مورد مطالعه محله اوین تهران»، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۳۵، صص: ۱۵۹-۱۹۱.

۳۴. مهدیزاده، جواد. (۱۳۸۷)، «درآمدی بر نظریه های شهر و جنسیت (در جستجوی شهر انسانی تر)»، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره هفتم (۲۴-۲۵)، صص ۶-۱۹.

۳۵. مهندسین مشاور آمایش سرزمین، (۱۳۷۲)، «اصول و ضوابط طراحی پارکهای شهری»، سازمان پارکها و فضای سبز شهری

۳۶. هاشمی تیله نویی، ملیحه. میرغلامی، مرتضی. رفیعیان، مجتبی. (۱۳۹۳)، «سنجش میزان رضایتمندی زنان از پارک های بانوان؛ مطالعه موردی پارک های بانوان تبریز»، مجله هویت شهر، شماره نوزدهم، سال هشتم، صص: ۴۹-۶۲.

37. Francis, M. (2006), "Urban Parks as Community Places", University of California, Davis Chuncheon G5 Symposium Talk Chuncheon, Korea.
38. Lee, A. Maheswaran, R. (2011), "The health benefits of urban green spaces: a review of the evidence", Journal of Public Health , No.2, pp:205- 220.
39. Rendell, j. (ed.). (2000), "Gender, space, Architecture, Introductory Essay: Gender, space", London & New York; Routledge
40. Tabrizia, R. L & A. Madanipour (2006). Crime and the City: Domestic Burglary and the Built Environment in Tehran. Habitat International, Vol. 30. Issue 4. PP: 932944-.
41. Krenichyn, (2004), Women and Physical Activity in an Urban Park: Enrichment and Support through an Ethic of Care, Journal of Environmental Psychology, 24, pp.117-130.
42. Women's Resource Centre (2007): why women-only?
43. Byrne, J; Neil, S. (2010), Green and open space planning for urban a review of the literature and best practice.
44. Dajian & Peter, 2006, "2010 World Expo and Urban Life Quality in Shanghai in Terms of Sustainable Development", Chinese Journal of Population, Resources and Environment, Vol. 4, No.1.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶  
No.49 Winter 2018

## تبیین مبانی آموزش معماری طبیعت‌گرا در معماری و شهرسازی بر اساس مدل‌های آموزش پژوهش محور

فرید فروزانفر - دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
مهرداد جاوید نژاد\* - استادیار، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
محمد رضا پورزرگر - استادیار، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

### چکیده

امروزه آموزش در فرآیند یادگیری نقشی بی بدیل یافته است که تغییرات در نظام‌های آموزشی سراسر دنیا گواهی بر این امر است. این امر در شرایط امروز به تغییر رویه در مدل‌ها و روش‌های آموزش خاصه در ارتباط با ساختار پژوهش و جایگاه آن معطوف شده و نیاز به دگرگونی دیدگاه‌های رایج و دستیابی به الگوهای آموزش پژوهش محور در معماری و شهرسازی را رقم زده است. لذا در این مقاله ضمن اشاره به مفهوم آموزش، به مقولات وابسته و پیوسته با مقوله تاریخچه آموزش بطور عام و آموزش معماری بطور اخص پرداخته شده و سپس در رویکردی تحلیلی، به الگوها و مدل‌های آموزش پژوهش - محور در شهرسازی و معماری پرداخته می‌شود. در انتها نیز به ارائه برخی راهکارهای آموزشی در قالب سیاستها و برنامه‌های عملی در این زمینه اقدام می‌شود که بر اساس مطالعات و بررسی الگوها و روش‌های آموزش معماری و با تعمیم‌دهی آنها به حوزه آموزشی معماری، برخی از رویکردهای پیشنهادی آموزش عبارتند از: «محیط طراحی و آموزش آفرینشگری در معماری»، «فرآیند طراحی و آموزش آفرینشگری در معماری»، «فرآیند ذهنی و آفرینشگری در معماری»، «ویژگیهای فردی و آفرینشگری در معماری» و همچنین بر اساس مطالعات و بررسی الگوها و روش‌های آموزش معماری و با تعمیم‌دهی آنها به حوزه آموزشی معماری طبیعت‌گرا، برخی از شیوه‌های پیشنهادی آموزش عبارتند از: «آموزش مبتنی بر پویایی»، «آموزش مبتنی بر خلاقیت»، «آموزش مبتنی بر اقتضایات»، «آموزش مبتنی بر تجربه پذیری»، «آموزش مبتنی بر خودشکوفایی»، «آموزش مبتنی بر خوداعتمادی»، «آموزش مبتنی بر فرصت‌سازی»، و «آموزش مبتنی بر تجربه بالینی».

**واژگان کلیدی:** آموزش پژوهش محور، الگوها و مدل‌های آموزش معماری و شهرسازی، الگوبرداری از طبیعت.

### Explanation of the principles of architecture of nature architecture in architecture and urbanism based on research models

#### Abstract

Today, education has found a role in the learning process those changes in the education system across the world. This is in the context of today's change of practice in models and methods, especially in relation to the structure of research and its position, and has highlighted the need for a view of common perspectives and access to research patterns in architecture and urbanism. In this paper, while referring to the concept of education, the interdependent categories with the class of education in general and the training of architectural education in particular, and then in an analytical approach, models and model research models in the urbanism and architecture. Finally, to provide some educational solutions in the context of practice and practice, which is based on the basis for studies and studies of architectural education and by generalizing them to the architecture of architecture, the process of design and education in architecture; Also, on the basis of studies and studies of architectural education and by generalizing them to the architecture of nature architecture, some proposed methods of education are dynamic education - based education; education - based education; education - based education; education - based education; education - based education; education - based education; education - based education.

**Keywords:** Research - oriented training, templates, and architecture of architecture and urbanism, models of nature.

\* این مقاله مستخرج از رساله دکتری فرید فروزانفر با عنوان «مدل آموزش پژوهش محور طراحی معماری با الگوبرداری از طبیعت (دروس مهارتی طرح معماری)» می‌باشد که در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به راهنمایی دکتر مهرداد جاوید نژاد و مشاوره دکتر رضا پورزرگر در حال انجام می‌باشد.

## مقدمه

نظام آموزشی دانشگاه‌های کنونی با توجه به نیازهای عصر صنعتی بوجود آمده‌اند، «از جمله این نیازها می‌توان به تربیت کارگران و مدیران در بخش صنعت تا گرایش به نشر و توسعه دانش‌های پایه و در نهایت تقویت و ایجاد توانایی‌های زیربنایی اشاره نمود» (Kiras, King, 1999:1). «جامعه در حال حاضر بیشتر از آنکه متکی به کارخانه‌ها و کارگران آن باشد، متکی بر افرادی است که یاد می‌گیرند که چگونه نقادانه بیندیشند، به حل مشکلات پرداخته و با همکاری با یکدیگر به کار پردازند. اینها توانایی‌هایی است که «دراکر»<sup>۱</sup> برای کارگران لازم دانسته و از آن به عنوان «دانش کارگران»<sup>۲</sup> یاد نموده است. و از آنجائی که مدارس عصر صنعتی با چنین اهدافی طراحی نشده‌اند، مدل‌های نوین و مطابق با عصر ارتباطات اساساً در یادگیری و یاددهی در مدارس مورد نیاز می‌باشند. تمامی تلاش‌های انجام پذیرفته تاکنون برای اصلاح نظام آموزشی به دلیل ضعف توانایی درک طراحی سیستمیک با شکست مواجه شده‌اند» (Kiras, King, 1999:2). «گروپیوس» در تعریف برنامه آموزشی معماری، در سال ۱۹۳۹، می‌نویسد: «به عقیده من امروز ما به دو گروه «عوام» و «متخصص» تقسیم شده‌ایم. هرکس خود را در یک یا دو زمینه و عموم خود را در تمام زمینه‌های دیگر کارشناس می‌پندارد. ولی احتمالاً شما در پی تجربه می‌دانید که هیچ کس نمی‌تواند در هیچ زمینه‌ای صلاحیتی داشته باشد مگر اینکه قبلاً تجربه‌ی در مسایل و مشکلاتی که در آن زمینه با آن روبرو است، اندوخته باشد» (بنه‌ولو، ۱۳۷۷، ص ۳۰۲). در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به مقوله تبیین مبانی آموزش معماری طبیعت‌گرا در معماری و شهرسازی بر اساس ساختار آموزش پژوهش محور پرداخته می‌شود و در پایان راهکارها و سیاستهای آموزشی مرتبط به اختصار ارائه می‌شود.

## ادبیات تحقیق

## الگوبرداری از طبیعت در معماری

نگرش به معماری به‌عنوان موجودی زنده از تعبیر مهمی است که از دیرباز مطرح بوده با این حال چنین مفهومی از دهه اول قرن نوزدهم با متداول شدن اصطلاح زیست‌شناسی به معنای «نظم حیات» توسط «لامارک» مورد توجه بیشتری قرار گرفت. روش «قیاسهای زیست‌شناسانه»، همانند بسیاری از ایده‌هایی که بر «دکترین معماری مدرن» تاثیرگذار بودند، به سالهای ۱۷۵۰ باز می‌گردد. در آن سالها دو کتاب علمی و تاریخ‌ساز، چاپ و منتشر شد: یکی کتاب «گونه شناسی گیاهی» نوشته «لینیوس» در سال ۱۷۵۳، که در آن عرصه گیاهان سبز از طریق نامگذاری بر مبنای علم گیاه شناسی بر اساس جابجایی گرده‌ها و توانایی تولید مثل اندام‌های ماده یا شیوه‌های تولید مثل به رشته تحریر در آمده بود و دیگری کتاب «تاریخ طبیعی» نوشته «بوفون» در ۱۷۹۴ بود که در آن سعی شده بود تمامی پدیده‌های زنده بر اساس قوانین کلی طبیعت جمع آوری و خلاصه شوند. ایندو اساس گسترش مفهوم قیاسهای زیست‌شناختی بودند. آغاز بحث در مورد «قیاس‌های زیست‌شناسانه» در معماری مدرن را می‌توان به «سولیوان» و «رایت» نسبت داد؛ که بعدها اساس شکلگیری دانشی در حوزه معماری با عنوان «معماری بیونیک» گردید که الگوبرداری از طبیعت در فرآیند مساله‌گشایی طراحی معماری در مقوله‌های «فرم، عملکرد، مصالح و تکنولوژی» تعریف شده است. بیونیک، به معنای «زیستارشناختی» یا بکارگیری «اندام‌های ساختگی و فیزیولوژیک طبیعت»، اولین بار توسط دانشمند امریکایی «جک.ای. استیل» در سال ۱۹۵۹ بکار برده شد. او «بیونیک» را علم سیستم‌هایی که شالوده و پایه تمامی سیستم‌های زنده‌اند، می‌داند. دو نکته حائز اهمیت است و توجه وجود دارد: «یکی اینکه، در دریافت ایده «تکامل تدریجی» که او، آن را اساساً روندی انحطاطی دانست و نه روندی رو به بهبود؛ زیرا اعتقادات مذهبی اش مانع از آن بود که روند تکامل تدریجی برای همه موجودات مگر حیوانات پست را بپذیرد؛ و از طرف دیگر او اولین دانشمندی بود که توانست قسمت‌های «رشد یابنده» و بخصوص «حیوانی» حیوانات را به طور صحیح تشخیص دهد زیرا یک حیوان نمی‌تواند همانند یک ارگانسیم گیاهی تنها قادر به جابجایی از یک نقطه به نقطه دیگر باشد» (کالینز، ۱۳۷۵، ص ۱۸۰-۱۸۱).

1. Drucker  
2. knowledge workers



جدول ۱. مقایسه تفکرهای مکانیستی و سیستمی؛ ماخذ: نگارندگان.

تفکر مکانیستی	تفکر سیستمی
پدیده مورد نظر را به اجزاء آن تجزیه کن؛ رفتار و ویژگی های هر جزء را بطور جداگانه شناسایی کن؛ تعاریف را با یکدیگر ترکیب کن تا تعرف کل را بدست آوری	سیستم بزرگتری را که پدیده مورد نظر تو جزئی از آن است، شناسایی کن؛ رفتار کل مجموعه را بشناس؛ رفتار پدیده مورد نظر را در قالب سیستم بزرگتر تعریف کن
جداسازی سیستم با شناسایی و تعریف عوامل و اجزاء آن	بررسی سیستم از درون محیط
اهمیت روابط متقابل اجزاء را بررسی می کنیم	تحلیل آثار ناشی از روابط متقابل اجزاء
هدف روشن ساختن جزئیات است	هدف اصلی درک کل سیستم است
هر بار تنها یک متغیر را تغییر می دهیم	هر بار چند متغیر مختلف را با هم تغییر می دهیم
سیستم را مجزا و مستقل از زمان می بینیم	سیستم را در زمان واقعی بررسی می نمایم
نتیجه کار بررسی ما برنامه ریزی جزء به جزء فعالیت هاست	برنامه ریزی مجموعه با در نظر گرفتن کل هدفها
جزئیات را می شناسیم، هدفها کاملا روشن نیستند	هدفها کاملا روشنند و شناخت دقیق جزئیات مطرح نیست

در رابطه با طبقه بندی سیستمها می توان گفت که؛ طبقه بندیهای مختلفی از سیستمها وجود دارد که در این جا سه نمونه از آن ذکر می شود:

جدول ۲. سلسله مراتب سیستمها؛ ماخذ: فرشاد، ۱۳۶۸، ص ۱۲۸

سطوح و مرتبه سیستم	وسیله شناخت و ویژگیهای آن	روش شناخت	آگاهی کسب شده در رابطه با کل جهان
سیسمهای نمادین (فرهنگها)	بینش عرفانی - ادراک (بی واسطه، کشف و شهود)	اشراق	علم کل (شهودی)
سیستمهای مادی	تجربه - حواس - ادراک - استدلال (با واسطه)	روش علمی (مدلی - قیاسی)	علم جزئی (تحصیلی)

آنتونیادُس در کتاب «بوطیقای معماری» در رابطه با شیوه‌های الگوبرداری از طبیعت، به دوگونه الگوبرداری اشاره می‌کند:

۱. «الگوبرداری محسوس از طبیعت»: ارتباط دوسویه معماران با طبیعت در هر دو سطح نامحسوس و محسوس روی داده است. آنها به طبیعت از طرق زیر، به طور نامحسوس پاسخ گفته اند: «الهام بخشی استعاری»؛ و «ارتباط ذهنی»؛ و «توکل زاهدانه، نیایش شخصی، و حتی «قربانی کردن» خویش». ۲. «الگوبرداری نامحسوس از طبیعت»: واکنش محسوس معماران و هنرمندان به طبیعت از طریق رویکردهای زیر حاصل شده است: ساختمان‌های درآمیخته با خطوط زمین، در پلان و نیز در برش؛ ارتقای خطوط زمین از طریق ایجاد تضاد با خطوطی که از قبل در ترکیب بندی سایت حضور داشته اند؛ یا با خلق تنش با وضعیت‌های طبیعی غیر الهام بخش و خشتی؛ تضاد مستقیم مصنوع بشر با زمین، در پلان یا در برش؛ پیروی کامل از طبیعت و دست نخورده نمایاندن زمین، ضمن «دفن» و «غوطه‌ور ساختن» ساختمان در زمین؛ درهم آمیختگی فضای داخلی و خارجی، از طریق تدابیر تداوم دید و تخلخل، یا از طریق درآمیختن عناصر فضای خارجی در فضای داخلی؛ تاکید و پرداختن به مصالح؛ واکنش‌های تقلیدی، از قبیل: برداشت‌های صوری از طبیعت، یا برداشت جوهری؛ وجودی از ویژگی‌های قوانین طبیعت و واکنش جامع گرا که در آن تمام موارد پیش گفته در قالب نظام پیوسته ای از ارتباطات دوسویه در هم می‌آمیزد و همچنین تاملات محسوس و نامحسوس در آن به وحدت می‌رسند (آنتونیادُس، ۱۳۸۱، ص ۴۱۲).

در هر حال، «انواع الگوبرداری از زیرسامانه‌های طبیعت در معماری» را می‌توان شامل موارد زیر دانست که عبارتند از:

۱. «الگوبرداری شکلی»: روش الگوبرداری شکلی، روش ظاهری و تقلیدی است که

به اصول و مبانی ساختار توجه نمی‌شود. به عنوان مثال لایه‌های زمین با نیروهایی که بر آن وارد می‌شود، منطبق شده و فرم خود را از نیروها اقتباس می‌کند، در حالیکه معماران این نیروها را حذف و صرفاً وضعیت موجود را اقتباس می‌کنند. ۲. «الگوبرداری استعاره‌ای»: در این شیوه الگوبرداری، به صورت انتزاعی از طبیعت در جهت ایجاد تعادل، پایداری استفاده می‌شود. استعاره تا حدی از سطحی‌نگری، باز می‌دارد و می‌توان آن را راهبردی به صورت خلاقیت در معماری دانست (آنتونیادُس، ۱۳۸۱، ص ۶۳).

۳. «الگوبرداری از قوانین طبیعت»: استفاده از قوانین طبیعت، بهترین شیوه الهام‌گیری از ساختارهای طبیعی در معماری است. «رتسو پیانو» در رابطه با الگوبرداری از قوانین طبیعت در گفتگویی با «روبرتو فابری»، چنین اشاره می‌کند: «گفتم که تقلید یا نقل قول برای من جالب نیست. بهترین جنبه طبیعت، قوانین قاطع و انضباط آن هستند. با تحقق کامل هر پروژه تحقیقاتی می‌توان از عهده آفرینش ساختارهای طبیعت گرایانه و درک کمال ساده آنها برآمد. این کار تقلید نیست. در طراحی غرفه آی. بی. ام، من مساله تکنولوژی برتر را که در همه موارد هم از وضوح تکنیکهای طبیعی دور نمی‌افتد، بررسی کردم» (پیانو، ۱۳۷۵، ص ۴۴).

جدول ۳. سنخیت شناسی الگوبرداری از طبیعت در معماری؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

طبقه	مرتبه و سطح سیستم	تعیین سیستم	تئوری و مدل
مکانیکی	سازه ایستائی	اتمها، مولکولها، کریستالها، ساختمانهای بیولوژیک از سطح میکروسکوپی تا سطح ماکروسکوپی	فرمهای ساختمانی در شیمی، کریستالوگرافی و تشریحات آناتومی
	ساعت گونه ها	ساعتها، ماشین های معمولی بطورکلی، منظومه های شمسی	فیزیک معمولی مثل قوانین مکانیک (نیوتنی و انیشتنی و دیگر چیزها)
	مکانیسمهای کنترل	ترموستات، سرومکانیسم، مکانیسم همو استاسیس در ارگانیسمها	سیبرنتیک، تئوری پس فرست و تئوری اطلاعات
طبیعی و ارگانیک	سیستمهای باز	شعله، سلولها و بطور کلی ارگانیسمها	الف) تعمیم تئوری فیزیکی سیستمهایی که خود را در جریان تبدیل ماده (گوارش) قرار می دهند. ب) ذخیره اطلاعات در رمز ژنتیک. ارتباط (الف) با (ب) در حال حاضر روشن نیست.
	ارگانیسمهای پایین (پست)	ارگانیسمهای گیاه گونه، افزایش تقسیم بندی سیستم (تقسیم کار در ارگانیسم) تمایز فرد تکثیرکننده و فرد فعال (مجرای تخم و صمغ)	تقریبا تئوری و مدلی وجود ندارد.
	حیوانات	اهمیت افزاینده ارتباط در اطلاعات (تکامل گیرنده ها، سیستم عصبی)، یادگیری، آغاز هوشیاری	تئوری اتوماتا، پس فرست (پدیده تنظیم کنندگی) رفتار فردی
	انسان	نمادآفرینی: گذشته و آینده، خود و جهان، خودآگاهی و غیره- در نتیجه آن ارتباط با زبان و غیره	تئوری نمادی
اجتماعی و فرهنگی	سیستمهای اجتماعی	اجتماع ارگانیسمها (فرهنگها و نمادسازی)	قوانین آماری و قوانین دینامیکی
	سیستمهای نمادین	زبان، منطق، ریاضیات، علوم و هنرها	قواعد نمادی (دستور زبان)

## طراحی سیستم آموزشی

امروزه با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های جدید و سائل کمک آموزشی متعددی در اختیار سیستم‌های آموزشی قرار دارد، اما برخی از اصول و مفاهیم طراحی این سیستم‌ها همچنان ثابتند و باید آنها را هنگام طراحی مد نظر قرار داد: ۱. «توجه به میزان انگیزش آموزش‌گیرندگان»؛ ۲. «ارائه بازخورد به آموزش‌گیرنده»؛ ۳. «کنترل خطاها»؛ ۴. «انعطاف‌پذیری در توالی کارها»؛ ۵. «تطبیق واکنش‌ها برحسب موقعیت‌ها»؛ ۶. «طراحی وسایل آموزشی»؛ ۷. «طراحی محیط آموزشی»؛ ۸. «توزیع مناسب ساعات آموزش»؛ ۹. «رعایت اصول یادگیری» (محمودی نژاد، ۱۳۹۳، ص ۵۷). لذا اگر بخواهیم آموزش را در قالب یک سیستم بینیم، ورودی‌های این سیستم، افراد فاقد مهارت مورد بحث و خروجی‌های سیستم افرادی هستند که نوع خاصی از مهارت را کسب کرده‌اند. فرایند سیستم عبارتست از ارائه این مهارت‌ها به اشخاص ورودی، و طبیعتاً برای این منظور از وسایل نیز استفاده می‌شود. از سویی دیگر، در رابطه با نظام آموزشی معماری و هنر، مقوله آفرینشگری از اهمیت اساسی برخوردار است؛ چنانچه «گیلفورد» در سخنرانی افتتاحیه موسسه روان‌شناسی آمریکا در سال ۱۹۵۰، این سوال را مطرح کرد که چرا مدارس نمی‌توانند افراد خلاق زیادی پروراند و چرا بین «آموزش و پرورش» و «خلاقیت» رابطه کمی وجود دارد؟ در این سخنرانی اشاره کرد که مسائل متعددی در زمینه خلاقیت از بعد آموزشی وجود دارند که باید مورد بررسی و پژوهش واقع شوند؛ چنان که در سال ۱۹۶۲ نیز اعلام کرد که عمل خلاقانه، نشانه یادگیری است؛ پس هر نظریه یادگیری کامل، باید به خلاقیت توجه خاصی داشته باشد (حسینی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۹).

این سوال مطرح شده، اولین سوال مکتوب در رابطه با چرایی نبود سیستم آموزشی کارآمد در آموزش آفرینشگری معماری و شهرسازی بشمار می‌رود که بر این اساس، اولین گام پیش از اقدام عملی برای آموزش، تعیین اهداف آن است. برای سنجش کارایی هر مجموعه، ابتدا ضروری است که میزان بهره‌وری سرمایه (اعم از فیزیکی و

انسانی) اندازه‌گیری شود (ترابی، ۱۳۸۳، ص ۵) که شامل ارزیابی نظام آموزشی در بستر «تدریس اساتید و کیفیت آموزش و محتوای درسی و به نوعی الگوها و مدل‌های آموزشی است که مشتمل بر آموزش و پژوهش در فرآیند آموزشی است:

۱. «آموزش محوری»: در این رابطه، «گیلفورد» (۱۹۵۶، ۱۹۵۹، ۱۹۶۲، ۱۹۶۷، ۱۹۸۷) رویکرد تحلیل آموزش را که پیش از او توسط روانشناسانی همچون «اسپیرمن»<sup>۳</sup> (۱۹۲۷) و «ترستون»<sup>۴</sup> (۱۹۳۸) در زمینه تفاوت هوش و قوه خلاقه به‌کار گرفته شده بود، به نحو پیشرفته‌تری به‌کار بست و با استفاده از انواع پاسخهای متفاوتی که هوشمندانه تصور می‌شدند، نظریه خود را که به نظریه «ساختار ذهنی»<sup>۵</sup> با الگوی سه بعدی شهرت دارد، عرضه کرد. در این «الگوی سه بعدی» [عمل<sup>۶</sup>، محتوا<sup>۷</sup> و فرآورده ذهنی<sup>۸</sup>، «پنج نوع عمل» (شناخت<sup>۹</sup>، حافظه<sup>۱۰</sup>، تفکر همگرا<sup>۱۱</sup>، تفکر واگرا<sup>۱۲</sup> و ارزیابی<sup>۱۳</sup>)، «چهار نوع محتوا» (تصویری<sup>۱۴</sup>، نمادی<sup>۱۵</sup>، معنایی<sup>۱۶</sup> و رفتاری<sup>۱۷</sup>) و «شش نوع فرآورده ذهنی» (واحدها<sup>۱۸</sup>، طبقات<sup>۱۹</sup>، روابط<sup>۲۰</sup>، نظامها<sup>۲۱</sup>، تبدیلات و تلویحات<sup>۲۲</sup>) منظور شده است؛ چون اعمال ذهنی مورد نظر گیلفورد با مساله هوش و خلاقیت پیوند نزدیک دارند (حقیقی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۴۷).

۲. «پژوهش محوری»: در مقوله پژوهش‌های مرتبط با سنجش میزان خلاقیت و مقوله

3. Spearman
4. Thurstone
5. Structure of Intellect
6. Operation
7. Content
8. Product
9. Cognition
10. Memory
11. Convergent Thinking
12. Divergent Thinking
13. Evaluation
14. Figural
15. Symbolic
16. Semantic
17. Behavioral
18. Unit
19. Class
20. Relation
21. Transformation
22. Implication

را در آن می‌بیند که بنا از زمین برخیزد و فرو نریزد، و نه آنکه هندسه‌ای باشد و حکمتی که سازه و فضا را همساز و همراز کند؛ و معماری را خلوت و جلوتی بخشد؛<sup>۳</sup>. «زیبایی»: معماری امروز زیبایی را در شگفت‌آوری و ایجاد و گاه ارباب می‌بیند و نه در آن زیندگی که حکایت از نجابت و متانت و کفایت روح ایرانی است؛<sup>۴</sup>. «والایی»: بارزترین ویژگی معماری امروز ایران، فقدان والایی است. تکیه معماری گذشته بر کرامت انسان بود و معماری، کارایی و پایایی و زیبایی را برای تکریم مقام انسان که خلیفه خداوند بر روی زمین بود، می‌خواست و معماری بریده از تقدس و معنویت را، هر چند کارا و پایا و زیبا، «علم بنای آخور» می‌دانست (حجت، عیسی، ۱۳۸۲، ص ۶۵).

### پیشینه آموزش معماری و شهرسازی

«تدریس» عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل مدرس و شاگرد، بر اساس طراحی منظم و هدفدار مدرس، برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد. تدریس مفاهیم مختلف مانند نگرشها، گرایشها، باورها، عاداتها و شیوه‌های رفتار و به طور کلی انواع تغییراتی را که می‌خواهیم در شاگردان ایجاد کنیم، دربر می‌گیرد. (میرزا محمدی، ص ۱۷، ۱۳۸۳). بنابراین می‌توان روش آموختن در این دوره از تاریخ بشر را روش تقلیدی و علمی نامید. اهم این موارد عبارتند از:

جایگاه آموزش در ایران باستان؛ به گواهی تاریخ، ایرانیان از دیرباز برای خرد و دانش ارزش زیادی قایل بوده اند تا آنجا که در ادعیه و اورادی که از آن زمانها برجای مانده، از خداوند خواسته شده است که به آنها دانش و بینش عطا فرماید. در گاتها آمده است: «هر مرد و زن، یا پیر و دختر باید در راه دانایی و بینایی خود بکوشد؛ و هر که دانشمند نباشد، کور و ناتوان است» (کوشا، ۱۳۸۸، ص ۳۵). قدیم، زمانی که هنوز شیوه‌های جدید آموزش و پرورش متداول نشده بود، همه‌جا، در اغلب فنون و پیشه‌ها، و از جمله در معماری، آموزش در حین عمل و در چارچوب روابط شاگرد و استاد صورت می‌گرفت. طبیعتاً خیل عظیم افرادی که اغلب از طفولیت وارد حرفه می‌شدند و با ساده‌ترین کارها شروع می‌کردند، به تدریج

آموزش آن، تحقیقاتی بوسیله «اندرسن»<sup>۲۳</sup> (۱۹۶۱)، «وایزبرگ»<sup>۲۴</sup> (۱۹۶۱)، «بارون»<sup>۲۵</sup> (۱۹۶۳)، «مک کینون»<sup>۲۶</sup> (۱۹۶۲، ۱۹۶۵)، «گتزلز و جکسون»<sup>۲۷</sup> (۱۹۶۲)، «یاماموتو»<sup>۲۸</sup> (۱۹۶۳)، «والاک و کوگان»<sup>۲۹</sup> (۱۹۶۵)، «تورنس»<sup>۳۰</sup> (۱۹۶۲، ۱۹۶۳، ۱۹۶۵، ۱۹۷۰) و «کراپلی»<sup>۳۱</sup> (۱۹۷۱) گزارش شده است. در هر حال، بنا به همه تحقیقات خواننده شده، ساختار آموزشی (تدریس)، از مهم‌ترین ابعاد عملکرد معلم محسوب می‌شود. آموزگار آگاه و توانا می‌تواند با بهره‌گیری از روشها و راهبردهای خلاق تدریس، حتی محتوایی نامناسب را خلاقانه تدریس کند و جو مناسب خلاقیت در کلاس را بوجود آورد (حسینی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۸).

البته شایان ذکر است که دروس مهارتی معماری و شهرسازی خاصه طرحها نیازمند نگاهی ویژه هستند؛ لذا «فرآیند طراحی در معماری و کوشش برای تدوین نظام نامه‌ای جامع، وظیفه‌ای است که تنها با مشارکت تمامی اساتید معماری و آگاهان آموزش معماری در ایران معاصر میسر می‌گردد؛ لذا هر یک از معماران و معلمان معماری، بسته به میزان تجربه و سابقه حرفه‌ای خود وظیفه دارند، حاصل تلاشها و یافته‌های خود را در اختیار دیگر علاقمندان و هنرجویان قرار دهند» (مهدوی نژاد، ۱۳۸۴، ص ۵۸). «عیسی حجت» در مقاله «آموزش معماری و بی‌ارزشی ارزشها»، با اشاره به چالشهایی در معماری امروز ایران، بر این باور است که آموزش معماری ایران باید چهار مولفه را در نظر داشته باشد و معنای اصالت راستین هر یک را نیز به طور کامل رعایت کند: ۱. «کارایی»: معماری امروز ایران کارایی را در آن می‌بیند که بیشترین بهره را از کمترین فضا بگیرد و نه آنکه شایسته‌ترین فضا را جهت زیستن و بودن انسان فراهم آورد؛ ۲. «پایایی»: معماری امروز ایران پایایی

23. Anderson
24. Weisberg
25. Barron
26. Mackinnon
27. Getzels & Jackson
28. Yamamoto
29. Wallack & Kogan
30. Torrance
31. Corpley



و در عرصه تجربه و عمل، علاوه بر هزاران پیشه‌ور و استادکار ماهر، چهره‌های برجسته‌ای نیز پیدا می‌کرد که در کار خود به مرجعیت می‌رسیدند و الگوها و بدعتها و نوآوری‌های آنها باعث پیشرفت و اعتلای حرفه و راهنمای دیگران می‌شد (غمامی، ۱۳۷۵، ص ۴۸).

جایگاه آموزش در ایران دوره اسلامی؛ با ظهور اسلام و پذیرش آن توسط ایرانیان نه تنها در اعتقاد و باور آنان به آموزش خللی پدیدار نشد، بلکه با تأکیدی که بر آموختن علم به عنوان یک ارزش اسلامی صورت گرفت، این اعتقاد راسخ‌تر شد، اینکه در قرآن کریم هم به تحصیل و تحقیق توصیه شده است، همه‌گویای ترغیب مسلمانان به آموختن دانش است. «در اواخر قرن سوم هجری در شهرهای عمده ایران مدارس برپا و حجره‌هایی برای سکونت طلاب تعیین شد؛ همچنین برای تأمین مخارج مدرسه و پرداخت حقوق مدرس و کمک هزینه تحصیلی طلاب، با آغاز صدرات خواجه نظام الملک روند توسعه مدارس، بیش از پیش صورت پذیرفت» (کوشا، ۱۳۸۸، ص ۳۸). آشنایی ایران با تمدن جدید در عهد صفویه آغاز شد و معارف جدید اروپایی از جمله علوم، صنایع، هنر و آداب و رسوم ممالک مترقی آن خطه به ایران وارد شد. مهم‌ترین اقدام که در جهت تأسیس مدارس جدید به سبک مدارس اروپایی در ایران صورت گرفت، کوششی بود که از طرف امیرکبیر برای تأسیس دارالفنون (۱۲۲۸ ه.ش) انجام شد (کوشا، ۱۳۸۸، ص ۳۸).

در رابطه با آموزش عالی در دوره‌های مختلف می‌توان اشاره داشت که:

۱. آموزش عالی در دوره‌های تاریخی؛ برنامه‌های درسی آموزش عالی قبل از رنسانس و تا حدودی تا قبل از قرن ۱۹ دارای ویژگی‌های زیر بوده است: ۱. «الگوی نخبه‌گرایی»؛ برنامه درس باید به پرورش نخبگان از طریق انتقال معلومات خاص پیردازد؛ ۲. «برنامه‌ریزی با تصمیم‌گیری کاملاً بسته»؛ تنها استادان صلاحیت تعیین محتوای یادگیری دانش‌جویان را دارند؛ ۳. «انتقال معلومات به شکل تزریقی و نه تحلیلی»؛ به حافظه سپردن اطلاعات از اصول اساسی یادگیری به شمار می‌آید (عارفی، ۱۳۸۴، ص ۱۳). به عبارتی اروپا بذر جنبش معماری مدرن را به عنوان پاسخی به نحوه نگرش «مدرسه بوزار» به وجود آورد.

رویکرد مدرسه بوزار را می‌توان به نوعی نخستین برخورد جزئی‌نگر دانست. در این مدرسه رویکرد ایده‌کلی مبنای کلیه کارها بود. البته این ایده کلی همیشه در قالب فرم مطرح می‌گشت. «ایده کلی به عنوان نوعی قاعده یا بیان شکل‌گرا از اصول کلاسیک یا نوکلاسیک بود و به نوعی، بازگوی محدودیت‌ها» (آنتونیادس، ۱۳۸۱، ص ۴۶).

۲. آموزش عالی در هزاره سوم؛ جامعه بشری با طی کردن مرحله صنعتی وارد مرحله‌ای شده است که با اصطلاحاتی همچون «دوران فراصنعتی»، «عصر دانش» و «عصر اطلاعات» خوانده می‌شود. عصر فراصنعتی دارای ویژگی‌های مهمی است که عبارتند از: ۱. زمینه‌های مساعد برای تبادل گسترده اطلاعات؛ ۲. تحول اقتصاد و تکنولوژی کاربر و سرمایه‌بر و تبدیل آن به تکنولوژی و اقتصاد مبتنی بر دانش (بی‌هنری، ۱۳۷۵، ص ۵۷). از آنجائی که براساس جهان‌بینی سیستمی دانشگاه به عنوان یک زیرسیستم جامعه تعریف می‌گردد، تحولات عصر فراصنعت و ویژگی‌های آن بر اهداف و نگرش‌ها دانشگاه‌ها بسیار تأثیرگذار خواهد بود. در نتیجه شناخت رویکردها و وظایف مترتب بر آموزش عالی در قرن ۲۱ از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می‌باشد. به همین دلیلی است که پرورش افراد خلاق و متفکر و به قول الوین تافلر، «دانشوران و صاحبان اطلاعات سازمان یافته» از رسالت‌های عمده نظام‌های آموزشی جوامع در این عصر می‌باشد (تافلر، ۱۳۶۴، ص ۹۲). در همین راستا در اکتبر سال ۱۹۹۸ کنفرانس جهانی آموزش عالی در پاریس برگزار گردید و در آن کنفرانس وظایف آموزش عالی به شکل گسترده‌ای مطرح گشت. در کنفرانس موردنظر وظایف آموزش عالی در ۸ بند آورده شده‌اند که عبارتند از: ۱. آموزش؛ ۲. پژوهش؛ ۳. ایجاد فضای آزاد برای فراگیری در طول عمر؛ ۴. کمک به توسعه پایدار؛ ۵. کمک به توسعه دموکراسی؛ ۶. کمک به توسعه صلح و عدالت؛ ۷. نشر فرهنگ ملی و منطقه‌ای؛ ۸. حفظ و ارتقاء ارزش‌های اجتماعی (بیانیه جهانی آموزش عالی برای قرن آینده، ۱۳۷۸، صص ۸-۹).

همچنین درباره آموزش هنر و معماری در ایران می توان به دو «شیوه سنتی و مدرن» اشاره کرد:

۱. «آموزش سنتی هنر و معماری در ایران»؛ آموزش سنتی هنر در ایران، به گذشته‌های دور برمی‌گردد. این آموزش، درگیر و دار عمل، با محوریت استاد و سینه به سینه به انجام می‌رسید. در بینش سنتی، فراگیری مهارت هنری و راز و رمز آن، محتاج تلاش و ریاضتی بود تا وجود هنرآموز قابلیت یابد. این آموزش، مشابهتی تام با سلوک عرفانی می‌یافت. همان‌گونه که عارف در گذر از مراحل گوناگون، قابلیت حفظ اسرار الهی را می‌یابد و آن گاه اسرار بر او افاضه می‌گردد، در سلوک هنری گذشتگان نیز همین معنا مشاهده شده است (ندیمی، ۱۳۸۶، ص ۴۳). «هر استادی چندین شاگرد داشت که اسرار صنعت و حرفه خود را به آنها یاد می‌داد و میزان یادگیری شاگردان نیز بستگی تمام به میزان قدرت و کفایت آنها داشت. هرگاه استاد در شاگرد، فهم و خدمت و کفایت کار مشاهده می‌کرد و به او «عهد» می‌بخشید و آن یکی از امور ضروری بود که صنعتگر و یا هنرمند پیش از ورود به هنر صنفی باید آن را به دست می‌آورد. در حرفه نقاشی و خطاطی، این عهد، «اجازه نامه» یا «اذن نامه» اطلاق می‌شد و این گویا بستگی به میزان پیشرفت شاگرد داشت. در آغاز به او اجازه نامه می‌دادند و اگر شاگردی می‌توانست از پیش از یک استاد اجازه نامه دریافت کند، بر شهرت و اعتبار او افزوده می‌شد. در این صورت اجازه نامه او را چندین استاد امضاء می‌کردند» (کریم‌زاده تبریزی، ۱۹۹۹، ص ۱). ارتباط شاگرد با استاد نوعی ارتباط مرید- مرادی بود و تا آخر ادامه می‌یافت. گاهی شاگرد چنان در استاد ذوب می‌شد که بر روی آثار خود نام و رقم استادش را ثبت می‌کرد؛ بهرحال، این ارتباط یک ارتباط احترام آمیز بود و حتی پس از مرگ استاد هم ادامه می‌یافت و شاگرد همواره از یاد و رفتار او به نیکی یاد می‌کرد (سعیدالشیخی، ۱۳۶۲، ص ۸۷). غالب شاگردان تحصیلات رسمی نداشتند. در کودکی برای کسب شغل و حرفه از پادویی شروع می‌کردند. معلوم نیست که در چه مرحله ای پادوی مبتدی به مرحله دستیاری یا شاگردی می‌رسید و چه شرایطی برای این کار لازم بود. ظاهراً میزان کوشندگی و استعداد و قریحه مبتدی از عوامل مهم برشمرده می‌شده است (فلور، ۱۳۶۵، ص ۵۱). با این

که هر کسی حق داشت هر شغلی را که می‌پسندید، انتخاب کند ولی میان پیشه وران بنا به عادت جاری حرفه‌ها موروثی بود و فوت و فن مشاغل را پسران از پدران و یا از خودشان به ارث می‌بردند. فرزند به پدر خود در کار و حرفه یاری می‌داد و ضمناً شغل پدر را یاد می‌گرفت. در میان نقاشان احمد موسی هنر نقاشی را از پدرش فراگرفت و شاگرد پدر خود بود (دوست محمد گواشانی، ۱۳۷۸، ص ۱۵). سلطان محمد تبریزی هنر نقاشی را به فرزند خود محمد بیک یاد داد (عالی افندی، ۱۳۶۹، ص ۱۰۴)؛ نوشته‌اند که مولانا مظفر علی فرزند حیدرعلی خواهرزاده بهزاد بود و یا مولانا رستمعلی نیز از خواهرزادگان بهزاد برشمرده می‌شده است (قاضی احمد قمی، ۱۳۶۶، ص ۱۴۱). تعصب نسبت به شغل، به تعاون و همکاری نیز منجر می‌شد. از وظایف اعضای هر گروه شغلی این بود که از محاسن پیشینیان و یا تاریخچه آن شغل به خاطر بسپارد و آن را به شاگردان خود منتقل سازد. ایم مساله به ویژه از حیث یادگیری ویژگی‌های هر شغل کمکی درخور می‌کرد (بنجامین، ۱۳۶۳، ص ۲۴۸). ابن اخوه نیز در باب وظایف محتسب اشاره دارد: «محتسب باید نقاشان را به خدای بزرگ سوگند دهد که در نقاشی خیانت نکنند، خواه در چیزهایی که خود آماده می‌سازند، یا به سفارش مردم برای آنان کار می‌کردند (ابن اخوه، ۱۳۶۷، ص ۲۶۳).

۲. «آموزش مدرن هنر و معماری در ایران»؛ با شروع به کار دانشکده هنرهای زیبا، در قریب به ۶۵ سال پیش، این حرکت نوظهور به صورتی نهادینه ادامه یافت. به اعتبار در سه بخش تقسیم می‌کنیم: ۱. «آموزش مستقیم یا تخصصی به قصد تربیت هنرمند»: این آموزش در طول تاریخ هنر، روش‌های متفاوتی را تجربه کرده است. در جامعه سنتی، به خصوص در شرق عالم، آموزش سینه به سینه با خصوصیات منحصر بفرد خویش، در دوران کلاسیک غرب، آموزش اکادمیک استاد محور، و در دوره جدید، آموزش دانشکده‌ای، نمونه‌های عمده آن را تشکیل می‌دهند. ۲. «آموزش غیر مستقیم یا عمومی برای پرورش ذوق سلیم جامعه»: این آموزش، از مسیر تولیدات فرهنگی و هنری یا حتی صنعتی جامعه که برای مصرف عرضه می‌گردد، به انجام می‌رسد. این تولیدات و کالاها، تأثیری به سزا در جهت دادن به تولیدات هنری، و از این طریق، در کیفیت آموزش



تخصصی هنر به جای خواهد گذارد. این تعامل معمولاً از دید سیاستگذاران فرهنگی جامعه پنهان می ماند و مورد غفلت واقع می گردد. ۳. «آموزش از طریق هنر»: در این جا بیان هنری برای سهولت یادگیری، جنبه روشی می یابد که امروزه، گسترش تنوع یافته است (ندیمی، ۱۳۸۶، ص ۳۹).

### الگوهای و روش های آموزش

روش تدریس فعال که در آن مشارکت دانش آموز و مدرس را می طلبد و به جای انتقال مطالب به دانش آموز، به افزایش توانایی یادگیرنده در فرآیند یادگیری عنایت دارد. به دلایل متعدد از جمله تاکید بر اصولی از کلیات نظام آموزش و پرورش کشور و اهداف دوره های تحصیلی، نگرش های جهانی، رشد روزافزون تحقیقات، سرعت فن آوری و تکنولوژی، ضرورت کاربست تدریس فعال را می طلبد. ادیان و رهبران مصلح اجتماعی نیز تاکید بر نوعی فعال سازی ذهن و جلوگیری از تقلید کورکورانه در اصول و روش های زندگی دارند، لذا آموزش و تدریس های متکی بر روش های فعال خود گامی است در اشاعه و ترویج علم و پرورش انسان های آزاد و آگاه که می تواند در توسعه و فناوری مثر ثمر باشد. انواع روش های تدریس در نظام آموزش و پرورش عبارتند از: ۱. «روش های تاریخی»؛ و ۲. «روش های نوین» (صفوی، ۱۳۷۰، ص ۲۳۹).

«پرورش» یا «تربیت»، جریانی است منظم و مستمر که هدف آن هدایت رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی و اجتماعی یا به طور کلی رشد همه جانبه شخصیت دانش آموزان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعداد آنان است (سیف، ۱۳۷۹، ص ۲۸). در هر حال باید گفت که، «روش های تدریس» به دو دسته کلی تقسیم می شوند: ۱. روش هایی که در گذشته بسیار دور به کار می رفته اند، روش های تاریخی» و «۲. روش هایی که متکی بر یافته های روان شناسی و علوم تربیتی جدید می باشند، روش های نوین» نامیده می شوند.

الف- روش های تاریخی: از میان روش های تاریخی، دو روش بیش از سایر روش ها در ایران شهرت دارند: ۱. یکی روش سقراطی» و دیگری «۲. روش مکتبی».

۱. «روش سقراطی»: سقراط، به وسیله سؤال و جواب و مجادله، پس از آنکه خطای مخاطب را مشخص می کرد، تارسیدن به کشف حقیقت، به همان ترتیب، مکالمه و پرسش و پاسخ را دنبال می کرد. در روش

سقراطی، مدرس صحبت نمی کند؛ سؤال می کند و شاگردان سخن می گویند. اما سؤال ها بگونه ای تنظیم و مطرح می شوند که شاگرد را از جهل خویش نسبت به موضوع آگاه می گردانند و اندیشه او را برای دستیابی به حقیقت، ژرفا می بخشند.

۲. «روش مکتبی»: این روش بطور معمول در ایران مورد توجه بوده است، چنان که سیل عظیم مکتب خانه ها در نه چندان دور ایران نیز اشاراتی به این روش داشته و دارند؛ کما اینکه هنوز در برخی نقاط ایران ان روش مورد توجه و معمول بوده و هست. نظام آموزش مکتبی نیز جنبه تاریخی و سنتی دارد.

ب- «روش های نوین»: پس از رنسانس نخستین تأویل کلی نگر از معماری به طور رسمی در باوهای پس از جنگ اول جهانی بنیان نهاده شد. به نظر بنیانگذاران باوهای محصول خلاقه معماری باید در عین حال که عملگرا باشد، پاسخگوی نیازهای متعدد فیزیکی، اجتماعی، فن آورانه و هنری باشد. این خود نوعی جامع گرایی محسوس و علمی بود. (آنتونیادس، ۱۳۸۱، ص ۴۶). باوهای به پیروی از روح زمانه ی خود کوشید تا به هنر بنیادی علمی ببخشد، گو اینکه بیشتر قصد داشت حساسیت مرزی [هنرمند] را رشد و ارتقاء دهد. البته بعدها ثابت شد که محال است بتوان این دو جریان را یگانه ساخت» (نوبرگ شولتس، ۱۳۸۱، ص ۹). اوج بعدی در دیدگاه کلی نگر به آموزگاران انجمن دانشگاهی مدارس معماری<sup>۳۲</sup> و تعدادی از مدارس معماری مرتبط می باشد. آنها از طریق سلسله ای از رویدادها، تحقیقات گروهی و مطالعات کمی درباره موضوع و نیز از طریق تغییر برنامه های آموزشی به تفاهمی رسیدند که به آن عنوان فرآیند طراحی، سیراز سؤال به جواب را اختصاص دادند. این رویکرد به شدت تحت تأثیر مفاهیم اجتماعی، یکسانی و یک شکلی در آموزش معماری بود، همچنین خواستار جلوگیری از «افراط در طراحی» و «تجمع معیارهای زیاد و متنوع طراحی در یک سیستم عقلی که بتواند ابزاری در خلق راه حل طراحی بهینه باشد» بود. آنها معماران خلاق را در جست و جوی شان برای بیان خلاقانه تر تقویت نمودند (آنتونیادس، ۱۳۸۱، ص ۴۷).

جدول ۴. الگوها و روشهای آموزش در تاریخ؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس یافته‌های تحقیق.

روش	ویژگیها و ملاحظات
روش تاریخی	<p>۱. نخستین هدف سقراط، کنکاش درباره مسئله مورد نظر بود. سقراط به آموختن حقایق ویژه و مسائل جزئی کمتر اهمیت می‌داد؛ زیرا قصدش این بود که مهارت شاگردان برای کشف حقایق پرورش یابد. ۲. در روش سقراطی، نقش مدرس عمدتاً شامل پرسیدن و نقش شاگرد این بود که در سازمان‌دهی و بکارگیری دانش و تجربه گذشته خود برای پاسخ به سؤال‌ها بود. ۳. روش سقراط نه تنها روش جدلی (دیالکتیک) و شامل کنش متقابل بین شاگرد و مدرس بود، بلکه استقرایی نیز بود؛ یعنی از جزئیات به کلیات می‌رسید.</p>
مکتبی	<p>این نظام از چند اصل و روش تشکیل شده است: «آزادی‌ها»، «آزادی سنی»، «آزادی شروع»، «آزادی مدت تحصیل»، «اصل آزادی فردی»، «خلیفه»، «درس‌ها».</p>
روش فطری	<p>«فرهنگ اکسفورد»، واژه فطری را را «ناتورال» دانسته و صفات و ویژگیهای آن را چنین اعلام می‌کند: «۱. طبیعی و سالم ۳۳؛ ۲. معمولی ۳۴؛ ۳. بومی ۳۵؛ ۴. وراثتی ۳۶؛ ۵. واقعی ۳۷؛ ۶. کامل و سالم ۳۸؛ ۷. مفطور ۳۹» (ادیب زاده، ۱۳۸۴، ص ۲۰). شناخت فطرت و گرایشهای فطری نشان داد که تلقی آموزش امروزی از انسان به عنوان ظرف خالی درست نیست. آموزش فطری اهداف آموزشی رایج برای سعادت و ترقی بشر را که تکیه بر شناخت فرد از خود، بمنظور برپایی دموکراسی برای شهروندان است را نه تنها جزء کوچکی از حیات بشری می‌شناسند، بلکه خود جماعات بشری را نیز بخش کوچکی از کائنات می‌شناسند. در آموزش فطری فرض بر این است که انسان غایت و کمال هستی و به تعبیری جمع معانی و معناهاست و محتوای این آموزش انکشاف حقایق ازلی و معنای همراه با اوست (همان، ص ۲۳).</p>
روش پدیدارشناسانه	<p>این رویکرد را می‌توان احیاء کننده ایده کلی<sup>۴۰</sup> بوزار داشت که آن را عامل تسریع‌کننده در خلاقیت می‌دانست. پست مدرنیسم که به شدت و به‌طور کلی از تاریخ‌گرایی پست مدرن متمایز شد، از ابتدا دارای اهداف جامع‌نگر بود. به دنبال آن آموزگاران اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ افق‌های تازه‌ای را در این راه گشودند و بعلاوه تأکید و تمایلی که به بحث تاریخ داشتند. تعدادی از آنان با استفاده از بحث‌های متافیزیکی و مبهم کمک شایانی در ارتقاء و پیشرفت تصور و خلاقیت معماری کردند. و مجدداً کل‌نگری مورد توجه قرار گرفت، در جدول زیر تکامل رویکردهای طراحی معماری در حال نوسان از کل‌نگر به جزء‌نگر را مشاهده می‌نمایید (آنتونیادس، ۱۳۸۱، ص ۴۸).</p>



- 33. Normal
- 34. Routine
- 35. Native
- 36. Inherent Born
- 37. Real
- 38. Whole
- 39. Built in
- 40. Parti

جدول ۵. تکامل رویکردهای طراحی معماری از کل نگر به جزء نگر؛ ماخذ: آنتونیادس، ۱۳۸۱، صص ۴۴-۴۳.

کل نگر	کل نگر	کل نگر	کل نگر	کل نگر	کل نگر
<p>تاریخنگری</p> <p>آشکارا مشغول امور محسوس، پیشه های تاریخی و فن آوری است و تماماً با دانشمندان برای هدافه غیر قبلیس سروکار دارد</p>	<p>گزینش بر مبنای پیشه های تاریخی بتوان منابع از رهنمای فرمال و سبک گرد دانشمندی و بر طمطراق و اساس با امور «نامحسوس»</p> <p>تاریخنگری</p> <p>پست مدرن</p>	<p>ACSA</p> <p>انجمن دانشگاهی مدارس معماری</p> <p>حل مسئله بر پایه گشده طبیعی ترین گونه های مفوله های محسوس شامل تمرکز بر موضوعات اجتماعی، بر مبنای تحقیق و انگرش علمی تأکید بر محسوسات با احساس نفقت از «نامحسوس»</p> <p>کریستوفر الکساندر</p>	<p>متمرکز بر موضوعات گزینش مسئله، نادرده انگاشتن تعمادی موضوعاتی که در حل مسئله مطابق اختیار هنرمند مرکزیت ندارند</p> <p>پل ردونف</p>	<p>زان لاپاتوت</p> <p>جامع نگری</p> <p>در جامع ترین و کلان ترین معاد جایک «محسوس» و «نامحسوس» به طبیعی ترین تأویل ها تامل می شوند و جایی که «نامحسوس» حیثه معاد (معنویت) را نفس می کند</p> <p>فرانک لوبد</p> <p>رایت لوگوریوز</p>	<p>باهوس</p> <p>تلاش گروهی جامع گرا بر مبنای عملنگری، فن آوری و هدافه</p> <p>انطاط گرا، مبتنی بر سبک های تاریخی</p> <p>یوزر</p>
جزء نگر	جزء نگر	جزء نگر	جزء نگر	جزء نگر	جزء نگر

در اینجا جا دارد مقایسه ای را که جان لنگ از تعریف معماری توسط افراد مختلف ارائه داده است در غالب جدولی ارائه گردد.



جدول ۶. ویژگی‌های تشکیل دهنده رشته معماری؛ ماخذ: لنگ، ۱۳۸۱، ص ۲۵.

ویتریویوس	ووتن	گروویوس (عملکردگرایی نوین)	نوربرگ شولتز	استیل
سودمندی <sup>۴۱</sup>	فرآورده <sup>۴۲</sup>	عملکرد <sup>۴۳</sup>	نقش ساختمان <sup>۴۴</sup>	سودمندی کارکرد
زیبایی <sup>۴۵</sup>	سور <sup>۴۶</sup>	بیان <sup>۴۷</sup>	فرم، شکل <sup>۴۸</sup>	سرپناه و امنیت
پایداری <sup>۴۹</sup>	استحکام <sup>۵۰</sup>	فنون <sup>۵۱</sup>	فنون <sup>۵۲</sup>	تعامل اجتماعی هویت نمادین لذت <sup>۵۳</sup> رشد <sup>۵۴</sup>

### پیشینه آموزش معماری

«آموزش معماری» همواره در تنش با «تجربه معماری» بوده است. این چیزی است که باید باشد، بنابراین از زمان بسیار دور معماری موضوعی بوده است که به دو روش کاملاً مختلف آموخته شده است: ۱. «تئوری» در کلاس درس و ۲. «تجربه» در کارگاه یا آتلیه. تاریخ آموزش معماری در ایران بسیار طولانی است، اما می‌توان آنرا به دو دوره: ۱. «شیوه آموزش سنتی معماری» و ۲. «شیوه آموزش رسمی» (آکادمیک) تقسیم کرد. سیستمهای عمده تاثیرگذار بر آموزش معماری ایران عبارتند از:

۱. «بوزار» عمری دراز کرد و در گرماگرم معماری مدرن، سالخورده بود اما نیروی جوانی شاگردان آن که برخی در همان مدرسه به استادی رسیدند مایه ادامه حیات آن شد و چون قدمت و شخصیت داشت خود را با تحولات زمان، گاه به موقع و گاه دیر مطابقت داد؛ و
  ۲. دومی «باوهاوس»، زاده روزگار مدرن و معماری مدرن بود ولی اگرچه خوش درخشید دولت مستعجل بود و بیش از دوازده سال دوام نیاورد. اما تأثیر باوهاوس بسیار دیرپا بود. این دو مدرسه از نظر فلسفه معماری و ایده و روش تدریس هم تقریباً نقطه مقابل یکدیگر بودند و به تعبیری «باوهاوس»، «آنتی تز» مدرسه نخست یعنی بوزار بود (مزینی، ۱۳۸۶، ص ۴۳-۴۴).
- الف- سیستم آموزشی بوزار؛ آکادمی بوزار در واقع همپای «آکادمی ادبیات فرانسه» بود که در امور ادبی و زبان فرانسه آخرین مرجع و صاحب شناخته می‌شد، اما مدرسه بوزار که در آن نقاشی، تندیسگری

41. Utilitas
42. Commoditie
43. Function
44. . Building Task
45. Building Task
46. Venustas
47. Delight
48. Expression
49. Form
50. Firmitas
51. Firmenes
52. Technics
53. Pleasure
54. Growth

و معماری تدریس می‌شد، مثل هر مدرسه دیگری مرکب از استادان، شاگردان و اعضای اداری بود. دروس از دو بخش نظری و عملی تشکیل می‌شد: ۱. «دروس نظری» در کلاس تدریس می‌شد و ۲. «دروس عملی» در کارگاه یا آتلیه و هر آتلیه از نظر هنرمندی به نام، یا معماری صاحب اعتبار و تجربه اداره می‌شد و نام او را داشت. زمانی مدرسه بوزار دارای ۴ آتلیه نقاشی و ۴ آتلیه تندیسگری و ۷ آتلیه معماری بود (مزینی، ۱۳۸۶، ص ۴۴).

ب- مدرسه باوهاوس؛ نقطه شروع باوهاوس در ۱۹۱۹ بیانیه‌ای بود با دیدگاهی ایده‌آل و مبنی بر خیال‌پرستی: «ساختمان آینده» که می‌بایست تمامی هنرها و صنایع را در یک واحد یکپارچه به هم می‌پیوست. در نتیجه این مدرسه از به هم پیوستن آکادمی هنرهای<sup>۵۵</sup> زیبای «گرانردوکال ساکسن»<sup>۵۶</sup> و «مدرسه هنر و صنایع دستی»<sup>۵۷</sup> گرانردوکال ساکسن در «وایمار»<sup>۵۸</sup> آلمان تأسیس شد. این بیانیه، ایده‌ای بود که نیازمند گروه جدیدی از هنرمندان بود، کسانی که بیش از یک متخصص فرهیخته آکادمیک بودند. والتر گروپیوس<sup>۵۹</sup> امیدوار بود که با توسعه‌مندی‌های جدید آموزشی و با اطمینان به اینکه صنایع کاربردی بعنوان یک امر ضروری و از پیش درخواست شده همه هنرها می‌باشند، بتواند به این هدف که: «مدارس باید جذب کارگاه شوند» دست یابد.

ج- مدرسه باوهاوس در وایمار؛ شاگردان در آغاز ورود به باوهاوس می‌بایستی در دوره‌های فورکوس (پیش درس) شرکت می‌کردند، که مراد از آن آماده شدن شاگردان برای کار اصلی در این مدرسه بود و برنامه ریزی آنرا «یوهانس اتین» نقاش سویسی به نوعی اختراع کرده بود و ظاهراً گروپیوس در چگونگی و تدریس این واحد دخالتی نداشت.

د- مدرسه باوهاوس در دساو؛ ساختمان باوهاوس در دساو یکی از نخستین مواردی است که معماری مدرن در آن فرصت بروز یافت، ولی علیرغم این موفقیت و موفقیت‌های دیگر اساتید و شاگردان باوهاوس باز هم تحت فشارهای خارجی

که این بار رنگ و بوی سیاسی گرفته بود، قرار گرفتند. این فشارها باعث شد گروپیوس از ریاست مدرسه کناره‌گیری کند و به جای او، «هاوس مایر» سویسی که رئیس بخش معماری باوهاوس بود ریاست را بر عهده بگیرد. وی برنامه‌های معماری باوهاوس را تقویت کرد و شهرسازی را نیز بدان افزود. در رابطه با «مقایسه دو سیستم آموزشی باوهاوس و بوزار» می‌توان گفت که:

۱. آنچه به باوهاوس در آغاز شخصیتی بی نظیر داد، تنها فلسفه و اساس تدریس نبود. می‌توان گفت رابطه هنر و صنعت قبل از باوهاوس نیز در آلمان مسأله‌ای جدی بود، چنانچه آثار آن را در ورک بوند می‌بینیم. نگرش بدون مرز باوهاوس و بیانیه‌های جهانی‌اش همچنین در نظر گرفتن شرایط جامعه آلمان و اروپای بعد از جنگ و پذیرفتن نگرش‌های پیشروی هنر در کنار شناخت روش‌های نوین تولید و صنعت، نحوه آموزش خاص و استفاده از استادان بی نظیر که هر یک سمبل جنبش‌های پیشروی قرن بیستم بودند، افرادی نظیر «اتین»، «پل کلی»، «واسیلی کاندینسکی»، «اسلوموهولی ناگی»، «وان دوسبرگ»، «گروپیوس»، «میس ون در روهه» و «مایر» باعث شاخص شدن این مدرسه در تاریخ هنر گردیده است.

۲. «گروپیوس» با آزادگی و گذشتی که در انتخاب همکار داشت این سنت را در مدرسه آغاز کرد و حتی اگر جمعی از اساتید با وی مخالفت می‌کردند یا پاره‌ای از نظریاتش را جدی نمی‌گرفتند، همواره اساس را بر تحمل و به رسمیت شناختن نظریات مخالف می‌گذاشت. نکته دیگر در زمینه اهمیت باوهاوس این بود که مدرسه تنها محل آموزش نبود بلکه خود در تولید نیز سهم بود.

۳. کارهای معماری دیگری که عملاً استادان این مدرسه بر عهده گرفتند از نمونه‌های منحصر به فرد زمان خود بود و طرح‌های صنعتی که در این مدرسه ابداع و ساخته شد از پیشرفته‌ترین محصولات زمانه خود بود. این نکته نه تنها بر اعتبار مدرسه و اعتماد استادان و شاگردان می‌افزود بلکه عملاً وسیله‌ای بود که استاد و شاگرد نتیجه کار خود را بهتر بسنجد.

55. Academy of Arts  
56. Grand – Ducal Saxson  
57. School of Arts and Crafts  
58. Weimar  
59. Walter Gropius

جدول ۷. عوامل زمینه‌ساز فعالیت‌های پژوهشی در رشته معماری؛ ماخذ: گروت، لیندا، ۱۳۸۴، ص ۹.

تحولات آموزش معماری	گسترده‌گی حوزه‌های علمی و هنری مرتبط با معماری	پیوند تحقیق و طراحی
<ul style="list-style-type: none"> <li>تغییر آموزش سنتی به دانشگاهی</li> <li>ورود رایانه به فرآیند آموزش</li> <li>توسعه دوره‌های عالی آموزش</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>رابطه معماری با هنرها و علوم دیگر</li> <li>ایجاد تخصص‌های گوناگون</li> <li>تمایز و فصل مشترک حرفه و پژوهش در رشته معماری</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>تنوع گروه‌های ذی‌نفع و مخاطبان معماری</li> <li>تشخیص نیازها و تبدیل آن به برنامه طراحی</li> <li>رابطه طراح و کارفرما</li> </ul>

جدول ۸. دیدگاه تعدادی از معماران و استادان در مورد نظام آموزش معماری؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس یافته‌های تحقیق.

ساختار آموزش	صاحب‌نظر	نظر
امکانات آموزشی	هاشم هاشم نژاد	به نظر من در آموزش معماری تنها استاد مؤثر نیست، استاد، دانشجو و امکانات و وسایل کمک آموزشی در واقع سه رأس مثلث آموزش معماری را تشکیل می‌دهند (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۱).
شرایط محیطی دانشکده	حسین سلطان زاده	ساختار آموزشی واحدهای دانشگاه آزاد به گونه ای است که غالباً امکان استفاده از اساتید مراکز دیگر آموزشی در آن میسر است، در حالی که بیشتر دانشکده های معماری دولتی فضا نسبتاً محدودتر و بسته تری دارند (سلطان زاده، ۱۳۸۳، ص ۱).
روشهای آموزش و تدریس	سیمون آیوازیان	استاد علاوه بر اینکه در حرفه تخصصی اش فرد خلاق است باید در روشهای تدریس هم خلاقیت داشته باشد (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۴).
برنامه و محتوای آموزش	محمد کاظم سیفیان	به اعتقاد من برای ایجاد تعادل، باید دروس تئوری را در هم ادغام کرد و گرایشهای متفاوت را در دوره های کارشناسی ارشد ناپیوسته یا دکترا گنجانند (مجله آبادی، ۱۳۷۴، ص ۴).

جدول ۹. الگوها و روشهای نوین تدریس؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

الگو	انواع
روش کنفرانس (گردهم آیی)؛ روش شاگرد-استادی؛ روش چند حسی (مختلط)؛ روش پروژه‌های؛ شیوه سخنرانی؛ شیوه بازگویی؛ شیوه پرسش و پاسخ؛ شیوه تمرینی؛ شیوه بحثی؛ شیوه نمایشی؛ شیوه آزمایشی (روش اجرا کردن یا یادگیری بوسیله عمل)؛ شیوه گردش علمی؛ استفاده از منابع دیداری و شنیداری؛ کاوشگری به شیوه حقوقی؛ آموختن کنترل خود؛ ایفای نقش؛ روش کارگاهی؛ سمینار؛ کنفرانس؛ سمپوزیوم؛ روش تدریس کارگاهی	
الگوی دریافت مفهوم؛ الگوی تفکر استقرایی؛ الگوی آموزش کاوشگری؛ الگوی پیش سازمان دهنده؛ الگوی یادسپاری؛ الگوی رشد عقلی؛ الگوی کاوشگری علمی؛ الگوی تدریس غیرمستقیم؛ الگوی بدایع پردازی (افزایش تفکر خلاق)؛ الگوی آگاهی یابی؛ الگوی دیدار در کلاس درس؛ الگوی پژوهش گروهی (تفحص گروهی)؛ الگوی آموزش آزمایشگاهی؛ الگوی کاوشگری علوم اجتماعی؛ الگوی یادگیری در حد تسلط آموزش مستقیم؛ الگوی آموزش برای رشد مفهوم و مهارت؛ ارزیابی روشها و الگوهای کاربردی	

## الگوها و روشهای آموزش معماری

الگوی تعاملی آموزش در معماری؛ سابقه ورود تفکر خلاق در ادبیات روان شناسی را باید در اوایل قرن نوزدهم میلادی و با مروری بر سیر تحول مکاتب آن زمان همچون: ارتباط گرایی، مدرسه ووزبرگ، جنبش گشتالت، و روان شناسی رفتارگرایی جستجو نمود. در واقع ابتدا در اوج دوران شکوفایی روانشناسی رفتارگرایی در دهه ۱۹۲۱ بود که چهار مرحله معروف به «آماده سازی»، «نهفتگی»، «روشنگری» و «اثبات» در حین یک مساله معرفی گردید: ۱. «مرحله آماده سازی»: در این مرحله طراح باید برای ایجاد شناخت کافی از موضوع و آگاهی از ویژگی های موضوع، اقدام به جمع آوری اطلاعات نموده و سپس این اطلاعات خام را به اطلاعات کاربردی تبدیل می نماید تا در حین فرآیند طراحی مورد استفاده قرار گیرد. ۲. «مرحله نهفتگی»: در این مرحله طراح با استفاده از فرآیندهای فکری (که بعضا در پروژه های متنوع، متغیر هستند)، اقدام به جستجو برای یافتن راه حل می نماید. ۳. «مرحله روشنگری»: با بهره گیری از تکنیک های ایده پردازی (مثل سناریونویسی)، در این مرحله می توان به ایده هایی دست پیدا نمود که این ایده ها برای شروع فرآیند فکر کردن بسیار مفید می باشند. در این مرحله ایده هایی که در ذهن طراح شکل گرفته به او امکان بهره گیری از بینشی در طراحی را می دهد تا به حل مساله طراحی بپردازد. ۴. «مرحله اثبات»: در این مرحله طراح به بررسی گزینه های طراحی می پردازد و قابلیت اجرایی ایده های خود را شناسایی می کند. سپس با استفاده از تکنیک های ارزیابی به مقایسه ایده ها پرداخته و نهایتا پاسخ نهایی را شناسایی می نماید (محمودی، ۱۳۸۳، ص ۳۰). ویژگی های استراتژی های فکر کردن در طراحی را می توان در چهار گروه دسته بندی و معرفی کرد:

۱. «تفکر واگرا<sup>۶۱</sup> در مقابل تفکر همگرا<sup>۶۲</sup>»: تفکر واگرا در واقع نوعی کثرت گرایی را یاجاد می کند. این نوع تفکر با تعدد گزینه ها و ایده ها همراه است و آن را می توان بعنوان «تفکر افقی» معرفی نمود که در آن ایده های گوناگون در کنار یکدیگر دارای اولویتی نمی باشند و در مسیر تحلیل، تعدادی از راهکارها حذف و یا با یکدیگر ادغام

60. Divergent Thinking  
61. Convergent Thinking

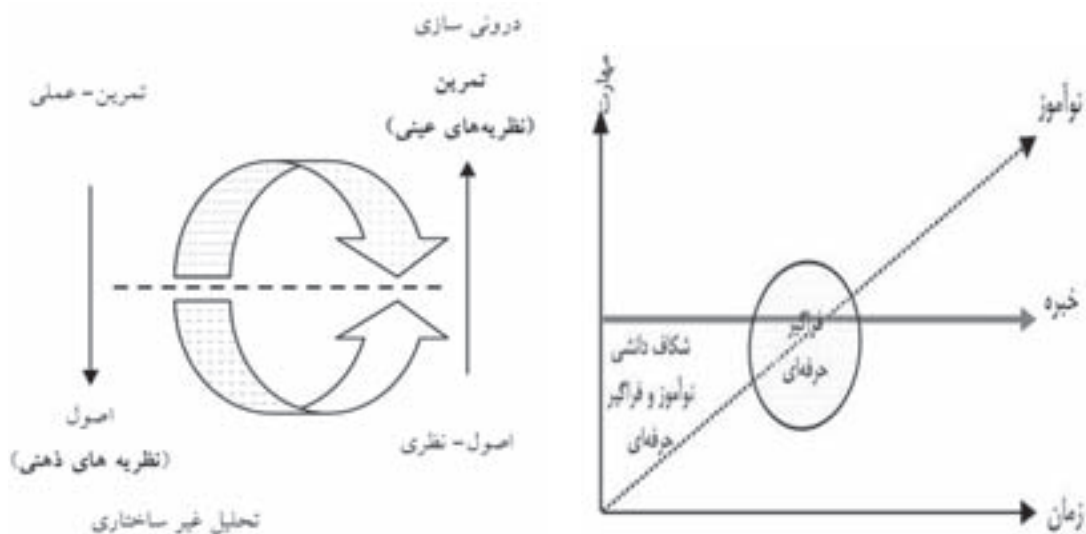
می گردند. در مقابل این تفکر، تفکر همگرا مطرح است که بر اساس مراحل منطقی پیش می رود و در واقع دارای ساختار و فرآیندی است که به صورت روش های سیستماتیک تدوین می گردد. در تفکر واگرا یا عمودی، سلسله مراتب تصمیم ها و ایده ها بر اساس فرآیند سعی و خطا به پاسخ نهایی نزدیک می شود.

۲. «تفکر آنی<sup>۶۳</sup> در مقابل تفکر واکنشی<sup>۶۴</sup>»: تفکر آنی بر احساس درونی و حکمت تکیه دارد. در این نوع تفکر، به جزئیات کمتر توجه و تصمیمات معمولاً کلی و در مقیاس کلان اتخاذ می گردند. در مقابل آن، تفکر واکنشی مطرح است که تصمیمات بر اساس رویکردهای علمی و آزمایشی و با استفاده از اطلاعات جمع آوری شده و تجزیه و تحلیل آنها اتخاذ می گردد.

۳. «تفکر غیر وابسته به زمینه<sup>۶۵</sup> در مقابل تفکر وابسته به زمینه<sup>۶۶</sup>»: در تفکر غیر وابسته به زمینه، طراح با استفاده از رویکردی غیر وابسته به شرایط موجود به بستر، فعالیت ذهنی خود را متوجه ظرفیت عظیم تری از اطلاعات نموده و به نحوی با استفاده از روحیه گشتالت، به دنبال درک جهان فیزیکی اطراف خود می گردد و به جزئیاتی همچون مکان توجه نمی نماید. در مقابل این تفکر، تفکر وابسته به زمینه وجود دارد که توجه و تاکید آن بر شرایط مکان و بستر معرفی می گردد.

۴. «تفکر یکجا<sup>۶۷</sup> در مقابل تفکر مرحله ای<sup>۶۸</sup>»: در تفکر یکجا، فعالیت ذهنی طراح به مطالب و مسائل بصورت یکجا و همزمان مشغول می گردد و تصمیم گیری او اغلب در ابعاد کلان انجام می گیرد. در مقابل آن، در تفکر مرحله ای، مراحل فکر کردن باعث می شود تا طراح بر اساس نوبت و برنامه زمانی و تکمیل فعالیتها، به تصمیم گیری نهایی دست پیدا نماید (همو، همان، ص ۳۱-۳۲).

62. Impulsive Thinking  
63. Reflective Thinking  
64. Field Dependent  
65. Field Independent  
66. Holistic Thinking  
67. Serialistic Thinking



نمودار ۱. (سمت راست) پل شکاف آموزشی بین نواآموز و حرفه‌ای؛ ماخذ: ترابی و محمودی، ۱۳۹۲، ص ۴۵. و نمودار ۲. (سمت چپ) تفسیر مدل پولانی در آموزش معماری و شهرسازی؛ ماخذ: ترابی و محمودی، ۱۳۹۲، ص ۴۳.

اقتناعی دارد. در چنین جلساتی، نحوه نزدیک شدن شاگردان به طرح بهتر می‌توانند مورد بحث و ارزیابی قرار گیرد و حرکت‌های رشد‌یابنده‌ای را برای فوران نیروها و خروج از بن‌بست‌ها به وجود آورد (ندیمی، ۱۳۸۶، صص ۱۵۴-۱۵۵).

آموزش معماری با رویکرد حکمی؛ عیسی حجت در مقاله «آموزش معماری و بی‌ارزشی ارزش‌ها» ضمن اشاره به این نکته که «ورود جهان به روزگار پست مدرن و کم‌رنگ شدن تمامی اصول و ارزش‌های پیشین، اعم از سنتی و مدرن، و سرکشی حقیرارین باورها و پندارها در برابر اصیل‌ترین آنها، آموزش معماری را در برابر معضلی فلسفی قرار داده است»؛ به طرح این سوال می‌پردازد: «در روزگار بی‌ارزشی ارزش‌ها، وظیفه مدرسه معماری چیست و آموزش کدام اصول و مبانی باید در دست‌ورکار خویش قرار دهد؟» وی وظیفه مدرسه معماری و به تبع آن آموزش معماری را اینگونه شرح می‌دهد که سه منزل برای تربیت معمار باید طی شود که در آخرین منزل؛ یعنی حکمت، آفرینشگری معماری خود را به منصف ظهور رسانده و باید لحاظ گردد. وی چنین اشاره می‌کند که: امروز وظیفه مدرسه معماری تربیت معمار است و در این رهگذر، سه منزل تزکیه و تعلیم و حکمت پیشنهاد می‌گردد: ۱. «منزل اول: تزکیه»: تزکیه پاک شدن از

الگوی آموزش هادی ندیمی؛ «هادی ندیمی» در مقاله «مدخلی بر روش‌های آموزش معماری» در کتاب «کلک دوست» در رابطه با مقوله طراحی معماری و آموزش آن می‌آورد: «طراحی، از پیچیده‌ترین فرآیندهای ذهن خلاق است. ذهن خلاق طراح در معماری، با جولان خود، از کوچک‌ترین مقیاس عناصر و جزئیات تا مفاهیم کلی را در یک لحظه سیر می‌کند. بدین جهت، پیدا کردن قالب و الگویی خاص برای این روند تفکر خلاقه طراح را می‌توان از زوایای گوناگونی نگاه کرده و دسته‌بندی‌های متفاوتی را اختیار نمود. به نظر نگارنده، سه مرحله ذیل، در روند شکل‌گیری ذهنی کار طراح قابل تشخیص است؛ با تاکید بر این نکته که همواره روابط رفت و برگشت و تاثیر متقابل بین این سه مرحله برقرار است: ساخت مفاهیم هماهنگ؛ و ساخت طرح‌های متعدد تصویری؛ و انتخاب طرح اصلی و گسترش آن. تجربه نشان داده است که: ۱. بحث گروهی که با شرکت فعال دانشجویان انجام می‌شود، آثار بسیار سازنده‌ای در شکل‌گیری تفکر مستقل و خلاقه دانشجویان باقی می‌گذارد و به دانشجویان کمک می‌کند که در مقایسه کار خویش با کار دیگران، به اشکالات کار خود وقوف یابند. و ۲. در روش بحث گروهی، تسلط و هدایت معلم، نقش اساسی در به ثمر رسیدن بحث و ارایه نتایج



اندیشه‌های نادرست و آماده شدن برای تعلیم و تربیت است. این منزل فرصتی است برای ایجاد تشنگی و کسب شایستگی برای ورود به عرصه طراحی معماری. این منزل دو هدف خواهد داشت: «هدف اول: پالایش»: آنگاه که شاگرد معماری پای به مدرسه می‌نهد، انبوهی از ناآگاهی‌ها و برداشت‌های نادرست نسبت به معماری را با خود به همراه دارد که مانع بزرگی بر سر راه آموزش او می‌باشد. «هدف دوم: پرورش»: اولین و مهمترین قدم در آموزش معماری آن است که شاگرد به توان نهفته در خویش و به رمز و راز نهفته در خلقت پی برده و از این مکاشفه به وجد آید. منزل اول آموزش معماری باید به دور از گرایش‌های سبکی و مکتبی به شناخت و شکوفایی استعدادها و ایجاد اشتیاق مکاشفه و مشاهده پردازد.

۲. «منزل دوم: تعلیم»: آنگاه که شاگرد، معماری منزل اول آموزش را پشت سرگذارد، شیفتگی، آمادگی، تشنگی و شایستگی کسب دانشها و سیر در تجارب معماری و قدم نهادن به منزل دوم را به دست آورده است. منزل دوم بر دو محور استوار است: «پیمایش»: امروز وسعت جهان معماری بسیار بیشتر از آن است که بتوان با حضور در «پای کار» و نگاه کردن به دست استاد، معمار شد. امروز نه معماری آن صناعت مشخص و متعینی است که رمز و راز آن نزد استادانی وارسته نهفته باشد و نه استادانی جامع شرایط وجود دارند که بر تمامی فنون و رموز معماری احاطه داشته باشند. یکی از ایجابات اصلی آموزش معماری پیمایش شاگرد است در پهنه زمان و مکان. «آموزش»: بدیهی است که صرف پیمایش در آرا و عقاید و تجربیات تاریخی و معاصر نمی‌تواند جوابگوی ذهن کنجکاو و جستجو شاگرد باشد.

۳. «منزل سوم: حکمت»: شاگرد معماری پس از سیر در منازل اول و دوم و کسب شایستگی‌ها و سیر در آفاق و اندیشه‌های معماری به مرحله ای از توانش و دانش می‌رسد که می‌توان او را همچون سایر

فارغ التحصیلان آموزش عالی، کارشناس خواند. این کارشناس معماری، برای معمار شدن نیازمند طی منزلی دیگر است. این منزل در دو راستای گزینش و آفرینش مطرح است: «گزینش»: گزینش یعنی اینکه شاگرد معماری، پس از دیدن و شنیدن آثار و اقوال گوناگون در عرصه معماری، نیکوترین آنان را برگزیند. این گزینش نیازمند هدایت و هم راهی استادانی حکیم و فرزانه است که بتواند ریشه‌ها و مبانی تحولات حادث در عالم هنر و معماری را برای شاگردان تشریح و آنان را از دل‌بستگی‌های زودگذر و سطحی به سبکها و شیوه‌های گذرای معماری بر حذر دارند. «آفرینش»: در این مرحله، که والاترین مرحله در آموزش معماری است، شاگرد با بهره‌گیری از استعداد فطری و توان کشف و مشاهده، و به پشتوانه تجارب، آموخته‌ها و اندوخته‌ها، با اتکاء به حکمت و معرفت، به آفرینش اثر معماری می‌پردازد.

الگوی پرورش و آموزش معماری (مهدوی نژاد): در فرآیند شکل‌گیری آثار معماری آفرینشگری و سرچشمه‌های آن از موضوعات بحث برانگیزی است که چگونگی باور ما، ترسیم‌کننده رویه عملکردی ما نسبت به آنها در شکل‌گیری فرآیند آموزش معماری خواهد بود. تعاریف معتبری از خلاقیت و آفرینشگری ارائه شده است را می‌توان بر اساس نوع رویکرد و نتایج عملی آنها در چهار گروه اصلی تقسیم کرد:

۱. «آفرینشگری با محوریت شخص خلاق»: در این رویکرد خصوصیات فردی شخص خلاق در کانون توجه قرار می‌گیرد. در این رویکرد، گرایشها، مشخصات فردی، و مختصات ذهنی مورد توجه و برنامه‌ریزی است و مریبان می‌کوشند تا با استفاده از آنها موقعیت‌های مناسب‌تری در جریان آموزش فردی ایجاد نماید.

۲. «آفرینشگری با محوریت فرآیند ذهنی»: در این رویکرد، فرآیند ذهنی شخص خلاق که منجر به آفرینشگری شده است، مورد توجه قرار می‌گیرد. معتقدان این رویه به پدیده با عنوان «کنش خلاق» معتقدند و می‌کوشند

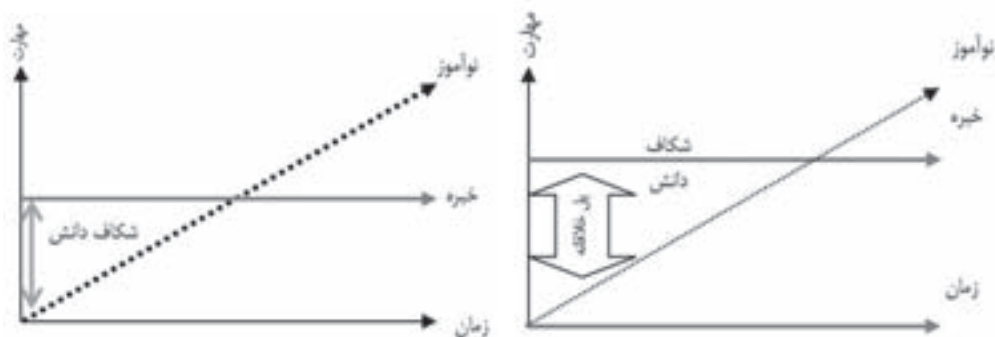
اندیشه‌های خلاق و ارتقاء آنها به آفرینشگری موثر وجود ندارد.

۴. «آفرینشگری با محوریت انجام عمل»: در این رویکرد انجام مداوم، مکرر و توأم با اصرار مسیر شکل‌گیری اثر برای دستیابی به خلاقیت مورد توجه قرار می‌گیرد. اندیشمندان این نحله معتقدند که زمانی که انسان عملی را برای چندین بار به انجام رساند، به ناگاه به روش‌هایی بهتر برای انجام آنها دست می‌یابد که در هر مرحله می‌تواند به شکل‌گیری نتیجه‌ای نوظهور بیانجامد.

با آموزش این شیوه و نهادینه‌سازی این فرآیند در ذهن دانشجویان، ایشان را برای آفرینشگری خلاقانه و ارتباط میان یادگیری، تفکر و ادراک محوریت برنامه‌های آموزشی و پرورشی مریبان و اساتید را تشکیل می‌دهد. ۳. «آفرینشگری با محوریت محیط»: در این رویکرد، محیط، شرایط و فضای شکل‌گیری اثر هنری در کانون توجه قرار می‌گیرد. علاقمندان به این نگرش معتقدند که محیط مهم‌ترین عامل شکل‌گیری اندیشه‌های خلاقانه در فرد به شمار می‌آید و بدون یک محیط مناسب امکان شکل‌گیری عملی

جدول ۱۰. سیاستها و تدابیر آموزشی؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس مهدوی نژاد، ۱۳۸۴.

رویکردهای اصلی	آفرینشگری با محوریت شخص خلاق؛ ۲. آفرینشگری با محوریت فرآیند ذهنی؛ ۳. آفرینشگری با محوریت محیط؛ ۴. آفرینشگری با محوریت انجام عمل
شیوه‌های پرورش	خودشکوفایی؛ ۲. اعتماد به خود؛ ۳. پذیرا بودن تجربه؛ ۴. آموزش مقتضی و ۵. آموزش خلاق
راهبردهای پرورش	پرورش خلاقیت درونی دانشجویان؛ ۲. آموزش فرآیندها تدابیر اندیشه خلاقانه؛ ۳. ایجاد بستر و محیط مناسب برای بروز خلاقیت؛ و ۴. تکرار هدفمند فرآیند طراحی
سیاستهای پرورش	استفاده از قدرت استدلال و منطق دانشجویان؛ ۲. تحریک توانایی‌های دانشجویان در اراده ایده‌های بدیع؛ ۳. پرورش هم‌زمان و متعامل هوش فضایی و خلاقیت



نمودار ۳ و ۴. شکافهای دانشی بین نوآموز و خبره و دستیابی به مهارت توسط نوآموز بعد از آموزش؛ ماخذ: ماخذ: ترابی و محمودی، ۱۳۹۲، ص ۴۴.

آموزش خلاق (تجربه ۱۳۸۱ عیسی حجت)؛ عیسی حجت در مقاله «آموزش خلاق- تجربه ۱۳۸۱»، در زمینه ادامه تدریس دروس پایه معماری مانند دروس ترکیب و طرح، در مقوله اهداف این دروس اشاره می‌کند که؛ ایجاد اشتیاق، ایجاد آشنایی، کشف استعداد، خودشناسی، تقویت مهارت، برانگیختن حس کنجکاوی و پرورش خلاقیت از اهداف این دروس می‌باشد. ایشان در زمینه آموزش خلاق به پنج شیوه آموزش اشاره دارند که در ادامه به تفصیل مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱. «آموزش پویا: برنامه‌ریزی در حرکت، توجه به نقش شاگرد در آموزش»: تربیت بدون شناخت دقیق و درونی شاگرد، مانند کاشتن و داشتن نهال در محیط و شرایط نامعین است؛ در حالی که لازمه بار آوردن یک نهال، شناخت دقیق ویژگی‌ها، میزان نیاز به نور و آب و سایر ضروریات و دانستن فرآیند رشد و نگهداری آن است، نمی‌توان شاگرد معماری را بی‌شناخت دقیق و بدون توجه به واکنش‌هایش نسبت به داده‌ها و خواسته‌ها، تحت یک برنامه منتظم و از پیش تعیین شده بار آورد. در آموزش پویا، هر قدم، هر تمرین و هر برنامه باید با در نظر داشتن محصول برنامه پیشین و اهداف برنامه آینده طراحی و اجرا گردد. با این رویکرد نقش شاگرد به عنوان محصول و متغیر اصلی در روند آموزش مشخص، و برنامه آموزشی با حفظ اهداف اصلی، به عنوان تابعی از این متغیر، طراحی و اجرا می‌گردد.

۲. «آموزش پیش‌رو: آموزش بی‌قرار، آموزش فرضیه‌ساز»: عموماً شیوه‌های آموزش بر مبنای فرضیه‌های آموزشی شکل می‌گیرند. این فرضیه‌ها حاصل تلاش پژوهشگرانی است که به مطالعه روش‌ها پرداخته و از تحلیل شیوه‌های آموزش و پی‌آمدها و دستاوردهای آنها به راهکارهایی دست می‌یابند. آموزش خلاق در عین توجه به این فرضیه‌ها، نمی‌تواند از آنها پیروی کند؛ چرا که: اولاً: فرضیه‌ها عمدتاً بر تجارب آموزشی تا لحظه تدوین فرضیه متکی هستند و به محض انعقاد، طراوت و مرجعیت خود را

از دست می‌دهند و دیگر حامل تجربه‌های نو نخواهند بود. ثانیاً: اگر آموزش را امری پویا و محصول درک متقابل استاد و شاگرد از یکدیگر بدانیم، آنگاه در ره لحظه از آموزش و در رابطه هر استاد و هر شاگرد، و در بیان هر موضوع و هر مطلب شکلی از آموزش پدید می‌آید که تاکنون چنان نبوده و پس از آن هرگز چنان نخواهد شد.

۳. «آموزش هوشیار: آموزش فرصت ساز، آموزش فرصت طلب»: در آموزش خلاق کار اصلی استاد آماده سازی و اعطای دانش‌ها به شاگرد نیست، بلکه وظیفه او زمینه‌سازی کسب و درک دانش‌ها و حکمت‌ها توسط خود شاگرد است. آنچه شاگرد خود به دست می‌آورد، بسیار عمیق‌تر و ماندنی‌تر از آن چیزی است که به او داده می‌شود. در آموزش خلاق باید برنامه‌ها به گونه‌ای طراحی شوند که شاگرد را وادار به تجربه و کشف پی در پی نکات تازه در عرصه‌های گوناگون نمایند. برنامه آموزشی می‌تواند با طرح و تشریح سوال و سیر در مجهولات آغاز شده و به تناسب توان مکاشفه و قدرت ذهنی و خلاقیت شاگردان راه را برای رسیدن به معلومات همراز کند.

۴. «آموزش بالینی: آموزش حضوری، تربیت»: از آنجا که آموزش خلاق با استعداد شاگرد و نه حافظه او، سروکار دارد، و با عنایت به اینکه استعداد و توانمندی همه شاگردان یکسان و به یک اندازه نیست؛ آموزش خلاق را نمی‌توان صرفاً به صورت عام (سخنرانی و موعظه) به انجام رسانند بلکه باید ویژگی‌های درونی یکایک شاگردان شناسایی شده و هر یک، بر اساس طبع و توانش، به گونه‌ای مورد آموزش و پرورش قرار گیرد. در آموزش خلاق هر صورت مساله‌ای می‌تواند به تعداد شاگردان جواب متفاوت داشته باشد؛ آموزش باید هر کس را در یافتن جواب خودش همراهی و هدایت کند و این مستلزم آموزشی بالینی و حضوری است که به هر شاگرد به چشم پدیده‌ای متفاوت بنگرد و برای تربیت او، راه و رسمی خاص طلب کند.

۵. «آموزش مفهومی: پرهیز از مصادیق، در پی حقیقت»: اگر معماری را دارای دو گستره مفاهیم و مصادیق بدانیم، آنگاه دروس پایه را در گستره مفاهیم خواهیم یافت. این نکته به ویژه در شرایط امروز که هنگامه تکاثر آراء و اندیشه‌هاست و هیچ قرائت یکه، معتبر و پسندیده‌ای از معماری در میان نیست، اهمیت فراوان می‌یابد. دروس پایه، عرصه پرواز اندیشه‌ها است و باید از قفس مصادیق رها باشد. آموزش مصادیق به آموزش گونه‌ای خاص از معماری که مدنظر استاد است، منجر می‌گردد؛ در حالیکه آموزش مفاهیم به تربیت معمار می‌انجامد (حجت، ۱۳۸۳، ص ۲۹-۳۰).

#### مدل‌های آموزش پژوهش محور در معماری

هر چند تا حدود زیادی بین مدل‌های ارائه شده همپوشانی وجود دارد، اما جهت تجزیه و تحلیل شیوه‌های مختلف باید هر یک از شیوه‌ها را به طور مجزا بررسی کرد. مدل‌هایی که در آنها فرآیند

طراحی و فرآیند آفرینشگری با تأثیر متقابل از هم دیده می‌شوند، در یک نگاه کلی شامل موارد زیر می‌گردد:

۱. «مدل‌های ایده-آزمون و تجزیه-ترکیب»: شیوه‌هایی که در آنها مراحل ایده آزمون و اصلاح دیده می‌شود؛ مشتمل بر نظریات اندیشمندان زیر: (Zube, 1980; Akin, 1981; Ledewitz, 1985; Oxman, 1986; Dutton, 1987; Gelemter, 1988; Schön, 1988; Lyle, 1999)
۲. «مدل تجربی»: تجارب و اطلاعاتی که به خلق اصول کلی طرح کمک می‌کند و متعاقباً در ارزیابی و موفقیت‌های طراحی و کاربست پیشنهادات استفاده می‌شود؛ مشتمل بر: (Akin, 1981)
۳. «مدل فعالیت منطقی مرکب»: یک چارچوب منطقی برای طراحی که مطابق با معیارهای مطالعات تحقیقی و پژوهشی می‌باشد؛ مشتمل بر: (Lawson, 1980; Ledewitz, 1985)
۴. «مدل تداعی‌گرا»: درک ناخودآگاه مسائل طراحی؛ مشتمل بر: (Schön, 1963; Lawson, 1985; Ledewitz, 1985)

جدول ۱۱. مدل‌های پیشنهادی در فرآیند طراحی؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته‌های تحقیق.

مدل‌های پیشنهادی در فرآیند طراحی	نام صاحب‌نظر	نوع فرآیند
مدل ایده و آزمون	Zube, Akin, Ledewitz, Oxman, Dutton, Gelemter, Schon, Lyle	طرح گرا
مدل تجزیه و ترکیب	Zube, Akin, Ledewitz, Oxman, Dutton, Gelemter, Schon, Lyle	برنامه گرا
مدل تجربی	Akin	طرح گرا
مدل منطقی	Lawson, Ledewitz	برنامه گرا
مدل تداعی گرا	Schon, Lawson, Ledewitz	طرح گرا

دریافت و ادراک دانش معرفی می‌کند. این مدل توسط (Zube (1980)• Ledewiz (1985)• Dutton (1987)) و همچنین «انستیتو رویال انگلستان» (RIBA) بکار گرفته می‌شود.

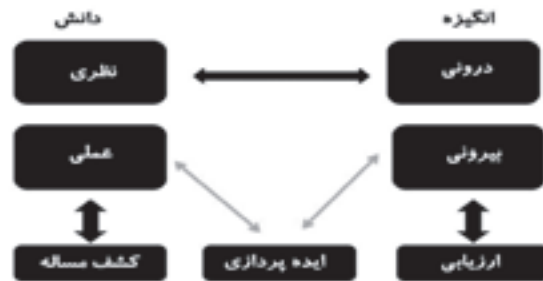
### مدل تجربی

این مدل، مجموعه‌ای از اطلاعات کاربردی را در طراحی مشارکت می‌دهند. این نظریه بوسیله «اکین»<sup>۶۸</sup> ارائه شده و شامل تجربی می‌گردد که توسط طراح در موقعیتهای مختلف طراحی اتخاذ می‌گردد. در این مدل، اطاعات از طریق آزمون و خطا حاصل می‌گردد و در فرآیند طراحی بکار برده می‌شود و شامل یک فرآیند بازگشتی مبتنی بر منطق می‌شود که دامنه گسترده‌ای از تکنیکهای تحقیقاتی در آن مشارکت دارند. این دامنه حاصل پژوهشهای غیر مستقیم یا متکی بر درک طراح و یا پژوهشهای مستقیم شامل مطالعات انجام پذیرفته در سابق و پروژه‌های کاربردی می‌شود. قبل از طراحی، تجارب، اصولی را معین می‌کنند که شاخصهایی برای تولید ایده خواهد بود و بعد از طراحی، ساختمان اطلاعاتی را فراهم می‌کنند که بوسیله آن می‌توان در اصول اولیه بازنگری کرد.

### مدل فعالیت منطقی مرکب

چهارمین مدل را «لدویتز»<sup>۶۹</sup> (۱۹۸۵) ارائه می‌نماید. این مدل فرآیند طراحی را به عنوان نمایش مسائل طراحی از طریق ارزیابی اجزاء به هم پیوسته و مرکب می‌داند و شامل تفکر گشتالت می‌گردد که پیشنهاد می‌کند افراد باید مسائل طراحی را به یک سری از روابط گذاری‌های مجدد مسائل طراحی را جذاب و عملکردی کند.

«رانکو و چاند» (۱۹۹۵) نیز ابراز داشته اند که فکری خلاق است که به اندیشه، راه‌حل و بینش ابتکاری منجر شود. این امر مستلزم وجود مولفه‌ها و فرآیندهای تعاملی است که در نمودار مشاهده می‌شود.



نمودار ۵. دو ردیفی تفکر خلاق رانکو و چاند (۱۹۹۵) و مبانی آموزشی؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس رانکو و چاند (۱۹۹۵).

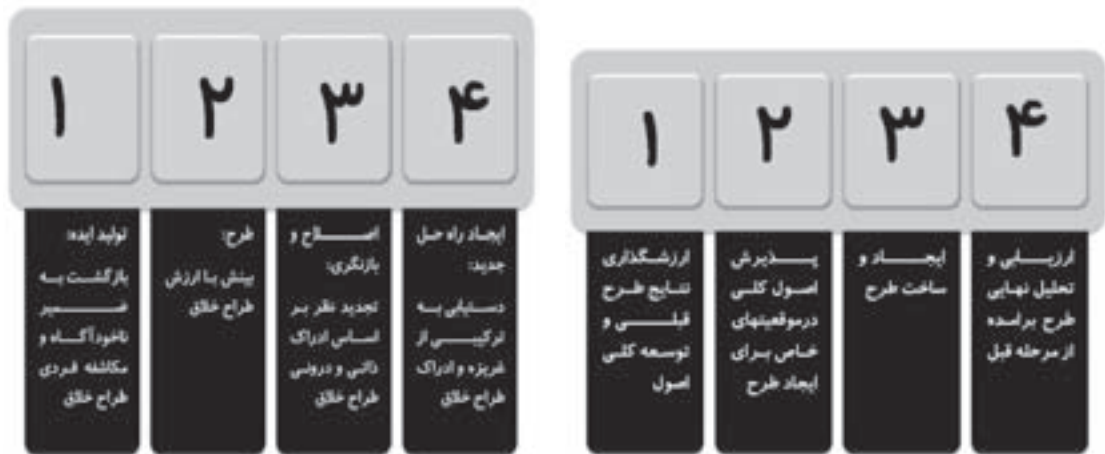
### مدل ایده و آزمون

«دونالد شان» تحقیقات گسترده‌ای در زمینه ایجاد دستورالعملهایی برای ایده‌های طراحی انجام داده است. فرضیه وی این است که خلق یک ایده طراحی جدید شامل ایده‌های سابق برای حل مساله جدید می‌باشد و ایده جدید با ارزیابی موقعیتهای مختلف تغییر می‌نماید. او یک الگو جهت طراحی معرفی می‌نماید که بوسیله این الگو افراد در فرآیندهای طراحی به دنبال نمونه‌هایی می‌گردند که در ترکیبات گذشته در طراحی استفاده شده است و این ایده‌ها را مطابق با معیارهای موجود آزمایش می‌نمایند (Schön, 1988)

### مدل تجزیه و ترکیب

این مدل یکی از الگوهای سنتی در معماری منظر است که حاصل تلاش افرادی همچون «مک هارگ» (۱۹۶۹)، «مارچ» (۱۹۹۷)، «لیل» (۱۹۹۹)، «استینر» (۲۰۰۰)، «لاگرو» (۲۰۰۱) می‌باشد. در این مدل، پروژه را به عنوان وسیله‌ای برای مشارکت‌های اطلاعاتی نشان می‌دهد (Oxman, 1986) و در آن طراحی به عنوان «شیوه آموزشی» مطرح می‌گردد که دارای قواعد استاندارد است و دانش، یادگیری دانش و





نمودار ۶. (سمت راست) مراحل تحقیق و فرآیند آن در مدل منطقی - ترکیبی؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس آکین، ۱۹۸۱. و نمودار ۷. (سمت چپ) رابطه تحقیق و فرآیند طراحی در مدل تداعی گرایبی؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس یافته‌های تحقیق.

### نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

عناصر اساسی در برنامه‌ریزی درسی هر رشته‌ای [منجمله معماری]، ساختار، محتوا و روش‌شناسی در حوزه مقولات «شناختی معطوف به برنامه‌ریزی آموزشی» است، چنان‌که در ساختار رشته، مهم مجموعه اطلاعات و حقایق نیست، بلکه «راه دقیق تفکر درباره اطلاعات» و منجمله شیوه‌ها و مدل‌های آموزشی است. بسیاری از افراد، اطلاعات زیادی از رشته دارند، اما راه تفکر درباره آن را نمی‌دانند و در واقع مدل آموزشی مشخصی را پیگیری نمی‌کنند. لذا باید گفت که در محتوای رشته‌ها و منجمله معماری، سه مساله مطرح است: اول اینکه یک دوره یا واحد درسی، چه موضوعاتی را باید در برگیرد؟ دوم اینکه در چه سطحی از پیشرفت و پیچیدگی باشد و سوم اینکه این محتوا چگونه و از چه روشهایی به دانشجویان منتقل گردد. از طرف دیگر، امروزه پژوهش با آموزش التزاج و امتزاج فراگیری پیدا کرده است که در ادبیات آموزشی روزجهان خود را به روشهای گوناگونی متبلور ساخته است. لذا نظام آموزشی معماری و شهرسازی در تقابل دو مفهوم با ملاحظات زیر شکل می‌گیرد:

۱. آموزش: در پایان با نگاهی به مقوله آموزش در ایران می‌گفت که؛ الف- در سیستم‌های آموزش مدرن، آموزش معماری و شهرسازی جایگاهی غیرقابل انکار دارد. در سراسر دنیا در سطوح پایه، افراد در رشته‌های غیر مرتبط با هنر به طور عادی هفته‌ای سه ساعت آموزش هنر دارند. علاوه بر این افراد علاقه‌مند آموزش‌های دیگری نیز دریافت می‌کنند. ب- امروز، آموزش هنر، دیگر تنها

«آموزش مبانی هنری» نیست. کارشناسان آموزش از این مسیر مهارت‌های مختلفی را که در زندگی انسان موثر است، به بچه‌ها آموزش می‌دهند، اما در ایران تنها تعداد اندکی مدرسه به آموزش هنر توجه می‌کنند. در مدارس معمولی، هنر کم رنگ‌ترین ماده درسی است؛ به ویژه در دبیرستان که به دلیل فشار درس، هنر به راحتی قلم گرفته می‌شود. ج- نقدهای بسیاری به نظام آموزشی در ایران وارد است؛ که از آنجمله می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: ۱. «عدم وجود دموکراسی» در ابتدایی‌ترین لایه‌های آموزش، ۲. «برجسته نمودن نقاط ضعف افراد»؛ و ۳. «از بین بردن تمایزات و فرآیند یکسان سازی»؛ و ۴. «از بین بردن خلاقیت و روحیه آفرینشگری»؛ و ۵. «تربیت افراد با تکیه بر ایجاد رقابت بین آنها»، از جمله مهم ترین این نقد هاست. لذا می‌توان گفت که «آموزش هنر در ایران» با «حاکمیت آموزگار» همراه است و هنوز خصلت‌های مکتب خانه را در خود حمل می‌کند. مراکز آموزشی، گذشته از اهمیت انتخاب دانشجویان مستعد جهت ورود به رشته معماری، می‌باید به عوامل متعدد دیگری که می‌توانند در شکوفایی استعدادهای دانشجویان تاثیر گذار باشند، توجه نمود؛ این عوامل عبارتند از: «نظام آموزشی»، «محیط آموزشی» و «شیوه‌های آموزشی».

۲. پژوهش: در رابطه با مدل‌های آموزش پژوهش محور معماری نکاتی مطرح است: مدل‌های تجزیه و ترکیب و فعالیت منطقی مرکب که در آنها تمایل به برنامه‌ریزی وجود دارد و مولفه‌هایی مانند تجزیه و تحلیل‌های اجتماعی و فیزیکی از طرح غالب می‌باشد، در این گروه

قرار می‌گیرند. مدل‌های ایده و آزمون مدل تداعی گرا، غالباً متمایل به طرح هستند و در آنها فرم ایجاد شده غالب گردیده است؛ بنابراین معیارهای زیبایی در آنها بیشتر دخالت دارد و جزء مدل‌هایی زیبایی محور به حساب می‌آید. «لدویتز» (۱۹۸۵) بیان می‌کند که طراحی یک مکالمه بین ایده‌های پیشین و واقعیت موجود است. الگوهای مختلف طراحی می‌تواند الهام بخش طرح «لیل»<sup>۷۰</sup>، فرآیندی بازگشتی را برای تولید ایده، آزمون و ارزیابی با عنوان چرخه «پیشنهاد و اصلاح» پیشنهاد می‌نماید، باشد. همانگونه که در شکل زیر نشان داده شده، مدل ایده و آزمون می‌تواند به عنوان «تئوری آفرینشگری ایده» دسته‌ای از راه‌حلهای شخصی برای مسائل طراحی استفاده نماید. یک یا چند ایده ممکن است بر اساس فرآیندهای ادراکی ظاهر شود و سپس بر اساس معیارهای موجود ایده مجدداً تعریف گردد؛ همانگونه که به صورت گرافیکی نشان داده شده فرآیند طراحی از وارد نمودن ایده‌ها بر مسائل طراحی و اصلاح نمودن آنها و انتخاب بهترین پاسخ حاصل می‌شود. در روش ایده و آزمون طراح می‌تواند داده‌های مشخص خود را از طریق مشاهده ایده‌های مختلف افزایش دهد و سپس آن را توسعه دهد، چرا که این توسعه بر اساس معیارهای موجود قابل اصلاح می‌باشد. بر این اساس و بر راستای آنچه گفته شد، موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱. دانشجویان دارای استعدادها بالقوه‌ای هستند که این استعدادها باید توسط خود و یا راهنمایان آموزشی آنها شناخته شده و از آنها بهره برداری صحیح بعمل آید. بدیهی است که برای تحقق بخشیدن به این امر، لازم است تا دانشجویان با روش‌ها و تکنیک‌های متنوع طراحی آشنا شده و اساتید طراحی نیز نباید با یک روش آموزشی ثابت و بصورت یکنواخت با تمامی دانشجویان، صرف نظر از استعدادهای گوناگون آنها، به تدریسی بپردازند.

۲. برای بهره‌گیری از تفکر خلاقانه، علاوه بر قدرت خلاقیت فرد، آموزش خلاقانه و تشویق افراد به انجام تمرین‌هایی که استعدادهای آنها را بارور می‌سازد، نیز ضروری می‌باشد. از آنجا که فرآیند طراحی از مراحل و عناصر متعددی شکل می‌گیرد، روش طراحی از مراحل و عناصر متعددی شکل می‌گیرد، روش طی کردن این فرآیند نیز باید پویا و تعاملی باشد تا به کلیه مراحل و عناصر طراحی بصورت همزمان پرداخته شود.

۳. برای بهره‌گیری از الگوی تفکر تعاملی، می‌باید از روش‌شناسی آموزشی تعاملی نیز بهره گرفت. این روش‌شناسی به آن معنی است که اساتید نباید مسیر آموزشی را محدود به روش‌های از پیش تعیین شده قرار دهند و می‌باید برای ایده‌های بدیع و روش‌های متنوع که حتی شاید با سلیقه آنها نیز هماهنگ نباشد، ارزش قائل شوند. امروزه همچنان در بسیاری از کارگاه‌های طراحی، هفته‌های اول ترم تنها صرف پرداختن به تمرین‌هایی بر حول یکی از دو محور: «۱. مطالعات (روش منطقی)»؛ و «۲. اسکیس (روش خلاقانه)» می‌گردد که این روش امکان بهره‌گیری از فرآیند تعاملی در طراحی را کاهش می‌دهد و مناسب است تا اساتید تعامل بین روش‌های منطقی و خلاقانه در طراحی را تشویق نمایند.

آنچه در این مقاله پژوهشی و با رجوع به روش‌های آموزشی معماری مورد اشاره قرار گرفت؛ نشان داد که نمی‌توان بدون شناخت و واکاوی مساله مورد طراحی از یک طرف و از طرف دیگر، شناخت طبیعت به معنای کاربردی آن در فرآیند طراحی معماری در مقولات فرم، عملکرد، مواد و مصالح و تکنولوژی، امکان طراحی پژوهش محور را ممکن کرد. در پایان در مقایسه بین الگوهای آموزشی پژوهش محور در معماری که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، می‌توان به تحلیل‌های زیر اشاره کرد:

۱. در حوزه‌های انگیزه در فرآیند طراحی بر اساس الگوی دوردینی تفکر خلاق رانکو و چاند (۱۹۹۵)، می‌توان گفت که در مدل ایده آزمون و مدل تجربی و مدل تداعی گرا، انگیزه‌ها بیشتر درونی و طراح محور و در مدل‌های تجزیه و ترکیب و مدل منطقی، انگیزه‌ها بیشتر بیرونی به‌شمار می‌روند.

۲. مدل‌های آنالیز و ترکیب (تجزیه و ترکیب) و فعالیت منطقی مرکب از تهیه مدل‌ها متمایز می‌باشد و این به دلیل تمرکز آنها روی سایت برای تولید ایده‌های مدل تجربی، استفاده آگاهانه از تجارب برای تولید ایده‌های شخصی می‌باشد و کاملاً منحصر به فرد است.

۳. در حوزه دانش کاربردی در فرآیند طراحی بر اساس الگوی دوردینی تفکر خلاق رانکو و چاند (۱۹۹۵)، نیز باید گفت که حوزه دانشی در مدل‌های ایده آزمون و تجربی و تداعی گرا بیشتر نظری و در مدل‌های تجزیه و ترکیب و منطقی بیشتر عملی به نظر می‌رسد؛ هر چند که نمی‌توان این دو محدوده دانشی را از هم متمایز کرد و یا اشاره به این امر به معنای عدم

گرا بودن» و «برنامه گرا بودن» قابل تمایز است؛ بطوریکه مدل ایده آزمون مدلی طرح گرا، مدل تجزیه و ترکیب مدلی برنامه گرا، مدل تجربی مدلی طرح گرا و مدل منطقی مدلی برنامه گرا فرض شده است. در باب فرایند طراحی نیز می توان گفت که مدل های ایده آزمون و تجربی، نیمه فردی و تا حدودی مبتنی بر تحلیلهای شناختی و پیمایشی مساله و مدل های تجزیه و ترکیب و منطقی بیشتر مبتنی بر تحلیلهای شناختی خواهند بود. مدل تداعی گرانیز صرفا فردی و بر اساس الهامات هنری ذهن طراحی و معماری شکل می گیرد.

کاربست حوزه دانشی دیگر نیست. ۴. فرآیند تفکری نیز در مدل های ایده آزمون و تجربی بیشتر مبتنی بر «سیلان ایده ها، انعطاف پذیری، ابتکار و بهسازی ایده ها» و در مدل های تجزیه و ترکیب و منطقی بیشتر مبتنی بر «انطباق پذیری واقعی و کاربردی، برنامه محوری طراحی، بازسازی برنامه مقدم بر طرح، و سازگاری ایده ها با طرح و عناصر ماهوی برنامه» خواهد بود. فرآیند تفکری مدل تداعی گرا نیز به صورت مجزا بیشتر حول الهامات هنری طراح و آنهم طراح محور فرض می شود. ۵. ماهیت تمامی مدل های فوق الذکر بر دو دسته «طرح

جدول ۱۲. بررسی های گسترده مدلها در رابطه با شیوه های مساله گشایی؛ ماخذ: نگارندگان.

مدل	منبع ایده پردازی	فاز قبل از طراحی	ارزش گذاری بعد از سنجش سایت	شیوه حل مساله
ایده- آزمون	ایده های خلاق فردی	ندارد	ندارد	کل گرایی و گشتالتی
تجربی	تجربه فردی	دارد	دارد	کل گرایی و گشتالتی
آنالیز و ترکیب	سایت طرح	دارد	دارد	گسسته
منطقی مرکب	سایت	دارد	دارد	تعاملی
تداعی گرایی	ناخودآگاه و قوه خلاقه	ندارد	ندارد	کل گرایی و گشتالتی



نمودار ۸. مرحله تعامل بین آموزش، طراحی و پژوهش؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

پیشنهادات و راهبردهای آموزشی بر اساس مطالعات و بررسی الگوها و روشهای آموزش معماری و با تعمیم دهی آنها به حوزه آموزش معماری، برخی از رویکردهای پیشنهادی آموزش عبارتند از: «محیط طراحی و آموزش آفرینشگری در معماری»؛ «فرآیند طراحی و آموزش آفرینشگری در معماری»؛ «فرآیند ذهنی و آفرینشگری در معماری»؛ «ویژگیهای فردی و آفرینشگری در معماری».

بر اساس مطالعات و بررسی الگوها و روشهای آموزش معماری و با تعمیم دهی آنها به حوزه آموزش معماری، برخی از رویکردهای پیشنهادی آموزش عبارتند از: «آموزش مبتنی بر خلاقیت»؛ «آموزش پویایی»؛ «آموزش مبتنی بر اقتضایات»؛ «آموزش مبتنی بر تجربه پذیری»؛ «آموزش مبتنی بر خودشکوفایی»؛ «آموزش مبتنی بر خوداعتمادی»؛ «آموزش مبتنی بر فرصت سازی»؛ و «آموزش مبتنی بر تجربه بالینی».

## منابع و ماخذ

۱. آنتونیادس، آنتونی (۱۳۸۱) بوطیقای معماری (آفرینش در معماری) تئوری طراحی: راهبردهای نامحسوس به سوی خلاقیت معماری، ترجمه احمدرضا آی، تهران: انتشارات سروش.
۲. جنکز، چارلز (۱۳۸۳) طبیعت در گفتگو با طبیعت، ترجمه آبتین گلکار، معمار، شماره ۲۷.
۳. حمزه نژاد، مهدی (۱۳۸۵) انسان، طبیعت و معماری، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۴. ژراردن، لوسین (۱۳۶۰) بیونیک: تکنولوژی از جانداران الهام می‌گیرد، ترجمه محمود بهزاد و پرویز قوامی، تهران: سروش.
۵. فخر طباطبایی، سید محمد (۱۳۷۵) برخورد سیستمی با طبیعت زنده، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۶. فرشاد، مهدی (۱۳۶۸) عرفان ایرانی و جهان بینی سیستمی، تهران: انتشارات بنیاد نیشابور.
۷. کالینز، پیتر (۱۳۷۵) دگرگونی آرمانها در معماری مدرن، ترجمه حسن حسن پور، تهران: نشر قطره.
۸. محمودی نژاد، هادی (۱۳۹۳) تبیین مدل‌های آموزش خلاقیت در معماری زیست مینا، رساله دکتری معماری، هنرهای زیبا، شماره ۲۹، بهار ۱۳۸۶.
۹. محمودی نژاد، هادی (۱۳۸۸) معماری زیست مینا، تهران: انتشارات طحان با همکاری انتشارات هله.
۱۰. ابن اخوه (۱۳۶۷) آئین شهرداری در قرن هفتم هجری، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. بنجامین س. ج. و (۱۳۶۳) ایران و ایرانیان (عصر ناصر الدین شاه)، ترجمه حسین کرد بیچه، تهران: انتشارات جاویدان.
۱۲. بنه ولو، لئوناردو (۱۳۷۷) تاریخ معماری مدرن، جنبش مدرن تا پایان جنگ جهانی دوم، ترجمه حسن نیر احمدی، تهران: نشر مهندسی مشاور نیرسان.
۱۳. بنه ولو، لئوناردو (۱۳۸۶) تاریخ معماری مدرن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. بی هنری، چارلز (۱۳۷۵)، عصر سنت گریزی (مدیریت و سازمان در قرن بیست و یکم)، مترجم: عباس مخبر، انتشارات طرح نو، چاپ دوم
۱۵. بیانیه جهانی آموزش عالی برای قرن آینده (۱۳۷۸)، مترجم: حمید جاودانی، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
۱۶. ترابی، علی (۱۳۸۳) آموزش در مدیریت شهری: اولویت‌ها و موانع، شهرداریها، سال پنجم، شماره ۶۰.
۱۷. ترابی، زهزه و سید غلامرضا اسلامی (۱۳۹۲) آموزش خلاق، هویت شهر، شماره ۱۴.
۱۸. حجت مهدی و ندیمی، حمید (۱۳۶۶) روزنه‌ای به باغ بهشت، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی هنر.
۱۹. حجت، عیسی (۱۳۸۰)، سنت و بدعت در آموزش معماری، رساله برای دریافت درجه دکتری، دانشگاه تهران
۲۰. حجت، عیسی (۱۳۸۱) حرفی از جنس زمان: نگاهی نو به شیوه‌های آموزش معماری ایران، هنرهای زیبا، شماره ۱۲.
۲۱. حجت، عیسی (۱۳۸۲) آموزش معماری و بی ارزشی ارزشها، هنرهای زیبا، شماره ۱۴.
۲۲. حجت، عیسی (۱۳۸۳) آموزش خلاق - تجربه ۱۳۸۱، هنرهای زیبا، شماره ۱۸.
۲۳. حسینی، افضل السادات (۱۳۷۸) ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۴. حسینی، افضل السادات (۱۳۸۵) الگوی رشد خلاقیت و کارایی آن در ایجاد مهارت تدریس خلاق در معلمان ابتدایی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۵، سال پنجم.
۲۵. حقیقی و دیگران (۱۳۸۲) مقایسه ترکیب‌های نه گانه هوش و خلاقیت از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی در دانش آموزان سال اول دبیرستانهای اهواز، مجله علوم تربیتی و روانشناسی.
۲۶. حمزه نژاد، مهدی (۱۳۸۵) انسان، طبیعت و معماری، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۷. دوست محمد گواشانی (۱۳۷۸) دیباچه مرقع بهرام میرزا منقول در بنیون ویلکینوسون، سیر تاریخ نقاشی ایرانی، ترجمه محمد ایرانمنش، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۸. سلطان زاده، حسین (۱۳۷۹) آموزش معماران،

- تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۹. سلطان زاده، حسین (۱۳۸۳) آموزش معماری، روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۳/۴/۲۲.
۳۰. سلطان زاده، حسین (۱۳۸۳) نگرشی بر آموزش معماری در ایران معماری عمومی ترین پدیده ارتباط با جامعه، روزنامه توسعه، ۱۳۷۷/۱۰/۲۷.
۳۱. شریف شهیدی، محمد و دیگران (۱۳۸۷) نقش پژوهش در فرآیند آموزش طراحی معماری، نشریه هویت شهری، سال دوم، شماره ۲.
۳۲. عارفی، محبوبه (۱۳۸۴)، برنامه ریزی راهبردی در آموزش عالی، انتشارات جهاد دانشگاهی، واحد دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، تهران
۳۳. غمامی، مجید (۱۳۷۵) از رویا تا واقعیت، آبادی، سال ششم، شماره بیست و یکم.
۳۴. فلور، ویلم (۱۳۶۵) جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس.
۳۵. کوشا، محمد مهدی (۱۳۸۸) دانستنی‌های فرهنگ: انقلاب فرهنگی، تهران: دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، معاونت اجتماعی وزارت علوم.
۳۶. لنگ، جان (۱۳۸۱)، آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه علی رضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۳۷. محمودی، امیر سعید (۱۳۷۸) آموزش روند طراحی معماری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴ و ۵.
۳۸. محمودی، امیر سعید (۱۳۸۱) چالش‌های آموزش طراحی معماری در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۲.
۳۹. محمودی، امیر سعید (۱۳۸۲)، مروری بر مقوله تحقیق و روش‌های های متداول آن در معماری، مجله آبادی، شماره ۴.
۴۰. محمودی، امیر سعید (۱۳۸۴) تفکر در طراحی؛ معرفی الگوی تفکر تعاملی در آموزش طراحی، هنرهای زیبا، شماره ۲۰.
۴۱. محمودی، امیر سعید (۱۳۸۴)، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش معماری (بررسی چالش‌ها، جستجوی راه کارها، انتشارات نگاه امروز، چاپ اول، تهران
۴۲. مرجوعی، علی (۱۳۸۳) پرسش از معماری: شیوه پژوهش در معماری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۹.
۴۳. مزینی، منوچهر (۱۳۷۹) هنر، معماری و شهرسازی، شهرداریها، سال دوم، شماره ۲۰.
۴۴. مک هارگ، یان (۱۳۸۶) طراحی با طبیعت، ترجمه عبدالحسین وهاب زاده، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد مشهد.
۴۵. منصوریان، علی رضا (۱۳۸۵) مهندسی خلاقیت بیونیک، فصلنامه علوم خلاقیت شناسی و حل مسئله ابداعی، تهران.
۴۶. مهدوی نژاد، محمد جواد (۱۳۸۴) آفرینشگری و روند آموزش خلاقانه در طراحی معماری، هنرهای زیبا، شماره ۲۱.
۴۷. ندیمی، حمید (۱۳۷۸) جستاری در فرآیند طراحی، نشریه صفا، شماره ۲۹.
۴۸. ندیمی، هادی (۱۳۷۰) مدخلی بر روشهای آموزش معماری، صفا، سال اول، شماره ۲.
۴۹. ندیمی، هادی (۱۳۷۵) آیین جوانمردان و طریقت معماران، صفا، سال ششم، شماره‌های ۲۱ و ۲۲.
۵۰. ندیمی، هادی (۱۳۸۰) بهاء حقیقت: مدخلی بر زیبایی شناسی در معماری اسلامی، صفا، سال یازدهم، شماره ۲۴.
۵۱. ندیمی، هادی (۱۳۸۵) امید رهایی نیست، وقتی همه دیواریم، هفته نامه نقش نو، شماره ۱۸ و ۱۹.
۵۲. نمازیان، علی (۱۳۷۶) نگاهی به تاریخ آموزش معماری در آمریکای شمالی، نشریه علمی پژوهشی معماری و شهرسازی صفا، ش ۲۵، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۵۳. نمازیان، علی (۱۳۸۴)، بررسی روند نظام آموزش معماری در رشته‌های وابسته در ایالات متحده و کانادا، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش معماری، ۱۳۸۴، نشر نگاه امروز
۵۴. نوحی، حمید (۱۳۷۹) تاملات در هنر و معماری، تهران: انتشارات گام نو.
۵۵. نوربرگ شولتز، کریستان (۱۳۸۱)، معماری؛ حضور، زبان و مکان، مترجم: علی رضا سید احمدیان، انتشارات موسسه معمار - نشر، تهران
۵۶. نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۱) ریشه‌های معماری مدرن (۷)، ترجمه محمد رضا جودت، فصلنامه معماری ایران، دوره سوم، شماره ۹.



۵۷. نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۲) گزینه ای از معماری: معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، تهران: نشر جان جهان.

۵۸. Collins et Al (2004) Design and Nature II, WIT press.
۵۹. Technology? Educational Technology; vol. 31, No. 5.
۶۰. Forty, Adrian (2000) Words and Buildings: A Vocabulary of Modern Architecture, Thames and Hudson, London.
۶۱. Geoffroy, Thomas (1999), Recent Development in higher and continuing education in the united kingdom : Toward learning age, The journal university continuing education association, vol 63
۶۲. Hershberger, Robert (1999) Architectural Programming and Predesign Manager, New York: McGraw Hill.
۶۳. King, Kiras; Frick, Theodore (April 1999); Transforming Education Case studies in System Thinking. Paper presented At Annual meeting of the American Educational Research Association, Montreal, Canada
۶۴. Koestler, Arthur (1964) the Act of Creation, New York: Macmillan.
۶۵. Mansoorian Alireza. TRIZ and Bionical Engineering as tools for Creative Problem Solving. 4th TRIZ Congress Europe. 2005.
۶۶. Parshal and Sutherland (1988) Officing: Bringing Amenity and Intelligence to Knowledge Work, Tokyo: LibroPort Co., Ltd.
۶۷. Schor, Juliet, and Betsy Taylor (2003) Sustainable Planet: Solutions for the Twenty-First Century. Boston, Mass.: Beacon.
۶۸. Vincent, J. F. V,(2000). Deployable Structures in Nature Center for Biomimetics, The University of Reading, U.K.
۶۹. Watson, Susan (2003) Living Sustainably. San Francisco, Calif.: Smart Apple.



فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶  
No.49 Winter 2018

## شهرسازی نوین و مدیریت فضاهای بی دفاع شهری برای کنترل رفتارهای مجرمانه؛ نمونه مطالعاتی: شهر تهران

عباس بخشنده نصرت - هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران.  
جمال‌الدین دریاپاری - هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.  
پدرام اخوان‌گوران\* - دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه عدالت، تهران، ایران.

### New urbanism and management of urban defenseless spaces to control criminal behavior

#### Abstract

Big cities have a lot of crime at its heart. State crime statistics indicate that Tehran metropolis due to the special circumstances of the geographical space and the highest crime statistics between the cities of the country. The incidence of these crimes, issues and has created many challenges for citizens and city managers. The most important theoretical approaches to the interpretation of the formation of centers of crime is crime prevention through environmental design. This article is extracted from a doctoral thesis titled as New Urbanism and management of urban defenseless spaces to control criminal behavior; case study Tehran. This study seeks to discover which factors and environmental conditions help to facilitate crimes such as theft in the city? The research method is descriptive. After theoretical studies, through sub-GIS software, and then observation centers have been identified robbery, factors and conditions facilitating the study was to explore the relationship between the two. The results indicate that the major centers of mass in the regions ۶ and ۷. Observing weak territoriality, little oversight residents by design poor, the poor people in places due to lack of planning, lack of standards urbanism, walls and windows dirty and run-down of the major factors and conditions that are rule in hot spots of Tehran.

**Keywords:** crime, Tehran, urban planning, crime prevention, environmental design

#### چکیده

شهرهای بزرگ انبوهی از جرایم را در دل خود جای داده‌اند. آمار جرم کشور حاکی از آن است که کلانشهر تهران به دلیل شرایط خاص فضایی و جغرافیایی دارای بالاترین آمار جرم و جنایت بین شهرهای کشور می‌باشد. بروز این جرایم، مسائل و چالش‌های فراوانی برای شهروندان و مدیران شهری ایجاد نموده است. از رویکردهای نظری مهم تفسیر کننده شکل‌گیری کانون‌های جرم، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی است. پژوهش حاضر بدنبال آن است که دریابد کدام عوامل و شرایط محیطی به تسهیل وقوع جرایمی همچون سرقت در این شهر کمک می‌کند؟ روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. پس از مطالعات نظری، از طریق نرم افزارهای زیرمجموعه سیستم اطلاعات جغرافیایی، کانون‌های جرم سرقت شناسایی شده و سپس با مشاهده میدانی، عوامل و شرایط تسهیل کننده، بررسی شد تا رابطه بین آن‌دو کشف گردد. نتیجه نشانگر آن است که عمده کانون‌های جرم در مناطق ۶ و ۷ قرار دارد. رعایت ضعیف قلمروگرایی، نظارت اندک ساکنین بواسطه نوع طراحی نامناسب، حضور پایین افراد در فضاها بدلیل فقدان برنامه‌ریزی، رعایت ناچیز استانداردهای شهرسازی وجود دیوارها و پنجره‌های کثیف و مخروبه از عمده عوامل و شرایطی است که در کانون‌های جرم خیز شهر تهران حاکمیت داشت.

واژگان کلیدی: جرایم، تهران، شهرسازی، پیشگیری از جرم، طراحی محیطی

کلانشهر تهران در مقایسه با میزان رعایت اصول شهرسازی با رهیافت پایدار برای یافتن پاسخ به این پرسش‌هاست که توزیع فضایی مهم‌ترین کانون‌های ارتکاب جرم بویژه سرقت در شهر تهران چگونه است؟ مهم‌ترین ویژگی‌های مکانی و محیطی تسهیل‌کننده جرم و بزه در شهر تهران کدام است و رعایت اصول شهرسازی چه نقشی در کاهش وقوع این جرایم دارد؟ فرضیه پژوهش عبارت است از: «ضعف در رعایت اصول شهرسازی (کاربری زمین، طراحی شهری و معماری) موجب شکل‌گیری فضاهای بی‌دفاع شهری و لذا تسهیل وقوع جرم و خشونت و شکل‌گیری کانون‌های جرم در شهر تهران شده است.»

### روش تحقیق و شیوه گردآوری داده‌ها

در تحلیل و بررسی توزیع فضایی نوع و میزان جرایم، نحوه پراکنش و فعالیت مرتکبین این جرایم در سطح شهر و مطالعه مکانی، جغرافیایی و اجتماعی و اقتصادی مؤثر در الگوهای توزیع بزهکاری دو روش توصیفی و تحلیلی بکار گرفته شد. از آنجا که در تهیه نقشه‌های بزهکاری مطالعه محدوده جغرافیایی شهر بعنوان یک ناحیه یا منطقه جغرافیایی با مرزهای مشخص اداری و سیاسی از محدوده‌های جغرافیایی پیرامون متمایز شده است، ترکیبی از دو روش تحلیل فضایی و بوم‌شناختی قابل استفاده است. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و روش بررسی میدانی استفاده گردید. کتب، مقالات، اسناد ملی و محلی مرتبط با موضوع و برخی مطالب مرتبط از شبکه جهانی و به جهت بررسی آخرین تجربیات جهانی در این زمینه و بویژه در رابطه با روش‌شناسی نرم‌افزارها و ابزار تحلیل بزهکاری مورد بررسی قرار گرفت. در ضمن، بخش اصلی داده‌های مجرمانه مرتبط با پژوهش حاضر از طریق پایگاه داده‌ای یکپارچه مرفوک نیروی انتظامی و معاونت پلیس پیشگیری تهران بزرگ اخذ گردید. پس از تعریف و بیان مسأله و روشن نمودن ابعاد و زوایای موضوع و بررسی پیشینه نظری و تجربی، سایر مراحل انجام این پژوهش بدین شرح است:

۱. «انتخاب جامعه آماری»: این پایگاه داده تنها

امروزه جرم و جنایت و ناهنجاری‌های اجتماعی یکی از مشکلات حاد در اکثر شهرهای بزرگ جهان تبدیل شده است. جرم و بزهکاری صرف نظر از مکان وقوع آنها علاوه بر به مخاطره انداختن امنیت عمومی جوامع انسانی و جریحه‌دار کردن افکار عمومی شهروندان، به‌خصوص کسانی که از آن آسیب دیده‌اند، در برخی موارد به سرمایه‌های ملی و حیثیت بین‌المللی کشورها آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌نماید (عباسی، ۱۳۸۷، ص ۲). از زاویه فضایی- مکانی، تمامی جرایم و ناهنجاری‌ها دارای بستر زمانی و مکانی منحصر به فردی است. تحلیل فضایی- زمانی بزهکاری مبین این نکته مهم و اساسی است که در برخی از بخش‌های شهر به سبب وجود ساخت کالبدی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی حاکم بر آن میزان بزهکاری بالاست و به عکس، برخی فضاهای شهری مانع و عامل بازدارنده فرصت‌های مجرمانه هستند (61-Greenberg, S. and W.Rohe; 1984; pp. 48). به عبارتی، برخی مکان‌ها به دلیل ساختار کالبدی خاص و همچنین ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی ساکنان آن امکان و فرصت بیشتری برای وقوع جرم دارند. در نقطه مقابل آن، برخی مکان‌ها مانع و بازدارنده فعالیت‌های مجرمانه هستند. همین امر موجب می‌شود تا بزهکار، خود به دنبال کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه باشند (کلاتری و توکلی، ۱۳۸۶، ص ۷۶).

شهر تهران تحولات سریعی در دهه‌های اخیر، از بعد اجتماعی و نیز کالبدی شاهد بوده است. اگرچه این شهر از نظر کمی رشد سریعی به خود دیده است اما آلودگی محیطی ناهنجاری‌های کالبدی آن، می‌تواند زمینه‌های بروز ناهنجاری در رفتار افراد باشند. در تبیین نقش و ارتباط شرایط محیطی در وقوع جرایم از جمله از نوع مورد نظر پژوهش حاضر (سرقت، شرارت و باجگیری) یکی از نظریه‌ها، پیشگیری از جرم با طراحی محیطی است. به تاسی از این نظریه، محتمل است که از دلایل محیطی بروز جرایم شهری، کاستی در برنامه‌ریزی راهبردی- عملیاتی و حتی تحقق استانداردهای پایه و سرانه‌های شهری می‌باشد. لذا بررسی جرایم از جمله سرقت در

شامل آن بخش از جرایم گزارش شده در پلیس ۱۱۰ است که با توجه به پرونده‌های ثبت شده در کلانتری‌ها و دیگر مراجع انتظامی، ارتکاب بزه تأیید شده است و دارای پرونده کیفری ثبت شده در مراجع بوده است. بررسی پژوهشگر نشان داد که اغلب تحقیقات انجام شده پیشین در مورد مسائل جرم و بزهکاری، شیوه تمام‌شماری را در پیش گرفته است از این رو در این پژوهش نیز از شیوه تمام‌شماری استفاده شد. بر این اساس افرادی که از تاریخ ۱۳۹۴/۱/۱ تا تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۳۰ در محدوده قانونی شهر تهران مرتکب هر یک از مصادیق بزه چندگانه مورد بررسی در این پژوهش شدند و برای آنها پرونده تشکیل شد، مورد مطالعه این پژوهش است. در مجموع ۷۴۰۶ فقره جرم از نوع مدنظر در محدوده شهر تهران به وقوع پیوسته است.

۲. «تهیه پایگاه داده‌ای جرایم»: پس از بررسی مجموعه داده‌های اخذ شده از معاونت پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، کدگذاری جرایم ورود این اطلاعات در پایگاه داده‌ای محیط نرم‌افزاری Excel انجام گرفت.

۳. «استخراج نقشه کانون‌های جرم‌خیز»: جمع‌آوری کلیه اطلاعات مکانی و همچنین طراحی و تولید انواع نقشه‌های تحلیلی، با توجه به موضوع در این مرحله انجام گرفت. پایگاه داده مکانی و زمانی بزهکاری تشکیل و نقشه استخراج شد. به طور کلی بررسی‌های جغرافیایی جرم و جنایت در شهرها به یکی از دو روش «تحلیل همبستگی»<sup>۱</sup> و «تحلیل فرصت‌های جرم»<sup>۲</sup> انجام می‌گیرد. در پژوهش حاضر به طور مشخص دو نرم افزار Analysis Crime در محیط Arcview و نرم افزار Case در محیط ArcGIS جهت شناسایی مکان‌های جرم‌خیز شهر تهران استفاده شد.

۴. «استخراج شاخص‌های محیطی»: شاخص‌های موردنظر در اینجا، مواردی از بستر محیطی است که می‌تواند بر وقوع و یا تسهیل وقوع

جرایم از نوع مورد مطالعه، اثرگذار باشد. این شاخص‌ها از روی مطالعات پیشین، تحقیقات گذشته (خارجی و یا داخلی) و توسط خود محقق استخراج گردید.

۵. «مطالعه میدانی وضعیت شاخص‌ها»: در این مرحله با مراجعه به کانون‌های جرم‌خیز، وضعیت آنها از نظر شاخص‌های موردنظر بررسی گردید تا مشخص شود چه عوامل و شرایطی تسهیل‌کننده جرم بوده است. در انتها نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاداتی برای بهبود شرایط آتی ارائه شد.

### ادبیات موضوع و مبانی نظری ادبیات موضوع

در سال ۱۹۶۹ «جفری»<sup>۳</sup> نخستین کسی بود که عبارت «پیشگیری از جرم و جنایت از طریق طراحی شهری» را به کار برد. او به برنامه‌ریزی شهری و طراحی ساختارهای شهری و واحدهای همسایگی به منظور کنترل و پیشگیری از جرم و جنایت تأکید داشت. به نظر او مراقبت‌های طبیعی شهروندان از طریق طراحی ساختمان‌ها و فضای شهری عامل مهم کنترل جرایم شهری است (Cozens, 2000, P.10). وی بر فرصت‌هایی که محیط در اختیار مجرمین قرار می‌دهد تأکید داشت و جرایم گوناگون را ناشی از این فرصت‌های محیطی می‌دانست (Clarke, 2001, P.30). با مطالعات «جاکوبز»، «جفری» و «نیومن» راه برای پژوهش‌های بیشتر هموار شد و بعد از آنها پژوهشگران بسیاری در این رابطه به مطالعه و بررسی پرداختند. «گرین برگ»<sup>۴</sup> و «کولگز»<sup>۵</sup> مطالعاتی در خصوص رابطه میان میزان جرم و خصوصیات فیزیکی و کاربری زمین در آتلانتا انجام دادند. آنها دریافتند که موقعیت اقتصادی-اجتماعی واحدهای همسایگی و کاربری زمین مثل مناطق صرفاً مسکونی در مقابل نواحی مختلف (مسکونی و تجاری) باعث بروز میزان خاصی از ناهنجاری‌های اجتماعی می‌گردد (Widom, Feins, 1997, P.9). مباحث مربوط به جغرافیای بزهکاری

3. Jeffery

4. Greenberg

5. Colleagues

۱. معادل تحلیل همبستگی تحلیل کمی «Quantitative» بکار می‌رود.

۲. معادل تحلیل فرصت‌های جرم، تحلیل کیفی یا مردم‌نگاری بکار می‌رود.

و مطالعه رابطه جرم و مکان در کشور تنها طی چند سال اخیر مورد توجه پژوهشگران کشور قرار گرفته است. در ادامه به خلاصه مهمترین مطالعات داخلی اشاره می‌گردد:

۱. محسن کلاتری و دیگران، در شماره سوم سال دوازدهم فصلنامه دانش انتظامی، پژوهشی با عنوان «ایمن سازی فضای کالبدی شهرها در برابر بزهکاری با استفاده از راهبردهای پیشگیری جرم با طراحی محیطی» دارند. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و داده‌ها و اطلاعات پژوهش به شیوه کتابخانه ای و اسنادی گردآوری شده است. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که از جمله دیدگاههای مطرح در زمینه تحلیل و تبیین رابطه مکان و بزهکاری، نگرش پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی است (کلاتری و دیگران، ۱۳۹۰).

۲. مجله پژوهش های جغرافیایی در شماره ۴۴ خود مقاله ای با عنوان «بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران» از احمد پور احمد و دیگران دارد که در آن سعی شد تا به ارزیابی شرایط مکانی شهر و حوزه های جرم در رفتار و فعالیت‌های غیرقانونی پرداخته شود. در این بررسی از روهای تحلیل همبستگی و فرصت‌های جرم براساس نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که بین ارتکاب جرایم و ویژگی‌های محل وقوع جرم مثل تاریکی و خلوتی محیط، ارتباط معنی داری وجود دارد. از نگاه این پژوهش، تراکم جمعیت بعنوان عامل مؤثر در وقوع جرم عمل می‌نماید و این پدیده در بخش مرکزی شهر تهران سبب افزایش جرایم شده است (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۲).

۳. کلاتری و آیت، مقاله ای با عنوان «تاثیر شرایط محیطی بر وقوع بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن» دارند. نویسندگان مقاله تلاش دارند، ارتباط بین تاریکی محل وقوع جرم و ارتکاب جرایم مورد نظر خود را بررسی نمایند. در این میان، جرایم سرقت و جرایمی چون قتل، ضرب و جرح و شرارت بیش از دیگر جرایم در محیط‌های تاریک رخ داده است. باز بر اساس نتایج تحقیق، جرایم سرقت از جمله جرایمی است که بیش از آنکه به عامل تاریکی متکی باشد، به عامل خلوتی و دنج بودن محل ارتکاب جرم نیاز دارد. همچنین عامل شلوغی و ازدحام در مورد برخی جرایم بعنوان عاملی بازدارنده و در مورد

برخی دیگر از جرایم بعنوان عاملی تسهیل کننده عمل نموده است. لذا بین شرایط محیطی بر وقوع بزهکاری تأثیرگذار شناخته شد. در این پژوهش، به مصاحبه با مجرمان و تکمیل پرسشنامه در میان آنان اکتفا شده و مشاهده در محل (مکان) و شاخص سازی انجام نشده است. (کلاتری و آیت، ۱۳۸۶).

۴. مقاله «شناسایی کانون‌های جرم خیز شهری با استفاده از مدل های آماری گرافیک مینا و سامانه اطلاعات جغرافیایی؛ مورد مطالعه: سرقت در شهر زنجان» در شماره یازدهم از سال چهارم فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم به چاپ رسید. این پژوهش با هدف تحلیل الگوهای فضایی سرقت در محدوده مورد مطالعه و شناسایی عوامل تسهیل کننده ارتکاب این جرایم به منظور کنترل محدوده‌های آلوده به این جرایم، با استفاده از مدل‌های گرافیکی در محیط سامانه اطلاعات جغرافیایی انجام گرفت. این پژوهش برای پاسخ به دو پرسش مهم انجام شد که «توزیع جغرافیایی مهمترین محدوده‌های تمرکز جرایم مرتبط با سرقت در شهر زنجان چگونه است؟» و «ارتکاب سرقت در محدوده جغرافیایی شهر زنجان از چه الگوهای مکانی پیروی می‌کند و نوع و میزان کاربری‌ها در شکل‌گیری این الگوها چه تأثیری دارد؟» روش پژوهش توصیفی و تحلیلی است و برای شناسایی الگوهای فضایی بزهکاری در شهر، از آزمون‌های مرکز متوسط، بیضی انحراف معیار و تخمین تراکم کرنل استفاده شد. جامعه آماری، تمامی جرایم مرتبط با سرقت بوده که در طی یک سال شمسی در محدوده مورد مطالعه به وقوع پیوست. لیکن یافته‌های پژوهش تنها قادر به پاسخگویی پرسش نخست می‌باشند. زیرا تحلیل‌های موجود و دستاوردها آن، تنها شامل مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار و کانون‌های جرم سرقت است و به ویژگی‌های کاربری زمین پرداخته نشد (کلاتری و قزلباش، ۱۳۸۸).

۵. شماره‌های ۶۹ و ۷۰ سال ششم ماهنامه اصلاح و تربیت<sup>۶</sup> مقاله ای را در دو بخش جداگانه، منتشر ساخت. نویسندگان کوشیدند تا نقش کاربری زمین در وقوع جرم را بررسی کنند. بویژه در این دو مقاله تلاش شد تا با آمارهای نیروی انتظامی، و تطبیق



مکان جرم با وضعیت معابر و توقفگاه اتومبیل، ارتباط بین سرقت و کاستی در استانداردهای موجود از نظر شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد (کلانتری و حقی، ۱۳۸۶؛ شماره ۶۹ و ۷۰).

۶. هدایتی و عباسی، پژوهش «مدیریت علمی کانون های جرم خیز با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی؛ مورد مطالعه: انواع جرایم سرقت در شهر قزوین» انجام دادند. هدف پژوهش مذکور ارتقاء امنیت اجتماعی از طریق شناسائی و مدیریت علمی کانون‌های جرم خیز است که در آن متغیرهای مکان و زمان های مسئله دار در ارتباط با محل استقرار نیروهای انتظامی در شهر قزوین مورد بررسی قرار دارند. روش بررسی تلفیقی از روش‌های تحلیلی و تطبیقی است. برای تحلیل‌های آماری و گرافیکی به صورت ترکیبی از نرم‌افزارهای سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS)، نرم افزار جانبی Crime Analysis در محیط Arcview، Case در محیط ArcGIS و از نرم افزار Excel/Office استفاده شد. نتیجه نهایی، -تنها- شامل حصول نقشه های مکانی و زمانی توزیع جرایم و کشف کانون‌های جرم است. با توجه به سوال تحقیق، به محیط کالبدی مؤثر بر وقوع جرم پرداخته نشد (هدایتی و عباسی، ۱۳۸۸).

دیدگاه نظری؛ پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی<sup>۷</sup> (CPTED) بر این ادعا استوار است که می‌توان با طراحی مناسب محل سکونت و کار افراد، از جرایم ارتكابی در محیط ساخته شده پیشگیری نمود. این فرایند «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» نامیده می‌شود. این نظریه را می‌توان اینگونه تعریف کرد: «طراحی مناسب و کاربری مؤثر محیط و ساختمان که منجر به کاهش جرم و ترس ناشی از جرم می‌شود». به عبارت دیگر طراحی مناسب و استفاده درست از محیط می‌تواند علاوه بر پیشگیری از وقوع جرم، کیفیت زندگی را بهبود بخشد و ترس از جرم را کاهش دهد (Crow, 2000, p.46). این مسئله مبتنی بر مطالعاتی است که در اواسط قرن بیستم انجام شد (Lynch, 1960, poyner, 1983, Coleman, see; Lynch, 1985). برای نظریه CPTED شش رکن و ویژگی قابل تصور است:

### • نخست- تعیین قلمرو (قلمروگرایی)

هر موجود زنده بنا بر خصلت خود مدعی قلمروی خاص است و از آن در مقابل دیگران دفاع می‌کند. هایدگر عقیده دارد که اجزای اصلی قلمرو، «مشخص» بودن دفاع از آن است (بحرینی و تاجبخش، ۱۳۷۷، صص ۲۰-۱۹). یکی از مهمترین اثرات محیط «تعلیق مکانی» است که تا حدود زیادی با هویت مکانی در ارتباط است. تعلق مکانی در واقع رابطه هم‌پیوندی است که میان انسان و محیط به لنگرگاهی روانی بدل می‌شود (رضازاده، ۱۳۸۱، ص ۵). میزان وابستگی افراد به محیط درجات مختلفی دارد: بی‌تفاوتی نسبت به یک مکان، تا دل‌بستگی به مکان و فداکاری برای مکان (فلاح، ۱۳۸۵، صص ۲-۶۲). نتایج یک مطالعه نشان داد که برخی از سارقان برای ارزیابی میزان خطر سرقت از معیار قلمروگرایی استفاده می‌کنند (Brown and Bentley, 1993, pp.51-61). برخی راهبردهای مؤثر در بالا بردن حس قلمروگرایی ساکنان عبارتند از (فورچی بیگی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰): ۱- فضاهای خصوصی ساختمان باید از فضاهای عمومی متمایز باشد؛ ۲- هر بخش باید طراحی مختص به خود را داشته باشد به طوری‌که به آن مکان هویت بخشد. ۳- با ایجاد موانع واقعی (Real barriers) و نمادین (Symbolic barriers)<sup>۸</sup> می‌توان از ورود غریبه‌ها به مکان‌ها کاست و آنها را از ارتکاب جرم بازداشت. ۴- برای القای اینکه فرد از فضایی عمومی به فضایی خصوصی وارد می‌شود می‌توان از بوته‌ها، تغییر سطح زمین، حصارها و تغییر رنگ زمین استفاده کرد (استفاده از موانع انتقالی).

### • دوم- نظارت یا مراقبت

طراحی فیزیکی این قابلیت را دارد که فرصت‌های نظارت طبیعی و غیررسمی ساکنان را افزایش دهد (چایلد، ۱۳۳۷۹، ص ۵۳). در مطالعه‌ای که در رابطه با گرایش‌ها و افکار مجرمان انجام شده است، دو عامل در متوقف کردن مجرمان بسیار مؤثر تلقی شده است: اول، نشانه‌ها و علائم تصرف (Signs of occupation) و دیگری نظارت. سارقان بر اهمیت نظارت ساکنان محله صحنه گذاشته گذاشتند و

۸. موانع واقعی، موانعی هستند که به صورت فیزیکی و عینی تفکیک میان فضاهای عمومی و خصوصی را از یکدیگر مشخص می‌کنند (مانند نرده). ولی موانع نمادین، موانع غیرفیزیکی هستند که به صورت نمادین، تفکیک میان فضاهای عمومی و خصوصی را از یکدیگر مشخص می‌نمایند (مانند تغییر سطح یا تغییر رنگ در هنگام ورود از فضا به خصوصی).

بعد از مالکان، همسایگان را مهمترین افراد برای نظارت بر محله معرفی کرده‌اند (55-Bennett, 1986, p. 41). نظارت بر سه گونه است:

۱. نظارت طبیعی و غیررسمی: وقتی محقق می‌شود که منزل به گونه ای طراحی شود که ساکنان داخلی بتوانند به راحتی بر فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی بصورت کامل نظارت داشته باشند. این نظارت بصورت معمول از طریق پنجره ها ممکن می‌شود. طراحی باید فضاهایی را ایجاد کند که بهتر در معرض دید ساکنان، همسایگان و رهگذران باشد.

۲. نظارت رسمی یا سازمان یافته: توسط افرادی که به این کار گمارده می‌شوند مانند محافظان امنیتی یا نگهبانان انجام می‌شود. چهار تحقیق انجام شده درباره افزایش نظارت رسمی در پارکینگ‌ها نشان‌دهنده این است که جرایم مرتبط با سرقت خودرو کاهش داشته است (Poyner, 1991, pp.96-101, 154-Laycock and Austin, 1992, pp.60). در خرده‌فروشی‌هایی که در آن دو نفر، یکی بعنوان صندوق‌دار و دیگری بعنوان مراقب و نگهبان، بر مشتریان نظارت می‌کرده است، سرقت‌های کمتری گزارش شده است (Jeffrey and Hunter, 1997, p.195).

۳. نظارت مکانیکی: با بهبود روشنایی و نصب دوربین‌های مداربسته قابل اجراست.

الف- دوربین مداربسته (CCTV): این فناوری جدید می‌تواند در صورتی که با مطالعه قبلی و توجیه منطقی نصب شده باشد و با مداخله‌ی شایسته و به هنگام همراه باشد، عملکردی موفقیت آمیز داشته باشد (کوسن، ۱۳۸۴، صص ۲۳-۳۳۹). مجرمان در هنگام ارتکاب جرم به خطر دستگیری بیشتر از شدت مجازات فکر می‌کنند و چون دوربین مداربسته این خطر را افزایش می‌دهد، نصب آن می‌تواند در پیشگیری از جرم مؤثر باشد (Clarke, 1997a, p.199).

ب- روشنایی: روشنایی تأثیر غیرقابل انکاری در پیشگیری از جرم دارد. بعد از تاریکی هوا فرصت نظارت کم می‌شود. این کمبود از طریق روشنایی جبران می‌شود و تحقیقات زیادی به تأثیر این موضوع پرداخته اند (Cozens and et.al, 2003, pp.7-24). در یکی از جدیدترین بررسی‌ها که درباره روشنایی و نور توسط ولش و فارینگتون انجام شد، تعدادی از مطالعات موجود

در آمریکا و انگلستان مورد بررسی دوباره قرار گرفت (See; Farrington and Welsh, 2002). در برخی مطالعات انجام شده، تأثیر روشنایی بر کاهش جرم بیست درصد بوده است (9-Poyner and Webb, 1997, pp.83). همانطور که از تحقیقات برمی‌آید (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۹۲)، روشنایی بعنوان گونه‌ای از نظارت مکانیکی می‌تواند با ایجاد فضایی امن، بهبود فرصت نظارت و افزایش کنترل اجتماعی غیررسمی این تصور را در ذهن مجرمان ایجاد کند که ارتکاب جرم در فضا دیده خواهد شد و در نتیجه، جرم با واکنش ساکنان و افراد روبه رو خواهد شد.

#### • سوم- کنترل دسترسی یا ورودی

کنترل دسترسی یا ورودی‌ها شامل راهبردهای غیررسمی یا طبیعی (مانند تعریف فضا)، رسمی یا سازمان‌یافته (مانند استخدام نگهبان یا پذیرش در ورودی ساختمان) و مکانیکی (مانند قفل‌ها و آیفون‌های تصویری) می‌باشد. تحقیقات نشان می‌دهد مناطقی که دارای ورودی‌ها و دسترسی‌های نامنظم و بی‌قاعده هستند، نسبت به مناطقی که دارای ورودی و دسترسی محدود هستند، جرایم بیشتری را تجربه می‌کنند (see; Beavon, D., 1994). یک مطالعه در انگلستان نشان داد که بین نقاط ورودی ساختمان و وقوع جرم همبستگی وجود دارد (See; Coleman, 1985).

#### • چهارم- تصویر و نگهداری از فضا

تحقیقات زیادی ثابت کردند که میان نگهداری و حفاظت از محیط شهری با کاهش جرایم رابطه وجود دارد (Ross and Wilson and Kelling, 1982, pp.29-38; Cozens and et.al, 2001, 32-Mirowsky, 1999, pp.412-222). خانه‌ها و فضاهای خالی و بلا تصدی به مانند آهن‌ربا در مورد جرایم عمل می‌کنند (Spleman, 1993, pp.481-98). این بخش از مفهوم نظریه CPTED با نظریه پنجره‌های شکسته رابطه تنگاتنگ دارد. یک پنجره تعمیر نشده و شکسته، نشانگر آن است که کسی نگران نیست و لذا شکستن پنجره‌های بیشتر هیچ هزینه ای ندارد (ویلسون و کلینگ، ۱۳۸۲، ص ۱۸۱).

#### • پنجم- سخت کردن آماج جرم

می‌توان از طریق کاهش آسیب‌پذیری آماجی که فرصت ارتکاب جرم را فراهم می‌آورند از وقوع جرم جلوگیری کرد (نجفی ابرنآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷، ص ۳۲۳).

سخت کردن آماج جرم در ساختمان به معنای بهبود استانداردهای امنیتی در ساختمان است. آماج و اشیایی که بطور معمول مورد تخریب یا سرقت واقع می‌شوند به نحوی طراحی شوند که در برابر جرم مقاوم بوده و از تخریب یا سرقت مصون بمانند (مرتضایی، ۱۳۸۱، ص ۱۴). جدیدترین مطالعه در سه کشور انگلستان، آمریکا و هلند در خصوص برگلری (ورود به ملک غیر به قصد ارتکاب یکی از چهار جرم قتل، سرقت، تجاوز به عنف و تخریب) نشان داد که سخت کردن آماج جرم، منجر به کاهش برگلری شد (91-Tseloni and et.al, 2004, pp.66).

### ششم- فعالیت پشتیبانی (حمایتی)

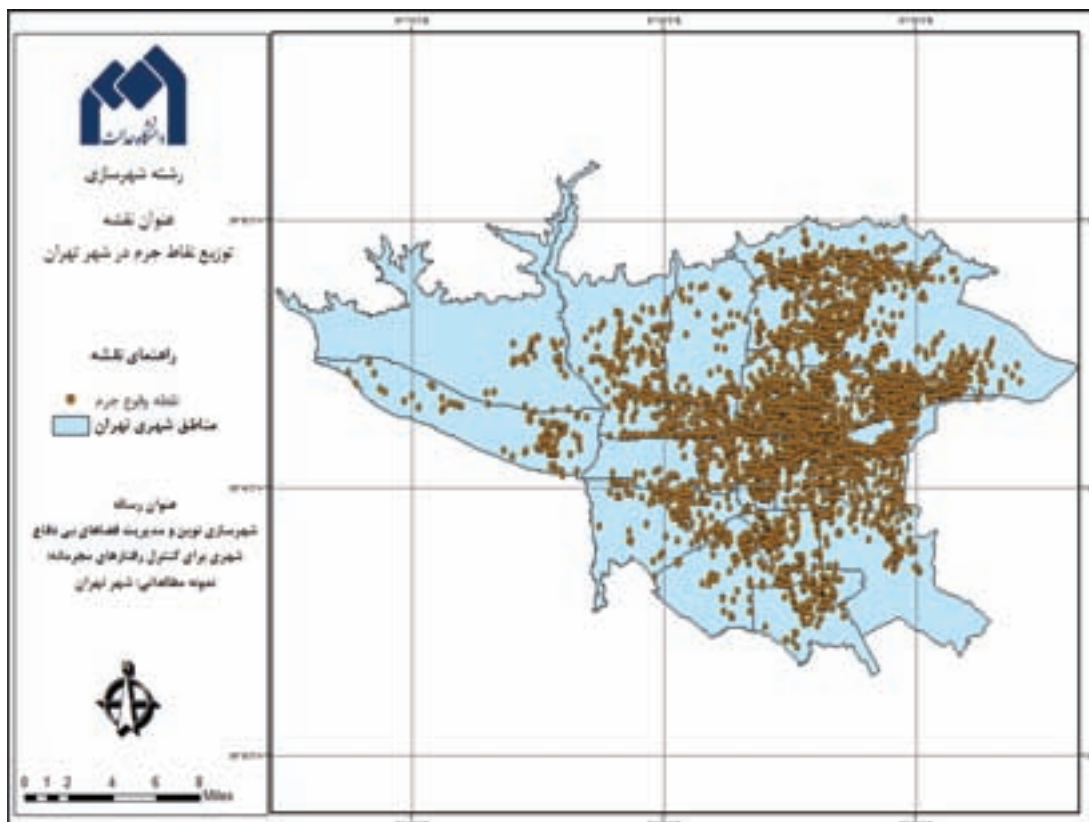
فعالیت پشتیبانی شامل استفاده از طراحی به منظور تشویق ساکنان جهت استفاده و حضور بیشتر در

فضاهای عمومی است. لذا تحقیقاتی وجود دارند که بر «کاربری مختلط و متنوع محله» تأکید دارند زیرا موجب کاهش فرصت‌های مجرمانه به علت افزایش حضور مردم و افزایش انواعی از فعالیت‌ها خواهند شد (See; 202-Petterson, 1997, pp.179).

### بحث و بررسی

#### توزیع مکانی محل وقوع جرایم مدنظر در تهران

بررسی توزیع مکانی جرایم شرارت، باجگیری و سرقت در شهر تهران نشانگر آن است که بیشترین تراکم این جرایم در محدوده مناطق ۶، ۱۲ و ۷ قرار دارد. از روی نقشه پیداست که تعداد نقاط جرم، کمی به سمت راست از مرکز جغرافیایی شهر، تعداد نقاط جرم به بیشترین تعداد خود می‌رسد.



نقشه ۱. توزیع مکانی محل وقوع جرایم

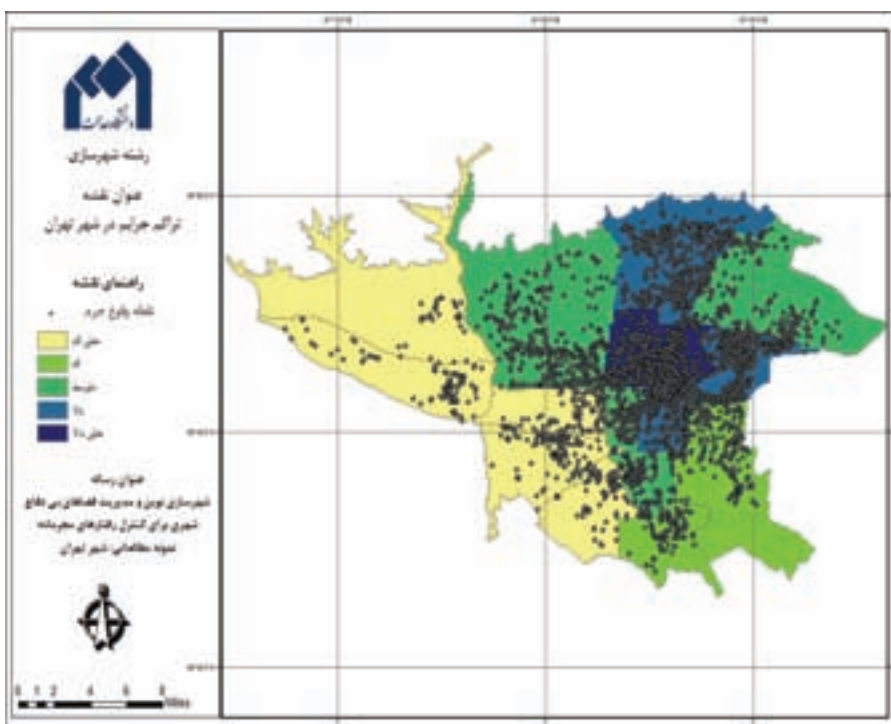
محدوده منطقه ۸ همانند مناطق ۶، ۷ و ۱۲، دارای بیشترین نقاط وقوع جرم است. شمال شهر تهران نیز از نظر تعداد وقوع جرم، وضعیت نامساعدی را از خود بروز می‌دهد. برخی محدوده‌ها و مناطق

با توجه به نقشه، تعداد نقاط جرم از محدوده مرکزی شهر به سمت اطراف آن، کاسته می‌شود. البته به سمت غرب، نقاط جرم بسیار زودتر از سمت شرق شهر کاهش می‌یابد. بگونه‌ای که

شمال شهر، پا به پای مناطق و محدوده‌هایی از جنوب شهر، تعداد بالای جرایم را در خود جای داده‌اند.

محدوده‌های دارای بالاترین تراکم کل جرایم این موضوع که تعداد جرایم روی داده شده

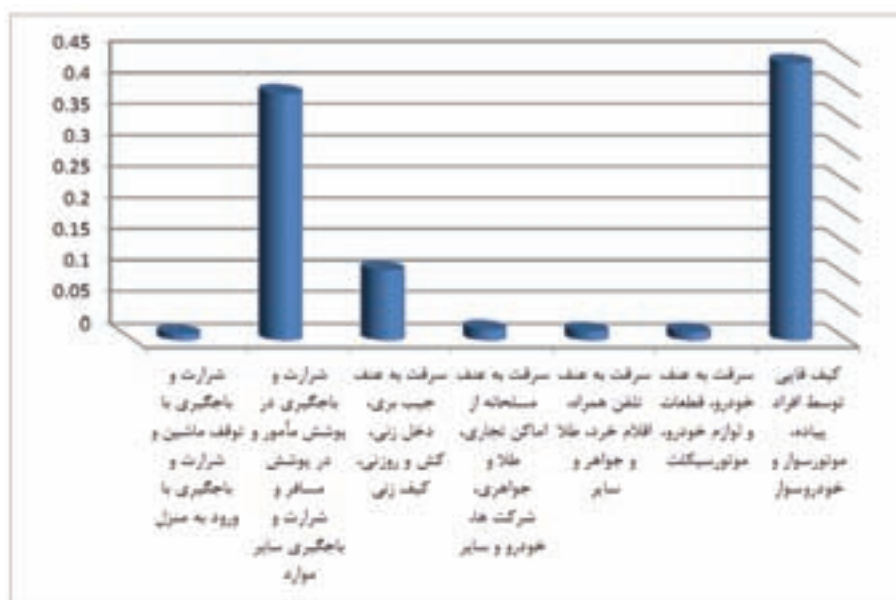
در هر یک از مناطق به چه صورت بوده است، برای شناخت هرچه بیشتر محدوده‌های حساس جرم‌خیزی اهمیت دارد. از این رو می‌توان از تراکم جرم در مناطق شهری سخن گفت. نقشه تراکم جرم در مناطق را با طیفی از رنگ‌ها نشان می‌دهد.



نقشه ۲. تراکم منطقه ای جرایم در شهر تهران؛ ماخذ: یافته های تحقیق

فوق و پایگاه داده‌ای سامانه پلیس ۱۱۰ نیروی انتظامی در دوره زمانی پژوهش در مجموع ۷۴۰۶ فقره جرم از نوع مدنظر در محدوده شهر تهران به وقوع پیوسته است که پس از استخراج اطلاعات مرتبط مرتبط با این جرایم، پایگاه داده‌ای مربوط به آنها در محیط GIS تشکیل شد و به دنبال آن نقشه‌های جرم تهیه و تحلیل فضایی مربوطه انجام شد.

**تحلیل نوع و میزان بزه‌کاری در محدوده شهر تهران**  
همانگونه که در مبحث شیوه تحقیق و گردآوری داده‌ها بیان گردید، داده‌های مربوط به جرایم ارتكابی موضوع پژوهش جرایم شرارت و باجگیری و سرقت در محدوده شهر تهران از آمار موجود در سیستم ۱۱۰ نیروی انتظامی دریافت گردیده است. بر این اساس افرادی که از تاریخ ۱۳۹۴/۱/۱ تا تاریخ ۱۳۹۴/۱/۳۰ در محدوده قانونی شهر تهران مرتکب هر یک از مصادیق بزه چندگانه مورد بررسی در این پژوهش شده‌اند و در کلانتری‌های تهران و واحدهای اجرایی چون پلیس آگاهی تهران بزرگ و پلیس مبارزه با مواد مخدر برای آنها پرونده تشکیل شده است مورد مطالعه این پژوهش قرار گرفته‌اند. مطابق اطلاعات اخذ شده



نمودار ۱. نوع و درصد ارتکاب هر یک از جرایم موردنظر این پژوهش در محدوده شهر تهران

می‌شوند. در اینجا شلوغی و تراکم جمعیت بویژه در ساعاتی از روز، به اوج خود می‌رسد. پارک دانشجو؛ پارک دانشجو در تقاطع خیابان ولیعصر و انقلاب قرار دارد. با توجه به اینکه این پارک در مجاورت ایستگاه مترو چهارراه ولیعصر قرار دارد، دسترسی آسان به آن، یکی از مزایای این پارک محسوب می‌شود. بسیاری از افراد در این پارک از انواع آسیب‌های اجتماعی به دور نمی‌مانند. خرید و فروش مواد اعتیادآور، شلوغی و تراکم بالا و عدم نظارت کافی در این مکان بویژه در شرایطی که خلاء حاصل از افراد و خانوارهای محلی در آن موج می‌زند، آنرا به یکی از مکان‌های تمرکز بزهکاری تبدیل کرده است.

بلوار کریم‌خان؛ بلوار کریم‌خان یک راسته تجاری است و تقریباً واحدهای مسکونی در این راسته وجود ندارد. خیابان‌های شریعتی، بهار، بهارشیراز و مفتوح؛ خیابان‌های شریعتی، بهار، بهارشیراز و مفتوح؛ این خیابان‌ها راسته‌های تجاری هستند که در ساعاتی از روز، جمعیت خاصی را از نقاط مختلف به سمت خود جذب می‌کنند. افرادی در این جا رفت و آمد می‌کنند که کمترین تعلق نسبت به سلامت و امنیت فضا ندارند و فقط بعنوان یک گذرگاه مقطعی بدان می‌نگرند.

میدان امام‌خیمینی؛ میدان امام‌خیمینی از مراکز مهم و البته پر تردد شهری است. این میدان در حال حاضر نوعی مرکزیت اداری و تجاری دارد.

**مهمترین عناصر موجود در پهنه اصلی جرم‌خیز شهر**  
 اگرچه مشخص گردید که محدوده کانون اصلی جرم، منطبق با محدوده‌های تجاری و اداری مرکز شهر واقع در بخش جنوب شرق منطقه ۶، جنوب غرب منطقه ۷ و شمال منطقه ۱۲ می‌باشد، اما شناخت کانون عمده جرم‌خیزی به تنهایی کفایت نمی‌کند. باید در نظر داشت که برای درک ابعاد بیشتر موضوع، لازم است به طور دقیق، به نوع فعالیت توجه کرد و نیز وضعیت محیط و جانمایی عناصر موجود در این پهنه جرم‌خیز را مورد بررسی قرار داد. البته در کنار همه این موارد، ویژگی‌های طراحی محیطی و خصوصیات عناصر نیز باید بررسی شود. از این رو ادامه مهم‌ترین ویژگی‌های عناصر موجود در مهم‌ترین کانون جرم شهر تهران آمده است.

خیابان انقلاب؛ محدوده‌ای که دربرگیرنده مهم‌ترین کانون جرم‌خیزی در شهر تهران می‌باشد یکی از مهم‌ترین گره‌گاه‌های حمل و نقل شهر است. تعداد زیادی از جمعیت در طول روز در اینجا رفت و آمد می‌کنند.

خیابان جمهوری؛ کاربری‌های تجاری و مراکز خرید و فروش عمده لوازم خانگی و صوتی تصویری در اینجا قرار دارد، تعداد مسافرت‌ها در این خیابان نیز زیاد است و مسافرینی از نقاط مختلف منطقه و شهر و حتی کشور را به سمت خود می‌کشاند.

میدان هفت تیر و میدان ولیعصر؛ میدان هفت تیر و میدان ولیعصر به عنوان دو کانون مهم گره‌گاهی محسوب



میدان بهارستان؛ میدان بهارستان بعنوان یکی از عناصر واقع در محدوده کانون جرم خیز شهر تهران است که از جنوب به محله سرچشمه (و پس از آن چهار راه سیروس و میدان شوش)، از شمال به محله فخرآباد (و سپس پل چوبی)، از غرب به باغ سپهسالار و از شرق به خیابان شهدا (ژاله) محدود است.

## خیابان فردوسی؛

خیابان سعدی؛ خیابان سعدی یکی از مراکز بورس مهم در تهران به شمار می آید. تولیدکنندگان و فروشندگان قطعات صنعتی، ابزارآلات کشاورزی، پمپ‌ها و موتورها و توربین‌های صنعتی در این خیابان حضور دارند. خیابان سعدی از شمال به خیابان انقلاب و از جنوب به خیابان امیرکبیر محدود می‌گردد. این خیابان از جمله معابری است که کمترین مقادیر عبور و مرور افراد ساکن و با هویت محله ای را در خود شاهد است.

محدوده خیابان‌های اطراف پارک شهر؛ این پارک، از جنوب به خیابان بهشت، از شمال به خیابان فیاض - بخش، از شرق به خیابان خیام، و از غرب به وحدت اسلامی می‌رسد.

## وضعیت سپتد در کانون جرم

وضعیت سپتد، حاصل تلفیقی از راهبردهای «نظارت»، «قلمروگرایی»، «تعمیر و نگهداری» و «کنترل دسترسی» است. برای بدست آوردن ضریب نهایی راهبردهای مطرح شده، در مرحله اول باید ضریب شاخص‌های مربوط به هر راهبرد در معابر و خیابان‌ها محاسبه شود. در این پژوهش جهت انجام این محاسبات از روش آماری به شرح زیر استفاده شده است:

در مرحله اول با توجه به معیارهای جمع‌آوری اطلاعات، به هر قطعه، نمره‌ای اختصاص داده شده است. شاخص‌هایی که با معیارهای دارد و ندارد مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، برای «دارد یا خوب» و یا مانند آن، نمره ۱ و برای «ندارد یا بد» یا مانند آن نمره ۰ در نظر گرفته شد. برای معیارهای سه تایی، به معیارهای «بسیار خوب یا بسیار زیاد یا نسبتاً مناسب» و مانند آن نمره ۱، به معیار متوسط نمره ۰,۵ و به معیار بسیار کم و بسیار ضعیف و مانند آن نمره ۰ داده شد. همین روش مشابه برای معیارهای چهارتایی نیز بکار گرفته شد. در مرحله دوم، برای هر شاخص، با توجه به میزان اهمیت آن در مقاوم‌سازی کالبدی فضا، از ۱ تا ۱۰، ارزشی تعیین گردید که این ارزش دهی در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. ارزش دهی به شاخص‌های راهبرهای سپتد

راهبرد نظارت	شاخص	استفاده از فضا	نورپردازی	وضوح دید از اطراف	کیوسک و دکه روزنامه	-
	ارزش شاخص	۱۰	۸	۹	۶	-
راهبرد قلمروگرایی	شاخص	وجود نرده و فضای سبز	وجود علائم، تابلوها و نشانه‌های بصری	تغییر سطح	تغییر بافت	-
	ارزش شاخص	۱۰	۹	۶	۴	-
راهبرد تعمیر و نگهداری	شاخص	وضعیت تجهیزات روشنایی	وضعیت پیاده‌روها	وضعیت تجهیزات تاسیسات عمومی	حفاظ برای تجهیزات و تاسیسات	تمیزی و سلامت (بدون زباله)
	ارزش شاخص	۹	۷	۸	۵	۱۰

در مرحله ارزش‌دهی، شاخصی که نمره ۱ را دارد، ارزش کامل به آن اختصاص می‌یابد، به شاخصی که ۰,۵ باشد، نصف ارزش شاخص اختصاص داده می‌شود و به شاخصی که ۰ باشد، ارزشی معادل هیچ یا صفر اختصاص داده می‌شود. در مرحله بعدی، داده‌های مربوط به ارزش شاخص‌ها باید نرمالیزه شوند. برای این منظور، ارزش هر شاخص بر جمع کل ارزش‌ها در آن قطعه یا معبر تقسیم می‌گردد. در مرحله بعدی جهت بدست آوردن ضریب نهایی، وزن نرمال بدست آمده در نمره مربوط به آن شاخص که در مراحل اول تعیین شد، ضرب می‌گردد. عدد بدست آمده، ضریب نهایی برای آن شاخص می‌باشد. با جمع نمودن ضرایب نهایی شاخص‌های هر راهبرد، ضریب نهایی برای هر راهبرد محاسبه می‌شود و در نهایت، با جمع نمودن ضرایب راهبردها، ضریب نهایی برای رویکرد سپتد بدست می‌آید. وضعیت معابر و میادین موجود در محدوده مهمترین کانون جرم

خیزی شهر تهران از لحاظ جرم مورد بررسی از جمله سرقت و باجگیری و شرارت، در نهایت باید از نظر سپتد نیز مورد بررسی قرار گیرد. همانگونه که پیش‌تر نیز تشریح شد وضعیت سپتد در کانون جرم، تلفیقی از وضعیت کانون از نظر راهبردهای موجود در دل این رویکرد نظری است. اکثر معابر، خیابان‌ها و میادین شهری در وضعیت بسیار نامناسب قرار دارند، تعداد کمی از آنها از وضعیت نامناسب برخوردار بوده و تعداد بسیار کم‌تری وضعیت مناسبی از نظر سپتد دارند که این خود دلیل مناسبی برای وقوع جرم در این فضاها و لذا شکل‌گیری این کانون مهم جرم‌خیز در شهر می‌باشد. چنانچه بنا باشد وضعیت عناصر محدوده، تفکیک شده و درصد هر یک از گروه‌های مذکور از نظر میزان مطلوبیت (وضعیت خوب و مناسب در مقابل وضعیت بد و نامناسب) در زمینه سپتد مشخص گردد، توجه به جدول شماره ۲ یک نیاز خواهد بود.

جدول ۲. وضعیت عناصر محدوده مهمترین کانون جرم خیزی شهری از نظر سپتد

طیف وضعیت شاخص	تعداد عناصر	درصد
وضعیت بسیار نامناسب	۱۴۳	۰,۸۵
وضعیت نامناسب	۱۵	۰,۰۹
وضعیت نسبتاً مناسب	۱۱	۰,۰۷
جمع	۱۶۹	۱۰۰

آن‌گونه که از جدول موردنظر بر می‌آید، ۷ درصد عناصر محدوده مهمترین کانون جرم‌خیزی شهر در شرایط نسبتاً خوب و ۹ درصد در وضعیتی نامناسب قرار دارند. لیکن ۸۵ درصد از عناصر محدوده، وضعیت مطلوبی از نظر سپتد ندارند.

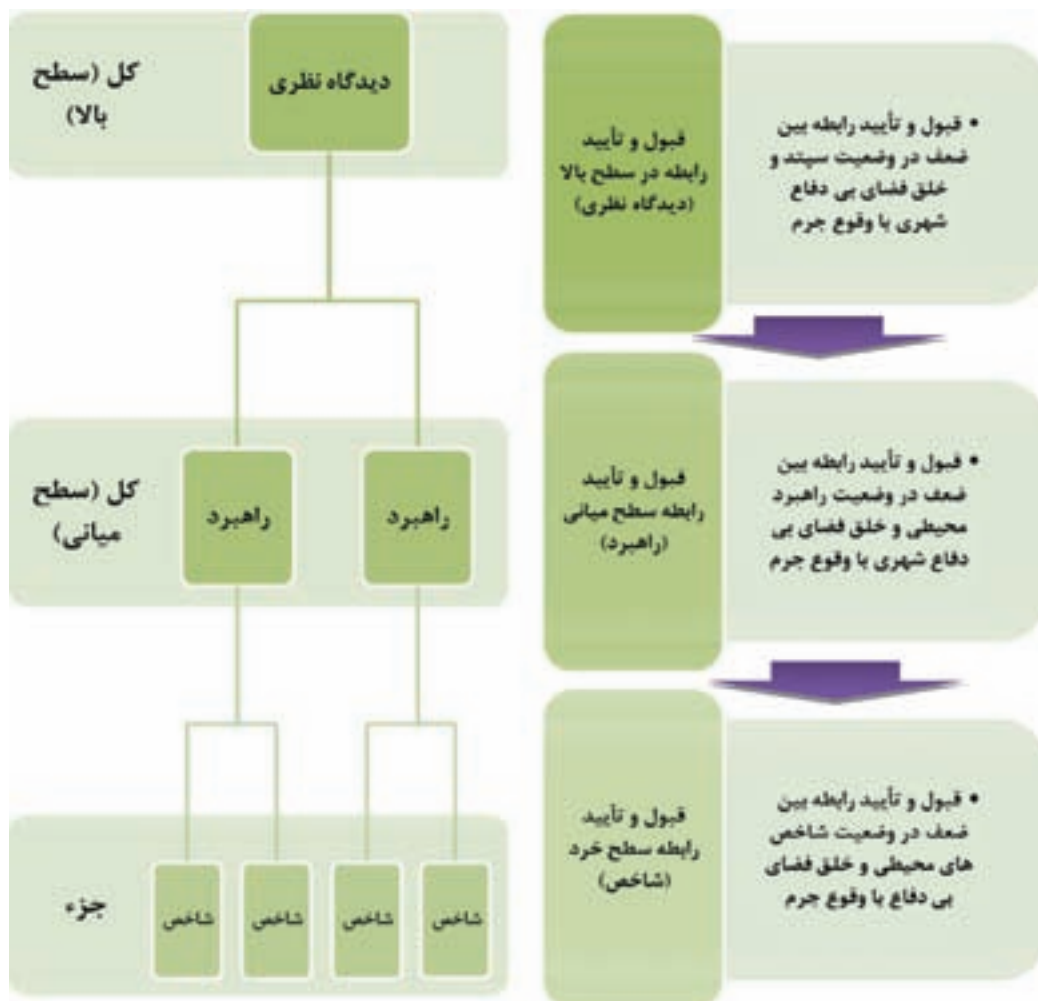
### نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

وقتی فضایی از نظر شاخص‌های محیطی شهرسازانه ضعیف باشد، به طور منطقی از نظر راهبردهای محیطی شهرسازانه ضعیف است و در ادامه، از لحاظ رویکرد سپتد نیز ضعیف محسوب می‌گردد. فضایی که از نظر رویکرد نظری سپتد

ضعیف باشد، فضایی بی‌دفاع محسوب می‌گردد که استعداد جرم‌خیزی در آن بسیار بالاست. حال اگر رابطه وقوع جرم در عناصر محدوده، با وضعیت سپتد مورد قبول واقع گردد، رابطه وقوع جرم با راهبردهای سپتد نیز مقبول واقع گردیده و در درجه بعدی، رابطه وقوع جرم با شاخص‌های وضعیت محیطی نیز به مورد قبول و تأیید قرار می‌گیرد. شکل شماره ۱ این روابط را به خوبی نمایان می‌سازد. این بدان معنی است که اگر رابطه منطقی بین بروز جرایم در عناصر محدوده کانون جرم‌خیزی شهری با وضعیت سپتد تأیید و قبول گردد، و یا فرضیه ارتباط منطقی

کانون جرم‌خیزی شهری و خلق فضاهای بی‌دفاع شهری، با وضعیت وقوع جرم در آن محدوده و عناصر، ارتباط منطقی وجود داشته و این رابطه مورد قبول واقع خواهد شد.

بین راهبردهای سپتد با موضوع بروز جرایم در عناصر محدوده کانون عمده جرم‌خیزی شهری تأیید و قبول شود، می‌توان به این نتیجه رسید که بین وضعیت شاخص‌های محیطی در محدوده



شکل ۱. روابط بین وضعیت فضای بی‌دفاع، از نظر شاخص‌های محیطی، راهبردهای محیطی و سپتد

شرایط نسبتاً مناسب قرار دارند. ۴۹ درصد آنها در وضعیت نامناسبی هستند و ۴۸ درصد عناصر، در شرایط بسیار نامناسبی واقع می‌باشند.

ج- در پهنه مورد مطالعه، به لحاظ راهبرد قلمروگرایی، در این بررسی مشخص گردیده است که ۷۲ درصد عناصر محدوده -که شامل میادین، معابر و خیابانها می‌باشد- در وضعیت بسیار نامناسب قرار دارند، ۲۷ درصد وضعیت نامناسبی دارند و ۲ درصد این عناصر از وضعیت نسبتاً مناسب برخوردارند.

برای قبول و تأیید ارتباط منطقی وضعیت پهنه مورد مطالعه و بی‌دفاع بودن این پهنه با شرایط راهبردهای محیطی می‌توان به سه بند زیر اشاره کرد:

الف- در زمینه راهبرد نظارت، ۶ درصد عناصر محدوده در وضعیت مناسب به سر می‌برند، ۱۲ درصد وضعیت نامناسب دارند و ۸۲ درصد دارای شرایطی بسیار نامناسب هستند.

ب- مطابق دستاوردهای پژوهش، در پهنه مهمترین کانون جرم خیز شهری به لحاظ راهبرد تعمیر و نگهداری، ۳ درصد از عناصر محدوده در

همچنین برای روشن شدن و تأیید وجود تأثیر یا رابطه بین وضعیت سپتد و میزان بی‌دفاع بودن فضای شهری در محدوده مهم‌ترین کانون جرم خیز شهری با وقوع جرایم در آن، بررسی نشان می‌دهد که، ۷ درصد عناصر محدوده مهمترین کانون جرم خیزی شهر در شرایط نسبتاً خوب و ۹ درصد در وضعیتی نامناسب قرار دارند. لیکن ۸۵ درصد از عناصر محدوده، وضعیت مطلوبی از نظر سپتد ندارند. در ادامه، با توجه به این توضیح پیشین که سپتد از رهبردهای چندگانه تشکیل شده و راهبردها نیز حاصل جمع شاخص‌های چندگانه محیطی می‌باشند، لذا زمانی که محدوده مورد مطالعه، از نظر وضعیت سپتد، از شرایط مناسبی برخوردار نیست و از نظر رهبردهای محیطی چندگانه سپتد نیز وضعیت مناسبی ندارد، به صراحت می‌توان ادعان داشت که محدوده مورد مطالعه به لحاظ شاخص‌های محیطی نیز وضعیت مطلوب و مناسبی نداشته و لذا فضاهای مذکور، از جمله فضاهای بی‌دفاع شهری محسوب می‌گردند. این امر، علتی برای بروز جرایم در آن و اصولاً دلیلی منطقی برای شکل‌گیری این کانون جرم خیزی در شهر می‌باشد. از این رو این فرضیه مورد تأیید است.

### پیشنهاد‌های اجرایی

پیشنهاد‌های اجرایی باید بر اساس واقعتهای بررسی شده در محیط شهری ارائه گردد. مهم‌ترین پیشنهاد‌های اجرایی پژوهش حاضر بدین شرح خواهد بود:

نخست؛ توجه به نورپرازی در فضاهای شهری؛ نورپردازی فضاها، اعم از میادین و معابر شهری، باید به گونه‌ای باشد که فضاهای تاریک و ناامن را حذف نماید.

دوم؛ تمیز نگه داشتن فضا؛ یکی از نقش‌هایی که شهرداری می‌تواند پررنگ‌تر ایفا نماید، تمیز نگه داشتن چهره شهر و از جمله معابر، خیابان‌ها و میادین شهری است.

سوم؛ بازسازی اصولی پیاده‌روها؛ بسیاری از پیاده‌روهای شهری دارای کف بسیار نامناسب هستند. البته این بدان معنی نیست که الزاماً باید سنگفرش‌های گران‌قیمتی را بکار گرفت. بلکه

از بین بردن شکستگی‌ها، حذف دو دستگی یا چند دستگی در کف پیاده‌روها و رفع بخش‌های مخدوش و معیوب آن، می‌تواند تأثیر فراوانی داشته باشد.

چهارم؛ طراحی اصولی معابر و پیاده‌روها؛ بسیار مطلوب است که از طریق طراحی مناسب، از جمله گیاهان، موانع بصری و نمادها، تغییر سطح و تغییر بافتها، پیاده‌روها را از راههای سواره به نحوی شایسته جدا نمود. چنین طراحی‌هایی می‌تواند نظم، قانون‌مداری و وجود یک عامل (نهاد) مراقبت‌کننده را در بین افراد، تداعی کند.

پنجم؛ تعمیر و نگهداری اصولی از تأسیسات و تجهیزات شهری؛ برای نمونه، اگر در یک راسته و خیابان، تلفن‌های همگانی و یا هشدار سریع (مثل شماره ۱۱۰) سالمی وجود داشته باشد، مجرمین بالقوه کمتر به خود جرأت اقدام مجرمانه علیه هدف‌های خود را خواهند داد.

### منابع و ماخذ

۱. بحرینی، سید حسین و گلناز، تاجبخش (۱۳۷۷)، مفهوم قلمرو در طراحی شهری، نشریه هنرهای زیبا دانشگاه تهران، شماره ۶
۲. پور احمد، احمد، رهنمایی، محمدتقی و کلاتری، محسن (۱۳۸۲)، بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران، شماره ۴۴ مجله پژوهش‌های جغرافیایی
۳. چایلد، باری گود (۱۳۷۹)، طراحی مسکن، فرم شهر و توسعه پایدار، ترجمه ایرج اسدی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۵۰
۴. رضازاده، مرضیه (۱۳۸۱)، بحران ادراکی- رفتاری در فضای شهری، مجله شهرداری‌ها، ویژه نامه طراحی شهری، شماره ۲۳
۵. عباسی ورکی، الهام (۱۳۸۷)، شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم خیز شهر قزوین با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی GIS، به راهنمایی محسن کلاتری، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زنجان
۶. علی اکبری، اسماعیل (۱۳۸۳)، توسعه شهری و آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۸، تابستان

۷. فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵)، مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده‌ی آن، نشریه هنرهای زیبای دانشگاه تهران، شماره ۲۶
۸. قورچی بیگی، مجید (۱۳۸۶)، راهبردهای کاربردی CPTED برای پیشگیری از جرم در مناطق مسکونی، مجله فقه و حقوق، سال چهارم، شماره ۱۵
۹. کارگر، بهمن (۱۳۸۵) امنیت شهری (ارزیابی کارایی خدمات انتظامی و امنیتی در نظام مدیریت شهری)، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
۱۰. کلانتری، محسن و آیت، آیت الله (۱۳۸۶)، تاثیر شرایط محیطی بر وقوع بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن؛ مورد مطالعه: تأثیر تاریکی، خلوتی و شلوغی محیط در نوع و میزان جرایم ارتكابی در شهر تهران، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم؛ سال دوم، شماره پنجم
۱۱. کلانتری، محسن و قزلباش، سمیه (۱۳۸۸)، شناسایی کانون های جرم خیز شهری با استفاده از مدل های آماری گرافیک مبنا و سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS)؛ مورد مطالعه: سرقت در شهر زنجان، شماره ۱۱ سال چهارم فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم
۱۲. کلانتری، محسن و توکلی، مهدی (۱۳۸۶)، شناسایی کانون های جرم خیز شهری، شماره ۲ سال دوم فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم
۱۳. کلانتری، محسن و عبدالهی حقی، مریم (۱۳۸۶)، کمبود توقفگاه های عمومی (بخش اول)، ماهنامه اصلاح و تربیت؛ ش ۱۵۴، دی ماه
۱۴. کلانتری، محسن و عبدالهی حقی، مریم (۱۳۸۶)، کمبود توقفگاه های عمومی و تاثیر آن در وقوع سرقت وسایل نقلیه (بخش دوم)، ماهنامه اصلاح و تربیت؛ ش ۱۵۴، دیماه
۱۵. کلانتری، محسن، حیدریان، مسعود و محمودی عاطفه (۱۳۹۰)، ایمن سازی فضای کالبدی شهرها در برابر بزهکاری با استفاده از راهبردهای پیشگیری جرم با طراحی محیطی
- شماره سوم سال دوازدهم فصلنامه دانش انتظامی
۱۶. مرتضایی، رضا (۱۳۸۱)، طراحی ابزار مقابله با تخریب گرایي (وندالیسم) در محیط شهری، مجله شهرداری ها، سال سوم، شماره ۲۵
۱۷. هدایتی، اکبر و عباسی، الهام (۱۳۸۸)، مدیریت علمی کانون های جرم خیز با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی؛ مورد مطالعه: انواع جرایم سرقت در شهر قزوین، شماره ۲ سال ۴ فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی
۱۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۷۷)، دانشنامه جرم شناسی، ج اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی
19. Brown, B.B., Bentley, D.L. (1993), Residential burglars judge risk: the role of territoriality, *Journal of Environmental Psychology*, Vol. 13 No.1.
20. Clarke, R. (1997), *Situational Crime Prevention: Successful Case Studies*, 2nd Edition, Harrow and Hetson, New York;
21. Clarke, R. (1997), *Situational Crime Prevention: Successful Case Studies*, 2nd Edition, Harrow and Hetson, New York;
22. Clarke, R.V. (Ed.) (1997a), *Situational Crime Prevention: Successful Case Studies*, 2nd ed., Harrow and Heston, New York, NY.
23. Clarke, R.V. (ED.) (1997b), *Rational Choice and Situational Crime Prevention*, Ashgate.
24. Clarke, R.V., Mayhew, P. (Ed.) (1980), *Designing Out Crime*, HMSO, London.
25. Clarke, Ronald V. and Pat Mayhew. 1980. *Designing out Crime*. London: H.M.S.O.
26. Clarke, Ronald V. and Pat Mayhew. 1988. "The British Gas Suicide Story and its Implications for Prevention". In Michael Tonry and Norval Morris (eds.), 1988. *Crime*
27. Coleman, A. (1985), *Utopia on Trial*, Hilary Shipman Ltd, London.
28. Cozens, P. M. (2002). *Sustainable Urban Development and Crime Prevention Through Environmental Design for the British City. Towards an Effective Urban Environmentalism for the 21st Century*.



- use development, in Coupland, A. (Eds), *Reclaiming the City: Mixed Use Development*, Spon, London.
40. Poyner, B. (1983), *Designing Against Crime: Beyond Defensible Space*, Butterworths, London.
  41. Poyner, B. (1991), Situational crime prevention in two parking facilities, *Security Journal*, Vol. 2 No.1.
  42. Poyner, B., Webb, B. (1997), Reducing theft from shopping bags in city centre markets, in Clarke, R.V. (Eds), *Situational Crime Prevention: Successful Case Studies*, 2nd ed., Harrow and Heston, Guilderland, NY.
  43. Poyner, B., Webb, B. (1997), Reducing theft from shopping bags in city centre markets, in Clarke, R.V. (Eds), *Situational Crime Prevention: Successful Case Studies*, 2nd ed., Harrow and Heston, Guilderland, NY.
  44. Ross, C.E., Mirowsky, J. (1999), Disorder and decay: the concept and measurement of perceived neighbourhood disorder, *Urban Affairs Review*, Vol. 34 No.3, pp.41232-
  45. Spelman, W. (1993), Abandoned buildings: magnets for crime?" *Journal of Criminal Justice*, Vol. 21 No.3.
  46. Tseloni, A., Wittebrood, K., Farrell, G., Pease, K. (2004), Burglary victimization in England and Wales, the United States and the Netherlands: a cross-national comparative test of routine activities and lifestyle theories, *The British Journal of Criminology*, Vol. 44 No.1.
  47. Wilson James Q. and Kelling Georgl (1982) Broken Windows "The Police and Neighborhood Safety" *Atlantic Monthly* Vol, 29.
  48. Wilson, J.Q., Kelling, G.L. (1982), The police and neighbourhood safety 'Broken windows', *The Atlantic Monthly*, Vol. 3 No.2.
  49. Wilson, J.Q., Knelling, G.L., Broken Windows; *The Atlantic Monthly*, March 1982, PP. 2938-.
  50. Wilson, J.Q., Knelling, G.L., Making Neighborhoods Safe, *the Atlantic Monthly*, February 1989, PP. 4652-.
  - [doi: DOI: 10.1016/S0264-00008(02)2751-2]. *Cities*, 19(2), 129137-.
  29. Cozens, P., D.Hiller, G., Prescott, Crime and the design residential Property—Exploring the Theoretical Background"; *Journal of Property Management*, Vol.19, Issue 2, 2001, PP 136164-.
  30. Cozens, P.M. (2002), Sustainable urban development and crime prevention through environmental design for the British City. 2002. Towards an effective urban environmentalism for the 21st Century, *Cities: The International Journal of Urban Policy and Planning*, Vol. 19 No.2.
  31. Cozens, P.M., Hillier, D., Prescott, G. (2001), Crime and the design of residential property. Exploring the theoretical background, *Property Management*, (paper 1 of 2), Vol. 19 No.2.
  32. Cozens, P.M., Hillier, D., Prescott, G. (2001), Crime and the design of residential property. Exploring the perceptions of planning professionals, burglars and other users, *Property Management*, (paper 2 of 2), Vol. 19 No.4.
  33. Cozens, P.M., Neale, R.H., Whitaker, J., Hillier, D., Graham, M. (2003), A critical review of street lighting, crime and the fear of crime in the British City, *Crime Prevention and Community Safety: An International Journal*, Vol. 5 No.2.
  34. Crowe, T. (2000), *Crime Prevention Through Environmental Design: Applications of Architectural Design and Space Management Concepts*, 2nd ed., Butterworth-Heinemann, Oxford.
  35. Farrington, D.P., Welsh, C. (2002), Effects of Improved Street Lighting on Crime: A Systematic Review, Crown Copyright, London, Home Office Research Study 251, Development and Statistics Directorate.
  36. Feins, J. D. Epstein, J. C. and Widom, R. (1997), Solving Crime Problems in Residential Neighborhoods, Comprehensive Changes in Design, Management and Use, National Institute of justice, US Department of Justice;
  37. Greenberg, S. and W.Rohe; (1984) Neighborhood Design and Crime, *APA journal*, vol.50:1.pp. 4861-
  38. Lynch, K. (1960), *The Image of the City*, MIT Press, Cambridge, MA
  39. Pettersson, G. (1997), Crime and mixed-

## نحوه ایجاد بافتها و فضاهای معماری عصر مفرغ (۳۰۰۰-۱۵۰۰ ق م) در حوزه شمال شرق فلات ایران

ویدا گودرزی\* - عضو هیئت علمی گروه باستان شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایذه، ایران

### چکیده

فرهنگهای دوران مفرغ ایران از نظرتاریخی بطور نسبی اوایل هزاره سوم تا اواسط هزاره دوم ق م یعنی حدود ۱۵۰۰ سال را در برمیگیرد (۳۰۰۰-۱۵۰۰ ق م). این فرهنگ روبه رشد به شاخصهایی در زمینه فن آوری ابداع چرخ سفالگری، نوآوری در فلزکاری مس، پیدایش خطوط آغاز ایلامی و ایجاد ساختارهای شهرنشینی دست یافته است. باتوجه به پیدایش مفرغ در این دوره ایجاد کارگاههای فلزکاری، میتواند به نوعی ایجاد بافتهای معماری صنعتی را نشان دهد. همچنین افزایش تجارت بین منطقه ای و فرامنطقه ای نشانه ای از ایجاد جوامع انسانی است که نیازمند فضاهای معماری مسکونی می باشند و در آخر تغییر الگوی تدفین در این دوره که از حالت تدفین مردگان در زیر محل مسکونی تغییر پیدا کرده است و به بیرون محل زندگی یعنی قبرستانها منتقل گشته اند حاکی از آن است که تحولی در جنبه های اعتقادی آنان ایجاد شده است و شاید این نیز دال بر ایجاد بناهایی مذهبی باشد. باتوجه به گسترده گی مناطق تحت نفوذ فرهنگ عصر مفرغ در ایران، در این مقاله تنها به حوزه شمال شرق ایران که شامل مناطقی باستانی که آن زمان در قلمرو ایران بوده اند و اکنون از خاک آن جداگشته اند و چندین محوطه باستانی از جمله تپه حصار و... پرداخته میشود. درکل میتوان بافت معماری عصر مفرغ را به سه دسته: اول- بناهای مسکونی، دوم- بناهای صنعتی و سوم- بناهای مذهبی تقسیم بندی نمود.

واژگان کلیدی: معماری، بافتها، فضاها، عصر مفرغ، حوزه

شمال شرق، ایران

### How to create tissues and architecture spaces Bronze Age (3000 - 1500 A.H. M) in north - east plateau Iran

#### abstract

The Bronze Age of Iran from historical relative to the early millennium of the third millennium to the mid - second millennium of the second millennium, about 1500 years ago; This growing culture is achieved in the field of developing the wheel of pottery, the innovation of metal, the formation of the ILAM lines, and the creation of urbanization structures. Due to the advent of the bronze in this period, the formation of a metal is a form of texture architecture. The rise in trade between the region and is a sign of the creation of human communities that require residential architectural spaces, and at the end of the change of burial pattern in this period, which has been shifted from the burial state of the dead, and that may indicate the creation of religious structures. According to broadening areas under influence Bronze Age culture in Iran, in this paper area northeastern portion due to Iran include ancient areas at the time. Were on the territory of Iran and now from its territory have partitioned and several ancient compound including hill barrier and generally tissue architecture can be to three categories: First - residential buildings, the second - and third - industrial buildings religious buildings.

**Keywords:** architecture, tissues, spaces, area northeastern portion due to Iran

جغرافیایی در امتداد رشته کوه‌های البرز است. این موضوع هر نوع جمع بندی از فرهنگ‌های عصر مفرغ این منطقه را با مشکلات جدی مواجه می‌سازد. محوطه‌های باستانی حفاری شده مثل تپه حصار، تورنگ تپه گرگان، شاه تپه، یاریم تپه و محوطه‌های شاخص عصر مفرغ در این قسمت از فلات ایران‌اند. به رغم ناهمگونی‌های زیست محیطی در حوزه شمال شرق ایران، همگونی‌ها و همانندی‌ها فرهنگی در این حوزه جغرافیایی مشاهده می‌شود که لزوم تبیین دوره مفرغ را در چهارچوب جغرافیایی و فرهنگی فراهم می‌آورد. همگونی‌های فرهنگی را بیشتر در زمینه‌های سفالگری، فلزکاری و شیوه تدفین مردگان و گسترش تجارت می‌توان بررسی کرد. شناسایی عصر مفرغ در شمال شرق ایران به طور عمده از تحلیل یافته‌های تپه حصار دامغان صورت گرفته است.

## محوطه‌های حوزه شمالشرق با آثار معماری عصر مفرغ

### ۱. تپه حصار

اصلی‌ترین پایگاه عصر مفرغ در شمالشرق ایران تپه حصار است. تپه حصار تپه کوتاهی است که بیش از چند متر از زمینهای اطراف ارتفاع ندارد و از چند برجستگی تشکیل شده که منطقه ای به وسعت ۶۰۰ متر را دربر می‌گیرد. این تپه در چند صد متری شرق ساختمان فعلی ایستگاه راه آهن دامغان و در جنوب مرکز اصلی شهر دامغان واقع شده است. در هزاره‌های چهارم و سوم پیش از میلاد برخی از استقرارهای خاور نزدیک از نظر مساحت و جمعیت، بزرگ و تبدیل به شهرک‌ها و شهرهایی شدند. این تحول دارای پی آمدهایی بود که باعث شد پژوهشگران این دوره زمانی را که یکی از پویاترین دوره‌های تحولی در حیات اجتماعی انسان است، انقلاب شهرنشینی بنامند. برخی از نشانه‌های جوامعی که در معرض چنین تحولاتی بودند عبارتند از شکل‌گیری نهاد‌های حکومتی، تفکیک کارکردی استقرار به بخشهای گوناگون، ابداع نظام نوشتاری، بازرگانی نظام مند با مناطق دوردست و توسعه چشم گیر صنعت ذوب فلز، به ویژه مفرغ، که این دوره را به راحتی در برخی مناطق با نام آن نیز می‌شناسند: عصر مفرغ. بر اساس کاوش‌های باستان‌شناختی، برخی از محوطه‌های مهم

منطقه شمال شرق شامل بخش‌های وسیعی از نواحی شرق دشت گرگان و قسمت‌هایی از خراسان تا دامنه‌های رشته کوه‌های کویت داغ واقع در شمال عشق آباد جمهوری ترکمنستان را دربر می‌گیرد. به رغم ناهمگونی‌های زیست محیطی در حوزه شمال شرق ایران، همگونی‌ها و همانندی‌های فرهنگی در این حوزه جغرافیایی مشاهده می‌شود. مطالعه و بررسی فرهنگ‌های عصر مفرغ ایران در چهارچوب مرزهای سیاسی کنونی ایران ممکن نیست، چرا که مرزهای فرهنگی عصر مفرغ ایران گسترده‌تر از مرزهای سیاسی کنونی امروزی است. از این نظر باید در بررسی فرهنگ‌های عصر مفرغ ایران به مناطق پیرامونی نیز توجه شود. البته این موضوع در مورد تمام مناطق ایران صدق نمی‌کند. شمال شرق ایران از جمله مناطقی است که شباهت بسیاری بین برخی فرهنگ‌های آن و ترکمنستان وجود دارد. بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی ارتباط فرهنگی بین این دو منطقه از هزاره ششم ق.م تا دوران‌های تاریخی وجود داشته است. در عین حال ارتباطات و مشابهت‌های فرهنگی بین شمال شرق و شرق ایران با جنوب ترکمنستان بیشتر و گسترده‌تر بوده است. به نظر می‌رسد سرچشمه و خواستگاه اصلی فرهنگ‌های رایج پیش از تاریخ در ترکمنستان، در فلات ایران بوده که به احتمال از طریق حرکت‌های جمعیتی و مهاجرت و جابجایی اقوام به آن منطقه نفوذ کرده است. در دوره عصر مفرغ ارتباطات فرهنگی بین شمال شرق و ترکمنستان افزایش بی‌سابقه‌ای را نشان می‌دهد که این امر شاید ناشی از جابجایی و حرکت‌های جمعیتی در کل منطقه آسیای غربی بوده است. عدم توازن در داده‌های باستان‌شناسی این منطقه یکی از مشکلات و محدودیت‌های پژوهش است. از جمله در بخش ایرانی این قلمرو در مقایسه با بخش ترکمنستانی، کاوش‌ها و پژوهش‌های اندکی صورت گرفته، اما پژوهش‌های در جنوب غرب ترکمنستان به رغم کثرت آن، غرض آلود و بیشتر تحت تاثیر ایدئولوژی حاکم بر دوران قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بوده است. تا زمانی که وضعیت باستان‌شناسی شرق ایران (خراسان بزرگ) روشن نشده شمال شرق ایران تنها حوزه فرهنگی و

مفرغ در نیمه شرقی ایران و آسیای میانه عبارتند از شهر سوخته، تپه یحیا، شهداد، نمازگا، آلتین تپه، گنور، و تپه حصار. تپه حصار به خاطر موقعیت قرارگیری اش بر سر راه اصلی و طبیعی ارتباطی بین مراکز تمدنی نواحی شمال شرق فلات ایران و آسیای میانه از یک سو، و نواحی داخلی فلات ایران و آن سوتر، خوزستان و بین النهرین، از سوی دیگر، نقش چشمگیری که در پی بردن به برهم کنش های فرهنگی بین این مناطق داراست. افزون بر این، بر اساس آگاهی های به دست آمده از کاوش های تپه حصار، این محوطه نقش مهمی در شناسایی توالی و ویژگی های فرهنگی پیش از تاریخ و آغاز تاریخی فلات مرکزی ایران دارد.

چشم انداز امروزی محوطه تپه حصار فقط شامل خود محوطه پیش از تاریخی حصار نیست بلکه بقایای سه قلعه خشتی مربوط به سده های اخیر و تپه باستانی کوچکی در فاصله چند صد متری آن را نیز شامل می شود. بدین ترتیب، تپه حصار مجموعه ای از چندین اثر باستانی است که پهنه ای به مساحت حدود ۲۰۰ هکتار را در بر می گیرد. در بین مردم روستاهای اطراف، تپه حصار به نام تپه سرخ معروف است، که این نام به خاطر سرخی خاک بلندترین بخش این محوطه به آن داده شده است. در عوض، آنها قلعه خشتی بزرگی را که در ۲۰۰ متری غرب تپه حصار قرار دارد به نام قلعه حصار می شناسند. آن بخش از فلات ایران که از دیرباز بین باستان شناسان به نام فلات مرکزی شناخته شده پهنه ای است که به طور کلی از شمال به کوه های البرز، از شرق به کوه های مرکزی ایران، از جنوب به دشت آبرفتی اصفهان، و از غرب به دامنه های شرقی کوه های زاگرس محدود می شود. یکی از مشخص ترین عوارض زمین شناسی فلات مرکزی رشته کوه البرز است که از غرب به شرق، با انحنای ملایم، از جنوب دریای خزر کشیده شده است. این رشته کوه نه تنها از نظر آب و هوایی باعث تعدیل دامنه های جنوبی خود شده بلکه با داشتن آبراهه های دائمی و فصلی و زمین های مستعد کشاورزی در این بخش ها، بستر زیست محیطی مناسبی برای شکل گیری و توسعه ی استقرارهای انسانی از دوره نوسنگی به بعد فراهم کرده است. بر اساس

شواهد باستان شناختی، تاریخی و جغرافیایی یکی از راههای اصلی ارتباطی بین نواحی داخلی فلات ایران و سرزمین های شمال شرق فلات از دامنه های جنوبی رشته کوه های البرز می گذشته است، مسیری که امروزه نیز اهمیت ارتباطی خود را به خوبی حفظ کرده است. تپه حصار دامغان یکی از بزرگترین محوطه های باستان شناسی فلات مرکزی است که در سر این شاهراه باستانی قرار دارد، جایی که از شمال به کوه های سخت گذر البرز و از جنوب به کوه های خالی از سکنه محدود می شود. موقعیت استراتژیک ارتباطی این محوطه و دسترسی به منابع خام، به ویژه کانسارهای فلزی که به فراوانی در جنوب آن یافت می شود، احتمالاً از عوامل توسعه و گسترش آن در هزاره های چهارم و سوم پیش از میلاد در بخش های شمال شرقی فلات مرکزی بوده است. تپه حصار در یک کیلومتری جنوب شرقی شهر دامغان، در نزدیکی روستاهای فیروزآباد و حیدرآباد، در دشت واقع شده است. بر اساس آگاهی های باستان شناختی، تپه حصار بزرگترین محوطه در بین محوطه های همزمان خود در بخش های جنوبی البرز از حوالی تهران تا نیشابور است اگر تنها بخش های بلندتر از دشت را ملاک قرار دهیم، آنگاه مساحت برجستگی های متعدد تپه حصار حدود ۱۲ هکتار، رودخانه چشمه علی که از روزگاری مهمترین منبع آبی دشت دامغان بوده، امروزه از حدود دو کیلومتری سرچشمه می گیرد و در دوران های تاریخی و اسلامی یکی از منابع مهم تامین آب دشت دامغان بوده که امروزه با ایجاد سد بر آن تقریباً آبی در سطح آن دیده نمی شود.

### ۱.۱. دوره های فرهنگی تپه حصار

اشمیت بر اساس مواد فرهنگی کاوش شده، به ویژه ظروف سفالی، سه دوره فرهنگی اصلی برای تپه حصار مشخص کرد و از قدیم به جدید آنها را حصار ۱، حصار ۲ و حصار ۳ نامید. سپس این دوره ها را بر اساس تغییرات جزئی تر در مجموعه سفالی به مراحل یا فازهایی تقسیم بندی کرد: بدین ترتیب که حصار ۱ را (از پایین به بالا) به مرحله های A، B، و C، حصار ۲ را به دو مرحله A و B و حصار ۳ را به سه مرحله A، B،

و C، تقسیم بندی کرد. هرچند بعداً برخی از پژوهشگران در مورد دوره بندی پیشنهادی اشمیت به دلیل این که مبنای وی برای این کار ظروف سفالی ای بوده که از تدفین ها به دست آورده و جایگاه لایه شناختی آن ها به درستی روشن نیست، تردیدهایی نشان دادند ولی این دوره بندی هنوز به قوت خود باقی است. اشمیت در مورد جایگاه لایه شناختی مرحله های فرهنگی ۴ و ۵ تردید داشت و آنها را به ترتیب مرحله های گذار بین دوره ۱ و ۲، و ۲ و ۳ در نظر گرفت. یکی از اهداف پروژه ی بازنگری حصار در ۱۹۷۶ بررسی درستی دوره بندی پیشنهادی اشمیت بود. هیئت بازنگری طی کاوش های خود توانست به عمیق ترین لایه های حصار که معادل دوره ۱ بود دست یابد، اما با تلفیق داده های لایه شناختی از ترانسه های کاوش شده، ۶ مرحله برای نهشته های بالایی حصار، که معادل دوره های ۲ و ۳ بود، تعریف و از پایین به بالا F تا A نام گذاری کردند؛ سپس این مراحل به زیر مرحله هایی تقسیم بندی دوباره شد. اما تقسیم بندی هیئت بازنگری چندان مورد توجه و ارجاع باستان شناسان قرار نگرفت و دوره بندی اشمیت هنوز اعتبار خود را حفظ کرده است. با وجود این، هیئت بازنگری برای نخستین بار تاریخ گذاری مطلق برای دوره های حصار بر اساس نمونه ذغال های به دست آمده ارائه داد، به این

ترتیب، آغاز دوره ۱ حصار به هزاره پنجم ق م باز می گردد و پایان آن حوالی ۳۶۰۰ ق م است. دوره ۲ از حدود ۳۶۰۰ تا ۲۴۰۰ ق م و دوره ۳ از حدود ۲۳۰۰ تا ۱۶۰۰ ق م را شامل می شود و در نهایت دوره ۳ که مدنظر ماست.

## ۲.۱. دوره حصار ۳

اشمیت نهشته های این دوره را در ترانسه ۱۰ در ۱۰ آشکار کرد، یعنی ۸۵۰۰ متر مربع از نهشته های این دوره را کاوید (تصویر ۱). اشمیت این دوره را از پایین به بالا به مرحله 3B، 3A، و 3C تقسیم بندی کرد، مرحله 3C به رغم وجود گورهایی با اشیای تدفینی زیاد و باارزش فاقد ساخت و سازهای قابل توجه بود نکته ی جالب توجه در مورد دوره ۳ حصار این است که بقایای استقراری آن بیشتر در بخشهای مرتفع محوطه یافت شد، و بخش های نسبتاً مسطح نظیر پهنه سفالی منقوش، ظاهراً مورد استفاده ی این مردمان نبوده است، بر اساس ضخامت نهشته ها و کیفیت ساخت و سازها، اصلی ترین مرحله استقراری این دوره مرحله 3B بوده که مهم ترین بنای کشف شده در تپه حصار نیز مربوط به آن است. این بنا که به نام «ساختمان سوخته» معروف شد، در بخش پهنه شمالی قرار دارد (تصاویر ۲ و ۳).

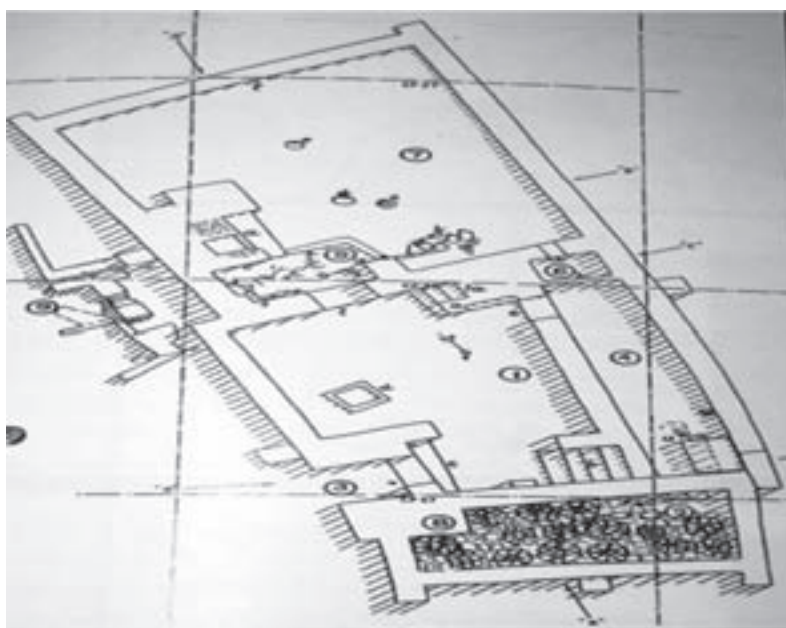


تصویر ۱. نهشته های دوره حصار ۳؛ ماخذ: اشمیت، ۱۳۹۲.





تصویر ۲. ساختمان سوخته؛ ماخذ: اشمیت، ۱۳۹۲.



تصویر ۳. پلان ساختمان سوخته؛ ماخذ: اشمیت، ۱۳۹۲.

۳. علت نامگذاری این بنا این بود که در زمان ورودی بنا؛
۴. کشف، آثار سوختگی و خاکستر به ضخامت حدود ۵۰ تا ۷۰ سانتی متر بر کف آن دیده شد.
۵. مساحت کل این بنا حدود ۲۷۰ متر مربع (۱۰ در ۲۷ متر) است و در مجموع شامل ۹ فضای معماری به این شرح است:
۱. اتاق اصلی: که بر اساس یافته های آن اصلی ترین اتاق این بنا بوده است؛
۲. انبار: که در آن بقایای دست کم ۱۵ خمره بزرگ ذخیره ی آذوقه و چندین ظرف کوچکتر یافت شد؛
۳. اتاق گندم: علت نامگذاری این اتاق یافت شدن مقداری گندم سوخته در آن بود؛
۴. اتاقی سردابی شکل که بین اتاق اصلی و فضای ۴ (آشپزخانه) قرار دارد؛
۵. فضای کوچک سردابی شکل، که بین اتاق گندم و آشپزخانه قرار دارد: این فضا توسط مجرای کوچکی به آشپزخانه راه می یابد؛
۶. فضای معماری موسوم به آشپزخانه؛
۷. جرز مستطیلی شکلی در کنار ورودی که به باور اشمیت برج بوده است؛ و
۸. ورودی بنا؛

۹. توالت که هرچند اشمیت در کارکرد آن تردیدی ندارد اما دلیلی برای این نام گذاری ارائه نمی کند.

شواهدی که اشمیت در حین کاوش این بنا به دست آورد وی را متقاعد کرد که این بنا بر اثر هجوم دشمن و آتش سوزی نابود شده است، در مجموع، شمار ۱۰ اسکلت سوخته در بخش های مختلف این بنا یافت شد، علاوه بر این شمار فراوانی اشیای زینتی از جنس لاجورد، عقیق، مس، طلا، و نقره در میان بقایای سوخته شده یافت شد که حاکی از تخریب ناگهانی بنا بر اثر آتش سوزی است. برخی از این اقسام عبارت بودند از ۷ خنجر مسی، یک جام طلا، و قطعاتی از ظروف و اشیای نقره‌ای و مسی. همچنین، شمار فراوانی سرپیکان سنگی در داخل اتاق ۱ و بیرون ساختمان یافت شد که نشان از درگیری ساکنان این بنا و مهاجمان داشت. به این ترتیب و با در نظر گرفتن تمام شواهد به نظر می رسد که این بنا مقر شخص برجسته استقرار دوره 3B بوده است.

## ۲. تورنگ تپه

محوطه‌ای باستانی با آثاری از اواخر هزاره ششم پیش از میلاد تا دوره ایلخانی در سده هفتم هجری، واقع در هجده کیلومتری شمال شرقی گرگان یا استرآباد قدیم. یکی از مهمترین مراکز استقرار در شمال شرق ایران محسوب می شود. کهنترین آثار استقرار در تورنگ تپه، در کاوشهای تپه کوچک و تپه جنوبی محوطه شناسایی شد. برای سهولت در مقایسه یافته‌ها و گاه‌نگاری، دئی ادوار کهن (نوسنگی، عصر مس و سنگ، عصر مفرغ) فرهنگی تورنگ تپه را مانند طبقه‌بندی لایه‌های تپه حصار نامگذاری کرد. بدین ترتیب، سه عصر بزرگ فرهنگی، که هر یک به دوره‌هایی تقسیم شده، مشخص گردید. رسیدن به لایه‌های سه‌گانه عصر نخست (C) (IAI, IB, I)، به دلیل وجود بستر آب زیرزمینی، ممکن نشد؛ ازین رو، آثار این عصر به خرده سفالهای مشابه فرهنگ جیتون (در نزدیکی عشق‌آباد ترکمنستان) منحصر می شود که در خشک‌ها و لایه‌های ادوار بعدی یافته شده است. شاید فرهنگی واحد در این خطه، با گستره‌ای از دشت گرگان تا جنوب ترکمنستان، در اواخر هزاره ششم پیش از میلاد وجود داشته و به نظر دئی، تورنگ تپه محل استقرار مهمی در حد

فاصل جیتون و غار هوتو در مازندران بوده است. آثار عصر دوم که فقط در گمانه حفر شده در تپه کوچک یافته شده، شامل دو دوره الف و ب (B II A II) است که نامگذاری آنها با وجود یافته‌های متفاوت، منطبق با گاه‌نگاری تپه حصار است. در دوره اول (A II) نخستین سفالهای خاکستری داغدار همراه با سفالهای قرمز منقوش به سیاه یافت شدند که کهنترین نوع سفال خاکستری داغدار در ایران‌اند. در دوره بعدی (B II) سفال خاکستری داغدار کاملاً جانشین سفال منقوش شده است. گفتنی است که هیچ وقفه لایه‌نگاری بین این دو دوره وجود ندارد و تقسیم‌بندی دئی فقط بر مبنای تغییر نوع و شکل سفالینه‌هاست. هنوز روشن نیست این تغییر ناشی از تحولی بومی در ساخت سفال بوده یا اینکه قوم یا اقوام جدیدی سفال خاکستری داغدار را به این ناحیه آورده‌اند. تاریخ نمونه‌ای از یافته‌های واپسین لایه‌های دوره دوم، در حدود ۲۳۷۵ ق م تعیین شده است. در دوره نخست عصر سوم (A III) تغییر محسوسی در یافته‌های معماری مشاهده می شود. با اینکه سفالهای این دوره مشتق از سفال خاکستری داغدار عصر اول‌اند، وجود اشکال جدید حاکی از نوعی تغییر در آنهاست. غنای اشیای یافته شده در قبور این دوره، نشانه شکوفایی اقتصادی تورنگ تپه در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد است که به نظر دئی مرکز مهمی برای تبادلات سنگهای گرانبهای چون لاجورد بوده است. در دوره دوم این عصر (B III) یافته‌های به دست آمده از قبور حکایت از فقر اقتصادی نسبی این دوره دارد که دئی آن را با نظارتی که بین‌النهرین بر راههای تجاری داشت، بی‌ارتباط نمی‌داند. دوره سوم عصر سوم، از مهمترین ادوار فرهنگی تورنگ تپه است. در این دوره - که دئی آن را به دو مرحله C1 III و C2 III تقسیم کرده - منطقه گرگان دستخوش دگرگونی عمده‌ای شده است. تمامی محوطه‌های ترکمن صحرا و دشت گرگان در حدود اوایل هزاره دوم پیش از میلاد متروک شد و فقط مراکز بزرگی چون تورنگ تپه و تپه حصار در جنوب البرز همچنان مسکون ماندند. علت این دگرگونی فرهنگی چندان معلوم نیست، اما در دوره نخست استقرار (C1 III) تورنگ تپه شامل سکوی خشتی تپه بزرگ است که نوع معماری و یافته‌های آن بیانگر همگونی نزدیک آن با محوطه آلتین تپه در ترکمنستان و مُندیگک در افغانستان است. سکوی خشتی تورنگ تپه به ابعاد

۱۳\*۸۰ متر دارای دو طبقه بوده که طبقه فوقانی آن از بین رفته و ارتفاع طبقه زیرین به حدود هشت متر می‌رسیده است. دسترسی به بالای سکوی خشتی از طریق دو شیب احداث شده در نمای بنا میسر می‌شده است. این دو شیب، در میانه نمای غربی احتمالاً به پلکان واحدی می‌رسیده که به بالای سکو راه داشته است. حفاری سکوی خشتی به سبب وجود لایه‌های ادوار متأخر، بویژه دژ ساسانی که بخشهای فوقانی آن را پوشانده، امکان‌پذیر نبوده است اما شواهد معماری و سفالهای به دست آمده از سکوی خشتی و نیز نمونه‌های تاریخگذاری شده از طریق کربن چهارده، قدمت این بنا را به اواخر هزاره سوم پیش از میلاد می‌رساند. دوره دوم از عصر سوم (C2 III) فقط از طریق کفهای تخریب شده در شناسایی شده و ظاهراً هنگامی که تپه حصار در حدود ۱۷۰۰ ق م متروک شده، استقرار در تورنگ‌تپه هنوز برای مدت (شاید تا حوالی ۱۶۰۰ ق م) ادامه یافته است.

### ۳. شاه تپه

در فاصله ۲۹ کیلومتر در شمال غرب گرگان واقع شده است. این محوطه در دهه ۱۹۳۰ میلادی توسط باستان شناس سوئدی، آرنه، کاوش شد. آرنه در لایه‌های آغاز تاریخی سه نوع سازه را شناسایی کرد:

الف) اتاق‌های خانه: خانه‌های مسکونی دارای چهار اتاق ظاهراً مستقل از یکدیگر بود که بخش‌هایی از آنها در لایه‌های مختلف ترانشه‌های A و C در بخش جنوبی محوطه آشکار شد. نقشه آنها تقریباً چهارگوش است و از خشت یا چینه ساخته شده‌اند و برای تقویت و استحکام آنها ستون‌های چوبی در داخل دیوارها کار گذاشته‌اند. آثاری از نیم دایره‌های کوچک از سنگ‌های صاف احتمالاً پوشش کف اتاق می‌باشد. ب) سکو از جنس گل پخته: سکوهایی از جنس گل پخته تنها در ترانشه‌های شرقی دیده شده است. وجود بقایای کوچک و بزرگ اجاق‌های نزدیک به این سکوها را می‌توان به عنوان ارتباط آنها با فعالیت‌های صنعتی (مانند پخت سفال یا ذوب سنگ‌های فلزی) در نظر گرفت.

پ) گور: از بین ۱۷۵ تدفینی که در شاه تپه بدست آمد ۴۳ تای آن مربوط به کودکان بود. تقریباً تمامی تدفین‌ها به صورت منفرد و در چاله‌های ساده انجام شده‌اند.

### ۴. ترکمنستان

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، مطالعه و بررسی فرهنگهای عصر مفرغ ایران در چهارچوب مرزهای سیاسی کنونی ایران ممکن نیست، چرا که مرزهای فرهنگی عصر مفرغ ایران گسترده تر از مرزهای سیاسی امروزی است، از این نظر باید در بررسی فرهنگهای عصر مفرغ به مناطق پیرامونی نیز توجه شود. البته این موضوع در مورد تمام مناطق ایران صدق نمی‌کند. شمال شرق ایران از جمله مناطقی است که شباهتهای بسیاری بین برخی فرهنگهای آن و ترکمنستان وجود دارد. بر اساس یافته‌های باستان شناسی ارتباطات فرهنگی بین این دو منطقه از هزاره ششم ق.م تا دوران‌های تاریخی وجود داشته است. در عین حال ارتباطات و مشابهت‌های فرهنگی بین شمال شرق و شرق ایران با جنوب ترکمنستان بیشتر و پیش از تاریخ در ترکمنستان، در فلات ایران بوده که به احتمال از طریق حرکت‌های جمعی و مهاجرت و جابه‌جایی اقوام به آن منطقه نفوذ کرده است. در دوره‌ی عصر مفرغ ارتباط فرهنگی بین شمال شرق و ترکمنستان افزایش بی سابقه‌ای راه نشان می‌دهد که این امر شاید ناشی از جابه‌جایی و حرکت‌های جمعیتی در کل منطقه آسیای غربی بوده است. در جنوب غربی ترکمنستان رشته کوههایی وجود دارد که در جهت غربی- شرقی قرار گرفته‌اند و به طور معمول کپک داغ (Kopct Dagh) نامیده می‌شوند. بلندترین قله این رشته کوهها به حدود ۳ هزار متر می‌رسد. این رشته کوهها محدوده‌ای را در بر گرفته‌اند که در آن بیشتر استقرارهای پیش از تاریخ پراکنده‌اند. به طرف شمال بین ارتفاعات کپک داغ و کویر قره قوم دشتها و کوهپایه‌های حاصلخیز واقع شده‌اند. بیشتر از ۵۰ رودخانه بزرگ و کوچک آب لازم این دشتها را برای کشاورزی تامین می‌کنند. شرایط دشت موجب شده تا تعداد زیادی از محوطه‌های پیش از تاریخ در زیر سیلاب‌ها مدفون شوند. یکی دیگر از وجود وضعیت جغرافیایی این منطقه تغییر مداوم مسیر رودخانه هاست؛ از این نظر در حال حاضر بسیاری از محوطه‌های باستانی این منطقه در مناطق کم آب و بی آب و کویر واقع شده‌اند.

مهمترین رودخانه جنوب غرب ترکمنستان آمو دریاست، مسیر این رودخانه حدود ۲ هزار و ۵۴۰

کیلومتر است که سرچشمه آن کوههای پامیر است و به دریاچه آرال می ریزد. به نظر می رسد بخشی از مسیرهای این رودخانه در دوران مفرغ تغییر یافته است. از دیگر رودخانه های مهم این منطقه رودخانه های اترک و گرگان رود است که عمدتاً در دشت گرگان جریان دارد و در نهایت به دریای خزر می ریزد. رودخانه های زرافشان و کاشکارود به آمودریا می ریزد. از ارتفاعات رشته کوه های هندوکش رودخانه های دیگری در منطقه جاری اند. منطقه جنوب غرب ترکمنستان سرزمین وسیعی است که از نظر باستان شناسی سه منطقه خاص فرهنگی را آشکار می سازد. شمال کپک داغ اولین منطقه ای است که در آن کشاورزی شروع شده و شبکه آبهای روان در آن به گونه ای است که آب لازم منطقه را در طول تمام فصول سال تامین می کند. دشتهای کپک داغ، گرگان و آمودریا خاک بسیار حاصلخیزی دارند. شرای اقلیمی در صورت وجود آب لارم بهترین وضعیت را برای کشاورزی پیشرفته فراهم می آورد. سومین منطقه، دلتای تجن و مرغاب است. در این دلتا وضعیت عصر مفرغ بیشتر از مناطق دیگر شناسایی شده است. در این دلتا کشاورزی آبیاری گسترش زیادی را نشان می دهد. با وجود شرایط زیست محیطی مناسب، این مناطق در حاشیه تحولات فناوری قرار داشته اند.

در نهایت هنوز تصویر واقعی پیش از تاریخ ترکمنستان روشن نشده است. نمازگاه ۵ معرف دوره برنز قدیم (حدود ۳۰۰۰ - ۲۵۰۰ ق. م) در ترکمنستان است. در دوره مفرغ قدیم ترکمنستان، دامداری و کشاورزی اساس اقتصاد را شکل می داد؛ علاوه بر این وجود صنایع تخصصی با پیداشدن کارگاههای صنعتی در محلهای استقرار مربوط به این دوران مشخص شده است. محلهای استقرار در این دوره حصارهای دفاعی داشته اند. در فضاهای داخلی حصار آنها خیابانهای عریض کشف شده که این موضوع یادآور استفاده از ارابه های چرخ دار در این دوره است. آثار معماری این محوطه ها را در سه بخش مذهبی، صنعتی و مسکونی میتوان بررسی کرد و بخش مذهبی این محوطه ها یادآور زیگوراتهای متداول شهرهای بین النهرین است. استقرارهای بزرگی مثل آلتین تپه به عنوان مرکز روستاهای پیرامونی عمل کردند، اینگونه مراکز تامین کننده نیازهای روستاهای کوچک بوده اند. وجود ساختمانهای یادمانی و اشیاء ساخته شده از

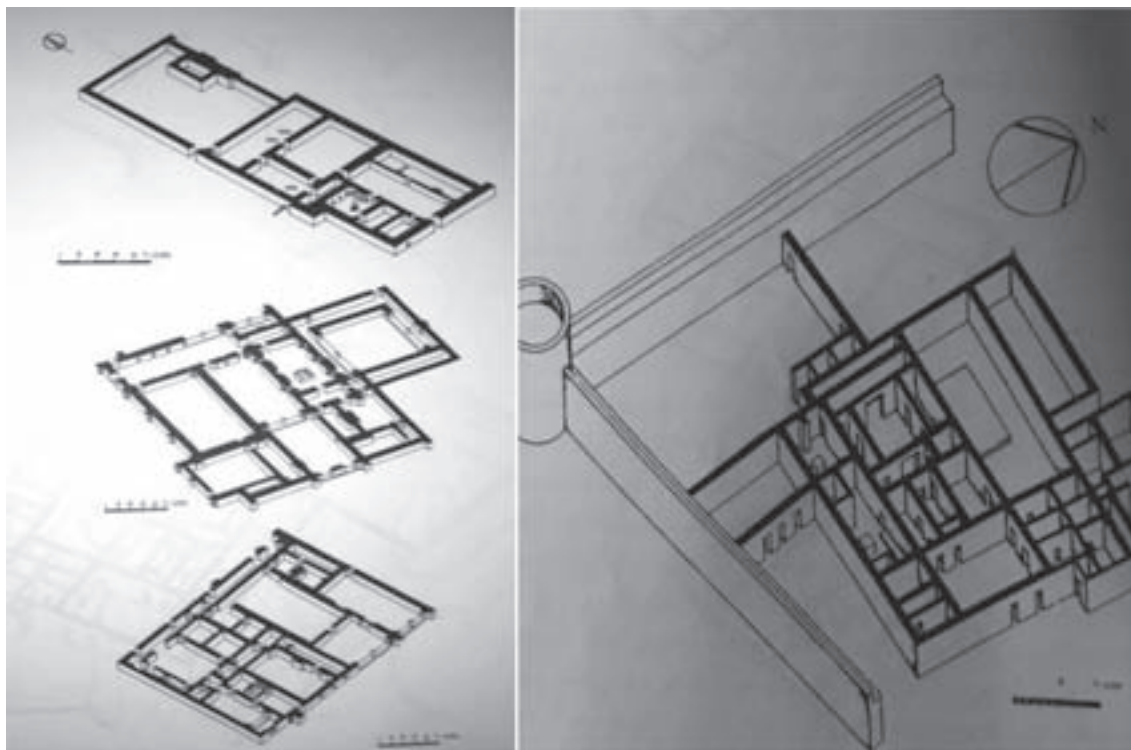
نقره و مفرغ و نیز گستره محوطه ها باستان شناسان را به این نتیجه می رساند که اینگونه محوطه ها ساختار شهرنشینی داشته اند. در آلتین تپه سه منطقه مسکونی که ظاهراً سه طبقه اجتماعی کارگران، صنعتگران و طبقات حاکم و نخبگان تعلق داشته، شناسایی شده است. در این محوطه مردگان بصورت انفرادی و جمعی دفن شده اند. اشیاء داخل قبور نشان طبقه اجتماعی افراد است. بسیاری از واحدهای ساختمانی نیایشگاهها اختصاصی داشته اند.

در دوره مفرغ متاخر (حدود ۲۰۰۰ - ۱۵۰۰ ق. م) کاهش چشمگیری در مراکز جمعیتی و فرهنگ مادی منطقه دیده می شود. به طوری که محوطه های بزرگی مثل آلتین تپه و نمازگاه متروک شده اند. این وضعیت همان طور که اشاره شد در محوطه های شمال شرق ایران نیز مشاهده می شود. در این زمان بر خلاف محوطه های بزرگ تر، محوطه های کوچکتر روستایی، به ویژه در مناطق شرقی و غربی ترکمنستان، به حیات خود ادامه داده اند. از این گونه مناطق سیزده محوطه شناسایی شده که پنج محوطه قبرستان بدون ارتباط با محل استقرار است. سفالهای پیدا شده از این محوطه ها هنوز با چرخ سفالگری ساخته شده اند، اما کیفیت کلی آنها بسیار نازل تر از سفالهای پیشین است. در پایان دوره مفرغ متاخر نشانه هایی از ارتباط محدود فرهنگی با مناطق استپهای جنوب روسیه در بعضی از قبرستان های این دوره مشاهده شده است که از جمله می توان به سفالهای با نقش کنده و علامت سفالگر و نیر سر گرزهای صیقل داده شده سنگی اشاره کرد. بدون شک بر اساس یافته های باستان شناسی هر گونه گسترده استپهای جنوب روسیه به این مناطق در دوره مفرغ متاخر شک برانگیز است. در هر صورت اطلاعات ناکافی از دوره مفرغ متاخر ترکمنستان، هرگونه ارزیابی جدی را ناممکن می سازد. به طوری که دوره مفرغ متاخر را ساپانیدی، باستان شناس روسی که در منطقه فعالیت تحقیقاتی گسترده داشته، دوره انحطاط معرفی کرده است. در عین حال حفاری های جدید نامبرده در محوطه باستانی گونور اطلاعات جدیدی را در رابطه با دوره های مفرغ میانی و متاخر منطقه ارائه می کند که زمینه های لازم را برای تجدید نظر درباره فرهنگهای عصر مفرغ منطقه فراهم می سازد. تپه گونور محوطه باستانی مهم عصر مفرغ ترکمنستان به شمار می آید. این محوطه در دلتای



قدیمی رودخانه مرغاب در جنوب شرق ترکمنستان واقع شده است. این تپه شامل دو بخش شمالی و جنوبی است که کاوشهای باستان شناسی عمدتاً در بخش جنوبی متمرکز شده است. در این بخش آثاری از سه دوره ساخت و ساز کشف شده که آثار دوره اول عبارت است از: معبد کوچک، اتاق ها، انبارها و خانه

های مسکونی. در دوره دوم مجموعه بناهایی کشف شده که به دژ یا قلعه مشهور است. نقشه دژ به شکل صلیب بوده و برجهایی در دوازده گوشه آن تعبیه شده است. بناهای دوره سوم متشکل از قلعه و تعدادی خانه های مسکونی است. هر سه دوره ساختمان سازی مربوط به عصر مفرغ است (تصاویر ۴ و ۵).



تصویر ۴. نمونه بناهای ساختمانی دوره سوم؛ و تصویر ۵. نمونه بنای دوره سوم؛ ماخذ: نگارنده.

به نظر می رسد مجموعه ساختمانها مربوط به یک مرکز سیاسی- مذهبی بوده، به طوری که متشکل از قلعه و معبد و تعدادی خانه های مسکونی است. از سوی دیگر در اطراف این محوطه حدود ۲۰۰ محوطه کوچک تر وجود دارد. ساریانندی گونور را مرکز سیاسی و مذهبی می داند. با وجود این، به نظر می رسد تپه گونور در دوره دوم حیات خود مرکزیت مذهبی خود را از دست داده است؛ به طوری که در این دوره آثاری از معبد در مجموعه ساختمانها دیده نمی شود. افزون بر این، در دوره سوم ساختمانهای کشف شده یادآور سکونت مردمان عادی و محلی است و در این دوره در انطباق با دیگر یافته های باستان شناسی در

محوطه هایی مثل نمازگاه و آلتین تپه، تپه گونور به دوره افول و انحطاط در عصر مفرغ متاخر نزدیک می شود. به رغم شباهتها و همانندی های فرهنگی که بین فرهنگهای عصر مفرغ شمال شرق و شرق ایران و ترکمنستان وجود دارد، می توان ویژگی ها و شاخصههایی را برای عصر مفرغ ترکمنستان در نظر گرفت که عبارتند از:

۱. استفاده از چرخ سفالگری در ساخت ظروف سفالی (باید در نظر داشت استفاده از این فناوری در سفالگری ایران حدود هزارسال زودتر از ترکمنستان شروع شده بود)
۲. استفاده از کوره های سفالپزی پیشرفته به جای کوره های ابتدایی



۳. ساخت و پرداخت ظروف سنگی
۴. پیشرفت فلزکاری
۵. استفاده از انواع مهرهای سنگی و سفالی و فلزی

### نتیجه گیری و جمع بندی

با توجه به مدارک و شواهد بر جای مانده در خصوص بقایای معماری عصر مفرغ در حوزه شمال شرق ایران، همگونی خاصی میان فضاهای معماری ایجاد شده در هر محوطه این حوزه دیده می شود که به طور کلی می توان این تغییرات را پایه ایجاد بافت های معماری برجای مانده از عصر مفرغ دانست:

۱. طی این دوران، علاوه بر پیشرفت های سفالگری، پیشرفتهای دیگری نیز زخ داده است بدون تردید پیشرفت و نو آوری در زمینه فلزکاری از مهمترین آنها به شمار می رود. بر خلاف فن آوری سفالگری، فلزکاری مستلزم فناوری نسبتاً پیچیده ای در زمینه شناخت و واکنش مواد متنوع در شرایط تولید است. طی این دوران، ذوب، عمل آوری و قالب گیری اشیاء و ساخته های مسی در مراکز خاصی از فلات ایران رایج بوده است، که در تمامی این موارد احتیاج به کارگاه ها، کوره ها و بوت های ذوب مواد بوده است. پس بدین ترتیب ایجاد کارگاه های صنعتی، یکی از فضاهای معماری مورد نیاز بشر بوده است.

۲. در آغاز هزاره سوم ق.م و هم زمان با شروع تحولات عصر مفرغ، شیوه های تدفین مردگان که ارتباط مستقیم با الگوهای اعتقادی مردم داشت دگرگون شد. تبیین جنبه های غیرمادی فرهنگهای پیش از تاریخ ایران همواره به دلیل نبود رهیافتهای نظری و روش شناختی مناسب یکی از پیچیده ترین شاخه های پژوهشی بوده است. یکی از مهمترین داده های منسجم که بیشترین اطلاعات را درباره جنبه های معنوی فرهنگهای پیش از تاریخ در اختیار ما قرار می دهد قبور و سنتهای تدفین جوامع پیش از تاریخ است. شیوه ها

و سنتهای تدفین مردگان در فلات ایران از آغاز کشاورزی و استقرار دائم در روستاها تحت تاثیر باورهای اعتقادی جوامع آن روزگار بوده است. در این دوران طولانی، مردگان را در زیر کف محلهای مسکونی دفن می کرده اند، اعتقاد به ارواح و زندگی پس از مرگ، قراردادن هدایا در قبر، اندود کردن جسد با گل اخرا از شاخص های عمده سنت تدفین در این دوران است. این سنت ها پیش از تاریخ تا آغاز عصر مفرغ در ایران تداوم داشته است. در این دوره سنت دفن مردگان در زیر کف خانه های مسکونی متروک شده و به صورت دفن مردگان در قبرستانها معمول شده است که عموماً خارج از محل زیست و فعالیت های تولیدی قرار داشته اند.

پس همانطور که مشهود است ایجاد تغییرات در نگرشهای آیینی و باوری، ایجاد مکان ها و فضاهایی را جهت امور معنوی و مذهبی می طلبد و این دلیلی است بر ایجاد شکل گیری فضاهای آیینی و معابد پیش از تاریخ. با توجه به تحولات اواخر هزاره چهارم ق.م در ایران می توان تفاسیر متفاوتی از جمله انتساب این تحولات به آغاز دوره «شهرنشینی» نام برد، که در برگرنده دورانی است که جوامع باستانی زندگی در روستاها را پشت سر گذاشته و به تدریج در مراکز بزرگتر و پر جمعیت تر ساکن شده اند. ترک روستانشینی و آغاز شهرنشینی یکی از تحولات عمده و جریان ساز بشری بوده است که به درستی «انقلاب شهرنشینی» نامیده می شود. در این دوران فراوانی محصولات کشاورزی و تولیدات صنعتی به طور فزاینده مبادلات بازرگانی را افزایش داد. افزون بر ساختمان منازل مسکونی، ساختمان های بزرگ که عمدتاً مراکز مذهبی بودند، بنا شدند و در پیرامون آن مراکز تجاری و داد و ستد ایجاد شد.

## مراجع و ماخذ

۱. اشمیت (۱۳۹۲) گزارش کاوش محوطه تپه حصار دامغان، ترجمه کورش روستایی، میراث فرهنگی استان سمنان
۲. شه میرزادی، ملک (۱۳۸۲) باستان شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی، تهران، پژوهشکده باستان شناسی و سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.
۳. طلایی، حسن (۱۳۸۵) عصر مفرغ ایران، تهران، انتشارات سمت.
۴. عباسی، قربانعلی (۱۳۹۰) نرگس تپه، تهران، گنجینه نقش جهان.
۵. ویت، مری و رابرت دایسون (۱۹۳۹) گاه‌نگاری ایران از ۸۰۰۰ سال تا ۲۰۰۰ ق م، ترجمه اکبرپور فرج و احمد چایچی امیرخیز، انتشارات فصل باران، ۱۳۸۲.
6. Arne, T, J., 1945: Excavation at Shah Tepe, Iran, Stockholm.

## تحلیل هندسه نقوش آجرکاری پشت بقل ایوان‌های مسجد حکیم اصفهان بر پیدایش فنون بصری

بهناز سرتیپی - دانشجوی دکتری معماری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.  
نیما ولی بیگ\* - استادیار دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

### چکیده

انسان‌ها همواره در حال دریافت اطلاعات از محیط اطراف خود هستند. در معماری بخش اعظمی از این پیام‌ها از طریق تزئینات در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد. این تزئینات دارای هندسه‌های ارزشمندی است که هر کدام ویژگی‌های متفاوتی دارد و تحلیل این فنون و ویژگی‌ها سبب خوانش طرح و درک علل ادراکات بصری متفاوت است. در واقع فنون بصری به شکل مستقیم از نحوه چینش آجرها و چگونگی ترکیب آجر و کاشی و نحوه توزیع رنگ‌ها در طرح و همچنین نوع گره تاثیر می‌پذیرد. پژوهشگران دیگر فنون بصری را از دیدگاه ساختار کالبدی بنا و ترکیب بندی در نقاشی‌ها بررسی کرده‌اند. این مقاله برای نخستین بار فنون بصری را از دیدگاه هندسه نقوش آجرکاری پشت بقل ایوان‌های مسجد حکیم اصفهان مورد بررسی قرار می‌دهد. روش تحقیق پژوهش از دیدگاه چپستی، کیفی و براساس هدف، کاربردی است. داده‌های این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. جستار پیش روی بر آن است تا تاثیر هندسه نقوش آجرکاری بر فنون بصری را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. این پژوهش ابتدا به مدل سازی نمونه‌های مورد بررسی پرداخته و فنون بصری مورد نیاز را استخراج کرده و سپس با تجزیه طرح‌ها به بازنمایی ویژگی‌های فنون بصری نهفته در دو قالب کلی تعادل و نظم خواهد پرداخت. بررسی‌های انجام شده آشکار ساخت که چینش‌های گوناگون (اندازه و زاویه چینش آجر)، ترکیب رنگ‌های متفاوت و ادغام آجر و کاشی باعث پدید آمدن فنون بصری گوناگون در چهارچوب تعادل و نظم شده است.

**واژگان کلیدی:** هندسه نقوش آجرکاری، فنون بصری، تعادل، نظم، ایوان‌های مسجد حکیم

### Analysis of the geometry of bricks behind the vaults of the Hakim Mosque in Isfahan on the emergence of visual techniques

#### Abstract

People are always receiving information from their surroundings. In architecture, much of these messages are delivered through decorations. These decorations have valuable geometries, each of which has different characteristics, and the analysis of these techniques and features makes it easier to read and understand the causes of different visual perceptions. In fact, visual techniques directly affect how bricks are stacked, how bricks and tiles are combined, and how the colors are distributed in the design as well as the type of knot. Other researchers have examined visual techniques from the point of view of the physical structure and composition of the paintings. This article examines for the first time visual techniques from the perspective of the geometry of bricks behind the courtyards of the Hakim Mosque of Isfahan. The methodology of the research is qualitative, in terms of purpose, applied. The data of this research have been compiled by library and field method. The aim of this study is to analyze the impact of brickwork geometry on visual techniques. This research first explores the modeling of the samples and extracts the visual techniques required and then decomposes the designs to represent the features of the visual techniques in two general forms of equilibrium and order. The investigations revealed that various shapes (size and angle of the bricks), the combination of different colors and the integration of bricks and tiles created various visual techniques in the framework of balance and order.

**Keywords:** Geometry of brickwork - visual techniques - balance - order - porch of Hakim mosque

\* این مقاله برگرفته از بخشی از پایان نامه ی دکترانگارنده اول تحت عنوان «بازشناسی ادراک بصری بر پایه هندسه نقوش آجرکاری قاب بندی‌های بدنه‌های درونی مسجد حکیم اصفهان با رویکرد اثرگذاری بر مخاطب» است که به راهنمایی نگارنده دوم به انجام رسیده است.  
نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۲۲۳۴۴۳۵۳؛ رایانامه: n.valibeig@auti.ac.ir

و پیچیده‌تر می‌شوند (ملکی نژاد، ۱۳۸۸، ص ۹۷) و معماران توانسته‌اند با استفاده از هندسه به ایجاد نظم، هماهنگی، رعایت اصول سلسله مراتب و آراستگی در بناها پردازند (پاکدامن، ۱۳۹۲، ص ۴۵) و به بیان دیگر هندسه قادر به برانگیختن روح برای تعمق در مراتب عالی‌تر ادراک است (بمانیان، ۱۳۸۹، ص ۱۸). در این پژوهش با بررسی هندسه به کار رفته در نقوش آجرکاری پشت بقل ایوان‌های مسجد حکیم می‌توان به تحلیل فنون به کار رفته در این نقوش ارزشمند پرداخت که این امر موجب درک بهتر نقوش و خواناسازی آن‌ها و رسیدن به نقاط اشتراک و اختلاف این نقوش می‌شود و همچنین عدم بررسی نقوش و باز نمود فنون بصری نهفته در آن‌ها به آرامی سبب فراموشی اندیشه‌های پیشینیان که در غالب این مفاهیم جاری شده می‌شود و شکافی بین نسل گذشته (تولید کننده) و نسل امروز (مخاطب) پدید می‌آید.

۱. به چه میزان تنوع طرح و فرم آجرها در پیدایش تعادل و نظم تأثیرگذار است؟  
 ۲. چه ویژگی‌های مشابه و متفاوتی در آذین‌های آجری پشت بقل ایوان‌های مسجد حکیم اصفهان قابل تشخیص است؟  
 در این پژوهش پس از بررسی منابع مکتوب، پیشینه پژوهش و روش تحقیق به معرفی نمونه مطالعاتی پرداخته و پس از آن اصول و مبانی فنون بصری که در دو غالب تعادل و نظم گنجانده شده استخراج و در ادامه به وسیله این فنون نمونه‌های مورد مطالعه تحلیل و بررسی شد و نتیجه حاصله به دست آمد.

### پیشینه تحقیق

از آنجا که در محیط‌های زندگی اطلاعات بصری زیادی هستند و بیشتر این اطلاعات برای افرادی قابل درک است که آنها را بشناسند و زمان کافی و امکان درک آن‌ها را داشته باشند، انسان مجبور است از طریق نظم، تصویر کلی آن را در ذهن خود به دست آورد تا از این طریق ادراک محیط برای او آسان‌تر شود (غفاری سده، ۱۳۷۱، ص ۷۳) در واقع ذهن انسان برای درک و احساس یک تصویر به طور ناخودآگاه به تجزیه و دسته‌بندی اجرای آن

انسان همواره با محیط اطراف خود در رابطه و تعامل بوده‌است و با استفاده از ابزارهای گوناگون به درک محیط پیرامون خود می‌پردازد. عمده‌ترین پیام‌ها از طریق چشم و قوای بصری پدید می‌آیند. به عبارت دیگر یکی از راه‌های برقراری ارتباط استفاده از حواس بینایی است، دیدن جهان بینی را عوض می‌کند و باعث ایجاد درک عمیق می‌شود (شاکری راد، ۱۳۸۱، ص ۱۵). شناخت فنون بصری و درک مفاهیم نهفته در آن‌ها وابسته به دانش درک مبانی بصری است. الفبای این دانش متأثر از نوع خط، ابعاد، اندازه و نحوه قرارگیری اجزا در طرح است. در واقع برای رسیدن به معنای موردنظر، ترکیب‌بندی آن بسیار حائز اهمیت است و در جلب توجه بیننده نقش بالایی دارد (داندیس، ۱۳۹۵، ص ۴۵)؛ چرا که در هر کمپوزیسیون فنون با شیوه‌های متفاوتی به کار برده شده‌است. یکی از تأثیرگذارترین بخش‌هایی که انسان با آن در ارتباط قرار می‌گیرد کالبد بیرونی بناها است. مخاطب به ناچار برای انجام فعالیت‌های خود در شهر قرار می‌گیرد و بخش‌هایی از محیط شهری از جمله جداره‌ها را تجربه و با آن‌ها درگیر می‌شود (carmona, 2003:130). بسیاری از این جداره‌ها دارای تزیینات بسیار نفیسی در سطح بدنه‌های خود هستند و از این طریق به ایجاد ارتباط با مخاطب می‌پردازند. یکی از این تزیینات آجرکاری‌ها هستند، آجر یکی از پرکاربردترین مصالح در معماری ایران است (پیرنیا، ۱۳۸۱) و شرایط اقلیمی باعث شده است آجر اصلی‌ترین نقش را در ساخت و سازهای معماری ایفا کند (بزرگمهری، ۱۳۹۲). این نقش و نگارهای هندسی از لحاظ شکل متفاوتند ولی از لحاظ فنون به کار رفته مشابه هستند (کیاسری، ۱۳۹۰، ص ۲۶) و به وسیله فنون بصری به بیان بصری با معانی گوناگون می‌پردازند و در واقع هر یک از فنون بصری نقشی در به وجود آوردن محتوای پیام دارند (داندیس، ۱۳۹۵، ص ۷۵)؛ هندسه دانشی است که ابزارهای خاصی را در اختیار هنرمند قرار می‌دهد تا احساسات و تفکرات خود را به وسیله آن‌ها به سایرین منتقل کند (وفامهر، ۱۳۹۱، ص ۲۳۸). نقش‌های هندسی برپایه قوانین نظم و تعادل زیباتر

ترکیب می‌پردازد (لطیفی علویجه و قرائی، ۱۳۹۲، ص ۲). در این راستا فنون بصری متفاوتی مطرح می‌شود و به طراح این امکان را می‌دهد که به بیان بصری با معانی گوناگون بپردازد (داندیس، ۱۳۹۵، ص ۱۷۵) این فنون توسط پژوهشگران گوناگونی مورد بررسی و دسته‌بندی قرار گرفته است (داندیس، ۱۳۹۵) و (آرنه‌ایم، ۱۳۹۲) و (مایس، ۱۳۹۰) و (بمانیان، ۱۳۸۹) و (چنگ، ۱۳۹۵) و (لنگ، ۱۳۹۱) و (می‌یر، ۱۳۹۲) و (ونگ، ۱۳۸۰) و (مورن، ۱۳۷۹) و (پیروزفر، ۱۳۸۱) و (پاکباز، ۱۳۷۹). در نوشتاری دیگر این فنون در غالب اصول سازماندهی تصویر در سه دسته فضایی، ساختاری و نظم دهی دسته بندی شده است (بل، ۱۴۹۴) و پژوهشگری فنون را درخانه‌های قدیمی (مختاریان، ۱۳۹۰) و دیگری فنون و نظم بصری را در پلان خانه بررسی نموده است و بر این اعتقاد است که نما، خط آسمان و پلان خانه‌های سنتی بانظمی خاص ادراک می‌گردند (سانتلی، ۱۳۹۲) و همچنین می‌توان دید در منابعی دیگر فنون و هندسه روی پلان‌ها تحلیل شده است (عمومی، ۱۳۸۷) و از این بین پژوهشگرانی فنون را روی بناهای شاخص مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند (کلارک و پاوز، ۱۳۹۵) و در جستاری دیگر به بررسی ساختار بصری در غالب نظم پرداخته شده است (حسین زاده دلیر و آشنا، ۱۳۹۰) و (موسوی فر و شمیلی، ۱۳۹۱) و محققان نیز به بازخوانی مفهوم تضاد در ارتقا تنوع بصری پرداخته و معتقد است استفاده از تضاد در شهر نه تنها دلیل بر تقابل با زمینه نیست بلکه استفاده صحیح و به‌جا از آن می‌تواند باعث تنوع، سرزندگی و دلپذیری محیط شود (ارباب زادگان هاشمی و رنجبر، ۱۳۸۸) و در منابعی دیگر الگوهای ساختاری از جمله تعادل، ریتم و تقارن در میدان امام حسین تهران بررسی و تحلیل شده است (مدیری و نوراللهی اسکویی، ۱۳۹۳). برخی از پژوهشگران به بررسی پاره‌ای از این فنون در غالب مکتب روانشناسی گشتالت پرداخته‌اند (غلامی رستم و همکاران، ۱۳۹۳) و (بدلرزاده و دولتی مهر، ۱۳۹۳) و (سرتپی و ولی‌بیگ، ۱۳۹۶) و (شاهزمانی و قاسمی، ۱۳۹۶) که این قوانین توسط محققانی چون (kohler, 1929) و (hochbag, 1904) و (کپس، ۱۳۹۲) مدون گردیده

است. در این پژوهش به دنبال تحلیل هندسه نقوش آجرکاری مسجد حکیم اصفهان، هندسه نقوش مورد بررسی قرار گرفت. در واقع هندسه به علت ایجاد نظم کاربری‌های بسیاری در فضای معماری داشته است (پاکدامن، ۱۳۹۲، ص ۱۴۵) و استفاده از اصول هندسی در نقشه‌ها و نماها که باعث ایجاد نظم می‌شود را می‌توان از ویژگی‌های هنر اسلامی دانست (ویلسون، ۱۳۸۰، ص ۲۱). در خصوص هندسه نیز پژوهشگران زیادی فعالیت کرده‌اند (ابوالوفای بوزجانی، ۱۳۹۲) و (رییس‌زاده و مفید، ۱۳۸۹) و (پورنادری، ۱۳۷۹) و (پیرنیا و معماریان، ۱۳۷۸) و همچنین به کمک دانش هندسه می‌توان نقوش هندسی را ترسیم، تحلیل و اجرا نمود (زمرشیدی، ۱۳۸۶). برخی پژوهشگران این نقوش را بر مبنای ساختار شکل‌گیری آن (پیرنیا، ۱۳۷۰) و برخی دیگر بر مبنای شکل‌های اصلی به کار رفته در نقوش (قراگوزلو و حاتم، ۱۳۹۳) بررسی کرده‌اند. محققانی دیگر مطالعه‌ای در نقوش هندسی تزیینات معماری در سه مسجد داشته‌اند (خوارزمی و همکاران، ۱۳۹۱).

### روش تحقیق

داده‌های این پژوهش ترکیبی از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی است. داده‌های میدانی از طریق برداشت نماهای آجری مورد نظر از لحاظ چگونگی قرارگیری آجرها و نحوه ترکیب با کاشی و رنگ‌های به کار رفته به دست می‌آید. نمونه مورد بررسی در این پژوهش نقوش آجرکاری هر چهار ایوان مسجد حکیم اصفهان است که پس از برداشت، پیاده‌سازی و ترسیم شده است و پس از آن اصول و مبانی فنون بصری در دو غالب کلی نظم و تعادل که هر یک دارای زیرشاخه‌هایی است بر روی نمونه‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار داده شد. ابزار پژوهش در قسمت گردآوری داده‌ها، ابزارهای جمع‌آوری کتابخانه‌ای شامل کتاب‌ها، مقالات و مجلات و ابزارهای جمع‌آوری داده‌های میدانی شامل ابزارهای اندازه‌گیری و تصویر برداری است و برای تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای ترسیمی، Power point Photoshop، Autocad2D استفاده شده است. هدف پژوهش پیش روی کاربردی و شیوه مورد استفاده در آن



غیرتجربی است و دارای بخش‌هایی تحقیق میدانی و توصیفی است و ساختار آن در دسته شیوه روش حل مسئله قرار دارد.

### معرفی نمونه مطالعاتی: (آجرکاری پشت بقل ایوان‌های مسجد حکیم اصفهان)

مسجد حکیم از مساجد اواخر دوره صفویه در منطقه بابالدشت اصفهان است و بانی این مسجد، حکیم محمد داوود بوده که به همین علت این مسجد به حکیم شناخته شده است (شاردن، ۱۳۷۳، ص ۶۲) و به علت اینکه در محل مسجد قدیم جورجیر ساخته شده است به نام مسجد جورجیر شناخته می‌شود (جابری انصاری، ۱۳۷۸، ص ۱۱۸). در نقوش آجرکاری مسجد حکیم از شکل‌های هندسی و گره‌های متنوعی همچون گل انداز، سلی، کند، پیلی و ... استفاده شده که با خط کوفی، خط بنایی معقلی و ساده و خط نستعلیق آمیخته شده است. این مسجد چهار ایوان دارد که دارای آجرکاری‌های بسیار نفیسی هستند که با تقسیماتی که روی آن‌ها انجام گرفته و ترکیب‌هایی که از کاشی و اشکال هندسی در دل آجرها داده‌اند زیبایی بی‌حدی به نماها داده است.

### فنون بصری

فنون بصری به طراح این امکان را می‌دهد که به بیان بصری با معانی گوناگون پردازد و هر یک نقشی در به وجود آوردن محتوای پیام دارند (داندیس، ۱۳۶۸، ص ۱۷۵). در این پژوهش این فنون در دو دسته تعادل و نظم گنجانده شده است.

### ۱-۵- تعادل

نیاز به حفظ تعادل یکی از اصلی‌ترین عوامل فیزیکی و فیزیولوژی تأثیرگذار بر حواس انسان است و محورهای عمودی و افقی تأثیر گذارترین عواملی هستند که به وسیله آن‌ها میزان تعادل سنجیده می‌شود. به این دو محور بصری، محور محسوس می‌گویند زیرا با آن که دیده نمی‌شوند یک عامل ثابت ناخودآگاه هستند (داندیس، ۱۳۶۸، ص ۴۹). عواملی که روی تعادل اثر می‌گذارند عبارت‌اند از:

۱. جهت حرکت: عناصری که در جهت مخالف

- هم حرکت می‌کنند دارای تعادل هستند.
۲. اندازه: شکل‌های بزرگتر قوی‌تر از شکل‌های کوچکتر هستند.
۳. تراکم: شکل‌های بسته منظم قوی‌تر از شکل‌های باز منظم هستند.
۴. توپر بودن: شکل‌های توپر از شکل‌های توخالی قوی‌تر هستند.
۵. رنگ: رنگ‌های تیره قوی‌تر از رنگ‌های روشن هستند.
۶. وضعیت: شکل‌های عمودی قوی‌تر از شکل‌های افقی هستند (بل، ۱۳۹۴، ص ۱۷۲). تعادل را می‌توان به معنای موازنه کردن نیروها نیز دانست (آرنه‌ایم، ۱۳۹۲، ص ۲۸۸). انواع تعادل عبارت است از:
  ۱. تعادل متقارن: در این نوع تعادل از قرینه‌سازی اشکال استفاده می‌شود که قدیمی‌ترین روش ایجاد تعادل است (پاکباز، ۱۳۷۹، ص ۶۵).
  ۲. تعادل نامتقارن: که به سه صورت وجود دارد: به واسطه وزن: این تعادل شبیه اهرمی است با نقطه اتکایی در وسط. به واسطه میل روانی: در این تعادل حس کنجکاو می‌کند و نشانه‌های تأثیرات وزن را خنثی می‌کند و نشانه‌های خاص موجب برانگیختن عواطف می‌شوند که عاملی در ایجاد تعادل می‌شود (پاکباز، ۱۳۷۹، ص ۱۶۵). تعادل به واسطه تباين: این تعادل از کشمکش بین عناصر متضاد به وجود می‌آید (آقاخانی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۲).
  - تقارن: تقارن یکی از مفهومی‌های نظم است (مایس، ۱۳۹۰، ص ۲۶۲) و (بمانیان، ۱۳۸۹، ص ۵۸) و به وسیله قرینه‌سازی به دست می‌آید به این ترتیب یک محور تقارن در مرکز ترکیب-بندی وجود دارد و عنصرها در دو طرف به صورت قرینه قرار گرفته‌اند (کیاسری، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴) و (چینگ، ۱۳۹۵، ص ۱۴۸). اگر در یک تصویر نیروها و میدان آنها کیفیت و قدرت برابر داشته باشند تعادل به وجود می‌آید ولی تعادلی بدون کشش، ایستا و بدون روح است (لنگ به نقل از کیس، ۱۳۹۱، ص ۲۲۲). تقارن به دو نوع دو طرفه و شعاعی تقسیم می‌گردد (چینگ، ۱۳۹۵، ص ۳۴۸). ترکیب‌های متقارن،

طرح‌هایی تشریفاتی، آرام و پایدار ایجاد می‌کنند (بل، ۱۳۹۴: ۱۹۵) و بیان‌کننده هماهنگی و آرامش هستند (می‌یر، ۱۳۹۲، ص ۱۱۸). در معماری استفاده از تقارن بر دو نظریه متفاوت استوار است:

۱. تقارن به منزله اصلی زیبا شناختی: تقارن همچون اصلی مطلق است و از آن سرباز نباید زد (مایس به نقل از پالادیو، ۱۳۹۰، ص ۱۷۰).
  ۲. تقارن به منزله اصلی ساختمانی: قوس تیزه دار دارای تقارن است و باید بر منطقی بودن و مبانی ایستایی آن تاکید شود (مایس به نقل از ویوله لودو، ۱۳۹۰، ص ۱۷۰).
- نامتقارن: در سازمان‌دهی زنده حرکت‌ها از نظر اندازه و کیفیت بصری متفاوت هستند اما از نظر نیروی فضایی با هم برابر هستند که در این حالت تعادلی پویا ایجاد می‌شود (لنگ، ۱۳۹۱، ص ۲۲۲). در این فن طرح‌ها از نظر وزن دارای تعادل هستند ولی قرینه نیستند (داندیس، ۱۳۷۸، ص ۱۵۹). در کارهای بسیاری از عدم تقارن برای کارهای آزاد و بی‌تکلف استفاده می‌شود (بل، ۱۳۹۴، ص ۱۹۵). لازم به ذکر است عدم تقارن به معنای تضاد، ناسودگی و احساس شدید است (می‌یر، ۱۳۹۲، ص ۱۲۰) و طرح‌های نامتقارن ناپایدار و ناآرام هستند (بل، ۱۳۹۴، ص ۱۹۵).
  - نامتعادل: ناپایداری حالت نداشتن تعادل است و از نظر بصری بسیار ناآرام و تحریک‌کننده است (داندیس، ۱۳۶۸، ص ۱۵۷).

## ۵-۲- نظم

نظم در لغت به معنای آراستن - ترتیب دادن - به رشته کشیدن مروارید - کلام موزون و با قافیه. نظم به معنای وجود نظام و قانونمندی در هر چیزی است (بمانیان، ۱۳۸۹، ص ۱۷). زمانی که نظم به صورت کیفیتی باشد که بتوان آن را پذیرفت یا نپذیرفت، چیزی جز سردرگمی باقی نخواهد ماند. نظم باید همچون اصلی برای تمامی سیستم‌های مورد قبول قرار بگیرد. یک اثر هنری و معماری هم اگر فاقد نظم باشد نمی‌تواند به اثری ماندگار تبدیل شود. نظم در تمامی درجات پیچیدگی نیز

می‌تواند وجود داشته و اگر نظم نباشد بیان آن‌چه یک هنر می‌خواهد بگوید امکان‌پذیر نیست (چینگ به نقل از آرنهایم، ۱۳۹۲، ص ۱۳۷). نظم تنها منطق قابل فهم برای بشر است به همین دلیل برای به وجود آوردن آثار معماری هدفمند، ترتیب عوامل و طرح‌ها اساسی است (گلزار، ۱۳۶۳، ص ۲۳). روانشناسان گشتالت اساس زیبا شناختی محیط را نظم می‌دانند، این نظم شامل محیط ایستا از یک نقطه دید و محیط پویا از نقطه‌های دید متوالی است (لنگ، ۱۳۹۱، ۲۲۶). تحلیل‌های انجام شده نشان می‌دهد هر چه قدر ساختارهای فضایی نظم بیشتری داشته باشند تصور انسان‌ها از آن ساختار به هم نزدیک‌تر است (آرنهایم به نقل از لینچ، ۱۳۹۲، ص ۲۲۲). عوامل موثر در پیدایش نظم عبارت‌اند از:

۱. نظم در تکرار و همانندی: چشم چیزهای همانند را در یک دسته جای می‌دهد حتی اگر اندکی متفاوت باشند (مایس، ۱۳۹۰، ص ۳۷).
۲. نظم در عناصر موجود ناهمگون: به وسیله ویژگی‌های تقریباً مشترک عناصر در یک دسته قرار می‌گیرند (بمانیان، ۱۳۸۹، ص ۲۸).
۳. نظم در نزدیکی: چشم عناصری که نزدیکتر به هم هستند را در یک دسته‌بندی قرار می‌دهد (بل، ۱۳۹۴، ص ۱۵۰).
۴. نظم از حصار یا زمینه مشترک: وجود حصار باعث خواهد شد عناصر بیرون و درون آن در دو دسته مجزا قرار گیرند حتی اگر اشکال ناهمگون باشند.
۵. نظم در توازی و همگرایی: چشم عناصری که در موقعیت مشابه قرار دارند در یک دسته قرار می‌دهد مانند عناصر قائم، افقی و غیره (مایس، ۱۳۹۰، صص ۳۹-۴۰).
۶. نظم در همگونی و بافت: چشم زمانی بافت را درک می‌کند که اجزا نزدیک، همانند و متعدد باشند.
۷. نظم و هم راستایی: نوعی ترکیب است که در آن نظم از تکرار عناصر هم راستا به وجود می‌آید و تمام بخش‌ها دارای اهمیت یکسان هستند و در یک دسته قرار می‌گیرند.
۸. نظم و تدریج: عناصری که به تدریج شکل،

پیچیده باشد، بازهم منظم است و میزان پیچیدگی منظم در واقع همان میزان نظم است (لنگ به نقل از آرنهایم، ۱۳۹۲، ص ۲۱۱). نظم بدون تنوع نیز باعث ایجاد یکنواختی می‌شود و تنوع بدون داشتن نظم هرج و مرج ایجاد می‌کند پس باید حسی وحدت دهنده در کنار تنوع باشد (چینگ، ۱۳۹۵، ص ۳۳۸).

## دسته بندی و تحلیل‌ها

فنون بصری گوناگون در چهارچوب تعادل و نظم بر روی نقوش آجرکاری پشت بقل ایوان‌های مسجد حکیم اصفهان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

اندازه و جهت خود را عوض می‌کنند در یک دسته قرار می‌گیرند در عالم طبیعت نیز دگرگونی‌های فضایی از یک الگو به الگو دیگر وجود دارد.

۹. نظم و سلسله مراتب: سلسله مراتب بیانگر عناصر اولیه و ثانویه است و بین این عناصر وابستگی وجود دارد..

۱۰. نظم و تضاد: بین دو عنصر متضاد که روی هم قرار گرفته‌اند نظم برقرار می‌شود.

۱۱. نظم و تقارن: عناصر دارای تقارن در یک دسته هستند (بمانیان، ۱۳۸۹، ص ۳۴).

ساده‌ترین صورت نظم از هماهنگی اجزا حاصل می‌شود و نظم‌های پیچیده‌تر لذت بیشتری به وجود می‌آورند. یک ساختار به هر میزان هم



نمودار ۱. دسته بندی تحلیل‌های انجام گرفته از فنون بصری؛ تدوین: نگارندگان، ۱۳۹۶

جدول ۱. تحلیل آجرکاری ایوان‌های شمالی و جنوبی مسجد حکیم اصفهان؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

پشت بقل ایوان جنوبی	پشت بقل ایوان شمالی	
 <p>تبادل نامتقارن</p> <p>تصویر قاب در نگاه کلی دارای تقارن است ولی به علت وجود خط نوشته در جزئیات طرح، تقارن تا حدودی از بین رفته است.</p>	 <p>تبادل متقارن دو طرفه</p> <p>با توجه به تصویر قاب، الگوهای هندسی به کار رفته دارای تقارن دو طرفه است.</p>	۱
 <p>تبادل (جهت حرکت)</p> <p>تکرار عناصر مشابه در طرح سبب ایجاد حرکتی مایل میشود و در دو سمت قاب تعادل ایجاد میکند.</p>	 <p>تبادل (جهت حرکت)</p> <p>در تصویر، چشم در جهت تکرار عناصر بزرگتر حرکت میکند و دارای حرکت مایل در دو سمت قاب است.</p>	۲
 <p>تبادل (اندازه)</p> <p>عناصر بصری با اندازه‌های متفاوت که در دو سمت قاب سبب ایجاد تعادل در اندازه شده‌اند.</p>	 <p>تبادل (اندازه)</p> <p>عناصر بصری با اندازه‌های متفاوت که در دو سمت قاب سبب ایجاد تعادل در اندازه اشکال شده‌اند.</p>	۳

جدول ۱. تحلیل آجرکاری ایوان‌های شمالی و جنوبی مسجد حکیم اصفهان؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

پشت بقل ایوان جنوبی	پشت بقل ایوان شمالی	
 <p>عناصر بصری به کار رفته دارای تعادل در تعداد و تراکم عناصر متفاوت در دو سمت قاب است که در پارهای از تصویر نشان داده شده است.</p>	 <p>عناصر بصری به کار رفته دارای تعادل در تعداد و تراکم در دو سمت قاب است.</p>	۴
 <p>مربع وسط ستاره و اشکال هم رنگ آن بیشتر به عنوان شکل‌های توپر درک میشوند. و هر گره به علت دارا بودن این عناصر، توپر در نظر گرفته و سازنده تعادل است.</p>	 <p>ستارهها در تصویر همچون اشکال توپر درک میشوند و نقش عمدهای در ایجاد تعادل دارند.</p>	۵
 <p>دارای تعادل در رنگهای به کار رفته است.</p>	 <p>دارای تعادل در رنگهای به کار رفته است.</p>	۶



جدول ۱. تحلیل آجرکاری ایوان‌های شمالی و جنوبی مسجد حکیم اصفهان؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

پشت بقل ایوان جنوبی	پشت بقل ایوان شمالی	
 <p>خطوط عمودی قاب و طرح و پس از آن خطوط افقی و مایل تعیین کننده اصلی تعادل است نقش سازنده دارند.</p>	 <p>خطهای عمودی قاب و پس از آن خطوط عناصر درون طرح بیشترین تاثیر را در ایجاد تعادل دارند.</p>	۷
 <p>گره‌های مشابه تکرار شده، سبب ایجاد ریتم و نظم دهی در طرح شده‌است.</p>	 <p>عناصر مشابه تکرار شده سبب ایجاد ریتم و نظم دهی در طرح شده‌است.</p>	۸
 <p>خط نوشته‌ها و عناصر ناهمگونان ولی از نظر تصویری مشابهاند و سبب ایجاد نظم کلی در طرح شده‌اند.</p>	 <p>عناصر ناهمگون با جهت‌های متفاوت به وجود آورنده نظم طرح شده است.</p>	۹
 <p>عناصر بصری نزدیک به هم، همچون شمشه‌ها و گره‌ها در یک دسته قرار میگیرند و سازنده نظم هستند.</p>	 <p>عناصر بصری نزدیک به هم، همچون ستاره‌ها در یک دسته قرار میگیرند و سازنده نظم هستند.</p>	۱۰

جدول ۱. تحلیل آجرکاری ایوان‌های شمالی و جنوبی مسجد حکیم اصفهان؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.







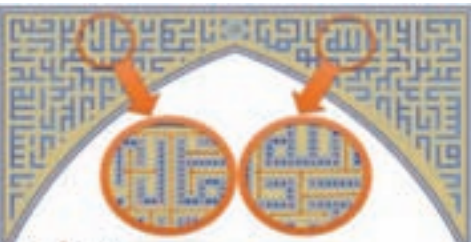

پشت بقل ایوان جنوبی	پشت بقل ایوان شمالی	
 <p>نظم (از حصار یا زمینه مشترک)</p> <p>قاب کلی طرح و گره‌های مشخص شده همچون حصار عناصر دیگر را در بر میگیرد و سازنده نظم است.</p>	 <p>نظم (از حصار یا زمینه مشترک)</p> <p>قاب کلی طرح و شمشه مشخص شده همچون حصار عناصر دیگر را در بر میگیرد و سازنده نظم است.</p>	۱۱
 <p>نظم (در ترازوی و همگرایی)</p> <p>چشم، عناصری که در موقعیت مشابه قرار دارند را در یک دسته قرار میدهد.</p>	 <p>نظم (در ترازوی و همگرایی)</p> <p>چشم، عناصری که در موقعیت مشابه قرار دارند را در یک دسته قرار میدهد.</p>	۱۲
 <p>نظم (در همگونی و بافت)</p> <p>کل طرح دارای بافت ولی عناصر مشخص شده دارای بافت همسانتر در طرح است.</p>	 <p>نظم (در همگونی و بافت)</p> <p>همگونی عناصر سبب شکل‌گیری بافت و نظم طرح شده است.</p>	۱۳
 <p>نظم (در هم راستایی)</p> <p>عناصر بصری سبب ایجاد هم راستایی و نظم در طرح شده است.</p>	 <p>نظم (در هم راستایی)</p> <p>عناصر بصری سبب ایجاد هم راستایی و نظم در طرح شده است.</p>	۱۴

جدول ۱. تحلیل آجرکاری ایوان‌های شمالی و جنوبی مسجد حکیم اصفهان؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.




پشت بقل ایوان جنوبی	پشت بقل ایوان شمالی	
 <p>نظم (تدریج)</p> <p>عناصر بصری به آرامی و با نظم تغییر شکل داده است.</p>	 <p>نظم (مراتبی)</p> <p>عناصر بصری به آرامی و با نظم تغییر شکل داده است.</p>	۱۵
 <p>نظم (سلسله مراتب)</p> <p>رعایت سلسله مراتب از قاب بندی شروع و پس از آن در مهرها و اجزای درون مهرها دیده میشود.</p>	 <p>نظم (سلسله مراتب)</p> <p>طرح دارای رعایت اصول سلسله مراتب در قاب بندی و عناصر بصری درون طرح است.</p>	۱۶
 <p>نظم (تضاد در رنگ، جهت، شکل، اندازه)</p> <p>تضاد بین منحنی قاب و خطوط شکسته اجزا و بین رنگ و اندازه‌های موجود سبب ایجاد نظم شده است.</p>	 <p>نظم (تضاد در رنگ، جهت، شکل، اندازه)</p> <p>تضاد بین منحنی قاب و خطوط شکسته اجزا و بین رنگ و اندازه‌های موجود سبب ایجاد نظم شده است.</p>	۱۷
 <p>نظم (تقارن)</p> <p>تقارن موجود در اجزا ایجاد کننده نظم است.</p>	 <p>نظم (تقارن)</p> <p>تقارن موجود در اجزا ایجاد کننده نظم است.</p>	۱۸



جدول ۲. تحلیل آجرکاری ایوان‌های غربی و شرقی مسجد حکیم اصفهان؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.









ردیف	پشت بقل ایوان غربی	پشت بقل ایوان شرقی
۱	 <p>طرح کاملاً نامتقارن است که به واسطه میل روانی به تعادل، متعادل گشته است.</p>	 <p>تصویر قاب در نگاه کلی دارای تقارن است ولی به علت وجود خط نوشته در جزئیات طرح، تقارن از بین رفته است.</p>
۲	 <p>جهت چرخش کلمات بر عکس هم و سبب ایجاد تعادل شده است.</p>	 <p>عناصر مشابه سبب ایجاد جهت حرکت متقارن در دو سمت طرح و ایجاد تعادل شده است.</p>
۳	 <p>اندازه نوشته‌ها و اندازه فواصل برابر و سبب ایجاد تعادل شده است.</p>	 <p>اندازه‌ی گره‌ها و شکلها برابر و دارای تعادل است.</p>
۴	 <p>تراکم در نوشته‌ها و فواصل برابر و دارای تعادل است.</p>	 <p>تراکم در شکلها و فواصل برابر و دارای تعادل است.</p>

جدول ۲. تحلیل آجرکاری ایوان‌های غربی و شرقی مسجد حکیم اصفهان؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

پشت بقل ایوان شرقی	پشت بقل ایوان غربی	ردیف
 <p>تعداد (توپر بودن)</p> <p>گره‌های توپر به وجود آورنده تعادل در طرح است.</p>	 <p>تعداد (توپر بودن)</p> <p>حروف به صورت اشکال توپر به نظر می‌آیند که سازنده تعادل هستند.</p>	۵
 <p>تعداد (رنگ)</p> <p>دارای تعادل در رنگ‌های به کار رفته است.</p>	 <p>تعداد (رنگ)</p> <p>دارای تعادل در رنگ‌های به کار رفته است.</p>	۶
 <p>تعداد (وضوح)</p> <p>خطوط عمودی قاب و طرح، تعیین کننده اصلی تعادل است و پس از آن خطوط افقی و مایل نقش سازنده دارند.</p>	 <p>تعداد (وضوح)</p> <p>خطوط عمودی قاب و طرح، تعیین کننده تعادل است و پس از آن خطوط افقی و مایل نقش سازنده دارند.</p>	۷
 <p>نظم (تکرار و همبندی-ریتم)</p> <p>عناصر مشابه تکرار شده سبب ایجاد ریتم و نظم دهی در طرح شده‌است.</p>	 <p>نظم (تکرار و همبندی)</p> <p>عناصر مشابه و نحوه تکرار آنها در طرح مشخص شده است که این خود عامل ایجاد نظم است.</p>	۸



جدول ۲. تحلیل آجرکاری ایوان‌های غربی و شرقی مسجد حکیم اصفهان؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

پشت بقل ایوان شرقی	پشت بقل ایوان غربی	ردیف
 <p>نظم (در عناصر موجود ناهمگون)</p> <p>عناصر ناهمگون به وجود آورنده نظم در طرح است.</p>	 <p>نظم (در عناصر موجود ناهمگون)</p> <p>حروف و کلمات مختلف در کنار هم سازماندهی منظمی را به وجود آورده است.</p>	۹
 <p>نظم (نزدیکی)</p> <p>عناصر بصری نزدیک به هم، همچون گره‌ها، اجزای درون آنها، کلمات و عبارات هر کدام در یک دسته قرار می‌گیرند و سازنده نظم هستند.</p>	 <p>نظم (در نزدیکی)</p> <p>نزدیکی عناصر سبب میشود چشم عناصر را در یک دسته قرار دهد و نظم در طرح ایجاد شود.</p>	۱۰
 <p>نظم (از حصار یا زمینه مشترک)</p> <p>قاب کلی طرح و گره‌های مشخص شده همچون حصار عناصر دیگر را در بر می‌گیرد و سازنده نظم است.</p>	 <p>نظم (از حصار یا زمینه مشترک)</p> <p>قاب کلی طرح همچون حصار عناصر دیگر را در بر می‌گیرد و سازنده نظم است.</p>	۱۱
 <p>نظم (در تونزی و همگرایی)</p> <p>چشم، عناصری که در موقعیت مشابه قرار دارند را در یک دسته قرار میدهد.</p>	 <p>نظم (در تونزی و همگرایی)</p> <p>چشم، عناصری که در موقعیت مشابه قرار دارند را در یک دسته قرار میدهد.</p>	۱۲

جدول ۲. تحلیل آجرکاری ایوان‌های غربی و شرقی مسجد حکیم اصفهان؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

پشت بقل ایوان شرقی	پشت بقل ایوان غربی	ردیف
 <p>نظم (در همگونی و بافت)</p> <p>عناصر مشابه با فاصله‌های کم سبب ایجاد بافت در سطح کلی طرح و همچنین بافتی همگون‌تر در گره‌ها شده‌اند.</p>	 <p>نظم (در همگونی و بافت)</p> <p>همگونی عناصر سبب شکل‌گیری بافت و نظم در طرح شده است.</p>	۱۳
 <p>نظم (در هم راستایی)</p> <p>حرکت شکلها در طرح راستاهای منظمی را به وجود آورده‌است.</p>	 <p>نظم (در هم راستایی)</p> <p>کلمات سبب ایجاد جهت‌های منظم در طرح شده‌است.</p>	۱۴
 <p>نظم (در تدریج)</p> <p>ستاره هشت پر به آرامی تغییر شکل داده و به کلمات و اجزای ریزتر تبدیل گشته است و سبب نظم شده‌است.</p>	 <p>نظم (در تدریج)</p> <p>کلمات به تدریج چرخیده و تغییر شکل داده‌اند و به این ترتیب سازماندهی منظم شکل گرفته است.</p>	۱۵
 <p>نظم (سلسله مراتب)</p> <p>رعایت سلسله مراتب از قاب بندی شروع و پس از آن در مهرها و اجزای درون مهرها دیده میشود.</p>	 <p>نظم (سلسله مراتب)</p> <p>طرح دارای رعایت اصول سلسله مراتب در قاب بندی و عناصر بصری درون طرح است.</p>	۱۶

جدول ۲. تحلیل آجرکاری ایوان‌های غربی و شرقی مسجد حکیم اصفهان؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

ردیف	پشت بقل ایوان غربی	پشت بقل ایوان شرقی
۱۷	 <p>تضاد بین منحنی قاب و خطوط شکسته اجزا و بین رنگ و اندازه‌های موجود سبب ایجاد نظم شده است.</p>	 <p>تضاد بین منحنی قاب و خطوط شکسته اجزا و بین رنگ و اندازه‌های موجود سبب ایجاد نظم شده است.</p>
۱۸	 <p>تقارن موجود در اجزا ایجاد کننده نظم است.</p>	 <p>تقارن موجود در اجزا ایجاد کننده نظم است.</p>

### نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

تقارن در طرح برده می‌شود و در آجرکاری ایوان غربی (جدول ۲، ردیف ۱، ستون ۱) به علت اینکه طرح اصلی خط نوشته است تقارن وجود ندارد و تنها تعادل به واسطه میل روانی ایجاد شده است. در واقع هندسه نقوش هر ۴ ایوان دارای تعادل است که این فن از طریق مختلف و با شدت‌های متفاوت در طرح‌ها وجود دارد و باعث ایجاد ادراک متنوعی می‌شود. همچنین در بررسی نقوش دیده می‌شود که در همه طرح‌ها اثر نظم به میزان زیادی آشکار است و از آنجایی که ساختارهای فضایی منظم باعث ایجاد تصورات یکسان در انسان‌ها است در نتیجه وجود نظم باعث ایجاد ادراکات مشابه ولی با میزان متفاوت در طرح‌ها می‌شود. این پژوهش می‌تواند در سایر تزیینات وابسته به معماری مورد استفاده قرار گیرد و همچنین نوع ادراک ایجاد شده توسط این فنون و نقوش می‌تواند مورد بررسی پژوهش آتی قرار گیرد.

با بررسی قوانین فنون بصری در دو غالب تعادل و نظم بر روی هندسه نقوش آجرکاری پشت بقل ایوان‌های مسجد حکیم اصفهان مشاهده شد (جدول ۱ و ۲) که تمام ۱۸ مورد بررسی شده که زیر شاخه‌های تعادل و نظم هستند بر روی هندسه آجرکاری پشت بقل هر ۴ ایوان وجود دارد اما تفاوت‌هایی در میزان و نوع به کار رفتن این فنون دیده می‌شود که علت آن‌ها تفاوت در نوع چینش آجرها و هندسه موجود در طرح‌ها است. با تحلیل‌های انجام شده مشخص شد آجرکاری پشت بقل ایوان شمالی دارای تقارن کامل است (جدول ۱، ردیف ۱، ستون ۱) و در آجرکاری پشت بقل ایوان جنوبی (جدول ۱، ردیف ۱، ستون ۲) و ایوان شرقی (جدول ۲، ردیف ۱، ستون ۲) طرح در حالت کلی متقارن به نظر می‌رسد ولی با دقت در جزئیات به علت وجود خط نوشته پی به عدم

## منابع و ماخذ

۱. ابوالوفای بوزجانی، م. ب. (۱۳۹۲). هندسه ایرانی: کاربرد هندسه در عمل. تهران: سروش.
۲. ارباب زادگان هاشمی، ع. حمزه نژاد، م. (۱۳۸۸). بازخوانی مفهوم تضاد در ارتقا تنوع بصری فضاهای عمومی شهری. آرمانشهر، شماره ۳، ص ۴۹ تا ۵۶.
۳. آرنهایم، ر.، (۱۳۹۲). پویه شناسی صور معماری نیروهای ادراک بصری در معماری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۴. اسحاقیان، م. (۱۳۸۳). می‌خواهم پژوهشگر شوم. اصفهان: شهریار.
۵. آقاخانی، ح. منتظری رودبارکی، ا.، (۱۳۸۶). مبانی هنرهای تجسمی ۱. تهران: دانشگاه پیام نور.
۶. امینی کیاسری، ع.، ۱۳۹۰. بنیان‌های نظری هندسه و تزیینات در معماری مسجد گوهرشاد. مشهد: آهنگ قلم.
۷. بدلرزاده نوین، بهزاد و دولتی مهر، ملیسا، (۱۳۹۳). بررسی کاربرد نظریه گشتالت در طراحی معماری محیطی با رویکرد رفتار انسانی. کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار.
۸. بزرگمهری، ز. و خدادادی، آ.، (۱۳۹۲). آمودهای ایرانی (شناخت، آسیب شناسی و مرمت). تهران: سروش دانش.
۹. بل، س.، (۱۳۹۴). عناصر طراحی بصری در منظر. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. بمانیان، م. ر.، امیر خانی، آ. ولیلیان، م. ر.، (۱۳۸۹). نظم و بی‌نظمی در معماری. تهران، نشر طحان.
۱۱. پاکباز، ر.، (۱۳۷۹). دایره المعارف هنر. تهران: فرهنگ معاصر.
۱۲. پاکدامن، آ.، (۱۳۹۲). آمودهای معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: انتشارات سیمای دانش.
۱۳. پورنادری، ح. (۱۳۷۹). شعرفاف و آثارش. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۱۴. پیرنیا، م. ک. و معاریان، غ. (۱۳۷۸). تحقیق در معماری گذشته ایران. تهران: علم و صنعت.
۱۵. پیرنیا، م. ک. (۱۳۸۱). آمو، اندود و آژند. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۶. حسین زاده دلیر، ک. و آشنال، (۱۳۹۰). نظم بصری در شهرسازی سنتی ایران (مطالعه موردی: بازار تبریز). نشریه جغرافیا و برنامه ریزی (دانشگاه تبریز)، شماره ۳۷: ص ۲۵ تا ۷۵.
۱۷. خوارزمی، م؛ طاووسی، م؛ پورمند، ح؛ نیستانی، ج.، (۱۳۹۱). مطالعه ای در نقوش هندسی تزیینات معماری در مساجد گناباد، ملک زوزن و فریومد. هنر و معماری، شماره ۳۳: ۱۳-۲۲.
۱۸. داندیس، د.، (۱۳۶۸). مبادی سواد بصری. تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما).
۱۹. دی کی چینگ، ف.، (۱۳۹۵). معماری: فرم، فضا و نظم. تهران: نشر وارث.
۲۰. ریس زاده، م. و مفید، ح.، (۱۳۸۹). احیای هنرهای از یاد رفته مابی معماری سنتی ایران به روایت استاد حسین لرزاده. تهران: مولی.
۲۱. زمرشیدی، ح. (۱۳۸۶). پیوند و نگاره در آجر کاری. تهران: انتشارات آزاده.
۲۲. سانتلی، س.، (۱۳۹۲). گرایش به هندسه در خانه‌های سنتی اصفهان. خانه اصفهان، ص ۱۶۱ تا ۱۹۱.
۲۳. سید گلزار، ح.، (۱۳۶۳). آموزش در جهت معماری اسلامی. رواق، شماره ۳.
۲۴. شاردن، ژ.، (۱۳۷۳). سفرنامه شاردن. ترجمه اقبال یغمایی، تهران: انتشارات توس.
۲۵. شاکری راد، م. ع.، (۱۳۸۱). انسان طبیعت طراحی. تهران: دانشگاه پیام نور.
۲۶. عمومی، م.، (۱۳۸۷). معماری، الگو و نظم. تهران: نشر خاک.
۲۷. غفاری سده، ع.، (۱۳۷۱). مبانی طراحی فضاهای متوالی در معماری شهری. نشریه صفا، جلد شماره ۶-۷-۸، ۲-۱۷.
۲۸. قراگوزلو، ب و حاتم، غ.، (۱۳۹۳). بررسی رمز نقوش هندسی دایره، مثلث و مربع در هنر اسلامی. فصلنامه علمی و پژوهشی هنرهای تجسمی نقش مایه ۴۵-۵۰.
۲۹. کپس، ج. (۱۳۹۳). زبان تصویر، ترجمه فیروزه



مهاجر، تهران: انتشارات سروش.  
۳۰. کلارک، ر. و پاوز، م.، (۱۳۹۵) ایده‌های شاخص در معمار، ترجمه محمدرضا ثقفی و هومن خواجه پور، تهران، جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.

۳۱. لنگ، ج.، (۱۳۹۱) آفرینش نظریه معماری نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۳۲. مایس، پ. ی.، (۱۳۹۰) عناصر معماری از صورت تا مکان. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۳۳. مختاریان، ع.، (۱۳۹۰) حفظ خانه‌های تاریخی همت جمعی را می‌طلبید، مجله دانش نما، ص ۳۸ تا ۴۲.

۳۴. مکی نژاد، م.، (۱۳۸۸) تزیینات معماری. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۳۵. مورن، ا.، (۱۳۷۹) درآمدی بر اندیشه پیچیده. تهران: نشر نی.

۳۶. مدیری، آ و نوراللهی اسکویی، ن.، (۱۳۹۳) ارزیابی ادراک بصری فضایی میدان اما م حسین (ع). فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات شهری، ۱۳۹۳، شماره ۳۳: ۷۷-۸۶.  
۳۷. موسوی لری، ا و شمیلی، ف.، (۱۳۹۰) ساختار بصری نقاشیهای دیواری تبریز. جلوه هنر، ۵۳-۶۶.

۳۸. می‌یر، ل.، (۱۳۹۲) زیباشناسی بصری. تهران: شباهنگ.

۳۹. وفامهر، م.، (۱۳۹۱) تعامل معماری و تکنولوژی جلد اول: ساختمانهای نوین و پیشرفته. تهران: نشر چپر.

۴۰. ویلسون، ج.، (۱۳۸۰) مطالعات راهبردی ریاست جمهوری. تهران: مؤلف نامعلوم

41. Carmona, m., tiesdell, s., health, t. and o. taner (2003), public places urban

42. hochberg, j., 1964. perceptionT englewoodcllifs. n.j: prentice-hall.

43. kohler, w., 1929. gestalt psychology. new york: liveright.



## بازتعریف مفهوم مسکن و سکونت بر اساس مولفه‌های اقتصادی و اجتماعی

مسعود کوچکیان\* - دانشجوی دکتری معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سیمون آیوازیان - استاد تمام رشته معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

مفهوم سکونت یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال قدیمی‌ترین مسائلی است که بشر همواره با آن درگیر بوده است؛ به گونه‌ای که ابعاد تازه‌ای را همواره با خود در پی داشته است. بحث چستی و کیستی انسان همواره با مفهوم سکونت گره خورده و یکی از مبانی اصلی و موضوعات اساسی در فلسفه است. در حقیقت مفهوم سکونت یکی از پایه‌های اصلی نگرش ملت‌ها و مذاهب گوناگون به حساب می‌آید. اگرچه هیچگاه نمی‌توان تعریف دقیق و یکسانی را میان اندیشمندان برای مفهوم سکونت یافت ولی تقریباً همگی بر سر وجود ماهوی آن اتفاق نظر دارند. تحولات عمیق بشری، نوع نگاه و مبانی اولیه این موضوع را دگرگون ساخته و تعاریف جدیدی برای آن ارائه کرده است. بخش عظیمی از این تحولات را می‌توان در دوران پست مدرن و پس از آن، جهانی شدن جستجو کرد. بر این مبنا برای شناخت دقیق این مفهوم بایستی تحولات این موضوع را از دیدگاه‌های مختلف و در بازه‌های زمانی متفاوت پیگیری کرد تا براساس آن بتوان تعریف مناسب و قابل قبولی را از آن ارائه کرد که در این مسیر گام اول شناخت دقیق مفهوم این واژه و تبیین معانی آن است. **واژگان کلیدی:** مفهوم سکونت، معماری، ابعاد اجتماعی و اقتصادی.

### Representation the concept of housing in social and economic factors

#### Abstract

The concept of dwelling is one of the most complicated and historical issues for the human kind. The questions of whom and what are always considerable for the concept of dwelling and philosophy. In fact, the concept of dwelling is one of the main principles for nations and religions. Although there is no solid definition between thinkers and philosophers for the concept of dwelling, almost all of them have an agreement on its essence. Transitions have been occurred recently in human's life, changed the approach toward dwelling and came up with new ideas about it. The most part of these changes can be reachable in postmodern era. So, for knowing this concept precisely, we should analyze its transition from different viewpoints and periods. Then we will be able to release appropriate definition. Comprehending this concept and explaining all of its aspects precisely, is the first step to achieve this goal.

**Keywords:** concept of housing, architecture, social and economic factors

\* این مقاله مستخرج از رساله دکتری مسعود کوچکیان با عنوان «دگرگونی معماری مسکونی ایران با محوریت مولفه های اجتماعی و اقتصادی (۱۳۲۰-۱۳۷۶)» می‌باشد که در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در حال انجام می‌باشد.

نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۲۲۳۳۳۵۷، رایانامه: ۱۷۹۰@masood@gmail.com و avvazsim@ut.ac.ir

معنای نهایی هستی تعریف گردید (نصر، ۱۳۸۹، ص ۲۵۹). بر این مبنا نصر هنر و به تبع آن معماری را نیز امری قدسی تعریف می کند که سرچشمه آن «در عالم ما بعدالطبیعی بوده و هنرمند یا معمار، وسیله ای برای بیان نمادها و ایده های فرا-فردی است. او معتقد است که هنر مقدس ریشه در خود خدا داشته و بازتاب دهنده الگوی افلاطونی مثال در عالم مادی بوده و انتقال دهنده مفاهیم جهان شمولی چون معنا، حقیقت و زیبایی می باشد. وی زیبایی و سودمندی در هنر و معماری را جدا از هم ندانسته و آنها را منبعث از اصل وحدت می داند که در تمامی شئون زندگی سنتی بسط یافته است. او همچنین معتقد است که «معماری اسلامی به مصالح ساختمانی ساده وفادار ماند و برای تامین انرژی، نیروهای اصلی طبیعت مانند نور و باد را به کار می برد و از طریق باز آفرینی سکوت، هماهنگی و آرامش طبیعت بکر در داخل حیاط مسجد یا خانه طبیعت را داخل شهر می آورد» (نصر، ۱۳۸۴، ص ۴۸). از آنجا که انسان اولیه توانایی شناخت جامع و مانع را بر هستی نداشته همواره آن را موجودیتی نامعین تصور می کرده که می بایستی به نحوی برای دستیافتن به ثبوت، حدی از آن را برای خود محدود می کرده است. از طرفی از آنجا که از دیدگاه او، ماهیت هستی هر چه می خواهد باشد بایستی قائم به یک ذات باشد تا در پیرامون آن جهان شکل گیرد. لذا برای آن مرکزی متصور می شده و همواره سعی بر آن داشته تا به آن مرکز نزدیک باشد. این سنجش فاصله تا مرکز نقطه ای برای مسجل شدن معنا در ادارک محیطی انسان شده است. از این مرکز معناست که می تواند با عالم های دیگر ارتباط برقرار کند و در جهت های مختلف حرکت کند. از این منظر است که همواره نظر داشته تا نقطه ثبوت خود را که همان خانه است بر این مرکز بنشاند. از منظر انسان اولیه جهت عمودی برای او نشانی از تقدس و جدایی از زمین و عروج به آسمان را داشته و ماهیتی مقدس گونه داشته است (کلی ال وینترز و کوپر، ۱۳۷۹). پس بی اعتبار نیست اگر فرض را بر این نهیم که انسان اولیه باین اعتبار خانه خود را با عنوان نمادی از جهان می ساخته و در این راه از الگوهای فضاهای مذهبی بهره می برده است. برای مثال در خصوص فرم و شکل خانه ها می توان گفت که برگرفته از خانه خدایان بوده. یعنی در هر فرهنگ و ملتی، هر آنچه که فرم فضاهای مذهبی و معابد را شکل می داده در نهایت فرم بناهای مسکونی را نیز شامل می شده است؛ «بدین

مطالعه ابعاد «فرهنگ خانه» در حوزه علوم اجتماعی و فرهنگی نقش بسیار مهمی در شیوه و «سبک زندگی» انسان و زندگی روزمره آن دارد. این پدیده دارای ابعاد معنوی و مادی در ساختار فرهنگ هر جامعه ای می شود. «خانه» پدیده ای است که منطبق با کلیت نظام اجتماعی حاکم بر فرهنگ انسانی در هر قوم یا ملتی شکل می گیرد؛ در واقع با توجه به مجموعه ای از ارزش ها، معانی و هنجارهایی که در فرهنگ رایج است؛ همچنین با توجه به سنت و آداب و رسوم که بر ساختار فرهنگ یک قوم، قبیله یا ملت حاکم می باشد فرم مادی و معنوی آن در فضای زندگی بوجود می آید. بر اساس این ویژگی ها که بیان شده در این فرم می توان به شکل گیری نحوه تعامل افراد در فضای خانه هم اشاره کرد. مطالعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خانه از این بعد اهمیت دارد که ما به دنبال این باشیم که بدانیم این خانه با توجه به فرهنگ حاکم بر نظام اجتماعی و عرفی منطقه چگونه ساخته می شود؟ مادی که در ساخت این خانه بکار رفته است، چگونه تهیه شده است؟ از سویی دیگر، انسان از آن هنگام که قدرت حرکت فیزیکی را می یابد تماماً در پی بازخوانی موقعیت خود نسبت به محیط پیرامون است. و به این جهت است که انسان اولین ارتباط خود را با محیط از این طریق پیدا می کند. بدان معنا که به منظور کشف محیط پیرامون خود به ناچار مجبور به برقراری ارتباط با محیط است. پس از دستیافتن به چنین شناختی که مراحل متعدد ذهنی را می طلبد، در ارتباطی بس عمیق تر و پیچیده تر در پی برقراری ارتباطی معنادار با جهان اطرافش بر می خیزد: هستی چیست؟ ارکان آن چیست؟ نقش من در این کلان هستی چیست؟ و چراهای دیگر. بر این اساس در این مقاله به موضوع بازتعریف مفهوم مسکن و سکونت بر اساس مولفه های اقتصادی و اجتماعی پرداخته می شود و نتایجی چند در این رابطه مورد اشاره قرار می گیرد.

## ۱-۱ فلسفه سکونت و هستی

### ۱. مفهوم سکونت

سید حسین نصر هویت انسان را امری قدسی و معنوی و حقیقتی مطلق می داند که در دوران نوزایی یا رنسانس، تحت عناوینی چون انسان گرایی و عقل گرایی مورد انکار قرار گرفت و به این ترتیب «من» به عنوان

ترتیب انسان زمانی بر خود وقوف می یابد که مسکن گزیده و در نتیجه هستی خود در جهان را تثبیت کرده باشد» (شولتز، ۱۳۹۴، ص ۱۷). از نقطه نظر راپاپورت خانه همواره برای انسان امری فراتر از سرپناه بوده و همواره از مرحله ساخت تا استقرار در آن، ابعاد معنوی و مذهبی بر آن مترتب بوده است. همچنین از نظر راپاپورت فلسفه زیستن انسان که شامل اعتقاد مذهبی، ساختار اجتماعی، شیوه زندگی و همچنین نحوه تعامل انسان‌ها می‌شده، همواره بر مسکن انسان و تقسیمات فضایی آن تاثیر بسزایی داشته است (براتی، ۱۳۸۲، ص ۲۵). ایدئولوژی حاکم بر اعمال انسانی چنان شدید بوده که نمود آن را می توان در خلق فرم، سازمان‌های فضایی و اجزای خانه دید. بعنوان مثال کروی دیدن جهان هستی و خلق گنبد در معماری مذهبی را شامل می‌شده و یا شکل‌گیری جهان هستی از عناصر اربعه که فرم‌های چهارگوش را در خانه منتج می‌کرده است. یا مسئله حفظ سلسله مراتب فضایی که ارتباط جهان درون و برون که بر تقدس یک مکان درونی در مقابل جهان نامقدس بیرونی قرار می‌گرفته است. و یا نگه داشتن آتش در آتشدان در مرکز خانه که به عنوان تمثیلی از خورشید بوده و جنبه اعتقادی داشته و از آن برای پخت و پز استفاده نمی‌کردند. راپاپورت بر این اعتقاد است که اساس رفتار انسان تمایل شدید به اسکان‌گزیدن دارد. به اعتقاد او مسکن نهادی است برای پاسخگویی به مجموعه ای از اهداف نه اینکه فقط یک ساختار باشد. بوجود آوردن یک محیط مناسب و در سازش با شیوه زیستن انسان، هدف اصلی مسکن است. علاوه بر تامین نیازهای فردی، مسکن باید قادر به برآورده ساختن نیازهای اجتماعی انسان نیز باشد (راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۶۴). هایدگر مفهوم سکونت را مفهومی عام برای هر فضای مسکونی نمی‌داند، بلکه آنرا نوعی کیفیت خاص برای فضای مسکونی در نظر می‌گیرد. او اتفاقات اخیر در فضای تکنولوژیک را امری کاذب می‌داند. آنچه که او ذات سکونت می‌داند زندگی بر روی زمین و زیر آسمان است که از انسان حفاظت کند. نگهدار رازهایشان باشد و نهایتاً یک فضای مسکونی آرامش بخش باشد (هایدگر، ۱۳۸۱، ص ۱۵). تفاوت خانه و مسکن در ماهیت روانی آن است. آن ساختار فیزیکی چنانچه مرکب معنا نباشد چیزی جز همان مسکن نیست. حال این مسکن می‌خواهد تنها یک سرپناه و به همان مفهوم صرف محافظ باشد و یا یک واحد آپارتمانی یا تجمعی. آن چیزی

که مهم است حصول معنا در آن است. در اصل خانه همان ساختار فیزیکی است که در آن تمامی عوامل اجتماعی، فرهنگی و روانی در کنار یکدیگر جمع می‌شوند. در اصل خانه را به کاشانه نسبت می‌دهند. این ذهنیت وجود دارد که ممکن است ما در واحد مسکونی و یا بعبارت اقامتگاه خود بسر ببریم ولی در خانه یا کاشانه به معنای اصیل آن زندگی نکنیم. راپاپورت خانه را چیزی فراتر از ساختاری کالبدی می‌داند. او خانه را نهادی می‌داند که عملکردی با ابعاد فرهنگی، اجتماعی، آیین مذهبی، شرایط محیطی و اقتصادی دارد. خانه را امری فرهنگی می‌داند و بدان سبب شکل و سازمان آن را نیز متأثر از فرهنگ می‌داند. سنت محلی یا فرهنگی ارتباط مستقیمی با فرم‌های فیزیکی یک فرهنگ داشته و به عبارتی این دو لازم و ملزوم یکدیگرند (راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۶۸).

ایرج اعتصام با تاکید بر دیدگاه‌های راپاپورت محیط را به روابط میان اشیا و اشیا، انسان و اشیا، و انسان و انسان تعریف کرده که دارای نظام خاصی بوده و نقش چهار عامل فضا (سازماندهی فضایی)، زمان (سازماندهی زمانی) ارتباطات (سازماندهی ارتباطی) و معنی (سازماندهی معنی) را در هویت بخشی محیط موثر می‌دانند. (اعتصام، ۱۳۸۸، ص ۱۷۰). در این تعریف سازماندهی فضایی شامل برنامه‌ریزی، طراحی و توسعه سه بعدی محیط پیرامون می‌باشد که ابعاد، اندازه، موقعیت و توالی عناصر گوناگون را تعیین می‌کند. سازماندهی زمانی، مقوله‌ای ارزش‌گذاری به زمان و خود مفهوم زمان را مورد بررسی قرار می‌دهد. سازماندهی ارتباطی به روابط میان انسانها با یکدیگر در محیط مصنوع اشاره دارد و سازماندهی معنایی شامل بیان مفهومی خاص می‌باشد که معمولاً از طریق عناصری نیمه ثابت مانند علائم، مصالح، فرمها، فضاها و تزئینات و ... صورت می‌گیرد. بر این مبنا ایشان رابطه انسان و محیط مصنوع را وابسته به معنا می‌داند و بی‌هویتی در معماری معاصر را از جهتی دیگر، محصور از دست رفتن معنا و عدم برقراری رابطه میان فرد و محیط تعبیر می‌کند. نادر اردلان معماری را حیاتی‌ترین و جامع‌ترین ساخته بشر می‌داند که «نمایشگر کثرت وسائل و گونه‌گون‌ترین راه‌های نیل به وحدت است. (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ص ۱۰). بر این مبنا او وظیفه معمار را تاویل طبیعت از طریق عقل و زبان نمادها بیان می‌کند که موجب خلق آثاری مشابه آثار حق تعالی می‌گردد. او شهر اصفهان را به مثابه

نظامی هماهنگ از همکاری حکومت و مردم می‌داند که در آن مردم «در سطوح مختلف احاطه فردی خویش، با حسی معنوی عمل می‌کردند که در همان حال که خود الهام دهنده و اتحاد بخش تحقیقات خلاقه جامعه بود، از طریق مداومتی بر مطالعه طبیعت و نحوه عملکردش سبب توازنی بوم‌شناسانه می‌شد». از آنچه که توضیح آن رفت می‌توان اینگونه برداشت را کرد که معماری و به معنای اخص آن برپا کردن سکونت‌انسانی، یکی از حیاتی‌ترین و موثرترین شیوه‌های برقراری ارتباط و خوانش محیط پیرامون است. انسان خانه را مستمسکی برای تجلی این معنا می‌یابد. بعبارت دیگر انسان از طریق خانه به این معنا شکل می‌دهد. و اساساً خانه قبل از آنکه سرپناهی باشد برای فرار از خشم طبیعت، جلوه‌گاهی از حضور معنا در بازخوانی ارتباط میان انسان و جهان هستی است. در اندیشه هایدگر، «سکنتی گزیدن به معنای در آرامش قرار گرفتن است. یعنی در حوزه آزادی در آرامش درون و هر چیز را در سرشتش حفظ می‌کند. ویژگی بنیادین سکنتی گزیدن که سکونت را در کل گستره‌اش اشاعه می‌دهد، نگهداری و محافظت است.» (هایدگر، ۱۳۸۱، ص ۹). شولتز در کتاب «معماری: معنا و مکان» بیان می‌کند: «محیط تنها در صورتی به محیط اجتماعی با معنایی مبدل می‌شود که امکاناتی غنی در تعیین هویت به ما ارزانی دارد. این وظیفه معمار است که به فضاها فرمی بدهد که با آن، آنها محتوای لازم را دارا شوند برای نمونه این معمار است که خانه را به گونه‌ای که امنیت و آرامش را فراهم آورد، طراحی می‌کند.» شولتز در کتاب مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی نیز بر این نمادسازی و سمبولیسم تاکید می‌کند و خاطر نشان می‌کند که خانه همان الگوی هستی که به مراتبی فراتر از نیازهای اولیه انسان رفته و انگیزه‌های روانی انسان را به چالشی عمیق‌تر می‌کشد. شولتز معتقد است که انسان با خانه ساختن است که وجود خود را در جهان نشان داده و با ایجاد پیوندهای محکم با محیط اطراف برای خود هویت می‌خرد. بعبارتی دیگر از دیدگاه شولتز انسان از این دالان هم به تعیین موقعیت دست می‌یابد و هم به احراز هویت خویش نائل می‌آید. شولتز ادامه می‌دهد که انسان پیوسته با ارتقا دانش خود و افزودن بر مهارت و فن‌های ساختمان‌سازی، مدام بر درک خود از جهان هستی و نظام فضایی آن می‌افزاید. هر دم که بر شناختی تازه دست می‌یابد آن را درونی می‌کند و در معماری خانه آن را متبلور می‌سازد. به اعتقاد شولتز انسان مدام

هستی خود را در جهان تثبیت کرده و برای خود هویتی جستجو می‌کند. در اصل این مفهوم هویت همان نحوه اتصال انسان به مکان است. مکانی که آنرا منبع الهام و سرمایه معنوی خود میداند. از نظر گیفورد: «کاشانه (خانه) مهمترین مکان در زندگی ماست. معمولاً کاشانه (خانه) مهمترین پناهگاه از تنش‌های مرتبط با کار، مدرسه یا زندگی روزمره است. شش مشخصه کاشانه عبارتند از: پناهگاه، نظم، هویت، همبستگی و معنویت، محافظت از گرما و مناسب بودن فیزیکی. امکان دارد که مکانی برای سکونت داشت ولی در عین حال بدون کاشانه بود. یک فرد بیخانمان احتمالاً طی مراحل بی‌کاشانه می‌شود. در مرحله اول حمایت خانواده از بین می‌رود و سپس دوستانش را از دست می‌دهد.» (گیفورد، ۱۳۷۷، صص ۷۲-۷۵).

پس با توجه به آنچه که گفته شد اگر خانه را مرکز و مرجعی برای زندگی روزمره بدانیم به این ترتیب می‌توانیم به این مطلب اشاره کنیم که خانه به نوعی به ما این یاری را می‌رساند که بتوانیم مختصات خود را در این دنیا هر روز تعریف کنیم و خود را با آن بسنجیم. به این ترتیب که طی مسافتی از خانه به شناخت جهان پیرامون پرداخته، در مرور زمان بر آن محاط می‌شویم و باز به خانه باز می‌گردیم. معنای دومی که از این واژگان به ذهن متبادر می‌شود، نوعی نظم ذهنی و فیزیکی است که در ابتدا در رفتار ما و سپس در تکامل و رشد ما نمود پیدا می‌کند. از اینرو می‌توان گفت که مفهوم خانه با فلسفه زیستی و جهان بینی ما ارتباطی تنگاتنگ دارد. از دیدگاه مور<sup>۱</sup> خانه برای ساکنانش مرکز جهان است و برای محلی که در آن جای گرفته است شاخص‌ترین بنا در تحکیم مکان به شمار می‌رود. گاستن باشلار<sup>۲</sup> نیز معتقد است که آدمی ابتدا در گهواره خانه نهاده شده، خانه‌ای که جهان در پیرامون آن به سادگی ارزانی شده است. در مقاله «خانه و معمار» با رویکردی مشابه مواجه می‌شویم. «انسان با ساختن و بنا کردن خانه از محیط بی‌انتهای پیرامون خود در یک نقطه گرد هم آمده و از این پراکندگی به تجمع و تمرکز روی می‌آورد و با حضور خود به این مرکز معنا می‌بخشد. بدین ترتیب با ظهور و تعریف این تمرکز دو مفهوم درون و بیرون به وجود می‌آید که تا قبل از این قابل تعریف نبود. خانه خود درون است و مفهوم درون با خود خانه و حضور

1. Moore  
2. Gaston Bachelard

انسان عجیب می‌باشد» (هاشمی، ۱۳۷۵، ص ۳). از دیدگاه باشلار، خانه از زاویه دیدی متفاوت ترجمه می‌شود. گرچه بیشتر شکستن ساختار واژگان ادبیاتی است ولی به نوعی به تقابل درون و برون بر متن خانه اشاره می‌کند. به اعتقاد باشلار دونالیتته درون و برون با برتری معنای درونی خانه معنا می‌یابد. و در اصل این رابطه بین درون و برون است که به خانه مفهوم معنا بخش و درونی می‌دهد. آنرا جهانی صغیر در مقابل جهانی کبیر می‌خواند به نحوی که ما روز به روز در این گوشه جهان ریشه می‌دوانیم و آنرا با اشتغالات زندگی پر می‌کنیم. «سکنی‌گزیدن هرگز به معنی قطع تعلق از بیرون نیست. سکونت‌گزایش به مرکز است و با حفظ تعلق به محیط، جمع بین محیط و مرکز است و تمرکزی است از تمام محیط.» (ص. همان) در همین راستا مدنی پور تغییر در نهاد خانواده و تغییر نقش‌های افراد در زندگی خصوصی و اجتماعی را به عنوان عاملی اساسی در تحول مفهوم فضا در عرصه‌های خصوصی و عمومی، تغییر ساختار خانه‌ها و شهرها بیان می‌کند. او که هویت در فضای شهری را محصول کشمکش روابط خصوصی و عمومی می‌داند. (مدنی پور، ۱۳۸۹، ص ۲۴۶). معتقد است که «تکامل تاریخی عرصه‌ی خصوصی، روندی را که در آن خانواده‌ای بین خود و دنیای بیرون فاصله انداخته و معاشرت پذیری جای خود را به دغدغه‌ای برای حریم خلوت داده، نشان می‌دهد جداسازی خانه از محل کسب و کار، مستخدمین از خانواده، والدین از کودکان و مردان از زنان منجر به خلق عرصه‌های خصوصی جدیدی با سلسله مراتبی جدید برای طبقه متوسط جامعه شده و موازات آن، جداسازی و تخصصی کردن فضا درون خانه شکل گرفته است». کوپر خانه را همچون نمادی از خود می‌داند. به نظر او خانه بازتابی از اینست که انسان چگونه خود را می‌بیند. از نقطه نظر کوپر خانه دارای دو وجه کاملاً متفاوت است. فضاهای داخلی که مشتمل بر فضای خصوصی و درونی است و شکل خارجی که همان فضای باز بیرونی است. او در اینباره چنین می‌گوید: «خانه ممکن است به دو صورت دیده شود: اولی تجلی آشکاری از خود که در این حالت پیام‌های روانی از خود به سوی نماد عینی خود جاری می‌شوند و دوم به صورت کشف و شهود ماهیت خود که در این حالت پیامها از نماد عینی به جانب خود باز می‌گردد» (کوپر، ۱۳۷۹، ص ۵۹).

انسان عجیب می‌داند و معتقد است که ابعاد فرهنگی و معنایی، به همراه ابعاد مهندسی و تکنیکی، دو بعد اصلی معماری را تشکیل داده که بایستی به صورت مکمل در طراحی مورد توجه قرار گیرند. ایشان اثر معماری را متأثر از عوامل گوناگونی مانند اقلیم، عملکرد، مصالح و فنون، نیروی اقتصادی و... می‌داند، اما پایداری آنرا در بیان مفاهیم فرهنگی و ارزشها بیان می‌کند که از طریق عناصر نشانه‌ای کالبدی صورت می‌گیرد و روح فرهنگ را در بنا جاری می‌سازد. بر این مبنا ایشان معتقد است که «ملحظ داشتن عوامل بنیادی، فرهنگی و هنری در بنا، یک اثر ساختمانی معمولی و بی هویت و روح را به سوی یک معماری کامل و شاخص سوق می‌دهد. اثری که آرمان‌ها، تاریخ و فرهنگ، ذوق و اندیشه و هنر یک جامعه در آن نهفته است» (دیبا، ۱۳۷۸، ص ۱۰۶).

موهولی ناگی (۱۹۴۶) نیز معتقد بود سکونت می‌باید نه گوشه‌ای از فضا را اشغال کرده باشد بلکه زندگی در فضا باشد. بدیهی است که انسان اولین ارتباط بصری و حسی خود را از خانه دوران کودکی بدست می‌آورد. «خانه به عنوان فضایی در دل فضا به تکرار ساختار مقدماتی محیط می‌پردازد. کف خانه زمین را به یاد می‌آورد. سقفش آسمان را و دیوارهایش افق پیرامون را. خانه محیط مزبور را در بی واسطگی ذاتی اش به نمایش می‌گذارد.» در این میان نقش فیلترهای ذهنی را نمی‌توان در فرایند شناخت نادیده گرفت. تمامی آنچه که ما ادراک می‌نماییم بخشی از فرایند تکاملی شناخت است. که در آمد و شد اطلاعات از محیط پیرامون تکمیل می‌شود. واقعیت فیزیکی خارج از فیزیک انسان به عنوان یک متغیر مستقل به صورت پیوسته پالس‌های اطلاعاتی را به مغز انسان ارسال می‌کند و تنها پس از گذر از این فضای میان ذهنی است که آنها تبدیل به تجربه و خاطره می‌شوند. که خود مجدداً در ارزیابی اطلاعات بعدی مورد استفاده قرار می‌گیرند. حصول این تجربه ذهنی یا همان تصویر ذهنی است که منجر به شناخت انسان از پدیده‌های گوناگون می‌شود. بعبارت دیگر عینیت‌های بیرونی در محیط اطراف ما در مرحله اول تبدیل به ذهنیت شده و در مرحله دوم همین ذهنیت هاست که بر شناخت عینت‌های اطراف ما تأثیر می‌گذارد. آنچه حاصل نهایی است کلیتی توأمان از عینت‌ها و ذهنیت هاست.

آنچه که مردمی از یک محیط را پیوند می‌زند، قبل از جبر جغرافیایی، نحوه یکسان و همسان آنها در برخورد



با محیط است. یعنی در هنگام تشکیل طرحواره‌های ذهنی در برخورد با محیط آن مردم به مثابه دارا بودند فضای ذهنی و روانی مشابه به ذهنیتی نه ضرورتاً یکسان بلکه مشابه دست می‌یابند. از آنجا که همین ذهنیت فردی در جمع تا حدود زیادی تابع خرد جمعی است لذا عینیت منبعث شده از آن خرد جمعی برای تمامی آن مردم رنگ و بویی یکسان دارد. این امر همان مایه فرهنگی جوامع مختلف است که در سایه ذهنیت‌های جمعی مشترک (فرهنگ) عینیت‌های جمعی یکسانی را در نظام گزینشی خود بوجود می‌آورند. در این جا خانه همان نماد فردی است که از لحاظ فرمی و عملکردی تابع این نظام گزینشی می‌شود. تقابل درون و برون در معماری خانه که تلویحاً مفهوم تعامل را نیز با خود به دوش می‌کشد بیانگر این مطلب است که فرد در مقابله با این دوگانگی درون و برون به مرحله‌ای از شناخت و ادراک نسبت به خود و دنیای اطراف خود می‌رسد. بدان جهت که بخشی از ماهیت روانی خود را صرفاً به نزدیکان نسبی و سببی خود می‌گشاید و با آنها به تعامل می‌نشیند که همان فضای داخلی خانه است و بخش از ظرف بیرونی خود را نیز در تعریفی منفی از این معنی باز می‌شناسد و بخشی از هویت بیرونی خود را نیز با فضای بیرون از آن خانه (درون) در می‌آمیزد و بازتعریف می‌کند. شولتز نیز اشاره می‌کند:

«برای مشارکت در زندگی اجتماعی ناچار از ترک گفتن خانه و گزیدن هدفی می‌باشیم. با این وصف پس از انجام وظایف اجتماعی خود به خانه عقب نشینی می‌کنیم تا هویت فردی خود را باز یابیم. از این رو هویت فردی در سکونت خصوصی مستتر می‌باشد.» (شولتز، ۱۳۹۴، ص ۱۴۱). در خانه چیزهایی را می‌یابیم که بر آنها وقوف داشته و گرامی شان می‌داریم. ما آنها را با خود از بیرون آورده و به خاطر آنکه بخشی از جهان ما را می‌سازند، در کنارشان به زندگی می‌پردازیم، در زندگی روزمره خود به کار بسته، در دستهایمان نگاه داشته، و تحت عنوان باز نمودهای خاطرات از مفاهیم‌شان لذت می‌بریم. کلیر کوپر نیز بر این باور است که نحوه چیدمان فضا در معماری داخلی چه در فضاهای خصوصی و چه در فضاهای عمومی، بیانگر شخصیت فردی و جمعی ساکنان آن خانه دارد و باز تعریفی از اندیشه آنها درباره رویکرد آنها به زندگی‌شان است: «اتاق‌های خواب به طور عملکردی و جاذب و البته مطابق با سلیق شخصی افراد دکوراسیون می‌شوند که به طرز نمادینی نشان‌دهنده

شخصیت صاحبان فضا است. مثلاً اتاق نوجوانان شدیداً جنبه خصوصیات فردی به خود گرفته و بازتابی از تلاش‌های نوجوان برای دستیابی به شخصیت فردی متمایز از والدین است. از طرفی اتاق‌های نشیمن اندک و متخصر دکوراسیون دارند. چراکه توافق بر سر سلیقه‌های فردی متمایز و به شدت اختصاصی و شخصی به آسانی حاصل نمی‌شود. (با این وجود) اتاق‌های نشیمن که در آن از میهمانان و خویشاوندان پذیرایی می‌شود شامل بهترین اثاثیه، نشان‌های خانوادگی، آثار هنری، تصاویر و چیزهای دیگری از این دست هستند و بیانگر خود جمعی خانواده می‌باشند.» (بتیس و پلاگ، ۱۳۸۲، ص ۶۶). کوپر در ادامه نمونه این خود جمعی را در زندگی تازه به دروان رسیده‌ها مثال می‌آورد: «تازه به دوران رسیده‌ها نیاز شدیدی به تثبیت موقعیت جدیدشان دارند و در عین حال هنوز به لحاظ اجتماعی مقبول طبقات بالا و سنتی جامعه قرار نگرفته‌اند و به همین دلیل به اعمال خودنمایانه روی می‌آورند. دکور مدرن‌تر شامل اثاثیه مدرن، دیوارهای چوبی، نقاشی‌های آبستره، فرشهای یکپارچه و پرده‌هایی با طرح‌های انتزاعی نشان‌دهنده این است که صاحبان‌شان مایلند به طبقات اجتماعی بالاتری دست یابند» (همان، ص ۶۷).

همانطور که پیش از این ذکر آن رفت، خانه همچون لباسی بر تن‌نشانده، موقعیت اجتماعی افراد در جامعه است. پس جایی از تعجب وجود ندارد که مالکین طبقه مرفه و متمولین درصدد ظاهری فاخر و بالاتر از سطح عموم جامعه باشند که آن را از طریق تاریخ‌گرایی‌هایی معمارانه تجلی می‌بخشند. ولی طبقات متوسط جامعه با توجه به مقتضیات مالی خود، معماری ساده‌تر را انتخاب می‌کنند. البته نگاه به سبک‌های انتخابی آن هم در ضوابط معماری و شهرسازی شهرهای بزرگی همچون تهران خارج از حوصله این رساله است. ولی به همین حد اکتفا می‌کنیم که نمای ساختمان چنانچه که قوانین اجازه دهند و در اختیار صاحبان آن باشد (در شهرهای بزرگ به ندرت این اتفاق می‌افتد) بازنمایی هم از ذهن فرد است و هم نحوه تعامل او را با جامعه نشان خواهد داد. الکساندر «کیفیت بی‌نام» را در محیط و مسکن مطرح می‌کند. کیفیت بی‌نام شامل مجموعه قوانینی است که در عالم واقعیت اتفاق می‌افتد. این کیفیت، اساسی‌ترین کیفیت است که در هر امری وجود دارد و لزوماً در همه جا یکسان نیست، چرا که صورت خود را از مکان می‌گیرد. مکانی که در آن رشد می‌کند و به تکامل

می‌رسد. هویت فضا هم، نه صرفاً به محیط کالبدی، بلکه به این کیفیت نیز بستگی دارد (الکساندر، ۱۳۸۱، ص ۵۲).

با این توصیفات می‌توان گفت که خانه دو وجه اساسی دارد. یکی فضای خصوصی یا همان اندرونی و دیگری صورت خارجی خانه. که همانطور قبلاً توضیح داده شد، تقابل این دو معنای تلویحی تعامل را بهمراه داشته به این معنا که درونی بودن فضای خانه در ارتباط با بیرون ارزش می‌یابد. پس نظارت و کنترل بر صورت بیرونی خانه نیز حائز اهمیت است چونکه بطور غیرمستقیم بر جنبه داخلی آن نیز تاثیر می‌گذارد.

## ۲. ریشه‌یابی واژه سکونت

در فرهنگ فارسی معین واژه سکونت نیز در معنای نخست فقر و مسکنت تعبیر شده و در معنای دوم اقامت کردن، مسکن گزیدن، توطن، جای‌گزینی تفسیر شده است. در خصوص ریشه‌یابی واژه سکونت، در فرهنگ معین بخوبی به این مطلب اشاره شده است که در زبان عربی واژه سکونت به معنای فقر و مسکنت است و این واژه «سکون» است که به معنای آرامش می‌باشد (معین، ۱۳۶۳، ص ۱۹۰۲) و در فرهنگ عمید ابتدا واژه سکونت را مصدری عربی از ریشه «سکونه» (سُ كَنَ) گرفته است که به معنای مسکین شدن و فقیر شدن است. و سپس معنی فارسی آن را اقامت و مسکن گزیدن و منزل کردن تعبیر کرده است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۶۵۶). در صورتیکه در فرهنگ دهخدا ریشه این لغت را از مصدر عربی «سکون» میدانند که به معنای اقامت و آرامش است و به ارجاع منتهی الارب<sup>۳</sup> از واژه فارسی «آرمیدن» بعنوان معادل فارسی واژه «سکون» استفاده می‌کند. همین معنی در فرهنگ عمید با مصادر مرکب آرامش یافتن، قرار گرفتن و از حرکت باز ایستادن عنوان می‌شود. در صورتیکه در فرهنگ دهخدا به ارجاع آندراج<sup>۴</sup> از تفسیر «جای گرفتن در خانه و جای‌باش گردانیدن» استفاده می‌کند (دهخدا، ۱۳۳۷)؛ همین معنی مجدداً در فرهنگ معین با عنوان «جای گرفتن و جای

باش گردانیدن» آمده است. (معین، ۱۳۶۳، ص ۱۹۰۱). در ریشه‌یابی واژه سکونت، هنگامی که به ریشه فعل عربی آن «سکن<sup>۵</sup>» مراجعه می‌کنیم، به واژه «باشش» بر می‌خوریم که در کنار عبارت «جای‌گرفتن» و در تفسیر واژه سکون آمده است. در فرهنگ معین علاوه بر عبارات مذکور از واژگان برکت، رحمت، و هرآنچه که بوی آرامش گیرد نیز استفاده شده است. (معین، ۱۳۶۳، ص ۱۹۰۰) و مجدداً در فرهنگ دهخدا نیز چنین تفسیر شده است: «هرچه به وی، مرد آرام گیرد چون زن و فرزند و جز آن ... جای گرفتن در خانه خود» و در فرهنگ عمید آن را ساکن شدن می‌داند (عمید، ۱۳۸۹، ص ۶۵۵). در لغت‌نامه دهخدا، واژه مسکونی را صفتی نسبی دانسته به آنچه که قابل سکونت است و در ارجاع آن به واژه «مسکون» آمده است: آرام گرفته شده، محل سکونت و سکنی‌شده به طوریکه که کسانی در آن ساکن باشند. و در معادل فارسی آن از عبارت «باشنده گردیدن» استفاده شده است. در فرهنگ معین در تفسیر واژه مسکون با کلمات سکنی شده و محل سکونت، تعبیر شده است. (معین، ۱۳۶۳، ص ۱۱۴). در لغت‌نامه دهخدا، واژه مسکن با تعابیری چون: جای باشش و خانه، جای سکونت و جای آرام تفسیر شده است. در فرهنگ عمید تحت عنوان محل سکنی و خانه تعبیر شده است. (عمید، ۱۳۸۹، ص ۹۴۲). در فرهنگ معین نیز بعنوان جای باش، محل سکونت، منزل و مقام مطرح شده است. (معین، ۱۳۶۳، ص ۱۱۴).

مسکن بر وزن مفعول، اسم مکان از ریشه عربی «سکن» به معنای آرامش و سکون می‌باشد. واژه مسکن یعنی جایی که آدمی در آن سکنی می‌گزیند تا به سکنه دست یابد و این همان تعریف خانه است. در فرهنگ لغت‌نامه دهخدا معنای لغوی مسکن به معنایی چون: جای‌باش و خانه و .. آمده است (دهخدا، ۱۳۳۷) و در فرهنگ معین به معنایی چون: تسکین‌دهنده و آرام‌کننده آمده است. برای واژه‌های مسکن در ادبیات فارسی لغات مترادف زیادی را می‌توان یافت که در جدول زیر به برخی از آنها (برگرفته از لغت‌نامه دهخدا) اشاره شده است.

۳. واژه‌نامه منتهی الارب فی لغة العرب کتابی ست جامع و اصیل که به دلیل انتخاب بهترین معادل‌های فارسی در برابر واژگان عربی و توانمندی در پاسخگویی به نیازهای مترجمان در ترجمه متون نظم و نثر کلاسیک عربی از ارزشمندترین واژه‌نامه‌های عربی به فارسی به شمار می‌رود و بیش از سایر واژه‌نامه‌های عربی به فارسی مورد توجه قرار گرفته است.  
۴. یکی از فرهنگ‌های زبان فارسی نوشته‌شده در سده نوزدهم میلادی و از کامل‌ترین و منظم‌ترین فرهنگ‌های زبان فارسی عصر خود است.

جدول ۱. کلمات رایج مترادف با واژه «مسکن» در زبان فارسی با توجه به فرهنگ دهخدا، ماخذ: حیاتی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۴۹.

پست: محل بنیوته در شب	جاء: کلمه‌ای که مطلق مسکن است	جای پناهن: سرا و منزل و مکان	جایگاه / جایگاه: مکان استقرار
سورا: منزلگاه بنای عالی و بارگاه	دار: خانه محل سکونت مطلق درخت را گویند، شتر سیر شمر دهند	دهکده: خانه واقع در ده	ربیع: سرا و اطراف خانه فرود آمد نگاه
گازده: خانه‌ای که به عنوان سایبان از تخته سازند	شویا: خانه زیرزمینی و کاروان سرا	سورا: گاه جای استراحت و آرامش	گاز: خانه داخلی زمین و خانه ساخته شده از چوب و نی
گاشه: خانه‌ای که بر کنار کشت و زراعت سازند	گازده منزل و مقام و کمربگاه عباد	گاشان: منزل زمستانی و کاشانه	گاشانه: خانه کوچک و محقر آشیانه مرغیان
گهنبسار: به معنای منزل و بیت و بارگاه	گاشا: کاشانه و خانه کوچک و محقر	گهی: خانه گلی	گدا: پاکت به معنای تخت و دهکده است
شپانه: جای باش، منزل و جای آرامش	مابدا: جا و مکان و مسکن	سنان: به معنای سرا و مسکن و مابدا از ریشه آن است	ساقا: جایگاه جای بودن، جای سکونت و اقامت
معان: جایگاه جای باش و حیات	شویا: جای آرام فرزند و جای حیات	تصفا: موضع و منزل، جای فرود آمدن	مسکن: جای سکونت، جای پناهن و پناه
منطقه: منزل و فرود آمد نگاه	مقام: اقامت و ایام و جای ایستادن است	مسکن: معنی مطلق جاد موضع بودن چیزی	مشول: اقامت موقت، محل خوابیدن و آرامش
موضع: جای، محل، مفهوم مطلق جا	موضع: جای و جایگاه اشکان: جای واقع شدن چیزی		



از راست به چپ: کارل گوستاو یونگ - برج بولینگن بر ساحل دریاچه زوریخ، لوونویگ وینگشتاین، کلبه ای در تشارن، مازین هایدگر، کلبه ای در جنگل سهار، لوونویگ وینگشتاین، خانه ای در وین

تصاویر ۱ الی ۴. نمونه هایی از خانه معروف در تاریخ معماری؛ ماخذ: مهدوی نژاد، ۱۳۹۰.



تصویر ۵. مجسمه خانه؛ ۱۹۹۳ (۴۵ سال بعد از کتاب باشلار)؛ توضیح: او قالبی بتنی از فضای داخلی یک خانه در متته‌الیه شرقی لندن ساخت و نام این مجسمه را «خانه» نهاد؛ ماخذ: آرشيو نگارنده بر اساس باشلار، ۱۳۹۲.

در فرهنگ لغات آکسفورد واژه «رزیدنس»<sup>۶</sup> به سه صورت معنا شده است: ۱- دارا بودن شرایط سکنی‌گزیدن مداوم در یک مکان مشخص و ثابت. ۲- زمانی که شخص برای زندگی در مکانی می‌گذراند. ۳- مکان قدرت و آزادی. و همچنین تاریخچه اولیه این لغت به زمان قرن ۱۴ میلادی باز می‌گردد (William, 1991, p. 1806); در فرهنگ آریان پور بر دو عبارت: ۱- محل اقامت و ۲- ماندگاری تاکید شده است و بعنوان مسکن و خانه ترجمه شده است (آریان پور کاشانی، ۱۳۶۳، ص ۴۶۶).

مقایسه معانی این واژه در دو فرهنگ فارسی و انگلیسی نشان از این دارد که در زبان انگلیسی یک بار معنایی بر این لغت وارد است که چنین چیزی در فرهنگ فارسی مشاهده نمی‌شود و این بدان معناست که در ادبیات فارسی سکونت بیشتر بار مکانی داشته ولی در ادبیات انگلیسی علاوه بر بار مکانی بار زمانی را نیز دارا می‌باشد. یعنی بر مدت زمان وقوع فعل نیز دلالت داشته و سکونت را در صورت تداوم زمانی فعل معنا دار می‌داند. از طرفی دیگر در فرهنگ فارسی معادل مشتقات لغت آرام را می‌بینیم که در ادبیات انگلیسی مشاهده نمی‌شود. و این بدان معناست که واژه سکونت در ادبیات فارسی با نوعی تضاد در رد جهان بیرونی مشاهده می‌شود که در آنجا به آرامش و سکون خواهیم رسید و در صورتیکه در ادبیات انگلیسی بر تداوم زمانی و مکانی به منظور وقوع فعل زندگی، تاکید می‌شود.

### ۳. عوامل موثر بر شکل‌گیری سکونت

دو نوع نظم را می‌توان برای خانه قائل شد. یکی نظم داخلی فضاها و آن است که ما بین اجزای خانه برقرار است و هدف آن در درجه اول برطرف کردن نیازهای انسان و در درجه دوم تعالی اوست. همچنین نظم دومی برای خانه می‌توان قائل شد و آن نظم شهری است که خانه به عنوان یک واحد مسکونی در آن قرار گرفته و به تبعیت از آن در مقیاس کلان‌تر می‌پردازد. در نهایت می‌توانیم بگوییم که خانه جزئی از جامعه است. این خود التزامی را برای خانه‌های شهری بوجود می‌آورد که بایستی در سازش با دیگر خانه‌ها باشند و بیش از آنکه یک سازش باشد یک التزام اجتماعی در نظامی کلان‌تر است. از دیدگاه باشلار خانه یک هندسه تعالی یافته است. بدان معنا که هنگامی که طرح اولیه آن از هندسه‌ای پیروی می‌کند ولی پس از سکونت با ضمن برقراری تعامل با اعضای خانواده به چنان تکاملی دست می‌یابد که دیگر تنها یک سازه مجرد نیست بلکه موجودیتی است قابل تجربه و نمادپذیر. این ذهنیت موجودیت یافته در خانه، منجر به شکل‌گیری آرامش و تنظیم روابط خانگی می‌شود. از این جهت که نه تنها انسان را در برابر حوادث قاهره حفظ می‌نماید بلکه در مقابل تمامی نامالایماتی‌های اجتماعی نیز بر می‌خیزد و نوعی سرپناه اجتماعی را بوجود می‌آورد و مأمنی برای آرامش می‌شود.

کیفیت مسکن زیرمجموعه‌ای از کیفیت زندگی است. کیفیت زندگی به جنبه‌های کمی و کیفی توأم می‌پردازد. کیفیت زندگی بدون کیفیت محیطی که در آن زندگی می‌کنیم معنایی ندارد، بنابراین می‌توان گفت «کیفیت مسکن یک قسمت از کیفیت زندگی است و شامل تمام فاکتورهایی می‌شود که بخشی از رضایت‌مندی انسان‌ها را تشکیل می‌دهند.» کیفیت محیط شهری در توجه توأم به جنبه‌های کیفی و کمی عناصر شهری و اجزای تشکیل‌دهنده آن‌ها نهفته است. برنامه‌ریزان معتقدند کیفیت محیط یک مفهوم اصلی برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای و اجتماعی است و با مفاهیمی همچون کیفیت زندگی، تنوع فضای اجتماعی، ویژگی‌های فیزیکی، فعالیت‌ها،



نمودار ۱. ابعاد روند سکونت زیستی بشر؛ ماخذ: نگارندگان.



وابستگی‌های مکانی و هویت شهری در ارتباط است (رفعیان، احمدی و اورنگ، ۱۳۸۶، ص ۳). بطورکلی کیفیت محیطی کلیه ابعاد اجتماعی و اقتصادی و کالبدی را در برمی‌گیرد و بر اساس میزان رضایت مردم سنجیده می‌شود. کیفیتهای ضمیری به عنوان ارزشهایی معرفی شده‌اند که به دشواری قابل کمی شدن بوده و به سختی می‌توان آنها را اندازه‌گیری کرد. کیفیتها مرتبط با بیان مطلوب یا نامطلوب و زشت و زیبا بودن اشیاء معمولا از این دسته هستند؛ در حالی که کیفیتهای حقیقی اشیاء را می‌توان به عنوان کیفیتی دانست که ماهیت قابل اندازه‌گیری دارند و به ظرفیتهای قابل سنجش نظیر وزن، ارتفاع و سرعت ارتباط دارند. از این‌رو، در مورد کیفیت یک شیء می‌توان گفت که: کیفیت یک شیء درجه برتری، مشابهت یا فروتری آن نسبت به اشیاء دیگر است که توسط انسان از طریق ذهنی و عینی به عنوان مجموعه ویژگیهای آن شیء درک و محسوب می‌گردد.

کیفیت یک شیء از دو منبع ضمیر فرد و خود شیء نشات می‌یابد که به ترتیب آنها را ارزش و مقیاس اندازه‌گیری نامیده، بیانگر دو گروه کیفیتهای مطلوبیتی و کیفیتهای ظرفیتی اشیاء هستند (گلکار، ۱۳۸۰، ص ۳۸-۶۵).



نمودار ۲. انواع کیفیت مسکن از دیدگاه ارزش ضمیر مُدرک و مقیاس اندازه‌گیری خود مسکن؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس گلکار، ۱۳۸۰.

«گلکار» (۱۳۸۰، ص ۳۸-۶۵) معتقد است که «کیفیت» را می‌توان به عنوان برآیند سه نیرو (مولفه) «کیفیت عملکردی، کیفیت تجربی-زیباشناختی، و کیفیت زیست محیطی» در مقوله مکان و مسکن شهری در نظر گرفت:

۱. «کیفیت عملکردی» از یک سو دربرگیرنده تأمین حرکت و دسترسی سهل و آسان پیاده‌ها از مسکن و سواره‌ها به مراکز جاذب شهری است و از سویی دیگر، دربرگیرنده عملکردهای دیگری همچون تفریح غیرفعال، تماشای مردم و مراسم گوناگون نیز بوده تا ضامن سرزندگی و غنای تجربه فضایی شهر گردند؛
۲. «کیفیت تجربی-زیباشناختی» به دریافت‌های ادراکی، شناختی و ترجیحات محیطی افراد در قبال مسکن سروکار دارد؛ و درنهایت،
۳. «کیفیت زیست محیطی» در بعد خرد آن مسکن و محیط محله است و در بعد کلان دغدغه‌پایداری زیست محیطی شهری را دارد.

در اینجا تعبیر کوپر نیز حائز اهمیت است. کوپر در دیدگاه خود نسبت به خانه، برای خانه نوعی نقش مادرانه<sup>۷</sup> را قائل می‌شود. این نقش که به نوعی همان جنبه طبیعت مادرانه را به ذهن متبادر می‌سازد، بر اساس امنیت و محبت و آرامش است و به نحوی در برابر عوامل بیرونی، محافظ تلقی می‌شود. «تصور خانه همچون مادر، تصور لطیفی است که در ادبیات مرسوم بوده است و همین دیدگاه منشا الهام بسیاری از معماران ارگانیک گردید تا احساس امنیت و محصور بودن را در طرح‌های خانه‌سازی باز آفرینی کنند. «خانه‌ای که از دل زمین روئیده همچون درختی که سالهاست در باغ قدیمی‌جا خوش کرده است. هیچ زیرزمینی یا اتاقی که مستقیماً بر روی زمین قرار گرفته باشد نداشت. احساس می‌کردم زیر فرش زمین قرار دارد. می‌توانستم از اینجا ریشه بگیرم و با خانه و باغ متحد شوم و همچون گیاهان از آنها تغذیه کنم» (بتیس و پلاگ، ۱۳۸۲، ص ۷۰). این همان حسی است که بسیاری از ما هنگام بازگشت به خانه از محل کار یا تحصیل با آن مواجه هستیم. سرپناهی آرام و گرم که مامنی در مقابل اغتشاشات شهری و درگیری‌های روزانه است. این همان تعبیر آغوش مادرانه است که با تک تک اجزای خانه در ارتباط است از ورودی خانه گرفته که نقش خوشامدگویی را دارد تا اتاق استراحت و نشیمن که تماماً حاکی از محرمیت‌های خصوصی ماست.





تصویر ۶. کلبه روستایی و مسکن مطلوب هایدگر؛ ماخذ: hassan-afshin.blog.ir

ارزش‌گذاری خصایص برجسته و یا تحلیل علت راحتی آنها نیست بلکه برعکس، بایستی از توصیف، پافراتر نهیم - چه توصیف عینی چه ذهنی - یعنی آنکه آیا این توصیفات بیانگر حقایق است یا احساسات.» (باشلار، ۱۳۹۲، ص. ۴۴) باشلار معتقد به مکان‌کاوی بود. او معنای مکان را در در عرصه‌های زندگی خصوصی انسان درک کرده بود و تنها راه دریافت شناخت از این فضا را کاوش در ضمیر ناخودآگاه ساکنین آن می‌داند. چنین دست مطالعات روان‌شناسی در فضای مسکونی از آن جهت حائز اهمیت است که دیدگاه محققان در این زمینه را با نوعی از فضای جدید معماری آشنا می‌سازد که مولفه‌های سازنده آن تنها ابعاد فیزیکی و زیبایی شناسانه نبوده، بلکه تا حدود زیادی بار اجتماعی و روانی را در بردارد.

در این میان باشلار با نگاهی متشابه به هوسرل سعی در شناخت مسئله خانه بر می‌آید. او که راه اصلی شناخت و شهود را در تجربه عقلانی و علمی می‌داند. به این معنا که چیستی مسائلی که در ذهن او بوجود آمده را نه از طریق برداشت‌های روان‌شناسانه بلکه با رویکرد خردگرایانه می‌جوید. باشلار معتقد است که مسیر رسیدن به شناخت کامل از شهود می‌گذرد. شهود به این معنا که بایستی علاوه بر درک مبنی بر برداشت‌های عقلانی بایستی به نوعی تجربه‌ای از احساس نیز در آن دخیل باشد. لذا باشلار با اشاره به یونگ به مسئله ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه اشاره می‌کند و شناخت کامل را مبنی بر تجربه توامان اندیشه و احساس می‌داند. «برای پدیدارشناس، روان‌کاو یا روان‌شناس، بحث بر سر توصیف خانه‌ها،



تصویر ۷. ویلای ساوا، اثر لوکوربوزیه. از چیستی مسکن به کیستی مسکن: از ویلای ساوا به معمار آن: لوکوربوزیه؛ ماخذ: نگارنده رساله؛ ماخذ: تصویرک وبلاگ معماری بلاگ پارس، زمان برداشت: ۱۳۹۶.

هر انسانی منسوب به تجربه او از زادگاه خودش است. بعبارت دیگر چنانچه تفسیری چه نوشتاری و چه گفتاری در خصوص خانه مطرح شود. هر شخصی ابتدا آن موضوع را با برداشت‌های ذهنی خود

مانند هر پدیده دیگری در ذهن انسان، مراحل تدریجی شناخت در خصوص پدیده‌ها از طریق تطبیق و مقایسه آن پدیده با اولین شناختی است که در ذهن انسان شکل می‌گیرد. در مورد خانه اولین شناخت

تکامل می‌یابند و اگر در خانه معینی سکونت داشته باشند مایل‌اند آنرا مطابق این تحول و کمال متحول سازند. قسمت‌هایی را به آن ملحق نمایند و یا آنرا تغییر دهند. کوپر چنین تحولی را در خانه یونگ مثال می‌زند: «در سال ۱۹۳۳ اولین خانه مدور را ساخت. آن خانه کانون گرم مادرانه‌ای را به او ارزانی داشت. لذا چهارسال بعد یک قسمت الحاقی به آن افزود. چهارسال بعد او احساس کرد نیاز دارد اتاقی مجزا برای خلوت و مراقبه به ساختمان بیافزاید جایی که هیچ‌کس نتواند به آنجا وارد شود و گوشه خلوتی برای تمرکز معنوی باشد. پس از گذشت چهارسال دیگر احساس کرد به فضای دیگری احتیاج دارد. مکانی که به سوی آسمان و طبیعت گشوده شده باشد. بنابراین یک حیاط و یک ایوان سرپوشیده را نیز به ساختمان اضافه کرد. نهایتاً پس از مرگ همسرش الزامی درونی احساس کرد مبنی بر اینکه (آنچه خودم هستم بشوم) و لذا آن بخش کوچک و مرکزی خانه را مورد توجه قرارداد ..... درون آن من در کانون زندگی حقیقی خود بودم. من واقعا خودم بودم. از همان ابتدا ساختمان را به نوعی همچون مکانی برای رشد و تکامل احساس می‌کردم. یک رحم مادرگونه یا شبه مادرانه از آنچه می‌توانستم باشم. آنچه بودم هستم و خواهم بود. احساس می‌کردم دوباره از درون سنگ‌ها متولد شده‌ام. بنابراین آن بنا تجسم فرایندی فردی است.»

از خانه زادگاهی‌اش می‌کند و ناخواسته به مقایسه به آن می‌پردازد. در این فرایند رفت و برگشت است که شناخت حاصل می‌شود. از نظر باشلار، این حصول مبانی ذهنی در خانه که مشمول بر خاطرات و تعلقات ذهنی در ادوار مختلف است، علت اصلی شکل‌گیری سکونت در خانه محسوب می‌شود. در اصل خانه ظرفی است که خاطرات و آمل و آرزوهای خود را به ودیعه می‌گذارد تا بدین وسیله به آرامشی دائم برسد. لذا خانه چیزی فراتر از موجودیت فیزیکی و بنای ساختمانی آن است. در اصل خانه با روح و روان ساکنان خانه عجین شده است. گاهی همچون سپری نامرئی در مقابل آسیب‌های روانی می‌ایستد و گاهی چنان آغوش می‌گشاید که پذیرای هر نقشی را می‌تواند به خود بگیرد. لذا این تصور غلطی است که بپنداریم فضای معماری داخلی و مبلمان آن است که حال و هوای زندگی ما را در بر می‌گیرد. این توافق معنی را می‌توان اینگونه تفسیر کرد که خانه تا آن حد انعطاف‌پذیر است که می‌تواند در زمان واحد نیازهای متضاد ساکنین‌اش را برطرف کند. به این معنا که هر دم که نیاز به خلوت است، گوشه‌ای را برای راز و نیاز فراهم آورد و همان لحظه نیز شرایطی را برای تعامل اجتماعی با دیگر اعضای خانواده.

کوپر با ارجاع به خانه یونگ اظهار می‌دارد که انسان‌ها میزان تکامل روحی و روانی خود را در خانه‌هایشان متبلور می‌سازند. او چنین می‌نویسد: در حقیقت انسان‌ها با گذشت زمان، تحول و



تصویر ۸. کلبه شخصی لوکوربوزیه؛ در سواحل جنوبی فرانسه.

البته جای تعجب ندارد که به دلایل متعددی از جمله عدم ثبات و نبود حقوق شهروندی و امنیت اجتماعی، هر خانواده‌ای تأمین امنیت را دغدغه اصلی خود می‌داند که در خانه خود را نشان

زمانی نقش سرپناه اصلی‌ترین وظیفه یک واحد سکونتی محسوب می‌شد ولی در حال حاضر می‌دانیم که این ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین نقشی است که می‌توان برای خانه در نظر گرفت.

می‌داده است. بدان معنی که خانه پیش از هر چیز بایستی امنیت جانی و مالی صاحب‌خانه را تامین می‌کرده است. که از آنجمله می‌توان به مسئله نظارتی بر کاربران خانه چه در مقیاس مهمان و چه در مقیاس صاحب‌خانه و همچنین سازگاری با شرایط اقلیمی را نام برد.

انسان در سراسر حیات زیستی خود با دو واژه مفهومی ایمنی و امنیت سر و کار داشته است. از این جهت که ایمنی را به رعایت مقرراتی ارجاع می‌داده که تامین آسایش را مترتب گردد و به نوعی پدافند غیرعامل در برابر حوادث طبیعی و غیرعمدی بوده و از طرف دیگر بواسطه مواجهه با بیگانگان نیز نوعی حریم خصوصی برای خود قائل می‌گردد. به همین سبب است که ثبات فیزیکی خانه بیش از هر چیز دیگری برای ساکنان حائز اهمیت است. چرا که به بالقوه توانایی ساکنان آن را برای مواجهه با قوه‌ی قاهره طبیعت و بیگانگان افزایش می‌دهد. لذا تعریف این حد و حدود ها صرفاً مرز فیزیکی نیست بلکه فرایندی است معنوی که تمام مشترکان آن را به چالش می‌کشد. چرا که این فعالیتی است دو سویه. چون همزمان که انسان به مثابه یک موجود اجتماعی، همزمان که نیاز به تعاملات اجتماعی دارد، نیاز دارد تا فاصله خود را با دیگران حفظ کرده و مرزی برای آنان قائل شود تا دیگران بیش از حد مجاز به او نزدیک نشوند. این مرز روانی در برخی از موارد در زندگی بشر تجسّدی بخود می‌گیرد که می‌توان نمود قابل توجه آن را در خانه مشاهده کرد. این امر (مرز روانی) در خانه تا آنجا پیش می‌رود که جانمایی و چینش فضای معماری خانه را تحت تاثیر قرار داده و به مفاهیم زیبایی‌شناسی واحدهای سکونتی بشر جلوه‌ای منحصر به فرد دهد. «پس خانه، آدمی را یاری می‌رساند تا نه تنها در خود آن بلکه در جهان سکونت‌گزیند» (شولتز ک. ن.، ۱۳۹۴، ص ۱۶۷).

این تعامل مابین این نیازها و ساکنین خانه در روند تاریخی و تکامل خانه کاملاً مشهود است. انسان همواره سعی کرده است که نیازهای خود را در درون خانه حل و فصل کند. بارزترین آن را می‌توان همان حیاط‌های مرکزی دانست که علاوه بر طرف کردن نیازهای اجتماعی و روانی،

بخش عظیمی از مایحتاج روزمره ساکنین خانه را نیز برطرف می‌کرده است و به نوعی مرکزی بوده برای اینکه انسجام خانه به پیرامون آن شکل گیرد. این گرایش به درون، در خانه باعث شده است که بخصوص در مشرق زمین این الگوی حیاط مرکزی، فراگیر شود. این الگوی حیاط مرکزی تبدیل به زبانی گویا برای خانه‌های مسلمان شد که مسائل محرمیت در آنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. حیاط مرکزی در خانه‌ها به علت عملکرد مشاعی که داشت منجر به این می‌شد که تمامی عملکردهای خانه پیرامون آن و گرداگرد آن شکل گیرد. در کتاب به سوی معماری ارگانیک نیز لوکوربوزیه نیز اهمیت حیاط در این خانه‌های متمرکز در شهر رم اشاره می‌کند. در این راستا می‌توان نقش حیاط در این خانه‌های حیاط مرکزی را عامل انسجام اجزای آن دانست، که تمام عوامل خانه به دور آن جمع می‌شوند. چنین نقشی را در خانه‌های کشورهای اروپایی و شمال را الگوی تالار-خانه بعهد می‌گیرد. اینجا آن مفهوم محرمیت مانند ممالک اسلامی مد نظر نیست بلکه بیشتر تابع شرایط سخت اقلیمی است ولی کارکردها به حول آن فضای مشاع که این بار سرپوشیده نیز شده است تکرار می‌شود و نیازهای ساکنین را در سطوح مختلف برطرف می‌کند. «برای وقوف بر این جهان، توضیحات کلی معماری عمومی کفایت نمی‌کند؛ اینجا آدمی به تصویری که بتواند امنیت را به زندگی روزمره پیشکش دارد نیز نیازمند است. این بدان معناست که او به خانه‌ای نیاز دارد که می‌باید در آن واحد هم پناهگاه باشد و هم گشوده بر دنیا.» ظرافت‌های معمارانه اساساً می‌تواند در هر بنایی بکار رود. از بناهای مذهبی گرفته تا بنای تجاری و آموزشی می‌توان خلاقیت و سبک‌های معماری مختلف را در طرح‌های معماران پیاده کرد ولی در فضاهای سکونتی داستان به نحوی دیگر رگم می‌خورد. در اینجا معمار با روح فضا سر و کار دارد. در اینجا اغنای حسی ساکنان خانه از مسائل زیبایی‌شناسانه به مراتب مهمتر است. گرچه تکمیل هیچ یک را نمی‌توان شرط لازم و کافی دانست ولی حداقل این برای ساکنان خانه مسجل شده است که اغنای روحیات انسانی از شروط لازم هر طرح

معماری در بناهای مسکونی است. مهم این است که تعاملی ما بین معمار و صاحب خانه بوجود آید و در آن تعامل توافق نظری بر مفهوم سکونت پدید آید.

## b. عوامل موثر بر تحولات الگوی سکونتی از دیدگاه اجتماعی-اقتصادی

### ۱. رضایتمندی از سکونت

رضایتمندی سکونتی را می توان نحوه رابطه میان افراد و سکونت گاه آن‌ها دانست. (Walton, Murray, & Thomas, 2008, p. 406) بنیان‌های نظری بر این امر استوار است که رضایتمندی سکونتی تفاوت بین مسکن موجود، واقعی و مطلوب خانواده را محاسبه می‌کند. (Abdul Mohit, Ibrahim, & Rashid, 2010, p. 19) در مطالعه ای که توسط لنسینگ<sup>۸</sup> و مارانز<sup>۹</sup> صورت گرفت، رضایتمندی به عنوان یکی از معیارهای کلیدی سنجش میزان کیفیت محیطی مطرح گردید (رفیعیان و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۵۱). میزان رضایتمندی پارامتری است که همواره ما را در تمامی مراحل زندگی همراهی می‌کند. گرچه در نگاه اول می توان گفت که مفهومی کلان است و قابل تسری به تمامی امور نیست ولی می توان امروزه نقش زیادی را به آن محول نمود. این امر خود محملی می‌شود برای اینکه ما مسئله خانه و مسکن را مورد چالش قرار دهیم. یعنی در ضمیر ناخودآگاه خود به این بیاندیشیم که اساساً خانه چیست و چه فاکتور ها و پارامتر هایی میزان رضایتمندی ما را از خانه بالاتر می‌برد. بعبارت دیگر معیار ما از خانه خوب چیست. برداشت‌های فلسفی در این خصوص خارج از حوصله این رساله است و تنها اینجا به این مورد اکتفا می‌کنیم که میزان رضایتمندی ما از خانه تا حدود زیادی به درک و فهم ما از خانه مربوط می‌شود. در کنار رضایتمندی، منش و رفتار ما در خانه و محیط‌های سکونتی نیز چنین روندی را طی می‌کنند.

حال رضایت چگونه حاصل می‌شود؟ اولین پارامتری که منجر به افزایش میزان رضایت در زندگی می‌شود، قدرت انتخاب است. یعنی اینکه ما به درجه از استقلال و آزادی رسیده

باشیم تا بتوانیم بین گزینه‌های پیش رو یکی را انتخاب نماییم. قطعاً اگر فضایی را جلوی پای ما بگذارند و بگویند این تنها انتخاب شماست و شما حق انتخاب دیگری ندارید، حتی اگر آن فضا بسیار از معیار های ما را پوشش دهد، ولی باز هم رضایتمندی ما را کسب نکرده است. پس بحث نخست اینست که بتوانیم به راحتی بین اولویت‌های خود انتخاب کنیم. حال اینکه چه عواملی به شکل گیری اولویت‌های ما منجر می‌شوند مسئله ایست که به عوامل متعدد دیگری مربوط می‌شود. بسیاری از ما حتی اگر هم‌محله‌ای هم باشیم ولی عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی، درجه ای متفاوت از سلیق و اولویت ها را برای ما بوجود می‌آورند. حتی در موضعی دیگر محدودیت‌های ما نیز مانند مسائل اقتصادی و بودجه خانواده، اولویت های ما را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند. این وجوه افتراق و اشتراک میان اعضای یک جامعه نیازها و به تبع آن اولویت‌های متفاوتی را بوجود می‌آورد که مجموع آن‌ها بر نوع تقاضاها موثر است. برای همین است که خانه‌های متفاوت و گوناگونی برای ساکنان متفاوت و گوناگونی وجود دارد. عواملی را که در رضایتمندی افراد از سکونتگاه خود تاثیر می‌گذارند را می توان به قرار زیر برشمرد: جنسیت، مالکیت، رضایت از واحدهای همسایگی، وضعیت زندگی، زناشویی، وضعیت شغلی، وضعیت کالبدی، وضعیت کالبدی سکونتگاه، شرایط زندگی در گذشته، مدت سکونت، میزان تحصیلات، درآمد و طبقه اجتماعی، سن و بُعد خانوار. این دانش از شیوه‌ی زیستن و سکونت است که ارزش های کلان و خرد ما را تحت تاثیر قرار می‌دهد. برای مثال به نحوه‌ی ارزیابی یک دلال مسکن و یا همان بنگاهی با یک مهندس سازه می‌پردازیم. هنگام خرید مسکن، یک مهندس سازه قطعاً با چالش‌هایی مواجه است که مدت زمانی طولانی در دانشگاه درس آن را خوانده و در محیط کاری با آن درگیر است. بدان معنا که به هنگام زلزله، این ساختمان با توجه به سازه‌اش قدرت متفاوت دارد یا خیر؟ ولی یک دلال بیشتر به این فکر می‌کند که ارزش افزوده ملک مورد معامله چقدر است؟ این تضاد تا حدی ممکن است پیش رود که

8. Lansing

9. Marans



دیدگاه این دو در مقابل یکدیگر قرار گیرد. پس می‌توان چنین بیان داشت که میزان آشنایی ما با وجوه مختلف سکونت بر میزان رضایت ما بسیار موثر است. این آشنایی شامل طیف وسیعی از ابعاد اقتصادی تا ابعاد فنی و هنری آن نیز می‌شود.

## ۲. عوامل موثر شخصی

هر یک از ما بسته به نوع نگرش خودمان نیز با چالش‌هایی در انتخاب خانه مواجه هستیم. اکثر کسانی که مورد مطالعه در تقاضای مسکن قرار گرفته‌اند، ابراز داشته‌اند که خواستار خانه‌ای شخصی و متعلق به خود هستند. این در صورتیست که برخی بر خلاف این نظر خواستار خانه‌های اجاره‌ای هستند و مشتاق هستند که کمتر مورد توجه قرار گیرند. زوج‌های مستتر و مجردها بیشتر متمایل به این هستند که کمتر در توجه دید عموم باشند و کمتر شناخته شوند. پس الویت آنها زندگی در مراکز شلوغ شهری است. بر عکس خانواده بچه‌دار که تمایل به خانه‌ای مستقل خارج از شهر دارد. ارزیابی رضایتمندی ساکنین می‌تواند در جهت سنجش میزان دستیابی به اهداف پروژه‌های شهری موثر واقع شده و همینطور نتایج حاصل از اینگونه پژوهش‌ها را می‌توان در ارتقای کیفیت زندگی به کار بست. در مسئله جنسیت هم اولویت‌ها به گونه‌ای دیگر است. یعنی اینکه برداشت خانم‌ها از فضای سکونتی با برداشت آقایان متفاوت است. بدان معنی که هرگاه خانم‌ها را به تنهایی مورد مذاقه قرار دادند که ببیند چه نوع فضایی سکونتی را می‌طلبند، خواسته‌شان از خانم‌هایی که در کنار مردی بودند هم متفاوت بود و این مسئله برای آقایان نیز صادق بود. یعنی وقتی از آنها خواسته شده که خانه مورد نظر خود را توصیف کنند و سپس با شرط متاهل بودن هم دوباره از آنها پرسیده شده است، دو رویکرد کاملاً متفاوت از خود نشان دادند. همه این مسائل به خوبی بیانگر این مطلب است که خود مسئله جنسیت به تنهایی تأثیر زیادی بر اولویت متقاضیان مسکن و خانه می‌گذارد. از طرف دیگر نقش اجتماعی که هر کدام از این جنسیت‌ها به خود می‌گیرد، نیز در نوع نگرش و تقاضا موثر است. یعنی چنانچه اگر زن خانه‌دار باشد نوعی از فضا را می‌پسندد

که ممکن است یک زن شاغل بیرون از خانه آن را برنتابد. حتی در موقعیتی متفاوت تمام این معیارها باز تغییر می‌کند. بدان معنا که چنانچه همین نقش اجتماعی با همین جنسیت را در دو طبقه اجتماعی متفاوت بررسی کنیم، باز به رویکردی کاملاً متفاوت‌تر نیز برخورد خواهیم کرد. برای مثال افراد ثروتمند بیشتر به ماهیت بیرونی خانه خود اهمیت می‌دهند تا طبقه متوسط که حتی ممکن است اصلاً در فکر چنین امری نباشد. در وجهی دیگر دیدگاه تکاملی افراد است که بیشتر خود را در واژه امید و آرزو متبلور می‌کند. به این معنا که هر کسی در مورد خانه و کاشانه خود همیشه یک روند صعودی را از لحاظ کیفی متصور می‌شود. و همواره در پی ارتقاء سطح کیفی خانه خود است. فضایی به مراتب بهتر و رفع نقصانی که در فضای کنونی با آن دست‌به‌گریبان است. لنسینگ و مارانز معتقدند، محیط با کیفیت بالا احساسی از رفاه و رضایتمندی را از طریق ویژگی‌هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی یا سمبولیک باشد را به ساکنان‌شان انتقال می‌دهند (حاجی نژاد و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۶۷).

## ۳. مقایسه‌ها

در پی تکمیل این سخن که ما همواره در پی بالاتر بردن کیفیت زندگی خود هستیم. جا دارد به این مسئله نیز اشاره کنیم که ماهیت این مسئله تا حدود زیادی ریشه در فرهنگ نیز دارد. یعنی یکی از اصولی که پیوسته باعث تغییر و تحول در اندیشه‌گاه ما می‌شود، مسئله مقایسه است. اینکه ما همیشه دارایی‌ها و خواسته‌های خود را با دیگران مقایسه می‌کنیم. البته این مقایسه بیشتر در سطح و تراز بالاتر از سطح و تراز کیفی زندگی خودمان است و کمتر با هم‌ترازان خود و هرگز با پایین‌تر از خودمان مقایسه نمی‌کنیم. این مسئله نیز بسیار پیچیده‌تر از این است که خواهیم در این رساله به آن پردازیم ولی می‌خواهم به این نکته اکتفا کنم که تمام این مسائل در هم پیچیده است و ما صرفاً رویه ظاهری آن را شاهد هستیم. این مساله به شدت خود را در ارتباط ما با دیگر همسایگان نشان می‌دهد. روابط اجتماعی ما منجر به تشکیل هنجاری می‌شود که اغلب موارد



ناهنجاری است که خود را به صورت یک هنجار نشان می‌دهد. و نقش بسیاری در اولویت های ما دارد. بدان معنی که ما در اندیشه و خرد جمعی خود با مجموعه به شراکت می‌پردازیم که من آن را همسایه و هم پیاله‌ی فکری می‌نامم و لزوماً مرز آن به واحدهای همسایگی ما در یک محله ختم نمی‌شود. این شاکله‌ی فکری در سایه این خرد جمعی بشدت بر اولویت‌های ما از خانه تاثیر گذار است. چنین امری در اغنای اجتماعی ما نقش بسیار مهمی دارد. برای مثال که خیلی هم محتمل است ممکن است که میزان رضایت ما از کالبد خانه‌ای زیاد نباشد ولی میزان رضایت اجتماعی ما از محیط اجتماعی و همسایگان آن به شدت بالا باشد. ویژگی‌ها و مشخصات اجتماعی واحدهای همسایگی و یا حتی همسایه‌ها به عنوان یک عامل مهم و بالقوه در میزان رضایتمندی و نارضایتی ساکنان از سکونت تاثیر گذار است. که شامل مواردی چون مدت زمان سکونت در محل، شناخت نسبت به همسایه‌ها، امنیت، ایمنی و شبکه‌های ارتباطی است. (غیائی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۵۰).

#### ۴. سبک معماری

مسئله بعدی مسئله سبک معماری است. البته این مسئله کمتر در میان عوام جامعه مخصوصاً جامعه ایران جا افتاده است که نشان از غفلت جامعه معماری در جا انداختن مفاهیم فاخر معماری ایرانیست ولیکن مشاهده می‌شود که در طبقات بالای اجتماعی، مخصوصاً امروزه، سبک معماری تا حدود زیادی بر رضایتمندی از خانه تاثیر گذار بوده است. فارغ از جماعت تازه به دوران رسیده که در پی تثبیت موقعیت اجتماعی خود در جامعه هستند و بیشتر به دنبال خود نمایی هستند تا سبک معماری، گروهی نیز به دنبال هویت و شجره‌ی خانوادگی خود در میان این سبک‌های معماری می‌گردند. نمود اصلی این مسئله را می‌توان در طراحی فضاهای داخلی خانه یافت. جایی که جولان‌گاه بسیاری از معماران جوان است، که خود تاثیر زیادی در ارزش‌گذاری از خانه‌ها را بر عهده می‌گیرد. (گیفورد، ۱۳۷۸، ص ۲۳).

#### ۵. رفتار در خانه

بحث رفتار در خانه، با چالش‌های فراوانی روبروست و اساساً کند و کاو در این خصوص اگر غیر ممکن نباشد، بسیار سخت و دشوار است. چرا که در رفتار و حس یک چرخه روانی را تشکیل می‌دهند که هر کدام بر دیگری موثر است. یک حس خوب و یک رفتار خوب را منجر می‌شود و این رفتار خوب مجدداً حس خوبی را به فرد القا می‌کند. اما در محیط خانه که یک حریم خصوصی است، رصد کردن با موانع متعددی روبروست. ولی به همین اکتفا می‌کنیم که خود یک خانه می‌تواند یک حس خوب را بیافریند که در اینجا منظور از خوب می‌تواند همان آرامش و رضایتمندی باشد. و سپس این حس رفتاری متقابل با آن را بوجود می‌آورد که به نوعی غیر مستقیم بر گرفته از همان محیط خانه است. «روانشناسی محیطی داخل خانه گسترش پیدا نکرده زیرا مطالعه رفتارها در کاشانه با مقاومت طبیعی روبرو می‌گردد.» بخش بعدی این رفتارها به فعالیتها باز می‌گردد. یعنی رفتارها خود زمینه ساز فعالیت‌هایی هستند که در خانه رخ می‌دهد. آنچه که مهم است این است که چگونه این فعالیت‌ها و رفتارها را مدیریت کنیم و آیا اساساً خانه ساز و کارهایی دارد که بتواند این رفتارها را مدیریت کند؟ برای پاسخ به این پرسش باید خاطر نشان کنم که برای انجام هر فعالیتی بایستی فضایی در نظر گرفته شده باشد، یعنی ظرف فعالیت حاضر باشد. اگر نحوه انجام آن فعالیت را رفتار بنامیم بایستی در نظر گرفته باشیم که این رفتار در قالب فضایی شکل می‌گیرد. بدان معنا که رفتار موجودیتی سیال دارد که فضای معماری به آن فعلیت می‌بخشد. در نتیجه با قاطعیت می‌توان گفت که فضای معماری قابلیت آن را دارد که از زبان خود یا همان الگوی فضا به مدیریت فعالیت و رفتار پردازد. البته این مطلب را از نظر دور نداریم که فعالیت‌ها و رفتارها نیز بر فضای معماری نیز تاثیر گذار بوده و این رابطه دوطرفه می‌باشد. همانطور که می‌گوییم الگوی فضا می‌تواند رفتار را کنترل کند، بایستی خاطر نشان کنیم که بخشی از شکل‌گیری فضا نیز تابع فعالیت و رفتار مقتضی آن

است. بعنوان مثال به فضاهای انعطاف پذیر اشاره می‌کنم که به واسطه کمبود فضا ممکن است در آنها چندین فعالیت و رفتار متفاوت شکل بگیرد که خود بر شکل فضا تاثیر گذار است. حال اگر این فضای منعطف را باز کرده و به چند فضا تقسیم کنیم. خواهیم دید که تمام فضاهای مشتق شده کالبدی کاملاً متفاوت و متناسب با آن رفتار خاص می‌گیرند. این همان شرایط محیطی فرد است که نقش مهمی نیز در میزان رضایتمندی از سکونت نیز ایفا می‌کند. دیدگاه لوکوربوزیه نیز بر همین امر استوار بود که هر دو وجه نیازهای جسمی و روحی انسان باید با سازماندهی فضایی مسکن پاسخ داده شوند. (زیاری و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۲).

## ۶. قلمروها

مسئله بعدی بر سر کنش‌ها و واکنش‌های فردی و میان فردی مابین اعضای خانواده است. بدان معنا که هرچقدر هم که میان اعضای خانواده انسجام وجود داشته باشد. با اینحال هرکدام به دنبال مَهر شخصی زدن بر فضای خصوصی خود هستند. این عمل توسط الگوی فضا که پیشتر ذکر آن رفت محقق می‌شود. عبارت دیگر مرزی میان کنشگران رفتاری در خانه بوجود می‌آید که تعیین حد و حدود آن مرز با الگوی فضایی است. «قلمرو زمانی: افراد از یک فضا در زمان‌های مختلف استفاده می‌کنند. قلمرو فضایی: افراد فعالیت‌های مزاحم یکدیگر را در قسمت‌های مختلف کاشانه قرار می‌دهند. همکاری و رضایت دادن: یک عضو غالب خانواده از همه می‌خواهد که در یک زمان معین کلیه افراد یک نوع فعالیت را انجام دهند.» بخش دیگری از این تعاملات اجتماعی در حوزه مدیریت رفتارهای جمعی اتفاق می‌افتد. بدان معنا که برخی فعالیت‌های اعضای خانواده هست که در سایه فعالیت‌های جمعی محقق می‌شود مانند گذراندن اوقات فراغت، یا تعامل با مهمانان. خیلی بی‌معنا خواهد بود که اعضای خانواده هرکدام به تنهایی به تفریح رفته و یا هرکدام از مهمان‌خانه به تنهایی پذیرایی کنند. خانه آن فضایی است که با استفاده از الگوی فضایی خود به مدیریت این فعالیت‌ها و رفتارها می‌پردازد.

## ۷. رفاه

در تعریف رفاه می‌توان گفت، حالت و شرایطی است که بواسطه آن انسان نیازهای اولیه و ثانویه خود را بطور کامل مرتفع دیده و بدنبال شکوفایی و آرمان‌های خود می‌گردد. البته بایستی به این مطلب اشاره کرد که مفهوم رفاه یک مفهوم مطلق و یا سیاه و سفید نیست. بلکه درجات متعددی را شامل می‌شود. در اینجا با توجه به تفصیل کلام در خصوص اهمیت امر رضایتمندی در مسئله خانه، تنها به اثرات منفی نبود رفاه در خانه خواهیم پرداخت.

به همان میزان که وجود رفاه در خانه منجر به کمال و سعادت فردی و خانوادگی می‌شود، نبود آن اثرات زیانباری دارد. ایجاد فضای سکونتی مناسبی که آسایش، دسترسی مناسب، امنیت، پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی کافی، تهویه و زیرساخت‌های اولیه مناسب (از قبیل: آبرسانی، بهداشت و آموزش)، محیط زیست سالم، مکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه و همچنین زمینه رشد و تقویت روابط بین اعضای خانواده و روابط همسایگی را برای ساکنانش فراهم آورد. (حکمت نیا و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۱۲۷).

نبود رفاه منجر به انفعال شدید در خانه شده و روحیه خسته و حس مخرب بی‌ارزشی را در اعضای خانه بوجود می‌آورد. این مسئله که بشدت بر عزت نفس اعضای خانه تاثیر گذاشته و منجر به تنش‌های روحی فراوان شده که حتی زمینه‌های اعتیاد به مواد مخدر را فراهم می‌نماید. در مقابل می‌توان به راهکار نقل مکان اشاره کرد، ولی بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند حتی در مواردی نقل مکان از این خانه‌ها نیز خود مسبب مشکلات دیگری می‌شود. بازسازی، تغییر الگوهای رفتاری، اعتراض از جنبه‌های دیگر و کنش‌های متقابلی است که در این راستا از اعضای خانه انتظار می‌رود. ولی نهایتاً در بسیاری موارد با برخورد انفعالی اعضای خانه مواجه خواهیم شد. این مسئله زمینه ساز مشکلات و مصیبت‌های دیگری در زمینه رشد و پرورش کودکان نیز می‌شود. کودکانی که در این محیط‌ها پرورش

می‌یابند با معضلات روانی و اجتماعی فراوانی مواجه هستند. علت را می‌توان در برطرف نکردن نیازهای حرکتی و جنب‌وجوش آن‌ها در محیط خانه دانست. که خود زمینه ساز فرار کودکان از محیط خانه و پناه بردن به محیط‌های خیابانی می‌شود که متأسفانه دام‌های فراوانی را برای آن‌ها در بردارد. از طرفی دیگر برای مثال می‌توان به آپارتمان‌ها اشاره کرد. مادران که در این محیط‌ها قابلیت خروج از خانه را ندارند، زمینه ساز وابستگی بیشتر کودکان خود می‌شوند. عدم توانایی بریدن بند نافی روانی کودک از مادر منجر به این می‌شود که در دوران جوانی، فرد نتواند استقلال شخصیتی خود را بدست آورد و به مرحله همبستگی اجتماعی نرسد. عدم توانایی کودک در برقراری ارتباط در محیط بعثت زندگی در آپارتمان زمینه ساز اختلالات عصبی، بی‌خوابی و کاستی‌هایی در مهارت‌های اجتماعی می‌شود. خود این مسئله بشدت بر رابطه میان کودک و والدین آن تاثیر می‌گذارد. پس می‌توان گفت مسکن به یک واحد مسکونی محدود نمی‌شود؛ بلکه کل محیط مسکونی را در بر می‌گیرد. یعنی از این واژه مفاهیمی همچون خدمات و تاسیسات اجتماعی و تسهیلات عمومی مورد نیاز برای بهزیستی خانواده و حتی طرح‌های اشتغال، آموزش و تدرسی افراد را می‌توان استنباط نمود. (زیاری و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۲).

در انتها هم اشاره کوتاهی به تغییر سکونتگاه داشته باشیم. منظور از تغییر سکونتگاه صرفاً به خاطر شرایط بد زندگی یا نبود رفاه و مصادیق آنچه که در بالا ذکر آن رفت نیست. هر فردی در فرایند زندگی خود دچار تغییرات و تحولات گوناگون فکری و اجتماعی می‌شود. گاهی این تغییرات به خاطر بچه‌دار شدن می‌باشد، گاهی بخاطر بزرگ شدن بچه و رفتن آنها از خانه می‌باشد، گاهی نیز به خاطر تغییر موقعیت کاری و یا اجتماعی. آنچه که مهم است در تمامی این مراحل زندگی افراد با نوعی تغییر نگرش در زندگی مواجه می‌شوند و در این تحول نگرش، برخی فعالیت‌ها و رفتارهای آنها دچار تغییرات اساسی می‌شود که نیازمند

کالبدی جدید است.

بسیاری از افراد به چیزهایی که نمی‌توانند داشته باشند، تمایل دارند و بنابراین به دلایل اقتصادی و یا به علل دیگر، انتخاب‌هایی انجام می‌دهند که تمایلی به آن‌ها ندارند. وقتی آنچه را که تمایل داریم می‌توانیم انتخاب کنیم، رضایتمان جلب می‌شود. بدین ترتیب شخص با توجه به مجموعه‌ای از نیازها و آرزوهایی دارد، شرایط فعلی سکونتی خود را ارزیابی می‌کند. نیازهای یک شخص تحت تاثیر ویژگی‌های فردی و نیز معیارهای فرهنگی تاثیرگذار بر روی فرد قرار می‌گیرد. تغییر سکونتگاه برای افراد، با حواشی متعددی روبروست و همیشه مثبت نیست گاهی تنش‌زاست. خارج شدن از بافت فکری و وارد شدن به بافتی جدید نیازمند تغییراتی است که ممکن است برای همه امکان پذیر نباشد. و این مسئله با افزایش سن سخت‌تر می‌شود برای همین است که افراد مسن زیاد به تغییر در سکونتگاه خود رغبتی نشان نمی‌دهند. در آخر باید به این مطلب اشاره کنم که تغییر سکونتگاه یک مدیریت فضایی جدید را می‌طلبد. در این مدیریت جدید نحوه انجام فعالیت‌ها و رفتارهای وابسته به آن در یک نظام جدیدی بررسی می‌شوند که برای فرد متقاضی تازگی دارد. ارتباط با دوستان جدید، کاهش یا افزایش زمان رفت و برگشت و مسائلی از این قبیل. کیفیت سکونت، ترکیبی از وضعیت جسمی و روحی افراد و رفاه اجتماعی می‌باشد و می‌توان آن را درهماهنگی میان انسان‌ها و محیط مسکونی آنها تصور نمود. به بیان دیگر، این وضعیت حاصل شکل و محتوای کنش و واکنش‌های متعددی است که بین افراد و محیط فیزیکی و اجتماعی آنان شکل می‌گیرد. (ص. همان ۱۳۸)

### c. جمع بندی و نتیجه‌گیری

در رابطه با مفهوم مسکن باید گفت که؛

۱. اول؛ خانه، فضایی امن است که انسان در مقابل ناامنی نهفته در طبیعت، ناگزیر برای خود می‌سازد ولی به محض قرار گرفتن در چهاردیواری آن، احساس دلتنگی برای

از مثال خوابگاه یا هتل استفاده شده و دوگانه «خانه / خوابگاه» طرح می‌گردد که تنها بخشی از کارکردهای خانه را عهده‌دار است. دانشجویان و سربازان اغلب برای فضای خوابگاه - با آن‌که چند سال از زندگی‌شان را در آن می‌گذارند- از واژه خانه استفاده نمی‌کنند. بنابراین خانه، فضایی حداکثری برای پاسخ به طیف وسیعی از نیازهاست.

۵. پنجم؛ خانه نوعی مقاومت و استحکام در ذات خودش دارد که لازمه استمرار آنست و آن‌را از سایر فضاهای مشابهش مانند چادر، کپر، آلونک و... متمایز می‌سازد، فضاهایی که موقتی‌تر و ناپایدار هستند. خانه برای خانه شدن باید گذر زمان را پذیرا بوده و در خود جای دهد. این مسئله انتقال از سکونتگاه ناپایدار به پایدار، به لحاظ فرهنگی اتفاق مهمی تلقی می‌شده و برای همین انسان‌ها واژه خانه را ساخته‌اند که بر تمایز این فضای سکونتی از سایر فضاهای پیشینش تاکید کنند.

۶. ششم؛ درنهایت خانه به یک معنا، سرمایه و دست‌ساخته مهمی است که به عاملی برای قشربندی اجتماعی جامعه محسوب می‌شود.

طبیعت و نیز نگرانی بی‌خبری از احوالات آن و خطرات احتمالی‌اش اجازه نمی‌دهد که این انقطاع را پذیرا باشد. برای همین به شیوه‌های مختلف سعی بر آوردن طبیعت به خانه و نیز حفظ ارتباطش با آن در قالب فضای مصنوع خانه می‌کند.

۲. دوم؛ خانه دارای شانی انسانی است و به همین جهت برای خانه حیوانات از اصطلاح دیگری (لانه) استفاده می‌شود؛ واژه‌ای که گاه برای تحقیر و کوچک شمردن برخی خانه‌های نامطلوب نیز از آن استفاده می‌شود. این شان انسانی به عبارت دیگر همان توان پاسخگویی به طیف گسترده‌ای از نیازهاست.

۳. سوم؛ خانه برای تعداد دیگری از افراد، نقطه مقابل محل کار است، فضایی عمومی، با فعالیت‌هایی مشخص و محدود و میزان قابل توجهی از اعمال محدودیت. در این رویکرد، خانه با آزادی و اختیار و نیز حریم خصوصی در ارتباط معنایی قرار می‌گیرد.

۴. چهارم؛ هر فضای خصوصی‌ای حکم خانه را ندارد. مردم از برخی فضاها صحبت می‌کنند که گرچه خصوصی است ولی خانه قلمداد نمی‌شود. به این منظور



نمودار ۳. اجزای مسکن مدرن در ساختار شهری امروز؛ ماخذ: نگارنده.

متخصص در این امر می‌توان به شرح ذیل خلاصه کرد.

پس از مرور متون نظری مربوط به مفهوم سکونت و مسکن، آراء و نظریات دانشمندان

جدول ۲. دیدگاه اندیشمندان در رابطه با مفهوم سکونت، ماخذ: نگارندگان.

نظریه پرداز	دیدگاه اندیشمندان در رابطه با مفهوم سکونت	استنتاج اصول و معیارها
سید حسین نصر	زیبایی و سودمندی در معماری منبث از اصل وحدت، در تمامی شئون زندگی، معماری وفادار به مصالح ساختمانی، تامین انرژی، نیروهای اصلی طبیعت مانند نور و باد، از طریق باز آفرینی سکوت، هماهنگی آرامش بکر	بیان نمادین ارزش‌ها، تداوم، وحدت، انطباق با اقلیم، انطباق با نیازهای انسان، انطباق فرم با تکنولوژی و مصالح
شولتز	خانه یکی از عینی‌ترین مراکز در دنیای شخصی بشر است. خانه به صورت مرکزی برای وجود بشر در می‌آید. یعنی محلی که کودک در آنجا یاد می‌گیرد و وجود خود را در دنیا می‌یابد و یعنی مکانی که بشر از آنجا راه می‌افتد و باز به آنجا باز می‌گردد.	وحدت، تداوم، تجربه فضا (شخصی سازی)، انطباق با نیازهای انسان، انطباق فرم و عملکرد، انطباق با بافت، بیان نمادین ارزش‌ها، انطباق با تصویر ذهنی
راپاپورت	مسکن تنها یک ساختار نیست بلکه نهادی است که برای پاسخگویی به مجموعه‌ای پیچیده از اهداف ایجاد می‌شود و ساخت آن خود امری فرهنگی است. شکل و سازمان آن نیز متأثر از فرهنگی است که خانه محصول آن است.	انطباق با نیازهای انسان، بیان نمادین ارزش‌ها، انطباق با شیوه زندگی، انطباق با تصویر ذهنی، تجربه فضا (شخصی سازی)، انطباق با بافت (خوانایی)
ایرج اعتصام	هویت، به مثابه وحدت و تداوم کاراکتر و مشخصه، در شخص یا شیء دیده می‌شود، مرتبط با یکسان بودن مشخصه‌ها، تایید نظامی در چندگانگی فرم‌ها و مصالح، رد تقلید و تکرار عناصر فرمال، ابداع و نوآوری، رابطه انسان و محیط مصنوع وابسته به معنا، بی هویتی در معماری، محصول از دست رفتن معنا و عدم برقراری رابطه میان فرد و محیط	وحدت، تداوم، انطباق با بافت، بیان نمادین ارزش‌ها، خلاقیت و نوآوری، انطباق با روح زمان، انطباق با نیازهای انسان، تجربه فضا (شخصی سازی)
نادر اردلان	معماری متأثر از چهار مولفه عملکرد، محیط فرهنگ و تکنولوژی، معماری نمایشگر کثرت وسایل و نیل به وحدت، وظیفه معمار تاویل طبیعت از طریق عقل و زبان نمادها، آثاری مشابه آثار حق تعالی، نظامی هماهنگ، همکاری حکومت و مردم می‌داند، احاطه فردی حسی معنوی، الهام دهنده و اتحاد بخش تحقیقات خلاقه جامعه، مداومتی بر مطالعه طبیعت، توازنی بوم‌شناسانه	بیان نمادین ارزش‌ها، انطباق با اقلیم، انطباق فرم و عملکرد (بیان عملکرد) انطباق فرم با تکنولوژی و مصالح، وحدت، تداوم
کوپر	خانه بازتابی است از اینکه انسان خود را چگونه می‌بیند. کوپر خانه را همچون نمادی از خود می‌داند.	انطباق با نیازهای انسان، انطباق با شیوه زندگی، انطباق با تصویر ذهنی
داراب دیبا	انتقال مفاهیم و اصول معماری در طول تاریخ، با فرهنگ یک سرزمین، تبعیت شکل معماری از ویژگی‌های محیطی و فلسفی، نقش عامل زمان در ماهیت دگرگون سازی ساختار زندگی انسان، به عنوان رکن اصلی، فضای جدید انتقال دهنده معنا، با رد تقلید از بیگانگان و تکرار اشکال گذشته، نگاه پویا و خلاق، توجه به عوامل بنیادی، فرهنگی و هنری بیان آرمان‌ها، تاریخ فرهنگ، ذوق و اندیشه و هنر یک جامعه	تداوم معنایی، انطباق با بافت و اقلیم، بیان نمادین ارزش‌ها، انطباق با شیوه زندگی، انطباق با نیازهای انسان، انطباق با تصویر ذهنی، انطباق با روح زمان



نظریه پرداز	دیدگاه اندیشمندان در رابطه با مفهوم سکونت	استنتاج اصول و معیارها
گیفورد	خانه‌ها منطبق بر فرهنگ‌ها بوده و انتظام فضایی آنها، نشان دهنده روابط اجتماعی افراد ساکنش می‌باشد. در بررسی فرم خانه در هفتاد و سه فرهنگ مختلف مشاهده گردید که میزان تقسیم بندی فضای داخلی خانه بستگی به میزان پیچیدگی اجتماعی - سیاسی در آن فرهنگ دارد.	انطباق با نیازهای انسان، انطباق با اقلیم، تداوم، انطباق با شیوه زندگی
هایدگر	سکنی‌گزیدن به معنای در آرامش قرار گرفتن است. یعنی در حوزه آزادی در آرامش درون، هر چیز را در سرشتش حفظ می‌کند. ویژگی بنیادین سکنی‌گزیدن که سکونت را در کل گستره‌اش اشاعه می‌دهد، نگهداری و محافظت است.	انطباق با شیوه زندگی، انطباق با تصویر ذهنی، تجربه فضا (شخصی سازی)، انطباق با محیط
الکساندر	کیفیت بی نام شامل مجموعه قوانینی است که در عالم واقعیت اتفاق می‌افتد. این کیفیت، اساسی‌ترین کیفیت است که در هر امری وجود دارد و لزوماً در همه جا یکسان نیست، چرا که صورت خود را از مکان می‌گیرد. مکانی که در آن رشد می‌کند و به تکامل می‌رسد. هویت فضا هم، نه صرفاً به محیط کالبدی، بلکه به این کیفیت نیز بستگی دارد.	تداوم، تجربه فضا (شخصی سازی)، انطباق با اقلیم، انطباق با نیازهای انسان، انطباق فرم و عملکرد، انطباق فرم با تکنولوژی و مصالح، وحدت
علی مدنی پور	خانه فضایی شخصی و یک قلمرو، مکانی برای محفوظ ماندن از عناصر طبیعی و دخالت دیگران در عرصه خصوصی، خانه به عنوان نهاد اصلی جامعه، مکانی که هویت در آن شکل گرفته و خاطرات ریشه می‌گیرند. مرز میان عرصه‌های خصوصی و عمومی، معنایی نمادین، محصول توافقات مشترک میان اعضای جامعه، هویت بخشی به عرصه‌های زندگی، تامین نیازهای بیولوژیک و فرهنگی	تداوم بیان نمادین ارزشها، انطباق با نیازهای انسان، انطباق با تصویر ذهنی

و معنوی او را نیز در بر می‌گیرد. آنچه که مشخص است در دوران معاصر انسان علاوه بر بدن فیزیکی شاهد تبلور یک بدن روانی نیز بوده. به این معنا که این بدن روانی چنان نقش مهمی در زندگی انسان‌های معاصر بازی میکند که در برخی اوقات شاهد هستیم بر بدن فیزیکی ارجح است. لذا سعادت انسان در شرایط حاضر حصول سلامت هم در بدن فیزیکی و هم در بدن روانی است.

همانطور که از دیدگاه اندیشمندان در خصوص مفهوم سکونت بر می‌آید. سکونت مفهومی به مراتب بالاتر از ماهیت کالبدی آن می‌باشد. نکته قابل توجه در قیاس نظرات اندیشمندان وجود اشتراک نظر بر سر انطباق با نیازهای انسانی است. البته آنچه که پس از این مرور متون قابل توجه است، این است که در شرایط کنونی، نیازهای انسانی بسیار فراتر از نیازهای فیزیکی او بوده و نیازهای اجتماعی

جدول ۳. ارزش‌های مؤثر بر کیفیت و مطلوبیت فضای سکونت و مسکن در مجتمع‌های مسکونی؛ مأخذ: نگارندگان.

معیار	زیرمعیار
کالبدی	نفوذپذیری، دسترسی به مراکز مهم، تراکم مناسب، کفایت خدمات محلی، اختلاط کاربری ها، سازگاری و مطلوبیت کاربری ها، مقیاس انسانی، شبکه دسترسی، سلسله مراتب فضایی، محصوریت مناسب، خوانایی محیط، پایداری و استحکام بناها و غیره.
اجتماعی و فرهنگی	سرزندگی، هویت و تعلق خاطر، کنترل و نظارت اجتماعی بر فضاهای عمومی، دسترسی عادلانه به فرصت ها، محوریت عرصه های عمومی، تحقق مشارکت شهروندان در امور، شکل گیری جامعه محلی و غیره.
اقتصادی	بهره وری اقتصادی از زمین، هزینه های دسترسی به مراکز خدمات و اشتغال، تنوع درآمدی و در نتیجه تنوع مسکن در سطح محله، خودکفایی و خوداتکائی محله یا شهر و غیره.
زیبائی شناسی	کنترل محورها و کریدورها، تنوع بصری، سازگاری بصری، تناوب بصری، وحدت اجزاء، تنوع رنگ، کاربرد عناصر بومی و نمادین
زیست محیطی	زمینه سازی برای حفاظت از اکوسیستم ها، سبزینگی، کارآیی مصرف انرژی، سیستم دفع پسماندهای خانگی، تعادل محیط طبیعی و مصنوع، عدم آلودگی هوا، عدم آلودگی صوتی، تراکم بهینه جمعیتی و ساختمانی.

گشت. به نظر می‌رسد وجود افتراق‌های فراوان در خصوص مطالعات اجتماعی و اقتصادی در زمینه معماری مسکونی باعث شده است که ابعاد اجتماعی و اقتصادی در تحولات معماری مسکونی به فراموشی سپرده شود. لذا با توجه به آنچه که در بخش نظری مورد مذاقه قرار گرفت. شاکله معماری مسکونی را به شرح زیر تفصیل می‌نمایم.

از اینرو در این بخش می‌خواهم خاطر نشان کنم که آنچه را که ما بعنوان معماری مسکونی می‌شناسیم، چیزی فراتر از سازه‌های مجرد آن است. گویا روحی در این معماری در حال زندگی است که از وجوه معنوی و اجتماعی ما انسان‌ها در حال تغذیه است. در شناخت معماری مسکونی ایران و پی‌گیری تحولات آن در دوران معاصر، بیشتر بدنبال این مفاهیم خواهیم



نمودار ۴. شاکله معماری مسکونی از نقطه نظر ابعاد اقتصادی و اجتماعی، مأخذ: نگارندگان.



نمودار ۵. فرآیند سیاستگذاری در مسکن در مولفه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، ماخذ: نگارندگان.

### منابع و ماخذ

۱. آریان پور کاشانی، ع. (۱۳۶۳). فرهنگ کامل انگلیسی فارسی (نسخه ۲، جلد ۴). تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲. اردلان، ن.، و بختیار، ل. (۱۳۸۰). حس وحدت (سنت عرفانی در معماری ایرانی). (ح. شاهرخ، مترجم) تهران: نشر خاک.
۳. اعتصام، ا. (۱۳۸۸). بحران هویت در معماری و تبعات آن در شهرسازی امروز ایران. اسرار شیدایی. در تهران: نشر یوشیج.
۴. الکساندر، ک. (۱۳۸۱). معماری و راز جاودانگی، راه بی زمان ساختن. (م. قیومی بیدهندی، مترجم) تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۵. باشلار، گ. (۱۳۹۲). بوطیقای فضا. (م. کمالی، و م. شیربچه، مترجم) تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۶. بتیس، د.، و پلاگ، ف. (۱۳۸۲). انسان شناسی فرهنگی. تهران: علمی.
۷. براتی، ن. (۱۳۸۲). بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی. نشریه خیال (شماره ۸).
۸. حاجی نژاد، ع.، و دیگران. (۱۳۸۹). بررسی متغیرهای فردی موثر بر رضایتمندی شهروندان از کیفیت محیط زندگی: مقایسه بافت قدیم و جدید شیراز. فصلنامه جغرافیا و توسعه (شماره ۱۷).
۹. حکمت نیا، ح.، و دیگران. (۱۳۸۴). بررسی و تحلیل شاخص های کمی و کیفی مسکن در شهر تفت و برنامه ریزی آتی آن. دو فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه ای (شماره ۵).
۱۰. حیاتی، ح.، و دیگران. (۱۳۹۴). بازشناسی مفاهیم مسکن و سکونت بر اساس آموزه های اسلامی. مدیریت شهری، ۴۷-۶۰.
۱۱. دهخدا، ع. ا. (۱۳۳۷). لغتنامه. تهران: سروش.
۱۲. دیبا، د. (۱۳۷۸). الهام و برداشت از مفاهیم

- بنیادی معماری ایران. مجله معماری و فرهنگ، شماره ۱، ۹۷-۱۱۱.
۱۳. راپاپورت، ا. (۱۳۸۲). خاستگاه های فرهنگ معماری. (ص. آل رسول، و ا. بانک، مترجم) تهران: فصلنامه فرهنگستان هنر.
۱۴. رفیعیان، م.، و دیگران. (۱۳۸۸). رضایتمندی شهروندان از محیط های سکونتی شهری. علوم محیطی، سال هفتم (۱).
۱۵. رفیعیان، م.، و دیگران. (۱۳۹۳). سنجش میزان رضایتمندی ساکنان از کیفیت سکونتی مسکن مهر مورد شناسی: مهرشهر زاهدان. جغرافیا و آمایش شهری (شماره ۱۲)، ۱۳۵-۱۵۰.
۱۶. زیاری، ک. ا.، و دیگران. (۱۳۸۹). ارزیابی مسکن گروه های درآمدی و ارائه برنامه تامین مسکن اقشار کم درآمد (نمونه موردی: استان لرستان). فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی (شماره ۷۴ سال چهل و دوم).
۱۷. شولتز، ک. ن. (۱۳۸۲). معماری، معنا مکان. تهران: انتشارات کتاب فروشی تهران.
۱۸. شولتز، ک. ن. (۱۳۹۴). مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی (نسخه ششم). (م. امیر یاراحمدی، مترجم) تهران: نشر آگه.
۱۹. عمید، ح. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید (نسخه اول). (ع. علیزاده، تدوین) تهران: راه رشد.
۲۰. غیائی، م.، و دیگران. (۱۳۹۲). سنجش میزان ارتباط رضایتمندی سکونتی با متغیرهای مسکن، واحد همسایگی و محله (مطالعه موردی: مجتمع مسکونی پزشکان فارابی). هویت شهر (شماره ۱۵ سال هفتم)، ۴۷-۵۸.
۲۱. کلی ال، ر.، ویتترز، ا.، و کوپر، ک. (۱۳۷۹). مبانی فلسفی و روانشناختی ادراک فضا. (آ. ارباب جلفایی، مترجم) اصفهان: نشر خاک.
۲۲. کوپر، ک. (۱۳۷۹). خانه همچون نمادی از خود، کتاب مبانی فلسفی و روانشناختی ادراک فضا. (آ. ارباب جلفایی، مترجم) تهران: نشر خاک.
۲۳. گیفورد، ر. (۱۳۷۷). روان شناسی محیط های مسکونی (جلد شماره ۲ و ۳). (و. قبادیان، مترجم) تهران: معماری و فرهنگ.
۲۴. گیفورد، ر. (۱۳۸۰). روانشناسی محیطهای
- مسکونی. فصلنامه معماری و فرهنگ ۲ و ۳، ۸۰-۸۶.
۲۵. مدنی پور، ع. (۱۳۸۹). فضای عمومی و خصوصی شهر، (نسخه دوم). (ف. نوریان، مترجم) تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۲۶. معین ۱، م. (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی (متوسط) (نسخه ۶، جلد ۲). تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲۷. معین ۲، م. (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی (متوسط) (نسخه ۶، جلد ۳). تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲۸. نصر، س. (۱۳۸۹). در جستجوی امر قدسی (گفتگوی رامین جهاننگلو با سیدحسین نصر) (نسخه چاپ پنجم). (س. شهرآیینی، مترجم) تهران: نشر نی.
۲۹. نصر، س. (۱۳۸۴). مسلمان امروزی و دگرگونی معماری محیط شهری اسلامی (جلد شماره ۴۸). (م. عباسزاده، مترجم) تهران: فصلنامه آبادی.
۳۰. هاشمی، س. (۱۳۷۵). خانه و معمار. آبادی، ۲-۳.
۳۱. هایدگر، م. (۱۳۸۱). شعر، زبان و اندیشه رهایی، (انسان شاعرانه سکنی می کند). (ع. منوچهری، مترجم) تهران: انتشارات مولی.
32. Abdul Mohit, M., Ibrahim, M., & Rashid, Y. (2010). Assessment of residential satisfaction in newly designed public low-cost housing in Kuala Lumpur. Habitat International (94).
33. Walton, D., Murray, J., & Thomas, A. (2008). Relationships Between Population Density and the Perceived Quality of Nergbourhood. Soc Indic Res (89).
34. William, I. (1991). The shorter oxford English dictionary on historical principles (Third). (C. T. Onions, تدوین) New york: Oxford University Press.

## تحلیل حقوقی نقش مناسب سازی محیط در زندگی معلولان و جانبازان و مسئولیت مدنی ناشی از آن

مصطفی واحد شیرتری - دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران  
علیرضا حسینی\* - دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، دامغان، ایران

### چکیده

قلمرو مسئولیت مدنی در دنیای امروز، به حدی گسترده شده است که دیگر باید مطمئن بود هیچ خسارتی نباید جبران نشده باقی بماند. از سویی دیگر در سطح جامعه هستند افرادی که در مواقعی که از سوی جامعه برای آنان خطرات و خساراتی حاصل میشود، مشتاقانه در انتظار یاری جامعه حقوقی و حقوقدانان در جهت حمایت از آنها می باشند. یکی از مهمترین گروه‌هایی که نیازمند این حمایت‌های قانونی هستند افراد معلول و ناتوانی هستند که یا در بدو تولد و به دلایل ژنتیکی و امثالهم به این حال و روز افتاده اند و یا در لحظه تولد کاملاً سالم بوده اند و در طول دوران زندگی خویش نیز از هر حیث بدون هر گونه عیب و نقصی زیسته اند اما به ناگهان در اثر یک حادثه و یا سانحه غیر قابل پیش‌بینی که ممکن است برای هر انسانی رخ دهد و یا بر اثر ناملایمات زمانه خویش و ایجاد حوادث تحمیلی مانند جنگ یا ترور و یا حوادث ناشی از وظیفه شغلی مانند آتش نشانان، دچار معلولیت اعم از جسمی و یا ذهنی شده اند که اوج این موارد را باید در کشورمان جانبازان سرفراز دانست که با جانفشانی‌های خود از مهمترین سرمایه زندگی خویش یعنی سلامتی جسمی و روحی، مایه گذاشته و به افتخار جانبازی نائل آمده اند. یکی از دلایل مهم وارد شدن خسارات جسمانی به معلولان و جانبازان در اثر اعمال تبعیض و متعاقب آن ایجاد حق برای طرح دعوی مسئولیت مدنی که تا کنون به آن پرداخته نشده است، باید ناشی از عدم مناسب‌سازی محیط زندگی پیرامون معلولان دانست. سال‌هاست که در این سرزمین، اشخاص معلول به ویژه جانبازان در معرض بزرگترین خطرهای اماکن عمومی و خصوصی قرار گرفته‌اند. گاه از طریق جرایم و گاه از طرق دیگر مطلع می‌شویم که فردی نابینا و یا معلول جسمی - حرکتی ضمن عبور از خیابان یا تردد در اماکن دیگر، دچار سوانح دلخراشی شده است یا اگر هم به سلامت به منزل رسیده، با دشواری‌های فراوان، مسیر را طی کرده است. بنابراین جا دارد اجتماع نسبت به مسئولیت خویش در قبال محیط‌های خطرناک حفاظت نشده و مناسب نمودن محیط که برخی از معلولان و جانبازان را به طور جدی تهدید می‌کند آگاه باشد. در این تحقیق، به این پرسش اساسی پرداختیم که معلولان و جانبازان در چنین مواقعی چگونه می‌توانند از ارکان مسئولیت مدنی جهت طرح دعوی استفاده نمایند؟ همچنین در خصوص موضوع مناسب سازی محیط، نگاهی خواهیم انداخت به حقوق تطبیقی تا شاید بهتر نقاط ضعف قوانین داخلی، آشکار گردد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، معلول، جانباز، حقوق معلولان، خسارات، مناسب سازی.

### Legal analysis of the role of the environment in the life of the disabled and veterans and civil responsibility

#### Abstract

The realm of civil responsibility in today's world is so widespread that it must be certain that no damage should be left. On the other hand, they are at the level of society, where they are willing to seek the aid of the legal community when they are threatened by society. One of the groups, who need these legal supporting, are disabled people who have fallen at birth at birth, for genetic reasons, or at the moment of a completely healthy birth, and have had a disability in our country, as well as a crime or something that has to be seen in our country. One of the most important causes of physical damage to the disabled and veterans is due to the imposition of discrimination and subsequent rights to the civil lawsuit, which has not been discussed so far, due to the lack of adequate environment surrounding the disabled. For years, in this land, persons with disabilities are particularly vulnerable to dangers in public and private places. From time to time we shall know, through the papers, that a blind or disabled person, a person who is blind or disabled, has suffered tragic accidents in the streets or in other places or if he is safely home. Thus, the community is aware of its responsibility for the dangerous environment and the proper protection of the environment that threatens some of the veterans and veterans seriously. In this study, we discussed how veterans and veterans could use the organs of civic responsibility for the lawsuit. As for the appropriateness of the environment, we will look at the comparative rights to the best of the weaknesses of the internal law.

**Keywords:** Civil Responsibility, Disabled, disability, Rights, Damages.



## بخش اول: مفاهیم مرتبط با معلول و جانباز و حقوق معلولان و جانبازان

این بخش را در دو مبحث، بیان می نمایم.

## مبحث اول: تعریف مفهومی معلول و جانباز

این مبحث، شامل دو گفتار است.

## گفتار اول: تعریف مفهومی معلول

کلمه معلول اسم مفعول از واژه علت است. به فردی که به هر علت دچار نارسایی جسمی یا ذهنی شده است، معلول می گویند (رحمانی، ۱۳۹۰، ص ۲۸). در زبان های لاتین مانند فرانسه و انگلیس از واژه «هندیکپ»<sup>۱</sup> استفاده می شود. اصطلاح هندیکپ، نسبتاً جدید بوده ریشه در زبان انگلیسی دارد. در اصل از عبارت (هند-این-کپ)<sup>۲</sup> به معنای «دست در کلاه» ریشه گرفته است (همان منبع، ص ۲۹). این اصطلاح، در قرن هفدهم به نوعی بازی اطلاق می شد که شرکت کنندگان در آن با یکدیگر به رقابت می پرداختند. جایزه فرد برنده را داور تعیین می کرد و در کلاهی گذارده می شد. بعدها این اصطلاح در اسب سواری به کار برده شد و در ادامه، به طور کلی تر در ورزش مورد استفاده قرار گرفت. در این معنا، هندیکپ رقابتی است که در آن به تمامی شرکت کنندگان، بختی برابر برای برنده شدن از طریق گذاشتن باری سنگین بر دوش قوی ترین ها یا طی مسیری طولانی تر توسط آنان، اعطا می شود. در واقع، این افراد قوی تر بودند که تغییری را می پذیرفتند تا آنکه رقابت، دارای معنای واقعی و جاذبه شود. لازم به توضیح است واژه معلولیت را باید نزدیک به اصطلاح ناتوانی دانست. در واقع، ناتوانی یک اصطلاح نسبی است (مانعی در برابر انسان برای انجام یک فعالیت به شکل طبیعی آن) تا سال ۱۹۸۰، بیشتر از آن که از اصطلاح ناتوانی استفاده شود از واژه معلولیت استفاده می شد. عمده ترین دلیل به تعریف ناتوانی برمی گشت که آن در در بی کفایتی و عدم استقلال فرد معلول در

انجام فعالیت های روزمره زندگی، اشتغال، آموزش و زندگی مستقل می دانستند (کمالی و فریبا، ۱۳۹۲، ص ۹۷). گاهی نیز ناتوانی و معلولیت را بر اساس محدودیت عملکردی با محدودیت فعالیت تعریف کرد اند. این محدودیتها به صورت کاهش ویژه در فعالیت های روزمره، نسبت به سطح فعالیت قبلی فرد تعریف می شود (میرخانی، ۱۳۷۸).

این پرسش مطرح است که آیا یک فرد معلول، دارای توانایی بیشتر از دیگران است؟ در پاسخ باید گفت که معنای مورد نظر به شدت به دور از مفهوم کنونی این اصطلاح است. اندک اندک هندیکپ، به عنوان افرادی که از موهبتی محرومند، جا افتاد. به عبارت دیگر، به کسی اطلاق می شود که دچار نقص یا کاستی باشد. پس در مفهوم کنونی بدان معنا نیست که فرد معلول بهترین است و به خاطر اینکه به سطح سایرین برسد باید از توانایی اش کاسته شود. برعکس، فردی است که توانایی اش از سطح دیگران پایین تر است. معلولیت اصطلاحی است که از آن این معنا به ذهن خطور می کند: موقعیت های متعددی که علل آنها متفاوت بوده و دارای اثر واحدی هستند. در زبان متداول امروزی به عنوان نقصان، عدم سلامت، عدم توانایی، نابینایی، فلج بودن، ضعف، جنون، قطع عضو، اختلال کلامی، لالی، ناشنوایی و نیمه شنوایی به کار می رود. در اینجا مناسب است تا برخی از اصطلاحات فوق را معنا کنیم. کاستی، به معنای ضعف کارکرد یک عضو بدن است. نقصان، در اصل معنایی نزدیک به کاستی دارد که شامل فقدان یا ناکافی بودن کارکرد یک عضو است. قطع عضو، به معنای از دست دادن (تلف) نسبی یا کامل کارکردهای یک عضو یا بخشی از یک عضو است. عدم توانایی، به وضعیت کسی گفته می شود که از به جا آوردن عمل معینی ناتوان باشد. از کارافتادگی، مربوط به وضعیت شخصی است که به طور کمابیش، پایداری در انجام یک زندگی فعال به ویژه در یک زندگی شغلی عادی را در اثر جراحت، تصادف، بیماری یا سن از دست داده باشد. بیماری، به دگرگونی در وضعیت سلامت گفته می شود که به واسطه علائم و عوارضی خود را نشان می دهد. بیماری همواره شامل نوعی تغییر و تحول در وضعیت فرد است (احمدی، ۱۳۸۵، ص ۳۲).

طبقه بندی بین المللی واژه «معلولیت»، در سال

1. Handicap  
2. Hand-in-cap

۱۹۸۱ انتشار یافت.<sup>۳</sup> این طبقه‌بندی تمیز میان نارسایی، ناتوانی و سلب امتیاز را روشن ساخت. تقسیم‌بندی مزبور، در واقع صرفاً از لحاظ پزشکی دارای ارزش بود و از نظر حقوقی نمی‌توان برای آن اعتباری قائل بود.

### گفتار دوم: تعریف مفهومی جانباز

جانباز به معنی جان‌بازنده (باز=بن مضارع فعل باختن) و اصطلاحاً کسی که با جان خود بازی کند و آن را در معرض خطر اندازد می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۵۶۷). جانبازی را انجام کاری با عشق و توأمان یا همراه با عقل می‌خوانند و این به منظور انجام کار بدون تفکر نیست. اینگونه کسی که برای چیزی یا کاری جان خود را فدا می‌کند جان‌باز نام می‌گیرد. علی‌اکبر دهخدا برای بهتر بیان نمودن کلمه جانباز، ابتدا کلمه جان‌باختن را بیان می‌کند و در این باره می‌گوید: «جان را از دست دادن، جان را در راه کسی یا چیزی فدا کردن، جان دادن و مردن» (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۵۶۶).

### مبحث دوم: تعریف حقوقی معلول و جانباز

#### گفتار اول: تعریف حقوقی معلول

برای دستیابی به تعریفی حقوقی از معلولیت، باید قوانینی را که تعریفی از این اصطلاح ارائه کرده‌اند، مورد بررسی قرار دهیم. به همین منظور قوانین کشورهای ایالات متحده، فرانسه و ایران مطالعه خواهد شد و همچنین تعریفی که کنوانسیون اخیرالتصویب سازمان ملل، راجع به حمایت از معلولان به عنوان آخرین متد در این باره ارائه کرده و اعتبار بین‌المللی دارد، از نظر خواهد گذشت. بنابر تعریفی که قانون توانبخشی ۱۹۷۳ آمریکا از معلول ارائه کرده، معلول کسی است که آسیبی جسمی یا ذهنی، فعالیت‌های عمده زندگی وی را محدود کرده باشد. هرچند که این تعریف به عنوان کنار نهادن الگوی پزشکی انگاشته می‌شود، با این حال کسانی هستند که معتقدند به کارگیری واژه «آسیب» توسط قانون، تصویر کسی را نشان می‌دهد که به طور ذاتی دچار نقصان بوده و مفهومی مرتبط با مدل پزشکی

3. L.a traduction française de cctte classification date de 1988: OMS. Classification Internationale des Handicaps: deficiencias. Incapacites. Desavantages. 2e ed. Paris. CTNERHINSERM: 1993.

ارائه می‌دهد. از این تعریف چنین برداشت می‌شود که با آنکه فرد معلول خطا کار نیست، معلولیت نوعی خطا محسوب می‌شود که جامعه باید آن را اصلاح کند (Alexandra, 2003, p537).

به نظر می‌رسد که این عقیده را نباید پذیرفت. در تعریف معلولیت، به کارگیری اصطلاحاتی همچون آسیب، نقصان یا اختلال، احترازان‌پذیر است. آنچه اهمیت دارد، تعهد و تکلیف در برابر رفع یا کاهش آثار آن است. ذکر این نکته ضروری است که قانون توانبخشی، الگوهای پزشکی و آسیب‌شناسی اجتماعی را با مدل حقوق شهروندی تلفیق کرده بود. در فرانسه، واژه «معلول» را برای نخستین بار قانون ۲۳ نوامبر ۱۹۵۷، که راجع به طبقه‌بندی کارگران معلول بود، استفاده کرد. ماده اول این قانون، معلول را تعریف نکرده است. اما از نظر آن قانون، کارگر معلول به کسی گفته می‌شود که توانایی کسب یا حفظ حرفه‌اش به دلیل عدم کفایت یا تقلیل توانایی جسمی یا ذهنی، کاهش یافته باشد. در این تعریف به خوبی اندیشه ثمربخش بودن برای اجتماع دیده می‌شود. برای مدت‌های مدیدی در فرانسه موضوع تعریف فرد دارای معلولیت مطرح نبود. چرا که معلول به کسی گفته می‌شد که از سوی کمیسیون فنی جهت‌گیری و طبقه‌بندی حرفه‌ای یا کمیسیون آموزش استثنایی شناسایی می‌شد. لازم به ذکر است که با تصویب قانون ۱۱ فوریه ۲۰۰۵، کمیسیون حقوق و خودگردانی اشخاص معلول، جایگزین کمیسیون‌های پیش‌گفته شده است. قانون شماره ۲۰۰۵۱۳۲ مصوب ۱۱ فوریه ۲۰۰۵، تحت عنوان «برای برابری حقوق و فرصت‌ها، مشارکت و شهروندی اشخاص معلول» تعریفی کلی از معلولیت بدین نحو ارائه می‌کند: «تمامی محدودیت‌ها در فعالیت یا کلیه تنگناهای مربوط به مشارکت در زندگی اجتماعی که به واسطه‌ی محیط، به کسی به خاطر دگرگونی اساسی، دائمی یا قطعی یک یا چند کارکرد فیزیکی، حسی، ذهنی، فکری یا روانی که ممکن است به صورت چند معلولیتی یا اختلال در سلامت که منجر به ناتوانی فرد می‌شود، تحمیل می‌گردد». به وضوح دیده می‌شود که مدل‌های پزشکی

و آسیب‌شناسی اجتماعی رها شده و الگوی حقوق شهروندی لحاظ گردیده است. در تعدادی از قوانین راجع به حقوق معلولان در ایران، فرد معلول تعریف شده است. در ماده نخست لایحه حمایت از اشتغال معلولان از مجموعه قوانین تأمین اجتماعی، معلول چنین تعریف شده است: «معلول از نظر این قانون کسی است که سلامت جسمانی یا روانی یا توأم او ناقص بوده و یا آسیب دیده و توانایی او در انجام کارهای روزمره کاهش یافته باشد» (علوی و کابلی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۱).

بر اساس دستورالعمل اجرایی آیین‌نامه تأسیس و اداره مراکز خصوصی معلولان و سالمندان الحاقی شماره یک، «معلول به کسی اطلاق می‌شود که بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی یا توأم (ناشی از حادثه، بیماری و جنگ) اختلال قابل توجهی به طور مستمر در سلامت و کارایی عمومی بدن و یا در شؤون اجتماعی و حرفه‌ای او به وجود آمده، به طوری که این اختلال از استقلال فردی وی بکاهد.» سرانجام تبصره ماده‌ی یک قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در تعریف معلول چنین گفته است: «معلول در این قانون به افرادی اطلاق می‌گردد که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توأم، اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارایی عمومی وی ایجاد گردد. به طوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود.»

در این تعریف، به تاثیر معلولیت در کاهش نقش و فعالیت اجتماعی فرد اشاره شده است. اما به تاثیر موانع موجود در جامعه هیچ توجهی نشده است. حق آن بود که در تعریف ارائه شده، این نکته نیز لحاظ می‌شد تا به معلولیت به عنوان یک دشواری فردی که منطبق با مدل‌های پزشکی و آسیب‌شناسی اجتماعی است، نگرسته نشود. کنوانسیون راجع به حقوق معلولان، مصوب ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ در ماده اول خود ضمن بیان هدف کنوانسیون، معلول را این گونه تعریف کرده است: «معلولان شامل کسانی است که دارای آسیب‌های طولانی مدت جسمی، ذهنی، فکری

۴. دستورالعمل اجرایی آیین‌نامه تأسیس و اداره مراکز خصوصی معلولان و سالمندان، الحاق شماره ۱ بند ۱ تبصره ۱، به نقل از مجموعه قوانین و مقررات بهزیستی، چاپ اول، تابستان ۷۶.  
۵. قانون جامع حمایت از معلولان، نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۷۲۶۶.

و حسی هستند که در برخورد با موانع گوناگون ممکن است مشارکت کامل و مؤثر آنان در شرایط برابر با دیگران در جامعه به تأخیر افتد».

### گفتار دوم: تعریف حقوقی جانباز

بر طبق ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی درصد جانبازی مصوب ۱۳۸۹ هیات دولت، جانباز عبارت است از: «ایثارگرانی که در جریان تکوین و شکوفایی انقلاب اسلامی و حفظ و حراست از دستاوردهای ارزشمند آن از تعرض و تجاوز عوامل داخلی و خارجی و یا هر گونه حوادث مستقیم ناشی از آنها به اختلالات و نقصانهای عارضی جسمی و روانی دچار شده یا بشوند و در نتیجه در روند زندگی فردی و اجتماعی با محدودیت‌هایی مواجه شوند که شامل افراد زیر خواهند بود: ۱- کارکنان نیروهای مسلح (سپاه، ارتش و نیروی انتظامی) اعم از پایور پیمانی، بسیجی، وظیفه، خرید خدمت، اعضای هیئت علمی و قراردادی. ۲- نیروهایی که توسط وزارت جهاد سازندگی به مناطق جنگی اعزام شده‌اند؛ و ۳- سایر افرادی که مشمول بندهای (۱) و (۲) نمی‌باشند.»

بخش دوم: مفهوم مناسب سازی محیط زندگی معلول و جانباز

طی چند دهه اخیر، جنبش حقوق معلولان، موجب اقداماتی در جهت رفع موانع گوناگون در مسیر تردد و مشارکت اشخاص معلول شده است. در کشورهای مختلف قوانینی به منظور حمایت از حقوق معلولان به تصویب رسیده است که یکی از اهداف مهم آن قوانین، مناسب سازی متعارف و قابلیت دستیابی محیط برای اشخاص معلول بوده است. اوج این حرکت در عرصه جهانی، تصویب کنوانسیون بین‌المللی «حقوق افراد دارای معلولیت» در تاریخ ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ بود. در این قوانین و مقررات، دولت‌ها، بخش‌های عمومی و گاه اشخاص خصوصی، متعهد به مناسب سازی محیط اعم از شهرها، روستاها، ساختمان‌ها، تجهیزات، وسایط حمل و نقل عمومی، محیط‌های شغلی و... جهت دستیابی سهل و آسان معلولان شده‌اند.<sup>۶</sup>

۶. گزارش وضعیت مناسب سازی محیط شهری، تهیه و تنظیم: دبیرخانه ستاد هماهنگی و پیگیری مناسب سازی محیط فیزیکی افراد معلول، بهار

چنین امکاناتی برخوردار نیستند» (علوی و کابلی، ۱۳۸۲، ص ۵۶).

شایسته است در این جا اصطلاح «مناسب‌سازی» تعریف گردد. کنوانسیون بین‌المللی، راجع به اشخاص معلول (مصوب دسامبر ۲۰۰۶) مناسب سازی را در ماده دو خود اینگونه تعریف می‌کند: «سازگاری و تغییرات مقتضی و ضروری که تکلیف و باری بی‌مورد و نامتناسب را تحمیل ننموده و حسب نیازمندی‌ها در مورد خاص، بهره‌مندی و اعمال کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را برای افراد دارای معلولیت در شرایط برابر با سایرین تضمین می‌نماید.» در بند الف ماده یک آیین‌نامه اجرایی ماده دو قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ایران، مناسب‌سازی اینگونه تعریف شده است: «اصلاح محیط و تدارک وسایل حمل و نقل، به طوری که افراد معلول قادر باشند که آزادانه و بدون خطر در محیط پیرامون خود اعم از اماکن عمومی، معابر، محیط شهری و بین‌شهری و ساختمان‌های عمومی حرکت کنند و از تسهیلات محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با حفظ استقلال فردی لازم بهره‌مند شوند.»

### بخش سوم: مسئولیت مدنی ناشی از ایراد خسارات علیه معلول و جانباز در اثر نقص محیط در حقوق ایران

همانطور که پیشتر ذکر گردید یکی از موارد مهمی که فرد معلول و جانباز، زیان دیده واقع می‌شود، مربوط به عدم مناسب‌سازی ساختمان‌ها، خیابان‌ها و اماکن عمومی یا خصوصی است. با توجه به تصویب قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در تاریخ ۸۳/۲/۱۶ که دولت و سایر اشخاص را ملزم به مناسب‌سازی محیط جامعه جهت معلولان ساخته است، به بررسی تخطی از این تکلیف اخلاقی و قانونی اشخاص در حقوق ایران می‌پردازیم. بنابراین، این بخش را در ۲ مبحث شرح می‌دهیم. در مبحث اول به ارکان مسئولیت مدنی در انطباق با مسئولیت مدنی ناشی از عدم مناسب‌سازی محیط و نقص آن می‌پردازیم و در دومین مبحث، خسارات قابل مطالبه بر اثر عدم مناسب‌سازی محیط توسط معلول و جانباز زیان دیده بررسی می‌گردد.

به طور کلی باید گفت این قوانین، یک هدف بنیادین را که همانا مبارزه علیه تبعیض ناروا نسبت به اشخاص معلول است، تعقیب می‌کنند. در ماده دو کنوانسیون مزبور، تبعیض بر پایه معلولیت، اینگونه تعریف شده است: «هرگونه تمایز، استثنا و یا محدودیت بر پایه معلولیت که هدف و تأثیر آن لطمه زدن یا نفی شناسایی، بهره‌مندی یا اعمال کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بر مبنای تساوی با دیگران در عرصه مدنی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و یا هر زمینه دیگر می‌باشد. این مورد همچنین دربرگیرنده تمامی اشکال تبعیض از جمله نفی متناسب‌سازی منطقی نیز می‌گردد» (رسولی، ۱۳۹۱، ص ۴۴).

در خصوص بحث مناسب‌سازی محیط که محور اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد، به طور کلی باید گفت که محیط اجتماع باید به گونه‌ای طراحی شود که معلولان و جانبازان بتوانند به سادگی و همانند اشخاص سالم به فعالیت‌های مختلف بپردازند. حقیقت آن است که می‌توان با بهینه‌سازی محیط شهرها، اماکن عمومی و خصوصی و نیز وسایل حمل‌ونقل عمومی، فرد دچار معلولیت را تبدیل به انسانی سالم کرد. کنار نهادن تبعیض اعمالی علیه معلولان، مستلزم به کارگیری نوعی تبعیض مثبت به نفع آنان است. اگر پارک اتومبیل‌ها در کنار خیابان‌ها و مراکز پررفت و آمد، موجب ایجاد دشواری و مشقت برای معلولانی که از خودروی شخصی استفاده می‌کنند می‌شود، باید با ایجاد محل‌های پارک مخصوص در مناسب‌ترین و نزدیک‌ترین موقعیت به مراکز مهم، برای معلولان و منع سایر رانندگان از بهره‌گیری از این محل‌های پارک، موجب دسترسی بهتر افراد معلول به این اماکن شد.

از مصادیق دیگر تبعیضات مثبت در جهت برقراری تعادل و برابری میان معلولان و اشخاص عادی جامعه، می‌توان به تعبیه مسیره‌های معین برای عبور و مرور اشخاص در صندلی چرخدار و دادن اجازه به نابینایان در به همراه داشتن سگ راهنمای خویش هنگام ورود به اماکن عمومی اشاره نمود و این در حالی است که افراد عادی از

## مبحث اول: ارکان تحقق مسئولیت مدنی ناشی از عدم مناسب سازی محیط

چنان که می‌دانیم، ارکان مسئولیت عبارتند از: وجود ضرر، ارتکاب فعل زیانبار و رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرری که وارد شده است.

### گفتار اول: ضرر

زیان به زیان مادی، زیان معنوی و ضررهای جمعی تقسیم می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۲۴۴). ضرر مادی گاه ممکن است موجب آسیب رسیدن به اموال شخص؛ گردد به نحوی که مال یا تلف شده یا دچار عیب و نقصان گردد. حال تصور کنیم فردی معلول در اثر عدم مناسب‌سازی محیط پیرامون، کنترل خود را از دست داده و شیء متعلق به او به زمین بیفتد و دچار عیب و نقص گردد. این مورد، فرضی آکادمیک و بعید نیست.

شخص نابینایی را می‌توان تصور نمود که به علت عدم گذاردن نرده در مقابل سطح مرتفع، به زمین خورده و به یکی از اموالش به طور مثال رایانه قابل حملش آسیب برسد. جدا از این موارد، ممکن است آسیبی بدنی به شخص معلول وارد آید. اشخاص دچار معلولیت‌های حسی به ویژه نابینایان، بیشتر از هر گروه دیگری در معرض خسارات مادی از این دست هستند. به طور مثال، در اثر گودبرداری جهت ایجاد بنا و عدم تعبیه موانع هشداردهنده، نابینایی به درون آن سقوط می‌کند. یا ممکن است شرکت گاز، آب، برق و یا مخابرات برای انجام عملیات لوله‌گذاری یا کابل‌کشی، زمین را حفر کند و بدون توجه به اینکه در این جامعه، اشخاص دچار آسیب بینایی تردد می‌کنند، هیچ علامت هشداردهنده‌ای قرار ندهد. این‌ها همان مثال‌های ملموس و عینی جامعه ایران است که برای نگارنده امری ناآشنا و غریب نیست.

در خصوص اینکه آیا عدم مناسب‌سازی منطقی می‌تواند موجب تحقق خسارت معنوی گردد، باید گفت که بی‌تردید چنین امری منجر به بروز ترس، نگرانی، فشارهای عصبی و حتی رنجش عاطفی و احساسی می‌شود. شاید پذیرش این مسأله، برای کسی که این موقعیت را تجربه نکرده، چندان آسان نباشد. اما فرد معلولی که می‌داند با پای نهادن به کوچه و خیابان به استقبال خطرات متعددی از

قبیل حرکت سیل‌آسای اتومبیل‌هایی که رانندگان آنها هیچ توجهی به وضعیت خاص او ندارند، وجود حفره‌ها و حتی چاه‌های حفاظت نشده، عدم وجود سطوح شیب‌دار که او را وامی‌دارد که حتی اگر پای رفتن نیز داشته باشد به سختی پله‌های متعددی را طی کند، همه این‌ها موجب نگرانی و فشارهای فراوانی بر فرد معلول خواهد شد. از سوی دیگر در جاهایی که حرکت فرد معلول با کمک رهگذران میسر می‌گردد، مانند عبور فرد نابینا از خیابانی عریض، رفتن فردی که در صندلی چرخدار است به طبقه دوم ساختمانی از طریق پله‌ها و... که گاه همراه با الفاظ و حرکاتی است که موجب تحقیر او شده و آسیب شدید عاطفی را به او وارد می‌کند، وی متحمل خسارات معنوی می‌شود. به هر روی، نسبت به اینکه در اثر عدم مناسب‌سازی، فرد دچار معلولیت در معرض فشارهای روانی و عاطفی قرار می‌گیرد، نباید تردید کرد. اما اینکه طبق قوانین ما خسارات معنوی قابل جبران است یا نه، حکایتی است دیگر که از ورود به آن خودداری می‌شود.

در خصوص شرایط ضرر قابل مطالبه باید گفت، هرچند که برخی از نویسندگان شرایط ضرر را در ۴ مورد خلاصه کرده‌اند، اما باید آنها را در ۷ مورد ذیل خلاصه نمود: مسلم بودن ضرر، مستقیم بودن زیان، مشروعیت ضرر، مشخص بودن ضرر، زیان باید جبران نشده باشد، ضرر باید قابل پیش‌بینی باشد و ضرر باید ناشی از اقدام زیان دیده نباشد (همان منبع، ص ۲۷۸).

در اینجا قصد ارزیابی تمامی این شرایط را نداشته و بنابر آن است تنها مواردی که می‌تواند در خصوص خسارت وارده به اشخاص معلول در اثر عدم مناسب‌سازی مورد بحث قرار گیرد، مطرح شود. به نظر می‌رسد دو شرط مسلم بودن ضرر و آنکه ضرر نباید ناشی از اقدام زیان دیده باشد، جای مطالعه و ارزیابی دقیق دارد.

راجع به مسلم بودن زیان، شایسته است که نکاتی را مورد تذکر قرار داد. ماده ۷۲۸ از قانون آ. د. م سابق در مورد خسارت انجام ندادن تعهد، مقرر می‌داشت که مدعی خسارت باید ثابت کند که ضرر به او وارد شده است. نویسندگان حقوق چنین استنباط می‌کردند که ورود ضرر باید در



گذشته مسلم باشد. اما ماده ۵۱۵ از ق.آ.د.م مصوب ۷۹/۱/۲۱ بیان می‌دارد: «خواهان حق دارد ضمن تقدیم دادخواست یا در اثنای دادرسی و یا به طور مستقل جبران خسارات ناشی از دادرسی یا تأخیر انجام تعهد و یا عدم انجام آن را که به علت تقصیر خواننده نسبت به ادای حق یا امتناع از آن به وی وارد شده یا خواهد شد...» در این ماده به خوبی دیده می‌شود که خسارات قابل وقوع در آینده نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. به طور کلی تردیدی که در خصوص مسلم بودن زیان وجود دارد مربوط به دو مورد است: یکی زیان آینده و دیگری از دست دادن شانس و موقعیت عملی (قاسم زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۲۲).

در مورد نخست تنها به این نکته اکتفا می‌شود که علی‌الاصول زیان دیده نمی‌تواند زیان‌های احتمالی در آینده را مطالبه کند. با وجود این باید اذعان داشت که اگر خساراتی در آینده، و نتیجه و اثر زیان وارده در گذشته باشد و دادرسی آن را احراز نماید، نباید از صدور حکم به جبران چنین زیان‌هایی امتناع ورزند. مانند هزینه‌های مربوط به مراقبت و نگهداری از بیماری یا معلولیت تحمیلی که در آینده بر دوش زیان دیده سنگینی می‌کند را باید زیان‌های فعلی و مسلم قلمداد نمود. مضافاً با نگاهی به حکم ماده پیش گفته، خسارات احتمالی و آینده نیز قابل مطالبه است.

آنچه در این خصوص می‌تواند جای بحث بیشتر داشته باشد، مربوط است به از دست دادن شانس و امکان موقعیت عملی. پرسش آن است که اگر در اثر عدم مناسب‌سازی، فرد جانباز یا معلولی موقعیت عملی را از دست دهد، آیا می‌تواند برای جبران چنین زیانی به شخص مقصر در امر مناسب‌سازی مراجعه نماید؟ با ذکر مثال‌هایی، سعی می‌کنیم مسأله را روشن‌تر سازیم. به علت عدم مناسب‌سازی ساختمان محل برگزاری کنکور و عدم پیش‌بینی مسؤولان امر، فرد در صندلی چرخدار نمی‌تواند در کنکور سراسری شرکت کند، آزمون ورودی دانشگاه‌ها برای اشخاص نابینا، ناشنوا یا کسانی که از ناحیه دست دچار معلولیت می‌باشند متناسب‌سازی نمی‌شود. به علت عدم مناسب‌سازی ساختمان ادارات و کارگاه‌ها، افراد معلول جسمی - حرکتی، عملاً بخت دستیابی

به مشاغل گوناگون را از دست می‌دهند، یا به طور مشخص افراد در صندلی چرخدار در ایران، امروزه نمی‌توانند به علت عدم مناسب‌سازی بناهای دادگستری به حرفه وکالت بپردازند. از این دست مثال‌ها فراوان است و بسیاری از جانبازان این مرز و بوم، عملاً فرصت‌های تحصیلی، شغلی و حتی تفریح و ورزش را از دست می‌دهند و این در حالی است که می‌توان با متناسب‌سازی ساختمان‌ها و محیط کار و غیره، امکان پرداختن به فعالیت‌های گوناگون را برای این قشر فراهم آورد. چه تفاوتی میان بازداشتن بازرگانی از حضور در مجلس مزایده یا جلوگیری از شرکت اسبی در مسابقات و محروم ماندن جانبازی از دسترسی به حرفه‌ای خاص وجود دارد؟ تنها تفاوتی را که می‌توان تصور نمود آن است که برای موارد نخست، عامل ورود زیان با دست زدن به فعلی مثبت و ملموس موجب محرومیت می‌شود. اما مورد دوم که غالباً از مصادیق تبعیض غیرمستقیم است، شخص حقیقی و حقوقی عامل ورود خسارت با بی‌تفاوتی یا ترک فعلی، عملاً مانع دستیابی فرد معلول به فرصت و موقعیتی می‌شود.

در برخی از کشورها صرف از دست دادن موقعیت و فرصتی به عنوان ضرر قابل جبران انگاشته شده است. هر چند که از نظر حقوقدانان، پذیرش این مورد در حقوق ایران به عنوان یک قاعده، دشوار تلقی شده است. برای رفع تبعیض غیرمستقیم علیه اشخاص معلول و رسیدن آنان به فرصت‌ها و حقوق برابر با سایرین، قابل جبران بودن چنین زیان‌هایی را در مواردی که احتمال اصابت امکان به هدف، زیاد می‌رود باید پذیرفت.

### گفتار دوم: فعل زیانبار

عدم مناسب‌سازی، غالباً به صورت ترک فعل نمودار می‌گردد. باید اذعان نمود که عدم متناسب‌سازی یکی از مهم‌ترین مصادیق تبعیض غیرمستقیم است که به صورت ترک فعل ظهور خارجی پیدا می‌کند. شاید در برخی موارد چنین به نظر برسد که آسیب وارده، در اثر فعل ایجابی تحقق یافته است. به طور مثال، شخصی برای ایجاد ساختمانی گودبرداری می‌کند و یا سازمان آب یا برق برای لوله‌کشی یا کابل‌کشی زمین را حفر می‌کند و در اثر آن فرد نابینایی دچار آسیب می‌شود. این

برای مقصر دانستن فرد مساحه‌کار در مناسب سازی، وجود قوانین موضوعه در این خصوص کفایت می‌کند. (ماده دو از قانون جامع حمایت از حقوق معلولان و آیین‌نامه اجرایی آن). مطابق تعریف مندرج در قانون مجازات اسلامی، تقصیر اعم است از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی. پس هرگاه اشخاص پیش‌بینی شده در ماده ۲ قانون جامع حمایت از معلولان از تکلیف قانونی مبنی بر متناسب‌سازی محیط سرباز زنند، مسؤول خواهند بود. این تکلیفی است معین که در مقررات پیش‌بینی شده است. اما با توجه به سیاست قانون‌گذار مبنی بر ادغام اجتماعی اشخاص معلول، اعضای جامعه مکلفند حضور این افراد را باور داشته باشند و در فعالیت‌های گوناگون خویش از اقداماتی که آنان را در معرض خطر قرار می‌دهد، خودداری ورزند. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان تصدیق نمود که تکلیف احتراز از ایجاد محیط‌های خطرناک برای معلولان، تعهدی است عام.

## گفتار سوم: رابطه سببیت

در خصوص رابطه سببیت نیز ذکر این نکته کافی است که وجود رابطه علیت میان فعل زیانبار و زیان حاصل، به گونه‌ای است که فعل موردنظر، باید بدون لحاظ امر متناسب سازی تحقق یافته باشد. به طور مثال، ساختمانی ایجاد شده باشد اما آسانسوری که صندلی چرخدار بتواند وارد آن گردد، برای طبقات فوقانی تعبیه نشده باشد. حفر و گودبرداری صورت گرفته بدون تعبیه حفاظ باشد و نمونه‌هایی از این قبیل.

## مبحث دوم: خسارات قابل مطالبه

یکی از نکات مهمی که در خصوص این موضوع مطرح می‌باشد آن است که مراد از خسارات چیست؟ و به عبارت دیگر آیا خسارات مورد نظر دارای عناوین مشخص و محدود هستند؟ به موجب قانون مسئولیت مدنی که قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۳۹ به تصویب رسید، مطابق مواد ۶ و ۵، ۲، ۱ قانون مذکور در مواقع بروز صدمات بدنی خسارت‌های وارده به شرح زیر که متوجه مجنی علیه شده باشد، قابل مطالبه بوده است:

پندار را نباید صحیح انگاشت. چراکه حفر زمین برای مقاصد گوناگون نمی‌توانسته عملی زیانبار قلمداد شود. در اینجا عدم گذاشتن حفاظ‌های هشداردهنده یعنی عدم متناسب‌سازی، موجب ایراد خسارت شده است. اگر شهرداری پل عابر پیاده را تعبیه کند اما در قسمتی از آن نرده‌های محافظ قرار ندهد و فرد دچار آسیب بینایی یا کودکی سقوط کند، عدم گذاشتن نرده‌های محافظ را باید به عنوان فعل زیانبار تلقی نمود.

معمولاً این نوع خسارات در اثر فعل غیرمستقیم وارد کننده زیان به قربانی وارد می‌شود و اصولاً زمینه تحقق زیان فراهم می‌گردد و بنابر اصطلاح قانون مدنی ایران، در اثر تسبیب به وقوع می‌پیوندد. در حقوق ایران جهت تحقق مسئولیت ناشی از تسبیب، تقصیر عامل باید اثبات گردد. بنابر تعریف موجود در ماده ۹۵۳ از ق.م «تقصیر اعم از تعدی یا تفریط» بوده و تعدی شامل فعل ایجابی و تفریط شامل فعل سلبی است. اگر بخواهیم معیار شناسایی فرد خطاکار را، نگاه عرف آن چنان که مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ از قانون مدنی در نظر دارد، بیانگریم، از آنجایی که ذهنیت مردم ایران با امر متناسب‌سازی چندان آشنایی ندارد و معمولاً اکثریت، بدون مناسب‌سازی دست به ایجاد محیط‌های خطرناک برای افراد معلول می‌زنند، بدون آنکه در اندیشه رفع این خطر از طریق متناسب‌سازی باشند، شاید نتوان عامل ورود خسارت را خطاکار انگاشت. اما چنان که می‌دانیم در شناسایی فرد خطاکار، معیار، انسان متعارف است و انسان متعارف دست به کاری نمی‌زند که برای دیگران فراخور شرایط آنان خطرآفرین باشد. پذیرش این مطلب، برخلاف عقل سلیم است که گودال عمیقی، در معبر عموم حفر گردد ولی برای فرد نابینا خطرآفرین نباشد.

ممکن است با این استدلال مواجه گردیم که علی‌الاصول دولت و سازمان‌های دولتی، اگر اقدام به حفر زمین در معابر عمومی می‌کنند، از باب اعمال حاکمیت بوده یا آنکه اگر شهروندان در ملک خویش زمین را حفر کنند و فرد جانباز در اثر سقوط در آن دچار آسیب گردد، عمل حفر به عدوان نبوده و او معاف از جبران خسارت خواهد بود. چنان که پیش از این نیز گفته شد در اینجا سخن از کندن چاه یا ایجاد محیط خطرناک به میان نیست. آنچه مدنظر است، عدم متناسب‌سازی است؛ یعنی عدم گذاردن موانع هشدار دهنده.

الف) هزینه معالجه  
ب) خسارت از کارافتادگی  
ج) افزایش مخارج زندگی  
د) خسارت معنوی

و اگر صدمه بدنی منجر به مرگ شخص آسیب دیده می‌شد «کلیه هزینه‌ها مخصوصاً هزینه کفن و دفن» بر عهده وارد کننده صدمه بود و اگر مرگ فوری نبود «هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب می‌شد» (حیدری، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳).

سئوالی که مطرح می‌گردد این است که آیا خسارات معنوی، قابل مطالبه توسط جانباز می‌باشد؟ به عنوان مثال زمانی که جانبازی در اثر سهل انگاری یک اداره دولتی در عدم مناسب سازی راه پله‌ها و قابل دسترس نبودن آن برای افراد معلول، دچار حادثه شده و علاوه بر خسارات جسمانی، دچار وحشت دائمی از راه پله شده و یا دچار سرخوردگی می‌گردد و به این ترتیب، به موضوع جبران خسارات معنوی فرد معلول بر می‌خوریم آیا این خسارات را می‌توان دریافت نمود؟ در واقع مقصود از خسارت معنوی، آسیب‌های روحی و روانی، درد و یا رنج یا زیان به ابروی اشخاص است که به طور محسوس و مادی در بیرون قابل احساس و درک نمی‌باشد. همانگونه که در برخی منابع فقهی آمده است در صدق عنوان ضرر و خسارت بر آسیب معنوی جای تردید نمی‌باشد. چنانکه بر اهتمام شارع مقدس نسبت به جلوگیری از زیانهای معنوی جای شبهه نیست. قلب مومن عرش الهی است (لا یسعی ارضی ولاسمانی ولکن یسعی قلب عبدی المومن). شان صدور روایت در حدیث لا ضرر، خسارت معنوی بود که از سوی سمره بن جندب بر انصاری و خانواده او وارد می‌آمد (اکبری، ۱۳۸۴، ص ۸۷). در حرمت اضرار معنوی جای شک نمی‌باشد ولی در تقویم و اندازه گیری بهای آن به صورتی که امروزه در حقوق غرب مطرح و مورد عمل است جای تردید و تامل وجود دارد زیرا خسارات معنوی قابل اندازه گیری به پول نمی‌باشد و از طرف دیگر دامنه خسارت دیدگان در خسارات معنوی نامحدود است. بنابراین بهتر است تا راهکاری جهت جبران این خسارات

علاوه بر دیه پرداختی که در اثر صدمات جسمی به افراد معلول پرداخت می‌شود در نظر گرفته شود تا حریم روحی افراد معلول و حیثیت آنان حفظ شود. به اعتقاد نگارنده اساساً خسارات معنوی نه قابل اندازه‌گیری هستند و نه آنکه به مانند خسارات مادی با پرداخت وجوهی قابل تدارک است، بلکه حاکم و قاضی چنانچه منشاء ورود خسارات معنوی را جانی بدانند و عامل آنرا بی مبالاتی وی تشخیص دهد، می‌تواند جهت تشفی خاطر مجنی علیه و اولیای وی از راهکارهایی مانند پرداخت خسارات به فرد آسیب دیده توسط جانی و در صورت عدم توانایی پرداخت جانی از طریق صندوق مخصوصی جهت کمک دولت به افراد معلول، استفاده کند، زیرا جایز نیست که در مورد این اشخاص، تنها به پرداخت دیه بسنده نمود. مثلاً درد جسمی که به زیان دیده وارد شده یا رنج روحی یا روانی، همه و همه می‌تواند تا زمانی که فرد معلول زنده است با او همراه باشند.

لازم به ذکر است قانون مسئولیت مدنی از خسارت معنوی تعریفی ارائه نداده است اما به طور کلی زیان‌های معنوی همان صدمه به منافع عاطفی و غیر مالی است. مانند احساس درد جسمی و رنج‌های روحی، از بین رفتن آبرو و حیثیت و آزادی (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۱۴۴). البته در مورد امکان مطالبه ضرر و زیان معنوی میان حقوقدانان اختلاف وجود دارد مخالفان این نوع خسارت مطالبه آن را از لحاظ نظری، فنی و اخلاقی مقدور ندانسته‌اند. از لحاظ نظری چون خسارت معنوی قابل تقویم به پول نیست و تادیه پول نمی‌تواند موجب جبران این نوع خسارت شود و از نظر فنی امکان تعیین میزان چنین خسارتی وجود ندارد چون قابل ارزیابی به پول نمی‌باشد و از لحاظ اخلاقی نیز ناگوار و زننده است که متالم از خسارت معنوی اقدام به طرح دعوی نموده و درد و رنج و ناراحتی خود را با پول مطالبه کند (حسینی نژاد، ۱۳۸۶، ص ۷).

اما به تدریج این طرز تفکر تضعیف شد و حقوقدانان به این نکته توجه کردند که پرداخت ضرر و زیان معنوی هر چند به طور کامل اعاده حیثیت و اعتبار نمی‌کند لیکن تا اندازه‌ای ناراحتی‌های مجنی علیه را کاهش می‌دهد و

موجب کاهش این نوع از ضررها می‌شود. مضافاً با اینکه امروزه ارزش و اهمیت زیان معنوی گاهی به مراتب بیشتر از ضررهای مادی است لذا نمی‌توان ضرر و زیان معنوی را نادیده گرفت و اعتبار و حیثیت افراد را بلا دفاع گذاشت (آخوندی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۵).

با توجه به موارد گفته شده در فوق به نظر می‌رسد، جانباز حق دارد خسارات وارده به خود که جنبه معنوی دارند را مطالبه نماید.

هم چنین ۳ نوع خسارات وارده که در قانون مسئولیت مدنی به آن اشاره شد یعنی هزینه معالجه، خسارت از کارافتادگی، افزایش مخارج زندگی، در زمره خسارات مادی قرار می‌گیرند و همه آنها منشا واحدی دارند. مثلاً هزینه معالجه شامل هزینه بیمارستان، خرید دارو و... است که بر دوش فرد معلول یا خانواده او تحمیل می‌شود.

### نتیجه گیری و جمع‌بندی

در نگاه اولیه این‌گونه به نظر می‌رسد که در جایی که جانباز یا معلولی زیان دیده واقع می‌شود، و یا فرد سالمی معلول می‌گردد تحت قواعد عمومی قرار می‌گیرد و بحث چندانی در این خصوص قابل طرح نیست. اما این پندار درست نیست. امروزه بسیاری از معلولان قربانی تبعیضات ناروا می‌شوند. طی دهه‌های اخیر گام‌های جدی جهت رفع انواع تبعیض علیه معلولان برداشته شده است، در حوزه مسئولیت مدنی، هم حقوق‌دان و هم قاضی باید در اندیشه جبران زیان‌های قربانیان تبعیض ناروا باشند. یکی از مهم‌ترین حقوق بنیادین بشر حق تردد و آمد و شد است. افراد جانباز نیز حق زندگی در این جهان را دارند. برای دستیابی به این مهم، انجام مناسب‌سازی منطقی حائز اهمیت فراوان است. کسانی که با زیر پا نهادن قوانینی که مناسب سازی منطقی را ضروری می‌دانند، امنیت تردد و حضور معلولان در جامعه را به مخاطره می‌افکنند، علاوه بر ضمانت اجراهای اداری یا کیفری، باید در صورت ایراد آسیب، آن را جبران کنند و خساراتی که به جانباز و معلول زیان‌دیده تعلق می‌گیرد هم شامل خسارات مادی است و هم خسارات معنوی.

### منابع و ماخذ

۱. احمدی، منصور (۱۳۸۵) رساله کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، نگاهی به حقوق افراد سالخورده، دانشگاه آزاد واحد تفت.
  ۲. اکبری، موسی الرضا (۱۳۸۴) مسئولیت جبران خسارت معنوی در ایران، مجله دادرسی، شماره ۵۲.
  ۳. آخوندی، محمود (۱۳۷۹) آئین دادرسی کیفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ پنجم.
  ۴. حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۸۶) مسئولیت مدنی، انتشارات مجد، چاپ چهارم.
  ۵. حیدری، عباسعلی (۱۳۸۵) قابل مطالبه بودن خسارات مازاد بر دیه، مجله فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد بابل، شماره ۵.
  ۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
  ۷. رحمانی، مهدی (۱۳۹۰) حقوق کودکان معلول، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، گرایش خصوصی، پردیس بین الملل.
  ۸. رسولی، حامد (۱۳۹۱) کنوانسیون حقوق معلولان و تطبیق با قوانین داخلی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، گرایش خصوصی، دانشگاه شیراز.
  ۹. علوی، سیدامین... و کابلی، رشید (۱۳۸۲) اشتغال معلولان، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول.
  ۱۰. قاسم زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۴) مسئولیت مدنی شخص غیرممیز، مجله دیدگاه‌های حقوقی، شماره اول.
  ۱۱. کمالی، محمد، ایران، فریبا (۱۳۸۲) مروری بر حقوق کودکان دارای ناتوانی و معلولیت، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۷.
  ۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲) الزام های خارج از قرارداد، ضمان قهری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
  ۱۳. میرخانی، مجید (۱۳۷۸) مبانی توانبخشی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
14. 14. Alexandra G. White. Paralyzing Disord: Workplace Safcty. Paternalism. And The Accommodation Of Biological Variance In The Americans With Disabilities Act. Louisiana Law Review. Winter. 2003

## نقش اجتماعی اماکن مذهبی در جامعه؛ مورد مطالعه: زیارتگاه های حرم عبدالعظیم و امامزاده صالح در شهر تهران

عبدالرضا دهمی - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.  
افسانه ادریسی - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.  
مهدی عامری - دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.

### چکیده

دین، مؤلفه‌ای مهم از فرهنگ هر تمدن و هر ملتی محسوب می‌شود. جامعه دین‌دار همیشه در پی تقویت مؤلفه‌ای است که به آن، شکل و شمایل مذهبی می‌دهد. امامزادگان زیادی در ایران هستند؛ اما برخی از آنها حالت و مرکز خاصی محسوب می‌شوند و می‌توان از وجود آنها در شکل‌گیری و تداوم برخی نظریه‌های جامعه‌شناسی بهره برد و بعضی از آنها - مانند شاه‌چراغ، شاه عبدالعظیم حسنی و امامزاده صالح، نقش بسیار مؤثری در زندگی جمعی مردم و هویت اجتماعی آنان داشته است. در این پژوهش کیفیت و نقش دو امامزاده شاه عبدالعظیم شهر ری و امامزاده صالح تجریش بررسی و تحلیل می‌شود.

واژگان کلیدی: دین، جامعه، جامعه‌شناسی، شاه عبدالعظیم، امامزاده صالح.

### The Social Role of Religious Places in the Society; Case Study: Shrine shrines and Emamzade Saleh in Tehran City

#### Abstract

Religion is an important component of the culture of civilization and any nation. The Dean of Danes society is always seeking to strengthen the component that is religious. There are many in Iran, but some of them are considered to be a specific state and centre, and they can be used in shaping and continuity of some theories of society and some of them such as the King of Light, King Abdel Azim Hosni Hosni and the Emamzade Saleh. In this study, the quality and role of the King Abd al - Azim Al - Faysal City of Rey and Emamzade Saleh are analyzed.

**Key words:** Religion, society, community, Shah Abdel - Azim, Emamzade Saleh



اولاً هدف از تعریف دین، تعریفی است که بتوان آن را عملیاتی کرد ثانیاً متناسب با سنجش دین‌داری با رویکرد جامعه‌شناختی باشد. به این معنا که علاوه بر توصیف وضعیت موجود، وضعیت مطلوب را نیز ترسیم کند. ثالثاً انتقادهایی مانند دوری بودن تعریف دین منتفی باشد. البته گفته شد که ارائه تعریفی جامع و عام از دین و دین‌داری که همه ادیان را شامل گردد، ناممکن است. گرچه امکان ارائه یک تعریف کلی و مجمل عام وجود دارد؛ اما باید توجه داشت که این گونه تعاریف کاربرد چندانی نخواهد داشت. با وجود این، ابتدا تعریفی عام از این دواصطلاح ارائه و سپس به طور خاص تعریفی از دین اسلام و دین‌دار مسلمان بیان می‌شود.

دین اصطلاحاً به معنای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و گرایش‌ها و دستورهای عملی متناسب با این اعتقاد است. بنابراین افراد فاقد اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان که پیدایش پدیده‌های جهان را تصادفی و یا صرفاً معلول فعل و انفعالات مادی و طبیعی می‌دانند، «بی‌دین» نامیده می‌شوند؛ اما افراد دارای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان، به‌رغم وجود انحراف یا خرافه در عقاید و مناسک دینی، «بادین» شمرده می‌شوند. بر این اساس ادیان موجود در میان انسان‌ها به دودسته حق و باطل تقسیم می‌شوند. دین حق عبارت است از آیینی که دارای عقاید درست و مطابق با واقع بوده و رفتارهایی را مورد توصیه و تأکید قرار می‌دهد که از ضمانت کافی برای صحت و اعتبار برخوردار باشند (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ص ۱۱).

دین در اصطلاح مجموعه‌ای از هدایت‌های عملی و علمی است که از طریق وحی و سنت برای فلاح و رستگاری آدمی در دنیا و آخرت آمده است (جعفری، ۱۳۵۷، ص ۱۷).

از آنجا که دین رسمی کشور، اسلام است و با عنایت به تبیین مبانی الگوی بومی سنجش دین‌داری، مناسب‌ترین تعریف برای دین اسلام، تعریف آن براساس محتوای آن و به معنای مجموعه‌ای از باورها، اخلاقیات و دستورالعمل‌های متناسب با آنهاست که از طریق خداوند تبارک

دین نهاد بزرگی است که عناصر و مؤلفه‌های گوناگونی دارد. هریک از این مؤلفه‌ها می‌توانند تأثیر جداگانه‌ای بر جامعه داشته باشند. از میان تمام ابزارهای مرتبط با دین، نقش رهبران و مبلغان دینی به‌عنوان مراجع فکری بخش بزرگی از جامعه و امامزاده‌ها به‌عنوان مکانی برای ابراز و تبلیغ دین، جایگاه منحصربه‌فردی برای اعمال تغییرات در جامعه دارند. از دیگر مباحث مهم در جامعه‌شناسی دین نقش باورهای دینی در تحولات اجتماعی بخصوص نقش آن در فرایند عقلانی‌شدن جامعه است؛ چراکه جامعه‌شناسی دین به عنوان یکی از رهیافت‌های دین‌پژوهی در پی شناخت ماهیت پدیده‌های دینی از نگاه جامعه‌شناسانه بوده و به نقش دین در جامعه می‌پردازد. جامعه‌شناسی دین که از قرن نوزدهم به این سو پیشرفت قابل توجهی داشته است، تحت تأثیر سه نظریه پرداز غربی یعنی کارل مارکس، امیل دورکیم و ماکس وبر بوده است. برخلاف مارکس و دورکیم، ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰) مطالعه وسیعی درباره ادیان جهان داشت. او به بررسی‌های مفصلی درباره ادیان جهان، از جمله آیین‌های هندو، بودا، تائو، یهود، و مسیحیت پرداخت، نیز مطالعات ناقصی در مورد اسلام انجام داد که نتوانست آن را تکمیل کرده و به پایان برساند. با بررسی چندجانبه جوامع مشاهده می‌شود که در بیشتر جوامع، حتی جوامع صنعتی، حضور مؤثر و فعالی دارد. هرچند این حضور ممکن است با آنچه در گذشته بود، تفاوت داشته باشد و به شکل‌های جدید و گوناگون مطرح باشد؛ اما در هر حال نمی‌توان حضور آن را انکار کرد و نادیده گرفت. علیرغم پیش‌بینی‌های قاطعانه برخی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان و فیلسوفان اجتماعی اروپایی قرن نوزدهم، مذهب نمرده است. مذهب به دنبال عصر روشنگری و پیشرفت علوم، افول نکرده است. مدرنیته نوعی شک‌گرایی عمومی و گسترده را در دامان نپرورده است. به‌استثنای چندکشور در اروپای غربی که البته نمونه‌هایی قابل اعتنا و چشمگیرند، اکثر کشورهای جهان عملاً از شور و اشتیاق مذهبی در غلیان هستند.

و تعالی، مستقیم یا غیر مستقیم به پیامبر اسلام وحی شده است. طرف دیگر نسبت دین‌داری، انسان است. بی‌شک انسان موجود پیچیده و دارای ساحات وجودی متعدد است و همین‌امر باعث گوناگونی در تعریف انسان شده است. مثلاً در منطق باتوجه به هدف بیان جنس و فصل، انسان را حیوان ناطق تعریف کرده‌اند و یا روانشناسان باتوجه به هدف خاص خود، انسان را موجودی دارای روان تعریف کرده‌اند و ... البته همه این تعاریف باتوجه به اهداف خاص مترتب بر آنها، صحیح است. در پژوهش پیش روی ما، باعنایت به تمام تعاریف موجود، ابتدا باید «انسان متأله» تعریف شود. انسان متأله، انسانی است که با «الله» به‌عنوان خالق و پروردگار ارتباط برقرار کرده و این ارتباط دارای شدت و ضعف است.

بر این اساس می‌توان گفت: دین‌داری نحوه‌ای از رابطه است که انسان با یک‌دین یا آیین برقرار می‌کند (رک، جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۵) که اولاً برحسب ادیان مختلف تلون پیدا می‌کند و ثانیاً برحسب شدت یا ضعف، این رابطه تدرج می‌یابد. در این نوشتار، منظور از دین‌داری شکلی از رابطه است که یک‌انسان با محتوای دین اسلام برقرار می‌کند و اهتمام و التزامی متناسب با شدت یا ضعف آن رابطه به دین اسلام دارد. هرچند در حوزه دین و دین‌داری اصطلاحات متعددی نظیر اعتقاد، ایمان، احکام، و ... وجود دارد با این حال این‌گونه مفاهیم به‌علت تعریف روشن، نیازی به تبیین دقیق ندارد؛ اما اخلاق یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در الگوی سنجش دین‌داری به کار برده شده و می‌توان منشاء بسیاری از خطاهای که در این الگوها - بخصوص الگوهای بومی - راه یافته، در این مفهوم جستجو کرد. بنابراین لازم است این مفهوم را به دقت تبیین کنیم:

اخلاق در لغت، جمع خلق به معنی صفت پایدار و راسخ، یعنی ملگه است. پس اخلاق به مجموعه‌ای از صفات پایدار در انسان گفته می‌شود. خواه این صفات مثبت باشد یا منفی؛ اما این مفهوم در اصطلاح، معانی متعدد دارد که می‌توان دو عامل زیر را منشاء این تعدد دانست:

الف. هر مکتب بشری و غیر بشری براساس مجموعه‌ای از اصول و مبانی معرفت‌شناختی،

هستی‌شناختی و انسان‌شناختی شکل گرفته است. به‌علت تفاوت در این اصول و مبانی، تعاریف این‌گونه مفاهیم در همه مکاتب نیز متفاوت است.

ب. باتوجه به امکان تفاوت شیوه نگاه به این‌گونه مفاهیم در یک مکتب، حتی این مفاهیم در یک مکتب نیز معانی متعددی پیدا می‌کند.

بنابراین باتوجه به این دو عامل، می‌توان در مورد اخلاق به‌عنوان یک مؤلفه بسیار مهم در دین اسلام گفت.<sup>۱</sup> از آنجا که موضوع اخلاق، افعال اختیاری و ارادی انسان است (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۱۷)؛ و طرف فعل اختیاری انسان می‌تواند خالق، خود انسان، انسان‌های دیگر، موجودات دیگر و طبیعت باشد. (طباطبایی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۸)؛ گستره اخلاق در دین اسلام نسبت به دیگر مکاتب بسیار وسیع‌تر است. بنابراین بادی دقت کرد که در این مفهوم بسیار مهم، در الگویی که مبتنی بر دین اسلام است، تقلیلی صورت نگیرد.<sup>۲</sup> به‌عنوان مثال تعریف اخلاق در دین اسلام به سلوک جمعی انسان‌ها و یا حتی به سلوک جمعی و اخلاق در رابطه با طبیعت تعریف دقیقی نخواهد بود. افزون بر این، اخلاق در اسلام نسبت به مکاتب دیگر، از دو ویژگی تقریباً منحصر به فرد برخوردار است که عبارتند از: حُسن فعلی مربوط به فعل و حُسن فاعلی مربوط به انگیزه فاعل. با این توضیحات، اندیشمندان اسلامی برای اخلاق دوتعریف زیر را ارائه می‌کنند:

۱. تمامی صفات نفسانی که منشاء کارهای پسندیده یا ناپسندیده می‌شوند. چه آن‌صفت پایدار و راسخ باشد و چه ناپایدار و زودگذر.
۲. گاهی نیز واژه اخلاق صرفاً در مورد صفات و افعال پسندیده به کار می‌رود که منظور از اخلاق در این نوشتار، همین معنی دوم است.

۱. تقریباً همه متفکرین اسلامی، دین اسلام را دارای سه بخش مهم اعتقادات، احکام و اخلاق می‌دانند. (رک، مطهری، ۱۳۹۲، ج: ۲)  
۲. عده‌ای در الگوی سنجش دین‌داری دین اسلام، گستره اخلاق را سامان‌دهی حیات دنیوی و سلوک جمعی انسان‌ها یا اخلاق را به سلوک جمعی انسان‌ها و در ارتباط با طبیعت دانسته‌اند. (رک، شجاعی‌زند، ۱۳۸۴، ص ۲۴)

## ۲. دین مدنی

دین مدنی اصطلاحی است که اولین بار ژان ژاک روسو به سال ۱۷۶۴ در کتاب «قرارداد اجتماعی» به کار برد. در این کتاب او دین را در ارتباط با جامعه بررسی می‌کند و فقط به کارکرد اجتماعی آن توجه دارد. روسو قبل از بررسی و شرح دین مدنی، به نقایص و ضعف‌های مسیحیت و ادیان موجود می‌پردازد و با بررسی این نقص‌ها، در نهایت نوع دیگری از دین، یعنی دین مدنی را ارائه می‌کند که از دید او، بهترین و سودمندترین دین برای جامعه است و نقص‌هایی را که ادیان موجود دارند، ندارد. روسو با اشاره به ادیان قبل از مسیحیت، از جمله بت‌پرستی و یکی بودن جنگ‌های سیاسی و مذهبی در آن دوره، علت آن را عدم جدایی خدایان از تشکیلات سیاسی می‌داند. در دوره تسلط مسیحیت بر جهان، بر این اعتقاد است که جدایی دستگاه سیاسی از دستگاه مذهبی، دولت را تقسیم می‌کند و باعث اختلافات داخلی می‌شود. وی روحانی و اخروی بودن مسیحیت را نوعی ضعف و نقص برای آن می‌شمارد که بی‌توجهی به امور دنیوی را در پی دارد. درکل می‌توان گفت که نظر ناخوشایند او به مسیحیت دو علت دارد: جدایی مسیحیت از دولت و اخروی و روحانی بودن آن. روسو سه نوع مذهب را معرفی می‌کند: ۱. دین انسان؛ ۲. دین شهروند؛ ۳. دین کشیشان. بسیاری از جامعه‌شناسان در حوزه دین و تئولوژی در این خصوص بحث کرده‌اند. افراد برجسته این مبحث عبارتند از: رابرت بلا (Bellah)؛ الکسی دو توکویل؛ امیل دورکیم.

در دین مدنی رابرت بلا خدا، محور اصلی و مرکزی است. البته این خدا ویژگی‌های خاصی خود را دارد. خدای دین مدنی، خدایی فعال و درگیر در تاریخ ملت، خدایی است که در هر آنچه به ملت و منافع آن مربوط می‌شود حضوری گسترده دارد. حضور او منفعل و سمبولیک نیست؛ بلکه حضوری فعال است و همین حضور او باعث تقدس بخشی به ملت و تاریخ ملت می‌شود. دین مدنی امریکا در همه عرصه‌های جامعه حضور دارد. هرچند این حضور به صورت سازمان یافته نیست. کلمن (coleman, 1981. p. 53)

در اعتقاد توکویل آنچه اهمیت دارد کارکرد دین

برای جامعه است نه ذات و حقیقت دین. با در نظر گرفتن کارکرد آن برای جامعه، او معتقد است که هر جامعه‌ای محتاج عقاید و باورهای مشترک و مشابه است که این وظیفه بر عهده دین است. امیل دورکیم با «صور بنیانی حیات دینی» (۱۳۸۳). وی از اصطلاح «دین مدنی» استفاده نکرده است؛ اما جامعه‌شناسان معاصر که درباره دین مدنی به بحث و نظر پرداخته‌اند، متأثر از نظریات او درباره دین هستند. از جمله می‌توان از رابرت بلا، مهم‌ترین جامعه‌شناس معاصر، نام برد. بلا از دورکیم به عنوان کاهن و حکیم دین مدنی در جمهوری سوم فرانسه نام می‌برد و در مقدمه کتاب خود «دورکیم، اخلاق و جامعه» (Emile Durkheim on Morality and Society) (۱۹۷۳) به بررسی دین مدنی دورکیم می‌پردازد. از دید او هرچند روسو اصطلاح دین مدنی را وضع کرد و با آن شناخته شد؛ اما تحلیل دین مدنی در جامعه‌شناسی، بیشتر متأثر از امیل دورکیم است.

دورکیم به شور و هیجان‌های ناشی از اجتماعات و اینکه چگونه تأثیرات جمعی باعث و منشأ حس تقدس در جامعه می‌شود، با تأکید فراوان اشاره می‌کند. اینکه در این اجتماعات، افراد به کارها و اعمالی از جمله شور و شوق یا خشونت بیش از حد دست می‌زنند که فرد در حالت عادی بعید است که چنین اعمالی انجام دهد. فرد در این حالات احساس می‌کند که دیگر خود او نیست؛ بلکه به موجودی تازه تبدیل شده است و نیرویی او را وادار می‌کند که غیر از آنچه در حالت معمولی است رفتار کند و بیندیشد. چنین محیط‌هایی در انسان این احساس را به وجود می‌آورد که دوجهان متمایز وجود دارد: یکی جهان عادی و روزمره با رفتارها و افکار معمولی، به عبارتی جهان ناسوتی و دیگر، جهانی است که او را از خود بیخود می‌کند و باعث می‌شود که رفتارهای غیر معمول داشته باشد و به کلی متفاوت از زندگی معمولی است، به عبارتی، جهان لاهوتی است. او با این توضیحات و شرح محیط‌های پر از شور و غلیان، به این نتیجه می‌رسد که «فکر دین از همین محیط‌های پر از شور و غلیان و از خود همین شور و غلیان اجتماعی پدید آمده باشد» (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۳۰۰).

از نظر رابرت بلا، مهم‌ترین جامعه‌شناس

معاصری است که در زمینه دین مدنی نظریه‌پردازی کرده است، دورکیم وارث فکری روسو بود؛ اما یک‌شکاف بزرگ بین آن دو وجود دارد. اینکه دین مدنی از نظر روسو، یک‌چیز عملی است. برای تشویق و ترغیب؛ اما برای دورکیم یک‌ویژگی نوظهور برای زندگی اجتماعی است. رابرت بلا که متأثر از دورکیم است، تعریف مشخصی از دین مدنی می‌کند که علیرغم اندکی ابهام آن، با مشخص شدن عناصرش می‌توان گفت که این تعریف از دین مدنی، عینی‌تر و ملموس‌تر است و می‌توان بررسی تجربی کرد. از نظر بلا، نظام مشترک و دریافت‌های اخلاقی هر جامعه کارآمدی بر دریافت‌های مذهبی قرار دارند، یعنی مذهب، زیربنای این دریافت‌های اخلاقی یا اخلاق جامعه کارآمد است. در بررسی دین مدنی آمریکا، استفاده از واژه خدا را مهم‌ترین عنصر این دین می‌دانند؛ اما خدایی است حافظ منافع ملت و درگیر در تاریخ ملت. همچنین خدای دین مدنی از طریق روندهای دموکراتیک شناخته می‌شود و حقوق مردم نه از دولت؛ بلکه از خدا نشأت می‌گیرد.

این دین، جدا از همه فرقه‌های دینی حتی مسیحیت است. در این دین، جدایی کلیسا از دولت، ویژگی بسیار مهمی است و باعث آزادی عقاید و مذاهب و تساهل می‌شود. از دیدگاه او، دین در همه عرصه‌ها از جمله سیاست حضور دارد؛ اما این حضور سازمان‌یافته نیست؛ بلکه وجهی استعلاایی و فراتجربی نسبت به همه این حوزه‌ها دارد.

البته باید افزود که ریچی و جونز (Richey and Jones) در کتاب «دین مدنی در آمریکا» (۱۹۷۴)، پنج مفهوم از دین مدنی را که در نزد جامعه‌شناسان تاریخ‌دانان، متألهان و فیلسوفان وجود دارد، بیان می‌کند. این معانی عبارتند از: ۱. دین عامه (folk religion)؛ ۲. دین عام استعلاایی (transcendent religion)؛ ۳. ملی‌گرایی دینی (universal religion)؛ ۴. ایمان دموکراتیک (nationalism Democratic)؛ ۵. تقوای مدنی پروتستانی (Protestant civic faith)؛ (piety).

### ارتباطات سنتی

دین نهاد بزرگی است که عناصر و مؤلفه‌های گوناگونی دارد. هریک از این مؤلفه‌ها می‌توانند تأثیر جداگانه‌ای بر جامعه داشته باشند. از میان

تمام ابزارهای مرتبط با دین، نقش رهبران و مبلغان دینی به‌عنوان مراجع فکری بخش بزرگی از جامعه و امامزاده‌ها به‌عنوان مکانی برای ابراز و تبلیغ دین، جایگاه منحصربه‌فردی برای اعمال تغییرات در جامعه دارند. اهمیت مراجع فکری در کشورهای اسلامی ریشه در دین دارد و بازگوکننده آن است که مذهب، سیاست و اخلاق از هم جدا نیستند. مراجع فکری سنتی و مذهبی در جوامع اسلامی در شکل‌گیری آراء و عقاید عمومی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (روان، ۱۳۷۸، ص ۷۵). آنشل و اسمیت معتقدند رهبران دینی تأثیر بسیار نیرومندی بر رفتار اعضای دینی خود و به طور کلی بر اعضای اجتماع دارند. گرایش رهبران دینی به موعظه درباره فضایل سبک زندگی سالم به‌ویژه اگر در متون مقدس ریشه داشته باشند، می‌تواند عاملی برای ارتقای عادات سالم و کاهش هزینه‌های مراقب بهداشتی باشد. (Anshel and Smith, 2013, p.)

(14)

### ارتباطات سنتی

ارتباطات سنتی، گونه‌ای از ارتباطات است که برپایه باورها، تاریخ، فرهنگ و عقاید عمومی جامعه شکل گرفته و در عین حال آنها را ترویج و ترغیب می‌کند. غالباً میان فردی و چهره‌به‌چهره است. وقوع انقلاب مردمی در ایران قرن بیستم، ذهن بسیاری از متفکران و صاحب‌نظران ارتباطی را در سراسر جهان به این واقعیت معطوف ساخت که هنوز هم ارتباطات سنتی در بسیج عمومی، هوشیاری‌سازی اجتماعی و آگاهی‌بخشی از قدرتی خارق‌العاده برخوردار است. به‌ویژه بخش مذهبی آن در مقاطع مختلفی از تاریخ در قرن اخیر ایران، نقش و کارایی خود را به ظهور رسانده است. تجربه نهضت تنباکو، انقلاب مشروطه و قیام ۱۵ خرداد از دیگر نمونه‌های تأثیر ژرف ارتباطات سنتی هستند (فرقانی، ۱۳۸۲، صص ۳۸ و ۴۷).

اورت او. راجز (Everett M. Rogers)، استاد و صاحب‌نظر امریکایی ارتباطات در این زمینه دیدگاه‌های مهم و قابل مطالعه‌ای عرضه کرده است. او معتقد است درسی که کشورهای جهان سوم باید از انقلاب ایران بگیرند این است که اهمیت بیشتری به کانال‌های بین فردی و

به‌رسانه‌های کوچک بدهند. معتمدنژاد، استاد و محقق علوم ارتباطات در این زمینه نوشته است: «تجربه انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که امکانات ارتباطات سنتی، بالقوه توانایی آن را دارد که به هدف‌های ما کمک کند.» وی همچنین معتقد است که ارتباطات سنتی بهترین شیوه‌ای است که می‌توان از آن برای اهداف توسعه استفاده کرد و از طریق آن می‌توان شرایط بسیج عمومی را فراهم کرد. او باور دارد وسایل ارتباط الکترونیک با توجه به مخاطبان مورد پوشش، به جای آنکه جانشین وسایل ارتباط سنتی شوند، باید مکمل آنها گردند (همان، صص ۳۹-۴۰).

رسانه‌های سنتی در کشورهایی روبه‌توسعه هنوز هم دارای قدرت هستند و جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۹۷۹ به‌طرز موفقیت‌آمیزی از آنها در پروژه‌های توسعه ملی، به‌ویژه در بسیج اجتماعی بهره برده است (مولانا، ۱۳۷۱، ص ۲۰۰).

در کشورهای اسلامی وسایل ارتباط جمعی به دوشکل بروز می‌یابند. از سویی کاربرد وسایل ارتباط جمعی مدرن منطبق با الگوی غربی آن در میان بعضی از طبقات جامعه مشاهده می‌شود و از سوی دیگر در بعضی از مناطق مشخص استفاده از شکل سنتی ارتباطات که از آن به‌عنوان «سینه‌به‌سینه» و منطبق با معیارهای زندگی اجتماعی یاد می‌شود، وجود دارد. باید گفت که عده کثیری از جمعیت دنیا از کانال‌های ارتباطی سنتی جهت دریافت و اشاعه پیام سود می‌جویند و مهم‌تر آنکه، این پیام‌ها را می‌پذیرند. بالاخص روستاییان کشورهای در حال توسعه که ۶۰ تا ۷۰ درصد جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند (روان، ۱۳۷۸، صص ۱۳ و ۷۵).

از دیگر مزایای ارتباطات سنتی این است که به‌طور عمده میان‌فردی، چهره‌به‌چهره و گروهی است. به این سبب همواره با دریافت سریع عکس‌العمل و پس‌فرست (Feed Back) مخاطب، مؤثرترین-تاکتیک را برای نفوذ و اقناع انتخاب می‌کند و انعطاف لازم را برای تغییر بافت و محتوای پیام و تشدید تأثیر بر مخاطب از خود نشان می‌دهد. شاید از همین‌روست که در هر خیزش و جنبش اجتماعی، در طول تاریخ و حتی در عصر ارتباطات الکترونیک، حضور

مستقیم و مؤثر شبکه پرتنوع و گسترده ارتباطات سنتی را اشکارا می‌توان دید. نیز می‌توان نقش و تأثیر آن را با همه دشواری‌هایی که به‌خاطر شفاهی و کلامی بودنش برای بررسی وجود دارد، مورد مطالعه قرار داد (فرقانی، ۱۳۸۲، ص ۴۵).

شبکه ارتباطات سنتی در کشور ما و در طول تاریخ به قوی‌ترین شکل عمل کرده است. در این شبکه به‌ظاهر ساده، همه زوایای جامعه به سریع‌ترین صورت ممکن به هم مرتبط می‌شدند و بسیاری از نهادها یا مراکز ارتباطات سنتی، خاستگاه یا افکار، اندیشه‌ها و تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های مهم سیاسی - اجتماعی و حتی اقتصادی بوده‌اند. به سخن دیگر، مجموعه مراکز ارتباطات سنتی که پرتعداد و متنوع بوده‌اند، ساختار افکار عمومی جامعه را شکل می‌داده‌اند. فرقانی معتقد است ارتباط‌گران سنتی را به طور کلی می‌توان در گروه «رهبران افکار» در جامعه قرار داد. او در توضیح ارتباط‌گران سنتی، آنان را طیفی از روحانیون، علما، وعاء، خطیبان، سخنوران، نوحه‌خوانان، تعزیه‌گردانان، بازاریان، نقالان، پرده‌خوانان، معرکه‌گیران، بازیگران تئاترهای سنتی و ... می‌داند؛ اما می‌گوید که گذر زمان نقش برخی از آنها را مانند نقالان، پرده‌خوانان و تعزیه‌گردانان منسوخ یا کم‌رنگ کرده، جایگاه پاره‌ای دیگر نظیر روحانیون، علما و وعاظ را تقویت کرده است. بنابراین منظور از ارتباط‌گران سنتی در زمانه فعلی، روحانیون، مبلغان و خطیبان دینی است.

امامزاده، مسجد و منبر و حسینیه، مجالس روضه‌خوانی و وعاظ و خطابه، بازار، عتبات، حرم‌ها و مراکز متبرکه از عمده‌ترین مراکز ارتباطات سنتی بوده‌اند که در گردآوری مردم، ایجاد ارتباط، هم‌دلی و هم‌فکری در بیان آنها، شکل‌دادن و تفهیم منافع مشترک جمعی، آگاه‌کردن توده مردم از خوب و بد آنچه در اطرافشان می‌گذرد، حتی تا امروز جایگاه مهم خود را حفظ کرده‌اند (رک، فرقانی، ۱۳۸۲، صص ۴۲ و ۵۰).

بقاع متبرکه - حرم امامزاده - به‌عنوان تعین اجتماعی و نماد

مکان‌های مقدس دینی مانند حرم امامان، مساجد و امامزادگان، می‌تواند تعین اجتماعی معرفت باشد و از سوی دیگر، به‌عنوان «نماد» و



«عینیت»، مذهب و آموزه‌های مذهبی تلقی شود. «تعین اجتماعی معرفت» یکی از مباحث مهم جامعه‌شناسی است که به بررسی چگونگی عینیت‌یافتن مفاهیم و معارف از حیث اجتماعی می‌پردازد. تعین اجتماعی معرفت دینی، ره‌آورد مطالعات امیل دورکیم فرانسوی است. مطابق آراء او، معرفت مجموعه وسیعی از آگاهی‌ها و باورهای گوناگون بشر بوده که می‌تواند سیاسی، دینی، اخلاقی، ایدئولوژیکی و مخصوصاً علمی (علم پوزیتیویستی) باشد. البته دورکیم جایگاه بسیار برجسته‌ای برای علم پوزیتیویستی در میان معارف بشری قایل بود؛ ولی معتقد بود که دیگر معارف بشری، از جمله باورهای دینی، به نوعی تصویری از عالم را برای شخص عالم پدید می‌آورند و راهنمای رفتار او در جهان هستی می‌گردند. (Durkheim, 1976, p. 141)؛ به باور دورکیم، تنهاتفاوت علم پوزیتیویستی و دیگر معارف بشری آن است که این نوع از علم با روشی خاص به مطالعه موضوعی عینی پرداخته، به معرفتی عینی و فارغ از سلیقه‌ها و خواسته‌های فردی یا گروهی می‌رسد. (دورکیم، ۱۳۶۰، ص ۱۱۱).

برای فهم واژه تعین می‌توان از مفهوم آشنای دیگری مانند رابطه علی و معلولی استفاده کرد که «در آن به خصوصیت یک‌نظم و نسق موجود در پدیده‌ها و رویدادها اشاره می‌شود و نشان می‌دهد که در این رابطه و در این نظم خاص، هر عنصر به بعضی عناصر دیگر وابسته است. به طوری که از طریق این رابطه، می‌توان پدیده‌ای را پیش‌بینی کرد یا آن را ایجاد نمود یا مانع پدید آمدن آن شد. در این دیدگاه، تمامی حوادث طبیعی، انسانی و اجتماعی به گونه‌ای به هم وابسته و مرتبط هستند که هر وضعی تنها با یک وضع پیشین و یک وضع پسین در ارتباط قرار دارد و تصور هرگونه وضع دیگری منتهی به یک-ناسازگاری می‌شود.» (لالاند، ۱۳۷۷، صص ۱۸۰-۱۸۲).

توجه و عنایت خاص دورکیم به اصل علیت موجب گردید که وی در تحلیل پدیده‌های اجتماعی و در کنار تبیین کارکردی، به ضرورت تبیین علی آن پدیده‌ها نیز اشاره کند (دورکیم، ۱۳۷۳، ص ۱۰۶). از سوی دیگر، رویکرد کل‌گرایانه دورکیم به پدیده‌های جمعی، موجب گردید که

وی این قاعده روش-شناسی را هم بیان دارد که «برای تبیین وقایع اجتماعی باید به دنبال علل اجتماعی آنها بود» (همان، ص ۱۱۰). مروری بر عقاید و آثار دورکیم نشان می‌دهد که معارف دینی را واقعیتی اجتماعی معرفی می‌کند. وی پس از طرح ایده «وقایع اجتماعی به منزله شیء» در کتاب «قواعد و روش جامعه‌شناسی»، به بیان ویژگی‌های «شیء» می‌پردازد. براساس نظریات او، «شیء متفاوت از تصورات ذهنی است و امری نیست که با شیوه ساده زیستن و تحلیل عقلی بتوان تصور دقیق و درستی از چستی و ماهیت آن به دست آورد؛ بلکه برای فهم آن باید به خارج مراجعه کرد و از مشاهده و آزمون تجربی بهره گرفت» (همان، صص ۱۱-۱۲).

این ویژگی‌ها به طور تمام و کمال در مورد عقاید و معارف دینی صدق می‌کند چراکه مفاهیم و معارف دینی، ساخته تصورات ذهنی افراد نبوده و برای شناخت و آگاهی نسبت به آنها باید به عالم خارج از خود، یعنی جامعه، مراجعه کرد. از سوی دیگر، عقاید و معارف دینی با خواست و اراده شخصی نیز تغییر نمی‌کنند و در نهایت، این آگاهی‌ها و معارف می‌تواند شعورهای فردی ما انسان‌ها را از بیرون تحت فشار قرار دهند. با این اوصاف، مفاهیم و معارف دینی از دیدگاه دورکیم، جزء وقایع اجتماعی خواهند بود و مطابق قواعد روش جامعه‌شناسی او، این وقایع اجتماعی علل موجب اجتماعی داشته، تنها تحت تأثیر شرایط اجتماعی شکل می‌گیرند و تغییر می‌یابند. به همین دلیل شکل خاص آنها در هر زمان و مکان و در هر جامعه‌ای بازگوکننده وضعیت اجتماعی آن جامعه خاص خواهد بود.

به نظر دورکیم، عقاید و مناسک دینی به عنوان دوجنبه از تجلیات اجتماعی در خدمت نیازهای جامعه هستند. با نگاهی دوباره به تعریف دورکیم از دین درمی‌یابیم که وجه کارکردی دین مورد توجه جدی او قرار داشته است. به عقیده او نقش، وظیفه و کارکرد اساسی دین، ایجاد، حفظ و تقویت همبستگی اجتماعی و تنظیم روابط زندگی اجتماعی است (همان، ۱۳۵۹، ص ۷۸). البته دورکیم متوجه این نکته هم بوده است که این کارکرد (تنظیم روابط اجتماعی) می‌تواند در نهایت به

کارکرد روانی و فردی نیز منتهی شود. اگر تحت هر شرایطی، دین، عقاید و مناسک دینی، نتواند کارکرد اجتماعی و فردی مورد انتظار را به دنبال داشته باشد، زمان تغییر و تحول آن فرامی‌رسد. اینجاست که ما باید به این نکته پردازیم که چه وضعیتی موجب می‌شود که یک نظام دینی نتواند پاسخگوی نیازهای فردی و جمعی باشد؟ به عبارت دیگر، علت اصلی تحول معرفت دینی به عنوان بخش اصلی نظام دینی چیست و کدام یک از عوامل اجتماعی در تحول معرفت دینی نقش اساسی دارند.

از آنجا که دورکیم به نقش مستقل افراد در تحول‌های اجتماعی، از جمله تحول معرفت دینی به عنوان عنصر اساسی حفظ وحدت و انسجام اجتماعی، اعتقاد چندانی نداشت و حاضر نبود پیچیده‌ترین وقایع اجتماعی را به مدد فعل و انفعالات روانی تبیین کند (همان، ۱۳۷۸، صص ۲۹۰-۲۹۵)؛ وقوع هرنوع تحول در بخشی از اجتماع، به پنداشت او، باید خاستگاه و ریشه‌ای در بخش یا بخش‌هایی دیگر جامعه داشته باشد. این موضع، بیان دیگری از این قاعده روش‌شناسی است که «هرپدیده اجتماعی ناگزیر باید علتی اجتماعی و نه فردی و روانی داشته باشد.» (همان، ۱۳۵۹، صص ۱۷-۱۸)؛ پس اگر تحولی در یک‌بخش از اجتماع (نهاد دین و بخش اصلی آن عقاید دینی) به وقوع بپیوندد، باید به دنبال تحول در بخش دیگری از اجتماع گشت. این موضوع ما را مجبور می‌سازد که قدری در باب روابط میان بخش‌های گوناگون جامعه و به تعبیر دیگر، ارتباط میان نهادهای اجتماعی سخن بگوییم (رک، موحد ابطحی، ۱۳۸۴، صص ۱۶۱-۱۶۳).

یک نهاد اجتماعی، نظامی به نسبت پایدار و سازمان‌یافته از الگوهای اجتماعی است که برخی رفتارهای نظارت‌شده و یکسان را با هدف برآوردن نیازهای اساسی جامعه بر عهده دارد. هرف هنر نهاد، ارضای نیازهای اجتماعی معین است و برای رسیدن به اهداف مورد نظر، باید چندین کارکرد داشته باشد. از سوی دیگر، بنیان‌های اجتماعی آن نهادها آنچنان عام و گسترده است که فعالیت‌های عمده‌ای را در پهنه جامعه به خود اختصاص می‌دهد. به گونه‌ای که هر تغییری در یک نهاد، به

احتمال قوی، موجب تغییر در نهادها هم خواهد شد (کوئن، ۱۳۷۲، صص ۱۵۱-۱۵۴).

مسجد و یا حرم امامان معصوم و حرم امامزاده‌ها، یک تعین اجتماعی و یک نهاد معرفت دینی محسوب می‌شوند. مسجد از آغاز ظهور اسلام به عنوان نماد این شریعت مطرح شده است. علت نام‌گذاری آن بدین جهت بود که «در فرهنگ دینی نام مسجد یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد یعنی جایگاه سجده و سجده اوج عبادت و بندگی انسان برای خداست. درحقیقت برترین و اصیل‌ترین محل برای عبادت و تقرب جستن به خداوند متعال مسجد است» (ضرابی، ۱۳۸۴، صص ۲۷۰).

این نهاد فرهنگی و ارتباطی از فعال‌ترین نهادهای دینی در اسلام محسوب می‌شود که «به عنوان مهم‌ترین-کانال ارتباطات اجتماعی، همواره به عنوان منبع حرکت‌های فرهنگی و معنوی عمل کرده و نه تنها در بُعد تزکیه معنوی؛ بلکه به عنوان منبع دانش و اطلاعات مربوط به جامعه، آحاد مردم را تغذیه می‌کرده است.» (Mowlana, 1996, p. 148)؛ نقش کلیدی و بنیادین این نهاد دینی در جامعه اسلامی با هجرت پیامبر به مدینه و تأسیس مسجد قبا صورت گرفت. به گونه‌ای که بعد از گذشت قرن‌ها از ساخت اولین-مسجد، این مکان مقدس هنوز اصلی‌ترین پایگاه و نهاد اسلامی به شمار می‌شود.

یکی از واثعیت‌هایی که فرهنگ و نهادهای فرهنگی مانند مسجد و مخصوصاً حرم امامزاده‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، قدرت سیاسی یا حکومت است. هرچند عوامل چندی مانند رفاه مادی، عدالت اجتماعی، دین و مذهب، وضعیت و اوضاع اجتماعی و مانند اینها در رشد و تعالی هر جامعه یا رکود و واپس‌ماندگی آن نقش دارد. به سخن دیگر، «امروزه گذشته از حرکت طبیعی موجود در حیات فرهنگی، بخش وسیعی از تلاش‌ها و فعالیت‌های فرهنگی براساس برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های حکومت و بازوی اجرایی آن، دولت، صورت می‌گیرد» (وحید، ۱۳۸۲، صص ۱۵۲).

«دولت‌ها هم به تبع تبلیغ آرمان‌ها و هدف‌های

ایدئولوژی رسمی و هم به لحاظ ضرورت دست یافتن به هدف‌ها و مقاصد سیاسی خویش و هم بنا به کارکردهای جدیدی که پیدا کرده‌اند و انتظاراتی که در دوران حاضر به وجود آورده‌اند، برنامه‌ریزی، اجرا، کنترل و نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی بر عهده می‌گیرند و در این جهت نقش و مسئولیتی آگاهانه می‌پذیرند و در مجموع تأثیر چشمگیر ایجاد می‌کنند» (همایون و فروزان، ۱۳۸۸، ص ۶۴).

پس می‌توان نتیجه گرفت که دولت و برنامه‌های منظم حکومتی می‌تواند از این نوع تعیین‌های اجتماعی بهره گیرد و با سازوکار منظم اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای به آنها بدهد. از آنجا که هیچ‌وفاقی درباره مفهوم بی حد و حصر «فرهنگ» و «فرهنگ دینی» وجود ندارد، تعریف دقیق سیاست‌گذاری فرهنگی نمی‌تواند با تعریف فرهنگ و شناسایی حدود و ثغور آن شکل گیرد. به طوری که با تعریف فرهنگ، دامنه و گستردگی سیاست‌ها مشخص می‌شود. در این زمینه معتقد هستند: «تعریف ما از فرهنگ - هرچه باشد - تأثیری در فرایند سیاست‌گذاری ندارد؛ اما آنجا که باید دامنه سیاست‌ها و حوزه عمل دولت و نهادهای عمومی (سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران) مشخص شود، قطعاً مشخص شدن تعریف سیاست‌گذاران از فرهنگ ضرورت می‌یابد. این تعریف از سویی اهداف و مقاصد فرهنگی و از سوی دیگر حوزه عمل، ویژگی‌های مدیران و مدیریت فرهنگی و حتی برنامه‌ریزی‌ها را جهت می‌دهد.» (اشتریان، ۱۳۹۱، ص ۲۹۰-۳۰).

در مجموع می‌توان گفت سیاست‌گذاری فرهنگی شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که بر نوع عملکرد فرهنگی یک نهاد اجتماعی و نهاد دینی استیلا دارد. به این اعتبار، منظومه‌ای سامان‌یافته از اهداف نهایی درازمدت و میان‌مدت قابل سنجش، نیز ابزارهای وصول به آن، اهداف را دربرمی‌گیرد. به سخن دیگر، سیاست‌گذاری فرهنگی، نوعی توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان و متولیان امور در تشخیص، تعیین و تدوین مهم‌ترین اصول برای مدیران فرهنگی خواهد بود (وحید، ۱۳۸۲، ص ۵۵).

نمادگرایی و کنش اجتماعی نگرشی که بر روابط بین مدل‌ها و ارزش‌ها و کارکردهای اجتماعی ارزش‌ها داریم این‌امکان را می‌دهد تا به مسئله نمادگرایی در کنش اجتماعی بپردازیم. در واقع می‌توانیم بگوییم ارزش‌ها به‌عنوان آرمان به‌طور مداوم نیاز به تأیید به‌وسیله چیزی دیگری را دارند و پیوستگی یک‌شخص یا یک‌جمع به ارزش‌ها می‌بایست از وراء رفتارهای قابل مشاهده تجلی یابد. بنابراین مدل‌ها بیان نمادی (رمزی) ارزش‌ها می‌شوند و شاید بتوان به‌طور دقیق گفت که تطابق و هم‌نوایی بیرونی رفتار با مدل‌ها پیوستگی درونی فرد با نوعی نظم ارزشی را نشان می‌دهد و پیوستگی با ارزش‌ها نیز، تعلق به یک جامعه یا جمع معین را نشان می‌دهد. در نتیجه جهان مدل‌ها و ارزش‌ها، در نظر ما چون جهانی وسیع و پررمز و راز است که عمل-کنندگان اجتماعی، گروه‌ها، جماعت و تمدن‌ها در آن به حرکت درمی‌آیند. اغراق نخواهد بود اگر بگوییم که کنش اجتماعی کاملاً و دایماً در نمادگرایی یا سمبولیسم غوطه‌ور است و به شکل‌های متفاوت با نمادها برخورد دارد. با انواع مختلف نمادها توجیه می‌شود و رشد می‌یابد. می‌توان گفت که کنش انسانی، اجتماعی است. زیرا شکل یا حالت نمادی دارد. نمادگرایی یکی از عوامل اساسی کنش اجتماعی به شمار می‌رود. ساده‌ترین تعریفی که می‌توان از نماد کرد این است که «جایگزین شدن چیزی به جای چیز دیگر». یا به عبارت دیگر، «چیزی که جای چیز دیگری را می‌گیرد و بر آن دلالت دارد». یک مجسمه به‌طور نمادی، یادآور یک شخصیت، یک حادثه، یا یک فکر است و بدین‌سان برای آنان حضور و کنش مداومی را تضمین می‌کند. یک کلمه به‌طور نمادین جایگزین چیزی می‌شود و همان‌اثر را داراست بی‌آنکه حضور جسمی آن چیز لازم باشد. با مثال‌هایی که عنوان کردیم به نظر می‌رسد که نماد سه‌عنصر را در بر دارد:

۱. دال بر چیزی است که جانشین چیز دیگری می‌شود، یعنی خود نماد به مفهوم و محسوس کلمه؛
۲. مدلول که دال، جای آن را می‌گیرد؛
۳. دلالت که رابطه بین دال و مدلول است.

رابطه‌ای که باید لاقبل به‌وسیله شخص یا اشخاصی که نماد به آنان خطاب می‌شود، درک و تفسیر می‌شود.

اتفاق می‌افتد که دال با مدلول رابطه‌ای طبیعی داشته باشد. دود، نشانه وجود آتش است. خاک مرطوب که امکان می‌دهد بگوییم باران باریده است؛ اما اینها در واقع علامت یا علایم ابتدایی هستند بیش از آنکه نماد واقعی باشند. تقریباً تمامی نمادهای اجتماعی رابطه‌ای جز رابطه قراردادی با مدلول خود ندارند و این امر وجود یک عنصر چهارم در نمادگرایی را ایجاب می‌کند، یعنی وجود یک‌کد یا رمز مه رابطه بین دال و مدلول را مشخص می‌کند. این کدها باید به‌وسیله افرادی که نمادها آنها را مخاطب قرار می‌دهند شناخته شده و فراگرفته شده باشند تا این نمادها بتوانند دارای معنا باشند.

پس از این تعریف ساده از نماد و نمادهای موجود، به اندیشه یکی از جامعه‌شناسان می‌رسیم که در خصوص نمادگرایی و سمبولیسم جامعه‌شناسی بحث‌های دقیق و کافی کرده است. جامعه‌شناس مورد نظر، «ارنست کاسیرر» است. مهم‌ترین اثر او کتاب «فلسفه صور سمبلیک» در چهارجلد است. ریشه‌های اندیشه و درک کاسیرر از یک‌سو برخاسته از میراث عمیق فلسفی متفکران آلمانی و از سوی دیگر، متأثر از تجربه جهانی در دسترس وی، اعم از عالمان و زبان‌شناسان و مورخان در غرب و شرق تاریخی است. سیر در آثار موجود کاسیرر نشان‌دهنده آن است که وی اصول نظریه‌های معتبر عالمان رشته‌های گوناگون را در طی اعصار و به‌ویژه از میان متأخرین، با حوصله و دقت بررسی کرده است.

عظمت و ارزش روش‌شناسی معرفتی کاسیرر، در تأملات او در حوزه انسان‌شناسی معرفتی و توقف بر گرد توانایی نمادسازی قرار دارد. به نظر کاسیرر، زبان، هنر، دین و علم، هر یک به‌گونه‌ای وسیع و امدار استعداد بی‌ظنیر بشری، یعنی قابلیت نمادسازی انسان هستند. نگاه فلسفی کاسیرر به پدیده هنر، دین و علم در نوع خود کاملاً بی‌بدیل است. زیرا او با آوردن مثال‌ها و موردهای متعدد، تعلق درونی جهان انسانی را به قلمروهای سه‌گانه فوق، امری قطعی و استثنایی می‌داند. برای وی

درک و شناخت حوزه‌های قرین به هم هنر، دین و علم به مدد نمادهای موجود در آنها، مهم‌ترین و بلکه تنها راه رسیدن به معرفت واقعی و ابزار نظام‌سازی فلسفی و فرهنگی برای اوست.

کاسیرر با بیان سمبولیسم و انسان‌شناسی فرهنگی خود تلاش دارد تا صور سمبلیک حیات فرهنگی انسان و نمادهای فرهنگی را که شامل وجوه علمی، دینی، هنری، زبانی و اسطوره است به‌مثابه تجلیات عینی و خروج تدریجی انرژی روح انسان مطرح نماید. در این راه کوشیده است تا نشان دهد چگونه انسان-شناسی سمبولیک، پرده از رازهای پنهان معرفت‌شناسی انسانی برداشته و رویکرد عقلانی و تحلیلی کامل‌تری را برای اهل خرد و فلسفه فراهم می‌آورد.

نماد صورت یا مظهر امر غیر مادی است و با جریان اندیشه یا واقعیت اخلاقی، از لحاظ شکل یا معنای اجتماعی همبستگی دارد. از نظر کاسیرر «شناخت نماد، یک‌راه دخول به طبیعت انسان است.» (کاسیرر، ۱۳۷۸، ص ۳۶)؛ از منظر جامعه‌شناسی، نمادها به لحاظ بار معنایی خود، رسمیت داشته و مورد توافق جامعه قرار دارند. ارزش آنها به میزان مقبولیت اجتماعی آنهاست و اصطلاح نماد جمعی، ترجمان مظاهر یک جمع خاص و بیان ابعاد تاریخی و ارزش‌ها و باورهای یک‌گروه به شمار می‌رود.

به نظر کاسیرر، جهان سمبلیک یا نمادین عبارت است از مجموعه‌ای یک‌پارچه از علامت‌ها، مفاهیم و نشانه‌هایی که مبین حقیقت اشیاء و مسایل دیگر هستند. نمادها موضوعاتی هستند که عمومیت دارند و با خود علایق، هیجانات، اطلاعات یا احساسات مشترک را القا می‌نمایند. مجموعه نمادها شامل تمامی فرهنگ انسانی است. چراکه فرهنگ مقوله‌ای بشری است. همان‌گونه که نمادسازی نیز صنعتی انسانی است. «بین شبکه گیرنده» و «شبکه کننده» که خاص تمام انواع حیوانی است، سیستم سومی وجود دارد که مشخص انسان است و می‌توان آن را منظومه سمبولیک خواند» (همان، ص ۳۸).

## نتیجه گیری و جمع‌بندی

- مخصوصاً حرم عبدالعظیم و امامزاده صالح - اشاره کرده‌ایم. با جمع‌بندی این ویژگی‌ها و سیاست‌های دولت، این نوع مکان‌های جذاب آیینی، نماد زندگی جمعی و یا نماد جمعی برای زندگی است.

## منابع و مآخذ

۱. اشتریان، کیومرث. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران، جامعه‌شناسان.
۲. جعفری، محمدتقی. (۱۳۵۷). فلسفه دین، دفتر نخست، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱). دین‌شناسی، قم، اسراء.
۴. دورکیم، امیل. (۱۳۸۳). صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران، مرکز.
۵. \_\_\_\_\_ . (۱۳۶۰). فلسفه و جامعه‌شناسی، ترجمه فرحناز خمسه‌ای، [بی‌جا]، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.
۶. \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۳). قواعد و روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی‌محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران.
۷. روان، شیرمحمد. (۱۳۷۸). «روش‌های سنتی ارتباطات و رسانه‌های گروهی مدرن»، ترجمه ماریا ناصر، رسانه، شماره ۴۰، ۷۱-۸۰.
۸. شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، سال ششم، شماره یک.
۹. ضرابی، عبدالرضا. (۱۳۸۴). نقش و عملکرد مسجد در تربیت، کارکرد مسجد به‌کوشش دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی، هنری مساجد، تهران، رسانش.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۹). تعالیم اسلام، قم، بوستان کتاب.
۱۱. فرقانی، محمد مهدی. (۱۳۸۲). درآمدی بر ارتباطات سنتی در ایران، تهران، مرکز تحقیقات و مطالعه رسانه‌ها.
۱۲. کاسیرر، ارنست. (۱۳۷۸). فلسفه صورت‌های سمبلیک، ترجمه یدالله موقن، تهران، هرمس.

آفرینش نماد در میان انسان‌ها خود به خلق فرهنگ و دگرگونی آن می‌انجامد. رهیافت به نماد از نظر کاسیرر، رهیافتی معرفتی است. چراکه امر فوق در جهان اندیشه و یا تصورات و تخیلات انسان ریشه دارد. ذهن و نبوغ بشری توانایی آن را دارد تا در سایه خرد و با دستمایه فرهنگی به کار بازتولید آفرینش‌های فرهنگی ادامه دهد. نمادهای مذهبی از دیگر نمادها متفاوتند. نخست از آن جهت که هدف آنها پیوستن به نظمی فراطبیعی است؛ اما نمی‌توان بر این امر اصرار کرد که نمادگرایی مذهبی، عمق اجتماعی کمتری دارد. در مطالعات کاسیرر، به این نکته نیز توجه زیادی شده است. می‌توان گفت روابط بین انسان و جهان فوق طبیعی تا حدود زیادی روابط شخصی متقابل هستند که با روابط اجتماعی وجه مشترک بسیار دارند. بدیهی است که نمادگرایی مذهبی از زمینه اجتماعی تغذیه می‌کند و بیانگر واقعیات اجتماعی است. به وسیله نمادگرایی مذهبی است که مؤمنین از غیر مؤمنین، کشیش از غیر کشیش و مکان‌های مقدس از غیر مکان‌های مقدس تمیز داده شوند. بدین سان حتی بافت جامعه را تقسیم می‌کنند و گروه‌بندی جدیدی را ایجاد می‌کنند. مرزها را مشخص و سلسله‌مراتب را تعیین می‌کنند. مذهب چه به وسیله لباس و یا مناسک، آیین‌های مذهبی و چه به وسیله مکان‌هایی مانند کلیسا، مسجد، حرم و امامزاده، علایم نامرئی از نمادهایی تفکیک‌کننده هستند تا بهتر وحدت ببخشند. علاوه بر اینها زندگی مذهبی به‌خودی خود در تمام مراتب، فعالیت اجتماعی است. این نوع فعالیت‌ها، همبستگی اجتماعی را تولید می‌کنند. حرم‌های امامزاده‌ها هم به سبب معماری و ساختمان‌های بزرگ که گاه از نظر ساخت و ساز، خیره‌کننده و جذاب هستند؛ هم به لحاظ بافت جمعیتی که افراد و متعلقان به یک آیین و یک نوع طرز تفکر را دور خود جمع می‌کند و به لحاظ مقدس و آیینی بودن، نماد بسیار خوبی برای مذهب به شمار می‌رود. در بخش‌های مختلف پژوهش حاضر، به کارکردهای مختلف، موقعیت‌های مذهبی - اجتماعی - سیاسی - فرهنگی و اقتصادی و دیگر ویژگی‌های حرم‌ها



۱۳. کوئن، بروس. (۱۳۷۲). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران، سمت.
۱۴. لالاند، آندره. (۱۳۷۷). فرهنگ علمی و انتقادی فلسفه، ترجمه غلامرضا وثیق، تهران، فردوسی.
۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۹). آموزش عقاید، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۱۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۲). انسان و ایمان، تهران، صدرا.
۱۷. مولانا، حمید. (۱۳۷۱). گذر از نوگرایی، ترجمه یونس شکرخواه، تهران، مرکز تحقیقات و مطالعات رسانه‌ها.
۱۸. موحد ابطحی، سیدمحمدتقی. (۱۳۸۴). «تعیّن اجتماعی معرفت دینی از منظر دورکیم»، معرفت و جامعه، به کوشش حفیظ‌الله فولادی، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۹. وحید، مجید. (۱۳۸۲). سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، باز.
۲۰. همایون، محمدهادی - حامد فروزان. (۱۳۸۸). «تبیین رابطه مطلوب حکومت و فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران»، دوفصلنامه دین و ارتباطات، شماره ۳۵-۳۵، پاییز و زمستان، ۶۳-۹۲.

21. Anshel, Mark H and Mitchell Smith, (2013). "The Role of Religious Leaders in Promoting Healthy Habits in Religious Institutions", Journal of Religion and Health, Vol. 52, No. 1.
22. Coleman, John A. (1970). "Civil religion", Sociological Analysis, 31: 66- 67.
23. Durkheim, Emile. (1976). The elementary forms religious life, London, George Allen & unwin Press Second edition.
24. Mowlana, Hamid. (1996). Global Communication in Transition: The End of Diversity, Thousand Oaks: Sage Publication.

## چهارچوب نظری سنجش معیارهای رضایت‌مندی سکونتی با رهیافت روانشناسی دین از دیدگاه شناخت‌شناسی

**امین علیزاده** - دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران  
**حسن ستاری ساربانقلی\*\*** - دانشیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.  
**مینو قره‌بگلو** - دانشیار گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

### چکیده

اندیشه، خرد و خلاقیت نیروی محرک فعالیت‌ها در مقیاس خرد و کلان برای انسان و جوامع می‌باشد و به فعالیت‌های انسان‌ساز معنا می‌بخشد و از آن جهت اهمیت می‌یابد که شهروندان بر حسب میزان و چگونگی نیازهای خویش به استفاده یا عدم استفاده از آنها تمایل داشته، انتخاب نموده و رضایت‌مند می‌گردند. عدم توجه کافی معماران و طراحان به مجموعه‌های مسکونی به عنوان کانون‌های اجتماعی در جریان رشد شتاب‌زده شهرنشینی مشکلاتی مانند تعارض‌های اجتماعی، شرایط ناهنجار شهری، افزایش فشارهای روانی و ناسازگاری فردی، اجتماعی و محیطی و فاصله‌گرفتن از مفاهیم کیفیت و رضایت‌مندی را بدنبال خواهد داشت. لذا در عرصه معماری بطور اعم و مفاهیم رضایت‌مندی سکونتی بطور اخص، نیاز به تفکر و نگرشی زیربنایی با ادغام دیگر علوم از جمله روانشناسی برای نیل به تئوری و نظریه‌های جدید کاربردی انسان‌ساز در تعامل با محیط و مفاهیم جامعه‌گرایی بر مبنای جهان‌بینی برای رسیدن به سعادت و صلاح دنیوی و کمال اخروی و معنا دادن به زندگی که همان رضایت‌مندی و مطلوبیت می‌باشیم. یکی از این نگرش‌های عمیق، روان‌شناسی دین است و در حقیقت روان‌شناسی دین دانش علوم رفتاری است. پژوهش حاضر با هدف بررسی مولفه‌های موثر روان‌شناسی دین بر رضایت‌مندی سکونتی انجام گرفته و تلاش دارد مشخص نماید چه مولفه‌هایی از رضایت‌مندی سکونتی می‌توانند با مولفه‌های شناختی روانشناسی دین ارتباط داشته و مراتب ظهور رضایت‌مندی سکونتی فزاینده را در فضاهای مسکونی فراهم آورد. لذا ابتدا درباره مفاهیم و خاستگاه اولیه روانشناسی دین و رضایت‌مندی سکونتی بحث شده و نظرات برخی از متفکران موثر در کنار توجه به رویکردهای آنها مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت مولفه‌های مشترک بنیادی مورد توجه قرار می‌گیرد.

**واژگان کلیدی:** رضایت‌مندی سکونتی، کیفیت فضاهای سکونتی، روانشناسی دین، رضایت‌مندی، مسکن.

### Theoretical Measurement of Residential Satisfaction Measures with Psychology of Religion Approach from Recognition approach

#### Abstract

The thought, wisdom and creativity of the driving force on micro - scale and macro - scale activities for human and communities - and make sense of human activity, and it becomes important that the citizens choose or take advantage of their needs. The lack of sufficient attention from the architects of the designer to the residential set as a focal point in the accelerated growth of urbanization problems will have problems such as social conflict, urban conditions, and increase of psychological pressures, social and environmental, social and environmental implications. Therefore, in the architecture of the architecture, and the concepts of residential satisfaction in particular, the need for infrastructure thinking with the merger of other sciences, including psychology for the theory and theory of human being in dealing with the world's environment for happiness and earthly happiness and making sense of the life we enjoy. One of these deep - rooted approaches is the psyche of behavioral science. His present research is aimed at exploring the influence of Dean's spirit on residential content and tries to determine what components of residential satisfaction can relate to the cognitive component of religion and provide the rise of increased content satisfaction in residential spaces. First, discussion of the basics and origins of the psychology of religion and the satisfaction - e - residential content are discussed and the opinions of some effective thinkers have been addressed, and ultimately the underlying components are considered.

**Keywords:** Residential Satisfaction, Quality of Residential Spaces, Psychology of Religion, Satisfaction, Housing

فضاهای شهری امروزه در ایران به طور عام و فضاهای زیستی، سکونتی و مسکن به طور خاص نتوانسته‌اند با مردم و شهروندان ارتباط و پیوستگی مناسب، کیفی و کارآمدی برقرار نمایند چنان‌که نمی‌توان محیط شهری و سکونتی امروز را محیط پاسخ‌گو دانست. بررسی و مطالعه فرآیند رشد و توسعه کلان‌شهرهای جهانی، نمایانگر شکل‌گیری شرایط کیفی نابسامان در مجموعه‌های مسکونی به عنوان یکی از آثار و پیامدهای سیاست‌های توسعه شهری است (رفعیان و دیگران، ۱۳۸۹). همچنین تلاش برای ارتقای کیفی مجموعه‌های مسکونی، به‌منظور دستیابی به فضاهایی پویا و زنده در این مراکز، حائز اهمیت بوده و می‌تواند، با شناسایی و سنجش ابعاد کیفی فضاهای آن در چهارچوب مولفه‌ها و شاخص‌های رضایت‌مندی سکونتی، سرانجام دقیق‌تری پیدا کند (علی‌پور، ۱۳۹۱). توسعه بی‌رویه و بدون برنامه‌ریزی در اکثر شهرها افزایش تعداد سفر و تردهای شهری، عدم تحلیل و تشخیص نیازهای انسانی، بحران‌های زیست محیطی و بصری، کمبود مسکن شایسته و کیفی، انبوه ساختمان‌ها با احجام ناهمگن، نامتعادل و بی‌هویت که گاه در حاشیه خود زباله‌ها و نخاله‌های زیادی را جای داده و بسترهای طبیعی را نابود ساخته‌اند. همچنین ازدحام و بروز تعارض‌های اجتماعی و از میان رفتن حس تعلق به محیط و سایر عوارض را می‌توان به عنوان شرایط ناهنجار شهری دانست که باعث تشدید فشارهای روانی در افراد شده و شرایط سلامتی جسمی و روحی آنها را تحدید نماید و این مراکز را با مشکلات و مسائل متعددی از جمله کمرنگ شدن هویت و حس تعلق اجتماعی، کاهش شاخصه‌های خوانایی و سرزندگی و در مجموع تنزل کیفیت محیط روبرو کرده است (صرافی، ۱۳۸۰). مفهوم رضایت‌مندی سکونتی در ذیل مفهوم کیفیت زندگی مطرح می‌گردد و می‌باید میان زندگی خوب و زندگی کمی تمایز قائل شد (کوکبی، ۱۳۸۶). امروزه لزوم همکاری علوم رفتاری و روانشناسی محیطی و همچنین علوم اجتماعی چون جامعه‌شناسی با حرفه طراحی محیطی باعث گردیده تا سازمانهای مختلف علمی و پژوهشی در

نقاط مختلف جهان تاسیس گردد (مطلبی، ۱۳۸۰). به همین سبب روانشناسی محیطی در معماری و شهرسازی همزمان با آسیب‌شناسی معماری مدرن به یک پارادایم پسامدرنی تبدیل شد (شاهچراغی، ۱۳۹۵). از طرفی بستر اصلی همه تحولات بشر در گستره هستی محصول اندیشه و رفتار خردمندانه و خلاقانه است (کامکاری، ۱۳۹۶). به بیانی دیگر معماری کمال یافته در هر دوره، متأثر از اندیشه های برتری است که سخن زمانه خود را چهره مادی و ماندگار بخشیده است (پورمند، ۱۳۸۶). آدمی از آغاز پیدایش بر روی کره ی خاکی، همواره نسبت به ویژگی‌های روانی و رفتاری خود کنجکاو بوده، در جستجوی راه و روش و معیارهایی برای بهبود ویژگی‌های یاد شده کوشش می‌کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۸). روانشناسان از آغاز، در پی کشف قانونمندیهای حاکم بر سازمان روانی انسان‌ها بوده‌اند (وید و روتفورد، ۲۰۱۰) که در این میان یکی از موضوعات اساسی و محوری دین می‌باشد، در واقع دین نیرویی توانمند در جامعه انسانی است و همه محققان جدی علوم اجتماعی اذعان دارند بدون شناخت دین نمی‌توانند درکی از جامعه انسانی داشته باشند (لوونتال، ۱۳۹۵). دین در حقیقت تلاشی است برای پی-بردن به جایگاه خود در نظام اشیا و این‌که چنین امری بر رابطه ما با جهان و دیگران چه تاثیری می‌گذارد (اسپیلکا، ۱۳۹۰). در این میان در اواخر قرن نوزدهم توجه به بعد ناخودآگاه انسان پیش از پیش مورد توجه قرار گرفت که به پیدایش روانشناسی دین منجر گشت (Heising, 1989) به عقیده الیاده روان‌شناسی دین، برخاسته از فضای فکری و فرهنگی خاصی است (الیاده، ۱۳۷۴)؛ به عبارت دیگر تلاش در جهت فهم آثار چندگانه محیطی، شخصی و اجتماعی موثر بر رفتار در ارتباط با دین مورد بحث در روانشناسی دین می‌باشد در نظریه روانشناسی دین با شناسایی مشترکات مولفه های موثر بر میزان رضایت‌مندی سکونتی در راستای بهبود و ارتقای کیفی فضاهای سکونتی به عنوان رهیافت مناسب و کارآمد یاری رسان باشد. تاکنون مطالب جامعی در زمینه شناخت شاخصه‌های ارتقای کیفی و رضایت‌مندی سکونتی در چهارچوب روانشناسی دین و توجه همزمان به این دو مقوله به منظور

استخراج و تدوین مولفه‌ها انجام نشده است از این رو هدف تحقیق حاضر بررسی مولفه‌های موثر روان‌شناسی دین بر رضایت‌مندی سکونتی در مسکن شهری معاصر است. این مقاله با بررسی اسنادی و تحلیل‌های توصیفی-تفسیری متون با بهره‌گیری از استدلال منطقی و تحلیل‌های کیفی، دیدگاه‌های دو حوزه را با مقایسه تطبیقی ارزیابی نموده تا مولفه‌های پنهان و مشترک، مشخص و مورد اشاره قرار گیرند.

### مفاهیم و تعاریف مرتبط با دین و روانشناسی

«چرا باید دین را از جنبه روانشناسی بررسی کنیم؟» بیش از هر چیز لازم است به این سوال مهم پاسخ دهیم و پاسخ هم بسیار ساده است. در واقع دین و از جمله معنویت قلمرویی جذاب است و کرداری تناقض آمیز دارد هم تعصب به بار می‌آورد هم تعصب را از بین میبرد همچنین با رفتار نوع دوستانه و یاریگرانه سخت در پیوند است. بی‌گمان، در زندگی انسان کمتر مسئله‌ای هست که جدی‌تر از دین به شمار آید. دور و بر خود را پر از ارجاعات معنوی می‌کنیم و فضایی پدید می‌آوریم که در آن از امر قدسی استمداد می‌شود تا معنی هر رویداد مهم زندگی را باز نماید. دین جزئی مسلم از سایر جنبه‌های وجودی ما هست و با طیفی گسترده از عقاید و رفتارهای غیر مذهبی سخت در پیوند است (اسپیلکا، ۱۳۹۰).

از طرفی در تعریف مفهومی روانشناسی به تحقیق و مطالعه در حیات نفسانی و اعمال و رفتار انسان (دهخدا، ۱۳۴۱)، دانش مطالعه و شناخت روان و مسائل مربوط به آن (معین، ۱۳۸۷) و دانش بررسی جنبه‌ها و کارکردهای مختلف روان انسان و مطالعه ناهنجاریهای آن (عمید، ۱۳۶۳) اشاره شده؛ لذا مطالعه رفتار و تجلیات روان به عنوان برآیند کلی رفتار همچنین مطالعه انسان و محیط و کیفیت ارتباط آنها در حوزه روانشناسی قابل مطرح می‌باشد. با توجه به آنچه آمد، بر ماست که سهم دین را در زندگی شخصی، اجتماعی و محیط خود بازناسیم. این کار روانشناسی دین است (اسپیلکا، ۱۳۹۰). از طرفی ارتباط بین روانشناسی و دین غالباً بیش از آنچه به نظر می‌رسد دو سویه بوده است چرا که دین آشکارا یا بطور ضمنی بر دیدگاه

خود به موازات یا حتی علیه دیدگاه روان‌شناسی تاکید می‌کند باید نسبت به وجود این ارتباط دوسویه در فهم روان‌شناسی دین هوشیار بود (مین و قلیزاده، ۱۳۸۸). با توجه به موضوع روانشناسی دین<sup>۱</sup> لازم است ابتدا نظری به تعاریف مفهومی و عملیاتی دین<sup>۲</sup> و روانشناسی<sup>۳</sup> با دو رویکرد عینی<sup>۴</sup> و ذهنی<sup>۵</sup> به همراه مولفه‌های موثر در حیطه شخصی، اجتماعی و تاریخی از نظر اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان داشته باشیم که در جداول شماره ۱ و ۲ ارائه شده است.<sup>۶</sup>

جدول ۱. تعریف مفهومی دین؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

منبع	تعریف مفهومی
(دهخدا، ۱۳۴۱)، (عمید، ۱۳۶۳)، (قرشی بنایی، ۱۳۷۱)، (معین، ۱۳۸۷)	کیش و آئین، راه و روش، طریقت، مقابل کفر، تشخیص معنوی و وجدان، حکم و قضا



1. Psychology of Religion
2. Religion
3. Psychology
4. Objective
5. Subjective

۶. شکل‌گیری رویکردهای متفاوت در همه عرصه‌های علمی، از جمله نمایان شدن پنج رویکرد عمده (زیستی، روان‌تحلیل‌گری، رفتارگرایی، شناختی، انسان‌گرایی) در دانش روان‌شناسی، ناشی از این است که وقتی روان‌شناسان از جایگاه پژوهشگر نظاره‌گر خود و سایر افراد باشند و قواعد حاکم بر سازمان روانی آنان را بدست آورند، در پیش‌فرض‌ها، روش‌ها و ساختارهای نظری با هم تفاوت اساسی دارند. در صحنه عمل نیز هر یک از رویکردهای چهارچوب خاصی را برای رفتار در نظر می‌گیرند (گلاسن و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۵). در راستای دو رویکرد عینی- بیرونی (objective) و ذهنی- درونی (Subjective)، زمانی که محیط فیزیکی مورد توجه قرار می‌گیرد رفتار انسانی به‌عنوان نتیجه محیط فیزیکی مطرح می‌گردد (عینی- بیرونی) و در نگاهی دیگر وقتی رفتار انسان مورد توجه قرار می‌گیرد، محیط فیزیکی به‌عنوان معلول این رفتار تلقی می‌شود (ذهنی- درونی) و (ناری‌قمی، ۱۳۹۴). همچنین در طول نیم قرن گذشته برخی از محققان به این نتیجه رسیدند که کیفیت دارای دو بعد عینی- بیرونی (objective) و ذهنی- درونی (Subjective) است با ترکیبی از روانشناسی فردی با نسبت‌های مختلف و متفاوت در جوامع انسانی.

جدول ۲. تعریف عملیاتی دین، نگرشها، مولفه های موثر و رویکردهای آن

رویکرد	مولفه های موثر				منبع	ارائه دهنده	تعریف عملیاتی	رتبه
	دینی	پایه	تاریخی	اجتماعی				
●	●		●	●	(طباطبایی م. ح.، ۱۳۷۴) (طباطبایی م. ح.، ۱۳۸۸)	سید محمد حسین طباطبایی ۱۹۰۴-۱۹۸۱	مجموعه ای از برنامه ها بر مبنای جهان بینی جهت نیل به سعادت پاسخ به نیازها سعادت و صلاح دنیوی همراه با کمال اخروی و حیات حقیقی جاودانی	
●	●		●		(آملی، ۱۳۸۷)	عبدالله جوادی عاملی	مجموعه ای برای اداره جوامع انسانی	
●				●	(مطهری، ۱۳۷۸)	مرتضی مطهری ۱۹۲۰-۱۹۸۰	دین فطری است	
●	●		●	●	(جعفری، ۱۳۹۲)	محمد تقی جعفری ۱۹۲۶-۱۹۹۹	اندیشه و عمل و رفع نیاز در جهت کمال الهی	
●				●	(آذربایجانی م. ح.، ۱۳۹۴)	میرچا الیاده ۱۹۰۷-۱۹۸۶	توجه به مفاهیم پدیدارشناسانه و نظریه خداگرایانه؛ تلاش انسان برای جدایی از جهان غیر قدسی و رسیدن به ارزشهای متعالی	
●				●	(هیوم، ۱۳۸۶)	رابرت هیوم ۱۸۷۷-۱۹۴۸	دین تمایل فکری انسان و مستقل از احساس با فوه درک آینده	
●				●	(دورانت، ۱۳۸۵)	ویل دورانت ۱۸۸۵-۱۹۸۱	دین یعنی علم حضوری به اتحاد با عالم و بدون واسطه	
●				●	(هیگ، ۱۳۷۲)	جان هاروود هیگ ۲۰۱۲-۱۹۲۲	شناخت یک موجود فوق بشری که دارای قدرت مطلقه است	
●				●	(آذربایجانی م. ح.، ۱۳۹۴)	رودلف اتو ۱۸۶۹-۱۹۳۷	دین بر پایه مواجهه روح و جان آدمی با امر قدسی است	
●				●	(فروید، توم و تابو، ۱۳۵۱)	زیگموند فروید ۱۸۵۶-۱۹۳۹	دین کاوش انسان برای یافتن تسلی دهنده های آسمانی است تا او را در غلبه بر حوادث بیمناک زندگی کمک کند	
●			●	●	(جیمز، ۱۳۸۶)	ویلیام جیمز ۱۸۴۲-۱۹۱۰	تأثرات و احساسات و رویدادهایی که برای هر انسانی در عالم تنهایی و دور از همه بستگی ها بر او روی می دهد. به طوریکه انسان از این مجموعه در می یابد که بین او و آن چیزی که آنرا امر خدایی می نامد رابطه ای برقرار است	
●		●	●	●	(یونگ، ۱۳۹۰)	گوستاو یونگ ۱۸۷۵-۱۹۶۱	معنی بخشی به زندگی و همبستگی با مفاهیم آرکی تیلی	



●	●		●	●	آگوست کمت ۱۷۹۸-۱۸۵۷	وحدت اجتماعی میان اعضای جامعه	جامعه‌شناسانه و مردم‌شناسانه
●	●		●	●	ادوارد تیلو ۱۸۳۲-۱۹۱۷	طبیعت‌گرایی و باور به حیات	
●			●	●	ماکس مولر ۱۸۲۳-۱۹۰۰	زبان احساسات و عواطف بشری و گرایش به نامتناهی(خدا)	
●	●		●		کارل مارکس ۱۸۱۸-۱۸۸۳	توجه تنها به بعد اجتماعی دین و دادن آرامش به جوامع	
●	●		●		امیل دورکیم ۱۸۵۸-۱۹۱۷	دین به مثابه انسجام اجتماعی و جامعه	
●	●		●		رابرت هیوم ۱۸۷۷-۱۹۴۸	جستجوی جمعی برای یک‌زندگی کاملارضایتمندان	
●			●		دورکیم، پارسونز و بلا (فورشت، ۱۳۹۴)	کمک به نظام های اجتماعی برای ثبات و تعادل آنها (خانواده، دین، اقتصاد و نظام های حقوقی)	
●	●	●	●	●	ماکس وبر ۱۸۶۴- ۱۹۲۰	شناخت انسان عامل شناخت جامعه و اجتماع	
●	●		●		(حسینی، ۱۳۷۶)	نظام وحدت بخش به جوامع و اجتماعات	
●			●	●	آدولف رایناخ ۱۸۸۳-۱۹۱۷	چهار چوبی برای محدودیت آزادی قوای انسانی	
●			●		رابرت هیوم ۱۸۷۷-۱۹۴۸	فعالیت فکری، احساسی و عمل ارادی	
●			●		زیگموند فروید ۱۸۵۶-۱۹۳۹	احساس ترس و نیاز	
●	●	●	●	●	گوستاو یونگ ۱۸۷۵-۱۹۶۱	معنی بخشی به زندگی و همبستگی با مفاهیم آرکی تلیپی	
					(فروید، آینده یک پندار فروید، ۱۳۵۷)		

## روانشناسی دین

## مروری بر پیشینه دانش روانشناسی دین

موضوع و مسئله محوری در دین و روانشناسی هر دو انسان بوده و هدف اصلی روانشناسی شناختن مردم است. روانشناسان می‌کوشند این کار را با بررسی انگیزش، شناخت و رفتار انسانی انجام دهند. هر چند کاربرد واژه روانشناسی دین به عنوان حوزه‌های خاص پژوهش علمی ابتدا در اروپای قرن نوزدهم ظاهر شد ولی در ایالات

متحده، روانشناسی دین بعنوان یک رشته مستقل مطرح گردید. روانشناسی دین سی و ششمین شاخه از پنجاه شاخه مشخص انجمن روانشناسی آمریکا بوده و محققان درباره نقش دین در زندگی افراد همچنین رفع مشکلات مردم در مسیر زندگی مطالعه می‌نمایند (اسپیلکا، ۱۳۹۰). در سال ۱۹۰۱ میلادی با سخنرانی‌های ویلیام جیمز، نقطه عطفی در روانشناسی دین به بار نشست. روانشناسی دین عبارت است از مطالعه رفتارهای روانی



که پشتوانه‌ی دینی دارند (آذربایجانی، ۱۳۹۵) و پدیده‌هایی که این دو واژه به آنها اشاره دارد یعنی مصداق آنها و محتوای آنها به قدمت انسان است و تأمل در باب آنها به طلیعه تاریخ مدون بشر بازمی‌گردد (الیاده، فرهنگ و دین (برگزیده مقالات دایره المعارف دین)، ۱۳۷۴).

تصویر ۱. تمرکز اصلی رشته روان‌شناسی و دین‌شناسی بر انسان به نقل از برنارد اسپیلکا

بطور کلی سه سنت انگلیسی-آمریکایی، آلمانی و فرانسوی متمایز اما در عین حال مرتبط در روان‌شناسی دین پدید آمده‌اند که در تصویر شماره ۲ به آنها اشاره شده است.



تصویر ۲. سنت‌های کلاسیک و معاصر مطرح در روان‌شناسی دین به نقل از دیوید ام. وولف

دینی، تجارب، نگرشها و رفتارهای مرتبط با آن سنتها از سوی افراد است (وولف، ۱۳۹۳). گوردن آلپورت<sup>۸</sup> پدر روان‌شناسی شخصیت بود که ایمان درونی را با بلوغ دینی مرتبط می‌داند. «شخصیت، سازمان با تحرک و زنده دستگاہ بدنی و روانی فرد است که چگونگی سازگاری اختصاصی آن فرد را با محیط تعیین می‌کند.» وی به این نتیجه رسید که، در درون فرهنگ‌های مختلف و گوناگون مفاهیمی نهفته است که نشان دهنده و بیانگر رفتار سالم افراد می‌باشند. درنگاه آلپورت شخصیت سالم کسی است که احساس مسئولیت

منبع ابتدایی روان‌شناسی دین معمولاً جریان اصلی روان‌شناسی و بیش از هر چیز روان‌شناسی شخصیت و روان‌شناسی اجتماعی بوده است. روان‌شناسی دین را رسماً یکی از شاخه‌های روان‌شناسی اجتماعی شمرده‌اند. دیتس (۱۹۶۹). پس معلوم شده است که روان‌شناسان دین چرا در وهله اول به دنبال روان‌شناسی اجتماعی می‌روند (اسپیلکا، ۱۳۹۰). همچنین دیوید ام. وولف<sup>۷</sup> روان‌شناس در حوزه دین معتقد است روان‌شناسی دین استفاده نظام‌دار از نظریه‌ها و روشهای روان‌شناسی در زمینه محتوای سنتهای

8. Allport, Gordon 1897-1967-

7. David M. Wulff

در زندگی نموده و به دنبال بسط و توسعه این ایده مسئولیت پذیری است و طبق دیدگاه آلپورت، نظام ارزشی دینی مهم‌ترین و وحدت‌بخش‌ترین نظام ارزشی است، مادامی که شخص دارای یک جهت مذهبی باطنی و یک اعتقاد دینی خالصانه باشد و «همچنین از دیدگاه آلپورت گرایشهای مذهبی باعث پختگی روان، و رفتار نوع دوستانه در افراد می شود». آلپورت معتقد بود دین دارای یک بعد درون سو (Subjective) و بعد برون سو (Objective) می باشد که در بعد درون سو ایمان، فی حد نفسه ارزشی متعالی است که به یگانه سازی خویشتن از راه به جد گرفتن امر الهی، برادری و فراتر رفتن از نیازهای شخصی معطوف است و در بعد بیرونی دینی که صرفاً سودمدارانه است و برای

نیل به سلامت، موفقیت اجتماعی، آرامش و تأیید مسیر زندگانی شخص به کار می آید (آذربایجانی، ۱۳۹۵). در حوزه روانشناسی، بحث بر سر این است که کدام یک از ویژگی‌های بشری به طور عام در یکی از سه قلمرو کلی شناخت، انگیزش و زندگی اجتماعی به کار می آیند و وقتی به شناخت می‌نگریم، به معنا توجه داریم. انگیزش ما را متوجه نیاز مردم به تسلط بر خود و محیطشان می‌کند. زندگی اجتماعی، که آن را در مفهوم «جامعه گرایی» خلاصه می‌کنیم، نشان می‌دهد که مردم ضرورتاً در شبکه روابط اجتماعی به سر می‌برند. آنها باید با دیگران در ارتباط باشند تا زنده بمانند و پیشرفت کنند. به عبارت دیگر، مردم به مردم نیاز دارند (اسپیلکا، ۱۳۹۰).



تصویر ۳. روابط مولفه‌های حوزه روانشناسی به نقل از برنارد اسپیلکا

جدول شماره ۳، حاصل بررسی تطبیقی معیارها و مولفه های نظریه پردازان روان شناسی دین در سه سنت انگلیسی- آمریکایی، آلمانی و فرانسوی است که به پنج معیار شخصی، اجتماعی و جامعه گرایی، فیزیکی، تاریخی و فرهنگی در قالب دو رویکرد عینی و ذهنی اشاره دارد.

جدول ۳. بررسی تطبیقی آثار و معیارهای نظریه پردازان سنت های روانشناسی دین؛ ماخذ: نگارندگان

سنه	نظریه پرداز	آثار	شاخصهای موثر در روانشناسی دین						
			تخصصی (روانشناسی)	جامعه گرایی	فیزیکی	تاریخی	فرهنگی	اجتماعی	رویکرد
انگلیسی - آمریکایی	گالتون	اثار مثبت ذهنی دعا و نیایش - توجه به عوامل ارثی-ژنی افراد	●						●
	استنلی هال	توجه به سن و عدم توجه به محیط، اجتماع و فرهنگ	●					●	●
	ادوین استارباک	نگرش مثبت به دین	●						●
	جیمز لوبا	میل فطری به نیکی اخلاقی	●						●
	جرج کو	توجه به منش اخلاقی در دین	●						●
	ویلیام جیمز	پراگماتیسم، سازگاری اجتماعی	●					●	●
آلمانی	ویلهلم وونت	روانشناسی تجربی، توجه به گذشته ذهنی	●				●	●	●
	شلایر ماخر	همبستگی دین و احساس	●						●
	زیگموند فروید	توجه به ضمیر ناخودآگاه شخصی	●						●
	گوستاو یونگ	همبستگی دینداری و سلامتی، ضمیر خودآگاه جمعی	●				●	●	●
	اریکسون	تاکید بر آثار مثبت دینداری	●				●	●	●
	رودولف اتو	نگرش فطری و عاطفی دین	●						●
فرانسوی	فردریش هیلر	توجه به نیایش برای شناخت انسان	●						●
	ژان مارتین شارکو	شفای دینی از راه تلقین	●						●
	پیر ژانه	ضمیر نیمه آگاه و مفهوم خدا	●						●
	تئودور فلورنوئا	چهار مولفه روانشناسی دین	●				●		●
	ژرژ برژه	نقش مثبت روانشناسی دین	●						●
	ژان پیاژه	سن و احترام متقابل	●					●	●





## رضایت‌مندی سکونتی

مروری بر مفاهیم و تعاریف مرتبط با رضایت‌مندی و سکونت و رضایت‌مندی سکونتی

جدول ۴. تعریف مفهومی واژه‌های رضایت‌مندی و سکونت

عنوان	تعریف مفهومی	منبع
رضایت‌مندی	خشنودی و پسندیدگی و میل، قبول، رضامندی، خوشحالی	(دهخدا، ۱۳۴۱)، (عمید، ۱۳۶۳)، (معین، ۱۳۸۷)
سکونت	اقامت و آرامش، اقامت کردن، ماندن، منزل کردن، وقار، متانت	(دهخدا، ۱۳۴۱)، (عمید، ۱۳۶۳)، (معین، ۱۳۸۷)

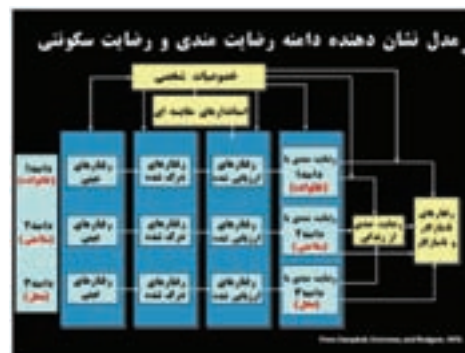
سریع شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه، به صدا درآمد، در ونکوور کانادا برگزار شد که بر تاثیر مستقیم شرایط سکونتگاه‌های انسانی بر توسعه اجتماعی، اقتصادی و انسانی همچنین کیفیت زندگی و رضایت‌مندی سکونتی و رفع نیازهای انسانها (بدون توجه به نژاد، رنگ زبان و ...) تاکید گردید و بیست سال بعد در دومین کنفرانس اسکان بشر سازمان ملل متحد (Habitat2) که در سال ۱۹۹۶ در شهر استانبول برگزار شد، آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه ای، روشنایی، تهویه و سیستم گرمایی مناسب و زیرساخت‌های مناسب مانند آبرسانی، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت زیست محیطی همچنین ایجاد مکان مناسب از نظر کار و تسهیلات اولیه، به عنوان مولفه‌های یک مسکن مناسب مطرح که بایست برای مردم با توجه به استطاعتشان تامین گردند (Daily Report of habitat, 1996) همچنین در سومین کنفرانس (Habitat3) برگزار شده در سال ۲۰۱۶ شهر اکوادور توسعه پایدار شهری در جهت انسجام اجتماعی و کاهش فقر و ایجاد فرصت برای همه جوامع شهری و عدالت اجتماعی در جهت رفاه پایدار شهری و توسعه و حمایت از محیط زیست پایدار و توجه به نتایج کنفرانسهای قبلی مورد توجه و دقت قرار گرفته بود (United Nations, 2016). در طول نیم قرن گذشته برخی از محققان به این نتیجه رسیدند که کیفیت دارای دو بعد عینی- بیرونی (Objective) و ذهنی- درونی (Subjective) است با ترکیبی از روانشناسی فردی

مفهوم رضایت‌مندی سکونتی را از منظر لغوی به عنوان تجربه‌ای از حس لذت یا خوشنودی از زندگی در یک محیط مسکونی تعریف کرد (Tu, 2008). احساس رضایت از زندگی اگرچه تا حد زیادی به شرایط فردی بستگی دارد، اما تأثیر عوامل اجتماعی در بروز آن بسیار پررنگ تر به نظر می‌رسد (هزارجریبی، ۱۳۸۸). از طرفی مسکن تنها به چهار دیواری خانه محدود نمی‌شود، بلکه محیط اطراف شامل محله و همسایگان را نیز در بر می‌گیرد (Philips, 2004). در فرآیند استحاله مفهوم خانه به مسکن، شکل‌گیری خاطرات جمعی، برانگیخته شدن عواطف و احساسات، شکل‌گیری حس تعلق و معنا یافتن مکان صورت می‌گیرد که در نتیجه آن، تجربه رضایت از سکونت حاصل خواهد شد (Rowles, 2006).

### مروری بر پیشینه مفهوم رضایت‌مندی سکونتی

از زمان تصویب بیانیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۸۴ «حق داشتن مسکن مناسب» به عنوان یکی از اجزای مهم «استانداردهای زندگی مطلوب» معرفی شده است. از آن تاریخ، همه دولت‌ها مقررات خاصی در بخش سرپناه وضع کرده و اقدام به ایجاد وزارتخانه‌های مسکن یا گنجاندن دپارتمان مسکن در سایر وزارتخانه‌ها به منظور تخصیص وجوه و تدوین سیاست‌ها، مقررات، برنامه‌ها و پروژه‌های خاص در بخش مسکن کرده‌اند (نسترن، ۱۳۸۹). اولین کنفرانس مجمع عمومی سازمان ملل در زمینه سکونتگاه‌های انسانی در سال ۱۹۷۶ در پی زنگ خطر رشد بدون کنترل و

و سلامتی و تندرستی فیزیکی و ارتباط نزدیک با رضایت‌مندی، پیشرفت و ارتقاء انسانی، شادی و سلامتی و برداشتهای شخصی افراد از محیط در تعامل با مفاهیم اجتماعی، فرهنگی در مقیاسهای مختلف شهری، همچنین نحوه ارتباط با دولت‌ها و ملت‌ها است که در رضایت‌مندی از زندگی مردم موثر می‌باشد (Marans, 2015).



تصویر ۷. روابط مولفه‌های عینی و ذهنی در رضایت همسایگی به نقل از (Marans, ۲۰۱۵)

(Portero, 2017). محیط معتقد است رضایت‌مندی افراد از محیط سکونت بر پایه آرمان‌ها<sup>۹</sup>، نیازها<sup>۱۰</sup> و توانایی<sup>۱۱</sup> آنها شکل می‌گیرد که در پنج مولفه بعد عینی- بیرونی (objective) و بعد ذهنی- درونی (Subjective) شامل مشخصات فیزیکی واحد مسکونی، کیفیت خدمات و دسترسی‌ها، امکانات عمومی محله‌ای، کیفیت محیط اجتماعی و دسترسی به کاربریهای عمومی محله‌ای استخراج شده است (Mohit, 2010). جین جیکوبز<sup>۱۲</sup> در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی»<sup>۱۳</sup> نظریه ای شامل سه مولفه مرزبندی روشن بین فضای عمومی و خصوصی<sup>۱۴</sup>، چشم‌های ناظر بر خیابان<sup>۱۵</sup> و استفاده مداوم از پیاده‌راه‌ها<sup>۱۶</sup> را برای اولین بار برای خیابان موفق مطرح نمود و معتقد بود مشکل عدم امنیت بسیاری از نقاط شهرها، گروه‌های جمعیتی بزهکار یا فقیر نیست بلکه نقاط شهری از نظر فیزیکی قادر به اعمال امنیت و سرزندگی ناشی از آن نیست (جیکوبز، ۱۳۸۶) همچنین اسکار نیومن<sup>۱۷</sup> در کتاب «فضاهای قابل دفاع»<sup>۱۸</sup> چهار مولفه قلمروبندی<sup>۱۹</sup>، نظارت<sup>۲۰</sup>، بهبود کیفیت محیط<sup>۲۱</sup> و مجاورت<sup>۲۲</sup> کاربری مسکونی با دیگر امکانات مورد نیاز مردم را برای کاهش جرم‌خیزی و افزایش رضایت‌مندی سکونتی مطرح نمود. کلارک<sup>۲۳</sup> یکی از روانشناسان معروف آمریکایی معتقد بود با تقسیم بخش‌های بزرگ فضاهای عمومی و واگذار کردن آنها به تک‌تک افراد و گروه‌های کوچک، می‌توان فضا را به وسیله مردم

از طرفی مفهوم رضایت‌مندی سکونتی در ذیل مفهوم کیفیت زندگی مطرح می‌گردد. می‌باید میان زندگی خوب و زندگی کمی تمایز قایل شد (کوکبی، ۱۳۸۶). مطالعات مختلف نشان می‌دهد که رضایت‌مندی سکونتی بر سلامت روانی افراد و جوامع تأثیر می‌گذارد (Levy-Leboyer C, Sio, 2002 (Philips D. S., 2004) (1993)). همچنین براون (۱۹۹۵، ۱۹۹۷) و لوتون (۱۹۸۳) در مطالعات خود دریافته‌اند که محیط مطلوب‌تر، تأثیر مثبت بر سلامت روانی افراد دارد بنابراین، اهمیت ارزیابی‌های ذهنی- درونی از محیط اطراف، به عنوان مولفه‌های رضایت‌مندی سکونتی، در سلامت روانی می‌باشد و در افراد سالخورده باعث افزایش سن و کاهش روند پیری آنها می‌گردد

9. Ideals
10. Desires
11. Ability
12. Jane Jacobs(1916 -2006)
13. The Death and Life of Great American Cities(1961)
14. First, there must be a clear demarcation between what public space is and what private space is.
15. Second, there must be eyes upon the street, eyes belonging to those we might call the nature proprietors of the street.
16. And third, the sidewalk must have users on it fairly continuously, both to add to the number of effective eyes on the street and to induce the people in buildings along the street to watch the sidewalks in sufficient numbers.
17. Oscar Newman
18. Defensible Space
19. Territory
20. Surveillance
21. Quality of the Environment
22. Neighborhood
23. Clark I. Hull, 1884 - 1952

سیاست گذاری خرد و کلان را برای رسیدن به رضایت مندی مسکونی الزامی می‌دانند. زی<sup>۲۸</sup> و همکاران (۲۰۱۶) کیفیت هوا، آسایش حرارتی، آسایش صوتی، توجه به جنسیت و سن افراد، کیفیت محیط فیزیکی و رفتارهای انطباقی با محیط را به عنوان معیارهای رضایت مندی سکونتی در ساختمانهای بلند مسکونی اعلام نموده‌اند. بین لو<sup>۲۹</sup> (۲۰۱۶) مطالعاتی در موضوع رضایت مندی سکونتی در محله‌های سنتی و توسعه یافته انجام داده‌اند و به این نتیجه رسیدند که کیفیت محیط های مصنوع، امکانات محله‌ای و کیفیت محیط های اجتماعی در میزان رضایت مندی کاربران موثر است. همچنین محیط و همکاران<sup>۳۰</sup> (۲۰۱۵) افزایش کیفیت محیط‌های مسکونی را در کاهش جرم خیزی مجموعه های مسکونی، موثر می‌دانند. هانگ و یو<sup>۳۱</sup> (۲۰۱۵) مالکیت خانه، مشارکت اجتماع، دسترسی به امکانات آموزشی و پرورشی برای کودکان، بر اساس جنس، سن و وضعیت اقتصادی را در رضایت مندی سکونتی مهم می‌دانند. رفیعیان و همکاران (۱۳۸۸) رضایت مندی شهروندان از محیط‌های سکونتی شهری را مورد سنجش قرار داده‌اند. نتایج حاصله از مجموع شاخصه‌های محاسباتی، بیانگر ارزش رضایت مندی متوسط ساکنان منطقه نواب از محیط سکونتی شان است. از بین مؤلفه های تحلیلی، روابط همسایگی در حد متوسط برآورد گردیده و ساکنان از سایر مؤلفه‌های محاسباتی (شامل تسهیلات مجتمع، بهداشت مجتمع، دید و منظر، ویژگیهای کالبدی) اظهار نارضایتی کرده‌اند. ذبیحی و همکاران (۱۳۹۰)، رابطه بین میزان رضایت از مجتمع‌های مسکونی و تأثیر آنها بر روابط انسانی را مورد بررسی قرار داده‌اند پژوهش آنان براساس این فرضیه تدوین گردیده است که احساس رضایت از محیط می‌تواند سبب تأثیرات مثبت محیط در روند روابطی گردد که در آن، محیط در حال شکل‌گیری و انجام است. نتایج به دست آمده، حاکی از وجود رابطه قوی میان رضایت از مجتمع و تأثیر آن بر روابط افراد بود. در مطالعه‌ای که توسط Baba و

کنترل کرد و حس تعلق به آن فضا را افزایش داد که در نتیجه باعث افزایش رضایت مندی سکونتی افراد از محل زندگی می‌شود (نیومن، ۱۳۸۷). برخی از محققان، مراحل درک میزان رضایت مندی افراد را با دیدگاه ادراکی آنها توصیف کرده‌اند، بدین ترتیب که هر شخص با توجه به مجموعه ای از نیازها و آرزوهایی که دارد، شرایط فعلی سکونتی و محیط زندگی خود را ارزیابی می‌کند (Michelson, 1966). رضایت مندی سکونتی یکی از معیارهای کلیدی سنجش میزان کیفیت است. در چارچوب این اهمیت، محیط با کیفیت شامل احساس امنیت، رفاه و رضایت مندی ساکنین است که در محیط‌های کالبدی و اجتماعی بازتاب می‌یابد (Marans & Lansing, 1969). آراگونز<sup>۲۴</sup> و آمریگو<sup>۲۵</sup> در سال ۱۹۹۷ تحقیقی در خصوص رضایت مندی و ارزیابی سکونتی افراد از محیط سکونتی‌شان انجام داده‌اند به این نتیجه رسیدند که به طور کلی ساکنانی که در صدد اصلاح و بهبود وضعیت سکونتی خود برنیامده یا عکس‌العملی در خصوص مسائل محل سکونت‌شان انجام نداده‌اند، نسبت به بقیه افراد از آستانه رضایت مندی بالایی برخوردار هستند (Aragones & Amerigo, 1997). با توجه به پژوهش‌های انجام شده می‌توان چنین استنباط کرد که رضایت مندی از محیط مسکونی به میزان رضایت در دو مؤلفه کلی شامل رضایت از واحد مسکونی و واحدهای همسایگی به طور مستقیم و همچنین ویژگی‌های شخصی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی به‌طور غیر مستقیم بستگی دارد (Galster C George, 1981). پورتر و آلار<sup>۲۶</sup> (۲۰۱۷) تحقیقاتی در مورد رضایت مندی سکونتی برای افراد مسن انجام دادند و نتایج را در کیفیت فیزیکی خانه، کیفیت فیزیکی بافت های مسکونی و توجه به کیفیت خانه و مجموعه های مسکونی برای افزایش توانبخشی افراد مسن، اعلام نمودند. بونایوتو و فورنارا<sup>۲۷</sup> (۲۰۱۷) کیفیت محیط شهری مخصوصاً محیط های مسکونی را یکی از مهمترین اجزای اصلی کیفیت زندگی مردم دانسته و توجه به نحوه طراحی معماری و شهری، مدیریت و

28. P.Xue, C.M.Mak, Z.t.Ai  
29. Chun Zhang, Bin Lu  
30. M.Mohit, Al-khanbashi  
31. Z.Huang, X.Yu

24. Juan Ignacio Aragones  
25. Maria Amerigo  
26. Cristian Portero, David Alar (2017)  
27. M.Bonaiuto, F.Fornara

مکلارن (۱۹۹۶) شاخص های عینی مانند جنبه های ملموس محیط انسان ساخت و شاخص های ذهنی را از معیارهای سنجش کیفیت زندگی افراد معرفی می کند. جداول شماره ۵ و ۶ حاصل بررسی تطبیقی معیارهای مدل های حوزه سکونت و رضایت-مندی سکونتی نظریه پردازان و محققان مختلف را نشان می دهد.

Avstin در سال ۱۹۸۹ انجام گرفت نتایج تایید کرد که مردم با وضعیت اجتماعی- اقتصادی بالا، مردم سالخورده، و مالکان به ترتیب در مقایسه با مردم وضعیت اجتماعی- اقتصادی پائین، مردم جوان تر و مستاجران از ویژگی های فیزیکی و محیطی حاکم بر واحدهای همسایگی شان بیشتر راضی بوده اند (Aragones & Amerigo, 1997). همچنین

جدول ۵. بررسی تطبیقی معیارهای موثر رضایتمندی سکونتی نظریه پردازان مختلف

نظریه پرداز	آثار	منبع	شاخصهای موثر در رضایتمندی سکونتی												
			تخصصی	اجتماعی	اقتصادی	فرهنگی	عملکردی	محیطی	کالبدی	فصلی	هریتی	حکمرتی	نیازمندی	عینی	ذهنی
آیموس راپاپورت	رویکرد فرهنگی و توجه به مباحث هویتی، اجتماعی، فرهنگی و رفع نیازهای انسانها میباشد	(راپاپورت، ۱۳۸۸) (راپاپورت، ۱۳۸۲)	●											●	●
کریستین شولتز (۱۹۲۶-۲۰۰۰)	توجه و ارتباط انسان و محیط و روانشناسی محیطی (ریست-جهان) بر پایه مورفولوژی، توپولوژی و تیپولوژی است.	(شولتز، ۱۳۹۲)	●											●	●
کریستوفر الکساندر	شرط لازم برای رسیدن به سکونتهای زنده و جاودانه، شناخت زندگی است.	(الکساندر، ۱۳۸۶)	●											●	●
رابرت گیفورد	خانه منطبق بر فرهنگ و روابط اجتماعی است، خصوصیات فردی در ارتباط با عوامل جمعیتی، شخصیتی، ارزشها، انتظارات، مقایسه و امید به آینده میباشد. ارتباط رضایتمندی و موقعیت اقتصادی و شخصیت همسایگان.	(گیفورد، ۱۳۷۸)	●	●	●									●	●
جان لنگ	توجه به مباحث بنیادین محیط و رفتار انسان و روانشناسی محیطی (انسانی - هنجاری).	(جان لنگ، ۱۳۸۳)	●											●	●







در این مرحله از پژوهش پس از بررسی روانشناسی دین و رضایت‌مندی سکونتی و شاخص‌های مؤثر که در قالب جداول ۳، ۵ و ۶ ارائه گردیده، نحوه ارتباط دو مقوله را در پنج معیار مؤثر و مهم شخصی (فردی)، اجتماعی، فیزیکی، تاریخی و فرهنگی با رویکرهای عینی و ذهنی می‌توان برشمرد. بر این اساس مدل نهایی پژوهش با در نظر گرفتن موارد فوق در جدول شماره ۷ قابل ارائه است و چون مفهوم رضایت‌مندی سکونتی

در ذیل مفهوم کیفیت زندگی مطرح می‌گردد و برای ارتقاء کیفیت زندگی، رضایت‌مندی سکونتی در سه سطح خانه، محله و واحد همسایگی نیازمند افزایش می‌باشد. لذا در جهت ارتقاء پایه ای نیازمند ارتقاء مولفه های انسان محور و مهمتر از آن اندیشه، شخصیت و فرهنگ و پارامتری که بدون واسطه و فطری در نهاد هر انسان وجود دارد در جهت نیل به کمال که همان روان‌شناسی دین است.

جدول ۷. چهارچوب و مدل نهایی پژوهش، (نگارندگان).

مؤلفه های متناسب با رضایتمندی سکونتی		شاخصهای مؤثر	معیارهای مؤثر
رویکرد عینی (Objective)	رویکرد ذهنی (Subjective)		
تامین فضاهای فعالیتی متناسب با جنسیت	سلامتی جنسی	جنسیت	معیارهای مؤثر در روان‌شناسی دین
تامین فضاهای متناسب با اقوام	توجه به عامل قومیت، باورها، اعتقادات و رسوم	قومیت	
تامین فضاهای فعالیتی متناسب با سن افراد	افزایش سن پیری	سن	
بهداشت فردی اخلاق فردی (رابطه فرد با خود) و ایمنی سکونتگاهها	آرامش خاطر؛ امنیت (احساس ترس، کاهش ترس از مرگ، نگرش مثبت به مرگ)؛ قلمرو (فضای شخصی)؛ کاهش استرس؛ بهداشت روانی (کاهش هیجان، اضطراب و استرس، نشاط، قوت قلب)؛ اخلاق فردی (رابطه فرد با خود، صداقت، فداکاری، مهربانی و نوع دوستی، متانت)؛ سلامتی و کاهش افسردگی؛ دلبستگی؛ خوشنودی؛ امید به آینده (مقایسه)؛ حس مسئولیت؛ تجربه؛ معنی بخشی به زندگی؛ جلوگیری از پیشداوری و تعصب	ادراک و احساس	
تسهیلات مرتبط (دسترسیها و امکانات برای افراد کم‌توان و ناتوان جسمی)	سلامتی جسمی	توانایی جسمی	
	موقعیت اجتماعی خانواده؛ وضعیت تاهل (اعتقاد به بنیان خانواده)؛ سبک زندگی	موقعیت خانوادگی	
تامین محل کار و فواصل دسترسی به آنها	توجه به کیفیت محل کار	شغل	
تامین محل تحصیل و فواصل دسترسی به آنها	توجه به کیفیت محل تحصیل	تحصیلات	
مالک یا مستاجر	حس مالکیت	مالکیت	

توجه به ارزشهای مشترک اجتماعی	توجه به ارزشهای مشترک اجتماعی	قومیت	معیارهای اجتماعی
موقعیت قرارگیری در شهر	قانون و مقررات (کاهش جرم و جنایت)	انسجام اجتماعی	
تعداد و نحوه ارتباط واحدهای همسایگی	روابط با همسایه ها؛ اخلاق اجتماعی (روابط شهروندی و شهرنشینی)؛ بهبود روابط اجتماعی؛ ازدحام و خلوت	روابط و پیوندهای اجتماعی	
	وابستگی اجتماعی و دل بستگی به جامعه محلی (کاهش اضطراب)	همگونی اجتماعی	
بهره گیری از امکانات و فضاهای سکونتی و شهری برای کلیه افراد جامعه	مردم سالاری، برابری و مساوات	عدالت اجتماعی	
تشکیل نهادهای خیریه	امنیت (کاهش جرم و جنایت و بربندی)؛ نوع دوستی و کمک به دیگران (کارهای خیریه)	حمایت اجتماعی	
فضاهای اجتماع پذیر	مشارکت و همکاری در گروهها؛ برونگرایی و تعامل پذیری؛ سیاست	مشارکت اجتماعی	
سرانه فضاهای سبز؛ تامین دید و منظر مناسب؛ بهداشت محیطی	اخلاق زیست محیطی؛ آسایش اقلیمی؛ کیفیت بصری دید و منظر؛ سلامت روانی	شرایط زیستی	معیارهای فیزیکی
کیفیت معماری سکونت (ابعاد و مشخصات فیزیکی مسکن، محله و منطقه)؛ تراکم واحد های ساختمانی، بافت سکونتی؛ کیفیت مصالح؛ تسهیلات و کاربریهای مکمل مورد نیاز و تنوع عملکردی	قلمرو (تفکیک عرصه های خصوصی و عمومی)؛ کیفیت فضایی؛ ازدحام و خلوت	کالبدی	
کیفیت معابر؛ ترافیک؛ موقعیت مناسب دسترسیهای سواره و پیاده؛ حمل و نقل عمومی	ارزیابی کیفیت معابر؛ ارزیابی ترافیکی؛ دسترسیهای مناسب سواره و پیاده	شبکه های ارتباطی	
هشتمها؛ موقعیت بازشوها	اشرافیت؛ محرمت	محیطی	معیارهای فرهنگی
تنوع فضایی؛ کاربرد مفاهیم کهن الگوها در مسکن و شهر	تشکیل خاطرات جمعی؛ مفاهیم کهن الگویی (آرکی تایپی)؛ اعتقاد و باور به خدا تجارب گذشته		
تکنولوژی ساخت؛ فنآوری مصالح؛ هزینه های ساخت	در ارتباط با نیازها مادی؛ اقتصاد	فرهنگ مادی	
نحوه طراحی؛ نحوه ارتباطات و دسترسی ها؛ المانها و بناهای یادبود شهری؛ تپینندی و گونهبندی فضایی	در ارتباط با باورها، ارزشها، هنجارها و نمادها	فرهنگ غیر مادی	

## نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

امروزه ارتقاء کیفی و کارآمدی مجموعه‌های مسکونی و محیط‌های شهری و تبدیل به محیط‌های پاسخ‌گو در برابر نیازهای شهروندان حائز اهمیت است. همچنین گسترش ناهمگن و بی-هویت محیط‌های مسکونی و شهرها، بحران‌های زیست محیطی، تعارض‌های اجتماعی و تشدید فشارهای روانی را بدنبال دارد و به تبع آن آرامش، آسایش، سلامتی جسمی و روانی افراد را به مخاطره می‌اندازد. در این میان رهیافتی که علاوه بر توجه به مسائل زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، به اندیشه، شخصیت و رفتار فردی و اجتماعی بر پایه اعتقادات، باورها و آرمانها، توجه جدی دارد روان‌شناسی دین است که در رویکرهای عینی و ذهنی قابل طبقه بندی است. در حقیقت روان‌شناسی دین دانش علوم رفتاری است و همبستگی مثبت روانی، فردی، اجتماعی، کالبدی و کارکردی آن به اثبات رسیده است. به بیان دیگر با شناخت شاخص‌های موثر در روان‌شناسی دین می‌توان به رضایت‌مندی سکونتی و ارتقاء کیفیت محیط‌های سکونتی ماندگار و پایدار دست یافت. اگر چه امروزه دانش روان‌شناسی دین در مرحله تکوین می‌باشد ولی می‌تواند برای نیل به اهداف موثر و کارکردی انسانها و جوامع مورد توجه جدی قرار گیرد.

## منابع و ماخذ

۱. ارژمند محمود و همکاران، (۱۳۹۵)، «معماری و آرامش»، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۲. اسپیلکا برنارد و همکاران، (۱۳۹۰)، «روانشناسی دین بر اساس رویکرد تجربی»، ترجمه: محمددهقانی، تهران، انتشارات رشد.
۳. اصغریور محمدجواد، (۱۳۹۴)، «تصمیم‌گیری‌های چند معیاره»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. ۱- الکساندر کریستوفر، (۱۳۸۶)، «معماری و راز جاودانگی»، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۵. ییاده میرچا، (۱۳۷۴)، «فرهنگ و دین»، ترجمه: بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، انتشارات طرح نو.
۶. آذربایجانی مسعود، (۱۳۹۴)، «روانشناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز»، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. آذربایجانی مسعود و سید مهدی موسوی اصل، (۱۳۹۵)، «درآمدی بر روانشناسی دین»، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. باشلار گاستون، (۱۳۹۲)، «بوطیقای فضا»، ترجمه: مریم کمالی و همکاران، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۹. براتی ناصر، (۱۳۸۲)، «بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی»، تهران، انتشارات روزنه.
۱۰. پاکزاد جهان‌شاه و همکاران، (۱۳۹۵)، «الفبای روان‌شناسی محیط برای طراحان»، تهران، انتشارات آرمانشهر.
۱۱. جعفری محمد تقی، (۱۳۹۲)، «فلسفه دین»، تهران، انتشارات موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ ششم.
۱۲. جیکوبز جین، (۱۳۸۶)، «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی»، ترجمه: حمیدرضا پارسی و همکاران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. جیمز ویلیام، (۱۳۸۶)، «دین و روان»، ترجمه: مهدی قائنی، قم، انتشارات دارالفکر.
۱۴. چرمایف سرج و کریستوفر الکساندر، (۱۳۷۱)، «عرصه‌های زندگی جمعی و خصوصی»، ترجمه: منوچهر مزینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. جوادی آملی عبدالله، (۱۳۸۷)، «شریعت در آینه معرفت»، تهران، انتشارات اسراء.
۱۶. حسینی سید حسین، (۱۳۷۶)، «دین در بستر دیدگاه»، ماهنامه علمی - ترویجی معرفت، قم، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (قدس)، سال پنجم، شماره چهارم.
۱۷. دوران ویل، (۱۳۸۵)، «لذات فلسفه»، ترجمه: عباس زریاب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۸. دهخدا علی اکبر، (۱۳۴۱)، «لغت نامه دهخدا»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۹. ذبیحی حسن و همکاران، (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه بین میزان رضایت از مجتمع های مسکونی و تاثیر مجتمع های مسکونی بر روابط انسان»، نشریه علمی- پژوهشی هویت شهر، شماره ۸، صص ۱۱۹-۱۰۳

۲۰. راپاپورت آیاموس، (۱۳۸۲)، ترجمه: صدف آل رسول و همکاران، «خاستگاههای فرهنگی معماری»، فصلنامه خیال، انتشارات فرهنگستان هنر، شماره ۸، صص ۹۷-۵۶

۲۱. راپاپورت آیاموس، (۱۳۸۸)، «انسان شناسی مسکن»، ترجمه: خسرو افضلیان، تهران، انتشارات حرفه هنرمند.

۲۲. رفیعیان علی و همکاران، (۱۳۸۸)، «رضایتمندی شهروندان از محیط های سکونتی شهری»، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم محیطی، شماره ۲۵، صص ۶۸-۵۷

۲۳. رفیعیان مجتبی و همکاران، (۱۳۸۹)، «سنجش کیفیت محیط سکونت در شهرک اکباتان تهران»، فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۴، صص. ۸۶-۶۳

۲۴. ستوده هدایت اله، (۱۳۹۵)، «روانشناسی اجتماعی»، تهران، انتشارات آوای نور.

۲۵. شاهچراغی آزاده و همکاران، (۱۳۹۵)، «محاط در محیط»، تهران، انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی تهران.

۲۶. شمس اسفندآباد حسن، (۱۳۹۳)، «روانشناسی محیط»، تهران، انتشارات سمت.

۲۷. شولتز نوربرگ، (۱۳۸۹)، «مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی»، مترجم: محمود امیریاراحمدی، تهران، انتشارات آگه.

۲۸. صارمی حمیدرضا و همکاران، (۱۳۹۵)، «روانشناسی محیط»، تهران، انتشارات اول و آخر.

۲۹. طاهری مهدی پور، (۱۳۹۰)، «ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی»، مجله پژوهشهای جغرافیای انسانی، شماره ۷۶، صص. ۳۱-۱۳

۳۰. طباطبایی محمد حسین، (۱۳۷۴)، «ترجمه تفسیر المیزان»، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳۱. طباطبایی محمدحسین، (۱۳۸۸)، «شیعه در اسلام»، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۳۲. غلام عباس توسلی، (۱۳۹۱)، «نظریه های جامعه شناسی»، تهران، انتشارات سمت.

۳۳. علی پور روجا و همکاران، (۱۳۹۱)، «شاخصه های کیفیت محیطی در شناسایی اولویت های مداخله در محدوده بافت فرسوده شهر بندر لنگه»، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، سال نهم، صص. ۲۲-۱۳

۳۴. عمید حسن، (۱۳۶۳)، «فرهنگ فارسی عمید»، تهران، انتشارات امیر کبیر.

۳۵. غباری بناب باقر و همکاران، (۱۳۸۸)، «رابطه اضطراب و افسردگی با میزان معنویت در دانشجویان دانشگاه تهران»، فصلنامه علمی- پژوهشی روانشناسی کاربردی، شماره ۱۰، صص. ۱۲۳-۱۱۰

۳۶. فرجی یوسف، (۱۳۷۸)، «تئوری اقتصاد خرد»، تهران، انتشارات بازرگانی.

۳۷. فرضعلی فاطمه و همکاران، (۱۳۹۰)، «رویکرد پدیدارشناسانه سید حیدر آملی و ردولف اتوبه امر قدسی»، فصلنامه اندیشه دینی، شماره ۴۱، صص. ۸۰-۴۹

۳۸. فروید زیگموند، (۱۳۵۷)، «آینده یک پندار فروید»، ترجمه: هاشم رضی، تهران، انتشارات آسیا.

۳۹. فروید زیگموند، (۱۳۵۱)، «توتم و تابو»، ترجمه: محمدعلی خنجی، تهران، انتشارات طهوری.

۴۰. فورشت اینگر و همکاران، (۱۳۹۴)، «درآمدی بر جامعه شناسی دین»، ترجمه: مجید جعفریان، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

۴۱. قائمی نیا علیرضا، (۱۳۷۹)، «درآمدی بر منشاء دین»، قم، انتشارات معارف.

۴۲. قربانی نیما، (۱۳۷۷)، «روانشناسی دین، یک روی آوری علمی چند تباری»، فصلنامه علمی- پژوهشی قیاسات، شماره ۸ و ۹، صص. ۴۵-۲۳

۴۳. قرشی بنابی علی اکبر، (۱۳۷۱)، «قاموس قرآن»، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.



۴۴. کامکاری کامبیز و همکاران، (۱۳۹۶)، «مبانی روانشناختی هوش و خلاقیت»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴۵. کوبی افشین، (۱۳۸۶)، «معیارهای ارزیابی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری»، نشریه علمی- پژوهشی هویت شهر، شماره ۱، صص. ۷۵-۸۶
۴۶. گلشن فومنی محمد رسول، (۱۳۹۲)، «روانشناسی اجتماعی»، تهران، انتشارات دیدار.
۴۷. گیدیون زیگفرید، (۱۳۸۶)، «فضا، زمان و معماری»، ترجمه: منوچهر مزینی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۸. گیفورد رابرت، (۱۳۷۸)، «فضای شخصی»، فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره ۳ و ۲، صص ۴۶-۴۹.
۴۹. گیفورد رابرت، (۱۳۷۸)، «ادراک و شناخت محیطی»، ترجمه: نسرین دهباشی، فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره ۳ و ۲، صص ۶-۷.
۵۰. لنگ جان، (۱۳۸۳)، «آفرینش نظریه معماری»، ترجمه: علیرضا عینی فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۵۱. لوونتال کیت ام، (۱۳۹۵)، «درآمدی به روانشناسی دین»، ترجمه: مهدی عیوضی، قم، انتشارات ادیان.
۵۲. محسنی منوچهر، (۱۳۹۰)، «جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی»، تهران، انتشارات طهوری.
۵۳. مدنی پور علی، (۱۳۸۹)، «فضاهای عمومی و خصوصی شهر»، ترجمه: فرشاد نوریان، تهران، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۵۴. مطلبی قاسم، (۱۳۸۰)، «روانشناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۰، صص. ۶۷-۵۲
۵۵. مطهری مرتضی، (۱۳۷۸)، «مجموعه آثار مرتضی مطهری»، تهران، انتشارات صدرا.
۵۶. معین محمد، (۱۳۸۷)، «فرهنگ فارسی معین»، تهران، انتشارات فرهنگ نما.
۵۷. معینی مهدیه و همکاران، (۱۳۹۱)، «رویکرد تحلیلی به کیفیت محیط مسکونی معاصر»، نشریه علمی- پژوهشی هویت شهر، شماره ۱۰، صص. ۲۳-۵
۵۸. مفیدی شمیرانی سید مجید و همکاران، (۱۳۹۵)، «مسکن اجتماعی»، تهران، انتشارات علم معمار.
۵۹. مک کواری جان، (۱۳۷۸)، «تفکر دینی در قرن بیستم مرزهای فلسفه و دین»، ترجمه: بهزاد سالکی، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه ای صداوسیما.
۶۰. نسترن مهین و همکاران، (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر مفهوم مشارکت و کار گروهی در پروژه های آماده سازی اراضی مسکن مهر»، نشریه علمی- پژوهشی آرمانشهر، شماره ۴، صص. ۱۲۳-۱۱۱
۶۱. نقی زاده محمد، (۱۳۸۵)، « مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی»، اصفهان، انتشارات راهیان.
۶۲. نیومن اسکار، (۱۳۸۷)، «خلق فضاهای قابل دفاع»، ترجمه: فائزه رواقی، تهران، انتشارات طحان.
۶۳. وولف دیوید ام.، (۱۳۹۳)، «روانشناسی دین کلاسیک و معاصر»، ترجمه: محمد دهقانی، تهران، انتشارات رشد.
۶۴. هزارجریبی جعفر و همکاران، (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل موثر بر نشاط اجتماعی»، مجله علمی- پژوهشی جامعه شناسی کاربردی، شماره ۲۰، صص. ۱۱۹-۱۴۶
۶۵. هیک جان، (۱۳۷۲)، «فلسفه دین»، ترجمه: بهرام راد، تهران، انتشارات بی تا.
۶۶. هیوم رابرتارنست، (۱۳۸۶)، «ادیان زنده جهان، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶۷. یاراحمدی امیر محمود، (۱۳۷۸)، «به سوی شهرسازی انسان گرا»، تهران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
۶۸. یونگ کارل گوستاو، (۱۳۹۰)، «روان شناسی و دین»، ترجمه: فواد روحانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
69. Portero, C.-F. D. (2017). Dwelling conditions and life satisfaction of older people through residential satisfaction. Journal of Environmental Psychology, 49, 17-.

Designed Public Low-Cost Housing in Kuala Lumpur. Habitat International(34). 1827-.

84. Philips, D. O. (2004). Factors influencing older persons' residential satisfaction in big and densely populated cities in Asia : a case study in Hong Kong. Ageing International, 29(1), 4670-.
85. Philips, D. S. (2004). Factors influencing older persons' residential satisfaction in big and densely populated cities in asia: A case study in Hong Kong. Ageing International, 29, 4670-.
86. Pickren, W. A. (2010). A History of Modern Psychology in Context. New Jersey: John Wiley & Sons.
87. Rowles, G. (2006). Commentary: a house is not a home, but can it become? The Many Faces of Health, Competence and Well-Being in Old Age, 2532-.
88. Schmidt, D. R. (1979). Perceptions of Crowding. Environment and Behavior(11), 105130-.
89. Sio, O. P. (2002). A study of family support, friendship and psychological. International Journal of Aging and Human Development, 55, 299319-.
90. Tu, K. L.-T. (2008). Evaluative structure of perceived residential environment quality in high-density and mixed-use urban setting An exploratory syudy on Taipei city. Landscape and Urban Pla;;ing, 157171-.
70. United Nations. (2016). The United Nations Conference on Housing and Sustainable Urban Development (Habitat III). United Nations.
71. Aragones & Amerigo, A. (1997). A Theoretical and Methodological Approach to the Study of Residential Satisfaction. Journal of Environmental sychology, 17(1), 4757-.
72. Baba&Austin. (1989). Neighborhood Environmental Satisfaction, Victimization and Social Portici potion as Determinants of Perceived Neighborhood Safety. Environment and Behavior, 6(21), 763-780.
73. Daily Report of habitat. (1996). Earth Negotiations Bulletin. Published by the Intenational Institute for Sustainable Development (IISD).
74. Della, S. (2006). Longman Dictionary of American English. Laurence Delacroix.
75. Galster C George, H. G. (1981). Residential Satisfaction Compositional and Contextual Correlates. Environment and Behavior, 13(6), 735758-.
76. Gifford, R. (1999). Perception and Recognition Environmental. Architectural and Cultural jornal, 229-21, (1)3-.
77. Heising, J. (1989). Psychology of Religion. Encyclopedia of Religion, 12, 5766-.
78. Jian Gea, K. H. (9 November 2006). Research on residential lifestyles in Japanese cities from the viewpoints of residential preference, residential choice and residential satisfaction. Landscape and Urban Planning, 78(3), 165-178.
79. Levy-Leboyer C, c. R. (1993). The need for space and residential satisfaction. Architecture and Comportment/ Architecture and Behaviour, 9, 475490-.
80. 81. Marans& Lansing. (1969). Evaluation of Neighborhood Quality. AIP Journal(11), 195199-.
81. Marans, W. (2015). Quality of urban life & environmental sustainability studies: Future linkage opportunities. Habitat International, 4752-.
82. Michelson, W. (1966). An Empirical Analysis of Urban Environmental Preferences. Journal of the Amer. Institute of Planners(31), 355360-.
83. Mohit, M. (2010). Assessment of Residential Satisfaction in Newly



## نگرش بیوفیلیک رویکردی در ارتقا سطح کیفی محیط زندگی ساکنان مجتمع‌های مسکونی

**احسان بیطرف** - دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
**فرح حبیب\*** - استادی، گروه معماری و شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
**حسین ذبیحی** - دانشیار، گروه معماری و شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

### چکیده

اتصال محکم زندگی انسان و طبیعت به عنوان عنصر ذاتی و فطری، این تصور بشر برای فرار از تحت سلطه بودن سیستم‌های حیات به وسیله‌ی پیشرفت بشریت و فن‌آوری‌های نوین به شکلی که توانایی تغییر و انتقال بنیادین جهان طبیعت را داشته باشد را زیر سوال برده است و به تبع این توهم نابخردانه معماری‌ای را ایجاد کرده که تراکم شدید ساختمان‌ها و فروپاشیدن محیط طبیعی اطراف و جدایی مردم از اکوسیستم و فرآیندهای طبیعی را به دنبال داشته است. در دنیای کنونی افزایش بی‌رویه جمعیت شهرها از یک‌سو و توسعه بی‌ضابطه از سوی دیگر و هم‌چنین صنعتی شدن بدون توجه به آسایش و سلامت افراد در فضاها، مسکونی، جوامع بشری را در معرض بحران قرار داده است. مسکن به عنوان یکی از پدیده‌های واقعی از نخستین مسایلی است که بشر همواره برای دگرگونی مناسب و معقول آن در تلاش است. هدف از ساختن فقط تولید نیست بلکه کاربری آن مدنظر است؛ و کیفیت نقش مهمی را در کسب رضایت متقاضیان مسکن دارد. ارتقای کیفیت مجتمع‌های مسکونی، یکی از عوامل تأثیرگذار بر مطلوبیت محیطی در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند کیفیت زندگی و رضایت‌مندی ساکنین مجموعه‌های مسکونی را تحت تأثیر قرار دهد. باور بنیادین این پژوهش بر آن است که بشر به عنوان یک گونه‌ی زیستی، همواره پیوندی غریزی و فطری بین انسان‌ها و دیگر سیستم‌های حیات را برای خود قائل است، با تشخیص نیاز فطری انسان برای برقراری ارتباط با طبیعت به همراه پایداری و استراتژی‌های جهانی طرحی برای خلق محیط‌هایی که تضمین‌کننده کیفیت زندگی و معماری سبز باشد را در پی داشته است. روش مورد استفاده بر حسب هدف، روش تحقیق کاربردی و شیوه‌ی مطالعه بر حسب روش و ماهیت، تحقیق توصیفی-تحلیلی می‌باشد و گردآوری اطلاعات آن بر مبنای مطالعه منابع کتابخانه‌ای و تحلیل محتوایی آن‌ها بوده است، نتایج حاصل از پژوهش مبین این موضوع است که با ایجاد ارتباط بین انسان و طبیعت می‌توان به یک فضا، با کیفیت مطلوبی دست یافت و ارتقای کیفیت محیط زندگی نیز به معنای عرضه پاسخ‌های مناسب و متنوع از طریق محیط، به نیازهای متفاوت فیزیولوژیکی و روان‌شناختی کاربران آن فضا است.

**واژگان کلیدی:** معماری مسکونی، بیوفیلیک، طبیعت، انسان.

### Biophilic attitude toward improving the quality of the living environment of residential residences

#### Abstract

The strong connection of human life and the nature of nature as an inherent element, this human imagination to escape under the domination of the life system by the development of humanity and the modern of the natural ecosystem surrounding the ecosystem and the natural processes surrounding the ecosystem and its natural processes and processes. In the current world, the rise of the population of cities from one side and the development of the criteria on the other hand, and such an industry regardless of the comfort and health of individuals in residential spaces have exposed human societies to the crisis. Housing is one of the real phenomena that human beings are always trying to change. It is not meant to create only production, but is considered to be a user, and quality has an important role in satisfying housing applicants. Improving the quality of residential complex, one of the factors influencing environmental desirability is considered to affect the quality of life and the satisfaction of residents in residential residences. The fundamental belief in this research is that human beings, as a biological species, have always a natural instinct between human beings and other living systems, recognizing human nature to communicate with nature and global strategy. The method used in terms of goal, applied research method and study in terms of the method and nature, descriptive - analytical research and the compilation of its information based on the study of the library resources, is the result of the fact that with the creation of the relationship between human nature and its users' environment, the results of the empirical research are to the users of its users.

**Keywords:** Residential Architecture, Biophilic, Nature, Human.

\* این مقاله مستخرج از رساله دکتری معماری با عنوان «تدوین اصول و معیارهای معماری اکولوژیک و بیوفیلیک در راستای ارتقا کیفیت مجتمع‌های مسکونی ایران» است که به راهنمایی دکتر فرح حبیب و مشاوره دکتر حسین ذبیحی در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران انجام یافته است. نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۲۱۵۹۱۴۲، رایانامه: f.habib@srbiau.ac.ir

۱۷۵۰ باز می‌گردد. در آن سالها دو کتاب علمی و تاریخ‌ساز، چاپ و منتشر شد: یکی کتاب «گونه شناسی گیاهی» نوشته «لینئوس» در سال ۱۷۵۳، که در آن عرصه گیاهان سبز از طریق نامگذاری بر مبنای علم گیاه‌شناسی بر اساس جابجایی گرده‌ها و توانایی تولید مثل اندام‌های ماده یا شیوه‌های تولید مثل به رشته تحریر در آمده بود و دیگری کتاب «تاریخ طبیعی» نوشته «بوفون» در ۱۷۹۴ بود که در آن سعی شده بود تمامی پدیده‌های زنده بر اساس قوانین کلی طبیعت جمع‌آوری و خلاصه شوند که البته جدای تعارض یا التقاط مفهومی به ترمینولوژی‌های مرتبط چون «بیونیک»<sup>۳</sup>، «بیومیکس» و «بیومیکرای» و در نهایت «بیوفیلی» منتهی شده است.<sup>۴</sup> مثلاً «واژه بیونیک» از دو لغت لاتین «بیو+ نیک»<sup>۵</sup> تشکیل

۳. «بیونیک» یک علم بین رشته‌ای مدرن است که در نیمه قرن بیستم ظهور یافته و مفاهیم علوم طبیعی و مهندسی را به کار گرفته و مهارت‌های جمع‌آوری شده در زمینه‌هایی مثل زیست‌شناسی، تکنیک‌های رادیویی، شیمی، سبیرنتیک، فیزیک، بیوفیزیک و ساختمان‌سازی را سنتز می‌کند. این علم از مطالعه «سیستم‌های حیاتی پیچیده» در «موجودات زنده و فرم‌های طبیعی» که از نقطه نظر «بیوتکنولوژیک» آنالیز شده‌اند، به وجود آمده است. روح بیونیک را در این شعار می‌توان خلاصه کرد: «طبیعت قبلاً آن [همه چیز] را به انجام رسانده است» (باین و پل، ۱۳۸۹، ص ۲۷).

۴. در رابطه با «رابطه فرم و عملکرد در طبیعت»، برای اولین بار «بوفون» بود که در سخنرانی خود در آکادمی فرانسه در باب موضوع سبک، در ۱۷۵۳ از «قیاس‌های زیست‌شناسانه» در توضیح مقصود خود استفاده کرد. او گفت: «ذهن انسان هرگز قادر به خلق چیزی نیست مگر اینکه ذهن او از طریق انجام تجربیات و تمرکز افکار پروراند شده باشد، بدان معنی که ادراکات او نطفه‌های محصول او را شکل می‌دهند». بعدها یونگ در کتاب خود با نام «حدهایی در باب ترکیبات اصیل» (۱۷۵۹) عنوان نمود که: «آنچه را که اصیل خوانده می‌شود می‌توان منبعث از یک طبیعت حاصل خیز دانست که به گونه‌ای خودرو از ریشه‌ای زنده بنام نبوغ جوانه می‌زند و رشد می‌کند. آن هرگز چیزی نیست که «ساخته» شود». در باب کاربرد هنر در طبیعت، اولین کسی که این مفهوم را در قالب یک نظریه صرفاً هنری بیان کرد، «ساموئل تیلور کولریج» بود. بعدها «جی. جی. هررد» در کتابی با عنوان «در باب دانایی و احساس روح انسان» از گیاهان به عنوان قیاسی برای بهبود و توسعه فرم‌های هنری روئیده در زمان و مکان خاص خود استفاده کرد. «کولریج» با هجسه‌بری بر فلسفه «مکانیکی ذره ای» اشاره می‌کند: «فرم تنها زمانی خصوصیت مکانیکی می‌یابد که ما ماده‌ای را بر اساس یک فرم از پیش تعیین شده تحت فشار قرار دهیم مثل زمانی که یک توده گل را برای بدست آوردن شکلی در میان دستان خود بفشاریم. در حالیکه یک «فرم ارگانیک» حاوی خصوصیتی ذاتی است. به همان ترتیبی که از درون خود رشد می‌یابد، فرم می‌پذیرد؛ تمامیت توسعه و پیشرفت آن یک ویژگی کلی و واحد داشته و غایت فرم بیرونی منبعث از همین خصوصیت ذاتی می‌باشد.

بشریت تاکنون با استثمار کردن زمین، کوچک کردن طبیعت و گسترش شهرها به عنوان نمادی از تمدن خویش، انقلاب صنعتی، کشف سوخت‌های فسیلی و مسلح شدن با ابزار قدرتمند تکنولوژیکی بزرگ‌ترین فجایع اکولوژیکی و محیطی را همچون اختلال در لایه ازن، انقراض انواع نسل‌ها، گسترش بیابان‌ها و باران‌های اسیدی را رقم زده است.<sup>۱</sup> این فجایع، در اواخر قرن بیستم میلادی، انسان را وادار به تغییر نگرش در ارزش-گذاری و تجدید نظر در ارتباطش با طبیعت و محیط پیرامون خویش نموده است. ارتباط «محیط زیست» و علوم میان رشته‌ای منجمله معماری همواره در تاریخ و بالاخص دوران معاصر مورد توجه قرار گرفته است که سرچشمه آن به ایجاد نوعی ارتباط دورن ساختاری میان علوم منجمله محیط زیست و «زیست‌شناسی»<sup>۲</sup>

دارد؛ که طرح مباحث مرتبط و میان رشته‌ای اهمیت یافته است؛ چنانچه روش «قیاس‌های زیست‌شناسانه»، همانند بسیاری از ایده‌هایی که بر «دکترین معماری مدرن» تاثیرگذار بودند به سالهای

۱. دو مفهوم محوری در اندیشه «اریک فروم» وجود دارد؛ یکی مفهوم «میکروفیلی» و دیگری «بیوفیلی». بیوفیلی به معنی «دوست‌دار زندگی» است اما میکروفیلی یعنی کسی که دوست‌دار مرگ و شینیت است. فروم معتقد است جوامع و رویکردهای اجتماعی نظام سرمایه‌داری که امروزه ما را دست به گریبان خود کرده است به سمت میکروفیلی شدن رفته است یعنی ما به جای اینکه طبیعت و زیبایی را دوست بداریم به سمت شیء شدن می‌رویم. کسی که باغ را نمی‌تواند به‌مثابه یک باغ دوست داشته باشد شیء شده است. او ترجیح می‌دهد درختان باغ را بسوزاند و آن را تبدیل به برج‌های بلند کند و این یکی از شاخصه‌های شیء شدن و کلاسی شدن انسان‌ها در این عصر است.

۲. کلمه «زیست‌شناسی»، یا «علم حیات»، در حدود سالهای ۱۸۰۰ توسط «لامارک» ابداع شد؛ و در همان زمان کلمه ای با عنوان «مورفولوژی» یا «علم فرم»، توسط «گوته» که در آن زمان به همان اندازه که به عنوان شاعر درکی عمیق تر از واژه مورفولوژی داشت (بخصوص هنگامی که موضوعات مورد توجه آنها برای مطالعه به مقایسه و دریافت رابطه‌ها بین ساختارهای زنده و توسعه آنها محدود می‌شدند)، که عرصه فرم‌های غیر زنده نظیر صخره‌ها را هم شامل می‌شد. این موضوع، از جمله عواملی بود که باعث بوجود آمدن ابهاماتی در «قیاس‌های زیست‌شناسانه» شد، بدین ترتیب که از همان آغاز، این تردید بوجود آمد که آیا «مورفولوژی»، ساختارهای زنده بطور عام را شامل می‌شود یا آن ساختارهایی را که رشد می‌کنند، در حیطه خود قرار می‌دهد؛ مثلاً در اواخر قرن هیجدهم، «فلیکس ویک دُزیر» مقایسه کهنه بین رشد «ارگانسیم‌های زنده» را با رشد «کریستالها» مردود دانست و مدعی شد که شکل کریستالها از «قواعد ریاضی» تبعیت کرده و «ساختاری همگن» دارند؛ در حالیکه «ارگانسیم‌ها»، دارای «اشکالی مدور» بوده و «ترکیبی پیچیده» دارند (رک: محمودی نژاد، ۱۳۹۲، ص ۳۴).

یافته است که در آن «بیو» ماخذی از زبان یونانی به معنای «زیست» و «حیات» است و حروف ic پسوند شبیه‌ساز هستند به معنی «مثل» و «مانند». اگرچه لغات «بیومیمیکرای»<sup>۶</sup>، «بیومیمیکتیکس»<sup>۷</sup>، «بیوگنوسیس»<sup>۸</sup>، و «بیومکانیک»<sup>۹</sup> و «بیومیمیتیک»<sup>۱۰</sup> نیز در زمینه ارتباط طبیعت با دانش بشری هستند لیکن واژه بیونیک بیشتر گویای ارتباط بین طبیعت و طراحی محصول است. لذا امروزه «محیط زیست» و «زیست‌بوم» اهمیتی مضاعف در زندگی انسان یافته و رویکردهای نوین در برنامه ریزی شهری به این مهم التفات ویژه ای داشته اند؛ چراکه محیط دوستدار محیط زیست، سه کیفیت محیط طبیعی شامل: تنوع تمام‌ناپذیر، انسان ساخت نبودن آنها و حس جاودانگی و پایان‌ناپذیری است (Fjortoft 2004:23). از این‌رو، روانشناسان محیط واژه «بیوفیلیا»<sup>۱۱</sup> را برای این «حس طبیعت دوستی» به کار می‌برند. بدین معنا که انسان به طور وراثتی و از لحاظ بیولوژیکی وابسته به طبیعت است و توجه و یا عدم توجه به این حس طبیعی احساسات مثبت و منفی را در

۶. به موازات بیونیک، بیومیمیکس را می‌توان نام برد که به معنای تقلید از طبیعت است و در آن بیشتر به استفاده از مکانیزم‌های رایج در طبیعت در ساختارهای محصولات تاکید شده است. واژه «بیومیمیکرای» (یا بیومیمیکس) نخستین بار در سال ۱۹۵۰ توسط «اتوشمیت» و «جک استیل» در حین فعالیت به روی یک پروژه هوانوردی در پایگاه هوایی «رایت پترسون» در ایالات متحده آمریکا ابداع و مورد استفاده قرار گرفت. دلیل دیگری که اهمیت استفاده از علم بیونیک را گوشزد می‌کند، نظام سعی و خطا در دانش بشر و عاری بودن طبیعت از خطاهای موجود در آن است و در مرحله بعد نیاز بشر به ارتباط مستمر با طبیعت نظام محصولات ساخته ی دست وی را بیش از پیش به سوی نظامهای طبیعی و سازگار با آن سوق می‌دهد. در حقیقت می‌توان نیاز بشر به پیروی از طبیعت را برای حل مشکلات طراحی محصولاتش یک نیاز واقعی و اجتناب‌ناپذیر دانست.

7. Biomimetics
8. Biognosis
9. Biomechanic

۱۰. علم تقلید از «موجودات زنده» برای طراحی مصالح و سازنده‌های هوشمند است. پیدایش علم نوری مواد هوشمند، توجه بسیاری از محققان را به سوی مواد بیولوژیک متمرکز کرده است، زیرا آنها بر آن هستند که از خصوصیات و نحوه رشد این مواد طبیعی تقلید کنند و مصالح مهندسی جدیدی را بیافرینند. مواد بیولوژیک با قدمت چهار بیلیون سال در طبیعت می‌توانند سرچشمه خلق مواد هوشمند مصنوعی باشند. علم «بیومیمتیک» بر پایه این فرضیه است که در طول تکامل، طبیعت یک مسئله بهینه‌یابی را حل کرده است؛ در حالیکه ممکن است این راه حل در کلیات معلوم باشند، اما توابع هدف آن ممکن است گنگ و مبهم باشد و ضوابط این مسئله بهینه‌یابی کاملاً شفاف نباشد.

11. Biophilia

انسان‌ها ایجاد می‌کند (Ibid 23). از سویی دیگر، هم‌چنین با توجه به افزایش روز افزون حجم ساخت و ساز و گسترش شهرها همراه با افزایش جمعیت و مطرح بودن این صنعت به عنوان یکی از پر مصرف‌ترین صنایع دنیا که بخش قابل توجهی از مصرف انرژی را به خود اختصاص داده است، رویکردهای نوینی در معماری هم‌چون «معماری سبز یا اکولوژیک» و «معماری پایدار»، «معماری بیوفیلیک، معماری کارآمد، معماری اقلیمی مطرح گردیده که نه به‌عنوان یک سبک جدید، بلکه یک روش در تفکر طراحی، به هدف هماهنگی با طبیعت و کاهش آسیب بر محیط و منابع انرژی در طبیعت می‌باشند (اصغری، ۱۳۹۰). از سویی دیگر، «گنجینه الهامات طبیعت» تمام‌نشده است و چنان غنی که هرچه از آن بردارند، باز پایانی ندارد. اگر ذات‌نگر باشیم، باید بدانیم که برای معمار هنرمند، هیچ منبع زیباشناختی به اندازه درک قانون طبیعت بارآور و الهام‌بخش و مفید نبوده است. طبیعت هیچ وقت به طور آماده و حاضر در اختیار نیست. در پس اشکال مشهودتر طبیعت، مکتبی عملی دارد که می‌توان به مدد آن تناسب را درک کرد و آن را در خود پروراند. معمار باید بتواند وحدت را درک کند، در کجا می‌تواند وحدت را چنان که در مکتب طبیعت یافت می‌شود، پیدا کند؟ شناخت روابط میان شکل و کارکرد، اصل اساسی در کارهای معمار است، طبیعت با دست و دل‌بازی آن را آموزش می‌دهد. تمایز فرم‌ها که تعیین‌کننده هویت است، در درختان به بهترین نحو، نمود دارد و آفرینش که مشخصه یک اثر هنری است، در طبیعت به بهترین نحو نمایان است (رایت، ۱۳۸۱، صص ۲۰-۲۵)؛ لذا امروزه عده‌ای به واسطه این نظریه رایت؛ معماری ارگانیک را دنبال می‌کنند که طبیعت ایده‌آل انسانی است و بشر در آن احساس آرامش و راحتی خواهد کرد (هاشم نژاد، ۱۳۸۰، صص ۲۷).

از طرفی، عدم توجه به نیازهای انسان در طراحی مجتمع‌های مسکونی، کیفیت پایین زندگی و عدم رضایت-مندی افراد را به دنبال داشته است و این مهم سبب عدم پاسخ‌دهی محیط‌های مسکونی شده است. ارتقای کیفیت مجتمع‌های مسکونی،



یکی از عوامل تأثیرگذار بر مطلوبیت محیطی در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند کیفیت زندگی و رضایت‌مندی ساکنین مجموعه‌های مسکونی را تحت تأثیر قرار دهد. ارتقای کیفیت محیط زندگی، به معنای عرضه پاسخ‌های مناسب و متنوع از طریق محیط، به نیازهای متفاوت فیزیولوژیکی و روان-شناختی کاربران است. در این میان معماری بیوفیلیک برای برقراری ارتباط با طبیعت به همراه پایداری و استراتژی‌های جهانی طراحی برای خلق محیط‌هایی است که واقعا بتوانند کیفیت زندگی انسان را افزایش دهند. پژوهش حاضر به بررسی میزان تأثیرگذاری معماری بیوفیلیک در سطح کیفی محیط زندگی ساکنان مجتمع‌های مسکونی می‌پردازد.

## ۲- روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، بر اساس روش کیفی و استدلال منطقی استوار است. هم‌چنین مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای اساس بیان، تحلیل، توصیف و تفسیر مطالب موجود در این مقاله را تشکیل می‌دهد. پژوهش کیفی به تفسیر شرایط می‌پردازد و بر نقش محقق به منزله‌ی عنصری حیاتی در نتیجه‌ی حاصل از تحقیق تأکید خاص دارد (گروت و وانگ، ۱۳۸۹، ص ۸۸). این پژوهش به پژوهش‌گر امکان آن را می‌دهد که با موضوع تعامل داشته باشد، برای گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها از روش‌های انعطاف‌پذیری استفاده کرده و پدیده‌های مورد مطالعه را از دیدگاهی جامع مورد ملاحظه قرار دهد (حریری، ۱۳۹۰، ص ۵).

## ۳- مروری بر ادبیات موضوع

نگاهی به منابع اطلاعاتی معتبر هم‌چون مقالات، مجلات و کتب نشان می‌دهد که در خصوص معماری بیوفیلیک تحقیقات زیادی صورت پذیرفته است. لذا با توجه به محدود بودن منابع مطالعاتی، در ذیل به شرح برخی از تحقیقات انجام گرفته در ارتباط با این موضوع می‌پردازیم:

۱. محمدعلی بیگی‌نژاد و علی‌اکبر عامری در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی ویژگی‌های معماری بیوفیلیک در بناهای بومی ایرانی، نمونه موردی: اقلیم گرم و خشک»، به

بررسی ویژگی‌های معماری بیوفیلیک در بناهای بومی ایرانی در اقلیم گرم و خشک پرداختند. آن‌ها ابتدا مفهوم معماری بیوفیلیک و رویکردها و عناصر این معماری را بررسی نمودند و اقلیم گرم و خشک و بناهای ساخته شده بر اساس این اقلیم را معرفی کردند. در ادامه اصول طراحی معماری بیوفیلیک در بناهای بومی ایرانی را با توجه به ارتباط این بناها با طبیعت بیان کردند.

۲. عبدالرضا شریفی و مرتضی آذرپیرا در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی الگوگیری از محیط‌زیست طبیعی در معماری شهری و استفاده از نظریه بیوفیلیکا (شهر در باغ) و مقایسه آن با رویکرد شهرسازی در مکتب اصفهان»، با تبیین ضرورت‌های عملی نظریه بیوفیلیکا در معماری شهری نوین و مقایسه آن با مکتب شهرسازی اصفهان درصد بررسی بومی‌سازی اعتقادی این نظریه برآمدند.

۳. فروزان پیرمحمودی و امیر برزویی در مقاله‌ای تحت عنوان «معماری بیوفیلیک در برنامه‌ریزی با رویکرد طراحی پایدار»، در پی تبیین نقش محیط و شکل‌های مبتنی بر طبیعت در ایجاد معماری با عملکرد منطبق با نیازهای انسانی بوده‌اند.

۴. ساناز محمدخانی در مقاله‌ی خود تحت عنوان «نظریه معماری بیوفیلیک»، به بررسی مبانی معماری بیوفیلیک می‌پردازد.

۵. هادی سلطانی‌فرد و صدرالدین مقدم در مقاله‌ای تحت عنوان «مقدمه‌ای بر رهیافت بیوفیلیک در برنامه‌ریزی و طراحی پایدار»، در جستجوی رهیافتی در طراحی بوده‌اند که نه تنها در گریز و ستیز از طبیعت نبوده، بلکه مکمل آن باشد و بتواند از طبیعت به عنوان عاملی تأثیرگذار در راستای ارتقاء کیفیت زندگی بهره‌جوید.

۶. هادی حاتمی، علی صراف‌نیک و حامد ایمان‌طلب در مقاله‌ای تحت عنوان «چگونگی کیفیت‌بخشی به فضای معماری مسکونی با نگرش بیوفیلیک»، با تبیین

شاخصه‌ای از معماری، تحت عنوان «رها شدن در طبیعت و هم‌نوایی با آواهای طبیعت» چنین اشاره می‌کند:

«ادغام فضای معماری با طبیعت محیط پیرامون به عنوان یکی از اصول معماری مدرن از طرف همه معماران به یک شکل تحقق نیافته است. خصوصاً در کارهای رایج، این رویکرد به شیوه‌ای کاملاً برجسته و تمایز از شیوه‌های دیگر تحقق یافته است. نمونه بارز آن خانه معروف آبشار است. بدیهی است که در فلسفه طبیعت‌گرایی رایج، نغمه اصلی را طبیعت تعیین می‌کند و فرم و فضای معماری باید از آن پیروی کند. به این ترتیب، تفاوت‌های آشکار در فرم و فضای آثار رایج را باید ناشی از تنوع همین آواهای نهفته در طبیعت مناطق مختلف دانست. صخره‌های آبشار، بیابان گرم و خشک تالیه سیو غربی با گیاهان و رویدنی‌های خشک ویژه صحاری منطقه آریزونا، خانه رومی در محیط و فضای اهلی شهری، هر یک آهنگ مخصوص به خود دارند که رایج از آن تبعیت کرده و آثار خود را موافق با طبیعت هر یک طراحی و اجرا نموده است (نوحی، ۱۳۷۹، ص ۲۲).

لذا سوالی مطرح می‌شود که آیا معماری که هماوایی و قرابت احساسی با زیست بوم داشته و احساس مثبتی به محیط را فراهم می‌کند می‌تواند معماری بیوفیلی قلمداد شود؟ پاسخی که به این سوال داده می‌شود نیازمند تعریف‌پذیر کردن ترمینولوژی خاص معماری در مفاهیمی چون معماری ارگانیک، معماری بیونیک و حتی معماری بیوفیلی است. این چنین است که رایج بر این نکته تصریح دارد که «هویت حاصل بیان طبیعت روح یا اصل حیاتی هر چیز ارگانیک است؛ تا به آنجا که فکر یا غریزه زندگی در برابر حواس ما فرمی یکدست به خود می‌گیرد؛ به این درجه که برسد، هویت مشهود می‌شود. پس هویت فقط تقدیر نیست، می‌توان تعریف‌هایی را بدست آورد و گفت که هویت گویی هنر طبیعت است» (رایج، ۱۳۷۲، ص ۳۲).

ضرورت‌های عملی نظریه بیوفیلیکا در معماری شهری نوین و مقایسه آن با مکتب شهرسازی اصفهان درصدد بررسی بومی‌سازی اعتقادی این نظریه برآمدند. ۷. خداوردی جعفری و عاطفه یوسفی در کتابی تحت عنوان «معماری بیوفیلیک و توسعه پایدار»، مبانی معماری بیوفیلیک و توسعه پایدار را در نه فصل مورد مطالعه قرار دادند، به گونه‌ای که در فصل اول به اهمیت معماری بیوفیلیک، در فصل دوم تأثیرات آموزه‌هایی از طبیعت در طراحی بیوفیلیک و فصل سوم و چهارم به معماری بیوفیلیک در توسعه پایدار و مصرف انرژی اختصاص یافته است. بیوفیلیک و معماری زیست‌گرا و الگوهای معماری بیوفیلیک در فصل پنجم و ششم تدوین شده است و در فصل هفتم و هشتم نیز نیازهای انسان و محیط با نگرش بیوفیلیک مورد بررسی قرار گرفته و بالاخره در فصل آخر کاربرد الگوهای بیوفیلیک در سازه‌ها تشریح گردیده است.

#### ۴- چهارچوب نظری پژوهش

##### ۴-۱- بیوفیلیک

##### ۴-۱-۱- واژه‌شناسی بیوفیلیا<sup>۱۲</sup>

واژه بیوفیلیا از دو جزء Bio و Philia تشکیل شده است. واژه Bio فرمی است که در ابتدای اسم‌ها، صفت‌ها و قیدهایی استفاده می‌شود (Oxford Dictionary, 2010) که به چیزهای زنده یا زندگی انسان‌ها مربوط می‌شود. واژه Philia جذابیت و احساس مثبتی است که مردم نسبت به عادت‌ها و فعالیت‌ها و تمام چیزهایی که در طبیعت اطراف ماست دارند (psychology.wikia.com) در نتیجه Biophilia همان احساس مثبت انسان‌ها نسبت به موجودات زنده می‌باشد.

پس بطور رایج معماری دوستدار محیط زیست و همگام با محیط زیست که احساس مثبتی را در ذهن ایجاد کند اطلاق می‌شود؛ چنانچه «حمید نوحی» در کتاب «تاملاتی در هنر و معماری» به



تصویر ۱. این گفته رایت «هیچ خانه‌ای نباید روی تپه باشد، بلکه باید جزیبی و برآمده از طبیعت باشد، متعلق به آن باشد، تا تپه و خانه بتوانند با هم زندگی کنند و خوشحالی هر یک به لحاظ وجود دیگری باشد»، به بهترین شکل در خانه آبشار (۱۹۳۷) طراحی و اجرا شده است؛ ماخذ متن: قبادیان، ۱۳۸۲، ص ۶۴؛ و ماخذ تصویر: آرشیو نگارنده.

«مرغزار» او آشکار است؛ سبکی که در آن با الهام از مرغزار، صفحات معماری بر فضایی افقی تاکید می‌کنند (آنتونیادس، ۱۳۸۱، ص ۴۱۳-۴۱۴).

همه موارد فوق‌الذکر به این نکته تصریح دارد که دنیای مکانیکی امروز دیگر راهگشا نیست و باید ریشه‌های زیست پایدار را در زیست بوم و محیط ارگانیک پیرامونی جستجو کرد. در رابطه با تفاوت جهان مکانیکی و جهان ارگانیک، می‌توان به جدول زیر اشاره کرد:

بر همه واضح است که فرانک لوید رایت به طبیعت احترام می‌گذاشت و آن را به مثابه سرچشمه الهام بخشی برای معماری خود می‌پنداشت. او واژه «طبیعت» را به کرات در سخنان خود به کار می‌برد، و دو مورد از مهم‌ترین نوشته‌هایش - «خانه طبیعی» و «درباره سرشت مصالح» - درباره مفاهیم ساخت طبیعی، همزیستی و هماهنگی طبیعی است. او طبیعت را کامل می‌کرد و گاه برای به قاعده در آوردن معماری از آن بهره می‌جست. این حالت در سبک

جدول ۱. تفاوت جهان مکانیکی و ارگانیک؛ ماخذ: قبادیان، ۱۳۸۲، ص ۱۶۴.

جهان مکانیکی	جهان ارگانیک
ایستا- محدود شده	متحول- سیال
فضای مطلق و زمان مطلق جدا قاب های فضا- زمان یکسان برای همه ناظران	فضا- زمان غیر قابل تفکیک ناظر مشروط- وابسته
اجسام خنثی با مکان مشخص در فضا و زمان	ارگانیزم ها به صورت غیر محلی که متقابلا با فضا- زمان درگیر است.
فضا - زمان خطی - همجنس	فضا- زمان غیرخطی، غیرهمجنس، چند بعدی
دلایل محلی خلق شده، غیرفعال و در نتیجه ناظر به صورت خنثی	دلایل غیر محلی خلاق، فعال درگیر بودن ناظر و نظارت شده

#### ۴-۱-۲- اهمیت بیوفیلیک

در معماری سنتی می‌توان ساختمان را با گیاهان پوشش داد تا ساختمان سبز ایجاد شود. اما در معماری بیوفیلیک نمی‌تواند چنین چیزی صورت بگیرد، در این معماری باید فرم (شکل) فرآیند بزرگی را تفسیر نموده و پارامترهای عینی و ذهنی بسیاری را دارا باشد. هم‌چنین ساختمان سبز عبارت گیج‌کننده‌ای در معماری بیوفیلیک می‌باشد. ساختمان سبز سازه‌ای است که بتوان با استفاده از فرآیندهای نوسازی آن را شکل داد، در حالی که معماری بیوفیلیک با تاثیرات منفی آب و هوایی درگیر است و آسایش جسمی و روحی انسان را بهبود می‌بخشد تا زندگی سالمی را ایجاد کند (Minke, 2001).

متأسفانه تکنولوژی مدرن (جدید) و پیشرفت‌های مهندسی موجب شده که این باور در مردم به وجود آید که ژن‌های طبیعی و ارثی نمی‌توانند آن‌ها را محدود کنند و حتی می‌توانند از آن‌ها سبقت گیرند و بالاتر روند. این عقیده باعث شده که تصور بشریت برای فرار از تحت سلطه بودن سیستم‌های حیات به وسیله پیشرفت بشر و رشد تمدن به شکلی که توانایی تغییر و انتقال پایه‌ای جهان طبیعی را داشته باشد، تقویت کند. این توهم خطرناک، معماری‌ای را به وجود آورده که تراکم شدید ساختمان‌ها، کم کردن و فروپاشیدن محیط طبیعی اطراف و جدایی مردم از سیستم‌ها و فرآیندهای طبیعی را به همراه دارد. الگوی حکم‌فرما در طراحی ساخت و سازهای مدرن (جدید) به گونه‌ای است که ساختمان تبدیل به یک مصرف‌کننده منابع و انرژی ناپایدار شده است. این نوع معماری، آلودگی هوا و آب را گسترش می‌دهد، تغییرات آب و هوایی و جوی را فراگیر می‌کند، حق نسل‌های آینده را از بین می‌برد، شرایط ناسالم فضای داخلی را به وجود می‌آورد، بیگانگی با طبیعت را می‌افزاید و باعث رشد بی‌مکان «placelessness» می‌شود. طراحی بیوفیلیک در واقع تلاشی است برای از بین بردن شکافی که بین معماری مدرن (امروزی) و نیاز انسان‌ها به برقراری ارتباط با جهان طبیعی به وجود آمده است. طراحی بیوفیلیک یک

در رابطه با فلسفه مکانیکی و ارگانیک و نحوه ظهور آن در قیاس‌های زیست‌شناسانه دوستدار محیط زیست (بیوفیلی) می‌توان گفت که در اینکه ایده های «کولریج» از آلمان [بودند]، جایکه در جوانی تحصیلات خود را در آنجا گذرانیده و چنین ایده هایی برای مدتی مدید در جریان بوده است، تردیدی وجود ندارد. کتاب «حدسیات یونگ»، هرچند که چندان در انگلستان مقبول واقع نشد، ولی تنها دو سال پس از انتشار آن به آلمانی ترجمه شد و حکم انجیل را برای افرادی نظیر «استورم»<sup>۱۳</sup> و «استرن»<sup>۱۴</sup> پیدا کرد. «جی. جی. هردر»<sup>۱۵</sup> در کتابی با عنوان «در باب دانائی و احساس روح انسان» (۱۷۷۸)، از «گیاهان» به عنوان قیاسی برای بهبود و توسعه «فرم» های هنری روئیده در زمان و مکان» خاص خود استفاده کرد. «گوته» در بیانیه اولیه و مشهور خود در خصوص معماری آلمان، «گوتیک» را به مثابه محصول «ارگانیک حاصل از رشد نبوغ در ذهن انسان»، توصیف کرد؛ اما «کولریج» که البته مشخصاً یک زیست شناس تازه کار بود، نه تنها در برگردان تمام این نقطه نظرها به دنیای انگلیسی زبان اهتمام ورزید، بلکه او تهاجمی تمام عیار را بر علیه فلسفه «مکانیکی ذره‌ای» خلقت سازماندهی کرد. او نوشت: «فرم تنها آن زمانی خصوصیت مکانیکی می‌یابد که ماده‌ای را بر اساس یک فرم از پیش تعیین شده، تحت فشار قرار دهیم؛ مثل زمانی که یک توده گل را برای بدست آوردن شکلی در میان دستان خود بفشاریم؛ در حالیکه یک فرم «ارگانیک» حاوی خصوصیتی ذاتی است. او به همان ترتیبی که از درون خود رشد می‌یابد، فرم می‌پذیرد. تمامی توسعه و پیشرفت آن یک ویژگی کلی و واحد داشته و غایت فرم بیرونی آن منبعث از همین خصوصیت ذاتی می‌باشد.» این عبارات را می‌توان با گفتار «فرانک لوئید رایت» در مقاله‌ای با عنوان «در باب علت معماری»<sup>۱۶</sup> نگاهت، مقایسه کرد. او گفت: «منظور من از معماری «ارگانیک» آن است که این معماری از درون به بیرون در هماهنگی با شرایطی که ایجاد آن را میسر می‌دارد، توسعه می‌یابد.» (محمودی نژاد، ۱۳۹۲، ص ۵۶).

13. Storm

14. Stren

15. J.G Herder

16. In the Cause of Architecture

رویکرد ابتکاری است که بر اهمیت نگهداری، بالا بردن و ترمیم تجربه سودمند استفاده از طبیعت در محیط ساخته شده تأکید می‌کند (Stewart – Pollack, 2006).

#### ۴-۱-۳- طراحی بیوفیلیک

طراحی بیوفیلیک در یک نگاه، تشخیص نیاز فطری انسان برای برقراری ارتباط با طبیعت به همراه پایداری و استراتژی‌های جهانی طراحی برای خلق محیط‌هایی است که واقعا بتوانند کیفیت زندگی را افزایش دهند (Stewart-Pollack, 2006:37). «پروفیسور کلرت» طراحی بیوفیلیک را مدل جدیدی از معماری سبز می‌داند که وعده داده است انسان‌ها را دوباره با طبیعت پیوند دهد. «کنت مسدن»<sup>۱۷</sup> و «نیکوس سالینگاروس»<sup>۱۸</sup> طراحی بیوفیلیک را دانش اعصاب، محیط طبیعی و طراحی ساختمان دانسته‌اند (Salingaros, 2008:432) و آن را به عنوان یک علم میان‌رشته‌ای معرفی کرده‌اند. به طور کلی طراحی بیوفیلیک کوششی دقیق برای فهم و درک نیاز ذاتی بشر برای همبستگی و پیوند با دنیای طبیعی و تأثیر آن در طراحی و ساخت محیط‌های مناسب برای زندگی می‌باشد. این موضوع نسبتا به سادگی و راحتی قابل درک است، اما با این وجود دستیابی به آن فوق‌العاده مشکل است، چراکه محدودیت‌هایی هم برای درک کامل زیست‌شناسی بشر و جنبه‌های مختلف نهاد و سیرت او برای پیوند با جهان طبیعی وجود دارد و هم این‌که محدودیت‌های دیگری به خاطر ناتوانی ما برای انتقال این مفاهیم در طراحی ساختمان‌ها و محیط کار را برای ما دشوار می‌سازد (Kellert, 2008:3).

طبیعی را وارد فضای انسان ساخت کنیم. از گیاهان، نور طبیعی و تهویه طبیعی در فضاهای معماری استفاده کنیم. مصالح طبیعی همچون: سنگ، چوب را برای ساخت جایگزین کنیم. عکس‌های مناظر طبیعی، نمادها و نشانه‌های طبیعت را در معماری داخلی و تزیینات نما و فضاها مورد استفاده قرار دهیم. در همه این موارد طبیعت به شکل مستقیم و بدون واسطه درک می‌شود (Kellert, 2008:63).

۲. رویکرد دوم: استفاده غیرمستقیم از طبیعت؛ رویکرد دوم به این صورت است که از ویژگی‌ها و خواص موجود در طبیعت در طراحی بهره‌برداری می‌شود. به طور مثال در ابتدا به پژوهش بر روی الگوی هندسی و پیچیده عناصر طبیعی می‌پردازد و سپس در جهت طراحی معماری یا سازه از آن استفاده می‌کنند و پیچیدگی مورد علاقه انسان‌ها در محیط طبیعی را، در فضای معماری خلق می‌کنند. چنین مواردی به شکل غیرمستقیم و ذهنی درک می‌شوند (همان).



تصویر ۲. دو رویکرد اصلی در طراحی بیوفیلیک؛ منبع: Kellert, 2008.

#### ۴-۱-۴- رویکردهای طراحی بیوفیلیک

مبانی بیوفیلیک با استفاده از روش‌های مختلفی می‌تواند در طراحی متبلور شود، اما به طور کلی دو رویکرد اصلی را دربرمی‌گیرد:

۱. رویکرد اول: استفاده مستقیم از طبیعت؛ به این معنی که تا می‌توانیم طبیعت و محیط

#### ۴-۱-۵- عناصر طراحی بیوفیلیک

بیان مستقیم و غیرمستقیم بیوفیلیک در طراحی در ۶ عنصر اصلی دست‌بندی و توصیف شده‌اند که به شرح ذیل می‌باشند:

17. Kenneth Madson  
18. Nikoos A.Salingaros





تصویر ۳. عناصر طراحی بیوفیلیک؛ منبع: Kellert, 2008

#### ۴-۲- معماری مجتمع مسکونی

##### ۴-۲-۱- مفهوم شناسی مسکن

درخصوص مسکن تعاریف متعددی ارائه شده است که به برخی از آن‌ها در ذیل اشاره می‌کنیم:

۱. مسکن اسم مکان است بر وزن مفعول به معنای محل آرامش و سکونت که از ماده سکن به معنی آرامش می‌آید و در اصطلاح به مکانی می‌گویند که انسان در آن زندگی می‌کند (قربانی سی سخت، یزدان‌پور، ۱۳۹۲، ص ۲).

۲. مسکن جایی است که در مقابل فضاهای متنوع و پر سر و صدا قرار دارد، محلی است که مردم پس از تلاش روزانه دور از هیاهوی ناشی از کار و فعالیت برای استراحت و زیست سالم به آنجا پناه می‌آورند (معین، ۱۳۶۲، ص ۴۳۹۰).

۳. مسکن یا واحد مسکونی، مکان، فضا و یا محوطه‌ای است که یک یا چند خانوار در آن سکونت داشته و به یک یا چند ورودی (شارع عام یا شارع خاص) راه داشته باشد (مرکز آمار ایران).

۴. مسکن مجموعه‌ای از تسهیلات است که به منظور ارائه خدمات فشرده در یک مکان

فیزیکی قرار دارد و معنی این واژه با توجه به گوناگونی شرایط اجتماعی، اقتصادی، و خانوادگی تغییر می‌کند. طبق این تعریف مسکن در مفهوم محیطی‌اش نه به عنوان یک سرپناه، بلکه به مثابه وسیله‌ای در نظر گرفته شده بود که می‌بایست معیارهای اساسی لازم برای ایجاد پیوند بین زندگی خانواده و محیط را دارا باشد (حیب، ۱۳۸۳، ص ۱۵). در دومین اجلاس اسکان بشر در سال (۱۹۹۶) که در استانبول برگزار شد مسکن مناسب چنین تعریف شده است: «سرپناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست، سرپناه مناسب یعنی آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی، تهویه، سیستم گرمایی مناسب، زیرساخت‌های اولیه از قبیل آبرسانی مناسب، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست‌محیطی، عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترس از نظر کار و تسهیلات اولیه که همه این موارد باید با توجه به استطاعت مردم خانه تأمین شود» (دلالت پور، ۱۳۷۹).

#### ۴-۲-۲- تعریف موضوعی مجتمع مسکونی<sup>۱۹</sup>

مجتمع‌های مسکونی با تجمع تعدادی آپارتمان در یک بلوک شهری، که به شکل یکپارچه طراحی و ترکیب شده باشند، پدید می‌آید. بسیاری از مجتمع‌های مسکونی دارای فضای عمومی مشترکی هستند که مورد استفاده همگانی ساکنان مجتمع قرار می‌گیرد و دیگران حق استفاده و حتی ورود به آن را ندارند. یک مجتمع مسکونی ممکن است از خانه‌های ویلایی مستقل و یا آپارتمان‌های چند طبقه شکل گیرد. اندازه مجتمع‌های مسکونی نیز متنوع است و برخی از آن‌ها به اندازه‌ی یک شهر متوسط جمعیت دارند (mag-iran.com).

#### ۴-۲-۳- نقش و جایگاه کنونی مجتمع مسکونی

شاید نتوان به صراحت گفت که مجتمع مسکونی عملکردی است که در شهرهای قرن بیستم پدید آمده و پیش از آن وجود نداشته است، بی‌شک نمونه‌های اولیه ساکن جمعی به قرن‌ها پیش باز می‌گردد، اما بدیهی است که تغییرات این عملکرد در قرن گذشته چنان بوده که تفاوت‌هایی ساختاری با نمونه‌های پیش از آن به وجود آمده و این امر سبب پیدایش مفهومی جدید در عرصه عملکردهای معماری شده است. در این میان با نیم-نگاهی به حجم انبوه مطالعات معمارانه و روانشناسانه‌ای که پیرامون پیامدهای زندگی در مجتمع مسکونی صورت گرفته است، می‌توان دریافت که کیفیت زندگی در مجموعه‌های عظیم، پرجمعیت و یکنواخت نه تنها برای مردمان مشرق زمین (که خانه‌هایی با حیاط‌های مرکزی، ایوان‌های وسیع و فضاهایی پرنور عادت داشته‌اند) بلکه برای ساکنین تمامی شهرهایی که برای اولین بار در این مجموعه‌ها سکنی گزیده‌اند، همراه با احساس غربت بوده است. مجموعه‌هایی که زاینده زیستن در شهرهای قرن بیستم است و اساساً تصور چنین مجموعه‌هایی پیش از افزایش سریع جمعیت، مهاجرت روستاییان به شهرها، افزایش قیمت زمین مسکونی، انقلاب صنعتی، تولیدات انبوه و پیش‌ساختگی بسیار دور از ذهن بوده است. مجموعه‌هایی که پس از قرن بیستم (دوران

بازسازی پس از جنگ جهانی دوم) زیستن در آن‌ها اجتناب‌ناپذیر بوده است. به همین دلایل آن-چه امروزه ملاک برتری طراحی اجتماعی در مقایسه با مجتمع‌های دیگر می‌شود چیزی نیست جز میزان موفقیت هر طرح برای کاستن این احساس غربت و افزایش احساس تملک و بازگرداندن هویت و شخصیت به تک‌تک واحدهای مسکونی. عدم وجود تعریفی مشخص از مقیاس و اندازه این عملکرد در ایران سبب شده است تا این واژه به طیف وسیعی از ساختمان‌های مسکونی، اعم از آپارتمان‌های چند واحدی تا شهرک‌های چندین هزار واحدی، نسبت داده شود. تغییرات و دگرگونی آرام این عملکرد به دلیل تغییر نیازهای مردم در طول زمان و نیز تاکید بر اهمیت دوره‌ای برخی شهرها به لحاظ تعداد زیادی مجتمع مسکونی ساخته شده همراه با نحوه‌ی نواندیشی در طراحی قابل درک است (طالبیان، ۱۳۸۷).

#### ۴-۳-۳- بیوفیلیک در معماری مسکونی

##### ۴-۳-۱- ارزش معماری مبتنی بر محیط طبیعی

اگرچه مدرک تجربی محکمی وجود دارد که انسان با مجموعه‌ی ویژه‌ای از چشم‌اندازها و عناصر طبیعی وابستگی مثبتی را حفظ می‌کند، اما نمی‌توان این نکته را انکار کرد که برخی مشخصات طبیعی یا رخدادها نیز موجب واکنش‌های منفی و حتی آزاردهنده در انسان‌ها شوند (Smardon, 1988:85).

##### ۴-۳-۲- لزوم ارتباط معماری با طبیعت

مطالعه تاریخ همواره یکی از مهمترین مطالعات بشمار می‌رود، «چرا که ذهن انسان همواره می‌تواند از شرایط خاص زمان و مکان خود فارغ شده و اصول اصیل و ماندگار جهان را بهتر درک کند» (حمزه نژاد، ۱۳۸۵، ص ۱۶۸). در رابطه با سیر رابطه انسان و طبیعت در طول تاریخ نظریات زیر قابل بررسی است:

۱. «نظریه فرازگرا»<sup>۲۰</sup>: در طول تاریخ، بشر با یک سیر پیشرفت‌گرا به تدریج رابطه اش را با طبیعت تکمیل نموده است.



تصویر ۵. تصویری از هلال حاصلخیز که نخستین تمدنهای مبتنی بر کشاورزی در این هلال شکل گرفته اند. هلال خضیب (به معنی داسه بارور)، نام بخش تاریخی از خاور میانه و در برگیرنده بخش‌های خاوری دریای مدیترانه، میانرودان و مصر باستان می‌باشد. این نام نخستین بار از سوی جیمز هنری بریستد باستان‌شناس دانشگاه شیکاگو بر این بخش از جهان گذارده شد. داسه بارور با رودهای نیل، دجله، فرات و رود اردن سیراب می‌شود. این منطقه از باختر به دریای مدیترانه، از شمال به بیابان سوریه و از دیگر سویها به شبه جزیره عربستان و خلیج فارس و دیگر بخش‌های مدیترانه محدود می‌شود. داسه بارور امروزه کشورهای مصر، اسرائیل، لبنان و نیز کرانه باختری رود اردن و نوار غزه و بخش‌هایی از اردن، سوریه، عراق، جنوب شرقی ترکیه، غرب و جنوب غربی ایران را دربرمی‌گیرد. جمعیت داسه بارور را امروزه نزدیک به ۱۲۰ میلیون یا دست کم یک‌چهارم جمعیت کل خاور میانه تخمین می‌زنند (ماخذ: محمودی نژاد، ۱۳۹۲، صص ۴۵-۴۹).

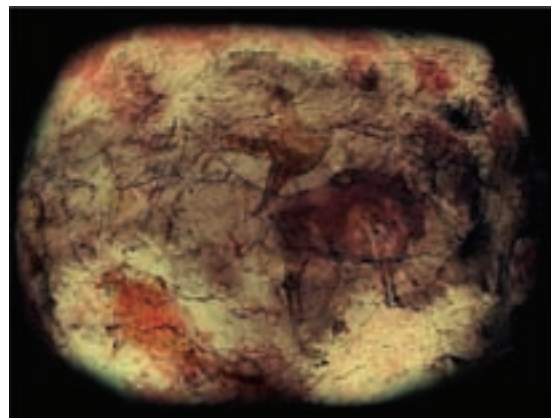
۲- «طبیعت و الگوواره فرا آرگانیک»<sup>۲۱</sup> : سطح توقع انسان از حوزه امنیت به حوزه آسایش می‌رسد. انسان قادر به تحمل ناملایمات نیست و درصدد هماهنگ کردن «طبیعت با خود» و یا «خود با طبیعت» برمی‌آید (همسو کردن طبیعت و خود به نفع هر دو). این دوره به دو بخش «دوره دام» (زندگی سیار) و «دوره کشاورزی» (زندگی ساکن)

۲. «نظریه فرودگرا»<sup>۲۱</sup> : بشر به تدریج از طبیعت فاصله گرفته و بهترین و کاملترین رابطه اش با طبیعت در آغاز تاریخ بوده است.

۳. «نظریه سیر تناوبی و پیشرفت زنده تاریخ» (نظریه ابن خلدون): سیر تکاملی بشر همانند موجودی زنده رشد کرده و به بلوغ می‌رسد و در نهایت می‌میرد. این سیر تکاملی در مورد تمام تمدنها می‌تواند صحیح باشد (همان، صص ۱۶۸-۱۶۹).

بشر در طول تاریخ تلاش کرده است تا سلطه خود را بر طبیعت گسترش دهد و در این راستا به پیشرفت‌هایی دست یافته است، اما از جهت درک ابعاد معنوی طبیعت، نه تنها پیشرفتی قابل توجه نداشت، بلکه سیر نزولی نیز داشته است. از این دو بعد، «ارتباط با طبیعت» را به چهار دوره تاریخی می‌توان تقسیم بندی کرد (کوششگران، ۱۳۸۴، ص ۲۱):

۱- «طبیعت و الگوواره آرگانیک» (دوره شکار یا عصر حجر)<sup>۲۲</sup> : در این دوره انسان تحت سلطه طبیعت قرار داشت و طبیعت بر تمام ابعاد زندگی او مسلط بود. انسان به دنبال تامین نیازهای خود؛ یعنی نیازهای امنیت و بقاء بود؛



تصویر ۴. نگارینه‌ای از انسان نخستین در غار آلتامیرای اسپانیا؛ ماخذ: محمودی نژاد، ۱۳۸۹ و

21. pessimism  
22. Organic

23. Hyper Organic

تقسیم می شود. در این رابطه می توان به «نظریه گوردن چایلد» در یکجانشینی بشر اشاره کرد.<sup>۲۴</sup>

۳- «طبیعت و الگوواره تسلط بر طبیعت»<sup>۲۵</sup> (دوره انقلاب صنعتی): در این دوره (دوره انقلاب صنعتی)<sup>۲۶</sup> توقع بشر فراتر از امنیت و آسایش رفته، رفاه و لذت طلبی را دنبال می کند. انسان در صدد حداکثر بهره برداری از طبیعت به نفع خودش است و زمینه آسیب رساندن به طبیعت را فراهم می آورد. «در این حالت، طبیعت به عکس نسبت پیشین، دیگر تعامل دو سویه و برابر با انسان را نمایندگی نمی کند، بلکه به شدت منفعل از اعمال یک سویه انسان قرار می گیرد.» (نصر، ۱۳۸۴، ص ۸). در این دوره مهندسی ژنتیک و دوران سلطه اتومبیل مطرح می شود (حمزه نژاد، ۱۳۸۵، ص ۱۸۳).

۴- «طبیعت و الگوواره شبه آرگانیک

۲۴. «نظریه گوردن چایلد»؛ گوردن چایلد بر پیدایش کشاورزی پیش از پیدایش تمدن و شهرنشینی تأکید دارد. از آغاز شهرنشینی به عنوان انقلاب شهری نام می برد و معیارهای شهرنشینی را شامل موارد زیر می داند: (وجود تمرکز در یک مکان، تخصص در حرف گوناگون، وجود وسیله گردش چرخ اقتصادی، معماری یادمان عمومی، طبقات خاص اجتماعی، پیدایش خط، علوم دقیقه، هنر طبیعی، تجارت خارجی و عضویت در گروه بر اساس محل سکونت و نه تبار و نژاد). چایلد دو رکن اصلی برای انقلاب شهری لازم می داند: تولید طعام مازاد قابل ذخیره و سایر مواد اولیه توسط بخشی از جامعه برای حمایت از فعالیتهای دیگر صاحبان حرف و اختراع خط که بدون آن امکان ثبت دائمی امکان پذیر نبوده است.

#### 25. High Technologic

۲۶. در سده هجدهم و اوایل سده نوزدهم، کارفرمایان بسیاری بودند که به سرعت عوامل تولید را به شیوه‌های جدید ترکیب می کردند، مشتاق کشف بازارهای تازه بودند، و از هر فکر جدید استقبال می کردند. در واقع، دوره، «دوره نوآوری» بود. در این دوره، رویه‌های حقوقی و قضایی هم تغییر کرد. نگارنده، در واقع معتقد است که انقلاب صنعتی محصول فرآیندی اجتماعی است و نه افراد نابغه. او می گوید، اختراع عمدتاً در جامعه‌ای صورت می گیرد که به جای توجه صرف به هدفهای مادی، درصدد ایجاد مخازن فکری باشد. او سپس چنین رابطه‌ای را بین مؤلفه‌های مختلف منجر به انقلاب صنعتی برقرار می کند: همزمان شدن عرضه روزافزون زمین، کار، و سرمایه موجبات توسعه صنعتی را فراهم آورد؛ سوخت و انرژی مورد نیاز صنعت در مقیاس کلان به یاری زغال سنگ و نیروی بخار تأمین شد. در این راستا، نرخهای پایین بهره، قیمت‌های روبه افزایش، و انتظار سودهای کلان نیز مشوق‌هایی مهم به شمار می رفت. اما در پس این عوامل اقتصادی و مادی و فراسوی اینها، چیزی بالاتر وجود داشت: داد و ستد با خارجی‌ان، افق دید افراد را نسبت به جهان گسترش داد. علم موجب توسعه برداشت و درک مردم از کاینات شد.

صنعتی»<sup>۲۷</sup>: همچنان انگیزه رفاه در این دوران وجود دارد، اما درک از آسیب‌های زیست محیطی بالاتر رفته است. جامعه جهانی در صدد سازگاری صنعت با طبیعت بر آمده است (همو، همان، ص ۱۸۴).

«ادوارد ویلسون» نویسنده کتاب «تأثیرگذار زیست‌شناسی اجتماعی» بر آن است که انسان، ذاتاً از خصلت زیست‌گرایی (بیوفیلیا) و طبیعت‌دوستی برخوردار است که در نهاد ژنتیک انسان به ودیعه گذاشته شده است. اگرچه انسان بر اساس یک سری علایق به انتخاب مکانی خاص برای سکونت اقدام می کند اما در شرایط ایده‌آل این سکونت‌گاه جایی است که درختان با فاصله از هم قرار گرفته و بین آنها را گیاهان علفی می‌پوشاند و گاهی کپه‌هایی از بیشه‌های کوچک و متراکم در آن دیده می‌شود. (این تجربه فضایی در انسان‌های اولیه با نام تاریخی ساوان شناخته می‌شود). در دوران قدیم بنیان‌های طبیعی زندگی آب، هوا، خاک، پوشش گیاهی هنوز به طور جدی تهدید نشده بودند و چشم‌اندازهای متنوع کشاورزی و بقایای چشم‌اندازهای طبیعی بخش وسیعی از طبیعت سرزمین ایران را تشکیل می‌دادند، به همین دلیل دسترسی به طبیعت آزاد، قدم زدن، هواخوری و گذران یک روز پربار در کنار طبیعت چندان دشوار نبود. به مرور زمان، نخست چشم‌اندازهای طبیعی و سپس چشم‌اندازهای متنوع کشاورزی از فضای پیرامون شهرها شروع به عقب‌نشینی کردند. شاید چنین روندی را بتوان برای اکثر فضاهای شهری شده جهان ردیابی کرد. ولی آنچه در مورد فضاهای شهری ایران قابل توجه و شاید بی‌همتا است، نابودی فضاهای سبز شهری گروه‌های درختی، تک‌درخت‌ها، باغ‌های قدیمی و تاریخی است که همواره آن را نسلی به وجود آورده و نسلی دیگر از میان برده است (کبیری سامانی، ۱۳۹۱).



نمودار ۱. رابطه انسان و طبیعت در تاریخ؛ ماخذ: نگارنده بر اساس محمودی نژاد، ۱۳۹۲.

به موازات عقب نشینی طبیعت و کاهش ارتباط انسان با محیط‌های طبیعی و طبیعی نما، فرآیند دیگری نیز به جریان افتاده است؛ تحولات زیست محیطی که در محیط‌های شهری رخ داده است نه در مسیری تکاملی (تکامل به معنای حرکت به سمت کمال) که از دیدگاه پزشکی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و فرهنگی، در مسیری انسان‌ستیز قرار گرفته‌اند. امروزه رابطه بسیاری از بیماری‌های جسمی، روحی، ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی با فشارهای زیست محیطی موجود در محیط‌های شهری به اثبات رسیده است. با این اوصاف از فضا و نمای سبز می‌توان برای تنش‌زدایی و ایجاد آرامش روحی و جسمی در محیط‌های شهری استفاده کرد. احداث هر نوع فضای سبز به روان‌بخشی، زیباسازی و ایجاد آرامش در محیط کمک می‌کند (کبیری سامانی، ۱۳۹۱).



تصویر ۶. نمودار کاربردهای فضای سبز؛ منبع: حاتمی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۷.

در رویکردی جامع به رابطه معماری و طبیعت، می‌توان به تقسیم‌بندی جامع و مانع زیر اشاره داشت؛ چنانچه در رابطه با رویکردهای مبتنی بر طبیعت در معماری می‌توان به موارد زیر اشاره داشت که در نگاهی عمیق به مفهوم ارتباط «طبیعت و معماری» امروز جهان، قابل مشاهده است:

۱. «ارجاع به منشاء»: در میان رویکردهایی که جستجوی امری بنیادین و سرشتی را در فضای معماری مورد تحلیل قرار داده‌اند، برخی از نظریه‌ها به مفهوم‌هایی مانند آغاز یا منشاء ارجاع نموده‌اند. اما در گروهی از نظریه‌ها ارجاع به منشاء توسط مفهوم‌هایی مانند سرنمون یا آرکتایپ و ناخودآگاه مورد تحلیل قرار گرفته است و این موضوع در نظریه‌های «گاتفرید زمپر» و «مارک آنتوان لاگیر» قابل پیگیری است. «لیووک» (۲۰۰۶) نمونه‌هایی مانند غار، حیاط سرپوشیده، حیاط روباز، آتشدان و قیاس‌های انسان‌انگارانه را به عنوان برخی از نمونه‌های وابسته به سرنمون معرفی کرده است.

۲. «ارجاع به آرگانیزم»: آنچه که در جامعه به عنوان معماری آرگانیک شناخته شده است، از درون جنبش مدرن و در حکم واکنشی نسبت به تأثیرات سبک بین‌المللی، محو شدن مفهوم پیشین طبیعت و بازگشت به ریشه‌های تفکر رمانتی سیزم پدید آمده است.

۳. «آرگانیک‌گرایی قرن نوزدهم»: با وجود آنکه در قرن نوزدهم به معنای آنچه که امروز از آرگانیک برداشت می‌شود، معماری آرگانیکی مطرح نبوده است، اما منشاء پیدایش آن را می‌توان در نظریه زیبایی‌شناسی کلاسیک، رنسانس و نیز علم بیان، جستجو کرد. در قرن نوزدهم، آرگانیزم مفهومی است که بیشتر در نظریه و به جهت شیوه خلق و تفسیر به کار رفته و در قرن بیستم این مفهوم به دو معنای دیدگاه و سبک طراحی معماری تبدیل شده است. در نظریه‌های آرگانیزم قرن نوزدهم افرادی مانند «الویز هرت»، «شینکل» و «راسکین» نوعی قیاس با اشکال طبیعی را مطرح نموده‌اند. تأکید اصلی در این نظریه‌ها بر وحدت آرگانیک است که به طور غیر مستقیم این وحدت قادر به نمایان نمودن ذات لایتناهی است و باید توسط هنرمند



تقلید شد. تاثیرات این امر در عرصه طراحی و تزیینات در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در جنبش‌هایی مانند آرت نوو مشاهده شده است. الهام از معماری بومی، سنت‌های محلی و به طور کلی گردهم‌آوری ویژگی‌های محیطی با به کارگیری از عناصر شاخصی چون فرم‌های گیاهی، خطوط منحنی و حس حرکت از مهم‌ترین این تاثیرات می‌باشند (هوکر، ۱۳۸۰؛ بنقل از نور محمدی، ۱۳۸۸، ص ۵۴).

۴. «ارگانیک‌گرایی علمی و عملکردی»: در قرن بیستم مفهوم ارگانیک متأثر از نظریه‌های سولیوان و فرانک لوید رایت به صورتی دیگر مطرح شد. واژه معماری ارگانیک در حدود سال ۱۹۰۸ میلادی توسط فرانک لوید رایت در واکنش به فلسفه سالیوان به کار گرفته شده است که بر یکی بودن فرم و عملکرد تاکید می‌ورزید. از نظر او رابطه میان اجزاء و کل یک ویژگی ضروری بشمار می‌رود؛ هر جزء باید هویت خود را در بر داشته باشد، اما در عین حال از کل تفکیک نگردد. از نظر رایت معماری ارگانیک در حالی که بر ادغام ابعاد متفاوت زندگی انسان تاکید می‌کند، به جامعه ارگانیک اطلاق می‌شود. او در معماری، این مفهوم را به بناهایی نسبت داده است که به زمان، مکان، محیط و مقصود، حقیقی باشند. در میان دیگر افرادی که از رویکرد ارگانیک رایت حمایت نموده‌اند، می‌توان به هوگو هرینگ، بروس گف، هربرت گرین و پائولو سولری اشاره نمود؛ هرچند که با مطالعه عمده آثار این معماران به طور قابل ملاحظه‌ای پیروی از طبیعت فیزیکی مانند به کارگیری خطوط و فرم‌های طبیعی، هماهنگی شیوه‌های ساخت با محیط طبیعی و مصالح طبیعی مشاهده می‌شود.

۵. «ارگانیسیم اجتماعی»: اشاره‌ای به نظریه‌های لوئیس مامفورد، فیلسوف و جامعه‌شناس، در رابطه با جستجوی تعادل آرمانی و مفهوم ارگانیک در درک بهتر سطوح متفاوت این اندیشه موثر است. مامفورد از متفکران و منتقدان برجسته قرن بیستم و متأثر از تعالیم پاتریک گدس است. نظریه‌های او تحت تاثیر متفکران رمانتیکی چون هگل، کلریچ، راسکین و موریس می‌باشد که معتقد بودند طبیعت به صورت مکانیزم نیوتنی ثابت

بشمار نمی‌رود، بلکه روح تکاملی است که شبکه زندگی یکپارچه را حیات می‌بخشد. مامفورد مساله ارگانیک را تنها در رابطه انسان و طبیعت خلاصه نکرده بلکه با اشاره به هدف دستیابی به اقتصاد متعادل و امکان تحقق جهانی، انسان را به درک وضعیت حقیقی خود و مشخص نمودن آرمان نوین زندگی تشویق نموده است.

۶. «ارجاع به نظم»: لویی کان در خلق آثار خود به طریق کامل تر و با رویکردی فلسفی و اندیشه‌ای عمیق، عمل کرده است. توجه او به مفاهیم روان، نظم، جوهر، نور و سکوت، همگی بر اساس این رویکرد استوار است. برخی از واژگانی که کان به کار برده است، متأثر از افرادی چون افلاطون و یونگ است و برخی دیگر به منظور بیان مفهومی خاص ابداع نموده است. به این ترتیب فرم از نظر کان با آنچه که به طور متعارف در ادبیات معماری به کار برده می‌شود، متفاوت است.

۷. «ارجاع به مفهوم ساختار و سرشت انسانی»: اندیشه ساختارگرایی به صورت ویژه‌ای بر معماری تاثیر نهاده است. به گفته «لوشینگر» (۱۹۸۱) ساختارگرایی به عنوان یک جنبش پیشرو از ۱۹۶۰ تا امروز مطرح شده است. این جنبش به مثابه بیان یک دیدگاه کل نگر و واکنشی نسبت به مفهوم مکانیکی عملکردگرایی مطرح شده در سیام (کنگره بین المللی معماران)، بازتاب یافته است. در ساختارگرایی، واقعیت به عنوان یک کلیت نگریسته شده که در آن بر خلاف توجه بیشتر نسبت به اجزاء، جزء و کل همزمان در نظر گرفته شده‌اند. متأثر از این جریان فکری به تدریج در میان معماران، فعالیتی شکل گرفت که به طور عمده مطالعه فرهنگ‌های باستانی مانند آفریقا و آمریکا آغاز گشت. در این میان می‌توان به فعالیت‌های «آلدو فن آیک»، «هرمن هرتزبرگر» و «یاکوب باکما» در هلند اشاره نمود که به کشف مجدد عناصر ازلی انسان و نیز ترجمه این امر به معماری مدرن پرداخته‌اند. به این ترتیب تحلیل مهم‌ترین نظریه‌های اصلی و خطوط مشی این جریان فکری تا حد زیادی می‌تواند نشان دهنده بازگشت به احیای سرشت انسانی نسبت داده شود.

۸. «ارجاع به روحیه مکان یا منطقه»: در نیمه نخست قرن بیستم، معماران بسیاری به ویژگی‌های محله

و منطقه‌گرایی‌گرایی داشته‌اند. نمونه روشن آن برخی از آثار لوکوربوزیه در دهه ۳۰ قرن بیستم، در شیلی و تولون می‌باشد. همچنین در دوران رشد معماری مدرن، معماری آلوار آلتو بازگوکننده جستجوی او درون ریشه‌های محیطی است؛ به گونه‌ای که انسان را و می‌دارد که ببیند و درک کند و علاوه بر آن احساس کند که به چیزی واقعی و اصیل رجعت می‌کند (نوبرگ شولتز، ۱۳۸۱، ص ۹۴). «ریکاردو بوفیل»، «آلوار سیزا»، «لویی باراگان» و «اسکار نیمایر» افراد دیگری هستند که هر یک به گونه‌ای حس منطقه‌ای و تعلق به مکان را در آثار خود منعکس نموده‌اند. مطابق نظر شولتز، اصطلاح منطقه‌گرایی جدید نیز در خلال دهه ۱۹۶۰ گسترش یافته و مکمل جریان ساختارگرایی آن زمان در جهت شناسایی انسان و انسانی کردن زندگی شهری به شمار رفته است. بحث ماهیت ویژگی منطقه‌ای نشان داده است که «هر زبان معماری باید با شرایط محلی سازگار باشد. هر اثر معماری تنها زمانی هستی می‌یابد که چنین تجسم عینی و ریشه‌ای تحقق یافته باشد و هر موقعیت باید در رابطه با کل فراگیرتر درک گردد.»

۹. «ارجاع به الگوهای زندگی»: کریستوفر الکساندر و همکاران او، در انتقال مبانی فکری خود به طور مستقیم از طبیعت، نیروهای طبیعت، الگوهای زنده و امر طبیعی بهره گرفته‌اند. نظریه اصلی الکساندر بر دیدگاه منسجمی از محیط عینی استوار است که تحت عنوان «کیفیت بدون نام» و «معماری زنده»

بیان شده است. نمونه این کیفیت‌ها در معماری بومی سنتی متجلی شده‌اند، اما الکساندر معتقد است که در معماری قرن بیستم این کیفیت‌ها به تدریج از میان رفته‌اند. او در «یک زبان الگو» به معرفی ۲۵۳ الگو پرداخته که با یکدیگر یک زبان را شکل می‌دهند. قصد او از الگوی مشترک، طرح قاعده‌های سه بخشی است که میان زمینه‌ای مشخص، نظام نیروهای مشخص که به طور مکرر در آن زمینه رخ می‌دهند و ترکیبی فضایی که امکان می‌دهد این نیروها خود را آزاد سازند، ارتباط برقرار می‌کند.

۱۰. «ارجاع به خردمندی بوم»: جستجوی کیفیتی حقیقی و خالص در فضا در برخی از رویکردها با ارجاع به خرد بوم و در برخی دیگر با ارجاع نوستالژیک و رمانتیک به معماری بومی همراه شده است. همچنین برخی معماری بومی را وسیله‌ای در آموزش و درک فضا در نظر گرفته‌اند برخی به طور مستقیم از فرم‌های بومی اقتباس نموده‌اند، در میان این طیف گسترده و با رجوع به رویکردی که تأثیرپذیری از بوم به صورت اقتباس مستقیم صورت نگرفته است، می‌توان به «بالکریشنا دوشی» معمار معاصر هندی اشاره نمود. اندیشه هماهنگی بستر، بوم و طبیعت در آثار او در سطوح عمیقی متجلی شده است. در معماری او می‌توان اعتقاد او به دانش طبیعت، پیوند آن با قوانین اخلاقی و معنوی هند و پیوند عمیق میان ذهن معمار و طبیعت را تحلیل نمود (نور محمدی، ۱۳۸۸، صص ۴۹-۵۸).

### جستجوی امر حقیقی در فضای معماری



نمودار ۲. رویکردهای مبتنی بر طبیعت در معماری؛ ماخذ: نگارنده بر اساس نور محمدی، ۱۳۸۸

### ۴-۳-۳- طراحی بیوفیلیک در محیط مسکونی

به طور ایده آل، باید با استفاده از حداکثر فرصت‌های ممکن، محدوده محله‌های مسکونی را به گونه‌ای طراحی کرد که بتوان به طور روزانه در معرض طبیعت قرار گرفت (Kellert, 2008).

تجربه‌ای احساسی خواهند بود که برایشان جالب و دل‌انگیز است. هم‌چنین وی اظهار داشت که با توجه به اهمیت این موضوع، در تمام طرح‌های خود فضای سبز عمومی را در نظر خواهند گرفت (همان).

### • اسکان مجموعه‌ای و فضای مشترک خارج از بنا<sup>۲۸</sup>

در این طرح، فضاهای بیرونی مشترکی در میان محوطه مسکونی در نظر گرفته شده است که فرصت‌های مناسبی را جهت در معرض طبیعت بودن را به وجود می‌آورد. این فضاها در مرکز واحد همسایگی قرار داشته و بدون عبور از خیابان قابل دسترسی می‌باشند، فضای پارک اتومبیل‌ها در حاشیه‌ها در نظر گرفته شده‌اند. به طور کلی دارای ماهیتی نیمه خصوصی، نیمه عمومی هستند و ۸۰ درصد استفاده‌کنندگان از این فضاها را کودکان تشکیل می‌دهند (Kellert, 2008: 183). حیاط و محوطه دانشگاه آکسفورد کمبریج، باغ‌های تاریخی و میادین شهرها در ایالات متحده آمریکا و انگلستان و در فرم‌های امروزی، شهرک‌های مسکونی با تراکم متوسط نمونه‌هایی از مصادیق این فضاسازی هستند. فواید این گونه فضاها به طور خلاصه به شرح زیر است:

۱. مهیا کردن امکان دید به فضای سبز از خانه.
۲. ارائه مکان بازی امن و بدون ترافیک برای کودکان.
۳. ایجاد فضاهای طراحی شده جهت کاشت توسط ساکنین که موجب به وجود آمدن گونه‌های متفاوت موجودات زنده می‌شود و در نهایت باعث ارتقای کیفیت محیط طبیعی می‌گردد.
۴. ارتقای حس اجتماع‌پذیری و تعاملات بین ساکنین، بالا بردن حس مالکیت و تعلق به مکان و هم‌چنین ایجاد احساس مسئولیت در برابر مکان زندگی و محیط طبیعی اطراف (Kellert, 2008: 183).

سولز<sup>۲۹</sup> در مورد این نوع مجموعه‌سازی‌ها عنوان کرده است که: ساکنینی که درب منزل‌شان رو به فضای سبز پارک مانند گشوده می‌شود، صاحب

### • بن بست‌ها و راه‌های عبوری سبز<sup>۳۰</sup>

آغاز طرح خیابان‌های بن بست را می‌توان در جنبش باغ شهر انگلستان دید. در این رویکرد طراحی، خیابان‌های محلی به بن بست منتهی می‌شوند که بهینه‌ترین حالت آن‌ها جهت دسترسی به فضای سبز به گونه‌ای است که مسیرهای بن بست، هم‌مرز با فضای سبز باشند و یا این بن بست‌ها در اطراف فضای سبز حلقه زده باشند. این فضاها می‌توانند، مکان امنی برای بازی کودکان به وجود آورند که طبق آمارهای به دست آمده، در مجتمع‌های مسکونی با داشتن خیابان‌های بن بست، کودکان ۷۵ درصد فعال‌تر بودن و نسبت به دیگر مجتمع‌های مسکونی به دلیل امنیت بالا، ۱۰۰ درصد رضایت والدین را به دنبال دارد. مسیرهای عبوری و شبکه راه‌های سبز، راهبردی دیگر در طراحی است و تاکید بر فضاهای باز مشترک دارد که از طریق پل‌های هوایی و یا زیرگذرها به فضای طبیعی اطراف متصل می‌گردند. هم‌چنین ایجاد سرعت‌گیرها در خیابان‌ها به منظور بالا بردن امنیت و به طور کلی دسترسی ایمن و آسان به فضای طبیعی اطراف مناسب است. دو نوع طراحی با این رویکرد وجود دارد که در نوع اول با طراحی لبه‌های آزاد برای مسیرها، رشد حیات وحش و پوشش گیاهی به شکل بهتر و کامل‌تری انجام شده و به دلیل دید والدین به فضاها، به طور کلی مکان مناسب‌تری جهت کودکان به وجود می‌آید. اما در نوع دوم طراحی به علت وجود لبه‌هایی با پوشش گیاهی بلند، عدم دید والدین و محدودیت رشد و نمو حیات وحش، کیفیت فضایی پایین‌تری حاصل می‌شود. فواید این مسیرها به طور خلاصه به شرح زیر می‌باشد:

۱. برای اکثریت قابل دسترس می‌باشند.
۲. ایجاد ارتباط با فضاهای بیرون از محدوده

28. Self-organization

29. Soules

30. Cul-de-sac and Green Ways

مسکونی از طریق پیاده روی و دوچرخه سواری. این فضاها، پتانسیل این را دارند که به عنوان کلاس درس مطرح شوند و به شکل ناخودآگاه بر ذهن کودکان جهت حفظ محیط زیست در آینده تاثیر خواهند گذاشت (kellert, 2008: 187).

#### • کوچه ۳۱

با نگرشی بر طراحی کوچه‌ها، می‌توان فضایی را مهیا کرد که برای بازی کودکان، ارتباط با طبیعت و تعامل ساکنین مورد استفاده قرار گیرد. در بسیاری از کوچه‌ها دیده شده است که در طولانی مدت ورودی خاصی برای کوچه تعریف شده، زباله‌ها به بیرون محوطه انتقال داده می‌شوند، فضای سبز را گسترش می‌دهند، از گلدان‌های گیاه و نظیر آن در فضا سازی استفاده می‌کنند، در کنار کوچه نیمکت و صندلی نصب می‌کنند و به طور کلی آن را تبدیل به یک محیط امن محلی برای ساکنین می‌نمایند که از طبیعت و تعامل با آن افراد دیگر لذت ببرند (kellert, 2008: 192).

#### • خیابان‌هایی با سرعت گیر ۳۲

این خیابان‌ها با داشتن سرعت گیرهای متعدد و یا بافت خاص موجب پایین آمدن سرعت حرکت اتومبیل‌ها و موجب بالا رفتن امنیت می‌شوند. در چنین خیابان‌هایی امکان بازی برای کودکان فراهم است و با گسترش فضای سبز در اطراف آن‌ها، کاشت بوته، درختچه‌ها و سایر گیاهان، می‌توان ارتباط با طبیعت را در آن‌ها نیز بهبود بخشید (kellert, 2008: 193).

#### ۵- نتیجه گیری و جمع بندی

در هر حال، معماری به شکل دهی «فضای زیستی» و ساختن فضایی برای انسان می‌پردازد. وسیله این عمل، شکل، ماده، توان و تکنیک و عرصه آن، طبیعت است. انسان در دوران مختلف تاریخی تابحال با دستکاری در محیط، آن را برای خود بصورت بهینه‌ای درآورده است، عناصر و عوامل طبیعت نقشی بسزا در چگونگی و روند شکل گیری این محیط مصنوع دارند و محیط مصنوع

بعد از ایجاد و بهره برداری نیز متقابلاً در شکل گیری شخصیت، رفتار و نظام عملکردی انسانی موثر است. این مساله تا آنجا پیش رفت که در دوران جدید پسا رنسانسی و حاکمیت «عقل ابزاری» به جای «عقل قدسی» و توجه بر «ابزار سازی» و «ابزارگری»، به مثابه مهمترین شأن وجودی انسان؛ طبیعت، تعریفی خاص و بی نظیر یافت. علم از دیدگاه پیشتازان نحله‌های فکری رنسانس جز علم تجربی (جدید) نبود؛ یعنی شناختی تجربی عقلی از رابطه‌های کمی میان پدیدارها به نحوی که به دریافت «قانون ثابت و لایتنیر» ختم شود، انسان را به پیشگویی رویدادهای آتی مجهز کند، وی را قادر به تبیین حادثه‌های موجود کند و البته مهم تر از این همه بتواند انسان را بر چیره شدن تمام عیار بر طبیعت توانا گرداند؛ به نحوی که به یاری علم جدید انسان از مواهب طبیعت به نفع خود بیشترین بهره ممکن را ببرد. در این قلمرو، طبیعت نه رفیق انسان بلکه رقیب انسان تلقی می‌شد. یکی از آسیب‌های جدی مدرنیته به عنوان کانون آرمانی اندیشه رنسانسی، جدا کردن انسان از مادر مهربان و سخاوتمندش یعنی طبیعت بود. رشد سریع تکنولوژی سبب گسترش بی رویه شهرها و حومه سازی و تخریب فضای سبز شد. شهرهای با کیفیت متوسط جایگزین طبیعت بکر و محیط‌های روستایی شدند. تا آنجا که جدایی انسان از طبیعت، هر روز بیش از پیش به سرگردانی و درماندگی او می‌افزاید. پیشرفتهای روز افزون عصر حاضر در عرصه های رشد تخصص‌های عملی از یک سو و در زمینه شناخت شگفتیهای طبیعت؛ از سوی دیگر، دیدگاه‌های بسیار جدیدی را پیش روی ما گشوده است. این دیدگاه‌ها علاوه بر نمایش بیش از پیش ظرافتها و معماهای دستگاه عظیم خلقت، اکنون تصویرگر توفیقات پر شماری در جهت پایداری تمدن بشری بوده است. همان‌طور که پیش‌تر بدان اشاره شد معماری بیوفیلیک، تشخیص نیاز فطری انسان برای برقراری ارتباط با طبیعت به همراه پایداری و استراتژی‌های جهانی طراحی برای خلق محیط‌هایی است که واقعا بتواند کیفیت زندگی انسان را افزایش دهد و محیطی متناسب با نیازهای فیزیولوژیکی و روان‌شناسی

انسان ایجاد کند. معماری بیوفیلیک کوششی دقیق برای فهم و درک نیاز ذاتی بشر برای هم‌بستگی و پیوند با دنیای طبیعی و تاثیر آن در طراحی و ساخت محیط‌های مناسب برای زندگی می‌باشد. از طرفی از لحاظ علمی به اثبات رسیده است که محیط مناسب زندگی انسان، محیطی است که دارای کیفیت مطلوبی باشد. و زمانی محیط، این کیفیت را دارا می‌باشد که بتواند نیازهای متفاوت فیزیولوژیکی و روان‌شناختی انسان‌ها را پاسخ داده و کیفیت قابل قبول و مطلوبی را برای آن‌ها به ارمغان آورده و رضایت انسان‌ها را به همراه داشته باشد که در این حالت با اهداف معماری بیوفیلیک هم‌راستا است.

#### منابع و ماخذ

۱. بیگی‌نژاد، محمدعلی، عامری صفات، علی اکبر (۱۳۹۵)، بررسی ویژگی‌های معماری بیوفیلیک در بناهای بومی ایرانی، نمونه موردی: اقلیم گرم و خشک، کنفرانس بین‌المللی نوآوری در علوم و تکنولوژی، دانشگاه آزاد اسلامی قشم، واحد بین‌الملل قشم، قشم، ایران، صص ۵۱۰-۵۰۰.
۲. پیرمحمودی، فروزان، برزویی، امیر (۱۳۹۶)، معماری بیوفیلیک در برنامه‌ریزی با رویکرد طراحی پایدار، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری، شهرسازی ایران معاصر، تهران.
۳. حاتمی، هادی، صراف‌نیک، علی، ایمان‌طلب، حامد (۱۳۹۵)، چگونگی کیفیت‌بخشی به فضای معماری مسکونی با نگرش بیوفیلیک، دانشگاه آزاد اسلامی قشم، واحد بین‌الملل قشم، قشم، ایران.
۴. حریری، نجلا (۱۳۹۰)، اصول و روش‌های پژوهش کیفی، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقت.
۵. حمزه نژاد، مهدی (۱۳۸۵) انسان، طبیعت و معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران.
۶. دلال‌پور، محمدرضا (۱۳۷۹)، برنامه‌ریزی مسکن، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۷. سلطانی‌فرد، هادی، صدرالدین، مقدم (۱۳۹۴)، مقدمه‌ای بر رهیافت بیوفیلیک در برنامه‌ریزی و طراحی پایدار، همایش بین‌المللی معماری، عمران و شهرسازی در هزاره سوم، تهران. شریفی، عبدالرضا، آذرپیرا، مرتضی (۱۳۹۴)، بررسی الگوگیری از محیط زیست طبیعی در معماری شهری و استفاده از نظریه بیوفیلیکا (شهر در باغ) و مقایسه آن با رویکرد شهرسازی در مکتب اصفهان، دومین کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار.
۹. طالبیان، نیما (۱۳۸۷)، مجتمع مسکونی، کتابکده کسری، مشهد.
۱۰. قربانی سی‌سخت، پورمند، یزدان‌پور، آناهیتا (۱۳۹۲)، کنکاشی بر تاثیر متقابل معماری مسکن بر فرهنگ و هویت در جامعه ایرانی، همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار، موسسه آموزش عالی خاوران.
۱۱. کبیری سامانی، علی (۱۳۸۹)، طبیعت‌گیمای معماری، چاپ اول، انتشارات گلدسته، اصفهان.
۱۲. گروت، لیندا (۱۳۸۹)، روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه علرضا عینی‌فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. معین، محمد (۱۳۶۲)، لغت‌نامه فارسی معین، صص ۴۳۹۰.
۱۴. آنتونیادس، آنتونی (۱۳۸۱) بوطیقای معماری (آفرینش در معماری) تئوری طراحی: راهبردهای نامحسوس به سوی خلاقیت معماری، ترجمه احمدرضا آی، انتشارات سروش، تهران.
۱۵. اصغری، ریحانه (۱۳۹۳)، بررسی مقایسه‌ای ریشه‌ها و مؤلفه‌های معماری پایدار و معماری اکولوژیک، مجموعه مقالات دومین همایش ملی معماری پایدار مرکز آموزشی و فرهنگی سما همدان، ایران.
۱۶. رایت، فرانک لوید (۱۳۷۲) برای اعتلای معماری، ترجمه فرزانه طاهری، آبادی، شماره نهم.
۱۷. رایت، فرانک لوید (۱۳۷۲) سبکها و معماران، ترجمه فرزانه طاهری، آبادی، سال دوم، شماره هشتم.
۱۸. رایت، فرانک لوید (۱۳۷۲) معنای مصالح: چوب، ترجمه فرزانه طاهری، آبادی، سال



32. Minke G (2001) Inclined green roofs-ecological and economical advantages and passive heating and cooling effect. Plea 2001.
33. Stewart – Pollack , Julie, July/August 2006 , Biophilic Design For The First.
34. Kellert, Stephen R. & [others]. (2008), Biophilic Design: The theory, Science, and practice of Bringing Building Life. Hoboken, New Hersey: John Wilcy & Sons, Inc.
35. www.psychology.wikia.com
36. www.mag-iran.com
۱۹. رایت، فرانک لوید (۱۳۷۲) معنای مصالح: رس پخته، ترجمه فرزانه طاهری، آبادی، سال سوم، شماره یازدهم.
۲۰. رایت، فرانک لوید (۱۳۷۲) معنای مصالح: سنگ، ترجمه فرزانه طاهری، آبادی، سال دوم، شماره نهم.
۲۱. رایت، فرانک لوید (۱۳۷۷) معنای مصالح: شیشه، ترجمه فرزانه طاهری، آبادی، سال سوم، شماره دوازدهم.
۲۲. قبادیان، وحید (۱۳۸۰) معماری نئوکلاسیک، معماری و فرهنگ، سال سوم، شماره دهم.
۲۳. قبادیان، وحید (۱۳۸۲) مبانی و مفاهیم معماری معاصر غرب، تهران، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
۲۴. قبادیان، وحید (۱۳۸۲) معماری پرش کیهانی یا معماری غیر خطی، مجله فرهنگ و معماری، شماره ۱۳.
۲۵. محمودی نژاد، هادی (۱۳۸۸) معماری زیست مبنا، تهران، انتشارات طحان با همکاری انتشارات هله.
۲۶. محمودی نژاد، هادی (۱۳۹۲) تبیین مبانی آموزش خلاقیت در معماری زیست مبنا، رساله دکتری معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۷. نوحی، حمید (۱۳۷۹) تاملات در هنر و معماری، تهران، انتشارات گام نو.
۲۸. نورمحمدی، سوسن (۱۳۸۸) ضرورت درک سرشت فضای معماری با استناد به رویکردهای معاصر مبتنی بر طبیعت، هنرهای زیبا، شماره ۳۷.
۲۹. هاشم نژاد، هاشم (۱۳۸۰) تاثیر و بازتاب معماری در تبادل فرهنگ و تمدن، معماری و فرهنگ، سال سوم، شماره یازدهم.
30. Fjortoft, Inguun) 2004), Landscape as playscape: The effect of Natural environment on children's play and Motor development, Journal of Children Youth and Environment; No:14(2);2144-;Retrieved 29 June, 2006 from <http://www.colorado.edu/journals/cye>
31. Oxford Advanced Learner's Dictionary, 2010.

## بررسی و ارزیابی نقش اقتصاد کشاورزی در توسعه شهر میداوود

فرشته زمانی گرمسیری - دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، واحد ماهشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ماهشهر، ایران  
مریم ایلانلو\* - استادیار گروه جغرافیا، واحد ماهشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ماهشهر، ایران

### چکیده

توسعه فیزیکی شهرها فرآیندی است پویا که طی آن محدوده فیزیکی و کالبدی شهرها در جهات عمودی و افقی از حیث کمی و کیفی افزایش می‌یابد و اگر این روند سریع و بی برنامه باشد، سیستمهای شهری دچار مشکلات زیادی در آینده خواهد شد. با توجه به مهاجرت روزافزون انسانها از نقاط روستایی اطراف شهرها و یا نقاط دیگر که باعث افزایش تقاضای این افراد برای زمین شهری به منظور سکونت شده است و اگر نظارت بر این ساخت و سازها صورت نگیرد، علاوه بر از بین رفتن زمین های مرغوب کشاورزی، شهر را با بحران های اقتصادی اجتماعی و محیطی مواجه می‌کند. هدف از انجام این تحقیق تحلیل نقشه اقتصادی مبتنی بر کشاورزی با رویکرد توسعه پایدار است. با توجه به نرخ مهاجرت در سالیان گذشته و آسیب های زیست محیطی هدف این است تا بطور علمی و دقیق نقش اقتصاد کشاورزی در رشد و توسعه شهر میداوود تبیین گردد. در ارزیابی رشد اقتصادی برنج و تاثیر آن بر رشد کالبدی شهر میداوود، پرسشنامه تهیه شده و پس از تکمیل پرسشنامه توسط ساکنان محدوده مطالعاتی بر اساس روش های علمی تجزیه و تحلیل شده است. برای آزمون فرض پیرامون میانگین یک جامعه از آزمون t تک نمونه یا One Sample t-Tset استفاده می شود. نتایج حاصل از تحلیل پرسشنامه نشان می دهد که رشد اقتصادی ناشی از کشت برنج در اثر تغییر در نوع کشاورزی قابل توجه بوده و راندمان تولید به طور قابل توجهی افزایش داشته است و این رشد اقتصادی در ماندگاری جمعیت و توسعه فیزیکی شهر تاثیر گذار بوده است.

واژگان کلیدی: برنج، توسعه، شهر، اقتصاد، میداوود.

### Investigating and Assessing the Role of Agricultural Economics in the Development of the City of Maidovud (Case Study of Rice Culture)

#### Abstract

The physical development of cities is a dynamic process in which the physical and physical limits of cities in vertical and horizontal directions increase quantitatively and qualitatively, and if this is a fast and unplanned process, urban systems will have many problems in the future. Given the ever-increasing migration of people from rural areas around cities and elsewhere, which has increased their demand for urban land for living, and if such structures are not monitored, in addition to the disappearance of high-quality agricultural land, the city Faces economic, social and environmental crises. The purpose of this study is to analyze the economic-based economic map with sustainable development approach. Considering the rate of immigration in recent years and environmental damage, the goal is to scientifically and precisely explain the role of the agricultural economy in the development and development of the city. In evaluating the economic growth of rice and its effect on physical growth of the city of Meydwond, a questionnaire was prepared and after completion of the questionnaire by residents of the study area, based on scientific methods, was analyzed. The results of the analysis of the questionnaire show that the economic growth caused by rice cultivation was significant due to the change in the type of agriculture and the production efficiency has increased significantly and this economic growth has affected the population's survival and physical development of the city

**Keywords:** rice, development, city, economy, Maidovud.

## مقدمه و بیان مسئله

در نظام سرمایه داری معاصر، شهر به عنوان مکان مناسب و شهرنشینی به عنوان شیوه مطلوب زیست در آن به شماری می آید (فیروز بخت و ربیعی فر، ۱۳۹۱، ص ۹۱). شهرها به طور معمول دو سوم افزایش جمعیت کل و بیشتر از نصف رشد جمعیت شهری و در نتیجه افزایش طبیعی و مهاجرت روستا به شهر را جذب می کنند (عطا و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۵). رشد سریع شهرها معمولاً با نابودی مناطق کشاورزی و طبیعی همراه است (رسولی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱). بر اساس نتایج تحقیقاتی که در سال ۱۹۷۷ توسط سازمان ملل متحد منتشر شد، ۷۱ کشور از ۱۱۴ کشور در حال توسعه بر این عقیده بوده اند که توزیع فضایی جمعیت آنها غیر قابل قبول بوده و از این رو به اصلاحات اساسی برای ایجاد تغییرات قابل توجه در توزیع فضایی و جابه جایی داخلی جمعیت پرداخته اند ۲۴ کشور یا در واقع ۲۰ درصد این کشورها، بر این عقیده بوده اند که نحوه توزیع جمعیت در کشورشان تا حدی غیر قابل قبول بوده و در خور مداخله و سیاستگذاری است (Aviti and Rafi, 1999:55). از این رو برای دستیابی به ایجاد تعادل فضایی منطقی تر سکونتگاه ها، شهرهای کوچک به ویژه شهرهایی که موقعیت استقرار آنها در شبکه شهری سکونتگاه ها به عنوان عامل و واسط میان کانون های شهری و روستایی عمل نمایند، مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت (Egziabhar, 2004: 6). زیرا شهرهای کوچک روستایی با ایجاد فرصت های شغلی زراعی، غیر زراعی و ارائه خدمات مورد نیاز، در کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگتر، نقش موثری ایفا نموده و زمینه توزیع متعادل جمعیت، امکانات و سرمایه را فراهم می آورند (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۵۱). از سوی دیگر دسترسی کشاورزان به مراکز بازار شهری می تواند به عنوان یک محرک برای کشاورزان عمل نموده تا میزان تولیدات خویش را افزایش دهند زیرا بازارها میتواند فرصتی برای کشاورزان فراهم نماید تا مازاد تولیدات خود را به فروش برسانند (فال سلیمان و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۸۷). برقراری رابطه منطقی بین جمعیت، فعالیت و توسعه، باعث توسعه هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و اعتلای سطح زندگی می شود (اکبری و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۵۰). از سویی کشاورزی، نقشی اساسی در تمامی ابعاد مکانی - فضایی توسعه دارد (قدیری معصوم و حجاجی پور، ۱۳۹۵، ص

۱۰۹). اهمیت تنوع اقتصادی به عنوان یکی از چالش های جهان امروز زمانی بیشتر آشکار می گردد که بدانیم که ۷۰ درصد از فقرای جهان، روستایی هستند جایی که زندگی تنها به فعالیت های کشاورزی بستگی دارد (کریم زاده و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۳۰). محققان زیادی در این زمینه مطالعه نموده اند که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره می کنیم.

SanteRiveira و همکارانش در سال ۲۰۰۸ در مطالعه ای در اسپانیا توان منطقه مورد مطالعه خود را برای کشت محصولات کشاورزی ارزیابی کردند و نتیجه را به شکل نقشه ارائه نمودند. در همه این مطالعات با استفاده از ارزیابی چندعامله فاکتورهای مختلف محیطی، اقلیمی و آبی به ارزیابی توان کشاورزی پرداخته شده است. در پژوهشی که توسط Polat در سال ۲۰۱۲ انجام گرفت از سیستم پشتیبان تصمیم گیری، تحلیل سلسله مراتبی و سامانه اطلاعات جغرافیایی در برنامه ریزی شهری استفاده شد. این تحقیق نشان داد استفاده از تکنیک ترکیبی نتایج دقیق تری را در بر دارد. (Vydan0 (2012 در مطالعه ای بر روی تغییرات کاربری زمین منطقه شهری آلگارو در جنوب پرتغال، از مدل ملند برای پیش بینی تأثیر توان اکولوژیک و فعالیت های اقتصادی و توسعه گردشگری بر کاربری زمین منطقه استفاده کردند و با توجه به سناریوهای مختلف توسعه گردشگری و توسعه اقتصادی، الگوهای محتمل کاربری زمین آینده این منطقه را به دست آوردند. در سال ۲۰۱۲ بر اساس، سیستم پشتیبان تصمیم فازی مبنا، برای ارزیابی مکان های مناسب کشاورزی و انتخاب مکان مناسب کشاورزی و انتخاب غله مناسب کشت انجام گردید. در این تحقیق، قوانین فازی برای انتخاب مکان مناسب کشاورزی و انتخاب غله مناسب، براساس دانش کارشناسی توسعه یافتند تا بتوانند با دلایل منطقی کارایی DSS را نشان بدهند.

همپانژاد (۱۳۸۶) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود در رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه نجف آباد موضوعی را با عنوان بررسی و تحلیل گسترش کالبدی شهر ارومیه تحقیق نمود و به این نتیجه رسیده است که وضعیت طبیعی و از طرف دیگر دیگر رشد جمعیت شهری باعث گسترش کالبدی شهر و جهت این گسترش شده است. اسماعیل پور و کردوانی در سال ۱۳۸۹ به بررسی نقش نقش محصولات کشاورزی با تأکید بر زعفران در توسعه روستایی شهرستان کاشمر پرداختند. در این مقاله اثرات اقتصادی زعفران بر توسعه روستایی، رفاه و امنیت،

اشتغال زایی، افزایش در آمد، تثبیت جمعیت و کاهش مهاجرت های بی رویه به سمت شهر در بخش مرکزی (دهستان بالا ولایت) به وضوح محسوس است و دهستان بالا ولایت موقعیت مناسبی از لحاظ شرایط اقلیمی، آب و خاک مناسب برای کاشت زعفران در مقیاس وسیع را دارا می باشد. فیروزی و همکارانش در سال ۱۳۹۵ به بررسی نقش کشاورزی در توسعه پایدار روستایی در بردخون شهرستان دیر پرداختند. نتایج نهایی پژوهش آنها نشان می دهد که کشاورزی به ویژه کشت گوجه فرنگی در توسعه پایدار روستایی بخش بردخون تأثیر بسزایی داشته است. شهر میداوود در طی سالیان اخیر روند رو به گسترش داشته است. روند رو به رشد شهر میداوود می تواند اثرات زیست محیطی مخرب را در پی داشته باشد. دلایل شهری را می توان در افزایش توان اقتصادی کشاورزی ناشی از کشت برنج و یا توان اکولوژیکی آن جستجو نمود. به منظور برنامه ریزی آتی و همزیستی با محیط پیرامون شناخت توان محیطی و دلایل رشد شهر میداوود می تواند برنامه ریزان منطقه ای را در مسیر درست تصمیم گیری قرار دهد. تا در صورت رشد اقتصادی ناشی از کشت مزارع کشاورزی از تغییر کاربری غیر علمی جلوگیری شود و در راستای توان اکولوژیکی و دسترسی به منابع آبی و خاک مناسب کشت و زرع صورت گیرد. همواره شهر میداوود با خطر گسترش شهر و نابودی اراضی کشاورزی و همچنین رشد اراضی در نواحی که توان اکولوژیکی محدود روبرو است. در همین راستا سوالات ذیل مطرح می شود: ۱- آیا ارتباط معنی داری بین رشد اقتصادی مبتنی بر برنج و توسعه فیزیکی اراضی کشاورزی کشت برنج وجود دارد؟ ۲- رشد و توسعه فیزیکی شهر میداوود تا چه اندازه تحت تاثیر کشت برنج می باشد؟

### مفاهیم، دیدگاه ها و مبانی نظری

هدف کلی توسعه، رشد و تعالی همه جانبه جوامع انسانی است، از اینرو در فرآیند برنامه ریزی برای دست یابی به توسعه و قرار گرفتن در میز آن، شناخت و درک شرایط و مقتضیات جوامع انسانی و نیازهای آن در ابعاد مادی و معنوی از جمله اقدامات ضروری در این زمینه است (تقدیسی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹). توسعه، ایده ای است که از اوایل قرن نوزدهم بوجود آمد (کلانتری خلیل آباد و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۰۷). به عبارتی هم جنبه های نرم افزاری حیات انسان نظیر تفکرات، سیاست ها و برنامه ها را شامل می شود و هم زمینه های

سخت افزاری مانند فعالیت های انسان در عرصه زیستی را بدین سان کشاورزی و مسایل مطروحه درباره آن را که نوعی کنش عرصه ای انسان در راستای تأمین غذا و نیازهای اقتصادی است، می توان از زمینه های بنیادین در جهت نیل به توسعه کلان و همه جانبه به شمار آورد (قدیری معصوم و حجتی پور، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲). اکثر شهرهای ایران در مراحل اولیه شکل گیری، با هدف استفاده از خاک های مرغوب برای زراعت، در کنار و یا در میان اراضی مرغوب زراعی استقرار یافته اند (عطا و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۸). سر نوشت هر شهری بر اساس میزان و چگونگی فعالیت های تولیدی و درآمد زایی آن معلوم می شود. اصولاً علل توسعه و رونق شهرها قبل از هر چیز رشد اقتصادی است. زیرا تولید و توزیع کالا و خدمات اشتغال به وجود می آورد و وجود زمینه های اشتغال موجب جذب افراد به محل می شود. پس طبیعی است رشد اقتصادی را مطرادف با نیاز بیشتر به زمین برای صنعت، تجارت، مسکن، تفریح و رفت و آمد دانست. معمولاً شهرهایی که دارای پایه اقتصادی قوی هستند، تمایل به بزرگ شدن دارند. در مراحل اولیه توسعه اقتصادی، تمرکز شهری (نظریه مرکز - پیرامون) افزایش می یابد، زیرا منابع و امکانات به طور فزاینده ای به مادر شهر جریان دارد. در حالی که در سطوح پیشرفته، مادر شهر ها رشد کمی خود را به تدریج از دست می دهند و شهرهای متوسط توسعه می یابند. از جمله عوامل اقتصادی که شهر را به وجود می آورد و به آن نقش می دهد، نوع فعالیت اقتصادی حاکم بر شهر است. این فعالیت ناشی از امکانات مساعد ناحیه ای و روستاهای پیرامونی آن است و در این رابطه، عامل ارتباط و حمل و نقل نقش مهمی دارد، زیرا نقل و انتقال مواد اولیه و کالاهای مورد نیاز مراکز شهری و دیگر محصولات کشاورزی تسریع می بخشد و در نواحی که امر ارتباط بیشتر و سهل تر است، مراکز شهری بیشتری شکل می یابند.

احداث شبکه راه ها اعم از راههای زمینی، دریایی و هوایی، وجود مراکز شهری را می طلبد. توسعه حمل و نقل و همراه هم علت و هم معلول فعالیت بیشتر اقتصاد و رشد شهرها بوده است و ترویج امکانات جدید در الگوی مصرف و حمل و نقل که امر جابجایی را تسریع می بخشد و به ایجاد شهرهای جدید و گسترش شهرهای قدیم کمک فراوانی می کند (فرید، ۱۳۷۵، ص ۱۰۳).

## روش تحقیق

جهت تحلیل اطلاعات ابتدا جداول فراوانی و نمودارهای مربوطه ترسیم و تحلیل توصیفی آنها ارائه می شود. همچنین شاخص های مرکزی و پراکندگی متغیرهای رتبه ای و نسبتی شامل میانگین و انحراف معیار و میانه و مد ارائه و مورد بررسی قرار می گیرند. سپس برای بررسی فرض های مورد بررسی در تحقیق که شامل اثر مثبت هر یک تغییرات در افزایش تولید می باشند از آزمون های آماری میانگین از جمله آزمون تی تک نمونه ای استفاده می شود. آزمون در سطح خطای ۵% انجام می شود.

آزمون میانگین: برای آزمون فرض پیرامون میانگین یک جامعه از آزمون t تک نمونه یا One Sample t-Tset استفاده می شود. فرضیه آزمون به صورت زیر می باشند.  $\mu$  میانگین جامعه و x عددی است که پژوهشگر فرض می کند.

$$H_0: \mu \leq X \text{ رابطه ۱}$$

$$H_1: \mu > X \text{ رابطه ۲}$$

در این صورت اگر مقدار sig از سطح خطا کوچکتر بود میانگین معنادار است. این آزمون دو دامنه است یعنی هم معناداری آماره آزمون زمانیکه از حد وسط بزرگتر است آزمون می شود و هم زمانی که از حد وسط کوچکتر باشد. لازم به ذکر است که فرض نرمال بودن نیز می بایست در خصوص متغیر بررسی شود. با توجه به اینکه تغییرات ۵ متغیر رتبه ای در این پرسشنامه مورد سوال قرار گرفته است، جهت بررسی فرض اثر مثبت کل تغییرات بر میزان تولید برنج، از میانگین حسابی این ۵ متغیر، متغیر رتبه ای جدیدی به نام تغییرات ساخته می شود که بیانگر مجموع تغییرات این ۵ عامل می باشد و نظر شالیکاران در خصوص کل تغییرات ایجاد شده را بیان می کند. در نهایت نیز نتیجه گیری از مطالعات نظر سنجی ارائه می شود.

## قلمرو و محدوده پژوهش

شهر میداوود از توابع شهرستان باغملک در شرق استان خوزستان واقع شده است که از مرکز استان مسافتی بالغ بر ۱۳۰ کیلومتر دارد. میداوود که به صورت دشتی حاصلخیز بوده در میان کوه های کم ارتفاع از سلسله جبال زاگرس محصور می شود. رودخانه علاء از کنار شهر می گذرد. عبور محور ارتباطی رامهرمز به باغملک موقعیت ارتباطی خاصی به وجود آورده به صورتی که این محور تا چند سال گذشته محور اصلی ارتباطی خوزستان به اصفهان بوده است. پیشه اصلی مردم این شهر کشاورزی بوده بطوری که مسافران عبوری در حین گذر از شهر عطر و بوی برنج چمپای میداوود را استشمام می کنند. آب و هوای آن

جهت انجام مطالعات و تدوین روش تحقیق در ابتدا کتب و مقالات مرتبط با موضوع پژوهش گردآوری شده و چهار چوب کلی بدست آمد. متناسب با هدف و سوالات مطرح شده که رشد اقتصادی برنج را دنبال می کند پرسشنامه طراحی گردید. در طراحی پرسشنامه سوالات بنیادی مانند رشد اراضی زیر کشت، دسترسی به منابع، حمایت از تولید، نقش تکنولوژی در افزایش راندمان و رشد جمعیت مطرح بوده است. هر پرسشنامه در حدود ۳۳ سوال طرح شده و در بازید های میدانی توسط ساکنان محلی تکمیل شده است. سوالات پرسشنامه مذکور در قالب متغیر های کمی، نسبتی، رتبه ای و اسمی می باشند. برخی از سوالات گنجانده شده در پرسشنامه فقط به دلیل جمع آوری اطلاعات پایه و همچنین کمک به تفهیم سوالات به کشاورزان بوده است و این سوالات متغیر نیستند و هدف اصلی و متغیرهای اصلی پرسشنامه شامل متغیرهای رتبه ای و کمی و نسبتی هستند و متغیرهای اسمی نیز اطلاعات مفیدی را در اختیار قرار می دهند اما در این پژوهش مورد تحلیل قرار نمی گیرند. عوامل و متغیرهای رتبه ای مورد بررسی در قالب این پرسشنامه به عوامل کلی تغییرات طی ۳۰ سال مورد مطالعه و تاثیر این تغییرات بر روی میزان تولید می باشد. این متغیرها که به نوعی در این پژوهش تغییرات آنها نسبت به ۳۰ سال قبل مورد بررسی قرار گرفته است شامل ۵ متغیر منابع آب، نحوه کشت، نحوه برداشت، طرح های ملی و منطقه ای، تسهیلات اعطایی می شود. از میانگین حسابی این ۵ متغیر، متغیر رتبه ای جدیدی به نام تغییرات کل ساخته می شود که بیانگر مجموع تغییرات این ۵ عامل می باشد و نظر شالیکاران در خصوص کل تغییرات ایجاد شده را بیان می کند.

دو متغیر کمی مساحت زمین زیر کشت و میزان محصول در هکتار نیز در پرسشنامه گنجانده شده است. عوامل و متغیرهای نسبتی شامل میزان محصول در هکتار، سهم کود و سموم شیمیایی در افزایش تولید، سهم تکنولوژی در افزایش تولید، هزینه کشت، قیمت تمام شده برنج می باشد. پس از تکمیل پرسشنامه، اطلاعات به محیط نرم افزار اکسل و سپس به محیطی SPSS منتقل شده و تحلیل های لازم انجام گرفته است. همچنین جهت مطالعات کامل تر در زمینه رشد جمعیتی، داده های آماری از مرکز آمار ایران دریافت شده و روند تغییرات رشد جمعیت در بخش میداوود مورد بررسی قرار گرفته است.



دو بخش دیگر به دلیل وجود زمین های کشاورزی، هر خانوار منزل خود را در محدوده زمین کشاورزی خود بنا کرده و ساختاری پراکنده دارد. موقعیت محدوده مطالعاتی در شکل شماره ۱ نمایش داده می شود.

بین کوهستانی و نیمه بیابانی بوده که دارای زمستان های نسبتاً سرد و تابستان های گرم می باشد. میداوود از سه بخش علیا، وسطی و سفلی تشکیل شده که در قسمت سفلی منازل مسکونی به صورت متمرکز بوده ولی در



شکل ۱. نقشه منطقه مورد مطالعه؛ مأخذ: نگارندگان.

تغییرات ایجاد شده به واسطه طرح های ملی و منطقه ای جهت تسطیح اراضی و آبرسانی و ...، تسهیلات اعطایی دولت و بانکها جهت تامین ماشین آلات و ملزومات شالی کاری، استفاده از سموم و کود های کشاورزی، استفاده از تکنولوژی و ماشین آلات در کشاورزی، کشت مجدد و ... نام برد که هر یک از این عوامل می تواند سهمی قابل توجه در افزایش تولید داشته باشد. از این پس در تحلیل پرسشنامه منظور از کشاورز و یا شالیکار، نمونه مورد بررسی در پژوهش می باشد. نتایج مربوط به هر یک از عوامل اصلی به تفکیک سوالات مربوط به آن عامل، به همراه تحلیل توصیفی آنها در زیر ارائه شده است. بر اساس تحلیل های صورت گرفته بر مبنای روش های آماری با استفاده از نرم افزار spss نتایج به شرح زیر می باشد:

زمین زیر کشت بیشتر شالیکاران حدود ۲ تا ۳ هکتار می باشد. میانگین زمین زیر کشت هر شالی کار حدود ۳ و یا کمی بیشتر از ۳ هکتار است. از ۳۰ سال پیش تاکنون منبع آبی مورد استفاده بیشتر شالیکاران رودخانه بوده و تغییری

## بحث اصلی

در طی سه دهه گذشته اقتصاد شهر میداوود متأثر از رشد اقتصاد کشاورزی رشد قابل ملاحظه ای داشته است. در این مدت کشاورزی و بالاخص شالیکاری در دشت میداوود رونق خاصی یافته است و به طبع آن اقتصادی منطقه را تحت تاثیر قرار داده است. با توجه به قدمت شالی کاری در منطقه و شرایط محیطی و منابع مناسب جهت شالی کاری در دشت میداوود شاهد تغییرات کاربری در اراضی بوده که این امر خود تحقیقات مناسبی را در این زمینه جهت حفظ منابع نیاز دارد. در طی ۳۰ سال گذشته تغییرات و یا عواملی باعث رونق شالی کاری در دشت میداوود شده اند. از جمله این عوامل می توان به افزایش تولید، کاهش هزینه تولید و افزایش قیمت و دسترسی مناسب به بازار جهت عرضه محصول و ... را برشمرد. افزایش تولید محصول نیز تحت تاثیر تغییرات اساسی در برخی از نیازهای کشاورزی شامل؛ سهولت دسترسی به منابع آبی با ایجاد سد ها و کانال های آبیاری و ...، تغییر در نحوه کشت و برداشت،

موثر قلمداد نموده‌اند. در حال حاضر نحوه کشت در دشت میداوود تلفیقی از سنتی و مکانیزه می‌باشد که نسبت به ۳۰ سال گذشته تغییر داشته است و بیشتر کشاورزان تغییر در نحوه کشت را به میزان کمی در افزایش تولید موثر اعلام نموده‌اند و میانگین (۲/۳۵) نیز نشان‌دهنده تاثیر کم این تغییرات بر افزایش تولید می‌باشد.

نداشته است. تقریباً اکثر کشاورزان بر این که دسترسی به منابع آب جهت کشاورزی افزایش نداشته است اتفاق نظر دارند. بیشتر شالیکاران سهولت دسترسی به منابع آب را به میزان زیادی در افزایش تولید موثر می‌دانند. از طرفی میانگین (۲/۶۴) بیانگر این است که در مجموع کشاورزان سهولت دسترسی به منابع آبی را در افزایش تولید نسبتاً

جدول ۱. نتایج حاصل از سوالات پرسش‌نامه؛ محاسبات: نگارندگان

عامل	سوالات	میانگین	میانگین	مد	انحراف معیار	میانگین	میانگین
مساحت	زمین زیر کشت شما چند هکتار است؟	۲/۲۶	۳	۳	۰/۹۷۰	۳	۳
	آب منوردر کنار زمین خود را از چه طریق تامین می‌کنند؟	۲/۲۸	۳	۳	۰/۳۹۹	۳	۳
	در طی ۳۰ سال گذشته منبع آبی مورد استفاده شما تغییر داشته است؟	۱/۶۶	۲/۰۰	۲	۰/۲۴۳	۳	۳
	در گذشته آب مصرفی کشاورزان چه طریقی تامین می‌شود؟	۲/۰۶	۳	۳	۰/۲۴۰	۳	۳
سهولت	آیا دسترسی به منابع آبی افزایش داشته است؟	۱/۹۴	۲/۰۰	۲	۰/۵۹۸	۳	۳
	سهولت دسترسی به منابع آبی به چه میزان باعث افزایش تولید برنج شده است؟	۲/۶۴	۳	۳	۰/۴۹۵	۳	۳
تولید	در حال حاضر نحوه کشت برنج در قالیزار شما به چه گونه است؟	۲/۰۰	۳	۳	۰/۲۴۰	۳	۳
	از ۳۰ سال پیش تاکنون نحوه کشت برنج را تغییر داده‌اید؟	۱/۰۶	۱/۰۰	۱	۰/۵۲۲	۳	۳
	تغییر در نحوه کشت برنج به چه میزان باعث افزایش تولید برنج شده است؟	۲/۲۵	۲/۰۰	۲	۰/۴۲۲	۳	۳
سهولت دسترسی	در حال حاضر نحوه برداشت برنج در قالیزار شما به چه صورت است؟	۲/۰۶	۳	۳	۰/۱۹۸	۳	۳
	از ۳۰ سال پیش تاکنون نحوه برداشت برنج را تغییر داده‌اید؟	۱/۰۴	۱/۰۰	۱	۰/۵۴۱	۳	۳
	تغییر در نحوه برداشت برنج به چه میزان باعث افزایش تولید برنج شده است؟	۲/۵۶	۲/۰۰	۲	۰/۵۴۱	۳	۳

زیادی در افزایش تولید موثر اعلام نموده‌اند و میانگین (۲/۵۶) نیز نشان‌دهنده تاثیر نسبتاً مثبت این تغییرات بر افزایش تولید می‌باشد. بیشتر کشاورزان تغییرات ایجاد شده به واسطه طرح‌های

در حال حاضر نحوه برداشت محصول در دشت میداوود تلفیقی از سنتی و مکانیزه می‌باشد که نسبت به ۳۰ سال گذشته تغییر داشته است و بیشتر کشاورزان تغییر در نحوه کشت را به میزان

ملی و منطقه‌ای را به میزان زیاد در افزایش تولید موثر اعلام نموده‌اند و میانگین (۲/۵۲) نیز نشان‌دهنده تاثیر نسبتاً مثبت این تغییرات بر افزایش تولید می‌باشد. اکثریت کشاورزان از تسهیلات اعطایی بانک‌ها برای تامین ملزومات کشاورزی استفاده نکرده‌اند. با وجود اینکه اکثر شالیکاران از این تسهیلات استفاده نکرده‌اند اما دریافت تسهیلات جهت تامین ملزومات را در افزایش تولید به میزان زیادی موثر می‌دانند. میانگین (۲/۶۲) نیز بیانگر تاثیر مثبت این تسهیلات در افزایش تولید می‌باشد.

جدول ۲. نتایج حاصل از سوالات پرسش‌نامه؛ محاسبات: نگارندگان

عامل	سوالات	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم
طرح‌های ملی	آیا تغییرات و یا عملیاتی مانند طرح تسطیح و ... در شالیزارها جهت سهولت کشاورزی انجام شده است؟	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰
	این تغییرات تا چه میزان باعث افزایش تولید برنج شده است؟	۲/۵۲	۳	۳	۰/۵۴۴	۱	۳
تسهیلات اعطایی	وضعیت مالکیت ماشین آلات کشاورزی مورد استفاده شما به چه صورت است؟	۲/۵۴	۳	۳	۰/۷۶۲	۱	۳
	آیا از تسهیلات بانکی جهت تهیه ملزومات و ماشین آلات کشاورزی استفاده نموده اید؟	۱/۸۰	۲/۰۰	۲	۰/۴۰۴	۱	۲
	اعطای تسهیلات بانکی به چه میزان در تامین منابع و ملزومات شالی کاری موثر بوده است؟	۲/۶۲	۳	۳	۰/۴۹۰	۲	۳
بازار	محصول برنج شالیزار خود را چطور عرضه می‌کنید؟	۳/۴۸	۴/۰۰	۴	۰/۷۳۵	۲	۴
دفعات کشت	زمین شما در یک سال زراعی چند بار زیر کشت می‌رود؟	۱/۰۰	۱/۰۰	۱	۰/۰۰۰	۱	۱
	کشت دوم شامل چه محصولاتی می‌شود؟	۱/۹۸	۲/۰۰	۲	۰/۱۴۱	۱	۲
سموم	آیا استفاده از سموم و کودهای شیمیایی عرضه شده در بازار در افزایش تولید برنج موثر است؟	۱/۰۰	۱/۰۰	۱	۰/۰۰۰	۱	۱
	در سال‌های اخیر میزان محصول در هکتار در صورت استفاده از سموم و کودهای شاورزی به چه میزان افزایش یافته است	۱/۶۶	۲/۰۰	۲	۰/۵۹۳	۱	۳

دیگر تغییرات در عوامل و شرایط باعث افزایش تولید برنج شده است که می‌توان به این تغییرات به عنوان عواملی در جهت رشد کشاورزی و در نهایت به عنوان یکی از عوامل موثر بر رشد اقتصادی اشاره نمود. اکثر کشاورزان در بازاری غیر از شهر میداود و بازار استانی محصول شالی خود را عرضه می‌نمایند.

سهولت دسترسی به منابع آبی و تغییر در نحوه برداشت، تغییرات ایجاد شده به واسطه طرح‌های ملی و منطقه‌ای و تسهیلات بانکی به میزان زیادی باعث افزایش تولید برنج شده‌اند و تغییر در نحوه کشت تاثیر زیادی بر افزایش تولید ندارد. شالیکاران در مجموع این تغییرات را به میزان زیادی بر افزایش تولید موثر می‌دانند. به عبارت

جدول ۳. نتایج حاصل از سوالات پرسش‌نامه؛ محاسبات: نگارندگان

عامل	سوالات	میانگین	میان	مد	انحراف معیار	مینیم	ماکزیم
طرح‌های ملی	آیا تغییرات و یا عملیاتی مانند طرح تسطیح و... در شالیزارها جهت سهولت کشاورزی انجام شده است؟	۱	۱	۱	۰/۰۰۰	۱	۱
	این تغییرات تا چه میزان باعث افزایش تولید برنج شده است؟	۲/۵۲	۳	۳	۰/۵۴۴	۱	۳
تسهیلات دولتی	وضعیت مالکیت ماشین‌آلات کشاورزی مورد استفاده شما به چه صورت است؟	۲/۵۴	۳	۳	۰/۷۶۲	۱	۳
	آیا از تسهیلات بانکی جهت تهیه ملزومات و ماشین‌آلات کشاورزی استفاده نموده‌اید؟	۱/۸۰	۲/۰۰	۲	۰/۴۰۴	۱	۲
	اعطای تسهیلات بانکی به چه میزان در تامین منابع و ملزومات شالی کاری موثر بوده است؟	۲/۶۲	۳	۳	۰/۴۹۰	۲	۳
بازار	محصول برنج شالیزار خود را چطور عرضه می‌کنید؟	۳/۴۸	۴/۰۰	۴	۰/۷۳۵	۲	۴
دفعات کشت	زمین شما در یک سال زراعی چند بار زیر کشت می‌رود؟	۱/۰۰	۱/۰۰	۱	۰/۰۰۰	۱	۱
	کشت دوم شامل چه محصولاتی می‌شود؟	۱/۹۸	۲/۰۰	۲	۰/۱۴۱	۱	۲
سموم	آیا استفاده از سموم و کودهای شیمیایی عرضه شده در بازار در افزایش تولید برنج موثر است؟	۱/۰۰	۱/۰۰	۱	۰/۰۰۰	۱	۱
	در سال‌های اخیر میزان محصول و هکتار در صورت استفاده از سموم و کودهای شاورزی به چه میزان افزایش یافته است	۱/۶۶	۲	۲	۰/۵۹۳	۱	۳

کشاورزی رایج در منطقه برنج و گندم است که در بهار برنج و در پاییز گندم کشت می‌شود. بنابراین اقتصاد کشاورزی منطقه تحت تاثیر این دو محصول قرار دارد. تمامی کشاورزان در تاثیر مثبت استفاده از سموم کشاورزی در افزایش تولید اتفاق نظر دارند. میزان محصول در صورت استفاده از سموم و کودهای کشاورزی به میزان ۲ برابر افزایش می‌یابد و میانگین (۱/۶۶) نیز نشان می‌دهد که کودها و سموم کشاورزی باعث افزایش تولید به میزان حدودا ۸۳% می‌شوند. تمامی کشاورزان در تاثیر مثبت تکنولوژی در افزایش تولید اتفاق نظر دارند. میزان محصول در صورت استفاده از تکنولوژی به میزان حدود ۲ برابر افزایش می‌یابد و میانگین (۱/۶۶) نیز نشان می‌دهد که استفاده از تکنولوژی و ماشین‌آلات کشاورزی باعث افزایش تولید به میزان حدودا ۸۳% می‌شوند از طرفی در حال حاضر میزان محصول حدود ۱ تا ۲ تن در هکتار و یا به عبارتی حدود ۱/۵ تن در هر هکتار می‌باشند. همچنین از عوامل موثر بر رشد کشاورزی در دشت میداوود می‌توان به کشت متوالی در یک سال زراعی اشاره نمود که کشت اول برنج که مورد بحث و بررسی در این پژوهش قرار گرفته و کشت دوم گندم می‌باشد. اکثر زمین‌های شالی‌کاران بیشتر از ۲۵ سال است که زیر کشت شالی می‌رود همچنین میانگین (۳/۸۶) نیز نشان می‌دهد که در زمین‌های منطقه بیشتر از حدودا ۲۴ سال پیش تاکنون شالی کشت می‌شود و تغییرات کاربری ایجاد شده و تبدیل زمین‌ها به شالیزارها مربوط به حدودا ۱۵ سال پیش می‌شود و از آن زمان به بعد در کاربری آنها تغییری رخ نداده است. کاربری قبلی شالیزارها عموماً باغ و گندم‌زار بوده و همچنین شاخص‌های مرکزی نشان‌دهنده تغییر کاربری باغات به شالی‌زار در حدود ۳۰ الی ۱۵ سال قبل می‌باشند. شالی‌کاران در افزایش میزان محصول در طی ۳۰ سال مورد مطالعه اتفاق نظر دارند. در طی ۳۰ سال گذشته میزان محصول تقریباً به میزان ۲ برابر افزایش داشته است. میانگین افزایش تولید در هر هکتار برابر

۱/۷۲ و به عبارتی میزان محصول در هکتار به مقدار ۸۶% افزایش داشته است. در طی ۳۰ سال مورد مطالعه هزینه کشت به میزان یک سوم کاهش داشته است و میانگین (۲/۳۸) نیز نشان‌دهنده کاهش هزینه کشت به میزان ۳۴% در طی ۳۰ سال گذشته است. تمامی کشاورزان در خصوص افزایش قیمت برنج اتفاق نظر داشته‌اند. در طی ۳۰ سال مورد مطالعه قیمت برنج حدود ۱/۵ برابر افزایش داشته است و میانگین (۱/۵) نشان‌دهنده رشد ۷۵% قیمت برنج در طی این سال‌ها می‌باشد. تحلیل توصیفی هر یک از سوالات پرسشنامه در قالب عوامل موثر در فوق ارائه شد. برای بررسی دقیقتر نیاز به انجام آزمون‌های آماری برای تعیین نتایج گرفته شده می‌باشد. در زیر به بررسی پیرامون میانگین هر یک از عوامل می‌پردازیم:

از آزمون تک نمونه ای تی استودنت برای بررسی فرض تاثیر هر یک از تغییرات بر روی افزایش تولید به شرح زیر استفاده شده است. لازم به ذکر است که با توجه به قضیه حد مرکزی و تعداد نمونه (n=50) می‌توان توزیع میانگین را نرمال فرض نمود.

فرض صفر و فرض مقابل برای متغیرهای رتبه ای شامل منابع آب مصرفی، نحوه کشت، نحوه برداشت، طرح‌های ملی و منطقه ای، تسهیلات بانکی که هر یک می‌توانند بر میزان تولید تاثیر داشته باشند به صورت زیر تعریف می‌شود.

فرض صفر: تغییر در ..... تاثیر زیادی در افزایش میزان تولید داشته است (تاثیر قابل توجه تغییرات بر تولید) ( $\mu \leq 2,5$ )

فرض مقابل: تغییر در ..... تاثیر کمی در افزایش میزان تولید برنج داشته است (تاثیر ناچیز تغییرات بر تولید) ( $\mu > 2,5$ )

نتایج آزمون میانگین (t تک نمونه ای) برای هر یک از ۵ متغیر رتبه ای در جدول شماره ۴ ارائه شده است.



جدول ۴. نتایج آزمون میانگین (t تک نمونه ای) برای هر یک از ۵ متغیر رتبه ای

آزمون تی یک طرفه (One-Sample Test) مقدار مورد آزمون = ۲/۵								
فاصله اطمینان ۹۵% تفاضل ها	میانگین تفاضل ها	مقدار معنی داری آزمون	درجه آزادی	مقدار آماره آزمون	انحراف معیار	میانگین		
							پایین	بالا
۰/۳۱	-۰/۰۳	۰/۱۴۰	۰/۱۰۴۰	۱/۶۵۶	۰/۵۹۸	۲/۶۴	سهولت دسترسی به منابع آبی	
۰/۰۰	-۰/۳۰	۰/۱۵۳	۰/۰۴۶	-۲/۰۵۱	۰/۵۲۲	۲/۳۵	تغییر در نحوه کشت برنج	
۰/۲۱	-۰/۰۹	۰/۰۶۰	۰/۴۳۶	۰/۷۸۵	۰/۵۴۱	۲/۵۶	تغییر در نحوه برداشت برنج	
۰/۱۷	۰/۱۳	۰/۰۲۰	۰/۷۹۶	۰/۲۶۰	۰/۵۴۴	۲/۵۲	اجرای طرح های ملی و منطقه ای	
۰/۲۶	۰/۰۲	۰/۱۲۰	۰/۰۹۰	۰/۶۳۱	۰/۴۹۰	۲/۶۲	اعطای تسهیلات بانکی	

آزمون) و مقایسه ناحیه بحرانی با مقدار آماره آزمون ( $0/260 < 1/68$ ) فرض صفر مبنی بر تاثیر زیاد تغییرات ایجاد شده به واسطه طرح های ملی و منطقه ای بر میزان تولید، رد نمی شود.

با توجه به سطح اطمینان آزمون و مقدار معنی داری به دست آمده ( $0/09 > 0/05$ ) - معنی داری آزمون) و مقایسه ناحیه بحرانی با مقدار آماره آزمون ( $1/63 < 1/68$ ) فرض صفر مبنی بر تاثیر زیاد تسهیلات اعطایی، رد نمی شود.

به عبارت دیگر سهولت دسترسی به منابع آبی و تغییر در نحوه برداشت، تغییرات ایجاد شده به واسطه طرح های ملی و منطقه ای و تسهیلات بانکی به میزان زیادی باعث افزایش تولید برنج شده اند و تغییر در نحوه کشت تاثیر زیادی بر افزایش تولید ندارد. با توجه به تغییرات ایجاد شده در طی ۳۰ سال که شامل تغییرات در ۵ عامل، دسترسی به منابع آبی، تغییر در نحوه کاشت و برداشت، تغییرات ایجاد

با توجه به سطح اطمینان آزمون و مقدار معنی داری به دست آمده ( $0/104 > 0/05$ ) - معنی داری آزمون) و مقایسه ناحیه بحرانی با مقدار آماره آزمون ( $1/65 < 1/68$ ) فرض صفر مبنی بر تاثیر زیاد سهولت دسترسی به منابع آبی، رد نمی شود. با توجه به سطح اطمینان آزمون و مقدار معنی داری به دست آمده ( $0/046 < 0/05$ ) - معنی داری آزمون) و مقایسه ناحیه بحرانی با مقدار آماره آزمون ( $2/05 > 1/68$ ) فرض صفر مبنی بر تاثیر زیاد تغییر در نحوه کشت، رد می شود.

با توجه به سطح اطمینان آزمون و مقدار معنی داری به دست آمده ( $0/436 > 0/05$ ) - معنی داری آزمون) و مقایسه ناحیه بحرانی با مقدار آماره آزمون ( $0/785 < 1/68$ ) فرض صفر مبنی بر تاثیر زیاد تغییر در نحوه برداشت بر میزان تولید، رد نمی شود.

با توجه به سطح اطمینان آزمون و مقدار معنی داری به دست آمده ( $0/796 > 0/05$ ) - معنی داری

شده به واسطه طرح های ملی و منطقه ای و تسهیلات اعطایی توسط دولت و بانک ها می شود متغیر جدیدی از میانگین حسابی این ۵ متغیر که بیانگر نظر هر کشاورز نسبت به میزان تاثیر کل این تغییرات در افزایش تولید است ساخته می شود. این متغیر با عنوان تغییرات کل (یا میانگین حسابی تغییرات) نام گذاری می شود.

جدول ۵. تغییرات کل؛ محاسبات: نگارندگان

تغییرات کل	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم
۲/۵	۲/۷	۲/۸	۰/۴	۱/۸	۳	

را به میزان زیادی بر افزایش تولید موثر می دانند. به عبارت دیگر تغییرات در عوامل و شرایط باعث افزایش تولید برنج شده است که می توان به این تغییرات به عنوان عواملی در جهت رشد کشاورزی و در نهایت به عنوان یکی از عوامل موثر بر رشد اقتصادی اشاره نمود. با توجه به نتایج به دست آمده برای هر یک از تغییرات این بار متغیر تغییرات کل را مورد آزمون قرار می دهیم.

۵۸ درصد از شالیکاران معتقدند که تغییرات فوق به میزان زیادی در افزایش تولید موثر بوده است و از طرفی ۴۲ درصد نیز این تغییرات را به میزان کمی در افزایش تولید موثر می دانند. شاخص های میانه و مد گرایش به گزینه ۳ عبارت زیاد دارند و میانگین تغییرات در افزایش تولید برابر با ۲,۵ است و از طرفی با توجه به کدگذاری تعریف شده می توان اظهار نمود که شالی کاران این تغییرات

جدول ۶. آزمون تی یک طرفه

مقدار مورد آزمون = ۲/۵									
تغییرات	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار آماره آزمون	درجه آزادی	مقدار معنی داری آزمون	میانگین		فاصله اطمینان ۹۵٪ تفاضل ها
							تفاضل ها	تفاضل ها	
	۵۰	۲/۵۴	۰/۴۱۲	۰/۶۵۱	۴۹	۰/۵۱۸	پایین	بالا	۰/۱۵۵

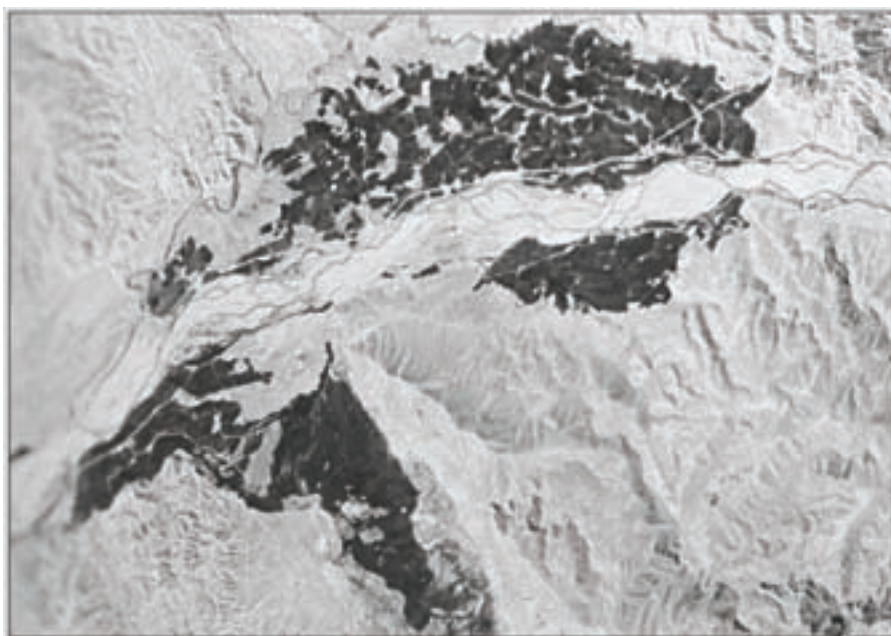
(محاسبات: نگارندگان)

نتایج آزمون میانگین (t تک نمونه ای) جدول ۶ ارائه شده است. با توجه به سطح اطمینان آزمون و مقدار معنی داری به دست آمده فرض صفر مبنی بر تاثیر زیاد تغییرات بر افزایش میزان تولید رد نمی شود. ( $0.05 < 0.18/50 = sig$ ). از طرفی با توجه به مقدار به دست آمده برای آماره آزمون و مقدار بحرانی به دست آمده از جدول توزیع t برای درجه آزادی برابر ۴۹ و سطح اطمینان ۰/۹۵

( $1/68 = t$ ) فرض صفر رد نمی شود. ( $0.68 < 0.651$ ) به عبارتی تغییرات به میزان زیادی باعث افزایش تولید برنج شده اند. پس از ارزیابی رشد کشت برنج در طی سی سال به بررسی گسترش شهر پرداخته شد. لازم به ذکر است با توجه به مساحت بسیار کم شهر میداوود امکان ارزیابی دقیق روند توسعه شهر امکان پذیر نشد. درمورد داده های ماهواره ای

قابل مشاهده نمی باشد. به همین علت با استفاده از داده‌های ماهواره‌ای سال ۱۳۶۰ و ۳۱۹۵ روند گسترش شهر بررسی شده و نتیجه رشد و گسترش شهر را در شکل‌های ۲ و ۳ می‌توان مشاهده نمود.

هم باید توالی داده‌ها موجود باشد تا در بازه‌های زمانی مختلف روند توسعه شهر بررسی بشود. داده‌ها قدیمی شهر میداوود همانطور که در شکل شماره ۲ نشان داده شده است روند شهری روی آنها



شکل ۲. تصویر ماهواره کورنا از شهر میداوود ۱۳۶۰



شکل ۳. تصویر ماهواره‌ای QuickBird از شهر میداوود سال ۱۳۹۵

جمعیت نسبت داد. برای بررسی روند جمعیت در شهر متاسفانه داده‌های سازمان برای سطح آبدی بطور متوالی وجود نداشت به همین دلیل از سال ۱۳۸۰ روند جمعیت محاسبه شده است.

همانطور که از مقایسه داده‌های ماهواره‌ای سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۹۵ مشاهده می‌شود شهر میداوود از منظر شهری گسترش قابل توجهی داشته که این تغییرات کالبد و ساختار فیزیکی شهر را می‌توان به رشد اقتصادی و ماندگاری

جدول ۷. نرخ رشد جمعیت در مقطع زمانی ۱۳۸۰ - ۱۳۹۵

سال	جمعیت	نرخ رشد	سال	جمعیت	نرخ رشد
۱۳۸۰	۱۶۴۵۸		۱۳۹۰	۲۰۲۲۶	۲/۱۷
۱۳۸۵	۱۸۱۶۰	۱/۹۸	۱۳۹۵	۲۳۵۸۹	۳/۱۲

این رشد را می‌توان در اقتصاد پویا جست‌وجو نمود. از آنجا که اقتصاد بخش می‌داوود مبتنی بر کشاورزی بوده و طبق تحلیل پرسشنامه، رشد اقتصادی برنج قابل توجه بوده فرضیه دوم نیز تأیید می‌گردد. در همین راستا پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

- در مطالعه حاضر جهت بررسی و نقش اقتصاد بر گسترش شهر می‌داوود محدودیت‌هایی از قبیل عدم دسترسی به منابع و آمار کشاورزی، عدم دسترسی به داده‌ها و نحوه رشد فیزیکی شهر و عدم دسترسی به نحوه رشد جمعیتی مطرح بوده است. با توجه به محدودیت‌های ذکر شده امکان استفاده از روش‌های آماری و تبیین دقیق روابط آنها میسر نبوده است. لذا در مطالعات آتی پیشنهاد می‌گردد که موارد زیر مورد توجه قرار گیرد.
- پیشنهاد می‌گردد بر اساس داده‌ها و آمار کشاورزی بلند مدت میزان رشد تولید به همراه قیمت در سالهای مخلف بررسی گردد و مبتنی بر روش‌ها تحلیل آماری و سری‌های زمانی در بازه‌های زمانی کوتاه مدت متغیرهای اقتصادی کشاورزی مورد بررسی قرار گیرد.
- جهت برآورد رشد فیزیکی شهر استفاده از داده‌های هوابرد و فضا برد متداول است. البته در استفاده از این روش با توجه داشت که محدوده مطالعاتی باید مساحت قابل توجه‌ای داشته باشد. در مطالعات آشکارسازی تغییرات فیزیکی شهر تهیه نمودارهای سری‌های زمانی می‌تواند بسیار مفید باشد.
- جهت بررسی ارتباط بین رشد اقتصادی و رشد فیزیکی شهر بررسی سری‌های زمانی و مقایسه آنها با یکدیگر نتایج قابل اطمینانی را به همراه خواهد داشت.

همانطور که جدول شماره ۷ نشان می‌دهد در طی ۱۵ سال گذشته روند رشد جمعیت در شهر کوچک می‌داوود قابل ملاحظه می‌باشد که این روند را می‌توان همانطور که پیشتر ذکر شد در رشد اقتصادی منطقه دانست.

### نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در ارزیابی رشد اقتصادی برنج و تاثیر آن بر رشد کالبدی شهر، پرسشنامه تهیه شده و پس از تکمیل پرسشنامه توسط ساکنان محدوده مطالعاتی بر اساس روش‌های علمی تجزیه و تحلیل شده است که نتایج آن پیشتر ذکر شد.

در پاسخ به سوال اول تحقیق مبنی بر اینکه آیا ارتباط معنی‌داری بین رشد اقتصادی مبنی بر برنج و توسعه فیزیکی اراضی کشاورزی کشت برنج وجود دارد و فرضیه مطرح شده «رشد اقتصادی مبنی بر کشت برنج صرفاً مبنی بر توسعه اراضی کشاورزی نیست و استفاده از تکنولوژی در کاهش هزینه و افزایش راندمان موثر بوده است» باید عنوان کرد که بر اساس مقایسه تصاویر ماهواره سال‌ها ۱۳۶۰ و ۱۳۹۵ نشان می‌دهد تغییرات فیزیکی مزارع چندان وسیع نبوده، اما تغییرات کاربری‌ها بر اساس تحلیل پرسشنامه قابل توجه بوده و همچنین تغییر سبک کشاورزی تاثیر به‌سزایی در افزایش تولید داشته است. در نتیجه فرضیه ارائه شده تأیید می‌گردد.

در پاسخ به سوال دوم مبنی بر اینکه آیا رشد و توسعه فیزیکی شهر می‌داوود تا چه اندازه تحت تاثیر کشت برنج می‌باشد، فرضیه «توسعه شهر می‌داوود مبتنی بر رشد اقتصادی برنج» مطرح شده که باید عنوان نمود، بر اساس داده‌های ماهواره و مقایسه تصاویر قدیم و جدید نشان می‌دهد که شهر می‌داوود توسعه داشته و دلیل

## منابع و ماخذ

۱. ابراهیم زاده، عیسی. طبیعی، نجومه. شفيعی، یوسف. (۱۳۹۱). «تحلیلی کارکردی از نقش اقتصادی شهرهای کوچک در توسعه روستایی مطالعه موردی؛ زاهدشهر در بخش شییکوه فسا»، نشریه جغرافیا و برنامه ریزی محیطی. سال ۲۳. شماره ۱. صص ۱۷۲-۱۵۱.
۲. اکبری مهناز، خداداد، مهدی. موسی زاده، حسین، رودگر صفاری، وحید. (۱۳۹۵). «ارزیابی توان اکولوژیک استان تهران در راستای توسعه اکوتوریسم با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)». مجله فضای گردشگری، سال ششم. شماره ۲۱. صص ۱۱۷-۱۳۲.
۳. تقدیسی، احمد، سوری، فرشاد، صیدایی، اسکند، کاظمی، زینب. (۱۳۹۰). «بررسی و تحلیل میزان عملکرد دهیاران در مدیریت روستایی: مورد پژوهش: بخش کونانی شهرستان کوهدشت». نشریه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی. دوره ۹، شماره ۲۸. صص ۱۵۷-۱۷۴.
۴. رسولی مریم، سلمان ماهینی عبدالرسول، کامیاب حمیدرضا، (۱۳۹۵)، «تعیین ضرایب مؤثر بر رشد شهری در مدل SLEUTH برای شهرستان های علی آباد، رامیان و آزاد شهر»، مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه گلستان سال ششم، شماره مسلسل بیست و یکم، ۱۲-۱.
۵. عطا بهنام، رهنما؛ محمدرحیم. آرخی، صالح. (۱۳۹۶)، «ارزیابی و پیش بینی تغییرات و پراکنش افقی شهرها با استفاده از تصاویر چند زمانه و مدل CA\_MARKOV. مطالعه موردی: شهر گنبد کاووس». مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه گلستان سال ششم، شماره مسلسل بیست و سوم. ۴۰-۲۵.
۶. فال سلیمان محمود، اکبرپور ابوالفضل، بهدانی محمدعلی، جمشیدی کمال، (۱۳۹۶)، «پهنه بندی توان اکولوژیک کشت ذرت با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی GIS در شهرستان بوکان»، مجله تحقیقات غلات، دوره هفتم، شماره اول. صص ۸۵-۱۰۰.
۷. فرید بداله (۱۳۷۵)، «جغرافیای شهر شناسی»، انتشارات دانشگاه تبریز
۸. فیروز بخت، علی، ربیعی فر، ولی الله. ۱۳۹۱، «راهبردهای ساختار نهادی- مدیریتی شهر با رویکرد توسعه پایدار شهری، مطالعه موردی: شهر کرج». نشریه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی. دوره ۱۰، شماره ۲۹. صص ۹۱-۱۱۴.
۹. فیروزی، محمد علی. امان پور، سعید. حصیری، آمنه. (۱۳۹۵)، «بررسی نقش کشاورزی در توسعه پایدار روستایی (نمونه موردی: بخش بردخون؛ شهرستان دیر)»، فصل نامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، دوره هشتم، شماره ۲۷، صص ۱۴۰-۱۲۵.
۱۰. قدیری معصوم، مجتبی. حجتی پور. محمد. (۱۳۹۵). «آمایش اکولوژیکی مکان در راستای پیشبرد توسعه پایدار کشاورزی مطالعه موردی: کاشت پسته در شهرستان نهبندان»، مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه گلستان سال ششم، شماره مسلسل بیست و دوم. ۱۲۴-۱۰۹.
۱۱. کریم زاده حسین ، ولایی محمد ، منافی آذر رضا، (۱۳۹۵). «نقش تنوع بخشی به فعالیت ها در پایداری اقتصاد روستایی مطالعه موردی: دهستان مرحمت آباد میانی، شهرستان میاندوآب». مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه گلستان سال ششم، شماره مسلسل بیست و یکم. ۱۲۵-۱۴۴.
۱۲. کلانتری خلیل آباد، حسین، ابوبکری، طاهر، قادری، رضا، پورعلی، محمد علی، سعیدی، انور. ۱۳۹۱، «ارزیابی میزان تحقق پذیری شاخص های توسعه پایدار شهری در مناطق مرزی (نمونه موردی: شهر پیرانشهری)»، نشریه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی. دوره ۱۰، شماره ۳۰، صص ۲۲۲-۲۰۷.
۱۳. همپانژاد، الناز، (۱۳۸)، «تحلیلی بر گسترش کالبدی شهر ارومیه»، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد



14. Aviti, G. Rafi A. (1999). Gomorphology and the Urban Tropics, Elsiver Science, p218
15. Egziabhar, Tegeneber. (2004), Small Businesses in Small Towns of the Eastern Amhara Region: Nature and Economic Performance, University of Wisconsin.
16. Licata, Gaetano., (2012). Fuzzy Logic, Knowledge and Natural Language, Università degli Studi di Palermo Italy.
17. Polat, E., 2012, an Approach for LandUse Suitability Assessment Using Decision Support Systems, AHP and GIS, Green and Ecological
18. SanteRiveira, I., R. Crecente-Maseda, & D. Miranda-Barros, 2008. GIS-based planning support system for rural land-use allocation. Computers and Electronics in Agriculture, 63: 257273-
19. Vydano, dne., (2012). Basic principles of fuzzy logic, technicke and Praze, Tema: Teoreticke vychodiska.

## سنجش احساس امنیت شهروندان در شهر جدید هشتگرد

**علیرضا بزرگوار** - دانشجوی دکتری برنامه ریزی شهری پژوهشگاه شاخص پژوه دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.  
**کرامتاله زیاری\*** - استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران، تهران، ایران  
**مسعود تقوایی** - استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

### چکیده

امنیت، احساس آرامش و اطمینان از عدم تعرض به جان، مال و سایر حقوق انسان است. این ارزش انحصاری، یکی از ضرورت‌های زندگی فردی و اجتماعی است. به دنبال افزایش جمعیت و گسترش شتابان شهرنشینی و تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ناشی از آن، ناهنجاری‌های اجتماعی در شهرها به طور سرسام‌آوری افزایش یافته است. هدف این پژوهش تحلیل احساس امنیت در شهروندان شهر جدید هشتگرد به منظور سنجش میزان ایمنی شهر و آگاهی یافتن سیاست‌گذاران، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران از این مساله می‌باشد. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و از نوع کاربردی است. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۵۶۷ نفر محاسبه شده است. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق روش نمونه‌گیری تصادفی و خوشه‌ای و ابزارگردآوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه محقق ساخته بود. نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که میان دو متغیر جنس با میزان احساس امنیت رابطه معنی‌داری وجود دارد. چنانچه زنان نسبت به مردان در شهر جدید هشتگرد احساس امنیت کمتری دارند. تفاوت معنا‌داری بین گروه‌های سنی و احساس امنیت و همچنین میزان درآمد ماهیانه خانوار و احساس امنیت در شهر جدید هشتگرد وجود دارد. بنابراین محله‌های دارای پایگاه اجتماعی و اقتصادی پایین و همچنین گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله زنان و کودکان در شهر جدید هشتگرد از میزان احساس امنیت پایین‌تری برخوردار هستند.

**واژگان کلیدی:** فقر، زنان، احساس امنیت، شهر جدید

هشتگرد

### Security sense Measurement of Citizens in Hashtgerd New Town

#### Abstract

Security is the sense of relief and confidence from no violation to life, property and other human rights. Social disorganization in cities has increased exponentially due to population growth, rapid expansion of urbanization and social, economic, political and cultural changes arising from it. The aim of this study is analysis of the resident's security sense in Hashtgerd New Town to safety evaluation and awareness of policy makers and decision-makers from this issue. Research method is analytical and applied. Sample size has been calculated through Cochran formula and it is estimated 567 people. In this study, sampling method was cluster random. The data collection tool has been done through a questionnaire. The results indicate that there is a significant correlation between two variable gender and sense of security. So that women than men are lower sense of security in Hashtgerd New Town. There are Significant differences between age groups and a sense of security and the level of family income and feel secure in Hashtgerd New Town. Thus, sense of security is lower in neighborhoods with low economic and social status as well as vulnerable groups such as women and children in Hashtgerd.

**Keywords:** poverty; women; Security sense; Hashtgerd New Town

رشد شتابان شهرنشینی بویژه رشد شهرهای بزرگ و مسائل مرتبط با آنها از جمله بیکاری، فقر، بهداشت ضعیف، اسکان غیررسمی، تخریب محیط زیست و جرم و جنایت موجب چالش‌های غیرقابل انکاری در بسیاری از کشورهای در حال توسعه شده است (پرهیز، ۱۳۸۹، زیاری و همکاران، ۱۳۸۸، مهدنژاد، ۱۳۸۹). سده بیست و یکم، سده شهرهاست؛ به طور روزافزونی جهان تبدیل به یک محیط شهری شده است. به تقریب ۵۰٪ از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و بنا بر پیشبینی‌ها این میزان در سال ۲۰۵۰، به ۷۰٪ خواهد رسید (Broere, 2013:1528). «مناطق شهری به صورت یک شمشیر دولبه عمل می‌کنند. به این معنا که از یک طرف «شهرها موتورهای رشد و شاخص‌های پیشرفت هستند» (Singh and Grover, 2015:1)، و به‌عنوان جذاب‌ترین نقاط برای ایجاد ثروت، کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری مطرح شده‌اند. از سوی دیگر، این نواحی با چالش‌های مهمی در زمینه بحران‌های زیست محیطی، محرومیت اجتماعی، بیکاری، ترافیک، فقر و نابرابری‌های اجتماعی، قطبش و اختلاف طبقاتی، عدم تأمین اجتماعی، مرگ و میر زودرس کودکان و مادران، بد مسکنی و بی‌مسکنی، بی‌هویتی، ناامنی حق تصرف، اسکان غیررسمی، ناامنی، افزایش فساد و جرم و جنایت مواجه هستند که این مشکلات کیفیت زندگی شهری را به شدت کاهش داده است. جرم و بزهکاری هزینه‌های مادی مستقیمی از لحاظ مالی به همراه دارد. در بریتانیای کبیر در سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰، حدود ۶۷ میلیارد یورو برای سیستم قضایی و جنایی هزینه نموده است. در حالی که مطالعه مندل و مگنوسن (۱۹۹۳) تخمین زده کل هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم مرتبط با جرم حدود ۵٪ سرانه ناخالص داخلی آمریکا در همان سال بوده است. در استرالیا کل هزینه‌های جرم نشان دهنده ۳٫۸٪ سرانه ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۱ و افزایش آن به ۴٫۱٪ در سال ۲۰۰۵ است، این آمار نشان دهنده ۲۵ و ۲۶ میلیارد یورو به ترتیب می‌باشد. افزون بر این، ترس از جرم (اضطراب و ناامنی) از جمله پیامدهای جرم است که واقعا بدتر از خود اعمال مجرمانه می‌باشد

(Santana et al., 2010:4). به تبع این وضعیت، هم اکنون در میان سیاست‌گذاران و مدیران آگاهی روزافزونی شکل گرفته مبنی بر آنکه که در سده بیست و یکم شاهد بحران جرم، جنایت و خشونت شهری می‌باشیم (Muggah, 2012:4). درک این نکته که جرم در کجا اتفاق می‌افتد، کلید درک این موضوع است که چرا جرم رخ داده است (Christens & Speer, 2005:113). همانند سایر فعالیت‌های انسانی (تصادفات ترافیک، شیوع امراض)، وقوع جرم و بزهکاری در سراسر فضا به طور تصادفی توزیع نمی‌گردد. توزیع آنها در برخی مکانها متراکم و در برخی دیگر به صورت پراکنده است. این مشخصه توزیع رویدادهای جرم توسط «چینی و راتکلیف»<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) به عنوان «کیفیت ذاتی جغرافیایی»<sup>۲</sup> توصیف شده و توسط نظریه‌هایی از جمله اکولوژی جرم (۱۹۸۴)، فعالیت‌های روزمره (۱۹۷۹) و سایرین تبیین گردیده است. مکان‌هایی که توزیع جرم به طور متراکم توزیع شده، «کانون‌های جرم خیز» نامیده می‌شوند. آنها به مکان‌هایی اطلاق می‌شوند که جرم از لحاظ فضایی متمرکز شده است (Fan, 2012:1). در واقع کانون جرم خیز منطقه ای است که دارای بزهکاری بالاتری نسبت به میانگین تعداد رویدادهای مجرمانه یا آشوبگرانه است یا منطقه‌ای که مردم بالاتر از میانگین در خطر قربانی شدن هستند (Hiropoulos & Porter, 2014:17). نتایج مطالعات مختلف نشان دهنده آن است که کانون‌های جرم خیز و مناطق به شدت ناامن منطبق بر بافت‌های نابسامان، ناکارآمد و فضاهای غیرقابل دفاع از جمله زمین‌های خالی، ساختمان‌های نیمه تمام و خانه‌های خالی و... است که ساکنان آنها از جایگاه اجتماعی-اقتصادی مناسبی برخوردار نیستند و در واقع جزء اقشار فقیر جامعه محسوب می‌شوند. جرم و جنایت، نابرابری، ناامنی و فقر در تعداد قابل توجهی از شهرهای کم درآمد و با درآمد متوسط<sup>۳</sup> نسبت به شهرهای مرفه بالاتر از

1. Chaaney and Ratcliffe  
2. Inherent geographical quality  
3. Middle- and lower-income cities

حد معمول است. به عنوان مثال میزان قتل در کاراکاس، کپ تاون و بندر اسپانیا به ترتیب ۲/۶، ۱/۷۷ و ۱/۷۲ برابر بیشتر از میانگین آن در ونزوئلا، آفریقای جنوبی، و ترینیداد و توباگو می باشد. خشونت، جرم و جنایت در بسیاری از شهرهای به سرعت در حال رشد آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا به پدیده ای شایع و مزمن تبدیل شده است (Muggah, 2012:4). در این میان، شهر جدید هشتگرد یکی از شهرهای جدید اطراف شهر کرج است که در سالهای اخیر به شدت تحت تاثیر ساخت مجتمع های مسکونی گروه های کم درآمد و فقیر در قالب مسکن مهر قرار گرفته است. برنامه ریزی اجرایی برای ساخت بیش از ۵۰ هزار واحد مسکن مهر به این شهر طی سال های اخیر (از سال ۱۳۸۷ تاکنون) انتظام و سازماندهی شهر را با چالش های بزرگی رو به رو ساخته است. به تبعیت از این وضعیت جمعیت دو چندان شدن شهر جدید هشتگرد در طول سال های اخیر افزوده شده است. افزون بر این بسیاری از مجتمع های مسکن مهر هنوز در مرحله ساخت هستند و یا ساخت آنها متوقف شده است. به این مساله، باید خالی بودن بسیاری از مجتمع های مسکن مهر بخصوص در فازهای ۷ و ۴ را افزود. به تعبیر بهتر آنها «سکونتگاه های غیر رسمی مدرن در حاشیه شهرهای جدید» هستند، که اکثریت ساکنان این واحدهای مسکونی جز اقشار ضعیف، دهک های پایین، کم درآمد و فقیر جامعه به شمار می آیند. از طرف دیگر تنوع جمعیتی و قومی یا ناهمگنی قومی و نبود انسجام و همبستگی اجتماعی را بایست به مشکلات مجتمع های عظیم مسکن مهر در شهر جدید هشتگرد افزود. همه این مسائل به مثابه وجود جرقه هایی هستند که هر کدام از آنها برای شعله ور شدن جرم و جنایت و بزهکاری کافی هستند و چالش تامین امنیت و ارتقای آن را به یک ضرورت تردید ناپذیر تبدیل نموده است. بر همین اساس به نظر می رسد میزان احساس امنیت در مناطق فقیر و با درآمد پایین، میزان تحصیلات پایین گروه های آسیب پذیر از جمله کودکان و

زنان پایین تر است. در این راستا عمده ترین فرضیه های پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. به نظر می رسد زنان نسبت به مردان احساس امنیت کمتری در شهر جدید هشتگرد وجود دارد.
۲. به نظر می رسد بین احساس امنیت و میزان تحصیلات در شهر جدید هشتگرد رابطه مستقیمی وجود دارد.
۳. به نظر می رسد بین احساس امنیت و گروه های سنی در شهر جدید هشتگرد رابطه معناداری وجود دارد.
۴. به نظر می رسد میزان درآمد ماهیانه خانوار و احساس امنیت در شهر جدید هشتگرد رابطه معناداری وجود دارد.

#### پیشینه پژوهش

اصطلاح آمارهای مربوط به «امورات اخلاقی» ابتدا در مقاله ای توسط اندر میشل گیوری<sup>۴</sup> در سال ۱۸۳۳ منتشر شد. در بریتانیا در دهه ۱۸۴۰ جوزف فلتچر<sup>۵</sup> نقشه هایی را از انگلستان و ولز تهیه کرد که نشانگر و نمایشگر فقر، سطوح باسوادی و انواع مختلف جنایت است. فلتچر به دنبال علت وقوع جرم و جنایت بود، اما او با کیوتلت موافق نبود و بین دستورات آموزشی و جنایت رابطه معناداری نمی دید. (شورت، ۱۳۹۱). پرهیز و همکاران در مقاله ای با عنوان «تشکیل پایگاه داده ای جرایم شهری با استفاده از تکنیک های گرافیک مینا، درون یابی و سامانه های اطلاعات جغرافیایی؛ مورد مطالعه جرایم ارتكابی شهر زنجان» (۱۳۹۱) به تحلیل سازمان فضایی ناهنجاری های اجتماعی در شهر زنجان و شناسایی الگوهای مکانی و عوامل تسهیل کننده جرایم ارتكابی پرداخته اند نتایج مطالعه آنها نشان دهنده آن است که توزیع فضایی جرایم ارتكابی در شهر زنجان از الگوی خوشه ای و متمرکز پیروی می کند به گونه ای که محدوده های خاصی از شهر محل تمرکز بزهکاری است و برعکس سایر مناطق

4. Moral Statistics  
5. Andr-Michel Guerry  
6. Joseph Fletcher

و بزه در مطابقت با پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی؛ ۲) مناطق (با نرخ بالای جرم و ترس از جرم) که در آمادورا دارای ریسک سلامت هستند. از نگاه شهروندان، ترس از جرم به عنوان مساله اصلی (۵۴٪) گزارش شده که به میزان ۲۸٪ بر سلامت تاثیر نا مطلوب می‌گذارد. این نتایج بر ضرورت ارزیابی مجدد المان‌های خاص طراحی شهری و رابطه آنها با سطوح جرم بخصوص توجه به ترس از جرم و تاثیر آن بر سلامت شهروندان تاکید دارد. افزون بر این، جرم و ترس از جرم بر رفاه فیزیکی و روانی قربانیان تاثیر می‌گذارد و باعث رفتارهای حایگزین می‌گردد؛ این رفتارها، پیامدهای نامطلوبی برای کل اجتماع به همراه داشته اند.

«الیزابت نایون و استیون رافائل»<sup>۱۴</sup> در گزارشی با عنوان «روند جرم شهری و حومه ای در مناطق مادرشهری آمریکا» (۲۰۱۱) بر اساس تحلیل FBI و داده های مرکز آمار نشان می‌دهد که جرم های مربوط به اموال و خشونت به طور قابل توجهی بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۸ در صد منطقه مادرشهری بزرگ آمریکا به علت اعمال سیاست‌های مختلف بخصوص در زمینه شهرسازی کاهش یافته است. میزان جرم های خشونت آمیز تقریباً به میزان ۳۰ درصد در شهرها کاهش یافته، در حالی که میزان جرم های مربوط به اموال ۶۶ درصد کاهش پیدا کرده است (شکل ۱).

شهر از این نظر پاک و سالم هستند و مرکز متوسط جرایم ارتكابی بر مرکز جغرافیایی شهر زنجان منطبق است. «آرمیتاژ و گامن»<sup>۷</sup> (۲۰۰۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «پایداری از طریق امنیت: نگاهی جدید» بر این نکته تاکید کرده‌اند که امنیت بخش لاینفک پایداری است و افراد برای به فعلیت رساندن تمام پتانسیل‌های خود به امنیت وابسته هستند. به اعتقاد «نس و راب»<sup>۸</sup> در مقاله «رفتار فضایی در مناطق مسکونی هلند: چگونه آرایش مسکن بر رفتار ساکنانش تاثیر می‌گذارد» (۲۰۰۹)، رفتار انسان در فضا اتفاق می‌افتد، و آرایش فضایی محیط فرصت‌های گوناگونی برای واکنش افراد فراهم می‌نماید. این فعل و انفعالات بین افراد می‌تواند اجتماعاتی امن و یا ناامن را پدید آورد. «دانیل دان اسوانسون»<sup>۹</sup> (۲۰۱۰) در رساله اش با عنوان «جابجایی و پخش: تحلیل ثانویه ابتکار عمل‌های دره امن لاس و گاس»<sup>۱۰</sup> به بررسی «ابتکار عمل دره امن» در شهر لاس و گاس پرداخته است. گروه پلیس مادر شهر لاس و گاس استراتژی مشارکت راهبران اجتماع و توانبخشی اعضای گانگستر را بسط داده است. هدف این برنامه آموزش دادن بزهکاران محتمل در زمان‌های بحرانی در طول رویدادهای استرس آور و خطرناک بوده است. در حقیقت، هدف پلیس اجرای رویکردهای پیشگیرانه بوده است، این استراتژی به کاهش جرم و بزهکاری منجر شده است. «ساناتا و همکاران»<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «جرم و محیط شهری: تاثیر آنها بر سلامت انسان» به ارزیابی دو موضوع پرداخته اند: ۱) رابطه بین جرم در یک منطقه خاص (آمادورا)<sup>۱۲</sup> واقع در منطقه مادرشهری لیسبون<sup>۱۳</sup>، و ویژگی‌های منطقه وقوع جرم

7. Armitage & Gamman

8. Nes & Rueb

9. Daniel Duane Swanson

10. Displacement or diffusion: A secondary analysis of the Las Vegas Safe Village Initiative

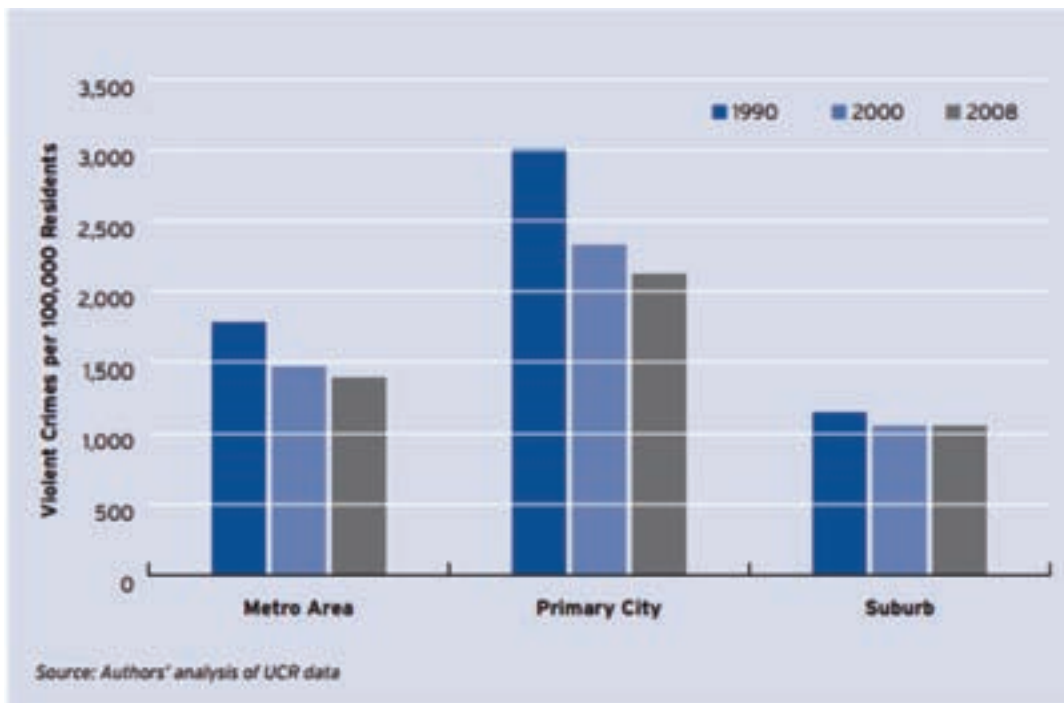
11. P. Santana, R. Santos, C. Costa, N. Roque, A. Loureiro

12. Amadora

13. Lisbon Metropolitan Area

14. Elizabeth Kneebone and Steven Raphael





شکل ۱. جرم های خشونت آمیز در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر، در صد منطقه مادرشهری بزرگ آمریکا، شهر و حومه؛ ماخذ: Kneebone & Raphael, 2011

از جرم: نمونه مدلین کلمبیا» (۲۰۱۱) به بررسی و تحلیل ناهنجاری های اجتماعی در شهر ۲/۶ میلیونی مدلین پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان دهنده است که مدیریت شهری با اعمال سیاست های شهرگرایی اجتماعی مشتمل بر تمرکز بر مناطق دارای کمترین کیفیت زندگی از نظر کالبدی و اجتماعی و اقتصادی و تلاش جهت نزدیک ساختن این مناطق به استانداردهای زندگی توانسته است به نحو قابل توجهی جرم و جنایت را در شهر کاهش دهد (شکل ۲).

«فولا آرتور وری و اینوکنت چوک و ما»<sup>۱۵</sup> در مقاله ای تحت عنوان «جرم و امنیت در شهر لاگوس: چالش ها و نتایج» (۲۰۱۱) به بررسی این مقوله در منطقه کلانشهر لاگوس با ۱۷/۵ میلیون نفر جمعیت پرداخته است. نتایج پژوهش آنها نشان می دهد که بین جرم و مکان رابطه مستقیمی وجود دارد چنانچه جرم و جنایت بیشتر در بخش های حاشیه ای و سکونتگاه های غیررسمی اتفاق افتاده است. با وجود این حکومت مرکزی و مدیریت شهری با اعمال سیاست هایی نظیر بازتوزیع ثروت، بهبود حمل و نقل، بهداشت و خدمات اجتماعی، سبز نمودن شهر، باز طراحی زمین های بایر و غیره توانسته اند احساس امنیت را به نحو شایسته ای در این منطقه کلانشهری بهبود بخشند.

«برناردو پرز سالازار»<sup>۱۶</sup> در مقاله ای با نام «شهرگرایی اجتماعی به عنوان استراتژی پیشگیری

15. Fola Arthur-Worrey and Innocent Chukwuma  
16. Bernardo Pérez Salazar



شکل ۲. میزان قتل در کلمبیا و مدلین (۲۰۰۹-۱۹۸۶)؛ ماخذ: Pérez Salazar, 2011

با نام «خوشه های جرم شهری و امنیت در گره های حمل و نقل» (۲۰۱۳) نتیجه گرفته است که گرچه ترکیب اجتماعی و اقتصادی محیط پیرامون ایستگاه ها اثرات قابل توجهی بر وقوع جرم در گره های حمل و نقل داشته اما محیط اجتماعی و کالبدی ایستگاه ها تاثیر بسیار بیشتری داشته اند. به عنوان مثال، نظارت پایین و دید ضعیف در ایستگاه های به همراه اختلاط کاربری اراضی در مناطق اطراف ایستگاه باعث وقوع جرم و جنایت در این ایستگاه ها شده است.

«الی بیتز»<sup>۲۰</sup> در رساله دکتری خود با عنوان «واندالیسم: جرم مکان»<sup>۲۱</sup> (۲۰۱۳) به تحلیل ثانویه داده های ثبت شده جرم در خصوص واندالیسم طی شش سال (از آوریل ۲۰۰۴ تا مارس ۲۰۱۰) اقدام نموده است. این تز ارزش بهره گیری از رویکرد تحلیل اکتشافی داده های فضایی در ترکیب با ترسیم نقشه های جغرافیایی محور جرم و بزهکاری و تحلیل لیزا<sup>۲۲</sup> (شاخص های محلی خودهمبستگی فضایی)<sup>۲۳</sup> و تحلیل خط سیر گروهی بررسی نموده است. این تحلیل ها توسط داده های به دست آمده از گروه های متمرکز با افسران پلیس مسئول امنیت محله ها تکمیل شده اند

«رابرت موگا»<sup>۱۷</sup> در کتاب «پژوهشی در خصوص معضلات شهری: شهرنشینی، فقر و خشونت» (۲۰۱۲) به اثرات مستقیم و غیر مستقیم خشونت و جرایم شهری بر شهروندان بخصوص فقرای شهری پرداخته است. همچنین به خشونت، فرسایش انسجام و سرمایه اجتماعی، زوال رفاه اقتصادی و اجتماعی و پیامدهای آن برای حکومت و امنیت شهری توجه نموده است.

«کریستین روز بالثازار»<sup>۱۸</sup> در تز خود با عنوان «عوامل اقتصادی- اجتماعی موثر بر جرم؛ مورد مطالعه: شهر تگزاس» (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین فاکتورهای اجتماعی و اقتصادی مختلف و جرم و جنایت بخصوص فقر و ناعدالتی درآمدی پرداخته است. به همان اندازه که نرخ جرم و بزهکاری در طول زمان به طور پیوسته افزایش می یابد، نظریه های اکولوژیکی جرم برای تبیین رفتار جرم های خشونت آمیز و جرم بر اموال بسط یافته اند. شناسایی شاخص های احتمالی جرم، گام اول برای توسعه سیاست های اجتماعی است که به پایین آمدن هزینه های وسیع اجتماعی فعالیت های مجرمانه و بزهکارانه کمک خواهد کرد.

«آدریان کورنلیز آیتنبوگارد»<sup>۱۹</sup> در تز خود

20. Ellie Bates

21. Vandalism: A Crime of Place?

22. LISA analysis

23. Local Indicators of Spatial Autocorrelation

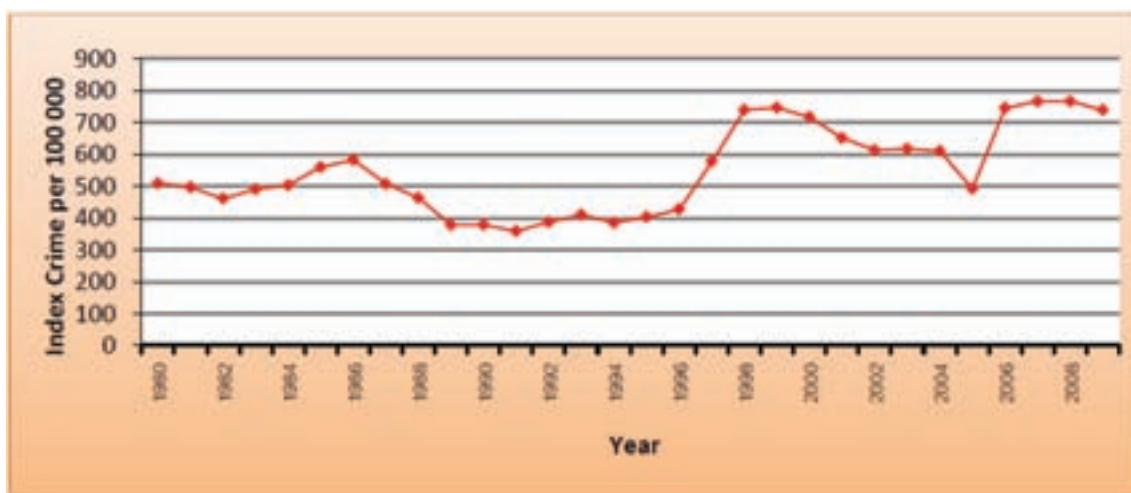
17. Robert Muggah

18. Kristin Ross Balthazar

19. Adriaan Cornelis Uittenbogaard

و از نقشه‌های هاشور زده برای کمک به بحث ویژگی‌های مناطق دارای واندالیسم بالا و پایین استفاده شده است. یافته‌ها نشان دهنده آن است که مناطق انباشته، بالا و پایین با مشخصه‌های ویژه وجود دارد که از «جاذبه‌های جرم، فعالیت‌های عادی، محرومیت نسبی و کارآمدی جمعی» تاثیر می‌پذیرند. در واقع با استفاده از رویکردهای کمی و کیفی، دیدگاه‌های مهمی در خصوص ماهیت واندالیسم به عنوان یک جرم وابسته به مکان به دست آمده است. همچنین به این نکته پی برده شد که استفاده از رویکرد زمانی و چند فضایی<sup>۲۴</sup> از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. این موضوعات همراه با توصیه‌هایی برای سیاست گذاری آینده در خصوص واندالیسم و رویکردهای روش شناختی و نظری برای جست و جوی رابطه مکان-جرم در رساله مذکور به بحث گذاشته شده‌اند.

«شمس الدین و حسین»<sup>۲۵</sup> (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم شهر امن و پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی برای پایداری شهری در شهرهای مالزی» به بررسی جرم و ترس از جرم به عنوان یکی از عمده‌ترین چالش‌های شهرهای پایدار پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان دهنده آن است که نرخ جرایم شهری در مالزی طی ۳۲ سال اخیر (از ۲۰۰۷-۱۹۹۷) افزایش یافته است. بر اساس آمارهای پلیس مالزی، شاخص جرم از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۹ افزایش یافته است؛ چنانچه در سال ۲۰۰۷ به بدترین میزان خود رسیده که به طور سرسام آوری از ۷۸۰،۱۹۶ فقره ۵۸۲،۲۰۹ فقره افزایش پیدا کرده است. از آن زمان به بعد افزایش کلی نرخ جرایم به یک بحران تبدیل شده است. بنابراین نرخ جرم و جنایت در مالزی از سال ۱۹۹۱ به میزان ۳۰۰٪ رشد کرده است (شکل شماره ۳).



شکل ۳. شاخص جرم هر ۱۰۰،۰۰۰ نفر در مالزی (۲۰۱۰-۱۹۸۰)؛ ماخذ: Shamsuddin&Hussin,2013:226

«بالوگان و همکاران»<sup>۲۶</sup> (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «ترسیم نقشه جرم در نیجریه با استفاده از سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی»، ابتدا وضعیت جرم در «مادر شهر بنین»<sup>۲۷</sup> را با استفاده از پرسش نامه از پلیس و عموم بررسی نموده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که جرم و بزهکاری در این شهر افزایش یافته و نیروهای پلیس به علت داشتن منابع و روش‌های قدیمی قادر به مدیریت آن نیستند. همچنین عموم مردم به پلیس اعتماد ندارند چنانچه ۸۰٪ آنها به خاطر ترس از در اختیار

24. Multi-spatial and temporal approach

25. Shuhana Binti Shamsuddin, and Natasha Azim Binti Hussin

26. Toju Francis Balogun, Henry Okeke, Christain Ifanyin Chukwukere

27. Benin metropolis

گذاشتن اطلاعات به مجرمان و بزهکاران، موارد را به پلیس گزارش نمی دهند. در پرتو این وضعیت، بخش دوم مقاله احتمال قابلیت استفاده از سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) برای مدیریت بهتر جرم و بزهکاری در نیجریه را بررسی کرده است. در این راستا روش انجام کار بدین صورت بیان شده است: (۱) نقشه کاربری اراضی دیجیتال که نشان دهنده موقعیت‌های جرم است؛ (۲) پایگاه داده‌های ژئوفضایی جرم و بزهکاری؛ (۳) تحلیل فضایی با استفاده از GIS. نتایج تحلیل فضایی نشان دهنده کانون‌های جرم خیز، مناطق ناکارآمد از لحاظ امنیت، مناطق همپوشان و مناطق نیازمند کنترل و گشت زنی دائمی پلیس است. مطالعه مذکور ثابت می‌کند که سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) دیدگاه بهتری برای مطالعه، ترسیم نقشه، تحلیل جرم و تصمیم‌گیری پیشرو و پیشگیری از جرم ارایه می‌دهند.

«بهارادواج»<sup>۲۸</sup> (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با نام «آیا فقر مادر جرم است؟ شواهد تجربی در خصوص تاثیر فاکتورهای اجتماعی-اقتصادی بر جرم و بزهکاری در هند» به بررسی نقش رشد اقتصادی، بیکاری، شهرنشینی و کیفیت سیستم قضایی در جرایم پرداخته است. به این دلیل هند به عنوان نمونه موردی انتخاب شده که این کشور منابع و تامین مالی‌اش را به سمت رشد اقتصادی، کاهش فقر و بازدارندگی جرم و بزهکاری رهنمون ساخته است. نتایج پژوهش حاضر از لحاظ آماری نشان دهنده اثر مثبت فقر، رشد درآمد نااعدلانه و کیفیت پایین سیستم قضایی بر وقوع جرایم مرتبط با اموال است. افزون بر این، فقر دارای بالاترین اثر بر دزدی است. همینطور بین آموزش و جرم رابطه مستقیمی وجود دارد، به گونه‌ای که ۱۰٪ افزایش در سرانه هزینه در آموزش و پرورش هند منجر به کاهش ۱۱-۹٫۲٪ میزان کلی جرم بر اموال شده است.

«لاکشمی آیر و پتیا توپالوا»<sup>۲۹</sup> (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «فقر و جرم: شواهدی از شوک‌های تجارت و بارش در هند» به دنبال

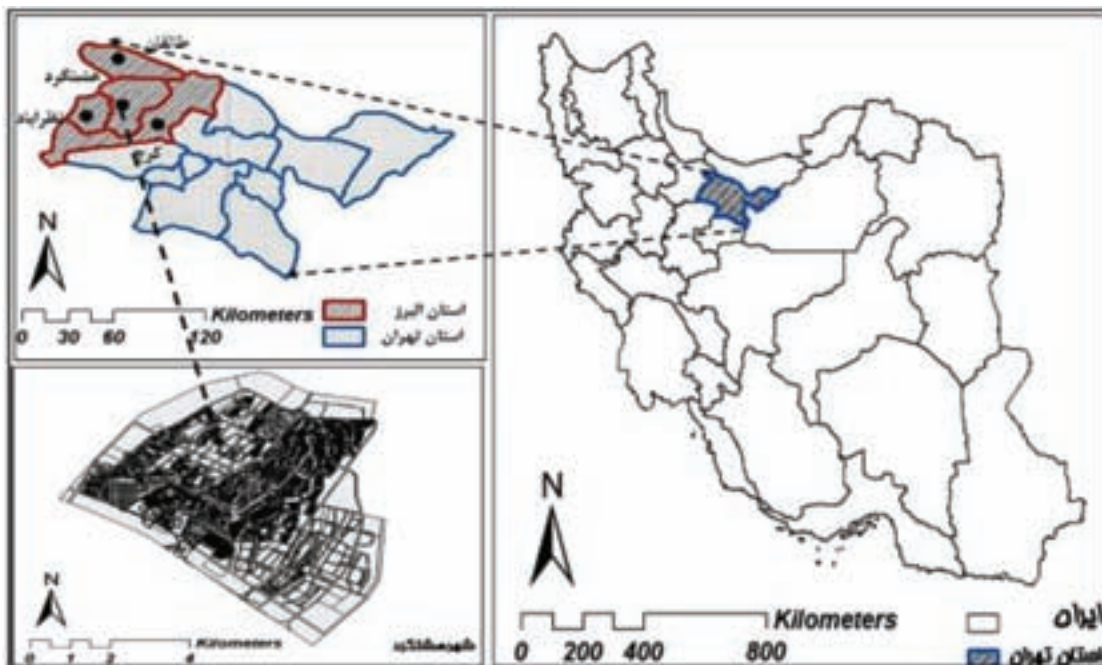
پاسخ دادن به این سوال است که آیا فقر به جرم می‌انجامد؟. سعی شده با استفاده از دو شوک برون روینده و مستقل برای درآمد خانوار در روستاهای هند به این مساله پرداخته شود: کاهش چشمگیر در تعرفه گمرگی واردات در اوایل دهه ۱۹۹۰ و تغییرات بارش. یافته‌های تحقیق نشان دهنده آن است که شوک‌های تجاری و بازرگانی، وقوع جرایم خشونت آمیز و جرایم اموال را افزایش داده است. رابطه بین شوک‌های بازرگانی-تجاری و جرم و جنایت مشابه با آن چیزی است که بین بارش و جرم مشاهده شده است. افزون بر این، نتایج پژوهش حاضر اثرات علت و معلولی فقر بر جرم و جنایت را شناسایی نموده است.

### موقعیت شهر جدید هشتگرد

شهر جدید هشتگرد یکی از شهرهای استان البرز است. این شهر در مجاورت شهر هشتگرد قرار دارد و در سال‌های اخیر بنا نهاده شده است. از نظر تقسیمات کشوری، شهری مجزا از هشتگرد است و در بخش مرکزی شهرستان ساوجبلاغ قرار گرفته است. بنابر سرشماری مرکز آمار ایران، جمعیت شهر جدید هشتگرد در سال ۱۳۸۸ برابر با ۱۸۵۹۸ نفر بوده است، در حالی که در فاصله ۶ سال و با اجرای نیمه تمام طرح مسکن مهر هم اکنون جمعیت این شهر به حدود ۸۰ هزار نفر رسیده است و با اتمام پروژه های مسکن مهر جمعیت این شهر به ۲۰۰ هزار نفر خواهد رسید. بر همین اساس توسعه شتابان و پراکنده شهر جدید هشتگرد، وجود فضاهای خالی زیاد (شکل شماره ۴)، نیمه تمام ماندن پروژه ها، نبود امکانات رفاهی و خدماتی در محدوده های شهر نظیر آب، برق، گاز، تلفن، مدرسه، مسجد، مراکز درمانی بهداشتی، حمل و نقل عمومی و فضاهای فرهنگی، خالی ماندن بسیاری از واحدهای مسکونی، تنوع قومیت ها، عدم احساس تعلق مکانی و در نهایت تمرکز مهاجران فقیر در جست و جوی معیشت موجب ایجاد فضاهای مستعد برای انواع ناهنجاری ها و جرایم در سطح شهر جدید هشتگرد شده است.

28. Ashish Bharadwaj

29. Lakshmi Iyer and Petia Topalova



شکل ۴. موقعیت شهر جدید هشتگرد در تقسیمات سیاسی کشور و استان البرز؛ ماخذ: نگارندگان

برگزیده شد. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق روش نمونه‌گیری تصادفی و خوشه‌ای و ابزارگردآوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه محقق ساخته بود، که با توجه به اهداف در دو قسمت عمده تدوین گردید؛ قسمت اول مشخصات دموگرافیک (جنسیت، سن، میزان تحصیلات، میزان درآمد ماهیانه) و قسمت دوم پرسش‌نامه، مربوط به رابطه احساس امنیت با مقوله‌های مذکور است. در سنجش پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. چنانچه ارقام مندرج در جدول شماره ۱ نشان می‌دهد این متغیر از پایایی لازم برخوردار است، نتایج برآورد معرف‌های متغیر ارتقاء امنیت در شهر جدید هشتگرد با استفاده از پتانسیل‌های معماری و شهرسازی، بیانگر آن است که مقدار ضریب آلفا در سطح مطلوبی است ( $\text{Alpha} = 0/744$ ). دامنه این آزمون میان ۰ تا ۱ در نوسان است. هر چه ضریب به عدد یک نزدیکتر باشد، گویه‌های مورد استفاده روایی بالاتری دارند. بنابراین گویه‌های این متغیر از پایایی لازم برخوردار است.

افزون بر این بر اساس سناریوی پیش‌بینی شده قرار شد جمعیت شهر جدید هشتگرد تا سال ۱۳۷۵، بین ۳۰ تا ۳۸ هزار نفر، سال ۱۳۸۵ بین ۱۰۲ تا ۱۴۳ هزار نفر و تا سال ۱۳۹۵ بین ۲۳۰ تا ۳۵۰ هزار نفر در هشتگرد سکونت خواهند یافت. در حالی که این سیر پیش‌بینی شده روال عادی خود را طی نکرده و به طور نامتوازن حرکت نموده است. به گونه‌ای که در عالم واقع تا سال ۱۳۷۵ جمعیت آن حدود ۲ هزار نفر بوده، و در سال ۱۳۸۵ به ۱۵۷۳۶ نفر رسیده و در سال ۱۳۹۹۰ به بیش از ۲۲ هزار نفر رسیده است.

#### روش تحقیق

جامعه آماری در این تحقیق شهر جدید هشتگرد می‌باشد که براساس سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ تعداد ۲۲۷۲۴ نفر از جمعیت شهرستان البرز را به خود اختصاص داده است. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۳۷۸ نفر محاسبه شده است. حجم نمونه در عدد ۱/۵ (اندازه تأثیر) ضرب و عدد ۵۶۷ به عنوان حجم نمونه نهایی



جدول ۱. نتایج آزمون آلفای کرونباخ درباره ارتقاء امنیت در شهر جدید هشتگرد با استفاده از پتانسیل های معماری و شهرسازی؛ ماخذ: محاسبات نگارندگان

ضریب آلفا	۰/۷۴۴
تعداد گویه	۶۴

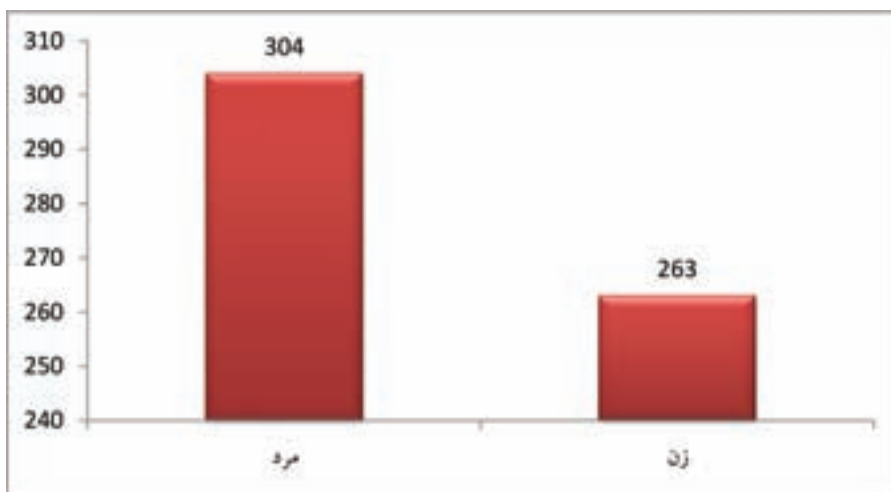
### مشخصات توصیفی پیمایش

#### جنسیت

کل افراد مورد مطالعه در این تحقیق ۵۶۷ نفر بود که در این میان ۳۰۴ نفر (۵۳/۶۰ درصد) را مردان و ۲۶۳ نفر (۴۶/۴۰ درصد) را زنان تشکیل دادند (جدول ۲ و شکل شماره ۵).

جدول ۲. توزیع پاسخ گویان به بر حسب جنس؛ ماخذ: محاسبات نگارندگان

جنسیت	تعداد	درصد
مرد	۳۰۴	۵۳/۶۰
زن	۲۶۳	۴۶/۴۰



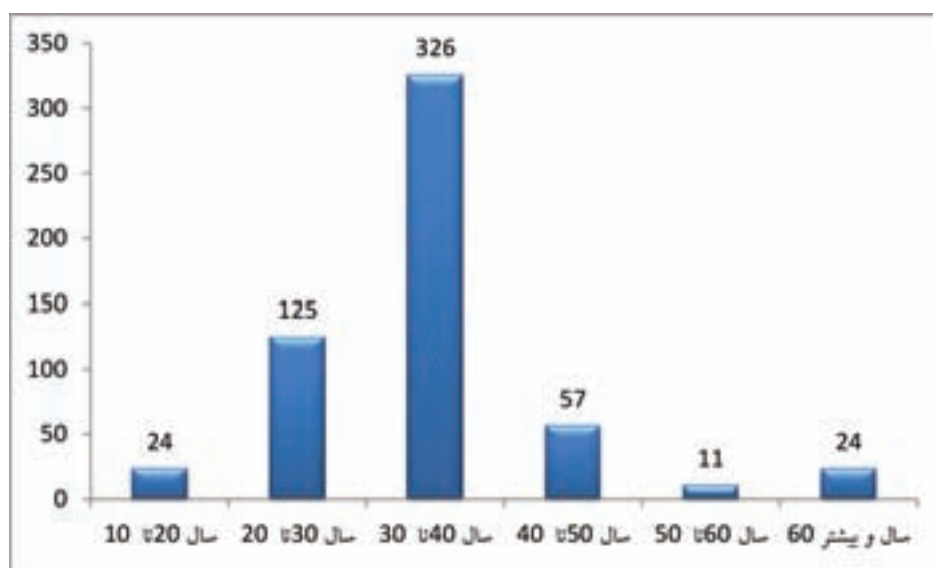
شکل ۵. نمودار تعداد پاسخ گویان بر حسب جنس؛ ماخذ: محاسبات نگارندگان

## گروه سنی

۴/۲ درصد پاسخ گویان در گروه سنی ۱۰ تا ۲۰ سال، ۲۲ درصد در گروه ۲۰ تا ۳۰ سال، ۵۷/۵۰ درصد در گروه ۳۰ تا ۴۰ سال، ۱۰/۱۰ درصد در گروه ۴۰ تا ۵۰ سال، ۱/۹۰ درصد در گروه ۵۰ تا ۶۰ سال و ۴/۲۰ درصد در گروه ۶۰ سال و بیشتر قرار داشتند (جدول شماره ۳ و شکل شماره ۶).

جدول ۳. توزیع پاسخ گویان به بر حسب گروه سنی؛ ماخذ: محاسبات نگارندگان

گروه سنی	تعداد	درصد
۱۰ تا ۲۰ سال	۲۴	۴/۲
۲۰ تا ۳۰ سال	۱۲۵	۲۲
۳۰ تا ۴۰ سال	۳۲۶	۵۷/۵۰
۴۰ تا ۵۰ سال	۵۷	۱۰/۱۰
۵۰ تا ۶۰ سال	۱۱	۱/۹۰
۶۰ سال و بیشتر	۲۴	۴/۲۰



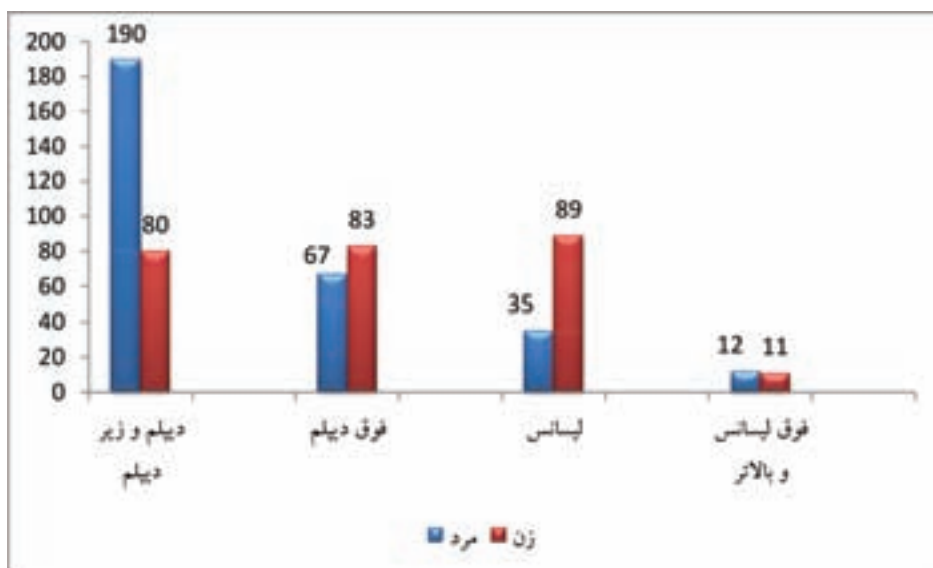
شکل ۶. نمودار تعداد پاسخ گویان بر حسب گروه سنی؛ ماخذ: محاسبات نگارندگان

### میزان تحصیلات

۷۰/۳۷ درصد مردان و ۲۹/۶۳ درصد زنان تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم داشته اند. ۴۴/۶۷ درصد مردان و ۵۵/۳۳ درصد زنان تحصیلات فوق دیپلم داشتند، ۲۸/۲۳ درصد مردان و ۷۱/۷۷ درصد زنان لیسانس و ۵۲/۱۷ درصد مردان و ۴۷/۸۳ درصد زنان فوق لیسانس و بالاتر بودند (جدول ۴ و شکل شماره ۷).

جدول ۴. توزیع وضعیت تحصیلات پاسخ گویان به بر حسب جنس؛ ماخذ: محاسبات نگارندگان

فوق لیسانس و بالاتر		لیسانس		فوق دیپلم		دیپلم و زیر دیپلم		تحصیلات جنس
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵۲/۱۷	۱۲	۲۸/۲۳	۳۵	۴۴/۶۷	۶۷	۷۰/۳۷	۱۹۰	مرد
۴۷/۸۳	۱۱	۷۱/۷۷	۸۹	۵۵/۳۳	۸۳	۲۹/۶۳	۸۰	زن
۱۰۰	۲۳	۱۰۰	۱۲۴	۱۰۰	۱۵۰	۱۰۰	۲۷۰	کل



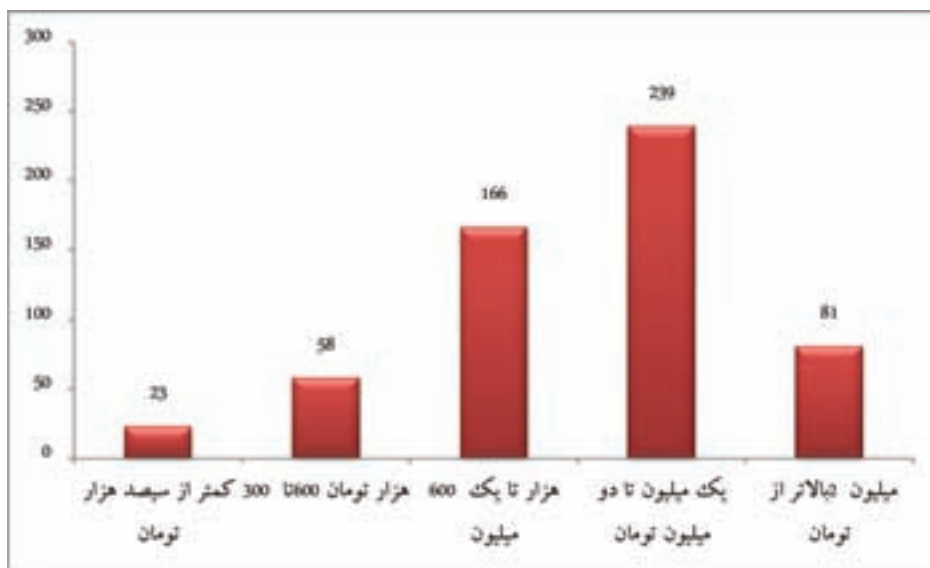
شکل ۷. نمودار وضعیت تحصیلات پاسخ گویان به بر حسب جنس؛ ماخذ: محاسبات نگارندگان

### میزان درآمد ماهیانه خانوار

میزان درآمد ماهیانه خانوار در ۴/۱۰ درصد از پاسخ‌گویان کمتر از سیصد هزار تومان، ۱۰/۲۰ درصد ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان، ۲۹/۳۰ درصد ۶۰۰ هزار تا یک میلیون، ۴۲/۲۰ درصد یک میلیون تا دو میلیون تومان و ۱۴/۳۰ درصد بالاتر از ۲ میلیون تومان بوده است (جدول ۵ و شکل شماره ۸).

جدول ۵. توزیع پاسخ‌گویان به بر حسب میزان درآمد ماهیانه خانوار؛ ماخذ: محاسبات نگارندگان

درآمد ماهیانه خانوار	تعداد	درصد
کمتر از سیصد هزار تومان	۲۳	۴/۱۰
۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان	۵۸	۱۰/۲۰
۶۰۰ هزار تا یک میلیون	۱۶۶	۲۹/۳۰
یک میلیون تا دو میلیون تومان	۲۳۹	۴۲/۲۰
بالاتر از ۲ میلیون تومان	۸۱	۱۴/۳۰



شکل ۸. نمودار تعداد پاسخ‌گویان بر حسب میزان درآمد ماهیانه خانوار؛ ماخذ: محاسبات نگارندگان

فرضیه اول: به نظر می‌رسد زنان نسبت به مردان احساس امنیت کمتری در شهر جدید هشتگرد وجود دارد.

نتایج استفاده از آزمون خی دو و ۷ کرامر حاکی از آن است که میان دو متغیر جنس با میزان احساس امنیت رابطه معنی داری وجود دارد. چنانچه ارقام مندرج در جدول زیر نشان می‌دهد زنان نسبت به مردان در شهر جدید هشتگرد احساس امنیت کمتری دارند (۰/۰۱ = S/۰۱). (جدول ۶).

جدول ۶. وضعیت احساس امنیت شهروندان بر حسب جنس در شهر جدید هشتگرد

جنسیت/احساس امنیت	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
مرد	۱۱/۲۰	۱۹/۱۰	۴۳/۸۰	۲۲/۴۰	۳/۶۰
زن	۱۳/۳۰	۳۰/۸۰	۲۹/۷۰	۲۲/۱۰	۴/۲۰

$$X^2 = ۱۶/۰۷$$

$$V = ۰/۱۶۸ \text{ کرامر}$$

Chi-Square Tests			
	Value	df	Asymp. Sig. (2-sided)
Pearson Chi-Square	16.070 <sup>a</sup>	4	.003
Symmetric Measures			
	Value	Approx. Sig.	
Nominal by Nominal	Phi	.168	.003
	Cramer's V	.168	.003
N of Valid Cases		567	



فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین احساس امنیت و میزان تحصیلات در شهر جدید هشتگرد رابطه مستقیمی وجود دارد.

نتایج آزمون‌های کندال و d سامرز پیرامون رابطه آماری بین متغیر تحصیلات و احساس امنیت در شهر جدید هشتگرد حاکی از آن است که نتایج چندان متفاوت نیست اگر چه در میان افراد دارای تحصیلات بالاتر اختلاف وجود دارد، ولی آنقدر مشهود نیست که منجر به رابطه معناداری شود (جدول ۷).

جدول ۷. وضعیت احساس امنیت شهروندان بر حسب سطح تحصیلات در شهر جدید هشتگرد

تحصیلات / احساس امنیت	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
دیپلم و زیر دیپلم	۱۲/۶۰	۱۷	۴۹/۳۰	۱۷	۴/۱۰
فوق دیپلم	۸	۳۹/۳۰	۳۰	۱۵/۳۰	۷/۳۰
لیسانس	۸/۹۰	۱۸/۵۰	۲۶/۶۰	۴۶	۰
فوق لیسانس و بالاتر	۵۲/۲۰	۴۷/۸۰	۰	۰	۰

Kendall's tau-c = - 0.020 Sig = 0.568  
Somers'd = -0.023 Sig = 0.568

		Value	Asymp. Std. Error <sup>a</sup>	Approx. T <sup>b</sup>	Approx. Sig.	
Ordinal by Ordinal	Somers' d	Symmetric	-.022	.038	-.571	.568
		Level of education; Dependent	-.021	.036	-.571	.568
		Feeling of security Dependent	-.023	.041	-.571	.568
	Kendall's tau-c		-.020	.035	-.571	.568
N of Valid Cases		567				

ماخذ: محاسبات نگارندگان

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین احساس امنیت و گروه‌های سنی در شهر جدید هشتگرد رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون‌های کندال و d سامرز پیرامون رابطه آماری بین متغیر گروه‌های سنی و احساس امنیت در شهر جدید هشتگرد حاکی از آن است که تفاوت معناداری بین گروه‌های سنی و احساس از امنیت در شهر جدید هشتگرد وجود دارد (جدول ۸).

جدول ۸. وضعیت احساس امنیت شهروندان بر حسب گروه سنی در شهر جدید هشتگرد

گروه سنی / احساس امنیت	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱۰-۲۰	۱۰۰	۰	۰	۰	۰
۲۰-۳۰	۸/۸۰	۴۵/۶۰	۳۶	۹/۶۰	۰
۳۰-۴۰	۱۰/۴۰	۱۷/۸۰	۴۰/۸۰	۲۷/۶۰	۳/۴۰
۴۰-۵۰	۰	۴۲/۱۰	۵۷/۹۰	۰	۰
۵۰-۶۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۰
۶۰ +	۰	۰	۰	۱۰۰	۰
کل	۱۲/۲۰	۲۴/۵۰	۳۷/۲۰	۲۲/۲۰	۳/۹۰

Kendall's tau-c = - 0.268      Sig = 0.001  
Somers'd = -0.353      Sig = 0.001

		Value	Asymp. Std. Error <sup>a</sup>	Approx. T <sup>b</sup>	Approx. Sig.	
Ordinal by Ordinal	Somers' d	Symmetric	.319	.033	9.034	.000
		Age group Dependent	.291	.031	9.034	.000
		Feeling of security Dependent	.353	.036	9.034	.000
	Kendall's tau-c		.268	.030	9.034	.000
N of Valid Cases		567				

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد میزان درآمد ماهیانه خانوار و احساس امنیت در شهر جدید هشتگرد رابطه معناداری وجود دارد. نتایج آزمون‌های کندال و d سامرز نشان داد که بین متغیر میزان درآمد ماهیانه خانوار و احساس امنیت در شهر جدید هشتگرد رابطه معنی داری وجود دارد (جدول ۹).

جدول ۹. وضعیت احساس امنیت شهروندان بر حسب درآمد در شهر جدید هشتگرد

گروه سنی / احساس امنیت	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
کمتر از سیصد هزار تومان	۰	۵۲/۲۰	۰	۰	۴۷/۸۰
از ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار	۲۰/۷۰	۰	۱۹	۶۰/۳۰	۰
از ۶۰۰ هزار تا یک میلیون	۶/۶۰	۲۷/۱۰	۵۳	۶/۶۰	۶/۶۰
از یک میلیون تا دو میلیون	۹/۶۰	۲۹/۷۰	۴۱/۸۰	۱۸/۸۰	۰
بالاتر از ۲ میلیون	۲۸/۴۰	۱۳/۶۰	۱۴/۸۰	۴۳/۲۰	۰
کل	۳/۹۰	۲۲/۲۰	۳۷/۲۰	۲۴/۵۰	۱۲/۲۰

### نتیجه گیری و جمع‌بندی

امنیت رکن اصلی توسعه پایدار شهری است، به طوری که در صورت وجود امنیت اجتماعی و جامعه ای ایمن می‌توان در جهت رشد و بالندگی جامعه گام‌های اساسی برداشت. به طور کلی احساس امنیت در شهر جدید هشتگرد بخصوص در محله‌های فقیرنشین و دارای پایگاه اقتصادی و اجتماعی ضعیف و همچنین اقشار آسیب پذیر از جمله زنان و کودکان در سطح قابل قبولی قرار ندارد. بنابراین سیاست گذاران و برنامه ریزان باید به سمت توانمندسازی و تقویت شبکه‌های دوستی و انسجام اجتماعی در محله‌های شهر جدید هشتگرد و همینطور افزایش سرانه امکانات و خدمات رفاهی گام بردارند. به طور کلی، از جمله عمده‌ترین دلایل امنیت پایین در شهر جدید هشتگرد می‌توان به مسائلی بدین شرح اشاره نمود:

۱. روابط همسایگی و ارتباطات اجتماعی در شهر جدید هشتگرد از انسجام، استحکام و پایداری کمتری برخوردار است؛
۲. طراحی و ساخت فضاها در شهر جدید هشتگرد شرایط ویژه‌ای از جمله عدم انسجام بافت کالبدی و وجود اراضی باز، وجود کارگاه‌های

ساختمانی، حاکم شدن انواع معماری مدرن و... دارد؛

۳. دوری از شهر مادر و وجود وابستگی‌های اجتماعی، اقتصادی، خدماتی و... شهر جدید از یک سو و کمبود امکانات حمل و نقل عمومی جهت رفت و آمد به این شهر؛
۴. نارسایی احتمالی تجهیزاتی و خدماتی شهر جدید به‌ویژه در مراحل اولیه ساخت و یا در فازهای جدید شهر؛
۵. خالی ماندن بیش از حد واحدهای مسکونی در برخی ساختمان‌ها، همین‌طور وجود زمین‌های بایر و ساخته نشده، توأم با وجود کارگاه‌های ساختمانی نیمه تمام، در هشتگرد موجبات نگرانی و از این حیث کاهش «احساس امنیت» درصد زیادی از خانوارها را فراهم کرده است. چراکه هریک از این مکان‌ها به دلیل عدم امکان نظارت اجتماعی مطلوب می‌توانند مستعد خطر و جرم خیزی تلقی شوند.
۶. کمبود و یا ضعف نظارت‌های رسمی و غیر رسمی و برخورد با جرایم و ناهنجاری‌های اجتماعی.

## منابع و مأخذ

- Socioeconomic Determinants of Crime: the Case of Texas, Dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of MSc in Economics, at the Universidade Católica Portuguesa.
10. Bates, Ellie,(2013), Vandalism: A Crime of Place? thesis submitted in fulfillment of the requirements for a postgraduate degree(e.g. PhD, MPhil, DClinPsychol), University of Edinburgh.
  11. Bharadwaj, Ashish,(2014), Is poverty the mother of crime? Empiricalevidence of the impact of socioeconomic factors on crime in India, Revista Atlántica de Economía – Volumen 1 – 2014.
  12. Broere,Wout,(2013), urban problems - underground solutions, Advances in Underground Space Development- Zhou, Cai& Sterling(eds), 2013 by The Society for Rock Mechanics & Engineering Geology(Singapore), Published by Research Publishing.
  13. Christens, Brian; Speer, Paul W,(2005), PREDICTING VIOLENT CRIME USING URBAN AND SUBURBAN DENSITIES, Vanderbilt University.
  14. Fan, Shuzhan,(2012), The Spatial-Temporal Prediction of Various Crime Types in Houston, Tx Based on Hot-Spot Techniques, A Thesis Submitted to the Graduate Faculty of the Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College in partial fulfillment of the requirement for the degree of Master of Science, in The Department of Geography and Anthropology, B.E., Central South University, 2012 August 2014.
  15. Hiropoulos, Alexandra; Porter, Jeremy,(2014), VISUALISING PROPERTY CRIME IN GAUTENG, Applying GIS to crime pattern theory, SA Crime Quarterly No 47, March 2014.
  16. Iyer, Lakshmi; Topalova, Petia ,(2014), Poverty and Crime: Evidence from Rainfall and Trade Shocks in India, Harvard Business School, Working Paper, September 2, 2014.
  17. Kneebone, Elizabeth and Raphael, Steven,(2011), City and Suburban Crime Trends in Metropolitan America, Metropolitan Policy Program at
  1. پرهیز، فریاد؛ مشکینی، ابوالفضل؛ مهدنژاد، حافظ؛ مرادی نیا، سجاد (۱۳۹۱) تشکیل پایگاه داده‌های جرایم شهری با استفاده از تکنیک‌های گرافیک مینا، درون یابی و سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی، فصلنامه مطالعات اجتماعی، صص ۷۸-۵۵.
  ۲. زیاری، کرامت الله و مهدنژاد، حافظ و پرهیز، فریاد (۱۳۸۸) مبانی و تکنیک‌های برنامه ریزی شهری، انتشارات دانشگاه بین المللی چابهار.
  ۳. شورت، جان رنه، (۱۳۹۱) نظریه شهری، ارزیابی انتقادی، ترجمه دکتر کرامت اله زیاری، حافظ مهدنژاد و فریاد پرهیز، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران.
  ۴. مشکینی، ابوالفضل؛ پرهیز، فریاد؛ مهدنژاد، حافظ (۱۳۹۰) بررسی جرایم شهری در منطقه اسکان غیررسمی اسلام آباد زنجان با استفاده از GIS، دو فصلنامه آموزشی، پژوهشی و اطلاع رسانی تشکل، سال ششم، شماره ۶، صص ۷۴-۷۷.
  ۵. مهدنژاد، حافظ، (۱۳۸۹) تحلیل کاربری فضای سبز در اسلامشهر با تاکید بر توسعه پایدار، پایان نامه برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری به استاد راهنمایی دکتر کرامت اله زیاری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران.
  6. Armitage, R., & Gamman, L. (2009). Sustainability via Security: A New Look. Built Environment, 35(3), 297301-.
  7. Arthur-Worrey, Fola and Chukwuma, Innocent,(2011), The Lagos State Crime and Safety Survey, Challenges and Outcome, 12th UN Congress on Crime Prevention and Criminal Justice, Salvador, Brazil, April 12 2010 ,19-.
  8. Balogun, Toju Francis ; Okeke, Henry; Chukwukere, Christain Ifanyin,(2014), Crime Mapping in Nigeria Using GIS, Journal of Geographic Information System, 2014, 6, 453466-.
  9. Balthazar, Kristin Ross,(2012), The

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶  
No.49 Winter 2018

BROOKINGS.

18. Muggah, Robert,(2012), Researching the Urban Dilemma: Urbanization, Poverty and Violence, International Development Research Centre 2012 .
19. Nes, A. v., & Rueb, L. (2009). Spatial Behaviour in Dutch Dwelling Areas- How Housing Layouts Affects the Behaviour of its Users. Paper presented at the 7th International Space Syntax Symposium, Stockholm.
20. Pérez Salazar, Bernardo,(2011), Social Urbanism as a Crime Prevention Strategy: The Case of Medellin, Colombia, 12th UN Congress on Crime Prevention and Criminal Justice, Salvador, Brazil, April 122010 ,19-.
21. Santana, P; Santos, R; Costa, C; Roque, N; Loureiro, A,(2010), Crime and Urban Environment: Impacts on Human Health, Institute for Geographical Studies University of Coimbra, 3004-530 Coimbra, Portugal.
22. Shamsuddin, Shuhana Binti; Hussin, Natasha Azim Binti,(2013), Safe City Concept and Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED) for Urban Sustainability in Malaysian Cities, 2013 American Transactions on Engineering & Applied Sciences.
23. Singh, R.B; Grover, Aakriti,(2015), Sustainable Urban Environment in Delhi Mega City: Emerging Problems and Prospects for Innovative Solutions, Department of Geography, Delhi School of Economics, University of Delhi.
24. Swanson, Daniel Duane,(2010), «Displacement or diffusion: A secondary analysis of the Las Vegas Safe Village Initiative», Master of Art Degree in Criminal Justice,Department of Criminal Justice Greenspun College of Urban Affairs, Graduate College University of Nevada Las Vegas, May 2010.
25. Uittenbogaard, Cornelis Adriaan,(2013), Clusters of Urban Crime and Safety in Transport Nodes,KTH Royal Institute of Technology, School of Architecture and the Build Environment, Dept of Real Estate and Construction Management, Stockholm.



## تحلیل رتبه رقابت پذیری مکانی شهری مراکز استان‌های ایران بر پایه تحلیل مولفه اصلی (PCA)

**فاطمه السادات افصح حسینی** - دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
**حسین ذبیحی\*** - دانشیار، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
**للا جهان‌شاهلو** - استادیار، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

با وجود پیچیده بودن مفهوم رقابت پذیری، هدف آن تا حدودی مشخص و قابلیت برتری یافتن بر سایر رقبا می‌باشد. چهار مولفه رقابت پذیری شهری عبارتند از: اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، محیطی و مکانی. هدف کلی در این تحقیق شناسایی عوامل موثر بر ارتقاء رقابت پذیری مکانی شهری می‌باشد. از دیدگاه سازمان ملل سه روش مختلف برای معلوم کردن عوامل واقعی رقابت پذیری شهری وجود دارند. با توجه به پارادایم تحقیق، که اثبات‌گرایی است، روش کمی/آماري از میان سه روش مطرح شده انتخاب گردید. شاخص‌های مکانی رقابت پذیری شهری عبارتند از هیپسوگرافی، شرایط مکان، دسترسی، و زیرساخت داده مکانی. تحلیل مولفه اصلی، روش تحلیل داده‌های تحقیق با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS، Minitab و XLSTAT می‌باشد. پنج مولفه اصلی اول ۰٫۸۷ واریانس را توضیح می‌دهند؛ لذا بررسی پنج مولفه اصلی اول کفایت می‌کند و رتبه بندی بر اساس مولفه اصلی اول صورت می‌پذیرد. از جمله پیشنهادها این تحقیق برای تحقیقات آتی این است که با توجه به وجود تفاوت در مدل مدیریت شهری در سطوح مختلف شهرهای کشور، معیارها و ملاک‌های رقابتی آنها با توجه به شرایط جمعیتی، اقلیمی، فرهنگی و سیاسی آن به طور خاص تهیه و تنظیم شود.

**واژگان کلیدی:** رقابت‌پذیری مکانی شهری، ایران، تحلیل مولفه اصلی.

**Analyze the ranking of the urban locational competitiveness of the centers of the provinces of Iran based on the Principal Component Analysis (PCA)**

### Abstract

In spite of the complexity of the concept of competitiveness, its goal is, to some extent clear to be able to outperform other competitors. The four components of urban competitiveness are economic, socio-cultural, environmental and locational. The general objective of this research is to identify the factors influencing the promotion of urban locational competitiveness. From the UN perspective, there are three different ways of identifying the real factors of urban competitiveness. With regard to the research paradigm, which is positivist, a quantitative/statistical method was chosen among the three methods proposed. Urban competitiveness locational indicators are Hypsography, Location Conditions, Accessibility, and Spatial Data Infrastructure. The main component analysis is the data analysis method using SPSS and Minitab software and XLSTAT. The first five main components explain ۰٫۸۷ variance; therefore, the examination of the five main components is sufficient, and the ranking is performed based on the first component. Among the suggestions of this research for future researchers is that due to the difference in the urban management model at different levels of the cities in the country, their criteria get prepared and set with regard to their demographic, climatic, cultural and political conditions.

**Keywords:** Urban Locational Competitiveness, Iran, Principal Component Analysis

اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، محیطی و مکانی (Fu et al., 2014, 3374). این تحقیق به بررسی مولفه مکانی رقابت پذیری شهری می‌پردازد. هدف کلی در این تحقیق شناسایی عوامل موثر بر ارتقاء رقابت پذیری مکانی شهری در چارچوب مدل استخراجی از تحقیق و هدف کاربردی آن رقابتی تر کردن مکانی شهر می‌باشد.

### مبانی نظری

مدیریت شهری در شهرهای امروزی نقشی اساسی در پایداری و توسعه یافتگی زندگی شهری دارد (نوذریور و همکاران، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۱۳). مدیریت شهری را می‌توان سازمانی فراگیر و در برگیرنده اجزای رسمی و غیررسمی مؤثر و کارآمدی دانست که در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهر تاثیر دارند و با ماهیت چند عملکردی در حوزه سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرا بر آن هستند تا به اداره، هدایت، کنترل و توسعه همه جانبه و پایدار شهر بپردازند و افزایش کیفیت زندگی شهروندان و رفاه شهروندی را محقق گردانند (فضل الله، ۱۳۹۵، صص ۳۳۱-۳۳۰ به نقل از رفیعان و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۶). برای مدیران شهری دست کم سه دسته تئوری مهم مطرح است که عبارتند از: تئوری تمرکز زدایی که از تئوری مدیریت دولتی<sup>۱</sup> ریشه گرفته است (دیک، ۱۳۹۳، ص ۷۴ به نقل از راندینلی و رادل<sup>۲</sup>، ۱۹۷۸)؛ تئوری مدیریت دولتی نوین که برگرفته از تئوری‌های اخیر مدیریت دولتی است (دیک، ۱۳۹۳، ص ۷۴ به نقل از لین<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶)؛ تئوری رقابتی بودن شهرها، شرکت‌ها، منطقه‌ها و مانند آن. این تئوری برگرفته از کار پورتر است (دیک، ۱۳۹۳، ص ۷۴). بر اساس تئوری رقابتی بودن شهرها، مدیریت شهری عبارت است از تلاش برای ایجاد شهری رقابتی تر، منصفانه تر و پایدارتر (درسخوان، ۱۳۹۶، ص ۳۸۱ به نقل از دیک، ۱۳۹۳، ص ۳۵).

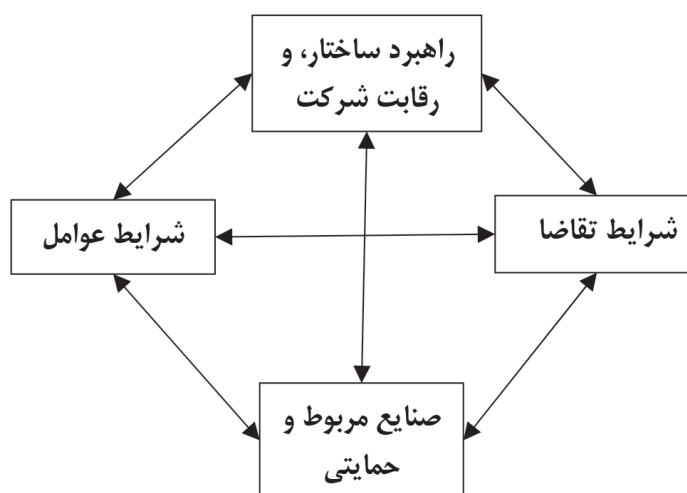
«مایکل پورتر»<sup>۴</sup> یک نظریه رقابت‌پذیری جدید-مدل الماس<sup>۵</sup>-را معرفی کرد. طبق نظریه پورتر، ملتها برای موفق شدن در صنایع یا بخش‌های صنعتی، جایی که «الماس» ملی مطلوب‌ترین باشد، محتمل‌ترین هستند. این الماس چهار مولفه وابسته به هم دارد: (۱) شرایط عوامل (زیرساختها)، (۲) شرایط تقاضا، (۳) صنایع مربوط و حمایتی، و (۴)

مفهوم رقابت پذیری یک مفهوم پیچیده است، که شاید نتوان ابعاد آن را به سادگی تعیین کرد، اما هدف این مفهوم تا حدودی مشخص و قابلیت برتری یافتن بر سایر رقبا می‌باشد. رقابت‌پذیری از سطح بنگاه‌ها به سطوح دیگری نیز آورده شده است، که یکی از آنها سطح شهرها می‌باشد، که در ادامه آن می‌توان به رقابت پذیری در سطوح بالاتر از جمله سطح ملی نیز دست یافت. زیرا که اکنون بسیاری از شهرها در عصر جهانی شدن جایگاه ویژه‌ای دارند و اهمیت شهرها در توسعه ملی آموخته شده است. فرآیند جهانی شدن، خود باعث اهمیت بخشیدن به مفهوم رقابت پذیری در شهرها شده است. بانک جهانی نیز رقابت‌پذیری شهری را از مفاهیم کلیدی می‌داند که مدیران شهری با آن روبرو می‌شوند. افزایش روزافزون علاقه مندی به مفهوم رقابت پذیری باعث شده است که لیست‌های رتبه بندی زیادی منتشر شوند که در آن شهرها را بر اساس ویژگی‌هایی رتبه بندی می‌کنند.

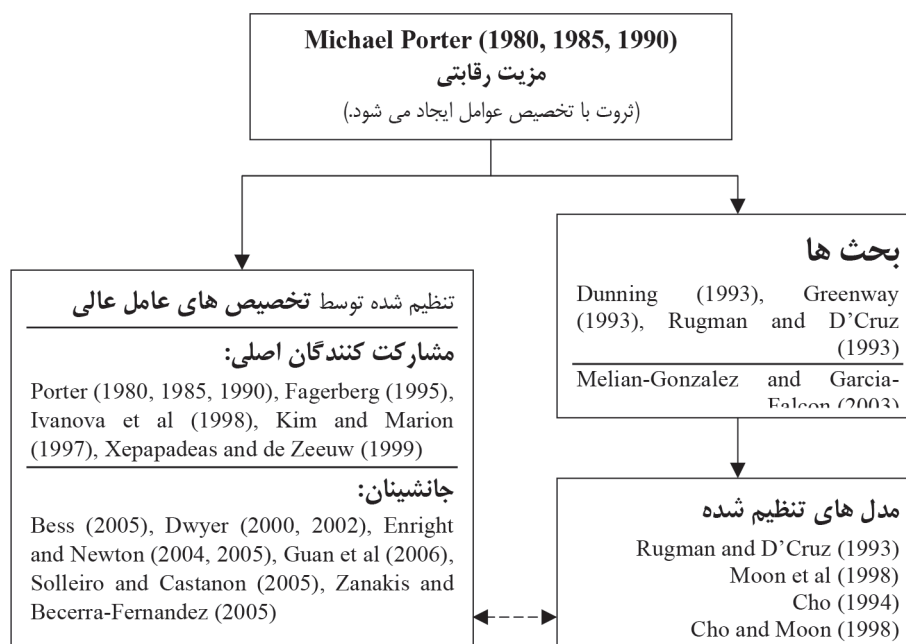
مساله‌ای که در ارتباط با رقابت شهرها مطرح است این است که: توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در یک شهر به تدریج با توسعه بین‌المللی متصل و یکی می‌شود (Ni et al., 2010, 12). روند کنونی بیانگر آن است که شهرها به صورت روزافزونی تبدیل به بخشی از اقتصاد جهانی می‌شوند. شهرها ناچارند با دیگر هم‌تایان خود در سطح ملی یا جهانی رقابت کنند. یک مدیر شهری خوب می‌تواند به حفظ قابلیت رقابتی شهر کمک کند (دیک، ۱۳۹۳، ص ۷۴). البته توجه به این نکته که مدل مدیریت شهری در سطوح مختلف شهرهای کشور متفاوت است، ضروری است. (نوذریور و همکاران، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۵۷۰ به نقل از مورفت، ۲۰۰۸، ص ۱۵۴). شهرها تلاش می‌کنند در راستای رقابت‌پذیری، از نوعی شهرت یا آوازه برخوردار شوند (شریفی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳۷۹). رواج رقابت‌پذیری بین‌المللی احتمالاً به یک پروژه مسلط اقتصادی برای بسیاری از شهرها تبدیل شده است (شیر محمدی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۸۱ به نقل از شورت و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۱۸). شهر در حال حاضر فقط محل رقابت برای سرمایه‌گذاری نهادی و سازمانی در املاک و مستغلات نمی‌باشند؛ بلکه محل رقابتی برای جذب گردشگران و دانشجویان، رویدادها و جشنها، تحقیقات و فناوری، مکان شرکتها و کارگران ماهر، دانشگاه‌ها و نهادهای فرهنگی است (شیرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۹۶). چهار مولفه رقابت‌پذیری شهری عبارتند از:

1. Public Administration  
2. Rondinelli & Rudlle  
3. Lynn  
4. Michael Porter  
5. Diamond model

راهبرد، ساختار، و رقابت شرکت. علاوه بر این، دو عامل خارجی وجود دارند- فرصت و دولت (Cho et al., 2002, xv). بر اساس مدل الماس پورتر، مدل‌هایی تنظیم شدند که عبارتند از: مدل الماس دوپل<sup>6</sup>، مدل ۹ عامل<sup>۷</sup>، مدل الماس دوپل عمومی شده<sup>۸</sup> و مدل استیج<sup>۹</sup>. همه این مدل‌های ذکر شده دارای نقطه نظرات مدیریتی می‌باشند. و بر همین اساس است که مدل‌های رقابت پذیری شهری در بحث‌های مدیریت شهری مطرح می‌باشند.



نمودار ۱. عوامل رقابت پذیری ملی؛ ماخذ: Cho et al., 2002, 61



نمودار ۲. رقابت پذیری، پورتر و پس از وی؛ ماخذ: برداشتی از Hong, 2008, 8

6. Double diamond model  
7. Nine-factor model  
8. Generalized double diamond model  
9. Stage model

جدول ۱. نظریه پردازان رقابت پذیری؛ منبع: برداشتی از Hong, 2008, 8

شرح	سال	نظریه پرداز
مدل الماس	۱۹۸۰، ۱۹۹۰، ۱۹۸۵	Michael Porter
کمبود ابتکار نظریه ای	۱۹۹۳	Dunning
کمبود ابتکار نظریه ای	۱۹۹۳	Greenway
مدل الماس دوبل (کمبود ابتکار نظریه ای)	۱۹۹۳	Rugman and D'Cruz
مدل ۹ عامل	۱۹۹۴	Cho
مشارکت کننده اصلی	۱۹۹۵	Fagerberg
مشارکت کننده اصلی	۱۹۹۷	Kim and Marion
مشارکت کننده اصلی	۱۹۹۸	Ivanova et al
مدل الماس دوبل عمومی شده	۱۹۹۸	Moon et al
مدل استیج	۱۹۹۸	Cho and Moon
مشارکت کننده اصلی	۱۹۹۹	Xepapadeas and de Zeeuw
دنبال کننده مشارکت کنندگان اصلی	۲۰۰۰، ۲۰۰۲	Dwyer
کمبود پیش بینی برای تاثیر بر رقابت پذیری	۲۰۰۳	Melian-Gonzalez and Garcia-Falcon
دنبال کننده مشارکت کنندگان اصلی	۲۰۰۴، ۲۰۰۵	Enright and Newton
دنبال کننده مشارکت کنندگان اصلی	۲۰۰۵	Bess
دنبال کننده مشارکت کنندگان اصلی	۲۰۰۵	Castanon
دنبال کننده مشارکت کنندگان اصلی	۲۰۰۵	Zanakis and Becerra-Fernandez
دنبال کننده مشارکت کنندگان اصلی	۲۰۰۶	Guan et al

## پیشینه تحقیق

دیکشنری انگلیسی Oxford Compact رقابت پذیری را این گونه تعریف می‌کند: «دارا بودن یک میل قوی برای پیروز شدن» (UNHABITAT, 2013, 3). با مراجعه به تحلیل ادبیات علمی، تعریف زیر از رقابت-پذیری شهری پیشنهاد می‌شود: «رقابت پذیری شهری توانایی جمعیت شهری برای حفظ موقعیت رقابتی در یک ناحیه خاص (بازار) رقابت در میان دیگر شهرهای از نوع مشابه و دنبال کردن اهداف مشابه با حفظ منابع و بهبود رفاه اعضای شهر با مدیریت عوامل محیط خارجی و داخلی می‌باشد» (Sinkiené, 2009, 5). گویا اولین مطالعه مهم رقابت پذیری متعلق به سمپوزیوم تحقیقی بود که توسط مدرسه کسب و کار هاروارد در ۱۹۸۵ حمایت شد (UNHABITAT, 2013, 7). مطالعه رقابت پذیری شهری به طور قابل ملاحظه‌ای طی ۳۰ سال گذشته گسترش یافته است (UNHABITAT, 2013, 7). مطالعات پیشین اصولاً رقابت پذیری شهری را از چشم انداز اقتصادی ارزیابی کرده اند و مطالعات کمی شرایط مکانی را به عنوان عواملی که ممکن است بر صنعتی شدن محلی و شهرنشینی تاثیر داشته باشد در نظر گرفته‌اند (Fu et al., 2014, 3374). تعدادی از تحقیقات خارجی و داخلی در زمینه رقابت پذیری شهری مرتبط با این تحقیق به گونه‌ای که پشتیبانی‌کننده مدل مفهومی تحقیق باشد عبارتند از:

تحقیقات خارجی: از جمله تحقیقات خارجی با ویژگی‌های ذکر شده عبارتند از:

رقابت پذیری شهری و ارتقاء زیرسیستم‌های شهری: تکنولوژی‌ها و کاربردها: این کتاب شامل ۱۳ فصل می‌باشد که در فصل دوم به مولفه‌های مکانی رقابت‌پذیری شهری پرداخته است و در خلاصه این فصل آمده است: مفاهیمی مانند دسترسی و مرکزیت- و راهبردهای اندازه گیری آنها- می‌تواند برای تعیین یک مکان خوب برای مستقر شدن یک کسب و کار یا قطب حمل و نقل استفاده شود (Bulu, 2012, 21).

شبکه شهرها در امتداد راه ابریشم، گزارش رقابت پذیری شهری جهانی ۲۰۱۷: در این کتاب، تعدادی نشان-گر در سیستم نشان‌گر رقابت‌پذیری

شهری جهانی مطرح شده است، که نشان‌گرهای مرتبط با مکان عبارتند از: آسانی سفر جاده، فاصله از دریا، تعداد مسیرهای هوایی (Ni et al., 2017, 22). ارزیابی رقابت پذیری شهری در استان شان‌دنگ: رقابت‌شهری از طریق انتخاب سیستم شاخص خاص برای اندازه‌گیری است، که انتخاب برخی سیستم شاخص نمونه، نمایش کمی همه جنبه‌های رقابت پذیری شهری، مقایسه و تحلیل تغییرات در رقابت پذیری وضعیت‌های مختلف شهر است (Zhanxin, 2011, 473) به نقل از Ning, 2001, 19: (3): 22-88. یکی از جنبه‌های سیستم شاخص رقابت‌پذیری شهری عبارتست از: زیرساخت: یک اصل برای شهر برای رقابتی ماندن است. شامل هفت نشان‌گر است: سرانه مساحت راه، وسایل نقلیه عمومی به ازای هر میلیون نفر، کاربران تلفن ثابت به ازای هر میلیون نفر، کاربران اینترنت به ازای هر میلیون نفر، سرانه خدمات ارتباطات از راه دور، سرانه مصرف سالیانه برق، و نفوذ گاز (Zhanxin, 2011, 473).

گزارش رقابت‌پذیری جهانی: این گزارش هر سال توسط WEF<sup>۱۰</sup> منتشر می‌شود، در آخرین گزارش منتشر شده که مربوط به سال ۲۰۱۷-۲۰۱۶ می‌باشد، شاخص‌ها را به ۱۲ پایه اصلی تقسیم می‌کند که هر کدام دارای زیرشاخص‌هایی می‌باشند. شاخص و زیرشاخص‌های کمی دومین پایه (زیرساخت و اتصال) که ماهیتی مکانی دارد عبارت است از: زیرساخت: سرعت راه، مستقیم بودن راه، چگالی راه آهن، نرخ برق رسانی، نرخ پوشش شبکه سیار، دسترسی به آب شرب بهبود یافته؛ اتصال: اتصال خطوط هوایی، اتصال خطوط کشتی رانی (Schwab, 2016, 65).

گزارش رقابت‌پذیری شهری جهانی: این گزارش که توسط دو فرد متخصص در زمینه رقابت پذیری به نام‌های نی<sup>۱۱</sup> و کرسل<sup>۱۲</sup>، چندین بار منتشر شده است (۲۰۱۰، ۲۰۱۳ و ...)، در گزارش سال ۲۰۱۰، بیان می‌دارد که: مکان جغرافیایی شهر، بندر، راه‌ها، فرودگاه، و سیستم ارتباطات و اطلاعات، همه زیرساخت‌هایی که برای اتصال

10. World Economic Forum

11. Pengfei Ni

12. Peter Karl Kresl



جهانی استفاده می‌شوند، می‌توانند انتخاب کسب و کار شرکت و هزینه‌های عملیاتی را مورد تاثیر قرار دهند (Ni et al., 2010, 6). و شاخص اتصال جهانی را چنین معرفی می‌نماید: اندازه گیری مشارکت شهر در رقابت جهانی، مانند موقعیت نسبی آن شهر در میان همه شهرها در سر تا سر جهان، شامل شرایط مکانی، اتصال حمل و نقل، اتصال ساکنان، اتصال اطلاعات و اتصال شرکت‌ها (Ni et al., 2010, 12). زیرشاخص‌های نهایی مرتبط با مکان معرفی شده این تحقیق برای اتصال جهانی عبارتند از: شرایط مکان (راحتی مکان): مکان طبیعت (فاصله تا رودخانه، دریاچه یا دریا)، مکان اجتماع (فاصله تا شهرهای جهانی معروف و شهرهای بین قاره ای)؛ حمل و نقل زمینی: تعداد خطوط راه آهن، تعداد خطوط بزرگ راه؛ حمل و نقل آبی: ظرفیت کانتینر، اطاق بار اسکله؛ حمل و نقل هوایی: جابجایی هواپیما، ظرفیت مسافر، بار جابجا شده (Ni et al., 2010, 15, 67, 68, 163, 164). اندازه گیری و تحلیل رقابت پذیری شهری پایتخت‌های استانی چین در ۲۰۱۰ تحت محدودیت‌های منطقه بندی اصلی کارکردگرا با استفاده از تحلیل‌های مکانی: این مقاله، با استفاده از تحلیل مکانی به بررسی رقابت پذیری شهری در میان پایتخت‌های استانی کشور چین می‌پردازد، این تحقیق بیان می‌دارد که دسترسی و هیپسوگرافی خیلی زیاد بر رقابت پذیری شهری و پتانسیل جهانی سازی<sup>۱۳</sup> اقتصادی تاثیر می‌گذارند (Fu et al., 2014, 3380). به نقل از (The World Bank, 2009). دسترسی: دسترسی به شبکه‌های ترافیک و اتصال بین شهرها بر می‌گردد، که پتانسیل توسعه را نشان می‌دهد. شاخص اتصال راه‌ها، شاخص اتصال راه آهن‌ها و شاخص اتصال خطوط هوایی، دسترسی شهری را نشان می‌دهد (Fu et al., 2014, 3380). دسترسی اتصال را اندازه می‌گیرد و به آسانی با اینکه کدام فعالیت‌ها می‌تواند از مکان‌های مشخص با استفاده از سیستم‌های حمل و نقل موجود در دسترس باشد، تعریف می‌شود (Fu et al., 2014, 3383). به نقل از (53-Vandenbulcke, 2009, 17, 39). هیپسوگرافی: هیپسوگرافی به ارتفاع نسبی نواحی مختلف زمین بر می‌گردد، شامل ارتفاع و شیب می‌باشد (Fu

et al., 2014, 3380). به نقل از (216-Xu, 2011, 103, 207). ارتفاع و شیب برای نمایش راحتی صنعتی سازی و شهر نشینی به کار می‌روند (Fu et al., 2014, 3380). هیپسوگرافی به نمایش جغرافیایی عناصر توپولوژیکی زمین در بالای سطح دریا، مانند چیزی که روی نقشه است، بر می‌گردد. از آن جا که هیپسوگرافی یک کشور بر توزیع جمعیت، توسعه اقتصادی، مقیاس صنعتی و ... آن تاثیر می‌گذارد، هیپسوگرافی یک عامل مهم در توسعه شهری است (Fu et al., 2014, 3386). تحقیقات داخلی: از جمله تحقیقات داخلی با ویژگی‌های ذکر شده عبارتند از:

طراحی مدل رقابت‌پذیری شهری با تکیه بر شاخص‌های حکمرانی خوب شهری در بستر فرآیند جهانی‌شدن: از جمله پیشنهادها عنوان شده در این تحقیق در حوزه رقابت پذیری شهری، سرمایه گذاری در جهت توسعه زیرساخت‌هایی نظیر: فرودگاه‌های بین‌المللی و داخلی، زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، توسعه شبکه حمل و نقل شهری می‌باشد و همچنین از پیشنهادها ارائه شده به پژوهشگران آینده، ارزیابی و تحلیل میزان تاثیر توسعه زیرساخت‌های شهری بر افزایش رقابت پذیری شهری می‌باشد (کارگر سامانی، ۱۳۹۳، صص ۱۸۹-۱۸۸).

تعیین راهبردهای رقابت‌پذیری شهر تهران: در این تحقیق، ۹ متغیر رقابت پذیری معرفی و راهبردهای مناسب رقابتی به کمک ابزارهای ماتریس SWOT و SPACE برای شهر تهران ارائه شده است. یکی از متغیرها که از جنس مکانی می‌باشد، زیرساخت اطلاعاتی شهر است. از جمله نتایج این تحقیق این است که: «میان رتبه دولت‌ها از لحاظ شاخص رقابت پذیری در دنیا و رتبه شهرهایشان رابطه معناداری وجود دارد» (ربیع و همکاران، ۱۳۹۲، ۵۳). پیشنهاد آتی این تحقیق این است که: «توان رقابتی شهرهای کشور نسبت به هم سنجیده و رتبه‌بندی شود تا مدیران شهری بتوانند برنامه‌های راهبردی دقیق تری را تدوین کنند» (ربیع و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۵۳).

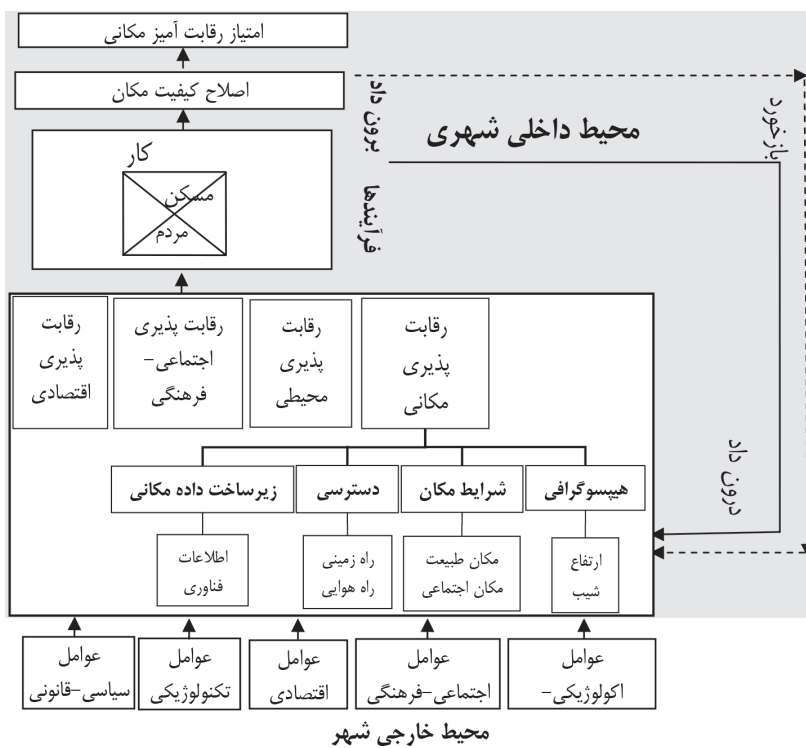
جدول ۲. جمع بندی از تحقیقات خارجی و داخلی

منبع	شاخص رقابت پذیری مکانی شهری	عنوان	
۲۳	دسترسی، مرکزیت	رقابت پذیری شهری و ارتقاء زیرسیستمهای شهری: تکنولوژی ها و کاربردها	تحقیقات خارجی
۳۲	آسانی سفر جاده، فاصله از دریا، تعداد مسیرهای هوایی	شبکه شهرها در امتداد راه ابریشم، گزارش رقابت پذیری شهری جهانی ۲۰۱۷	
۴۴	زیرساخت: سرانه مساحت راه، وسایل نقلیه عمومی به ازای هر میلیون نفر، کاربران تلفن ثابت به ازای هر میلیون نفر، کاربران اینترنت به ازای هر میلیون نفر، سرانه خدمات ارتباطات از راه دور، سرانه مصرف سالیانه برق، و نفوذ گاز	ارزیابی رقابت پذیری شهری در استان شاندرنگ	
۳۸	زیرساخت: سرعت راه، مستقیم بودن راه، چگالی راه آهن، نرخ برق رسانی، نرخ پوشش شبکه سیار، دسترسی به آب شرب بهبود یافته؛ اتصال: اتصال خطوط هوایی، اتصال خطوط کشتی رانی	گزارش رقابت پذیری جهانی ۲۰۱۶-۲۰۱۷	
۳۳	شاخص اتصال مکانی: شرایط مکان (راحتی مکان): مکان طبیعت (فاصله تا رودخانه، دریاچه یا دریا)، مکان اجتماع (فاصله تا شهرهای جهانی معروف و شهرهای بین قاره ای)؛ حمل و نقل زمینی: تعداد خطوط راه آهن، تعداد خطوط بزرگ راه؛ حمل و نقل آبی: ظرفیت کانتینر، اطاق بار اسکله؛ حمل و نقل هوایی: جابجایی هواپیما، ظرفیت مسافر، بار جابجا شده	گزارش رقابت پذیری شهری جهانی ۲۰۱۰	
۲۷	دسترسی: اتصال راه ها، اتصال راه آهن و اتصال خطوط هوایی؛ هیسوگرافی: ارتفاع، شیب	اندازه گیری و تحلیل رقابت پذیری شهری پایتخت های استانی چین در ۲۰۱۰ تحت محدودیت های منطقه بندی اصلی کارکرد - گرا با استفاده از تحلیل های مکانی	
۲	زیرساخت: فرودگاه های بین المللی و داخلی، فناوری اطلاعات، توسعه شبکه حمل و نقل شهر	طراحی مدل رقابت پذیری شهری با تکیه بر شاخص های حکمرانی خوب شهری در بستر فرآیند جهانی شدن	تحقیقات داخلی
۱۰	زیرساخت اطلاعاتی شهر	تعیین راهبردهای رقابت پذیری شهر تهران	

## مدل مفهومی تحقیق

آمیز، مناطق نیاز دارند که برای مجهز شدن به دانش و ایده‌های همه شهروندان در سطوح همسایگی، محلی، و منطقه‌ای برای اصلاح کیفیت مکان، مکانیزم‌هایی ایجاد کنند (فلوریدا، ۱۳۸۹، ص ۱۵۵). با توجه به اینکه این تحقیق به‌طور خاص بر روی عوامل مکانی رقابت‌پذیری شهری انجام یافته است، لذا مدل مفهومی تحقیق عبارت است از:

مرور مدل‌های اصلی رقابت‌پذیری شهری که برای تحلیل موضوع‌های سطح زیرملی استفاده شد نشان داد که اکثر مدل‌ها بر روی مولفه‌های اقتصادی که رقابت‌پذیری شهری را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد تأکید دارند و به دیگر انواع عوامل، به خصوص آنها که خارج از کنترل مستقیم شهر هستند، توجهی ندارند یا توجه خیلی محدودی دارند (Sinkiené, 2009, 4). برای به‌دست آوردن امتیاز رقابت



نمودار ۳. مدل مفهومی تحقیق

داده‌ها و محاسبه شاخص‌ها پرداخته می‌شود. طرح تحقیق: تحقیق حاضر بر اساس هدف، یک تحقیق کاربردی و بر اساس ماهیت و روش، یک تحقیق توصیفی است که از نظر شیوه نگارش و پرداختن به مسأله تحقیق، تحقیقی توصیفی-تحلیلی است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲، صص ۷۱ و ۶۳ و ۵۸).

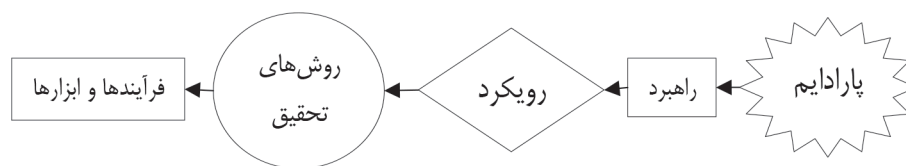
پارادایم، راهبرد و رویکرد تحقیق: برای هر تحقیق ابتدا، پارادایم، سپس استراتژی، در ادامه رویکرد و در نهایت روش تحقیق انتخاب می‌شود و در پی آن فرآیندها و ابزارها مشخص می‌شوند. پارادایم این تحقیق اثبات‌گرایی می‌باشد، راهبرد تحقیق، پژوهشی استقرایی و رویکرد تحقیق، توصیفی می‌باشد.

شاخص‌های مدل مفهومی تحقیق: شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مدل مفهومی تحقیق با مبنای قرار دادن مبانی نظری تحقیق و همچنین تحقیقات خارجی و داخلی مرتبط به این شرح است:

هیسوگرافی: ارتفاع، شیب؛ شرایط مکان: مکان طبیعی، مکان اجتماعی؛ دسترسی: راه زمینی، راه هوایی؛ زیرساخت داده مکانی: اطلاعات، فناوری.

## روش شناسی

در این قسمت به بررسی طرح تحقیق، پارادایم، استراتژی، رویکرد، روش‌های تحقیق رقابت‌پذیری شهری، روش تحقیق منتخب تحقیق، ابزار و روش و منبع گردآوری



نمودار ۴. پارادایم، راهبرد، رویکرد، روش تحقیق، فرآیندها و ابزارها؛ ماخذ: خاکی، ۱۳۹۲، ص ۱۹

شهرهای در تقریباً همان موقعیت مشابه گروه بندی می‌کند، می‌آزماید، بنابراین آن‌ها می‌توانند مقایسه و تحلیل شوند در ارتباط با دیگر گروه‌های شهرها. هر گروه بندی سپس توجه خود را به بحث‌هایی چون: برآورد خود نسبت به شرایط اقتصادی جاری، چشم‌انداز خود برای آینده، و ابتکارات خط‌مشی و... برای آن گروه بندی، برای اینکه موفق و رقابتی باشد معطوف می‌کند (UNHABITAT, 2013, 22).

کمی/آماري: کاربرد اصلی این روش نشان دادن نواحی ای به مدیران شهری است که در آن شهرهایشان به طور عینی نسبتاً قوی یا ضعیف هستند و قادر ساختن آن‌ها برای به کار بردن یک فرآیند برنامه ریزی اقتصادی راهبردی برای شناسایی ضعفها و تقویت قوتها، و افزایش رقابت پذیری می‌باشد (UNHABITAT, 2013, 23).

روش‌های تحقیق رقابت پذیری شهری: سه روش مخ‌تلف برای معلوم کردن عوامل واقعی رقابت پذیری شهری وجود دارند که عبارتند از (UNHABITAT, 2013, 19): پنج مارکینگ (محک‌زنی): شاید گسترده ترین روشی است که برای ارزیابی رقابت‌پذیری شهری استفاده شد. این روش به چندین دلیل جذاب است: اول اینکه چالش برانگیز نیست. دوم، نتیجه، یک مجموعه متغیرهایی (۵۰-۴۰ متغیر) را ارائه می‌دهد که محققان باور دارند که به عنوان عوامل رقابت پذیری شهری معتبر است. سوم، شرح این مجموعه عوامل برای انتخاب‌های خط‌مشی برای برنامه ریزان شهری آسان است (UNHABITAT, 2013, 19). نظریه‌ای/ساختاری: این روش در اصل مفهومی است - موقعیتی را که در آن یک شهر خودش را کشف و با دیگر

جدول ۳. روش‌های ارزیابی رقابت پذیری شهری؛ ماخذ: UNHABITAT, 2013, 19 & 25

روش ارزیابی رقابت پذیری شهری	ویژگی	قوت	ضعف
پنج مارکینگ (محک‌زنی)	برای تعیین اینکه چگونه شهر در میان نواحی مهم رتبه بندی می‌شود.	دارای متغیرهای زیاد (۵۰-۴۰ متغیر)	قضاوت ذهنی
نظریه ای/ساختاری	شهر باید در جستجوی اتخاذ یک راهبرد مفهومی که او را برای به دست آوردن چیزی که فرض می‌شود مناسب ترین اهداف رقابتی شرایط اقتصادی معاصر است قادر می‌سازد، باشد.	تحلیل آشکار موقعیت شهر	قضاوت ذهنی
کمی/آماري	موقعیت رقابتی عینی شهر را تحلیل می‌کند.	راهنمای عینی صریح برای برنامه ریزان	متغیرهای به نسبت کم (معمولاً ۱۵-۱۲ متغیر لازم است)، داده برای تعدادی زیادی شهرها

روش منتخب تحقیق: با توجه به پارادایم تحقیق، که اثبات‌گرایی است، و همچنین نیاز به ارائه راهنمای عینی صریح برای برنامه ریزان و مدیران شهری که از ویژگی‌های روش کمی/آماري است، این روش از میان سه روش مطرح شده انتخاب گردید. ابزار، روش و منبع گردآوری داده‌ها: ابزار و روش و منبع گردآوری داده‌ها برای این تحقیق به شرح جدول (۴) است:

جدول ۴. ابزار، روش و منبع گردآوری داده‌ها؛ ماخذ: محقق بر اساس تلفیق منابع و داده‌های کشور ایران

منبع	ابزار و روش گردآوری	داده	شاخص
گوگل مپ، گوگل ارث	مدل ارتفاع رقومی (DEM)	ارتفاع	هیپسوگرافی
		شیب	
گوگل مپ، گوگل ارث	فاصله از دریا، یا رودخانه‌ها و دریاچه‌های مهم	مکان طبیعت	شرایط مکان
گوگل مپ، گوگل ارث، اطلاعات پرواز از وب سایت‌های پرواز و بلیط‌هوایی شرکت‌های ایرلاین مهم	فاصله تا شهرهای معروف- جهانی یا شهرهای معروف بین- قاره‌ای	مکان اجتماعی	
وزارت راه و شهرسازی	طول راه‌ها	راه زمینی	دسترسی
		تعداد پروازهای ورودی و خروجی	
سازمان نقشه برداری	تعداد ثبت‌های فراداده	اطلاعات	زیرساخت داده مکانی
شرکت مخابرات	تعداد نرم افزار یا سخت افزار که دسترسی و استفاده از داده را تسهیل می‌کند.	فناوری	

مکان به مکان طبیعت و مکان اجتماعی پرداخته می‌شود: مکان طبیعت: نمره کلی مکان طبیعت ۵ می‌باشد. مکان شهری در تقاطع دریاها و رودخانه‌ها ۵ است؛ مکان شهری در مناطق ساحلی ۴ است؛ مکان شهری در ۲۰۰ کیلومتری فاصله از دریا، یا رودخانه‌ها و دریاچه‌های مهم، ۳ است؛ مکان شهری در ۵۰۰ کیلومتری فاصله از دریا، یا حضور رودخانه‌های مهم در شهر، نمره ۲ را دارد؛ مکان شهری بالای ۵۰۰ کیلومتر دور از دریا نمره ۱ را دریافت می‌کند (Ni et al., 2010, 33)؛ مکان اجتماعی: (فاصله با شهرهای معروف-جهانی و

محاسبه شاخص‌ها: در این قسمت محاسبه شاخص‌ها ارائه می‌گردد: محاسبه هیپسوگرافی: برای دسترسی کمی به رقابت پذیری شهری، هیپسوگرافی به صورت متوسط ارتفاع و متوسط شیب ناحیه مشخص محاسبه می‌شود. به صورت کلی، شهرهای با ارتفاع کمتر و شیب‌های کوچک‌تر برای توسعه اقتصادی جوابگوتر هستند و از این رو تمایل بیشتری به شهری بودن دارند (Fu et al., 2014, 3386). محاسبه شرایط مکان: در محاسبه شرایط



شهرهای معروف-بین قاره ای) امتیاز دهی مطابق با گوگل مپ، گوگل ارث و توضیح مناسب با مکان شهری منسوب می‌شود. شهرهای با فاصله پروازی یک ساعت از شهرهای درجه یک دنیا، یا آن‌ها که خودشان شهرهای بین قاره ای درجه یک هستند، امتیاز ۵ داده می‌شوند؛ شهرهای با پرواز سه ساعت از شهرهای درجه یک دنیا، یا با پرواز یک ساعت از شهرهای بین قاره ای درجه یک، امتیاز ۴ داده می‌شوند؛ شهرهای با ۵ ساعت پرواز از شهرهای درجه یک دنیا، یا با پرواز سه ساعت از شهرهای بین قاره ای درجه یک، امتیاز ۳ داده می‌شوند؛ شهرهای با ده ساعت پرواز از شهرهای درجه یک جهانی، یا با پرواز پنج ساعت از شهرهای بین قاره ای درجه یک، امتیاز ۲ داده می‌شوند؛ شهرهای بیش تر از ده ساعت پرواز از شهرهای درجه یک جهانی، یا بیش تر از پنج ساعت پرواز از شهرهای بین قاره ای درجه یک، امتیاز ۱ داده می‌شوند. شهرهای درجه یک جهانی شامل: لندن، نیویورک و توکیو. شهرهای بین قاره‌ای درجه یک شامل: پاریس، شیکاگو، لس آنجلس، فرانکفورت، هنگ کنگ، سنگاپور و رم. اطلاعات پرواز می‌تواند از وب سایت‌های پرواز و بلیط هوایی شرکت‌های خطوط هوایی اصلی بدست آید (Ni et al., 2010, 33).

محاسبه دسترسی: برای محاسبه این شاخص، طول راه زمینی و تعداد پروازهای داخلی در نظر گرفته شد. هرچه طول راه زمینی بیشتر باشد و همچنین هرچه تعداد پروازها بیشتر باشد، دسترسی بهتری را نشان می‌دهد.

محاسبه زیرساخت داده مکانی: با توجه به اینکه این تحقیق در مورد مکان می‌باشد منظور از زیرساخت در آن، زیرساخت داده مکانی<sup>۱۴</sup> می‌باشد. مدل آمادگی SDI، برای اولین بار توسط Delgado Fernández و همکاران در سال ۲۰۰۵ جهت ارزیابی SDIها در سطح ملی معرفی گردید و به معنی درجه آمادگی یک کشور در ارائه اطلاعات مکانی به جامعه می‌باشد (کلانتری اسکویی و همکاران، ۱۳۹۵، ۴۴). شاخص SDI بر روی شاخص‌های سازمانی، اطلاعات، منابع انسانی، فناوری و منابع مالی ساخته شده است (Delgado Fernández et al.,

14. Spatial Data Information (SDI)

120, 2008). اطلاعات: یک کشور دارای یک یک سطح مناسبی از اطلاعات برای SDI است، اگر و فقط اگر کارتوگرافی دیجیتال و فراداده در دسترس باشد (Delgado Fernández et al, 2008, 124). می‌توان برای اطلاعات شاخص‌های کمی از جمله: تعداد ثبت‌های فراداده، تعداد مجموعه داده در دسترس و ... در نظر گرفت (Miguel-Ángel, ?, 2)؛ فناوری: یک کشور دارای یک سطح مناسبی از فناوری برای SDI است، اگر و فقط اگر دارای یک سطح مناسبی از زیرساخت فناوری، اتصال وب و در دسترس بودن نرم افزار مکانی، یا توسعه اطلاع رسانی-مکانی، یا فرهنگ منبع باز باشد (Delgado Fernández et al, 2008, 124). می‌توان برای فناوری شاخص‌های کمی از جمله: تعداد نرم افزارها و سخت افزارهای تسهیل کننده دسترسی و استفاده از داده را نام برد (Miguel-Ángel, ?, 2).

روش تحلیل داده‌ها: سیستم ارزیابی رقابت پذیری شهری جهانی از مدل تحقیق در گزارش سالانه رقابت پذیری شهری توسعه یافته است (Ni et al., 2010, 34). یکپارچگی نشان گرهای متعدد یک چالش ریاضی است. متدها و روش‌های حاضر اندازه گیری شاخص رقابت پذیری شهری عبارتند از: تحلیل مولفه اصلی<sup>۱۵</sup>، تحلیل عاملی<sup>۱۶</sup>، فرآیند تحلیل سلسله مراتبی<sup>۱۷</sup>، و تحلیل واریانس<sup>۱۸</sup>. با این حال، آن‌ها بدون نقص نیستند و ترکیبی از آن‌ها برای بدست آوردن بهترین نتیجه محتمل می‌تواند مفید باشد (Ni et al., 2017, 24).

تحلیل مولفه اصلی به دلیل دارا بودن ویژگی‌های خاص، از طرف دانشمندان علوم منطقه ای از استقبال بالایی برخوردار بوده است (کلانتری، ۱۳۹۲، ص ۶۴). از جمله اهداف تحلیل مولفه اصلی نشان دادن این است که چگونه متغیرهای مختلف در ارتباط با یکدیگر تغییر می‌کنند، یا چگونه آن‌ها همبسته هستند (Joint Research Center, 2005, 17). همچنین توضیح واریانس داده‌های مشاهده شده از طریق ترکیبات خطی کوچک تر از داده‌های اصلی است (OECD, 2008, 63). این تحقیق، ابتدا داده‌ها را بدون بعد

15. Principal component analysis (PCA)

16. Factor analysis (FA)

17. Analytic hierarchy process (AHP)

18. Variance analysis (VA)

کرده و سپس تحلیل مولفه اصلی با استفاده از نرم افزارهای SPSS، Minitab و XLSTAT را برای امتیاز دهی و رتبه بندی نهایی به کار می برد (بر پایه Ni (26-et al., 2017, 24):

$$\alpha_i = \lambda_i / \sum_{i=1}^m \lambda_i$$

(۳) انتخاب مولفه های اصلی: در نهایت، تعداد کمی مولفه های اصلی نیاز هست که انتخاب شوند، به عنوان مثال F1، F2،...؛ تعیین m در Fm از طریق سهم تجمعی واریانس G(m) به دست می آید:

$$G(m) = \frac{\sum_{i=1}^m \lambda_i}{\sum_{k=1}^p \lambda_k}$$

وقتی که سهم تجمعی بیشتر از ۸۵% باشد، ملاحظه می شود که اطلاعات بازتاب اساسی از متغیرهای اصلی هستند، و m مشابه، اولین m مولفه های اصلی استخراج شده است.

(۴) محاسبه بارگذاری مولفه اصلی: بارگذاری مولفه اصلی درجه همبستگی بین مولفه اصلی را منعکس می کند، F<sub>i</sub> و متغیر اصلی X<sub>j</sub> بارگذاری

$$(i = 1, 2, \dots, m; j = 1, 2, \dots, p)$$

$$X_j (j = 1, 2, \dots, p), \text{ از متغیر اصلی،}$$

$$F_i (i = 1, 2, \dots, m) \text{ بر مولفه های اصلی}$$

$$l(Z_i, X_j) = \sqrt{\lambda_i a_{ij}} \quad (i = 1, 2, \dots, m; j = 1, 2, \dots, p)$$

(۵) محاسبه نمره های مولفه اصلی: محاسبه نمره نمونه m تعداد از مولفه های اصلی:

$$F_i = a_{1i}X_1 + a_{2i}X_2 + \dots + a_{pi}X_p \quad i = 1, 2, \dots, m$$

### تجزیه و تحلیل داده ها

داده های جمع آوری شده در جدول (۵) که در ادامه می آید ارائه شده اند. داده های دو شاخص هیسوسگرافی و شرایط مکان از مرکز استانها جمع آوری شده و هرچه کمتر باشند بهتر است. داده های دو شاخص دسترسی و زیرساخت داده مکانی در سطح استانی جمع آوری شده و هرچه بیشتر باشند بهتر است.

اول، اجرای نشانگرهای مختلف از طریق یک فرآیند بی-بعد. ابعاد داده نشان گرهای مختلف رقابت پذیری شهری مکانی مختلف هستند و هدایت فرآیند بی-بعد همه داده های نشان گر ضروری است. ابعاد نشان گر اغلب در طی کاربرد عملی متفاوت است. حذف تاثیر ابعادی قبل از محاسبه مولفه های اصلی، ضروری است. راه های مختلفی برای حذف تاثیر ابعادی داده وجود دارد. یک متد معمول استاندارد سازی داده خام می باشد:

$$X_i = (x_i - \bar{x})/Q^2$$

x<sub>i</sub> یک داده اصلی است، x̄ میانگین است، Q<sup>2</sup> واریانس است، X<sub>i</sub> داده بعد از استاندارد سازی است.

دوم، محاسبه نمره ها و رتبه های کلی رقابت پذیری مکانی شهری. همان گونه که ذکر شد، این تحقیق تحلیل مولفه اصلی را برای محاسبه نمره های کلی رقابت پذیری شهری مکانی و رتبه دهی به شهرها مطابق با نمره های کلی به کار می برد. متد محاسبه و مراحل در زیر داده می شود: (۱) ماتریس برای محاسبه کواریانس: ماتریس

کواریانس برای محاسبه داده نمونه:

$$\sum = (S_{ij})p * p,$$

$$S_{ij} = \frac{1}{n-1} \sum_{k=1}^n (X_{ki} - \bar{X}_i)(X_{kj} - \bar{X}_j) \quad i, j = 1, 2, \dots, p$$

(۲) تعیین ارزش ویژه λ<sub>i</sub> از Σ و واحد بردار ویژه قائم متناظر a<sub>i</sub> اولین m ارزش ویژه بزرگ تر

$$\lambda_1 \geq \lambda_2 \geq \dots \lambda_m \geq 0, \Sigma$$

واریانس متناظر با اولین m مولفه های اصلی است، واحد بردار ویژه a<sub>i</sub> مطابق با λ<sub>i</sub> ضریب متغیر اصلی مولفه اصلی است، F<sub>i</sub>.

$$F_i \text{ i امین مولفه اصلی، } F_i, \text{ از متغیر اصلی:}$$

$$F_i = a_i' X$$

نرخ سهم واریانس مولفه اصلی برای انعکاس

جدول ۵. شاخص‌ها و داده‌های خام برای مراکز استان

ردیف	استان های ایران	مرکز استان های ایران	هیسوگرافی		شرایط مکان		دسترسی		زیرساخت داده مکانی	
			ارتفاع <sup>۱۹</sup>	شیب	مکان طبیعت <sup>۲۰</sup>	مکان اجتماعی <sup>۲۱</sup>	راه زمینی <sup>۲۲</sup>	راه هوایی <sup>۲۳</sup>	اطلاعات <sup>۲۴</sup>	فناوری <sup>۲۵</sup>
۱	آذربایجان شرقی	تبریز	۱۳۸۳	۰,۵	۶۲	*۸,۸	۳۳۲۱	۲۸۳۶	۹۹	۲۷۱۵۶۹
۲	آذربایجان غربی	ارومیه	۱۳۴۷	۰,۶	۱۷	۶,۷۵	۲۸۹۹	۲۴۶۶	۱۳	۱۱۰۴۷۱
۳	اردبیل	اردبیل	۱۳۵۲	۰,۳	۵۳	۶,۶۷	۱۶۹۷	۲۲۸۱	۲۲	۳۶۴۷
۴	اصفهان	اصفهان	۱۵۷۹	۰,۱	۳۱۲	*۸	۵۳۳۹	۱۵۳۵۷	۸۲	۲۸۰۰۰۰
۵	ایلام	ایلام	۱۴۱۱	۲,۳	۳۸۴	۶,۸۳	۱۵۴۸	۱۴۸۰	۳۳	۴۰۴۸
۶	بوشهر	بندر بوشهر	۱۴	۰,۱	۱	۷	۲۱۲۱	۶۳۳۴	۱۷	۱۰۱۹۶
۷	تهران	تهران	۱۱۹۳	۱,۷	۱۰۲	*۵,۷۵	۱۱۰۶	۱۰۵۶۰۰	۳۶	۳۰۰۰۰۰
۸	چهارمحال و بختیاری	شهرکرد	۲۰۵۱	۰,۹	۲۴۶	۹,۵۰	۱۵۶۶	۱۷۲۱	۱	۴۴۳۹
۹	خراسان جنوبی	بیرجند	۱۴۵۳	۰,۷	۲۳۱	۱۱	۵۲۹۶	۱۳۴۷	۲۲	۹۰۶۱
۱۰	خراسان رضوی	مشهد	۹۸۱	۰,۳	۴۸۶	*۱۰	۶۳۷۸	۳۶۷۸۲	۱۰۱	۳۲۵۹۸
۱۱	خراسان شمالی	بجنورد	۱۰۶۹	۰,۷	۲۷۹	۷	۱۲۴۳	۶۱۴	۲	۴۰۸۳
۱۲	خوزستان	اهواز	۲۰	۰,۱	۱۰۸	*۱۰,۱۷	۵۱۵۷	۱۸۷۱۰	۲۰	۳۲۰۲۲
۱۳	زنجان	زنجان	۱۶۴۶	۱,۲	۱۱۹	۱۱,۵۰	۱۶۱۳	۱۹۰	۲۴	۳۲۵۵
۱۴	سمنان	سمنان	۱۱۵۰	۱,۳	۱۳۶	۸,۷۵	۱۵۹۷	۰	۸	۳۰۹۶
۱۵	سیستان و بلوچستان	زاهدان	۱۳۸۴	۰,۳	۱۳۱	۱۱,۳۳	۷۸۷۷	۵۲۷۴	۱۳۸	۲۹۲۶۵
۱۶	فارس	شیراز	۱۵۴۴	۵,۳	۱۶۶	*۹,۱۷	۶۵۲۰	۲۱۳۳۲	۱۰۱	۱۰۳۶۳۶
۱۷	قزوین	قزوین	۱۳۰۲	۰,۵	۹۳	۷,۹۲	۱۷۹۳	۰	۳۸	۱۱۰۸۵
۱۸	قم	قم	۹۳۰	۰,۳	۲۲۸	۷,۶۷	۷۵۷	۰	۰	۸۶۱۱
۱۹	کردستان	سنندج	۱۴۹۸	۲,۳	۲۳۳	۶,۷۵	۱۸۰۸	۱۰۷۵	۲	۱۴۰۶۶

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶  
No.49 Winter 2018

19. Source: [http://gisweb.ciat.cgiar.org/TRMM/SRTM\\_Resampled\\_250m/SRTM\\_NE\\_250m\\_TIF.rar](http://gisweb.ciat.cgiar.org/TRMM/SRTM_Resampled_250m/SRTM_NE_250m_TIF.rar)

۲۰. فاصله از دریای خزر، دریاچه ارومیه یا خلیج فارس (کیلومتر)، با استفاده از نرم افزار Arcgis

ردیف	استان های ایران	مرکز استان های ایران	هیسوگرافی		شرایط مکان		دسترسی		زیرساخت داده مکانی	
			ارتفاع <sup>۱۹</sup>	شیب	مکان طبیعت <sup>۲۰</sup>	مکان اجتماعی <sup>۲۱</sup>	راه زمینی <sup>۲۲</sup>	راه هوایی <sup>۲۳</sup>	اطلاعات <sup>۲۴</sup>	فناوری <sup>۲۵</sup>
۲۰	کرمان	کرمان	۱۷۶۰	۰,۱	۳۴۵	۷	۵۲۱۹	۳۷۱۵	۱۵	۱۸۱۹۶
۲۱	کرمانشاه	کرمانشاه	۱۲۹۶	۰,۳	۳۳۲	۶,۷۵	۲۷۹۶	۵۱۹۱	۲۲	۱۵۸۰۶
۲۲	کهگیلویه و بویراحمد	یاسوج	۱۸۵۴	۵,۷	۱۵۳	۷,۵۸	۱۵۶۹	۵۸۱	۰	۱۳۱۰۴
۲۳	گلستان	گرگان	۱۴۶	۲	۱۴	۶,۵۸	۱۳۱۲	۳۱۷۰	۲۱	۲۵۹۱۲
۲۴	گیلان	رشت	۴	۰,۴	۲۰	۶,۶۷	۱۹۱۰	۳۴۷۲	۱۰۵	۵۴۸۲۲
۲۵	لرستان	خرم آباد	۱۱۹۴	۴,۲	۳۳۶	۶,۹۲	۱۷۷۹	۳۶۴	۲۳	۱۰۳۸۲
۲۶	مازندران	ساری	۴۰	۰,۵	۲۴	۱۱	۲۲۵۶	۲۴۵۸	۵۶	۵۵۱۰۳
۲۷	مرکزی	اراک	۱۷۵۴	۱,۲	۳۲۰	۹,۵۰	۲۰۵۹	۱۱۸	۲۰	۱۰۱۹
۲۸	هرمزگان	بندرعباس	۵	۰,۳	۱	۶,۶۷	۲۴۴۳	۱۰۸۹۶	۲۰	۲۶۰۶۶
۲۹	همدان	همدان	۱۸۱۸	۱,۶	۳۰۴	۱۱,۵۰	۱۹۵۰	۲۹۲	۵۷	۳۹۱۸
۳۰	یزد	یزد	۱۲۲۱	۰,۲	۴۴۴	۶,۶۷	۲۲۸۷	۳۷۹۸	۵۳	۷۹۸۰

منبع: محقق بر اساس آمارهای موجود



فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶  
No.49 Winter 2018

■ ۴۰۰ ■

۲۱. مدت پرواز تا شهر لندن (از شهرهای درجه یک دنیا)، در زمان حاضر (۱۳۹۶)، از سایت <https://www.google.com/maps> و <https://www.google.com/flights>، در مسیری که پرواز مستقیم وجود نداشت، ابتدا مدت پرواز تا یکی از شهرهای دارای پرواز مستقیم (دارای علامت \*) محاسبه و سپس با مدت پرواز این شهر تا لندن جمع زده شد؛ برای راحتی در محاسبات، مدت پرواز به صورت کسری بیان شده است (بر حسب ساعت).
۲۲. طول راه های تحت حوزه استحفاظی وزارت راه و شهرسازی (بر حسب کیلومتر، بدون راه روستایی) تا پایان سال ۱۳۹۲، منبع: خلاصه آمارهای راهداری و حمل و نقل جاده ای کشور در نگاه مدیریتی
۲۳. مجموع تعداد پرواز ورودی و خروجی داخلی در یک سال، آمار مربوط به کل استان، سالنامه آماری استان، فصل یازدهم - حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات (۱۳۹۰)
۲۴. تعداد لایه فراداده تهیه شده استان، از سایت <http://iransdi.ir> (پرتال زیرساخت داده های مکانی سازمان نقشه برداری کشور)
۲۵. تعداد کانال خودکار بین شهری

نتایج تحلیل‌های آماری مدل: نتایج تحلیل‌های آماری بر حسب تحلیل مولفه اصلی عبارتست از:

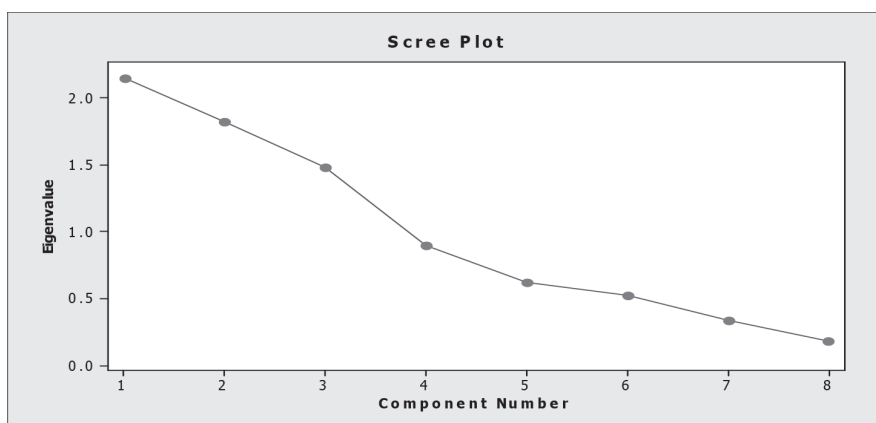
جدول ۶. آمار توصیفی؛ منبع: نرم افزار SPSS

شاخص	تعداد	مینیمم	ماکزیمم	میانگین	انحراف معیار
ارتفاع	۳۰	۴,۰۰	۲۰۵۱,۰۰	۱۱۴۶,۶۳۳۳	۶۱۹,۰۵۹۹۹
شیب	۳۰	۰,۱۰	۵,۷۰	۱,۲۰۰۰	۱,۴۷۷۴۲
مکان طبیعت	۳۰	۱,۰۰	۴۸۶,۰۰	۱۸۹,۳۳۳۳	۱۴۱,۰۹۰۱۷
مکان اجتماعی	۳۰	۵,۷۵	۱۱,۵۰	۸,۲۴۶۷	۱,۷۸۳۱۹
راه زمینی	۳۰	۷۵۷,۰۰	۷۸۷۷,۰۰	۲۸۴۰,۵۳۳۳	۱۸۸۷,۷۴۶۷۵
راه هوایی	۳۰	۰,۰۰	۱۰۵۶۰,۰۰	۸۵۸۲,۰۳۳۳	۲۰۰۲۹,۴۰۲۰۴
اطلاعات	۳۰	۰,۰۰	۱۳۸,۰۰	۳۸,۳۶۶۷	۳۷,۵۱۴۵۸
فناوری	۳۰	۱۰۱۹,۰۰	۳۰۰۰۰,۰۰	۴۸۹۱۵,۲۰۰۰	۸۴۱۳۰,۰۰۹۲۳
کل	۳۰				

جدول ۷. واریانس؛ ماخذ: نرم افزار SPSS و XLSTAT

اجزا	ارزش ویژه اولیه			استخراج مجموع از بارهای مجذور شده		
	کل	% واریانس	% تجمعی	کل	% واریانس	% تجمعی
ارتفاع	۲,۱۵۱	۲۶,۸۹۴	۲۶,۸۹۴	۲,۱۵۱	۲۶,۸۹۴	۲۶,۸۹۴
شیب	۱,۸۲۲	۲۲,۷۷۰	۴۹,۶۶۴	۱,۸۲۲	۲۲,۷۷۰	۴۹,۶۶۴
مکان طبیعت	۱,۴۸۱	۱۸,۵۱۲	۶۸,۱۷۶	۱,۴۸۱	۱۸,۵۱۲	۶۸,۱۷۶
مکان اجتماعی	۰,۸۹۷	۱۱,۲۱۸	۷۹,۳۹۴	۰,۸۹۷	۱۱,۲۱۸	۷۹,۳۹۴
راه زمینی	۰,۶۱۷	۷,۷۱۷	۸۷,۱۱۲	۰,۶۱۷	۷,۷۱۷	۸۷,۱۱۲
راه هوایی	۰,۵۱۸	۶,۴۷۲	۹۳,۵۸۳			
اطلاعات	۰,۳۳۵	۴,۱۸۳	۹۷,۷۶۷			
فناوری	۰,۱۷۹	۲,۲۳۳	۱۰۰,۰۰۰			





شکل ۱. ارتباط بین تعداد مولفه‌ها و ارزش ویژه، ماخذ: نرم افزار Minitab

جدول ۸. بردارهای ویژه؛ ماخذ: XLSTAT

شاخص	عامل اصلی اول	عامل اصلی دوم	عامل اصلی سوم	عامل اصلی چهارم	عامل اصلی پنجم	عامل اصلی ششم	عامل اصلی هفتم	عامل اصلی هشتم
ارتفاع	۰,۰۵۹	۰,۴۷۵	۰,۴۸۸	-۰,۰۲۷	۰,۴۷۹	-۰,۲۸۷	۰,۱۶۴	-۰,۴۳۹
شیب	-۰,۰۹۵	۰,۱۴۹	۰,۴۷۱	۰,۷۶۷	-۰,۳۴۳	۰,۱۰۵	-۰,۰۲۸	۰,۱۷۱
مکان طبیعت	۰,۰۶۴	۰,۴۸۲	۰,۳۳۰	-۰,۰۵۱	-۰,۳۴۳	۰,۱۳۷	-۰,۲۹۸	۰,۳۵۶
مکان اجتماعی	۰,۳۰۱	۰,۳۹۵	-۰,۳۳۶	۰,۲۶۵	۰,۴۹۸	۰,۴۵۷	-۰,۲۴۲	۰,۲۳۳
راه زمینی	۰,۰۵۴۹	۰,۲۱۳	-۰,۱۵۳	-۰,۰۰۴	-۰,۲۹۸	۰,۰۲۳	۰,۷۳۳	۰,۰۶۷
راه هوایی	۰,۳۰۰	-۰,۳۹۹	۰,۴۰۷	-۰,۱۳۹	۰,۰۲۷	۰,۶۷۰	-۰,۰۰۴	-۰,۳۴۱
اطلاعات	۰,۰۵۸۱	۰,۰۰۲	-۰,۱۳۴	۰,۱۳۴	-۰,۲۹۳	-۰,۳۳۳	-۰,۰۵۳۶	-۰,۳۷۸
فناوری	۰,۴۰۶	-۰,۳۹۹	۰,۳۳۴	-۰,۰۱۰	۰,۳۳۵	-۰,۳۴۴	-۰,۰۲۴	۰,۰۵۷۷

تربین اعداد ستون‌های ماتریس بردار ویژه دارای اهمیت است که در جدول بردار ویژه (جدول ۸)) به صورت پررنگ نمایش داده شده است. یافته‌ها: مولفه اصلی اول همبستگی مثبت مناسبی با متغیر راه زمینی و اطلاعات دارد. همچنین هرچه راه زمینی بیشتر باشد، اطلاعات بیشتری در دسترس خواهد بود. مولفه اصلی دوم بیشترین همبستگی را با ارتفاع و مکان طبیعت دارد. همچنین با افزایش ارتفاع، مکان طبیعت افزایش می‌یابد. مولفه اصلی سوم بیشترین همبستگی را با ارتفاع و شیب دارد. همچنین با افزایش ارتفاع، شیب افزایش می‌یابد. مولفه اصلی چهارم با افزایش شیب و کاهش مکان طبیعت افزایش پیدا می‌کند. همچنین با افزایش شیب، مکان طبیعت

تفسیر مولفه‌های اصلی: مولفه اصلی اول یک ترکیب خطی از متغیرها است که در میان همه ترکیبات خطی دارای بیشترین واریانس است. مولفه اصلی دوم، ترکیب خطی از متغیرها است که بیشترین واریانس باقی‌مانده را دارد و با همبستگی آن با مولفه اول اصلی صفر است؛ و به همین ترتیب تا آخرین مولفه اصلی. با توجه به این که پنج مولفه اصلی اول ۰,۸۷ واریانس را توضیح می‌دهند و این عدد درصد مناسبی است (بیشتر از ۸۵٪)، لذا بررسی پنج مولفه اصلی اول کفایت می‌کند. در تحلیل مولفه‌های اصلی، یافته‌ها اینک که کدام متغیرها دارای بیشترین همبستگی، چه در جهت مثبت و چه در جهت منفی با هر مولفه است اهمیت دارد. به عبارت دیگر، یافتن بزرگ

کاهش می‌یابد. مولفه اصلی پنجم همبستگی مثبت با ارتفاع و مکان اجتماعی دارد. همچنین با افزایش ارتفاع، مکان اجتماعی افزایش می‌یابد. رتبه بندی نهایی: در جدول (۹) مراکزی که با هر مولفه دارای بیشترین همخوانی هستند مشخص شده‌اند. از آنجا که مولفه اصلی اول دارای بیشترین واریانس می‌باشد و همچنین عواملی که بررسی می‌کند، راه زمینی و همچنین اطلاعات می‌باشد که بیشتر بودن این عوامل نکته مثبتی در جهت رقابت پذیری مکانی شهری می‌باشد، لذا رتبه‌بندی بر اساس مولفه اصلی اول صورت می‌پذیرد:

جدول ۹. نمره دهی و رتبه بندی؛ ماخذ: XLSTAT

ردیف	استان	مرکز استان	مولفه اصلی اول	مولفه اصلی دوم	مولفه اصلی سوم	مولفه اصلی چهارم	مولفه اصلی پنجم	رتبه بندی
۱	آذربایجان شرقی	تبریز	۲,۲۰۷	-۱,۱۰۲	۰,۰۷۴	۰,۴۴۲	۱,۱۵۹	۵
۲	آذربایجان غربی	ارومیه	-۰,۴۵۰	-۱,۰۰۹	۰,۰۵۲	۰,۰۷۵	۰,۷۳۳	۱۵
۳	اردبیل	اردبیل	-۱,۱۶۸	-۰,۵۴۸	-۰,۳۰۸	-۰,۱۸۹	۰,۳۸۴	۲۴
۴	اصفهان	اصفهان	۲,۷۹۱	-۰,۳۶۶	۱,۰۳۷	-۱,۰۴۷	۰,۴۲۶	۳
۵	ایلام	ایلام	-۰,۹۹۵	۰,۸۸۸	۱,۱۰۱	-۰,۳۷۹	-۰,۸۷۶	۲۱
۶	بوشهر	بندر بوشهر	-۱,۱۱۲	-۱,۷۸۴	-۱,۵۴۰	-۰,۰۲۸	-۰,۳۹۶	۲۲
۷	تهران	تهران	۱,۶۶۵	-۴,۱۵۵	۳,۶۳۹	-۰,۴۹۰	۰,۸۷۱	۶
۸	چهارمحال و بختیاری	شهرکرد	-۰,۹۳۹	۱,۳۵۹	۰,۴۴۳	-۰,۳۱۲	۱,۳۱۰	۲۰
۹	خراسان جنوبی	بیرجند	۰,۷۱۶	۱,۵۷۳	-۰,۷۹۸	-۰,۰۳۵	۰,۶۰۳	۸
۱۰	خراسان رضوی	مشهد	۲,۸۶۱	۱,۱۲۲	-۰,۰۵۸	-۱,۳۵۷	-۱,۲۴۵	۲
۱۱	خراسان شمالی	بجنورد	-۱,۵۳۴	۰,۱۱۱	۰,۱۴۶	-۰,۸۷۲	-۰,۱۶۷	۲۸
۱۲	خوزستان	اهواز	۰,۷۲۲	-۰,۷۰۰	-۱,۸۰۵	-۰,۰۵۸	-۰,۱۶۱	۷
۱۳	زنجان	زنجان	-۰,۳۶۷	۱,۱۲۷	-۰,۵۹۴	۰,۷۶۵	۱,۶۰۶	۱۴
۱۴	سمنان	سمنان	-۱,۱۴۶	۰,۱۹۱	-۰,۳۳۷	۰,۲۹۹	۰,۴۹۷	۲۳
۱۵	سیستان و بلوچستان	زاهدان	۳,۴۹۴	۱,۳۳۱	-۱,۷۵۷	۰,۵۹۰	-۰,۲۶۳	۱
۱۶	فارس	شیراز	۲,۴۵۴	۰,۷۶۱	۱,۳۶۸	۲,۵۰۳	-۱,۱۸۲	۴
۱۷	قزوین	قزوین	۰,۶۷۱	-۰,۱۲۳	-۰,۵۱۱	۰,۰۲۳	۰,۴۳۹	۱۸
۱۸	قم	قم	-۱,۵۹۲	-۰,۱۳۰	-۰,۲۹۱	-۰,۷۷۶	۰,۲۴۶	۲۹
۱۹	کردستان	سنندج	-۱,۴۳۸	۰,۴۰۱	۰,۹۵۱	۰,۰۹۳	-۰,۲۱۳	۲۷

ردیف	استان	مرکز استان	مؤلفه اصلی اول	مؤلفه اصلی دوم	مؤلفه اصلی سوم	مؤلفه اصلی چهارم	مؤلفه اصلی پنجم	رتبه بندی
۲۰	کرمان	کرمان	۰,۱۰۰	۱,۱۴۴	۰,۴۰۹	-۱,۴۶۶	-۰,۳۲۳	۱۲
۲۱	کرمانشاه	کرمانشاه	-۰,۶۰۳	۰,۴۰۵	۰,۳۱۴	-۱,۳۰۶	-۰,۴۴۹	۱۷
۲۲	کهگیلویه و بویراحمد	یاسوج	-۱,۶۳۴	۰,۹۲۳	۲,۰۰۲	۲,۳۱۲	-۰,۲۵۲	۳۰
۲۳	گلستان	گرگان	-۱,۴۳۷	-۱,۶۴۰	-۰,۶۵۶	۰,۸۹۱	-۰,۷۳۵	۲۶
۲۴	گیلان	رشت	۰,۳۱۸	-۱,۹۴۵	-۱,۵۲۴	۰,۳۴۱	-۱,۱۰۳	۱۱
۲۵	لرستان	خرم آباد	-۱,۲۲۲	۰,۷۸۵	۱,۴۳۲	۰,۸۰۸	-۱,۲۸۵	۲۵
۲۶	مازندران	ساری	۰,۳۷۶	-۰,۸۶۱	-۲,۱۵۲	۰,۸۶۰	۰,۴۵۵	۹
۲۷	مرکزی	اراک	-۰,۵۵۰	۱,۵۲۲	۰,۳۲۱	-۰,۳۵۵	۰,۵۷۷	۱۶
۲۸	هرمزگان	بندرعباس	-۰,۸۹۳	-۱,۹۷۷	-۱,۲۹۸	۰,۰۰۴	-۰,۵۴۹	۱۹
۲۹	همدان	همدان	۰,۳۳۳	۱,۹۸۱	-۰,۰۲۹	۰,۳۵۳	۰,۸۷۷	۱۰
۳۰	یزد	یزد	-۰,۲۸۸	۰,۷۱۷	۰,۳۷۲	-۱,۶۸۸	-۰,۹۸۲	۱۳

### نتیجه گیری و جمع بندی

زیرساخت وسیع و موثر برای اطمینان بخشی به عملکرد موثر اقتصاد حیاتی است، از آنجا که یک عامل مهم در تعیین مکان فعالیت اقتصادی و انواع فعالیتها و بخش هایی است که می تواند در داخل کشور توسعه یابد. گردآوری، ذخیره، پردازش و نمایش اطلاعات یکی از مهم ترین فعالیتها در مدیریت شهری است. فناوری اطلاعات و ارتباطات در واقع فناوری غالب در هزاره جدید است. امروزه یکی از تئوری های جدید شهری مورد توجه سیاستمداران علوم شهری استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در سطح شهرها می باشد. دکتر یانگ کیانگ یکی از حوزه های رقابت پذیری شهری را زیرساختها و به خصوص زیرساخت های فناوری اطلاعات و ارتباطات تعریف می کند. زیرساخت داده مکانی را می توان یکی از ابزارهای متکی به قدرت دانست که تلاش می کند ارزش ها، پتانسیلها و فرصت های مکان را مشخص نماید تا منافع و نیازهای بازیگران قدرتمند تامین شود و ایشان در

برابر رقبا پیروز شوند، سلطه خود را گسترش داده، و تضمین نسبت به پایداری برای حفظ قدرت و سلطه یا تامین مستمر نیازهای خود فراهم آورند. پیشنهاد کاربردی این تحقیق در راستای مشخص شدن وضعیت رقابت پذیری مکانی شهرهای مراکز استان ایران، این است که بر اساس اولویت این مراکز، برنامه ریزی و سیاست گذاری در راستای بهبود این شرایط در زمینه های ممکن صورت گیرد. با توجه به این که از میان شاخص های ذکر شده، تعدادی از شاخص ها را نمی توان به آسانی تغییر داد، مانند خصوصیات هیپسوگرافی (ارتفاع، شیب)، شرایط مکان (مکان طبیعت، مکان اجتماعی) و حتی دسترسی (راه زمینی، راه هوایی)، لذا نیاز هست که بر روی شاخص زیرساخت داده مکانی (اطلاعات، فناوری) مانور بیشتری داده شود و ارتقاء لازم در این باره صورت گیرد و درجه آمادگی زیرساختها برای پذیرش زیرساخت داده مکانی بالا رود. از جمله پیشنهادها برای تحقیقات آتی این است که می توان امتیاز شاخصها را بر اساس آن چه در مورد شاخص شرایط مکان ذکر

شد، از ۱ تا ۵ تنظیم کرد، و به این ترتیب، نمره دهی و رتبه بندی شهرها را بر اساس سیستم یک دست تری ملاحظه نمود. همچنین با توجه به این که تحلیل مولفه اصلی دارای این ویژگی می باشد که شاخص های کیفی و کمی را می تواند نسبت به هم بسنجد، می توان شاخص های کیفی نیز به تحقیق اضافه نمود. علاوه بر این می توان سایر مولفه های رقابت پذیری مانند اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، محیطی و ... را نیز نسبت به مولفه مکانی سنجد و اولویت آن ها را در ارتباط با یکدیگر بیان نمود. همچنین با توجه به وجود تفاوت در مدل مدیریت شهری در سطوح مختلف شهرهای کشور، معیارها و ملاک های رقابتی آن ها با توجه به شرایط جمعیتی، اقلیمی، فرهنگی و سیاسی به طور خاص تهیه و تنظیم شود. از محدودیت های کنونی این تحقیق می توان به محدود بودن آمار و اطلاعات، به خصوص در زمینه زیرساخت داده مکانی چه در بخش اطلاعات و چه در بخش فناوری اشاره کرد.

### سپاسگزاری

این مقاله برگرفته از تز دکتری می باشد که با حمایت شهرداری تهران (مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران) انجام پذیرفته است.

### منابع و ماخذ

۱. احمدی پور، زهرا، قادری حاجت، مصطفی، و ملاحسینی اردکانی، رضا (۱۳۹۲)، «الگویابی رقابت های مکانی ناشی از مهر مکان در نواحی متجانس فرهنگی (مطالعه موردی: شهرهای اردکان و میبد در استان یزد)»، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۱، تهران، ۱۶۸-۱۴۷.
۲. امیر کارگر سامانی (۱۳۹۳)، طراحی مدل رقابت پذیری شهری با تکیه بر شاخص های حکمرانی خوب شهری در بستر فرآیند جهانی شدن، دکتری، تربیت مدرس.
۳. پژواک، فضل الله (۱۳۹۵)، «بررسی مفهوم مدیریت شهری در شهر اسلامی از

- دیدگاه متون و روایات دینی با رویکرد فراترکیب»، مدیریت شهری، شماره ۴۲ بهار، تهران، ۳۵۴-۳۲۷.
۴. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، «اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک»، مشهد، پاپلی.
۵. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۲)، «مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی»، تهران، سمت.
۶. حسنلو، حمیدرضا (۱۳۹۰)، «اصول و مبانی نگارش مقالات ISI به شیوه APA»، زنجان، آذرکلک.
۷. خاکی، غلام رضا (۱۳۹۲)، «روش تحقیق (با رویکرد گراندیدی در پایان نامه نویسی)»، تهران، فوژان.
۸. خواجهی، محسن (۱۳۸۹)، «رقابت پذیری و مولفه های اقتصادی شهر»، ماهنامه بازار بین الملل، سال ۲، شماره ۶۰-۶۱، تهران، آذر.
۹. درسخوان، رسول، و دیداریان، میثم (۱۳۹۶)، «تحلیلی بر مشارکت شهروندان و امکانات فناورانه خدمات رسان در مدیریت شهری فناور محور (از دیدگاه شهروندان کلانشهر تبریز)»، مدیریت شهری، شماره ۴۷ تابستان، تهران، ۳۹۸-۳۸۱.

۱۰. دیک، ماین پیتروان (۱۳۹۳)، «مدیریت شهری از نظریه تا عمل، اداره شهرها در کشورهای در حال توسعه»، ترجمه غلامرضا کاظمیان، و حامد رستگار، تهران، تیسرا (تاریخ انتشار زبان اصلی ۲۰۰۶).
۱۱. ربیع، مسعود، و خواجهی، محسن (۱۳۹۲)، «تبیین راهبردهای رقابت پذیری شهر تهران»، مطالعات مدیریت راهبردی، شماره ۱۵ پاییز، تهران، ۵۶-۳۷.
۱۲. رفیعیان، مجتبی و حسین پور، سید علی (۱۳۹۰)، «حکمرانی خوب شهری از منظر نظریات شهرسازی»، تهران، طحان: هله.
۱۳. شریفی، شهرام، فامیل نوروزی، حامد، و شیدایی، آیلین (۱۳۹۴)، «ارزیابی

- گردشگری شهری با تاکید بر توسعه زیرساختهای گردشگری و رقابت پذیری شهری؛ مورد پژوهی: کلانشهر تهران»، مدیریت شهری، شماره ۳۹ تابستان، تهران، ۳۶۹-۳۹۲.
۱۴. شورت، جان رنای، و هیون کیم، یونگ (۱۳۸۴)، «جهانی شدن و شهر»، ترجمه احمد پور احمد، و شایان (قهرمان) رستمی، تهران، جهاد دانشگاهی (تاریخ انتشار زبان اصلی ۱۹۹۹).
۱۵. شیرمحمدی، شهرام، مطلبی، قاسم، و حیدری، شاهین (۱۳۹۴)، «خوانشی از جایگاه و نقش برندسازی معماری بر رقابت پذیری شهری در شهرهای جهانی»، مدیریت شهری، شماره ۴۰ پاییز، تهران، ۱۷۷-۲۰۶.
۱۶. علیزاده اصل، جبار، ضرابی، اصغر، محمدی، جمال، و صمصام شریعت، جمال الدین (۱۳۹۲)، «تحلیلی بر سنجش فناوری اطلاعات و ارتباطات و نقش آن در تحقق مشارکت اجتماعی و توانمندسازی مدیریت شهری: مطالعه موردی منطقه ۶ شهر اصفهان»، مدیریت شهری، شماره ۳۱ بهار و تابستان، تهران، ۲۴۰-۲۲۳.
۱۷. فلوریدا، ریچارد (۱۳۹۰)، «شهرها و طبقه خلاق»، ترجمه ابراهیم انصاری، و محمد اسماعیل انصاری، تهران، جامعه شناسان (تاریخ انتشار زبان اصلی ۲۰۰۵).
۱۸. کلانتری اسکوئی، علی، آل شیخ، علی اصغر، حسنوی، رضا، و مدیری، مهدی (۱۳۹۵)، «ارزیابی زیرساخت اطلاعات مکانی ملی ایران بر اساس مدل آمادگی SDI»، اطلاعات جغرافیایی، شماره ۹۹، تهران، ۵۸-۴۳.
۱۹. کلانتری، خلیل (۱۳۹۲)، «مدل‌های کمی در برنامه ریزی (منطقه ای، شهری و روستایی)»، تهران، فرهنگ صبا.
۲۰. نوذریپور، علی، کاظمیان، غلامرضا، صالحی، اسماعیل، ایازی، سید محمد هادی، ایمانی جاجرمی، حسین، سعیدی رضوانی، نوید، و عبداللهی، مجید (۱۳۹۲)، «مدیریت شهری، جلد اول: مبانی و حوزه ها»، تهران، تیسرا.
۲۱. نوذریپور، علی، کاظمیان، غلامرضا، صالحی، اسماعیل، ایازی، سید محمد هادی، ایمانی جاجرمی، حسین، سعیدی رضوانی، نوید، و عبداللهی، مجید (۱۳۹۲)، «مدیریت شهری در ایران»، تهران، تیسرا.
۲۲. نوذریپور، علی، کاظمیان، غلامرضا، صالحی، اسماعیل، ایازی، سید محمد هادی، ایمانی جاجرمی، حسین، سعیدی رضوانی، نوید، و عبداللهی، مجید (۱۳۹۲)، «مدیریت شهری، جلد دوم: بررسی تطبیقی نظام مدیریت شهری در کشورهای نمونه»، تهران، تیسرا.
۲۳. هافکین، نانسی، و تاگارت، نانسی (۱۳۸۳)، «تحلیلی بر جنسیت و فناوری اطلاعات در کشورهای در حال توسعه»، ترجمه حسین شعبانعلی فمی، و امیرحسین علی بیگی، تهران، دانشگاه الزهرا (تاریخ انتشار زبان اصلی ۲۰۰۱).
24. Bulu, Melih (2012), City Competitiveness and Improving Urban Subsystems: Technologies and Applications, USA, Information Science Reference (an imprint of IGI Global).
25. Cho, Dong-Sung, and Moon, Hwy-Chang (2002), From Adam Smith to Michael Porter, Evolution of Competitiveness Theory, World Scientific.
26. Delgado Fernández, Tatiana, et al. (2005), Assessing an SDI Readiness Index, From Pharaohs to Geoinformatics, FIG Working Week and GSDI-8 Cairo, Egypt.
27. Delgado Fernández, Tatiana, van Loenen, Bastiaan, Rajabifard, Abbas, and Cromptoets, Joep (2008), A Multi-View Framework to Assess SDIs, Australia, Digital Print Centre, The University of Melbourne.
28. Fu et al. (2014), Measuring and Analysis of Urban Competitiveness of Chinese Provincial Capitals in



- Model, presented papers from the 17th NISPAcee Annual Conference, May 14-16, Budva, Montenegro, 112-.
42. The World Bank (2009), World Development Report.
  43. UNHABITAT (2013), The Competitiveness of Cities, Nairobi, UN-HABITAT.
  44. Vandenbulcke, G., Steenberghen, T., Thomas, I. (2009), Mapping accessibility in Belgium: A tool for land-use and transport planning, 17, 39-53.
  45. Xu, Y., Tang, Q., Fan, J., Bennett, S.J., Li, Y. (2011), Assessing construction land potential and its spatial pattern in China, *Landsc.*, 103, 207-216.
  46. Zhanxin, Ma, and Peng, Li (2011), The Evaluation of City Competitiveness in Shandong Province, *Energy Procedia* 5, 472476-.
  - 2010 under the Constraints of Major Function-Oriented Zoning Utilizing Spatial Analysis, *Sustainability* 6, 33743399-.
  29. Hong, Wei-Chiang (2008), Competitiveness in the Tourism Sector, A Comprehensive Approach from Economics and Management Points, Springer.
  30. Joint Research Center (2005), Tools for Composite Indicators Building, European Communities.
  31. Lynn, L. (1996), The new public management as an international phenomenon: a skeptical view. Paper presented at the conference on the new public management in international perspective, 1113- July, St. Gallen, Switzerland.
  32. Miguel-Ángel, Manso Callejo, and Watse, Castelein (?), Monitoring of Spatial Data Infrastructures, An evaluation of approaches.
  33. Morphet, Janice (2008), Modern local government, London, Sage.
  34. Ni Pengfei, Kamiya Marco, and Ding, Ruxi (2017), Cities Network Along the Silk Road, The Global Urban Competitiveness Report, Springer & China Social Sciences.
  35. Ni, Pengfei, and Karl Kresl, Peter (2010), The Global Urban Competitiveness Report, UK, Edward Elgar Publishing Limited.
  36. Ning Yuebo, and Tang Lizhi (2001), The concept of urban competitiveness and index system, *Modern urban studies*, 88(3):1922-.
  37. OECD (2008), Handbook on Constructing Composite Indicators, Methodology and user guide, OECD.
  38. Rondinelli, D.A, and K. Ruddle (1978), Urbanization and rural development, A spatial policy for equitable growth, New York, Prager.
  39. Schwab, Klaus (2014), The Global Competitiveness Report 20142015-, the World Economic Forum.
  40. Schwab, Klaus (2016), The Global Competitiveness Report 20162017-, the World Economic Forum.
  41. Sinkienė, Jolita (2009), City Competitiveness: Concept, Factors,



## صیانت از جمعیت شهری در برابر تهدیدات دشمن با رویکرد پدافند غیرعامل (مورد مطالعه کلانشهر تهران)

حمیدرضا ارشادمنش\* - دانش‌آموخته دکتری مدیریت راهبردی پدافند غیرعامل دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

### چکیده

صیانت از سرمایه‌های انسانی در مدیریت شهری باعث حفظ دارائی‌های مادی یا معنوی انسانی می‌شود و مقاومت و پایداری مردمی در برابر تهدیدات باعث ارتقاء توان ایستادگی، دوام و استحکام مردمی در برابر مخاطرات بوده و استقلال هر جامعه در باور توانمندی‌ها و شناخت توانائی‌ها و در نهایت با اتکاء به خود بوده و دغدغه و مسئله اصلی این تحقیق فقدان یک الگوی مدون علمی بومی می‌باشد. سؤال اصلی تحقیق «صیانت از جمعیت شهری در برابر تهدیدات دشمن با رویکرد پدافند غیرعامل چیست» می‌باشد. نوع این تحقیق کاربردی- توسعه‌ای است. روش انجام این تحقیق از رویکرد آمیخته شامل دو رویکرد کیفی مبتنی بر روش دلفی بعلاوه مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و رویکرد کمی با تمرکز بر روش توصیفی- پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری را صاحب‌نظران، خبرگان و اعضای هیئت علمی کشوری و لشگری تشکیل دادند. حجم جامعه آماری ۱۵ نفر و از بین آن‌ها براساس فرمول کوکران ۹ نفر انتخاب شده است.

**واژگان کلیدی:** پدافند غیرعامل، صیانت از جمعیت

شهری، تهدیدات دشمن

### Protecting the urban population against enemy threats case study: Tehran metropolitan

#### Abstract

Protecting human capital in urban management will preserve human or spiritual assets, and the resistance and sustainability of people to the threats will enhance the ability to stand, sustain and sustain people's ability to believe in their abilities and ultimately rely on self-reliance. The main question of research is to protect the urban population vs. Enemy threats with the Passive defense approach? It is. The type of research is a useful application. The method of conducting this research from the mixed approach involves the two approaches based on the Delphi method, plus the study of documents and the library and the quantitative approach focusing on the descriptive-survey method. The statistical community consisted of scholars, experts, and members of the country, and members of the country. The volume of statistical community of 15 people is chosen based on the formula kocran.

**Keywords:** Passive defense, urban population, enemy threats

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می‌فرمایند: تهدید را کاملاً جدی بگیرید، یعنی به هیچ وجه در محاسبات خودتان از تهدید جدی پایین نیایید، منتها تهدید جدی معنایش حتمی نیست، هیچ حتمیتی وجود ندارد. باید تدابیر کارساز در باب پدافند غیرعامل را عملی کنید.<sup>۱</sup> امنیت در هر جامعه شهری به وضعیت، استحکام، قدمت و بنیان‌های ساختارهای داخلی آن جامعه منتهی می‌شود. اگر تعریف از منافع و امنیت به تحلیل فردی رهبران برگردد و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی ضعیف شده و توان ایجاد مشارکت عمومی و پایداری امنیت را نداشته باشد، آن جامعه دچار مشکلات سوء امنیتی می‌شود (طلایی، ۱۳۸۹، ص ۱). جامعه‌ی ایرانی در افق چشم انداز ۱۴۰۴ چنین ویژگی خواهد داشت: امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازاریابی همه-جانبه و پیوستگی مردم و حکومت (سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ نظام). تدوین راهبرد، کاری بس ارزشمند و درخور توجه و در عین حال بسیار پیچیده و دشوار است. در حال حاضر در کشورهای توسعه یافته کمتر سازمانی را می‌توان یافت که فاقد مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی باشد. در واقع چهار دهه پایانی قرن بیستم تاکنون، مراحل رشد و بلوغ مدیریت راهبردی به دلیل افزایش سازمان‌ها، بزرگ شدن مؤسسات، افزایش تعداد رقبای، ضرورت فعالیت در بازارهای بین‌المللی، پیچیده شدن روابط، تغییرات مداوم محیط، فناوری گسترده، استفاده از تجهیزات سبک و سنگین خودکار، حرکت سازمان‌ها در زمان‌های آینده و توجه به برنامه‌های جامع و بلندمدت است. به واسطه اهمیت موضوع، برخی از نظریه‌پردازان معتقدند که مفهوم مدیریت راهبردی به سمتی می‌رود تا با ارائه جهت‌گیری به حجم متنوعی از ادبیات این حوزه، تحولی را موجب شود. در کشور عزیزمان ایران نیز در طول سال‌های اخیر توجه خاصی به تدوین سند راهبردی بر مبنای تهدیدات و چالش‌های محیطی صورت گرفته است. مدیریت راهبردی (تدوین راهبرد، برنامه‌ی اجرایی و نظارت و کنترل) اولین گام

موثر و کارآمد در راستای اثربخشی و کارایی سازمان محسوب می‌گردد. ارائه روش، الگو و ابزارهای ساده و قابل استفاده در جهت پیاده‌سازی مدیریت راهبردی در سازمان‌ها امری ضروری است. هدف از تدوین سند راهبردی پدافند غیرعامل در صیانت از جمعیت شهری در برابر تهدیدات، تعیین اقدامات راهبردی و اولویت‌بندی آنها به منظور هدایت و پیاده‌سازی زیرساخت‌های لازم برای ارائه خدمات پدافند غیرعامل موضوع جمعیت شهری در سطح کشور است. منظور از تهیه این مقاله عبارتست از:

۱. تبیین اقدامات راهبردی و جهت‌گیری کلان پدافند غیرعامل در صیانت از جمعیت شهری در برابر تهدیدات.
  ۲. سازماندهی و اجرای اقدامات راهبردی پدافند غیرعامل در صیانت از جمعیت شهری در برابر تهدیدات.
  ۳. مبنایی برای ارزیابی و کنترل اقدامات راهبردی پدافند غیرعامل در صیانت از جمعیت شهری در برابر تهدیدات.
- قلمرو این مقاله پدافند غیرعامل در جمعیت شهری می‌باشد. لذا می‌تواند به عنوان سند راهبردی پدافند غیرعامل در صیانت از جمعیت شهری در برابر تهدیدات در تدوین برنامه‌های کلان و جامع در این حوزه مورد استفاده قرار گیرد که ذی‌نفعان آن عبارت است از:
۱. آحاد مردم شریف ایران
  ۲. مدیران و کارکنان مدیریت شهری کشور
  ۳. مراکز پدافند غیرعامل کشور
  ۴. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران
  ۵. وزارتخانه‌ها و نهادهای انقلابی دولت جمهوری اسلامی ایران

### مبانی نظری

#### الف- پیشینه تحقیق

اگرچه موضوعاتی که به صورت مستقیم به موضوع این تحقیق پرداخته باشند یافت نشد، ولی از بین حداقل ۱۵ پروژه تحقیقاتی مشتمل بر مقالات علمی- پژوهشی، رساله‌های دکترا، مقالات همایش‌های علمی- پژوهشی، پیشینه‌های زیر که نزدیک به موضوع تحقیق می‌باشند آورده شده‌اند.

۱. بیانات در دیدار با جمعی از مسئولین نظام، ۱۳۹۴/۸/۴

۱. عنوان پروژه علمی - پژوهشی مفاهیم پدافند غیرعامل در مدیریت شهری با تمرکز بر شهر تهران، محققین دکتر محمدرضا فرزاد بهتاش، مهندس محمدتقی آقابابایی در مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران. دانش شهر: شماره ۳۷- زمستان ۱۳۹۰. سؤال تحقیق ماهیت تهاجم‌های آینده و وظایف مدیریت شهری چیست؟ روش اجرای تحقیق تالیفی و تحلیلی و نتایج تحقیق عبارتست از: در ایران با توجه به سیر پیشرفت تهاجم‌ها و استفاده دشمن از راهبردهای جنگ نرم و فناوری‌های نوین و هوشمند و همچنین مورد هدف قرار گرفتن زیرساخت‌ها، به نظر می‌رسد که توسعه اقدامات پدافند غیرعامل می‌تواند در کاهش آسیب‌پذیری‌های کشور در زمان تهاجم بسیار مؤثر باشد و تشکیل شورای هماهنگی پدافند غیرعامل تهران به ریاست وزیر کشور و با ترکیب شهردار تهران به‌عنوان دبیر لازم بوده است.

۲. عنوان پروژه تحولات سیستم امنیتی در سیرالئون<sup>۲</sup> محقق حسن خراموه کنده، چاپ دانشگاه بیرمینگام<sup>۳</sup> هدف تحقیق، تحول بخش امنیتی (SSR) در بازه زمانی و در پایان جنگ سیرالئون و نتیجه تحقیق نقش سازمان‌های غیرنظامی جامعه در فرآیند نشان دهنده اهمیت مشارکت آنان در تحول بخش نظامی است. اگر اصول مالکیت‌های محلی مبنا قرارگیرد یک نگرش «انجام کار با آنان»<sup>۴</sup> در بخش مشاوران موثرترین روش در ایجاد و دستیابی به توسعه پایدار در یک کشور جنگ زده مانند سیرالئون می‌باشد (helmoh kondeh, 2007).

### ب- مفهوم شناسی

مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۹ سیاست‌های کلی نظام در امور «پدافند غیرعامل» را ابلاغ فرمودند که بر اساس بند اول این سیاست‌ها، «پدافند غیرعامل عبارت است از مجموعه اقدامات غیرمسلحانه که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری،

تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقاء پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌گردد» (سیاست‌های کلی ابلاغی نظام، ۱۳۸۹). دفاع، تدابیری است که برای مقاومت در مقابل حملات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و یا فناوری دشمن یا دشمنان اتخاذ می‌شود (نوروزی، ۱۳۸۵، ۲۸۹).

• دفاع/ پدافند: واژه «دفع» در اصطلاح فقه اسلام، تکلیفی است برای پیش‌گیری از آسیب‌هایی که اساس اسلام را تهدید می‌کند و یا جان و مال و آبروی انسان را هدف قرار می‌دهد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۴۸۵). دهخدا دفاع را به دو صورت تعریف نموده است: دور کردن از کسی، دور کردن، دفع کردن از کسی، همدیگر را راندن، مزاحم کسی شدن و حمایت کردن کسی را از، دفع شر، از دستبرد دشمن (انسان و حیوان) حفظ کردن، بازداشتن و پس زدن تعریف نموده (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۹۶۲۳). برخی منابع لاتین نیز وجود تمایز میان دو واژه دفاع و پدافند را در کاربرد نشان می‌دهند در ادبیات آمریکایی پدافند در قالب مفهومی آمادگی در شرایط اضطرار به کار رفته است (Alexander, 2002: 209).

دفاع غیرعامل همه جانبه: اگر در داخل ممالک اسلامی نقشه‌هایی از طرف اجانب کشیده شده باشد که خوف آن باشد که تسلط بر ممالک اسلامی پیدا کنند، واجب است بر مسلمانان که با هر وسیله‌ای که ممکن است، نقشه آنها را به هم بزنند، و جلوگیری از توسعه نفوذ آنها کنند (امام خمینی، ۱۳۹۰، ص ۴۵۷).

بازدارندگی: عبارت است از متقاعد ساختن حریف نسبت به این‌که هزینه‌ها و خطرات ناشی از خط‌مشی اتخاذی او، از منافی که عایدش می‌شود بیشتر است (فریدمن، ۳۸۵، ص ۱۵۳). آسیب: آن دسته از نقاط ضعف در محیط داخلی که مورد تهدید و تهاجم خارجی قرارگیرد. تهدیدات نرم: دشمن نفوذ دادن فرهنگ خود، با فشار اقتصادی خود، با انواع و اقسام تلاش‌های سیاسی خود، با گستره‌ی عظیم تبلیغات خود، و با عوامل خائنی که در اختیارش هستند، درصدد تکان

2. Formulating sierra leone's white paper  
3. Al.hassan kharamoh kondeh. Edited by dr paul Jackson , university of Birmingham  
4. do-it-with-them

دادن فضای جمهوری اسلامی است تا آن را به تبعیت بکشانند. این آن بخش فعال اجتماعی این جهاد کبیر است. این جهاد کبیر ابعادی دارد: جاهدهم به جهادا کبیرا<sup>۱</sup>

در حوزه اجتماعی - فرهنگی تهدیدهای نرم دشمن در صدد کاهش احساس تعلق مردم به نظام، کم اثر کردن مولفه های دینی و ملی تشکیل دهنده هویت ملی، برجسته کردن مسائل قومی، نژادی و مذهبی، کاهش اعتماد مردم به نظام، ایجاد شکاف بین مردم و مسوولان، بی اعتماد کردن مردم به رسانه های خودی و تعمیق شکاف های نسلی و نشان دادن و بزرگنمایی تبعیض بین قومیت ها و مذاهب است (کریمی و شهلائی، ۱۳۹۱، صص ۹۵-۶۱).

ارتقای پایداری ملی: یعنی بسیج منابع ملی و هم افزایی آنها، مردمی کردن دفاع و حفظ حضور آنان در صحنه افزایش آستانه تحمل ملی، افزایش توان بخش های خدمات در شرایط اضطرار و تنظیم برنامه های صرفه-جویی و مصرف داخلی، بر اساس اقتصاد مقاومتی (عباس زاده، ۱۳۹۴، ص ۲۶).

تهدیدات اجتماعی شهری: تهدیدات دشمن که بصورت جنگ نرم با استفاده از سلاح های رسانه ای و غیرنظامی به دنبال استحاله از درون یک نظام برمی آیند. (شهردار و حسینی، ۱۳۹۳، صص ۹-۱۰).  
شهر: در کشور ایران طبق تقسیمات کشوری، انواع شهرهای کشورمان از نظر عملکرد و اندازه به این صورت طبقه بندی شده اند: بازار شهر؛ ۱۰-۳ هزار نفر جمعیت. روستا-شهر؛ ۲۵-۱۰ هزار نفر. شهر کوچک؛ ۵۰-۲۵ هزار نفر. شهر متوسط کوچک؛ ۱۰۰-۵۰ هزار نفر. شهر متوسط؛ ۲۵۰-۱۰۰ هزار نفر. شهر بزرگ میانی؛ ۵۰۰-۲۵۰ هزار نفر. شهر بزرگ؛ ۱۰۰۰-۵۰۰ هزار نفر. کلان شهر (متروپل)؛ ۲/۵ - ۱ میلیون نفر. کلان-شهر (متروپل ملی)؛ ۲/۵ میلیون نفر جمعیت و بیشتر. (گروه مطالعاتی دوره اول دعا، ص ۲۶۱).

شهر تهران: تهران از جهت تولید ناخالص داخلی رتبه پنجاه و ششم و با لحاظ کردن جمعیت منطقه شهری، رتبه بیست و نهم را در بین شهرهای دنیا دارد. مردم تهران ۳۳٪ از مالیات کشور را پرداخت می کنند تهران قدیم از چهار محله تشکیل شده بود به نام های سنگلج، اودلاجان (عودلاجان)، بازار و چاله میدان. در زمان ناصرالدین شاه قاجار چندین محله تازه در تهران ساخته شد به نام های ارگ، چاله حصار،

خانی آباد، قنات آباد، پاچنار، پامنار، گار ماشین، گود زنبورک خانه، صابون پرخانه، گود عرب ها و دروازه قزوین. تهران در هزار سال اخیر شاهد چهار زمین لرزه بزرگ بوده است. تهران آخرین زلزله شدید خود را در سال ۱۸۳۰ میلادی، شاهد بوده است. تهران از لحاظ موقعیت زمین شناختی بر روی گسل های فعالی قرار گرفته که باعث رانش زمین و زمین لرزه می شوند. از میان بسیاری از گسل های فعال تهران، احتمال فعال شدن سه گسل به نام های، «گسل مشا، گسل شمال تهران و گسل جنوب ری» بیش از بقیه وجود دارد. بسیاری از ساختمان ها و آپارتمان های تهران کیفیت ساخت و ساز پائینی دارند و از این روی به گفته بسیاری از کارشناسان، در صورت وقوع بحران یا تهاجمات نظامی، بسیاری تلفات است شهر تهران، به طور پیوسته در معرض خطر سیل قرار دارد. از دلایل اصلی این موضوع، می توان اختلاف ارتفاع زیاد، شرایط اقلیمی خاص، وجود رودخانه های فراوان مانند رود کرج، رود دربند، رود چیتگر و مسیل های متعدد و قرار گرفتن شهر تهران در پای کوه را نام برد. همچنین در شهر تهران، ۱۲ حوزه آبریز بالادست مسلط بر آب و ۱۴ کیلومتر نوار مولد سیل از دارآباد تا غرب دره فرحزاد وجود دارد. زیرساخت های میان شهری: دو فرودگاه بین المللی مهرآباد و امام خمینی، چهار پایانه مسافربری شرق، غرب، میدان آرژانتین و جنوب، تهران حجم بالایی از ترافیک خطوط راه آهن کشور را به خود اختصاص داده است. خطوط راه آهن تهران- اروپا هم بسیار فعال است. سهم اتوبوسرانی از حمل و نقل همگانی شهر تهران با ۶۰۵۰ اتوبوس و سامانه اتوبوس تندرو تهران و اتوبوسرانی برقی تنها ۱۷ درصد است که در افق سال ۱۴۰۴، باید به ۲۵ درصد و ۱۱۰۰۰ دستگاه (با توجه به افزایش جمعیت) برسد. ۱۵۲ کیلومتر متروی تهران در پنج خط اصلی و سه خط در حال احداث که یکی بین شهری ست. باید در افق ۱۴۰۴ باید به ۸ خط به طول ۲۵۰ کیلومتر برسد. احداث گذرگاه ها و بزرگراه های کمربندی تازه ساز در سال های اخیر رشدی چشمگیر داشته. وجود ۱۸۰ پل که مهم ترین آن ها سواره رو بوده و ۶۰ پل در حال ساخت. از این ۱۸۰ پل ۱۱۰ پل نیاز به بازسازی و مقاوم سازی دارند. تهران دارای یک شبکه وسیع و پیچیده جاده ای و خیابانی است، این شهر از آنجا که سال هاست با مشکل ترافیک مواجه است لذا



مدیران این شهر در طول سالهای گذشته به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران مجبور به طراحی و ساختن بزرگراه‌های مختلف شده‌اند تا بتوانند معضل ترافیک را حل نمایند. تهران کلانشهری با جمعیت در شب ۸/۷ میلیون نفر و جمعیت روز ۱۲ میلیون نفر و وسعت حدود ۷۰۰ کیلومتر مربع است (ویکی‌پدیا، دانش‌نامه آزاد، ۱۳۹۶).

صیانت از مردم: مطابق تئوری سرمایه انسانی در اقتصاد، جمعیت و مردم یک کشور از همه سرزمین‌ها، کارخانه‌ها و دیگر تاسیسات در تصرف کشور با ارزش‌تر می‌باشند. مردم یک کشور را بعد از خرابی و ویران‌بازسازی و آباد می‌کنند لذا حفاظت از مردم یک کشور برای امنیت اقتصادی آن کشور اهمیت فراوانی دارد. کاهش وحشت و تردید در مردم از طریق دفاع غیر نظامی کیفیت زندگی مردم را بالا برده و مزایای اقتصادی زیادی دارد (بیگی، ۱۳۷۳، ص ۲۴).

زیرساخت‌های حیاتی و منابع کلیدی: به منزله اهدافی هستند که تجاوز به هر یک از آنها می‌تواند منجر به ایجاد یک وضعیت بحرانی، مرگ ناگهانی مردم و عواقب وخیمی همچون کاهش ایمنی و سلامت جامعه گردد (Bosh,w, 2003).

نظریه انهدام مراکز ثقل: صاحب نظران سیاسی و نظامی آمریکا، پس از تحمل شکست تاریخی خود در جنگ ویتنام (۱۹۷۳-۱۹۶۴) مطالعات و تحقیقات قابل توجه مستمری را در جهت بررسی شکست خود در جنگ یاد شده و دستیابی به استراتژی و شیوه‌های موثرتر جنگ‌های هوایی نمودند. مشاور نظامی امنیت ملی آمریکا، سرهنگ هوایی جان واردن در دهم اگوست ۱۹۹۱ نظریه خود را که به تئوری پنج حلقه «واردن» مشهور می‌باشد مطابق (شکل ۱)، به پنتاگون ارائه نمود که مورد قبول واقع گردید. (عرب و ستاره، ۱۳۹۲، ص ۷). نظریه واردن تا حد زیادی از تفکرات کلازوویتس، تحت عنوان «راهبرد مراکز ثقل» نشأت گرفته است. کلازوویتس بر این باور بود که اولین و شاید مهمترین وظیفه در طرح ریزی جنگ، شناسایی مراکز ثقل دشمن می‌باشد و چنانچه در انتخاب هدف، اشتباه و خطا رخ دهد، هزینه‌های بسیاری ایجاد و فرصت‌های فراوانی از دست خواهد رفت (گروه بررسی‌های راهبردی معاونت پژوهش و تولید علم، ۱۳۸۷، ص ۷). در این تعریف، مراکز ثقل، مراکزی هستند که در مجموع محور منشأ تمامی

حرکات، فعالیت‌ها و قدرت کشور رقیب می‌باشند. در نظریه مذکور، مراکز ثقل یک کشور به صورت سیستمی همانند اعضاء یک بدن قلمداد شده و در صورت انهدام در هر تهاجم، فلج گردیده و قادر به فعالیت و حیات نخواهد بود. این مدل در جنگ اول خلیج فارس، مناقشه کوزوو و جنگ اخیر علیه عراق به کار گرفته شده است.

جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس موسوم به طوفان صحرا را باید به عنوان نقطه آغاز جنگ‌های نسل ششم تلقی نمود. سرهنگ واردن آمریکایی، دشمن را به عنوان یک سیستم یا ارگان پنداشته و بر این اساس آن را مشتمل بر پنج حلقه ارگانیک می‌داند. حلقه‌های واردن بنابر اهمیت از درون به بیرون گسترش یافته اند به گونه ای که مهم ترین حلقه، درونی ترین حلقه است که تحت حفاظت شدید حلقه‌های بیرونی قرار دارد. (عرب و ستاره، ۱۳۹۲، ص ۷).

در این راستا، آمریکا بسترهای لازم را برای شناسایی کلیدی نقاط و مراکز حیاتی و حساس کشورهای رقیب تدارک دیده و انجام عملیات روانی و جنگ نرم بر طبق حلقه‌ی چهارم مدل واردن را در جهت تخریب روحیه و همبستگی ملی و وفاداری مردم، ایجاد شکاف بین نظام سیاسی و گرایش‌ها و ارزش‌های جامعه و برهم زدن وحدت ملی را در برنامه‌های کاری خود قرار داده است (دیوسالار، ۱۳۸۶، ص ۹).



شکل ۱. مدل پنج حلقه‌ای واردن؛ ماخذ: نگارنده.

نظرمقام معظم رهبری در مورد تهدید این است که: تهدیدهایی که متوجه آینده‌ی درخشان ماست، دو نوع است: تهدیدهای خارجی، تهدیدهای داخلی اگر از داخل، این ملت دشمن نداشته باشد، عامل نفوذی

نداشته باشد و دوچهرگان در مسائل کشور تخریب نکنند، دشمن خارجی نمی‌تواند کار زیادی انجام دهد. بعضی از تهدیدها از درون خود ما و در میان نفس خود ماست هر چیزی که به سلامت و ایمان و عزم و نشاط لطمه بزند و کار و کوشش و تحصیل جوانان را معوق بگذارد، تهدید است. ولنگاری تهدید است، بی‌بندوباری تهدید است، مواد مخدر تهدید است، بی‌اهمیتی به علم و درس و کار تهدید است، سرگرم شدن به مناقشات اجتماعی بیهوده تهدید است، درگیریهایی داخلی تهدید است، بی‌اعتمادی به نظام و مسئولان تهدید است، البته غفلت مسئولان هم تهدید است، برنامه‌ریزی دشمن بیرونی هم تهدید است. یک ملت بیدار، یک ملت آگاه، یک ملت زنده، یک ملت جوان، یک ملت انقلابی مثل ملت ما، باید همگی این تهدیدها را از سر راه خود بردارد.

اهداف تهدیدهای شهری (سخت- نیمه سخت و نرم): بر اساس اهداف در سه گروه تهدیدهای نرم، نیمه سخت و سخت طبقه‌بندی می‌شوند. هر یک از این سه گروه مشتمل بر سطوح جزئی تری از تهدید هستند که در نوع تهدیدهای نرم در حوزه شهری امروزه با توجه به رشد فکری و آگاهی عمومی ملت‌های جهان، نفوذ و سلطه و به دست آوردن مستعمرات از راه لشکرکشی‌های نظامی، به آسانی امکان‌پذیر نیست و در صورت اجرا هزینه‌های زیادی را بر مهاجمان تحمیل می‌کند؛ به همین سبب، بیش از یک قرن است که استعمارگران روش نفوذ در کشورها را تغییر داده‌اند. آنها معمولاً اجرای مقاصد خود را با عناوین تبلیغ مذهبی، رواج تکنولوژی، ترویج زبان، انجمن‌های خیریه، ترویج بهداشت، سوادآموزی، به عبارت دیگر، به نام سیاست‌های فرهنگی و فرهنگ‌پذیری انجام می‌دهند. هر چند نمی‌توان آن‌ها را از نظر نوع دوستی و انسانیت مورد تردید قرار داد، ولی تاریخچه‌ی روابط و خدمات مزبور نشان داده است که آن برنامه‌ریزی‌ها، در جهت رشد و بالندگی فرهنگ این کشورها نبوده بلکه زمینه‌ی اسارت کامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی‌شان را فراهم ساخته است. موضوع اصلی تهدیدات اجتماعی را «هویت» تشکیل می‌دهد که با عناصری چون زبان، فرهنگ و ... شناسانده می‌شود. با این حال به دلیل اهمیت فزاینده «هویت اجتماعی» در معادلات امنیتی طی سال‌های پایانی قرن بیستم، شاهد تولید دو دسته از متون امنیتی می‌باشیم که هر یک به روایتی از «تهدید اجتماعی»

تاکید دارند (اسکندری، ۱۳۹۴، ص ۱۰۷). از آن زمان که جنگ به عنوان یک پدیده مورد مطالعه قرار گرفت، جنگ روانی نیز به عنوان ابزاری در خدمت جنگ بوده و بدان توجه شده است. در تعریف جنگ روانی گفته شده: «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در خصوصیات فکری دشمن، باتوسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی شود». فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی جدید، مفهوم و شیوه‌های عملیات روانی را متحول، آن را وارد مرحله جدیدی کرد که به جنگ اطلاعاتی یا جنگ رسانه‌ای موسوم شده است. ایجاد آشوب، رعب و وحشت، تولید و اشاعه شایعه، خدعه و فریب، ایجاد شک و توهم، دادن وعده، تحریک، دامن زدن به اختلافات قومی، مذهبی و ... از روش‌های عملیات روانی می‌باشند. مانند: جنگ روانی و ایجاد اختلافات و درگیری‌های داخلی (قومی، دینی)، آشوب در شهرها و مراکز زیست و فعالیت (مانند توطئه‌های احزاب وابسته دموکرات در نرده، خلق مسلمان در تبریز، خلق ترکمن در گنبد، خلق عرب در اهواز در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۸).

جمع‌بندی اهداف مورد نظر از تهدیدات مزبور عبارتند از: ایجاد فشار بر دولت‌مداران و مسئولان (مانند فشار در پذیرش قطعنامه صلح ۵۹۸ به ایران)، برهم زدن نظم اجتماعی، ایجاد از هم گسیختگی در مردم و مجبور نمودن آنها به مهاجرت از شهرها (مانند خلیه سلیمانیه عراق و اکثر شهرهای مرزی ایران توسط رژیم بعثی و تخلیه بخشی از جمعیت نرده توسط گروه‌های ضد انقلاب وابسته)، ایجاد نارضایتی در مردم و جامعه، نگران ساختن رزمندگان جبهه‌ها نسبت به اوضاع شهرها و روستاهای زادگاه شان و خانواده‌های شان (مانند بمباران مدرسه دخترانه شهر میانه آذربایجان و شهادت رساندن فرزندان رزمندگان لشکر عاشورا که در عملیات جبهه‌های جنوب کشور موفق شده بودند)، از بین بردن مقاومت عقبه‌های شهری و پشتیبانی شهروندان از نیروهای نظامی، جابه جایی و مهاجرت جمعیت‌ها که تأثیرات سوء اجتماعی مثل فقر، بزه کاری، بیکاری رابه دنبال دارد.

آثار تهاجم نظامی دشمن به شهرها: در پی تهاجم دشمن، عواقب و آثاری که ممکن است در شهروندان ایجاد شوند عبارتند از:

- تخریب مراکز اصلی خدمات رسانی مردمی مانند شهرداری‌ها و زخمی و کشته شدن مردم
- گسترش ناامنی و افزایش فعالیت اشراک در هجوم به

- بانک ها، فروشگاه ها و منازل مردم و...
- عدم کنترل جمعیت و هجوم مردم به خروجی های شهر و مراکز ارائه خدمات
- قطع ارسال مواد غذایی، دارو، خون و تجهیزات پزشکی مردم و گسترش بیماری های واگیردار مردمی و عدم دسترسی مردم به خدمات بهداشتی درمانی اولیه در مراکز خصوصی و دولتی - از کار انداختن سامانه های حمل و نقل عمومی درون و برون شهری: اتوبوس، مترو، راه آهن برون شهری، هواپیما
- قطع آب و آلودگی آب آشامیدنی و قطع برق و قطع گاز و انواع دیگر سوخت مایحتاج مردم
- صدمات زیربنایی به مراکز و اماکن مردمی شهری منجر به عدم تخلیه زباله ها و نخاله های شهری مردم، گسترش حیوانات موذی در شهر و در نتیجه اختلالات بهداشت محیط شهر
- تهاجم دشمن به اماکن مقدسه باهدف ایجاد تهییج و آشوب اجتماعی در منطقه
- قطع فعالیت رسانه ملی و رسانه های مکتوب که مانع اطلاع رسانی شفاف به مردم شده و در نتیجه جهت ایجاد زمینه جدی برای گسترش شایعات گردد.
- انجام عملیات روانی، ایجاد وحشت، درگیری های قومی و مذهبی و دیگر اشکال آشوب های اجتماعی، رسانه ها و ایادی داخلی، گسترش افسردگی، دل سردی و اختلالات روحی و روانی مردم
- باید دانست که عموماً شهرها به عنوان اولویت اهداف دشمنان در هنگام جنگ و افزایش نسبت تلفات غیرنظامیان در حمله به شهرها در جنگ های اخیر بوده اند، جدول ذیل بیانگر تلفات غیرنظامیان در جنگ جهانی دوم می باشد (جلالی فراهانی و هاشمی فشارکی، ۱۳۸۹).

جدول ۱. تلفات نظامی و غیرنظامی در جنگ جهانی دوم به تفکیک کشور

نام کشور	تلفات نظامی	تلفات غیرنظامی	جمع	ملاحظات
آمریکا	۲۹۰/۰۰۰	-	۲۹۰/۰۰۰	به دلیل دور بودن مردم از صحنه تهاجم، تلفات غیرنظامی نداشت
انگلستان	۴۰۰/۰۰۰	۱۰۰/۰۰۰	۵۰۰/۰۰۰	تلفات غیرنظامی در اثر بمباران هوایی
فرانسه	۲۰۰/۰۰۰	۴۵۰/۰۰۰	۶۵۰/۰۰۰	تلفات غیرنظامی در اردوگاه های مرگ
شوروی سابق	۱۳/۶۰۰/۰۰۰	۱۲/۰۰۰/۰۰۰	۲۵/۶۰۰/۰۰۰	۱۰ درصد از کل جمعیت شوروی سابق
آلمان	۳/۴۰۰/۰۰۰	۴/۰۰۰/۰۰۰	۷/۴۰۰/۰۰۰	تلفات غیرنظامی در اثر بمباران هوایی
لهستان	۳۰۰/۰۰۰	۵/۷۰۰/۰۰۰	۶/۰۰۰/۰۰۰	۲۵ درصد از کل جمعیت لهستان
یوگسلاوی سابق	۳۰۰/۰۰۰	۱۴۰/۰۰۰	۴۴۰/۰۰۰	۱۰ درصد از کل جمعیت یوگسلاوی سابق
یونان	۱۵۰/۰۰۰	۳۵۰/۰۰۰	۵۰۰/۰۰۰	
چین	۲/۰۰۰/۰۰۰	۶/۰۰۰/۰۰۰	۸/۰۰۰/۰۰۰	
ژاپن	۲/۰۰۵/۰۰۰	۶۰۰/۰۰۰	۳/۱۰۰/۰۰۰	
جمع	۲۳/۱۴۰/۰۰۰	۲۹/۲۴۰/۰۰۰	۵۲/۴۸۰/۰۰۰	

پدافند غیرعامل پس از اسلام: مهم‌ترین عناصر دفاعی سکونت‌گاه‌های انسانی در ایران در دوران پس از اسلام عبارت بوده‌اند از: ۱- قلعه (ارگ- دژ)، ۲- بارو (حصار، دیوار، سور، کهندژ، قهندژ)، ۳- برج، ۴- خندق، شیرحاجی (حصاری که به دور حصار درون بود). پهنه شهر در این دوران از نظر دفاعی دارای سلسله مراتب فضایی سه‌گانه، ارگ (قهندژ) که قصر عمارت حکومتی بود. شارستان که خود شهر در میان حصار بود. ربض (حومه) که بخش خارج از حصار بود.

پدافند غیرعامل از منظر حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه): در هنگام نبرد مجال پرداختن به همه جهات، قوت‌ها، ضعف‌ها، برنامه‌ها و در حقیقت ترسیم استراتژی دفاع همه جانبه، نبوده است. ولی در شرایط عادی باید با سعه‌صدر و بدور از حب و بغض‌ها به این مسائل پرداخت و از همه اندوخته‌ها، تجربه‌ها، استعدادها و طرح‌ها استفاده نمود (صحیفه نور، ۲۸ فروردین ۱۳۳۸).

اهمیت و معیارهای دشمن‌شناسی از دیدگاه اسلام جهت صیانت از جمعیت شهری: امروز برای کشور ما جنگ نظامی سنتی و متعارف احتمال بسیار ضعیفی است لکن جهاد باقی است؛ جهاد یک چیز دیگر است. جهاد فقط به معنای قتال نیست، فقط به معنای جنگ نظامی نیست؛ جهاد یک معنای بسیار وسیع‌تری دارد. در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده: وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا؛ در سوره‌ی مبارکه‌ی فرقان است؛ این آیه در مکه نازل شده. در مکه جنگ نظامی مطرح نبود؛ پیغمبر و مسلمانها مأمور به جنگ نظامی نبودند، کاری که آنها میکردند ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت [است]. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر. در میدانهای مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدانهای مختلف از دشمن تبعیت نکن<sup>۶</sup>

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: سه چیز است که همه مردم به آنها نیاز دارند. امنیت، عدالت و رفاه (بحرانی، ۱۳۸۰، ص ۳۲۰). حضرت علی (علیه‌السلام) پیرامون اهمیت دشمن‌شناسی در بخشی از سخنان خود در خطبه ۶ نهج البلاغه می‌فرماید من همواره با یاری انسان حق طلب بر سر آن کس می‌کوبم که از حق

۶. بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام، ۱۳۹۵/۰۳/۰۳

رویگردان است و با یاری فرمانبر مطیع؛ نافرمان اهل تردید را در هم می‌شکنم. (دشتی، ۱۳۸۰، ص ۵۱). بهره‌گیری از اسناد بالادستی: بحرانهای غیرطبیعی که همواره مخلوق ذهن بشر تربیت نشده میباشد، انسانها و جوامع را که متمرکز در شهرها هستند دچار آسیبها و تنش‌هایی می‌کند که بعضا جبران ناپذیرند. لذا کشورها و دولت‌های مختلف جهت جلوگیری و کاهش آسیب پذیری از تهدیدات به وضع قوانین پیشگیرانه روی می‌آورند. در ذیل به عمده‌ترین مستندات کشور در این حوزه اشاره می‌شود:

۱. بند ۲ سیاستهای کلی نظام در خصوص پدافند غیرعامل مبنی بر ایمن‌سازی مراکز جمعیتی
۲. بند ۹ سیاستهای کلی نظام در خصوص پدافند غیرعامل مبنی بر ممانعت از ایجاد تاسیسات پرخطر در مراکز جمعیتی و خروج اینگونه تاسیسات از شهرها و...
۳. بند ۱ سیاستهای کلی نظام در خصوص آمایش سرزمین مبنی بر انتخاب مکانهای مناسب و استقرار مراکز زیست و فعالیت
۴. بند ۳ سیاستهای کلی نظام در خصوص آمایش سرزمین مبنی بر ساماندهی سطوح خدمات و استقرار جمعیت در کشور...
۵. بند ۶ سیاستهای کلی نظام در خصوص آمایش سرزمین مبنی بر توسعه متوازن شهرهای کوچک...
۶. بند ۱۵ ضوابط ملی آمایش سرزمین مبنی بر ... و انتخاب مقیاس بهینه در استقرار جمعیت و فعالیت‌ها در راستای کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات و بهره‌مندی از پوشش مناسب دفاعی
۷. بند ۲-۹ طرح جامع شهر تهران مصوب ۱۳۸۶ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مبنی بر بهبود سامانه مدیریت بحران و ارتقا کیفیت دفاع غیرعامل شهر تهران
۸. دستورالعمل اجرایی دفاع غیرعامل استانها که در جلسه ۱۳۸۷/۶/۱۰ کارگروه پدافند غیرعامل نمایندگان ویژه رییس جمهور مصوب گردیده، تأثیراتی بر شهرهای تابعه هر استان خواهد داشت.
۹. مقررات ایمن‌سازی و احداث پناهگاه در ساختمان‌های مسکونی و عمومی شهری مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در مرداد ماه ۱۳۶۶ که به کلیه دستگاهها و شهرداری‌ها ابلاغ گردیده است.

۱۰. میحث ۲۱ مقررات ملی ساختمان.
۱۱. ارزشهای اساسی حاکم بر نظام پدافند غیر عامل کشور: معنویت و قداست دفاع، تفکر و عمل بسیجی، نفی سلطه کفار، حفظ نظام جمهوری اسلامی، صلح آمیز بودن (سند راهبرد ملی پدافند غیر عامل، ۱۳۹۲-۱۳۹۶، صص ۲۴-۳۴).
۱۲. اصول راهبردی حاکم بر نظام پدافند غیر عامل کشور: نفوذ ناپذیری، پویایی، خلاقیت و نوآوری، انسجام و هم افزایی ملی، چند منظوره سازی و صرفه اقتصادی، دفاع همه جانبه، پیش دستی در درک تهدیدات، هوشمندی و ابتکار، تفکر استراتژیک، دانش بومی سازی، مکمل دفاع عامل، صیانت از مردم و سرمایه انسانی، حفظ آرامش روانی جامعه، پیوستگی مردم و حکومت، ارتقاء آمادگی و مقاومت ملی (همان، صص ۲۴-۳۴).
- ارزش ها و اصول در صیانت از مردم ایران یک کشور اسلامی و دارای قوانینی مبتنی بر تعالیم عالیه اسلام است. لذا در تبیین کلیه برنامه ها لازم است تا اصول اولیه و شالوده تشکیل دهنده آنها نیز از همین تعالیم نشأت گرفته باشد. دهخدا در لغت نامه خویش اصول را چنین معنا می کند: اصول. اصل. اساسها و بیخ و بن ها. (فرهنگ نظام). اصلها. جمع اصل که بمعنی بیخ است. ریشه ها، و اصول و فروع؛ ریشه ها و شاخه ها. قواعد. قوانین. پایه ها. قواعد و قوانینی که هر علم بر آنها استوار شود. در برابر فروع. ارکان و پایه های هر چیز «ارزش را نیز می توان چنین تعریف نمود». در تعریف لغوی ارزش می توان گفت هر آنچه که مفید، خواستنی یا تحسین کردنی است برای شخص یا گروه و برای آنها دارای ارزش است. ر واقع می توان گفت که ارزش از بنیادی ترین عوامل در تبیین اندیشه، عمل یا اعمال فرد و هم چنین شکل گیری حیات اجتماعی است. برای همین ارزشها معیارهایی هستند که به فرهنگ کلی و جامعه معنا می دهد ( نیک گوهر، ۱۳۶۹، ص ۲۸۰).
- حال اصول و ارزشی را که در صیانت از مردم در مقابل تهدیدات ملحوظ نظر می باشد عبارت است از:
  ۱. صیانت از سرمایه های انسانی: هدف از صیانت از سرمایه های انسانی در مدیریت شهری، حفظ کردن دارائی های مادی یا معنوی انسانی می باشد که بزرگترین سرمایه در مدیریت شهری محسوب می گردد.
۲. اداره ی مردم، مردم محوری: هدف از مدیریت شهری از اداره ی مردم، گرداندن انسان ها به منظور حفظ انسان ها و ارزش های انسانی در برابر تهدیدات می باشد.
۳. مقاومت و پایداری مردمی: منظور مدیریت شهری از مقاومت و پایداری مردمی در برابر تهدیدات، ارتقاء توان ایستادگی، دوام و استحکام مردمی در برابر مخاطرات احتمالی دشمن در زمینه های گوناگون من جمله جنگ اقتصادی می باشد.
۴. امنیت و پایداری اقتدار: از مهمترین برنامه های بر ای نیل به یک جامعه ایمن، اشاعه حس مصونیت در برابر مخاطرات در میان آحاد مردم است و آن ممکن پذیر نیست مگر با ایجاد وفاق و همدلی در میان آحاد مردم و مسئولین که این خود موجب در امان ماندن مردم و جامعه و پافشاری و ایستادگی در برابر هر گونه تهدید احتمالی دشمن خواهد بود.
۵. خودتکایی و خودکفائی: اساس استقلال هر جامعه در باور توانمندیها و شناخت توانائیها و در نهایت با تکیه کردن و اتکاء بر خود میسر خواهد شد.
۶. تسهیل مدیریت بحران: آسان کردن، هماهنگ نمودن اقدامات در مراحل ۴ گانه مدیریت بحران (پیش بینی و پیشگیری- آمادگی و مقابله- بازسازی و بازتوانی) در حوادث یا بلایای طبیعی و آشفتگی های و تغییرات شدید ناشی از آن با برنامه های پدافند غیر عامل با توجه به همپوشانی برخی از اقدامات آنها می باشد.
۷. ارتباطات عمومی: سهولت در انتقال اطلاعات و پیام های مبادله شده در زمان بروز تهدیدات توسط مبادی مسئول من جمله رسانه های ارتباط جمعی به منظور جلوگیری از بروز هیجانهای غیر ضروری در جامعه از اهم اقدامات مدیریت شهری در این خصوص می باشد.
۸. پایش تهدیدات: ایجاد همکاری مابین سازمان های مسئول در امر ارتباطات، نظامی امنیتی و انتظامی به منظور کاهش تهدیدات فردی، اجتماعی و امنیتی دشمن و ارتقاء توان ایستادگی و پایداری مردم در برابر بیم ها و ترس ها از اهم برنامه های مدیریت شهری در برابر تهدیدات دشمن می باشد.
- چشم انداز و ویژگی ها: جامعه ی ایرانی در افق چشم انداز ۱۴۰۴ چنین ویژگی هایی خواهد داشت: امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و



- پیوستگی مردم و حکومت. (سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ نظام) بر این اساس چشم‌انداز مد نظر در صیانت از مردم در مقابل تهدیدات عبارت است از:
۱. برخوردار از طرح جامع پدافندی تخلیه و ساماندهی استقرار جمعیت با بهره‌گیری از پیوستگی مردم و حکومت.
  ۲. برخوردار از میزان حداقل تلفات مردمی ناشی از بحرانها و حداقل زمان استقرار جمعیت اردوگاه‌ها.
  ۳. برخوردار از اردوگاه‌های اسکان موقت ایمن و بهداشتی با طول ماندگاری جمعیت حداکثر سه ماهه در آنها.
  ۴. برخوردار از سامانه سلسله مراتبی فضاهاى امن و نیمه امن و چند منظوره شهری.
  ۵. برخوردار از مدیران شهری متعهد و ماهر و آشنا به وظایف.
  ۶. برخوردار از چند منظورگی زیر ساخت‌ها در طرح‌های شهری.
  ۷. برخوردار از قوانین و مقررات تسهیل کننده در مجموعه مدیریت شهری.
  ۸. برخورداری کلان شهرها از مؤلفه‌های چندگانه‌ی پدافند غیرعامل (پراکندگی و...) با هدف بازدارندگی همه جانبه.
  ۹. برخوردار از آمایش سرزمینی و طرح‌های جامع و تفصیلی شهری مناسب.
  ۱۰. برخوردار از شبکه تخلیه جمعیت، پناهگاه‌ها و اردوگاه‌ها حمل و نقل درون شهری تسهیل کننده. روان، امن و چند منظوره قابل استفاده در مواقع بحران.
  ۱۱. مصونیت حداکثری و پایداری زیرساخت‌ها.
  ۱۲. جانمایی مناسب و مقاوم‌سازی مراکز ذخیره‌ی مایحتاج عمومی متکی بر ذخایر استراتژیک.
  ۱۳. تمرین و مانورهای آمادگی تخلیه جمعیت از شهر. اهداف: یکی از مهمترین اهداف اجرای پدافند غیرعامل در شهرها کاهش قابلیت و توانایی سامانه‌های شناسایی، هدف یابی و دقت هدف‌گیری تسلیحات آفندی دشمن و تقلیل آسیب پذیری و کاهش خسارات و صدمات تأسیسات، تجهیزات و نیروی انسانی مراکز حیاتی، حساس و مهم نظامی و غیرنظامی کشور در برابر تهدیدات و حملات دشمن، و براه‌های غیرطبیعی می‌باشد که این خود موجب حفظ سرمایه‌های کلان ملی کشور بوده و حفظ توان خودی جهت ادامه فعالیت‌ها و تداوم عملیات تولید و خدمات رسانی با سلب آزادی و ابتکار
- عمل از دشمن و ایجاد شرایط سخت و دشوار برای وی در صحنه عملیات به همراه صرفه جویی در هزینه‌های تسلیحاتی و نیروی انسانی و افزایش آستانه مقاومت مردمی و قوای خودی در برابر تهاجمات دشمن و بلاهای غیرطبیعی را فراهم می‌آورد که تمامی این اقدامات منتج به حفظ تمامیت ارضی، امنیت ملی و استقلال کشور می‌گردد. در این راستا اهداف مدنظر در صیانت از مردم در برابر تهدیدات عبارت است از:
۱. ایجاد نظام جامع پ.غ.ع مردم‌دار، مردم‌یار، مردم‌وار با ویژگی خوداتکائی، چندمنظوره با قابلیت امداد و نجات، اداره و صیانت از مردم، تخلیه و اسکان اضطراری و تداوم کارکردهای ضروری با مدیریت یکپارچه و هماهنگ شهری برای فرماندهی حادثه (U.C.S).
  ۲. طراحی و پیاده‌سازی نظام مدیریت پایدار و معتمد مردمی، توانمند، اثربخش، منسجم، آموزش دیده و آمادگی اداره آرمانی شهر در صیانت از جمعیت شهری.
  ۳. ایجاد مدیریت یکپارچه و ضابطه‌مند شهری در صیانت از جمعیت شهری دفع، بازیافت و دفن.
  ۴. ایجاد نظام مصونیت لازم در زیرساختها در کلان شهر در ارتباط با ذخایر راهبردی، مایحتاج اساسی در برابر تهدیدات حوزه مردمی.
  ۵. ایجاد نظام تسهیل مدیریت بحران شهری در کاهش آسیب پذیری‌ها.
  ۶. ایجاد نظام شبکه حمل و نقل درون شهری (به‌ویژه قطار شهری) پایدار، ایمن، با قابلیت تخلیه اضطراری جمعیت و سامانه مدیریت بحران.
  ۷. ایجاد سامانه شبکه ای اعلان هشدار گسترده و رسانه فراگیر شهری.
  ۸. مقاوم‌سازی بافت‌های فرسوده ناپایدار شهری و شبکه انشعابات خدمات عمومی.
- رسالت و مأموریت: حفظ و پایدارسازی و کاهش آسیب‌پذیری زیرساخت‌های کشور، حفاظت از مردم، استمرار خدمات ضروری دستگاه‌ها در برابر تهدیدات خارجی رسالت مهم پدافند غیرعامل بوده و بیانیه مأموریت آن نیز: دفاع غیرعامل مکمل دفاع عامل، صلح‌آمیزترین و اثر بخش‌ترین روش دفاعی است که کاهش آسیب‌پذیری زیرساخت‌های ملی و مراکز حیاتی، حساس و مهم و پایداری ملی را بدنبال دارد. پدافند غیرعامل از طریق توسعه ظرفیت‌های دفاعی و ارتقاء

۴. وجود محل‌های مکانیابی شده برای اسکان موقت در مواقع بروز بحران با کاربری مضاعف.
۵. وجود پایگاه‌های مدیریت بحران طبیعی در نواحی و محلات شهری.
۶. ظرفیت‌های موجود در مدیریت بحران‌های طبیعی جهت هم‌افزایی با مأموریت‌های پ.غ.ع.
۷. وجود قوانین کافی در موضوع مدیریت یکپارچه شهری.
۸. وجود توپوگرافی متنوع و ظرفیت‌های سرزمینی برخی از شهرها.
۹. دانش فنی بالای متخصصین داخلی در طراحی و اجرای پروژه‌های مختلف شهری.
۱۰. موجود بودن تجارب مانورهای آمادگی مستندسازی شده کشور.

#### ب) نقاط ضعف:

۱. ناکافی بودن تجارب و آموزش‌های عمومی مردم و مدیران و کارشناسان در پ.غ.ع.
۲. ضعف در اجرای دستورالعملها و مقررات مرتبط با پ.غ.ع.
۳. تخصیص اعتبارات نامناسب به طرح‌های مقابله با بحران شهرداریها.
۴. وابستگی در بخش‌های مختلف از جمله انرژی، بهداشت به تصمیم‌گیری در سطح ملی.
۵. نداشتن طرح تخلیه و جابجایی جمعیت در شهرها و وجود تهدیدات فکر نشده طبیعی (مانند سیل‌ها، گسل‌ها، محلات با تراکم بالا و...).
۷. ناکافی بودن تدابیر ایمنی، جایگزینی و کمکی در زیرساختها.
۸. فرسودگی شبکه‌ها و انشعابات شهری.
۹. ضعف مقاومت ابنیه و تجهیزات شهری در مقابل اقلیم و شرایط جوی.
۱۰. ساماندهی ضعیف واحدهای امدادی و خدماتی بحران.

#### ج) فرصت‌ها:

۱. امکان هم‌افزایی با سازمان مدیریت بحران.
۲. امکان هم‌افزایی با همه‌ی ظرفیت‌های موجود شهری در استان‌ها.
۳. امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالای علمی و آزمایشگاهی دانشگاه‌ها.

آستانه تحمل عمومی، ضمن افزایش توان بازدارندگی ملی و مقاومت مردمی، با افزایش هزینه تهاجم بر دشمن، تردید اساسی را در اراده تهاجمی دشمن ایجاد می‌نماید. (پایداری ملی، ۱۳۹۱).

لذا رسالت و مأموریت مدیریت شهری در صیانت از مردم در برابر تهدیدات عبارت است از:

۱. صیانت از سرمایه‌های انسانی (در اولویت نسبت به سرمایه‌های مادی).
  ۲. شناسایی اهداف و رصد مداوم برنامه‌های تهاجمی شهری دشمن.
  ۳. ایجاد فضاهای امن و قابل اسکان موقت برای شرایط بحران (ساماندهی حاشیه‌نشینی).
  ۴. انتقال تأسیسات پرخطر به خارج از محدوده شهرها.
  ۵. الزام پیوست پ.غ.ع برای طرح‌های جامع و تفصیلی شهری.
  ۶. ساماندهی سطوح استقرار جمعیت در شهرها...
  ۷. آموزش و فرهنگ سازی مدیران شهری در طراحی، اجرای طرح‌های پ.غ.ع.
  ۸. مانور، ایجاد آمادگی و تأمین نیازمندی‌های اساسی و ضروری مردم.
- بررسی محیطی: در اجرای هر برنامه‌ای ابتدا باید نقاط قوت و نقاط ضعف موجود را مورد بررسی قرار داد. چرا که این بررسی می‌تواند موجب گردد راهبردهایی که بر اساس اهداف تبیین شده فوق تعیین می‌گردد به بهترین شکل ممکن اجرائی گردد. شناخت نقاط قوت می‌تواند در برنامه ریزی کلان موجب تقویت آنها گردد و از طرفی با شناسائی نقاط ضعف موجود می‌توان سمت و سوی راهبردها را در راستای رفع آنها تعیین نمود. این اصل برای فرصتها و تهدیدات نیز صدق می‌کند. از این رو اهم نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید مدیریت شهری برای صیانت از مردم در برابر تهدیدات دشمن به شرح زیر می‌باشد:

#### الف) - نقاط قوت:

۱. وجود فرهنگ ایثار و بسیج و وجود وافر سازمان‌های مردم نهاد جهت ارتقاء توان بازدارندگی در برابر تهدیدات.
۲. وجود نظام شورائی در عرصه مدیریت شهری و سهولت اجرائی نمودن مصوبات در حوزه شهری.
۳. همسوئی و همدلی مردم با مدیران شهری در مواقع بروز بحران.

(د) - تهدیدات دشمن:

۱. جنگ اقتصادی دشمن در تحریم قطعات تجهیزات مهم خدمات شهری (مانند دستگاه‌های وارداتی زیاله سوز در حال احداث شهر تهران).
  ۲. توان و ظرفیت هدایت جامعه به سمت ناامنی‌های مدنی.
  ۳. اتخاذ راهبرد جنگ بی‌قاعده (مردم محور) توسط دشمن.
  ۴. وجود سلاح‌های «دقیق‌زن شهری» و عملیات شهری با توجه به توانمندی‌های دشمن.
  ۵. توانمندی‌های دشمن در حمله گسترده به شهرها. در نمودار (شماره ۱)، گام‌های هفت‌گانه تدوین راهبرد پدافند غیرعامل نشان داده شده است.
- راهبرد: مقام معظم رهبری پدافند غیرعامل را مصون‌سازی برای انسان می‌داند، استراتژیست‌های دنیا برای طراحی استراتژیک خودشان معمولاً از تشبیه به بدن انسان استفاده می‌کنند و مقام معظم رهبری نیز پدافند غیرعامل را به سیستم بدن مقایسه کرده‌اند و مفهوم آن است که اگر دشمن تهاجمی انجام دهد اثری نکند و سطح ایمنی بدن را بی‌اثر میکند و ادامه دادند چه خوب است این مصونیت برای کشور انجام پذیرد و این مصونیت‌سازی با پدافند غیرعامل صورت می‌گیرد. ایشان یکی از نقش‌های مهم پدافند غیرعامل را حفظ دستاوردهای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. در این راستا و بر اساس منویات و سیاست‌های ابلاغی راهبردهایی که بر اساس اهداف به منظور رفع نقاط ضعف و تهدید و تقویت نقاط قوت و فرصت‌ها برای مدیریت شهری تبیین می‌گردد به شرح ذیل می‌باشد:
۱. افزایش طراحی و ایجاد سیستم فرماندهی نگاه تلفیقی جامعه محوری-سازمان محوری مدیران شهری به دفاع غیرعامل در شهرها و اهمیت آن.
  ۲. به حداکثر رساندن آستانه مقاومت مردم و مدیران شهری از طریق آموزش سبک زندگی اسلامی و فرهنگ ایثار و شهادت و انجام تمرینات آمادگی با بهره‌گیری از رسانه فراگیر.
  ۳. نهادینه نمودن اصول، الزامات و ملاحظات پ.غ.ع در پیوست کلیه طرح‌های جامع و تفصیلی شهرهای بالای ۲۵ هزار نفر جمعیت و طرح‌های شهرهای کوچک تر جهت ساماندهی جمعیت.
  ۴. ساماندهی و ایجاد ساز و کار مناسب برای ایجاد پایگاه‌های مدیریت بحران محله‌ای و مجتمع‌های دروازه‌ای برای اسکان موقت.

۵. خودکفا در اداره‌ی پایدار خود در شرایط تهدید با اقتدار سیاسی حداکثری و استفاده از بسیج و سازمان‌های مردم‌نهاد.
۶. ایجاد رویکرد محله محوری و سلسله‌مراتبی در طرح‌های آمایش سرزمینی شهری بر مبنای اصول و ملاحظات پ.غ.ع.
۷. مشارکت مردم در اداره پایدار و امن شهرها.
۸. جانمائی محل‌هایی برای تخلیه و بازیافت آوارهای ساختمانی، پسماندها و قبرستان‌های اضطراری.
۹. نوسازی شبکه‌ی انشعابات خدماتی عمومی و مقاوم‌سازی ابنیه و تجهیزات با تکنولوژی بومی در سطح مدیریت شهری.
۱۰. به حداکثر رساندن پراکندگی و استتار مراکز مهم و سیار نمودن تجهیزات شهری برای پایدارسازی و ایمن نمودن زیرساخت‌ها، مراکز حساس و مهم در محدوده شهری.
۱۱. احداث مراکز، مخازن و سیلوهای نگهداری ذخایر راهبردی و مایحتاج اساسی مردم توأمان در محلات و مناطق شهری، اردوگاه‌های دروازه‌ای و حریم شهرها.
۱۲. آموزش پرسنل سامانه متروها و برگزاری مانورهای عملیاتی به منظور آمادگی در تخلیه سریع مسافری، کنترل مبادی ورودی و خروجی‌ها از طریق سامانه هوشمند.
۱۳. افزایش اقدامات تامینی، سازه‌های بازشو، ایستگاه‌های تخلیه و پمپاژ آب و درب‌های قابل انسداد در تونل متروها برای جلوگیری از نفوذ سیل به داخل ایستگاه‌های مترو.
۱۴. ایجاد تسهیلات ویژه شهرسازی و مالی برای نوسازی بافت‌های فرسوده و ناپایدار و ساماندهی مناطق حاشیه نشین غیررسمی شهرها با رویکرد تشویق به مهاجرت معکوس.
۱۵. به حداکثر رساندن استفاده از سامانه ارتباطات جمعی جهت تقویت روحیه مردم در زمان بروز تهدیدات.

الزامات تحقق راهبردها:

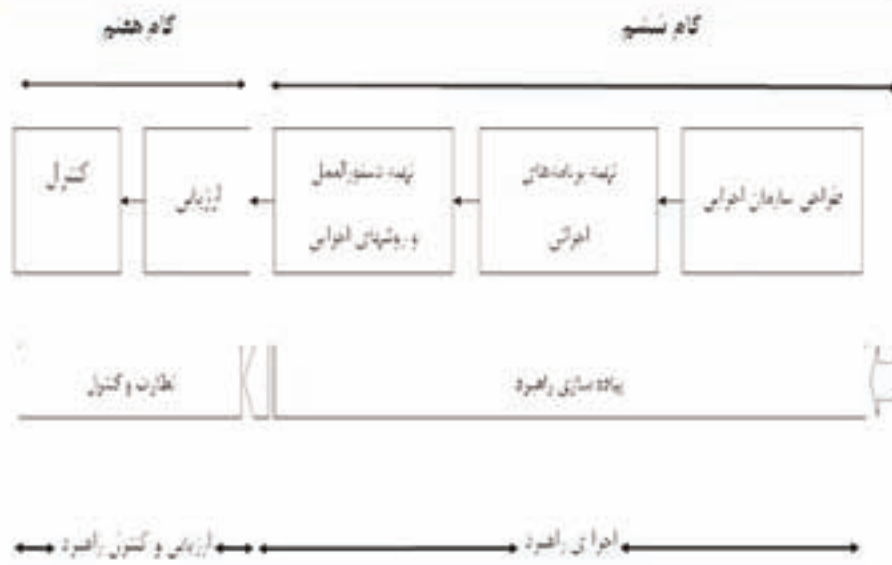
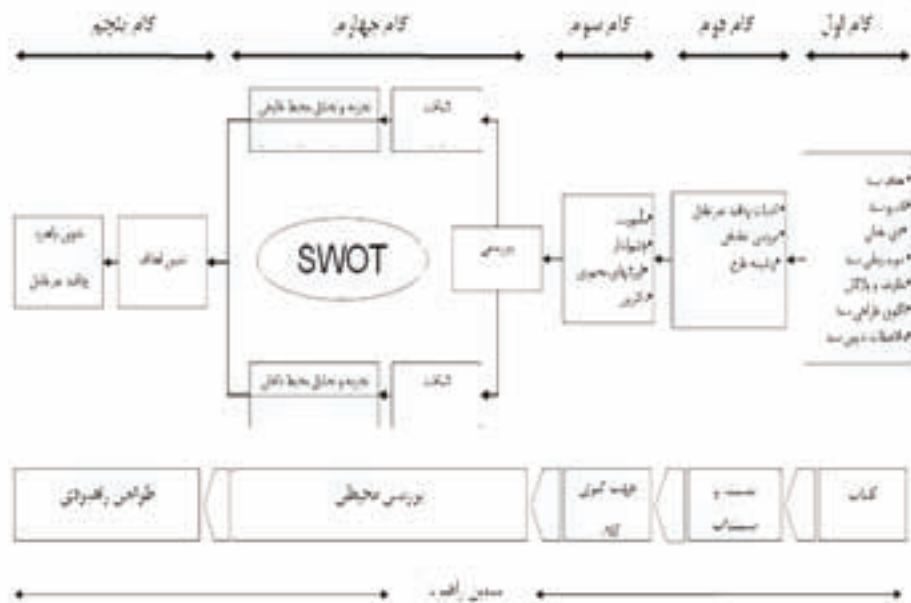
از آنجائیکه اتخاذ راهبرد مبتنی بر ۱ تا ۳ هدف تحقیق ما می‌باشد برای دسترسی به تحقق راهبردها الزاماتی مورد نیاز می‌باشد که در جدول (شماره ۲) الزامات مربوطه بتفکیک موضوعات آموزشی، قانونی، بودجه‌ای، ساختاری و غیره آورده شده است.

جدول ۲. الزامات تحقق راهبرد

شماره	راهبرد	هدف	الزام تحقق راهبرد
۱	افزایش طراحی و ایجاد سیستم فرماندهی نگاه تلفیقی جامعه محوری-سازمان محوری مدیران شهری به دفاع غیرعامل در شهرها و اهمیت آن.	۱- افزایش طراحی و ایجاد سیستم فرماندهی نگاه تلفیقی جامعه محوری- سازمان محوری مدیران شهری به دفاع غیرعامل در شهرها و اهمیت آن.	وجود ساختار جامع ملی در کشور
۲	به حداکثر رساندن آستانه مقاومت مردم و مدیران شهری از طریق آموزش سبک زندگی اسلامی و فرهنگ ایثار و شهادت و انجام تمرینات آمادگی با بهره‌گیری از رسانه فراگیر.	۱- ایجاد نظام جامع پ.غ.ع مردم‌دار، مردم‌یار، مردم‌وار با ویژگی خوداتکائی، چندمنظوره با قابلیت امداد و نجات، اداره و صیانت از مردم، تخلیه و اسکان اضطراری و تلاوم کارکردهای ضروری با مدیریت یکپارچه و هماهنگ شهری برای فرماندهی حادثه (U.C.S). ۲- طراحی و پیاده سازی نظام مدیریت پایدار و معتمد مردمی، توانمند، اثربخش، منسجم، آموزش دیده و آمادگی اداره آرمانی شهر در صیانت از جمعیت شهری.	دوره‌های آموزش کوتاه، میان و بلند مدت برای مدیران و مردم
۳	نهادینه نمودن اصول، الزامات و ملاحظات پ.غ.ع در پیوست کلیه طرح‌های جامع، تفصیلی و هادی شهرها جهت ساماندهی جمعیت	۱- افزایش طراحی و ایجاد سیستم فرماندهی نگاه تلفیقی جامعه محوری- سازمان محوری مدیران شهری به دفاع غیرعامل در شهرها و اهمیت آن.	تصویب قوانین و مقررات مورد نیاز در مجلس، دولت، شورایی عالی شهرسازی و معماری کشور و کمیسیون ماده ۵ شهرها
۴	ساماندهی و ایجاد ساز و کار مناسب برای ایجاد پایگاه‌های مدیریت بحران محله‌ای و مجتمع‌های دروازه‌ای برای اسکان موقت.	۵- ایجاد نظام تسهیل مدیریت بحران شهری در کاهش آسیب پذیری‌ها.	تصویب ساختارهای مورد نیاز سازمان مدیریت بحران کشور و سازمان پ.غ.ع کشور
۵	خودکفا در اداره‌ی پایدار خود در شرایط تهدید با اقتدار سیاسی حداکثری و استفاده از فرهنگ بسیجی مردم و سازمان‌های مردم نهاد.	۲- طراحی و پیاده سازی نظام مدیریت پایدار و معتمد مردمی، توانمند، اثربخش، منسجم، آموزش دیده و آمادگی اداره آرمانی شهر در صیانت از جمعیت شهری.	خوداتکائی شهرداری‌ها در ایجاد درآمدهای پایدار و سازمان‌های مدیریت بحران خودکفا
۶	ایجاد رویکرد محله محوری و سلسله مراتبی در طرح‌های آمایش سرزمینی شهری بر مبنای اصول و ملاحظات پ.غ.ع.	۸- مقاوم سازی بافتهای فرسوده ناپایدار شهری و شبکه انشعابات خدمات عمومی.	وجود سازمان‌های مشارکت و سرمایه‌گذاری در شهرداری‌ها برای ساماندهی بافتهای فرسوده و ناپایدار
۷	مشارکت مردم در اداره پایدار و امن شهرها.	۲- طراحی و پیاده سازی نظام مدیریت پایدار و معتمد مردمی، توانمند، اثربخش، منسجم، آموزش دیده و آمادگی اداره آرمانی شهر در صیانت از جمعیت شهری.	آموزش (مذکور در ردیف ۲ فوق)
۸	جانمایی محل‌هایی برای تخلیه و بازیافت آوارهای ساختمانی، پسماندها و قبرستان‌های اضطراری.	۳- ایجاد مدیریت یکپارچه و وظایف‌مند شهری در صیانت از جمعیت شهری دفع، بازیافت و دفن.	لحاظ پیوست ویژه در طرح‌های جامع، تفصیلی و هادی شهرها
۹	نوسازی شبکه‌ی انشعابات خدماتی عمومی و مقاوم سازی ابنیه و تجهیزات با تکنولوژی بومی در سطح مدیریت شهری.	۸- مقاوم سازی بافتهای فرسوده ناپایدار شهری و شبکه انشعابات خدمات عمومی.	تأمین اعتبارات و بودجه مورد نیاز

شماره	راهبرد	هدف	الزام تحقق راهبرد
۱۰	به حداکثر رساندن پراکندگی و استتار مراکز مهم و سیار نمودن تجهیزات شهری برای پایدارسازی و ایمن نمودن زیرساختها و مراکز حساس و مهم در محدوده شهری	ایجاد نظام جامع پ.غ.ع مردم‌دار، مردم‌یار، مردم‌وار با ویژگی خوداتکائی، چندمنظوره با قابلیت امداد و نجات، اداره و صیانت از مردم، تخلیه و اسکان اضطراری و تداوم کارکردهای ضروری با مدیریت یکپارچه و هماهنگ شهری برای فرماندهی حادثه (U.C.S).	ساختار و آموزش (مذکور در ردیف‌های ۱ و ۲ فوق)
۱۱	احداث مراکز، مخازن و سیلوهای نگهداری ذخایر راهبردی و مایحتاج اساسی مردم تومان در محلات و مناطق شهری و در اردوگاه‌های دروازه‌ای و حریم شهر.	۴- ایجاد نظام مصونیت لازم در زیرساختها در کلان شهر در ارتباط با ذخایر راهبردی، مایحتاج اساسی در برابر تهدیدات حوزه مردمی.	تأمین اعتبارات و بودجه مورد نیاز (مذکور در بند ۹ فوق)
۱۲	آموزش پرسنل سامانه متروها و برگزاری مانورهای عملیاتی به منظور آمادگی در تخلیه سریع مسافری، کنترل مبادی ورودی و خروجی‌ها از طریق سامانه هوشمند	۶- ایجاد نظام شبکه حمل و نقل درون شهری (قطار شهری) پایدار، ایمن، با قابلیت تخلیه اضطراری جمعیت و سامانه مدیریت بحران.	آموزش (مذکور در ردیف ۲ فوق)
۱۳	افزایش اقدامات تامینی، سازه‌های بازشو، ایستگاه‌های تخلیه و پمپ‌آب و درب‌های قابل انسداد در تونل‌ها برای جلوگیری از نفوذ سیل به داخل ایستگاه‌های مترو.	۶- ایجاد نظام شبکه حمل و نقل درون شهری (به‌ویژه قطار شهری) پایدار، ایمن، با قابلیت تخلیه اضطراری جمعیت و سامانه مدیریت بحران.	طراحی (مذکور در بند ۸ فوق)
۱۴	ایجاد تسهیلات ویژه شهرسازی و مالی برای نوسازی بافتهای فرسوده و ناپایدار و ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین غیررسمی شهرها با رویکرد تشویق به مهاجرت معکوس.	۸- مقاوم سازی بافتهای فرسوده ناپایدار شهری و شبکه انشعابات خدمات عمومی.	تأمین اعتبارات و بودجه مورد نیاز (مذکور در بند ۹ فوق)
۱۵	به حداکثر رساندن استفاده از سامانه ارتباطات جمعی جهت تقویت روحیه مردم در زمان بروز تهدیدات	۷- ایجاد سامانه شبکه ای اعلان هشدار گسترده و رسانه فراگیر شهری.	آموزش برگزاری مانورهای آمادگی و آموزش همگانی در رسانه‌های جمعی





نمودار ۱. گام های هفت گانه تدوین راهبرد پدافند غیرعامل

**نتیجه‌گیری و پیشنهاد**

الف- نتیجه‌گیری. در مجموع پیرو تحقیق ارائه شده نسبت به طراحی و توزیع فرم پرسشنامه ۴۰ سؤالی ویژه اندیشمندان (جدول شماره ۳) نظرات و دیدگاه‌های تعداد ۹ نفر از مدیران و خبرگان دفاع غیرعامل و بحران کشور اخذ گردید که مشاهده گردید اکثریت قریب به اتفاق اندیشمندان اهمیت سؤال «توجه به صیانت از مردم در برابر

تهدیدات» را با بیشترین درجه (خیلی زیاد) در مقایسه با تعداد ۳۹ سؤال دیگر طراحی شده قلمداد نموده‌اند که مستفاد می‌شود تداوم پژوهشی در این موضوع از اوجب واجبات و نیازهای مبرم نظام مدیریت شهری در کشور (به‌ویژه کلان شهر تهران) می‌باشد و که براساس نرم افزار IBM spss amos این مقاله تحلیل آماری گردیده است (مطابق شکل ۲). و بیانگر این حقیقت است

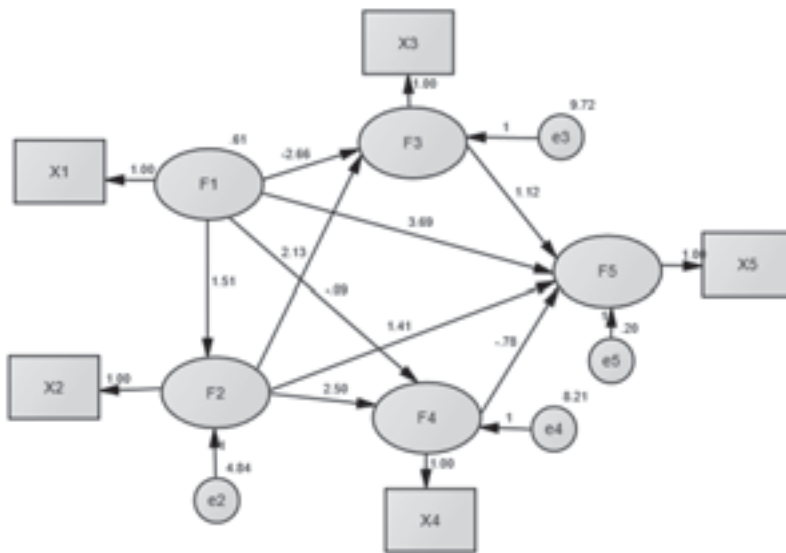
که طبق نظر خبرگان از بین چهار متغیر مکنون «قوانین و مقررات شهری»، «نقش دستگاه های دیگر»، «مولفه های پدافند غیرعامل و بحران» و «مدیریت شهری» بیشترین متغیری که در «صیانت از مردم کلان شهر تهران در برابر تهدیدات» نقش دارد ضرورت برخورداری از قوانین و مقررات شهری، آمایش سرزمینی و طرحهای جامع و تفصیلی شهری با پیوست های تخلیه و ساماندهی جمعیت می باشد (مطابق نمودارهای ۲ و ۳).

جدول ۳. سوالات پرسشنامه خبرگان

متغیر پنهان	سئوالات	ردیف
صیانت از مردم	اهمیت توجه به صیانت از مردم در برابر تهدیدات	۱
	لزوم مردم محوری کردن اقدامات در برابر تهدیدات شهری.	۲
	میزان نیاز به داشتن نگاه سازمان محوری (دستگاههای عمومی و دولتی) در مواقع بحران در کلان شهر تهران	۳
	ضرورت به حداقل رساندن زمان تخلیه و استقرار جمعیت در اردوگاههای شهر تهران	۴
	ضرورت وجود شبکه تخلیه جمعیت، پناهگاهها و اردوگاهها در کلان شهر تهران.	۵
	میزان نیاز به تمرین و مانور تخلیه جمعیت	۶
	میزان مقاومت مراکز امن پناهگاههای جمعیتی در برابر سلاح های نوین دشمن.	۷
	میزان کفایت محلهای اسکان موقت در برابر تهدیدات غیر طبیعی.	۸
	میزان نیاز به تامین قبرستانهای اضطراری برای مواقع بحران در کلان شهر تهران.	۹
قوانین شهری	میزان تدقیق و تسهیل در قوانین و مقررات مدیریت شهری	۱۰
	ضرورت برخورداری کلان شهر تهران از آمایش سرزمینی در طرح های تخلیه و ساماندهی جمعیت.	۱۱
	ضرورت برخورداری کلان شهر تهران از طرح های جامع و تفصیلی شهری با پیوست تخلیه و ساماندهی جمعیت.	۱۲
پدافند غیرعامل	لزوم تسهیل در مدیریت بحران.	۱۳
	نیاز به طرح جامع تخلیه و ساماندهی جمعیت.	۱۴
	لزوم تحقق مولفه های پدافند غیرعامل در مدیریت شهری (پراکنندگی، فریب و غیره)	۱۵
	لزوم بین المللی سازی ساختار فرماندهی یکپارچه حادثه در کلان شهر تهران.	۱۶
	میزان آسیب پذیری مراکز حیاتی و حساس پایتخت در برابر تهدیدات سلاح های دشمن.	۱۷
	نقش دفاعی سازمانهای مردم نهاد در برابر تهدیدات شهری.	۱۸
	میزان آسیب پذیری مراکز حیاتی و حساس کلان شهر تهران در برابر جاسوسی سنجنده ها.	۱۹
	احتمال اتخاذ راهبرد جنگ «بی قاعده- مردم محور» توسط دشمن علیه شهروندان	۲۰

ردیف	سوالات	متغیر پنهان
۲۱	ضرورت انتقال تاسیسات پرخطر به خارج از کلان شهر تهران.	نیاز به دستگیره های دیگر
۲۲	میزان آمادگی سازمانها در برابر تهدیدات طبیعی پیش بینی نشده در کلان شهر تهران.	
۲۳	میزان نیاز به خودکفایی ملی در ساخت و تولید تجهیزات قطار شهریهای کشور.	
۲۴	ضرورت استفاده از ظرفیتهای بالای علمی دانشگاهی در طرحهای پدافند غیرعامل شهرها.	
۲۵	میزان تاثیر جنگ اقتصادی دشمن در تامین تجهیزات مهم خدمات شهری	
۲۶	نقش موثر بسیج در کاهش آسیب بحران های احتمالی در کلان شهر تهران	
۲۷	میزان نیاز به استفاده از سیاستهای تشویقی دولت در جهت مهاجرت معکوس به کلان شهر تهران.	
۲۸	نیاز به خودکفایی در تولید تجهیزات مهم شهری	مدیریت بحران
۲۹	میزان نیاز به چندمنظوره نمودن زیرساخت ها و اماکن شهری	
۳۰	نقش مدیران شهری متعهد و ماهر در کنترل بحرانها.	
۳۱	کافی بودن تعداد مراکز ذخیره مایحتاج عمومی مردم	
۳۲	میزان آمادگی حمل و نقل عمومی شهری در تخلیه اضطراری جمعیت در کلان شهر تهران.	
۳۳	میزان نیاز به تقویت سامانه شبکه اعلان هشدار گسترده در کلان شهر تهران.	
۳۴	میزان نیاز به مقاوم سازی بافتهای فرسوده و ناپایدار شهری و شبکه انشعابات خدمات عمومی.	
۳۵	میزان تهدید امنیتی مناطق حاشیه نشین و غیررسمی در مواقع بحران.	
۳۶	ضرورت برگزاری دوره های آموزشی ویژه برای مدیران شهری در برابر تهدیدات.	
۳۷	میزان موفقیت مدیران شهری در بهره گیری از اقلیم و توپوگرافی متنوع کلان شهر تهران در برابر تهدیدات.	
۳۸	نیاز به برخورداری از رسانه فعال شهری در برابر تهدیدات کلان شهر تهران	
۳۹	میزان کفایت محلهای تخلیه و بازیافت پسماند و آوارهای ساختمانی در کلان شهر تهران.	
۴۰	داشتن رویکرد محله محوری در اداره کلان شهر تهران.	

نامگذاری متغیرها و پیاده سازی در آموس



شکل ۲: ----

محاسبات و شاخص‌های مدل در آموس

خلاصه مدل

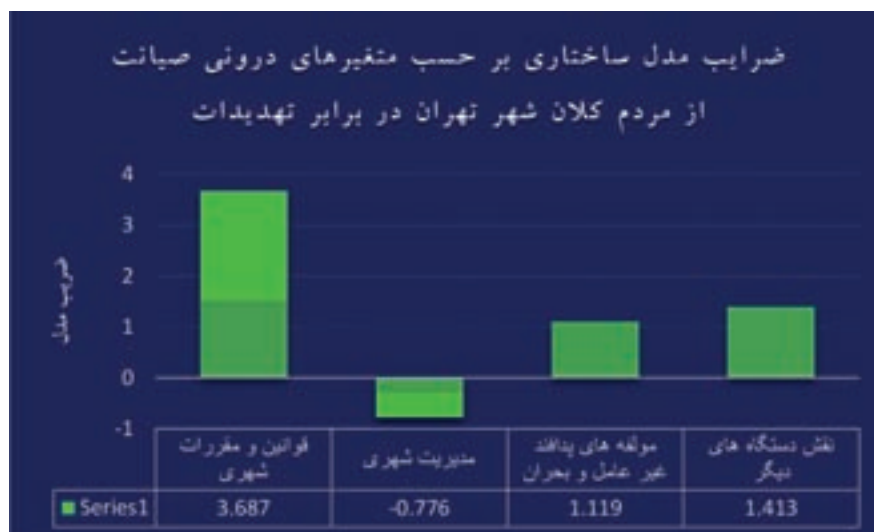
Number of distinct sample moments:	5
Number of distinct parameters to be estimated:	4
Degrees of freedom (15 - 14):	1

براساس محاسبات مدل پیشنهادی اولیه را به صورت زیر اصلاح می‌کنیم:



شکل ۳. اصلاحی نتایج، ماخذ: یافته‌های تحقیق.

تحلیل متغیر صیانت از مردم کلان شهر تهران در برابر تهدیدات: در مدل ساختاری معادله به دست آمده برای متغیرهای درونی صیانت از مردم به صورت زیر است:  
 صیانت از مردم = (پدافند غیر عامل  $\times 1,11$ ) + (نقش دستگاه‌های دیگر  $\times 1,41$ ) - (مدیریت شهری  $\times 0,776$ ) + (قوانین شهری  $\times 3,687$ ) + (خطا)



نمودار ۲. ضرایب مدل ساختاری؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

با حذف متغیر با ضرایب منفی می توان اثر هر یک از عوامل در ازای یک واحد تغییر را بر متغیر صیانت از مردم مشاهده نمود.



نمودار ۳. درصد تأثیر عوامل صیانت از مردم با ضرایب مثبت به ازای هر واحد ماخذ: یافته های تحقیق.

با توجه به ضرایب محاسبه شده، از میان عوامل موثر بر صیانت از مردم کلان شهر تهران در برابر تهدیدات به ترتیب قوانین و مقررات شهری با تأثیر ۵۹% سپس نقش دستگاه‌های دیگر با ۲۳% و مولفه‌های پدافند غیرعامل و بحران با ۱۸% به دست آمد. نتیجه فوق تصریح می نماید که نقش قوانین و مقررات در صیانت از مردم بیشترین اهمیت را داراست.



ب: پیشنهادها

الف) پیشنهادهای اجرایی

۱. راهبردهای مستخرجه این تحقیق توسط دستگاه های ذیربط مبنای عمل قرارگیرد.
۲. ساختار مستقلی درکشور جهت صیانت از مردم در برابر تهدیدات اجتماعی کلان شهرها (بویژه تهران) نظر گرفته شود و در این راستا ابعاد دیگر جنگ و تهدید (جنگ های نوین) مورد توجه قرارگیرد و خصوصا مقابله با تهدیدات فرهنگی و اجتماعی در الویت قرارگیرد.
۳. راهبردهای مستخرجه این تحقیق توسط دستگاه های ذیربط مبنای عمل قرارگیرد.
۴. ساختار مستقلی درکشور جهت صیانت از مردم در برابر تهدیدات اجتماعی کلان شهرها (بویژه تهران) نظر گرفته شود و در این راستا ابعاد دیگر جنگ و تهدید (جنگ های نوین) مورد توجه قرارگیرد و خصوصا مقابله با تهدیدات فرهنگی و اجتماعی در الویت قرارگیرد.
۵. راهبردهای مستخرجه این تحقیق توسط دستگاه های ذیربط مبنای عمل قرارگیرد.
۶. بحرانی، عبدالله، (۱۳۸۰)، تحف العقول، احادیث امام صادق(علیه السلام)، ترجمه:جعفری، بهراد، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۷. بیگی، ف.، (۱۳۷۳)، نیاز امروز، ضرورت فردا، اهمیت نقش مدیریت شهری، مجله تدبیر شماره ۵۵
۸. جلالی فراهانی، غلامرضا و هاشمی فشارکی، سیدجواد، (۱۳۸۹)، پدافند غیرعامل در آینه قوانین و مقررات، تهران، سازمان پدافند غیرعامل
۹. داوری، علی و رضازاده، آرش، (۱۳۹۲)، «مدل سازی معادلات ساختاری با نرم افزار PLS»، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی. چاپ اول.

ب) پیشنهادهایی برای تحقیقات بعدی

۱. تأکید پژوهش های آتی بر ساختار تلفیقی و مشترک مدیریت صحنه بحران های طبیعی و غیرطبیعی با رویکرد پدافند غیرعامل معطوف شود.
۲. بررسی هر یک از تهدیدات نوین دشمن به صورت جداگانه و سناریو سازی آنها و اتخاذ بهترین الگو در جهت صیانت از مردم.
۳. انجام پژوهش درخصوص الگوی مدیریت شهری با کاربردهای چندمنظوره در شرایط جنگ های نوین دشمن.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، جلد های سوم و هفتم، انتشارات دانشگاه تهران
۱۱. امام خمینی (رضوان اله تعالی علیه)، (۱۳۹۱) رساله توضیح المسائل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ هشتم
۱۲. دیوسالار، عبدالرسول (۱۳۸۶)؛ مقدمه ای بر محیط شناسی نظامی و جنگ های اطلاعاتی، انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران.
۱۳. شهردار، شهاب الدین و حسینی، سید حسین، (۱۳۹۳)، مدیریت شهری و پدافند غیر عامل شهری، دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۱۴. طلائی، مرتضی، (۱۳۸۹)، پدافند غیرعامل فرهنگی با رویکرد قدرت نرم، گروه مجازی خبرگزاری فارس، [www.farsnews.com](http://www.farsnews.com)
۱۵. عباس زاده، حسن، (۱۳۹۴)، رساله تدوین راهبردهای پدافند غیرعامل جهت مقابله با تهدیدات علیه تأسیسات پتروشیمی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده دفاع ملی.
۱۶. عرب، امیرحسین وستاره، علی اکبر، (۱۳۹۲)، الگوی مدیریت پدافند غیرعامل در طرح های شهری، تهران، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، پژوهشکده شهرسازی و معماری دفاعی.
۱۷. فرزاد بهتاش، محمدرضا و آقابابایی، محمدتقی، (زمستان ۱۳۹۰)، مفاهیم پدافند غیرعامل در مدیریت شهری با تمرکز بر شهر تهران، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر

منابع و ماخذ

۱. قرآن کریم، تفسیرنمونه، آیت اله مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۷)، جلد ۱۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۲. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، (۱۳۸۰)، تهران، انتشارات عماد، چاپ چهارم
۳. امام خمینی (رضوان اله تعالی علیه)، (۱۳۷۸) صحیفه نور، مجلدات ۲۱-۱، تهران، دفتر حفظ و نشر آثار امام (رحمه اله علیه)، چاپ سوم
۴. مقام معظم رهبری (رضوان اله تعالی علیه) مجموعه بیانات، قابل دسترسی در: [WWW.Khamenei.ir](http://WWW.Khamenei.ir)
۵. اسکندری، حمید، (۱۳۹۴)، دانستنی های پدافند غیر عامل، چاپ ۶ (ویرایش ۴)، تهران، بوستان حمید

(تهران). دانش شهر، ۳۷.

۱۸. کارگر، بهمن، (۱۳۹۳)، امنیت شهری، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.  
۱۹. کرمی، رضا وشهلائی، ناصر. (۱۳۹۱)، راهبردهای مقابله با تهدید نرم دشمن، امنیت پژوهی، ش ۳۸

۲۰. گروه مطالعاتی دوره اول مدیریت راهبردی پدافند غیرعامل، (۱۳۹۴)، ارائه طرح راهبردی دفاع غیرعامل کشور، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده دفاع ملی.

۲۱. نوروزی، محمدتقی، (۱۳۸۵)، فرهنگ دفاعی - امنیتی، تهران، انتشارات سنا.

۲۲. نیک گوهر، عبدالحسین، (۱۳۶۹)، مبانی جامعه شناسی، بی جا، رایزن.

23. Alexander,ender , (2002) , Constructing international Politics. International Security, Vol.20, No.1

24. Bosh, George, w,)2003(, National Strategy for the physical protection of critical infrastructure and key assets,The Department of Homeland Security

25. kharamoh kondeh, al. hassan, (1977. 2007), Security system transformation in Sierra Leone, edited by dr paul Jackson, university of Birmingham

۲۶. دانشنامه آزاد، (۱۳۹۶)، شهر تهران، قابل دسترسی در: ویکی پدیا

۲۷. <https://fa.m.wikipedia.org/wiki>

۲۸. مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست های کلی، قابل دسترسی در: [maslahat.ir](http://maslahat.ir)

۲۹. سازمان پدافند غیرعامل کشور، سند راهبردی پنج ساله پدافند غیرعامل، (۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶)

## بازخوانی حیات خانه ایرانی بر اساس نظریه بوم شناسی فرهنگی

محمدرضا عطایی همدانی - دانشجوی دکتری معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
وحید شالی امینی\* - استادیار و عضو هیئت علمی گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
مهدی حمزه نژاد - استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران  
ویدا نوروز برازجانی - استادیار و عضو هیئت علمی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

پراکندگی پژوهش‌های معاصر معماری که با ورود شرق‌شناسان به سرزمین‌های کهن آسیایی از جمله ایران آغاز شده است. در مطالعات محققین بومی نیز به چشم می‌خورد. می‌توان این پراکنده‌گویی‌ها را محصول اثبات‌گرایی و تجربه‌گرایی علم مدرن دانست. در نظریات پسا اثبات‌گرایی سعی شده است از نگاهی کل‌نگر به ارتباط بین علوم دقت شود و بوم‌شناسی فرهنگی از چنین دیدگاهی نظرات پراکنده محققین بویژه بوم‌شناسان و فرهنگ‌شناسان را به هم مرتبط ساخته است. روش تحلیل داده‌ها کیفی با تحلیل محتوا است و روش گردآوری داده‌ها اسنادی می‌باشد. ارتباط الگوی سکونت و به تبع آن معماری با بوم و انسان قابلیت ورود بوم‌شناسی فرهنگی در تحقیقات معماری را نشان می‌دهد که بویژه در پژوهش‌های معماری پایدار موضوعیت و ضرورت دارد. پژوهش حاضر ضمن معرفی بوم‌شناسی فرهنگی عوامل محیطی و فرهنگی همبسته را بعنوان مدلی برای بازخوانی الگوی سکونت و محصولات کالبدی آن که در اینجا حیات خانه ایرانی است بکار می‌برد و در پاسخ به عوامل و علل مؤثر در شکل‌گیری و تثبیت و توسعه الگوی حیات خانه ایرانی، تکنولوژی، نوع معیشت و جهان بینی را معرفی می‌کند و آنها را همبسته با عوامل محیطی نظیر توپولوژی، اقلیم و مکان جغرافیایی می‌داند. **واژگان کلیدی:** بوم‌شناسی فرهنگی، حیات، الگوی سکونت، محیط، معیشت.

### Review of the Iranian house on the basis of cultural ecologic theory

#### Abstract

The study of contemporary architectural research begins with the arrival of the East Asian land, including Iran. In studies, indigenous researchers are also seen. It can be considered as a product of modern science. In post - theories, it has been attempted to look at the relationship between the sciences and the cultural ecology of such a view of the researchers, especially ecologists and sociologists. Data analysis method is qualitative analysis and data collection method is documented. The communication pattern and consequently the architecture with the canvas and the human being demonstrate the ability to enter the culture of culture in architectural research, particularly in sustainable architectural research. The present study, introducing cultural ecology of environmental and cultural factors, serves as a model for the residence model and its body products, which are the Iranian home yard, and introduces them to the environmental factors such as the topology, climate, and geography of the Iranian house.

**Keywords:** Cultural ecology, Settlement, Environment, livelihood.

## مقدمه

در پی ناکافی دانستن پارادایم‌های علمی اثبات‌گرا در ایجاد تصویر روشنی از جهان هستی و پدیده‌های آن در پارادایم‌های پسااثبات‌گرایی و انتقادگرایی بوجود آمده پس از آن، برای ایجاد تصویری همگن و روشن برکل-نگری تاکید شده و گرایش‌های بین رشته‌ای برای کشف ارتباط علوم باهم ایجاد گشت. از این گرایش‌های بین رشته‌ای می‌توان به «بوم‌شناسی فرهنگی» اشاره کرد که پدیده‌های محیطی را در ارتباط با پدیده‌های فرهنگی می‌داند. این گرایش ریشه در «بوم‌شناسی زیستی و تجربی» دارد و به نوبه خود در ظهور جنبش‌های زیست محیطی اواخر قرن بیستم نقش داشته است. از سویی دیگر، «بناهای حیاط‌دار» در ایران قدمتی در حدود هشت هزار سال دارند. بناهای مختلف و خانه به‌طور اخص تا رسیدن به شکل حیاط مرکزی کامل، زمانی در حدود شش هزار سال را طی کرده اند و در هر کدام از دوره‌های تاریخی حیاط یک یا چند کاربرد از آنچه یاد شد را داشته است. ابتدایی‌ترین روش محصور کردن یک سر پناه در داخل یک حصار را می‌توان در حصارهای سنگی دالمن‌هایی در آذربایجان مشاهده کرد. این حصارها هرچند که ارتفاع زیادی ندارند ولی نشانه‌ای از تفکر در مشخص کردن حدود مالکیت از طرف سازنده آن می‌باشد (معماریان، ۱۳۷۵، ص ۱۶). همچنین، روش‌های بوم‌شناسی فرهنگی در ابتدای شکل‌گیری در دهه ۶۰ میلادی کمتر در رشته‌های معماری و شهرسازی ورود پیدا کرد و بیشتر به بررسی نوع سکونت و معیشت جوامع روستایی و کوچ‌نشین در علم مردم‌شناسی متداول شد اما پیشرفت‌های مبانی نظری و مدل‌های آن توانست در پژوهش‌های معماری و شهرسازی بکارگرفته شود. هم چنین ارتباط روانشناسی بوم‌شناختی و بوم‌شناسی فرهنگی می‌تواند در پژوهش‌های طراحی محیطی افق‌های جدیدی بگشاید و درک بهتری از فضایی برای انسان وابسته به بستر محیطی و نه انسان در تعریف عمومی ایجاد کند. بر اساس منطق محیطی، عرصه‌های شهری بخش‌هایی جداناپذیر از عرصه‌ی طبیعت فرادست محسوب می‌گردند. بدین ترتیب نزدیکی به شرایط طبیعی مهم‌ترین اصل در چنین نگرشی محسوب

می‌شود. به عبارتی دیگر نظام‌های بوم‌شناختی دارای گستره‌ای از ارتباطات و تأثیرات متقابل بوده (ماتلاک، ۱۳۷۹) و از این جهت قائل شدن به مرز میان آن‌ها ممکن نمی‌باشد. به همین ترتیب نظام بوم‌شناسی شهری، بخشی متعامل و مرتبط با نظام بوم‌شناختی کلان و فرادست محسوب می‌گردد که به واسطه حضور انسان دچار دگرگونی و تغییراتی شده است. در این مقیاس، فضاها، سبزه‌های شهری عمده‌ترین عرصه فعالیت معماران منظر محسوب می‌شوند. با توجه به نقش عمده‌ی فضاها، باز شهری در نظام اکولوژیک شهر، دانش بوم‌شناسی منظر شهری به طور ویژه به این فضاها از جنبه‌ی ساختار و کارکرد بوم‌شناسانه‌ی آن‌ها می‌پردازد. بر این اساس و با توجه به ارتباطی که دانش بوم‌شناسی منظر میان ساختار فضایی و کارکردهای نظام اکولوژیک قائل است، در نگرشی دینامیک و فرآیندگرا نسبت به فضاها، باز شهری به کمیت و اعداد و ارقام سرانه‌ی این فضاها اکتفا ننموده و به کیفیت، ترکیب، توزیع وسعت و ارتباطات ساختاری می‌پردازد (یاوری، ۱۳۸۵). در ایران پژوهش‌های بین رشته‌ای، بین فرهنگ و معماری بیشتر گرایش‌های انسان‌شناسی فرهنگی رامبنا قرار داده اند و کمتر اشاره‌ای به نقش زیست‌بوم در فرهنگ شده است. از مهمترین آثار در این زمینه میتوان به پژوهش محمدرضا حائری در مورد خانه‌های ایرانی با نام «خانه، طبیعت، فرهنگ» (حائری، ۱۳۸۸) اشاره کرد که تأثیر بسزایی در پژوهش‌ها متاخر در این رابطه داشته است. می‌توان پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با معماری ایرانی را بجز تحقیق یادشده در چهار گروه دیگر دسته‌بندی نمود: ۱- بررسی سیرتاریخی معماری خانه (ابولقاسمی، پیرنیا و غیره)؛ ۲- بررسی تطبیقی خانه ایرانی با خانه دیگر ملل (عینی فر، معصومی و غیره)؛ ۳- بررسی اقلیمی خانه‌های ایرانی (قبادیان)؛ و ۴- بررسی مبانی جهان بینی معماری ایرانی (نقره کار، نوایی، نقی زاده و غیره). پژوهش حاضر از ادبیات، ابزارها و شیوه بررسی بوم‌شناسی فرهنگی در بازخوانی حیاط خانه ایرانی، استفاده شده و در فرایند توسعه حیاط خانه ایرانی عوامل تکنولوژیکی، معیشتی و جهان بینی را به طور همزمان موثر در نظر گرفته شده است.

## روش تحقیق

دیدگاه نظری پژوهش حاضر اثبات‌گرایی و عملگرایی است که با نگاهی کل‌نگر به پدیده‌های انسانی و محیطی می‌نگرد. روش جمع‌آوری داده‌ها اسنادی و روش تحلیل آن‌ها کیفی و از نوع تحلیل محتواست. ابزار اندازه‌گیری به سبب کیفی بودن داده‌ها، واژه‌ها و عبارات و مشاهدات بصری است و بستر مورد پژوهش نیز خانه سنتی دارای حیاط مرکزی واقع در فلات مرکزی و حاشیه کویر ایران است.

## مبانی نظری

### اکولوژی

برای پی‌بردن به مجموعه از روابط متقابل گیاهان و جانوران و محیط پیرامون آنها، علمی به نام «اکولوژی»<sup>۱</sup> به وجود آمده است. به کارگیری روزافزون این لغت در محاورات روزانه موجب گردیده است که نظیر بسیاری از موارد مشابه، این لغت مفهوم گسترده‌تری را به خود اختصاص دهد و یا حتی از مفهوم اصلی و واقعی اولیه خود نیز دور شود؛ بنابراین قبل از هر چیز ضروری است که بدانیم اکولوژی چیست؟ واژه اکولوژی از دو کلمه یونانی:

۱. «اویکوس»<sup>۲</sup> (به معنی مسکن، خانه، بستر زیست یا محل زندگی) و
  ۲. «لوگوس»<sup>۳</sup> (به معنی شناخت، علم یا دانش) تشکیل شده و معنای تحت‌اللفظی آن عبارت است از بررسی یا مطالعه موجودات زنده در بستر زیستشان.
- این واژه برای اولین بار توسط یک زیست‌شناس آلمانی به نام «ارنست هکل»<sup>۴</sup> در سال ۱۸۶۹ میلادی به کار برده شد و معادل‌های آن در فارسی عبارتند از بوم‌شناسی، محیط‌شناسی و پاکدشناسی. اکولوژی در واقع شاخه‌ای از علم زیست‌شناسی است. در علم زیست‌شناسی مطالعه برخی خصوصیات موجودات زنده در طول حیاتشان از جمله

مطالعه خصوصیات ظاهری<sup>۵</sup>، تشریح اعضا موجودات زنده<sup>۶</sup>، بررسی وظائف اعضا مختلف<sup>۷</sup> و رده‌بندی موجودات<sup>۸</sup> زنده بیشتر مدنظر است. در برخی مطالعات زیستی نظیر بررسی خصوصیات فیزیولوژیکی موجودات زنده، تاثیر عوامل محیطی را در شرایط آزمایشگاهی و به صورت مصنوعی بر روی موجود زنده مورد بررسی قرار می‌دهند، در صورتی که ویژگی دانش اکولوژی بررسی تاثیر عوامل محیطی در شرایط طبیعی بر روی موجودات زنده می‌باشد زیرا در طبیعت عوام بسیار زیادی با یکدیگر مرتبط بوده و تغییر در یکی می‌تواند موجب بروز نوساناتی در دیگری گردد؛ به همین دلیل دشواری مطالعات اکولوژیکی، پیچیدگی شرایط مطالعه می‌باشد.

البته این موارد ارتباط تنگاتنگی با معماری بومی و مفاهیم مرتبط با آن دارد؛ چنانچه از آنجا که بوم‌گرایی، شناسنامه معتبری از مردم یک سرزمین به شمار می‌رود، نمایانگر آداب و رسوم، روحیه و احساسات، اندیشه و عقیده، ذوق و سلیقه و هنر آنان است، در شکل‌گیری معماری بومی، برخی روابط اجتماعی و اقتصادی در محیط طبیعی و نمادهای فرهنگی، ماهرانه انعکاس می‌یابد، به نحوی که همزمان، سادگی و آرایش در آنها متجلی است. ریشه‌های تاریخی توجه به معماری بومی را می‌توان در قرن ۱۸ میلادی یافت. در این زمان، با استعمار کشورهای آفریقا و اقیانوسیه به وسیله اروپائیان تغییراتی در هنر و ادبیات دنیای غرب به وقوع پیوست. در نیمه دوم قرن ۱۸ مطالعاتی علمی و خاص‌تری در مورد نحوه زندگی، فرهنگ و هنر و معماری جوامع استعمار شده صورت گرفت. لیکن این تحقیقات و بررسی‌ها بلافاصله اثر خود را بر روی حرفه معماری و آموزش معماران ظاهر نکرد و این امر تا اوایل سالهای ۱۹۶۰ اثر بارز و خیلی آشکاری از خود بروز نداد. در سال ۱۹۶۴، «برنارد ردوفسکی»<sup>۹</sup>

5. Morphology  
6. Anatomy  
7. Physiology  
8. Systematic  
9. Bernard Rudofsky

1. Ecology  
2. Oikos  
3. Logos  
4. Ernest Haekel



نمایشگاهی را با عنوان «معماری بدون معمار» به همراه کتابی با همین نام فراهم کرد. به عقیده برخی، این واقعه همچون نقطه عطفی در شروع توجه جدی غرب به معماری بومی واقع گردید و سرآغاز تحقیقات بسیاری در این زمینه شد. «وودهاوس»<sup>۱۰</sup> در مقدمه کتاب خود توصیف نسبتاً دقیقی از جستجوها و مطالعات صورت گرفته در پیرامون موضوع معماری بومی را قبل و بعد از سال ۱۹۶۰ ذکر کرده است (صادقی، ۱۳۹۱، ص ۶۷). موضوع معماری بومی برای نخستین بار تحت نام‌های گوناگون، در کشورهای اروپای جنوبی- مرکزی و حدود چهل سال پیش روی کاغذ آمد. معماران و پژوهشگرانی که از آن سالها تاکنون به این موضوع پرداخته اند، زمینه‌هایی را برای اندیشیدن و توجه دادن به موجودیت و ماهیت این رده از محصولات فضای ساخته شده به دست داده اند (فلامکی، ۱۳۸۴، ص ۷۳)؛ «اولین باری که نامی بر این پدیده معماری نهاده شد، معماری خود جوش به ابداع جوزپه پآگانو بود.» (آپاگونولو، ۱۳۸۴، ص ۲۵)

### انواع مطالعات بوم شناختی

اکولوژی بخش وسیعی از دانش زیست‌شناسی است. تقسیمات فرعی در این علم نظیر آنچه که در سایر علوم متداول است، ممکن است از دیدگاه‌های مختلفی صورت پذیرد. بدو مطالعات انجام شده بر حسب نوع موجود زنده به سه شاخه اصلی تقسیم می‌شود:

۱. اکولوژی گیاهی:<sup>۱۱</sup> علم شناخت رابطه گیاهان با محیط زیستشان؛
  ۲. اکولوژی جانوری:<sup>۱۲</sup> علم شناخت رابطه جانوران با محیط زیستشان؛
  ۳. اکولوژی انسانی:<sup>۱۳</sup> علم شناخت رابطه انسان با محیط زیستش؛
- از طرف دیگر هریک از موارد مذکور بر حسب تعداد موجود زنده مورد بررسی به دو گروه فرعی دیگر تقسیم می‌شوند:

الف- اکولوژی انفرادی<sup>۱۴</sup>؛ در این مطالعه، رابطه یک گونه تنها با محیط اطرافش مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش از اثرات متقابل گونه مورد مطالعه و گونه‌های دیگر صرف نظر می‌گردد و عمدتاً حد بردباری موجود زنده در برابر عوامل اکولوژیکی و تاثیر محیط بر شکل ظاهری و خصوصیات فیزیولوژیکی و رفتاری موجود زنده مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ مثلاً تعیین نیازهای یک گونه ما را قادر می‌سازد که حدوداً بتوانیم محل استقرار، پراکنش جغرافیایی، میزان انبوهی و فعالیت آن در محیط‌های مختلف تعیین نمائیم (مطالعه اکولوژی موجودات زنده به حالت منفرد).

ب- اکولوژی جمعی<sup>۱۵</sup>؛ در این نوع مطالعه، رابطه بین افراد متعلق به گونه‌های مختلفی که در بطن یک گروه (با یک‌گونه) به سر می‌برند با محیط در برگیرنده شان مورد بررسی قرار می‌گیرد (مطالعه اکولوژی موجودات زنده در جمع سایر موجودات). در اکولوژی جمعی، هدف شناخت بهتری از ساختمان و طرز کار اکوسیستم-هاست. اما بین متخصصان فرانسوی و امریکایی از نظر تعریف اکولوژی انفرادی تا حدی اختلاف نظر وجود دارد. بر طبق تعریف متخصصین فرانسوی یک مطالعه هنگامی به صورت انفرادی است که یک موجود زنده به تنهایی در ارتباط با محیط مطالعه می‌شود و هیچگونه رابطه‌ای با موجودات زنده دیگر در محیط ندارد. مثلاً گیاهان در مناطق نزدیک قطب یا در بیابانها در فواصل بسیار دور از یکدیگر رشد می‌کنند و عملاً هیچگونه ارتباط زیستی اعم از این که به گونه واحد یا گونه‌های متعدد متعلق باشد مورد بررسی قرار گیرد، مطالعه اکولوژی چنین موجودی از نظر تعریف متخصصین فرانسوی جزء مباحث اکولوژی جمعی است. متخصصین امریکایی به همین تقسیم‌بندی با جزئی اختلاف معتقد هستند. «اودوم»<sup>۱۶</sup> (۱۹۷۳) از نظریه پردازان امریکایی معتقد است که اگر موجود زنده به حالت منفرد یا عده ای از افراد متعلق به این گونه

14. Autecology  
15. Synecology  
16. E.P. Odum

10. Wodehouse  
11. Plant Ecology  
12. Animal Ecology  
13. Human Ecology

در رابطه با محیط بررسی شوند، این مطالعه یک مطالعه اکولوژی انفرادی است ولی اگر موجود یا موجودات زنده از یک گونه در جمع سایر موجودات زنده مورد بررسی قرار گیرند، مطالعه از نوع اکولوژی جمعی است مثلاً مطالعه یک درخت بلوط به حالت منفرد یا تعدادی از درختان بلوط متعلق به یک گونه مشخص در یک منطقه نوعی بررسی اکولوژی انفرادی است، اما مطالعه درخت یا درختان بلوط در یک جنگ و در جمع سایر گونه‌ها نوعی مطالعه اکولوژی جمعی است. بنابراین ملاحظه می‌شود که این دو نوع تعریف فقط جزئی اختلاف در مطالعات انفرادی دارند یعنی بر طبق تعریف متخصصین فرانسوی مطالعه یک درخت بلوط در جمع درختان بلوط متعلق به همان گونه یک مطالعه اکولوژی جمعی است اما از دید تعریف متخصصین امریکایی یک مطالعه اکولوژی انفرادی است. از سویی، شناخت معماری بومی می‌تواند به منزله شناخت جامعه باشد. جامعه ای که همچنان از آغاز شکل‌گیری، برای بقا، با طبیعت در تنازع است. شهر کویری در نبردی سخت و مداوم با خورشید، به هنگام تابستان وجودش را در سایه گذرهای سرپوشیده و باریک از گرما محفوظ می‌دارد (دادخواه، ۱۳۸۴، ص ۹۹). وضعیت فرهنگ بومی ساکنان هر سرزمین را می‌توان نتیجه این تقابل و انتخاب روش مردم بومی، در همزیستی با امکانات طبیعی دانست که بر حسب پیشرفت‌های تجربی-علمی ساکنان آن، امروزه شاهد انواع فرهنگ‌های بومی در نقاط مختلف جهان می‌باشیم (مهریار، ۱۳۸۴، ص ۵۴).

مطالعات اکولوژی جمعی خود می‌توانند با دو دیدگاه متفاوت صورت گیرند:

۱. اول، دیدگاه ساکن (پایا)<sup>۱۷</sup>، یا اکولوژی جمعی تشریحی که عبارت است از تشریح گروه‌های مختلف موجودات زنده که در یک نقطه معین با یکدیگر به سر می‌برند. در این قبیل مطالعات اطلاعات دقیقی در مورد ترکیب خاص گروه‌ها، انبوهی آن‌ها و تواتر آن‌ها جمع‌آوری می‌گردد. در این بخش به خصوصیات زمان حال اهمیت

داده می‌شود و به گذشته و آینده توجهی نمی‌شود.

۲. دوم، دیدگاه پویا<sup>۱۸</sup> یا اکولوژی کاربردی که خود دارای دو وجه متمایز از یکدیگر است. یک وجه اکولوژی جمعی کاربردی، عبارت است از بررسی و تشریح نحوه تحول گروه‌های مختلف موجودات زنده و بررسی این امر که تحت تاثیر چه عواملی این گروه‌ها در یک محل جایگزین یکدیگر می‌گردند. وجه دیگر آن عبارت است از مطالعه چگونگی انتقال ماده و انرژی در میان اجزاء گوناگون تشکیل دهنده یک اکوسیستم، که در واقع مبنای اکولوژی کمیته را تشکیل می‌دهد.

از دیدگاه بوم‌شناسی منظر شهری، فضاهای باز و سبز شهری عرصه‌هایی بی‌بدیل برای نزدیک‌تر شدن به الگوی طبیعی محسوب می‌شوند. در حقیقت این فضاها واجد قابلیت‌هایی عمده در حفظ و تداوم عملکردهای بوم‌شناسانه محیط می‌باشند. در این راستا و با توجه به اصل ارتباط ساختار-عملکرد، در نظر گرفتن ساختار و به-عبارتی نحوه توزیع، ترکیب، وسعت و ارتباطات در این فضاها، حائز اهمیت بسیار در چگونگی عملکردهای اکولوژیک شهر می‌باشد.



نمودار ۱. رابطه بین ساختار منظر و ساختارهای بوم‌شناختی محیط؛ ماخذ: Forman, 2008



نمودار ۲. بررسی ابعاد پایداری در محیط و زیست بوم؛ ماخذ: Forman, ۲۰۰۸

جنبه های اقتصادی	جنبه های محیطی	جنبه های فرهنگی- اجتماعی
برهیز از بهبودی (قناعت) که منجر به صرفه جویی در مصرف منابع و در نتیجه کاهش هزینه ها خواهد شد. انعطاف پذیری بنا که باعث افزایش عمر آن می گردد و در نتیجه نیاز به ایجاد فضاهای جدید و تخریب فضاهای بی استفاده را کاهش می دهد. نیازش ایجاد ساختمانهای مستحکم که هزینه های تعمیرات و نگهداری را کاهش می دهد.	توجه به ویژگی های طبیعت که منجر به ایجاد حس احترام به طبیعت و قناعت و معنای شدن محیط ساخته شده می شود توجه به ویژگی های مادی طبیعت و طراحی الکیمی و سازگاری با محیط پیرامون خود پسندگی استفاده از مصالح بوم آورد استفاده از مصالح بی خطر، سالم و بومی، تکنولوژی موجود جوانگویی و شگنی بودن سازه ها که پیماندهای مرتب شده در فعالتهای ساختمانی امروزه هستند. ترزی متمرکز شده در فعالتهای ساختمانی امروزه هستند. ترزی متمرکز شده در پیماندهای چون مفاهیم ماندگاری، نگهداشت پذیری، تعمیر پذیری و سادگی، مورد توجه قرار گرفته اند.	مردم واری معماری بومی نسبت به فرهنگ اعضای اجتماع، حساس، رفتار می کند، از جمله، درون گرایی که در نظر گرفتن نیازهای استفاده کننده، از نظر نیاز او به حریم خصوصی و امنیت سازگاری، سازگاری یا ساکنان ساختمان به دلیل قابلیت انعطاف پذیری معنای نمودن طبیعت در معماری که موجب ایجاد فرهنگ مصرف صحیح و قناعت می شود پس تگری (تغییر عادات بد) برهیز کردن از چیزهای غیر ضروری است که کثرتی را پابین می آورد. توانایی و آمادگی ما برای تغییر ذهنمان، ممکن است نتواند مشکلاتی را حل کند، حتی بیش از یافتن یک راه حل فعلی برای یک مشکل.

نمودار ۳. جنبه های پایداری در زیست بوم شهری؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

را به عنوان یک موجود حائز فرهنگ مورد مطالعه قرار می دهد. او بیش از هر چیز به گردآوری داده هایی که به توضیح فرهنگ های متفاوت بشر و نیز به شیوه هایی که این فرهنگ ها موجودیت یافته و یا رشد کرده اند، می پردازد. داده های وی شامل مجموعه پیچیده ای از دانش، اعتقادات، هنر، اخلاقیات، قوانین، آداب و رسوم اعضای آن جامعه است که مجموعاً فرهنگ آن جامعه را می سازد (هاویلند،

انسان شناسی فرهنگی و بوم شناسی فرهنگی رشته انسان شناسی را می توان به دو حوزه بنیادی تفکیک کرد: «انسان شناسی زیستی و انسان شناسی فرهنگی». انسان شناسی زیستی بیش از هر چیز انسان را به عنوان یک اندام واره زیستی مورد مطالعه قرار می دهد. انسان شناس زیستی از دانش ژن شناسی و شیمی زیستی برای شناخت کاملتری از تفاوت های انسانی و تکامل او سود می جوید. انسان شناس فرهنگی انسان

۱۳۸۲، ص ۲۳). داده‌هایی که از طرق مختلف به ویژه طریق نمادها قابل انتقال است. تا زمانی که نمادها پایدار و قابل شناخت باشد آن فرهنگ نیز پایدار و قابل شناخت خواهد بود. با پیگیری تطبیق و تکامل فرهنگ و به طبع آن نمادهای آن در یک محیط خاص می‌توان به ارتباط برخی رویدادهای زمانی و مکانی دیگر با پدیده‌های فرهنگی رایج در یک جامعه پی برد. «بوم‌شناسی فرهنگی» نظریه‌ای است که در یک محیط خاص به بررسی ارتباط و ویژگی‌های محیطی با فرهنگ یک جامعه می‌پردازد (عزیزی، ۱۳۹۱، ص ۶۲)؛ بدین ترتیب بوم‌شناسی فرهنگی به مطالعه نحوه انطباق انسانها با محیط می‌پردازد و فرایندی که جوامع را قادر به بقا می‌سازد، پیگیری می‌کند. در این فرایند محصولاتی تولید شده و یا محیط تغییر می‌کند و در مقابل چنین فرایندی ممکن است تغییراتی در زبان، نمادها و غیره به طور هم‌زمان و یا در ادوار مختلف به وجود بیاورد. بوم‌شناسی فرهنگی بر این باور است که محیط طبیعی در مقیاس خرد یا قدری که معیشت جوامع بر پایه آن است مهمترین نقش را در سازماندهی اجتماعی و دیگر نهادهای انسانی دارد. بوم‌شناسی فرهنگی در سال ۱۹۵۵ توسط «جولیان استیوارد» به وجود آمد و وی از آن به عنوان روشی برای شناخت چگونگی سازگاری انسانها در تنوع گسترده‌ای از محیط استفاده کرد. به نظر وی با روش‌هایی فرهنگ برای سازگاری با محیط مجبور به تغییر می‌شود و این تغییرات در بوم‌شناسی فرهنگی شناخته می‌شود (Joralemon, 2010). نکته مهم اینکه هر تغییر خاص در سازگاری انسان در قسمتی از میراث تاریخی و در تکنولوژی‌ها، اعمال و دانشی که به مردم اجازه زندگی در یک محیط را می‌دهد، رخ می‌نماید. امروزه مفهوم بوم‌شناسی فرهنگی یک نظریه عمومی و به عنوان یک پارادایم در علوم انسانی و طبیعت شناخته می‌شود و این موضوع پیونددهنده اطلاعات بسیاری در یافته‌های رشته‌های گوناگون نظیر علوم انسانی و علوم تجربی است (Joralemon, 2010). طبق نظریه استیوارد شاخص‌هایی از فرهنگ

در فرایند انطباق پذیری با پشتوانه تاریخی در مکان‌های خاص توسعه می‌یابد، بر اساس این نظر سه نکته اساسی قابل ذکر است:

۱. فرهنگ‌ها در محیط‌های مشابه ممکن است به طور مشابه سازگار شوند.
۲. تمام سازگاری‌ها تا زمانی که تغییرات محیطی رخ نداده است تداوم دارند.
۳. تغییرات انطباق‌پذیری ممکن است موجب تغییر و یا دگرگونی کامل یک فرهنگ شود. این تغییرات به عنوان تکامل چند خطی در تقابل با تئوری‌های تک خطی قرن ۱۹ و پیش از آن ارائه شده است (Zarin, 2010, p.41).

«استیوارد» پیش از تبیین بوم‌شناسی فرهنگی، فهم فرایند یا علل تحول فرهنگ را مورد مطالعه قرار داده است. وی بر عامل بوم‌شناسی به عنوان عاملی مهم و نه تنها عامل در تعیین تحولات فرهنگی تاکید دارد. در سیر روند تکاملی بوم‌شناسی فرهنگی می‌توان تمرکز این مطالعات را بیشتر بر فرهنگ‌های خاص و گاه وجوه خاصی از فرهنگ در محیط‌های خاص دانست (مارکت، ۱۳۸۳، ص ۱۹۲). در این شاخه دانشی برخی واژه‌ها کاربرد تخصصی دارند که بایستی تعریف شوند:

۱. «بوم‌شناسی»: مطالعه زیستگاه و شیوه‌های زندگی و تعامل بین همه موجودات زنده در یک محیط مشخص است.
۲. «اکوسیستم»: ارگانیسم‌های زنده و محیط‌های آنها به همراه هم یک اکوسیستم یا نظام سازوکار شکل‌یافته‌ای از مبادلات و جریان‌ات انرژی را شکل می‌دهند.



نمودار ۴. فرآیند طراحی بوم‌شناسانه منظر؛ مأخذ: Steiner, 2000

### شاخصه های بوم‌شناسی فرهنگی

عموم مباحث بوم‌شناسی فرهنگی، محیط را دارای ویژگی‌هایی معرفی می‌کنند که به طور احتمالی می‌تواند بر خصایص یک جامعه تاثیرگذار باشند. پژوهشگران این رشته مدعی‌اند چهار قلمروی اصلی در جامعه وجود دارد که به طور خاصی از محیط تاثیر می‌پذیرند: الف) تقسیم کار؛ ب) اندازه و ثبات جمعیت؛ ج) توزیع گروه‌ها در فضا؛ و د) قوانین اقامتی.

قلمروی چهارم (قوانین اقامتی) به طور مستقیم شیوه خانه‌سازی و الگوی سکونت را تعیین می‌کنند، گرچه نمی‌توان قلمروهای دیگر را بی‌تاثیر دانست. در این قلمرو مفاهیم کلیدی وجود دارد که برای درک بیشتر الگوی سکونت مفید می‌باشد:

۱. «سازگاری»: فرایند طولانی مدت فرهنگی به منظور حفظ تعادل بین طبیعت و منابع طبیعی در یک محیط مشخص را گویند. این فرایند دوسویه است. گاه گاه ممکن است یک گروه اجتماعی استراتژی‌ها و ابزارهای خود را به منظور سازگاری با یک محیط خاص و

یا استفاده بهتر از آن تغییر دهند. گاه ممکن است از عناصر جدیدی از آن محیط بهره ببرند و یا آن محیط را به طور کامل دگرگون سازند. ارتقاء موقعیت رفاهی و زیستی انسان در محیط با فرایند سازگاری انجام می‌شود و منجر به تغییرات در محیط و فرهنگ می‌گردد؛ البته این به معنای تبعیت مطلق فرهنگ از محیط نیست (فکوهی، ۱۳۸۶، ص ۳۱۸).

۲. «علیت دوطرفه»: رابطه میان فرهنگ و محیط به عنوان یک اصل موضوعی در بوم‌شناسی فرهنگی است از نظر بوم‌شناسان فرهنگی محیط و فرهنگ حوزه‌های مستقلی نسبت به هم نیستند و رابطه بین آنها دیالکتیکی است و در اینجا واژه علیت دوطرفه را برای نشان دادن تعامل بین آن‌ها به کار می‌برند. یعنی محیط به فرهنگ واکنش نشان می‌دهد و برعکس لذا این تعامل دو سویه است نه تقابلی و خطی. این رابطه بین دو متغیر فوق را نمی‌توان ثابت در نظر گرفت بلکه بسته به موضوع سهم هریک از آن‌ها می‌تواند متفاوت باشد (Hardesty, 1977)



۳. «هسته فرهنگ»: هسته فرهنگ عاملی فرهنگی است که بلافاصله با دنیای فیزیکی و محیط ارتباط می‌یابد و به نوعی یک ماده یا استراتژی خلاقانه در درون یک فرهنگ است. هسته فرهنگ یا الگوی تداوم حیات در طول زمان، در واکنش به بخش‌های مربوط به یک محیط خاص و موثری که از آن استفاده می‌شود (خاک، آب، هوا و غیره) متحول شده است. علاوه بر این هسته فرهنگ به عنوان یک ویژگی فرهنگ به نوبه خود ممکن است سایر ویژگی‌های فرهنگی (سازمان اجتماعی) را شکل دهد. از اینرو ایده هسته فرهنگ نوعی نقش تعاملی را در شکل‌دهی به تحولات فرهنگی، به محیط و فرهنگ محول می‌کند. از نگاه بوم‌شناسی فرهنگی همه مقولات محیطی و فرهنگی به هم مربوطند اما هسته فرهنگ بخش‌هایی از فرهنگ است که ارتباط نزدیکی با محیط دارد و در تعریف دیگر، منظور از هسته فرهنگ، مجموعه ویژگی‌ها و مکانیزم‌ها و استراتژی‌هایی است که در هر فرهنگی در امر تامین معیشت وجود دارند (فکوهی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۸).

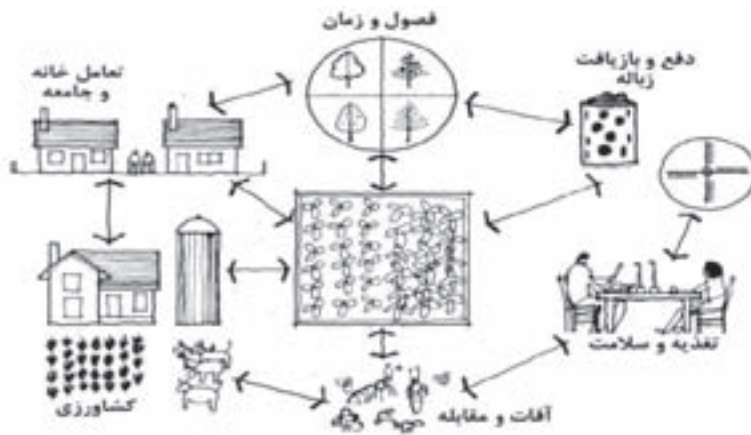
۴. «زمان‌مندی»: کارکردهای ارجاعی نمادها در محیط دارای مولفه‌هایی زمان‌مند است و مرجعی برای تشخیص گذشته، حال و آینده می‌باشد. به نظر برخی بوم‌شناسان فرهنگی جوامع بومی حامل گذشته-شان هستند و همواره به تاثیر از آن فعالیت می‌کنند. هر فرد در جامعه سنتی تصور منسجم و یکپارچه‌ای از مکان سکونت دارد که به وسیله مفهوم گذر زمان به هم پیوسته می‌شود (Zarin, 2010, p. 75).

۵. «تعلق مکانی»: زمانی سکونت برای یک اجتماع معنی پیدا می‌کند که در یک فضای مادی شروع به ساختن نماید و نحوه معیشت خود را نیز در آن مکان و به وسیله تکنولوژی‌های درخور و پاسخگو تامین نماید. در موضوع سکونت در یک مکان ارتباطات پیچیده‌ای بین افراد و مکان سکونتشان به وجود می‌آید که متغیرهای

متعددی در آن‌ها دخیل هستند. زمانی مکان‌ها نام‌گذاری می‌شوند که آنها بیشتر در چشم باشند و احساس شوند و نام‌گذاری مکان منجر به ساخت آن می‌شود. احساسات، شناخت و رفتارهای ارجاعی با محیط، عامل ایجاد تعلق به آن است و در این تعریف نمی‌توان عملکردهای نمادین را فراموش نمود (Zarin, 2010, p. 41).

۶. چشم‌انداز فعالیت: این مفهوم از تحقیقات اینگلد گرفته شده است (Ingold, 1995). وی در تکمیل مفهوم چشم‌انداز (Land scape) از چشم‌انداز فعالیت استفاده نموده و منظور وی فعالیت‌های ترکیبی سکونت به عنوان Task یا وظیفه تعریف می‌شود که در فعالیت‌های اجتماعی و تکنیکی به صورت نهفته وجود دارد. چشم‌انداز فعالیت به آداب نمادین یا کارکردی دسته‌جمعی در چشم‌انداز مربوط می‌باشد. در نظر اینگلد چشم‌انداز فعالیت همان چشم‌انداز است اما به صورت پنهان. چشم‌انداز فعالیت نشان‌دهنده برشی از سکونت است به ویژه فعالیت‌هایی که سکونت مردم در مکان را ممکن می‌کند. چشم‌انداز فعالیت موجب تعلق به مکان می‌شود. اعمال ظاهری (تکنیکی) فرد از فعالیت‌های اجتماعی وی ناشی می‌شود (Zarin, 2010, p. 82).

پایداری بوم‌شناختی را می‌توان در تداوم و ارتقای سلامت و کارکردهای اصلی محیط زیست تعریف نمود. اصل مهم در تفکر پایداری نگرش چندمقیاسی - فرامقیاسی نسبت به محیط زیست و مدیریت فعالیت‌های انسانی در چارچوب چنین چشم‌اندازی از محیط می‌باشد. بر مبنای تعریف، هر فعالیت توسعه انسانی (نظیر ساخت محیط انسان ساخت) در حیطه یک یا چند بوم سامانه اصلی اتفاق می‌افتد. لازمه برقراری و یا تداوم حالت پایدار در یک بوم، سامانه همزیستی و ارتباط متعادل تمام ارکان و عناصر آن با یکدیگر و با محیط فراتر می‌باشد.



تصویر ۱. پایداری بوم‌شناسانه در شهر؛ ماخذ: Hough, ۲۰۰۴.

شهرها شده است. به این واسطه ایجاد هماهنگی میان انسان و طبیعت برای ساخت شهرهایی که از نظر اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی توان احیا و خودساماندهی داشته باشند، ضروری است (Steiner, 2004).

تغییر نگرش طراحان و برنامه‌ریزان، متأثر از دیدگاه‌های بوم‌شناسی نسبت به شهر به عنوان سیستمی پیچیده مبتنی بر علوم زیستی، موجب درک عملکرد واقعی شهر به عنوان سیستمی پیچیده مبتنی بر علوم زیستی، موجب درک عملکرد واقعی

جدول ۱. خلاصه دستورالعمل فلورانس در نگهداشت بوم‌شناختی فرهنگ شهرها؛ ماخذ: بمانیان و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۴.

رویکرد	دستورالعمل‌ها
	<p>ماده ۱۸: یک "منظر تاریخی"، منظر ویژه‌ای است که به عنوان مثال با یک رویداد به یادماندنی، یک واقعه تاریخی خاص، یک افسانه معروف یا یک جنگ حماسی یا موضوع تصویری مشهور، پیوسته باشد.</p> <p>ماده ۱۹: اگر یک "منظر تاریخی" باید حفاظت شود، نیاز به نگهداری، حفاظت و احیاء دارد هنگامی که بازسازی مطابق با واقعیت پیشنهاد شده باشد. "اصلیت منظر تاریخی" نه تنها به طرح و تناسب بخش‌های آن بلکه به عناصر تزئینی یا انتخاب مصالح طرح که برای هر بخش آن پذیرفته شده، بستگی دارد.</p> <p>ماده ۱۱۰: فعالیت "نگهداری"، "حفاظتی"، "احیاء یا بازسازی" یک منظر تاریخی یا هر بخشی از آن، بایستی کلیه امور به صورت همزمان صورت گیرد.</p> <p>ماده ۱۱۱: از آنجایی که عناصر اصلی مناظر فرهنگی را گیاهان تشکیل می‌دهند، حفاظت از آن در شرایطی بدون تغییر، هم از طریق جایگزینی انفرادی و هم از طریق برنامه بلندمدت نوسازی امکان پذیر خواهد بود.</p> <p>ماده ۱۱۵: هیچ‌گونه فعالیت احیاء و بازسازی در مورد "باغ‌های تاریخی" نباید بدون بررسی و مطالعه کامل صورت گیرد.</p> <p>ماده ۱۱۷: هر جایی که یک باغ به طور کامل از بین رفته است یا اطلاعاتی بیش از شواهد حدسی از منظر آن موجود نیست، جای هیچ‌گونه جستجویی برای بازسازی به شکل طبیعی یک باغ تاریخی نمی‌تواند باشد. بازسازی که از شکل سنتی اتهام می‌گیرد و در شرایطی چون سایت باغ قدیمی و یا سایتی که دیگر وجود ندارد طراحی شده است، به نوعی خلق اثر یا خاطره متعلق است و دیگر نمی‌تواند به عنوان باغ تاریخی طبقه بندی شود.</p> <p>ماده ۱۲۰: از آنجایی که باغ‌ها مکان مناسبی برای استقرار بازی‌های بی سرو صدا به عنوان فعالیت روزانه می‌باشند، زمین‌های جداگانه در مجاورت باغ تاریخی باید طراحی شود تا بازی و ورزش های زنده و فعال در آن انجام شود، تا خواسته عموم افراد، بدون تعسبی خاص، به حفاظت باغ یا منظر ارضا شود.</p> <p>ماده ۱۲۴: یک باغ تاریخی، بخشی از میراث می‌باشد که بقاء آن (به دلیل طبیعت آن) نیاز به توجه مداوم در زمینه افراد شایسته دارد. پیش‌بینی‌های آموزشی مناسب برای تربیت افرادی که ممکن است از تاریخ‌نویسان، معماران، معماران منظر و باغبانها باشند لازم است. مراقبت از سوی گیاه‌شناسان به منظور اطمینان از تولید منظم گونه‌های گیاهی در هر موقعیتی لازم باشد.</p>
شناسور فلورانس	

جدول ۲. خلاصه دستورالعمل بنگاه پارکهای کانادایی در نگهداشت بوم‌شناختی فرهنگی؛ ماخذ: بمانیان و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۶.

دستورالعمل‌ها	رویکرد
<p>- بخش ۳-۱-۴-۲- در انجام فعالیت‌های حفاظتی این بنگاه به طور خاص از اصول احترام به شکل موجود و مصالحی هویت تاریخی یک مکان فرهنگی را تشکیل می‌دهند. آگاه است. فعالیت‌های حفاظتی بدین ترتیب حداقل ممکن تداخل برای دستیابی به اهداف را در برخواهد گرفت.</p> <p>- بخش ۳-۲-۴-۲- در مورد سایت‌ها و بناها، اصلاح ممکن است فعالیت‌های احیاء تاریخی را فر برگرد و احیاء به منظور ایمن‌سازی، نگهداری صحیح و قابلیت دسترسی باشد. - احیاء تاریخی به معنای، بهبود دقیق شکل قدیمی تر، ساختمان و اجزاء سایت یا ساختمان بر اساس شواهد ثبت شده و تحقیقات و تجزیه و تحلیل‌ها از طریق انتقال ملحقات اخیر و جایگزینی عناصر از بین رفته یا تخریب شده دوره قبل تر می‌باشد.</p> <p>- بخش ۳-۲-۵-۲- موقعیت‌های خاص، بازسازی تاریخی با برگشت‌گن بناها یا مجموعه‌ها ممکن است به عنوان بهترین وسیله ممکن برای ترک عمومی از عاملی با ارزش در گذشته پنداشته شود. بازسازی تاریخی قادر به اجرا نخواهد بود. مگر آنکه:</p> <p>- بازسازی مکان از بین رفته نیاز به مشارکت دانش‌های فنی، علمی و تاریخی باشد؛ و</p> <p>- هزینه بازسازی شامل نگهداری و عملیات مربوط به آن ممکن است در ارتباط با اهمیت تاریخی و امکانات قابل تسهیر بازسازی باشد.</p> <p>- اگر این نکات برآورده شوند، بازسازی تنها زمانی قابل انجام خواهد بود که:</p> <p>- آثار مهمی برای حفاظت نباشند که بازسازی آن‌ها را تهدید کند؛ و</p> <p>- اطلاعات پژوهشی کافی برای حمایت از بازسازی صحیح وجود دارد.</p> <p>- بخش ۳-۲-۵-۳- با توجه به برنامه و رویدادهای خاص، بنگاه پارک‌های کانادایی امیدوار است که فعالیت‌هایی که با اصول شهرپزی مکان‌های تاریخی سازگار هستند، برای پارک ملی ویژه، سایت تاریخی ملی یا کنال تاریخی مناسب باشند و آیین بنگاه آن‌ها را قبول می‌کند.</p> <p>- بخش ۳-۲-۵-۳- رویدادهای خاص در جایی که به طور مستقیم با تقدیر و تحسین عموم از موضوعات تاریخی ارتباط دارند، باعث دانگرمی خواهند شد.</p> <p>- بخش ۳-۲-۵-۳- رویدادها و کنفرانس‌های خاص به مکان تاریخی و هویت آن احترام خواهند گذاشت و به این معنی، مشاهدات و لذات بازدیدکنندگان لحظه نمی‌زنند.</p>	<p>سیاست بنگاه پارک‌های کانادایی</p>

## بوم‌شناسی فرهنگی و جهان‌بینی

در بوم‌شناسی فرهنگی فرهنگ عامل انسجام و ترکیب‌کننده اجزای گوناگون هر اکوسیستمی که انسان نیز جزئی از آن است، می‌باشد. مطابق با نظر «استیوارد» صافی فرهنگی دارای یک نقش فعال می‌باشد که تأثیرات محیط را روی فرهنگ روشن می‌سازد. با توجه به مفهوم اکولوژی، نه بیولوژی انسانی و نه فرهنگ او، نه محیط طبیعی و نه محیط زیست انسان، بدون تأثیر و ارتباط بر یکدیگر، نمی‌توانند به طور جداگانه از م وجود داشته باشند (شکویی، ۱۳۷۲، ص ۳۴۰). در مورد هستی‌شناسی مرتبط با بوم‌شناسی فرهنگی برخی پژوهشگران همچون «پیتر بوردی» (Bourdieu, 1977) از فلسفه پدیدارشناسی کمک می‌گیرند و بوم‌شناسی فرهنگی و دیگر پژوهش‌های پارادایم عملگرایی و یا اثبات‌گرایی را با فلسفه پدیدارشناسی تکمیل می‌کنند. تمرکز پدیدارشناسان بر مفهوم بودن در جهان و ارتباط آن با مکان و معنای سکنی‌گزیدن با مباحث مطرح در بوم‌شناسی فرهنگی قرابت

می‌یابد. در نظر برخی بوم‌شناسان سکنی‌گزیدن تجربه جدای از محیط نیست و از دانش حاصل از تجربیات حیاتی در محیط که نظام ترجیحات آنان را شکل می‌دهد؛ پدید می‌آید (Zarin, 2010, p. ۷۵). اینکه فعالیت‌های انسان‌ها در محیط و استفاده مکرر آن‌ها از برخی اشیاء موجود در محیط (چشم‌انداز فعالیت) نقش این اشیاء را از ابزار صرفاً مکانیکی به اشیاء قابل ارجاع به یک مفهوم یا فعالیت بدل می‌سازد را می‌توان با مفهوم‌های دیگری در مورد گرد هم آوری چیزها در «سکنی‌گزیدن» مقارن دانست (Zarin, 2010, p. 75) بدین ترتیب در رویکرد بوم‌شناسی فرهنگی با وجود تأکید بر عوامل پیچیده ارتباط انسان و محیط که صرفاً مادی نیست و در عوامل ژنتیکی و ناخودآگاه جمعی ریشه دارد همچنان جهان‌بینی از درون بینش متریالیستی بیرون می‌آید و پافراتر از آن نمی‌گذارد. در جدول ۳ می‌توان گرایش‌های گوناگون بوم‌شناسی فرهنگی و شاخص‌های روش‌شناختی هر گرایش را مشاهده نمود:

جدول ۳. گرایش‌های گوناگون بوم‌شناسی فرهنگی؛ ماخذ: مارکت، ۱۳۸۳.

عنوان گرایش	شاخصه‌های نظری	شاخصه‌های روش شناختی	اندیشمندان مهم
رویکردهای تاریخی و مادی	مفاهیم استیوارد در مورد هسته فرهنگ و محیط موثر مادی‌گرایی فرهنگی تاکید بر فرایندهای تاریخی	تاکید بر امور خانگی به عنوان واحد تحلیل کاربرد مستمر از تحلیل جمعیت شناختی	مک نتینگ، ویاژو، لی، لوفگرن، ویلک، فریک، بنت
شناختی-اعتقادی	ارتباط با زبان شناسی و گیاه شناسی قومی اشاره به جنبه‌های شناختی و تاویل جمعیت نقش مفاهیم محیطی و باورها علاقه به جامعه شناسی طبیعت	مقوله بندی اصطلاحاتی که برای دنیای طبیعی به کار می رود	کونکلین، راپاپورت، دسکولار، پالسون، کرول، پارکین، میلتنون
رویکردهای تعامل گرا	تاکید بر تعامل دوسویه بین گروه‌های انسانی و محیط مسائل مرزی ایده انواع بوم استراتژی‌ها و فرایندهای سازگاری تاثیرات نظریه عملگرا	خانه به عنوان واحد تحلیل تاکید ویژه بر جوامع کشاورزی تحلیل جوامع	بارت، سالین‌ها، وولف، گوتس، اینگلد
رویکردهای کاربردی	تاکید بر مشکل توجه به مکان‌هایی که تلاش محیطی در آن رخ داده است رویکردهای بوم‌شناسی سیاسی به تاثیر از اقتصاد سیاسی	تحلیل فرایندهای تصمیم‌سازی انسان (مثلا تصمیم‌گیری در مورد نحوه استفاده از زمین)	ویلک، چینگ، اسکمینک، وود، شریدن

### ۳- بوم‌شناسی فرهنگی و الگوی سکونت در ایران

در بوم‌شناسی فرهنگی کنش متقابل محیط و انسان به گونه‌ای منسجم «زیست-جهان» انسان را تشکیل می‌دهد. محیط با ویژگی‌های خود مبانی فکری ساکنانش را می‌سازد و عینیت‌های موجود در محیط در دنیای ذهنی انسان‌ها محمل معانی بسیاری می‌باشد. کنش‌های خلاقانه انسان‌ها در ساخت ابزار و بهره‌گیری از محیط در خود محیط نهفته است. محیط توان‌های بالقوه خود را در عینیت‌های ملموس به انسان می‌نمایاند و این موضوع در واژه «تخنه» (Techne) یونانی که به معنی «بازگشایی» خلاقانه حقیقت و ریشه‌واژه تکنولوژی است قابل توضیح می‌باشد (شولتز، ۱۳۸۸، ص ۲۷).

گونه «مسکن حیاط‌دار» تقریباً از زمانی که انسان در حال ساخت خانه خود بوده است، وجود داشته است

(Bridson 2012, 1). حیاط تقریباً در تمام دوره‌های تاریخ معماری، در هر بخشی از جهان به عنوان یک عنصر سازماندهی در تمام انواع ساختمان، استفاده می‌شود. خانه‌ها، کاخ‌ها، صومعه‌ها، مساجد، مدارس، ساختمان‌های اداری و خصوصی. از پیدایش خانه‌های سنتی تاکنون، توجه به خانه‌های حیاط‌دار به هفت هزار سال قبل از میلاد در «چاتال‌هویوک»<sup>۱۹</sup> (آناتولی) و ده هزار سال قبل از میلاد در پکن (چین) مربوط می‌شود (Eyüce 2012, 22). گونه‌هایی را که در طول تاریخ معماری پایدار می‌مانند می‌توان به دلیل دارا بودن ارزشی عمومی «گونه کلی» خواند. به هر صورت، این گونه‌های کلی گاه ناپدید شده و از نو پدیدار می‌گردند (نوربری شولتز ۱۳۹۲، ۲۰۰)؛ چنانچه استحصال آب به وسیله سیستم قنات

در ایران و ساخت بادگیر در بناهای مسکونی ایرانی به وضوح تکنولوژی‌هایی هستند که ریشه در شرایط محیطی دارند و الگوی یکجا نشینی ایرانیان را تکمیل و تثبیت می‌کند. هرچند نمی‌توان تکنولوژی را جبراً معلول محیط دانست چرا که با دست‌یابی به تکنولوژی، محیط نیز دستخوش تغییر می‌گردد، با تغییر محیط زیست جهان نیز دگرگون می‌شود و با تغییر زیست جهان و جهان بینی تغییر مجددی در تکنولوژی ایجاد می‌گردد. بوم‌شناسان فرهنگی چنین تاثیرگذاری و تاثیر پذیری را به عنوان علیت دو طرف شرح می‌دهند. پدیدارشناسان نیز تثبیت سکونت انسان در مکان را در چنین ارتباطی و با عبارت «گردآوری چیزها» و «باشیدن» (bauen) تعبیر می‌کنند. زمین عرصه-ای است که زندگی روزانه انسان در آن رخ می‌دهد. می‌توان آن را تا اندازه‌ای با تکنولوژی شکل داد و به رابطه‌ای فرا عینی رسید. بدین طریق چشم انداز طبیعی تبدیل به چشم انداز فرهنگی می‌شود، یعنی محیطی که در آن انسان مکان خود را درون یک کلیت بدست آورده است (شولتز، ۱۳۸۱، ص ۶۴).

در الگوی سکونت ایرانی به ویژه مناطق در مرکزی و شرقی زیست جهان عینی به موجودیت‌های ساده و محدود تقلیل می‌یابد، این مناطق دارای زمین مسطح و یکنواخت با افقی در دور دست و آسمانی بلند و عموماً بدون ابر با خورشیدی سوزان که حرکتش در آسمان و تغییر مسیر حرکتش در فصول مختلف از خاور به باختر کاملاً قابل درک است. زمین و آسمان در این منطقه شرایط دشواری را برای زندگی انسان ایجاد می‌کنند و نظم و ضرب آهنگ زندگی و شبانه روز به واسطه آسمان پر ستاره شب و پرنور روز ادراک می‌شود. می‌توان آسمان این منطقه را پویاتر از زمین آن دانست و بدیهی است که مردمان این سرزمین توجه ویژه‌ای به آسمان داشته باشند، توجه برای جهت‌یابی از روی خورشید و ستارگان مکان افراد را نیز وابسته به آسمان نموده است و ابعاد روحانی و شگفتی‌های غیر زمینی به واسطه چنین کاربرد آسمان که مکان افراد را تعیین می‌کند همواره در جهان بینی ایرانیان حضور داشته است هرچند این بدان معنا نیست که علت ظهور و گسترش ادیان الهی به ویژه اسلام در این سرزمین شرایط محیطی آن است بلکه ارتباط تعاملی یا علیت دوطرفه را می‌توان برای آن ذکر نمود. ساکنان این سرزمین نیز با استفاده از ابزارهایی که محیط در اختیارشان گذاشته به کشف و بالفعل سازی توانش‌های بالقوه آن پرداخته‌اند و از آنجا که شرایط محیطی سخت،

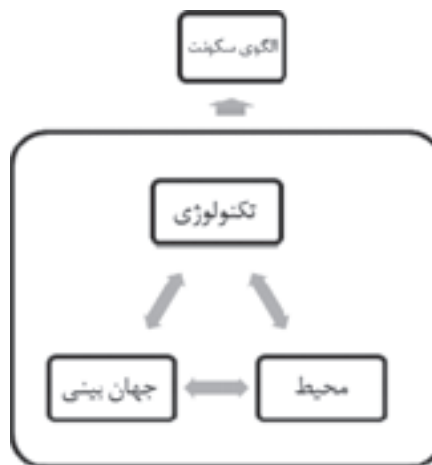
محدودیت‌های پرشماری برای زندگی ایجاد نموده است با اتکا به تکنولوژی و در شرایط خاصی سکونت را شکل داده‌اند. بنابر این سکونت در ایران معلول علت‌هایی است که آن علت‌ها در کنش متقابل و تعامل دوطرفه با هم هستند و این علت‌ها عبارتند از محیط، جهان بینی و تکنولوژی.

علاوه بر توپولوژی و نوع اقلیم ایران عامل محیطی دیگری که بر الگوی سکونت تاثیر بسزایی دارد مکان جغرافیایی سرزمین ایران است که به عنوان پلی از شرق به غرب بوده و از نظر ذخایر طبیعی نیز اهمیت زیادی در طول دوران داشته است چنین شرایطی همواره برای ساکنان مخاطرات امنیتی را به همراه داشته و لزوم وحدت و اتحاد جوامع را به یکی از ملزومات اجتماعات ساکن بدل ساخته است و در چنین جمع‌گرایی برگرفته از محیط و در تعامل با فرهنگ ایران همچون آداب صله رحم و دیدار و بازدید نوروز نمایان می‌شود و هرچند نمونه‌های پیش از مدرنیته به واسطه وجود خانواده‌های گسترده که در خانه‌های سنتی ایران ساکن بودند مثالهای ملموس تری از الگوی سکونت ایرانی را نمایان می‌سازند. الگوی سکونت ایرانی همچون شریعت اسلامی که علاوه بر ابعاد فردی عبادت و تفکر در کنار ابعاد اجتماعی آن تاکید دارد، سلسله‌مراتبی از خلوت و حضور در جمع را ایجاد می‌کند. شگفتی‌های آسمان دور از دسترس تعبیری خاص هر فرد را ایجاد می‌کند و شرایط امنیتی لزوم تعلق به یک جمع را حیاتی می‌سازد. بدین ترتیب چشم انداز فعالیتی (Task scape) اجتماع ایرانی دارای دو بعد جمعی و فردی برگرفته از محیط می‌باشد.

خانواده گسترده بر خلاف خانوارهای پراکنده امروزی شامل سه نسل از اعضای یک خانواده شامل پدربزرگ و مادر بزرگ، فرزندان و نوه‌ها می‌باشد و بدین ترتیب خانه به عنوان ظرف چنین مظهری دارای قدمتی برابر حداقل سه نسل می‌باشد (صرفیان پور، ۱۳۹۰، ص ۲۸۲) و هر فرد شاهد زندگی نسل‌های گذشته خود در مکان زندگی می‌باشد و همانند پیوند خانوادگی از نظر زمانی نیز با گذشته پیوند می‌خورد و زمانمندی به عنوان دیگر مولفه بوم‌شناسی فرهنگی در الگوی سکونت ایرانی قدمتی حداقل سه نسل دارد. الگوی سکونت ایرانی در مکانی پدید آمده است که با انواع تکنولوژی‌ها شرایط محیطی سخت را به شرایط مساعد زیستی بدل ساخته است و نیز بر اساس مطالبات ساختاری خانواده گسترده طیفی از فضا از خصوصی‌ترین به عمومی‌ترین فضا را در دسترس



ساکنان قرار می دهد و با توجه به زمانمندی آن، عناصر گوناگون علاوه بر کارکرد فیزیکی کارکرد ارجاعی نیز یافته اند؛ بدین ترتیب ورود عناصر محیطی و تکنولوژیکی به فرهنگ، تعلقات مکانی را به عنوان دیگر مولفه بوم شناسی فرهنگی باعث می شود.



نمودار ۴. عوامل موثر بر الگوی سکونت در ایران؛ مأخذ: نگارندگان

کننده اقلیمی، به عنوان یک تنظیم کننده اتلاف حرارت عمل می کند (Eyüce 2012, 22). با وجود این واقعیت که تمام ساختمان‌های سنتی در هماهنگی با طبیعت هستند و اگر چه فرهنگ های مختلف رویکردهای خود را در مقابله با تاثیر نیروهای طبیعی دارند، نمونه های متعددی از فرهنگ‌های مختلف در منطقه جغرافیایی مشابه سکونت داشته و به فرم ساخته شده خود به روش خود شکل داده اند. بنابراین خانه‌های حیاط دار به عنوان اجزای سکونت، در درجات مختلفی از تراکم و بسته به تفسیر فرهنگی از محیط زیست طبیعی ظاهر می شوند (Eyüce 2012, 22). در شناخت مفهوم خانه حیاطدار، تمایز میان فرم و شکل ممکن است مفید باشد. فرم اشاره به اساس سازماندهی فضا (و همچنین زمان، مفهوم و ارتباطات) دارد. در این راستا، اهمیت تغییر در شکل و با مصالح کمتر از روابط میان حوزه ها است. به عنوان مثال بر اساس این تمایز، روستاهای گینه نو و نمونه‌های قابل مقایسه از آمازون برزیل، اهمیت نسبی شکل خانه و فضاهای مرکزی در مقابل فرم آن را نشان می دهد. این مثال نشان می دهد که حیاط می تواند مربع، مستطیل، گرد یا بی شکل باشد و حدود آن را می تواند به روش های مختلف تعریف شود (Rapoport 2007, 58).

### جایگاه حیاط در الگوی سکونت ایرانی

در قسمت های پیشین تاثیر عوامل محیطی شامل اقلیم، توپولوژی و مکان جغرافیایی در الگوی سکونت به سه صورت تکنولوژی، جهان بینی و نوع معیشت ذکر شد و در ادامه حیاط خانه ایرانی به عنوان نمونه فضای کالبدی برآمده از الگوی سکونت ایرانی معرفی خواهد شد. حیاط خانه ایرانی فضایی است که همزمان از کنش و تعامل متقابل تکنولوژی، جهان بینی و نوع معیشت ساکنان پدید آمده است و نشانگر سازگاری انسان با مجموع شرایط محیطی است. در شرایط محیطی قسمتهای عمده ای از فلات مرکزی ایران ابعاد مکانی برای آسایش انسان تنها با ساختن فضایی محصور و جدا شده از اطراف امکان پذیر است که خرد اقلیمی در حد یک خانه را پدید می آورد. تبعیت این فضا از نظم برآمده از محدودیت در ابتدا ضرورت است سپس این موضوع در هماهنگی با اندیشه کیهانی و پیروی از هندسه و نظم برگرفته از آن قرار گرفته و بیان قدرتمندی می یابد. شرایط زیستی بوسیله تکنولوژی اقلیمی معماری و استحصال آب در یک حیات محصور که در بیشتر موارد پایین تر از سطح

برای به دست آوردن یک معماری منطبق بر سایت و یک ساختمان پاسخگو به اقلیم، باید متغیرهای طراحی مانند جهت گیری، ابعاد و هندسه فرم ساختمان و ویژگی حرارتی مصالح، در ساختمان در نظر گرفته شود. ساختمان سازی در اثرات جانبی شرایط دشوار طبیعت برای انسان ریشه دارد. خانه سنتی بومی، حاصل مبارزه و هماهنگی بین انسان و طبیعت است. فن آوری زیستی - اقلیمی، که با شرایط طبیعی محل سازگار شده، در خانه‌های سنتی در سراسر جهان استفاده شده است. حتی در منطقه‌ای با شرایط آب و هوایی شدید، فن آوری های موثر و پاسخگو به اقلیم را می توان در خانه سنتی یافت (Xu, Zhang and Xie 2006, 1). حیاط یکی از عناصر معماری سنتی است که همه فضاهای یک ساختمان پیرامون این فضای باز و مستطیلی قرار گرفته است. این ساختار فضایی، عملکرد محیطی و اجتماعی دارد و در حالیکه به عنوان یک منبع نور و گرما و هوای تازه عمل می کند، یک فضای خصوصی می سازد (Cho and Mohammadzadeh 2013, 2326). «حیاط» به عنوان یک عنصر سازماندهی فضایی خانه، خصوصی سازی یک فضای باز کاملاً تحت کنترل ساکنان خانه است؛ که تقسیم فضایی روشن از حوزه‌های عمومی و خصوصی فراهم می سازد. به عنوان یک عنصر کنترل

معايير واقع شده است ايجاد مي گردد به طور همزمان شرايط نامساعد خارجي تصور فضاي آرماني را به عنوان هسته فرهنگ (بخشي از فرهنگ که متأثر از محيط است) به صورت مکاني سرسبز با حضور آب مي نماياند. همچنين نوع معيشت به صورت خانواده گسترده الزام بهره گيري تمام اهالي خانواده از اين فضا را ايجاد مي کند و فصل مشترک چنين گرايشات همزماني در حياط خانه ايراني متجلي مي گردد. در ادارمه به تشریح چگونگي انطباق الگوي حياط خانه ايراني با عوامل برگرفته از محيط پرداخته خواهد شد.

#### ۴- حياط خانه ايراني به مثابه تکنولوژي اقليمي

استاندارد بالای زندگي منجر به اقليمي شدن ساختمان ها شده است. سيستم هاي سرمايش و گرمایش بدون هرگونه سازگاري با ساختمان ها نصب مي شوند که اين وسايل جديد، منجر به مصرف انرژی بيش از حد و هزينه بالا مي گردند و همچنين ممکن است به ساختمان آسیب برساند. ساختمان هاي اخير بدون سيستم اقليمي فعال، منجر به هزينه بالا و خطرات سلامتي خواهند شد (Rosenlund 2000, 4). «حياط»، يکي از عناصر معماری بومي است که سابقه بسيار طولاني در فضاي مسکوني بشر داشته است. تجربه حياط به عنوان صحنه درونگرا از زندگي

روزمره، ويژگي هاي مشخص از معماری است که دوباره و دوباره در فرهنگ هاي مختلف و تحت تفاسير متفاوت ظاهر مي شود. در کهن الگوي خانه حياطدار سنتي، حياط هميشه در مرکز، هسته حياتي خانه را تشکيل مي دهد. معماری مدرن از طريق مجموعه اي از فعاليت ها که هميشه شامل يک جزء برگرفته از کهن الگوي خانه حياطدار سنتي است، به مفهوم حياط نزديک است (J. Ferrer Forés 2010, 841). در اقليم گرم و خشک فلات مرکزی ايران که در معرض تابش و سياه بادهای کويری قرار دارد بافت شهري به صورت متراکم ساخته مي شود و حياط مرکزی راهکاري مناسب جهت ايجاد فضايي محفوظ از سياه باد مي باشد. جهت گيري حياط نيز به گونه اي تعيين مي شود که با سايه اندازي جداره ها روی هم يا به واسطه انواع سايبان ها از شدت تابش تابستان کاسته شود و درختان در اين سيستم نقش سايبان هايي را ايفا مي کنند که در تابش مايل خورشيد در صبح و بعد از ظهر بهتر از تابش بندها عمل مي نمايند. جهت گيري فضاها در اطراف حياط نيز به گونه اي بوده است که در کنج هاي حياط فضا هاي خدماتي و در بدنه فضا هاي اصلي جانمايي مي گردد (قباديان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱).



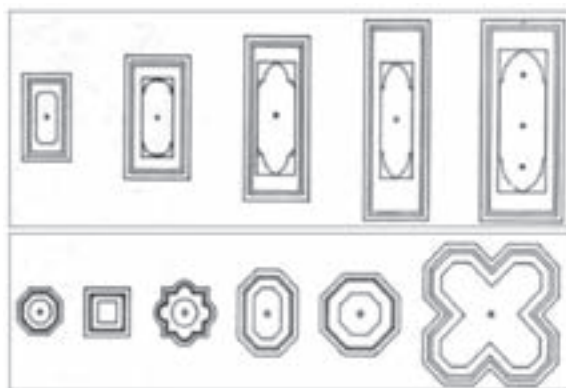
تصوير ۲. کارکرد زمستاني حياط زمستان نشين در اقليم سرد و خشک؛ ماخذ: هاشمي و حيدري، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴.



های خصوصی و نیمه خصوصی وظیفه برقراری ارتباط میان اعضای خانواده را ایفا میکند. هرچند حیاط خلوت ها نیز در خانه های سنتی فضای باز خصوصی را برای افراد تدارک می بیند، در جای خود اهمیت ویژه ای دارند که در محدوده این پژوهش نمی گنجد (صرفیان پور، ۱۳۹۰، ص ۲۸۹).

اینکه ورودی خانه به طور مستقیم در حیاط باز نمی شود و از طریق دالان هایی به آن دسترسی می یابد علاوه بر اینکه حیاط را به عنوان مامن خانوادگی معرفی می کند به آن هویت مستقل و مشخصی می بخشد که بر خلاف وضعیت خانه های معاصر تنها محل عبور نیست بلکه محل سکون و دیدار است. همچنین تداوم فضایی

اتاق ها به ایوان ها و سپس به حیاط تدریجی از فضای بسته به بازیه واسطه درب پنجره های تمام قد حاصل شده و در ضرورت می توان با گشودن آن ها از مجموعه به صورت یک پارچه استفاده نمود (حائری، ۱۳۸۸، ص ۶۹). مرکزیت و محصوریت حیاط علاوه بر آنچه ضرورت های تکنولوژیکی آن اقتضا می کند اهمیت کارکردی در ایجاد دسترسی مناسب و نیز امنیت را نشان می دهد و در مواردی که جداره حیاط به خانه مجاور و یا معبر منتهی می گردد با وجود عدم روزنه و درب در دیوار یاد شده ارتفاع آن هماهنگ با دیگر دیوار های بنا حفظ می شود و خللی در ایجاد محصوریت و مرکزیت احساس نمی شود (حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲).



تصویر ۴. حیاط در خانه های سنتی و حوض آب در آن؛ ماخذ: ریسی دهکردی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۳؛ بنقل از طوفان، ۱۳۹۱، ص ۷۵-۶۷.



تصویر ۵. حیاط در مسکن و نقش فرهنگی در ارتباطات خویشاوندی؛ ماخذ: ریسی دهکردی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۳؛ بنقل از طوفان، ۱۳۹۱، ص ۷۵-۶۷.



## ۶- حیاط به مثابه فضای آرمانی

همانگونه که در قسمت های قبلی به آن اشاره شد، محیط و جهان بینی در نظر بوم‌شناسان فرهنگی در تعاملی دوطرفه هستند و جهان بینی مردمان فلات مرکزی ایران نیز از آنجا که زمین این سرزمین گستره ای یکنواخت و بدون عنصر جلب توجه‌کننده است و در مقابل آسمانی بلند و روشن در روز و پر ستاره و اسرار آمیز در شب دارد؛ آنچه در زمین می سازند به تبعیت از نظم و وحدت کیهانی و آن جهانی می باشد. نمی توان نقش موقعیت مکانی سرزمین ایران را نیز در جهان بینی مردمان آن انکار نمود. برای نمونه توصیه به رعایت حریم ها در جامعه و ایجاد سلسله مراتب دسترسی ها نمونه کالبدی چنین تاثیری می باشد؛ بدین ترتیب حیاط حریم خانواده است که در طول دوران و به ویژه پس از اسلام به عنوان اصل معماری رعایت شده است و حریم های شخصی افراد در سلسله مراتب تدریجی از حیاط متظاهر می شود. در بسیاری از نمونه ها نیز چندین حیاط حریم های متفاوتی برای ساکنین خانه ایجاد می کند و ضرورت رعایت حریم در جهان بینی اسلامی است که حیاط برونی و حیاط اندرونی به عنوان اندام های اصلی کالبدی معماری خانه مطرح می سازد. این موضوع به عنوان اصل درونگرایی در معماری ایران مطرح شده و سبب می شود فضاهای باز در میان فضا های بسته بنشینند و فضای بسته آن را همچون حصاری دور بزند (نویسی، ۱۳۹۰، ص ۲۱). این اصل همچنین سبب می شود جداره بیرونی خانه کمتر روزنه ای بجز ورودی به معبر داشته باشد. در منابع ادبی نیز از حیاط به عنوان «میان سرای» یاد شده است که مرکزیت و درونگرایی را تلویحا اشاره دارد (سلطانزاده، ۱۳۹۰، ص ۷۴). عدم وجود شرایط مناسب بیرونی اهمیت باطن و درون و کشفیات شهودی در خیالی باشکوه و در تقابل با عینیت های مادی در اندیشه اسلامی و عرفانی دوچندان نموده است و می توان بی تزئینی و سادگی نمادهای بیرونی ساختمان ها و شکوه و زیبایی جداره های داخلی به ویژه جداره های حیاط مرکزی از دیوارهای عمودی، کفسازی، حوض، باغچه و گلستان را محصول چنین اندیشه های دانست. تزئیناتی که در خدمت فضای سه بعدی است و نه پوسته دویعدی و به جای آن که در برابر انسان بایستد و قد علم کند، او را احاطه کرده و

در بر می گیرد. می توان به خیال معمار که متأثر از جهان بینی خاص این سرزمین است و به اصل، کنه و درون، در پس پرده و حجاب، زیبایی در سیرت و نه در صورت، معنی و مغز، مروارید و نه صدف اعتبار می بخشد، اشاره نمود که در ایجاد چنین فضاهایی نقش اساسی ایفا می کنند (نویسی، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

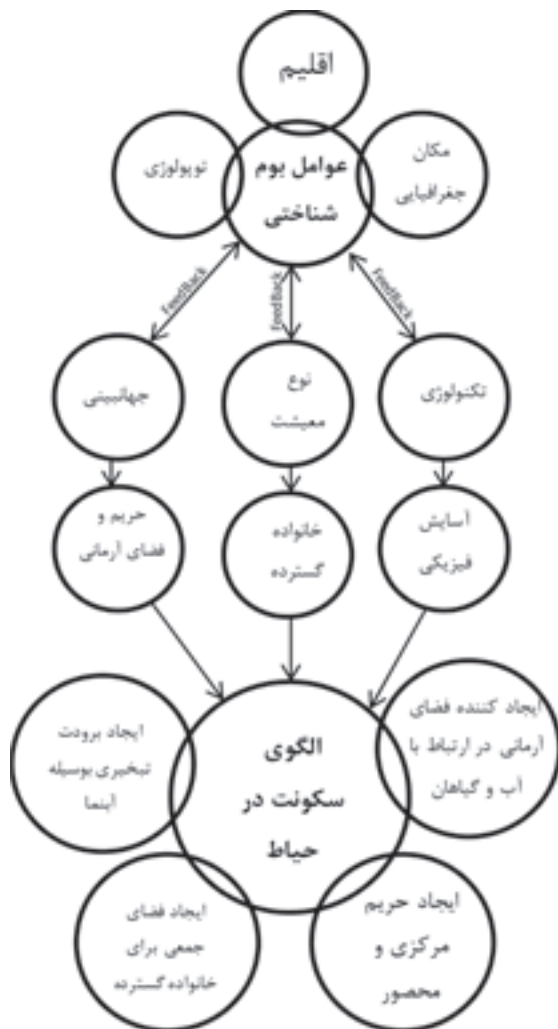
یکی از موارد مهم در جهان بینی که نمی توان آن را بی ربط به محیط دانست اهمیت آب در حیاط خانه ایرانی است. در جهان بینی اسلامی آب مایه حیات و پاک کننده نا پاکی هاست و وجود حوض در حیاط علاوه بر بهره های اقلیمی برای ایجاد طراوت و سرزندگی اهالی، آبیاری گیاهان و مصرف خانگی به کار می رود و در این سطح از تاثیرات محیطی به واسطه جهان بینی اهمیت آب به واسطه ارزش نمادین آن است. وجود گیاه و درخت علاوه بر آن چه که ذکر شد معرف تاثیرات جهان بینی می باشد. ارتباط با طبیعت به ویژه آب و گیاه در ایجاد فضایی آرمانی همچون باغ بهشت اهمیت می یابد. در شرایط سرزمینی فلات مرکزی ایران گوشه ای از طعم بهشت که در زیر درختان آن نهرها جاری و فضای آرمانی آنان را می سازد در حیاط خانه تدارک دیده می شود فضایی که از باورهای معماری و به تاثیر از شرایط سخت محیطی نشأت گرفته و در حیاط خانه ایرانی نمود کالبدی یافته است. باورهایی که عناصر طبیعی همچون آب و درخت را نشانه هایی از خداوند دانسته و شناخت آن را نشانه ایی از شناخت خداوند بیان می کند (امین زاده، ۱۳۷۹، ص ۴۳)؛ بدین ترتیب همبستگی مکان جغرافیایی، اقلیم و توپولوژی که عوامل محیطی را تشکیل می دهند با جهان بینی در حیاط خانه (به عنوان نمونه مورد پژوهش) ایرانی نمود کالبدی می یابد. مطابق با آنچه گفته شد در بوم‌شناسی فرهنگی در یک نگاه کل نگر ویژگی های محیطی و فرهنگی در بسیاری سطوح (هسته فرهنگی) مرتبط با هم هستند و نمی توان پدیده های حاصل از آن ها همچون الگوی سکونت را تنها متعلق به یکی از آن ها دانست و در مورد پژوهش این تحقیق که همانا حیاط خانه ایرانی می باشد عوامل بوم شناختی با تأثیر و تأثر از ویژگی فرهنگی یعنی تکنولوژی، نوع معیشت و جهان بینی الگوی سکونت در فضای باز را تشکیل می دهند. در نمودار ۵ می توان نحوه ارتباط موارد یاد شده رابه اختصار مرور کرد.



## ۷- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

بوم‌شناسی فرهنگی، علمی کل‌نگر است که مجموع شرایط محیطی و فرهنگی را مرتبط با هم و دقیق مورد پژوهش قرار می‌دهد. این علم بین علوم تجربی و علوم انسانی پل می‌زند و نگاه تخصصی و یکسوی نگر معرفت‌شناسی اثبات‌گرایی را به چالش می‌کشد. این علم از آنجا که یک دست در شناخت عوامل بومی و محیطی و دست دیگری در شناخت عوامل فرهنگی دارد می‌تواند در ایجاد معرفتی کل‌گرا در زمینه‌های طراحی محیط بویژه معماری، راه‌گشا باشد. البته شناخت گرایش‌های این علم و روش‌های پژوهش در آن مهمترین وظیفه علاقمندان به آن می‌باشد همچنین این زمینه علمی به همراه بوم‌شناسی سیاسی و بوم‌شناسی جدید که ریشه در بوم‌شناسی فرهنگی دارند در مطالعات معماری شناخته شده نیستند. پژوهش حاضر در تلاش برای آغاز این شناخت سعی در استفاده از مدل‌های بوم‌شناسی فرهنگی در بازخوانی ویژگی‌های حیاط‌خانه‌های سنتی ایرانی داشت و از آنجا که این زمینه علمی در محافل معماری کمتر بکار گرفته شده است، خالی از اشکال نیست. در این پژوهش با مطالعه عوامل بوم‌شناختی نظیر توپولوژی، اقلیم و مکان جغرافیایی و همبستگی آن با عوامل فرهنگی نظیر تکنولوژی، نوع معیشت و جهان بینی بررسی و تلاش شد، الگوی سکونت مردمان این سرزمین از این طریق شناسایی شود؛ سپس حیاط مرکزی در خانه سنتی ایرانی بعنوان فضای کالبدی محصول و برآیند تمام عوامل یادشده بازخوانی و معرفی گشت. بوم‌شناسی فرهنگی در ساخت محیط پایدار انسانی بدلیل نگاه کل‌نگر خود می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، این بستر پژوهشی در سطحی بین‌المللی از گرایش‌های مورد توجه بوده و در معماری پایدار بدنبال تعریف اخلاق محیطی در ساخت بنا و چشم انداز می‌باشد. اخلاق محیطی مجموع اکوسیستم شامل انسان، محیط، فرهنگ و تکنولوژی را همزمان مورد پژوهش قرار می‌دهد و تعامل چند خطی را جایگزین رویکردهای تک خطی نموده است و می‌تواند موضوع پژوهش‌های آینده قرار گیرد. یادآوری این نکته ضروری است که بوم‌شناسی فرهنگی علمی است که در پارادایم‌های پسااثبات‌گرایی شکل گرفته است و این پارادایم‌ها

نیز در نقد اثبات‌گرایی از محدوده ماده‌گرایی خارج نشده‌اند و با بیان دیگری می‌توان از آن به عنوان ماده‌گرایی فرهنگی نیز یاد نمود؛ بدین ترتیب یکی از زمینه‌های پژوهشی مفید، بررسی انطباق و یا عدم انطباق آن با معرفت‌شناسی اسلامی، نقد و اصلاح آن است. هرچند که متفکران آن از فرهنگ تنهای بخشی از آن که مرتبط با محیط است (هسته فرهنگ) را در نظر می‌گیرند و خود نیز به این موضوع اذعان دارند و بخش‌های دیگر فرهنگ که در ساخت محیط مؤثرند را نمی‌توانند توجیه کنند و با موضوع ارتباط دهند و فعلا سکوت می‌کنند.



نمودار ۵. عوامل بوم‌شناختی در تعامل با عوامل فرهنگی در الگوی سکونت در حیات؛ مأخذ: نگارندگان

## ۸- منابع و ماخذ

۱. آلیاگونولو. آدریانو (۱۳۸۴) نوشیدن از چاه خویش: معرفی مسائل معماری بومی، معنا و چشم اندازهای کنونی آن، در معماری بومی، ترجمه: علیمحمد سادات افسری، تهران: نشر فضا.
۲. امین زاده، ب. (۱۳۷۹). حکمت تماس با طبیعت در شهرهای مسلمین. صغه، ۳۱، ۴۳-۵۲.
۳. بل، سایمون (۱۳۸۶) منظر: الگو، ادراک، فرآیند، ترجمه بهناز امین زاده، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. بمانیان، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۹) باززنده سازی منظر فرهنگی تخت سلیمان، مدیریت شهری، شماره ۲۶.
۵. حائری، م. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۶. دادخواه. مهیار (۱۳۸۴) گذری در گستره معماری بومی، در معماری بومی، آلیاگونولو آدریانو و دیگران، تهران: نشر فضا.
۷. ریسی دهکردی، افشین (۱۳۹۶) بررسی جایگاه حیات در معماری اقلیمی بناهای مسکونی شهری، مدیریت شهری، شماره ۴۶.
۸. سلطان زاده، ح. (۱۳۹۰). نقش جغرافیا در شکل گیری انواع حیات در خانه های سنتی ایران. پژوهش های جغرافیای انسانی، ۷۵، ۶۹-۸۶.
۹. شکویی، ح. (۱۳۷۲). جغرافیا و مذهب. تحقیقات جغرافیایی، ۳۰، ۵-۲۳.
۱۰. صادقی پی. ناهید (۱۳۹۱) تاریخچه و علل گرایش به معماری بومی در غرب، کشورهای اسلامی و ایران، شهر و معماری بومی شماره ۲.
۱۱. صریفان پور، م. (۱۳۹۱)، اردیبهشت (۲۱). مرتبت تدریج در خانه؛ احیای بستر زندگی خانواده گسترده. معماری و شهرسازی اسلامی، ص. ۲۷۷-۳۰۰.
۱۲. عزیز، ش.، دلپذیر، ع.، و مقدم، پ. (۱۳۹۱). انسان شناسی فرهنگی وسیله ای برای بررسی عوامل شکل دهنده معماری. هویت شهر، ۱۲، ۷۰-۶۱.
۱۳. فکوهی، ن. (۱۳۶۵). تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی. تهران: نی.
۱۴. فلامکی. محمد منصور (۱۳۸۴) معماری بومی در ایران، در معماری بومی، آلیاگونولو آدریانو و دیگران، تهران: نشر فضا.
۱۵. فلامکی. محمد منصور (۱۳۸۴) معماری بومی، فضایی ناشناخته، در معماری بومی، آلیاگونولو آدریانو و دیگران، تهران: نشر فضا.
۱۶. قبادیان، و. (۱۳۸۵). بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. ماتلاک، جان. ل (۱۳۷۹) آشنایی با طراحی محیط و منظر جلد ۱ و ۲، ترجمه و انتشار معاونت آموزش و پرورش سازمان پارک ها و فضای سبز شهر تهران
۱۸. مارکت، ک. (۱۳۸۳). بوم شناسی فرهنگی. هنر، ۵۹، ۱۹۰-۱۹۸.
۱۹. معاریان. غلامحسین (۱۳۷۵) آشنایی با معماری مسکونی ایرانی: گونه شناسی درونگرا، تهران: مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران
۲۰. معاریان. غلامحسین (۱۳۸۴) سیری در مبانی نظری معماری، تهران: انتشارات سروش دانش.
۲۱. مک هارگ، ایان (۱۳۸۶) طراحی با طبیعت، ترجمه: عبدالحسین وهاب زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه مشهد.
۲۲. نوایی، ک.، و حاجی قاسمی، ک. (۱۳۹۰). خشت و خیال، شرح معماری اسلامی ایران. تهران: سروش.
۲۳. نوربرگ شولتز، ک. (۱۳۸۸). روح مکان؛ به سوی پدیدار شناسی معماری. (م. شیرازی، مترجم) تهران: رخ داد نو.
۲۴. هاشمی، فاطمه و حیدری، بررسی کارکرد اقلیمی حیات زمستان نشین در مناطق سردسیر، نامه معماری و شهرسازی، شماره ۶، ۱۳۹۰.
۲۵. هاویلند، و. (۱۳۸۲). انسان شناسی فرهنگی. (م. گودرزی، مترجم) رشد آموزش علوم اجتماعی، ۲۲، ۲۲-۳۱.
۲۶. یاوری، احمد رضا (۱۳۸۷) «جایگاه اکولوژی و محیط زیست در توسعه پایدار مناطق شهری»، در مجموعه مقالات توسعه شهری پایدار، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. یاوری، احمد رضا (۱۳۸۵) «اصلاحات ساختار

- Survey (29) pp.207231-. Cambridge University Press, Cambridge.
37. 37. Hardesty, D. L. (1977). *Ecological Anthropology*. New York: Jhon wiley Sons.
38. 38. Ingold, T. (1993). *The Temporality of the Landscape*. *World Archaeology*, 25, 152174-.
39. 39. J. Ferrer Forés. Jaime, *Courtyard housing: Environmental Approach in Architectural Education*, International Conference on Technology & Sustainability in the Built Environment ,Riyadh, Saudi Arabia, 3- 6 January 2010.
40. 40. joralemon, d. (2010). *exploring medical anthropology upper saddle river*. New Jersey: prentice hall.
41. Rapoport. Amos, *The Nature of the Courtyard House: A Conceptual Analysis*, *Traditional Dwelling and Settlements Review Journal (TDSR)*, VOL. 18 , No.2, 2007.
42. steward, j. H. (1972). *Theory of culture change: The Methodology of Multilinear Evolution*. Urbana: university of Illyrians press.
43. Sutton, M. Q., & Anderson, E. N. (2010). *Introduction to cultural ecology*. Maryland: AltaMira.
44. Xu. Feng, Zhang. Guoqiang and Xie. Mingjing, *Ecological Technologies of a Chinese Traditional Folk House in Hot-Summer and Cold-Winter Zone*, *Proceedings of the Sixth International Conference for Enhanced Building Operations*, Shenzhen, China, November 6 - 9, 2006.
45. Zarin, H. L. (2010). *Making Place And Identity In The Interests: (Land Of The Middle)*, PARÁ,razilL. Doctoral Dissertation Florida: University Of Florida.
46. Zhai, Zhiqiang (John) & Previtali, Jonathan .M (2010), *Ancient vernacular architecture: characteristics categorization and energy performance evaluation*, *Energy and Buildings*, 42 (2010).
- اکولوژیک: راهبرد موثر حل محیط زیست  
ناسالم شهرهای بزرگ»، مجموعه مقالات  
دومین سمینار ساخت و ساز در پایتخت،  
انتشارات دانشگاه تهران.
28. Batista, D., & Matos, R. S. (2013, June 10 - 14). *Ecology and ethics: landscape architecture and sustainability*. Scientific Conference, pp. 334338-.
29. Bourdieu, P. (1977). *Outline of a Theory of Practice*. (R. Nice, Trans.) Cambridge: Cambridge University Press.
30. Bridson. Danny, *Courtyard Housing Study: Djingis Khan and The Kingo Houses*, *Sustainable Urban Design*, Lund University, March 29th 2012.
31. Cho.Soolyeon and Mohammadzadeh. Nooshafarin, *Thermal Comfort Analysis Of A Traditional Iranian Courtyard For The Design Of Sustainable Residential Buildings*, *Proceedings of 13th Conference of International Building Performance Simulation Association*, Chambéry, France, August 262013 ,28-.
32. Cho.Soolyeon and Mohammadzadeh. Nooshafarin, *Thermal Comfort Analysis Of A Traditional Iranian Courtyard For The Design Of Sustainable Residential Buildings*, *Proceedings of 13th Conference of International Building Performance Simulation Association*, Chambéry, France, August 262013 ,28-.
33. 33. Eisenstein, W. A., 2002, *Ecological Design and Culture: Toward a Research Agenda*. In: M. Elen Deming, (ed.), *Annual Meeting of the Council of Educators in Landscape Architecture*, New York.
34. 34. Eisenstein, W. A., 2005, *Eco-Revelatory Design and the Values of the Residential Landscape*, Unpublished thesis for the degree of PHD in Landscape Architecture and Environmental Planning, the University of California, Berkeley.
35. 35. Eyüce. Ahmet, *Interdependence of Traditional House Form and Settlement Pattern*, *Intercultural Understanding*, volume 2, 2012.
36. 36. Forman, R.T.T. – Alexander, L.E. 1998. *Roads and their major ecological effects*. *Annual Review Ecological*

## بررسی تاثیر عوامل مؤثر (فرهنگی، منابع انسانی) بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز

محمدرضا مردانی - دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

قنبر امیر نژاد - استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اهواز، اهواز، ایران

زهرا اشرف پوری\* - دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه آزاد اهواز، اهواز، ایران

### چکیده:

هدف اصلی این پژوهش بررسی تاثیر عوامل مؤثر منابع انسانی و فرهنگ سازمانی بر عملکرد کارکنان است. جامعه آماری این تحقیق را ۱۵۰۰ نفر از کارکنان شهرداری اهواز (کارشناس به بالا) تشکیل می دهد که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، روش نمونه گیری تصادفی ساده ای، ۳۰۵ نفر از آنها به عنوان نمونه انتخاب خواهند شد. روش پژوهش حاضر بر اساس هدف، کاربردی و بر حسب نحوه گردآوری داده ها از نوع تحقیقات توصیفی به شمار می آید، و از حیث ارتباط بین متغیرهای تحقیق از نوع علی و به طور مشخص مبتنی بر مدل یابی معادلات ساختاری است. ابزار گردآوری داده ها در این پژوهش، پرسشنامه می باشد. پرسشنامه های مورد استفاده در این تحقیق (فرهنگ سازمانی: دنیسون، ۲۰۰۰؛ منابع انسانی: انگو و همکاران، ۲۰۰۸؛ و عملکرد کارکنان: طراحی با نظرات اساتید خبره) می باشد. رویی ابزار تحقیق با مشاوره با خبرگان و کارشناسی بدست آمد، و همچنین برای تعیین پایایی پرسشنامه ها به کمک آلفای کرونباخ پایایی کل پرسشنامه ها بدست آمد. به منظور سنجش متغیرهای تحقیق نیز از پرسشنامه و روش های تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از نرم افزار SPSS و LISREL بهره گرفته شده است. نتایج تجزیه و تحلیل پرسشنامه نشان داد که عوامل منابع انسانی و فرهنگ سازمانی (و ابعاد آنان) تاثیر مثبت و معناداری بر عملکرد کارکنان دارند، از این رو پیشنهاد گردید: برقراری آموزش های لازم و مناسب جهت اجرای هر چه بهتر مدیریت عملکرد در سازمان صورت پذیرد؛ پذیرش بهبود مستمر به عنوان یک اصل توسط مدیران و نهادینه کردن آن در سازمان؛ و توجه بیشتر مدیران به توسعه و پرورش ارزش های فرهنگ سازمانی در برنامه های تغییر، بهبود، و بازسازی سازمان، انجام گیرد.

**واژگان کلیدی:** عوامل منابع انسانی، فرهنگ سازمانی، عملکرد کارکنان، شهرداری اهواز.

### Influence of effective factors (Culture, Human resources) On performance of municipality personal of Ahvaz

#### Abstract

The main purpose of this article is examining impact of effective factors, namely human resources and organizational culture on personnel performance. Statistical population of this study consist of 1500 Ahvaz municipality staffs (having bachelor of art degree or higher) that 305 Participant by using Karjesi and Morgan table, simple random sampling method have been used as sample. The present research method based on applied purpose and in terms of collecting data is a descriptive study and in respect of relationship between variables is a causal one and is based on constructional equations modeling. In this research, questionnaire is an instrument of collecting data. The used questionnaire in this study is: Organizational cultures: Denison 2000, Human Resources: Ango & et al 2008, Personnel performance: designing with idea of experts. The Validity of research instrument obtained with consulting with experts and reliability of questionnaire have obtained with help of Cronbach Alpha. In order to assessing research variables in addition to questionnaire and statistical analysis. We used SPSS, LISREL software. The results of questionnaire analysis have shown that human resources and organizational culture (their dimensions) have significance and positive influence on personal performance and therefore providing necessary training in order to conduct and apply performance management in an organization, accepting continual improvement as a principle by managers and institutionalization of improvement in an organization and that managers should have more focus on development and training organizational culture values in change programs, improving and reconstructing organization has been suggested.

**Keywords:** Human Resources Factors, Organizational Cultures, Staffs Performance

آموزش داده شود (جعفر نژاد و زارعی، ۱۳۸۴). بسیاری از صاحب نظران و محققان، فرهنگ سازمان را به عنوان منبعی از مزیت رقابتی مورد مطالعه قرار داده اند (قربانی و همکاران، ۱۳۸۸). فرهنگ سازمانی عبارتست از: الگوی منحصر به فرد از مفروضات، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک که فعالیت‌های جامعه‌پذیری، زبان، سمبل‌ها و عملیات سازمان‌ها را شکل می‌دهد (وثوقی، ۱۳۹۰). فرهنگ سازمانی به سازمان هویت می‌دهد (زهیر<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۱؛ چی یونگ<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۱) و به هماهنگی رفتار اعضا کمک می‌کند (آقاجانی، ۱۳۹۲). هر سازمانی هویت و فرهنگ سازمانی مختص به خود را دارد، که به صورت قرارداد نامکتوبی میان سازمان و کارکنانش قابل اجرا است. بر خلاف سازمان‌های غیر چابک، فرهنگ سازمان چابک پویاست، یعنی بر اعتماد و اطمینان رهبران و احترام به کارکنان سازمان استوار است (جعفر نژاد و شهابی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷). مفهوم فرهنگ سازمانی به عنوان عامل مؤثر در بهره‌وری و عملکرد سازمان در نظر گرفته شده است و چنانچه فرهنگ مناسب کاری که به خوبی بین مدیریت و کارکنان گسترش یافته باشد به تحکیم تعهد سازمانی، ارتقاء اخلاقیات، عملکرد و بهره‌وری بالاتر منجر می‌گردد (کاشانی، ۱۳۹۱). دنیسون در مدل خود ابعاد فرهنگ را برای سازمان‌ها در چهار محور اصلی شامل درگیر شدن در کار، سازگاری، انطباق-پذیری و رسالت در نظر می‌گیرد که هر یک از این ابعاد با سه شاخص اندازه‌گیری می‌شوند (رحیم نیا و عزیزاده، ۱۳۸۷). از طرفی دیگر نظریه پردازان کلید بهبود عملکرد کارکنان و سازمانی را مدیریت مؤثر نیروی انسانی می‌دانند و با وجود حرکت سریع سازمانها به سوی فن‌آوری، نقش انسان به عنوان عامل حیاتی و استراتژیک سازمان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. در واقع تحقیقات نظری در مورد اقدامات منابع انسانی ممکن است منجر به عملکرد بالاتر شرکت و کسب مزیت رقابتی پایدار شود، زیرا این اقدامات اغلب منحصر به فرد، کمیاب،

به دلیل ارتباط بسیار نزدیک میان فرهنگ سازمانی با عوامل مختلف تشکیل‌دهنده سازمان و نقش تعیین‌کننده این ارتباط برای حال و آینده سازمانها، لازم است مدیران به عنوان تحلیل‌گران و برنامه‌ریزان استراتژیک همواره به مدیریت فرهنگ سازمانی توجه داشته باشند و آن را در سطح کلی سازمان اجرا کنند. مدیران باید استراتژی‌های سازمان را تبیین کنند، استراتژی‌های سازگار با فرهنگ سازمانی را اجرا و استراتژی‌های ناسازگار را اصلاح یا تغییر دهند و همواره در پی برقراری تناسب میان فرهنگ و استراتژی باشند. از طرفی دیگر منابع انسانی به عنوان سرمایه اصلی یک سازمان از اهمیت اساسی برخوردار است و مدیریت مؤثر و کارآمد آن، نقش فراوانی در پویایی، چابکی و افزایش اثربخشی و بهره‌وری عملکرد سازمانی دارد. توجه به وجود سازمان‌های مختلف دولتی، غیر دولتی، انتفاعی و غیر انتفاعی با حوزه‌های متنوع تولیدی، بازرگانی، خدماتی در استان، هریک از سازمان‌ها نیازمند مدیریت خاص خود در منابع سازمانی از جمله منابع انسانی هستند. در این میان، چگونگی مدیریت منابع انسانی شهرداری‌ها در شهرهای بزرگ و کوچک استان، به سبب وسعت دامنه ارتباطات شهرداری‌ها و سازمان‌های تابعه آن با شهروندان، از اهمیت فراوانی برخوردار است. در شهرداری‌ها، وجود بخشها و حوزه‌های مختلف ساختمانی، حمل و نقل (تاکسیرانی و اتوبوسرانی)، فضای سبز، درآمد، آرامستان. منابع انسانی زیادی وجود دارد که هدایت صحیح و مؤثر سازمانی این منابع موجب افزایش پویایی نیروهای سازمانی و بهبود عملکرد سازمانی و رضایت شهروندان خواهد شد.

یکی از مولفه‌های دستیابی به عملکرد، فرهنگ سازمانی<sup>۱</sup> می‌باشد. برای دستیابی به عملکرد بهینه تغییر فرهنگ یک راهکار بی‌بدیل می‌باشد. این تغییر باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن به همه (از جمله مدیران، متخصصین و نیروی کار)



غیرقابل جایگزین و غیرقابل تقلید هستند (لادو و ویلسون، ۱۹۹۴). «اقدامات منابع انسانی» سیستمی است که به جذب، توسعه، حفظ و انگیزش کارکنان برای اطمینان از اجرای مؤثر فعالیت‌ها و بقای سازمان می‌پردازد (شولر و جکسون، ۱۹۸۷). اقدامات منابع انسانی عموماً به مجموعه‌ای از اقدامات داخلی سازگار که توسط شرکت برای ارتقا دانش، مهارت‌ها، توانایی و انگیزش کارکنان تصویب شده است، اشاره دارد. این اقدامات نه تنها منابع انسانی شرکت را حمایت می‌کنند و شایستگی‌هایشان را توسعه می‌دهند، بلکه بر ارزش شرکت نیز می‌افزایند (هانگ و همکاران، ۲۰۰۸). در طی سال‌ها؛ محققان، بسیاری از اقدامات منابع انسانی که به طور بالقوه عملکرد سازمان را بهبود می‌بخشند، پیشنهاد کرده‌اند. این اقدامات عبارتند از: تأکید بر انتخاب کارکنان بر اساس تناسب آن‌ها با فرهنگ شرکتشان، تأکید بر رفتار، نگرش، و مهارت‌های فنی مورد نیاز برای شغل، پرداخت پاداش مبتنی بر عملکرد، و توانمندسازی کارکنان به منظور ترویج کار گروهی (احمد و شرودر، ۲۰۰۳). این اقدامات اغلب به عنوان مجموعه‌ای یکپارچه بکار برده می‌شوند نه به صورت اقدامات مجزا (مکدافی، ۱۹۹۵). در این پژوهش اقدامات منابع انسانی ارائه شده توسط انگو و همکاران (۲۰۰۵) مورد بررسی قرار گرفته است. این اقدامات شامل ۴ بعد انتخاب و استخدام، آموزش و توسعه، ارزیابی عملکرد و جبران خدمات می‌باشد (انگو و همکاران، ۲۰۰۸). با وجود شناخت گسترده از اهمیت فرهنگ سازمانی و منابع انسانی برای موفقیت بلند مدت سازمان، اما اینکه هر دو متغیر با هم بتوانند بر روی عملکرد کارکنان تأثیر داشته باشند در ادبیات مربوط به این مباحث به صورت گسترده پرداخته نشده است. برای بررسی این مسائل به دو سوال اساسی باید پاسخ دهیم: ۱. چگونه فرهنگ سازمانی می‌تواند باعث افزایش عملکرد کارکنان شود؟ ۲. چگونه منابع انسانی می‌تواند باعث افزایش عملکرد کارکنان شود؟

از اینرو، در این پژوهش به بررسی تأثیر فرهنگ سازمانی و منابع انسانی بر عملکرد کارکنان می‌پردازیم. برای سنجش فرهنگ سازمانی از مدل دنیسون (۲۰۰۰) و برای سنجش منابع انسانی از

مدل انگو و همکاران (۲۰۰۵) در این پژوهش بهره گرفته شده است.

### چارچوب نظری پژوهش

در این بخش از مقاله به تشریح ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق در خصوص فرهنگ سازمانی، منابع انسانی و عملکرد کارکنان پرداخته می‌شود.

#### فرهنگ سازمانی

از نظر «کروستیتو و یوسف»<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) یکی از مولفه‌های دستیابی به چابکی سازمانی و عملکرد بهتر، «فرهنگ سازمانی»<sup>۵</sup> می‌باشد (جعفر نژاد و شهابی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۸). برای دستیابی به چابکی تغییر فرهنگ یک راهکار بی بدیل می‌باشد. این تغییر باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن به همه (از جمله مدیران، متخصصین و نیروی کار) آموزش داده شود (جعفر نژاد و زارعی، ۱۳۸۴). بسیاری از صاحب نظران و محققان، فرهنگ سازمان را به عنوان منبعی از مزیت رقابتی مورد مطالعه قرار داده‌اند (قربانی و همکاران، ۱۳۸۸). فرهنگ سازمانی عبارتست از: الگوی منحصر به فرد از مفروضات، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک که فعالیت‌های جامعه‌پذیری، زبان، سمبل‌ها و عملیات سازمان‌ها را شکل می‌دهد (وثوقی، ۱۳۹۰). فرهنگ سازمانی به سازمان هویت می‌دهد (زهیر و همکاران، ۲۰۱۱؛ چی یونگ<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۱) و به هماهنگی رفتار اعضا کمک می‌کند (آقاجانی، ۱۳۹۲). هر سازمانی هویت و فرهنگ سازمانی مختص به خود را دارد، که به صورت قرارداد نامکتوبی میان سازمان و کارکنانش قابل اجرا است. برخلاف سازمان‌های غیر چابک، فرهنگ سازمان چابک پویاست، یعنی بر اعتماد و اطمینان رهبران و احترام به کارکنان سازمان استوار است (جعفر نژاد و شهابی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷). مفهوم فرهنگ سازمانی به عنوان عامل مؤثر در بهره‌وری و عملکرد سازمان در نظر گرفته شده است و چنانچه فرهنگ مناسب کاری که به خوبی بین مدیریت و کارکنان گسترش یافته باشد به تحکیم تعهد سازمانی، ارتقاء اخلاقیات،

4. Crocitto & Youssef  
5. Organizational Culture  
6. Cheung

جهت استراتژیک<sup>۱۵</sup>، اهداف و مقاصد<sup>۱۶</sup>، چشم انداز<sup>۱۷</sup>. (دنيسون، ۲۰۰۰؛ رحيم نيا و عليزاده، ۱۳۸۷؛ ضيایی و همکاران، ۱۳۹۰). در اين پژوهش برای سنجش فرهنگ سازمانی از مدل فوق بهره گرفته شده است.



تصویر ۱. مدل فرهنگ سازمانی؛ ماخذ: دنيسون، ۲۰۰۰.

### منابع انسانی

با توجه به رقابت شدید و تنگاتنگ در دنیای امروزی، می‌توان بیان داشت که نیروی انسانی مهم‌ترین مزیت رقابتی برای هر شرکت محسوب می‌شود، بنابراین مدیران بایستی آگاه باشند که چگونه با این عامل استراتژیک برخورد کنند و استفاده هر چه مؤثرتر از این مزیت رقابتی را بیاموزند (بیلوی، ۱۳۸۷). در واقع تحقیقات نظری در مورد مدیریت استراتژیک منابع انسانی بیان می‌کند که اقدامات منابع انسانی ممکن است منجر به عملکرد بالاتر شرکت و کسب مزیت رقابتی<sup>۱۸</sup> پایدار شود، زیرا این اقدامات اغلب با ارزش، منحصر به فرد، غیرقابل جایگزین و غیرقابل تقلید هستند (لادو و همکاران<sup>۱۹</sup>، ۱۹۹۴). با این حال، اقدامات منابع انسانی فقط زمانی می‌تواند منبعی برای مزیت رقابتی پایدار باشد که

عملکرد و بهره‌وری بالاتر منجر می‌گردد (کاشانی، ۱۳۹۱). دنيسون در مدل خود ابعاد فرهنگ را برای سازمان‌ها در چهار محور اصلی شامل درگیر شدن در کار، سازگاری، انطباق پذیری و رسالت در نظر می‌گیرد که هر یک از این ابعاد با سه شاخص اندازه‌گیری می‌شوند (رحيم نيا و عليزاده، ۱۳۸۷). تصویر ۱ مدل فرهنگ سازمانی دنيسون (۲۰۰۰) را نشان می‌دهد.

۱. «درگیر شدن در کار»<sup>۷</sup>: سازمان‌های اثر بخش افرادشان را توانمند می‌سازند، سازمان را بر محور گروه‌های کاری تشکیل می‌دهند و قابلیت‌های منابع انسانی را در همه سطوح توسعه می‌دهند. در این مدل این ویژگی با سه شاخص اندازه‌گیری می‌شود: توانمندسازی<sup>۸</sup>، تیم‌سازی، توسعه قابلیت‌ها<sup>۹</sup>.

۲. «سازگاری»<sup>۱۰</sup>: تحقیقات نشان داده است که سازمان‌هایی که اغلب اثر بخش هستند با ثبات و یکپارچه بوده و رفتار فعالیت‌های سازمانی به خوبی هماهنگ و پیوسته شده است. این ویژگی با سه شاخص بررسی می‌شود: ارزش‌های بنیادی، توافق، هماهنگی و پیوستگی.

۳. «انطباق پذیری»<sup>۱۱</sup>: سازمان‌هایی که به خوبی یکپارچه هستند به سختی تغییر می‌یابند. لذا یکپارچگی درونی و انطباق پذیری بیرونی را می‌توان مزیت و برتری سازمان به حساب آورد. این ویژگی با سه شاخص مورد بررسی قرار می‌گیرد: ایجاد تغییر<sup>۱۲</sup>، مشتری‌گرایی<sup>۱۳</sup>، یادگیری سازمانی.

۴. «رسالت»<sup>۱۴</sup>: شاید بتوان گفت مهم‌ترین ویژگی فرهنگ سازمانی رسالت و مأموریت آن است. سازمان‌هایی که نمی‌دانند کجا هستند و وضعیت موجودشان چیست معمولاً به بیراهه می‌روند. این ویژگی توسط سه شاخص اندازه‌گیری می‌شود: گرایش و

7. Involvement
8. Capability Development
9. Capability Development
10. Consistency
11. Adoptability
12. Creating Change
13. Customer Focus
14. Mission

15. Strategic Direction & Intent
16. Goals & Objectives
17. Vision
18. Sustainable Competitive Advantage
19. Lado & et al

از منابع یا شایستگی‌هایی که برای شرکت خلق ارزش می‌کنند، حمایت کند. بنابراین، رایت، اسنل و همکارانشان<sup>۲۰</sup> (به عنوان مثال، اسنل، یاندت و رایت<sup>۲۱</sup>، ۱۹۹۶؛ رایت<sup>۲۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۱) استدلال کرده‌اند که تحقیقات مدیریت استراتژیک منابع انسانی باید منابعی را که برای رقابت در یک زمینه رقابتی حیاتی هستند، تشخیص دهند و اقدامات منابع انسانی را برای حمایت از این منابع ایجاد کنند. «اقدامات منابع انسانی» سیستمی است که به جذب، توسعه، حفظ و انگیزش کارکنان برای اطمینان از اجرای مؤثر فعالیت‌ها و بقای سازمان می‌پردازد. در این پژوهش اقدامات منابع انسانی ارائه شده توسط انگو<sup>۲۳</sup> و همکاران (۲۰۰۵) مورد بررسی قرار گرفته است. این اقدامات شامل ۴ بعد انتخاب و استخدام<sup>۲۴</sup>، آموزش و توسعه<sup>۲۵</sup>، ارزیابی عملکرد<sup>۲۶</sup> و جبران خدمات<sup>۲۷</sup> می‌باشد (انگو و همکاران، ۲۰۰۸).

۱. انتخاب و استخدام: کارمندیابی فرآیند تطبیق و همسانی افراد مناسب با شغل‌های مناسب است. کارمندیابی شامل دو بخش است: انتخاب و استخدام. انتخاب کارکنان فرآیند گزینش افراد برای استخدام آن‌ها در سازمان است. انتخاب کارکنان مناسب می‌تواند موجب اثربخشی سایر فعالیت‌های منابع انسانی شود و از برخی مسائل و مشکلات ممانعت به عمل آورد.

۲. آموزش و توسعه: آموزش، تلاشی برنامه‌ریزی شده و سازمان‌یافته است که به کارکنان کمک می‌کند تا نگرش، دانش و مهارت‌های مربوط به شغل را بیاموند؛ و توسعه کارکنان، مجموعه فعالیت‌هایی است که بر رشد فردی و حرفه‌ای کارکنان تأثیر می‌گذارد. این فعالیت‌ها به کارکنان کمک می‌کند تا مهارت‌هایی را بیاموزند که در موفقیت آتی آن‌ها مؤثر است (استوارت و براون، ۱۳۸۸).

20. Wright, Snell & et al  
 21. Snell Youndt And Wright  
 22. Wright  
 23. Ngo  
 24. Selection And Recruitment  
 25. Training And Development  
 26. Performance Evaluation  
 27. Compensation

۳. ارزیابی عملکرد: ارزیابی کارکنان و بررسی رفتارها و قابلیت‌های کارکنان از وظایف اصلی مدیران است. با آگاه نمودن کارکنان از عملکرد آنان زمینه پرورش آن‌ها فراهم شده و آن‌ها آگاهانه تلاش در جهت جایگزین ساختن رفتارهای مناسب و حذف رفتارهای منفی و غیراثربخش خواهند داشت و این امر نه تنها کارایی کارکنان را موجب خواهد شد، بلکه موجب اثربخشی سازمان نیز می‌گردد (جوآدین، ۱۳۸۷).

۴. جبران خدمات: فرآیند پرداخت و دادن پاداش به کارکنان برای جبران تلاش‌ها و خدمات آنان است. سیستم پرداخت مناسب، موجب افزایش انگیزه کارکنان و در نتیجه افزایش بهره‌وری سازمان می‌شود (استوارت و براون، ۱۳۸۸).

### عملکرد کارکنان

جهان امروز بویژه جهان سازمان‌ها، دستخوش تغییر و تحولات شگرف و مداومی است و تمامی ابعاد سازمان‌ها از محیط داخلی تا محیط خارجی، از عوامل انسانی تا غیر انسانی و ...، همگی با شتابی خیره‌کننده در حال عوض شدن از حالتی به حالتی دیگر هستند (جیانگ و لی<sup>۲۸</sup>، ۲۰۰۸). عملکرد یکی از مهم‌ترین سازه‌های مورد بحث در پژوهش‌های مدیریتی است و بدون شک مهم‌ترین معیار سنجش موفقیت در شرکت‌های تجاری به حساب می‌آید (هریس و ماسشولدر<sup>۲۹</sup>، ۱۹۹۶). عملکرد مفهوم گسترده‌ای است که آنچه را شرکت تولید می‌کند و نیز حوزه‌هایی را که با آن‌ها در تعامل است در بر می‌گیرد (صفرزاده و همکاران، ۱۳۹۱). همواره در اکثر سازمان‌های جهان مدیران و رهبران سازمانی در پی ارتقا و بهبود عملکرد سازمان‌های خویش می‌باشند. عملکرد سازمان ترکیب گسترده‌ای هم از دریافتی‌های غیر ملموس، همچون افزایش دانش سازمانی و هم دریافتی‌های عینی و ملموس همچون نتایج اقتصادی و مالی است (علامه و مقدمی، ۱۳۸۹). عملکرد در لغت یعنی حالت یا کیفیت کارکرد،

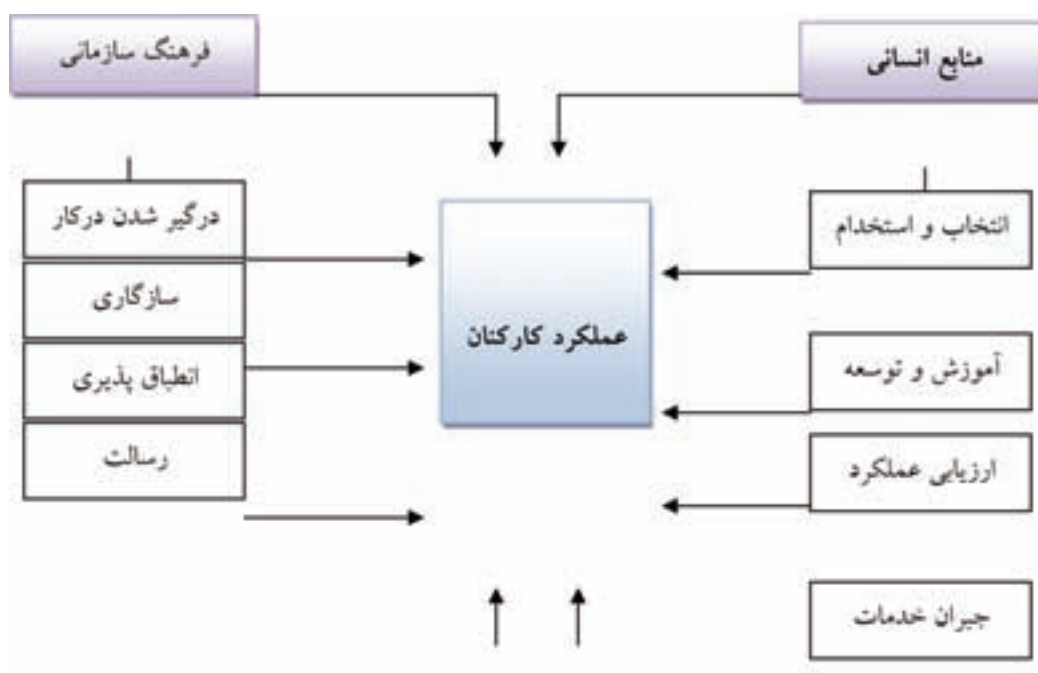
28. Jiang & Li  
 29. Harris & Mossholder

و مطلوب درونداها برای تولید برونادهای معین؛ و ۲) اثربخشی که توصیف کننده ی درجه ی نیل به اهداف سازمانی است.

### مدل پژوهش و فرضیه‌ها

تصویر ۲ مدل مفهومی پژوهش را نشان می دهد که بر اساس مبانی نظری پیشنهاد شده است. این مدل تأثیر ابعاد فرهنگ سازمانی و منابع انسانی را بر عملکرد کارکنان نشان می دهد.

بنابراین، عملکرد سازمانی یک سازه ی کلی است که بر چگونگی انجام عملیات سازمانی اشاره دارد (رهنورد، ۱۳۸۷). معروف ترین تعریف عملکرد توسط نیلی و همکاران (۲۰۰۲) ارائه شده است: «فرآیند تبیین کیفیت اثربخشی و کارایی اقدامات گذشته». مطابق این تعریف، عملکرد به دو جزء تقسیم می شود: ۱) کارایی که توصیف کننده ی چگونگی استفاده سازمان از منابع در تولید خدمات یا محصولات است، یعنی رابطه بین ترکیب واقعی



تصویر ۲. مدل مفهومی تحقیق (محقق ساخته)

**فرضیه های تحقیق**  
فرضیه کلی: عوامل موثر (فرهنگی، منابع انسانی) بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز تأثیر مثبت و معنادار دارد.  
فرضیه اصلی ۱: عوامل فرهنگی بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز تأثیر مثبت و معنادار دارد.  
فرضیه اصلی ۲: عوامل منابع انسانی بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز تأثیر مثبت و معنادار دارد.  
فرضیه های فرعی:  
فرضیه فرعی ۱: درگیر شدن در کار بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز تأثیر مثبت و معنادار دارد.  
فرضیه فرعی ۲: سازگاری بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز تأثیر مثبت و معنادار دارد.  
فرضیه فرعی ۳: انطباق پذیری بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز تأثیر مثبت و معنادار دارد.  
فرضیه فرعی ۴: رسالت بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز تأثیر مثبت و معنادار دارد.  
فرضیه فرعی ۵: انتخاب و استخدام بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز تأثیر مثبت و معنادار دارد.  
فرضیه فرعی ۶: آموزش و توسعه بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز تأثیر مثبت و معنادار دارد.  
فرضیه فرعی ۷: ارزیابی عملکرد بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز تأثیر مثبت و معنادار دارد.  
فرضیه فرعی ۸: جبران خدمات بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز تأثیر مثبت و معنادار دارد.

فرضیه فرعی ۳: انطباق پذیری بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز تأثیر مثبت و معنادار دارد.  
فرضیه فرعی ۴: رسالت بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز تأثیر مثبت و معنادار دارد.  
فرضیه فرعی ۵: انتخاب و استخدام بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز تأثیر مثبت و معنادار دارد.  
فرضیه فرعی ۶: آموزش و توسعه بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز تأثیر مثبت و معنادار دارد.  
فرضیه فرعی ۷: ارزیابی عملکرد بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز تأثیر مثبت و معنادار دارد.  
فرضیه فرعی ۸: جبران خدمات بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز تأثیر مثبت و معنادار دارد.

## روش تحقیق

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، ضریب آلفای کرونباخ نشانگر پایایی و قابلیت اعتماد ابزار تحقیق می‌باشد. همچنین جهت آزمون روایی سؤالات از دو روش اعتبار محتوا و اعتبار عاملی<sup>۳۲</sup> استفاده شد. برای سنجش اعتبار محتوای پرسشنامه از نظرات جمعی از متخصصان، اساتید دانشگاهی و کارشناسان خبره استفاده شد؛ و نهایتاً اطمینان حاصل گردید که پرسشنامه همان خصیصه مورد نظر محققین را می‌سنجد. آزمون اعتبار عاملی پرسشنامه نیز با کمک تحلیل عاملی تأییدی<sup>۳۳</sup> و با استفاده از نرم‌افزار لیزرل انجام گرفت. با نگاهی به نتایج لیزرل در جدول (۲) مشاهده می‌شود که هر سه مدل اندازه‌گیری، شرایط ذکر شده را برآورده می‌کنند و مدل‌های مناسبی هستند. مجموع این نتایج بیانگر آن هستند که پرسشنامه‌های این تحقیق دارای پایایی و روایی مناسبی می‌باشند.

### یافته‌های تحقیق

در این بخش از مقاله به تشریح یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی تأییدی مدل‌های اندازه‌گیری و نیز نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار آماری LISREL پرداخته می‌شود.

### بررسی مدل‌های اندازه‌گیری

در مدل‌سازی معادلات ساختاری لازم است تا از صحت مدل‌های اندازه‌گیری اطمینان حاصل شود. بنابراین در ادامه نتایج تحلیل عاملی تأییدی مدل‌های اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق ارائه شده است.

پژوهش حاضر بر اساس هدف کاربردی و بر حسب نحوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی به شمار می‌آید، و از حیث ارتباط بین متغیرهای تحقیق از نوع علی است. جامعه آماری این تحقیق را ۱۵۰۰ نفر از کارکنان شهرداری اهواز (کارشناس به بالا) تشکیل می‌دهد؛ که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ای، ۳۰۵ نفر از آن‌ها به عنوان نمونه انتخاب خواهند شد. جهت سنجش فرهنگ سازمانی، اقدامات منابع انسانی، و عملکرد کارکنان به ترتیب از پرسشنامه استاندارد دنیسون (۲۰۰۰)، نگو، توربان، لاو و لوی<sup>۳۰</sup> (۱۹۹۸) نگو، لاو و فولی<sup>۳۱</sup> (۲۰۰۸) و پرسشنامه محقق ساخته عملکرد کارکنان بهره گرفته شده است. در کل ۳۰۵ پرسشنامه توزیع شد و ۲۹۰ پرسشنامه معتبر از پاسخ دهندگان جمع‌آوری گردید. سؤالات پرسشنامه به دو بخش سؤالات عمومی و تخصصی تقسیم شده‌اند؛ که بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) می‌باشند. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه‌های مذکور نیز از روش آلفای کرونباخ با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS ۱۸ بهره گرفته شده است. در جدول (۱) تعداد گویه‌های ارائه شده برای سنجش هر متغیر و ضریب آلفای کرونباخ هر متغیر مشخص شده است.

جدول ۱. تشریح متغیر، ابعاد و پایایی ابزار اندازه‌گیری تحقیق

متغیر	ضریب پایایی	تعداد گویه‌ها
فرهنگ سازمانی	۰/۸۶۷	۲۳
اقدامات منابع انسانی	۰/۹۴۳	۱۵
عملکرد کارکنان	۰/۹۱۸	۱۰

32. Content Validity And Factorial Validity  
33. Confirmatory Factor Analysis

30. Ngo, Turban, Lau, and Lui  
31. Ngo, Lau, and Foley



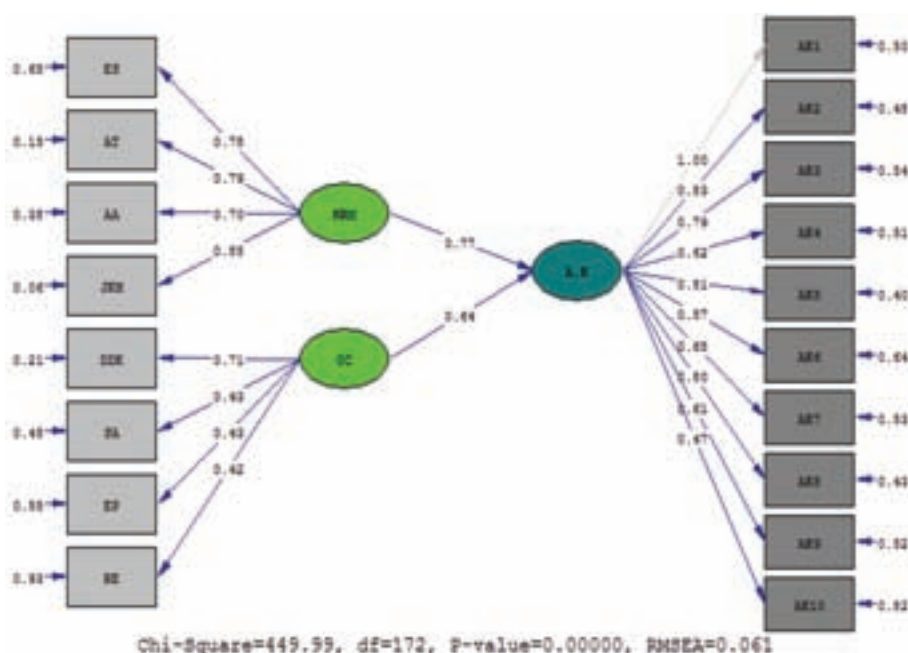
جدول ۲. مقایسه مدل‌های اندازه‌گیری

AGFI	GFI	RMSEA	p-value	df	Df		نوع تحلیل عاملی تأییدی	مدل اندازه‌گیری
۰/۹۰	۰/۹۱	۰,۰۴۴	۰/۰۰۰۰۰	۲,۵۱	۱۸۵	۴۶۶,۳۴	مرتبه دوم	مدل فرهنگ سازمانی
۰/۹۱	۰/۹۳	۰,۰۳۹	۰/۰۰۰۰۰	۱,۹۳	۸۶	۱۶۶,۸۹	مرتبه دوم	مدل منابع انسانی
۰/۹۵	۰/۹۷	۰,۰۳۰	۰/۱۳۹۹۴	۱,۲۵	۳۵	۴۴,۰۷	مرتبه اول	عملکرد کارکنان

مناسب به آزمون فرضیه‌های تحقیق خواهیم پرداخت. برای آزمون فرضیه‌ها از مدل معادلات ساختاری و نرم افزار لیزرل استفاده شده است. در اجرای مدل معادلات ساختاری اول برای آزمون فرضیه‌های فرعی تحقیق نیز ابتدا خروجی نرم افزار نشان دهنده مناسب بودن مدل ساختاری برآزش یافته است (RMSEA=0/078؛ df2x/2/73)؛ AGFI=0/89؛ GFI=0/90؛ NFI=0/94؛ NNFI/96؛ CFI=0/97). به عبارت دیگر، داده‌های مشاهده شده تا میزان زیادی منطبق بر مدل مفهومی پژوهش است. نمودار (۱)

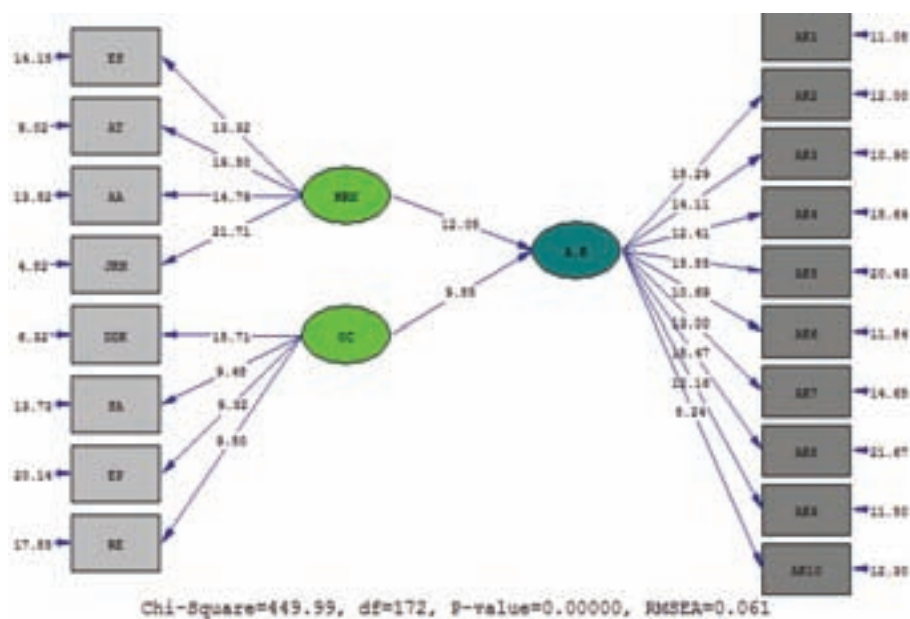
همان طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، نتایج تحلیل عاملی تأییدی مدل‌های اندازه‌گیری فرهنگ سازمانی، اقدامات منابع انسانی، و عملکرد کارکنان نشان می‌دهد که شاخص‌های اصلی برآزش کلیه متغیرهای مکنون در دامنه مناسب و قابل قبول قرار دارد. به عبارت دیگر مدل‌های مفهومی پژوهش تا میزان زیادی منطبق بر داده‌های مشاهده شده است.

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیات تحقیق پس از انجام تحلیل عاملی تأییدی و شناخت متغیرهای مکنون، در این قسمت با انجام تحلیل



نمودار ۱. مدل ساختاری پژوهش برای آزمون فرضیه اصلی در حالت تخمین استاندارد

در نمودار ۲ نیز معناداری ضرایب و پارامترهای بدست آمده از مدل ساختاری پژوهش نشان داده شده است.



نمودار ۲. اعداد معناداری ضرایب مدل ساختاری پژوهش برای آزمون فرضیه اصلی

نتایج مدل معادلات ساختاری نشان می دهد که عوامل منابع انسانی (با ضریب تاثیر ۰,۷۷) و فرهنگی (با ضریب تاثیر ۰,۶۴) بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز تاثیر دارد. بنابراین فرض صفر رد می شود و کلیه مفروضات تحقیق تأیید می گردند.

## نتایج آزمون فرضیات فرعی

در اجرای مدل معادلات ساختاری اول برای آزمون فرضیه های فرعی تحقیق نیز ابتدا خروجی نرم افزار نشان دهنده مناسب بودن مدل ساختاری برآزش یافته است ( $GFI=0/90$ ;  $RMSEA=0/078$ ;  $df2\chi/2/73$ )؛ به عبارت دیگر، داده های مشاهده شده تا میزان زیادی منطبق بر مدل مفهومی پژوهش است. ( $CFI=0/97$ ;  $R^2NFI/96$ ;  $NFI=0/94$ ;  $AGFI=0/89$ )

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیات فرعی

فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب مسیر	عدد معناداری	نتیجه آزمون
فرضیه اصلی ۱	عوامل فرهنگی	عملکرد کارکنان	۰/۶۴	۹,۸۵	تأیید شد
فرضیه اصلی ۲	عوامل منابع انسانی	عملکرد کارکنان	۰/۷۷	۱۲,۰۸	تأیید شد
فرضیه فرعی ۱	درگیر شدن در کار	عملکرد کارکنان	۰/۵۳	۸,۳۹	تأیید شد
فرضیه فرعی ۲	سازگاری	عملکرد کارکنان	۰/۶۴	۱۰,۲۷	تأیید شد
فرضیه فرعی ۳	انطباق پذیری	عملکرد کارکنان	۰/۶۳	۹۰,۸۲	تأیید شد
فرضیه فرعی ۴	رسالت	عملکرد کارکنان	۰/۵۸	۸,۷۱	تأیید شد
فرضیه فرعی ۵	انتخاب و استخدام	عملکرد کارکنان	۰/۶۶	۱۱,۲۰	تأیید شد
فرضیه فرعی ۶	آموزش و توسعه	عملکرد کارکنان	۰/۷۰	۱۱,۵۹	تأیید شد
فرضیه فرعی ۷	ارزیابی عملکرد	عملکرد کارکنان	۰/۷۳	۱۲,۴۰	تأیید شد
فرضیه فرعی ۸	جبران خدمات	عملکرد کارکنان	۰/۹۰	۱۰,۹۷	تأیید شد

نتایج مدل معادلات ساختاری نشان می دهد که چهار عامل منابع انسانی شامل انتخاب و استخدام

سازمانی دنیسون و منابع انسانی نگو و همکاران به بررسی تاثیر فرهنگ سازمانی و منابع انسانی بر عملکرد کارکنان پرداخته است. جدول ۵ و نمودار ۲ و ۱ نتایج حاصل از آزمون روابط ساختاری بین متغیرهای پژوهش را نشان می دهد. یافته های پژوهش نشان دهنده تأیید فرضیه اصلی ۱ با ضریب مسیر ۰,۶۴ و عدد معناداری ۹,۸۵ می باشد. پس می توان نتیجه گرفت، فرهنگ سازمانی با ابعاد درگیر شدن در کار و سازگاری و انطباق پذیری و رسالت؛ در یاری رساندن به سازمان برای توسعه و مواجهه موثر با چالش ها و تقاضاهای جدید تاثیر بسزایی دارد. بر این اساس شکل دهی فرهنگ سازمانی مؤثر می تواند بستر مورد نیاز یا زیرساخت لازم برای توسعه عملکرد

(با ضریب تاثیر ۰,۶۶)، آموزش و توسعه (با ضریب تاثیر ۰,۷۰)، ارزیابی عملکرد (با ضریب تاثیر ۰,۷۳) و جبران خدمات (با ضریب تاثیر ۰,۶۴) بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز تاثیر دارند. همچنین انواع فرهنگ سازمانی از جمله فرهنگ درگیر شدن (با ضریب تاثیر ۰,۵۳)، فرهنگ سازگاری (با ضریب تاثیر ۰,۶۴)، فرهنگ انطباق پذیری (با ضریب تاثیر ۰,۶۳) و فرهنگ رسالت (با ضریب تاثیر ۰,۵۸) بر عملکرد کارکنان شهرداری اهواز تاثیر دارند. بنابراین فرض صفر رد می شود و کلیه مفروضات تحقیق تأیید می گردند.

## نتیجه گیری و جمع بندی

این پژوهش با استفاده از چهارچوب مدل فرهنگ

کارکنان باشد. یافته‌های پژوهش نشان دهنده‌ی تأیید فرضیه اصلی ۲ با ضریب مسیر ۰/۷۷ و عدد معناداری ۱۲/۰۸ می‌باشد. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که این سازمان از طریق تدوین و پیاده‌سازی عوامل منابع انسانی باعث بهبود و ارتقا عملکرد سازمانی می‌شود. نتایج این تحقیق تا حدودی تأییدکننده‌ی تحقیقات قبلی است که در این حوزه صورت گرفته است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه فرعی اول نشان‌دهنده‌ی تأیید فرضیه با ضریب مسیر ۰/۵۳ و عدد معناداری ۸/۳۹ است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که توسعه قابلیت‌ها و تیم‌سازی و توانمندسازی زمینه‌های لازم را برای توسعه چابکی سازمانی فراهم می‌کند. برای فرضیه فرعی دوم تأثیر سازگاری بر عملکرد کارکنان آزمون شد. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده‌ی تأیید فرضیه با ضریب مسیر ۰/۶۴ و عدد معناداری ۱۰/۲۷ است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که توجه به ارزش‌های بنیادی<sup>۳۴</sup>، توافق<sup>۳۵</sup>، هماهنگی و پیوستگی<sup>۳۶</sup> بستر لازم برای رسیدن به عملکرد کارکنان را مهیا می‌نماید. نتایج خروجی نرم افزار نشان می‌دهد که تأثیر انطباق پذیری بر عملکرد کارکنان با ضریب مسیر ۰/۶۳ و عدد معناداری ۹۰/۸۲ مورد تأیید است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که بهره‌گیری از برنامه‌ها و سیاست‌هایی که به منزله ایجاد تغییر، مشتری‌گرایی، یادگیری سازمانی<sup>۳۷</sup> باشد؛ در نهایت منجر به عملکرد بهتر می‌شود. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه فرعی چهارم یعنی تأثیر رسالت بر عملکرد کارکنان با ضریب مسیر ۰/۵۸ و عدد معناداری ۸/۷۱ حاکی از تأیید این فرضیه است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که مشخص کردن گرایش و جهت استراتژیک، اهداف و مقاصد، و چشم‌انداز سازمانی و تبیین آن برای کارکنان سازمانی راهی برای نیل به عملکرد کارکنان است.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه فرعی پنجم نشان‌دهنده‌ی تأیید فرضیه با ضریب مسیر ۰/۶۶ و عدد معناداری ۱۱/۲۰ است. بر این اساس

34. Core Values

35. Agreement

36. Coordination & Integration

37. Organizational Learning

می‌توان نتیجه گرفت که این سازمان از طریق تدوین و اجرای استراتژی‌ها و فعالیت‌های مربوط به انتخاب و استخدام و صرف منابع کافی جهت بکارگیری افراد متخصص و توانمند، قادر بوده است که در درازمدت عملکرد سازمان را ارتقا دهد. برای فرضیه فرعی ششم تأثیر آموزش و توسعه بر عملکرد کارکنان آزمون شد. یافته‌های پژوهش نشان دهنده‌ی تأیید فرضیه با ضریب مسیر ۰/۷۰ و عدد معناداری ۱۱/۵۹ می‌باشد. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های سازمان در زمینه برنامه‌ها آموزشی و طرح‌های توسعه‌ای کارکنان منجر به ارتقا عملکرد کارکنان و به دنبال آن عملکرد سازمان شده است. نتایج خروجی نرم افزار نشان می‌دهد که تأثیر ارزیابی عملکرد بر عملکرد کارکنان با ضریب مسیر ۰/۷۳ و عدد معناداری ۱۲/۴۰ مورد تأیید است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که ارزیابی عملکرد کارکنان و دادن بازخور به آن‌ها باعث بهبود عملکرد کارکنان و در نهایت عملکرد سازمان شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه فرعی هشتم یعنی تأثیر استراتژی جبران خدمات بر عملکرد کارکنان با ضریب مسیر ۰/۶۴ و عدد معناداری ۱۰/۹۷ حاکی از تأیید این فرضیه است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که پرداخت مزد و پاداش منصفانه و مبتنی بر عملکرد، باعث انگیزش کارکنان در انجام فعالیت‌های شان شده است که این به نوبه خود بر عملکرد سازمان تأثیر می‌گذارد. وجود تأثیر مثبت بین فرهنگ سازمانی بر عملکرد کارکنان در این مطالعه با یافته‌های پژوهش‌های گذشته همخوانی دارد. به عنوان مثال، رحیم‌نیا و عزیززاده (۱۳۸۸) بیان کردند که آگاهی از فرهنگ سازمانی گامی بنیادی و مهم به حساب می‌آید. لذا برای انجام هر گونه اقدام جدیدی در سازمان توجه به فرهنگ آن مجموعه امری ضروری است. ایلماز و ارگان (۲۰۰۸) درباره تأثیر ابعاد مدل فرهنگ سازمانی دنیسون بر عملکرد به این نتیجه رسیدند که بعد انطباق‌پذیری بیشترین و بعد سازگاری کمترین تأثیر را بر عملکرد سازمانی دارد. نصیری‌پور و همکاران (۱۳۹۱) به این نتیجه رسیدند که هرچه به شاخص‌های فرهنگ سازمانی توجه

بیشتری مبذول گردد، عملکرد کارکنان بهبود می‌یابد و با اقداماتی از قبیل بهبود و تقویت شاخص‌های فرهنگی که بیشترین تأثیر را بر عملکرد کارکنان دارند، می‌توان شاهد بهبود بیشتر فرهنگ سازمانی و عملکرد کارکنان این سازمان بود. قربانی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود اذعان می‌دارند که ارتباط مثبت و معناداری بین فرهنگ سازمانی و اثربخشی وجود دارد. نصیری پور و همکاران (۱۳۸۸) بیان می‌کنند بین فرهنگ سازمانی و بهره‌وری رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحقیق تایدور و همکاران، (۲۰۱۲) نیز حاوی این مضمون بود که فرهنگ سازمانی ارتباط معنی‌داری با عملکرد سازمان دارد. نتایج تحقیق جاکوب و همکاران (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که فرهنگ سازمانی و عملکرد رابطه‌ی قوی با یکدیگر دارند.

وجود تأثیر مثبت بین منابع انسانی بر عملکرد کارکنان در این مطالعه با یافته‌های پژوهش‌های گذشته همخوانی دارد. به عنوان مثال، در پژوهش افجه و سپهوند (۱۳۸۸)، نتایج تحقیق به این صورت بود که وجود هماهنگی میان استراتژی منابع انسانی، سرمایه انسانی و رفتار سازمانی اثر قابل توجهی بر عملکرد سازمان خواهد داشت. دلوی و همکاران (۱۳۸۹)، در تحقیقی که انجام دادند، نشان دادند که برای رسیدن به وضعیت مطلوب؛ آموزش، توجیه مدیران و مجریان راهبردی، نزدیک‌تر کردن دیدگاه‌ها، اهمیت دادن به مباحث و جایگاه مدیریت منابع انسانی، ایجاد جو اعتماد، برقراری سیستم‌های پرداخت و ارزیابی و غیره لازم می‌باشد. در تحقیق دیگر توسط بوسکال (۱۹۹۸) استدلال می‌کند که شرکت‌هایی که قابلیت زنده ماندن مداوم را در صنعتشان تضمین می‌کنند، پتانسیل ساخت مزیت منابع انسانی از طریق سرمایه انسانی برتر و فرایندهای سازمانی را خواهند داشت، و بیان می‌کند که منابع انسانی قادر به ایجاد مزیت پایدار هستند. در تحقیق دیگر توسط صادقی و محتشمی (۱۳۹۰)، این نتیجه حاصل شد که عملیات استراتژیک منابع انسانی شامل استخدام، آموزش، مشارکت، ارزیابی عملکرد عامل مهم و ابزار اصلی سازمان‌ها برای نیل به اهداف سازمانی است. آرون و زوک (۲۰۰۶)

به نقش مهم استخدام و گزینش کارکنان بر مبنای دانش و توانایی‌های کارکنان در توسعه‌ی اهداف سازمانی اشاره کرده‌اند (صادقی و محتشمی، ۱۳۹۰). لینگ‌تان و ناسوردین (۲۰۱۱)، در تحقیق خود بیان می‌کنند که در استخدام و بکارگیری نیروی انسانی، تناسب میان فرد و فرهنگ سازمانی اهمیت دارد و اجرای سطح بالای استخدام در صورتی که تناسب فرد و سازمان را به هم مرتبط کند، منجر به نوآوری سازمانی خواهد شد. استوارت و براون (۲۰۰۹)، کارکنان را اصلی‌ترین عناصر هر سازمان عنوان کردند و موفقیت سازمان را در گرو استخدام و بکارگیری افراد توانمند و بهره‌ور دانستند. کپ و می‌هیو (۱۹۹۶)، بیان می‌کنند؛ هنگامی که توسعه کارکنان عنصر کلیدی در عملکرد محسوب می‌شود (ردمن و ویلکینسون، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱). استوارت و براون (۱۳۸۸)، بیان می‌کنند که توسعه و بالندگی کارکنان، امکان مواجهه با نیروهای متغیر محیطی را افزایش می‌دهد و به دنبال آن سازمان قادر خواهد بود که رقابت پذیری خود را حفظ و افزایش دهد. کارگر شورکی (۱۳۸۴)، در تحقیق خود وجود نظام‌های دقیق، جامع و معتبر مدیریت عملکرد را به عنوان یکی از شاخصه‌های توسعه‌یافتگی سازمان‌ها و جوامع معرفی می‌کند. جورگنسون و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیق خود بیان کردند که سیستم‌های مدیریت عملکرد به همسویی افراد، تیم و اهداف سازمانی کمک می‌کند. صادقی و محتشمی (۱۳۹۰)، در تحقیق خود بیان می‌کنند که جبران موقعیت‌های انفرادی و گروهی بوسیله‌ی پاداش مادی یکی از راه‌های تشویق به نوآوری است. لینگ‌تان و ناسوردین (۲۰۱۱)، بیان می‌کنند که سیستم پاداش کارکنان را به داشتن انگیزه و خلق ایده‌های نوآورانه تشویق می‌کنند. این نتایج نشان می‌دهد که شناخت مدیران از مفهوم فرهنگ سازمانی، اهمیت و نقش آن در رفتار و عملکرد سازمان باید بیشتر شود. همچنان که امروزه دانشمندان مدیریت بیان می‌دارند که مهم‌ترین وظیفه مدیران عالی سازمان، ایجاد، توسعه و پرورش ارزش‌های فرهنگی مطلوب است؛ توجه بیشتر مدیران به توسعه و پرورش ارزش‌های فرهنگ سازمانی در برنامه‌های تغییر،



یادگیری بیشتری خواهند داشت؛ پذیرش بهبود مستمر به عنوان یک اصل توسط مدیران و نهادینه کردن آن در سازمان؛ برقراری آموزش‌های لازم و مناسب جهت اجرای هر چه بهتر مدیریت عملکرد در سازمان. برای بهتر انجام شدن عمل ارزیابی، سازمان‌ها می‌بایست دارای برنامه‌های آموزشی در این رابطه باشند. این آموزش‌ها می‌بایست شامل اطلاعاتی در مورد روش‌های مشاهده رفتارهای شغلی و هدایت مصاحبه‌های مربوط به ارزشیابی، به اضافه‌ی آگاهی یافتن از خطاها و اشتباهاتی است که هنگام ارزشیابی به طور معمول واقع می‌شود؛ دادن پاداش به کارکنان باید مطابق با میزان مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های سازمانی و دستیابی به اهداف انجام گیرد؛ و دادن پاداش باید به گونه‌ای باشد که باعث هدایت و حمایت از رفتار مطلوب در همه‌ی سطوح شود؛ الزاماتی می‌باشد که به سازمان از هر جهت برای رسیدن به اهدافش در حوزه منابع انسانی کمک می‌کند.

#### منابع و ماخذ

- آقاجانی، ح.ع. (۱۳۹۲). بررسی و تبیین فرهنگ سازمانی (مشاهده تجربی: دانشگاه مازندران) مهندسی فرهنگی، سال هشتم، شماره ۷۵.
- استوارت، گ و براون، ک. (۱۳۸۸). مدیریت منابع انسانی پیوند استراتژی و عمل، (ترجمه دکتر سید محمد اعرابی و دکتر مرجان فیاضی)، تهران: مه‌کامه، چاپ دوم.
- افجه، ع. ا و سپهوند، ر. (۱۳۸۸). اثر هماهنگی استراتژیک بین استراتژی‌های منابع انسانی و سرمایه انسانی و رفتار سازمانی بر عملکرد سازمان، فصلنامه مدیریت و منابع انسانی در صنعت نفت، سال سوم، شماره ۶، ص ۹۴-۶۷.
- جعفرنژاد، او زارعی، ع. (۱۳۸۴). بررسی نقش عوامل درون سازمانی در تبیین مدلی برای تبدیل سازمان‌های فعلی به سازمان‌های چابک در صنایع الکترونیک و مخابرات کشور، فرهنگ مدیریت، سال

بهبود، و بازسازی سازمان. همچنان که اکثر دانشمندان مدیریت، بهبود و بازسازی سازمان را به عنوان یک تغییر برنامه ریزی شده، با دگرگونی و پرورش فرهنگ سازمانی برابر می‌دانند؛ اصلاح و بهبود بینش و عمق دادن به نگرش‌های سالم و بارور کردن قدرت تشخیص و تحلیل افراد؛ تعیین جایگاه و سهم فرهنگ سازمانی در طراحی ساختار و تدوین مقررات، نظامات، آیین‌نامه‌ها، طرح‌ها و دستورالعمل‌ها؛ آموزش چگونگی شناسایی، معرفی، و ترویج نمادها و ارزش‌های مثبت فرهنگ سازمانی و شیوه نهادینه سازی آن‌ها در سازمان؛ آموزش و توسعه کارکنان از طریق برگزاری کارگاه‌ها به منظور آشنایی آن‌ها با ارزش‌های حاکم بر جامعه و سازمان و رفتار متناسب با فرهنگ مورد پذیرش سازمان؛ و همچنین آشنایی و تشویق آن‌ها به مشارکت، کارگروهی، و کلیه‌ی مهارت‌های کاری، این موارد سازمان را به سوی فرهنگی سوق می‌دهد که ابزاری چه رسیدن به عملکرد بهتر و بالاتر باشد.

از طرفی دیگر در حوزه منابع انسانی به این نتیجه می‌رسیم که رعایت ملاحظات قانونی در خصوص جذب و استخدام نیروهای انسانی؛ توجه به زمان مورد نیاز برای پر کردن مشاغل خالی؛ تأمین نیروی انسانی شایسته از طریق طراحی مجدد مشاغل و تجزیه تحلیل علمی شغلی و تهیه‌ی شناسنامه‌ی شغلی؛ استفاده از روش‌های تأمین منابع انسانی با استفاده از نتایج حاصل از پیش‌بینی و مقایسه بین تعداد نیروی انسانی موجود و پیش‌بینی نیاز برای نیروی انسانی حاصل از برنامه ریزی نیروی انسانی. به عنوان مثال زمانی که عرضه و تقاضای نیروی انسانی حالت متعادلی دارد، تأکید در جهت بکارگماری، انتصاب و ارتقا خواهد بود؛ معنی دار بودن مفاهیم آموزشی. زمانی که مربی و مدرسی دانش، مهارت و توانایی مرتبطی را معرفی میکند، اگر خود کارآموز و هنرجو برای درک مفاهیم آموزشی مرتبط با کار خود تلاش نکند، یادگیری اندکی ممکن است اتفاق افتد؛ ملاحظات محیطی. کارکنانی که در محیطی مناسب با آرامش و با در نظر گرفتن فاصله کافی آموزش دیده اند، به نسبت کارکنانی که شرایط آموزش نا مطلوب داشته اند، امکان

- سوم، شماره دهم، ص ۸۶-۶۷.
۵. جعفرنژاد، ا و شهائی، ب. (۱۳۸۹). مقدمه ای بر چابکی سازمانی و تولید چابک، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر، چاپ دوم.
  ۶. رحیم نیا، ف و علیزاده، م. (۱۳۸۷). بررسی ابعاد فرهنگ سازمانی بر اساس مدل دنیسون از نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی، دوره دهم، شماره ۱.
  ۷. جوادین، ر. (۱۳۸۷). مدیریت منابع انسانی و امور کار کارکنان، تهران: نگاه دانش، چاپ پنجم.
  ۸. دلوی، م و انصاری، م. ا و لباف، ح و شائمی برزکی، ع. (۱۳۸۹). ارزیابی مدیریت راهبردی منابع انسانی در صنایع پیشرو ایران، مطالعات مدیریت راهبردی، شماره ۲، ص ۷۳-۸۷.
  ۹. ردمن، ت و ویلکینسون، آ. (۱۳۸۸). مدیریت منابع انسانی پیشرفته، (ترجمه دکتر میر علی سید تقزی و امیر ختایی)، تهران: مهکامه، چاپ اول.
  ۱۰. رهنورد، ف. (۱۳۷۸). یادگیری سازمانی و سازمان یادگیرنده، مدیریت دولتی، شماره ۳۳.
  ۱۱. صادقی، ز و محتشمی، ر. (۱۳۹۰). ارتباط عملیات استراتژیک منابع انسانی و نوآوری سازمانی در یکی از مراکز نظامی، مجله طب نظامی، دوره ۱۳، شماره ۲، ص ۹۷-۱۰۲.
  ۱۲. صفرزاده، ح.، تدین، ا.، و حر محمدی، م. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر استراتژی های مدیریت دانش بر نوآوری و عملکرد سازمانی (مطالعه موردی مراکز بهداشتی و درمانی شمال فارس)، فصلنامه علمی پژوهشی دانشکده بهداشت یزد، سال یازدهم، شماره اول، شماره مسلسل، ۳۴.
  ۱۳. ضیایی، م، روشندل اربطانی، ط و نرگسیان، ع. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین فرهنگ سازمانی و تعهد سازمانی در میان کارکنان کتابخانه های دانشگاه تهران: بر اساس مدل فرهنگ سازمانی دنیسون، نشریه تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی، سال چهل و پنجم، شماره ۵۵، ص ۷۲-۴۹.
  ۱۴. قربانی، م.ح، اسدی، ح و شریفی، م. (۱۳۸۸). ارتباط بین فرهنگ سازمانی و اثر بخشی در سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مدل دنیسون، علوم حرکتی و ورزش، سال هفتم، جلد دوم، شماره ۱۴، ص ۱۱۸-۱۰۷.
  ۱۵. علامه، س.م و مقدمی، م. (۱۳۸۹). بررسی رابطه میان یادگیری سازمانی و عملکرد سازمانی؛ مطالعه موردی: واحد نیرو محرکه شرکت ایران خودرو، پژوهش نامه مدیریت اجرایی، سال دهم، شماره ۱.
  ۱۶. نصیری پور، ا.ا، نیکومرام، ه، غفاری، ف و تاج الدینی، م. (۱۳۹۱). رابطه فرهنگ سازمانی با عملکرد ایمنی، بهداشت و محیط زیست کارکنان مطالعه موردی: شرکت خودروسازی سایپا، فصل نامه بهداشت و ایمنی کار، سال دوم، شماره اول.
  ۱۷. وثوقی، ع. (۱۳۹۰). فرهنگ سازمانی و تاثیر آن بر آموزش، نخستین همایش آسیب شناسی آموزشی سازمانی، تهران.
18. Ahmad, S. and Schroeder, R.G. (2003). The Impact of Human Resource Management Practices on Operational Performance: Recognizing Country and Industry Differences, Journal of Operations Management, 21, Pp. 19-43.
  19. Boxall, P. (1998). Achieving Competitive Advantage Through Human Resource Strategy Towards A Theory Of Industry Dynamics, Jai Press Inc, Vol. 8, No. 3, Pp. 265288-.
  20. Cheung. S. O., P. S.P. Wong., A. W.Y. Wu.(2011), «Towards an organizational culture framework in construction International Journal of Project Management», Volume

- Executive, Vol.1, No.3, pp. 207219-.
29. Tidor, A, Gelmereanu, C, Baru, P. (2012). Liviu Morar Diagnosing Organizational Culture for SME Performance, *Procedia Economics and Finance*, Volume 3, 2012, Pages 710–715.
  30. Wright, P. M., Dunford, B. B., & Snell, S. A. (2001). Human Resources and the Resource-Based View of the Firm, *Journal of Management*, 27: 701721-.
  31. Yilmaz, C. and Ergan, E. (2008). Organizational culture and firm effectiveness: An examination of relative effects of culture traits and the balanced culture hypothesis in an emerging economy, *Journal of World Business*, 290306-.
  32. Zehir. C., G. Ertoşun., S. Zehir., B.Müçeldili. (2011), The Effects of Leadership Styles and Organizational Culture over Firm Performance: Multi-National Companies in İstanbul, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Volume 24, 2011, Pages 14601474-.
  - Churchill, G. A. Jr., (1979), A paradigm for developing better measures of marketing constructs, *Journal of Marketing Research*, Vol. 16, February, pp.64–7. Iacocca Institute; (1991). «21 Century Manufacturing Enterprise Strategy; an Industry Led View», Bethlehem, Pa: Lehigh University.
  21. Crocitto, M & Youssef, M. (2003). The Human Side of Organizational Agility, *Industrial & Management Data Systems*. Vol.103, No. 6, PP: 388-397.
  22. Denison, D.; Cho, H.J. and Young, J. (2000). Diagnosing Organizational Culture: a model and method, Working paper, International for management development.
  23. Hang, Y.N. & Chung. M.L, And Foley, Sh. (2008). Strategic Human Resource Management, Firm Performance, And Employee Relations Climate In China, *Human Resource Management*, Vol. 47, No. 1, Pp. 73–90.
  24. Harris, S. O. and Mossholder, K. W. (1996), The Affective Implications of Perceived Congruence with Culture Dimensions During Organizational Transformation, *Journal of Management*, 22 (4), 52747-.
  25. Jacobs. R, Mannionb, R, Daviesc, H.T, Harrisond, S, Kontehe, F, Walshef, K. (2013). The relationship between organizational culture and performance in acute hospitals, *Social Science & Medicine*, Volume 76, January 2013, Pages 115–125.
  26. Lado, A. A., & Wilson, M. C. (1994). Human Resource Systems and Sustained Competitive Advantage: A Competency-Based Perspective. *Academy of Management Review*, 19: 699–727.
  27. [29] Ngo, H.Y. & Lau, C.M. & Foley, Sh. (2008). Strategic Human Resource Management, Firm Performance, and Employee Relations Climate in China, *Human Resource Management*, Vol. 47, No. 1, Pp. 73–90.
  28. Schuler, R. S. and Jackson, S. E. (1987), Linking Competitive Strategies With Human Resource Management Practices , *Academy of Management*

## اتم‌سفر فضا در پدیده‌شناسی به مثابه فضای بدون سطح

**امیر حسین امینی** - پژوهشگر دکتری تخصصی معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.  
**حسین سلطان زاده\*** - دکتری معماری، دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

### چکیده

فضا که اصلی‌ترین بخش معماری است به طول تاریخ و در دوره‌های زمانی مختلف از زاویه‌های متنوع فلسفی از کالبدی تا معنا، از زیبایی‌شناسی فرمی تا زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. اما همواره سوال مهمی که در مقابل این دیدگاه‌ها قرار می‌گیرد آن است که آیا فهم فضا از دیدگاه‌هایی که ذکر شد چه تأثیری در نحوه ادراک انسان از فضا دارد؟ آیا اگر معنای فضا از منظر نشانه‌ها فهمیده شود فضایی مناسب برای زیست انسان است؟ در این پژوهش با تأکید بر مصرف‌کننده فضا یعنی انسان و توانایی‌های او در دریافت داده‌های محیطی و انرژی‌های آن به نظریه‌هایی که در این زمینه در تاریخ اندیشه مطرح شده توجه شده است که ریشه در پدیده‌شناسی نو با مفهوم اتم‌سفر می‌خواهد بنیاد علوم را نقد کند و ساختار جدیدی از جهان بیافریند تحلیل می‌شود. این آرا رادیکال در معماری می‌خواهند علم نوبی دراندازند و ساختار و پارادایم‌های ذهن بشری را که سوار بر اندیشه ایده پیشرفت و علم‌باوری را که ساختار سطوح را در فضای کارتزینی می‌سازد با تجربه حضور تن و زندگی غیر اختیاری انسان در فضای سطح جایگزین کند. در این فرصت از تحول و دگرگونی نحوه زندگی و به طبع آن تحول فضای خانه و خانه‌سازی در ایران که ملموس‌ترین و پرکاربردترین فضا در بین فضاهای زیست انسان است کمک گرفته شده است. در این تحقیق از روش‌های کیفی به منظور شناخت و ارزیابی ادراک تن در فضا با توصیف فضایی مانند میانسرا و در خانه‌های مدرن‌تر حیاط می‌پردازیم. برای این مهم از خانه‌هایی استفاده می‌شود که شاخص و یا از ویژگی‌های خاصی برخوردار نیستن و دلیل انتخاب آن‌ها فقط دارا بودن الگوی فضای معماری دوران خود است. با انتخاب پنج خانه از سه دوره قاجار (خانه‌ی بهشتی، خانه‌ی آرازی)، پهلوی اول (خانه شلویری در قزوین) و دو خانه از دوره پهلوی دوم در مجتمع مسکونی نارمک به تحلیل روند دگرگونی این عملکرد پرداخته می‌شود.

**واژگان کلیدی:** فضای با سطح، فضای بی سطح، پدیده‌شناسی.

### Space atmosphere in phenomenology as a space without surface

#### Abstract

The space that is the main part of architecture has been criticized for the length of history and in various time periods from various philosophical angles from a body to meaning, from the form of Fermi aesthetics to linguistics and typology. But, always, the important question that comes in front of these views is whether the understanding of space has a sense of how it comes from space. If the meaning of space is understood from the point of view, is a suitable space for human biology? In this study, with the emphasis on the consumer of space, human beings and his abilities in receiving environmental data and its energies to theories that are discussed in this context in the history of thought, it is analyzed that the foundation of phenomenology is the foundation of the sciences. The radical vote in architecture calls for a creative science and the structure and paradigms of the human mind that make up the idea of the idea of progress and development that makes the structure of the surfaces in the space of decorative act. In this opportunity, the transformation and transformation of how life and its nature are transformed into the nature of the house and housing in Iran, the most tangible and widely used space among human biology. In this study, we investigate qualitative methods for understanding and evaluating perceptions in space by describing space such as and in more modern houses. For this, it is used to take advantage of the cells that do not possess the characteristics or characteristics of a particular architecture; By choosing five houses from three Qajar (beheshti home, arazi home), side of the first (shelviri house in Qazvin) and two houses from the second side in the Narmak residential complex at the Narmak residential complex.

**Keywords:** Space with surface, space without surface, phenomenology.

\* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۲۰۹۳۲۰۳؛ رایانامه: hos.soltanzadeh@iauctb.ac.ir

این مقاله مستخرج از رساله دکتری امیرحسین امینی با عنوان «تأثیر انسان در طراحی فضا‌های معماری با رویکرد پدیده‌شناسی با مطالعه موردی مجتمع‌های مسکونی در دوره پهلوی» شده است که به راهنمایی دکتر حسین سلطان زاده و مشاوران دکتر غزاله کرامتی و دکتر شروین میرشاهزاده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در حال انجام است.

نوع معماری از طریق فرآیند طراحی معماری ساخته شده‌اش به وجود می‌آورد متحیر شدن و شگفت‌زده‌گی است. عامل‌های طبیعی و انسانی مانند اقلیم و ادراک و حرکت و نور و جاذبه و غیره برای این معماران به عنوان مسایلی است که به سبب پیشرفت‌های تکنیکی از پیش حل شده است و دغدغه اصلی آن‌ها به کارگیری اندیشه‌های نظری و فلسفی علوم به عنوان پارادایم‌های علوم جدید در معماری است. محصول نهایی طراحی فضا با معادلات پارامتریک<sup>۴</sup> و نرم‌افزارهای دیجیتالی بسیار فرم‌گرایانه است.

انسان در ترسیماتی نظیر پلان، نما و مقطع زندگی نمی‌کند بلکه این روش‌های بازنمایی معماری فقط به جنبه‌های ساخت و درک نسبی از مقیاس به وسیله ابعاد و اندازه فضا کمک می‌کنند. پلان نحوه چیدمان عملکردهای (فضاهای) مختلف را نمایان می‌کند. نما، عملکردهای پلان را به صورت عمودی مشخص می‌کند و مقطع فقط اختلاف سطح برخی از فضاها و تا حدودی فرم سقف را نشان می‌دهد. با این تعاریف آن‌ها مانند سه‌نما در ترسیم احجام هستند که برای ترسیم فرم بنا کاربرد دارند. اما این ترسیمات چه به صورت کامپیوتری و دستی توجهی به منطق تکتونیک، بافت مواد و مصالح و اتمسفر فضای معماری ندارند. کامپیوتر فضا را با ارزیابی بصری می‌سنجد و در حد یک تصویر بی‌ارزش می‌کند و معماری را که موضوعی چندحسی است به یک حس تقلیل می‌دهد.

### پیشینه تحقیق

تا زمانی که قادر نباشم جایگاه نظری فضا را در معماری بفهمیم و آن را به‌مثابه عنصری اساسی در نقد معماری بکار ببریم، با همان زبان نقد نقاشی و مجسمه‌سازی بناها را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد و به ستایش و تمجید از بناهایی خواهیم پرداخت که به‌طور انتزاعی متصور گشته‌اند. بی‌توجهی به مسئله فضا باعث گردیده است که در روند ساخت بنا به نحوه قرارگیری فضاها براساس عملکردها و بازی با احجام توجه شود تا به حضور انسان. در کتاب‌های اتمسفر به سال ۱۹۹۵ و زیبایی‌شناسی ۲۰۰۱ نویسنده «گرهارد بومه» مدل مفهومی جدیدی از جهان زیست بشر و فضا ارائه می‌دهد. در این مدل صحبت از انرژی‌هایی است که

عمل و نظر در معماری باید در نهایت به شکل دادن به فضا منجر شود. امری که در سال‌های اولیه قرن حاضر با دو دیدگاه کاملاً متفاوت در کشورهای توسعه‌یافته صورت می‌پذیرد. اولین دیدگاه فرآیندی بر اساس فرمول‌های ریاضی و برتری چشم و تکنیک‌های پرسپکتیو است که تکیه بر تکنولوژی و پیشرفت‌های علوم طبیعی دارد. در مقابل دیدگاه دوم فرآیندی حس‌گرا و تنانی که ایستایی خود را در عوامل ماهوی معماری و حضور مصرف‌کننده می‌گیرد.

با این توضیح هر یک از معماران خود را منتسب به یکی از روش‌های فکری ذکر شده می‌دانند. «شوماخر»<sup>۱</sup>، «لین»<sup>۲</sup>، «گری»<sup>۳</sup> و غیره در گروه اول و «زومتور»<sup>۴</sup>، «هال»<sup>۵</sup>، «مورا»<sup>۶</sup> و غیره در دسته دوم. این معماران چون در چیستی، ماهیت و ضرورت معماری با یکدیگر اختلاف دارند، نحوه طراحی و محصول حاصل شده تمایزهای بنیادی را ایجاد کرده است. این تمایز پرسش قدیمی را بیاد می‌آورد که کدام وجه معماری، علمی یا هنری مهم است؟ (افشار نادری، ۱۳۹۵، ص ۱۷). در جهانی که توصیف شد معماران چگونه می‌اندیشند و چگونه می‌آفرینند؟ در دوسالانه و نیز ۲۰۱۴ جایی که شوماخر نگران اختلاط معماری و هنر است و در سخنرانی خود به صراحت بر هنر نبودن معماری تاکید می‌کند. شیفتگی به ویژگی‌هایی که عصر دیجیتال برای انسان‌ها به وجود آورد باعث شد کامپیوترها و هوش‌های مصنوعی تبدیل به یک فرهنگ شوند و هنجاری جدید بر اساس اندیشه پیشرفت یواخیم فیوره به سازد و با آن، زمام امور جوامع بشری از سرمایه‌داری تا کمونیستی را به دست گیرد و هویت و ساختار خود را به جای نیازهای اساسی انسانی در زندگی تغییر دهد. فضای مجازی با تولید فرم‌های نزدیک به فرم‌های طبیعی، پیچیدگی در ساختار، بافت مواد و مصالح، حذف انسان و حضور هوش مصنوعی، تار و پود ذهن‌های جدیدی را می‌آفریند تا احساس‌های مشخص و طبیعی انسانی که توان درک زیبایی همیشگی و ذاتی را دارد با احساس شگفتی آنی و حض بصری جایگزین کند. وقتی در مقابل طبیعت قرار می‌گیریم به صورت ناخودآگاه احساس کوچکی می‌کنیم و متعجب و شگفت‌زده می‌شویم. عملی که این



هستند که از تجربه‌های انسان آغاز می‌شوند. آن‌ها با ویژگی‌هایشان حال ما را تغییر می‌دهند و با این دگرگونی‌ها انسان‌ها ابژه‌ها را تشخیص و تمیز می‌دهند. بومه در کتاب زیبایی‌شناسی خود معتقد است اتمسفر آن چیزی که میان کیفیت ابژه و یک محیط و حال قرار دارد. این که ما چه حالی داریم این احساس را به ما منتقل می‌کند که ما در چگونه فضایی قرار داریم و یا زندگی می‌کنیم. در نظر او همواره یک اتمسفر بر آن مسلط است و آنچه معماران خلق می‌کنند حداقل از نظر کاربران چنین فضایی است. وی زیر عنوان کلید ادراک حسی نمونه‌هایی را از ادراک اتمسفر توسط تن ذکر می‌کند.

وقتی از کسی بخواهید در مورد ادراک حسی خود برای شما مثالی بزنند این جمله‌ی ساده را می‌گویید که «من یک درخت را می‌بینم». اگر از مفاهیم گزاره‌ای آن صرف نظر شود از آنالیز زبانی پرهیز شده است. این جمله شیوه‌ی ادراک را هم مشخص می‌کند، یعنی ادراک آن درخت از طریق دیدن است و مسأله، بینایی است. این گزاره این مسأله را در خود دارد که چه چیزی را ادراک می‌کنم (یک درخت) چگونه ادراک می‌کنم (می‌بینم). در این نمونه دیدن مورد ادراک قرار می‌گیرد و من خودم را به عنوان بیننده درک می‌کنم. خود دیدن به مثابه دیدن. بحث خود شیوه است و از حس و حال و لذتی که در دیدن است شروع می‌شود و چیزی که می‌توان دید نقش چندانی ندارد. دیدن را چگونه ادراک کنیم؟ وقتی من مجبور می‌شوم که در ذهنم تصور یک درخت را داشته باشم مشخص می‌شود که مثال ادراکی آن‌گونه فهم می‌شود که آن درخت به عنوان یک کل و با فاصله ادراک می‌شود. اما می‌توان خود را زیر آن درخت هم تصور کرد. درست همان‌طور که وقتی باران می‌بارد زیر چتر آن درخت پناه می‌گیرم. در این مورد هم درخت ادراک می‌شود، اما این نوع درک کردن کاملاً متفاوت از ادراک دیدن است.

#### روش‌شناسی تحقیق

روش‌های تحقیق، فنون یا رویه‌های عملی هستند که به‌منظور گردآوری و تحلیل داده‌های مربوط به یک سؤال پژوهشی و یا فرضیه مورد استفاده

ابژه و نمودها در فضا تولید می‌کنند و انسان‌ها آن‌ها را از محیط ادراک می‌کند. این بسته‌های انرژی حاوی محتوا و مفاهیمی هستند که اطلاعات و داده‌های محیط را به تن منتقل می‌کند. بومه می‌خواهد با تجربه‌هایی که در زندگی روزمره وجود دارد مانند احساس سرما و شنیدن اصوات طرحی نو در فلسفه شناخت بشر بوجود آورد. «هرمان اشمیت» در کتاب نیز واژه اتمسفر را در فلسفه، اجتماع، اقتصاد و غیره وارد می‌کند تا ساختاری جدید از جهان تبیین کند و با توصیف واژه اتمسفر، جهان دیگری را برای آینده شناخت و روش زندگی بشر متصور شود. «زومتور» در کتاب معماری اندیشی و اتمسفر می‌نویسد یک اثر معمارانه تنها زمانی می‌تواند از کیفیت‌های یک اثر هنری برخوردار شود که ترکیب فرم‌ها و محتوای اش اتمسفر پرقدرتی بیافریند که بتواند ما را تحت تاثیر قرار دهد. در تصور زومتور، معماری، در درجه‌ی اول، نه پیام است نه نشانه، بلکه پوشش و پس‌زمینه‌ای است برای امور و رخدادهای جاری زندگی و ظرفی حساس برای ریتم گام‌ها روی زمین، برای تمرکز کار، برای سکوت خواب. بناهایی که با چنین ویژگی‌هایی طراحی می‌شدند به سادگی در جای خود حضور دارند و هیچ توجه خاصی را به خود جلب نمی‌کنند. در عین حال، تصور محلی که در آن جای گرفته‌اند نیز بدون آن‌ها تقریباً غیرممکن است. چنین بناهایی انگار سخت به زمین چسبیده‌اند و جزئی بدیهی از محیطشان هستند. انگار می‌خواهند بگویند: «من همین‌جا هستم که می‌بینی. من متعلق به اینجا هستم». موفقیت این مداخله منوط به آن است که بنای جدید دارای کیفیت‌هایی باشد که بتواند با وضعیت موجود وارد تعامل شوند و متن معنادار تازه‌ای بیافرینند و اتمسفری را خلق کند (زومتور، ۱۳۹۴، ص ۱۷-۲۵).

#### چارچوب نظری تحقیق

شالوده ادبیات این تحقیق مبتنی بر اندیشه‌های اندیشمندان غربی استوار است. لیکن با مطالعه نظریات فیلسوفانی نظیر: هرمان اشمیت<sup>۵</sup>، بومه<sup>۶</sup> که درباره فضا و مکان و اصل‌ها و عناصر پایه‌ای در معماری نوشته‌اند، می‌باشد. هرمان اشمیت، حس‌ها را شبیه ابژه‌هایی که در قالب فضا ریخته شده‌اند، ادراک می‌کند. در نظر او اتمسفرها پدیده‌های فضایی

5. Hermman. Schmitz

6. Böhme

قرار می‌گیرند. اما روش‌شناسی عبارت است از چگونگی پیش برد تحقیق و شیوه‌های اجرای آن است. روش‌شناسی به این امر می‌پردازد که نظریه‌ها چگونه ایجاد و آزموده می‌شوند و چه نوع منطقی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این پژوهش از رهیافت پدیده‌شناسی استفاده خواهد شد. پدیده‌شناسی در اصل به‌عنوان کنشی علیه کاربرد روش‌های علوم طبیعی، از سوی مخالفان اثبات‌گرایی در روان‌شناسی و علوم اجتماعی آغاز شد. به بیانی ساده این رویکرد به بررسی ماهیت و ذات پدیده‌ها می‌پردازد. یکی از اصول محوری روش‌شناختی پدیده‌شناسی توصیه به محققان جهت ترک عادت‌های پیشین اندیشه است به معنایی دیگر از هرگونه پیش‌داوری و تصور قالبی متعارف خودداری کند. مشاهده‌ی ناب نخستین به معنای درک یک پدیده به اتکای درون‌مایه و ذات آن پدیده است. هیچ واقعیت مستقل یا عینی خارج از انسان وجود ندارد. تنها آن چیزی وجود دارد که از تجربه و معانی انسان‌ها برمی‌خیزد. در معماری نیز با بازگشت به اصل و مفاهیم فضایی و نحوه ادراک آنها با انرژی‌های محیطی به دنبال بر ساخت فضایی انسانی و تنانی هستند. در نتیجه در پژوهش حاضر به اتمسفر عملکرد میان‌سرا و حیاط در خانه‌های ایرانی معاصر در رابطه‌ی بین مبانی و ویژگی‌های مفهومی مطرح شده در این نحله فکری در نسبت با فضای معماری پرداخته خواهد شد تا شاید افق‌های جدیدی در نقد و خلق فضای معماری پدید آید.

### پدیده‌شناسی

با توجه به این‌که پدیده‌شناسی یک رویکرد است و یک روش نیست، این پرسش مطرح می‌شود که پدیده‌شناسی برای ارتقاء علم چه سودی خواهد داشت؟ در این‌جا می‌توان ادعا کرد که پدیده‌شناسی می‌خواهد در راستای ارتقاء بینش گام بردارد و نه این‌که مسایل را اصلاح کند و برای آنها حکم صادر کند. اغلب سرآغاز پدیده‌شناسی را گوته می‌دانند؛ چرا که در برخی مباحث او در نزاع با نیوتن قرار می‌گرفت، به عنوان مثال درک او از رنگ به گونه‌ای متفاوت از آن‌چه نیوتن درک

می‌کرد، بود.<sup>۷</sup> ریشه‌های پدیده‌شناسی به روش شناخت و پژوهش بیکن بازمی‌گردد؛ به تعلیق درآوردن آگاهی و مشاهده فنومن‌ها و تجربه‌ی آنها (خود را در معرض واقعیت قرار دادن بدون هیچ پیش‌زمینه‌ای).

- پدیده‌شناسی را می‌توان بر چند نوع دسته‌بندی کرد: **پدیده‌شناسی نوع اول:** پدیده‌شناسی روح بر گرفته از آرایه هگل است. او برای هنر بعد تاریخی قایل می‌شود. وحدت روح و خارجی بودن احساس آن در درون یک کلیت آزادی که وظیفه‌ی خاص هنر است فقط به شکل تاریخی امکان‌پذیر است و کمال هنر به درجه‌ی همین وحدت روح و صورت محسوس آن است (خاتمی، ۱۳۹۰، ص ۳۴).
- **پدیده‌شناسی نوع دوم:** به هوسرل یک و دو تقسیم می‌شود. هوسرل در بخش اول نقد خود به علم، نظامی را که از زمان ارسطو تا به حال شکل گرفته ساختاری انتزاعی می‌داند و ادعا می‌کند به نوعی زیست جهان<sup>۸</sup> انسان‌ها در آن سرکوب می‌شود. از طرفی هم نمی‌توان از سیستمی که تا به حال با آن رشد کرده‌ایم، رها و جدا شد چون اگر چنین شود تمام ساختارهایمان فرو می‌ریزد. بنابراین راه چاره را در «اپوخه» کردن مفاهیم می‌توان یافت. دلیتای<sup>۹</sup> نیز در این رابطه سازمان‌یافتگی را به دو صورت دسته‌بندی می‌کند: سازمان فرمال و سازمان واقعی.

در هوسرل بخش دوم، کم‌کم بحث‌هایی تحت عنوان بدن، روح یا نفس مطرح می‌شود. به این صورت که هرگاه می‌خواهیم منطقی فکر و عمل کنیم، بدن سرکوب می‌شود. این فرم، فرم منطقی است که منجر به سرکوب بدن نیز خواهد شد، که در آن سعی می‌شود نسبت بدن با شناخت مورد کاوش قرار گیرد؛ یا به معنای واضح‌تر می‌توان گفت که چطور بدن شناخت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در این‌جا به جای آنکه نفس به

۷. نیچه نیز تمام ارجاعاتش به گوته است.

8. Lebenswelt

۹. ویلهلم دلیتای (۱۹ نوامبر ۱۸۳۳ - ۱ اکتبر ۱۹۱۱) مورخ، جامعه‌شناس، روان‌شناس و فیلسوف آلمانی است.

عنوان واحد قرار گیرد، روان-تنی مبنا فرض می‌شود.

• **پدیده‌شناسی نوع سوم** که مرلو-پونتی<sup>۱۱</sup> را سردمدار آن می‌داند، ادامه‌ی رویکرد یا روش هوسرل بخش دوم است. مرلو-پونتی انسان را سوژه‌ای جدا از عالم نمی‌داند و لذا به جای بر ساخت واقعیت بر توصیف آن تأکید می‌ورزد. در واقع مرلو-پونتی می‌خواهد از طریق این آموزه تفکیک سوژه و ابژه را در مورد انسان حل کند، چرا که با این نگاه، بدن توأمان در جایگاه سوژه و ابژه هر دو قرار می‌گیرد و جدایی و افتراق بین بدن و آگاهی که عامل جدایی وجه سوژکتیو و وجه ابژکتیو آدمی است، از بین می‌رود (مصطفوی، ۱۳۹۴، ص ۱۷). این درهم‌پیچیدگی ابژه و سوژه چیزی است که مرلو-پونتی آن را گوشت<sup>۱۲</sup> می‌نامد. گوشت بر اساس تبادل بنیادین امر ادراک‌پذیر، جهان مشترکی را میان جهان و بدن ایجاد می‌کند (مه‌دلیکوا، ۱۳۹۴، صص ۳۸-۳۹). این رویکرد نیز در تبیین اندیشه اتمسفر بسیار تأثیرگذار بوده که در زمانی دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

• **پدیده‌شناسی نوع چهارم:** بر گرفته از اندیشه‌های هرمان اشمیت<sup>۱۳</sup> است که اساس پدیده‌شناسی هوسرل و مرلو-پونتی را در راستای تبیین مفهوم اتمسفر مورد نقد قرار می‌دهد؛ به این معنا که وی ارجح دانستن «ادراک بصری» نسبت به سایر ادراکات حسی که ریشه در یونان باستان دارد را، به باد انتقاد می‌گیرد؛ زیرا ادراک بصری مشاهده و تجربه است که متکی به حس بینایی یا متافیزیک چشم است، در تمام طول تاریخ یونانیان (از دوران افلاطون و ارسطو) بسیار مهم و مورد توجه بوده است و در عصر دکارت نیز گراف نمودن و استفاده از نمودارها و تبدیل داده‌ها به تصاویر، گواه بر این ادعا است. در عصر

جدید نیز توجه به حس بینایی به شکل فزاینده‌ای رشد می‌کند، تا جایی که انسان دائماً و در شرایط مختلف و متعدد مورد هجوم تصاویر قرار می‌گیرد. نمونه‌ی این توجه در سنت قصه‌نویسی مکتب اصفهان که بسیار حول محور بینایی می‌چرخد مبرهن است. هرگز شهادتی و هوشنگ گلشیری که هر دو تحت تأثیر مکتب عراقی بوده‌اند در این زمره جای می‌گیرند. با توجه به توضیحات داده شده دور از ذهن نیست که ادعا شود پدیدارشناسی و هرمنوتیک به نوعی مفهوم دیدن و نگاه کردن را بسط می‌دهند و آن را نقد نمی‌کنند، بلکه آن را بازتر و گسترده‌تر می‌کنند و بر عمق آن می‌افزایند. ارجح دانستن ادراک بصری به نوعی یادآور شعر «دیدار در شب» فروغ فرخزاد نیز هست که می‌گوید:

و چهره‌ی شگفت/ از آن سوی دریچه به من گفت/ حق با کسی است که می‌بیند ...  
و اذعان می‌دارد که شناخت به واسطه‌ی تمامی حواس انسان و تحت مفهوم و هستی «اتم‌سفر» شکل می‌گیرد و نه صرفاً به واسطه‌ی ادراک بصری.

ژاک دریدا نیز مفهوم اتمسفر را تحت عنوان «متافیزیک حضور» یاد می‌کند. چنان که مشهود است در بیش‌تر تاریخ متافیزیک، ادراک بصری مورد توجه بوده و سایر ادراکات حسی همواره در سایه قرار داشته‌اند. به عنوان مثال برای نگاشتن تاریخ و یا تحقیق و بررسی میدان نقش جهان، از نقشه‌ها و عکس‌ها [عکس‌هایی که بعضاً دستخوش تغییراتی هم به مرور زمان شده‌اند] استفاده می‌کنند و در این حالت نمی‌توان به عمق وجود و هستی میدان نقش جهان پی برد. بنابراین در چنین حالتی اطلاعات و داده‌ها را اپوخته می‌کنند، به این معنا که تاریخی که تا به این جا و در این دستگاه مفاهیم، مدون شده و شکل گرفته را می‌توان از راه دیگری و خارج از آن دستگاه مفاهیم بازخوانی کرد. که به واسطه‌ی این امر و استفاده از داده‌هایی که انسان را به این سمت (پدیده‌شناسی) سوق می‌دهند افق‌های تازه‌ای پیش رو خواهد آمد.

10. Maurice Merleau-Ponty

11. Flesh

۱۲. - هرمان اشمیت دارای ۱۰ جلد کتاب در زمینه‌ی پدیده‌شناسی است (پیتر زومتور و یوهانی پالاسما تحت تأثیر این نوع از پدیده‌شناسی هستند).



## اتمسنفر در بستر پدیدارشناسی نو

پدیدارشناسی نو ظرفیت پیوسته‌ای دارد که از دیگر مسیره‌های فلسفه پیش شرط بگیرد تا علم ویژه را محقق سازد. این علم ویژه به طور خاص دو نیازمندی را داراست، برخی از علوم تحت فشار روش‌های آزمایش‌گری و آماری علوم طبیعی هستند، از این رو نیازمند آن هستند که امور تجربی را تکمیل کنند و برخی دیگر به طور اساسی در جاذبه‌های علوم طبیعی نیستند. اولین گروه عبارتند از معماری (تئوری خانه، فضای داخلی، شهرها) جغرافیا (قالب‌بندی فضایی) پزشکی (بیماری) فنوتیک و روانشناسی؛ گروه دوم که به علوم انسانی معروف شده‌اند، مثل علوم تربیتی که شرایط و اتمسنفر آن‌ها در علوم تربیتی و فضاهای مدرسه، علوم پرستاری و الهیات عملی تجلی می‌یابد. پدیدارشناسی نو می‌کوشد تا که این علوم را تحت تأثیر قرار دهد. آنچه که پدیدارشناسی نو دنبال می‌کند، کاربردش در علوم و زندگی عملی است. از منظر اشمیت می‌توان بیان کرد که پدیدارشناسی نو بطور بنیادین بر روی تجربه و کاربرد آن تمرکز می‌کند و می‌خواهد شماتیک بودن علوم را ترک کند و تجربه‌ی جدید را پیش رو قرار دهد. این توجه جدی به «تجربه‌ی زندگی غیراختیاری» می‌کوشد تا پیش‌فرض‌های دوران یونان و تئولوژی در دوران قرون وسطی و علوم طبیعی در دوران جدید را به چالش بکشد، تا با این پیش‌فرض اساس خود را بنا گذارد که آن «همانا تجربه زندگی غیراختیاری» است تا از خاستگاه این پیش‌فرض بتواند علوم را با این رویکرد بازسازی کند. آنچه در ملاحظه به تاریخ علوم می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، این نکته است که علوم از آغاز دوران یونانی تا دوران جدید در تبیین فضا در چارچوب الگوی هندسه بوده است، تناوردگی هندسه‌ی یونانی بگونه‌ای بوده است که در نسبت بین سطح، خط و دوران آن اشکال را برساخت می‌کند (Schmitz, 2014:9).

## اتمسنفر در بستر فضای بدون سطح

یکی از مفاهیم پایه‌ای پدیدارشناسی نو مفهوم «اتمسنفر» است. در مفهوم اتمسنفر مؤلفه‌ی احساس از اهمیت جدی برخوردار است، چرا که احساس

به‌مثابه اتمسنفر بیان می‌شود و اتمسنفر ابعاد و سطوح مختلف دارد. مفهوم اتمسنفر با امر درون و برون معنا می‌یابد. امر درون و بیرون ناشی از مدل سوژه-ابژه است، اما اتمسنفر می‌کوشد دیوار میان بیرون و درون را درنوردد، تا درون و برون را یکی کند. اتمسنفر فضای بدون سطح است، از این رو ناگزیریم تا به هندسه به مثابه دانشی که به فضا می‌پردازد توجه نماییم؛ چرا که هندسه یکی از ابزارهای علمی ابداعی دوران یونان است که از طریق آن دانش قیاسی شکل گرفته است. در هندسه فضا در سطح موضوعیت پیدا می‌کند. اشکال هندسی مسطحی مثل دایره و مثلث که به فرم کالبد تجلی می‌یابند، به رویه‌ی سطح توجه دارند. این تصور از فضا با تصویری از سطح هویت می‌یابد و در مسیر خود بارورتر می‌شود تا در دوران جدید در قالب هندسه تحلیلی بازسازی شود که در آن مختصات هندسی به فرم انگاره<sup>۱۳</sup> یک «محل» را تعیین دهد.

جدا از علوم طبیعی، باید به پیامدهای این نحله‌ی هندسی در فهم زندگی روزمره توجه کرد که می‌کوشد این تصور از فضا را درک کند. این جا باید به خطای منطقی که در این زمینه روی می‌دهد، توجه کرد. این خطا ناشی از اتکا بر دور منطقی است، بدین شکل این مطالب قابل تصور است که بتواند خود را در این چارچوب تعریف کند که از طریق نقطه و فاصله تعیین پیدا می‌کند. از این رو بایستی از منظر «محل» تحلیل شود، چرا که فاصله بین دو «محل» است که به طور عینی «سکون» یا ثبوت را صورت‌بندی می‌کند. حرکت حد فاصل بین دو «سکون» است، بدین سان که وقتی «حرکت» انجام می‌گیرد، از طریق «محل» و «فاصله» فهمیده می‌شود. بدین شکل که «محل» تبدیل به امر دیگری خواهد شد، یعنی «سکون» که تعیین ثبوت است، در «محل» محقق می‌شود. پس «سکون» که البته تنها در «سکون» صورت می‌پذیرد، از طریق «محل» تغییر می‌کند و خود را تا اندازه‌ای بدین گونه تعریف می‌کند. از این رو، «حرکت» صورت می‌گیرد، بدون این که «محل» حرکت کند.

این جا از جنبه‌ی منطقی تناقصی مشاهده

13. Schematisch



می‌شود، اما چگونه می‌توان از این تناقض امتناع کرد؟ این جاست که سکون در ارتباط با ابژه قرار می‌گیرد؛ بدین معنا که برای تنظیم محل باید به موقعیت و فاصله توجه کرد. بدین شکل که شرط محل، فرض سکون است، چرا که سکون تنها در محل به مثابه ثبوت و استقرار در محل فهمیده شود که دور در تعریف به وقوع می‌پیوندد و تناقصی را از جنبه‌ی منطقی پدیدار می‌سازد؛ بدین شکل که حرکت با سکون تعریف می‌شود و سکون با حرکت. بنابراین باید مفهومی دیگر از «محل» ارائه شود. محل به نوعی که ارائه شده، گونه‌ای نسبی است که از طریق روابطش با محل تعین یافته صورت گیرد. در نتیجه می‌باید از یک سیستم «محل نسبی» سخن گفت که خود در تقابل با آن چه از طریق «موقعیت» و «فاصله» تعین می‌دهد، قرار می‌گیرد (Schmitz, 2009).



تصویر ۲. فضای بدون سطح، آب؛ مأخذ: پالاسما

و رفتارهای صدایی موضوعیت می‌یابد که بیش‌تر یا کم‌تر روی جسم‌های شنونده فرمی را ایجاد می‌کند. ارتفاع و عمق آوا و آهنگ خود را بدین‌سان به رخ می‌کشد. از آن‌جا که این دو به طور خودانگیخته ایجاد می‌شوند، پرسشی مطرح می‌شود که صدا چگونه خود را به مثابه پدیده‌ی متفاوت با دیدن و بدون واسطه آن معنا می‌دهد؛ این فضای بدون سطح چگونه خود را تعیین می‌دهد؟ فضای بدون سطح، هم‌چون باد است که انسان آن را مانند یک حرکت فارغ از تغییر محل درمی‌یابد. اکنون باید دید که باد چگونه تجربه می‌شود؛ بادی که نمی‌خواهد خود را با محل هم‌هویت کند. این تجربه‌ی باد در واقع می‌تواند امری ناکامل باشد که تنها از طریق بخشی از احساس ما در ورای ذهن شکل می‌گیرد. اما این فضای بدون سطح که نمی‌خواهد فرمی منطقی و لاجرم هندسی بگیرد، چگونه می‌تواند صورت‌بندی شود؟ به‌طور مثال، هنگامی که انسان از حالت خفگی از یک اتاق لبریز از دود رها می‌شود، و با این ره‌اشدگی نفس عمیق می‌کشد، اتمسفری با خودش همراه دارد که با بدن دنبال می‌شود و خود را گسترش می‌دهد. اتمسفر پدیده‌ی کاملی است که خود را گسترش می‌دهد، که در این گسترش فضای بدون سطح ممکن می‌شود. سطحی که در آن بدن شناور است. نمونه دیگر از فضای بدون سطح، آب است؛ هم‌چون شناگری که به زیر آب می‌رود، اگرچه او خود را به طور دیداری جهت می‌دهد، اما هم‌چنین با ساختن تصویری که از بدن خود دارد، چیزی را برون‌فکنی می‌کند. در آب، سطح، نقطه و خط هست، از این‌رو، دیگر بدن سه‌بعدی وجود ندارد، چرا که حجم آب که شناگر مقاومت آن را بیش‌تر یا کم‌تر احساس می‌کند، فرمی از احساس را برمی‌انگیزد که در آن به‌طور جدی بدن به مبارزه برمی‌خیزد تا بتواند آب را تحمل کند. آبی که بدن در آن شناور است، حجم دارد، اما سه بعد ندارد. این جا دینامیزی از کشش، تورم و فشار شکل می‌گیرد که همراه با سیلان عناصر حمل‌کننده به نمایش گذاشته می‌شود (Schmitz, 2009: 77).

باید آشکار شود که آنچه سکون است، با رهایی از دور، مدخلی را فراهم آورد تا از ساختار فضایی متکی به سطح عبور کند. چرا که این فضای متکی به سطح است که منجر به خطای منطقی است. از این‌رو، باید فضای بدون سطح را تصور کرد. به‌طور مثال، فضای صدا در طنین‌های متفاوت هم‌چون ریتم، و دیگر صداها

## اتم‌سفر در معماری

تعیین‌کننده‌ترین مفاهیم که معماری و تن انسانی را به هم ارتباط می‌دهند «اتم‌سفر» و «فضای تنانی» است. اتم‌سفرها پدیده‌های فضایی هستند که انسان خود را در درون آن‌ها (فضاها) قرار می‌دهد و متناسب با کاراکتر آن‌ها حال انسان را تغییر می‌دهند و با تجربه‌ی زیسته و حضور تنانی، تشخیص داده می‌شوند. اتم‌سفرها فضاها را تنظیم شده هستند یا به کلام «اشمیت» احساس‌های انسانی هستند که شبیه ابژه‌ها در غالب فضا ریخته شده‌اند.



تصویر ۳. هم حسی؛ مأخذ: پالاسما

اتم‌سفر آن چیزی است که میان کیفیت ابژه یک محیط و حال انسان قرار دارد. این که افراد چه حالی دارند این احساس را منتقل می‌کند که در چگونه فضایی قرار دارند. فضای حضور تنانی همواره و همیشه فضای تنظیم شده‌ای است که اتم‌سفری بر آن مسلط باشد. آن چیزی که معماران باید خلق کنند دست کم از منظر کارکردی چنین فضایی است (Böhme, 2004). در این میان آن‌چه آنها به طور سنتی در نظر دارند یعنی فرم، تناسب و مسافت‌ها نیز قطعاً تعیین‌کننده و با اهمیت است. اما مسأله بر سر به تصویر کشیدن تنگی، گشادگی و کاراکترهای اتم‌سفریکی است که توسط هندسه‌ی یک بنا تعیین می‌شوند. اگر کاراکتر

یک فضا را در چگونگی تأثیرگذاری احساسی آن بدانیم باید به مقولات بالا این‌ها را بیافزاییم: جدی، شادان، والا، سرور و ... (زومتور). در کنار این‌ها کاراکترهای رایج‌تری هم هستند که اتم‌سفر یک فضا به مثابه دنج، الگانت (شیک)، اشرافی، فقیرانه، ادراک می‌شود. به طور کلی دست‌کم پنج کاراکتر می‌توان قائل شد:

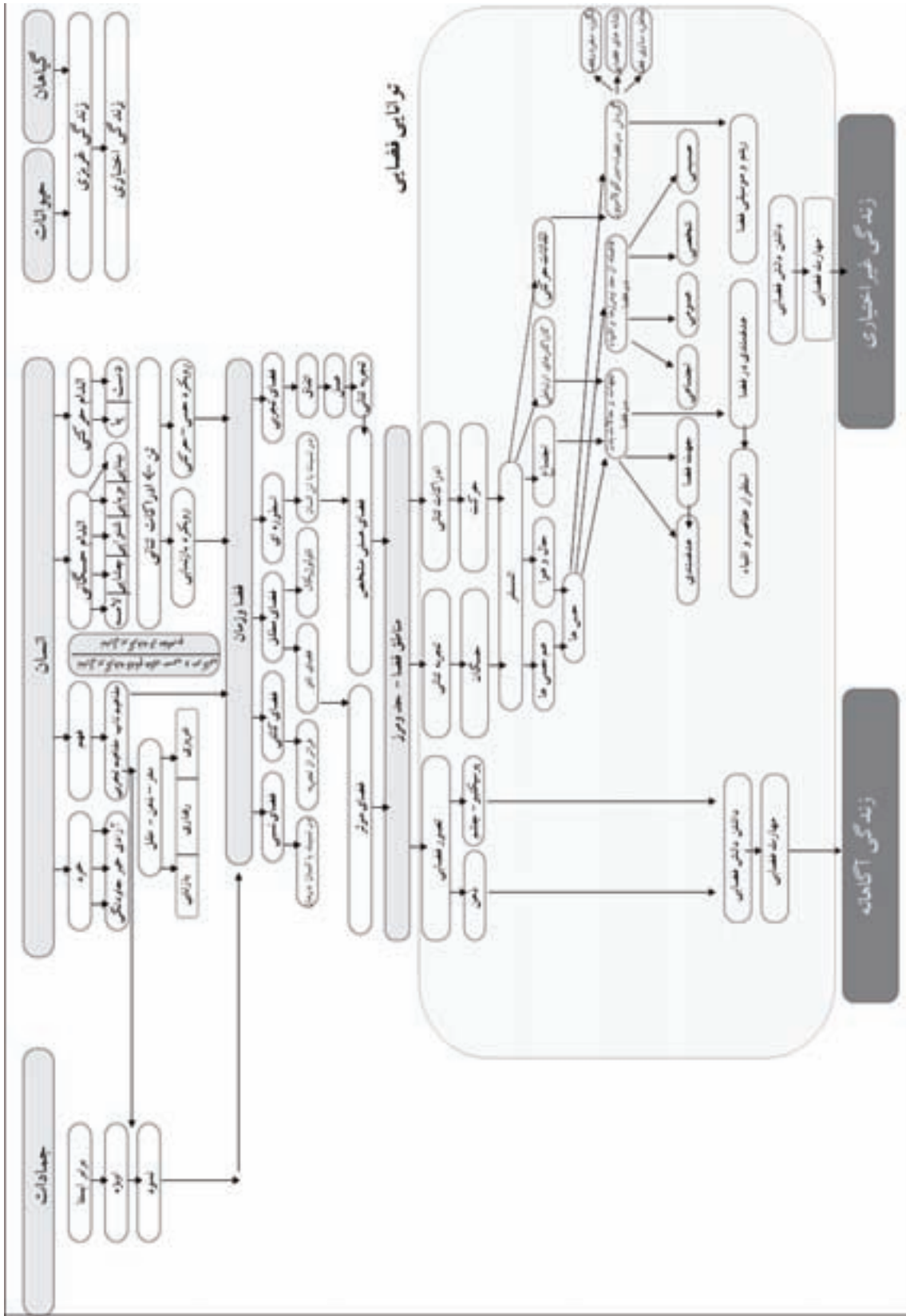
۱. حال و هواها؛ ۲. هم‌حسی‌ها (آب سرد است یا صدایش تیز است)؛ ۳. القائنات حرکتی (پرسپکتیو تو را می‌کشد)؛ ۴. اجتماعی بودن؛ ۵. کاراکترهای ارتباطی.

اتم‌سفرها تولید می‌شوند و آن هم به وسیله‌ی ابژه‌ها. هندسه، گشتالت، تناسبات، نور، رنگ، صدا و غیره جزو ابزارهای تولید اتم‌سفر هستند. اما علاوه بر این‌ها، نشانه‌ها و سمبل‌ها را هم می‌توان نام برد، نه از آن رو که آن‌ها برای کاربری چیزی هستند، بلکه چون به لحاظ فرهنگی می‌توانند اتم‌سفر تولید کنند. توماس راف<sup>۱۴</sup> در کتاب وجه شمایی مصالح درباره چیزهایی صحبت کرده است که از پست مدرن به بعد در معماری ارزشمند شده‌اند یا به عنوان عوامل اصلی در معماری به رسمیت شناخته شده‌اند. اما تفاوت بنیادی است بین پیام‌هایی که توسط یک بنا باید به مخاطب ارسال شود و حضور فضای تنانی. امروز در فراسوی معماری دوران مدرن تفاوت در این است که معماری فضا را به شیوه‌ی دیگر و بسیط‌تر به موضوع خود تبدیل می‌کند. بدین‌سان آفرینش اتم‌سفرها به خواست اصلی فضا تبدیل شده است (Böhme, 2004). کدام یک از اندام‌های حسی و تجربه‌های تنانی توانایی درک و فهم کیفیت‌های فضایی را به انسان منتقل می‌کنند؟ جواب: احساس حرکت برگرفته از اندام‌های حرکتی مانند دست و پا و بینایی، شنوایی، بویایی و لامسه از اندام‌های حسی.

با توجه با مطالبی که در مورد اتم‌سفر از نظر گذشت مفاهیم این نحله‌ی فکری را در نسبت با فضا و عوامل آن به سنجش برده می‌شود و در نهایت مدلی مفهومی از این تفکر با اتکا به مدل انتزاعی هایدگر از جهان و نحوه‌ی عمل کردن انسان و تن آن توسط کانت و عوامل

14. Thomas Ruff

ادراک اتمسفر در نظر بومه و هرمان اشمیت ارایه می‌شود. با استفاده از نظریه اتمسفر داده‌های فضایی مانند انرژی‌هایی هستند که از محیط دریافت و توسط تن ما اندام‌ها و حس‌گرهای آن به صورت بی‌واسته دریافت می‌شود. اتمسفر فضا توسط القائات حرکتی، ادراکات هم‌حسی، رابطه و اجتماع انسان‌ها، حال و هوای محیط دست‌ساز یا انسان‌ساز و ویژگی‌های ارتباطی آن‌ها که رابطه‌ی مستقیمی با فرم و مقیاس و مواد حد و مرزهای فضا دارد فهم می‌شود. در این ارتباط، القائات حرکتی به گردش در فضا و انگیزه‌ی سفر و خاطرات در معماری تفسیر می‌شود و کاراکترهای ارتباطی و اجتماع را با فاصله از حد و مرزها و اشیاء، در فاصله‌های صمیمی، شخصی، عمومی و اجتماعی توصیف می‌گردد. کاراکترهای ارتباطی با جهات و حالات بدن نیز مرتبط می‌شود. این جهات و حالات تنانی با جهاتی که در فضا برای قرارگیری عناصر و اشیاء فضا قرار می‌گیرند اهمیت می‌یابند و با هدفمندی تن برای گردش و حرکت در فضا ارتباط برقرار می‌کنند. در نتیجه ریتم و موسیقی حرکت و انگیزه‌ها و هدفمندی در فضا باعث تولید دانش فضایی و بیشتر به مهارت فضایی تبدیل می‌شود. مهارتی که تغییر حرکت، ادراک و حالات تن را در فضا به صورت ناخودآگاه تغییر می‌دهد. در فضا بسیار مهم است که توانایی فضایی بتواند به سادگی به مهارت تبدیل شود و نه صرفاً دانش. زیرا مانند یک نوازنده‌ی آلات موسیقی دیگر نیازی به نت و تفکر کردن درباره‌ی زمان و به صدا درآوردن آنها ندارد و بر اساس مهارت که تبدیل به حافظه تنانی می‌شود با دیگر اندام‌ها خود اقدام به نواختن می‌کنند. در آن زمان تمرکز مغز و ذهن وجود ندارد.



نمودار ۱. مدل مفهومی طرح پژوهش؛ ماخذ: نگارندگان.

در صفحه‌های گذشته، در رابطه‌ی اندیشه‌ی نگارنده، با چستی و هستی معماری مشخص شده و مدل مفهومی برای نقد فضا ارائه گشت. حال با استفاده از نمونه‌های موردی مدل مفهومی مشخص شده را به سنجش برده تا معین شود چه ویژگی‌هایی از این دیدگاه‌ها ظهور می‌کند. بر این اساس عواملی مانند حرکت، درجه‌ی دمای محیط و خاطره و حافظه را که اتمسفر و ماهیت معماری را شکل می‌دهند با تن و اندام‌های حسی - حرکتی و با تعقل در زندگی غیراختیاری که اتمسفر را ادراک می‌کنند توصیف کرد. خانه‌هایی که انتخاب شده‌اند اصلاً شاخص نبوده و فقط نماینده‌ی ویژگی‌های دوره‌ی ساخت خود هستند. خانه بهشتی ساخته شده در اواخر دوره قاجاریه، خانه‌ی شماره‌ی ۱، خانه آرازی در دوره پهلوی اول خانه‌ی شماره‌ی ۲، خانه شلوپری در دوره پهلوی دوم خانه‌ی شماره‌ی ۳ و دو خانه از مجتمع مسکونی نارمک استفاده شده است. مجتمع‌سازی نماینده معماری کمیت‌گرای مهندسی است و از آن روی که در قزوین مجتمع مسکونی وجود ندارد و نزدیکی آب و هوایی تهران به این شهر و ثابت ماندن عوامل دیگر معماری دو خانه از این مجتمع انتخاب شد.

### از میان سرا تا حیاط

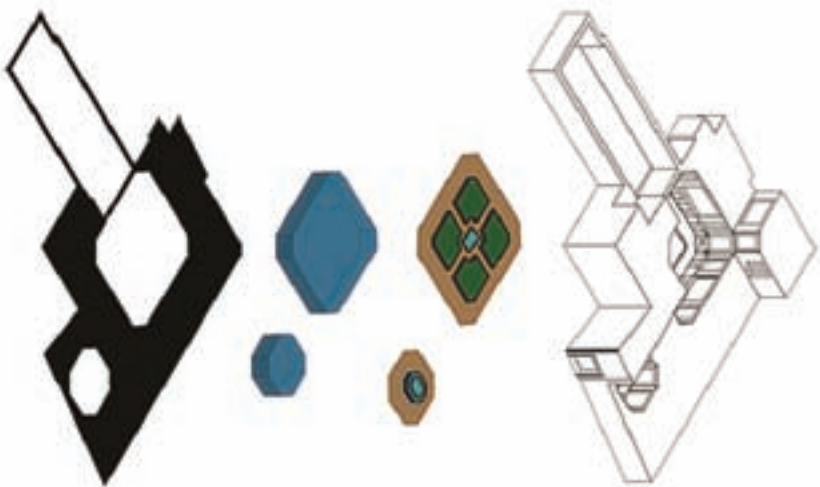
حیاط به مثابه فضای خالی در مقابل فضای پر شده اطراف، نحوه ادراک فضاهای اطراف خود را تعریف می‌کند. کامل‌ترین و خوش‌تناسب‌ترین بخش ساختمان در خانه‌ی شماره‌ی ۱ و ۲ حیاط است. حد و مرزهای آن با فضای داخل به وسیله نیم‌پنجره و درها و پله‌های تو نشسته، مصالح آجری دیوارها و تقسیم‌بندی کف به جهات حرکتی تن انسان و سقفی به ارتفاع آسمان مشخص می‌شود. همانگونه که از نحوه‌ی مکان‌یابی فضاها در سایت این خانه‌ها برداشت می‌شود اولین مکانی که در سایت ساختمان جانمایی می‌شود حیاط است و بقیه‌ی فضاها به عنوان فضاهای جانبی در اطراف آن جانمایی می‌گردد. این امر به دلیل تناسبات مشخص و دقیق این فضا نسبت به فضاهای جانبی در پلان‌ها کاملاً مشهود است. در نتیجه حیاط و اشیاء و عناصر مستقر در آن از اولویت‌های طراحی

معماران در گذشته بوده است. چرخش‌های فضایی که در فضای ورودی‌ها وجود دارد دلیلی می‌شود برای دور ماندن این فضا از نظرها.

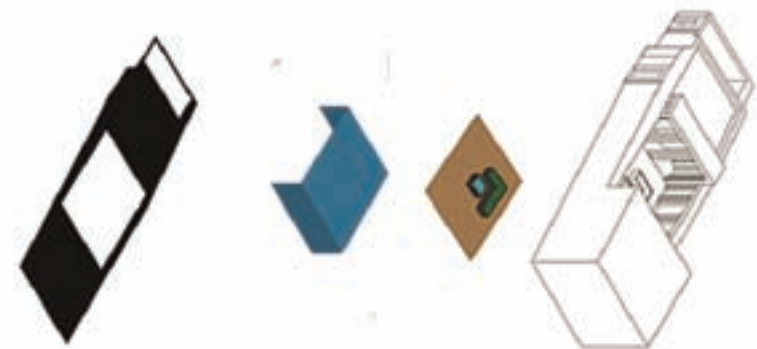
سلسله مراتبی بودن فضا باعث ایجاد تضاد می‌شود که بسیار در تحریک ادراک انسانی مؤثر است. میان سرا دارای کیفیت‌های متنوع تضادی و موسیقایی و در نهایت خاطره‌انگیزی در حافظه‌ی تنانی است. تضادی که بین ادراک فضای تاریک، تنگ و باریک دالان با فضای باز فراخ و روشن میان سرا وجود دارد، بیش‌ترین انگیزه‌ی سفر را تقویت می‌کند. رنگ مواد استفاده شده در کف، دیوار و سقف این فضا در تضادی همگون تمام ادراکات انسانی را به حرکت وا می‌دارند. خاک در ساخت بنا با آب ترکیب می‌شود، در رشد گیاهان و درختان یاری می‌رساند و از رنگ خود برای نمایان کردن سبزی درختان، قرمزی و زردی گل‌ها و از حضور درختان برای سایه‌اندازی و میوه‌دهی و از گل‌ها برای رنگ‌آمیزی فضا کمک می‌گیرد.



خانه (۱)



خانه (۲)



خانه (۳)



خانه (۴)



خانه (۵)



تصویر ۴. سیر تحول میان‌سرا به حیاط و سپس مشا شدن آن؛ ماخذ: نگارندگان.

برای حیاط می‌کند. تجربه‌ی زیستن در سطوح مختلف در میان‌سرا ادراک می‌شود. برای تأمین نور، دید و منظر و هوای مطبوع، میان‌سراهای کوچکی ساخته شده تا که فضاهای جانبی دیگر خانه نیز با کیفیت فضاهای اصلی برابری کنند.

پوست بدن، آب و برگ و ساقه درختان را لمس می‌کند. مانند شاهکار فرانک لویید رایت، خانه‌ی کافمن. سایه‌ی درختان، عطر گل یاس و محمدی، بوی نم خاک، صدای فواره‌ها، وزش باد در بین شاخ و برگ درختان و بازی پرندگان را در فاصله‌ی شخصی و عمومی احساس می‌کند. تحرک و تغییر فاصله تنانی امکان انواع ادراکات را به اندام حسگان انسان می‌دهد. تضاد دیگر مقیاس فضای حرکتی و سطوح آب و باغچه است که به مسیر حرکتی و گردش فضایی رنگ و بوی خاصی می‌بخشد. آب که صیقلی‌ترین مواد است، در مرکز میان‌سرا رنگ آبی آسمان و ریتم‌های آجری را در یک قاب نمایان می‌سازد. باد با حرکت خود و بازی پرندگان در میان شاخه‌ها گوش را نوازش می‌دهد و لایه‌های دیگری از زندگی صامت انسان را یادآوری می‌کند. آب با باد، این فضاهای بی‌سطح ترکیب می‌شوند و قوه‌ی لامسه و بویایی را لمس می‌کند و در کارکردی‌ترین جنبه‌ی خود برای خنک شدن تن و شستن دست و صورت بکار گرفته می‌شوند. عوامل محصورکننده‌ی میان‌سرا در فاصله‌ی عمومی تن قرار می‌گیرند. پاهای برهنه بر روی کف حیاط مواد گوناگونی را که گرما و سرمای متنوعی دارند احساس می‌کند. فاصله‌ی تن با اتصالات و جزئیات به سادگی به ادراک اندام‌های حسی افراد در نمی‌آید و باید برای ادراک آنها وقت صرف شود. آزادی حرکتی در بالاترین سطح خود می‌باشد و تن هم مکث در حال حرکت، نشستن و هم حرکت را تجربه می‌کند. فرم دیوار و سطوح عمومی شکل آسمان ساختمان را می‌سازد. ریتم پنجره‌ها و بازشوها و لغازها بر روی دیوارها ادراک گذشت زمان را با نوای موسیقایی خود از بین می‌برند و فضای میان‌سرا به مکان تغییر چهره می‌دهد. دیوارهای میان‌سرا با لغاز و ریتم‌های مشخصی از خطوط که بیش‌تر عمودی و کم‌تر افقی هستند، ادراک را به سمت آسمان سوق می‌دهد. این ریتم‌ها که نقش سازه‌ای هم دارند، تولید سایه روشن بر روی نما کرده و از یکنواختی و خارج شدن از ریتم حرکت و ادراک مقیاس انسانی جلوگیری می‌کند. باز شدن ارسی‌ها و درها به سمت حیاط فضای داخلی را به خارج متصل و فضای داخلی را ایوانی

خانه (۱)



خانه (۲)



خانه (۳)



خانه (۴)



خانه (۵)



تصویر ۵. میان‌سرا به حیاط و مشاء شدن آن؛ ماحخذ: نگارندگان

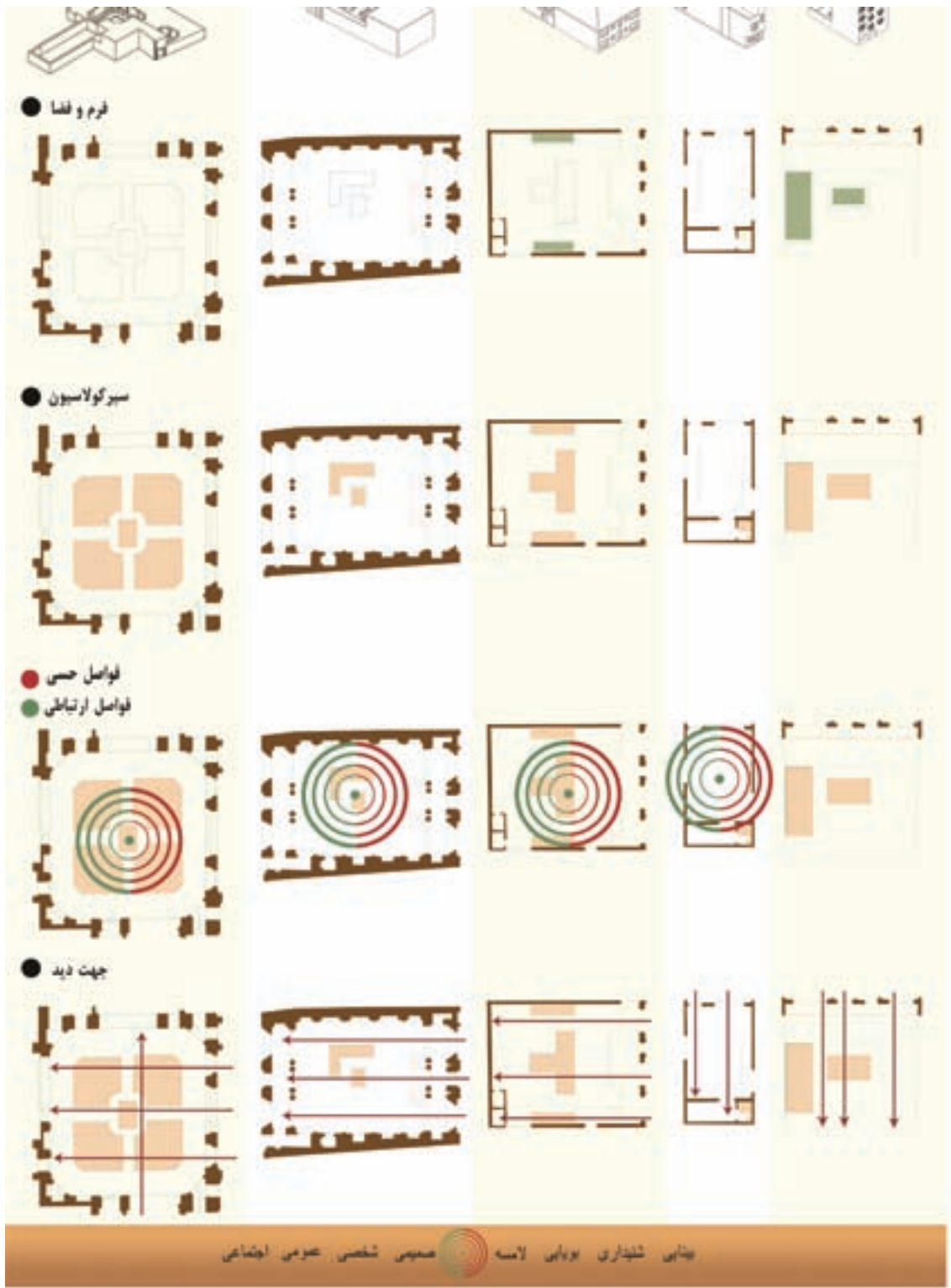
به این میانسراهای کوچک نارنجستان می‌گویند که محل نگهداری مرکبات است. حیاط در خانه‌ی شماره‌ی ۲ از دو جهت کاربری دارد و شروعی بر بی‌ارزش شدن این فضا است. در طرف شمال و جنوب آن ایوان و بالکن ساخته شده است. ایوان فضایی است که نه ویژگی‌های فضای داخلی را دارد و نه خارجی، معمولاً در زمانی که هوا معتدل است استفاده می‌شود و سایه‌اندازی در فضاهای داخلی می‌کند که در الگوی معماری قدیم ایران وجود دارد. اما در این دوران است که پله در مرکز بنا قرار می‌گیرد و نقش تزئینی پیدا می‌کند که برداشتی از بناهای باروک اروپایی است. پله به هندسه تجاوز می‌کند و بخش‌هایی از آن را بلا استفاده می‌کند. از عناصر وارداتی اروپایی می‌توان به ستون‌ها و تزئینات آنها اشاره کرد که سابقه‌ای در تجربه‌های معماری ایران ندارد، اما هنوز اتمسفر حیاط‌های معماری ایران از بین نرفته است و مشخصاً تا خانه‌ی شماره‌ی ۲ زندگی در آن جریان دارد. با توجه به تغییرات ذکر شده در نحوه‌ی زندگی و یا حذف شدن یا تقلیل یافتن عناصر و فضاها در حیاط‌های جدید، دیگر حیاط، آن اتمسفر را که درباره‌اش صحبت شد و محل لمس طبیعت بود ندارد. این مطالب در خانه‌ی شماره‌ی ۳ به خوبی قابل مشاهده است. با حذف میان سرا و شکل‌گیری حیاط‌های امروزی اکثری فضاهای خانه، قابلیت دریافت نور و حتی روشنایی و به دنبال آن دید و منظر و تهویه‌ی طبیعی را از دست می‌دهند و به جای آن فضای تقسیم بدون نور و محرک‌های حرکتی جایگزین می‌شود. در این خانه حیاط به عنوان یک فضای متروکه در یک گوشه از خانه قرار گرفت و تنها از یک جهت دسترسی به ساختمان دارد. یک سرویس بهداشتی در بخش جنوبی که میراث خانه‌ی شماره‌ی ۱ است و تا خانه‌ی شماره‌ی ۴ ساخته می‌شود مشاهده می‌شود. این حیاط ممکن است از نظر ابعاد و اندازه با حیاط خانه‌ی شماره‌ی ۲ برابری کند اما از لحاظ کیفیت زندگی کاملاً متفاوت است.

فضای قرینه و طرح چلیپایی حیاط فضایی جهت‌دار را به وجود می‌آورد و با هم‌نواکردن جهت تن با آن عناصر و جزئیاتی که در این فضا قرار گرفته نسبت به حرکت آزاد و خارج از محوری بنا کار ادراک را ساده‌تر می‌کند. عناصر و المان‌ها در فضاهای جهت‌دار بر روی جهت‌ها قصه‌ای را بازگو می‌کند اما

در خانه‌های مدرن تنها یک جهت وجود دارد و ادراک به صورت بینایی و بر روی حجم بنا قرار می‌گیرد. طرح مشخص و هندسی منطبق بر چهار جهت اصلی (چلیپایی) فضای جهت‌مندی را می‌سازد که جهات تن را به محض قرارگیری در آن با خود هم‌نوا کند. نحوه‌ی شکل‌گیری شهرهای مدرن، افزایش بهای زمین و شکل قطعات زمین و ساخت و ساز درصدی در بخش شمالی و یا جنوبی، مسبب آن گشت که میان‌سرا به حیاط و از چهار جهت کاربری به یک یا دو جهت تغییر ماهیت دهد. خرد دیگر که باغ ایرانی و خانه‌ها را طراحی می‌کرد جای خود را به خرد جهان شمول و عقلانیت ایده‌ی پیشرفت می‌دهد. خردی که جز اقتصاد پول‌محور در جامعه‌ی بحران‌زده و فقیر ایران به کیفیتی دیگر نمی‌اندیشید و اگر مراجع قانونی اجازه می‌دادند سازندگان بنا تمام سطح خاک زمین را به فولاد و بتن تبدیل می‌کردند. این تغییرات ابتدا در ساخت و گسترش شهرها توسط مالکین اعمال شد و سپس به صورت قانون در طرح‌های تفصیلی مطرح گشت.

در خانه‌ی شماره‌ی ۴ با گشودن دری که در بخش جنوبی پذیرایی قرار دارد روی سکویی می‌رویم که به اندازه‌ی سه پله با حیاط اختلاف سطح دارد. کف حیاط موزائیک و دیوارها هم ساده و بدون هیچ اختلاف سطحی از آجر بنا شده‌اند. حیاط در این خانه فقط از یک سو با فضای زیست در ارتباط است و عملاً تبدیل به فضایی بی‌کارکرد و متروکه شده است. باغچه‌ها چسبیده به دیوار است که هم دسترسی را مشکل کرده و هم گرما را از دیوار به گیاهان بازتاب می‌کند که در نتیجه هیچ گیاهی نمی‌تواند زندگی کند. اما در خانه‌ی شماره‌ی ۵ اصلاً حیاطی برای آپارتمان‌هایی که در ارتفاع ساخته می‌شوند وجود ندارد. یک فضای سرباز در جلوی پیلوت با باغچه‌ای چسبیده به دیوار و یک حوض سنگی در مرکز و کف‌سازی از جنس موزائیک به صورت مشاع ساخته می‌شود و اهالی ساختمان به آن رسیدگی نمی‌کنند و معمولاً مانند بیابان خشک و بی‌گیاه است. افرادی که در آپارتمان‌ها زندگی می‌کنند ترجیح می‌دهند برای قدم زدن به خارج از منزل نقل مکان کنند و از حیاط که فضای پیلوت ترکیب شده است و نقش پارکینگ دارد استفاده نکنند. حیاط در این نوع خانه‌ها مانند نارنجستان‌ها فقط کارکرد نورگیری و روشنایی دارد.





تصویر ۶. تحلیل فضا و تغییرات فرم و محتوی میان‌سرا به حیاط با قرارگیری انسان در فضا و با توجه به معیارهای ادبیات تحقیق؛ ماخذ: نگارندگان.





## نتیجه گیری و جمع‌بندی

در هر فرهنگ و محیطی که انسان رشد می‌کند بخش عمده‌ی کیفیت زندگی مربوط به کیفیت فضای ساخته شده برای انسان‌های آن جامعه است. برای فهم این کیفیت باید دانست فضا چیست و درباره‌ی نحوه‌ی ادراک و متافیزیک‌های موجود آن تحقیق کرد. آیا می‌توان معیاری فراگیر و دانشی متقن برای کیفیت فضای زیست در نظر گرفت؟ آیا باید پارادایم‌هایی متغیر منطبق با پیشرفت علوم برای معماری قائل شد تا معماری نیز از دستاوردهای سایر رشته‌های تجربی و فکری بهره‌مند شود؟ اگر منظور از فضا، فضای هندسی یا فضای اقلیدوسی باشد، آفرینش و طراحی فرم‌ها بر اساس ابعاد و اندازه‌ها و مفاهیم ایستایی است، در نتیجه فضا قابل اندازه‌گیری است. انسان مدرن به سختی می‌تواند آلترناتیوی دیگر به جای فضای هندسی متصور شود. از آن جایی که اعداد فقط توانایی بازنمایی کمیت‌ها را دارند این رویکرد به فضا فقط برداشتی بسیار سطحی و فاقد ارائه هرگونه کیفیت فضایی است. نکته‌ی جالب، تفاوتی است که علم ریاضی میان فضای توپوگرافی و فضای متریک قایل می‌شود. این تفاوت در هر دو کانسپت بنیادی فضایی که در اروپا جریان دارد جلوه‌گر می‌شود، فضا به معنی توپوس<sup>۱۵</sup> ارسطو و فضا به معنی اسپتیوم<sup>۱۶</sup> دکارت. فضای خالص و ناب مکان محیط‌ها را می‌شناساند و همسایگی‌های فضای توپوس، کجا بودن، همجوار بودن را مشخص می‌کند و ارتباط موقعیت‌های فضا را تعریف می‌کند، اما مسافت‌ها و فاصله‌ها را تشخیص نمی‌دهد. برخلاف آن، فضای متریک خود را بر مبنای فاصله‌ها تعریف می‌کند و از این رو می‌تواند مکان‌ها و جایگاه آنها را مشخص کند. این دکارت است که با ابداع سیستم مختصات نسبت‌های فضایی را تمام و کمال به مسأله‌ی ترسیم در یک فضای مختصات محوری تبدیل کرد و بدین ترتیب، هندسه را جبری کرد. تفاوت میان توپوس و اسپتیوم می‌تواند و باید برای معماری جالب باشد، اما این جذابیت زمانی معنا پیدا می‌کند که زمینه‌های



زیست جهانی توصیف شود و چگونگی نحوه‌ی رشد ریاضی و سلطه‌ی آن مورد نقد قرار گیرد. معماران ادراک و سپس تخیل می‌کنند و تخیل صورت گرفته را به روش‌های بازنمایی می‌سپارند و بعد بازنمایی را به مقیاس واقعیت اجرا می‌کنند. اما در پایان این فرآیند، دوباره این عکاسی است که نقش اصلی را بازی می‌کند. بنابراین کار معماری به میزان زیادی در فضا به مثابه مدیوم ترسیم اتفاق می‌افتد. پرداختن به ابعاد، اندازه‌ها، فرم‌ها و حجم‌ها بر ذهن آنها سلطه دارد. فضایی که طراحی‌های آنها در آن به ثمر می‌رسد و تحقق می‌یابد فضای اقلیدوسی، متریک، هوموگن و تا حد زیادی ایزوتروپیک<sup>۱۷</sup> بوده و فقط دو جهت بالا و پایین آن هم به دلیل نیروی جاذبه مهم است و باقی آن چیزی که می‌ماند، رفع مسایل هندسی است. در فرآیندهایی که ذکر شد اگر معماری نتواند رابطه‌ای منطقی متناسب با تن بیابد حاصل کار مکان زیسته نمی‌شود. فضای تنانی بیش‌تر به فضای توپوگرافیک آشنا و مانوس است و همجواری‌های محیط‌ها نقش اصلی را ایفا می‌کنند و بیش از هر چیزی این فضای حضور تنانی مرکز محور است (معطوف به من این‌جا هستم). این فضا دارای جهت است و جهت‌هایی است که معطوف هستند به تن یعنی علاوه بر بالا - پایین، چپ - راست و جلو - عقب هم در کار است و فراتر از این جهت‌ها، مبنای جذابیت و مراکز ثقل هم تأثیرگذار است؛ اما موضوعات ذکر شده هم نمی‌توانند کافی باشند، زیرا ادراک اتمسفر در تناسب با قدرت تصور و تجسم فرد نیست، بلکه نسبت با تجربه‌ی تنانی و زندگی غیراختیاری انسان دارد. از این رو وجه تعیین‌کننده‌ی این فضا بر اساس این مفاهیم تعیین می‌شود: تنگی و گشودگی توسط القائات حرکتی، دشواری‌ها، موانع یا روشنایی و تاریکی. همانطور که مشاهده می‌شود فضای حضور تنانی توسط مقولاتی مشخص شده که بر مبنای آنها، محیط یا محیط پیرامون و احساس این‌جا بودن را تحت تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر در یک اتمسفر سوال‌هایی از نوع چه حالی داری پرسیده می‌شود و کجا هستی را جواب می‌گوید.

15. Topos  
16. Spatium

هر معماری که تولید خیرگی و یا حیرت در انسان کند نمی‌تواند در باره اتمسفر فضا سخن گوید و این ویژگی مانع از تجربه‌ی بودن در جهان بر اساس زندگی غیراختیاری می‌شود. این تأثیر مانند زمانی است که انسان از دور به طبیعت نظاره می‌کند و می‌گوید اوه چه منظره‌ای!!! درست است چه منظره‌ای، اما فقط چه منظره‌ای و دیگر هیچ. این نوع بناها از دل اندیشه‌ی برتری پرسپکتیو و نقاشی و یا هنر مجسمه‌سازی برخاسته‌اند و معمولاً کارکرد خاصی جز نمایش خود ندارند و فضا و زیبایی آن را چشمی می‌کنند. بنا هرگاه از هدفش یعنی خلق تجربه‌ی زیسته دور می‌شود، با زیبایی مجسمه‌وار نقد می‌شود، نه با ارزش‌های پایدار انسانی و طبیعی. با اهمیت یافتن چشم ارتفاع مهم می‌شود. از دیدگاه حجمی، خانه‌های شماره‌ی ۱ و ۲ براساس پرسپکتیوهای چشمی در افق رشد نیافته است. در داخل بنا و فضای حیات آکس‌های اصلی که بر روی آن‌ها تزیینات و موتیف‌های معماری وجود دارند خیرگی چشمی را تقویت می‌کنند. در خانه‌ی شماره‌ی ۳ این نکته هم‌چنان با توجه به تغییرات گسترده‌ای که در فضا رخ داده است مانند دو خانه‌ی قبلی نیست. در این خانه آغاز ساخت و ساز در کنار کوچه و خیابان است اما هنوز تأثیرات چشمی نقشی در طراحی بنا ندارند. در خانه‌ی شماره‌ی ۵ با وجود چشمی شدن ادراک اما هیچ‌گونه نشانه‌ای از خیرگی و لذت بصری در حجم آن‌ها وجود ندارد. از این رو این خانه همواره در قفس سرد بینائی محبوس شده است. در این دگرگونی برخی از ویژگی‌ها از دست رفت و ویژگی‌های دیگری جایگزین شد، مثل زیاد شدن سطح ارتباط بنا با فضای خارج از زندگی و کم شدن جزئیات و اتصالات فضایی در سطوح و اعضای معماری. اتمسفر فضا در زندگی غیراختیاری انسان قابل درک است. اتمسفر سطوح بی سطح معماری را تشکیل می‌دهند و قابل مشاهده نیستند مانند سردی هوا و یا گرمی باد. ادراک اتمسفر فضا زمانی است که تمامی اندام‌های حسگانی تن برای فهم فضا درگیر شوند تا روابط پیچیده‌ی مواد، عملکرد، حرکت و زمان را به صورت یک کل واحد درک کنند. با جدا کردن ذهن و تن نمی‌توان در شناسایی فضا کوشید. کارکردگرایی

عقلی و استفاده از تکنیک‌های منطبق بر اپتیک، فضا بی‌حس و عملکردگرایی بدون کارکرد تن می‌شود. در طراحی فضا بدون توجه به قوه‌ی تخیل نه فقط در فرم و کالبد و زندگی غیراختیاری در کشف لایه‌های زیرین محتوی فضا، حظ و لذت تنانی سرکوب می‌شود. لذتی که فقط بصری نیست و فقط با تن و ویژگی‌های آن معین می‌شود.

### منابع و ماخذ

۱. افشار نادری، کامران. (۱۳۹۵). طراحی معماری، فرآیند یا ضد آن. نشریه معمار، شماره ۵۱.
۲. پالاسما، یوهانی. (۱۳۸۸). معماری و ادراکات حسی (چشمان پوست). ترجمه رامین قدس، تهران: پرهام نشر.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). خیال مجسم، ترجمه علی اکبری، تهران: پرهام نقش.
۴. دارتیک، آندره. (۱۳۷۶). پدیدارشناسی چیست؟ ترجمه محمود نوالی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها. زومتور، پتر. (۱۳۹۴). معماری اندیشی. ترجمه علیرضا شلویری، تهران: حرفه هنرمند.
۵. خاتمی، محمود. (۱۳۹۰). اشاره‌ای به زیبایی شناسی از منظر پدیدارشناسی، چاپ سوم. تهران: فرهنگستان هنر.
۶. مصطفوی، شمس‌الملک. (۱۳۹۴). جنبش پدیدارشناسی. مجله اطلاعات حکمت و معرفت، سال دهم، شماره ۵.
۷. مه‌لیکوا، او.ا. (۱۳۹۴). در جستجوی تجربیات جدید بدن به واسطه فضا: نسبت میان سوژه و فضا. ترجمه مهرداد پارسا، مجله اطلاعات حکمت و معرفت، سال دهم، شماره ۶.
9. Böhme, Gernot und Böhme, Hartmut. (2004). Feuer, Wasser, Erde, Luft: Eine Kulturgeschichte der Elemente. München: c.H.Beck oHG.
10. Schmitz. (2014). [Atmosohären], verlag Karl Alber Herрман. Schmitz, 2009, Kurze Einführung in die Neu Phänomenologie ,verlag Karl Alber.

## بررسی محدودیتهای حقوق مالکانه در قانون شهرداری‌ها

**مهدی علیزاده** - کارشناسی ارشد، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران  
**سید محسن بهشتیان\*** - هیات علمی، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران

### چکیده

حقوق مالکانه از ادوار گذشته، یکی از مهم‌ترین مسائل مورد چالش بین اشخاص و دولت‌ها به مفهوم عام کلمه بوده است. در اعصار مختلف به طرق گوناگون، مالکیت خصوصی اشخاص با دخالت دولت‌ها تحدید و در مواردی سلب شده است به طوری که این مداخلات، در زندگی خصوصی اشخاص به عنوان یکی از مخاطرات غیر قابل انکار به شمار می‌رود. این پژوهش با بررسی مفهوم حقوق مالکانه در شرع و قانون و جایگاه آن در برابر منافع عمومی، به معرفی عوامل محدودکننده مالکیت خصوصی در قانون شهرداری‌ها پرداخته است و با اشاره به مصادیق محدودیت‌های موجود، ضمانت‌های احکام صادره و قواعد آمره در قانون شهرداری‌ها را مورد واکاوی قرار داده است. مطالعه منابع و مآخذ حقوقی، ناکارآمدی و قدیمی بودن قوانین مدیریت شهری را نشان می‌دهد که روزآمدی این قوانین موجبات ساماندهی بخشی از مشکلات این حوزه را فراهم می‌نماید. همچنین آموزش و آشنا نمودن شهروندان با فرهنگ شهرنشینی و مقررات این حوزه می‌تواند دولت‌ها را در اعمال مدیریت و اجرای قوانین یاری نماید. پذیرش این معنا که تحدید حقوق مالکانه، برای تأمین ایمنی، سلامتی و آسایش زندگی شهری و برخورداری یکسان آحاد جامعه از تسهیلات و تجهیزات و خدمات عمومی شهری اجتناب ناپذیر است زمینه‌های نیل به شهری مطلوب را میسر می‌سازد. نتایج این پژوهش می‌تواند به طور کاربردی برای برنامه‌ریزان حوزه مدیریت شهری به کار گرفته شود.

**واژگان کلیدی:** حقوق مالکانه، مالکیت خصوصی، منافع عمومی، قانون شهرداری‌ها، فرهنگ شهرنشینی.

### Examination of the restrictions of equity law in the municipalities law

#### Abstract

Equity law has been one of the most important issues of challenge between individuals and governments in the general sense of the word. In different times, private ownership of individuals has been deprived by governments intervention and in cases such interference is considered as one of the undeniable hazards in private life. This study examines the concept of equity law in law and law and its place against public interest in the introduction of restrictions of private property in the municipality's law, and by referring to the examples of restrictions, rules of verdicts and the binding principles of liability has been investigated in the municipality's law. The study of the legal sources and sources shows the inefficiency and of urban management rules that regulate these rules to regulate part of the problems in this area. Also training and acquainting the citizens with the culture of urbanization and regulations of this field can help governments to apply and enforce laws. Recognizing that the limitation of equity law, to provide safety, health and comfort of urban life and the equal status of public utilities and public services, is inevitable; the results of this study can be applied applied to planners in urban management area planners.

Key words: equity law, private property, public interest, municipality's law, urban culture.

محوه همچون شهرسازی، خدماتی، عمرانی یکی از بارزترین حقوق منتسب به مالکان مالکیت های خصوصی را تحدید می نماید، بطوریکه گاه باعث محدودیت های مطلق و حتی در برخی موارد موجب سلب مالکیت مالکان می گردد و در پاره ای از موارد موجبات محدودیت های نسبی آنان را فراهم می سازد و مالکان را ملزم به رعایت مقررات شهرداری ها می کند؛ که همانا این مقررات در جهت حفظ حقوق عمومی شهر و مصالح و منافع عامه جامعه وضع گردیده است که برخلاف میل باطنی مالک، حقوق مالکانه او را تحدید کرده و قانون شهرداری ها به عنوان مهمترین منبع قانونی، تجویز محدودیت های قانونی و مشروع را براساس نیازمندی های عمومی و البته به قدر رفع ضرورت، در نظر گرفته است؛ بنابراین لازم به نظر می رسد در هر مورد که مستلزم اعمال محدودیت های مقتضی و قانونی در مالکیت خصوصی اشخاص بر اساس مقررات شهرداری ها می باشد، بر اساس نص صریح قانون و استناد به قواعد عملی و فنی مسلم، و با رعایت منافع و مصالح ملی و اجتماعی از ورود خسارات به مالکین مالکیت های خصوصی جلوگیری شود.

### مفهوم حقوق مالکانه

مبحث مالکیت از مهم ترین مباحث به شمار می رود، زیرا بسیاری از دیدگاه های مکاتب اقتصادی برخاسته از دیدگاه آنان نسبت به مالکیت است. با شناخت شکل مالکیت و حدود آن، در هر نظام شهری و اقتصادی، می توان به دیدگاه آن نظام در رابطه با سایر مسایل شهری و اقتصادی نیز پی برد، زیرا ساختار مالکیت در جهت دادن به ساختار تولید، توزیع و مصرف نقش به سزایی دارد. مالکیت کلمه ای عربی و مصدر جعلی می باشد و در لغت به معانی مالک بودن، مالکی به کار رفته است (معین، ۱۳۸۷، ص ۳۷). در قوانین موضوعه ایران از جمله قانون مدنی از حق مالکیت تعریفی ارائه نشده است و علمای حقوق با عنایت به اوصاف و آثار مالکیت هر یک از آن تعریفی ارائه داده اند که به چند تعریف در ذیل اشاره می گردد: مالکیت حقیقی است که به موجب آن یک چیزی به طور مطلق و انحصاری در اختیار و اراده

امروزه مفهوم «حقوق مالکانه» یکی از پایه های بنیادین جوامع را تشکیل می دهد و جز حقوق و آزادی های مدنی اشخاص شمرده می شود. تردیدی نیست که مفهوم مال و مالکیت از تاسیسات اصلی جامعه و حمایت از آنها از اهداف مهم دولتها به شمار می رود؛ بنابراین، همانطور که افراد جامعه از آزادی های فیزیکی برخوردارند و باید بتوانند از اموال و مالکیت خصوصی خود بهره مند گردند و آزادانه در مورد حقوق مالکانه خود تصمیم بگیرند، باید این حقوق و منافع مالی آنان نیز مورد حمایت قانونگذار و دولت قرار گیرد و از هرگونه تعرض و محدودیت مصون بماند. از نظر اسلام و در حقوق ایران حقوق مالکانه، پذیرفته شده است و منشاء آن فطرت، عقل و چگونگی زندگی اجتماعی انسان است. اما اسباب و عامل پیدایش این رابطه و حدود و قلمرو آن، باید در ارتباط با رعایت عدالت اجتماعی و مسایل مربوط به نظم عمومی مورد توجه قرار گیرد؛ این پژوهش که تحت عنوان بررسی محدودیت های حقوق مالکانه در قانون شهرداری ها نگارش گردیده پس از ۶ ماه تحقیق و بررسی و با عنایت به کمی منابع، بخشی از دخالت دولت در مالکیت خصوصی اشخاص در حیطه زندگی شهری مورد واکاوی قرار گرفته است. این تحقیق از دو بخش و چهار فصل تشکیل شده که در بخش اول طی دو فصل به شناسایی حقوق مالکانه و جایگاه آن در برابر منافع عمومی پرداخته و در بخش دوم نیز طی دو فصل به معرفی عوامل محدود کننده حقوق مالکانه در قانون شهرداری و مصادیق تحدید حقوق مالکانه و ضمانت اجراهای تخلف از قواعد آمره محدود کننده در قانون مورد بحث و بررسی واقع شده است. لذا محدودیت های مالکیت خصوصی در مقررات شهرداری ها با توجه به ضوابط شهرسازی و توسعه شهرنشینی به علل و انگیزه های مختلف، رواج یافته است که این امر بیشتر منبعت از وظایف شهرداری ها می باشد. در نظام حقوقی کشور ما نیز شهرداری به عنوان شخصیت حقوقی غیر دولتی (عمومی) برای انتظام بخشیدن به نظام شهر و با استفاده از نظم عمومی موجود، در جهت بسط و سامان نهادن به امورات شهری و با توجه به وظایف

یک نفر واقع می‌شود و از کامل‌ترین حقوق عینی است (عدل، ۱۳۷۸، ص ۵۷).

مالکیت حقی است دائمی که به موجب آن شخص می‌تواند در حدود قوانین تصرف در مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲).

با عنایت به جمیع تعاریفی که از مالکیت ارائه شد نظر به این که تمامی آنها این حق برای شخص (یک فرد انسانی) محترم شناخته شده، به نوع مالکیت خصوصی یا فردی یا اختصاصی تعریف شده است ولیکن برای این که بتوانیم تعریف صحیحی از مالکیت خصوصی ارائه بدهیم باید این نوع از مالکیت را در مقایسه با نوع دیگری از مالکیت که همان مالکیت عمومی است مورد شناسایی قرار دهیم. مالکیت عمومی همان گونه که از نامش پیدا است حقی است که عموم مردم ساکن یک کشور نسبت به اموال پیدا می‌کنند. اموال عمومی برابر قانون مدنی به دو قسمت تقسیم می‌شوند (مشترکات عمومی و اموال دولتی) و هر یک مشمول مقررات خاصی در زمینه انتقال (خرید و فروش) تملک، نوع و چگونگی استفاده و غیره می‌باشند. قانون مدنی از اموال و مشترکات عمومی تعریف ارائه نداده است لیکن مواد ۲۳ لغایت ۲۸ که تحت عنوان اموال بدون مالک می‌باشد، باعث شده که علمای حقوق بنابر استنباط شخصی خویش هر یک تعریفی از آن ارائه دهند که در ذیل به چند تعریف اشاره خواهد شد.

«\* اموالی که برای استفاده مستقیم تمام مردم آماده است، یا اختصاصی به حفظ مصالح عمومی داده شده و دولت تنها از جهت ولایتی که بر عموم دارد می‌تواند آن را اداره کند مانند پل‌ها، موزه‌ها و معابر عمومی» (همان، ۶۵). «\* اموالی است که متعلق به عموم می‌باشد و طبق ماده ۲۳ ق.م. استفاده از آنها برای افراد مطابق قوانین مربوط به آنها خواهد بود» (امامی، ۱۳۷۵، ص ۲۵). البته ناگفته نماند که مالکیت دولت مانند مالکیت خصوصی اشخاص حقوق خصوصی نمی‌باشد بلکه تصویب برخی قوانین تصرفات دولت را در این اشتباه تا اندازه‌ای محدود کرده است. مثلاً تعاملات وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اعم از

خرید و فروش و اجاره و پیمانکاری و ... باید حسب مورد از طریق مناقصه یا مزایده انجام شود مگر در موارد خاصی که در قانون پیش‌بینی گردیده است. یا مثلاً دولت در فروش اموال غیر منقول که از نفایس ملی باشد، تأسیسات و استحکامات نظامی و کارخانجات اسلحه و مهمات‌سازی، آثار و بناهای تاریخی ممنوع می‌باشد. بنابراین مالکیت خصوصی حقی است که به موجب آن شخص می‌تواند به نفع خود نسبت به اموال سلطه مالکانه داشته باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۶۰۰).

### اوصاف مالکیت

مالکیت خصوصی دارای سه وصف اساسی می‌باشد: (۱) مطلق بودن؛ (۲) انحصاری بودن؛ (۳) دائمی بودن، لیکن تصویب قوانین محدودکننده اختیارات مالک، سبب شده که سه وصف مذکور مفهوم واقعی خود را از دست بدهند.

الف: مطلق بودن: حق مالکیت از آن نظر که مالک می‌تواند هر گونه انتفاعی از ملک خود ببرد را مطلق گویند (امامی، ۱۳۷۵، ص ۴۴) و برابر ماده ۳۰ ق.م. که مقرر می‌دارد «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد». مالک حق همه گونه تصرف را در ملک خود دارد و استثنائات ماده ۳۰ چنان فراوان است که به دشواری می‌توان از اطلاق حق مالکیت سخن گفت. در واقع می‌بایست به جای اطلاق حق، از قید قانون در حق مالکیت و انتفاع مالک آن یاد کرد و بیان داشت: «حقی که به مالک اختیار انتفاع و تصرف را در حدود قوانین می‌دهد» (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۱۰۰).

ب: انحصاری بودن: مالکیت انحصار به مالک دارد و تمامی افراد باید آن را محترم بشمارند و به حق او تجاوز ننمایند. ماده ۳۱ ق.م. مقرر می‌دارد: «هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی‌توان بیرون کرد مگر به حکم قانون». مواد ۳۰۸ ق.م. به بعد غاصب را به رد عین ملک و منابع ملزم می‌نماید و مسؤلیت تلف عین و توابع آن را به عهده او می‌نهد. همچنین قانون به سود عموم به مالکان حق ارتفاق تحمیل کرده است تا مؤسسات عمومی بتوانند سیم‌های برق و تلفن و لوله‌های



گاز را در محل های مناسب قرار دهند. حتی دولت و شهرداری ها می توانند ملک مورد نیاز خود را تملک کنند یا زمین بایر را برای آباد کردن و تملک به دیگران بدهند.

ج: دائمی بودن: حق مالکیت محدود به زمان نمی باشد و دائمی است و طبیعت آن با موقت بودن منافات دارد. چنانچه در قانون مدنی مالکیت با فوت مالک از بین نمی رود بلکه به وسیله یکی از اسباب انتقال به دیگری منتقل می گردد. دائمی بودن مالکیت نیز مانند سایر اوصاف مالکیت از استثناء مصون نمانده است. مانند وقف که باعث خروج مالکیت ملک از ید مالک می شود بدون اینکه در مالکیت منتفعان وارد گردد. یا اعراض از مالکیت مالی که مال را جزء مباحات قرار می دهد. بنابراین باید نتیجه گرفت هیچ یک از اوصاف مالکیت خصوصی معنی اصلی خود را حفظ نکرده بلکه فقط نامی از آنها باقی مانده است و پذیرش مواد ۳۰ و ۳۵ ق.م.باید به همراه استثنائات آن باشد.

### حدود مالکیت

در فقه شیعه و حقوق ایران بنا بر قاعده تسلیط، اختیار کامل مالک در تصرف و انتفاع از ملک خود تأیید شده است. لیکن این اختیارات گسترده مالک تنها به عنوان «اصل» پذیرفته شده است. اصلی که استثنای فرآوان پیدا کرده و اعتبار و توان آن به سود منافع اجتماعی و اجرای عدالت کاسته شده است. در این مبحث طی دو گفتار به جای سخن گفتن از دامنه اختیارات مالک، حدود این اختیارات در فقه و حقوق کنونی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. در فقه شیعه، برابر قاعده فقهی «الناس مسلطون علی اموالهم» اشخاص نسبت به اموال خود حق همه گونه تصرف و انتفاع را دارند و می توانند هر گونه که صلاح می دانند از آن بهره برداری نمایند. لیکن این قاعده به موجب قواعد دیگری مانند قاعده لاضرر و نفی عسر و حرج محدود شده است. با توجه به احکام قواعد اخیر الذکر، مالکین دیگر نمی توانند به طور مطلق از ملک خود منتفع شوند بلکه انتفاع مالک در چارچوب قواعدی محصور گردیده که به بررسی آن می پردازیم.

### قاعده لاضرر

یکی از مهم ترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه مانند عبادات، معاملات و غیره به آن استناد می شود قاعده لاضرر است. رسول اکرم (ص) با بیان این قاعده هر گونه ضرر را نفی، لزوم جبران آن را تشریح و اثبات کرده اند. به زعم فقهای اسلام این قاعده پدیده مسؤلیت و الزام آور بود ن جبران آن اعم از حقوقی و کیفری در حقوق اسلام بیان این قاعده از مستغلات عقلیه است. یعنی بدون آن که شارع و قانونگذار حکمی در جهت آن داشته باشند خود عقل به آن می رسد. به طوری که اگر قاعده لاضرر هم وجود نداشت باز مالک حق نداشت در تصرفات خود موجبات اضرار به غیر را فراهم نماید. یعنی تصرفات مالک در ملک خود باید عقلایی باشد. به عبارتی به گونه ای باشد که عقلا بر آن صحه بگذارند. برای روشن شدن موضوع ابتدا معنی ضرر را در فقه مورد بررسی قرار می دهیم.

۱. ضرر عبارت است از فوت آنچه، انسان آن را واجد است، نفس باشد یا عرض یا مال یا جوارح و... بلکه بر حسب عرف عدم النفع هم درموردی که متعلق به آن تمام و کامل باشد ضرر محسوب می شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۹).
  ۲. ضرر عبارتست از نداشتن و از دست دادن هر یک از مواهب زندگی، جان، مال، حیثیت و هر چیز دیگری که از آن بهره مند می شویم (محمدی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۳).
  ۳. ضرر در مورد نفس و مال استعمال می شود ولیکن در مورد احترام و تجلیل و آبرو کمتر استعمال می شود. مثلاً گفته می شود فلانی در معامله ضرر کرد یا دارویی که مصرف کرد مضر بود ولی اگر کسی از دیگری هتک آبرو کند اصطلاحاً گفته نمی شود که به او ضرر زده است (محقق داماد، ۱۳۷۳، ص ۱۴۳).
- اما در حقوق ایران مالکیت خصوصی و انتفاع مالک از مایملک خود به صورت مطلق، مورد پذیرش نمی باشد و در خصوص تصرفات مالک در ملک خود از حقوق اسلامی پیروی می شود. به عبارت دیگر قاعده تسلیط به عنوان یک اصل در استفاده مالک از ملکش دارای استثنائات زیادی

شده و از اعتبار و توان آن به سود منافع اجتماعی و اجرای عدالت کاسته شده است. به عبارت دیگر حقوق مالکانه در حقوق ایران با توجه به قانون، نظریه علمای حقوق و رویه قضایی، دارای محدودیت می‌باشد و مالک در انتفاع از ملکش ملزم به رعایت حد قانونی، عرفی و شرعی می‌باشد.

### جایگاه حقوق مالکانه در برابر منافع عمومی در قانون ایران

#### الف: تقدم منفعت خصوصی بر منفعت عمومی در ایران از حیث جامعه‌شناسی و ساختار سیاسی

معمولاً در شرایط عادی یک جامعه، تزاخم اساسی میان منافع فرد و منافع جامعه وجود ندارد و به قول جامعه‌شناسان، فرایند جامعه‌پذیری به گونه‌ای عمل می‌کند که فرد در تعقیب منافع فردی خود هنجارمند عمل می‌کند و به این نحو بدون اینکه اجباری در کار باشد، منافع فردی از گذر پابندی به هنجارهای اجتماعی محقق می‌شود. اما همیشه این گونه نیست و شرایطی در جامعه پیش می‌آید که منافع فرد در جامعه در تنازع با یکدیگر قرار می‌گیرند و از این رو بی‌نظمی و نابسامانی عمومیت می‌یابد. چنین شرایطی را آنومیک می‌گویند و معمولاً در این وضعیت، حرمت هنجارهای مرسوم شکسته شده، نظام اجتماعی از اعتبار می‌افتد و افراد در تحقق منافع خصوصی خود، حقوق اجتماعی را نادیده گرفته و زیر پا می‌گذارند. هرج و مرج و بی‌قانونی و انواع جرایم و انحرافات اجتماعی شایع شده و هم فرد و هم جامعه آسیب‌های جدی می‌بینند. جامعه محل امن برای افراد نیست و انزوای طلبی و گریز از جامعه، پیشه اصلی افراد می‌شود. به نظر می‌رسد که شرایط فعلی در ایران، امروز این گونه است و عدم پابندی افراد به قانون و مقررات از یک سو و احساس یأس و نومیدی و بدبینی در میان افراد از سوی دیگر، سرمنشأ بسیاری از مشکلات اجتماعی امروز می‌باشد. ایران تا قبل از ورود به دنیای جدید و آشنایی با تحولات غرب، یعنی در اوایل دوران قاجار و حتی شاید بتوان گفت عملاً تا قبل از قرن اخیر شمسی، درگیر شرایط آنومیک

نیست و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی پیشین، قدرت و اعتبار خود را برای کنترل نظام اجتماعی دارد. لیکن اجرای برنامه‌های مدرنیزاسیون در ایران، جامعه را در یک وضعیت انتقالی قرار داد و شتاب تغییرات به ویژه از دهه ۴۰ به این طرف و نیز ناموزونی تغییرات در تمام بخش‌های نظام اجتماعی، شرایط آنومیک سال‌های اخیر را شدت بخشیده است. در این شرایط، ارزش‌ها و هنجارهای نظام اجتماعی پیشین با تغییر سریع شیوه‌های معیشتی، تحولات جمعیتی، شهرنشینی گسترده، شیوه‌های جدید تحرک اجتماعی و تعلیم و تربیت، تحولات ساختار سیاسی در چند دهه اخیر به کلی بی‌اعتبار گشته و قدرت خود را بر کنترل نظام اجتماعی از دست داده است؛ به نظر می‌رسد ایرانی‌ها بیش از هر ملتی تجربه زندگی در شرایط دشوار و بی‌نظمی را داشته باشند. در واقع از آنجا که نظام اجتماعی ایران به دلیل ساختار سیاسی عشایری و نیز موقعیت استراتژیکی‌اش همیشه دچار ناپایداری درونی بوده، ایرانی‌ها بیش از هر ملتی، شیوه‌های حل فردی را آموخته‌اند و این بُعد از تربیت ایرانی، بسیار قوی و نیرومند است. از حیث ساختار سیاسی، حکومت‌ها در ایران استبدادی بوده و فرهنگ آمریت که ریشه در استبداد شرقی دارد بر فرهنگ سیاسی ایران حاکم بوده است. در این فرهنگ «قدرت» همه چیز است و حاکم به عنوان موجودی برتر و قهرمان مطرح می‌باشد و از این رو تسلیم‌پذیری در مقابل قدرت برتر، قاعده اساسی است؛ در چنین فرهنگی، فرد می‌کوشد تا به هر نحو ممکن، رضایت حاکم را به دست آورد و به حریم او نزدیک شود، همین امر سبب می‌شد مسؤولیت‌پذیری در ایرانی همواره خطرناک باشد و افراد بر حفظ جان و مالشان همواره از حکام اطاعتی بنده‌وار و تملق‌آمیز داشته باشند.

#### ب: راه حل مناسب جهت رفع تعارض بین منفعت عمومی با منفعت خصوصی

انسان‌ها هر کدام به تنهایی دارای حقوق و آزادی‌های اساسی‌ای هستند که ناشی از ماهیت وجودی آنها به عنوان بشر است. هر انسانی از آغاز تولد، حقوقی دارد و در انجام آنچه به صلاح

خود می‌داند، آزاد و محق است اما از دیگر سو، انسان‌ها به طرز ذاتی به زندگی جمعی خود گرفته‌اند و زندگی اجتماعی، غریزه ذاتی آنها شده است. بنابراین فرد و جمع هر دو، هم تشخیص و هویت متمایز و هم عینیت خارجی دارند. چنین عینیت و تجسمی، نشانگر آن است که فرد و جمع هر دو بنا به ماهیت وجودی خود دارای حقوقی هستند که نمی‌توان از هیچ کدام به زیان دیگری چشم پوشید، بنابراین چون هر دو به طور غریزی از حسن تداوم بقا و حیات برخوردارند و تلاش می‌کنند که به شیوه‌های گوناگون و با بهره‌وری از ابزارهای بسیار، بهترین و بیشترین منافع را از آن خود کنند، چنین است که بین دو منفعت تعارض ایجاد می‌شود.

### شناسایی مفهوم تملک قهری

تملك ملك اشخاص بدون رضایت آنها توسط دولت یا شهرداری‌ها، تملك قهری نامیده می‌شود. نظر به این که در تملك قهری به عنوان یک تأسیس قانونی، رضایت مالک وجود ندارد و از آنجایی که این تأسیس با تأسیسات مشابه همچون ملی کردن و ضبط و مصادره دارای تفاوت‌هایی می‌باشد، لذا در این گفتار به تعریف و شناسایی ماهیت حقوقی تملك قهری، و تفاوت آن با تأسیسات مشابه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

**الف: تعریف و ماهیت تملك قهری:** تملك در لغت به معانی دارا شدن، به چنگ آوردن، مالک شدن، به ملکیت خود در آوردن به کار رفته و در مقابل آن تملیک است که مقصود از آن مال خود را به ملکیت دیگری در آورد می‌باشد (معین، ج اول، ۱۳۸۷، ص ۱۱۴۲). قهری نیز به معانی اضطراری، جبری، غلبه و چیره شدن اجباری و غیر اداری به کار می‌رود (معین، ج دوم، ۱۳۸۷، ص ۲۷۵۵). از نظر اصلاح حقوقی قصد انشاء در قبول ملکیت را تملك گویند که در مقابل آن تملیک قرار دارد. تملك از جانب قبول‌کننده و تملیک از جانب ایجاب‌کننده است (لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۸). تملك قهری عبارت است از «مال دیگری را به اجبار و بدون رضایت و اراده او به ملکیت خود در آوردن»؛ ماهیت تملك قهری همان گونه

که از تعریف حقوقی آن مشخص است همان ماهیت قراردادهای خصوصی اشخاص مانند بیع، صلح و ... است. با این تفاوت که فاقد یکی از شرایط اساسی صحت معاملات می‌باشد که این نیز از استثنائات هر قانون خاص بوده و می‌بایست قانونگذار آن را تصریح نماید؛ شرایط اساسی صحت معامله برابر ماده ۱۹۰ قانون مدنی عبارتند از:

۱. قصد طرفین و رضای آنان؛
  ۲. اهلیت طرفین؛
  ۳. موضوع معین که مورد معامله باشد؛
  ۴. مشروعیت جهت معامله.
- که فقدان هر یک از این شرایط باعث بطلان، یا عدم نفوذ آن عقد و قرارداد خواهد شد.

### عوامل محدود کننده حقوق مالکانه در قانون شهرداری

علت محدودیت‌های ایجاد شده و وضع مقررات محدودکننده مالکیت خصوصی در قانون شهرداری دو عامل کلی به نام طرح‌های شهری، محدوده و حریم شهر می‌باشد

### طرح‌های شهری

از نظر لغوی و نیز شهرسازی واژه طرح معادل کلمه انگلیسی plan به معنای تصویر، نقشه و برنامه عمل می‌باشد. در اصطلاح، برنامه‌ریزی دقیق و منظمی که در آن، خواسته‌ها و مطلوب‌های شهروندان نسبت به آینده لحاظ و با حفظ آثار و ابنیه تاریخی و خاطرات گذشته شهروندان سبب می‌شود کالبد شهر به صورت منطقی و موزون رشد و توسعه یابد. توسعه‌ای که قابلیت‌های موجود، تعقل و آینده‌نگری، خمیرمایه آن را تشکیل می‌دهند و هدف این برنامه‌ریزی، به وجود آوردن چهارچوبی برای شبکه‌های ارتباطی، فضای باز و ساختمان‌ها و همچنین حصول به اهداف اجتماعی و اقتصادی جامعه و سهولت در زیباسازی محیط است.

### انواع طرح‌های شهری

طرح جامع، طرح تفصیلی، طرح هادی، طرح اجرایی و ... از انواع طرح‌های شهری تعریف شده در ضوابط و مقررات شهرداری و شهرسازی می‌باشند که ذیلاً به آنها پرداخته می‌شود.

## طرح تفصیلی شهری

در سلسله مراتب برنامه‌ریزی، طرح تفصیلی پس از طرح جامع شهر قرار می‌گیرد. تفاوت طرح تفصیلی با طرح جامع در جزئیات است، بدین صورت که کلیات طرح جامع و متن و نمودارهای آن به شکل نقاط، خطوط و سطوح مشخص بر روی نقشه ترسیم می‌شوند (نوریان و شریف، ۱۳۷۵). در حقیقت طرح تفصیلی تنظیم برنامه‌های مفصل و انجام اقدامات جزء به جزء در مناطق و محلات شهری و طراحی آنهاست (شیعه، ۱۳۷۵). در قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی آمده است: «طرح تفصیلی عبارت است از طرحی که براساس معیارها و ضوابط کلی و طرح جامع شهر، نحوه استفاده از زمین‌های شهری در سطح محلات مختلف شهر و موقعیت و مساحت دقیق زمین برای هر یک از آنها، وضع دقیق و تفصیلی شبکه عبور و مرور و میزان تراکم جمعیت و تراکم ساختمانی در واحدهای شهری، اولویت‌های مربوط به مناطق بهسازی، نوسازی و توسعه و حل مشکلات شهری و موقعیت کلیه عوامل مختلف شهری در آن تعیین می‌شود و نقشه‌ها و مشخصات مربوط به مالکیت براساس مدارک ثبتی تهیه و تنظیم می‌گردد» (حجتی‌اشرفی، ۱۳۷۶).

عبارت است از «حد کالبدی موجود شهر و توسعه آتی در دوره طرح جامع و تا تهیه طرح مذکور در طرح هادی شهر که ضوابط و مقررات شهرسازی در آن لازم‌الاجرا می‌باشد.» منظور از حد کالبدی موجود شهر حدود و مساحت مشخص و معینی است که شهرداری‌ها مکلف به ارائه خدمات شهری و انجام اقدامات عمرانی و نوسازی، طبق ضوابط و مقررات طرح‌های جامع و تفصیلی در آن می‌باشند (مستفاد از مواد ۲ و ۵۶ قانون شهرداری‌ها و ماده ۲۳ قانون نوسازی عمران شهری) و منظور از توسعه آتی شهر، محدوده‌ای است که در نقشه طرح جامع حدود آن مشخص شده لیکن شهرداری در یک برنامه زمانی معین در آینده مکلف به ارائه خدمات در آن محدوده می‌باشد. در نقشه طرح جامع شهر تهران مصوب سال ۴۸ دو محدوده یاد شده فوق به ۵ ساله و ۲۵ ساله تقسیم و حدود آن مشخص شده است. از سوی دیگر حریم شهر محدوده‌ای مشخص و معین شده در پیرامون شهر که جهت گسترش بعدی شهر در زمانی آتی در بلند مدت در نظر گرفته می‌شود و به تعبیر دیگر همان خط کمربندی یا منطقه‌ای است که تحت نفوذ سیستم گسترش شهر قرار دارد و شامل اراضی و املاک متصل به حد خارجی محدوده شهر است (هاشمی، ۱۳۶۹، ص ۱۶۷).

## محدوده شهر

آنچه حد و مرز داشته باشد و بتوان آن را تعریف نمود محدوده نامیده می‌شود. در حقوق شهری محدوده‌ای است که ضوابط و مقررات شهرسازی شامل طرح‌های جامع شهری، طرح تفصیلی و نیز اعمال وظایف شهرداری‌ها در مدیریت امور شهر و نظارت بر عملیات عمرانی و نوسازی، در این محدوده انجام می‌پذیرد و برای شهروندان و مدیران شهری ایجاد حق و تکلیف می‌نماید. به عنوان مثال شهرداری‌ها خارج از محدوده شهر حق دریافت عوارض ندارند و یا در مورد املاک واقع در محدوده و حریم مکلف به صدور پروانه ساختمان هستند. به موجب ماده یک قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها، منتشر شده در روزنامه رسمی شماره ۱۷۷۵۴ مورخ ۸۴/۱۱/۱۳ محدوده شهر

## مصادقات‌های تملک و تحدید آن

دستگاه‌های تملک کننده برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی خود به اراضی، ابنیه، مستحدثات، تأسیسات و سایر حقوق مربوط به اراضی مذکور و متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی نیاز داشته باشند. (ماده یک قانون نحوه خرید و تملک اراضی و املاک مصوب ۱۳۵۸). منظور از نیازهای دولت و شهرداریها (دستگاه‌های تملک کننده) در ماده ۹ قانون زمین شهری عبارت است از:

الف) تفکیک و فروش توسط وزارت مسکن و شهر سازی به افراد واجد شرایط دریافت زمین جهت مسکن و یا اجرای طرح‌های ساختمان سازی مسکونی.

ب) ایجاد تأسیسات عمومی و عمرانی و اداری و اجرای طرح‌های مصوب شهری و عوض طرح‌های

شهری که حسب مورد به وسیله وزارتخانه ها، شهر داری ها و شرکتهای دولتی و نهادهای و مؤسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است.

ج) حفاظت از میراث فرهنگی کشور؛ منظور از برنامه‌های مذکور در ماده یک لایحه قانونی تملک آن چنان برنامه‌هایی است که اجرای به موقع آن برای امور عمومی و امنیتی دستگاههای اجرایی لازم و ضروری است.

### رعایت تشریفات تملک

پس از آنکه دستگاه اجرایی مطمئن شد که شرایط لازم برای تملک املاک دارد، ملزم به اجرای تشریفات است که عدم اجرای هر یک از آن تشریفات میتواند با شکایت ذی نفع موجبات ابطال کلیه عملیات خریداری و تملک را به حکم دیوان عدالت اداری فراهم نماید. این تشریفات عبارتند از: تقاضای تعیین تکلیف وضعیت ثبتی.

### الف: اعلام قصد تملک

دستگاه مجری طرح تملک بعد از اعلام مراتب به ثبت محل و پس از اخذ نظریه کمیسیون در مورد نوع زمین مورد نیاز خود مبنی بر تملک به مالکان زمین و صاحبان سایر حقوق قانونی اعلام نماید (ماده ۲۵ آئین نامه قانون زمین شهری). بدیهی است سازمان تملک کننده در صورتی مکلف به اعلام این امر به صاحبان سایر حقوق غیر از حق مالکیت میباشد که نام دارندگان حقوق در سند مالکیت یا در پاسخ استعلام از ثبت اسناد و املاک محل به عنوان دارندنده حق (اعم از استیجاری یا رهن یا حقوق زارعانه و ...) قید شده باشد. در غیر اینصورت هیچ تکلیفی به اعلام قصد تملک خود به مدعیان حق نخواهد داشت.

### ب: انعقاد قرارداد

پس از آنکه دستگاه تملک کننده مقدمات لازم را فراهم کرد و اقدامات قانونی مربوطه را یکی پس از دیگری انجام داد، نوبت به یکی از مهمترین مراحل که انجام معامله و انتقال رسمی زمین و ملک موضوع تملک است می‌رسد. در این مرحله، با پرداخت قیمت مناسب و جلب نظر مالک تملک، جنبه یک عقد و معامله واقعی به خود

گرفته و قضیه خاتمه می‌یابد. و یا با عدم رضایت مالک دستگاه مجری رأساً اقدام به تملک زمین بدون جلب رضایت مالک مینماید.

### اقسام نحوه تملک املاک در شهرداریها

در قانون مدنی تعریفی از مال نشده است. مال هر چیز یا امری است که عناصر ذیل را داشته باشد: اول: امکان اختصاص یافتن به شخص (حقیقی یا حقوقی) را داشته باشد. مطابق این ویژگی ضرورت ندارد مال مالک بالفعل داشته باشد. بلکه امکان اختصاص، کفایت می‌کند.

دوم: قابل نقل و انتقال باشد. مقصود امکان نقل و انتقال است.

سوم: نفع داشته باشد یعنی قابل تقویم با پول باشد.

چهارم: منفعت عقلایی داشته باشد و یک هدف عقلایی را دنبال نماید.

مال از لحاظ حقوقی آن چیزی است که ارزش داد و ستد دارد. یعنی مفید است و نیازی را برآورده می‌سازد، خواه آن نیاز مادی باشد خواه معنوی و همچنین قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین می‌باشد.

مال از دیدگاه‌های گوناگون تقسیم می‌شود؛ یکی از این تقسیمها تقسیم اموال به عمومی (اداری) و خصوصی است. شخص حقوقی در حقوق عمومیشخص اداری نامیده شده است مانند دولت و شهرداری و غیره. سایر اشخاص را شخص خصوصی می‌نامند، خواه شخص حقیقی (طبیعی) باشد خواه شخص حقوقی مانند شرکت‌های بازرگانی. اموال شخص اداری را domaine نامند.

اموال شخص اداری (عمومی) بر دو قسم است: اول: اموال عمومی، اموالی که مستقیماً در اختیار عموم برای بهره‌مندی قرار داده می‌شود. مانند پل‌ها، خطوط راه آهن، میدان‌های عمومی، موزه و کتابخانه‌های عمومی و پارک‌ها.

دوم: اموال اختصاصی، حقوق عمومی که در این اموال مانند اشخاص خصوصی عمل می‌کنند و نسبت به آن قواعد تملک خصوصی حکم می‌کند.



## نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

۱. کنکاش در منابع و اسناد نشان می‌دهد شارع مقدس و همچنین قانونگذار در حقوق ایران ضمن پذیرش حقوق مالکانه محدودیت‌هایی را نیز برای آن در نظر داشته است:
  - اسلام برای مالکیت شخصی فرد در جامعه احترام ویژه‌ای قائل شده است لکن تا جایی که موجب ضرر به دیگران و منافع عمومی نشود و این قاعده باعث می‌گردد (قاعده تسلیط) حقوق مالکانه محدود گردد.
  - در حقوق ایران نیز با توجه به قانون، نظریه علمای حقوق و رویه‌های قضایی، مالکیت شخصی فرد دارای محدودیت می‌باشد و مالک ضمن انتفاع از ملکش ملزم به رعایت حدود قانونی، عرفی و شرعی می‌باشد.
۲. یافته‌های پژوهش نمایانگر افزایش محدودیت‌های ایجاد شده در حقوق مالکانه اشخاص در قوانین و مقررات به دلیل الزامات توسعه شهرنشینی است که این امر بیشتر منبث از وظایف محوله قانونگذار به شهرداری‌ها می‌باشد. منشأ اغلب این محدودیت‌ها در قانون به دو دسته تقسیم می‌شود:
  - محدودیت‌های ناشی از اجرای طرح‌های شهری؛
  - محدودیت‌های ناشی از وقوع ملک در محدوده شهری؛
۳. یافته‌های پژوهش اشاره دارد مشکلات عدیده‌ای که اشخاص با شهرداری‌ها در زمینه حقوق مالکانه دارند از منظر منشاء به دو دسته تقسیم می‌شوند:
  - عدم آگاهی شهروندان به قانون و مقررات مدیریت شهری؛ (حجم زیاد و موضوع پرونده‌های مطروحه در دادگستری و دیوان عدالت اداری مبین این مساله است).
  - روزآمد نبودن قانون شهرداری که یکی از مهم‌ترین منابع مربوط به حقوق شهری به شمار می‌رود؛ (این قانون در سال ۱۳۲۴ و در زمانی که شهر و شهرنشینی روندی آرام و طبیعی داشت به رشته تحریر درآمده است).

## منابع و مأخذ

۱. امامی، حسن (۱۳۷۵)، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات کتابفروشی اسلامی، دی‌ماه.
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۲)، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ سیزدهم.
۳. عدل، مصطفی (۱۳۷۸)، حقوق مدنی، نشر طه، قزوین.
۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)، اموال و مالکیت، نشر دادگستر.
۵. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۳)، قواعد فقه، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم، پائیز.
۶. محمدی، ابوالحسن (۱۳۷۴)، قواعد فقه، نشر یلدا، چاپ دوم، پائیز.
۷. معین، محمدی (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی (لغت‌نامه)، چاپخانه سپهر، تهران.
۸. موسوی بجنوردی، سید میرزا حسن (۱۳۸۹)، القواعد الفقیهه، چاپ اول، جلد اول، انتشار مطبوعه الاداب، نجف اشرف.
۹. هاشمی، فضل‌الله (۱۳۶۹)، حقوق شهری و قوانین شهرسازی، تهران، چاپخانه رودکی، چاپ دوم

## بررسی تاثیر کیفیت نظام ارتباطی پروژه بر میزان احساس مشارکت تیم پروژه

حسن ریحانی همدانی - عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور همدان، همدان، ایران  
مهرداد سرهادی\* - دانشجوی دکتری مدیریت پروژه و ساخت، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

### Influence of project communication system quality on participation sense of project team

#### Abstract

Participation as an effective approach has provided a comprehensive response in different level and areas of management, especially project management in deal with postmodern criticisms which have been mentioned against modern management. But what have been neglected are foundations and influential factors on participation improvement. It is important because identification of these factors can have significant influence on our ability to offer effective and practical solution to improve participation phenomenon. This research with the aim of covering this gap in literature has been concentrated on the decisive role of project communication system quality in the improvement of project team participation sense as an important factor and amplifier of participation phenomenon. For this reason, with quantitative approach and by using descriptive-analytical research method, field data have been gathered and factor test has been used in order to diagnosing factors for both communication quality system and participation sense of project team. Result of factor analysis provides the condition in a way that research hypothesis be testable and practical solution be presentable. In final, the test of research hypothesis by using Pearson correlation coefficient, showed positive correlation between project communication system quality and project team participation sense.

**Keywords:** communication system of project, participation sense, factor test.

#### چکیده

مشارکت به عنوان یک راهکار کارآمد در سطوح مختلف و در حوزه‌های متعدد مدیریت، به ویژه مدیریت پروژه توانسته است پاسخ جامعی را در برابر انتقادهای جریان پست مدرنیسم از مدیریت مدرن فراهم نماید. اما آنچه کمتر به آن توجه شده است موضوع زیربناها و عوامل تاثیرگذار بر بهبود مشارکت است. عواملی که شناسایی آنها می تواند تاثیر چشمگیری بر امکان ارائه راهکارهای عملیاتی و اثربخش در جهت بهبود پدیده مشارکت داشته باشد. این تحقیق با هدف پرکردن این شکاف در ادبیات موضوع بر نقش تعیین کننده کیفیت نظام ارتباطی پروژه بر بهبود احساس مشارکت تیم پروژه به عنوان یک عامل مهم و تقویت کننده مشارکت متمرکز شده است. برای این منظور با رویکرد کمی و با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی داده های میدانی گرد آورده شده اند و از آزمون عاملی به منظور شناسایی عوامل شکل دهنده دو مفهوم کیفیت نظام ارتباطی و همچنین احساس مشارکت تیم پروژه استفاده شده است. بر مبنای نتایج حاصل از آزمون عاملی زمینه برای ارائه راهکارهای عملی و آزمون فرض تحقیق فراهم شده است. در نهایت آزمون فرض تحقیق با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون نشان دهنده همبستگی مثبت بین کیفیت نظام ارتباطی پروژه و احساس مشارکت تیم پروژه است.

**واژگان کلیدی:** نظام ارتباطی پروژه، احساس مشارکت، آزمون عاملی

## مقدمه

به طور کلی تغییرات صورت پذیرفته در حوزه مدیریت را می‌توان در چهار محور خلاصه کرد: ۱- نوع تلقی از ساختار سازمانی از تلقی مکانیکی به تلقی ارگانیکی تغییر یافته است. ۲- نوع نگاه به انسان از موجودی عقلایی-اقتصادی به موجودی پیچیده متحول شده. ۳- نوع روش شناسی از روش شناسی مطلق گرا به روش شناسی نسبی گرا تغییر یافته. ۴- و در نهایت تلقی از محیط به عنوان قلمرویی ساده و پایدار جای خود را به محیط پیچیده و ناپایدار داده است (خاکی ۱۳۹۰). به طور خلاصه می‌توان عنوان کرد هر یک از تغییرات عنوان شده صورتی از تغییراتی را که به سبب غلبه تفکر پسانوگرایی ۱ ایجاد شده است نماینگر می‌سازند. در دوران نوگرایی ۲، اهداف به خوبی مشخص می‌شوند، معیارها و شاخص‌های موفقیت با قطعیت تعیین می‌شوند و راه برای حصول اهداف به خوبی ترسیم می‌گردد (Florice, et al. 2014, 1093). همچنین در همین دوران است که به منظور ساده سازی، بسیاری از عوامل تاثیر گذار حذف شده و یا نادیده انگاشته می‌شوند و موضوعات پیچیده مشابه با راه و رسم اثبات گرایان ۳ در حد امکان انتزاعی می‌شوند تا راه برای بهینه سازی ۴ به منظور دستیابی به هدف نهایی هموار شود. اما پس از مدتی که کاستی‌های این رویکرد در عمل بروز و ظهور یافت، مدیریت با رویکرد نوگرا به چالش کشیده شد کاستی‌هایی که شاید بتوان ریشه آن را در تئوری تصمیم گیری عقلانی جستجو کرد تئوری که منجر به شکست تجاری و فنی، تعارضات درونی و بیرونی و پاسخ نادرست به رویدادهای غیر منتظره شد (Florice, et al. 2014, 1091). در این بین مدیریت مشارکتی به عنوان رویکردی در جهت مواجه با طیف وسیع انتقادهای مطرح شده مورد توجه قرار می‌گیرد. به طور کلی تغییر رویکرد به سمت مدیریت پروژه مشارکتی را می‌توان در طیف وسیعی از حوزه

۱. پسانوگرایی واژه جایگزین پست مدرنیسم، مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.
۲. نوگرایی واژه جایگزین مدرنیسم، مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

3. Positivism
4. Optimization

های مدیریت پروژه مورد توجه قرار داد، که در این قسمت به طور مختصر به ۴ حوزه مشخص اشاره می‌شود:

۱. در حوزه تعریف پروژه موفق، مدیریت پروژه مشارکتی معتقد است، معیارهای موفقیت پروژه باید از سوی همه ذینفعان و به صورت مشارکتی تعیین شوند و همه ذینفعان به صورت اثر بخش در فرآیند تعریف معیارهای موفقیت پروژه مشارکت موثر داشته باشند، بنابراین کلیه کنشگران پروژه به هنگام تعیین معیارهای موفقیت پروژه از منافع خود به خوبی حراست خواهند کرد (کرزنر ۲۰۱۱, Todorović, Mitrović and Bjelica 2013, ۵۴, ۵۵), Keeble, Topiol and Berkeley 2002, Jonasson (and Ingason 2013, 1314, Turner 2009, 112
۲. در حوزه سیستم انجام پروژه، تحقیقات صورت پذیرفته، سیستم تجمیعی انجام پروژه را به عنوان یک رویکرد مشارکتی در جهت برون رفت از کاستی‌های سیستم‌های سنتی انجام پروژه توصیه می‌کند (Jones 2014, Mihic, Sertic and Zavrski 2014) (حجی خراسانی و امام جمعه زاده ۱۳۸۶، دورسی ۲۰۰۵). این در حالی است که به موازات این تغییرات، تغییرات معنا داری نیز به واسطه الگوی پروژه‌های PPP در زمینه پروژه‌های زیر ساختی و از طریق توزیع متوازن منافع و ریسک بین کلیه مشارکت کنندگان روی داده است (بیرامی، و غیره ۱۳۹۲، نصرتی، و غیره ۱۳۹۲، سرهادی، نصر اصفهانی و صبحیه ۱۳۹۳) (Tang, Shen and Eddie 2009, Chang 2013, Liu and Suzanne 2013, Hua jin and Zhang 2010, ke, et al. 2010, Khadaroo 2014, Chung, Hensher and Rose 2010)، الگویی که شکل تکامل یافته خود را از طریق مشارکت مستقیم مردم در پروژه در قالب پروژه‌های 4P نشان می‌دهد (Ng, Wong and Wong 2012).
۳. همچنین در حوزه ساختار سازمانی، رویکرد مشارکتی در زمینه‌های مختلفی از جمله مدیریت منابع انسانی و فرآیند تصمیم گیری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این رویکرد در قالب استانداردهای مدیریت

2014). اگرچه این واقعیت که موضوع مشارکت بیش از آنکه ماهیت قراردادی داشته باشد، ماهیتی فرهنگی دارد، موضوعی غیر قابل انکار است (Adnan, et al. 2012)، ولیکن به هنگام ارائه راهکار، نمی توانیم بر کلیت مشکل تاکید کنیم و باید آن را به صورت دقیق تر و موشکافانه تر بکاوییم تا مسیر را برای ارائه راه حل هموار نماییم. هرگونه مشارکت به عنوان اصلی که از سوی بسیاری از صاحب نظران مورد تاکید قرار گرفته، بدون در نظر گرفتن موضوع ارتباطات محقق نخواهد شد (Adnan, et al. 2012, Tam, et al. 2006, Shelbourn, et al. 2007, 363, 366). ارتباطات و نظام ارتباطی مناسب را باید به عنوان قلب هرگونه فعالیتی مشارکتی محسوب کرد، تا جایی که نمی توان هیچگونه مشارکتی را بدون توجه به موضوعات ارتباطی متصور بود (Tai, Wang and Anumba 2009). اعتماد یکی از ویژگی های ارتباط است و نسبت به آن جانبی محسوب می شود، اگر ارتباطی نباشد، صحبت از اعتماد معنایی ندارد. به عبارت دیگر ارتباط عامل ایجاد اعتماد است (Shelbourn, et al. 2007, 364). همچنین انتقال دانش نیز نتیجه ارتباط همراه با اعتماد محسوب می شود، البته هریک از این موارد در نهایت در یک فرآیند برگشتی، پدیده ارتباط را تحت تاثیر قرار خواهند داد. بی جهت نیست که جان ناسبیت ۵ رقابت آینده را رقابت مدیریتی می داند و تمرکز رقابتی بین سازمان ها را در ارتباط موثر بین اعضای داخل سازمان و همچنین بین آنها و اعضای خارج از سازمان عنوان می کند (Tai, Wang and Anumba 2009). ارتباطات پدیده ای است که مشارکت کنندگان را در فرآیندی پیچیده در کنار یکدیگر قرار می دهد، مشارکت موثر مبتنی بر پیش زمینه هایی از جمله عدم قدرت متمرکز و قرار دادن دانش و اطلاعات در اختیار کلیه ذینفعان است، در چنین شرایطی رویکرد غیر تفاهمی و غیر اثربخش در ارتباطات می تواند شرایطی را ایجاد کند که نه تنها منافی نصیب ذینفعان نشود بلکه آن حداقل نظم بروکراتیک و کارآمدی سیستم های قبلی مدیریتی نیز از دست برود. این موضوع با در

پروژه و به منظور فراهم کردن امکان عملی بهره گیری از آن در سه سطح پروژه؛ طرح و سبد مورد تاکید قرار می گیرد، بر این اساس قدرت در سازمان توزیع می شود و کلیه کنشگران سازمانی در فرآیند تصمیم گیری در نظر گرفته می شوند، این در حالی است که تصمیم گیری به عنوان یکی از مهمترین وظایف مدیران شناخته می شود (Drucker 2002). پروژه در این چارچوب به عنوان یک سازمان موقتی تحت تاثیر تغییرات در حوزه تئوری سازمان قرار دارد (Bredin and Soderlund 2011, 20, 21, Packham, Thomas and Miller 2002, Dubois and Gadde 2013, Ott, Shafritz and Jang 2011) (لطیفی ۱۳۹۲، ۴۷، ۴۸)، تئوری که امروز رفتار سازمانی و روانشناسی سازمانی را به عنوان بخش های جدایی ناپذیر خود محسوب می کند (Jex and Britt 2008, Robbins and Judge 2007).

۴. و در نهایت در حوزه روش شناسی تحقیق در مدیریت پروژه، روش تحقیق مشارکتی به عنوان رویکردی در جهت مواجهه با انتقادات به روش تحقیق محقق محور شناخته می شود. بر این اساس به کنشگران در میدان مطالعه این امکان داده می شود تا بر اساس مناسبات و روابطی واقعی که در میدان مطالعه در جریان است و به دور از هرگونه تحمیل و فشار، واقعیت ها را آنگونه که در عمل به وقوع می پیوندند بروز و ظهور دهند، بنابراین محقق از تعمیم و تحمیل الگوها نظری و مدل های ذهنی خود به منظور مواجهه با مسئله اجتناب می کند (Cicmil, et al. 2006, Pollack 2006).

#### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

با توجه به موضوعات مطرح شده، باید تلاش خود را معطوف به این سوال کنیم که مشارکت موثر چگونه امکان پذیر می شود؟ در همین راستا تحقیقی که در رابطه با تدارکات مشارکتی در پروژه های ساخت و ساز در ایران به انجام رسیده، مهمترین مانع مشارکت موثر در ایران را موانع فرهنگی و آموزشی بر می شمارد

نظر گرفتن ماهیت غیر متمرکز پروژه به دلیل توزیع جغرافیایی مشارکت کنندگان، مسئولیت‌های متنوع بخش‌های مختلف و زمان پیوستن متفاوت هریک از بخش‌ها به گروه پروژه اهمیتی دو چندان می‌یابد (EL-Saboni, Aouad and Sabuni 2008, Tai, Wang and Anumba 2009). بنابراین توجه به ارتباطات و افزایش کارایی آن می‌تواند به عنوان مهمترین فاکتور در جهت بهبود مشارکت موثر مطرح باشد. در این راستا این تحقیق در نظر دارد تا با رویکردی قیاسی و با استفاده از داده‌های میدانی به این سوال کلیدی پاسخ دهد که آیا کیفیت نظام ارتباطی پروژه تأثیری بر احساس مشارکت تیم پروژه خواهد داشت؟ و این تأثیر به چه نحوی و از طریق چه عواملی صورت می‌پذیرد؟ پاسخ به این سوال می‌تواند تأثیر چشمگیری بر بهبود فعالیت‌های مشارکتی از طریق ارائه راهکارهای عملیاتی و اجرایی فراهم نماید.

### فرضیه تحقیق

این تحقیق به طور مشخص در پی پاسخ به این سوال است که آیا ارتباطی بین کیفیت نظام ارتباطی پروژه و افزایش احساس مشارکت تیم پروژه وجود دارد؟ به منظور پاسخگویی به این سوال، بر اساس بررسی به عمل آمده در ادبیات موضوع و همچنین در راستای فراهم کردن امکان انجام آزمون آماری، فرضیه زیر مطرح می‌شود. افزایش کیفیت نظام ارتباطی پروژه موجب افزایش احساس مشارکت تیم پروژه می‌شود.

### روش شناسی تحقیق

#### نوع و روش تحقیق

تحقیق حاضر را باید بر اساس هدف، تحقیقی کاربردی محسوب کرد چراکه هدف آن بر طرف کردن نیاز مشخص و شناخته شده ای است (خاکی، ۱۳۹۰، ص ۹۴). همچنین با توجه به سوال مورد پژوهش، این تحقیق را باید بر اساس روش تحقیق، در دسته تحقیقات توصیفی-تحلیلی قرار داد، به این منظور در گام نخست با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه و مرور ادبیات تحقیق، شاخص‌های احتمالی دو مفهوم کیفیت نظام ارتباطی و احساس مشارکت تیم پروژه استخراج شد، و بر اساس آن پرسشنامه طراحی،

و داده‌های میدانی جمع‌آوری گردید. در گام بعد داده‌های میدانی حاصل شده، توسط تحلیل عاملی مورد تحلیل قرار گرفت تا زمینه برای آزمون فرض تحقیق با استفاده از آزمون آماری مناسب فراهم شود. در نهایت نیز علاوه بر نتیجه محوری تحقیق تلاش شده است تا اطلاعات حاصل شده در طی انجام آزمون عاملی به منظور فراهم کردن زمینه استفاده کاربردی از نتایج تحقیق به شکل مناسبی گزارش شود.

### روش نمونه‌گیری

به منظور نمونه‌گیری در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای (MCS) 6 استفاده شده است. در این روش نمونه‌گیری، واحد اندازه‌گیری فرد نیست بلکه گروهی از افراد هستند که به صورت طبیعی شکل گرفته و گروه خود را تشکیل داده‌اند. در این روش در هر سطح خوشه‌ها و در نهایت موارد انتخابی به صورت تصادفی انتخاب می‌شوند. قاعده کلی این است که تعداد خوشه‌های اولیه انتخاب شده تا جایی که ممکن است زیاد باشد و در مرحله بعدی از درون هر خوشه، افراد یا واحد‌های نسبتاً کمی انتخاب می‌شود. دلیل این کار این است که گنجاندن ناحیه‌های مختلف در نمونه، مهم است. اگر تنها یک یا دو ناحیه انتخاب شوند، به یک نمونه کاملاً نامایا (یا نامعرف)، خواهیم رسید. یا به حداکثر رساندن شانس در ابتدای کار، شانس نگهداری نمایایی، در مراحل بعدی را افزایش می‌دهیم. مشکل این است که همچنانکه تعداد خوشه‌ها انتخاب شده در ابتدای کار، افزایش می‌یابد، متعاقباً هزینه‌های سفر نیز افزایش می‌یابد. در پایان باید بین هزینه اجرای نمونه‌گیری و خطای نمونه‌گیری موزانه‌ای صورت‌گیرد (خاکی، ۱۳۹۰، صص ۱۶۱، ۱۵۹). به این منظور جامعه آماری این تحقیق در دو سطح تعریف شده است. تقسیمات منطقه‌ای کشور: ۷. بر این اساس کشور به ۵ منطقه تقسیم

#### 6. Multistage Cluster Sampling

۷. استان‌های ایران در سال ۱۳۹۳ در طبقه‌بندی جدید توسط وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران در قالب ۵ منطقه بر حسب عوامل همجواری، محل جغرافیایی و اشتراکات قرار گرفتند. هر منطقه یک دبیرخانه دائمی دارد که شهرهای تهران، اصفهان، تبریز، کرمانشاه و مشه د به ترتیب محل دبیرخانه مناطق ۱ تا ۵ هستند.



شده است. نوع پروژه ها: تقسیم بندی های متعدد و گاه متضادی از پروژه های ارائه شده است، اما به طور کلی در این تحقیق پروژه ها به ۴ دسته تقسیم شده اند: ۱- پروژه های ساخت و ساز، ۲- پروژه های تحقیق و توسعه، ۳- پروژه های تعمیر و نگهداری، ۴- پروژه های تغییرات اداری.

### تعیین تعداد نمونه ها

در راستای روش نمونه گیری شرح داده شده در ابتدا در هر یک از مناطق ۲۰ پروژه شناسایی شد، در گام بعد این پروژه ها بر اساس نوع پروژه به ۴ دسته در هر منطقه تقسیم شدند، ۷۳ درصد پروژه ها را پروژه هایی با مالکیت بخش دولتی و ۲۷ درصد آن را پروژه هایی با مالکیت بخش خصوصی شکل می دهند. با فرض میانگین ۱۰ عضو به عنوان تعداد اعضای اصلی تیم پروژه و با توجه به تعداد ۱۰۰ (۲۰ پروژه در هر منطقه)

پروژه شناسایی شده، تعداد افراد جامعه آماری این تحقیق ۱۰۰۰ نفر تخمین زده می شود. با این فرض و بر اساس فرمول محاسبه تعداد نمونه که به منظور محاسبه تعداد نمونه ها برای داده های فاصله ای (دیدگاه اول) ۸، مورد استفاده قرار می گیرد تعداد نمونه های مورد نیاز به منظور تامین حداقل اعتبار تحقیق، ۲۷۸ نمونه تخمین زده می شود. این میزان با تعداد نمونه های مورد نیاز عنوان شده در جدول مورگان همخوانی کامل دارد. بر اساس تعداد نمونه های به دست آمده، تعداد ۱۵ پرسشنامه به صورت تصادفی در سه سطح بین اعضای تیم پروژه بر اساس روش نمونه گیری شرح داده شده، بین ۴۴ پروژه به تعداد عنوان شده در جدول ۱- به صورت تصادفی توزیع شده است. و از این تعداد ۲۵۲ پرسشنامه تکمیل گردید (61%) که با توجه به طبیعت تحقیق مطلوب ارزیابی می شود.

جدول ۱. تعداد نمونه ها به تفکیک سطوح نمونه گیری

	نوع پروژه				ساخت و ساز	
	تغییرات اداری	تعمیر و نگهداری	تحقیق و توسعه			
۸	۲	۱	۲	۳	منطقه ۱	مناطق ۵ گانه ایران
۸	۱	۲	۲	۳	منطقه ۲	
۹	۳	۲	۳	۱	منطقه ۳	
۹	۲	۳	۱	۳	منطقه ۴	
۱۰	۲	۳	۲	۳	منطقه ۵	
مجموع	۱۰	۱۱	۱۰	۱۳		

۸. بر اساس دیدگاه اول با اختصاص مقادیر و قدری تسامح می توان این مقیاس را به مقیاس فاصله ای تبدیل و محاسبات آماری مختلف از جمله میانگین و واریانس را روی آن انجام داد و از آزمون های میانگین، تحلیل واریانس و... استفاده کرد.

## روش تجزیه و تحلیل داده ها

به منظور آزمون فرضیه مطرح شده و با هدف فراهم کردن امکان استفاده کاربردی از نتایج تحقیق، در گام نخست دو مفهوم کلی و انتزاعی، کیفیت نظام ارتباطی و احساس مشارکت تیم پروژه بر اساس بررسی ادبیات موضوع و مصاحبه های نیمه ساختار یافته به عمل آمده به شاخص های عینی تبدیل شدند. در گام بعد هریک از پاسخ دهندگان از طریق سوالات مشخصی که بیانگر هریک از شاخص ها بودند مورد پرسش قرار گرفتند. به منظور راستی آزمایی و همچنین افزایش قابلیت درک پاسخ دهندگان بعضی از شاخص ها خود به زیر شاخص هایی تبدیل شدند و قبل از انجام آزمون، مجدداً تجمیع شدند. نتایج حاصل از پرسشنامه در نرم افزار SPSS وارد شد و مجموعه مراحل تحلیل عاملی مطابق با گام های زیر انجام شد:

۱. تعیین شاخص 9KMO و آزمون بارتلت ۱۰ به منظور تعیین امکان استفاده از تحلیل عاملی به طور مجزا برای هریک از مفاهیم اصلی کیفیت نظام ارتباطی و احساس مشارکت تیم پروژه.
۲. انجام تحلیل عاملی به طور مجزا برای هریک از مفاهیم کیفیت نظام ارتباطی و احساس مشارکت تیم پروژه به منظور تعیین عامل های اصلی هریک از مفاهیم.
۳. محاسبه میانگین امتیاز کیفیت نظام ارتباطی و همچنین میانگین امتیاز احساس مشارکت تیم پروژه برای هریک از پاسخ دهندگان بر اساس عوامل و شاخص های به دست آمده در مرحله قبل.
۴. محاسبه ضریب اسپیرمن بر اساس میانگین های به دست آمده به منظور آزمون فرض تحقیق مبنی بر وجود رابطه همبستگی مثبت بین کیفیت نظام ارتباطی و افزایش میزان احساس مشارکت تیم پروژه.

## یافته های پژوهش

### آزمون عاملی - کیفیت نظام ارتباطی

میزان KMO حاصل از آزمون برابر ۰/۸۵۰ است، که حاکی از کفایت تعداد پاسخ دهندگان برای انجام تحلیل عاملی می باشد. همچنین مقدار sig آزمون بارتلت، کوچکتر از ۵ درصد است، بنابراین فرض شناخته شده بودن ماتریس همبستگی رد می شود.

جدول ۲. عوامل شناسایی شده حاصل از آزمون شاخص های ارزیابی کیفیت نظام ارتباطی

شاخص ها	عوامل	
	۱ عامل فنی	۲ عامل انسانی
ابزار ارتباطی مناسب	۰,۵۸۲	-۰,۴۴۱
سطح جزییات اطلاعات دریافتی	۰,۸۰۲	۰,۲۵۰
ساختار و نحوه تقسیم بندی اطلاعات	۰,۷۴۹	-۰,۳۸۰
کاربرد بودن محتوای اطلاعات	-۰,۰۱۶	۰,۷۵۵
مازاد نبودن اطلاعات دریافتی	۰,۷۵۹	۰,۱۸۰
زمان دریافت اطلاعات	۰,۳۹۸	-۰,۶۳۷
اعتماد به منبع توزیع اطلاعات	-۰,۶۰۵	۰,۱۶۳
فاصله بین منبع اطلاعات و دریافت کننده اطلاعات	۰,۳۸۴	۰,۵۸۴
شاخص رسمیت ارتباطات	۰,۵۱۳	۰,۶۲۷

با توجه با انجام تحلیل عاملی بر روی ۹ متغیر کیفیت نظام ارتباطات پروژه، دو عامل به عنوان عامل های اصلی شناسایی می شود (جدول-۲). این دو عامل با توجه به بررسی به عمل آمده در ادبیات تحقیق با شکل زیر نامگذاری می شوند.

- عامل فنی شامل شاخص های ابزار ارتباطی مناسب، سطح جزییات اطلاعات دریافتی، ساختار و نحوه تقسیم بندی اطلاعات، مازاد نبودن اطلاعات دریافتی، و زمان دریافت اطلاعات.
- عامل انسانی شامل شاخص های کاربرد بودن محتوای اطلاعات، اعتماد به منبع توزیع اطلاعات، فاصله بین منبع اطلاعات و دریافت کننده اطلاعات، و شاخص رسمیت ارتباطات.

### آزمون عاملی - میزان احساس مشارکت

میزان KMO حاصل از آزمون برابر ۰/۶۲۹ است، که حاکی از کفایت تعداد پاسخ دهندگان برای انجام تحلیل عاملی می‌باشد. همچنین مقدار sig آزمون بارتلت، کوچکتر از ۵ درصد است، بنابراین فرض شناخته شده بودن ماتریس همبستگی رد می‌شود.

جدول ۳. عوامل شناسایی شده حاصل از آزمون شاخص های ارزیابی احساس مشارکت

شاخص ها	عامل	
	۱ عامل تعلق	۲ عامل احساس بودن منصفانه بودن
تمایل به صرف زمان بیشتر برای پروژه	۰,۴۲۸	۰,۳۰۸
عادلانه بودن توزیع ریسک و سود	-۰,۴۳۸	۰,۵۸۶
رضایت از سایر اعضای تیم پروژه	۰,۴۲۱	-۰,۵۴۴
میزان احساس توجه به نقطه نظرات	۰,۴۵۲	۰,۶۰۴
آزادی در اظهار نظر	-۰,۱۴۵	۰,۵۳۶
مشارکت در تصمیم گیری	۰,۴۲۰	۰,۶۵۶
زمان حضور در پروژه	۰,۷۳۴	۰,۰۰۴
میزان تعلق به پروژه	۰,۶۹۵	-۰,۱۷۲

با توجه با انجام تحلیل عاملی بر روی ۸ متغیر احساس مشارکت در پروژه، دو عامل به عنوان عامل های اصلی شناسایی می‌شوند (جدول-۳). این دو عامل با توجه به بررسی به عمل آمده در ادبیات تحقیق به شکل زیر نامگذاری می‌شوند.

- عامل تعلق شامل شاخص های تمایل به صرف زمان بیشتر برای پروژه، رضایت از

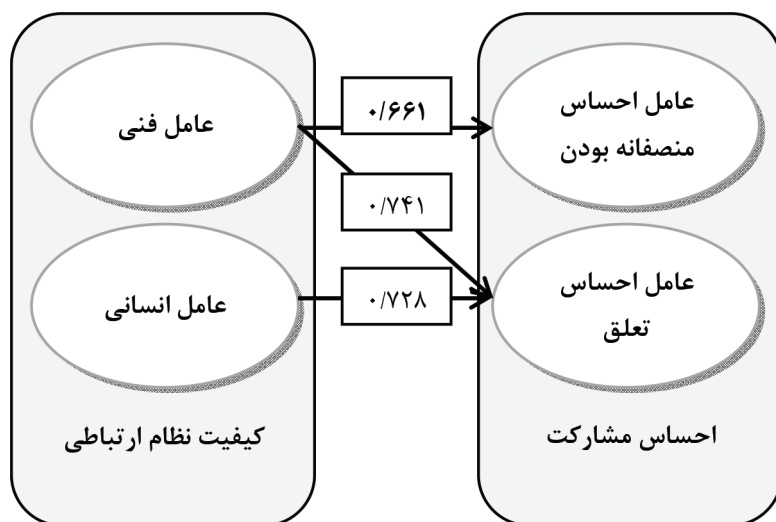
سایر اعضای تیم پروژه، زمان حضور در پروژه، و میزان احساس تعلق به پروژه.

- عامل منصفانه بودن شامل شاخص های عادلانه بودن توزیع ریسک و سود، میزان احساس توجه به نقطه نظرات، آزادی در اظهار نظر، و مشارکت در تصمیم گیری.

### آزمون فرضیه

بر اساس عوامل اصلی به دست آمده از تحلیل عاملی و همچنین شاخص های مرتبط با آنها از طریق نرم افزار Excel، میانگین امتیاز هریک از عوامل تعیین شده برای کیفیت نظام ارتباطی و همچنین احساس مشارکت تیم پروژه، به طور مجزا برای هریک از پاسخ دهندگان محاسبه شد، و آزمون پیرسون<sup>۱۱</sup> به منظور بررسی رابطه همبستگی بین ۴ عامل تعیین شده، توسط نرم افزار SPSS انجام گرفت، بر اساس نتایج به دست آمده (شکل-۱)، همبستگی بین عامل فنی و عامل احساس تعلق (۰,۷۴۱) و احساس منصفانه بودن (۰,۶۶۱)، معنی دار و مثبت ارزیابی می‌شود. همچنین همبستگی بین عامل انسانی و عامل احساس تعلق (۰,۷۲۸) معنی دار و مثبت بوده اما رابطه همبستگی بین عامل انسانی و عامل احساس منصفانه بودن معنی دار نیست. بر این اساس فرض تحقیق تایید می‌شود و می‌توان عنوان کرد که بهبود کیفیت نظام ارتباطی پروژه، تاثیر مثبتی بر احساس مشارکت تیم پروژه خواهد داشت و این دو متغیر اصلی دارای رابطه همبستگی مثبت هستند.

11. Pearson



شکل ۱. ضریب همبستگی بین عوامل اصلی مفاهیم کیفیت نظام ارتباطی و احساس مشارکت

تحقیق حاضر با شناسایی عوامل اصلی و تشکیل دهنده مفاهیم عنوان شده، متغیرهای تاثیر گذار بر آن‌ها را نیز آشکار می‌کند و این موضوع میتواند به بهترین شکل ممکن، زمینه عملیاتی سازی و ارتقا فعالیت های مشارکتی از طریق بهبود نظام ارتباطی پروژه را فراهم سازد. در این چارچوب به منظور افزایش احساس تعلق و احساس منفصانه بودن از طریق عامل فنی باید بر مازاد نبودن اطلاعات دریافتی، زمان دریافت اطلاعات، ابزار ارتباطی مناسب، سطح جزئیات اطلاعات دریافتی، و در نهایت ساختار و نحوه تقسیم بندی اطلاعات تمرکز شود. همچنین به منظور افزایش احساس تعلق از طریق عامل انسانی باید بر اعتماد به منبع توزیع اطلاعات، فاصله بین منبع اطلاعات و دریافت کننده اطلاعات، شاخص رسمیت ارتباطات و کاربردی بودن محتوای اطلاعات تمرکز شود. هریک از موارد به منظور ارتقا و بهبود می‌تواند به صورت مستقل مورد بحث و تحقیق قرار گیرند. این تحقیق همچنین شاخص های تاثیر گذار بر عامل تعلق را شامل زمان حضور در پروژه، میزان تعلق به پروژه، رضایت از سایر اعضای تیم پروژه و تمایل به صرف زمان بیشتر برای پروژه شناسایی می‌کند. همچنین شاخص های تاثیر گذار بر عامل منفصانه بودن را میزان احساس توجه به نقطه نظرات، آزادی در اظهار نظر، مشارکت در تصمیم گیری و همچنین عادلانه بودن توزیع

### نتیجه گیری و پیشنهادها

بر اساس نتایج حاصل از آزمون، فرض تحقیق مبنی بر وجود رابطه همبستگی مثبت بین کیفیت نظام ارتباطی و میزان احساس مشارکت مورد تایید قرار می‌گیرد. این نتیجه، محوری ترین نتیجه حاصل شده در این تحقیق محسوب می‌شود. در تحقیقات گذشته عدم تمایل به مشارکت و یا بازدهی پایین فعالیت های مشارکتی در ایران، ضعف فرهنگی عنوان شده است. هرچند این موضوع به طور کلی درست است اما ابعاد مبهم بسیاری دارد. از جمله اینکه در نهایت راهکار مشخصی به منظور مواجهه با این مشکل نمی‌توان از این گزاره استخراج کرد. چراکه فرهنگ سازی به طور کلی یک موضوع عام بوده و عملیاتی سازی آن نیازمند راهکارها و اقدامات اجرایی است. این در حالی است که برنامه ریزی و اجرایی سازی راهکارها و اقدامات نیز نیازمند فهم درست پدیده و عوامل تاثیر گذار بر آن خواهد بود. نتیجه حاصل شده در این تحقیق گامی در این راستا محسوب شده و پیامدهای مثبت بسیاری را در حوزه مدیریت مشارکتی به ویژه مدیریت مشارکتی پروژه به همراه خواهد داشت. اولین و شاید مهمترین آن این است که ارتباط بین دو مفهوم نظام ارتباطی و مشارکت در پروژه مورد تایید قرار می‌گیرد. این نتیجه تایید تجربی یافته های نظری در حوزه مدیریت و حتی جامعه شناسی ارتباط است. علاوه بر این،

های کلیدی عملکرد و نشان گر های مدیریت پروژه. تهران: انتشارات آریانا قلم.

۷. لطیفی، میثم. (۱۳۹۲) مبانی و اصول نظم و انضباط در سازمان. تهران: دانشگاه امام صادق.

۸. نصرتی، مهدی، حسین صادقی، قهرمان عبدلی، لطفعلی عاقلی، و کهنه شهری. (۱۳۹۲) "استفاده از مدل سرمایه گذاری مشارکت دولتی - خصوصی در سلامت: برآورد میزان آمادگی بخش بیمارستانی ایران." مجله دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی کرمان، شماره ۲

9. Adnan, Hamimah, Siti Mazuana Shamsuddin, Azizan Supardi, and Norizan Ahmad. 2012. "Conflict Prevention in Partnering Projects." (Social and Behavioral Sciences) 35.
10. Bredin, Karin, and Jonas Soderlund. 2011. *Human Resource Management in Project- Base Organization the HR Quadriad Framework*. Palgrave Macmillan.
11. Chang, Zheng. 2013. "Public private partnership in china: a case of the Beijing No.4 Metro line." *Transport Policy* (Transport Policy) 30.
12. Chung, Demi, A David Hensher, and M John Rose. 2010. "Toward the betterment of risk allocation: Investigating risk perception of Australian stakeholder groups to public-private-partnership tollroad projects." *Research in Transportation Economics* (Research in Transportation Economics) 30.
13. Cicmil, Svetlana, Terry Williams, Janice Thomas, and Damian Hodgson. 2006. "Rethinking Project Management: Researching the actuality of projects." *International Journal of Project Management* (Elsevier) 24 (8): 675-686.
14. Drucker, Peter F. 2002. *The Effective Executive*. Perfectbound.
15. Dubois, Anna, and Lars Erik Gadde. 2013. "Partnering in the construction industry—Problems and

ریسک و سود شناسایی می کند. این شاخص ها به طور چشمگیری از سطح انتزاع مفهوم مشارکت می کاهند و امکان ارائه راهکارهای اجرایی و عملیاتی و همچنین انجام تحقیقات هدفمند را فراهم می کنند.

از آنجایی که مشارکت دارای ابعاد جامعه شناسانه و فلسفی گسترده ای است. به منظور بررسی ابعاد فلسفی و جامعه شناسانه مشارکت موارد زیر به عنوان موارد پیشنهادی تحقیقات آتی پیشنهاد می شود:

۱. تحقیق کیفی در رابطه با ارتباطات و تاثیر آن بر پدیده مشارکت.
۲. بررسی ریشه های فلسفی و نظری جامعه شناسی ارتباطات و پدیده مشارکت.
۳. شناسایی و گسترش سایر عوامل تاثیر گذار و مداخله گر بر کیفیت نظام ارتباطی و احساس مشارکت.

#### منابع و ماخذ

۱. بیرامی، حسین جباری، رعنا غلامزاده نیکجو، علی جنتی، و الهام دادگر. (۱۳۹۲) "معرفی گزیده های مشارکت دولتی-خصوصی در پروژه های دولتی." فصلنامه حکیم، سال شانزدهم، شماره ۴، ۲۰۲.
۲. حجی خراسانی، شهاب، و محمد حامد امام جمعه زاده. (۱۳۸۶) "مشارکت (Partnering) رویکردی جدید در سیستم های اجرای پروژه." تهران: سیویلیکا.
۳. خاکبی، غلامرضا. (۱۳۹۰) روش تحقیق در مدیریت. تهران: انتشارات بازتاب.
۴. دورسی، رابرت؛ ترجمه محمود گلابچی، امیر فرجی. (۲۰۰۵) سیستم های اجرای پروژه در صنعت ساختمان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. سرهادی، مهرداد، حامد نصر اصفهانی و محمد حسین صبیحیه. (۱۳۹۳) "تخصیص بهینه ریسک در پروژه های مشارکت دولتی-خصوصی (PPP) در ایران." کنفرانس بین المللی مدیریت پروژه. تهران: انتشارات آریانا قلم.
۶. کرزنر، هارولد. (۲۰۱۱) سنجه ها، شاخص



- British Accounting Review* (The British Accounting Review) 46.
25. Liu, Tingting, and Wilkinson Suzanne. 2013. "Large-Scale public venue development and the application of Public-Private Partnership (PPPs)." *International Journal of Project Management* (International Journal of Project Management) 32.
  26. Mihic, Matej, Josip Sertic, and Ivica Zavrski. 2014. "Integrated project delivery as integration between solution." *Social and Behavioral Sciences*.
  27. MohammadHasanzadeh, Sogand, Mujtaba Hosseinalipour, and MohammadReza Hafezi. 2014. "Collaborative procurement in construction projects performance measures, Case Study: Partnering in Iranian construction industry." (*Social and Behavioral Sciences*) 119.
  28. Ng, S. Thomas, James M.W Wong, and Kelwin K.W Wong. 2012. "A public private people partnerships (P4) process framework for infrastructure development in Hong Kong." (*Cities*) 31.
  29. Ott, J. Steven, Jay M Shafritz, and Yong Suk Jang. 2011. *Classic Reading in Organization Theory, seventh edition*. WEDSWORTH CENGAGE Learning.
  30. Packham, Gary, Brychan Thomas, and Christopher Miller. 2002. "Partnering in the house building sector: a subcontractor's view." (*International Journal of Project Management*) 21.
  31. Pollack, Julien. 2006. "The changing paradigms of project management." (*International Journal of Project Management*) 25.
  32. Robbins, Stephen, and Timothy Judge. 2007. *Organizational Behavior, Twelfth Edition*. New Jersey: Pearson Education.
  33. Shelbourn, M, N.M Bouchlaghem, C Anumba, and P Carrillo. 2007. "Planning and implementation of opportunities." (*Journal of Purchasing & Supply Management*) 16.
  16. EL-Saboni, M, G Aouad, and A Sabuni. 2008. "Electronic communication systems effects on success of construction projects in United Arab Emirate." (*Advanced Engineering Information*) 23.
  17. Floricel, Serghei, Claudine Bonneau, Monique Aubry, and Viviane Sergi. 2014. "Extending project management research: Insights from social theories." (*International Journal of Project Management*) 32.
  18. Hua jin, xiao, and Guomin Zhang. 2010. "Modeling optimal risk allocation in ppp project using artificial neural network." *International Journal of Project Management* (International Journal of Project Management) 29.
  19. Jex, Steve M, and Thomas W Britt. 2008. *Organizational Psychology, second edition*. New jersey: Wiley.
  20. Jonasson, Haukur Ingil, and Helgi Thor Ingason. 2013. *Project Ethics*. England: Gower.
  21. Jones, Barry. 2014. "Integrated project delivery (IPD) for maximizing design and construction considerations regarding sustainability." USA: Procedia Engineering.
  22. ke, Yongjian, Wang ShouQing, Albert p.c. chan, and Patrick T.I. Lam . 2010. "preferred risk allocation in china's public-private partnership (PPP) projects." *International Journal of Project Management* (International Journal of Project Management) 28: 482.
  23. Keeble, Justin J, Sophie Topiol, and Simon Berkeley. 2002. "Using Indicators to Measure Sustainability Performance at a Corporate and Project Level." (*Journal of Business Ethics*) 44.
  24. Khadaroo, Iqbal. 2014. "the valuation of risk transfer in uk school public private partnership contract." *The*



- effective collaboration in construction projects.” *Construction Innovation* (Emerald) 7 (4): 357 - 377.
34. Tai, S, Y Wang, and C J Anumba. 2009. “A survey on communications in large-scale construction project in China.” *Engineering Construction and Architecture Management* (Engineering, Construction and Architectural Management) 16.
35. Tam, Vivian W.Y, L.Y Shen, Rico M.Y Yau, and C.M Tam. 2006. “On using a communication-mapping model for environmental management(CMEM) to improve environmental performance in project development process.” *Building and Environment* (Building and Environment) 42.
36. Tang, LiYaning, Qiping Shen, and Cheng W.L Eddie. 2009. “A review of studies on Public-Private partnership project in the construction industry.” *International Journal of Project Mangement* (International Journal of Project Management) 28.
37. Todorović, Marija, Zorica Mitrović, and Dragan Bjelica. 2013. “Measuring Project Success in Project-Oriented Organizations.” (Management Journal for Theory and Practice Management).
38. Turner, Rodney. 2009. *Project Success and Strategy*. McGraw-Hill.

## تدوین و اعتبارسنجی شاخص‌های بومی حکمروایی خوب روستایی

سید عارف موسوی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، ایران.

مصطفی طالشی\* - دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، ایران.

علیرضا دربان آستانه - استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تهران، ایران.

### چکیده

حکمروایی خوب روستایی رهیافتی تطبیقی است که از طریق رفتار و قاعده مندی و نهادینه شدن پاسخگویی، مشارکت مردمی، شفافیت، قانونمندی، مسئولیت پذیری، اجماع محوری و مانند اینها تحقق پذیر است. بر همین اساس می‌توان حکمروایی خوب روستایی را کنش و واکنش متقابل مسئولان و برنامه ریزان در سطح کلان و خرد برای اجتماعات محلی با مردمی که از برنامه‌های توسعه متأثر می‌شوند تعریف نمود. قدر مسلم اینکه اهمیت و ضرورت واکاوی حکمروایی روستایی بدون شناسایی، تدوین و اعتبارسنجی شاخص‌های بومی و تأثیر گذار تحقق پذیر نخواهد بود. از اینرو، این مقاله در صدد تدوین و اعتبارسنجی شاخص‌های حکمروایی خوب روستایی است تا برنامه‌ریزان و محققان بتوانند در مطالعات مدیریت توسعه روستایی با ارزیابی پروژه‌های روستایی از این مولفه‌ها، شاخص‌ها و گویه‌ها که به تأیید کارشناسان مسایل روستایی رسیده است، استفاده کنند. مطالعه حاضر از لحاظ هدف و ماهیت کاربردی و از لحاظ روش توصیفی - پیمایشی است. همچنین جامعه آماری شامل ۳۵ نفر از متخصصین جهت بررسی ۹ شاخص اصلی و ۴۸ گویه است. برای اعتبارسنجی و دستیابی به اجماع نظر متخصصان برای اولویت بندی شاخص‌ها از روش‌های رتبه بندی مستقیم، توان رتبه ای، عکس پذیری رتبه ای، آماره‌های میانگین و انحراف معیار استفاده شده است. همچنین برای مشخص شدن کیفیت گویه‌ها از دو روش نسبت روایی محتوا\*\* (CVR) و شاخص روایی محتوا\*\*\* (CVI) استفاده شد. در این تحقیق نتایج مطالعه نشان داد از شاخص‌های ۹ گانه مورد بررسی طبق میانگین استاندارد سه روش فوق برای اولویت بند شاخصها؛ مشارکت (۰,۴۲) اجماع محوری (۰,۲۸) عدالت محوری (۰,۲۱) مسئولیت پذیری (۰,۱۹) شفافیت (۰,۳۳) پاسخگویی (۰,۲۵) قانونمند (۰,۲۰) مشروعیت (۰,۲۴) کارایی و اثر بخش (۰,۲۰) از نظر متخصصین کسب نمودند. همچنین در بررسی کیفیت گویه‌ها از مجموع ۴۸ گویه، ۴۲ گویه به عنوان گویه‌های مناسب برای حکمروایی خوب روستایی شناسایی شدند که از این تعداد ۸ گویه به شاخص مشارکت، ۴ گویه به شاخص اجماع محوری، ۴ گویه به شاخص عدالت محوری، ۴ گویه به شاخص مسئولیت‌پذیری، ۷ گویه به شاخص شفافیت، ۳ گویه به شاخص پاسخگویی، ۶ گویه به شاخص قانونمندی، ۴ گویه به شاخص مشروعیت و ۸ گویه به شاخص اثربخشی تعلق دارند.

واژگان کلیدی: اعتبارسنجی، شاخص، برنامه‌ریزی، حکمروایی، حکمروایی روستایی.

### Development and accreditation of rural good governance indicators

#### Abstract

Good governance in rural areas, through comparative approach and behavior regularity and institutionalization of accountability, public participation, transparency, rule of law, accountability, consensus oriented, and so it can be done. Accordingly, it can be good governance of rural interaction between officials and planners at macro and micro levels for local communities with people who defined development plans would be affected. Of course, the importance of rural governance analysis without identification, formulation and validation of indicators of domestic and influence will not be realized; The purpose and nature of the study and application of correlation method. The population consisted of 35 experts to study the 9 main index and 48 items. To validate and obtain expert consensus criteria for prioritizing methods positive ratings, rankings, reverse of the rank statistics mean and standard deviation were used. The two methods for determining the quality of the items of content validity ratio (CVR) and content validity index (CVI) was used. The results showed that the indices 9 of the standard values of these methods for prioritizing indicators; participation (0.42) consensus oriented (0.28) justice (0.21) responsibility (0.19) transparency (0.33) accountability (0.25) lawful (0.20) legitimacy (0.24) efficiency and effectiveness (0.20) obtained from experts. In the study, the quality of the items from total of 48 items, 42 items were identified as items of for good governance in rural areas, out of which 8 items index participation, consensus oriented 4 items index, the index justice 4 items, 4 items index responsibility, 7 items to transparency, accountability 3 items index, the index of rule 6 items, 4 items 8 items index legitimacy and effectiveness indicator belong to.

**Keywords:** accreditation; indicate; planning; governance; rural governance

از شاخص‌ها لازم و ضروری باشد. به طور کلی در هر مطالعه‌ای در ارتباط با تدوین و اعتبار سنجی شاخص‌ها، باید به اصول و ویژگی‌های کلی در زمینه تعیین شاخص‌ها و شناسایی عوامل و معیارهای کلیدی توجه شود. به طوری که شاخص‌ها به تغییرات زمانی و تغییرات فضایی حساس باشند، قابلیت پیشگوییانه یا در حال انتظار بودن را داشته باشد، مقیاس‌های نسبی از شرایط بر اساس مقادیر مرجع یا آستانه را که از پیش تعیین شده اند، فراهم آورند و برای اجرا عملی بوده و اعتبار و ارتباط مفهومی داشته باشند (Blancas et al., 2010; Miller, 2001:128). در مجموع، ملاحظه می‌شود شاخص‌ها به عنوان مهم ترین ابزار و روش‌های سنجش و ارزیابی تلقی می‌شوند. از طرفی این امکان وجود دارد که کاربرد این شاخص‌ها برای مکان‌های مختلف مناسب نبوده و فرآیند ارزیابی را با مشکل روبه رو سازد؛ بنابراین، موضوعی که باید بدان توجه شود، مستند و بو می‌سازی این شاخص‌هاست. از طرفی شکل‌گیری نهاد دهیاری و شوراهای اسلامی روستا طی دو دهه اخیر نقش موثری در تحول مدیریت روستایی ایران و تاثیر گذاری بر شاخص‌های حکمروایی خوب روستایی داشته است. بر اساس آخرین اطلاعات وزارت کشور، تا پایان سال ۱۳۹۴ تعداد ۳۲۹۵۴ روستا مجوز تاسیس دهیاری دریافت نموده اند که عملاً ۳۲۹۵۴ حکومت محلی در نواحی روستایی با شخصیت حقوقی مستقل تشکیل شده است که اداره امور عمومی بیش از ۱۸ میلیون نفر از روستاییان را بر عهده گرفته است و در نظر است تا پایان برنامه ششم توسعه کلیه روستاهای بالای ۲۰ خانوار کشور معادل ۳۸۱۱۴ روستا تحت پوشش مدیریت نوین روستایی قرار گرفته و از خدمات آن بهره مند شوند (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، ۱۳۹۵: ۳۱۱). بر همین اساس با توجه به گسترش و پراکندگی دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی روستا و عهده داری وظایف قابل توجه در سطح روستاهای کشور از سوی این دو نهاد اجرایی و نظارتی، برای دستیابی به اهداف توسعه همه جانبه روستایی، بررسی سنجش شاخص‌های مطلوب مدیریت روستایی، به عبارتی تدوین شاخص‌های مطلوب، کاربردی و بهینه روستایی که بتواند در برنامه‌ها، تحلیل‌ها و ارزیابی‌های مدیریت نوین روستایی موثر باشد لازم و ضروری است. با توجه به موارد فوق مسئله اصلی در این مطالعه، لزوم حرکتی جدید به منظور ساختن

طی دهه گذشته توجه به حکمروایی خوب روستایی به عنوان رویکردی فرابخشی در سطح محلی در حال افزایش بوده است. پارادایم جدید روستایی نیازمند تغییرات مهمی در زمینه چگونگی درک و اجرای سیاست‌هایی می‌باشد تا از این طریق رویکرد حکمروایی چند سطحی و مشترک در نظر گرفته شود. به نظر می‌رسد ساختارهای سلسله مراتب اداری معمول برای اجرای این سیاست‌ها به طور موثری نامناسب است و اداره آنها نیازمند ابعاد سه گانه‌ای کلیدی به صورت افقی در دو سطح مرکزی و محلی، به صورت عمودی در تمام سطوح دولت در زمینه حکمروایی می‌باشد (OECD, 2006: 106). از طرفی حکمروایی روستایی به دلیل شرکت نهادهای گوناگون جامعه مدنی در مدیریت و اداره روستا، می‌تواند به سازگاری منافع و رفع تعارضها منجر شود. تاکنون ابزارها، روشها و شاخص‌های متعدد برای حکمروایی طراحی شده است؛ اما با توجه به وجود دیدگاه‌های متفاوت، جای تعجب نیست که منبعی شامل روشی به طور معمول پذیرفته شده و نیز کاربردی در تمام مناطق و بخش‌ها وجود نداشته باشد. زیرا از یک سو به رغم شکل‌گیری شاخص و ابزارها در سطح جهانی، ملی و منطقه‌ای (Espinosa et al., 2008: 129) در سنجش حکمروایی روستایی مناطق دیگر، در سطح محلی مشکلات وجود دارد و از سوی دیگر، شاخص‌های موجود بیشتر بر اساس رویکرد بالا به پایین استوارند (Riley, 2001: 201). مشکلات و مسائل پیش روی ارزیابی مناسب حکمروایی خوب روستایی را می‌توان در قالب پرسش‌هایی از این دست بیان کرد: چه معیارها و شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری حکمروایی روستایی استفاده می‌شود؟ چگونه این شاخص‌ها اندازه‌گیری می‌شوند؟ چه روش‌ها و ابزارهایی برای سنجش حکمروایی روستایی وجود دارد؟ چگونه از این شاخص‌ها استفاده می‌شود؟ و الگوی مناسب برای پیاده کردن این شاخص‌ها چیست؟

بنابراین، تصمیم به مطالعه حکمروایی روستایی با موانعی روبه روست که از آن میان، می‌توان به نبود مجموعه مشخص و مبنایی شاخص‌ها اشاره کرد. از این رو با استخراج مجموعه‌ای یکپارچه از شاخص‌ها با توجه به موضوع مورد مطالعه، می‌توانیم به تعریفی روشن از مفهوم حکمروایی روستایی برسیم. بنابراین به نظر می‌رسد که پیش از انجام هرگونه بررسی و مطالعه درباره پایداری، تدوین یک مجموعه یکپارچه

2002:68). شنگ حکمروایی را کیفیت روابط میان حکومت و شهروندان می‌داند (Sheng, 2010:134). مارس بیان می‌کند حکمروایی به آندسته از فرآیندهایی گفته می‌شود که باعث تعامل و تصمیم‌گیری میان بازیگران درگیر در مشکلات و چالش‌های مشترک که منجر به ایجاد، تقویت، و یا ایجاد هنجارها و نهادهای اجتماعی مربوطه می‌شود (424-Marc, 2011:403). به عقیده بویر، حکمروایی به همه فرآیندهای حاکم، چه توسط دولت، بازار و شبکه‌های اجتماعی و تجاری، از طریق گروه‌ها، قبایل و یا سازمان رسمی یا غیر رسمی در سطح یک قلمرو از طریق قوانین، هنجارها، قدرت و یا زبان گفته می‌شود (7 Bevir, 2013). ویلیام نیز کلید واژه‌های حکمروایی را به شرح جدول زیر بیان می‌دارد.

جدول ۱. کلید واژه‌های مفهوم حکمروایی

دولت	منافع عمومی، سلسله مراتب، اجبار، انحصار در مشروعیت اعمال خشونت، حاکمیت سرزمینی
بازار	منافع خصوصی، رقابت، مبادله، ناتوانی در تولید کالاهای عمومی
اجتماع محلی	کمون‌ها، عمل متقابل، تشریک مساعی، اعتماد، انسجام، منافع در هم آمیخته، سلسله مراتب، روابط اصولی، روابط مبتنی بر آموزش و راهنمایی، تلفیق عمودی
انجمن‌ها	تمرکز منافع جمعی، خود تنظیمی جمعی، حکومت خصوصی

Source: William salet etal, 2003: 9

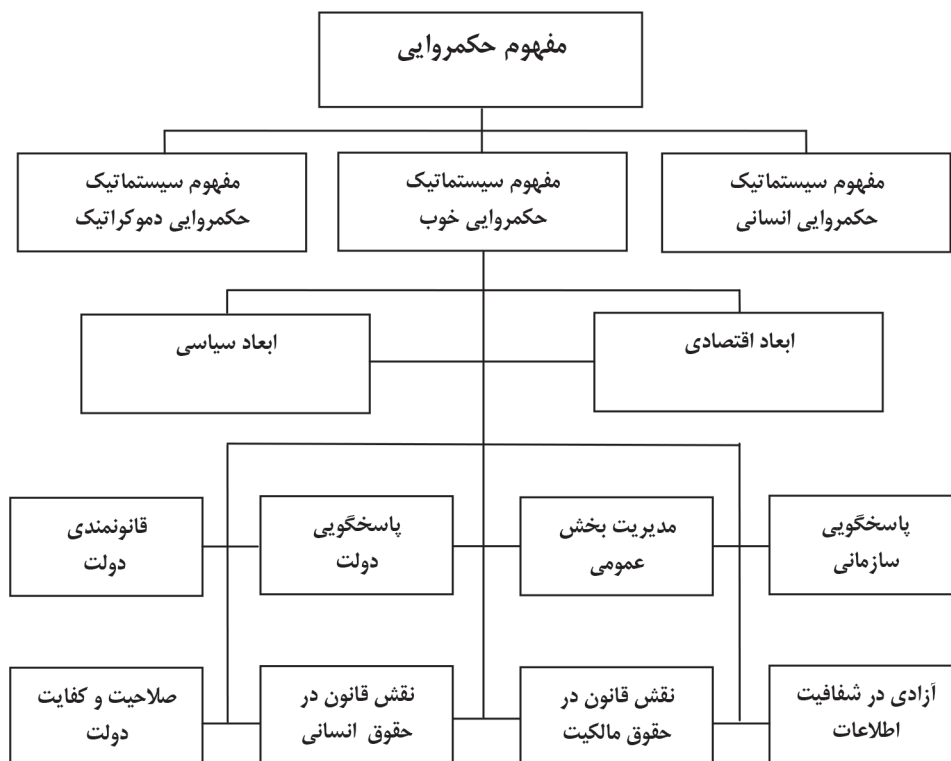
در چنین مفهومی، مشارکت کنندگان خارج از حکومت به طور روزافزون به عنوان بهره‌ور به رسمیت شناخته می‌شوند؛ یعنی کسانی که دارای حق مداخله در تصمیم‌گیری‌ها و سهام دار احتمالاً در اجرای آنها هستند؛ در نتیجه وظیفه حکومت فقط اتخاذ و اجرای تصمیمات به تنهایی نیست، بلکه به هم پیوند دادن فعالیت‌های طیف وسیع شرکت کنندگان در شرایط جدید است. در این زمینه «حکمروایی»، مفهوم جالب توجهی است.

شاخص‌های سیستماتیک برای عملیاتی کردن ابعاد مختلف حکمروایی روستایی متناسب با شرایط مناطق روستایی ایران است تا محققان و برنامه‌ریزان مسایل روستایی بتوانند در مطالعات خود از این شاخص‌ها استفاده کنند. علاوه بر این شاخص‌ها ارزش و اعتبار بالایی در فرآیند حکمروایی به خصوص حکمروایی روستایی دارند، زیرا آنها می‌توانند اطلاعات دقیقتر و کاربردی تری از مسایل حکمروایی روستایی را ارائه نمایند. بنابراین این مقاله در صدد است تا به تدوین شاخص‌های مؤثر در توسعه حکمروایی خوب روستایی و بومی سازی آنها پرداخته و آن‌ها را در معرض قضاوت و داوری اساتید دانشگاه و کارشناسان سازمان‌های اجرایی فعال مرتبط با موضوع قرار دهد تا فهرستی از شاخص‌های حکمروایی خوب روستایی که در شرایط مناطق روستایی ایران از اعتبار لازم برخوردارند، تهیه کند و در اختیار سیاستگذاران، برنامه‌ریزان، مدیران و محققان قرار دهد. در این راستا سوال کلیدی مقاله را می‌توان بدین ترتیب صورت بندی کرد که: شاخص و گویه‌های اساسی در حوزه حکمروایی خوب روستایی کدامند و با توجه به شرایط مناطق روستایی ایران، وزن این شاخص‌ها و گویه‌ها از نظر خبرگان دانشگاهی و کارشناسان اجرایی چه اندازه بوده و اجماع نظر بر روی شاخص‌ها تا چه میزان می‌باشد؟

### مروری بر ادبیات و مبانی نظری تحقیق

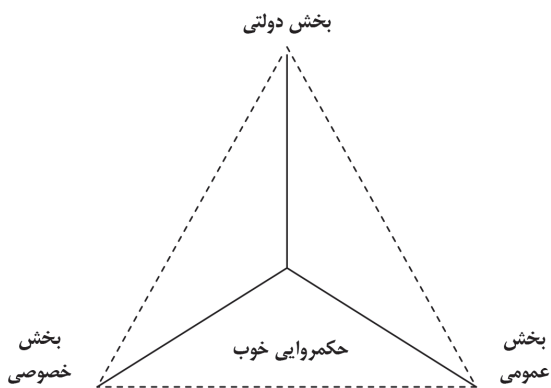
در سال‌های اخیر واژه حکمروایی به یکی از مفاهیم کلیدی در حوزه نظریه‌ها و روش‌های اداره متمایز می‌شود. حکمروایی، فرایند مستمری است که از طریق آن منافع متعارض یا گوناگون می‌توانند با هم سازگار شوند و اقدام جمعی برای منفعت و مصلحت عمومی صورت گیرد. نظریه پردازان دلایل مختلفی برای توجیه گسترش کاربرد آن بیان کرده‌اند. به عقیده کالبع، آگاهی در حال رشدی به وجود آمده است که حکومت‌ها فقط تصمیم گیرنده و اعمال کننده تصمیمات از طریق قدرت دولتی نیستند، بلکه آن‌ها زمان بسیاری صرف مذاکره با دیگر سازمان‌های حکومتی و غیرحکومتی می‌کنند تا درباره اقدامات و تصمیمات خاصی توافق حاصل شود (Colebatch, 2002:68). از نظر کالبع، این واژه جدید بیان کننده شرایط جدیدی از انجام امور است. حکومت قبلاً حکم و دستور می‌راند، اما اکنون مذاکره می‌کند (Colebatch



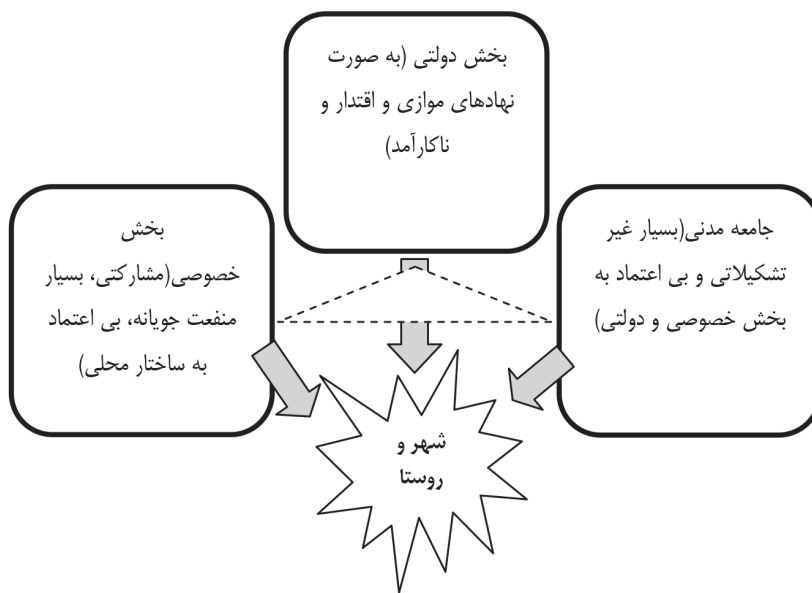


نمودار ۱. مفهوم حکمروایی؛ ماخذ: T. Land man, 2003: 92

با توجه به نقش و تاثیرگذاری حکمروایی بر سرنوشت مردم، حکمروایی خوب و مطلوب به عنوان عاملی تاثیر گذار تر و مطلوب تر در مدیریت جوامع شهری و روستایی مورد توجه قرار گرفته است. سازمان ملل نیز حکمروایی مطلوب را مشارکت برابر همه ی شهروندان در تصمیم گیری می داند که نه تنها شامل دولت بلکه همچنین شامل جامعه ی مدنی و بازار است که در نهایت به ایجاد شرایط قانونمندی و کنش جمعی کمک می کند. حکمروایی خوب شهری و روستایی در این معنی حاوی معنایی دوگانه است؛ زیرا در یک سمت به تجلیات تجربی انطباق دولت با محیط بیرونی و از طرف دیگر بر الگوی مفهومی یا نظری همبازی نظامات اجتماعی و نقش دولت در این فرآیند مربوط است. (Bhuiyan, 2010: 126).



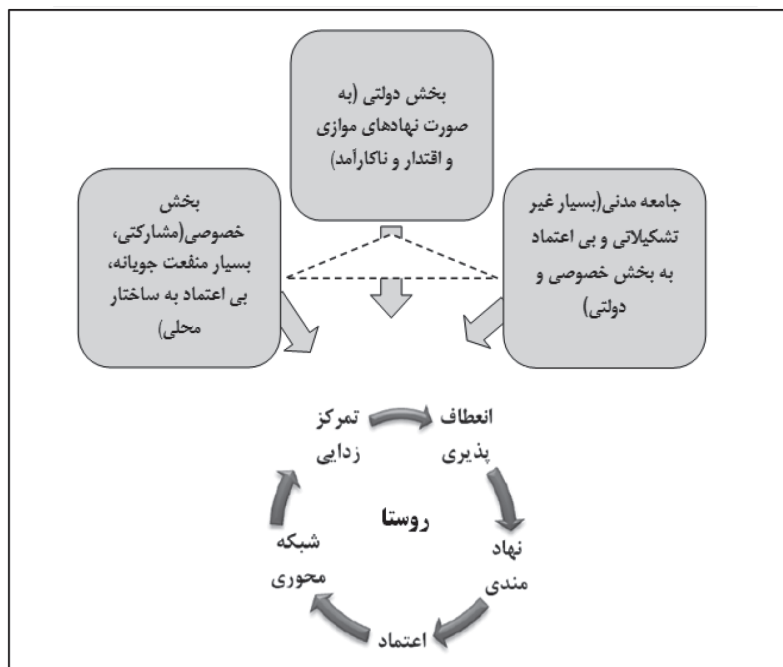
نمودار ۲. ارکان حکمروایی خوب؛ منبع: نگارندگان



نمودار ۳. وضعیت عناصر اصلی حکمروایی در ایران؛ ماخذ: نگارندگان

مشکل مواجه می‌کند. حال برای جبران این وضعیت و برای گذار از وضعیت موجود مولفه‌هایی چون تمرکز زدایی، انعطاف پذیری دستگاه‌ها، اعتماد بین سه عنصر مورد نظر و نیز رویکرد شبکه محوری و نهادمندی در رابطه با شهر روستا جهت همسازی با رویکرد حکمروایی خوب لازم می‌نماید.

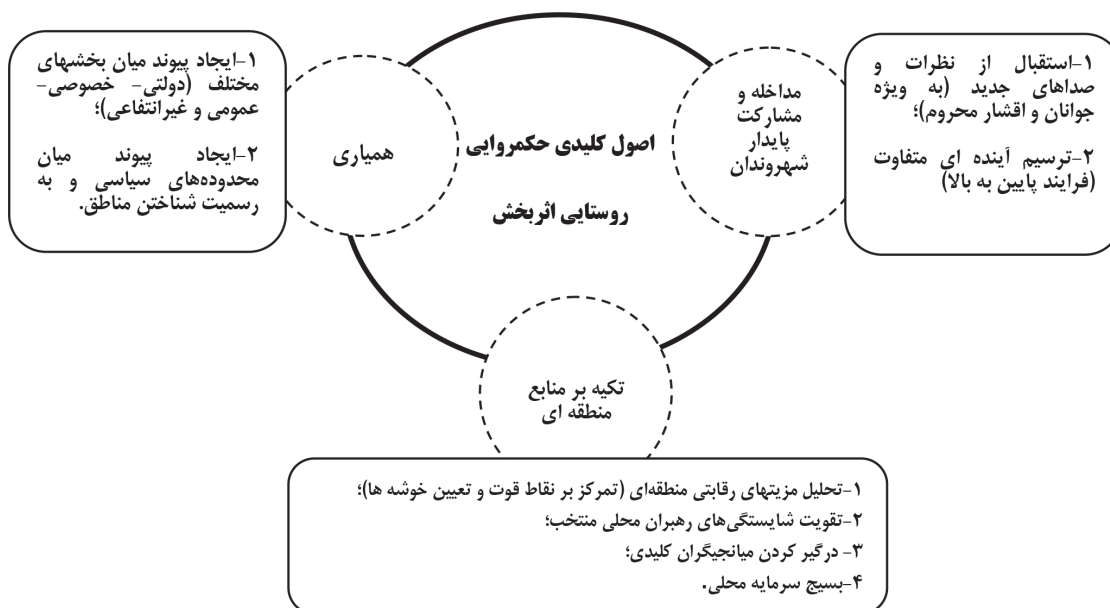
جهت دستیابی به حکمروایی خوب نیازمند تعامل و در همتنیدگی سه بخش دولتی، خصوصی و جامعه مدنی هستیم. جوامع شهری و روستایی ایران به دلیل ضعف مشارکت، عدم اعتماد به ساختار محلی، بی اعتمادی جامعه به بخش خصوصی و دولتی و... ساختاری را بوجود آورده است که تحقق پذیری حکمروایی خوب را با



نمودار ۴. حرکت به سوی حکمروایی خوب روستایی؛ منبع: نگارندگان

می‌کنند. حکمروایی روستایی تضمین می‌کند که اولویت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، مبتنی بر اجماع وسیعی در جامعه محلی باشد و صدای فقیرترین و آسیب پذیرترین اقشار در فرآیند تصمیم‌گیری درباره تخصیص منابع توسعه شنیده شود، با این وصف حکمروایی روستایی نهادهای رسمی همینطور اقدامات غیررسمی و سرمایه اجتماعی روستائیان را در بر می‌گیرد و عموماً از سوی اجتماع محلی، بخش خصوصی و جامعه مدنی انجام پذیر است (افتخاری، ۱۳۸۲، صص ۱۶-۲۴). از تحلیل و مقایسه تعارف و مفاهیم فوق، می‌توان اینگونه استنتاج نمود که حکومت روستایی، مجموعه‌ای از سازمان‌ها و نهادهای رسمی اداره روستا است، حال آنکه حکمروایی روستایی نوعی فرایند و ارتباط میان حکومت روستایی و شهروندان است؛ از طرفی پارادایم جدید روستایی نیازمند تغییرات مهمی در زمینه چگونگی درک و اجرای سبست‌هایی می‌باشد تا از این طریق رویکرد حکمروایی چند سطحی و مشترک در نظر گرفته شود. به نظر می‌رسد ساختارهای سلسله مراتب اداری معمول برای اجرای این سیاست‌ها به طور موثری نامناسب است و اداره آنها نیازمند ابعاد سه گانه‌ای کلیدی به صورت افقی در دو سطح مرکزی و محلی، به صورت عمودی در تمام سطوح دولت در زمینه حکمروایی می‌باشد (OECD, 2006: 106).

در سال‌های اخیر تاکید بر استراتژیهای محلی توسعه با رویکرد حکمروایی روستایی مورد نظر متخصصان و صاحب‌نظران توسعه روستایی بوده است (، 1234:2009-2444 Stark). امروزه جایگاهی ویژه و پراهمیت در مباحث مرتبط با توسعه روستایی در کشورهای مختلف یافته است. به عقیده استارک دلیل اصلی توجه محققان و سیاست‌گذاران توسعه به موضوع حکمروایی روستایی به طور عمده ناشی از عوامل و چالش‌های متعددی است که توسعه جوامع روستایی با آنها مواجه است (Stark, 2010:214). حکمروایی روستایی عبارت است از اثرگذاری همهٔ ارکان اثرگذار روستایی بر مدیریت روستایی، با تمام ساز و کارهایی که به سوی تعالی روستا و اهالی روستایی حرکت کند، به عبارت دیگر، حکمروایی روستایی، به اجرا درآوردن تصمیمات و سیاست‌های مردم روستایی در جهت منافع خودشان است و نقش دولت بیشتر در حد هماهنگ کننده و پاسدار قوانین محدود می‌شود و از دخالت مستقیم آن در تصمیم‌گیری‌ها، اداره و اجرای امور مربوط به زندگی مردم کاسته می‌شود. در حکمروایی روستایی تاکید عمده بر این است که عرصه عمومی تقویت شده و مردم روستایی خود برای سرنوشت خود تصمیم‌گیری کنند در عین حالی که ارتباطشان را با حکومت (دولت) حفظ



نمودار ۵. اصول کلیدی حکمروایی روستایی اثر بخش؛ منبع: Stark, 2010:7 و نگارندگان، اضافات.

دولت که اغلب منجر به تحدید بخش خصوصی و نهادهای مدنی می‌شود، بر رشد اقتصادی اثر منفی دارد؛ به همین دلیل، بحث اندازه دولت و تلاش برای کوچک‌تر کردن آن در طول چند دهه گذشته، به صورت یک چالش عمومی در بین اغلب سیاستمداران کشورهای در حال توسعه درآمده است. شواهد نشان می‌دهد که کشورهای توسعه یافته از سال ۱۹۹۶ به بعد، تلاش‌های زیادی در جهت کاهش بوروکراسی، افزایش شفافیت، کنترل فساد و گسترش پاسخگویی انجام داده‌اند (میر محمدی و پرخیده، ۱۳۸۶، صص ۱۲۸-۹۹). بر همین اساس جهت واکاوی موضوع به پیشینه تحقیقات در جهان و ایران می‌پردازیم. با توجه به مطالعاتی که در حوزه حکمروایی از سوی برخی محققان انجام شده هر کدام به نوعی به تحلیل و بررسی حکومت‌های محلی و حکمروایی پرداخته‌اند، لاک‌ی و همکاران در سال ۲۰۰۲ پژوهشی سطح فعالیت‌ها و همکاری‌های بین حکومت‌های محلی روستایی و عوامل موثر بر آن در دره تنسی مورد بررسی قرار دادند (154-Lackey, 2002: 138)، پردازش تاثیر حکمروایی محلی بر توسعه اقتصاد غیر زراعی توسط موسسه منابع طبیعی هند با همکاری بانک جهانی در سال ۲۰۰۳ انجام شده است، همچنین گانی و دانکن شاخص‌های حکمروایی جزایر فیجی را در دوره زمانی ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۳ مورد بررسی قرار داده‌اند. موسسه پژوهشی سیاست‌های روستایی<sup>۴</sup> با همکاری تعاونی توسعه بنگاه‌ها<sup>۵</sup> (CFED) در تحقیقی با عنوان اصول حکمروایی اثر بخش روستایی در چارچوب حکمروایی خوب به بررسی و استخراج اصول حکمروایی اثر بخش روستایی در چارچوب حکمروایی خوب پرداخته است. در این پروژه مشترک هدف سرعت بخشیدن و هدایت قابلیت‌های حکمرانی‌های روستایی و محلی در جهت توسعه روستایی و بررسی و استخراج اصول حکمروایی اثر بخش روستایی در چارچوب حکمروایی خوب بوده است (CFED, 2004). «هیروشی ساتو» نیز در خصوص ارائه خدمات عمومی و حکمروایی روستایی در چین به بررسی ارتباط بین حکمروایی روستایی و ارائه خدمات عمومی به روستاییان اقدام نموده است (هیروشی ساتو،

گذر و انتقال از مدل حکومت روستایی<sup>۲</sup> به مدل حکمروایی روستایی<sup>۳</sup> را می‌توان پاسخ نظری و عمل به ضرورت باز توزیع قدرت در سطح جوامع شهری و روستایی دانست. در واقع مدل حکمروایی روستایی را می‌توان یکی از ابزارهای تکثر گرا و حرکت به سمت جامعه یکپارچه روستایی به عنوان آرمان نهایی این مدل تلقی کرد. رویکرد حکمروایی روستایی، ابزار پلورالیزم و پیش شرط پایداری و انسان محوری توسعه روستایی و منطقه‌ای محسوب می‌شود؛ توسعه‌ای متکثر، همگرا، منسجم و در چارچوب یک سازمان سیاسی افقی، چند سطح، متعادل و شهروند مدار. بر همین اساس است که گفته می‌شود حکمروایی روستایی، پیش شرطی برای توسعه پایدار روستایی است (Stenseke, M., 2009:28) چراکه عدم تمرکز، مدیریت منابع محدود، مشارکت همگانی، شراکت بین روستا، دولت، روستاییان و بخش خصوصی، ابزارهای اصلی نبرد روستاها برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و پایداری توسعه هستند. و اینها همگی مستلزم استقرار مدل حکمروایی روستایی است. در صورت استقرار مدل حکمروایی خوب روستایی با محوریت پایداری و انسان محوری توسعه و بنابر قاعده فرم، فرایند و کنش متقابل نهاد، سازمان و ساختار؛ می‌توان انتظار داشت که فرایند تخصیص و بهره‌برداری از فضا بر مبنای تعامل و تعادل نیروهای دولتی، خصوصی و مردمی انجام گیرد (2013:138) (Bevir). برآیند این تعادل؛ سازمان فضایی متکثر و در عین حال همگرا، منسجم و کارآمد خواهد بود.

#### پیشینه تحقیق

بیشتر تحقیقات و مطالعات انجام شده در خصوص این موضوع، توسط سازمان‌های بین المللی و جهانی، نظیر سازمان ملل متحد و... انجام شده است. این موضوع، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، به لحاظ نظام تمرکز گرای دولتی و مداخله حداکثری دولت در سیاست گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و اقتصادی در این کشورها، ضعف شدید مدیریت‌های محلی و نهادهای مدنی را در شهرها و روستاها به دنبال داشته است. مطالعات تجربی نشان می‌دهد که بالا رفتن اندازه دولت و افزایش وظایف تصدی گرایانه

4. Rural Policy Research Institute  
5. Corporation for Enterprise Development

2. Rural Government  
3. Rural Governance

۲۰۰۶). اومباسار<sup>۶</sup> در سال ۲۰۰۷ سنجش حکمروایی خوب با استفاده از روش چارچوب ارزیابی عمومی (CAF) را بررسی نموده است. محقق این روش را برای سنجش حکمروایی خوب در کشور استونی و تایوان مورد استفاده قرار داده است (اومباسار، ۲۰۰۷). سانگ فنگ کام نیز در تحقیقی با عنوان تغییر پارادایم حکمروایی روستایی برای توسعه پایدار (موقعیت و نقش GIS) حکمروایی روستایی را شیوه اعمال قدرت سیاسی و اقتصادی و اجرایی مدیریت کارهای روستا تعریف می‌کند (سانگ فنگ کام، ۲۰۰۸). فالکوسکی<sup>۷</sup> پاسخگویی سیاسی و حکمروایی در مناطق روستایی به برخی شواهد از برنامه لیدر<sup>۸</sup> LEADER (( در لهستان می‌پردازد این تحقیق به بررسی نقش پاسخگویی سیاستمداران به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های حکمروایی در جوامع روستایی توجه نموده است (فالکوسکی، ۲۰۱۳، ص ۱۱). همچنین بیر<sup>۹</sup> در پژوهشی با عنوان رهبری و حکمروایی جوامع روستایی به بررسی و اهمیت نقش رهبری و حکمروایی در جوامع روستایی می‌پردازد، این تحقیق استدلال می‌کند که یک تعامل قوی بین حکمروایی و رهبری وجود دارد، رهبران محلی گاهی اوقات نقش مخالف با دولت و حاکمیت دارند و در موارد دیگر به واسطه روابط در مقیاس فضایی در خدمت دولت هستند. در این تحقیق در جواب پرسش ماهیت رهبری در جوامع روستایی کشورهای پیشرفته، این پاسخ را می‌دهد که رهبران نقش خود را در ارتباط با فرآیندهای حکومت تفسیر می‌کنند (بیر، ۲۰۱۴، ص ۲۵۴).

در مطالعات داخلی نیز در این حوزه می‌توان به تحلیلی بر حکمروایی خوب در ایران توسط سید مهدی الوانی و محسن علیزاده ثانی در سال ۱۳۸۶ اشاره نمود، نویسندگان به دنبال شناخت شاخص‌هایی که با استفاده از آنها بتوان کیفیت حکمروایی خوب در ایران را بررسی نمود پرداخته اند (الوانی، علیزاده ثانی، ۱۳۸۶، ص ۲۸). در سال ۱۳۸۷ جواد جاسبی و ندا نفری با رهیافتی فرایندی-سیستمی به بررسی حکمروایی خوب می‌پردازند (جاسبی، نفری، ۱۳۸۷،

ص ۷). تبیین حکمروایی روستایی در حکومت‌های محلی مطالعه دیگری است که از سوی علیرضا دربان آستانه در سال ۱۳۸۹ با هدف تبیین عوامل موثر بر حکمروایی روستایی دهیاران و شوراهای اسلامی روستایی شهرستان قزوین با استفاده از رویکرد پیمایشی و اسنادی انجام گرفته است. نتایج این تحقیق نشان داد میانگین نمایه حکمروایی روستایی در ۵۰ درصد از حکومت‌های محلی در وضعیت نامناسب، ۴۰ درصد در وضعیت متوسط و ۱۰ درصد حکومت‌های محلی دارای حکمروایی مناسبی می‌باشند. همچنین متغیرهای درجه دهیاری، جمعیت روستا، رضایت شغلی و سطح تحصیلات دهیار، سبک مدیریت، انسجام اجتماعی، تعامل موثر با دهیاری‌های مجاور و تجربه دهیار، مهمترین عوامل حکمروایی روستایی محسوب می‌شدند (دربان آستانه و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹). در سال ۱۳۹۰ جلال عظیمی آملی در تحقیقی با عنوان تحلیل حکمروایی خوب در پایداری روستاها به بررسی وضعیت حکمروایی روستایی در روستاهای شهرستان‌های بهشهر، آمل و چالوس در استان مازندران پرداخته است. نتایج بدست آمده نشانگر این است که سطح حکمروایی روستایی و پایداری در اکثر روستاهای مورد مطالعه از وضعیت مناسبی برخوردار نیست (عظیمی آملی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۵۸). لغمایی و مهرابی نیز در تحقیقی با عنوان بررسی و تحلیل حکمروایی خوب روستایی در توسعه مدیریت روستایی به این نتیجه رسیدند که حکمروایی خوب روستایی مبنایی است در جهت دستیابی به توسعه پایدار و همچنین یک سیستم اداره ی ایده آل است که برای توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها اجتناب ناپذیر است (اصغری لغمایی، مهرابی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۸).

## معیارها و شاخص‌های حکمروایی خوب روستایی

شاخص‌های حکمروایی مانند مفهوم آن، با تعبیرها و تعریف‌های گوناگون از طرف نویسندگان و صاحب نظران مختلف همراه بوده است: کافمن<sup>۱۰</sup> و همکارانش در بانک جهانی برای بیان حکمروایی شش شاخص؛ حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت بروکراسی و اثربخشی

6. Umbsaar, Leelo

7. Fałkowski, Jan

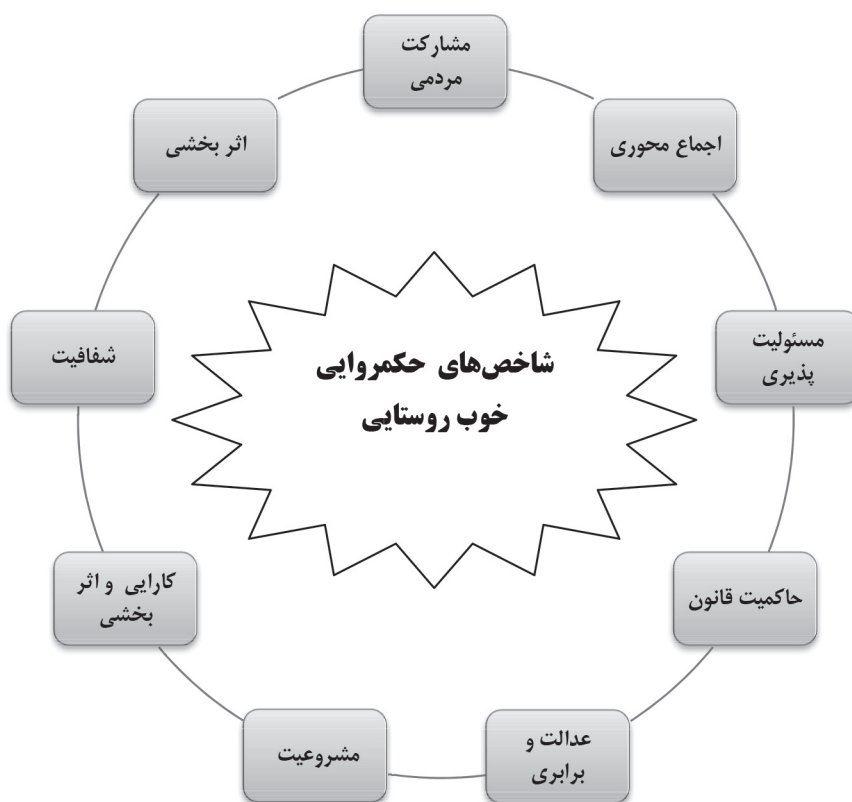
8. Liaison Entre les Actions de Development de Economic Rural

9. Beer, Andrew

10. Kaufman



دولت را بیان کردند. کتاب سفید اتحادیه اروپا پنج اصل را مشخص نموده که حکمروایی خوب را مشخص میکند: گشادگی و بیپردگی، مشارکت، پاسخ گویی، کارایی و همبستگی ((Evans and others, 2005: 12). اشترن معیارهای سنجش حکمروایی خوب را به این شرح برمی شمارد: پاسخ گویی و محاسبه پذیری، شفافیت، قانونمندی انتخاب رهبران سیاسی و وجود ساختارهای قانونی برای پشتیبانی شهروندان در مقابل اقدامات استبدادی (کاظمیان، ۱۳۸۳، ص ۳۵). به طور کلی شاخص‌هایی که در اغلب تحقیقات و مطالعات مورد نظر محققان بوده به شرح نمودار (۶) آمده است.



نمودار ۶. اهم شاخص‌های حکمروایی خوب روستایی؛ منبع: نگارندگان

جدول ۲. شاخص ها و ویژگی های حکمروایی خوب از دیدگاه سازمان ها و نهادهای بین المللی، افراد و متخصصان؛ منبع: نگارندگان

ردیف	سازمان های بین المللی / نهادهای ملی / متخصصان/ صاحب نظران	شاخص های مطرح شده
۱	(U.N.D.P(2000)	پاسخگویی - اجماع محوری - مشارکت - قانون محوری - عدالت و برابری - مسئولیت پذیری - شفافیت
۲	کنفرانس ملل متحد در مورد سکونتگاه های انسانی	پاسخگو بودن - فراگیر بودن - مشارکت جو بودن - قانون مدار بودن - شفافیت داشتن
۳	تیلور (۲۰۰۰)، ویس (۲۰۰۰)، مویس (۲۰۰۱)، روی و تیدسل (۱۹۹۸)	ایجاد و تقویت ساختارهای دموکراتیک - شفاف، پاسخگویی، هوشمندی و توسعه مشارکت جویانه - توجه و واکنش به درخواستهای مردم - وضع خط مشی های مناسب اقتصادی برای تسهیل توسعه - احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون
۴	دانیل کافمن، آرت کرای، پابلو زوید و لوتیون <sup>۱۱</sup> (از محققان بانک جهانی) (۲۰۰۰)	حق اظهار نظر و پاسخگویی - ثبات سیاسی - اثربخشی دولت - کیفیت قانون و مقررات - حاکمیت قانون - کنترل فساد
۵	هاتر و شاه (۲۰۰۰)	مشارکت شهروندی (CP): (آزادی های سیاسی - پایداری سیاسی)؛ دولت محوری (کارایی قضایی - کارایی اداری - فساد کم) توسعه اجتماعی (توسعه انسانی - توزیع عادلانه)؛ مدیریت اقتصادی (توجه به بیرون - استقلال بانک مرکزی - بازگشت سود نسبت به نرخ GDP)
۶	دینیش متا <sup>۱۲</sup> (۲۰۰۲)	پاسخگویی - مسئولیت پذیری - نوآوری در مدیریت - شراکت بخش های خصوصی و دولتی - تعامل شهروندان با حکومت محلی - مدیریت نامتمرکز - شبکه سازی - توسعه منابع انسانی
۷	زیست بوم سازمان ملل (۲۰۰۵)	مشارکت (انتخاب شورا، انتخاب شهردار، انجمن های مدنی)؛ اثر بخشی) منابع عمده درآمدی، بررسی رضایت مصرف کنندگان (تساوی) منشور شهروندی، درصد تعداد زنان در شورای شهر (پاسخگویی (حسابرسی مستقل، اعلام داری و درآمد، تسهیلات برای شکایت های شهروندان) امنیت (پیشگیری از جرائم، رسیدگی به اختلافات)
۸	دیوید. جی. ای. داگلاس (۲۰۰۵)	پاسخگویی - مشارکت مردمی - حکومت محلی و توزیع قدرت در جامعه روستایی - ظرفیت سازی جوامع روستایی
۹	ODA <sup>۱۳</sup> (2006) مدیریت توسعه ماوراء بحار)	مشروعیت دولت - شایستگی دولت - پاسخگویی، احترام به حقوق بشر و رعایت قانون
۱۰	هیروشی ساتو (۲۰۰۶)	مشارکت و همبستگی مردمی - مشارکت سیاسی - ایجاد ساختارهای دموکراتیک - تقویت منابع مالی به عنوان شاخص تاثیر گذار حکمروایی در بین روستاهای چین
۱۱	اومباسار <sup>۱۴</sup> (۲۰۰۷)	توانمند سازی: اتخاذ سیاست ها و استراتژی های انگیزشی - مشارکت مردمی - منابع و فرایندها
۱۲	موریتا ساچیکو - زالکه دارود (۲۰۰۷)	دسترسی به اطلاعات - پاسخگویی - و شفافیت (باز بودن) - عدالت و برابری - کارایی و نقش قانون در نهادهای عمومی در همه سطوح
۱۳	سانگ فنگ کام (۲۰۰۸)	توجه به جوامع محلی - نقش سازمان های غیر دولتی - تصمیم سازی، دسترسی عمومی به منابع اطلاعات - ظرفیت و توانمند سازی مردم از طریق فناوری اطلاعات - فقر و نابرابری - کیفیت زندگی مردم روستایی - ارتباط مردم با مقامات محلی - در نظر داشتن منافع گروهی
۱۴	فالكوسک - جان <sup>۱۵</sup> (۲۰۱۳)	پاسخگویی سیاستمداران - مشارکت و همیاری - اثر بخشی - قانونمندی
۱۵	بیر - اندرو <sup>۱۶</sup> (۲۰۱۴)	نقش رهبری - مشارکت متقابل - اجماع محوری - شفافیت

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶  
No.49 Winter 2018

■ ۵۲۰ ■

11. Daniel Kufmann, Aart Krary, Pablozoido Lobaton
12. Dinesh Mehta
13. ODA = Overseas Development Administration
14. Umbsaar, Leelo
15. Falkowski, Jan
16. Beer, Andrew

## مواد و روش‌ها

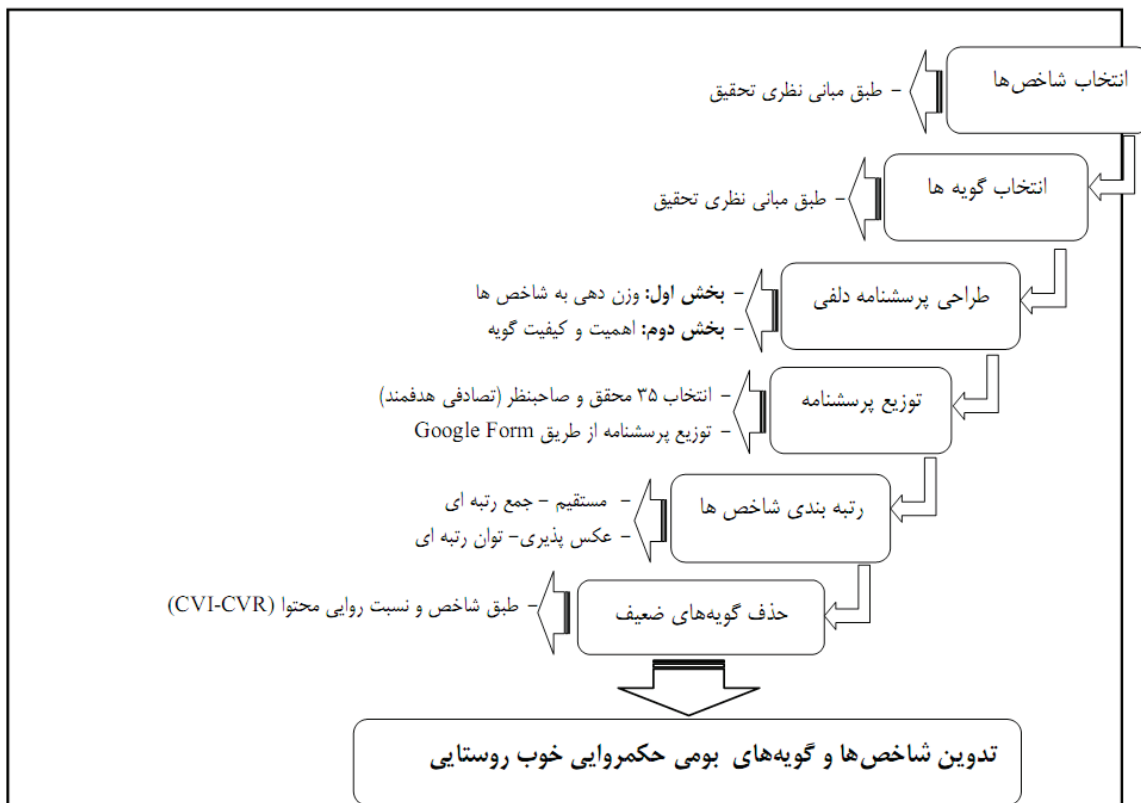
اعتبار دستاوردهای تحقیق، به شدت تحت تأثیر روش‌شناختی است که در آن علم به کار می‌رود و دستیابی به هدف‌های تحقیق میسر نخواهد بود، مگر زمانی که جستجوی شناخت یا روش‌شناسی درست صورت پذیرد. از آنجایی که نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیم‌های اجرایی و انجام یک سلسله اصلاحات در برنامه‌های توسعه مدیریت روستایی شود از لحاظ هدف و ماهیت از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ روش تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی - پیمایشی است. همچنانکه در بحث‌های نظری مورد اشاره قرار گرفت با توجه به بحث‌ها و رویکردهای مختلفی که در زمینه حکمروایی روستایی وجود دارد به تبع آن مولفه‌ها و شاخص‌های آن نیز متنوع و گسترده می‌باشند. بنابراین اگرچه مجموعه شاخص‌ها در ارتباط با هم و در کنار هم به صورت یکپارچه آن مفهوم را شکل می‌دهند با این حال بعضی از شاخص‌ها نسبت به بعضی دیگر از اهمیت بیشتر و یا کمتری برخوردارند. بر همین اساس در تحقیقات علمی

ضمن شناخت مجموعه شاخص‌های شکل دهنده یک مفهوم، تعیین اهمیت و وزن نسبی هر کدام از شاخص‌ها در شکل بخشیدن به آن مفهوم و انتخاب شاخص‌های متناسب با مطالعه موردی از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. بر همین اساس در این تحقیق برای به دست آوردن شاخص‌های مهم در ارتباط با حکمروایی روستایی، نخست شاخص‌ها بر اساس مطالعات نظری مستندسازی گردید. با توجه به پیشینه و مبانی نظری مطالعات و تحقیقات جهانی و منطقه‌ای ارائه شده، فراوانی شاخص‌های استخراج شده از ۹ شاخص مشارکت، اجماع محوری، عدالت محوری، مسئولیت پذیری، شفافیت، پاسخگویی، قانونمندی، مشروعیت و کارایی و اثر بخشی که در اکثر مطالعات و تحقیقات انجام شده به کار گرفته شده مورد توجه پژوهش حاضر قرار گرفته است. لذا برای این منظور در مرحله دوم تلاش شد تا کلیه مؤلفه‌ها و شاخص‌های مطرح شده جدولی کلی از نظر مستندات علمی در ادبیات جهانی در ارتباط با مسئله مورد بررسی قرار گیرد. به طور اجمالی نتیجه بررسی در جدول شماره ۳ آورده شد.

جدول ۳. فراوانی شاخص‌های مرتبط با حکمروایی خوب روستایی بر اساس منابع موجود و مورد مطالعه؛ تدوین و جمع‌آوری: نگارندگان

شاخص‌های حکمروایی روستایی	درصد	شاخص‌های حکمروایی روستایی	درصد	شاخص‌های حکمروایی روستایی	درصد
مسئولیت پذیری	۶/۶	یادگیری متقابل	۴/۳	خود ارتقایی و خود اصلاحی	۳/۹
مشارکت مردمی	۱۲/۴	اجماع محوری	۶/۲	قانونمندی	۷/۱
عدالت محوری	۶/۸	کارایی و اثر بخشی	۸/۸	نهاد سازی اجتماعی	۶/۷
تعامل دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی	۷/۳	مساوات طلبی	۵/۲	شبکه اجتماعی و ارتباطات افقی	۴/۳
توانمند سازی روستایی	۵/۸	خودگردانی محلی	۴/۸	پاسخگویی	۸/۱
توسعه ظرفیتی	۵/۵	توسعه زیر ساختی و کالبدی	۴/۸	رهبری اجتماعی	۳/۸
شفافیت	۷/۲	مقبولیت و مشروعیت اجتماعی	۵/۳	رهبری سیاسی	۳/۲

پس از شناسایی و مشخص کردن شاخص‌های مطرح در حکمروایی خوب روستایی، برای شناخت اهمیت هر یک از آنها و رتبه آن در بین سایر مؤلفه‌ها، با استفاده از تکنیک دلفی، شاخص‌های مربوط به آنها در اختیار ۴۷ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران امر توسعه روستایی در کشور به صورت تصادفی هدفمند شامل اساتید دانشگاه‌ها، متخصصان و کارشناسان سازمان‌های ذیر ربط از طریق ارسال فرم الکترونیکی پرسشنامه‌ها (Google form) قرار داده شد. که در پایان ۳۵ نفر به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. پرسشنامه در قالب دو بخش طراحی گردید. در ابتدا در سؤال جداگانه‌ای از اعضای گروه دلفی خواسته شد تا به هر یک از شاخص‌های حکمروایی خوب (مستخرج) از ادبیات نظری با توجه به اهمیت آنها در پیاده‌سازی حکمروایی خوب روستایی وزن یا رتبه بدهند، عدد ۱ به معنای اهمیت بیشتر و عدد ۹ به عنوان کمترین رتبه بود. برای امتیاز دهی به هر یک از شاخص‌ها از روش‌های رتبه مستقیم، جمع رتبه‌ای، عکس‌پذیری رتبه‌ای، توان رتبه‌ای و در نهایت میانگین و انحراف هر یک محاسبه گردید. در بخش دوم پرسشنامه طبق شاخص‌های ۹ گانه و گویه‌های هر شاخص، کیفیت گویه‌ها از لحاظ مرتبط بودن، واضح و روشن بودن و ساده بودن طبق طیف لیکرت چهار سطحی (اصلاً- کم- تا حدودی- زیاد- خیلی زیاد) در نظر گرفته شد. برای اعتبار سنجی گویه‌ها و شاخص‌ها از روش محاسبه دو شاخص نسبت روایی محتوا<sup>۱۷</sup> (CVR) و شاخص روایی محتوا<sup>۱۸</sup> (CVI) استفاده شد. و در پایان شاخص‌ها و گویه‌های نهایی طبق روش‌های فوق به دست آمد.



## یافته‌های تحقیق

همانگونه که ذکر گردید پس از توزیع پرسشنامه‌ها در بین متخصصان و صاحب‌نظران و جمع‌آوری آنها، کار تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری‌شده آغاز گردید، نظر به اینکه برای طراحی این پرسشنامه با اساتید و متخصصان موضوع جلسات کارشناسی برگزار می‌شد پس از اصلاحات متعدد و مطالعه منابع و متون مختلف به ویژه در حوزه برنامه ریزی توسعه روستایی، شاخص‌ها نهایی شد، تمامی متخصصان، شاخص‌های حکمروایی را تأیید و به لحاظ ماهیت پرسشنامه، از نظر درجه اعتبار و اهمیت آنها را رتبه بندی و به کیفیت گویه‌ها طبق طیف لیکرت پاسخ دادند. جهت مشخص کردن سهم هر یک از شاخص‌های ۹ گانه حکمروایی خوب روستایی و اینکه وزن و سهم کدامیک از این شاخص‌ها در حکمروایی خوب روستایی بیشتر است تلاش شد از طریق آمار توصیفی و استنباطی وزن و امتیاز هر کدام از شاخص‌ها به دست آید. بر همین اساس طبق روش‌های رتبه بندی، به هر یک از شاخص‌های مورد نظر متخصصان و صاحب‌نظران توسعه روستایی که در مرحله قبل رتبه بندی شدند، وزن داده

شد، در این راستا از رتبه بندی مستقیم استفاده شده است که در آن رتبه ۱ معرف بیشترین اهمیت است، بنابراین بر اساس میانگین رتبه‌ای به دست آمده برای هر شاخص، آن دسته از معیارهایی که میانگین آنها به عدد ۱ نزدیکتر است بالاترین رتبه و به موازات دور شدن از عدد ۱ کمترین رتبه را به خود اختصاص می‌دهند. بعد از انجام عمل رتبه بندی بر روی مجموعه‌ای از شاخص‌ها، برای ایجاد وزن‌های عددی از روی اطلاعات دارای نظم ترتیبی، از روش‌های جمع رتبه‌ای، عکس‌پذیری رتبه‌ای و روش توان رتبه‌ای استفاده شد. در این تحقیق نیز برای هر شاخص با توجه به سه روش نامبرده عمل گردید و در پایان میانگین و انحراف معیار شاخص‌ها نیز محاسبه گردید.

بر اساس نتایج به دست آمده از شاخص‌های ۹ گانه مورد بررسی طبق میانگین استاندارد سه روش ارائه شده برای اولویت بند شاخص‌ها مشارکت (۰,۴۲)؛ اجماع محوری (۰,۲۸)؛ عدالت محوری (۰,۲۱)؛ مسئولیت‌پذیری (۰,۱۹)؛ شفافیت (۰,۳۳)؛ پاسخگویی (۰,۲۵)؛ قانونمند (۰,۲۰)؛ مشروعیت (۰,۲۴)؛ کارایی و اثر بخش (۰,۲۰) از نظر متخصصین کسب نمودند.

جدول ۴. نتایج حاصل از رتبه بندی شاخص‌های حکمروایی خوب از دیدگاه متخصصان و صاحب‌نظران

شاخص /رتبه	مشارکت		اجماع محوری		عدالت محوری		مسئولیت پذیری	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
رتبه ۱	۱۲	۳۴,۳	۵	۱۴,۳	۶	۱۷,۱	۷	۲۰,۰
رتبه ۲	۸	۲۲,۹	۴	۱۱,۴	۲	۵,۷	۵	۱۴,۳
رتبه ۳	۶	۱۷,۱	۱	۲,۹	۴	۱۱,۴	۷	۲۰,۰
رتبه ۴	۲	۵,۷	۲	۵,۷	۵	۱۴,۳	۴	۱۱,۴
رتبه ۵	۲	۵,۷	۵	۱۴,۳	۲	۵,۷	--	--
رتبه ۶	۱	۲,۹	۴	۱۱,۴	۵	۱۴,۳	۳	۸,۶
رتبه ۷	۱	۲,۹	۴	۱۱,۴	--	--	۴	۱۱,۴
رتبه ۸	۲	۵,۷	۵	۱۴,۳	۶	۱۷,۱	۳	۸,۶
رتبه ۹	۱	۲,۹	۵	۱۴,۳	۵	۱۴,۳	۲	۵,۷
جمع کل	۳۵	۱۰۰	۳۵	۱۰۰	۳۵	۱۰۰	۳۵	۱۰۰
میانگین	۲/۹		۵/۳		۵/۰		۴/۱	
انحراف معیار	۱/۷		۲/۳		۲/۲۳		۲/۰۲	

منبع: نگارندگان



ادامه جدول ۴. نتایج حاصل از رتبه بندی شاخص‌های حکمروایی خوب از دیدگاه متخصصان و صاحب‌نظران

شاخص / رتبه	شفافیت		پاسخگویی		قانونمندی		مشروعیت		کارایی و اثر بخشی	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
رتبه ۱	۵,۷	۲	۱۱,۴	۷	۲۰,۰	۷	۸,۶	۳	۱۷,۱	۶
رتبه ۲	۱۱,۴	۴	۱۷,۱	۶	۱۷,۱	۶	۱۱,۴	۴	۱۱,۴	۴
رتبه ۳	۵,۷	۳	۱۱,۴	۶	۲۰,۰	۵	۸,۶	۲	۱۷,۱	۵
رتبه ۴	۸,۶	۳	۱۱,۴	۷	۱۷,۱	۶	۱۱,۴	۴	۱۱,۴	۲
رتبه ۵	۵,۷	۶	۱۷,۱	۲	۲۰,۰	۳	۸,۶	۵	۱۷,۱	۴
رتبه ۶	۵,۷	۲	۰,۰	۰	۱۷,۱	۲	۱۱,۴	۶	۱۱,۴	۲
رتبه ۷	۲۰,۰	۷	۱۷,۱	۳	۲۰,۰	۱	۸,۶	۳	۱۷,۱	۵
رتبه ۸	۵,۷	۵	۱۱,۴	۲	۱۷,۱	۲	۱۱,۴	۴	۱۱,۴	۳
رتبه ۹	۸,۶	۳	۱۱,۴	۲	۲۰,۰	۳	۸,۶	۴	۱۷,۱	۴
جمع کل	۱۰۰	۳۵	۱۰۰	۳۵	۱۰۰	۳۵	۱۰۰	۳۵	۱۰۰	۳۵
میانگین	۵/۴		۳/۷		۳/۹		۵/۲		۴/۷	
انحراف معیار	۲/۳۲		۱/۹۲		۱/۹۷		۱/۷۵		۲/۱۶	

منبع: نگارندگان

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶  
No.49 Winter 2018

۵۲۴

جدول ۵. وزن شاخص‌های حکمروایی خوب روستایی بر اساس روش‌های رتبه بندی

ردیف	شاخص	رتبه مستقیم	جمع رتبه‌ای		عکس پذیری رتبه‌ای		توان رتبه‌ای		میانگین استاندارد ۳ روش
			وزن	استاندارد	وزن	استاندارد	وزن	استاندارد	
۱	مشارکت	۱	۹	۰,۲۰۰	۱,۰۰۰	۰,۳۵۳	۱	۰,۰۰۴	۰,۴۲
۲	اجماع محوری (توافق جمعی)	۸	۲	۰,۰۴۴	۰,۱۲۵	۰,۰۴۴	۶۴	۰,۲۲۵	۰,۲۸
۳	عدالت محوری (تساوی حقوق)	۶	۴	۰,۰۸۹	۰,۱۶۷	۰,۰۵۹	۳۶	۰,۱۲۶	۰,۲۱
۴	مسئولیت پذیری	۴	۶	۰,۱۳۳	۰,۲۵۰	۰,۰۸۸	۱۶	۰,۰۵۶	۰,۱۹
۵	شفافیت	۹	۱	۰,۰۲۲	۰,۱۱۱	۰,۰۳۹	۸۱	۰,۲۸۴	۰,۳۳
۶	پاسخگویی	۲	۸	۰,۱۷۸	۰,۵۰۰	۰,۱۷۷	۴	۰,۰۱۴	۰,۲۵
۷	قانونمندی (حاکمیت قانون)	۳	۷	۰,۱۵۶	۰,۳۳۳	۰,۱۱۸	۹	۰,۰۳۲	۰,۲۰
۸	مشروعیت	۷	۳	۰,۰۶۷	۰,۱۴۳	۰,۰۵۰	۴۹	۰,۱۷۲	۰,۲۴
۹	کارایی و اثر بخشی	۵	۵	۰,۱۱۱	۰,۲۰۰	۰,۰۷۱	۲۵	۰,۰۸۸	۰,۲۰
	جمع کل	۴۵	۴۵	۱,۰۰۰	۲,۸۲۹	۱,۰۰۰	۲۸۵	۱,۰۰۰	

منبع: نگارندگان

همانگونه که ذکر گردید در بخش دوم پرسشنامه هدف بررسی کیفیت گویه و مشخص شدن گویه نهایی و حذف گویه‌های ضعیف و کم اهمیت از نظر صاحب‌نظران مدنظر بود بر همین اساس علاوه بر رتبه بندی هر یک از شاخص‌های حکمروایی خوب روستایی توسط متخصصان و صاحب‌نظران توسعه روستایی (اعضاء گروه دلفی) کیفیت گویه‌های مطرح شده شاخص‌ها به صورت کمی نیز بر اساس نظرات متخصصین و با محاسبه دو روش نسبت روایی محتوا<sup>۱۹</sup> (CVR) و شاخص روایی محتوا<sup>۲۰</sup> (CVI) مورد بررسی و محاسبه قرار گرفت. جهت تعیین نسبت روایی محتوا به صورت کمی از متخصصین و صاحب‌نظران موضوع خواسته شد تا در مورد هر کدام از گویه‌های مورد استفاده به سه طیف ضروری است، مفید اما ضروری نیست و ضرورتی ندارد پاسخ دهند. پس از پاسخگویی صاحب‌نظران و تحلیل بر اساس فرمول نسبت روایی محتوا، مقدار نسبت روایی محتوا ۹۳ درصد<sup>۲۱</sup> شد. سپس طبق شاخص روایی محتوا، گویه‌هایی که حد نصاب شاخص روایی محتوا<sup>۲۲</sup> را به دست نیاورده بودند حذف و گویه‌های نهایی مشخص شد. (جدول ۶). نتایج مطالعه نشان داد که از مجموع ۴۸ گویه مورد بررسی، ۴۲ گویه از نظر کارشناسان به عنوان گویه‌های مناسب برای حکمروایی روستایی شناسایی شدند که از این تعداد ۸ گویه به شاخص مشارکت، ۴ گویه به شاخص اجماع محوری، ۴ گویه به شاخص عدالت محوری، ۴ گویه به مسئولیت پذیری، ۷ گویه به شفافیت، ۳ گویه به پاسخگویی، ۶ گویه به قانونمندی، ۴ گویه به مشروعیت و ۸ گویه به اثر بخشی تعلق دارند. در پایان اجماع نظر متخصصین و وضعیت هر گویه نیز مشخص گردید.

جدول ۶. اعتبار سنجی شاخص‌ها و گویه‌های حکمروایی خوب روستایی از طریق شاخص روایی محتوا (CVI)

۱- مشارکت											
گویه	کیفیت گویه	اصلاً	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	جمع گویه ۳ و ۴	شاخص CVI به تفکیک کیفیت	جمع سه کیفیت	شاخص نهایی CVI	اجماع نظر	وضعیت
جلب مشارکت در برنامه‌ریزی- مشارکت در برنامه‌ریزی طرح‌ها و پروژه‌های عمران روستایی، مشارکت در برنامه پنج ساله دهیاری‌ها و...	مرتبط	۱	۲	۱۵	۱۷	۳۲	۹۱	۲۵۴	۸۵	✓	مناسب
	واضح و روشن	۲	۲	۲۰	۱۱	۳۱	۸۹				
	سادگی	۴	۵	۱۹	۷	۲۶	۷۴				
جلب مشارکت در تصمیم سازی (تبادل نظر و اطلاعات و ایجاد اتاق فکر و مشورت، واگذاری برخی امور به خود مردم و...)	مرتبط	۱	۳	۱۳	۱۸	۳۱	۸۹	۲۴۳	۸۱	✓	مناسب
	واضح و روشن	۲	۶	۱۳	۱۴	۲۷	۷۷				
	سادگی	۳	۵	۱۷	۱۰	۲۷	۷۷				
جلب مشارکت در تصمیم گیری (مشورت با مردم، تعاطی افکار، شرکت در جلسه‌های عمومی روستا، تسهیل مداخله مردم در روند توسعه روستا و...)	مرتبط	۱	۳	۱۵	۱۶	۳۱	۸۹	۲۵۷	۸۶	✓	مناسب
	واضح و روشن	۳	۳	۲۳	۶	۲۹	۸۳				
	سادگی	۳	۲	۱۸	۱۲	۳۰	۸۶				

19. Content Validity Ratio

20. Content Validity Index

۲۱. حداقل مقادیر (CVR) جهت روایی محتوای برای تعداد ۳۵ نفر از ارزیابان ۳۱ درصد است.

۲۲. شاخص روایی محتوایی (CVI) از تعداد متخصصینی که به گویه (زیاد و خیلی زیاد- ۳ و ۴) نمره داده اند بر کل متخصصین به دست می آید. طبق این شاخص اگر امتیاز گویه‌ای کمتر از ۷۹ درصد باشد آن گویه حذف می‌شود.

مناسب	✓	۸۳	۲۴۹	مرتب	۱	۵	۱۷	۱۲	۲۹	۸۳	جلب مشارکت سیاسی (مشارکت در انتخابات مجلس و شوراهای روستا، انتصاب دهیاران و...)
				واضح و روشن	۲	۳	۱۷	۱۳	۳۰	۸۶	
				سادگی	۲	۵	۱۳	۱۵	۲۸	۸۰	
مناسب	✓	۸۷	۲۶۰	مرتب	۲	۱	۱۸	۱۴	۳۲	۹۱	جلب مشارکت در ایجاد و تقویت نهادهای مدنی (تعاونی‌های روستایی و تعاونی‌های دهیاری ها، سایر نهادهای غیر دولتی روستایی و...)
				واضح و روشن	۱	۲	۱۹	۱۳	۳۲	۹۱	
				سادگی	۳	۵	۱۳	۱۴	۲۷	۷۷	
مناسب	✓	۸۸	۲۶۳	مرتب	۱	۳	۱۵	۱۶	۳۱	۸۹	جلب مشارکت در کارهای عام المنفعه و خیریه (خودیاری، کارهای بدون دستمزد، مشارکت پدی- آتش سوزی و پسماند- و...)
				واضح و روشن	۱	۴	۱۷	۱۳	۳۰	۸۶	
				سادگی	۱	۳	۱۵	۱۶	۳۱	۸۹	
مناسب	✓	۸۶	۲۵۷	مرتب	۲	۶	۱۳	۱۴	۲۷	۷۷	جلب مشارکت در امور مذهبی (مراسمات مذهبی، مشارکت ایجاد خانه عالم روستا و...)
				واضح و روشن	۲	۱	۲۰	۱۲	۳۲	۹۱	
				سادگی	۲	۲	۱۵	۱۶	۳۱	۸۹	
مناسب	✓	۹۲	۲۷۷	مرتب	۱	۱	۱۳	۲۰	۳۳	۹۴	جلب مشارکت در سرمایه گذاری‌های اقتصادی روستا (صنایع دستی، کارگاه‌های تولیدی، خدمات گردشگری و...)
				واضح و روشن	۲	۱	۱۸	۱۴	۳۲	۹۱	
				سادگی	۲	۱	۱۴	۱۸	۳۲	۹۱	
۲- اجماع محوری											
گویه	کیفیت گویه	اصلاً	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	جمع گویه ۳ و ۴	شاخص CVI	جمع درصد سه کیفیت	درصد در CVI در کیفیت گویه	اجماع نظر	وضعیت
برگزاری نشست‌های هم اندیشی و تصمیم‌گیری و اجرا براساس نظر اکثریت روستاییان	مرتب	۱	۲	۱۳	۱۹	۳۲	۹۱	۲۶۹	۹۰	✓	مناسب
	واضح و روشن	۲	۱	۱۷	۱۵	۳۲	۹۱				
	سادگی	۱	۴	۱۸	۱۲	۳۰	۸۶				
تعامل بین مدیران روستا و نهادها و سازمان‌های متولی امور روستا؛	مرتب	۱	۳	۱۷	۱۴	۳۱	۸۹	۲۵۷	۸۶	✓	مناسب
	واضح و روشن	۲	۳	۱۹	۱۱	۳۰	۸۶				
	سادگی	۲	۴	۱۶	۱۳	۲۹	۸۳				
تعامل بین مدیران روستا با نواحی شهری و روستاهای همجوار؛	مرتب	۱	۳	۱۶	۱۵	۳۱	۸۹	۲۵۱	۸۴	✓	مناسب
	واضح و روشن	۱	۳	۱۵	۱۶	۳۱	۸۹				
	سادگی	۳	۶	۱۶	۱۰	۲۶	۷۴				
اجرای برنامه‌ها بر اساس توافقات گسترده بین گروه‌های مختلف موجود در روستا (نظر خواهی از مردم نسبت به تهیه و اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها)	مرتب	۱	۲	۱۸	۱۴	۳۲	۹۱	۲۴۹	۸۳	✓	مناسب
	واضح و روشن	۲	۵	۱۵	۱۳	۲۸	۸۰				
	سادگی	۳	۵	۱۴	۱۳	۲۷	۷۷				

۳- عدالت محوری

وضعیت	اجماع نظر	درصد در CVI کیفیت گویه	جمع سه کیفیت	شاخص CVI	جمع گویه ۳ و ۴	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	اصلاً	کیفیت گویه	گویه
مناسب	✓	۹۵	۲۸۶	۹۴	۳۳	۲۳	۱۰	۲	۰	مرتبط	عدم تبعیض بین گروه ها، قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف در روستا
				۹۷	۳۴	۱۶	۱۸	۱	۰	واضح و روشن	
				۹۴	۳۳	۱۹	۱۴	۲	۰	سادگی	
مناسب	✓	۸۳	۲۴۹	۸۶	۳۰	۱۴	۱۶	۳	۲	مرتبط	عدالت جنسیتی و سنی (مشارکت زنان و جوانان در امور روستا، درصد تعداد زنان در شورای اسلامی روستا و...)
				۸۶	۳۰	۱۷	۱۳	۳	۲	واضح و روشن	
				۷۷	۲۷	۱۶	۱۱	۶	۲	سادگی	
نامناسب	x	۷۲	۲۱۷	۸۳	۲۹	۱۵	۱۴	۴	۲	مرتبط	رعایت اصل توازن و تعادل (توجه به ابعاد الکلوزیکی، اجتماعی، اقتصادی و...)
				۶۹	۲۴	۱۱	۱۳	۴	۷	واضح و روشن	
				۶۶	۲۳	۱۱	۱۲	۳	۹	سادگی	
مناسب	✓	۸۶	۲۵۷	۹۱	۳۲	۱۷	۱۵	۱	۲	مرتبط	اجرای متعادل و عادلانه طرح‌ها و پروژه‌ها در مناطق مختلف روستا
				۸۳	۲۹	۱۵	۱۴	۲	۴	واضح و روشن	
				۸۳	۲۹	۱۳	۱۶	۴	۲	سادگی	

۴- مسئولیت پذیری

وضعیت	اجماع نظر	درصد در CVI کیفیت گویه	جمع سه کیفیت	شاخص CVI	جمع گویه ۳ و ۴	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	اصلاً	کیفیت گویه	گویه
مناسب	✓	۸۶	۲۵۷	۸۹	۳۱	۱۴	۱۷	۱	۳	مرتبط	پیگیری امور و تلاش خستگی ناپذیر مدیران محلی (پیگیری طرح‌ها و برنامه‌های در دست اجرا و ...)
				۸۶	۳۰	۱۲	۱۸	۴	۱	واضح و روشن	
				۸۳	۲۹	۱۸	۱۱	۵	۱	سادگی	
مناسب	✓	۸۹	۲۶۶	۸۹	۳۱	۱۶	۱۵	۱	۳	مرتبط	پذیرش شکست و استعفای مدیران محلی در صورت عدم موفقیت در اجرای امور روستا
				۹۱	۳۲	۱۶	۱۶	۱	۲	واضح و روشن	
				۸۶	۳۰	۱۸	۱۲	۲	۳	سادگی	
مناسب	✓	۸۰	۲۴۱	۸۶	۳۰	۱۳	۱۷	۱	۴	مرتبط	اعتراف به اشتباهات توسط مدیران محلی؛ احساس مسئولیت محلی و (عدم گردن نهادن مشکلات و شکست‌ها به دیگران و...)
				۸۰	۲۸	۱۵	۱۳	۴	۳	واضح و روشن	
				۷۶	۲۸	۱۲	۱۶	۵	۴	سادگی	
مناسب	✓	۷۹	۲۳۷	۸۳	۲۹	۱۴	۱۵	۳	۳	مرتبط	تلاش مدیران محلی برای تشویق مردم به پذیرش مسئولیت (توانمندسازی مردم محلی، واگذاری مسئولیت به افراد توانا تر و...)
				۸۰	۲۸	۱۵	۱۳	۵	۲	واضح و روشن	
				۷۴	۲۶	۱۱	۱۵	۷	۲	سادگی	

۵- شفافیت

وضعیت	اجماع نظر	درصد در CVI کیفیت گویه	جمع سه کیفیت	شاخص CVI	جمع گویه ۳ و ۴	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	اصلاً	کیفیت گویه	گویه
مناسب	✓	۹۲	۲۷۵	۹۵	۳۵	۱۹	۱۶	۱	۱	مرتبط	انتشار عملکرد؛
				۹۱	۳۲	۱۸	۱۴	۱	۲	واضح و روشن	
				۸۹	۳۱	۱۴	۱۷	۲	۲	سادگی	
نا مناسب	x	۷۲	۲۱۷	۷۴	۲۶	۱۶	۱۰	۶	۳	مرتبط	قابلیت دسترسی به اطلاعات قابل اعتماد
				۷۷	۲۷	۱۴	۱۳	۶	۲	واضح و روشن	
				۶۶	۲۳	۱۴	۹	۸	۴	سادگی	
مناسب	✓	۷۹	۲۳۷	۸۶	۳۰	۱۶	۱۴	۲	۳	مرتبط	مستند سازی آمار و اطلاعات (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و...)
				۷۷	۲۷	۱۴	۱۳	۴	۴	واضح و روشن	
				۷۴	۲۶	۱۳	۱۳	۵	۴	سادگی	
مناسب	✓	۸۲	۲۴۶	۸۶	۳۰	۱۶	۱۴	۱	۴	مرتبط	کنترل و پایش عملکرد مدیران روستایی (توسط مردم و نهادهای مدنی و...)
				۸۳	۲۹	۱۴	۱۵	۲	۴	واضح و روشن	
				۷۷	۲۷	۱۴	۱۳	۴	۴	سادگی	
مناسب	✓	۸۵	۲۵۴	۹۱	۳۲	۱۴	۱۸	۰	۳	مرتبط	تصمیم گیری‌های آشکار و روشن مدیران روستایی؛
				۸۰	۲۸	۱۶	۱۲	۳	۴	واضح و روشن	
				۸۳	۲۹	۱۴	۱۵	۴	۲	سادگی	
مناسب	✓	۹۰	۲۶۹	۸۶	۳۰	۱۴	۱۶	۳	۲	مرتبط	گزارش دهی مداوم از تصمیمات برنامه‌ها و پروژه‌های در دست اقدام در مراسمات عمومی روستا؛
				۹۱	۳۲	۱۷	۱۵	۱	۲	واضح و روشن	
				۹۱	۳۲	۱۴	۱۸	۱	۲	سادگی	
مناسب	✓	۷۹	۲۳۷	۸۶	۳۰	۱۷	۱۳	۲	۳	مرتبط	ارزیابی مداوم از تصمیمات و پروژه‌های اجرا شده
				۸۰	۲۸	۱۳	۱۵	۴	۳	واضح و روشن	
				۷۱	۲۵	۱۳	۱۲	۶	۴	سادگی	



۶- پاسخگویی

گویه	کیفیت گویه	اصلاً	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	جمع گویه ۳ و ۴	شاخص CVI	جمع سه کیفیت	درصد در CVI کیفیت گویه	اجماع نظر	وضعیت
پاسخگویی مدیران روستایی به وظایف و اموراتی که در روستا به عهده دارند؛	مرتبط	۲	۳	۱۰	۲۰	۳۰	۸۶	۲۵۱	۸۴	✓	مناسب
	واضح و روشن	۲	۴	۱۵	۱۴	۲۹	۸۳				
	سادگی	۳	۳	۱۵	۱۴	۲۹	۸۳				
رضایتمندی روستائیان (رضایتمندی از میزان دسترسی به خدمات و کیفیت خدمات، از عملکرد مسئولان دولتی، شورای اسلامی، دهیار و نهادهای مدنی)؛	مرتبط	۲	۱	۱۹	۱۳	۳۲	۹۱	۲۶۹	۹۰	✓	مناسب
	واضح و روشن	۱	۲	۱۵	۱۷	۳۲	۹۱				
	سادگی	۲	۳	۱۶	۱۴	۳۰	۸۶				
باور پذیری روستائیان برای پاسخگویی به آنها؛	مرتبط	۱	۷	۱۵	۱۲	۲۷	۷۷	۲۰۹	۷۰	x	نامناسب
	واضح و روشن	۴	۵	۱۵	۱۱	۲۶	۷۴				
	سادگی	۶	۹	۱۱	۹	۲۰	۵۷				

۷- قانونمندی

گویه	کیفیت گویه	اصلاً	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	جمع گویه ۳ و ۴	شاخص CVI	جمع سه کیفیت	درصد در CVI کیفیت گویه	اجماع نظر	وضعیت
احترام به حقوق مردم ( آگاهی از حقوق شهروندی، مالکیت زمین و...)	مرتبط	۰	۱	۱۸	۱۶	۳۴	۹۷	۲۷۱	۹۰	✓	مناسب
	واضح و روشن	۳	۱	۱۵	۱۶	۳۱	۸۹				
	سادگی	۱	۴	۱۶	۱۴	۳۰	۸۶				
بی طرفی و برابری در برابر قانون (عدم وجود تبعیض یا جانبداری از فرد یا گروه خاصی در روستا)؛	مرتبط	۳	۲	۲۰	۱۰	۳۰	۸۶	۲۶۶	۸۹	✓	مناسب
	واضح و روشن	۲	۰	۱۹	۱۴	۳۳	۹۴				
	سادگی	۴	۱	۱۷	۱۳	۳۰	۸۶				
پایبندی به قوانین و عرف محل (احترام به آداب و سنن، دانش بومی و...)	مرتبط	۲	۳	۱۸	۱۲	۳۰	۸۶	۲۴۶	۸۲	✓	مناسب
	واضح و روشن	۱	۶	۱۵	۱۳	۲۸	۸۰				
	سادگی	۲	۵	۱۳	۱۵	۲۸	۸۰				
کنترل و تعدیل فساد(جلوگیری از فساد اقتصادی و اداری و...)	مرتبط	۱	۲	۱۵	۱۷	۳۲	۹۱	۲۵۴	۸۵	✓	مناسب
	واضح و روشن	۱	۵	۱۳	۱۶	۲۹	۸۳				
	سادگی	۳	۴	۱۳	۱۵	۲۸	۸۰				

مناسب	✓	۹۰	۲۷۱	۸۹	۳۱	۱۸	۱۳	۳	۱	مرتبط	صدور مجوز ساخت و ساز بر اساس قانون و جلوگیری از ساخت و سازهای غیر قانونی
				۹۱	۳۲	۱۳	۱۹	۲	۱	واضح و روشن	
				۹۱	۳۲	۱۷	۱۵	۳	۰	سادگی	
مناسب	✓	۶۹	۲۰۸	۷۷	۳۰	۱۵	۱۵	۵	۴	مرتبط	عدم و کاهش پارتی بازی در اجرای امور
				۶۶	۱۹	۹	۱۰	۵	۵	واضح و روشن	
				۶۶	۱۹	۱۰	۹	۶	۴	سادگی	
۸- مشروعبت											
وضعیت	اجماع نظر	درصد در CVI در کیفیت گویه	جمع سه کیفیت	شاخص CVI	جمع گویه ۳ و ۴	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	اصلاً	کیفیت گویه	گویه
مناسب	✓	۹۶	۲۸۹	۹۷	۳۴	۱۶	۱۸	۰	۱	مرتبط	مقبول بودن نهاد دهیاری و شوراهای در بین مردم روستا؛
				۹۷	۳۴	۱۵	۱۹	۰	۱	واضح و روشن	
				۹۴	۳۳	۱۶	۱۷	۱	۱	سادگی	
مناسب	✓	۸۲	۲۴۶	۹۱	۳۲	۱۷	۱۵	۲	۱	مرتبط	پشتیبانی اهالی روستا از مدیران محلی
				۸۰	۲۸	۱۴	۱۴	۵	۲	واضح و روشن	
				۷۴	۲۶	۱۲	۱۴	۸	۱	سادگی	
مناسب	✓	۸۸	۲۶۳	۹۱	۳۲	۱۹	۱۳	۲	۱	مرتبط	شایسته سالاری در انتخاب شوراهای و انتصاب دهیاران (عدم پارتی بازی، لابی گری و قوم گرایی در انتخابات شوراهای و انتصاب دهیاران)
				۸۳	۲۹	۱۶	۱۳	۴	۲	واضح و روشن	
				۸۹	۳۱	۱۵	۱۶	۲	۲	سادگی	
مناسب	✓	۸۷	۲۶۰	۸۸	۳۰	۱۵	۱۵	۲	۲	مرتبط	رابطه درست و قانونمند بین مدیران محلی و مردم (پذیرش تصمیمات شورا و دهیاری توسط مردم و ...)
				۸۳	۲۹	۱۶	۱۳	۴	۲	واضح و روشن	
				۸۹	۳۱	۱۵	۱۶	۳	۱	سادگی	
۹- کارایی و اثربخشی											
وضعیت	اجماع نظر	درصد در CVI در کیفیت گویه	جمع سه کیفیت	شاخص CVI	جمع گویه ۳ و ۴	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	اصلاً	کیفیت گویه	گویه
مناسب	✓	۸۹	۲۶۶	۹۴	۳۳	۱۶	۱۷	۰	۲	مرتبط	تعیین اولویتهای عمرانی و خدماتی براساس نظر اکثریت و نیازهای واقعی روستا
				۸۹	۳۱	۱۷	۱۴	۱	۳	واضح و روشن	
				۸۳	۲۹	۱۰	۱۹	۳	۳	سادگی	

مناسب	✓	۸۲	۲۴۶	۸۳	۲۹	۱۲	۱۷	۲	۴	مرتبط	بهبود مستمر اقدامات و فعالیت‌ها در روستا (جلوگیری از طولانی شدن زمان اجرای پروژه‌ها و اجرای پروژه‌های پر هزینه و غیر ضروری، اجرای پروژه‌ها با هزینه کمتر و کیفیت مناسب)
				۸۳	۲۹	۱۵	۱۴	۴	۲	واضح و روشن	
				۸۰	۲۸	۱۶	۱۲	۴	۳	سادگی	
نامناسب	✗	۶۰	۱۸۰	۷۱	۲۵	۱۴	۱۱	۴	۶	مرتبط	بهبود باز آفرینی نهادی؛ (مقررات قوانین، ساختارهای سازمانی و...)
				۶۰	۲۱	۱۳	۸	۴	۱۰	واضح و روشن	
				۴۹	۱۷	۸	۹	۸	۱۰	سادگی	
نامناسب	✗	۷۲	۲۱۷	۸۰	۲۸	۱۵	۱۳	۴	۳	مرتبط	استفاده از روش‌های نوین در اجرای امور (پیدا کردن راه‌های خلاقانه و جدید برای بهبود کیفیت و عملکرد کاری و...)
				۶۹	۲۴	۱۲	۱۲	۶	۵	واضح و روشن	
				۶۹	۲۴	۱۴	۱۰	۵	۶	سادگی	
مناسب	✓	۸۳	۲۴۹	۸۳	۲۹	۱۵	۱۴	۴	۲	مرتبط	کاهش هزینه‌ها و ارتقاء کیفیت خدمات (استفاده بهینه از تجهیزات در دسترس، اجرای صحیح و بدون اشتباه وظایف و کارها و...)
				۸۶	۳۰	۱۷	۱۳	۳	۲	واضح و روشن	
				۸۰	۲۸	۱۱	۱۷	۴	۳	سادگی	
نامناسب	✗	۷۳	۲۲۰	۸۰	۲۸	۱۵	۱۳	۵	۲	مرتبط	موثر بودن روند فعالیت و اقدامات مدیریت روستا برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده؛
				۷۴	۲۶	۱۱	۱۵	۷	۲	واضح و روشن	
				۶۶	۲۳	۱۰	۱۳	۹	۳	سادگی	
مناسب	✓	۸۹	۲۶۶	۹۴	۳۳	۱۵	۱۸	۱	۱	مرتبط	رضایتمند روستاییان از اقدامات مدیریت روستا
				۸۹	۳۱	۱۳	۱۸	۴	۰	واضح و روشن	
				۸۳	۲۹	۱۴	۱۵	۵	۱	سادگی	
مناسب	✓	۸۴	۲۵۱	۸۳	۲۹	۱۳	۱۶	۳	۳	مرتبط	داشتن برنامه‌ریزی و تدوین برنامه‌های منظم (تدوین منظم بودجه سنوالتی، تدوین برنامه پنج‌ساله دقیق و مناسب و...)
				۸۹	۳۱	۱۷	۱۴	۱	۳	واضح و روشن	
				۸۰	۲۸	۱۵	۱۳	۴	۳	سادگی	

منبع: نگارندگان

عده‌ای در تعریف و شناسایی حکمروایی خوب، به بیان شاخص‌های آن پرداخته‌اند تا ضمن شناسایی بهتر حکمروایی خوب، با استفاده از شاخص‌ها به اندازه‌گیری و سنجش آن در جوامع مختلف بپردازند، برای این منظور، افراد گروه‌ها و نهادهای ملی و سازمان‌های بین‌المللی به مقتضیات مکان و زمان هر یک شاخص‌هایی برای حکمروایی خوب تدوین نموده‌اند. شاخص‌های حکمروایی مانند مفهوم آن، با تعییرها و تعریف‌های گوناگون از طرف نویسندگان و صاحب‌نظران مختلف همراه بوده است، در حوزه مطالعات روستایی نیز بدین

### بحث و نتیجه‌گیری

عنوان حاکمیت خوب از اواخر قرن نوزدهم به عنوان پاسخی به فساد مدنی در حمایت از کارفرمایان و دستگاه‌های سیاسی به وجود آمد. تعریف ساده حکمروایی کیفیت روابط میان حکومت و شهروندان است. حکمروایی را وقتی می‌توانیم خوب بنامیم که نه تنها به بهبود شاخص‌های توسعه، بلکه به ساخت فرایندهای خوب تصمیم‌گیری که عادلانه، منصفانه و شفاف باشد منجر شود. شاخص‌ها، ساز و کار مناسب برای معرفی و سنجش یک پدیده هستند، در این راستا

نحو است. رهیافت حکمروایی خوب روستایی که در دهه‌های اخیر مورد توجه محققان روستایی قرار گرفته است مبنایی است برای اعمال اقتدار اداری، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و سرزمینی (قلمروی) در مدیریت نوین روستایی که جهت دستیابی به توسعه پایدار روستایی و همچنین در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی بسیار لازم و ضروری است. بر همین اساس با توجه به اینکه طی سال‌های اخیر در ایران مطالعات گوناگونی در حوزه مدیریت محلی صورت پذیرفته و در آینده نیز این مطالعات تداوم خواهد داشت این خلاء مشاهده شد که در اغلب مطالعات حکمروایی روستایی شاخص‌ها از انسجام مطلوبی برخوردار نبوده و از جهتی از شاخص‌ها و گویه‌های حکمروایی خوب شهری الگو برداری و اکتساب شده است. بر همین اساس پژوهش حاضر نیز با هدف تدوین و اعتبارسنجی شاخص‌های حکمروایی خوب روستایی انجام شد. در این پژوهش نظرات ۳۵ متخصص برتر در حوزه توسعه و مدیریت روستایی برای تهیه، تدوین، الویت بندی و اعتبار سنجی شاخص‌های حکمروایی خوب روستایی اخذ و تحلیل گردید. طبق تحلیل‌های صورت گرفته اغلب متخصصان اجماع نظر کلی بر تایید شاخص‌های ارائه شده داشتند. همچنین بر اساس تحلیل‌ها صورت گرفته از شاخص‌های ۹ گانه مورد بررسی طبق میانگین استاندارد سه روش ارائه شده برای اولویت بند شاخص‌ها مشارکت (۰،۴۲)؛ اجماع محوری (۰،۲۸)؛ عدالت محوری (۰،۲۱)؛ مسئولیت‌پذیری (۰،۱۹)؛ شفافیت (۰،۳۳)؛ پاسخگویی (۰،۲۵)؛ قانونمند (۰،۲۰)؛ مشروعیت (۰،۲۴)؛ و کارایی و اثر بخش (۰،۲۰) از نظر متخصصین کسب نمودند. در مورد کیفیت گویه‌ها نتایج مطالعه بدین نحو بود که از مجموع ۴۸ گویه مورد بررسی، ۴۲ گویه از نظر کارشناسان به عنوان گویه‌های مناسب برای حکمروایی روستایی شناسایی شدند که از این تعداد ۸ گویه به شاخص مشارکت، ۴ گویه به شاخص اجماع محوری، ۴ گویه به شاخص عدالت محوری، ۴ گویه به مسئولیت‌پذیری، ۷ گویه به شفافیت، ۳ گویه به پاسخگویی، ۶ گویه به قانونمندی، ۴ گویه به مشروعیت و ۸ گویه به اثر بخشی تعلق دارند. در تحقیق حاضر، علاوه بر معرفی شاخص‌های حکمروایی خوب روستایی، از روشی منسجم و علمی در زمینه تدوین و اعتبارسنجی شاخص‌های حکمروایی خوب روستایی استفاده شد که میتواند مورد استفاده کارشناسان و محققان

مطالعات روستایی در زمینه حکمروایی خوب روستایی قرار گیرد. از اینرو، پیشنهاد می‌شود که کارشناسان سازمان‌های دولتی و برنامه‌ریزان روستایی از شاخص و گویه‌های مورد تأیید در مطالعه حاضر که از اجماع نظر متخصصان، کارشناسان و نخبگان برخوردارند، برای مطالعات در حوزه مدیریت نوین روستایی، تدوین برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت توسعه روستایی بهره گیرند.

## منابع و ماخذ

۱. اصغری، لغمایی، صادق و محسن محرابی (۱۳۹۴)، بررسی و تحلیل حکمروایی خوب روستایی در توسعه مدیریت روستایی کفرانس ملی مهندسی معماری، عمران و توسعه کالبدی.
۲. الوانی، سید مهدی و محسن علیزاده ثانی (۱۳۸۶)، تحلیلی بر کیفیت حکمروایی خوب در ایران، فصلنامه مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۵۳، صص ۲۴-۱.
۳. پانتام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دل افروز، انتشارات روزنامه سلام.
۴. جاسبی، جواد و ندا نفری (۱۳۸۷)، الگوی حکمروایی خوب: رهیافتی فرابندی-سیستمی، فصلنامه مدیریت و توسعه، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۴۹-۳۶.
۵. رکن الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۲)، یادداشت‌های درس نظریه‌ها و برنامه‌ریزی روستایی، مقطع دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۶. رکن الدین افتخاری، عبد الرضا، جلال عظیمی آملی، مهدی پور طاهر و زهرا احمدی پور (۱۳۹۰)، تبیین رابطه رهیافت حکمروایی خوب و توسعه پایدار روستایی در مناطق روستایی استان مازندران، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۲، شماره ۸ صص ۳۴-۱.
۷. دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۹)، تبیین حکمروایی خوب روستایی در حکومت‌های محلی (مورد: شهرستان قزوین)، پایان نامه دکتری دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.
۸. دربان آستانه، علیرضا و محمد رضا رضوانی (۱۳۹۰)، تبیین عوامل موثر بر حکمروایی روستایی در

- N. H. Doll & Osman Balaban (2013). Green economy and governance in cities: assessing good governance in key urban economic processes, *Journal of Cleaner Production*, No. 58, PP: 138152-.
22. Lackey, Steven Brent, David Freshwater and Anil Rupasingha (2002) Factors Influencing Local Government Cooperation in Rural Areas: Evidence from the Tennessee Valley, *Economic Development Quarterly*, 2002, vol. 16, issue 2, pages 138154-.
23. Miller, G. (2001), "The development of indicators for sustainable tourism: results of a Delphi survey of tourism researchers". *Tourism Management*, 22(4): 351362-.
24. OECD (2006), the New Rural Paradigm: Policies and Governance. OECD Publishing.
25. Riley, J. (2001), "Multidisciplinary indicators of impact and change: key issues for identification and summary". *Agriculture, Ecosystems and Environment*, 87: 245259-.
26. Ward, Neil; Brown, David L. (2009). "Placing the Rural in Regional Development". *Regional Studies*. 43 (10): 1237-1244.
27. Sato, Hiroshi. 2006. Public Goods Provision and Rural Governance in China. *China: An International Journal - Volume 6, Number 2, September 2008*, pp. 281-298.
28. Sheng, K (2010). Good Governance in Southeast Asia, *Environment&Urbanization ASIA*, 1, 2:131- 147.
29. Stark, Nancy (2010) Effective Rural Governance, Rural Policy Research Institute, U. S. A.
30. T Landman, J Häusermann (2003) Map-making and analysis of the main international initiatives on developing indicators on democracy and good governance. Unpublished manuscript, University of Essex.
31. UNDP (2000) "characteristics of Good Governance", The Urban Governance initiative (TUGi).
32. UNDP (2003), the urban governance initiative (UNDP TUGi0\_environment and urbanization, 2003, 15159/.
- حکومت‌های محلی مطالعه موردی شهرستان قزوین، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۸ پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
۹. سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، (۱۳۸۶)، برنامه سال ۱۳۸۶ معاونت امور دهیاری ها.
۱۰. عظیمی آملی، جلال (۱۳۹۰)، تحلیل حکمروایی خوب در پایداری روستاهای استان مازندران، پایان نامه دکتری دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
۱۱. کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۳)، تبیین رابطه ساختار حاکمیت و قدرت شهری با سازمان یابی فضا، (تلاش برای طراحی مدرن، نمونه: منطقه کلانشهر تهران) رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۲. میر محمدی، سید محمد و پرخیده، احمد (۱۳۸۶)، بررسی تاثیر کارایی و اثر بخشی دولت بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی: ایران)، نشریه جامعه شناسی و اقتصاد، شماره ۱۲ صص ۱۲۸-۹۹.
۱۳. نورث، داگلاس (۱۳۷۷)؛ نهادها، تغییرات نهادی و عملکردی اقتصادی، ترجمه محمدرضا معینی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه
14. Bevir, Mark (2013). *Governance: A very short introduction*. Oxford, UK: Oxford University Press.
15. Blancas, F. J.; González, M.; Lozano-Oyola, M.; and Pérez, F. (2010), "The assessment of sustainable tourism: application to Spanish coastal destinations". *Journal of Ecological Indicators*, 10: 484492-.
16. Cave, R. W (2005). *Encyclopedia of the city*, London & New York.
17. CFED (2004) *Eight Principles for Effective Rural Governance... And How Communities Put Them Into Practice*.
18. Colebatch, H. K. (2002), *Policy, Open University Press, Philadelphia, USA*
19. Espinosa Oxford Dictionaries. Oxford University Press. Retrieved 2016. A community of animals, plants, or humans among whose members interbreeding occurs, "Definition of population biology.
20. Falkowski, Jan, (2013), Political accountability and governance in rural areas: Some evidence from the Pilot Programme LEADER+ in Poland, *Journal of Rural Studies*, Vol. 32, Pages 70-79.
21. Jose A. Puppim de Oliveira, Christopher



## بررسی اثر بخشی شیوه های کاهش ترافیک در کلانشهر تهران و ارائه راهکارهای مناسب جهت کاهش ترافیک (مطالعه موردی منطقه ۲ تهران)

سیدجمال‌الدین دریاباری - دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران  
علیرضا حلاجیان\* - دانش آموخته دکتری شهرسازی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران

### چکیده

امروزه با افزایش خودروها و رشد سفرهای درون شهری، ساماندهی و مدیریت ترافیک به یکی از مهمترین ضرورت‌های مدیریت شهری تبدیل شده است. ترافیک پدیده‌ای ناخوشایند است که زائیده رشد فزاینده ماشینی شدن و افزایش شهرنشینی است. از طرفی رشد روز افزون تولیدات خودرویی و عدم دوربینی لازم در ایجاد خیابان‌ها و معابر مناسب باعث شد که نتایجی از جمله تراکم ترافیکی، کاهش بازده حمل و نقل، افزایش زمان مسافرت، آلودگی و مصرف بیش از حد انواع سوخت‌های فسیلی را همراه داشته باشد. به همین منظور کارشناسان مربوط می‌کوشند تا با برنامه ریزی‌های کارآمد، استفاده از ظرفیت‌های موجود و افزایش بهره‌وری سیستم‌ها؛ سبب کاهش ترافیک در شهرها شوند. هدف از این پژوهش بررسی اثر بخشی شیوه‌های کاهش ترافیک منطقه ۲ شهر تهران است. پژوهش حاضر از نوع تصیفی - تحلیلی می‌باشد و اطلاعات با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای به جمع‌آوری شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کارشناسان می‌باشد و با توجه به و میسر نبودن امکان اجرای تحقیق بر روی کل جامعه، از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای استفاده شده است و اطلاعات بدست آمده با استفاده از روش دلفی و تکنیک روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره تاپسیس تحلیل شده است و نتایج نشان می‌دهد که معیارهای آموزش، ارتقای آگاهی شهروندان، تقویت راهکارهای قانونی و ترویج استفاده از وسایل نقلیه عمومی به ترتیب با کسب امتیاز (۰,۷۳۵۱۹۳)، (۰,۶۸۸۹۸۶) و (۰,۶۶۴۴۷) رتبه اول، دوم و سوم را کسب نموده‌اند.

واژگان کلیدی: رشد شهرنشینی، شیوه‌های کاهش ترافیک، منطقه ۲ تهران

### Evaluating the Effectiveness of Traffic Routing Techniques in Tehran Metropolis and Providing Appropriate Strategies for Reducing Traffic (Case Study of Tehran Region 2)

#### Abstract

Today, with the growth of cars and the growth of intra-city travel, traffic management and management has become one of the most important requirements of urban management. Traffic is an unpleasant phenomenon that is the cause of growing urbanization and urbanization. On the other hand, the increasing growth of automobile production and the lack of necessary cameras in creating appropriate streets and roads have resulted in such results as Creating traffic congestion, reducing transportation efficiency, increasing travel time, pollution and excessive consumption of fossil fuels. To this end, the relevant experts are trying to efficiently plan, use existing capacities and increase system efficiency; reduce traffic in cities. The purpose of this study was to investigate the effectiveness of traffic reduction strategies in Tehran's 2nd district. The research is descriptive-analytic and the information is collected using the documentary and library method. The statistical population of this research includes experts Due to the impossibility of conducting research on the whole society, a multi-stage random sampling method has been used. And the data is analyzed using the Delphi method and the technique of multi-criteria decision-making methods of Topsis. And the results indicate that education standards, awareness raising, strengthening legal tools and promoting the use of public transport By gaining points (0.735193), (0.688986), (0.66447) , have ranked first, second, and third, respectively.

**Keywords:** Urbanization Growth, Traffic Crisis, Tehran 2nd District

## ۱. مقدمه

همراه با روند سریع صنعتی شدن در جهان اکثر کشورها علی‌الخصوص کشورهای در حال توسعه در حال تجربه رشد سریع شهرنشینی هستند. حمل و نقل، مصرف‌کننده بیش از ۲۰ درصد کل انرژی و عامل ایجاد بخش عمده آلودگی هوا در سطح جهان است. همچنان که شاهد هستیم مردم هر روز بیش از پیش به استفاده از اتومبیل شخصی وابسته می‌گردند. مشکلات زیست محیطی و صدمات وارده بر سلامت انسانی به دلیل رشد سریع حمل و نقل موتوری و روند ضعیف قانونمندی آن بطور جدی مشکل‌آفرین شده است. هر ساله بیش از ۷۵۰۰۰۰ نفر از مردم که اکثراً پیاده هستند، در تصادفات ناشی از وسایل نقلیه موتوری کشته می‌شوند. علاوه بر این تعداد حدود ۵۰۰ هزار نفر نیز در کشورهای در حال توسعه دچار مرگ زودرس ناشی از آلودگی هوا ناشی از حمل و نقل می‌شوند. با تردد بیش از دو میلیون خودرو در روز و انجام بیش از دوازده میلیون سفر روزانه در تهران، این شهر جولانگاه حرکت‌های بی برنامه و هدایت نشده‌ای است که فرمان مدیریت شهری را از دست برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان خارج ساخته و به عنوان یکی از آلوده‌ترین شهرهای جهان به حساب آید (شاهی، ۱۳۸۳). اغلب طرح‌های ترافیک و حمل و نقل شهری کشور به صورت بخشی و مستقل از واقعیات محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تهیه و اجراء می‌گردند. هدف این است که با ارائه تسهیلات و تجهیزات فنی و تکنولوژیکی و به ویژه مدل‌سازی، مسائل و مشکلاتی چون راه‌بندانه‌ها، تصادفات، کمبودهای پارکینگ، زمانهای طولانی انتظار، کمبود شبکه ارتباطی، آلودگی هوا، صدا و نظایر آن کاهش یابد. گرچه این برخورد با بکارگیری روش‌ها و مدل‌های پیشرفته ترافیکی احتمالاً می‌تواند در کوتاه مدت رضایت بخشی از عموم به ویژه رضایت مسئولین سیاسی را تأمین نماید لیکن به علت ارتباط سیستمی عناصر و پدیده‌های شهری در بلند مدت منشاء بروز مسائل و مشکلات دیگری می‌گردد. وجود بار ترافیکی بسیار زیاد در کلان شهر تهران و نبود تناسب بین تعداد خودروهای موجود و ظرفیت

جاده‌های درون شهری از مشکلات موجود برای این شهر می‌باشد. همچنین منطقه ۲ تهران به عنوان یکی از مناطق جدید از نظر ساخت و ساز و همچنین یکی از شلوغ‌ترین مناطق تهران می‌باشد که مشکلات ترافیکی و سپری شدن بیشتر اوقات ساکنین این منطقه در ترافیک در ساعات اوج عبور و مرور با توجه به بکار بستن شیوه‌های مختلف کاهش ترافیک از طرف شهرداری و معاونت ترافیکی منطقه از جمله جنبه‌های مبهم و از عمده مشکلات مدیریت شهری در این منطقه می‌باشد. همچنین در خصوص مسئله ترافیک این منطقه بررسی اساسی و بنیادی نشده و با توجه به اینکه سازمانهای مختلف در جهت رفع این معضل طرح‌های زیاد و تکراری ارائه داده‌اند اما راهکار اصلی نبوده و ضرورت برنامه‌ریزی حساب شده و دقیق جهت حل این مشکل کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین می‌توان گفت بررسی اثر بخشی شیوه‌های کاهش ترافیک، یکی از مواردی است که در سال‌های اخیر، به آن توجه بسیار شده است. در کشور ما و سایر کشورها نیز در این زمینه پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به شرح زیر می‌باشد:

- رئیس کمیسیون عمران، برنامه‌ریزی و حمل و نقل شهری دکتر میرعلی محمدی به این نکته تأکید دارد که ترافیک یک واژه شناخته شده بین‌المللی است و در قوانین به مجموعه عبور و مرور وسائط نقلیه و اشخاص و حیوانات در راهها اطلاق می‌گردد. ترافیک از سه عامل تشکیل می‌شود این عوامل عبارتند از انسان، راه، وسیله نقلیه و چنانچه هر یک از عوامل سه‌گانه نباشد اصولاً مساله‌ای بنام ترافیک وجود نخواهد داشت. بررسی‌ها نشان داده است که بهترین راه کنترل ترافیک و به مفهوم دیگر به حداقل رسانیدن ضرر و زیان ناشی از آن، استفاده از سه گروه عواملی است که شاید بتوان آنها را به صورت مثلث سه‌گانه که به مثلث اصول سه‌گانه موسوم است بیان کرد که شامل: مهندسی، آموزش و اجرای مقررات است. البته می‌توان گفت که امروزه اصل دیگری با عنوان شرایط محیطی و اقلیمی به آن افزوده شده است.

• به گزارش خبرنگار پایگاه خبری مدیریت شهری کرج: در سال ۲۰۰۶ در استکهلم پایتخت سوئد نقاط پرترافیک که اغلب دچار راه‌بندان می‌شدند شناسایی شد و برای عبور از این مناطق رانندگان باید ۱ تا ۲ یورو در روز پرداخت می‌کردند، این راهکار برای چند ماه به صورت آزمایشی اجرا شد و در این مدت میزان ترافیک در آن مناطق حدود ۲۰ درصد کاهش پیدا کرد و خودروها مسیرهای دیگری را برای تردد انتخاب می‌کردند یا مجبور به استفاده از سیستم حمل و نقل عمومی می‌شدند. بعد از پایان دوره آزمایشی دوباره خودروها برای تردد مسیرهای قبلی را انتخاب می‌کردند و دوباره ترافیک سنگین تر شد و در سال ۲۰۰۷ آمار ترافیک در آن مناطق مشابه زمان قبل از اجرای دوره آزمایشی بود. در نهایت فراندومی برگزار شد و شهروندان اجرای قانون پرداخت ۱ تا ۲ یورو را در این سال تصویب کردند و این قانون از سال ۲۰۰۸ اجرایی شد و موجب کاهش ترافیک در آن مناطق شد.

• حمید رضا عزیزی در مقاله تخلفات راهنمایی و رانندگی و روش‌های پیشگیری به این نکته اشاره دارد که بی‌توجهی به مقررات راهنمایی و رانندگی و قانون‌گریزی همواره یکی از علل بروز مشکلات، معضلات و حوادث ترافیکی در همه جوامع می‌باشد که بسته به بافت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی جوامع میزان و نوع آن متفاوت خواهد بود. آمار حوادث ترافیکی در ایران موید میزان بالا و غیرمتعارف تخلفات رانندگی در ایران است که هر ساله زیان‌های غیرجبران اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی را باعث می‌گردد. گرچه در بروز تخلفات رانندگی عواملی محیطی کنترلی و اجرایی عدم تناسب ساختارهای مواصلاتی با تعداد خودروها و واحدهای عبور و مرور و... نیز دخیل می‌باشد، اما علل انسانی به عنوان اصلی‌ترین عامل علاوه بر این که بالاترین درصد علت تخلفات است می‌تواند عاملی موثر در جهت تعدیل و رفع سایر نواقص و کمبودها باشد. لذا پیش‌گیری

از تخلفات که فقط به واسطه بی‌توجهی و بی‌مبالاتی عامل انسانی صورت می‌گیرد، به عنوان شاخصی اساسی در پیش‌گیری و تعدیل حوادث ترافیکی موثر خواهد است. بر اساس مطالعات دولت بریتانیا، افزایش ظرفیت معابر درون شهری تنها موجب تشویق مردم به رانندگی بیشتر شده و در کوتاه مدت، نیمی از صرفه‌جویی‌هایی که در اثر ساختن معابر درون شهری جدید در مدت زمان سفر ایجاد شده، از بین می‌رود و انتظار می‌رود این صرفه‌جوییها به مرور زمان کاملاً ناپدید شود. دولت بریتانیا با اعتراف به این حقیقت که با ساخت معابر درون شهری جدید، نمیتوان مشکل ترافیک را به طور کلی حل کرد، به کاهش قابل توجه در تخصیص بودجه ساخت معابر شهری جدید پرداخت (دی اف تی، ۲۰۰۵).

لی و یانگ با هدف طراحی شبکه خیابان‌های یکطرفه و دوطرفه با منظور کاهش زمان سفر کل استفاده‌کنندگان، هر خیابان مورد تصمیم‌گیری را نظیر یک کمان و مجموعه‌های تصمیم‌گیری را نظیر یک کمان و مجموعه‌های تصمیم‌گیری را سه‌عضوی فرض کردند. در مجموع آنها نیز تنها سختی مسأله را در بزرگ بودن آن یعنی تعداد زیاد پیکربندی‌ها و نه محدودیتهای شبکه دیدند. آنها دو روش برای حل مسأله ارائه کرده‌اند، یکی الگوریتم ابتکاری ویژه و دیگری الگوریتم ابتکاری بر پایه روش سرد و گرم کردن شبیه‌سازی شده و در پایان نتیجه‌گیری کرده‌اند که هرچند هزینه محاسبه روش سرد و گرم شبیه‌سازی شده نسبت به الگوریتم ابتکاری ویژه بسیار بیشتر است ولی استفاده از آن به خصوص در تقاضاهای زیاد بسیار کاراتر است (لی و یانگ، ۱۹۹۴).

• هی‌زیانگ هوآنگ با مطالعه‌ای که در ارتباط حمل و نقل شهر سینسیناتی انجام داده‌اند برای تکمیل نوع نگاه خود و دستیابی به اهداف خود اقدام به شبیه‌سازی و نمایش ساخت و ساز و طرح‌نهایی در یکی از ایستگاه‌های خط تندرو مورد مطالعه می‌کند و برای این

امر از نرم افزارهای شبیه سازی استفاده می کند. پس از این مرحله ابتدا برای بررسی وضعیت تغییرات به کارگیری خطوط تندر و در ترافیک منطقه مورد مطالعه، ۶ سناریو از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۲۰ را فرض کرده و با به کارگیری شاخصهای مرتبط وضعیت ترافیک آینده منطقه شبیه سازی می شود و نتایج آن به کمک نرم افزارهای مربوطه به صورت سه بعدی ارائه می شود. محقق در ادامه از مشکلات این فرآیند صحبت کرده و در نهایت پیشنهادهایی برای کاهش مشکلات و نواقص موجود در این تحقیق از جمله مسائل مرتبط به داده های تحقیق و نقاط ضعف نرم افزارهای استفاده شده به عمل می آورد (هی زیانگ هوآنگ، ۲۰۰۴).

## ۲. مبانی نظری

با گسترش شهر نشینی و توسعه نامتوازن شهرهای بزرگ در دهه ۴۰ که با واردات و مونتاز خودرو در داخل کشور همراه شد مدیران شهری در ایران نیز با معضل مشترک شهرهای مدرن یعنی ترافیک و آلودگی ناشی از آن مواجه شدند. این تحولات در صورتی صورت می پذیرفت که هسته مرکزی شهر تهران به شکل سنتی طراحی شده بود و از تمامی طرحهای مدرن سازی شبکه ها که در مناطق مجاور آن صورت می پذیرفت هیچگونه تاثیری نگرفته بود و با توجه به مراکز اقتصادی و اداری همواره این نقطه از شهر از گره های اصلی ترافیکی و آلوده کننده شهر تهران بحساب می آمد (توسعه نامتوازن). طی دهه های ۴۰ و ۵۰ طرحهای مطالعاتی مختلفی در قالب طرح جامع فرمانروایان، طرح شرکت سوفرتو جهت احداث مترو به منظور کاهش بار ترافیکی و آلودگی هوای شهر تهران و طرحهای دیگری که هر کدام دارای راهکارها و پیشنهادهای مختلفی بودند و نهایتاً پس از انقلاب جهت رفع تراکم تردد وسایل نقلیه در منطقه مرکزی شهر تهران طرحی در ۲۳ کیلومتر مربع از شهر به اجرا در آورده شد که به سیستم طرح ترافیک معروف شد. مهندسی ترافیک به شکلی که امروزه شناخته می شود. با تحولات و مسائل نقلیه موتوری پیشرفت کرده است. به هر

حال بسیاری از سوابق این تخصص دارای ریشه تاریخی است. برای مثال خیابان های یکطرفه در روم قدیم وجود داشته و تسهیلات مخصوص برای پارک ارابه ها در خارج مسیر خیابان ها فراهم بوده است. به خاطر تراکم ترافیک در روم قدیم از ورود ارابه ها به ناحیه مرکزی شهردر برخی ساعات روز جلوگیری می شده است. به احتمال زیاد حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح برای کنترل تردد در خیابان های فرش شده بابل نیز قوانین و مقررات ترافیکی مشابهی وجود داشته است. جزایر ترافیکی و میدان ها به بنای یادبود و میدانی عمومی که در قرون گذشته ساخته می شدند بر میگردد. علامت گذاری رویه در سال های حدود ۱۶۰۰ و در جاده ای که از شهر نیومکزیکو شروع می شد به صورت خط محوری ساخته شده با رنگ دیگر مورد استفاده قرار گرفته است. بر اساس گزارشات انستیتو مهندسی ترافیک امریکا، اولین علامت گذاری خط محور در بخش وین ایالت میشیگان و در سال ۱۹۱۱ انجام گرفت. اولین چراغ راهنمایی در شهر هوستن و در سال ۱۹۲۱ نصب گردید و اولین چراغ راهنمایی هماهنگ شده نیز در سال ۱۹۲۲ در همین شهر شروع به کار نمود. در سالهای گذشته کار مهندسی با تکمیل کارهای اجرایی راه به اتمام می رسید ولی با متداول شدن اتومبیل به عنوان یک وسیله نقلیه خوب و استفاده از کامیون برای حمل کالا عناصر جدید سرعت ها و حجم های ترافیک زیاد نیز وارد قضیه شد. این پیشرفت ها مسائلی را بوجود آورد که به خاطر پیچیدگی زیاد قابل حل با روش های قدیمی و کنترل توسط پلیس نبود در نتیجه از مهندسی خواسته شد که با به کارگیری علوم راه حل مسائل را پیدا کنند و بدین ترتیب تخصص مهندسی ترافیک بوجود آمد (یاوری، محمدرضا، ۱۳۸۵).

مهندسی ترافیک بخشی از مهندسی راه و ترابری است که درباره برنامه ریزی، طرح هندسی و عملیات ترافیکی راهها، خیابان ها و بزرگراهها و شبکه آنها، پایانه ها و کاربری زمین های مجاور و ارتباط آنها با سایر سیستم های حمل و نقل صحبت می کند. مهندسی ترافیک به صورتهای دیگر نیز تعریف شده است. مهندسی ترافیک بر خلاف بسیاری از شاخه

یکی از مفاهیم مورد نظر در مهندسی ترافیک، آرام سازی ترافیک می باشد. هدف این امر کم کردن سرعت حرکت وسایل نقلیه موتوری است. البته اهداف دیگری هم از پیاده کردن استراتژیهای آرام سازی مدنظر هستند. از این جمله میتوان به تامین ایمنی و نیز بالا بردن کیفیت زندگی در مناطقی که وسایل نقلیه در آنها عبور و مرور میکنند نام برد. در آرام سازی ترافیک سه اصل «تحقیقات ترافیکی، اجرای قوانین ترافیکی و مهندسی ترافیک» دخیل هستند که در تعاریف اکثرا به «مهندسی و ابزار ترافیک» و به عنوان مهم ترین اصل در تغییر دادن رفتار رانندگی رانندگان اشاره میشود (چاوشی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰).

های مهندسی با مسائلی درگیر است که نه فقط به عوامل فیزیکی بلکه اغلب با عوامل و رفتارهای انسانی، راننده و عابر و ارتباط آنها با پیچیدگی های محیطی نیز بستگی دارد. بنابراین شناخت این عوامل و رفتارها از اهمیت خاصی برخوردار است (امینی، بهنام، ۱۳۸۳). می توان گفت مهمترین خدمات و وظایف عمومی مدیریت ترافیک، که بیشتر بر مبنای تجربه و نظرات کارشناسی ارابه می شوند تا مطالعات تخصصی، عبارتند از: یک طرفه کردن معابر و تشکیل حلقه های محلی، انحراف ترافیک از مناطق پرتراکم، کاهش مسافت ها در ساعت های اوج، تراکم ترافیک و اعمال محدودیت، طراحی مسیر ویژه دوچرخه و تامین سیستم حمل و نقل عمومی مناسب.



نمودار ۱. خدمات مهندسی ترافیک؛ منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۶

در بزرگراهها؛ ۵. سیستم هوشمند مدیریت و کنترل پارکینگ؛ ۶. پروژه مدیریت پارک حاشیه ای با دستگاه خودپرداز پارک؛ ۷. دستگاه های کارتخوان داخل اتوبوس؛ ۸. سیستم کارتخوان ایستگاه های خطوط اتوبوسرانی تندرو؛ ۹. سیستمهای هوشمند تونل؛ ۱۰. عملکرد سیستم های کنترل هوشمند

همچنین سیاست های دولت ایران برای کنترل و کاهش ترافیک شامل موارد زیر می باشد: ۱. بکارگیری فناوری اطلاعات برای کنترل و کاهش ترافیک در کلان شهر تهران؛ ۲. خطوط اتوبوس های تندرو BRT؛ ۳. تابلوهای متغیر خبری VMS؛ ۴. سامانه هوشمند تشخیص و ثبت تخلف سرعت



مرکزی تقاطعات و ۱۱. سیستم مکانیزه تردد شمار مبادی شهر تهران.

### ۳. محدوده مورد مطالعه

منطقه ۲ شهرداری تهران یکی از مناطق شهری تهران است که در شمال شرقی میدان آزادی؛ از غرب تا شمال غرب تهران ادامه دارد. این منطقه از جنوب به خیابان آزادی، از غرب به بزرگراه اصفهانی و بزرگراه محمدعلی جناح و از شرق به بزرگراه شهید چمران محصور است. منطقه ۲ شامل محله‌های آریاشهر (صادقیه)، شهرآرا، ستارخان، گیشا، شهرک ژاندارمری، شهرک غرب، سعادت آباد و طرشت می‌شود. این منطقه که در ابتدای شکل‌گیری به عنوان منطقه ییلاقی سکونتی و خوش آب و هوا مورد استفاده قرار می‌گرفت به تدریج به سمت حوزه سکونتی برای جمعیت رو به رشد تهران پیش رفته است. در مرحله‌ی بعد و به مرور زمان به دلیل ایجاد زیرساخت‌های

نوین و گسترده و وجود قطعات بزرگ و ارزانی زمین از یک سو و تمرکز فوق‌العاده فعالیت‌ها در مرکز شهر و نزدیکی منطقه به مرکز ثقل شهری و فراشهری کردن نهاد. ایده‌های مربوط به طرح توسعه تهران منجمله طرح ساماندهی نیز در گسترش این فعالیت‌ها در منطقه موثر بوده است. این مشخصات و شرایط مناسب جغرافیایی و اکولوژیک همچنین زمینه مناسبی را برای توسعه جمعیت منطقه ایجاد نموده است. از مهمترین نشانه‌های شهری منطقه می‌توان رشته کوه‌های البرز برج میلاد پارک پردیسان و از بزرگراه‌های مهم آن چمران و همت یادگار امام (ره) محمدعلی جناح حکیم شیخ فضل‌ا... نیایش و خیابان آزادی را نام برد. از مراکز علمی مهم منطقه شامل دانشگاه امام صادق (ع) دانشگاه صنعتی شریف دانشگاه علامه طباطبایی و ... از شهرک‌های مهم می‌توان به شهرک قدس شهرک ژاندارمری شهرک یاس و شهرک فرهنگیان اشاره نمود.



نقشه ۱. موقعیت منطقه ۲ تهران؛ منبع: یافته‌های پژوهش

بندی مصوب سازمان حمل و نقل و ترافیک معیارهای از قبیل عملکرد، سرعت مجاز، تعداد خطوط در هر جهت حرکت، وضعیت پارکینگ حاشیه‌ای چراغ راهنمایی و ... در نظر گرفته شده است. منطقه ۲ تهران بواسطه محصور شدن بین بزرگراه های شهید چمران، محمد علی جناح و اشرفی اصفهانی و همچنین گذر بزرگراه هایی نظیر شهید همت، شهید حکیم و یادگار امام و نایش و همچنین دربرداشتن تعداد ۲۹ شریان اصلی در حدود ۱۳۰۰۰ کیلومتر طول یکی از مناطق مهم از لحاظ شبکه معابر شهر تهران محسوب می گردد. گذر ۴ خط BRT در این منطقه، ۵ ایستگاه مترو، ۵۴ خط اتوبوسرانی و ۶۰۰ ایستگاه اتوبوس در سطح این منطقه باعث تسهیل قابل ملاحظه عبور و مرور و کاهش ترافیک درون شهری شده است.

## طبقه بندی شبکه راه منطقه ۲ شهر تهران از دیدگاه ترافیکی

با شکل گرفتن هسته بندی پیشنهادی، شبکه راه موجود به لحاظ نقش عملکردی قابل طبقه بندی است دستیابی به چنین طبقه بندی را می توان محصول دو دیدگاه به شبکه راه دانست:

۱. نقشی که شبکه راه به لحاظ ارتباطی ایفا می نماید (نقش صرفاً ترافیکی)؛
  ۲. نقشی که شبکه راه بر بستر سازمان فضایی پیشنهادی به لحاظ مرتبط بودن با ساختار، عملکرد و کاربری اراضی ایفا می نماید.
- بر این اساس و با استناد با گزارشهای سازمان ترافیک شهر تهران معیاری که در طبقه بندی شبکه خیابانی شهر تهران استفاده شده است، طبقه بندی مصوب سازمان حمل و نقل و ترافیک تهران با اعمال نظرات کارشناسی است. در طبقه



نقشه ۲. درجه بندی شبکه راه منطقه ۲ شهر تهران؛ منبع: یافته های پژوهش

#### ۴. روش تحقیق

روش تحقیق از نوع کاربردی و توصیفی - تحلیلی می باشد و با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شده است جامعه آماری این پژوهش شامل کارشناسان می باشد و با توجه به گستردگی جامعه آماری و میسر نبودن امکان اجرای تحقیق بر روی کل جامعه، از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای استفاده شده است و اطلاعات یدست آمده با استفاده از روش دلفی و تکنیک روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره تاپسیس تحلیل شده است. نوع تحقیق از نظر هدف، کاربردی است و از نظر روش تحقیق توصیفی - تحلیلی می باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات پژوهش، مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفته که ابزارهای مطالعات میدانی، شامل مشاهده، مصاحبه و پرسش‌نامه بوده است. جامعه آماری این پژوهش را کارشناسان زیست محیطی تشکیل می دهند. و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از تکنیک تاپسیس استفاده شده است. در روش تاپسیس، ماتریس  $n \times m$  که دارای  $m$  گزینه و  $n$  معیار می باشد، مورد ارزیابی قرار می گیرد. در این الگوریتم، فرض بر این است که مطلوبیت هر شاخص به طور یکنواخت افزایشی (یا کاهش) است. بدان صورت که بهترین ارزش موجود از یک شاخص نشان‌دهنده ایده‌آل مثبت بوده و بدترین ارزش موجود از آن مشخص کننده ایده‌آل منفی خواهد بود. همچنین شاخص‌ها مستقل از هم هستند. در ضمن فاصله یک گزینه از ایده‌آل مثبت (یا منفی) ممکن است به صورت اقلیدسی از (توان دوم) و یا به صورت مجموع قدر مطلق از فواصل خطی (معروف به فواصل بلوکی) محاسبه گردد که این امر بستگی به تبادل و جایگزینی در بین شاخص‌ها دارد (Hepu Willis, 2005:526). جهت بهره‌برداری از این تکنیک، مراحل زیر به اجرا گذاشته می شود.

مرحله اول: تشکیل ماتریس داده‌ها بر اساس آلترناتیو و شاخص

$$R_{ij} = \begin{bmatrix} a_{11} & a_{12} & \dots & a_{1n} \\ a_{21} & a_{22} & \dots & a_{2n} \\ \vdots & \vdots & \dots & \vdots \\ a_{m1} & a_{m2} & \dots & a_{mn} \end{bmatrix}$$

مرحله دوم: استاندارد نمودن داده‌ها و تشکیل ماتریس استاندارد از طریق رابطه زیر:

$$r_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sqrt{\sum_{k=1}^n a_{ik}^2}}$$

$$R_{ij} = \begin{bmatrix} r_{11} & r_{12} & \dots & r_{1n} \\ r_{21} & r_{22} & \dots & r_{2n} \\ \vdots & \vdots & \dots & \vdots \\ r_{m1} & r_{m2} & \dots & r_{mn} \end{bmatrix}$$

مرحله سوم: تعیین وزن هر یک از شاخص‌ها  $w_j$  بر اساس  $\sum_{j=1}^n w_j = 1$ . در این راستا شاخص‌های دارای اهمیت بیشتر از وزن بالاتری نیز برخوردارند.

$$V_{ij} = \begin{bmatrix} w_1 r_{11} & w_2 r_{12} & \dots & w_n r_{1n} \\ w_1 r_{21} & w_2 r_{22} & \dots & w_n r_{2n} \\ \vdots & \vdots & \dots & \vdots \\ w_1 r_{m1} & w_2 r_{m2} & \dots & w_n r_{mn} \end{bmatrix}$$

مرحله چهارم: تعیین فاصله  $i$  امین آلترناتیو از آلترناتیو ایده‌آل (بالاترین عملکرد هر شاخص) که آن را با  $A^*$  نشان می دهند.

$$A^* = \{ \max_j v_j | j \in J \} \{ \min_j v_j | j \in J' \}$$

$$A = \{ v_1, v_2, \dots, v_n \}$$

مرحله پنجم: تعیین فاصله  $i$  امین آلترناتیو از آلترناتیو حداقل (پایین ترین عملکرد هر شاخص) که آن را با  $A'$  نشان می دهند.

$$A' = \{ \min_j v_j | j \in J \} \{ \max_j v_j | j \in J' \}$$

$$A = \{ v_1, v_2, \dots, v_n \}$$

مرحله ششم: تعیین معیار فاصله‌ای برای آلترناتیو ایده‌آل  $A^*$  و  $A'$  آلترناتیو .

$$s_i^* = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_i - v_j^*)^2}$$

$$s_i' = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_i - v_j')^2}$$

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گروه سنی؛ منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

درصد	فراوانی	سن
۱۰	۷	۳۰-۲۰
۵۴,۳	۳۸	۴۰-۳۱
۲۸,۶	۲۰	۵۰-۴۱
۷,۱	۲۰	۶۰-۵۱
۱۰۰	۷۰	کل

مرحله هفتم: تعیین ضریبی که برابر است با فاصله آلترناتیو حداقل  $(S_1^-)$  تقسیم بر مجموع فاصله آلترناتیو حداقل  $(S_1^-)$  و فاصله آلترناتیو ایده‌آل  $(S_1^+)$  که آن را با  $(C_1^*)$  نشان داده و از رابطه زیر استفاده می‌شود:

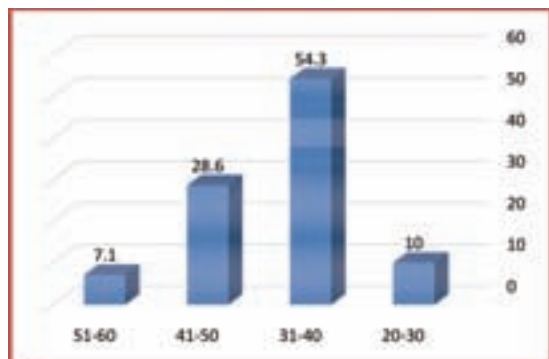
$$C_1^* = \frac{S_1^-}{S_1^- + S_1^+}$$

مرحله هشتم: رتبه‌بندی آلترناتیوها بر اساس میزان  $C_1^*$ . میزان فوق بین صفر و یک  $(0 \leq C_1^* \leq 1)$  در نوسان است. در این راستا  $C_1^* = 1$  نشان دهنده بالاترین رتبه و  $C_1^* = 0$  نیز نشان‌دهنده کمترین رتبه است.

### ۵. یافته‌های پژوهش توصیف آماری پرسشنامه

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت؛ منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

درصد	فراوانی	جنسیت
۵۰	۳۵	زن
۵۰	۳۵	مرد
۱۰۰	۷۰	کل



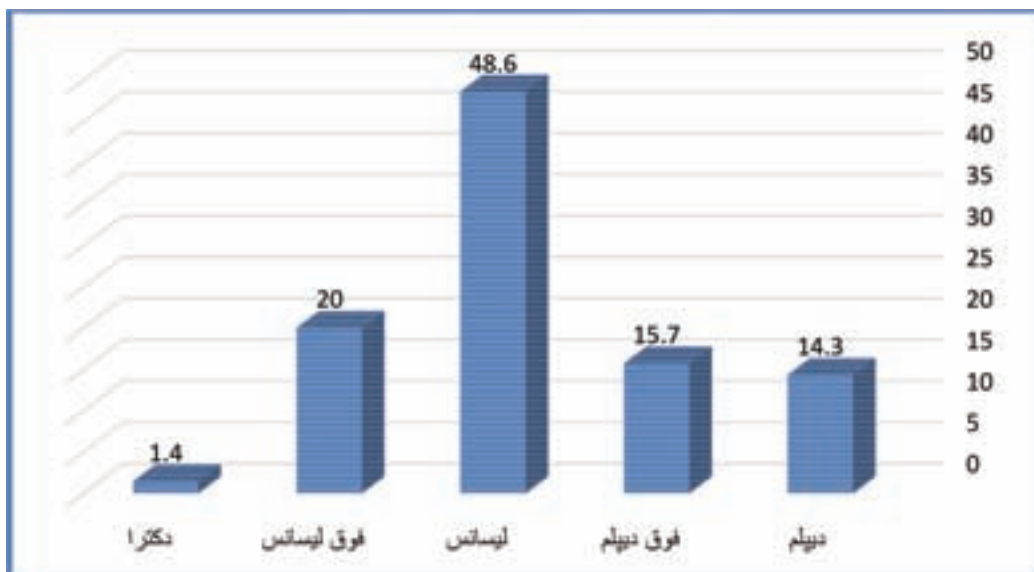
نمودار ۲. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گروه سنی؛ منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات؛ منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

درصد	فراوانی	میزان تحصیلات
۱۴,۳	۱۰	دیپلم
۱۵,۷	۱۱	فوق دیپلم
۴۸,۶	۳۴	لیسانس
۲۰	۱۴	فوق لیسانس
۱,۴	۱	دکترا
۱۰۰	۷۰	کل



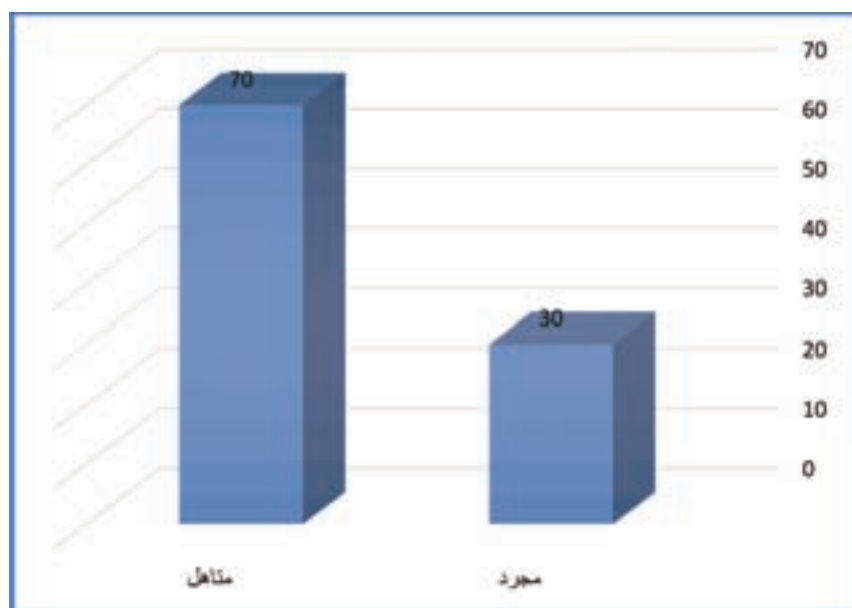
نمودار ۱. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت؛ منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶



نمودار ۳. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۶

جدول ۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۶

وضعیت تاهل	فراوانی	درصد
مجرد	۲۱	۳۰
متاهل	۴۹	۷۰
کل	۷۰	۱۰۰



نمودار ۴. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۶



با توجه به بررسی اثربخشی شیوه های کاهش ترافیک ۱۲ معیار از وضعیت موجود ترافیک منطقه ۲ استخراج شده است که به رتبه بندی معیارها در مدل تاپسیس پرداخته شده است.

جدول ۵. نتایج حاصل از معیارها تا حد ایده آل و غیر ایده آل بر اساس مدل تاپسیس

کد	معیارها	Di+	Di-
A1	کم عرض کردن خیابان، سرعت گیر	۰,۰۲۵۲۷۹	۰,۰۴۰۶۸۱
A2	توسعه زیرساخت های لازم برای افزایش حمل و نقل عمومی	۰,۰۲۸۵۶۷	۰,۰۴۳۸۴۵
A3	محدود سازی تردد خودروهای تک سرنشین راهی برای کاهش ترافیک	۰,۰۲۸۵۲۳	۰,۰۴۳۶۴۴
A4	آموزش و ارتقای آگاهی شهروندان	۰,۰۱۸۷۲۱	۰,۰۵۱۹۷۶
A5	ترویج استفاده از پیاده رو و پل عابرو	۰,۰۲۲۲۳۹	۰,۰۴۳۳۱۲
A6	استفاده از سیستم ها و فن آوریهای نوین و جدید مورد استفاده در دنیا	۰,۰۲۲۸۷۷	۰,۰۴۲۸۴۳
A7	مکان یابی بهینه پارکینگ های عمومی در سطح شهر	۰,۰۲۷۶۳۲	۰,۰۳۸۰۶۱
A8	ترویج استفاده از وسائل نقلیه عمومی	۰,۰۲۱۲	۰,۰۴۶۳۶۹
A9	استفاده از سیستم هوشمند در حمل و نقل	۰,۰۲۹۳۵۶	۰,۰۳۹۰۵۵
A10	استفاده ترکیبی از روش های حمل و نقلی اعم از پیاده روی، دوچرخه سواری، حمل و نقل عمومی، ماشین شخصی	۰,۰۲۴۱۷۹	۰,۰۴۱۷۶۷
A11	انتخاب یک طرح یا برنامه با مشارکت عمومی	۰,۰۲۶۲۵۶	۰,۰۴۱۷۸۷
A12	تقویت راهکارهای قانونی	۰,۰۲۲۰۰۷	۰,۰۴۸۷۵۱

جدول ۶. رتبه بندی معیارها بر اساس مدل تاپسیس

کد	معیارها	CLi	TOPSIS
A1	کم عرض کردن خیابان، سرعت گیر	۰,۶۱۶۷۵۲	۷
A2	استفاده از دوربین سیستم هوشمند مرکزی	۰,۵۱۳۰۲۷	۱۴
A3	توسعه زیرساخت های لازم برای افزایش حمل و نقل عمومی	۰,۶۰۵۴۹۳	۹
A4	نصب تابلوهای تبلیغاتی دیجیتالی	۰,۵۲۴۶۴۱	۱۳
A5	محدود سازی تردد خودروهای تک سرنشین راهی برای کاهش ترافیک	۰,۶۰۴۵۴۸	۱۰
A6	استفاده ترکیبی از روش های حمل و نقلی اعم از پیاده روی، دوچرخه سواری، حمل و نقل عمومی، ماشین شخصی	۰,۵۰۲۱۰۸	۱۵

کد	معیارها	CLi	TOPSIS
A7	آموزش و ارتقای آگاهی شهروندان	۰,۵۳۵۱۹۳	۱
A8	ترویج استفاده از پیاده رو و پل عابرو	۰,۶۶۰۷۳۸	۴
A9	استفاده از سیستم ها و فن آوریهای نوین و جدید مورد استفاده در دنیا	۰,۶۵۱۹	۵
A10	مکان یابی بهینه پارکینگ های عمومی در سطح شهر	۰,۵۷۹۳۷	۱۱
A11	ترویج استفاده از وسائل نقلیه عمومی	۰,۶۶۴۴۷	۳
A12	استفاده از سیستم هوشمند در حمل و نقل	۰,۵۷۰۸۸۶	۱۲
A1	استفاده ترکیبی از روش های حمل و نقلی اعم از پیاده روی، دوچرخه سواری، حمل و نقل عمومی، ماشین شخصی	۰,۶۳۳۶۴۹	۶
A2	انتخاب یک طرح یا برنامه با مشارکت عمومی	۰,۶۱۴۳۱	۸
A3	تقویت راهکارهای قانونی	۰,۶۸۸۹۸۶	۲

## ۶. نتیجه گیری و جمع بندی

ترافیک پدیده ای ناخوشایند است که زاینده ی رشد فزاینده ماشینینی شدن و افزایش شهرنشینی است. ترافیک معضلی است که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه دیده می شود بطوری که بخش عظیمی از وقت شهروندان به ویژه در کلان شهرها صرف تردهای روزانه می شود. رشد روز افزون تولیدات خودرویی و عدم دوربینی لازم در ایجاد خیابان ها و معابر مناسب باعث شد که نتایجی از جمله ایجاد تراکم ترافیکی، کاهش بازده حمل و نقل، افزایش زمان مسافرت، آلودگی و مصرف بیش از حد انواع سوخت های فسیلی را به همراه داشته باشد. برای روانسازی ترافیک صرفا عریض کردن خیابان ها جوابگو نیست، در برخی از کشورهای پیشرفته بزرگراه هایی تا ۰۲ لاین رفت و برگشت وجود دارد ولی هنوز مشکل تردد روان را برطرف نکرده است. ترافیک شهر تهران با تاکید بر منطقه ۲ دلایل گوناگونی دارد. شهروندان تهرانی در سالهای اخیر با رشد و افزایش مستمر شاخصه های معیوب بودن و ناکارآمدی سیستم مدیریت کنترل ترافیک در شبکه راه های شهری و راه های شریانی و خیابان های محلی مواجه هستند. گره های ترافیکی به ویژه در راه های

شریانی، تقاطع های اصلی و تونل ها وجود دارد و در اغلب موارد به دلیل اینکه حجم ترافیک از ظرفیت راه مورد نظر بیشتر است، راه بندان های طولانی ایجاد می شود و در زمان تعمیر و نگهداری زیرساخت های حمل و نقل در شبکه راه ها نیز به دلیل کاهش عرض راه ها و سایر محدودیت ها، راه بندان های طولانی ایجاد می شود. همچنین گاه شاهد هستیم که خرابی چراغ راهنمایی و رانندگی یا طولانی بودن مدت چراغ قرمز مانند چراغ قرمز میدان توحید منجر به ایجاد صف طولانی از خودروها شده است. اینها مواردی است که باید مورد توجه شرکت کنترل ترافیک قرار گیرد. همچنین بر اساس یافته های پژوهش از مدل تاپسیس می توان گفت که معیارهای آموزش، ارتقای آگاهی شهروندان، تقویت راهکارهای قانونی و ترویج استفاده از وسائل نقلیه عمومی به ترتیب با کسب امتیاز (۰,۷۳۵۱۹۳)، (۰,۶۸۸۹۸۶) و (۰,۶۶۴۴۷) رتبه اول، دوم و سوم را کسب نموده اند. امروزه اکثر کارشناسان و صاحب نظران در بخش ترافیک؛ رفع معضل ترافیک را در استفاده از فناوری اطلاعات و تجربیات جدید الکترونیکی می دانند و اصلی ترین راه حل را فرهنگ سازی فناوری اطلاعات می دانند. در واقع باید شرایطی را به وجود بیاوریم که مردم بتوانند از طریق اینترنت

و شبکه های پرسرعت داخلی کارهای روزمره خود را درون منزل انجام دهند. اما همیشه نمی توان شهروندان را درون منازل خود نگه داشت؛ پس باید بستر مناسبی برای تردد آنها ایجاد نمود تا بتوانند در محیطی امن و عاری از ترافیک به سفر خود پردازند. و این امر واقع نمی شود مگر اینکه بستری فراهم شود تا بتوان از پتانسیل های فناوری اطلاعات برای معضل ترافیک استفاده شود. منطقه ۲ تهران بواسطه محصور شدن بین بزرگراه های شهید چمران، محمد علی جناح و اشرفی اصفهانی و همچنین گذر بزرگراه های نظیر شهید همت، شهید حکیم و یادگار امام و نیایش و همچنین در برداشتن تعداد ۲۹ شریان اصلی در حدود ۱۳۰۰۰ کیلومتر طول یکی از مناطق مهم از لحاظ شبکه معابر شهر تهران محسوب می گردد. گذر ۴ خط BRT در این منطقه، ۵ ایستگاه مترو، ۵۴ خط اتوبوسرانی و ۶۰۰ ایستگاه اتوبوس در سطح این منطقه باعث تسهیل قابل ملاحظه عبور و مرور و کاهش ترافیک درون شهری شده است. بر اساس یافته های پژوهش می توان برای وضعیت مشکل ترافیک منطقه ۲ کلان شهر تهران را بر اساس عوامل زیر در نظر گفت:

۱. مدیریت تقاضای حمل و نقل
  ۲. ایمن سازی راه های منطقه
  ۳. افزایش نقش سیستم حمل و نقل عمومی
  ۴. انسانی کردن محیط رفت و آمد
  ۵. بهبود کیفیت سرویس دهی حمل و نقل همگانی
  ۶. تکمیل شبکه اتوبوسرانی شهری و منطقه ای
  ۷. تکمیل شبکه در ایجاد شبکه مترو
  ۸. رفع موانع و بهبود نقاط ضعیف
  ۹. حفظ و ارتقاء کیفیت محیط زیست
  ۱۰. استفاده بهینه از شبکه معابر
  ۱۱. مدیریت تقاضای پارکینگ
- پیشنهادات عبارتند از:
۱. توسعه پیاده رو ها
  ۲. ایمن سازی پیاده رو ها
  ۳. ارتقاء کیفیت فیزیکی شبکه معابر منطقه و رفع موانع موردی
  ۴. ایمن سازی تردد خودرو ها و عابرین پیاده در معابر تقاطعها و کاهش میزان تصادفات

۵. تامین اصولی دسترسها و تلاش جهت رعایت سلسله مراتب دسترسی در شبکه معابر منطقه
۶. ساماندهی و روان سازی جریان ترافیک در شبکه معابر
۷. ساماندهی توقف گاه ها
۸. محدود سازی تردد خودروهای تک سرنشین راهی برای کاهش ترافیک
۹. پرداخت عوارض الکترونیکی در بزرگراه های تهران با تاکید بر منطقه ۲
۱۰. توسعه زیرساخت های لازم برای افزایش حمل و نقل عمومی
۱۱. برخورداری قوانین کافی و ترافیک شهری
۱۲. سیستم هوشمند تنظیم چراغ های راهنمایی و رانندگی
۱۳. مکان یابی بهینه پارکینگ های عمومی در سطح منطقه
۱۴. استفاده از فناوری های نوین ذکر شده در نهایت می توان چنین نتیجه گرفت برای اصلاح وضع موجود ترافیک در منطقه ۲ شهر تهران نیاز است که دو دسته اقدامات صورت بگیرد، دسته اول مجموعه اقدامات کالبدی است که در آن باید به تغییر شکل هندسی میدان، ترمیم پیوستگی پیاده-روها، ترمیم آسیب دیدگی های پیاده روها، زیباسازی معابر پیاده و سواره، نصب تابلوهای راهنما و تجهیزات مناسب شهری، اصلاح و ساماندهی و ایجاد شبکه خیابان ها و دسترسی های محلی، دست زد. دسته دوم فعالیت ها مربوط به عواملی است که نظارت رسمی و غیر رسمی را در میدان و شبکه معابر متصل به آن ارتقا می دهد. در بخش نظارت رسمی حضور پر رنگ تر پلیس راهنمایی و رانندگی می تواند به کاهش ترافیک این منطقه کمک کند. چون معمولاً مسافربران شخصی در این منطقه بدون توجه به اخطار پلیس توقف می نمایند و برگه جریمه ای که پلیس برای آنها می نویسد بدست شان نمیرسد، نصب دوربین های سبز راهنمایی و رانندگی که باعث می شود فاصله زمانی بین جرم و مجازات کاهش یابد در بالا بردن نظارت رسمی پلیس راهنمایی و رانندگی در محل بسیار راهگشا به نظر می رسد.

## منابع و ماخذ

۱. ای.استک، رابرت (۱۳۷۹) هنر پژوهش موردی، ترجمه محمد علی حمید رفیعی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۲. احمدی نژاد، محمود و رحیمی، امیر مسعود (۱۳۸۲) «بررسی اثرات آرام سازی ترافیک در بهبود کیفیت زندگی شهری»، ششمین کنفرانس بین المللی مهندسی عمران، دانشگاه صنعتی اصفهان.
۳. بهبهانی. حمید (۱۳۷۴) مهندسی ترافیک و کاربرد، سازمان حمل و نقل و ترافیک، چاپ اول.
۴. بهبهانی، حمید؛ قهرمانی، حسین؛ امینی، بهنام؛ احمدی نژاد، محمود (۱۳۷۳) «مهندسی ترافیک ثنوری و کاربرد»؛ سازمان حمل و نقل و ترافیک تهران.
۵. بهروزی، کمال (۱۳۷۴) «مفاهیمی در مهندسی ترافیک»؛ سازمان حمل و نقل و ترافیک تهران.
۶. تندیس، محسن و رضایی، محمدرضا (۱۳۹۲) برنامه ریزی راهبردی حمل و نقل پایدار شهری در کلانشهرهای ایران مطالعه موردی شهر مشهد، مجله مهندسی حمل و نقل، سال پنجم، شماره اول
۷. دل پیشه، علیرضا (۱۳۸۷) ارزیابی متغیرهای موثر بر ایمنی راه با راهکارهای سیستم های حمل و نقل هوشمند، هشتمین کنفرانس مهندسی ترافیک.
۸. رستمی، حبیب (۱۳۸۷) کنترل مکانیزه تردد خودروها در مناطق پر ازدحام، هشتمین کنفرانس مهندسی ترافیک.
۹. زیاری. حسن، دیوانداری. حسن (۱۳۸۵) نقش اصول سه گانه در کاهش مشکلات ترافیکی، هفتمین کنفرانس مهندسی حمل و نقل و ترافیک.
۱۰. رزازی، علی (۱۳۸۷) تعدیل بار ترافیکی بزرگراه ها با بهره گیری از باندهای مسیر مخالف، هشتمین کنفرانس مهندسی ترافیک.
۱۱. زیاری، حسن (۱۳۸۶) نقش اصول سه گانه (مهندسی، آموزش و مقررات) در کاهش

- مشکلات ترافیک، هفتمین کنفرانس مهندسی ترافیک ۱۳۸۶
۱۲. ساروخانی، باقر (۱۳۸۴) روش های تحقیق در علوم اجتماعی-تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
  ۱۳. شرح خدمات پروژه های داخلی واحد مدیریت ترافیک معاونت فنی و مهندسی ترافیک؛ سازمان حمل و نقل و ترافیک تهران؛ ۱۳۸۰.
  ۱۴. شرکت مطالعات جامع حمل و نقل و ترافیک تهران (۱۳۸۱) تغییر جهت حرکت معابر شهر- تهران، گزارش ۲۰۸
  ۱۵. شاهی، جلیل (۱۳۷۵) مهندسی ترافیک؛ مرکز نشر دانشگاهی تهران.
  ۱۶. صدیقی، اسفندیار (۱۳۸۷) مهندسی ترافیک رشته ای جوان با باری سنگین، تازه های ترافیک بهار ۸۷
  ۱۷. صالحی، امیر (۱۳۸۲) جایگاه مدیریت در مهندسی ترافیک، تازه های ترافیک بهار ۸۲
  ۱۸. صفار زاده. محمود، ابوالحسن نژاد. وحید (۱۳۸۶) اریه الگویی برای برنامه ریزی اجرای تسهیلات و تجهیزات آرام سازی ترافیک، سومین کنفرانس منطقه ای-مدیریت ترافیک.
  ۱۹. طباطبایی، عباس (۱۳۸۷) ارزیابی عملکرد سرعتگیرها و سرعتکاه ها در ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود عملکرد آنها، هشتمین کنفرانس مهندسی ترافیک.
  ۲۰. فرضی. الهام (۱۳۸۶) تاثیر خلا های قانونی بر انگیزه تخلف از قوانین و مقررات، سومین کنفرانس منطقه ای مدیریت ترافیک.
  ۲۱. فتوحی، حمید. (۱۳۸۰) مفاهیم آرام سازی ترافیک»، مجله تازه های ترافیک، انتشارات سازمان حمل و نقل و ترافیک تهران، شماره ۱۱.
  ۲۲. قاضی حسامی، محمدرضا؛ قاضی حسامی، غلامرضا (۱۳۷۱) «مهندسی و برنامه ریزی ترافیک»؛ انتشارات خردمند؛ ۱۳۷۱.
  ۲۳. ک.ین، رابرت (۱۳۷۶) تحقیق موردی -ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی- تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
  ۲۴. گل رو، ا.، کرمانشاهی، ش. و دریایی، داریوش.

۱۳۸۵) تحلیل و ارزیابی انواع سرعتگیر بر  
افزایش شاخص اعتمادپذیری در شبکه معابر  
شهری، اسفند ماه ۸۵، هفتمین کنفرانس  
مهندسی حمل و نقل و ترافیک ایران، تهران،  
۲۶ صفحه

۲۵. معبودی، آرش (۱۳۸۷) شناسایی هوشمند  
خودرو با استفاده از سیستم RFID، هشتمین  
کنفرانس مهندسی ترافیک ۱۳۸۷

۲۶. یاوری. محمدرضا (۱۳۸۵) بررسی روشهای  
مناسب آموزش های همگانی ترافیک، هفتمین  
کنفرانس حمل و نقل و ترافیک، تهران ۱۳۸۵

27. Chowdhury, Mashrur and Sadek, Fundamental of Intelligent Transportation System Planning, Artech House, New York, 2003
28. Calming Our Streets, A Handbook on Traffic Calming for Existing Neighborhoods, 2003, City of Colorado Springs Traffic Engineering.
29. Drezner Z., G.O. Wesolowsky, (1997), Selecting configuration of one-way and two-way routes, Transportation Research, Vol 31, No 4, pp. 386-394
30. Krakiwsky E.J. and G.F. (1995) MAKING GPS EVCN WITH AUCILARY DEVIEES GPS WORLD. MAGAZING MARCH 1995.
31. Hogamann w. Lichtenegger H, Collins G, (1994) Glob positioning System. Theory and Practive 'Springer-Verlage. Pub. ISBN 36-82591-211-.
32. Paul, V and McKenzie. F. (2013). Peri-urban farmland conservation and development of alternative food networks: Insights from a casestudy area in metropolitan Barcelona (Catalonia, Spain), Land Use Policy, Vol. 30, No. 1, pp.
33. Krakiwsky E.g French R.L (1995) japan in the driver's Seat "GPS World Maga/in October 1995.
34. Krakiwsky E.j Harris C, (1995) "Communications for AVLN System" GPS world Maga/ing November 1994.
35. Miles-John C and KanChen, PIARC - ITS Handbook 2th edition, 2004
36. - Wells D, Beek N, Delikaraoglu D, Klachpcille G, Langlcy R.B, Nakihigtu M. Schwarz K.P, Tranquilla G. M Vanicek P, (1989) Guide to GPS Positioning Canadian GPS Associates, ISBN-0-73-3-114-920